مرکز القائمیه اصفهان للبحوث والتحریات الکمبیوتریة

السلام علیک یا صاحب الزمان

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

المجلد: ٢٣

بازار کتاب

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

علامه مجلسی

العربية

فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام با ترجمه فارسی

کاتب:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

نشرت فی الطباعهٔ:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار المجلد ۲۳ : کتاب امامت – ۱

اشاره

سرشناسه: مجلسی محمد باقربن محمدتقی ۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: بحارالانوار: الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار تالیف محمدباقر المجلسی.

مشخصات نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی [۱۴۴۰].

مشخصات ظاهری: ج – نمونه.

یادداشت: عربی.

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد بیست و چهارم، ۱۴۰۳ق. [۱۳۶۰].

یادداشت: جلد۲۴،۵۲،۶۵،۶۶،۶۷،۸۷،۹۲،۹۱،۹۴،۱۰۳،۱۰۸(چاپ سوم: ۱۴۰۳ق.=۱۹۸۳م.=[۱۳۶۱]).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج .۲۴. کتاب الامامه. ج.۵۲. تاریخ الحجه. ج۶۵،۶۶،۶۷. الایمان و الکفر. ج.۸۷. کتاب الصلاه . ج. ۹۱،۹۲ .الذکر و الدعا. ج. ۹۴. کتاب السوم. ج.۱۰۳.فهرست المصادر. ج.۱۰۸.الفهرست.–

موضوع: احادیث شیعه — قرن ۱۱ق

رده بندی کنگره: BP۱۳۵/م۳ب ۳۱۳۰۰ ی ح

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۰۹۴۶

ص: ۱

**[ترجمه]

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ ؛ ج.۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۷-۲ ؛ ج.۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۸-۹ ؛ ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۹-۶ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰۷۰-۲ : ؛ ج.۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۱-۹ : ؛ ج.۶ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۲-۶ : ؛ ج.۷ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۳-۳ : ؛ ج.۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۴-۰ ؛ ج.۱۰ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۶-۴ : ؛ ج.۱۱ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۳-۲ : ؛ ج.۱۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ : ؛ ج.۱۳ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۵-۶ : ؛ ج.۱۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۶-۳ : ؛ ج.۱۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۷-۰ : ؛ ج.۱۶:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۸-۷ ؛ ج.۱۷:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۹-۴ ؛ ج.۱۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۰-۰ ؛ ج.۱۹:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۱-۷ ؛ ج.۲۰:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۲-۴ ؛ ج.۲۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۳-۱ ؛ ج.۲۲:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۴-۸ ؛ ج.۲۳:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۵-۵

مندرجات : ج.۱. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.۲. کتاب توحید.- ج.۳. کتاب عدل و معاد.- ج.۴. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. ۵. تاریخ پیامبران.- ج.۶. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.۷. کتاب امامت.- ج.۸. تاریخ امیرالمومنین.- ج.۹. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.۱۰. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.۱۱. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.۱۲. کتاب آسمان و جهان - ۱.- ج.۱۳. آسمان و جهان - ۲.- ج.۱۴. کتاب ایمان و کفر.- ج.۱۵. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.۱۶. کتاب مواعظ و حکم.- ج.۱۷. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.۱۸. کتاب ادعیه.- ج.۱۹. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.۲۰. کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.۲ - ۸ و ۱۰ - ۱۶ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/م۳ب۳۰۴۲۱۶۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۸۹۸۵

ص: ۱

**[ترجمه]

کتاب الإمامه ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذی أوضح لنا مناهج الهدی بمفاتیح الکلم و مصابیح الظلم سید الوری محمد الذی بشّر به الأنبیاء جمیع الأمم و أهل بیته الأطهرین الذین هم معادن الکرم و ساده العرب و العجم و ببقائهم تمّ نظام العالم، صلوات الله علیه و علیهم ما نهار أضاء و لیل أظلم.

أما بعد فهذا هو المجلد السابع من کتاب بحار الأنوار مما ألّفه الخاطئ القاصر العاثر محمد بن محمد تقی المدعوّ بباقر أوتیا کتابهما یمینا فی الیوم الآخر و هو مشتمل علی جمل أحوال الأئمه الکرام علیهم السلام و دلائل إمامتهم و فضائلهم و مناقبهم و غرائب أحوالهم.

**[ترجمه]بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش خداوندی را سزاست که شاهراه های زندگی را با آیات درخشان و چراغ های فروزان هدایت روشن نمود؛ آن راهنمایان محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله است که تمام ملل بشارت ظهورش دادند و خاندان پاکش که گنجینه های کرم و سرور عرب و عجم و پایداری آنها موجب بقای عالم است. درود بر آنها باد تا آنگاه که شب و روز ادامه دارد.

اینک جلد هفتم بحار الانوار است که تألیف بنده خطاکار محمّد ابن محمّد تقی مشهور به باقر است و در اختیار شما است. امید است که نامه عمل من و پدرم را در روز رستاخیز به دست راستمان دهند.

این جلد مشتمل بر احوال ائمه گرام علیهم السّلام و دلایل امامت آنها و فضایل و مناقب و کارهای شگفت انگیز و معجزات ایشان است.

**[ترجمه]

أبواب جمل أحوال الأئمه الکرام علیهم السلام و دلائل إمامتهم و فضائلهم و مناقبهم و غرائب أحوالهم

باب ۱ الاضطرار إلی الحجّه و أن الأرض لا تخلو من حجّه

الآیات

الرعد: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ»(٨)

القصص: «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»(٥١)

lt;meta info="- إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ. - . رعد: ۹ -

{[ای پیامبر] تو فقط هشداردهنده ای و برای هر قومی رهبری است.}

- وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. - . قصص: ۵۰ -

{و به راستی این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم امید که آنان پند پذیرند.}

**[ترجمه]

تفسير

قال الطبرسی رحمه الله علیه فی قوله تعالی: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ: فيه أقوال

أحدها أن معناه إنما أنت منذر أی مخوف و هاد لكل قوم و ليس إليك إنزال الآيات فأنت مبتدأ و منذر خبره و هاد عطف على منذر و فصل بين الواو و المعطوف بالظرف.

و الثانی أن المنذر محمد و الهادی هو الله.

ص: ١

و الثالث أن معناه إنما أنت منذر يا محمد و لكل قوم نبى يهديهم و داع يرشدهم.

و الرابع أن المراد بالهادى كل داع إلى الحق.

رُوِىَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الْآيَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَا الْمُنْذِرُ وَ عَلِيٌّ الْهَادِى مِنْ بَعْدِى يَا عَلِيُّ بِكَ يَهْتَدِى الْمُهْتَدُونَ.

وَ رَوَى أَبُو الْقَاسِمُ الْحَسْكَانِيُّ فِى شَوَاهِدِ التَّنْزِيلِ بِالْإِسْنَادِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَكَمِ بْنِ ظُهَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَكَمِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ أَبِى بُرْدَهَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ: دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِالطَّهُورِ وَ عِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍ عليهما السلام فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِيَدِ عَلِيٍّ عليه السلام بَعْدَ مَا تَطَهَّرَ فَأَلْزَقَهَا بِصَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ ثُمَّ رَدَّهَا إِلَى صَدْرِ عَلِيٍّ عليه السلام ثُمَّ قَالَ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ ثُمَّ قَالَ إِنَّكَ مَنَارَهُ الْأَنَامِ وَ رَايَهُ الْهُدَى (۱)وَ أَمِيرُ الْقُرَى (۲)أَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ (۳)أَنَّكَ كَذَلِكَ.

و على هذه الأقوال الثلاثه يكون هاد مبتدأ و لكل قوم خبره على قول سيبويه و يكون مرتفعا بالظرف على قول الأخفش انتهى .(۴)

أقول: على هذا الوجه الأخير تدل أخبار هذا الباب و هى أظهر من الآيه الكريمه بوجوه لا يخفى على أولى الألباب.

**[ترجمه]طبرسی در مورد آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» می نویسد: در تفسیر این آیه چند قول است:

اول: اینکه «منذر» یعنی بیم دهنده و «هادی» یعنی برای تمام اقوام، به طوری که انزال آیات فقط برای تو نیست. «أنت» مبتدا و «منذر» خبر آن و «هاد» عطف بر منذر است و بین واو و معطوف ظرف فاصله افتاده است.

دوم:

بیم دهنده حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و هادی خدا است.

سوم: معنی آیه این است: ای محمد! تو بیم دهنده هستی و هر گروه و طایفه ای را پیامبری است که آنها را هدایت و راهنمایی می کند.

چهارم: منظور از «هادی» در آیه، هر کسی است که دعوت به حق کند.

از ابن عباس روایت شده: وقتی این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: من منذر و بیم دهنده هستم و علی پس از من هادی است. علی جان! هدایت جویان به وسیله تو راهنمایی می شوند.

ابوالقاسم حسکانی در «شواهد النزیل» از ابو برده اسلمی نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آب خواست و وضو گرفت. علی علیه السّلام در خدمت آن جناب بود. در این موقع دست علی را گرفت و بر سینه خود چسباند و فرمود: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ.» بعد دست خود را بر روی سینه علی علیه السّلام گذاشت و فرمود: «لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ.» و اضافه کرد: یا علی! تو مشعل

فروزان عالم و پرچم هدایت - . نهایت هدایت - و سرور سرزمین هایی. - . سرور قاریان - من گواهی می دهم که این منصب ها و موقعیت ها به تو اختصاص دارد.

بنا بر سه قول اخیر، هادی نهاد و مبتداء می شود و بنا بر قول سیبویه، «لِکُلِّ قَوْمٍ» خبر و گزاره است. اما به عقیده اخفش، مرفوع است به وسیله ظرف. - . مجمع البیان ۲ : ۲۷۸ -

مؤلف: اخبار این بخش شاهد بر معنی اخیر آیه است و به دلایلی که بر خردمندان پوشیده نیست، همین معنی از آیه بهتر فهمیده می شود.

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ختص، الإختصاص عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ (۵)قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ الْحُجَّهَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَی خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَیٍّ یُعْرَفُ (۶).

ختص، الإختصاص عن الرضا علیه السلام قال قال أبو جعفر علیه السلام مثله (۷)

ص: ۲

۱- غایه الهدی خ ل.

۲- فی نسخه: و امیر القراء.

۳- فی نسخه: بذلک.

۴- مجمع البیان ۶: ۲۷۸.

۵- لعل المراد من ابی الحسن هذا علیّ بن موسی الرضا علیه السلام، یؤید ذلک ان الکلینی روی الحدیث باسنادین فی الکافی عن الرضا علیه السلام راجع أصول الکافی ۱، ۱۷۷.

۶- الاختصاص: ۲۶۸.

۷- الاختصاص: ۲۶۸.

ختص، الإختصاص عن داود الرقی عن العبد الصالح مثله (۱).

**[ترجمه]اختصاص: حضـرت رضا علیه السّـلام از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: حجت خـدا بر مردم تمام نمی شود مگر به وسیله امام زنده ای که شناخته شود. - . اختصاص: ۲۶۸ -

اختصاص: با دو سـند دیگر مثل این روایت را آورده است. - . اختصاص: ۲۶۸ - ۲۶۹، کلینی رحمه الله در اصول ۱ : ۱۷۷ این روایت را نقل کرده است. -

**[ترجمه]

«۲»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَـیْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الثُّمَالِیِّ قَالَ سَـمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِطَهُورٍ فَلَمَّا فَرَغَ أَخَـذَ بِیَـدِ عَلِیٍّ علیه السـلام فَأَلْزَمَهَا یَدَهُ ثُمَّ قَالَ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ ثُمَّ ضَمَّ یَدَهُ إِلَی صَدْرِهِ وَ قَالَ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ ثُمَّ قَالَ یَا عَلِیُّ أَنْتَ أَصْلُ الدِّینِ وَ مَنَارُ الْإِیمَانِ وَ غَایَهُ الْهُدَی وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ أَشْهَدُ بِذَلِکَ (۲).

**[ترجمه]بصـائر الـدرجات: ثمـالی می گویـد از امام باقر علیه السّـلام شـنیدم که فرمود: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله آب خواست. بعـد از فراغت از وضو، دست علی علیه السّـلام را گرفت و فشـرد. سـپس فرمود: «انما أنت منـذر.» بعـد دست او را به سینه چسـبانید و فرمود: «و لکـل قوم هـاد.» و در ادامه فرمود: علی جـان! تو اصـل دین و نشانه ایمان و غایت هـدایت و پیشوای زیبایانی، من به این شهادت می دهم. - . بصائر الدرجات: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۳»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُنْذِرُ (وَ) فِی (۳)کُلِّ زَمَانٍ مِنَّا هَادٍ یَهْدِیهِمْ (۴)إِلَی مَا جَاءَ بِهِ نَبِیُّ اللَّهِ ثُمَّ الْهُدَاهُ مِنْ بَعْدِهِ (۵)عَلِیٌّ علیه السلام ثُمَّ الْأَوْصِیَاءُ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حضـرت باقر علیه السّـلام در مورد تفسـیر آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله نقـل کرد که فرمود: منـذر در هر زمـانی یـک هـادی و راهنما از ما خانواده هست که آنها را به دسـتورات پیامبر راهنمایی می کند. هادیان بعد از پیامبر اکرم عبارتند از علی بن ابی طالب علیه السّـلام سپس جانشینان او یکی پس از دیگری. - . بصائر الدرجات: ۹ - ۱۰ -

**[ترجمه]

«۴»

«۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ وَ فَضَالَهَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ قَالَ كُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِی هُوَ فِيهِمْ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: فضیل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ» پرسیدم. فرمود: هر امامی هادی و راهنمای قرن خویش است برای مردمی که در آن قرن زندگی می کنند. - . بصائر الدرجات: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ حَازِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ (۸)عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِ

۱- الاختصاص: ۲۶۹، رواه الکلینی فی الأصول ۱: ۱۷۷ بإسناده عن محمّد بن یحیی العطّار عن أحمد بن محمّد بن عیسی عن ابن أبی عمیر عن الحسن بن محبوب عن داود الرقی.

۲- بصائر الدرجات، ۱۰ فیه: اشهد لک بذلک.

۳- فی المصدر و فی نسخه: و فی کل زمان فلعل الصحیح علی ذلک: انا المنذر و فی کل زمان منا هاد.

۴- أی یهدی الأمه.

۵- فی المصدر: ثم الهداه من بعد علیّ علیه السلام.

۶- بصائر الدرجات: ۹ و ۱۰.

۷- بصائر الدرجات: ۱۰. القرن: اهل زمان واحد و رواه النعمانیّ فی کتاب الغیبه ص ۵۴ بإسناده عن موسی بن بکیر عن المفضل و فیه، للقرن الذی هو منهم.

۸- فی البصائر و الغیبه، عبد الرحمن القصیر.

قَوْمٍ هادٍ فَقَالَ علیه السلام رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمُنْذِرُ وَ عَلِیٌّ الْهَادِی وَ اللَّهِ مَا ذَهَبَتْ (۱)مِنَّا وَ مَا زَالَتْ فِینَا إِلَی السَّاعَهِ (۲).

نی، الغیبه للنعمانی ابن عقده عن محمد بن سالم عن علی بن الحسین بن زنباط عن ابن حازم مثله (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحیم قصیر از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم منذر است و علی هادی. به خدا قسم این آیه درباره ما خانواده است و تا قیامت، راهنمایان از ما خانواده خواهند بود. - . بصائر الدرجات: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۶»

یر، بصائر الدرجات الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ فَقَالَ علیه السلام رَسُولُ اللَّهِ الْمُنْذِرُ وَ عَلِیٌّ علیه السلام الْهَادِی یَا یَا مُحَمَّدٍ فَهَلْ مِنَّا هَادٍ الْیَوْمَ قُلْتُ بَلَی جُعِلْتُ فِدَاکَ مَا زَالَ فِیکُمْ هَادٍ مِنْ بَعْدِ هَادٍ حَتَّی رُفِعَتْ إِلَیْکَ فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ یَا یَا مُحَمَّدٍ وَ لَوْ کَانَتْ إِذَا نَزَلَتْ آیَهٌ عَلَی رَجُلٍ ثُمَّ مَاتَ ذَلِکَ الرَّجُلُ مَاتَتِ الْآیَهُ مَاتَ الْکِتَابُ وَ لَکِنَّهُ حَیٌّ یَجْرِی فِیمَنْ بَقِیَ کَمَا جَرَی فِیمَنْ مَضَی (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام از معنی آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» پرسیدم. فرمود: پیامبر اکرم منذر و علی هادی است. بگو ببینم، امروز هادی از میان ما خانواده وجود دارد؟ عرض کردم: بلی فدایت شوم! پیوسته هادیان از شما خانواده بوده یکی پس از دیگری تا منتهی به شما شده است.

فرمود: خدا تو را رحمت کند. ابا محمد! اگر این آیه فقط در مورد یک شخص باشد و آن شخص بمیرد، در نتیجه دستوری که در آیه داده شده و خود احکام قرآن از بین رفته است. اما چنین نیست، بلکه پیوسته و در هر زمان امامی است زنده و معنی این آیه همان طور که برای مردم گذشته وجود داشته، برای آیندگان نیز خواهد بود. - . بصائر الدرجات: ۱۰ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام «لو کانت» جمله شرطیه و الشرط فیها قوله «إذا نزلت» مع جزائه (۵)أعنی قوله «ماتت الآیه» و قوله «مات الکتاب» جزاء له (۶)و هو علی هیئه قیاس استثنائی و قوله «و لکنه حیّ» رفع للتالی و المراد بموت الآیه عدم عالم بها و مفسّر لها و بموت الکتاب رفع حکمه و عدم

۱- أی هذه الآیه.

۲- بصائر الدرجات: ۱۰.

۳- غیبه النعمانیّ: ۵۴ فیه، (أحمد بن محمّد بن سعید بن عبد الرحمن بن عقده قال حدّثنا محمّد بن سالم بن عبد الرحمن الأزدیّ فی شوال سنه احدی و ثمانین و مائتین قال: حدّثنی علیّ بن الحسین بن زنباط عن منصور بن حازم عن عبد الرحمن بن البصیر) و الظاهر ان البصیر مصحف القصیر و فیه: قال رسول اللّه، المنذر انا و علی الهادی، اما و اللّه ما ذهبت و ما زالت منا حتی الساعه جعلنا اللّه لما یرضیه عاملین.

۴- بصائر الدرجات: ۱۰.

۵- أی جزاء إذا.

۶- فی نسخه: جزاء لو.

التکلیف بالعمل به. و الحاصل أنه لو لم یکن بعد النبی صلی الله علیه و آله من یعلم الآیات و یفسّرها کما هو المراد منها لزم بطلان حکمها و رفع التکلیف بها لقبح تکلیف الغافل و الجاهل مع عدم القدره علی العلم و بطلان التالی ظاهر بالإجماع و ضروره الدین.

**[ترجمه]مراد از «موت آیه»، نبود عالم و مفسر آن و منظور از «موت کتاب»، رفع حکم آن و عدم تکلیف به آن است، حاصل آنکه اگر بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی نباشد که آیات را بداند و از تفسیر آنها آگاه باشد، لازمه آن بطلان حکم و رفع تکلیف خواهد بود. زیرا تکلیف غافل و جاهل بدون قدرت بر علم قبیح است و ادامه روایت نیز به اجماع و ضرورت دین باطل خواهد بود.

**[ترجمه]

«۷»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنِ الْحُجْرِ (۱)عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّهٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حمران از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «وَ مِمَّنْ خَلَقْنا أُمَّهٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ» - . اعراف / ۱۸۱ - {از میان مردم گروهی راهنمای بحق هستند و مردم را متوجه حقیقت می کنند} فرمود: آنها ائمه کرامند. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۸»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ ابْنِ یَزِیدَ مَعاً عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام (۳)فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ فَقَالَ إِمَامٌ هَادٍ لِکُلِّ قَوْمٍ فِی زَمَانِهِمْ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین: محمّد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» نقل کرد که فرمود: امام همان هادی و راهنمای مردم است در زمان خودشان. - . کمال الدین: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۹»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِ (۵)عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ وَ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ (۶)قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی

جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکَلِّ قَوْمٍ هادٍ فَقَالَ الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٌّ الْهَادِی وَ فِی کُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا یَهْدِیهِمْ إِلَی مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: برید عجلی گفت: به حضرت باقر علیه السّلام عرض کردم: معنی آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» چیست؟ فرمود: منذر پیامبر اکرم و علی هادی است، و در هر زمان از ما خانواده امامی وجود دارد که مردم را به دستورات پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله راهنمایی می کند.

**[ترجمه]

«۱۰»

ک، إکمال الدین لی، الأمالی للصدوق السِّنَانِیُّ عَنِ ابْنِ زَکَرِیَّا الْقَطَّانِ عَنِ ابْنِ حَبِیبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الصَّقْرِ عَنْ أَبِی مُعَاوِیَهَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام قَالَ: نَحْنُ أَئِمَّهُ الْمُسْلِمِینَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَی الْعَالَمِینَ وَ سَادَهُ الْمُؤْمِنِینَ

ص: ۵

۱- المعهود: حجر بلا الف و لام.

۲- بصائر الدرجات: ۱۱. و الآیه فی الأعراف: ۱۸۱.

۳- فی المصدر: لابی عبد اللّه علیه السلام، و فی نسخه: ما معنی قول اللّه عزّ و جلّ.

۴- اکمال الدین: ۳۷۵ فیه: کل امام هادی کل قوم فی زمانه.

۵- المصدر خال عن قول: عن أبیه.

۶- فی المصدر: عن برید.

۷- اکمال الدین: ۳۷۵.

وَ قَادَةُ (۱)الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ مَوَالِی الْمُؤْمِنِینَ وَ نَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ (۲)الْأَرْضِ کَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ نَحْنُ الَّذِینَ بِنَا یُمْسِکُ اللَّهُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِنَا یُمْسِکُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِیدَ بِأَهْلِهَا وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَ بِنَا یَنْشُرُ الرَّحْمَهَ وَ یُخْرِجُ بَرَکَاتِ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِی الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (۳)ثُمَّ قَالَ علیه السلام وَ لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّهٍ لِلَّهِ فِیهَا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ وَ لَا تَخْلُو إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَهُ مِنْ حُجَّهِ اللَّهِ فِیهَا وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَمْ یُعْبَدِ اللَّهُ قَالَ سُلَیْمَانُ (۴)فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام فَکَیْفَ یَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّهِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ علیه السلام کَمَا یَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ (۵).

ج، الإحتجاج مُرْسَلًا إِلَی قَوْلِهِ علیه السلام لَمْ یُعْبَدِ اللَّهُ (۶).

**[ترجمه]کمال الدین و امالی صدوق: اعمش از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آن جناب به نقل از پدر بزرگوارش، از حسین بن علی علیهما السّلام فرمود:

ما پیشوای مسلمانانیم و حجت خدا بر جهانیان و سرور مؤمنین و رهبر سفیدرویان و مولای مؤمنین. ما موجب امان و آسایش مردمیم در روی زمین همان طور که ستارگان موجب امان اهل آسمانند. خداوند به واسطه ما آسمان را نگه داشته که بر زمین فرو نریزد، مگر به اذن و اجازه او و به وسیله ما زمین را نگهداشته که اهلش را تکان ندهد. باران به واسطه ما می بارد و رحمت به واسطه ما گسترش می یابد و زمین نعمت های خود را خارج می کند. اگر راهنمایی از ما خانواده نباشد، زمین اهلش را فرو می برد. سپس فرمود: از زمانی که خداوند آدم را آفرید، زمانی از حجت خالی نبود یا حجتی آشکار و مشهور یا غایب و مستور و تا روز قیامت از حجت خالی نخواهد بود. اگر چنین نبود خدا پرستش نمی گردید.

اعمش گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: چگونه مردم از حجت غایب و مستور بهره مند می شوند و استفاده می برند؟ فرمود: همان طوری که از خورشید بهره می برند، هنگامی که در پس پرده های ابر پنهان است. - . کمال الدین: ۱۱۹ - ۱۲۰، امالی صدوق: ۱۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

ماد الشی ء یمید میدا: تحرّک.

**[ترجمه]ماد الشی ء یمید میدا: تحرّک.

**[ترجمه]

«۱۱»

ک، إکمال الدین ع، علل الشرائع لی، الأمالی للصدوق أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ مَرَّارٍ عَنْ یُونُسَ (۷)عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ: کَانَ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام جَمَاعَهٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فِیهِمْ حُمْرَانُ بْنُ أَعْیَنَ وَ مُؤْمِنُ الطَّاقِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ

وَ الطَّيَّارُ وَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فِيهِمْ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ وَ هُوَ شَابٌّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَا هِشَامُ قَالَ لَبَّيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَ لَا تُحَدِّثُنِي كَيْفَ صَنَعْتَ بِعَمْرِو بْنِ عُبَيْدٍ وَ كَيْفَ سَأَلْتَهُ قَالَ هِشَامٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أُجِلُّكَ وَ أَسْتَحْيِيكَ وَ لَا يَعْمَلُ لِسَانِي بَيْنَ يَدَيْكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ علیه السلام يَا هِشَامُ إِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْ ءٍ فَافْعَلُوهُ قَالَ هِشَامٌ بَلَغَنِي مَا كَانَ فِيهِ عَمْرُو بْنُ عُبَيْدٍ وَ جُلُوسُهُ فِي مَسْجِدِ الْبَصْرَةِ وَ

۱- فی الأمالی: و قائد الغر المحجلین.

۲- فی اکمال الدین و الاحتجاج: لاهل الأرض.

۳- أی خسفت بهم.

۴- أی سلیمان بن مهران الأعمش.

۵- اکمال الدین: ۱۱۹ و ۱۲۰، أمالی الصدوق: ۱۱۲.

۶- احتجاج الطبرسیّ ص ۱۷۳.

۷- أی یونس بن عبد الرحمن کما فی المصدر.

عَظُمَ ذَلِکَ عَلَیَّ فَخَرَجْتُ إِلَیْهِ وَ دَخَلْتُ الْبَصْرَهَ فِی یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَأَتَیْتُ مَسْجِدَ الْبَصْرَهِ فَإِذَا أَنَا بِحَلْقَهٍ کَبِیرَهٍ وَ إِذَا أَنَا بِعَمْرِو بْنِ عُبَیْدٍ عَلَیْهِ شَمْلَهٌ سَوْدَاءُ مُتَّزِرٌ بِهَا مِنْ صُوفٍ وَ شَمْلَهٌ مُرْتَدٍ بِهَا وَ النَّاسُ یَسْأَلُونَهُ فَاسْتَفْرَجْتُ النَّاسَ فَأَفْرَجُوا لِی ثُمَّ قَعَدْتُ فِی آخِرِ الْقَوْمِ عَلَی رُکْبَتَیَّ ثُمَّ قُلْتُ أَیُّهَا الْعَالِمُ أَنَا رَجُلٌ غَرِیبٌ تَأْذَنُ لِی فَأَسْأَلَکَ عَنْ مَسْأَلَهٍ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَ لَکَ عَیْنٌ (۱)قَالَ یَا بُنَیَّ أَیُّ شَیْ ءٍ هَذَا مِنَ السُّؤَالِ (۲)فَقُلْتُ هَکَذَا مَسْأَلَتِی فَقَالَ یَا بُنَیَّ سَلْ وَ إِنْ کَانَتْ مَسْأَلَتُکَ حُمْقاً (۳)قَالَ فَقُلْتُ أَجِبْنِی فِیهَا قَالَ فَقَالَ لِی سَلْ فَقُلْتُ أَ لَکَ عَیْنٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ فَمَا تَرَی بِهَا قَالَ الْأَلْوَانَ وَ الْأَشْخَاصَ قَالَ فَقُلْتُ أَ لَکَ أَنْفٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ فَمَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَتَشَمَّمُ بِهَا الرَّائِحَهَ قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ فَمٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ مَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَعْرِفُ بِهِ طَعْمَ الْأَشْیَاءِ (۴)قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ لِسَانٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ مَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَتَکَلَّمُ بِهِ قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ أُذُنٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ مَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَسْمَعُ بِهَا الْأَصْوَاتَ قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ یَدٌ (۵)قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ مَا تَصْنَعُ بِهَا قَالَ أَبْطِشُ بِهَا وَ أَعْرِفُ بِهَا اللَّیِّنَ مِنَ الْخَشِنِ قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ رِجْلَانِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا تَصْنَعُ بِهِمَا قَالَ أَنْتَقِلُ بِهِمَا مِنْ مَکَانٍ إِلَی مَکَانٍ قَالَ قُلْتُ أَ لَکَ قَلْبٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ مَا تَصْنَعُ بِهِ قَالَ أُمَیِّزُ بِهِ کُلَّ مَا وَرَدَ عَلَی هَذِهِ الْجَوَارِحِ قَالَ قُلْتُ أَ فَلَیْسَ

۱- قال: إذا یری شی ء کیف یسأل عنه یا بنی خ ل.

۲- هکذا فی الأمالی و العلل، و فی الاکمال: (یا بنی ای شی ء هذا من السؤال إذا تری شیئا کیف تسأل عنه؟) و اما الاحتجاج و رجال الکشّیّ ففیهما تصحیف راجعهما.

۳- فی العلل و الاحتجاج: و ان کان مساءلتک حمقی و یحتمل أن تکون کلمه (حمقا) فی الکتاب و سائر المصادر بالمد.

۴- فی العلل و الاکمال: (اعرف به المطاعم علی اختلافها) و فی رجال الکشّیّ: اذوق به الطعم و فی الاحتجاج: اعرف به المطاعم و المشارب علی اختلافها.

۵- فی العلل و الاکمال و الاحتجاج: (أ لک یدان؟) و فیها الضمائر الآتیه علی صیغه التثنیه.

فِی هَذِهِ الْجَوَارِحِ غِنًی عَنِ الْقَلْبِ قَالَ لَا قُلْتُ وَ کَیْفَ ذَلِکَ وَ هِیَ صَحِیحَهٌ سَلِیمَهٌ قَالَ یَا بُنَیَّ إِنَّ الْجَوَارِحَ إِذَا شَکَّتْ فِی شَیْ ءٍ شَمَّتْهُ أَوْ رَأَتْهُ أَوْ ذَاقَتْهُ أَوْ سَمِعَتْهُ أَوْ لَمَسَتْهُ رَدَّتْهُ إِلَی الْقَلْبِ فتقن (۱)فَیَسْتَیْقِنُ الْیَقِینَ وَ یُبْطِلُ الشَّکَّ قَالَ فَقُلْتُ إِنَّمَا أَقَامَ اللَّهُ الْقَلْبَ لِشَکِّ الْجَوَارِحِ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُلْتُ فَلَا بُدَّ مِنَ الْقَلْبِ وَ إِلَّا لَمْ یَسْتَقِمِ (۲)الْجَوَارِحُ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقُلْتُ یَا أَبَا مَرْوَانَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی ذِکْرُهُ لَمْ یَتْرُکْ جَوَارِحَکَ حَتَّی جَعَلَ لَهَا إِمَاماً یُصَحِّحُ لَهَا الصَّحِیحَ وَ یُتْقِنُ مَا شَکَّ فِیهِ (۳)وَ یَتْرُکُ هَذَا الْخَلْقَ کُلَّهُمْ فِی حَیْرَتِهِمْ وَ شَکِّهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ لَا یُقِیمُ لَهُمْ إِمَاماً یَرُدُّونَ إِلَیْهِمْ شَکَّهُمْ وَ حَیْرَتَهُمْ وَ یُقِیمُ لَکَ إِمَاماً لِجَوَارِحِکَ تَرُدُّ إِلَیْهِ حَیْرَتَکَ وَ شَکَّکَ قَالَ فَسَکَتَ وَ لَمْ یَقُلْ شَیْئاً قَالَ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَیَّ فَقَالَ أَنْتَ هِشَامٌ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ لِی أَ جَالَسْتَهُ فَقُلْتُ لَا فَقَالَ فَمِنْ أَیْنَ أَنْتَ قُلْتُ مِنْ أَهْلِ الْکُوفَهِ قَالَ فَأَنْتَ إِذاً هُوَ قَالَ ثُمَّ ضَمَّنِی إِلَیْهِ وَ أَقْعَدَنِی فِی مَجْلِسِهِ وَ مَا نَطَقَ حَتَّی قُمْتُ فَضَحِکَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ثُمَّ قَالَ یَا هِشَامُ مَنْ عَلَّمَکَ هَذَا قَالَ فَقُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جَرَی عَلَی لِسَانِی قَالَ یَا هِشَامُ هَذَا وَ اللَّهِ مَکْتُوبٌ فِی صُحُفِ إِبْرَاهِیمَ وَ مُوسَی (۴).

کش، رجال الکشی محمد بن مسعود عن محمد بن أحمد بن یحیی عن أبی إسحاق عن محمد بن یزید القمی عن محمد بن حماد عن الحسن بن إبراهیم عن یونس مثله (۵)

۱- فتقر به خ فتستیقن خ. اقول، فی الاکمال: فیقر به الیقین و فی العلل: فیستیقن الیقین و فی الأمالی: فیقن الیقین و فی الاحتجاج و رجال الکشّیّ و نسخه من الکتاب: فتیقن الیقین.

۲- لم تستیقن خ: اقول: فی الاکمال و العلل و الاحتجاج و الکشّیّ: لم یستیقن و فی الأمالی: لم یستقم.

۳- فی الأمالی: و یبقن ما شک فیه و فی رجال الکشّیّ: و تیقن ما شکت فیه و فی الاکمال و الاحتجاج: و ینفی ما شکت فیه و فی العلل: و ینفی ما شککت فیه.

۴- اکمال الدین: ۱۲۰، علل الشرائع، ۷۵ و ۷۶، أمالی الصدوق: ۳۵۱ و ۳۵۲ و فی المصادر اختلافات لفظیه راجعها.

۵- رجال الکشّیّ: ۱۷۵- ۱۷۷ فیه: محمّد بن مسعود قال: حدّثنی علیّ بن محمّد بن یزید الفیروزانی القمّیّ قال: حدّثنی محمّد بن أحمد بن یحیی عن أبی إسحاق قال: حدّثنی محمّد ابن حماد عن الحسن بن إبراهیم قال، حدّثنی یونس بن عبد الرحمن عن یونس بن یعقوب.

ج، الإحتجاج عن یونس مثله (۱).

**[ترجمه]کمال الدین و علل الشرائع و امالی صدوق: یونس بن یعقوب گفت: گروهی از اصحاب حضرت صادق علیه السّلام خدمت آن جناب بودند که هشام بن حکم، حمران بن اعین، مؤمن طاق، هشام ابن سالم و طیار از آن جمله به شمار می آمدند و هشام بن حکم هنوز جوانی بود.

حضرت صادق علیه السّلام به او فرمود: ای هشام! او پاسخ داد: بله یابن رسول الله! امام فرمود: جریان مناظره خود را با عمرو بن عبید برایم نقل نمی کنی که چگونه او را مجاب کردی؟! عرض کرد: فدایت شوم! من از شما خجالت می کشم و در مقابل شما نمی توانم زبان درازی کنم. عظمت مقام شما مانع از سخن گفتن من است. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر گاه دستوری به شما می دهیم در انجام آن تأخیر روا ندارید.

هشام گفت: شنیدم که عمرو بن عبید در مسجد بصره می نشیند و مردم را گرد خود جمع می کند و آنها را گمراه می نماید. خیلی بر من دشوار آمد و بالاخره به جانب بصره رهسپار شدم و روز جمعه ای بود که وارد بصره شدم و به مسجد رفتم. گروه زیادی در مسجد اجتماع داشتند. عمرو بن عبید که پارچه ای پشمین و سیاه رنگ بر کمر بسته بود و یک پارچه نیز بر شانه داشت، در میان جمع نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند. من جمعیت را گشودم، پیش رفتم و دو زانو در یک کنار نشستم و به عمرو بن عبید گفتم: آقای دانشمند! من مردی غریبم. اجازه می فرمایی یک سؤال از تو بکنم: گفت: بگو.

گفتم: تو چشم داری؟ عمرو بن عبید گفت: این چه سؤالی است؟ گفتم: سؤال های من همین طوری است. عمرو گفت: بپرس، گرچه سؤالی احمقانه باشد. گفتم: جواب مرا بده. گفت: سؤال کن. پرسیدم: چشم داری؟ گفت:آری. گفتم: با چشم چه می بینی؟ گفت: رنگ ها و اشخاص را. پرسیدم: بینی داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: بوی ها را با آن استشمام می کنم. پرسیدم: دهان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: طعم و مزه اشیاء را می چشم.

پرسیدم: زبان داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: سخن می گویم. پرسیدم: گوش داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: صداها را می شنوم. پرسیدم: آیا دست داری؟ گفت: آری. گفتم: با دست هایت چه می کنی؟ گفت: اشیاء را می گیرم و خشونت و زبری آنها را تشخیص می دهم. پرسیدم: تو پا هم داری؟ گفت: آری. گفتم: با دو پایت چه می کنی؟ گفت: به وسیله آنها از این مکان به مکان دیگر می روم. پرسیدم: قلب داری؟ گفت: آری. گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر چه بر این اعضا و جوارح و حواس وارد می شود، به وسیله آن تشخیص می دهم. پرسیدم: مگر این اعضا و جوارح و حواس نمی توانند تو را از مخ و مغز بی نیاز کنند؟ گفت: نه. گفتم: چرا؟ با اینکه همه صحیح و سالم هستند.

گفت: فرزندم! حواس و جوارح هر گاه در مورد چیزی تردید داشته باشند، آن را می بویند یا می بینند یا می چشند یا می شنوند یا لمس می کنند، آنگاه به مغز می دهند. مغز یقین را به وجود می آورد و شک را از میان بر می دارد. پرسیدم: پس خداوند قلب را برای رفع تردید و شک جوارح قرار داده است؟ گفت: آری. گفتم: پس اگر مغز نباشد، کار حواس و جوارح کامل نمی شود. گفت: صحیح است. گفتم:

پس معلوم می شود که خداونـد عزیز، اعضـا و حواس تو را وانگذاشـته و برای آنهـا راهنمایی قرار داده که مطالب را تصـحیح کند و یقین را به وجود آورد و تردید را از میان ببرد. اما به عقیده تو این مردم را در سـرگردانی و شک و اختلاف واگذاشته و امام و پیشوایی قرار نـداده که رفع تردیـد و اختلاف از آنها بنمایـد. اما برای اعضا و جوارح تو راهنما قرار داده که رفع شک و تردید کند؟

عمرو سـکوت کرد و هیـچ نگفت. آنگـاه رو به جانب هشام کرد و گفت: تو هشام هستی؟ گفتم: نه. پرسـید: با او نشسـته ای و مصاحبت داشـته ای؟ گفتم: نه. گفت: پس تو اهل کجایی؟ پاسخ دادم: از اهالی کوفه هسـتم. گفت: تو همان هشام هستی! در این موقع مرا پیش برد و در جای خود نشاند و تا وقتی من آنجا نشسته بودم، سخن نگفت.

حضـرت صادق علیه السّـلام از شنیدن جریان خندید و فرمود: چه کسی این مطالب را به تو آموخت؟ عرض کردم: پسر رسول خدا بر زبانم جاری کرد. فرمود: هشام! به خدا قسم این مطالب در صـحف ابراهیم و موسـی نوشته شده است. - . کمال الدین: ۱۲۰، علل الشرائع: ۷۵ - ۷۶، -

رجال کشی و احتجاج طبرسی: این روایت از دو طریق دیگر در این کتاب ها آمده است. - . رجال کشی: ۱۷۵- ۱۷۷، احتجاج طبرسی: ۲۰۰ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ج، الإحتجاج عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَوَرَدَ عَلَیْهِ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ (۲)فَقَالَ إِنِّی صَاحِبُ کَلَامٍ وَ فِقْهٍ وَ فَرَائِضَ وَ قَدْ جِئْتُ لِمُنَاظَرَهِ أَصْحَابِکَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَلَامُکَ هَذَا مِنْ کَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ مِنْ عِنْدِکَ فَقَالَ مِنْ کَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ بَعْضُهُ وَ مِنْ عِنْدِی بَعْضُهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَأَنْتَ إِذاً شَرِیکُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لَا قَالَ فَسَمِعْتَ الْوَحْیَ عَنِ اللَّهِ (۳)قَالَ لَا قَالَ فَتَجِبُ طَاعَتُکَ کَمَا تَجِبُ طَاعَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لَا قَالَ فَالْتَفَتَ إِلَیَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ یَا یُونُسُ هَذَا خَصَمَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ یَتَکَلَّمَ ثُمَّ قَالَ یَا یُونُسُ لَوْ کُنْتَ تُحْسِنُ الْکَلَامَ کَلَّمْتَهُ قَالَ یُونُسُ فَیَا لَهَا مِنْ حَسْرَهٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ سَمِعْتُکَ تَنْهَی عَنِ الْکَلَامِ وَ تَقُولُ وَیْلٌ لِأَصْحَابِ الْکَلَامِ یَقُولُونَ هَذَا یَنْقَادُ وَ هَذَا لَا یَنْقَادُ وَ هَذَا یَنْسَاقُ وَ هَذَا لَا یَنْسَاقُ (۴)وَ هَذَا نَعْقِلُهُ وَ هَذَا لَا نَعْقِلُهُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّمَا قُلْتُ وَیْلٌ لِقَوْمٍ تَرَکُوا قَوْلِی بِالْکَلَامِ (۵)وَ ذَهَبُوا إِلَی مَا یُرِیدُونَ بِهِ ثُمَّ قَالَ اخْرُجْ إِلَی الْبَابِ مَنْ تَرَی (۶)مِنَ الْمُتَکَلِّمِینَ فَأَدْخِلْهُ قَالَ فَخَرَجْتُ فَوَجَدْتُ حُمْرَانَ بْنَ أَعْیَنَ (۷)وَ کَانَ یُحْسِنُ الْکَلَامَ وَ مُحَمَّدَ بْنَ النُّعْمَانِ

۱- احتجاج الطبرسیّ: ۲۰۰.

۲- فی المصدر و الکافی: من أهل الشام.

۳- فی الکافی: عن اللّه عزّ و جلّ یخبرک.

۴- فی هامش النسخه المطبوع: ای هذا یؤدی إلی المطلوب و هذا لا یؤدی، أو هذا ینساق إلی نهج الاصطلاح و هذا لا ینساق.

۵- فی هامش النسخه المطبوع، فیه دلاله علی ان علم الکلام حقّ لکن لا بد من سماعه من المعصوم.

۶- فی نسخه: فانظر من تری و فی المصدر: فمن تری.

۷- هو حمران بن أعین الشیبانی کوفیّ تابعی أخو زراره، کان من أکبر مشایخ الشیعه المفضلین الذین لا یشک فیهم، احد حمله القرآن، و کان عالما بالنحو و اللغه، یروی عن الامامین الباقر و الصادق علیهما السلام.

الْأَحْوَلَ (۱)فَكَانَ مُتَكَلِّماً (۲)وَ هِشَامَ بْنَ (۳)سَالِمٍ وَ قَيْسَ (۴)الْمَاصِرِ وَ كَانَا مُتَكَلِّمَيْنِ وَ كَانَ قَيْسٌ عِنْدِي أَحْسَنَهُمْ كَلَاماً وَ كَانَ قَدْ تَعَلَّمَ الْكَلَامَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَأَدْخَلْتُهُمْ عَلَيْهِ فَلَمَّا اسْتَقَرَّ بِنَا الْمَجْلِسُ وَ كُنَّا فِي خَيْمَةٍ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي طَرَفِ جَبَلٍ فِي طَرِيقِ الْحَرَمِ وَ ذَلِكَ قَبْلَ الْحَجِّ بِأَيَّامٍ أَخْرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَأْسَهُ مِنَ الْخَيْمَةِ فَإِذَا هُوَ بِبَعِيرٍ يَخُبُّ فَقَالَ (۵)هِشَامٌ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ قَالَ وَ كُنَّا ظَنَنَّا (۶)أَنَّ هِشَاماً رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ عَقِيلٍ كَانَ شَدِيدَ الْمَحَبَّةِ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَإِذَا هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ (۷)قَدْ

۱- هو محمّد بن عليّ بن النعمان أبو جعفر الاحول كوفيّ صرفي يلقب عندنا مؤمن الطاق، و العامّه يلقبونه الشيطان الطاق، كان متكلما حاذقا حاضر الجواب من أصحاب الامامين الصادق و الكاظم عليهما السلام و صنف كتبا كثيره و له حكايات مشهوره مع أبي حنيفه.

۲- في المصدر: و كان متكلما.

۳- هو هشام بن سالم الجواليقيّ الجعفي مولى بشر بن مروان من ثقات أصحاب الامامين الصادق و الكاظم عليهما السلام و متكلميهم.

۴- ليس له ذكر في كتب التراجم، و يظهر من الحديث انه كان من مهره علم الكلام و حذاق المتكلّمين، و كان تعلم من الإمام السجّاد عليه السلام.

۵- أي قال أبو عبد اللّه عليه السلام هذا هشام.

۶- في نسخه: و كنا قلنا ان و في الكافي، قال: و ظننا ان هشاما.

۷- هو أبو محمّد هشام البغداديّ الكندى المتكلم المعروف الشيعي كان ينزل بنى شيبان بالكوفه و انتقل الى بغداد سنه ۱۹۹، و يقال: مات في هذه السنه أيضا ترجمه أصحاب التراجم في كتبهم، قال ابن النديم في الفهرست: ۶: هو من جله أصحاب أبي عبد اللّه جعفر بن محمّد الصادق عليه السلام. و هو من متكلمي الشيعه الإماميّه و بطائنهم و ممن دعا له الصادق عليه السلام فقال: اقول لک ما قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله: لا تزال مؤيدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک و هو الذي فتق في الإمامه، و هذب المذهب، و سهل طريق الحجاج فيه، و كان حاذقا بصناعه الكلام، حاضر الجواب، و كان اولا من أصحاب الجهم بن صفوان ثمّ انتقل الى القول بالامامه بالدلائل و النظر، و كان منقطعا الى البرامكه ملازما ليحيى بن خالد، و القيم بمجالس كلامه و نظره ثمّ تبع الصادق عليه السلام فانقطع إليه، و توفى بعد نكبه البرامكه بمده يسيره، و قيل- بل في خلافه المأمون، و كان هشام، يقول: ما رأيت مثل مخالفينا عمدوا الى من ولاه اللّه من سمائه فعزلوه، و الى من عزله مر سمائه فولوه، و يذكر قصه مبلغ سوره براءه و مرد أبي بكر و ايراد عليّ عليه السلام بعد نزول جبرئيل عليه السلام قائلا لرسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله عن اللّه تعالى: انه لا يؤديها عنک الا انت او رجل منک فرد أبا بكر و انفذ عليّا عليه السلام، و ترجمه في ص ۲۵۰، أيضا و اطراه و ذكر من كتبه عده كثيره، و قد نسب مخالفونا إليه أمورا شنيعه هو عنها بري ء، و لعلها كانت ممّا اعتقد بها قبل رجوعه الى الصادق عليه السلام كما يشير إليه بعض الأحاديث و وثقوه علماؤنا الإماميّه و أطرءوه بمدائح جليله.

وَرَدَ وَ هُوَ أَوَّلَ مَا اخْتَطَّتْ (۱)لِحْيَتُهُ وَ لَيْسَ فِينَا إِلَّا مَنْ هُوَ أَكْبَرُ سِنّاً مِنْهُ قَالَ فَوَسَّعَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَالَ لَهُ نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ ثُمَّ قَالَ لِحُمْرَانَ كَلِّمِ الرَّجُلَ يَعْنِي الشَّامِيَّ فَكَلَّمَهُ حُمْرَانُ وَ ظَهَرَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا طَاقِيُّ كَلِّمْهُ فَكَلَّمَهُ فَظَهَرَ عَلَيْهِ يَعْنِي بِالطَّاقِيِّ مُحَمَّدَ بْنَ النُّعْمَانِ (۲)ثُمَّ قَالَ لِهِشَامِ بْنِ سَالِمٍ فَكَلِّمْهُ فَتَعَارَفَا ثُمَّ قَالَ لِقَيْسٍ الْمَاصِرِ كَلِّمْهُ فَكَلَّمَهُ فَأَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَبَسَّمَ (۳)مِنْ كَلَامِهِمَا وَ قَدِ اسْتَخْذَلَ الشَّامِيُّ فِي يَدِهِ ثُمَّ قَالَ لِلشَّامِيِّ كَلِّمْ هَذَا الْغُلَامَ يَعْنِي هِشَامَ بْنَ الْحَكَمِ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ الشَّامِيُّ لِهِشَامٍ يَا غُلَامُ سَلْنِي فِي إِمَامَةِ هَذَا يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَغَضِبَ هِشَامٌ حَتَّى ارْتَعَدَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَخْبِرْنِي يَا هَذَا أَ رَبُّكَ أَنْظَرُ لِخَلْقِهِ أَمْ خَلْقُهُ لِأَنْفُسِهِمْ فَقَالَ الشَّامِيُّ بَلْ رَبِّي أَنْظَرُ لِخَلْقِهِ قَالَ فَفَعَلَ بِنَظَرِهِ لَهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا ذَا قَالَ كَلَّفَهُمْ وَ أَقَامَ لَهُمْ حُجَّةً وَ دَلِيلًا عَلَى مَا كَلَّفَهُمْ (۴)وَ أَزَاحَ فِي ذَلِكَ عِلَلَهُمْ فَقَالَ لَهُ هِشَامٌ فَمَا هَذَا الدَّلِيلُ الَّذِي نَصَبَهُ لَهُمْ قَالَ الشَّامِيُّ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ هِشَامٌ فَبَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ قَالَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّةُ فَقَالَ

۱- اختط الغلام: إذا نبت لحيته.

۲- فی الاحتجاج: فكلمه فظهر عليه محمّد بن نعمان، و فی الكافی، فظهر عليه الاحول.

۳- فی الاحتجاج و نسخه من الكتاب: يتبسم و فی الكافی: يضحک من كلامهما ممّا قد اصاب الشامیّ، فقال للشامی.

۴- فی الاحتجاج: علی ما كلفهم به و فی الكافی: (قال: اقام لهم حجه و دليلا كيلا يتشتتوا او يختلفوا، يتألفهم، و يقيم أودهم و يخبرهم بفرض ربهم، قال: فمن هو؟) قوله: ازاح عللهم أی ازالها.

هِشَامٌ فَهَلْ نَفَعَنَا الْيَوْمَ الْكِتَابُ وَ السُّنَّهُ فِيمَا اخْتَلَفْنَا فِيهِ حَتَّى رَفَعَ عَنَّا الِاخْتِلَافَ وَ مَكَّنَنَا مِنَ الِاتِّفَاقِ فَقَالَ الشَّامِيُّ نَعَمْ قَالَ هِشَامٌ فَلِمَ اخْتَلَفْنَا نَحْنُ وَ أَنْتَ جِئْتَنَا مِنَ الشَّامِ فَخَالَفْتَنَا (۱)وَ تَزْعُمُ أَنَّ الرَّأْيَ طَرِيقُ الدِّينِ وَ أَنْتَ مُقِرٌّ بِأَنَّ الرَّأْيَ لَا يَجْمَعُ عَلَى الْقَوْلِ الْوَاحِدِ الْمُخْتَلِفَيْنِ فَسَكَتَ الشَّامِيُّ كَالْمُفَكِّرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمُ قَالَ إِنْ قُلْتُ إِنَّا مَا اخْتَلَفْنَا كَابَرْتُ وَ إِنْ قُلْتُ إِنَّ الْكِتَابَ وَ السُّنَّهَ يَرْفَعَانِ عَنَّا الِاخْتِلَافَ أَبْطَلْتُ لِأَنَّهُمَا يَحْتَمِلَانِ الْوُجُوهَ وَ إِنْ (۲)قُلْتُ قَدِ اخْتَلَفْنَا وَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا يَدَّعِي الْحَقَّ فَلَمْ يَنْفَعْنَا إِذاً الْكِتَابُ وَ السُّنَّهُ وَ لَكِنْ لِي عَلَيْهِ مِثْلُ ذَلِكَ (۳)فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سَلْهُ تَجِدْهُ مَلِيّاً فَقَالَ الشَّامِيُّ لِهِشَامٍ مَنْ أَنْظَرُ لِلْخَلْقِ رَبُّهُمْ أَمْ أَنْفُسُهُمْ فَقَالَ بَلْ رَبُّهُمْ أَنْظَرُ لَهُمْ فَقَالَ الشَّامِيُّ فَهَلْ أَقَامَ لَهُمْ مَنْ يَجْمَعُ كَلِمَتَهُمْ (۴)وَ يَرْفَعُ اخْتِلَافَهُمْ وَ يُبَيِّنُ لَهُمْ حَقَّهُمْ مِنْ بَاطِلِهِمْ فَقَالَ هِشَامٌ نَعَمْ قَالَ الشَّامِيُّ مَنْ هُوَ قَالَ هِشَامٌ أَمَّا فِي ابْتِدَاءِ الشَّرِيعَهِ فَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ أَمَّا بَعْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَغَيْرُهُ قَالَ الشَّامِيُّ مَنْ هُوَ غَيْرُ (۵)النَّبِيِّ الْقَائِمُ مَقَامَهُ فِي حُجَّتِهِ قَالَ هِشَامٌ فِي وَقْتِنَا هَذَا أَمْ قَبْلَهُ قَالَ الشَّامِيُّ بَلْ فِي وَقْتِنَا هَذَا قَالَ هِشَامٌ (۶)هَذَا الْجَالِسُ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الَّذِي تُشَدُّ (۷)إِلَيْهِ الرِّحَالُ وَ يُخْبِرُنَا بِأَخْبَارِ السَّمَاءِ (۸)وِرَاثَهً عَنْ أَبٍ عَنْ جَدٍّ قَالَ الشَّامِيُّ وَ كَيْفَ لِي بِعِلْمِ

۱- فی النسخه المخطوطه و الاحتجاج: تخالفنا.

۲- النسخه المخطوطه و الاحتجاج خاليان من قوله: و إن قلت الى قوله: و لكن.

۳- فی الكافی: الا ان لی عليه هذه الحجه.

۴- فی الكافی: من يجمع لهم كلمتهم و يقيم أودهم و يخبرهم بحقهم من باطلهم؟ فقال هشام: فی وقت رسول اللّه صلّی اللّه عليه و آله او الساعه قال الشامیّ: فی وقت رسول اللّه رسول اللّه صلّی اللّه عليه و آله، و الساعه من؟ فقال هشام: هذا القاعد الذی تشد إليه الرجال.

۵- فی الاحتجاج: و اما بعد النبیّ فعترته، قال الشامیّ: من هو عتره النبیّ.

۶- فی النسخه المطبوعه: خبر هذا.

۷- فی الاحتجاج و الكافی: (تشد) اقول: هذا كنايه عن كثره من يفد إليه من الآفاق لتعلم الاحكام و كسب الحقائق و العلوم.

۸- فی الكافی: باخبار السماء و الأرض.

ذَلِکَ فَقَالَ هِشَامٌ سَلْهُ عَمَّا بَدَا لَکَ قَالَ (۱)قَطَعْتَ عُذْرِی فَعَلَیَّ السُّؤَالُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَا أَکْفِیکَ الْمَسْأَلَهَ یَا شَامِیُّ أُخْبِرُکَ عَنْ (۲)مَسِیرِکَ وَ سَفَرِکَ خَرَجْتَ یَوْمَ کَذَا وَ کَانَ طَرِیقُکَ کَذَا وَ مَرَرْتَ عَلَی کَذَا وَ مَرَّ بِکَ کَذَا فَأَقْبَلَ الشَّامِیُّ کُلَّمَا وَصَفَ لَهُ شَیْئاً مِنْ أَمْرِهِ یَقُولُ صَدَقْتَ وَ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ الشَّامِیُّ أَسْلَمْتُ لِلَّهِ السَّاعَهَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بَلْ آمَنْتَ بِاللَّهِ السَّاعَهَ إِنَّ الْإِسْلَامَ قَبْلَ الْإِیمَانِ وَ عَلَیْهِ یَتَوَارَثُونَ وَ یَتَنَاکَحُونَ وَ الْإِیمَانُ عَلَیْهِ یُثَابُونَ قَالَ الشَّامِیُّ صَدَقْتَ فَأَنَا السَّاعَهَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّکَ وَصِیُّ الْأَنْبِیَاءِ (۳)قَالَ فَأَقْبَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَلَی حُمْرَانَ فَقَالَ یَا حُمْرَانُ تُجْرِی الْکَلَامَ عَلَی الْأَثَرِ فَتُصِیبُ وَ الْتَفَتَ إِلَی هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ فَقَالَ تُرِیدُ الْأَثَرَ وَ لَا تَعْرِفُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَی الْأَحْوَلِ فَقَالَ قَیَّاسٌ رَوَّاغٌ (۴)تَکْسِرُ بَاطِلًا بِبَاطِلٍ إِلَّا أَنَّ بَاطِلَکَ أَظْهَرُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَی قَیْسٍ الْمَاصِرِ فَقَالَ تَتَکَلَّمُ وَ أَقْرَبُ مَا تَکُونُ مِنَ الْخَبَرِ عَنِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله أَبْعَدُ مَا تَکُونُ مِنْهُ تَمْزُجُ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ قَلِیلُ الْحَقِّ یَکْفِی عَنْ کَثِیرِ الْبَاطِلِ أَنْتَ وَ الْأَحْوَلُ قَفَّازَانِ حَاذِقَانِ قَالَ یُونُسُ بْنُ یَعْقُوبَ فَظَنَنْتُ وَ اللَّهِ أَنَّهُ علیه السلام یَقُولُ لِهِشَامٍ قَرِیباً مِمَّا قَالَ لَهُمَا فَقَالَ علیه السلام یَا هِشَامُ لَا تَکَادُ تَقَعُ تَلْوِی رِجْلَیْکَ إِذَا هَمَمْتَ بِالْأَرْضِ طِرْتَ مِثْلُکَ فَلْیُکَلِّمِ النَّاسَ اتَّقِ الزَّلَّهَ وَ الشَّفَاعَهُ مِنْ وَرَائِکَ (۵).

**[ترجمه]احتجاج: یونس بن یعقوب گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم که مردی از شامیان وارد شد و گفت: من مردی صاحب سخن و دارای علم فقه و فرایض دینی هستم و برای مناظره با شاگردان شما آمده ام. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: گفتار تو از سخنان پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله است یا از خودت؟ گفت مقداری از پیامبر و مقداری از خودم. فرمود: پس تو شریک پیامبری؟

شامی گفت: نه. فرمود: به تو از جانب خدا وحی شده!؟ گفت: نه. فرمود: اطاعت تو لازم است، همان طور که اطاعت از پیامبر اکرم واجب شده؟ گفت: نه.

در این موقع حضرت صادق علیه السّلام روی به جانب من کرد و فرمود: یونس! این مرد قبل از مناظره کردن خود را مجاب ساخت و ادعای خویش را باطل کرد. اگر تو اهل کلام و مناظره بودی با او به بحث می پرداختی؟ عرض کردم: افسوس که من وارد نیستم. اما فدایتان شوم! از شما شنیده ام که از مناظره نهی می کردی و می فرمودی: وای بر اهل کلام! می گویند این مطابق فهم ما است و آن به سلیقه ما صحیح نیست؛ این جور در می آید و آن دیگری ناجور است؛ این را عقل ما می پذیرد و آن دیگری را نمی پذیرد. امام صادق علیه السّلام فرمود: من گفتم وای بر اهل کلام که سخن مرا واگذارند - . در حاشیه نسخه چاپی آمده است: این عبارت دلالت دارد بر اینکه علم کلام امری است که به ناچار باید از امام معصوم شنیده شود. - و به استدلال خود متکی شوند. اکنون برو بیرون ببین اگر از متکلمین کسی را می بینی بگو بیاید.

یونس گفت: خارج شدم و حمران بن اعین - . حمران بن أعین شیبانی اهل کوفه و از تابعین برادر زراره است. از بزرگان مشایخ شیعه که هیچ تردیدی در علم ایشان نیست و یکی از حاملان قرآن و عالم به نحو و لغت است که از امامان باقر و صادق علیهما السّلام حدیث نقل کرده است. - که مردی متکلم بود و محمّد بن نعمان احول - . محمد بن علی بن نعمان احول کوفی صیرفی، شیعه او را مؤمن طاق و عامه شیطان طاق لقب داده اند. کلامی حاذق حاضر جوابی بود از اصحاب امامان صادق و کاظم علیهما السلام که کتاب های فراوانی نوشته است. وی حکایات مشهوری با ابوحنیفه دارد. - که او نیز در کلام مهارت داشت و هشام بن سالم - . هشام بن سالم جوالیقی جعفی از متکلمین و موثقین اصحاب امامان صادق و کاظم

علیهما السّلام. - و قیس ماصر - . در کتب تراجم ذکری از وی نشده است. - که هر دو از متکلمین به شمار می آمدند را یافتم. به نظر من قیس ماصر از همه آنها در کلام قدرت بیشتری داشت. او علم مناظره را از علی بن الحسین زین العابدین علیه السّلام آموخته بود. همگی آنها را خدمت حضرت صادق علیه السّلام آوردم. آن جناب داخل خیمه ای قرار داشت در دامنه کوه در کناره راه حرم و کعبه و هنوز چند روز به ایام حج باقی بود.

در این موقع که همه میان خیمه نشسته بودند، حضرت صادق علیه السّلام (مثل کسی که انتظار شخصی را داشته باشد) دامن خیمه را کنار زده و دامنه افق را تماشا کرد. شتر سواری از دور می آمد. یک مرتبه امام صادق علیه السّلام فرمود: به خدای کعبه قسم هشام می آید!

ما خیال کردیم آن هشامی است که از اولاد عقیل است و خیلی به حضرت علاقه دارد، اما بعد معلوم شد که هشام بن حکم - . ابن ندیم در فهرست: ۶ می گوید: او از اجلای اصحاب امام صادق علیه السلام بود. وی از متکلمان امامیه و از کسانی بود که حضرت برایشان دعا کردند. - است. هشام جوانی بود که هنوز موی بر صورتش نروییده و از همه کوچک تر بود. تا وارد شد حضرت صادق علیه السّلام برایش جایی گشود و فرمود: یار و ناصر ما با قلب و دست و زبان آمد. در این موقع رو به حمران کرد و فرمود: با این مرد مناظره کن. حمران بر او پیروز شد. امام به محمّد بن نعمان رو کرد و فرمود: طاقی! تو با او بحث کن. محمّد بن نعمان نیز پیروز شد.

آنگاه رو به هشام بن سالم کرد و فرمود: با این مرد مناظره کن! آن دو به بحث پرداختند، تا هر دو حریف یکدیگر را شناختند. بعد به قیس ماصر فرمود: تو صحبت کن! قیس شروع به مناظره کرد. حضرت صادق علیه السّلام از سخنان و جواب و سؤال آن دو لبخند می زد و مرد شامی خوار و ذلیل در دست قیس قرار داشت. در این موقع حضرت رو به شامی کرد و فرمود: با این پسرک صحبت کن! (هشام بن حکم) شامی قبول کرد و به هشام گفت: در مورد امامت این شخص (امام صادق علیه السّلام) از من چیزی سؤال کن.

هشام از سخن مرد شامی چنان خشمگین شد که رگ های گردنش برآمد (چون او با تحقیر اشاره به امام علیه السّلام کرد). پس متوجه مرد شامی شد و گفت: بگو ببینم، خداوند بهتر صلاح مردم را می داند یا خود مردم؟ شامی جواب داد: خدا بهتر صلاح مردم را می داند. هشام گفت: خداوند به صلاحدید خود برای مردم در مورد دین چه انجام داده است؟ گفت: آنها را مکلف به دستوراتی نموده و برای ایشان دلیل و راهنمایی قرار داده تا حجت بر آنها تمام شود و ایراد و اشکالی نداشته باشند. هشام پرسید: به عقیده تو آن دلیل و راهنما کیست؟ شامی پاسخ داد: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله. پرسید: بعد از حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله چه کسی راهنما است؟ گفت: کتاب خدا و سنت. پرسید: آیا کتاب و سنت در مورد اختلافات ما کاری می تواند انجام دهند و رفع اختلاف نمایند و ما را متفق گردانند؟ شامی گفت:

آری. هشام پرسید: پس چرا من و تو با هم اختلاف داریم؟ تو از شام به اینجا آمده ای و با ما در عقیده اظهار مخالفت می کنی و عقیده ات این است که راه شناخت دین، رأی و نظر است، با اینکه خود می دانی دو نظر مختلف نمی تواند یکی باشد.

مرد شامی ساکت شد و شروع به فکر کرد. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: چرا حرف نمی زنی؟ شامی پاسخ داد: اگر

بگویم مـا بـاهم اختلاف نـداریم ادعای بیجا کرده ام و اگر مـدعی شوم که کتاب و سنت رفع اختلاف از ما می کننـد، باز هم سخن بیهوده ای گفته ام، زیرا کتاب و سـنت می توانند چند احتمال داشـته باشند. اگر بگـویم ما اختلاف داریـم و هر یک از ما دو نفر ادعای واقعیت می کنیم، آشکارا می بینم که کتاب و سنت نمی تواند رفع اختلاف از ما بنماید، اما من همین سؤال را از او می کنم.

حضـرت صادق علیه السّلام فرمود: بپرس او را مردی وارد و پرمایه خواهی یافت. شامی گفت: چه کسـی صـلاح مردم را بهتر می داند، خدا یا خود مردم؟ هشام جواب داد: حتما خدا. شامی پرسید: آیا خداوند صلاحی دیده است که موجب رفع اختلاف شود و حق را از باطـل تشـخیص دهنـد؟ هشـام گفت: آری. شامی پرسـید: آن شـخص کیست؟ هشام گفت: در ابتـدای اسـلام پیـامبر اکرم صـلی اللّٰه علیـه و آله پس از پیـامبر دیگری است. پرسـید: آن دیگر کیست که جانشـین او است در حجت بـودن؟ هشام گفت: منظورت در این زمان است یا قبل از این زمان؟ گفت: منظورم هم اکنون و زمان خودمان است.

هشـام به طرف حضـرت صـادق علیه السّلام اشـاره کرد و گفت: این آقا که نشسـته است، کسـی است که بارهای گران از هر طرف بر در خانه اش (برای کسب فیض) فرود می آیـد و به وراثت از آباء و اجـداد خود، ما را از وقایع آسـمان مطلع می کند. شامی پرسـید: من از کجا بـدانم که ادعای تو صـحیح است؟ هشام پاسـخ داد: هر چه میل داری از او بپرس. شامی گفت: بهانه مرا قطع کردی. اینک مجبورم من سؤال کنم و آزمایش نمایم.

در این موقع حضرت صادق علیه السّلام رو به مرد شامی کرد و فرمود: من تو را از پیدا کردن سؤال بی نیاز می کنم و از سیر و سفرت اطلاع می دهم. فلان روز حرکت کردی و از فلان راه آمدی و از فلان جا گذشتی و فلانی با تو برخورد کرد.

شامی پس از شنیدن سخنان امام علیه السّلام گفت: به خدا همین طور است. آنگاه ناگهان گفت: اکنون اسلام آوردم! حضرت صادق علیه السّلام فرمود: نه، حالا تو ایمان آوردی، چون اسـلام جلوتر از ایمان است. به وسـیله اسـلام با یکدیگر ازدواج می کنند و از هم ارث می برند، اما با ایمان به درجات عالی بهشت و ثواب نائل می شوند.

شامی گفت: صـحیح می فرماییـد. اکنون من به یگانگی خدا و رسالت حضـرت محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله گواهی می دهم و گواهم بر اینکه شـما وصـی انبیـاء و اوصـیاء هستی. حضـرت صادق علیه السّلام رو به جانب حمران کرد و فرمود: تو سـخن بر طریق صحیح و راهی که باید مخالف را رد کرد می کنی و به هدف هم می رسی.

حضـرت به هشـام بن سـالم فرمود: تو در جسـتجوی راه و طریق هستی، اما آن را تشـخیص نمی دهی. آنگاه رو به جانب احول کرد و فرمود: قیـاس پرداز حیله گری هستی و بـا مطلب بـاطلی، ادعـای بـاطلی را درهم می شـکنی، جز اینکه باطـل تو قوی تر است. سـپس به قیس ماصر فرمود: سخن می گویی، ولی سخنان پیامبر را از مسیر صحیحش دور می کنی. حق و باطل را به هم می آمیزی، اما مختصری از حق ما را بی نیاز می کند از باطل زیاد. تو و محمّد بن احول از آن استادان حیله بازید!

یونس گفت: من با خود خیال کردم حالا به هشام نیز سـخنی شبیه آنچه به آن دو فرمود می فرماید. امام صادق علیه السّلام رو به هشـام بن حکم کرد و فرمود: هشـام! گـاهی نزدیـک می شود زمین بخوری، امـا پاهـا را به هم می چسـبانی و یک فشار می

دهی و پرواز می کنی. باید مانند تو با مردم به بحث و مناظره پرداخت. از لغزش بپرهیز که شفاعت از پی آن نصیب تو خواهد شد. - . احتجاج طبرسی: ۱۹۸ - ۲۰۰ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام فأنت إذا شریک رسول الله صلی الله علیه و آله یدل علی بطلان الکلام الذی لم یؤخذ من الکتاب و السنه و قیل لما کانت مناظرته فی الإمامه و المناط فیها قول الشارع قال له ذلک لأنه إذا بنی أمرا لا بد فیه من الرجوع إلی الشارع علی قول الرسول و قوله معاً یلزمه الشرکه معه صلی الله علیه و آله فی الرساله فلما نفی

۱- فی الاحتجاج و الکافی: قال الشامیّ.

۲- فی النسخه المطبوعه: عن سیرک.

۳- فی النسخه المطبوعه: الأوصیاء.

۴- أی کثیر الخداع و المکر.

۵- الاحتجاج: ۱۹۸- ۲۰۰.

الشرکه قال علیه السلام فسمعت الوحی عن الله أی المبیّن لأصول الدین عموما أو خصوص الإمامه إعلام الله بها إما بوساطه الرسول أو بالوحی بلا واسطه و ما بواسطه الرسول فهو من کلامه صلی الله علیه و آله لا من عندک فتعین علیک فی قولک من عندی أحد الأمرین إما الوحی إلیک بسماعک من الله بلا واسطه أو وجوب طاعتک کوجوب طاعه رسول الله صلی الله علیه و آله فلما نفاهما بقوله لا فی کلیهما لزمه نفی ما قاله و من عندی و لذا قال علیه السلام هذا خاصم نفسه و قیل مخاصمه نفسه من جهه أنه اعترف ببطلان ما یقوله من عنده لأن شیئا لا یکون مستندا إلی الوحی و لا إلی الرسول صلی الله علیه و آله و لا یکون قائله فی نفسه واجب الإطاعه لا محاله یکون باطلا.

أقول: و یحتمل أن یکون المراد بالکلام الذی ردّد علیه السلام الحال فیه بین الأمرین الکلام فی فروع الفقه و لا مدخل للعقل فیها و لا بد من استنادها إلی الوحی فمن حکم فیها برأیه یکون شریکا للرسول صلی الله علیه و آله فی تشریع الأحکام و التعمیم أظهر حسن الکلام أی تعلمه قال یونس التفات أو قال ذلک عند الحکایه فیا لها من حسره النداء للتعجب من حسره تمیز للضمیر المبهم.

قوله هذا ینقاد یعنی أنهم یزنون ما ورد فی الکتاب و السنه بمیزان عقولهم الواهیه و قواعدهم الکلامیه فیؤمنون ببعض و یکفرون ببعض کما هو دأب الحکماء و أکثر المتکلمین أو الأول إشاره إلی ما یقوله أهل المناظره فی مجادلاتهم سلمناه لکن لا نسلم ذلک.

و الثانی و هو قوله هذا ینساق إشاره إلی قولهم للخصم أن یقول کذا و لیس للخصم أن یقول کذا.

و

فی الکافی (۱)

بعد قوله و لما استقرّ بنا المجلس قوله و کان أبو عبد الله علیه السلام قبل الحج یستقر أیاما فی جبل فی طرف الحرم فی فازه له مضروبه

ص: ۱۴

۱- أصول الکافی ۱: ۱۷۴.

قال فأخرج أبو عبد الله علیه السلام رأسه من فازته فإذا هو ببعیر یخبّ.

أقول: الفازه مظلّه بعمودین و الخبّ (۱)ضرب من العَـدْو تقول خبّ الفرس یخبّ بالضم خَبّاً و خَبَباً إذا راوح بین یدیه و رجلیه و أخبَّه صاحبه ذکرهما الجوهری (۲)قوله فتعارفا أی تکلّما بما حصل به التعارف بینهما و عرف کل منهما رتبه الآخر و کلامه بلا غلبه لأحدهما علی الآخر و فی بعض النسخ فتعارقا أی وقعا فی الشدّه و العرق و فی بعضها فتعاوقا أی لم یظهر أحدهما علی الآخر قوله و قد استخذل فی بعض النسخ بالذال أی صار مخذولا مغلوبا لا ینصره أحد و فی بعضها بالزاء من قولهم انخزل فی کلامه أی انقطع.

و

فی الکافی فأقبل أبو عبد الله علیه السلام یضحک من کلامهما مما قد أصاب الشامی.

فیمکن أن یقرأ الشامی بالنصب أی من الذال (۳)الذلّ الذی أصابه من المغلوبیه و الخجله أو بالرفع بأن تکون کلمه ما مصدریه أی من إصابه الشامی و کون کلامه صوابا فالضحک لمغلوبیه قیس.

قوله فغضب إنما غضب لسوء أدب الشامی فی التعبیر عن الإمام علیه السلام و الإشاره إلیه بما یوهم التحقیر و الملیء بالهمزه و قد یخفف فیشدد الیاء الثقه الغنی قوله علی الأثر أی علی حسب ما یقتضیه کلامک السابق فلا یختلف کلامک بل یتعاضد أو علی أثر کلام السائل و وفقه أو علی مقتضی ما روی عن رسول الله صلی الله علیه و آله من الأخبار المأثوره و راغ عن الشیء مال و حاد قوله إن باطلک أظهر أی أغلب علی الخصم أو أبین فی رد کلامه قوله و أقرب ما تکون الظاهر أن أقرب مبتدأ و أبعد خبره و الجمله حال عن فاعل تتکلم أی و الحال أن أقرب حال تکون أنت علیه من الخبر أبعد حال تکون

۱- فی النسخه المخطوطه و القاموس: و الخبب.

۲- فی النسخه المخطوطه و القاموس: ذکرهما الفیروزآبادی.

۳- هکذا فی النسخه المطبوعه، و سقطت الکلمه عن النسخه المخطوطه، و لعلّ الصحیح: الذل.

علیه من الخبر و الظرفان صلتان للقرب و البعد و ما مصدریه أی أقرب أوقات کونک من الخبر أبعدها و یحتمل أن یکون أبعد منصوبا علی الحالیه سادا مسد الخبر کما فی قولهم أخطب ما یکون الأمیر قائما علی اختلافهم فی تقدیر مثله کما هو مذکور فی محله قال الرضی رضی الله عنه فی شرحه علی الکافیه بعد نقل الأقوال فی ذلک و اعلم أنه یجوز رفع الحال الساد مسد الخبر عن أفعل المضاف إلی ما المصدریه الموصوله بکان أو یکون نحو أخطب ما یکون الأمیر قائم هذا عند الأخفش و المبرد و منعه سیبویه و الأولی جوازه لأنک جعلت ذلک الکون أخطب مجازا فجاز جعله قائما أیضا ثم قال و یجوز أن یقدر فی أفعل المذکور زمان مضاف إلی ما یکون لکثره وقوع ما المصدریه مقام الظرف نحو قولک ما ذر شارق فیکون التقدیر أخطب أوقات ما یکون الأمیر قائم أی أوقات کون الأمیر فیکون قد جعلت الوقت أخطب و قائما کما یقال نهاره صائم و لیله قائم انتهی قوله.

قفّازان بالقاف ثم الفاء ثم الزاء المعجمه من قفز بمعنی وثب و فی بعض النسخ بتقدیم الفاء علی القاف و إعجام (۱)الراء من فقزت الخرز ثقبته و الأول أظهر.

قوله علیه السلام تلوی رجلیک یقال لویت الحبل فتلته و لوّی الرجل رأسه أمال و أعرض و لوّت الناقه ذنبها حرکته و المعنی أنک کلما قربت تقع من الطیران علی الأرض تلوی رجلیک کما هو دأب الطیور ثم تطیر و لا تقع و الغرض أنک لا تغلب من خصمک قط و إذا قرب أن یغلب علیک تجد مفرا حسنا فتغلب علیه و الزله إشاره إلی ما وقع منه فی زمن الکاظم علیه السلام من ترک (۲)

ص: ۱۶

۱- الصحیح: و اهمال الراء، من فقرت الخرز: ثقبته.
۲- و قد ذکر رحمه اللّه وجها لترکه التقیه، و هو انه کان مأمورا بالتقیه إلی مده معلوم و کان بعدها مأذونا فی التبلیغ و البحث مع المخالفین.

التقیه کما سیأتی فی أبواب تاریخه علیه السلام و فی الکافی و الشفاعه من ورائها (۱).

و هو أظهر.

**[ترجمه]سخن امام علیه السلام که «تو شریک رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلم هستی» دلالت دارد بر بطلان کلام کسی که از قرآن و سنت اخذ نشده است و گفته شده نظر او در امامت و راهکار او در این موضوع قول شارع نمی باشد. سخن شخص آنکه، در هر کاری بنابر سخن پیامبر، به ناچار باید به شارع رجوع کنیم. در حالی که سخن او شریک شدن با پیامبر را به همراه دارد. پس شراکت [در کلام او] نفی نمی شود. حضرت فرمود: شنیدم وحی را از طرف خدا یعنی به واسطه ی اصول دین به صورت عموم و امامتی که خداوند آن را اعلام کرده به طور خصوص روشن و آشکار شده، یا توسط رسول یا وحی بدون واسطه و یا به واسطه ی رسول که همان سخن پیامبر است، نه از طرف تو. پس سخن تو نزد من یکی از اینهاست؛ یا وحی به تو که بدون واسطه شنیده ای یا وجوب اطاعت از تو مثل اطاعت از رسول خدا (ص) که قول او در هر دو صورت نفی می شود، نفی آنچه او گفت و آنچه نزد من است. لذا حضرت فرمود: این مرد با خودش دشمنی می کند، و گفته شده دشمنی او با خودش از آن جهت است که به باطل بودن آنچه می گوید اعتراف دارد زیرا این چیزی نیست که مستند به وحی و پیامبر باشد و گوینده آن نیز فی نفسه واجب الاطاعه نیست پس بدون شک این کلام باطل است.

می گویم: شاید مراد از کلام امام (ع) که آن را مردد بین دو امر کرد، در فروع فقه باشد که عقل در آن دخالتی ندارد و ناگزیر باید مستند به وحی باشد. بنابراین کسی که به نظر خودش در آن حکم کند، شریک برای پیامبر (ص) در تشریع احکام می شود. البته تعمیم [بین فروع و غیر آن] اظهر است. « حسن الکلام» یعنی به او تعلیم داد، یونس گفته: یعنی التفات و توجه دادن یا آنکه در حکایت می آید. «فیا لها من حسره»، ندا برای تعجب از حسرت می آید که با ضمیر مبهم تمایز و تفاوت پیدا می کند.

سخن او که گفت: «هذا ینقاد» یعنی اینکه ایشان آنچه در قرآن و سنت آمده را با ترازوی عقل های ناقص و قواعد کلامیشان می سنجند و بعضی را می پذیرند و بعض دیگر را نه، همانگونه که شیوه حکما و بیشتر متکلمان بوده است. «هذا ینقاد»، اشاره دارد به آنچه اهل مناظره در مجادلشان می گویند قبول داریم ولی ما قبول نداریم و بخش دوم «هذا ینساق» اشاره دارد به این سخن آنها که به دشمن خود اینچنین بگویند و طرف مقابل نتواند چنین بگوید.

در کافی - . اصول کافی ۱ : ۱۷۴ - بعد از «و لمّا استقرّ بنا المجلس» می گوید: امام صادق (ع) قبل از حج روزهایی در کوهی در سمت حرم زیر سایه بانی که برای ایشان برپا می شد جای می گرفتند. در ادامه گفت: امام صادق (ع) سرش را از سایبان خارج کرد، در این موقع شتری می دوید.

می گویم: «الفازه» سایه بانی است با دو پایه و «الخبّ» - . در نسخه خطی و قاموس: و الخبب. - نوعی از دویدن است. وقتی کسی گفت: خبّ الفرس یخبّ خبّاً یعنی وقتی که اسب روی دست و پایش در جا می زند و صاحبش او را به این کار وا می دارد، این دو را جوهری - . همان: فیروز آبادی هم یادآوری کرده است. - گفته است. سخن او: «فتعارفا» یعنی با هم صحبت کردند، آن طور که نتیجه اش شناخت یکدیگر شد و هرکدام مقام دیگری را شناخت. و در بعضی نسخه ها «فتعارقا» آمده

یعنی واقع شدند در شدت و سختی، و در بعضی «تعاوقا» آمده است یعنی هیچ کس بر دیگری پیروز نشد. سخن او: «و قد استخذل» در بعضی نسخه ها با ذال آمده یعنی مغلوب و شکست خورده شد که هیچ کس او را یاری نکرد و در بعضی دیگر با زاء آمده یعنی کلامش بریده و جدا شد.

و در کافی آمده: امام صادق (ع) آمد در حالی که از کلام این دو می خندید از آنچه که بر شامی رسیده بود.

ممکن است شامی به نصب خوانده شود یعنی با خواری - . همچنین در نسخه چاپی آمده و این کلمه از نسخه خطی افتاده است و شاید صحیح «ذلّ» باشد. - که از شکست و خجالت به او رسیده. یا به رفع به این نحو که «ما» مصدری باشد یعنی از آنچه که شامی وارد کرد و این که کلامش نیکو باشد، پس خنده به دلیل شکست قیس است.

«فغضب» همانا غضب به خاطر بی ادبی شامی در تعبیر از امام (ع) و اشاره به او به وسیله ی آنچه که توهم تحقیر را ایجاد کرده است. و «الملی ء» با همزه است و گاهی مخفف می شود پس یاء مشدد است الثقه الغنی. سخن او «علی الأثر» یعنی به حسب آنچه کلام گذشته تو اقتضا می کند پس سخن تو اختلاف ندارد بلکه تأیید هم می کند، و یا به معنی اثر کلام سؤال کننده و موافقت با آن است، و یا بنابر آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از روایات مأثوره وارد شده اقتضا می کند. «راغ عن الشیئ» یعنی طفره رفتن و گریختن. «ان باطلك» به معنی غالب شدن بر خصم یا روشن شدن در ردّ کلامش است. سخن « و أقرب» آن طور که ظاهر است اینکه اقرب مبتدا و ابعد خبرش است، و جمله در مقام حال از فاعل «تتکلم» یعنی والحال ان اقرب حال تکون انت علیه من الخبر ابعد حال تکون علیه من الخبر این دو ظرف، صله هستند برای قرب و بعد. ما مصدریه است یعنی نزدیك ترین زمانهای باخبر بودن تو، دورترین آنهاست. شاید أبعد بنابر حالیت منصوب باشد و در جای خبر نشسته باشد. همانگونه که در کلام عرب آمده: أخطب ما یکون الأمیر قائماً، که در تقدیر گرفتن مثل آنچه ما گفتیم اختلاف شده است. رضی رضی الله عنه در شرحش بر کافیه، بعد از نقل اقوال در این بحث گفته است: بدان که جایز است مرفوع خواندن حالی که جای خبر نشسته است، خبری که از أفعل مضاف به مای مصدریه و موصول به کان یا یکون باشد، مانند أخطب ما یکون الأمیر قائم. اخفش و مبرد چنین گفته اند و سیبویه آن را رد کرده است. قول برتر جواز است، زیرا تو أخطب را مجاز قرار دادی پس قائم را نیز می توانی قرار دهی. سپس می گوید: جایز است در أفعل مذکور زمان را مضاف به ما یکون مقدر کنی، به دلیل کثرت وقوع مای مصدریه در جای ظرف، مثل «ما ذرّ شارق». بنابراین تقدیر اینگونه می شود: أخطب أوقات ما یکون الأمیر قائم، یعنی امیر بیشتر اوقات ایستاده سخنرانی می کند. وقت را برای اخطب و قائم قرار دادیم همانطور که گفته می شود: نهاره صائم و لیله قائم یعنی روزش را روزه و شبش را در حال نماز است، پایان سخن رضی.

«قفازان» با قاف و بعد فاء و سپس زاء معجمه، از قفز می آید به معنای جستن و پریدن. در بعضی نسخه ها فاء بر قاف مقدم شده است و نقطه دار بودن - . صحیح: اهمال راء - راء، من قفزت الخرز ثقبته، یعنی کسی که مهره یا چیزی را سوراخ می کند، که قول اول بهتر است.

سخن امام (ع) «تلوی رجلیک» می گوید: پاهایت را خم کن و تاب بده، و لوّی الرجل رأسه یعنی سرش را چرخاند و برگرداند. و لوّت الناقه ذنبها یعنی دمش را تکان داد. معنی کلام امام آنکه هر زمان خواستی روی زمین [از خوشحالی] پرواز کنی پاهایت را جمع کن همانطور که روش پرندگان است و بعد پرواز کن و سر جای خود نباش منظور اینکه تو بر دشمنت

پیروز نمی شوی مگر آنکه وقتی نزدیک شدی راه فرار نیکویی بیابی و سپس بر او غالب شوی. «الزله» اشاره است به آنچه در دوران امام کاظم علیه السلام در ترک - . مصنف رحمه الله وجهی برای ترک تقیه بیان کرده اند و آن اینکه ایشان تا مدت معینی مأمور به تقیه بوده اند و بعد از آن در تبلیغ و بحث با مخالفین مأذون بوده اند. - تقیه که در ابواب تاریخ آن حضرت خواهد آمد.

در کافی آمده: و شفاعت به وسیله اوست - . اصول کافی ۱ : ۱۷۴ - و این اظهر و روشن تر است.

**[ترجمه]

«۱۳»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنِّی نَاظَرْتُ قَوْماً فَقُلْتُ أَ لَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ هُوَ الْحُجَّهُ مِنَ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ فَحِینَ ذَهَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ کَانَ الْحُجَّهَ مِنْ بَعْدِهِ فَقَالُوا الْقُرْآنُ فَنَظَرْتُ فِی الْقُرْآنِ فَإِذَا هُوَ یُخَاصِمُ فِیهِ الْمُرْجِئُ وَ الْحَرُورِیُّ وَ الزِّنْدِیقُ الَّذِی لَا یُؤْمِنُ حَتَّی یَغْلِبَ الرَّجُلُ خَصْمَهُ فَعَرَفْتُ أَنَّ الْقُرْآنَ لَا یَکُونُ حُجَّهً إِلَّا بِقَیِّمٍ مَا قَالَ فِیهِ مِنْ شَیْ ءٍ کَانَ حَقّاً قُلْتُ فَمَنْ قَیِّمُ الْقُرْآنِ قَالُوا قَدْ کَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ (۲)یَعْلَمُ قُلْتُ کُلَّهُ قَالُوا لَا فَلَمْ أَجِدْ أَحَداً یُقَالُ إِنَّهُ یَعْرِفُ ذَلِکَ کُلَّهُ إِلَّا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام وَ إِذَا کَانَ الشَّیْ ءُ بَیْنَ الْقَوْمِ وَ قَالَ هَذَا لَا أَدْرِی وَ قَالَ هَذَا لَا أَدْرِی وَ قَالَ هَذَا لَا أَدْرِی وَ قَالَ هَذَا لَا أَدْرِی (۳)فَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام کَانَ قَیِّمَ الْقُرْآنِ وَ کَانَتْ طَاعَتُهُ مَفْرُوضَهً وَ کَانَ حُجَّهً بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی النَّاسِ کُلِّهِمْ وَ أَنَّهُ علیه السلام مَا قَالَ فِی الْقُرْآنِ فَهُوَ حَقٌّ فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ إِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام لَمْ یَذْهَبْ حَتَّی تَرَکَ حُجَّهً مِنْ بَعْدِهِ کَمَا تَرَکَ رَسُولُ اللَّهِ حُجَّهً مِنْ بَعْدِهِ وَ إِنَّ الْحُجَّهَ مِنْ بَعْدِ عَلِیٍّ علیه السلام الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام وَ أَشْهَدُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّهُ کَانَ الْحُجَّهَ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ مُفْتَرَضَهٌ فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ أَشْهَدُ (۴)عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّهُ لَمْ یَذْهَبْ حَتَّی تَرَکَ حُجَّهً مِنْ بَعْدِهِ کَمَا تَرَکَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَبُوهُ وَ أَنَّ الْحُجَّهَ بَعْدَ الْحَسَنِ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام وَ کَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَهً فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ

۱- أصول الکافی ۱: ۱۷۴.

۲- فی رجال الکشّیّ: فقالوا: ابن مسعود قد کان یعلم و عمر یعلم و حذیفه یعلم.

۳- ذکر فی العلل قوله: هذا لا ادری ثلاث مرّات.

۴- فی النسخه المطبوعه: انی أشهد.

وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ (۱)وَ أَنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام وَ كَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْحُجَّةَ مِنْ بَعْدِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ أَبُو جَعْفَرٍ علیهما السلام وَ كَانَتْ طَاعَتُهُ مُفْتَرَضَةً فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَعْطِنِي رَأْسَكَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ فَضَحِكَ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَبَاكَ علیه السلام لَمْ يَذْهَبْ حَتَّى تَرَكَ حُجَّةً مِنْ بَعْدِهِ كَمَا تَرَكَ أَبُوهُ فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنَّكَ أَنْتَ الْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ طَاعَتَكَ مُفْتَرَضَةٌ فَقَالَ كُفَّ رَحِمَكَ اللَّهُ قُلْتُ أَعْطِنِي رَأْسَكَ أُقَبِّلْهُ فَضَحِكَ قَالَ سَلْنِي عَمَّا شِئْتَ فَلَا أُنْكِرُكَ بَعْدَ الْيَوْمِ أَبَداً (۲).

كش، رجال الكشي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ أَجَلُّ وَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُعْرَفَ بِخَلْقِهِ بَلِ الْخَلْقُ يُعْرَفُونَ بِاللَّهِ قَالَ صَدَقْتَ قُلْتُ مَنْ عَرَفَ أَنَّ لَهُ رَبّاً فَقَدْ يَنْبَغِي أَنْ يَعْرِفَ أَنَّ لِذَلِكَ الرَّبِّ رِضًا وَ سَخَطاً وَ أَنَّهُ لَا يُعْرَفُ رِضَاهُ وَ سَخَطُهُ إِلَّا بِرَسُولٍ فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ الْوَحْيُ فَيَنْبَغِي أَنْ يَطْلُبَ الرُّسُلَ فَإِذَا لَقِيَهُمْ عَرَفَ أَنَّهُمُ الْحُجَّةُ وَ أَنَّ لَهُمُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ فَقُلْتُ لِلنَّاسِ أَ لَيْسَ تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ هُوَ الْحُجَّةَ مِنَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى آخِرِهِ نَحْواً مِمَّا مَرَّ وَ فِيهِ وَ قَالَ هَذَا لَا أَدْرِي ثَلَاثاً وَ قَالَ هَذَا أَدْرِي وَ لَمْ يُنْكِرْ عَلَيْهِ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلَهُ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: صفوان بن يحيى از ابن حازم نقل كرد كه به حضرت صادق علیه السّلام عرض كردم: من با چند نفر مناظره كرده و به آنها گفتم: مگر شما نمی گوييد كه رسول خدا حجت خدا در ميان مردم است؟ وقتی پيامبر صلی الله علیه و آله از دنيا رفت، بعد از او چه كسی حجت خدا است ؟

گفتند: قرآن. من دقت كردم و ديدم كه در مورد آيات قرآن، مرجئه و حروريه و زنادقه اختلاف می كنند و به بحث و انتقاد می پردازند و يكی بر ديگری پيروز می شود. پس فهميدم كه قرآن نمی تواند حجت باشد، مگر به وسيله امام و رهبری، ديگر هر چه در قرآن فرموده است حق است (اما تشخيص معنی آن احتياج به مفسر معصوم دارد). به آنها گفتم: چه كسی راهبر و راهنمای قرآن است؟ جواب دادند: عبداللَّه بن مسعود و فلان و فلان - . در رجال كشی آمده است: «آنها گفتند: ابن مسعود و عمر و حذيفه می دانستند.» - از قرآن اطلاع داشتند. گفتم: به تمام قرآن وارد بودند؟ گفتند: نه.

كسی را نيافتم كه بگويند همه قرآن را می داند جز علی بن ابی طالب علیه السّلام. وقتی قرآن ميان آنها باشد، اين يكی می گويد نمی دانم، آن ديگری نيز اظهار بی اطلاعی می كند و سومی هم می گويد نمی دانم و چهارمی نيز وارد نيست. پس در اين صورت من يقين می كنم و گواهی می دهم كه پس از پيامبر اكرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم، علی بن ابی طالب علیه السّلام است كه نگهبان قرآن است و اطاعت از او واجب و حجت خدا بر همه مردم است و هر چه او درباره قرآن بفرمايد صحيح است.

فرمود: خدا تو را رحمت كند. من پيشانی امام را بوسيده و گفتم: علی بن ابی طالب علیه السّلام از دنيا نرفت، مگر اينكه حجتی بعد از خود به جای گذاشت، مثل پيامبر اكرم كه جانشين تعيين كرد، امام حسن علیه السّلام، جانشين علی علیه السّلام است. گواهی می دهم كه امام حسن علیه السّلام حجت خدا و اطاعت او لازم است. فرمود: خدا رحمتت كند. سر مبارك امام را بوسيدم و گفتم: من گواهی می دهم كه امام حسن علیه السّلام از دنيا نرفت، مگر اينكه جانشينی برای خود تعيين كرد، مانند پيامبر و پدر بزرگوارش. و حجت بعد از ايشان، حضرت امام حسين علیه السّلام است و اطاعت او لازم.

فرمود: خدا رحمتت کند. سرش را بوسیده و گفتم: گواهی می دهم که امام حسین علیه السّلام از دنیا نرفت، مگر اینکه حجتی قرار داد و جانشین او حضرت زین العابدین علیه السّلام است. فرمود خدا تو را رحمت کند. سرش را بوسیده و گفتم: حضرت علی بن الحسین علیه السّلام از دنیا نرفت، مگر اینکه حجتی قرار داد و جانشین او حضرت باقر علیه السّلام است که اطاعتش واجب است. فرمود خدا تو را رحمت کند.

گفتم: خدا خیر و صلاح را پیشاپیش شما قرار دهد. سر مبارکتان جلو بیاورید تا ببوسم. امام خندید. سر آن جناب را بوسیدم و گفتم: پدر شما از دنیا نرفت، مگر اینکه شما را به جانشینی خود معین کرد و شما حجت خدا هستید و اطاعت شما لازم است. فرمود سکوت کن! (از نظر تقیه) گفتم: آقا! سر خود را جلو بیاورید تا ببوسم. امام علیه السّلام خنده اش گرفت و فرمود: هر چه مایلی بپرس. دیگر بعد از این چیزی از تو پوشیده نمی دارم و تو را از شیعیان خود می شمارم. - . علل الشرائع: ۷۵ -

رجال کشی: در روایت کشی ابتدای خبر را چنین نقل می کند که: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: خداوند اجل از این است که به وسیله مردم شناخته شود، بلکه مردم به وسیله خدا شناخته می شوند. فرمود: صحیح است. گفتم: هر کس بفهمد که خدایی دارد، باید بداند که آن خدا خشم و خشنودی خواهد داشت. رضا و سخط خدا را نمی توان تشخیص داد مگر به واسطه پیامبر. هر کسی که به او وحی نشود، باید در جستجوی پیامبران باشد. وقتی آنها را یافت، می فهمد که ایشان حجت خدایند و اطاعت آنها واجب است.

و به مردم گفتم: آیا نمی دانید که رسول خدا صلی اله علیه و آله همان حجت خدا بر خلقش است؟ - . رجال کشی: ۲۶۴ - - ۲۶۵

**[ترجمه]

توضیح

المرجئه فرقه من المخالفین یعتقدون أنه لا یضرّ مع الإیمان معصیه کما أنه لا ینفع مع الکفر طاعه سموا مرجئه لأنهم قالوا إن الله أرجأ تعذیبهم علی المعاصی أی أخّره و قد یطلق علی جمیع العامه لتأخیرهم أمیر المؤمنین علیه السلام عن درجته إلی الرابع. و الحروریه طائفه من الخوارج نسبوا إلی

ص: ۱۸

۱- زاد فی رجال الکشّیّ: کما ترک ابوه.

۲- علل الشرائع: ۷۵.

۳- رجال الکشّیّ: ۲۶۴ و ۲۶۵.

الحروراء موضع قرب الكوفه كان أول اجتماعهم فيه و فى الكافى و الكشىّ و القدرىّ (۱)و قد يطلق على الجبريه و المفوضه كما مر. و الزنديق هو النافى للصانع تعالى أو هم الثنويّه. و قيّم القوم من يقوم بسياسه أمورهم و ضحكه عليه السلام لتكرار التقبيل و الأمر بالكفّ للتقيه و قوله عليه السلام فلا أنكرك أى لا أتقيك عبر عنه بلازمه لأنه إنما يتقى من لا يعرف غالبا أو لا أنكر أنك من شيعتنا.

**[ترجمه]«مرجئه» گروهی از اهل سنت هستند که معتقدند گناه ضرری به ایمان نمی رساند، همان طور که اطاعت و بندگی منفعتی برای کفر ندارد. ایشان را مرجئه نام نهاده اند چرا که می گویند عذاب را بر اهل معصیت به تأخیر می اندازد، (و به عنوان مثال می گویند:) همه اهل سنت تأخیر جایگاه امیرالمؤمنین به چهارمی خلفا را از این باب می دانند. «حروریه» گروهی از خوارج متعلق به منطقه حروراء در نزدیکی کوفه هستند که اولین اجتماعشان آنجا بوده است. کافی و رجال کشی آنها را «قدریه» می نامند. - . اصول کافی ۱ : ۱۶۸ - ۱۶۹ -

گاهی به ایشان «جبریه» و «مفوضه» هم گفته می شود، همان گونه که قبلا گذشت. «زندیق» منکر صانع تعالی را گویند، یا همان ثنویه (قائلین دوئیت). «قیم قوم» به کسی گفته می شود که تدبیر امور ایشان را می کند. لبخند امام علیه السّلام به دلیل بوسه های مکرر آن شخص و امر حضرت به قطع سخن از باب تقیه بود. و نیز سخن امام علیه السّلام که فرمود: تو را انکار نمی کنم و چیزی را از تو نمی پوشم، یعنی (از این به بعد) از تو پروایی ندارم، تعبیر به لازمش شده است، چون غالبا از کسی که شناختی ندارند پرهیز می کنند، یا اینکه چون از شیعیان ما هستی، تو را فراموش نمی کنم.

**[ترجمه]

«۱۴»

ع، علل الشرائع الطَّالَقَانِيُّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنِ الْمُغِيرَهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجَاءِ بْنِ سَلَمَهَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لِأَيِّ شَيْ ءٍ يُحْتَاجُ إِلَى النَّبِيِّ وَ الْإِمَامِ فَقَالَ لِبَقَاءِ الْعَالَمِ عَلَى صَلَاحِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ إِذَا كَانَ فِيهَا نَبِيٌّ أَوْ إِمَامٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ (۲)وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله النُّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ أَتَى أَهْلَ السَّمَاءِ مَا يَكْرَهُونَ وَ إِذَا ذَهَبَ أَهْلُ بَيْتِي أَتَى أَهْلَ الْأَرْضِ مَا يَكْرَهُونَ يَعْنِي بِأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّهَ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِهِ فَقَالَ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۳)وَ هُمُ الْمَعْصُومُونَ الْمُطَهَّرُونَ الَّذِينَ لَا يُذْنِبُونَ وَ لَا يَعْصُونَ وَ هُمُ الْمُؤَيَّدُونَ الْمُوَفَّقُونَ الْمُسَدَّدُونَ بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ وَ بِهِمْ يَعْمُرُ بِلَادَهُ وَ بِهِمْ يُنْزِلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ وَ بِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ وَ بِهِمْ يُمْهِلُ أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَا يُعَجِّلُ عَلَيْهِمْ بِالْعُقُوبَهِ وَ الْعَذَابِ لَا يُفَارِقُهُمْ رُوحُ الْقُدُسِ وَ لَا يُفَارِقُونَهُ وَ لَا يُفَارِقُونَ الْقُرْآنَ وَ لَا يُفَارِقُهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ (۴).

**[ترجمه]علل الشرائع: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که پرسیدم: به چه جهت مردم احتیاج به پیامبر و امام دارند؟ امام فرمود: برای برقراری عالم به مصلحتش. از این روست که خداوند عذاب را از اهل زمینی که نبی یا امامی میان آنها باشد بر می دارد، خداوند عزوجل می فرماید: «ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ» - . انفال/ ۳۳ - {خداوند هرگز آنها را عذاب نمی

کند تا وقتی تو (پیغمبر) میان آنها باشی.}

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: ستارگان سبب آرامش و آسایش اهل آسمان هستند و اهل بیت من سبب آسایش اهل زمین. وقتی ستارگان از میان بروند، اهل آسمان دچار ناراحتی می شوند. وقتی اهل بیت من نیز از میان بروند، اهل زمین دچار ناراحتی خواهند شد. منظور پیامبر از اهل بیت، ائمه علیهم السّلام هستند که اطاعت از آنها را قرین و همراه اطاعت خود قرار داده در این آیه فرموده: «یـا أَیُّهَـا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» - . نساء/ ۵۹ - {ای مؤمنین! خدا و پیامبر و صاحبان امر را اطاعت کنید.}

آنها پیشوایان معصومی هستند که گناه و معصیت از ایشان سر نمی زند و مؤید و موفق و مورد پشتیبانی خدا هستند. به برکت آنها خدا به بندگان روزی می دهد و جهان را آباد می کند و باران از آسمان می بارد و زمین برکت های خود را خارج می کند. به واسطه آنها معصیت کاران را مهلت داده و تعجیل در کیفر و عذاب آنها نمی کند. آنها پیوسته مؤید به روح القدس هستند از قرآن جدا نمی شوند و قرآن از آنها جداشدنی نیست. درود خدا بر تمام آنها باد. - . علل الشرائع: ۵۲ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ نُعْمَانَ الرَّازِیِ

ص: ۱۹

۱- أصول الکافی ۱: ۱۶۸ و ۱۶۹.

۲- الأنفال: ۳۳.

۳- النساء: ۵۹.

۴- علل الشرائع: ۵۲.

قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ بَشِيرٌ الدَّهَّانُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ لَمَّا انْقَضَتْ نُبُوَّهُ آدَمَ وَ انْقَطَعَ أَكْلُهُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ يَا آدَمُ قَدِ انْقَضَتْ نُبُوَّتُکَ وَ انْقَطَعَ أُكُلُکَ فَانْظُرْ إِلَى مَا عِنْدَکَ مِنَ الْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ وَ مِيرَاثِ النُّبُوَّهِ وَ أُثْرَهِ الْعِلْمِ وَ الِاسْمِ الْأَعْظَمِ فَاجْعَلْهُ فِی الْعَقِبِ مِنْ ذُرِّيَّتِکَ عِنْدَ هِبَهِ اللَّهِ فَإِنِّی لَمْ أَدَعِ (۱)الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ يُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِی وَ دِينِی وَ يَكُونُ نَجَاهً لِمَنْ أَطَاعَهُ (۲).

سن، المحاسن أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُفْيَانَ عَنْ نُعْمَانَ الرَّازِیِّ مِثْلَهُ وَ فِيهِ يَكُونُ نَجَاهً لِمَنْ يُولَدُ مَا بَيْنَ قَبْضِ النَّبِیِّ إِلَى ظُهُورِ النَّبِیِّ الْآخَرِ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: نعمان رازی گفت: من و بشير دهّان خدمت حضرت صادق علیه السّلام بوديم. فرمود: وقتی مدت نبوت آدم پايان يافت و عمرش به پايان رسيد، خداوند به او وحی كرد كه: ای آدم! نبوت و عمرت پايان يافته است. دقت كن هر چه در نزد تو از دانش و ايمان و ميراث نبوت و آثار علمی و اسم اعظم است، در اختيار فرزند خود هبه اللّه قرار ده. من زمين را هيچ گاه از دانايی كه راهنمای بندگی و دين من باشد خالی نمی گذارم. او سبب نجات پيروان خود خواهد بود. - . علل الشرائع: ۷۶ -

محاسن: مانند اين روايت آمده است و در آن آمده: «اين آثار مايه نجات كسی است كه مابين مرگ يک پيامبر و ظهور پيامبر ديگر متولد می شود.» - . محاسن: ۲۳۵ -

**[ترجمه]

بيان

الْأُثره بالضم البقيه من العلم يؤثر كالأثره و الأثاره ذكره الفيروزآبادی.

**[ترجمه]الْأُثره بالضم البقيه من العلم يؤثر كالأثره و الأثاره ذكره الفيروزآبادی.

**[ترجمه]

«۱۶»

فس، تفسير القمی أَبِی عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْهَادِی أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بَعْدَهُ وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ (۴)فِی كُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ هَادٍ مُبَيِّنٌ.

وَ هُوَ رَدٌّ عَلَى مَنْ يُنْكِرُ أَنَّ فِی كُلِّ عَصْرٍ وَ زَمَانٍ إِمَاماً وَ أَنَّهُ لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّهٍ كَمَا

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّهِ اللَّهِ إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ وَ إِمَّا خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ (۵)

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: منذر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و هادی امیرالمؤمنین علیه السّلام و امامان بعد از او. این معنی آیه «وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» است، در هر زمانی باید امامی وجود داشته باشد که راهنما و مفسر باشد.

این آیه کسانی را که لزوم وجود امام را در هر عصر و اینکه زمین خالی از حجت نیست انکار می کنند رد می کند. چنانچه امیر المؤمنین علیه السّلام می فرماید: زمین خالی از قائم به حجت خدا نیست، یا ظاهر و آشکار یا ترسان و پنهان تا موجب باطل شدن دلایل و حجت های خدا نگردد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۳۳۶، از «این آیه رد می کند» تا آخر، کلام قمی می باشد. -

**[ترجمه]

«۱۷»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِیِّ قَالَ حَدَّثَنِی الثِّقَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ سَمِعَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّهٍ لَکَ عَلَی خَلْقِکَ ظَاهِرٍ أَوْ خافی خَافٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُکَ وَ بَیِّنَاتُکَ (۶).

ص: ۲۰

۱- فی المحاسن: لن أدع.

۲- علل الشرائع: ۷۶ فیه، لمن اطاعنی.

۳- المحاسن: ۲۳۵ فیه: و آثار العلم، و لعله مصحف: و اثاره من العلم.

۴- ذکرنا موضع الآیه فی صدر الباب.

۵- تفسیر القمّیّ: ۳۳۶. و الظاهر أن قوله: «و هو رد» الی آخر الحدیث من کلام القمّیّ.

۶- علل الشرائع: ۷۶.

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو اسحاق همدانی گفت: یکی از دوستان مورد اعتمادم نقل کرد که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام شنیدم که می فرمود: بار خدایا! زمین را خالی از راهنما و حجت بر مردم نکن، یا ظاهر و آشکار باشد یا ترسان و پنهان تا دلایل و براهین تو باطل نگردد. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۸»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ یَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَبْقَی الْأَرْضُ بِلَا عَالِمٍ حَیٍّ ظَاهِرٍ یَفْزُعُ (۱)إِلَیْهِ النَّاسُ فِی حَلَالِهِمْ وَ حَرَامِهِمْ فَقَالَ لِی إِذاً لَا یُعْبَدُ اللَّهُ یَا أَبَا یُوسُفَ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: یعقوب سراج گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا بدون عالمی زنده و آشکار که مردم در حلال و حرام خود به او پناه برند زمین پایدار می ماند؟ فرمود: اگر چنین باشد خدا پرستش نخواهد شد. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۹»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ صَفْوَانَ وَ ابْنِ الْمُغِیرَهِ وَ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ کُلِّهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَما یَدَعُ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ یَعْلَمُ الزِّیَادَهَ وَ النُّقْصَانَ فَإِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَیْئاً رَدَّهُمْ وَ إِذَا نَقَصُوا أَکْمَلَهُ لَهُمْ فَقَالَ خُذُوهُ کَامِلًا وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَالْتَبَسَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أَمْرُهُمْ وَ لَمْ یُفَرَّقْ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند زمین را خالی از عالمی که عارف به زیادی و نقصان باشد نمی گذارد تا اگر مؤمنین چیزی به دین بیفزایند، آنها را متوجه نماید و اگر چیزی کم کنند، برایشان تکمیل کند. حضرت فرمود: دین را کامل بگیرید، اگر این طور نبود امر بر مؤمنین مشتبه می گردید و فرقی بین حق و باطل نمی گذاشتند. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۰»

ع، علل الشرائع ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِیَتِ الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ سَاعَهً لَسَاخَتْ (۴).

ك، إكمال الدين أبی و ابن الوليد معا عن سعد عن اليقطينی و ابن أبی الخطاب معا عن محمد بن الفضيل مثله (۵)

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آيا زمين بدون امام پايدار می ماند؟ فرمود: اگر ساعتی بدون امام باشد، زمين اهلش را فرو می برد. - . علل الشرائع: ۷۶ -

كمال الدين: با سند ديگری همين روايت را آورده است. - . كمال الدين: ۱۱۶ -

**[ترجمه]

بيان

يقال ساخت قوائمه فی الأرض أی دخلت و غابت و لا يبعد أن يكون سوخ الأرض كنايه عن رفع نظامها و هلاك أهلها.

**[ترجمه]گفته شده: «ساخت ...» يعنی در خود فرو می برد و ناپديد می كند. بعيد نيست «سوخ الأرض» كنايه از به هم ريختن نظم زمين و نابودی اهلش باشد.

**[ترجمه]

«۲۱»

ع، علل الشرائع ابْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَشَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ كَرَّامٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَوْ كَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ وَ قَالَ إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمَامُ لِئَلَّا يَحْتَجَّ أَحَدُهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ (۶).

۱- يفرغ إليه: قصده. و فی نسخه، يفرع و فی المصدر: يفزع أی يلجأ إليه.

۲- علل الشرائع: ۷۶.

۳- علل الشرائع: ۷۶.

۴- علل الشرائع: ۷۶.

۵- اكمال الدين: ۱۱۶.

۶- علل الشرائع ص ۷۶.

**[ترجمه]علل الشرائع: کرام نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام فرمود: اگر تمام مردم منحصر به دو نفر شوند، یکی از آن دو نفر امام خواهد بود. و فرمود: آخرین کسی که از دنیا می رود امام است، تا کسی نتواند بر خدا اعتراض کند که او را بدون حجت و راهنما قرار داده است. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۲»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیم وَ غَیْرِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ جَبْرَئِیلَ نَزَلَ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله یُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ یَا مُحَمَّدُ لَمْ أَتْرُکِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ یَعْرِفُ طَاعَتِی وَ هُدَایَ وَ یَکُونُ نَجَاةً فِیمَا بَیْنَ قَبْضِ النَّبِیِّ إِلَی خُرُوجِ النَّبِیِّ الْآخَرِ وَ لَمْ أَکُنْ أَتْرُکُ إِبْلِیسَ یُضِلُّ النَّاسَ وَ لَیْسَ فِی الْأَرْضِ حُجَّةٌ وَ دَاعٍ إِلَیَّ وَ هَادٍ إِلَی سَبِیلِی وَ عَارِفٌ بِأَمْرِی وَ إِنِّی قَدْ قَضَیْتُ (۱)لِکُلِّ قَوْمٍ هَادِیاً أَهْدِی بِهِ السُّعَدَاءَ وَ یَکُونُ حُجَّةً عَلَی الْأَشْقِیَاءِ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: عبدالکریم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: جبرئیل بر حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلم نازل گردید و از خداوند پیغام آورد که خدا می فرماید: ای محمّد! زمین را خالی از دانشمندی که عارف به فرمان و دستور و راهنمایی باشد نگذاردم. او وسیله نجات مردم است در فاصله مرگ پیامبری تا ظهور پیامبر دیگر. من نخواهم گذاشت که شیطان مردم را گمراه کند. در صورتی که روی زمین حجتی نباشد که مردم را به راه من بخواند و راهنمای ایشان بوده و عارف به امر من باشد، من برای هر گروهی یک راهنما قرار داده ام که به وسیله او رستگاران را هدایت می کنم و هم او حجت است برای اشقیاء. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۳»

ع، علل الشرائع ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا یَصْلُحُ النَّاسُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَ لَا تَصْلُحُ الْأَرْضُ إِلَّا بِذَلِکَ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: حسن بن زیاد نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود: مردم صالح نمی شوند، مگر با امام و زمین نیز همین طور. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۴»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ (۴)عُمَارَةَ بْنِ الطَّیَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لَوْ لَمْ یَبْقَ فِی الْأَرْضِ إِلَّا رَجُلَانِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ (۵).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابن طيار گفت: از امام صادق عليه السّلام شنيدم كه فرمود: اگر در زمين فقط دو نفر باقى بمانند، يكى از ايشان حجت و امام است. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۵»

ع، علل الشـرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى رَفَعَهُ إِلَى أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: وَ اللَّهِ مَا تُرِكَ (۶)الْأَرْضُ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ حُجَّهُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ حُجَّهٍ لِلَّهِ عَلَى عِبَادِهِ (۷).

ير، بصائر الدرجات محمد بن عيسى عن محمد بن الفضيل عن أبى حمزه عن أبى جعفر عليه السلام مثله (۸)

ص: ۲۲

۱- فى نسخه: قد قبضت.

۲- علل الشرائع: ۷۶.

۳- علل الشرائع: ۷۶ فيه: لا يصلح الناس إلّا إمامهم.

۴- فى المصدر: (عن أبى عماره بن الطيار) و فى تنقيح المقال: أبو عماره الطيار.

۵- علل الشرائع: ۷۶.

۶- فى النسخه المخطوطه: ما ترك اللّه.

۷- علل الشرائع: ۷۶.

۸- بصائر الدرجات: ۱۴۳ فيه: بغير: امام حجه اللّه على عباده.

نی، الغیبه للنعمانی الکلینی عن علی بن إبراهیم عن محمد بن عیسی عن محمد بن الفضیل عن الثمالی مثله (۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه از حضرت باقر نقل می کند که فرمود: به خدا قسم از زمان مرگ آدم تاکنون، خداوند زمین را خالی از امامی که موجب هدایت مردم شود نگذارده که حجت خدا است بر بندگان و در آینده نیز خالی از حجت نخواهد بود. - . علل الشرائع: ۷۶ -

بصائر الدرجات و غیبت نعمانی: با اسناد متفاوت و اندکی تغییر در متن، همین حدیث را نقل کرده اند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ ، غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ السِّنْدِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو جعفر علیه السّلام فرمود: خداوند زمین را خالی از امام قرار نمی دهد، چه ظاهر باشد و چه پنهان. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲۷»

ک، إکمال الدین ع، علل الشرائع أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ عَیْثَمِ بْنِ أَسْلَمَ (۳)عَنْ ذَرِیحٍ الْمُحَارِبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ وَ اللَّهِ مَا تَرَکَ اللَّهُ الْأَرْضَ (۴)مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ إِلَّا وَ فِیهَا إِمَامٌ یُهْتَدَی بِهِ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی الْعِبَادِ مَنْ تَرَکَهُ هَلَکَ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقّاً عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۵).

ک، إکمال الدین أبی و ابن الولید معا عن سعد عن محمد بن عیسی عن صفوان بن یحیی عن أبی الحسن الأول علیه السلام مثله (۶)

کش، رجال الکشی أبو سعید بن سلیمان عن الیقطینی عن یونس و صفوان و جعفر بن بشیر جمیعا عن ذریح مثله (۷).

**[ترجمه]کمال الدین و علل الشرائع: ذریح محاربی از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که شنیدم فرمود: به خدا قسم خداوند از زمان قبض روح آدم زمین را بدون امامی که به سوی او هدایت کند رها نکرده است. او حجت خدای عزوجل بر بندگان است، کسی که او را رها کند به هلاکت می رسد و هر کس با او باشد، نجات می یابد، این حقی است بر خدای تبارک و تعالی. - . کمال الدین: ۱۳۳ ، علل الشرائع: ۷۶ - ۷۷ -

کمال الدین و رجال کشی: این حدیث را با دو سند دیگر نیز آورده اند. - . کمال الدین: ۱۲۷ ، رجال کشی: ۲۳۷ -

**[ترجمه]

«۲۸»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ زَیْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْعَلَا عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ قَالَ:

ص: ۲۳

۱- غیبه النعمانیّ: ۶۸ فیه: بغیر امام حجه للّه علی عباده.

۲- علل الشرائع: ۷۶.

۳- فی نسخه: عثیم بتقدیم الثاء. و فی الاکمال: إبراهیم بن هاشم عن أبی جعفر عن عثمان بن اسلم.

۴- فی الاکمال: ما ترک اللّه الأرض قط.

۵- علل الشرائع: ۷۶ و ۷۷، اکمال الدین: ۱۳۳.

۶- اکمال الدین: ۱۲۷، الاسناد فیه هکذا: حدّثنا أبی رحمه اللّه قال: حدّثنا عبد اللّه ابن جعفر عن محمّد بن عیسی عن جعفر بن بشیر و صفوان بن یحیی جمیعا عن ذریح عن أبی عبد اللّه علیه السلام مثله سواء.

۷- رجال الکشّیّ: ۲۳۷ راجعه.

مَا خَلَتِ الدُّنْيَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ مِنْ إِمَامٍ عَدْلٍ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ حُجَّةً لِلَّهِ فِيهَا عَلَى خَلْقِهِ (۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه ثمالی نقل کرد که خداوند از وقتی که آسمان ها و زمین را آفرید، آن را خالی از امامی عادل تا روز قیامت قرار نخواهد داد که او حجت خدا است بر مردم. - . علل الشرائع: ۷۷ -

**[ترجمه]

«۲۹»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ النَّهْدِیِّ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ (۲)عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ هَلْ تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ فَإِنَّا نَرْوِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لَا تَبْقَى إِلَّا أَنْ یَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَقَالَ لَا لَا تَبْقَى (۳)إِذاً لَسَاخَتْ (۴).

**[ترجمه]علل الشرائع: احمد بن عمر حلال از حضرت ابوالحسن علیه السّلام نقل کرد که عرض کردم: آیا زمین بدون امام خواهد بود؟ چون ما از حضرت صادق علیه السّلام روایت داریم که فرموده است: هرگز زمین خالی از حجت نخواهد بود، مگر خداوند خشم بر مردم بگیرد. فرمود: نه، خالی نخواهد بود. اگر چنین باشد زمین از هم می پاشد. - . علل الشرائع: ۷۷ -

**[ترجمه]

«۳۰»

ع، علل الشرائع ابْنُ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ الْیَقْطِینِیِّ مَعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الثُّمَالِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَالَ لَوْ بَقِیَتْ بِغَیْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ (۵).

غط، الغیبه للشیخ الطوسی سعد مثله (۶)

نی، الغیبه للنعمانی الکلینی عن علی بن إبراهیم عن الیقطینی مثله (۷).

**[ترجمه]علل الشرائع: ثمالی می گوید: از امام صادق علیه السّلام سؤال کردم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر بدون امام باشد، اهلش را فرو می برد. - . علل الشرائع: ۷۷ -

غیبت طوسی و غیبت نعمانی: مانند این حدیث را این دو کتاب نیز آورده اند. - . غیبت طوسی: ۱۴۲ ، غیبت نعمانی: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۳۱»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِی عِیسَی وَ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ الْیَقْطِینِیِّ جَمِیعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ یَدَعِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ یَعْلَمُ الزِّیَادَهَ وَ النُّقْصَانَ فِی الْأَرْضِ وَ إِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَیْئاً رَدَّهُمْ وَ إِذَا نَقَصُوا أَکْمَلَهُ لَهُمْ فَقَالَ خُذُوهُ کَامِلًا وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَالْتَبَسَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ أُمُورُهُمْ وَ لَمْ یُفَرِّقُوا بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ (۸).

ص: ۲۴

۱- علل الشرائع: ۷۷.

۲- فی المصدر: الخلال بالمعجمه، و ظاهر النجاشیّ الأول حیث فسر الحل بالشیرج.

۳- فی نسخه: لو بقیت بغیر امام لساخت.

۴- علل الشرائع: ۷۷.

۵- علل الشرائع: ۷۷.

۶- غیبه الطوسیّ: ۱۴۲.

۷- غیبه النعمانیّ: ۶۹.

۸- علل الشرائع: ص ۷۷.

یر، بصائر الدرجات الیقطینی مثله (۱)

ختص، الإختصاص الثلاثه جمیعا مثله (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند زمین را خالی نخواهد گذاشت از عالمی که آگاه به زیادی و نقصان باشد. هر گاه مؤمنین چیزی را در دین بیافزایند، آنها را متوجه آن زیادی می کند و ایشان را بر می گرداند و اگر چیزی را کم کنند، آن را درست و کامل می کند. می فرماید: دین را کامل و تمام به کار بندید که اگر چنین نباشد، آنها در مسائل دینی به اشتباه می افتند و فرقی بین حق و باطل نخواهند گذاشت. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات و اختصاص: مانند این روایت در اینها نیز آمده است. - . بصائر الدرجات: ۹۶، اختصاص: ۲۸۸ - ۲۸۹ -

**[ترجمه]

«۳۲»

ع، علل الشرائع أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فِيهَا مَنْ يَعْلَمُ الزِّيَادَةَ وَ النُّقْصَانَ فَإِذَا جَاءَ الْمُسْلِمُونَ بِزِيَادَةٍ طَرَحَهَا وَ إِذَا جَاءُوا بِالنُّقْصَانِ أَكْمَلَهُ لَهُمْ فَلَوْ لَا ذَلِكَ اخْتَلَطَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ أُمُورُهُمْ (۳).

یر، بصائر الدرجات محمد بن عبد الجبار عن الحجال مثله (۴)

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن ابن فضال عن ثعلبه عن إسحاق بن عمار عن مولی لأبی عبد الله علیه السلام مثله (۵).

**[ترجمه]علل الشرائع: اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: زمین خالی از کسی که کم و زیاد امور را بداند نمی ماند. اگر مسلمین زیاد کنند او رد می کند و اگر آنها کم کنند، او کامل خواهد کرد. اگر این گونه نباشد امور مسلمین در هم می ریزد. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات: در دو موضع از این کتاب این حدیث آمده است. - . بصائر الدرجات: ۹۶ و ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

ع، علل الشرائع أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَنْ تَبْقَى الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا مَنْ يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ إِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَّقَهُمْ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ لَمْ يُعْرَفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ (۶).

یر، بصائر الدرجات محمد بن عبد الجبار مثله (۷)

ختص، الإختصاص بإسناده عن أبی حمزه مثله (۸).

۱- بصائر الدرجات: ۹۶.

۲- الاختصاص: ۲۸۸ و ۲۸۹.

۳- علل الشرائع: ۷۷.

۴- بصائر الدرجات: ۹۶ فیه: لاختلط علی المسلمین امرهم.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۶- علل الشرائع: ۷۷.

۷- بصائر الدرجات: ۹۶ فیه: و فیها رجل منا یعرف الحق.

۸- الاختصاص: ۲۸۹ فیه: الحسن بن علیّ بن النعمان عن أبی حمزه الثمالی و فیه: و فیها رجل منا یعرف الحق.

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه می گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: زمین باقی نخواهد ماند مگر اینکه کسی که حق را می شناسد در آن است. وقتی مردم چیزی به آن بیفزایند، او می گوید به آن اضافه کرده اید و اگر از آن کم کنند او می گوید از آن کم کرده اید و هنگامی که سراغ او بیایند ایشان را تصدیق می کند. اگر این طور نباشد حق از باطل شناخته نمی شود. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات و اختصاص: چنین روایتی را آورده اند. - . بصائر الدرجات: ۹۶ ، اختصاص: ۲۸۹ -

**[ترجمه]

«۳۴»

ع، علل الشرائع ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ ابْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ شُعَيْبٍ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى إِلَّا وَ مِنَّا فِيهَا مَنْ يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ قَالَ قَدْ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ لَوْ لَا أَنَّ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَمْ يُعْرَفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ (۱).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد مثله (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السّلام نقل می کند: زمین باقی نخواهد ماند مگر اینکه کسی که حق را می شناسد در آن است، وقتی مردم چیزی به آن بیافزایند او می گوید به آن اضافه کرده اید و اگر از آن کم کنند، او می گوید از آن کم کرده اید. اگر این طور نباشد حق از باطل شناخته نمی شود. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات: مثل این حدیث را آورده است. - . بصائر الدرجات: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۳۵»

ع، علل الشرائع أَبِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْلَمُ الزِّيَادَةَ وَ النُّقْصَانَ مِنْ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهُمْ وَ إِذَا نَقَصُوا أَكْمَلَهُ لَهُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَالْتَبَسَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ أَمْرُهُمْ (۳).

یر، بصائر الدرجات إبراهيم بن هاشم مثله (۴)

ك، إكمال الدين أبي و ابن الوليد معا عن سعد و الحميري معا عن اليقطيني عن يونس عن أبي الصباح عن أبي عبد الله علیه السلام مثله (۵).

**[ترجمه]علل الشرائع: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: زمین خالی از کسی که کم و زیاد از دین خدا را بداند نمی ماند؛ اگر مسلمین زیاد کنند او رد می کند و اگر آنها کم کنند، او کامل خواهد کرد. اگر این گونه نباشد امور مسلمین اشتباه می شود. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات و کمال الدین: در این دو کتاب مانند این روایت آمده است، با این تفاوت که در کمال الدین از امام صادق علیه السّلام نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۹۶ ، کمال الدین: ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۳۶»

ع، علل الشرائع ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ ابْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ سُلَيْمٍ مَوْلَى طِرْبَالٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَنْ تَخْلُوَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ كُلَّمَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهُمْ وَ إِذَا نَقَصُوا أَكْمَلَهُ لَهُمْ فَقَالَ خُذُوهُ كَامِلًا وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَالْتَبَسَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أُمُورُهُمْ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا

ص: ۲۶

۱- علل الشرائع: ۷۷.

۲- بصائر الدرجات: ۹۶ فيه: (النضر بن سويد عن محمّد بن عبد الرحمن عن شعيب الحداد) اقول: هو شعيب بن أعين الحداد الكوفيّ.

۳- علل الشرائع: ۷۷.

۴- بصائر الدرجات: ۹۶ فيه: لالتبست على المسلمين أمورهم.

۵- اكمال الدين: ۱۱۷ فيه: لالتبست على المسلمين أمورهم.

بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ(۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: زمین خالی از عالمی که اگر مسلمین زیاد کنند او رد کند و اگر آنها کم کنند او کامل کند، نمی ماند. سپس فرمود: (دینتان را) کامل از او دریافت کنید که اگر این گونه نباشد، امور مسلمین اشتباه می شود و حق از باطل شناخته نمی شود. - . علل الشرائع: ۷۷ -

**[ترجمه]

«۳۷»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ وَ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ کُلَّمَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَیْئاً رَدَّهُمْ إِلَی الْحَقِّ وَ إِنْ نَقَصُوا شَیْئاً تَمَّمَهُ لَهُمْ (۲).

ک، إکمال الدین أبی و ابن الولید معا عن الحمیری عن محمد بن الحسین عن ابن أسباط عن سلیم مولی طربال عن إسحاق مثله (۳)

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الحسین بن سعید عن ابن أسباط مثله (۴)

نی، الغیبه للنعمانی الکلینی عن علی عن أبیه عن ابن أبی عمیر عن منصور بن یونس و سعدان بن مسلم عن إسحاق مثله (۵).

**[ترجمه]علل الشرائع: اسحاق بن عمار گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: زمین خالی نخواهد ماند از عالمی که هرگاه مؤمنین چیزی (بر دین) بیفزایند، آن را به حق برمی گرداند و اگر از آن کم کردند، برایشان تمام می کند. - . علل الشرائع: ۷۷ -

کمال الدین و بصائر الدرجات و غیبت نعمانی: مانند این روایت در این کتاب ها نیز آمده است. - . کمال الدین: ۱۲۸ ، بصائر الدرجات: ۶۸ ، غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۳۸»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْمِیثَمِیِّ عَنْ ثَعْلَبَهَ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَی مَوْلَی آلِ سَامٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَا تَرَکَ اللَّهُ الْأَرْضَ بِغَیْرِ عَالِمٍ یَنْقُصُ مَا زَادَ النَّاسُ وَ یَزِیدُ مَا نَقَصُوا وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَاخْتَلَطَ عَلَی النَّاسِ أُمُورُهُمْ (۶).

ك، إكمال الدين ابن الوليد عن سعد و الحميرى معا عن اليقطينى مثله (۷)

ير، بصائر الدرجات الحميرى عن اليقطينى مثله (۸).

**[ترجمه]علل الشرائع: عبدالاعلى مولى آل سام مى گويد: از امام باقر عليه السّلام شنيدم كه فرمود: خداوند زمين را رها نكرده است بدون عالمى كه اگر مردم اضافه كنند، او كم كند و اگر كم كنند، او بيفزايد. در غير اين صورت امور مردم مخلوط مى شود. - . علل الشرائع: ۷۸ -

كمال الدين و بصائر الدرجات: مانند اين حديث را آورده اند. - . كمال الدين: ۱۱۸ ، بصائر الدرجات: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۳۹»

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام ع، علل الشرائع أَبِى عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى وَ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى

ص: ۲۷

۱- علل الشرائع: ۷۷.

۲- علل الشرائع: ۷۷.

۳- اكمال الدين: ۱۲۸ فيه: كيما ان زاد.

۴- بصائر الدرجات: ۹۶.

۵- غيبه النعمانىّ: ۶۸ فيه: كيما ان زاد.

۶- علل الشرائع: ۷۸.

۷- اكمال الدين: ۱۱۸ فيه: أبى و محمّد بن الحسن و فيه: لاختلطت.

۸- بصائر الدرجات: ۹۶.

عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ (۱)عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ تَكُونُ الْأَرْضُ وَ لَا إِمَامَ فِيهَا فَقَالَ إِذاً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (۲).

یر، بصائر الدرجات محمد بن علی بن إسماعيل عن ابن معروف مثله (۳).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا و علل الشرائع: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که به آن جناب عرض کردم: موقعی بوده که در روی زمین امامی نباشد؟ فرمود اگر چنین می بود زمین اهلش را فرو برد. - . عیون اخبار الرضا: ۱۵۰ ، علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات: مانند این روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴۰»

ع، علل الشرائع أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ (۴).

یر، بصائر الدرجات محمد بن عيسى عن محمد بن الفضيل مثله (۵)

یر، بصائر الدرجات محمد بن الحسين عن النضر بن شعيب عن محمد بن الفضيل مثله (۶).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابو حمزه ثمالی گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: نه، اگر زمین بدون امام باشد، اهلش را فرو می برد. - . علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات: همین حدیث با دو سند متفاوت نقل شده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴۱»

ن، عيون أخبار الرضا علیه السلام ع، علل الشرائع أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْتُ فَإِنَّا نَرْوِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَقَالَ لَا تَبْقَى إِذَنْ لَسَاخَتْ (۷).

یر، بصائر الدرجات محمد بن الحسين عن أبي داود المسترقّ عن أحمد بن عمر عن أبي الحسن علیه السلام مثله (۸).

**[ترجمه]عیون اخبـار الرضـا و علـل الشـرائع: احمـد بن عمر می گویـد: به امام رضا علیه السّـلام گفتم: ما از امام صادق علیه السّـلام روایت می کنیم که فرمود: زمین بـدون امام باقی نمی ماند، مگر آنکه خداوند بر بندگان عذاب می فرسـتد، امام رضـا علیه السّلام فرمود: باقی نمی ماند مگر آنکه اهلش را فرو می برد. - . عیون اخبار الرضا: ۱۵۰ ، علل الشرائع: ۷۷ -

بصائر الدرجات: همین حدیث را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴۲»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام ع، علل الشرائع ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ الْوَشَّاءِ قَالَ:

ص: ۲۸

۱- فی العیون و البصائر: عن محمّد بن الهیثم.

۲- علل الشرائع، ۷۷، عیون الأخبار: ۱۵۰ فیهما: قال، لا، إذا.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۴ فیه: قال: لا، إذا.

۴- علل الشرائع: ۷۷.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۴ فیه: قال: لو بقیت.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴۴ فیه: قال: لو بقیت.

۷- علل الشرائع: ۷۷: عیون الأخبار: ۱۵۰ فیهما: هل تبقی الأرض بغیر امام؟ قال: لا، قلت: فانا.

۸- بصائر الدرجات: ۱۴۴ فیه: هل یبقی الأرض بغیر امام؟ فانا نروی.

قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام هَلْ تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ فَإِنَّا نَرْوِی أَنَّهَا لَا تَبْقَی إِلَّا أَنْ یَسْخَطَ اللَّهُ عَلَی الْعِبَادِ فَقَالَ علیه السلام لَا تَبْقَی إِذاً لَسَاخَتْ (۱).

نی، الغیبه للنعمانی الْکُلَیْنِیُّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی مِثْلَهُ (۲)

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَیْمَانَ (۳)مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِیهِ فَإِنَّا نَرْوِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ لَا تَبْقَی (۴)

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا و علل الشرائع: وشاء می گوید: از امام رضا علیه السّلام پرسیدم: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ فرمود: نه. سپس پرسیدم: ما روایت کردیم که باقی نمی ماند، مگر آنکه خداوند بندگانش را عذاب می کند. امام علیه السّلام فرمود: اگر این طور شود اهلش را فرو می برد. - . علل الشرائع: ۷۷ ، عیون اخبار الرضا: ۱۵۰ -

غیبت نعمانی و بصائر الدرجات: مانند این روایت را آورده اند. - . غیبت نعمانی: ۹۹ ، بصائر الدرجات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴۳»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الدِّینَوَرِیِّ (۵)وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی قَتَادَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ (۶)عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا علیه السلام فَقُلْتُ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّهٍ فَقَالَ لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ طَرْفَهَ عَیْنٍ مِنْ حُجَّهٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا (۷).

ک، إکمال الدین أبی و ابن الولید معا عن الحمیری عن أحمد بن هلال مثله (۸)

یر، بصائر الدرجات محمد بن محمد عن أبی طاهر محمد بن سلیمان عن أحمد بن هلال مثله (۹).

**[ترجمه]علل الشرائع و عیون اخبار الرضا: سلیمان بن جعفر جعفری گفت: از حضرت رضا علیه السّلام پرسیدم: آیا زمین خالی از حجت می شود؟ فرمود: اگر دنیا یک چشم به هم زدن خالی از حجت باشد، زمین اهلش را فرو می برد. - عیون اخبار الرضا: ۱۵۰ - ۱۵۱، علل الشرائع: ۷۷ -

کمال الدین و بصائر الدرجات: مثل این روایت را با اختلاف در سند آورده اند. - . کمال الدین: ۱۱۸ ، بصائر الدرجات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴۴»

فس، تفسیر القمی وَ إِنْ مِنْ أُمَّهٍ إِلَّا خَلا فِیها نَذِیرٌ قَالَ لِکُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ (۱۰).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: در تفسیر آیه «وَ إِنْ مِنْ أَمَّةٍ إِلَّا خَلا۔ فِیها نَـذِیرٌ» - . فاطر/ ۲۴ - {وهیـچ امتی نبوده مگر اینکه درآن هشداردهنده ای گذشته است} می نویسد: هر زمانی امامی خواهد داشت. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۴۵ -

**[ترجمه]

«۴۵»

فس، تفسیر القمی أَ فَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحاً اسْتِفْهَامٌ أَیْ نَدَعُکُمْ مُهْمَلِینَ لَا

ص: ۲۹

۱- عیون أخبار الرضا: ۱۵۰، علل الشرائع: ۷۷.

۲- غیبه النعمانیّ: ۹۹.

۳- أی عباد بن سلیمان عن سعد بن سعد عن أحمد بن عمر عن ابی الحسن الرضا علیه السلام أقول: و رواه الصفار أیضا بإسناده عن الحسین بن محمّد عن معلی بن محمّد مثله.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۴.

۵- فی نسخه: الزیتونی. أقول: فی العیون: الزیتونی و فی العلل: الدینوری.

۶- فی العیون: عن سعید بن سلیمان و فی العلل: عن سعید.

۷- عیون الأخبار: ۱۵۰ و ۱۵۱: علل الشرائع: ۷۷.

۸- اکمال الدین: ۱۱۸.

۹- بصائر الدرجات: ۱۴۴ فیه: حجه اللّه.

۱۰- تفسیر القمّیّ: ۵۴۵ و الآیه فی سوره فاطر: ۲۴.

نَحْتَجُّ عَلَيْكَمْ بِرَسُولٍ أَوْ بِإِمَامٍ أَوْ بِحُجَجٍ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: در مورد آیه «أَ فَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحاً» - . زخرف/ ۵ - {آیا[باید] قرآن را از شما باز داریم؟} می گوید: این آیه استفهامی است، یعنی شما خیال می کنید شما را به خود وامی گذاریم؟ نه هرگز! حجت را به وسیله پیامبر و امام و حجت های دیگر بر شما تمام خواهیم کرد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۶ - ۶۰۷ -

**[ترجمه]

«۴۶»

ب، قرب الإسناد هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: فِي كُلِّ خَلَفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَنْفِي عَنْ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَ تَأْوِيلَ الْجُهَّالِ (۲)وَ إِنَّ أَئِمَّتَكُمْ وَفْدُكُمْ إِلَى اللَّهِ فَانْظُرُوا مَنْ تُوفِدُونَ فِي دِينِكُمْ وَ صَلَاتِكُمْ (۳).

ك، إكمال الدين ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ اللَّيْثِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِيهِ وَ إِنَّ أَئِمَّتَكُمْ قَادَتُكُمْ إِلَى اللَّهِ فَانْظُرُوا بِمَنْ تَقْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَ صَلَاتِكُمْ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: ابن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از آباء گرام خویش، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: در هر گروه از امت من که پس از من می آیند، یک نفر از خاندان من در میان ایشان خواهد بود که تغییرات منحرفین و یاوه سرایی های گمراهان و تأویل و توجیه های نادانان را از میان می برد. ائمه و پیشوایان راهبر و راهنمای شما هستند که با آنها به پیشگاه پروردگار خواهید رفت. دقت کنید چه کسی را برای رهبری و راهنمایی در دین و نماز خود می پذیرید. - . قرب الاسناد: ۳۷ -

كمال الدين: همین حدیث را با اندک تفاوت آورده است. - . كمال الدين: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

وفد إليه و عليه ورد و أوفده عليه و إليه و الوافد السابق من الإبل و الإيفاد و التوفيد الإرسال و الوفد الذين يقصدون الأمراء لزياره و استرفاد و انتجاع.

**[ترجمه]«وفد اليه و عليه» یعنی وارد شدن و «اوفده اليه و عليه» به همین معنی است. «ایفاد و توفید» یعنی ارسال و فرستادن، الوافد السابق من الابل «وفد» یعنی کسانی که به نیت زیارت و کمک و یاری خواستن قصد پادشاهان می کنند.

**[ترجمه]

«۴۷»

ب، قرب الإسناد ابْنُ عِيسَى عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَيٍّ يَعْرِفُونَهُ (۵).

**[ترجمه]قرب الاسناد: بزنطى از حضرت رضا عليه السّلام نقل كرد كه فرمود: امام باقر عليه السّلام فرمود: حجت خدا بر مردم تمام نمى شود، مگر به وسيله امام زنده اى كه او را بشناسند. - . قرب الاسناد: ۱۵۳ -

**[ترجمه]

«۴۸»

فس، تفسير القمى أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ قَالَ عليه السلام إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ (۶).

ير، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الأهوازى عن حماد بن عيسى عن بعض أصحابه و محمد بن الهيثم عن أبيه جميعا عن أبى عبد الله عليه السلام مثله (۷).

ص: ۳۰

۱- تفسير القمّىّ: ۶۰۶ و ۶۰۷ و الآيه فى سوره الزخرف: ۵.

۲- فى الاكمال: و تأويل الجاهلين.

۳- قرب الإسناد: ۳۷ فيه: فى دينكم و صلواتكم.

۴- اكمال الدين: ۱۲۸.

۵- قرب الإسناد: ۱۵۳.

۶- تفسير القمّىّ ص: ۴۸۹. و الآيه فى سوره القصص: ۵۱.

۷- بصائر الدرجات: ۱۵۱.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: یونس بن یعقوب از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ» - . قصص/ ۵۱ - {و به راستی این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند} پرسید. فرمود: منظور امامان است که یکی پس از دیگری می آیند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۸۹ -

بصائر الدرجات: مانند این روایت را آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۵۱ -

**[ترجمه]

«۴۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ قَالَ إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حمران از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ» پرسید، فرمود: منظور امامان است که یکی پس از دیگری می آیند. - . کنز الفوائد: ۲۱۷ -

**[ترجمه]

«۵۰»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ قَالَ إِمَامٌ (۲)إِلَی إِمَامٍ (۳).

قب، المناقب لابن شهرآشوب عبد الله بن جندب مثله (۴).

**[ترجمه]اصول کافی: عبدالله بن جندب گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ» پرسیدم. فرمود: منظور امامان است که یکی پس از دیگری می آیند. - . اصول کافی ۱: ۴۱۵ -

مناقب ابن شهر آشوب: مانند این روایت را آورده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳: ۵۲۳ -

**[ترجمه]

«۵۱»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ علیهم السلام فِی قَوْلِهِ وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ قَالَ إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ (۵).

**[ترجمه]امالی طوسی: امام هادی علیه السّلام از پدرانش، از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ» نقل می کند که فرمود: امامان که یکی پس از دیگری می آیند. - . امالی طوسی: ۱۸۴ - ۱۸۵ -

**[ترجمه]

بیان

علی تفسیره لعل المعنی وصلنا لهم القول أی بیان الحق و الإنذار و تبلیغ الشرائع بنصب إمام بعد إمام أو القول و الاعتقاد بولایه إمام بعد إمام و المراد (۶)به قوله تعالی إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً (۷)أی هذا الوعد و التقدیر متصل إلی آخر الدهر.

و قال البیضاوی أی أتبعنا بعضه بعضا فی الإنزال لیتصل التذکیر أو فی النظم لیتقرر الدعوه بالحجه و المواعظ بالمواعید و النصائح بالعبر (۸).

و قال الطبرسی أی أتینا بآیه بعد آیه و بیان بعد بیان و أخبرناهم

ص: ۳۱

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۱۷.

۲- فی النسخه المطبوعه: اماما.

۳- أصول الکافی: ۱: ۴۱۵. فیه: سألت أبا الحسن علیه السلام.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۵۲۳.

۵- أمالی ابن الطوسیّ: ص: ۱۸۴ و ۱۸۵.

۶- فی النسخه المخطوطه: أو المراد.

۷- البقره: ۳۰.

۸- أنوار التنزیل ۲: ۲۱۹.

بأخبار الأنبياء و المهلكين من أممهم (۱).

**[ترجمه]شاید منظور از آیه این است که حق را بیان کردیم و مردم را متوجه نمودیم و شرایع را به وسیله امامی پس از امام دیگر تبلیغ کردیم، یا اعتقاد به ولایت امامی پس از امام دیگر. منظور از این آیه توجه به آیه ای است که می فرماید:«إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً» - . بقره/ ۳۰ - یعنی این وعده و برنامه تا روز قیامت به یکدیگر پیوسته و متصل است.

بیضاوی در تفسیر آیه می گوید: یعنی آیات را یکی پس از دیگری انزال کردیم تا تذکر و توجه به هم پیوسته باشد، یا در نظم به هم پیوسته باشد تا دعوت و حجت ثابت گردد و پند و اندرزها به وعد و وعید و نصایح به عبرت ها متصل گردد. - . انوار التنزیل ۲: ۲۱۹ -

مرحوم طبرسی می گوید: یعنی یک آیه را پس از آیه دیگر آوردیم و بیان بعد از بیان و آنها را متوجه زندگی انبیا و امت های ایشان که به هلاکت رسیدند کردیم. - . مجمع البیان ۷: ۳۵۸ -

**[ترجمه]

«۵۲»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام ع، علل الشرائع فِی عِلَلِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جَعَلَ أُولِی الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قِیلَ لِعِلَلٍ کَثِیرَهٍ مِنْهَا أَنَّ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَی حَدٍّ مَحْدُودٍ وَ أُمِرُوا أَنْ لَا یَتَعَدَّوْا ذَلِکَ الْحَدَّ لِمَا فِیهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ یَکُنْ یَثْبُتُ ذَلِکَ وَ لَا یَقُومُ إِلَّا بِأَنْ یَجْعَلَ عَلَیْهِمْ فِیهِ أَمِیناً یَأْخُذُهُمْ بِالْوَقْفِ عِنْدَ مَا أُبِیحَ لَهُمْ وَ یَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّی وَ الدُّخُولِ فِیمَا خَطَرَ عَلَیْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ کَذَلِکَ لَکَانَ أَحَدٌ لَا یَتْرُکُ لَذَّتَهُ وَ منفعه (۲)مَنْفَعَتَهُ لِفَسَادِ غَیْرِهِ فَجَعَلَ عَلَیْهِمْ قَیِّماً یَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ یُقِیمُ فِیهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْکَامَ وَ مِنْهَا أَنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَهً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّهً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلَّا بِقَیِّمٍ وَ رَئِیسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِی أَمْرِ الدِّینِ وَ الدُّنْیَا فَلَمْ یَجُزْ فِی حِکْمَهِ الْحَکِیمِ أَنْ یَتْرُکَ الْخَلْقَ مِمَّا یَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ وَ لَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ فَیُقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ وَ یُقَسِّمُونَ بِهِ فَیْئَهُمْ وَ یُقِیمُ لَهُمْ جُمُعَتَهُمْ (۳)وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ یَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ وَ مِنْهَا أَنَّهُ لَوْ لَمْ یَجْعَلْ لَهُمْ إِمَاماً قَیِّماً أَمِیناً حَافِظاً مُسْتَوْدَعاً لَدَرَسَتِ الْمِلَّهُ وَ ذَهَبَ الدِّینُ وَ غُیِّرَتِ السُّنَّهُ (۴)وَ الْأَحْکَامُ وَ لَزَادَ فِیهِ الْمُبْتَدِعُونَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُونَ وَ شَبَّهُوا ذَلِکَ عَلَی الْمُسْلِمِینَ لِأَنَّا قَدْ وَجَدْنَا الْخَلْقَ مَنْقُوصِینَ مُحْتَاجِینَ غَیْرَ کَامِلِینَ مَعَ اخْتِلَافِهِمْ وَ اخْتِلَافِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشَتُّتِ أَنْحَائِهِمْ (۵)فَلَوْ لَمْ یَجْعَلْ لَهُمْ قَیِّماً حَافِظاً لِمَا جَاءَ بِهِ الرَّسُولُ (۶)فَسَدُوا عَلَی نَحْوِ مَا بَیَّنَّا (۷)وَ غُیِّرَتِ الشَّرَائِعُ وَ السُّنَنُ وَ الْأَحْکَامُ وَ الْإِیمَانُ وَ کَانَ فِی ذَلِکَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ (۸).

۱- مجمع البیان ۷: ۳۵۸.

۲- فی العیون و العلل: منفعته.

۳- فی العلل: و یقیمون به جمعتهم.

۴- فی العیون و العلل: و غیرت السنن.

۵- فی العلل: و تشتت حالاتهم.

۶- فی العلل: الرسول الأول.

۷- فی العلل: علی نحو ما بیناه.

۸- عیون الأخبار: ۲۴۹: علل الشرائع ۹۵.

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا و علل الشرائع: فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السّلام می پرسد: چرا خداوند اولی الامر را قرار داد و دستور داد که از آنها اطاعت کنند؟ حضرت رضا علیه السّلام در جواب او فرمود: به واسطه علت های زیادی، از آن جمله اینکه چون مردم باید طبق یک برنامه معین زندگی کنند و از حدودی که تعیین شده تجاوز نکنند، چون موجب ناراحتی و زیان ایشان می شود. این مطلب ثابت نمی شد و دوام نمی یافت، مگر اینکه امینی در میان آنها راجع به مسائل دینی قرار دهد تا شاهد انجام کارهای لازم ایشان باشد و جلوگیری کند آنها را از کارهایی که منع گردیده. اگر چنین نبود هیچ کس منفعت و لذت خود را برای زیان و ناراحتی دیگری رها نمی کرد. به همین جهت در میان آنها نگهبانی قرار داد تا جلوگیری از فساد نماید و حدود و احکام را به پای دارد. علت دیگر اینکه هیچ یک از ملت ها و اقوام نیستند مگر اینکه دارای سرپرست و رئیسی هستند، چون در امور دینی و دنیوی چاره ای جز این ندارند. پس خداوند حکیم نیز نباید مردم را واگذارد و چیزی که ناچار احتیاج به آن دارند، برای آنها تعیین نکند. چه که زندگی ایشان به آن بستگی دارد، زیرا به وسیله آن امام و پیشوا با دشمنان خود نبرد می کند و غنائم و درآمدها را تقسیم می نماید و نماز جمعه و جماعت را بپای می دارد و دفاع از مظلوم می کند. دلیل دیگر اینکه اگر امام و پیشوا و امین و نگهبان و امانتداری را قرار ندهد، ملت و دین از بین می رود و سنت و روش پیامبر و احکام به دست تغییر سپرده می شود. گروهی بدعت گذار در آن می افزایند و کافران از دین می کاهند و مسلمانان را به اشتباه می اندازند، زیرا ما مشاهده می کنیم که مردم کامل نیستند و با هم اختلاف دارند و هر یک دارای خواست و آرزوی مخصوصی بوده و حالات مختلفی دارند. اگر خداوند ایمن و نگهبانی قرار ندهد، آداب و شرایعی که پیامبر آورده از میان می رود و احکام و ایمان نابود می شود که این خود به ضرر تمام جهانیان است. - . عیون اخبار الرضا: ۲۴۹ ، علل الشرائع: ۹۵ -

**[ترجمه]

«۵۳»

ص، قصص الأنبياء عليهم السلام بِالْإِسْنَادِ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ أَبَانٍ عَنِ ابْنِ أُورَمَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الدَّيْلَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: عَاشَ نُوحٌ بَعْدَ النُّزُولِ مِنَ السَّفِينَةِ خَمْسَمِائَةِ سَنَةٍ ثُمَّ أَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ قَدِ انْقَضَتْ نُبُوَّتُكَ وَ اسْتَكْمَلَتْ أَيَّامُكَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى ادْفَعْ مِيرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّةِ الَّتِي مَعَكَ إِلَى ابْنِكَ سَامٍ فَإِنِّي لَا أَتْرُكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِي وَ يَكُونُ نَجَاةً فِيمَا بَيْنَ قَبْضِ النَّبِيِّ وَ بَعْثِ النَّبِيِّ الْآخَرِ وَ لَمْ أَكُنْ أَتْرُكُ النَّاسَ بِغَيْرِ حُجَّةٍ وَ دَاعٍ إِلَيَّ وَ هَادٍ إِلَى سَبِيلِي وَ عَارِفٍ بِأَمْرِي فَإِنِّي قَدْ قَضَيْتُ أَنْ أَجْعَلَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِياً أَهْدِي بِهِ السُّعَدَاءَ وَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى الْأَشْقِيَاءِ قَالَ فَدَفَعَ نُوحٌ عليه السلام جَمِيعَ ذَلِكَ إِلَى ابْنِهِ سَامٍ وَ أَمَّا حَامٌ وَ يَافِثُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمَا عِلْمٌ يَنْتَفِعَانِ بِهِ قَالَ وَ بَشَّرَهُمْ نُوحٌ بِهُودٍ عليهما السلام وَ أَمَرَهُمْ بِاتِّبَاعِهِ وَ أَمَرَهُمْ أَنْ يَفْتَحُوا الْوَصِيَّةَ كُلَّ عَامٍ فَيَنْظُرُوا فِيهَا فَيَكُونَ ذَلِكَ عِيداً لَهُمْ كَمَا أَمَرَهُمْ آدَمُ عليه السلام (۱).

**[ترجمه]قصص الأنبياء: عبدالحمید بن ابی دیلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: نوح پس از خارج شدن از کشتی مدت پانصد سال زندگی کرد. بعد جبرئیل بر او نازل شد و گفت که مدت نبوت تو پایان یافته و عمرت تمام شده و خداوند می فرماید ودایع علمی و آثار نبوت را که در اختیار تو است، به فرزندت سام بسپار، زیرا من زمین را خالی از عالمی که راه و روش مرا به مردم بیاموزد نمی گذارم، که او وسیله نجات مردم است در فاصله مردن پیامبری تا مبعوث شدن پیامبر

دیگر و آنها را بدون راهنما و حجت و رهبر و آشنا به دستورات خود نمی گذارم. من چنین مقرر کرده ام که هر قوم و ملتی رهبری داشته باشند که هدایت جویان را به راه من آشنا نماید و دلیلی بر شقاوتمندان باشد. نوح تمام آن آثار را به فرزند خود سام سپرد، ولی حام و یافث بهره ای از علم نداشتند. نوح آنها را به ظهور هود بشارت داد و گفت که از هود پیروی کنید، و دستور داد تا در هر سال یک مرتبه وصیتنامه او را بگشایند و آن را به دقت ملاحظه نمایند و آن روز برای آنها عید باشد، چنان چه آدم همین دستور را داده بود. - . قصص الانبیاء: ۲۹ (نسخه خطی که نزد مؤلف بوده است.) -

**[ترجمه]

«۵۴»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ بَیْنَ عِیسَی وَ بَیْنَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله خَمْسُمِائَهِ عَامٍ مِنْهَا مِائَتَانِ وَ خَمْسُونَ عَاماً لَیْسَ فِیهَا نَبِیٌّ وَ لَا عَالِمٌ ظَاهِرٌ قُلْتُ فَمَا کَانُوا قَالَ کَانُوا مُسْتَمْسِکِینَ بِدِینِ عِیسَی علیه السلام قُلْتُ فَمَا کَانُوا قَالَ مُؤْمِنِینَ ثُمَّ قَالَ علیه السلام وَ لَا تَکُونُ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: یعقوب بن شعیب گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: فاصله بین عیسی علیه السّلام و حضرت محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم پانصد سال بود که دویست و پنجاه سال آن پیامبر و عالمی آشکارا وجود نداشت. عرض کردم: پس مردم چه می کردند؟ فرمود: پیرو دین عیسی بودند. گفتم: در چه حال بودند؟ فرمود: مؤمن. سپس اضافه کرد: زمین هیچ گاه خالی از عالم و راهنما نیست. - [۱]. کمال الدین: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۵۵»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْهَیْثَمِ (۳)عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام أَ تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ (۴)فَقَالَ لَا قُلْتُ فَإِنَّا نَرْوِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهَا لَا تَبْقَی بِغَیْرِ إِمَامٍ

۱- قصص الأنبیاء: مخطوط، و الحدیث فی ص ۲۹ من نسخه عندی.

۲- اکمال الدین: ۹۶ فیه: متمسکین و فیه: قال: کانوا مؤمنین.

۳- فی النسخه المخطوطه: محمّد بن القاسم.

۴- فی نسخه: بغیر عالم.

إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ فَقَالَ لَا لَا تَبْقَى إِذاً لَسَاخَتْ (۱).

ك، إكمال الدين أبى عن سعد و الحميرى عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه على عن الحسن بن على الخزاز عن أحمد بن عمر عن الرضا عليه السلام مثله (۲)

نى، الغيبه للنعمانى الكلينى عن على بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن محمد بن الفضيل مثله (۳).

**[ترجمه]كمال الدين محمد بن فضيل گفت: از امام رضا عليه السّلام سؤال كردم: آيا زمين بدون امام باقى مى ماند؟ فرمود: نه. عرض كردم: ما از حضرت صادق روايت كرديم كه: بدون امام باقى نمى ماند، مگر آنكه خداوند بر اهل زمين يا بر بندگانش عذاب مى كند. امام فرمود: نه، باقى نمى ماند، مگر آنكه اهلش را فرو مى برد. - . كمال الدين: ۱۱۶ -

كمال الدين و غيبت نعمانى: همين روايت را با اندك اختلاف در سند آورده اند. - . كمال الدين: ۱۱۷ ، غيبت نعمانى: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۵۶»

ك، إكمال الدين أَبِي وَ ابْنُ الْوَلِيدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِيِّ مَعاً عَنِ الْيَقْطِينِيِّ وَ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ مَعاً عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ وَ ابْنِ فَضَّالٍ مَعاً عَنْ أَبِي هَرَاسَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ: لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ (۴).

نى، الغيبه للنعمانى الكلينى عن على بن إبراهيم عن اليقطينى مثله (۵)

ير، بصائر الدرجات عن اليقطينى مثله (۶).

**[ترجمه]كمال الدين: زكرياى مؤمن و ابن فضال از ابى هراسه نقل كردند كه حضرت ابو جعفر عليه السّلام فرمود: اگر امام يك ساعت در روى زمين نباشند، زمين ساكنان خود را فرو مى برد، همان طور كه دريا اهلش را در امواج خروشان غرق مى كند. - . كمال الدين: ۱۱۶ -

غيبت نعمانى و بصائر الدرجات: با تفاوت در سند مثل اين روايت را آورده اند. - . غيبت نعمانى: ۶۹ ، بصائر الدرجات: ۱۲۴ -

**[ترجمه]

«۵۷»

ك، إكمال الدين أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ

الْجَبَلِيِّ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی حَدِیثٍ لَهُ فِی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام یَقُولُ فِی آخِرِهِ وَ لَوْ لَا مَنْ عَلَی الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَنَفَضَتِ الْأَرْضُ مَا فِیهَا وَ أَلْقَتْ مَا عَلَیْهَا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّهِ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: زراره از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آن جناب در ضمن گفتاری پیرامون امام حسین علیه السّلام، در آخر آن فرمودند: اگر روی زمین حجت خدا نباشد، آنچه که بر روی زمین است به تپش و لرزش می افتند و همه را پرت می کند. زمین ساعتی خالی از حجت نیست. - . کمال الدین: ۱۱۶ - ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۵۸»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام إِنَّا رُوِّینَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ

ص: ۳۴

۱- اکمال الدین: ۱۱۶ فیه: لا، لو تبقی إذا لساخت.

۲- اکمال الدین: ۱۱۷ راجعه.

۳- غیبه النعمانیّ: ۶۹.

۴- اکمال الدین: ۱۱۶ فیه: عن سعد عن الیقطینی عن زکریا بن محمّد المؤمن.

۵- غیبه النعمانیّ: ۶۹ فیه: لساخت باهلها و ماجت.

۶- بصائر الدرجات: ۱۲۴.

۷- اکمال الدین: ۱۱۶ و ۱۱۷ فیه: لنفضت الأرض بما فیها.

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ أَ وَ تَبْقَى وَ لَا إِمَامَ فِيهَا فَقَالَ مَعَاذَ اللَّهِ لَا تَبْقَى سَاعَةً إِذاً لَسَاخَتْ (۱).

**[ترجمه]كمال الدين: احمد بن عمر گفت: به امام رضا عليه السّلام عرض كردم: ما از امام صادق عليه السّلام روايت كرديم كه فرمود: زمين بدون امام باقى نمى ماند، يا باقى مى ماند و امام در آن نيست. حضرت فرمود: پناه بر خدا! ساعتى هم باقى نمى ماند كه اگر اين گونه شود، زمين اهلش را مى بلعد. - . كمال الدين: ۱۱۶ - ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۵۹»

ك، إكمال الدين أَبِي عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمَالِكِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ قَالَ الرِّضَا عليه السلام نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ (۲)وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أُمَنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِيَّتِهِ بِنَا يُمْسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ بِنَا يُنْزِلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَ لَوْ خَلَتْ يَوْماً بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ (۳).

**[ترجمه]كمال الدين: ابراهيم بن محمود گفت: حضرت رضا عليه السّلام فرمود: ما حجت خدا هستيم در روى زمين و خليفه او در ميان بندگان و امين اسرار خدا و كلمه تقوا و دستاويز محكم و گواهان خدا و نشانه هاى او در ميان مردم. به واسطه ما خداوند آسمان ها و زمين را از ريزش نگه مى دارد؛ به واسطه ما باران مى بارد و رحمت خدا پراكنده مى گردد. زمين خالى از رهبرى از ما خانواده نخواهد بود، چه ظاهر و آشكار باشد يا پنهان و ترسان. اگر زمين يك روز خالى از حجت باشد، مانند دريا اهلش را فرو مى برد. - . كمال الدين: ۱۱۶ - ۱۱۷ -

**[ترجمه]

بيان

قوله عليه السلام نحن كلمه التقوى إشاره إلى قوله تعالى وَ أَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوى (۴)و فسرها المفسرون بكلمه الشهاده و بالعقائد الحقه إذ بها يتقى من النار أو هى كلمه أهل التقوى و إطلاقها عليهم إما باعتبار أنهم عليهم السلام كلمات الله يعبرون عن مراد الله كما أن الكلمات تعبر عما فى الضمير أو باعتبار أن ولايتهم و القول بإمامتهم سبب للاتقاء من النار ففيه تقدير مضاف أى ذو كلمه التقوى و العروه الوثقى إشاره إلى أنهم هم المقصودون بها فى قوله تعالى فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى (۵)و يحتمل هنا أيضا حذف المضاف و العروه كل ما يتعلق أو يتمسك به.

**[ترجمه]سخن امام عليه السّلام كه فرمود: ما كلمه تقوا هستيم اشاره به اين آيه شريفه دارد كه فرمود: «و ألزمهم كلمه التقوى» - . فتح/ ۲۶ - {و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت.} و مفسران آن را كلمه شهادت و عقايد حقيقى كه با آن از آتش محافظت مى شوند تفسير كرده اند. يا آن را كلمه اهل تقوا گفته اند. و اطلاق كلمه بر ايشان يا به اعتبار آن است كه ايشان عليهم السّلام كلمات خدا هستند كه به مراد خدا تعبير مى شوند - همان گونه كه از كلمات به آنچه در نهانشان است تعبير مى

شونـد - یـا به اعتبار ولایت و امامت ایشان که سـبب حفظ از آتش است، به این گونه که مضاف در تقـدیر خواهـد بود، یعنی صاحب کلمه تقوا. دسـتاویز محکم نیز اشاره دارد به آنکه ایشان مقصود خداوند در آیه شـریفه «فقد استمسک بالعروه الوثقی» -. بقره/ ۲۵۶ - {به یقین به دستاویزی استوار چنگ زده است} هستند و در اینجا نیز احتمال حذف مضاف وجود دارد.

**[ترجمه]

«۶۰»

ک، إکمـال الـدین أَبِی عَنْ سَـعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیٍّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَـعْدِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ یَکُونَ فِیهَا حُجَّهٌ عَالِمٌ إِنَّ الْأَرْضَ

۱- اکمال الدین: ۱۱۷.

۲- فی المصدر: فی خلقه.

۳- اکمال الدین: ۱۷۷.

۴- الفتح: ۲۶.

۵- البقره: ۲۵۶.

لَا يُصْلِحُهَا إِلَّا ذَلِکَ وَ لَا يُصْلِحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِکَ (۱).

ع، علل الشرائع أبی عن سعد عن محمد بن عيسی عن سعد بن أبی خلف مثله (۲).

**[ترجمه]کمال الدين: حسن بن زياد گفت: از حضرت صادق عليه السّلام شنيدم که می فرمود: زمين هرگز خالی از حجت دانايی نيست. دوام و بقای زمين به همان حجت است و مردم را جز اين صلاح و چاره ای نيست. - . کمال الدين: ۱۷۷ -

علل الشرائع: همين حديث را با اختلاف در متن و سند آورده است. - . علل الشرائع: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۶۱»

ک، إكمال الدين أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِيدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِیِّ مَعاً عَنِ الْيَقْطِينِیِّ وَ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ مَعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا (۳)إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ أَوْ كَانَ الْبَاقِی الْحُجَّةَ الشَّکُّ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ (۴).

ک، إكمال الدين ابن الوليد عن سعد و الحميری معا عن محمد بن الحسن عن محمد بن أبی عمير عن حمزه بن حمران عنه عليه السلام مثله (۵).

**[ترجمه]کمال الدين: حمزه بن الطيار از حضرت صادق عليه السّلام نقل کرد که فرمود: اگر در روی زمين بيش از دو نفر باقی نماند، يکی از آن دو حجت خواهد بود. يا فرمود: «آن کس که باقی مانده، حجت است.» ترديد از راوی حديث است. - . کمال الدين: ۱۱۷ -

کمال الدين: با سند ديگری آن را آورده است. - . کمال الدين: ۱۳۴ -

**[ترجمه]

«۶۲»

ک، إكمال الدين بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْيَقْطِينِیِّ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمْ يَدَعِ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ وَ لَوْ لَا ذَلِکَ لَمَا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ (۶).

نی، الغيبه للنعمانی الكلينی عن علی بن إبراهيم عن اليقطينی مثله (۷).

**[ترجمه]کمال الدين: حضرت صادق عليه السّلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی زمين را خالی از عالم نمی گذارد. اگر چنين بود فرقی بين حق و باطل گذاشته نمی شد. - . کمال الدين: ۱۱۷ -

غیبت نعمانی: با سند دیگری این روایت را آورده است. - . غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۶۳»

ک، إکمال الـدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیـدِ مَعاً عَنْ سَـعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ فِی حَالِ اسْـتِقَامَتِهِ (۸)عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَمْضِی الْإِمَامُ وَ لَیْسَ لَهُ عَقِبٌ قَالَ لَا یَکُونُ ذَلِکَ

ص: ۳۶

۱- اکمال الدین: ۱۷۷.

۲- علل الشرائع: ۷۶ لم یـذکر فیه صـدره، و فیه: قـال: الأرض لاـ یکون الاـ و فیها عالم یصلحهم و رواه فیه عن ابن الولیـد عن الصفار عن محمّد بن عیسی عن صفوان بن یحیی عن ابن مسکان عن الحسن بن زیاد عن أبی عبد اللّه علیه السلام قال: لا یصلح الناس الا امامهم و لا تصلح الأرض الا بذلک.

۳- فی المصدر: لو لم یبق من أهل الأرض.

۴- اکمال الدین: ۱۱۷. فیه و فی نسخه من الکتاب: او کان الثانی.

۵- اکمال الدین: ۱۳۴ فیه: او کان الثانی.

۶- اکمال الدین: ۱۱۷ فیه: بغیر امام.

۷- غیبه النعمانیّ: ۶۸.

۸- لانه رجع بعد ذلک إلی النصب او الغلوّ علی اختلاف.

قُلْتُ فَيَكُونُ (۱)(مَا ذَا) قَالَ لَا يَكُونُ إِلَّا أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى خَلْقِهِ فَيُعَاجِلَهُمْ (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: زراره گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا ممکن است امام از دنیا برود با اینکه فرزندی نداشته باشد؟ فرمود: نه، چنین چیزی امکان ندارد. عرض کردم: آیا ممکن است روی زمین امام وجود نداشته باشد؟ فرمود: نه، مگر خداوند بخواهد بر مردم خشم بگیرد و تومار زندگی آنها را در هم نوردد. - . کمال الدین: ۱۱۸ -

**[ترجمه]

بیان

قوله فیکون لعله زید من الرواه أو سأله تأکیدا أو فهم من الکلام السابق عدم تحقق ذلک فیما مضی فسأل أنه هل یکون ذلک فیما یستقبل أو أنه سأله بعد ما علم أنه لا یکون إماما (۳)بغیر عقب أنه هل یکون العقب غیر إمام أو هل یکون الدهر بغیر إمام (۴).

**[ترجمه]اینکه راوی سؤال می گوید: آیا ممکن است روی زمین امام وجود نداشته باشد؟ شاید عبارت زائدی از راویان باشد یا سؤال برای تأکید است یا فهم کلام سابق که محقق نشده و دوباره سؤال می کند. پس این گونه می پرسد که آیا در آینده خواهد بود یا اینکه بعد از آنکه فهمید امام بدون فرزند و دنباله نخواهد بود، آیا آن غیر امام است یا اینکه روزگار بدون امام خواهد بود.

**[ترجمه]

«۶۴»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی سَعِیدٍ الْغَضَنْفَرِیِّ (۵)عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ لَوْ بَقِیَتِ الْأَرْضُ یَوْماً بِلَا إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی جَعَلَنَا حُجَّهً فِی أَرْضِهِ وَ أَمَاناً فِی الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَنْ یَزَالُوا فِی أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِیخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَیْنَ أَظْهُرِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ یُهْلِکَهُمْ وَ لَا یُمْهِلَهُمْ وَ لَا یُنْظِرَهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَیْنِهِمْ وَ رَفَعَنَا اللَّهُ ثُمَّ یَفْعَلُ اللَّهُ مَا یَشَاءُ (۶)وَ أَحَبَّ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: عمرو بن ثابت از پدر خود نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: اگر زمین یک روز خالی از امامی از خانواده ما باشد، اهلش را فرو می برد و خدا مردم را به بدترین عذاب شکنجه می کند. خداوند ما را حجت در روی زمین قرار داده و امان برای اهل زمین هستیم، تا وقتی ما در میان آنها باشیم از فرو بردن در امان هستند. اگر خدا تصمیم بگیرد که مردم را هلاک کند و به ایشان مهلت ندهد، ما را از میان آنها بر می دارد و بلند می کند. آنگاه آنچه بخواهد و دوست داشته باشد انجام می دهد. - . کمال الدین: ۱۱۸ -

**[ترجمه]

ک، إکمال الدین الْعَطَّارُ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمْ تَخْلُو (۸)الْأَرْضُ مُنْذُ کَانَتْ مِنْ حُجَّهٍ عَالِمٍ یُحْیِی فِیهَا مَا یُمِیتُونَ مِنَ الْحَقِّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَهَ یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ (۹).

ص: ۳۷

۱- فی المصدر: فکیف و فی نسخه منه: فیکون ما ذا قال: لا یکون ذلک إلا.

۲- اکمال الدین: ۱۱۸.

۳- هکذا فی المطبوع: و فی النسخه المخطوطه: لا یکون الامام.

۴- و علی ما ذکرنا من اختلاف النسخه لا حاجه إلی هذه التأویلات.

۵- فی المصدر: محمّد بن أحمد عن أبی سعید العصفری.

۶- فی نسخه: ما شاء.

۷- اکمال الدین: ۱۱۸.

۸- الصحیح: لم تخل و فی المصدر: قال: سمعته و هو یقول: لم تخل.

۹- اکمال الدین: ۱۲۸. و الآیه فی الصف: ۸.

**[ترجمه]کمال الـدین: عمار گفت: حضـرت صادق علیه السّـلام فرمود: زمین از ابتـدا خالی از حجت عالم و دانایی نبوده که دسـتوراتی را که مردم به دست فراموشـی سپرده انـد و از بین رفته احیـا کنـد. بعـد آن جناب این آیه را تلاوت کرد: «یُرِیـدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» - . صف/ ۸ - {می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گرچه کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گردانید}. - . کمال الدین: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۶۶»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ سَـعْدٍ عَنِ النَّهْدِیِّ عَنْ نَجْم بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ (۱)عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْحُجَّهُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ (۲).

ک، إکمـال الـدین أبی عن الحمیری عن الحسن بن علی الزیتونی عن أبی هلال عن خلف بن حماد عن ابن مسـکان عن محمد بن مسلم عنه علیه السلام مثله (۳)

یر، بصائر الدرجات الهیثم النهدی عن البرقی عن خلف بن حماد مثله (۴).

**[ترجمه]کمال الـدین: ابان بن تغلب نقل کرد که حضـرت صادق علیه السّـلام فرمود: حجت، قبل از مردم و با مردم و بعد از مردم خواهد بود. - . کمال الدین: ۱۲۸ -

کمال الدین و بصائر الدرجات: همین روایت را با اسناد دیگری نقل کرده اند. - . کمال الدین: ۱۳۵ ، بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۶۷»

ک، إکمال الـدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیـدِ مَعاً عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْـحَاقَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی مُحَمَّدٍ الْعَسْـکَرِیِّ علیه السـلام فَقَالَ یَا أَحْمَـدُ مَا کَانَ حَالُکُمْ فِیمَا کَانَ النَّاسُ فِیهِ مِنَ الشَّکِّ وَ الِارْتِیَابِ فَقُلْتُ لَهُ یَا سَیِّدِی لَمَّا وَرَدَ الْکِتَابُ لَمْ یَبْقَ مِنَّا رَجُلٌ وَ لَا امْرَأَهٌ وَ لَا غُلَامٌ بَلَغَ الْفَهْمَ إِلَّا قَالَ بِالْحَقِّ فَقَالَ یَا أَحْمَـدُ أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهٍ وَ أَنَا ذَلِکَ الْحُجَّهُ أَوْ قَالَ أَنَا الْحُجَّهُ (۵).

**[ترجمه]کمـال الـدین: احمـد بن اسـحاق گفت: خـدمت امـام علی النقی علیه السّـلام رسـیدم. فرمـود: احمـد! این حیرت و سرگردانی و شـکی که راجع به تشخیص امام و حجت خدا در مردم است، شما در این مورد چگونه هستید؟ عرض کردم: آقا! همین

که نـامه به مـا رسـید، تمام زن و مرد ما حتی بچه هایی که دارای تمیز و تشـخیص بودنـد، معتقـد به حق شـده و به امامت شـما

اعتراف کردند. فرمود: احمد! مگر نمی دانی که زمین نباید خالی از حجت باشد؟ من همان حجت خدا هستم. یا فرمود: «من حجتم.» - . کمال الدین: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۶۸»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: خَرَجَ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام إِلَی بَعْضِ رِجَالِهِ فِی عَرْضِ کَلَامٍ لَهُ مَا مُنِیَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِی بِمَا مُنِیتُ بِهِ مِنْ شَکِّ هَذِهِ الْعِصَابَهِ فِیَّ فَإِنْ کَانَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْراً اعْتَقَدْتُمُوهُ وَ دِنْتُمْ بِهِ إِلَی وَقْتٍ فَلِلشَّکِّ مَوْضِعٌ وَ إِنْ کَانَ مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَا مَعْنَی هَذَا الشَّکِّ (۶).

**[ترجمه]کمال الدین: احمد بن اسحاق گفت: در ضمن فرمایشی که حضرت امام حسن عسکری با یکی از اصحاب داشت، فرمود: هیچ یک از آباء و اجدادم مانند من گرفتار شک مردم در امامتشان نشده اند. اگر شما معتقد به امامتی شده اید که محدود و موقتی است و تا یک وقت معین این امامت خواهد بود، می توانید در امامت من شک داشته باشید و اما اگر امامت دوام دارد، تا آخر دنیا خواهد بود. پس این شک موردی ندارد. - . کمال الدین: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

یقال منی بکذا علی بناء المجهول أی ابتلی به قوله إلی وقت

ص: ۳۸

۱- فی النسخه المطبوعه: (عن نجم محمّد بن خالد) و فیه تصحیف، و فی المصدر: الهیثم بن أبی مسروق النهدی عن محمّد بن خالد عن نجم بن خالد البرقی عن خالد بن حماد.

۲- اکمال الدین: ۱۲۸.

۳- اکمال الدین: ۱۳۵. فیه: عن ابن هلال.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۳ فیه: خلف بن حماد عن أبان بن تغلب.

۵- اکمال الدین: ۱۲۸. فیه: (فقال: احمد اللّه علی ذلک یا أحمد) و فیه، و انا الحجه.

۶- اکمال الدین: ۱۲۸ فیه، و دنتم به إلی وقت ثمّ ینقطع فللشک.

حاصله أنكم إذا اعتقدتم و دنتم به إلى دين الإماميه (۱)فيلزمكم القول بكل ما فيه و منها القول بعدم توقيت تعيين الإمام إلى وقت و عدم انقطاع الخلافه عن الأرض إلى انقضاء الدنيا فإذا قلتم ذلک فلا مجال للشک لظهور كونى أقرب الناس إلى الإمام الأول و أولى الناس بهذا الأمر و المراد بأمور الله تعالى تكاليفه و أحكامه.

**[ترجمه]عبارت بنا بر مجهول گذاشته شده است، یعنی مبتلا به این امر شده ام که تا هر وقتی که می دانید، اگر معتقد و متدین به مذهب امامیه شدید باید همه چیزش را بپذیرید و از این ملزومات آنکه وقت و زمانی برای امام تعیین نکنید. خلافت در زمین تا پایان دنیا منقطع نمی شود، اگر این را گفتید دیگر تردیدی باقی نمی ماند. نزدیک ترین مردم به امام و شایسته ترین به این امر باشید. منظور از امور خدا، تکالیف و احکام اوست.

**[ترجمه]

«۶۹»

ک، إكمال الدين ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ وَ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِيِّ جَمِيعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ وَ الْوَشَّاءِ مَعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا (۲)مِنَّا رَجُلٌ يَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِيهِ قَالَ قَدْ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا وَ إِذَا جَاءُوا بِهِ صَدَّقَهُمْ وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِکَ كَذَلِکَ لَمْ يُعْرَفِ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ قَالَ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ عَوَّاضٍ الطَّائِيُّ بِالَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَسَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ مِنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام بِاللَّهِ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَسَمِعْتُهُ مِنْهُ (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: حسین بن ابی حمزه ثمالی از پدر خود نقل کرد که گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: زمین خالی از وجود امامی از ما خانواده نیست که معرف حق و واقعیت باشد. هر گاه مردم چیزی در دین بیفزایند او اعلام می کند و اگر بکاهند، باز مردم را متوجه خواهد کرد. اما در صورتی که مطابق واقع انجام دهند، آنها را تصدیق می کند. اگر چنین نبود، حق از باطل تشخیص داده نمی شد.

عبدالحمید بن عواض طایی گفت: قسم به پروردگاری که جز او آفریننده ای نیست، عین این حدیث را من خودم از حضرت باقر شنیدم. به خداوند یکتای بی همتا همین حدیث را از آن جناب شنیدم. - . کمال الدین: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷۰»

ک، إكمال الدين أَبِی عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِيِّ مَعاً عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ وَ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ عَلِيّاً علیه السلام عَالِمُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ وَ لَيْسَ يَهْلِکُ مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا تَرَکَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِی مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ (۴).

**[ترجمه]کمال الدين: محمّد بن مسلم نقل کرد که حضرت باقر عليه السّلام فرمود: على عليه السّلام عالم اين امت است و علم به ارث واگذار مى شود، هيچ يک از خانواده ما نيست مگر اينکه جانشينى دارد که به اندازه او يا آن قدر که خدا بخواهد داراى علم است. - . کمال الدين: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷۱»

ک، إكمال الدين بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رِبْعِيٍّ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام قَالا- إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِى أُهْبِطَ مَعَ آدَمَ لَمْ يُرْفَعْ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ مِنَ الْعِلْمِ وَ آثَارِ الرُّسُلِ وَ الْأَنْبِيَاءِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ وَ هُوَ بَاطِلٌ وَ إِنَّ عَلِيّاً عليه السلام عَالِمُ هَذِهِ الْأُمَّهِ وَ إِنَّهُ لَنْ يَمُوتَ مِنَّا عَالِمٌ إِلَّا خَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ (۵).

۱- فى نسخه: (بدين الإماميّه) و فى النسخه المخطوطه: بدين اللّه.

۲- فى النسخه المخطوطه: و فيها امام منا.

۳- اكمال الدين: ۱۲۹ فيه: باللّه الذى لا إله إلّا هو لقد سمعت هذا الحديث.

۴- اكمال الدين: ۱۲۹.

۵- اكمال الدين: ۱۲۹.

**[ترجمه]کمال الدین: فضیل بن یسار گفت: از حضرت صادق و حضرت باقر علیهما السّلام شنیدم که فرمودند: علمی که با آدم به زمین آمـد از بین نرفته و به ارث واگـذار می شود. هر علم و آثـاری از پیـامبران و انبیـاء منحصـر به این خانواده است و دیگری اگر مـدعی شود، باطل خواهـد بود. علی علیه السّـلام عالم این امت است و هیـچ یک از ما خانواده نخواهـد مرد، مگر اینکه جانشینی از خود باقی می گذارد که به اندازه او یا آنچه خداوند بخواهد عالم است. - . کمال الدین: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷۲»

ک، إکمال الدین بِهَذَا الْإِسْـنَادِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ وَ فَضَالَهَ (۱)بْنِ أَیُّوبَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ قَالَ سَـمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تُتْرَکُ إِلَّا وَ عَالِمٌ (۲)یَعْلَمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ مَا یَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْهِ وَ لَا یَحْتَاجُ إِلَی النَّاسِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ عَلِمَ مَا ذَا فَقَالَ وِرَاثَهٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ علیه السلام (۳).

**[ترجمه]کمـال الـدین: حـارث بن مغیره گفت: از حضـرت صـادق علیه السّـلام شـنیدم که می فرمود: زمین را از عـالمی که اطلاع از حلال و حرام و نیازهای مردم داشـته باشـد خالی نمی گذارند. عرض کردم: فدایت شوم! چگونه علمی است؟ فرمود: علمی که به ارث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السّلام به او رسیده است. - . کمال الدین: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷۳»

ک، إکمال الدین بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ فَضَالَهَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَلْ تَکُونُ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِیهَا إِمَامٌ قَالَ لَا تَکُونُ إِلَّا وَ فِیهَا إِمَامٌ لِحَلَالِهِمْ وَ حَرَامِهِمْ وَ مَا یَحْتَاجُونَ إِلَیْهِ (۴).

**[ترجمه]کمـال الـدین: حسن بن زیـاد گفت: به حضـرت صادق علیه السّـلام عرض کردم: آیا ممکن است زمین بـدون امام باشـد؟ فرمود: هرگز، پیوسـته در روی زمین امـامی هست که عارف به حلال و حرام و احتیاجات مردم است. - . کمال الـدین: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷۴»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ یُونُسَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ لَمْ یَتْرُکِ اللَّهُ الْأَرْضَ بِغَیْرِ عَالِمٍ یَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْهِ وَ لَا یَحْتَاجُ إِلَیْهِمْ یَعْلَمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ بِمَا ذَا یَعْلَمُ قَالَ بِمَوَارِیثِهِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مِنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۵).

**[ترجمه]کمال الـدین: حارث بن مغیره گفت: از امام صادق علیه السّـلام شـنیدم که فرمود: خداوند زمین را بدون عالمی که مردم به او احتیاج دارنـد رها نمی کنـد. اما او به مردم نیازی ندارد، او حلال و حرام را می داند. عرض کردم: فدایت گردم! از کجا می داند؟ فرمود: از میراث پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السّلام. - . کمال الدین: ۱۲۹ - ۱۳۰ -

**[ترجمه]

«۷۵»

ک، إکمال الـدین بِهَذَا الْإِسْـنَادِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَـمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَ آدَمَ لَمْ یُرْفَعْ وَ مَا مَاتَ مِنَّا عَالِمٌ إِلَّا وَرَّثَ عِلْمَهُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَی بِغَیْرِ عَالِمٍ (۶).

**[ترجمه]کمال الدین: با همان سـند قبلی، حضرت صادق علیه السّلام فرمود: علمی که با آدم علیه السّلام نازل شد و باز نمی گردد. از ما کسـی نمی میرد، مگر آنکه علمش را به میراث می گذارد؛ زمین بدون عالم باقی نمی ماند. - . کمال الدین: ۱۳۰ -

**[ترجمه]

«۷۶»

ک، إکمـال الـدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیـدِ مَعـاً عَنْ سَـعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنِ ابْنِ یَزِیـدَ عَنْ عَبْـدِ اللَّهِ الْغِفَـارِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ وَ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ مَعاً عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ

۱- فی المصدر: عن فضاله بن أیّوب.

۲- فی المصدر: الا بعالم.

۳- اکمال الدین: ۱۲۹ فیه: علم بما ذا؟ قال: وراثه عن رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و علیّ علیه السلام.

۴- اکمال الدین: ۱۲۹. فیه: و فیها امام عالم لحلالهم و لحرامهم.

۵- اکمال الدین: ۱۲۹ و ۱۳۰ فیه: بوراثه.

۶- اکمال الدین: ۱۳۰ فیه: ورث علمه من بعده.

عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لَا یَزَالُ فِی وُلْدِی مَأْمُونٌ مَأْمُولٌ (۱).

**[ترجمه]کمال الدین: جعفر بن ابراهیم و حسین بن زید هر دو از حضرت صادق علیه السّلام نقل کردند که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرموده است: آن شخصیتی که مورد اطمینان و ملجا و پناه مردم است (یعنی امام)، پیوسته در میان فرزندان من خواهد بود. - . کمال الدین: ۱۳۲ - ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۷۷»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ وَ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ جَمِیعاً عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ سَالِمَ بْنَ أَبِی حَفْصَةَ یَلْقَانِی فَیَقُولُ لِی أَ لَسْتُمْ تَرْوُونَ أَنَّهُ مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتَتُهُ مَوْتَةٌ جَاهِلِیَّةٌ فَأَقُولُ لَهُ بَلَی فَیَقُولُ قَدْ مَضَی أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَمَنْ إِمَامُکُمُ الْیَوْمَ فَأَکْرَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَنْ أَقُولَ لَهُ جَعْفَرٌ علیه السلام فَأَقُولُ أَئِمَّتِی آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَیَقُولُ لِی مَا أَرَاکَ صَنَعْتَ شَیْئاً فَقَالَ علیه السلام وَیْحَ سَالِمِ بْنِ أَبِی حَفْصَةَ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ هَلْ یَدْرِی سَالِمٌ مَا مَنْزِلَهُ الْإِمَامِ إِنَّ مَنْزِلَهَ الْإِمَامِ أَعْظَمُ مِمَّا یَذْهَبُ إِلَیْهِ سَالِمٌ وَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ فَإِنَّهُ لَنْ یَهْلِکَ مِنَّا إِمَامٌ قَطُّ إِلَّا تَرَکَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ یَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِهِ وَ یَسِیرُ مِثْلَ سِیرَتِهِ وَ یَدْعُو إِلَی مِثْلِ الَّذِی دَعَا إِلَیْهِ فَإِنَّهُ لَمْ یَمْنَعِ اللَّهُ مَا أَعْطَی دَاوُدَ أَنْ أَعْطَی سُلَیْمَانَ أَفْضَلَ مِنْهُ (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: ابو عبیده گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم! سالم بن ابی حفصه هر وقت مرا می بیند می پرسد مگر شما روایت نمی کنید که هر کس بمیرد و امام زمانی نداشته باشد، به مانند مردم جاهلیت از دنیا رفته است؟ می گویم چرا. سؤال می کند پس بگو که بعد از مرگ ابو جعفر (حضرت باقر علیه السّلام) امام شما کیست؟ من در جواب او نمی خواهم بگویم حضرت صادق جعفر بن محمّد علیه السّلام، اما می گویم امام و پیشوایان ما از آل محمّد هستند. می گوید اعتقاد صحیحی نداری و کاری از پیش نبرده ای.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: وای بر سلام بن ابی حفصه! خدایش لعنت کند! آیا او می داند امام دارای چه منزلت و موقعیتی است؟ مقام امام بسیار بالاتر است از آن است که سالم بن ابی حفصه و مردم معتقدند. هرگز از ما خانواده کسی نخواهد مرد، مگر اینکه کسی را به جانشینی خود دارد که دارای علم او است و مانند او رفتار می کند و به همان راهی که او مردم را دعوت می کرد، دعوت می کند. کسی جلوی خدا را نگرفته که آنچه به داود داد به سلیمان که پسر او بود، بهتر از آن را عنایت کند. - . کمال الدین: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۷۸»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الرَّبِیعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِمِیِّ (۳)عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ الْعَامِرِیِّ

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ تَعَالَی ذِکْرُهُ فِیهَا حُجَّهٌ یَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ یَدْعُو إِلَی سَبِیلِ اللَّهِ وَ لَا تَنْقَطِعُ الْحُجَّهُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِینَ یَوْماً قَبْلَ یَوْمِ الْقِیَامَهِ فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّهُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَهِ وَ لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّهُ أُولَئِکَ شِرَارُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ وَ هُمُ الَّذِینَ یَقُومُ عَلَیْهِمُ الْقِیَامَهُ (۴).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن علی بن الحکم عن ربیع بن محمد المسلی مثله (۵)

ص: ۴۱

۱- اکمال الدین : ۱۳۲ و ۱۳۳.

۲- اکمال الدین: ۱۳۳.

۳- هکذا فی الکتاب و فی البصائر و المحاسن: و فی الاکمال مسکی و کلاهما مصحفان عن المسلی، منسوب إلی مسیله: ابو بطن من مذحج، و هو مسیله بن عامر بن عمرو ابن عله بن جلد بن مالک بن ادد. و مالک هو مذحج.

۴- اکمال الدین: ۱۳۳ فیه: اغلقت أبواب التوبه.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۱.

سن، المحاسن علی بن الحکم عن المسلی مثله (۱).

**[ترجمه]کمال الـدین: عبداللَّه بن سلیمان عامری از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: زمین پیوسـته از جانب خـدای بزرگ دارای حجت و امامی است که عارف به حلال و حرام است و مردم را به راه خـدا دعوت می کنـد. و هیچ وقت زمین بـدون حجت نخواهـد بود، مگر چهل روز قبل از برپا شدن قیامت. وقتی حجت از روی زمین برداشـته شد، دیگر در توبه بسته می شود و اگر کسـی قبلا ایمان نیاورده باشـد، بعد از آن دیگر ایمان آوردن برایش سودی نخواهد داشت. چنین مردمی بدترین خلق خدا هستند و قیامت بر همین مردم به پا می شود. - . کمال الدین: ۱۳۳ -

بصائر الدرجات و محاسن: همین روایت را با اختلاف در سند نقل کرده اند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۱ ، محاسن: ۲۳۶ -

**[ترجمه]

«۷۹»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ صَـفْوَانَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ أَنْ یَکُونَ فِیهَا إِمَامٌ مِنَّا (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: صـفوان از امام رضا علیه السّلام نقل می کند که فرمود: زمین خالی از امامی از ما نمی ماند. - . کمال الدین: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۸۰»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ عُقْبَهَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَدْ بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ وَ لَیسَ لَکَ وَلَدٌ فَقَالَ یَا عُقْبَهُ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَا یَمُوتُ حَتَّی یَرَی وَلَدَهُ مِنْ بَعْدِهِ (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: بزنطی از عقبه بن جعفر نقل می کند که به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: آقا! شما به این سن رسیده اید با اینکه دارای فرزندی نیستید. فرمود: عقبه صاحب مقام امامت از دنیا نمی رود، مگر اینکه فرزند خود و امام بعد از خویش را می بیند. - . کمال الدین: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۸۱»

ک، إکمال الدین أَبِی (۴)وَ ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْبَطَائِنِیِّ (۵)عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ

اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَجَلَّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ یَتْرُکَ الْأَرْضَ بِغَیْرِ إِمَامٍ عَدْلٍ (۶).

**[ترجمه]کمال الدین: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند بزرگ تر و کریم تر است از آن است زمین را خالی از پیشوای عادل و امام بگذارد. - . کمال الدین: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۸۲»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا تَبْقَی الْأَرْضُ یَوْماً وَاحِداً بِغَیْرِ إِمَامٍ مِنَّا تَفْزَعُ إِلَیْهِ الْأُمَّهُ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: ابن ابی یعفور گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: یک روز زمین خالی از امامی که از ما خانواده است نخواهد بود که امت در گرفتاری های خود به او پناه برند. - . کمال الدین: ۱۳۴ -

**[ترجمه]

«۸۳»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْحَارِثِ بْنِ نَوْفَلٍ قَالَ: قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ مِنَّا الْهُدَاهُ أَمْ مِنْ غَیْرِنَا قَالَ لَا بَلْ مِنَّا الْهُدَاهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ بِنَا اسْتَنْقَذَهُمُ اللَّهُ مِنْ ضَلَالَهِ الشِّرْکِ وَ بِنَا یَسْتَنْقِذُهُمُ اللَّهُ مِنْ ضَلَالَهِ الْفِتْنَهِ وَ بِنَا یُصْبِحُونَ

۱- المحاسن: ۲۳۶.

۲- اکمال الدین: ۱۳۳ فیه: ابن الولید عن سعد و الحمیری.

۳- اکمال الدین: ۱۳۳. فیه: عتبه بن جعفر.

۴- اقتصر فی المصادر علی روایته عن ابن المتوکل.

۵- فی المصدر: علی بن أبی حمزه الثمالی قوله: البطائنی مصحف.

۶- اکمال الدین: ۱۳۳.

۷- اکمال الدین: ۱۳۴ فیه: عبد اللّه بن جعفر الحمیری «عن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی خ» عن أحمد بن محمّد بن عیسی.

إِخْوَاناً بَعْدَ الضَّلَالَهِ (۱).

**[ترجمه]کمال الدین: عبدالرحمن بن سلیمان از پدر خود نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام از حارث بن نوفل نقل کرد که علی علیه السّلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: آیا راهنمایان از ما خانواده هستند یا از خانواده دیگری؟

پیامبر اکرم فرمود: نه، از ما خانواده هستند تا روز قیامت. خداوند به واسطه ما خانواده، آنها را از بت پرستی و شرک نجات بخشیده و به واسطه ما نیز از گمراهی فتنه نجات خواهد بخشید. آنها پس از گمراهی به وسیله ما برادر یکدیگر می شوند. - . کمال الدین: ۱۳۴ -

**[ترجمه]

«۸۴»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنِ ابْنِ عِیسَی وَ الْیَقْطِینِیِّ مَعاً عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ وَ صَفْوَانَ مَعاً عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَلْ کَانَ النَّاسُ إِلَّا وَ فِیهِمْ مَنْ قَدْ أُمِرُوا بِطَاعَتِهِ مُنْذُ کَانَ نُوحٌ قَالَ لَمْ یَزَلْ کَذَلِکَ وَ لَکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ (۲).

سن، المحاسن أبی عن صفوان عن المعلی بن خنیس مثله (۳)

ک، إکمال الدین أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ وَ فِیهِ أَمِینٌ قَدْ أُمِرُوا وَ قَالَ لَمْ یَزَالُوا (۴)

**[ترجمه]کمال الدین: معلی بن خنیس گفت: از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم که آیا در زمان نوح پیوسته میان مردم امامی وجود داشته که مأمور به اطاعت از او بوده اند؟ فرمود: آری، اما بیشتر مردم ایمان نداشته اند. - . کمال الدین: ۱۳۴ -

محاسن و کمال الدین: همین روایت را آورده اند. - . محاسن: ۲۳۵ ، کمال الدین: ۱۳۵ -

**[ترجمه]

«۸۵»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَهَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَوْ لَمْ یَکُنْ فِی الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّهَ وَ لَوْ ذَهَبَ أَحَدُهُمَا بَقِیَ الْحُجَّهُ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: حمزه بن حمران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اگر در روی زمین فقط دو نفر

باشند، یکی از آن دو حجت و امام است؛ اگر یکی از دنیا برود، امام باقی می ماند. - . کمال الدین: ۱۳۵ -

**[ترجمه]

«۸۶»

ك، إكمال الدين ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ يَزِيدَ الْكُنَاسِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لَيْسَ تَبْقَى الْأَرْضُ يَا أَبَا خَالِدٍ يَوْماً وَاحِداً بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ وَ لَمْ يَبْقَ (۶)مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ وَ أَسْكَنَهُ الْأَرْضَ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: هشام بن سالم از یزید کناسی نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: ابا خالد! هرگز زمین یک روز خالی از حجت خدا بر مردم نیست و از روزی که آدم را خدا در زمین جای داده، خالی نبوده است. - . کمال الدین: ۱۳۵ -

**[ترجمه]

«۸۷»

ك، إكمال الدين ابْنُ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِيِّ مَعاً عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ

۱- اکمال الدین: ۱۳۴ فیه: (بل منا الهداه إلی اللّه إلی یوم القیامه) و فیه: و بنا استنقذهم من ضلاله الفتنه، و بنا یصبحون اخوانا بعد ضلاله الفتنه، کما بنا اصبحوا اخوانا بعد ضلاله الشرک، و بنا یختم اللّه کما بنا یفتح.

۲- اکمال الدین: ۱۳۴. فیه: ابا جعفر أبا عبد اللّه خ علیه السلام و فیه: لم یزالوا.

۳- المحاسن: ۲۳۵ فیه: لم یزالوا کذلک.

۴- اکمال الدین: ۱۳۵.

۵- اکمال الدین: ۱۳۵.

۶- فی النسخه المخطوطه: و لم تبق.

۷- اکمال الدین: ۱۳۵ فیه: فأسکنه الأرض.

صفوان ، عن عبدالله بن خراش عن أبی عبدالله علیه السلام قال : سأله رجل فقال : لن تخلو الارض ساعه إلا وفیها إمام؟ قال : لا تخلو الارض من الحق(۱).

**[ترجمه]کمال الدین: عبداللّه بن خراش از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که مردی از آن جناب پرسید: آیا ممکن است زمین ساعتی خالی از حجت باشد؟ فرمود: زمین خالی از حق و (راهنما) نیست - . کمال الدین: ۱۳۵ - .

**[ترجمه]

«۸۸»

ک، إکمال الدین ابْنُ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ ابْنِ بَشَّارٍ (۲)قَالَ: قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ خَالِدٍ لِلرِّضَا علیه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ إِمَامٍ قَالَ لَا (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: ابن بشار گفت: من در خدمت حضرت رضا علیه السّلام بودم که حسین ابن خالد پرسید: آیا ممکن است زمین خالی از امام باشد؟ فرمود: نه. - . کمال الدین: ۱۳۵ - ۱۳۶ -

**[ترجمه]

«۸۹»

یر، بصائر الدرجات الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِیهَا مِنَّا رَجُلٌ یَعْرِفُ الْحَقَّ فَإِذَا زَادَ النَّاسُ فِیهِ شَیْئاً قَالَ زَادُوا وَ إِذَا نَقَصُوا مِنْهُ قَالَ قَدْ نَقَصُوا(۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو حمزه از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: زمین خالی از ما نمی ماند. کسی که حق را می شناسد، اگر مردم چیزی بر آن اضافه کنند می گوید زیاد کردید و اگر از آن بکاهند، می گوید کم کردید. - . بصائر الدرجات: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۹۰»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی وَ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ وَ الْیَقْطِینِیِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ جَمِیعاً عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنِ الْحَجَّاجِ الْخَشَّابِ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُوذَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ کَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ کُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: معروف بن خرّبوذ گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: پیامبر اکرم فرموده است:

مثل اهل بیت من مانند ستارگان آسمان است؛ هر گاه ستاره ای پنهان شود، ستاره ای دیگر می درخشد. - . کمال الدین: ۱۶۴ -

**[ترجمه]

«۹۱»

ک، إكمال الدين أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِيدِ وَ مَاجِيلَوَيْهِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْقَاسِمِ عَنِ الْكُوفِيِّ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ (۶)عَنْ فَضْلِ بْنِ خَدِيجٍ (۷)عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّخَعِيِّ وَ حَدَّثَنَا ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ وَ سَعْدٌ وَ الْحِمْيَرِيُّ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ عِيسَى وَ ابْنِ هَاشِمٍ مَعاً عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ كُمَيْلٍ

ص: ۴۴

۱- اكمال الدين : ۱۳۵ فيه : تخلو الارض لا يكون فيها امام؟

۲- فی النسخه المخطوطه: الحسن بن بشار.

۳- اكمال الدين: ۱۳۵ و ۱۳۶.

۴- بصائر الدرجات: ۹۶ فيه و فی النسخه المخطوطه: فقد زادوا.

۵- اكمال الدين: ۱۶۴.

۶- فی المصدر المطبوع: (عمر بن سعيد) و فی نسخه: محمّد بن سعيد.

۷- لعل الصحيح: فضيل بن خديج كما يأتی.

وَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ (۱)عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ ضِرَارِ بْنِ صُرَدَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ (۲)عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كُمَيْلٍ وَ حَدَّثَنَا الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْهَرَوِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ الْحَنْظَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى الْفَزَارِيِّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ اللَّفْظُ لِلْفَضْلِ بْنِ خَدِيجٍ (۳)عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: أَخَذَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام بِيَدِي فَأَخْرَجَنِي إِلَى ظَهْرِ الْكُوفَهِ فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ ثُمَّ قَالَ يَا كُمَيْلُ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا احْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ فَيَهْتَدُوا (۴)وَ لَمْ يَلْجَئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ فَيَنْجُوا (۵)يَا كُمَيْلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَهُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ يَا كُمَيْلُ مَحَبَّهُ (۶)الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ بِهِ الطَّاعَهَ فِي حَيَاتِهِ (۷)وَ جَمِيلَ الْأُحْدُوثَهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ

۱- فی المصدر: عبد اللّه بن عبد الوهاب بن نصر بن عبد الوهاب القرشیّ.

۲- فی النسخه المخطوطه و فی المصدر: عن عاصم بن حمید عن الثمالی عن عبد الرحمن عن کمیل.

۳- فی المصدر: و اللفظ لفضیل بن خدیج أقول: فی لسان المیزان أیضا: فضیل ابن خدیج راجع ج ۴: ۴۵۳.

۴- النسخه المخطوطه و المصدر خالیان من قوله: فیهتدوا. و قوله: فینجوا.

۵- النسخه المخطوطه و المصدر خالیان من قوله: فیهتدوا. و قوله: فینجوا.

۶- فی نسخه: معرفه العلم.

۷- فی المصدر: یکسب الإنسان به الطاعه.

صَنِيعُ (۱)الْمَـالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ يَا كُمَيْلُ هَلَكَ خُزَّانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءٌ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الـدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ هَا (۲)إِنَّ هَاهُنَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ لَعِلْماً جَمّاً لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً بَلَى أُصِيبُ (۳)لَقِنَا غَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ مُسْتَعْمِلًا (۴)آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَ مُسْـتَظْهِراً بِنِعَمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ بِحُجَجِهِ عَلَى أَوْلِيَائِهِ أَوْ مُنْقَاداً لِحَمَلَهِ (۵)الْحَقِّ لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَائِهِ يَنْقَدِحُ الشَّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبْهَهٍ الْأُمَّهِ (۶)لَا ذَا وَ لَا ذَاكَ أَوْ مَنْهُوماً بِاللَّذَّهِ سَلِسَ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَهِ (۷)أَوْ مُغْرَماً بِالْجَمْعِ وَ الِادِّخَارِ لَيْسَـا مِنْ رُعَاهِ الـدِّينِ فِي شَيْ ءٍ أَقْرَبُ شَبَهاً بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَهُ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَجِهِ إِمَّا ظَاهِراً مَشْـهُوراً أَوْ خَائِفاً مَغْمُوراً (۸)لِئَلَّا تَبْطُـلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ كَمْ ذَا وَ أَيْنَ أُولَئِكَ أُولَئِكَ وَ اللَّهِ الْأَقَلُّونَ عَدَداً وَ الْأَعْظَمُونَ قَدْراً (۹)بِهِمْ يَحْفَـظُ اللَّهُ حُجَجَهُ وَ بَيِّنَاتِهِ حَتَّى يُودِعُوهَا نُظَرَاءَهُمْ وَ يَزْرَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْـبَاهِهِمْ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَهِ الْبَصِـيرَهِ وَ بَاشَرُوا (۱۰)رُوحَ الْيَقِينِ وَ اسْـتَلَانُوا مَا اسْـتَوْعَرَ الْمُتْرَفُونَ وَ أَنِسُوا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ وَ صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحُهَا مُعَلَّقَهٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى يَا كُمَيْلُ أُولَئِكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ

۱- فی المصدر: و منفعه المال تزول بزواله.

۲- فی المصدر: هاه.

۳- فی المصدر: بل اصبت و فی النهج: بلی أصیب.

۴- فی المصـدر: یسـتعمل آله الـدین فی الـدنیا، و یسـتظهر بحجـج اللّه عزّ و جلّ علی خلقه و بنعمته علی عباده لتتخـذ الضـعفاء ولیجه دون ولی الحق، او منقادا.

۵- فی نسخه مصحّحه من المصدر: او منقادا لجمله الحق.

۶- هکذا فی نسخه مصحّحه من المصدر، و فی المطبوع: من شبهه، الا لا ذا و لا ذاک.

۷- فی المصدر: او منهوما باللذات، سلس القیاد للشهوات.

۸- فی المصدر: اما ظاهر مشهور او خاف مغمور.

۹- فی المصدر: (و الاعظمون خطرا) اقول: ای قدرا.

۱۰- فی المصدر: هجم بهم العلم علی حقائق الأمور فباشروا.

فِی أَرْضِهِ وَ الدُّعَاهُ إِلَی دِینِهِ آهِ آهِ (۱)شَوْقاً إِلَی رُؤْیَتِهِمْ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِی وَ لَکَمْ.

وَ فِی رِوَایَهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ فَانْصَرِفْ إِذَا شِئْتَ.

وَ حَدَّثَنَا بِهَذَا الْحَدِیثِ الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّرَّاجُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِی صَالِحٍ عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْحَاقَ الْقَاضِی عَنْ ضَرَارٍ (۲)عَنْ عَاصِمٍ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ کُمَیْلٍ قَالَ: أَخَذَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام بِیَدِی وَ أَخْرَجَنِی إِلَی نَاحِیَهِ الْجَبَّانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ جَلَسَ ثُمَّ قَالَ یَا کُمَیْلُ احْفَظْ عَنِّی مَا أَقُولُ لَکَ الْقُلُوبُ أَوْعِیَهٌ فَخَیْرُهَا أَوْعَاهَا وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فِیهِ بَلَی (۳)لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّهٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَیِّنَاتُهُ وَ لَمْ یَذْکُرْ فِیهِ ظَاهِراً مَشْهُوراً وَ لَا خَائِفاً مَغْمُوراً (۴)وَ قَالَ فِی آخِرِهِ إِذَا شِئْتَ فَقُمْ.

وَ أَخْبَرَنَا بِهِ بَکْرُ بْنُ عَلِیٍّ الشَّاشِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْبَزَّازِ الشَّافِعِیِّ عَنْ ضَرَارٍ (۵)عَنْ عَاصِمٍ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ کُمَیْلٍ قَالَ: أَخَذَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام بِیَدِی إِلَی (۶)نَاحِیَهِ الْجَبَّانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ جَلَسَ ثُمَّ تَنَفَّسَ ثُمَّ قَالَ یَا کُمَیْلَ بْنَ زِیَادٍ احْفَظْ مَا أَقُولُ لَکَ الْقُلُوبُ أَوْعِیَهٌ فَخَیْرُهَا أَوْعَاهَا النَّاسُ ثَلَاثَهٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِیٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَی سَبِیلِ نَجَاهٍ وَ هَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ کُلِّ نَاعِقٍ وَ ذَکَرَ الْحَدِیثَ بِطُولِهِ إِلَی آخِرِهِ.

۱- فی المصدر: های های و فی نسخه منه: آه آه.

۲- فی المصدر: (قال: حدّثنا أبو نعیم إبراهیم بن صرار بن صرار) و الظاهر أنّه مصحف، و صحیحه: ابو نعیم ضرار بن صرد. راجع تقریب التهذیب: ۲۳۹.

۳- فی المصدر: اللّهمّ بلی.

۴- فی المصدر: ظاهر أو خاف مغمور.

۵- فی المصدر: بعد الشافعی: قال: حدّثنا موسی بن إسحاق قال: حدّثنا ضرار بن ضرر. أقول: هو مصحف صرد.

۶- فی المصدر: فأخرجنی إلی ناحیه.

وَ حَدَّثَنَا بِهِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسْوَارِيُّ عَنْ مَكِّيِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّيْرَفِيِّ (۱)عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَاصِمٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كُمَيْلٍ قَالَ: أَخَذَ بِيَدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَّانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ جَلَسَ ثُمَّ تَنَفَّسَ ثُمَّ قَالَ يَا كُمَيْلَ بْنَ زِيَادٍ الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ.

وَ حَدَّثَنَا بِهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّقْرِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ ضِرَارٍ عَنْ عَاصِمٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ كُمَيْلٍ وَ حَدَّثَنَا بِهِ أَبُو مُحَمَّدٍ بَكْرُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّاشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيِّ عَنْ بَشِيرِ بْنِ مُوسَى (۲)عَنْ عُبَيْدِ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ بْنِ الْحَبَاجِ (۳)عَنْ هِشَامِ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّائِبِ عَنْ أَبِي مِخْنَفٍ لُوطِ بْنِ يَحْيَى عَنْ فُضَيْلِ بْنِ خَدِيجٍ عَنْ كُمَيْلٍ قَالَ: أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام بِالْكُوفَهِ فَخَرَجْنَا حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الْجَبَّانِ (۴)وَ ذَكَرَ فِيهِ اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَجِهِ ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ بَاطِنٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ وَ قَالَ فِي آخِرِهِ انْصَرِفْ إِذَا شِئْتَ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: حدیث زیر را به پنج طریق از کمیل بن زیاد نقل می کند:

عاصم بن حمید از ثمالی و او از عبدالرحمن، از کمیل بن زیاد نقل می کند (الفاظ حدیث از فضل بن خدیج است) که کمیل بن زیاد گفت: امیرالمؤمنین علیه السّلام دست مرا گرفت و از کوفه خارج کرد. همین که داخل بیابان شد، آهی کشید و فرمود: کمیل! این دل ها گنجینه دانش هستند. بهترین آنها دلی است که ظرفیت آن بیشتر باشد. آنچه به تو می آموزم به خاطر بسپار: مردم سه دسته هستند: عالم ربانی؛ دانشجویی که در راه رستگاری است؛ و گروهی که احمق و نادانند، همچون پشه های ریز که بر سر و گوش چارپایان اجتماع دارند، به هر صدایی گوش فرا داده و پیروی می کنند و با هر بادی که بوزد، تغییر جهت می دهند. آنها از نور دانش بهره ای نبرده اند که موجب هدایت آنها شود و به پایگاهی استوار پناه نیاورده اند تا نجات یابند.

ای کمیل! علم و دانش بهتر از مال است، زیرا دانش تو را نگهبان و حافظ است و اما تو باید مال را نگهبانی کنی؛ مال با بخشش کم می شود، اما دانش با آموزش افزون می گردد. ای کمیل! علاقه به علم و دانش آیینی است که - به آن آیین درآ! - به وسیله آن انسان کسب طاعت می کند و زیباترین ارمغان ها را برای آخرت ذخیره می نماید. ارزش مال با از دست دادن آن از بین می رود. ای کمیل! گنجوران در حال زندگی مرده اند، ولی دانشمندان تا دامنه قیامت زنده و پایدارند، گرچه پیکر آنها از میان رفته است، اما قیافه همیشه آنان در دل ها وجود دارد.

دقت کن! در اینجا (به سینه خود اشاره کرد) انبوهی گران از دانش است که اگر کسی را بیابم که شایسته تعلیم باشد، به او می آموزم. آری، پیدا می شوند، اما کسانی هستند که به آنها اطمینان نیست، دین را در راه هوس های دنیا به کار می برند و با نعمت خداداد، خود را بر دیگران برتری می دهند و دلایل و حجت های خدا را در راه نابودی دوستان خدا بکار می برند. ممکن است تا حدودی پیرو حق باشند، اما بینش و بصیرتی در به کار بردن آن ندارند. یا شیفته و فریفته غرایز و لذت ها است که اسیر شهوت است یا گرفتار جمع کردن مال و بر هم انباشتن زر و سیم است که لیاقت رهبری دین را ندارد. بسیار شباهت دارند به چارپایان، چه اگر به این دلیل علم از میان می رود، به واسطه نبودن کسانی که شایستگی حمل آن را داشته باشند.

اما نه خـدایا! هرگز زمین خالی از حجت نیست که قیام با دلایل برای خـدا نماید یا ظاهر و آشـکار باشد یا پنهان و بیمناک، تا حجت و دلایل خـدا باطل نشود. اما چقدر هسـتند آنها و کجایند؟ به خدا قسم تعداد آنها از همه کمتر است و مقامشان از همه بالاتر. به وسـیله ایشان خـدا دلایل و براهین خود را حفظ می کنـد تا به شخصـیت هایی نظیر خود بسپارند و بذر آن را در دل مردمی پـاک سـرشت بکارنـد. دانش آنها را به واقع بینی و بینش حقیقی رهنمون شـده است، چنان چه دارای روح یقین شـده انـد. آنچه را تبهکـاران دشوار می بیننـد، به نظر آنهـا بسـیار سـاده است و از هر چه نـادان گریزاننـد. ایشان به آن انس و علاقه دارند، همآهنگ مردم دنیایند، اما با روح هایی که دلبسته به عالم بالا است.

ای کمیل! این گروه خلفای خداینـد در زمین و دعوت کننـدگان مردمند به دین خدا. آه! آه! چقدر علاقمندم به دیدار آنها! از خدای آمرزش می خواهم برای خود و شما.

به دنبال این فرمایش، در روایت عبدالرحمن بن جندب است که فرمود: اینک هر جا مایلی برو.

این روایت به طرق مختلف با مختصر اختلافی در الفاظ نقل شده که چند طریق آن در همین کتاب با اختلاف کمی در عبارت نقل گردید. - . کمال الدین: ۱۶۹ - ۱۷۱ -

**[ترجمه]

بیان

قد مر هذا الخبر بشرحه بأسانید فی باب فضل العلم (۶).

**[ترجمه]این روایت با شرح و اسنادش در «باب فضیلت علم» آمده است.

**[ترجمه]

«۹۲»

ک، إکمال الـدین أَبِی عَنْ سَـعْدٍ عَنِ ابْنِ یَزِیـدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ النَّوْفَلِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی مِخْنَفٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جُنْدَبٍ

ص: ۴۸

۱- فی المصدر: عبد اللّه بن محمّد بن الحسن المشرقی.
۲- فی المصدر: حدّثنا بشر بن موسی أبو علیّ الأسدی.
۳- فی النسـخه المخطوطه: الحیـاج و فی المصـدر: عبـد اللّه بن الفضل بن عبـد اللّه بن أبی الصـیاح الهیاج خ بن محمّـد بن أبی سفیان بن الحارث بن عبد المطلب.

۴- فی المصدر: إلی الجبانه. و فیه: اللّهمّ بلی اللّهمّ لا تخلو الأرض من قائم بحجه.

۵- اکمال الدین: ۱۶۹- ۱۷۱.

۶- اخرجه المصنّف مسندا عن الخصال و الأمالی و مرسلا عن نهج البلاغه و تحف العقول و کتاب الغارات فی ج ۱: ۱۸۷- ۱۴۹ مع شرح اجزاء الحدیث راجعه.

عَنْ كُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ لِی فِی کَلَامٍ طَوِیلٍ اللَّهُمَّ إِنَّکَ لَا تُخْلِی الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَیِّنَاتُهُ (۱).

ک، إکمال الدین ماجیلویه عن عمه عن الکوفی عن نصر بن مزاحم عن أبی مخنف مثله (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: کمیل بن زیاد گفت: امیرالمؤمنین علیه السّلام در ضمن سخنانی طولانی به من فرمود: خدایا! تو زمین را خالی نمی گذاری از کسی که حجت تو باشد، چه آشکار و پیدا، چه ترسان و مستور، تا حجت و دلایل خدا باطل نشود. - . کمال الدین: ۱۷۱ -

کمال الدین: مثل این روایت را با سند دیگری آورده است. - . کمال الدین: ۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۹۳»

ک، إکمال الدین ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ کُمَیْلٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ فِی کَلَامٍ طَوِیلٍ اللَّهُمَّ إِنَّکَ لَا تُخْلِی الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ إِمَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُکَ وَ بَیِّنَاتُکَ (۳).

ک، إکمال الدین ابن المتوکل عن الأسدی عن البرمکی عن عبد الله بن أحمد عن عبد الرحمن بن موسی عن محمد بن الزیات عن أبی صالح عن کمیل مثله (۴)

ک، إکمال الدین أبی و ابن الولید معا عن سعد عن ابن عیسی و ابن أبی الخطاب و الهیثم النهدی جمیعا عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن أبی إسحاق الهمدانی قال حدثنی الثقه من أصحابنا عن أمیر المؤمنین علیه السلام و ذکر مثله (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: کمیل گفت: علی علیه السّلام در ضمن سخنانی طولانی به من فرمود: خدایا! تو زمین را خالی نمی گذاری از کسی که حجت تو باشد، چه آشکار و پیدا، چه ترسان و مستور، تا حجت و دلایلت باطل نشود. - . کمال الدین: ۱۷۱ -

کمال الدین: در دو مورد دیگر همین روایت در این کتاب آمده است. - . کمال الدین: ۱۷۱ و ۱۷۶ -

**[ترجمه]

«۹۴»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام أَنَّهُ قَالَ فِی خُطْبَةٍ لَهُ عَلَی

مِنْبَرِ الْكُوفَهِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِأَرْضِكَ مِنْ حُجَّهٍ لَكَ عَلَى خَلْقِكَ يَهْدِيهِمْ إِلَى دِينِكَ وَ يُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ لَا يَضِلَّ تَبَعُ أَوْلِيَائِكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ بِهِ إِمَّا ظَاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطَاعِ أَوْ مُكْتَتِمٍ أَوْ مُتَرَقِّبٍ إِنْ غَابَ مِنَ النَّاسِ شَخْصُهُ فِي حَالِ هُدْنَتِهِمْ فَإِنَّ عِلْمَهُ وَ آدَابَهُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

۱- اكمال الدين: ۱۷۱ فيه: خاف و اسناد الحديث فى المصدر المطبوع لا يخلو عن تصحيفات و نقص.

۲- اكمال الدين: ۱۷۱ فيه: (اللّهمّ بلى لا تخلو) و فيه: او خاف.

۳- اكمال الدين: ۱۷۱ فيه: او خاف قال الصدوق: و لهذا الحديث طرق كثيره.

۴- اكمال الدين: ۱۷۱ و ۱۷۶ راجع الفاظهما.

۵- اكمال الدين: ۱۷۱ و ۱۷۶ راجع الفاظهما.

مُثْبَتَهٌ فَهُمْ بِهَا عَامِلُونَ (۱).

**[ترجمه]کمال الدین: حضرت صادق از آباء گرام خود علیهم السّلام، از امیرالمؤمنین علیه السّلام نقل کرد که روزی در خطبه خود در منبر کوفه فرمود: بار خدایا! به ناچار باید در روی زمین امام و رهبری از جانب تو برای مردم باشد که راهنمای دین تو است و دانش به آنها می آموزد تا موجب باطل شدن حجت تو نگردد، و دوستان خود را که هدایت کرده ای به وسیله او گمراه نشوند، یا آشکارا خواهد بود نه مورد اطاعت یا پنهان و یا انتظارش را دارند. اگر شخص او از نظر مردم پنهان باشد، در آن هنگام که مقرر است چنین خواهد شد. علم و آداب و روش مذهبی در دل های مؤمنین ثابت است و به آن عمل می کنند. - . کمال الدین: ۱۷۶ -

**[ترجمه]

«۹۵»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَتْرُكَ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمَامٍ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: از ابو بصیر نقل شده که امام صادق علیه السّلام فرمود: خداوند عزوجل کریم تر و جلیل تر از آن است که زمین را بدون امام رها کند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۹۶»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْأَرْضُ لَا تَكُونُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ لَا يُصْلِحُ النَّاسَ إِلَّا ذَاكَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ذریح محاربی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: در روی زمین پیوسته عالمی وجود دارد؛ صلاح مردم جز این نیست. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۹۷»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَبْقَى الْأَرْضُ يَوْماً بِغَيْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسین بن ابو العلا گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا زمین روزی بدون امام می ماند؟ فرمود: نه. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۹۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ جَرِيرٍ (۵)عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا كَانَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا عَالِمٌ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سلیمان بن خالد از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: به خدا قسم زمین نمی ماند، مگر آنکه عالمی در آن خواهد بود. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۹۹»

یر، بصائر الدرجات بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْعَطَّارِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ قَالَ بَلَى (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن بن زیاد عطار گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: زمین نیست مگر آنکه در او عالمی است؟ فرمود: بله. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۰»

یر، بصائر الدرجات عَنْهُ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تُتْرَكُ إِلَّا بِعَالِمٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى النَّاسِ يَعْلَمُ الْحَرَامَ وَ الْحَلَالَ (۸).

۱- اکمال الدین: ۱۷۶ فیه: اتباع اولیاءک و فیه او مکتتم مترقب ان غاب عن الناس شخصه فی حال هدیهم لم یغب عنهم علمه و آدابه.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۵- فی النسخه المخطوطه: (ایوب بن الحر) و فی المصدر: ایوب بن حر.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۷- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۸- بصائر الدرجات: ۱۴۳ فیه: یعلم الحلال و الحرام.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حارث بن مغیره گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: زمین را خالی از عالمی که احتیاجات مردم را بر طرف کند نمی گذارند. او به مردم نیازی ندارد و دارای علم حلال و حرام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ الْعَطَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَکُونُ إِلَّا وَ فِیهَا حُجَّةٌ إِنَّهُ لَا یُصْلِحُ النَّاسَ إِلَّا ذَلِکَ وَ لَا یُصْلِحُ الْأَرْضَ إِلَّا ذَاکَ (۱).

سن، المحاسن ابن یزید مثله (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن بن زیاد عطار گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: زمین نخواهد بود مگر آنکه در آن حجت است، مردم و زمین صلاحیت پیدا نمی کنند، مگر آنکه او باشد. - . بصائر الدرجات: ۱۴۲ -

محاسن: مثل این حدیث را آورده است. - . محاسن: ۲۳۴ -

**[ترجمه]

«۱۰۲»

یر، بصائر الدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تُتْرَکُ الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا قُلْنَا لَهُ تَکُونُ الْأَرْضُ وَ فِیهَا إِمَامَانِ قَالَ لَا إِلَّا إِمَامٌ صَامِتٌ لَا یَتَکَلَّمُ وَ یَتَکَلَّمُ الَّذِی قَبْلَهُ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسین بن ابی العلا گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام می شود؟ فرمود: نه. گفتم: ممکن است در روی زمین دو امام باشد؟ فرمود: نه، مگر امامی که خاموش باشد و مأموریت سخن گفتن ندارد و آن امام که مأمور است و مقدم بر اوست، سخن می گوید. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۳»

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْحُجَّةَ لَا تَقُومُ لِلَّهِ عَلَی خَلْقِهِ إِلَّا بِإِمَامٍ حَتَّی یُعْرَفَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمّد بن عماره از حضرت رضا علیه السّلام نقل می کند که فرمود: حجت خدا برای مردم تمام

نمی شود، مگر به وسیله امامی که شناخته شود. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

بیان

فی بعض النسخ حتی یعرف یمکن أن یقرأ یعرف علی بناء التفعیل المعلوم فالمستتر راجع إلی الإمام و الأظهر أنه علی بناء المجرد المجهول فالمستتر إما راجع إلی الله أو إلی الإمام و فی بعضها إلا بإمام حی یعرف و فی بعضها حق یعرف فالرجوع إلی الإمام علی النسختین أظهر بل هو متعین.

**[ترجمه]در بعضی نسخه ها فعل «یعرف» ممکن است بر مبنای معلوم خوانده شود، پس ضمیر در آن به امام بر می گردد. ظاهر ترآن است که معلوم خوانده شود که ضمیر مستتر در آن یا به خدا یا به امام باز می گردد. در بعضی نسخه ها «امام زنده» و در بعضی دیگر «امام بر حق» آمده که طبق این دو نسخه، روشن تر بلکه متعین است.

**[ترجمه]

«۱۰۴»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَ الْحَجَّالِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام باقر علیه السّلام فرمود: زمین بدون امام آشکار باقی نمی ماند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۵»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ یَعْقُوبَ السَّرَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ عَالِمٍ مِنْكُمْ حَیٍّ ظَاهِرٍ تَفْزَعُ إِلَیْهِ النَّاسُ فِی حَلَالِهِمْ وَ حَرَامِهِمْ فَقَالَ یَا أَبَا یُوسُفَ لَا إِنَّ ذَلِکَ لَبَیِّنٌ فِی كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی فَقَالَ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا عَدُوَّكُمْ مِمَّنْ یُخَالِفُكُمْ

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۲.

۲- المحاسن: ۲۳۴.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

٤- بصائر الدرجات: ١٤٣.

٥- بصائر الدرجات: ١٤٣.

وَ رابِطُوا إِمَامَكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ فِيمَا يَأْمُرُكُمْ وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: یعقوب بن سراج گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: ممکن است زمین خالی از عالمی زنده و آشکار از شما خانواده باشد که مردم در حلال و حرام به او پناه برند؟ فرمود: نه. یا ابا یوسف! این مطلب در کتاب خدا کاملا آشکار است، فرموده است: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا» که امر به شکیبایی و صبر با دشمنانشان از مخالفین شما می کند؛ «وَ رابِطُوا» دستور ارتباط با امام خود می دهد؛ «وَ اتَّقُوا اللَّهَ» - . آل عمران/ ۲۰۰ - از خدا بپرهیزید در مورد واجبات و دستوراتی که داده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

بیان

قوله ظاهر أی حجته و إمامته لا شخصه علیه السلام و أما قوله تفزع إلیه الناس أی فی الجمله و لو بعد ظهوره أو الأعم من کل الناس و بعضهم فإن فی حال غیبه الإمام یفزع إلیه بعض خواص أصحابه و یحتمل أن یکون الغرض بیان الحکمه فی وجوده أی إمام من شأنه أن یفزع الناس إلیه إن لم یمنع مانع و أما الاستشهاد بالآیه فلظهور عموم الحکم و شموله لجمیع الأزمان و مرابطه الإمام لا یکون إلا مع وجوده.

**[ترجمه]سخن حضرت که فرمود: «عالم آشکار»، یعنی حجت و دلیل امام نه شخص حضرت علیه السّلام. و نیز اینکه فرمود: «مردم به او پناه ببرند»، یعنی فی الجمله، ولو بعد از ظهور امام یا اعم از همه یا بعضی از مردم، چون در زمان غیبت بعضی از خاصان امام به ایشان پناه می برند. همچنین احتمال دارد غرض بیان حکمت وجود امام باشد، زیرا جایگاه امام آن است که اگر مانعی نباشد، مردم به او پناه برند. شاهد آوردن آیه نیز به جهت عمومیت حکم روایت و شمول آن برای همه زمان هاست و ارتباط با امام فقط در زمان حضور امام نیست.

**[ترجمه]

«۱۰۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَنْ تَخْلُوَ الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ عَالِمٍ يُحْيِي فِيهَا مَا يُمِيتُونَ مِنَ الْحَقِّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: مصدق بن صدقه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: زمین خالی از حجت عالمی که زنده کند در آن آنچه که مرده است، نمی ماند. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» - . صف/ ۸ - {می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گرچه کافران را ناخوش افتد، نور خود را کامل خواهد گرداند.} - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۷»

یر، بصائر الدرجات الْهَیْثَمُ النَّهْدِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لَوْ لَمْ تَکُنْ فِی الدُّنْیَا إِلَّا اثْنَانِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: یونس بن یعقوب گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: اگر در دنیا فقط دو نفر باشند، یکی از ایشان امام خواهد بود. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الطَّیَّارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لَوْ لَمْ یَبْقَ فِی الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ عَلَی صَاحِبِهِ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حمزه بن طیار گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر در زمین فقط دو نفر باقی باشند، یکی از آن دو حجت بر دیگری خواهد بود. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ بْنِ الطَّیَّارِ قَالَ قَالَ: لَوْ لَمْ یَبْقَ فِی الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَکَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ وَ لَوْ ذَهَبَ أَحَدُهُمَا بَقِیَ الْحُجَّةُ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عماره بن طیار گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر در زمین فقط دو نفر باقی باشند، یکی از آن دو حجت خواهد بود. اگر یکی برود، حجت باقی می ماند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۱۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عُمَارَةَ بْنِ الطَّیَّارِ قَالَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۳ و الآیه فی آل عمران: ۲۰۰.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴۳. و الآیه فی الصف: ۸.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۳. فیه و فی النسخه المخطوطه: لکان الامام احدهما.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَوْ لَمْ يَبْقَ فِی الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّهَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عماره بن طیار گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر در زمین فقط دو نفر باقی باشند، یکی از آن دو حجت است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۱۱»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَهَ عَنْ أَبِی عُبَيْدَهَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ سَالِمَ بْنَ أَبِی حَفْصَهَ قَالَ أَ مَا بَلَغَكَ أَنَّهُ مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَهً جَاهِلِيَّهً فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ مَنْ إِمَامُكَ قُلْتُ أَئِمَّتِی آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله قَالَ فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا أَسْمَعُكَ عَرَفْتَ إِمَاماً قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَيْحَ مِنْ سَالِمٍ يَدْرِی سَالِمٌ مَا مَنْزِلَهُ الْإِمَامِ الْإِمَامُ أَعْظَمُ وَ أَفْضَلُ مَا يَذْهَبُ (۲) إِلَيْهِ سَالِمٌ وَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ وَ إِنَّهُ لَمْ يَمُتْ مِنَّا مَيِّتٌ قَطُّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ مِثْلَ عَمَلِهِ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ وَ يَدْعُو إِلَى مِثْلِ الَّذِی دَعَا إِلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعِ اللَّهَ مَا أَعْطَى دَاوُدَ أَنْ يُعْطِيَ سُلَيْمَانَ أَفْضَلَ مِمَّا أَعْطَى دَاوُدَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو عبیده گفت: به امام باقر علیه السّلام عرض کردم: سالم بن ابو حفصه می گوید: مگر به شما نرسیده است که کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است؟ گفتم: بله. بعد پرسید: امام تو کیست؟ گفتم: امامان من آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. او گفت: به خدا ندانسته امام را می شناسی!

پس امام باقر علیه السّلام فرمود: وای بر سالم! آیا او جایگاه امام را می داند؟ منزلت امام بزرگ ترو افضل از آنچه که سالم و همه مردم بر آنند است. کسی از ما نمی میرد، مگر آنکه خداوند کسی را جای او قرار می دهد که عمل او را دارد و به سیره او عمل می کند، به سوی کسی دعوت می کند که مثل او به سوی او می خواند. کسی جلوی خدا را نگرفته که آنچه به داود داد، به سلیمان که پسر او بود بهتر از آن را عنایت کند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۱۲»

یر، بصائر الدرجات الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَهِ النَّصْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْلَمُ مِثْلَ عِلْمِ الْأَوَّلِ وِرَاثَهً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حارث بن مغیره نضری می گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: زمین نخواهد بود، مگر آنکه در آن عالمی است که مانند علم اول را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب علیه السّلام به میراث برده است می داند. مردم به او محتاجند، در حالی که او به هیچ کس نیاز ندارد. - . بصائر الدرجات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۱۳»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی يَعْفُورٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام عَالِمَ هَذِهِ الْأُمَّهِ وَ الْعِلْمُ يُتَوَارَثُ وَ لَيْسَ يَمْضِی مِنَّا أَحَدٌ حَتَّى يَرَى مِنْ وُلْدِهِ مَنْ يَعْلَمُ عِلْمَهُ وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ يَوْماً بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنَّا تَفْزَعُ إِلَيْهِ الْأُمَّهُ قُلْتُ يَكُونُ إِمَامَانِ قَالَ لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ لَا يَتَكَلَّمُ حَتَّى يَمْضِیَ الْأَوَّلُ (۵).

ص: ۵۳

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۳.

۲- فی المصدر: مما یذهب.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۹.

۴- بصائر الدرجات: ۱۵۰.

۵- بصائر الدرجات: ۱۵۰ قوله: فزع إلیه: استغاثه. لجأ إلیه و فی المصدر:

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابن ابی یعفور نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود: علی بن ابی طالب عالم این امت بود و علم به او به ارث رسیده بود. کسی از ما خاندان نمی میرد، مگر اینکه کسی از فرزندانش که او می داند علمش را می بیند. همچنین زمین یک روز هم بدون امامی از ما که امت به او پناه ببرند نمی ماند. عرض کردم: دو امام هم می شوند؟ فرمود: نه، الا اینکه یکی ساکت است و سخن نمی گوید تا دیگری از دنیا برود. - . بصائر الدرجات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۱۴»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ (۱) عَنِ ابْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لَا وَ اللَّهِ لَا یدعو (۲) یَدَعُ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ إِلَّا وَ لَهُ مَنْ یَقُومُ بِهِ إِلَی یَوْمِ تَقُومُ السَّاعَهُ (۳).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: یعقوب بن شعیب گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: به خدا قسم هرگز خدا وانخواهد گذاشت مسأله امامت را، مگر اینکه کسی را عهده دار آن مقام خواهد نمود تا روز قیامت. - . غیبت نعمانی: ۲۵ -

**[ترجمه]

«۱۱۵»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِیدٍ الطَّوِیلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَیْرٍ عَنْ مُوسَی بْنِ بَکْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ (۴) قَالَ کُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِی هُوَ فِیهِمْ (۵).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: موسی بن بکر از مفضل نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» - . رعد/ ۹ - {[ای پیامبر] تو فقط هشداردهنده ای و برای هر قومی رهبری است} فرمود: هر امامی هادی و راهنمای قرنی است که در آن قرن زندگی می کند. - . غیبت نعمانی: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۱۶»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ وَ سَعْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِکِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَطَوَانِیِّ (۶) جَمِیعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِیعِیِّ قَالَ سَمِعْتُ مَنْ یُوثَقُ بِهِ مِنْ أَصْحَابِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ یَقُولُ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ مِنْ خُطْبَهٍ خَطَبَهَا بِالْکُوفَهِ طَوِیلَهٍ ذَکَرَهَا اللَّهُمَّ لَا بُدَّ لَکَ مِنْ حُجَجٍ فِی أَرْضِکَ حُجَّهٍ بَعْدَ حُجَّهٍ عَلَی خَلْقِکَ یَهْدُونَهُمْ إِلَی دِینِکَ وَ یُعَلِّمُونَهُمْ عِلْمَکَ لِئَلَّا یَتَفَرَّقَ أَتْبَاعُ أَوْلِیَائِکَ ظَاهِرٍ غَیْرِ مُطَاعٍ أَوْ مُکْتَتِمٍ خَائِفٍ یَتَرَقَّبُ إِنْ غَابَ عَنِ النَّاسِ شَخْصُهُمْ فِی حَالِ هُدْنَتِهِمْ فِی دَوْلَهِ الْبَاطِلِ فَلَنْ یَغِیبَ عَنْهُمْ مَبْثُوثُ عِلْمِهِمْ (۷) وَ آدَابُهُمْ فِی قُلُوبِ

الْمُؤْمِنِينَ مُثْبَتَهٌ وَ هُمْ بِهَا عَامِلُونَ يَأْنِسُونَ بِمَا يَسْتَوْحِشُ مِنْهُ الْمُكَذِّبُونَ وَ يَأْبَاهُ الْمُسْرِفُونَ بِاللَّهِ كَلَامٌ يُكَالُ (۸) بِلَا ثَمَنٍ مَنْ كَانَ يَسْمَعُهُ

ص: ۵۴

۱- فی النسخه المطبوعه: أحمد بن یوسف.

۲- الصحیح کما فی المصدر: لا یدع اللّه.

۳- غیبه النعمانیّ: ۲۵.

۴- ذکر موضع الآیه فی صدر الباب.

۵- غیبه النعمانیّ: ۵۴.

۶- فی نسخه الکمبانیّ: القطرانی.

۷- فی نسخه الکمبانیّ: مبثوت (ث خ) عملهم.

۸- فی النسخه المخطوطه: یدان و فی نسخه من المصدر: یدال.

يَعْقِلُهُ (۱) فَيَعْرِفُهُ وَ يُؤْمِنُ بِهِ وَ يَتَّبِعُهُ وَ يَنْهَجُ نَهْجَهُ فَيَصْلُحُ بِهِ ثُمَّ يَقُولُ فَمَنْ هَذَا وَ لِهَذَا يَأْرِزُ الْعِلْمُ إِذْ لَمْ يُوجَدْ حَمَلَةٌ يَحْفَظُونَهُ وَ يُؤَدُّونَهُ كَمَا يَسْمَعُونَهُ مِنَ الْعَالِمِ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ كَلَامٍ طَوِيلٍ فِي هَذِهِ الْخُطْبَةِ اللَّهُمَّ وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ الْغَيْبَ إِنَّ (۲) الْعِلْمَ لَا يَأْرِزُ كُلُّهُ وَ لَا يَنْقَطِعُ مَوَادُّهُ فَإِنَّكَ لَا تُخْلِي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ عَلَى خَلْقِكَ إِمَّا ظَاهِرٍ مُطَاعٍ (۳) أَوْ خَائِفٍ مَغْمُورٍ لَيْسَ بِمُطَاعٍ لِكَيْلَا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ وَ يَضِلَّ أَوْلِيَاؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ (۴).

نی، الغيبه للنعمانی الكلينی عن علی بن محمد عن سهل و عن محمد بن يحيی و غيره عن أحمد بن محمد و عن علی بن إبراهيم عن أبيه جميعا عن ابن محبوب عن هشام بن سالم عن الثمالی عن أبی إسحاق مثله (۵)

**[ترجمه]غیبت نعمانی: ابو اسحاق سبیعی گفت: از یکی از اصحاب مورد اعتماد امیرالمؤمنین علیه السّلام شنیدم که حضرت علی علیه السّلام در ضمن خطبه طولانی که در کوفه بیان نمود، فرمود: بار خدایا! ناچار باید حجتی در روی زمین داشته باشی، امامی بعد از امامی که مردم را به دین راهنمایی کند و به آنها علم تو را بیاموزد تا مبادا پیروان و اولیائت متفرق شوند، یا آشکار است بی آنکه اطاعت شود و یا پنهان و ترسان است که انتظارش را دارند.

اگر شخص او از ایشان غایب باشد، در حال مغلوب بودن در دولت باطل هرگز از ایشان پنهان نخواهد بود و دانش او پراکنده است و آداب و روش او در دل مؤمنین ثابت است و به آن آداب و روش عمل می کنند، علاقه و انس دارند به آنچه که موجب نفرت دروغ پردازان و بی اعتنایی مسرفین است. سخنی است که بدون پرداخت پولی به شما می گویم؛ هر کس بشنود با عقل خود درک می کند و از آن پیروی می نماید و آن راه را از پیش می گیرد و به همین وسیله نجات می یابد. بعد فرمود: به همین جهت علم از میان رفته است، چون کسی را نمی یابند آن طوری که از امام شنیده حفظ نماید و همان طور تحویل دهد.

بعد در بین سخنان خود در همین خطبه طولانی فرمود: بار خدایا! من از پنهان اطلاع دارم که تمام دانش از میان نرفته و به طور کلی نابود نشده، زیرا تو زمین را خالی از حجتی بر مردم نمی گذاری، یا آشکار و مورد اطاعت باشد یا ترسان و پنهان که از او اطاعت نکنند. وجود امام موجب می شود که حجت تو تکمیل گردد و دوستانت پس از هدایت گمراه نشوند. - . غیبت نعمانی: ۶۷ -

غیبت نعمانی: همین روایت را با سند دیگری آورده است. - . غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

بيان

قال الجزری الهدنه السكون و الصلح و الموادعه بين المسلمين و الكفار و بين كل متحاربين و

قال فيه إن الإسلام ليأرز إلی المدينه كما تأرز الحيه إلی حجرها.

أی ینضم إلیها و یجتمع بعضه إلی بعض فیها انتهی.

فالمعنی فی الخبر أن العلم ینقبض و ینضم و یخرج من بین الناس لفقد حامله و لعل المراد بمواد العلم الأئمه.

**[ترجمه]جزری می گوید: «هدنه» آرامش، صلح، آتش بس بین مسلمین و کفار و نیز بین هر دو گروه در حال جنگ است. و نیز می گوید: اسلام به مدینه برگشت، آن گونه که مار به سوراخش باز می گردد، یعنی گرد هم آمدند و جمع شدند. معنای روایت این است که علم جمع شد و از میان مردم رفت، چون حامل نداشت و شاید منظور مواد علم ائمه باشد.

**[ترجمه]

«۱۱۷»

نی، الغیبه للنعمانی الْكُلَیْنِیُّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ تَبْقَی الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ قَالَ لَا (۶).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: حسین بن ابوالعلا می گوید: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا زمین بدون امام می ماند؟ فرمود: نه، هرگز. - . غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۱۱۸»

نی، الغیبه للنعمانی الْكُلَیْنِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ

۱- فی المصدر: من كان یسمعه بعقله و فی نسخه منه: لو كان من سمعه بعقله و فی نسخه: فیفلح به.

۲- فی المصدر: اللّهمّ و انی لاعلم أن العلم.

۳- فی نسخه: اما ظاهر لیس بالمطاع أو خائف مغمور لكن و فی المصدر: من حجه علی ظاهر مطاع، أو خائف مغمور لیس بمطاع.

۴- غیبه النعمانیّ: ۶۷ و ۶۸.

۵- غیبه النعمانیّ: ۶۷ و ۶۸.

۶- غیبه النعمانیّ: ۶۸.

الْحَكَمِ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا زَالَتِ الْأَرْضُ إِلَّا وَ فِيهَا حُجَّةٌ (۱) يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَی سَبِيلِ اللَّهِ (۲).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: عبداللَّه بن سلیمان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیوسته در روی زمین حجتی هست که اطلاع از حلال و حرام خدا دارد و مردم را به سوی او دعوت می کند. - . غیبت نعمانی: ۶۸ -

**[ترجمه]

بيان

لعل كلمه إلا (۳) هنا زائده كما قال الأصمعی و ابن جنی و حملا عليه قول ذی الرمه.

حراجيج ما تنفك إلا مناخه***على الخسف أو ترمی (۴) بها بلدا قفرا.

و حمل عليه ابن مالك قوله.

أری الدهر إلا منجنونا بأهله.

و الحراجيج جمع الحرجوج و هی الناقه الطويله على وجه الأرض و المنجنون الدولاب و يحتمل أن يكون ما زالت من زال يزول أی لا تزول و لا تتغير من حال إلى حال إلا و فيها إمام و الدنيا لا تخلو عن التغير فلا يخلو من الإمام أو المعنى لا تزول و لا تفنی الدنيا إلا و فيها إمام أی الإمام باق فی الأرض إلى أن تفنی و لا يبعد أن يكون تصحيف ما كانت.

أقول: سيأتی فی خطبه الغدير ما يدل على المقصود من الباب.

۱- فی المصدر: ما زالت الأرض للّه فيها حجه.

۲- غيبه النعمانیّ: ۶۸.

۳- قد عرفت ان المصدر خال عن كلمه (إلا) فلا حاجه إلى هذه التأويلات.

۴- فی النسخه المخطوطه: او نرمی.

**[ترجمه]شاید کلمه «الا» در اینجا زائده باشد، همان طور که اصمعی و ابن جنی گفته اند و بر سخن گله دار حمل کرده اند:

شتر ها از استراحتگاه خود دور نمی شوند، مگر اینکه کمبودی باشد یا در منطقه بی آب و علفی باشند

ابن مالک نیز بر این قول حمل کرده است:

روزگار را برای اهل آن مانند چرخ می بینم

«حراجیج» جمع «حرجوج» است و یعنی نوعی شتر. و «منجنون» یعنی چرخ. احتمال دارد که «ما زالت» از «زال یزول» باشد، به این معنی که از بین نمی رود و از حالتی به حالتی تغییر نمی کند، مگر آنکه امام باشد، دنیا بدون تغییر نیست پس خالی از امام نیست، یا اینکه دنیا از بین نمی رود وقتی در آن امام است، یعنی امام در زمین باقی است تا زمانی که نابود شود، بعید نیست «ما زالت» اشتباه «ما کانت» باشد.

مؤلف: در خطبه غدیر آنچه مقصود این باب است خواهد آمد.

**[ترجمه]

باب ۲ آخر فی اتصال الوصیه و ذکر الأوصیاء من لدن آدم إلی آخر الدهر

الأخبار

«۱»

لی (۱)، الأمالی للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيِّي سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ أَوْصِيَائِي (۲) سَادَةُ الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ آدَمَ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ وَصِيّاً صَالِحاً فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنِّي أَكْرَمْتُ الْأَنْبِيَاءَ بِالنُّبُوَّةِ ثُمَّ اخْتَرْتُ خَلْقِي وَ جَعَلْتُ خِيَارَهُمُ الْأَوْصِيَاءَ (۳) ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ يَا آدَمُ أَوْصِ إِلَى شَيْثٍ فَأَوْصَى آدَمُ إِلَى شَيْثٍ وَ هُوَ هِبَةُ اللَّهِ بْنُ آدَمَ وَ أَوْصَى شَيْثٌ إِلَى ابْنِهِ شَبَّانَ وَ هُوَ ابْنُ نَزْلَةَ الْحَوْرَاءِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ فَزَوَّجَهَا ابْنَهُ شَيْثاً وَ أَوْصَى شَبَّانُ إِلَى محلث (۴) وَ أَوْصَى محلث (۵) إِلَى محوق وَ أَوْصَى محوق إِلَى عميشا (۶) وَ أَوْصَى عميشا (۷) إِلَى أَخْنُوخَ وَ هُوَ إِدْرِيسُ النَّبِيُّ وَ أَوْصَى إِدْرِيسُ إِلَى نَاحُورَ (۸) وَ دَفَعَهَا نَاحُورُ (۹)

۱- فی نسخه الکمبانیّ: (ک) و هو مصحف.

۲- فی الاکمال و أمالی الطوسیّ: و اوصیاؤه ساده الأوصیاء.

۳- فی نسخه: «فقال آدم علیه السلام: یا ربّ اجعل وصیی خیر الأوصیاء فاوحی» أقول: یوجد ذلک فی اکمال الدین.

۴- فی الأمالی و الاکمال و نسخه من أمالی الشیخ: مجلث و فی نسخه اخری محلف. و محلث.

۵- فی الأمالی و الاکمال و نسخه من أمالی الشیخ: مجلث و فی نسخه اخری محلف. و محلث.

۶- فی الاکمال و نسخه من الأمالی: (غثمیشا) و فی نسخه من أمالی الصدوق و أمالی الطوسیّ: (عثمیشا) و فی نسخه من أمالی الطوسیّ: علمیشا.

۷- فی الاکمال و نسخه من الأمالی: (غثمیشا) و فی نسخه من أمالی الصدوق و أمالی الطوسیّ: (عثمیشا) و فی نسخه من أمالی الطوسیّ: علمیشا.

۸- فی نسخه من الاکمال: (یاخور) و قیل: ناخور.

۹- فی نسخه من الاکمال: (یاخور) و قیل: ناخور.

إِلَی نُوحٍ النَّبِیِّ وَ أَوْصَی نُوحٌ إِلَی سَامٍ وَ أَوْصَی سَامٌ إِلَی عَثَامِرَ وَ أَوْصَی عَثَامِرُ إِلَی بَرْعَیْثَاشَا (۱) وَ أَوْصَی بَرْعَیْثَاشَا (۲) إِلَی یَافِثَ وَ أَوْصَی یَافِثُ إِلَی بَرَّهَ وَ أَوْصَی بَرَّهُ إِلَی جَفِیسَهَ (۳) وَ أَوْصَی جَفِیسَهُ (۴) إِلَی عِمْرَانَ وَ دَفَعَهَا عِمْرَانُ إِلَی إِبْرَاهِیمَ الْخَلِیلِ وَ أَوْصَی إِبْرَاهِیمُ إِلَی ابْنِهِ إِسْمَاعِیلَ وَ أَوْصَی إِسْمَاعِیلُ إِلَی إِسْحَاقَ وَ أَوْصَی إِسْحَاقُ إِلَی یَعْقُوبَ وَ أَوْصَی یَعْقُوبُ إِلَی یُوسُفَ وَ أَوْصَی یُوسُفُ إِلَی یثریا (۵) وَ أَوْصَی یثریا (۶) إِلَی شُعَیْبٍ وَ دَفَعَهَا شُعَیْبٌ إِلَی مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ وَ أَوْصَی مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ إِلَی یُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ أَوْصَی یُوشَعُ بْنُ نُونٍ إِلَی دَاوُدَ وَ أَوْصَی دَاوُدُ إِلَی سُلَیْمَانَ وَ أَوْصَی سُلَیْمَانُ إِلَی آصَفَ بْنِ بَرْخِیَا وَ أَوْصَی آصَفُ بْنُ بَرْخِیَا إِلَی زَکَرِیَّا وَ دَفَعَهَا زَکَرِیَّا إِلَی عِیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ أَوْصَی عِیسَی إِلَی شَمْعُونَ بْنِ حَمُّونَ الصَّفَا وَ أَوْصَی شَمْعُونُ إِلَی یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا وَ أَوْصَی یَحْیَی بْنُ زَکَرِیَّا إِلَی مُنْذِرٍ وَ أَوْصَی مُنْذِرٌ إِلَی سُلَیْمَهَ وَ أَوْصَی سُلَیْمَهُ إِلَی بُرْدَهَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ دَفَعَهَا إِلَیَّ بُرْدَهُ وَ أَنَا أَدْفَعُهَا إِلَیْکَ یَا عَلِیُّ وَ أَنْتَ تَدْفَعُهَا إِلَی وَصِیِّکَ وَ یَدْفَعُهَا وَصِیُّکَ إِلَی أَوْصِیَائِکَ مِنْ وُلْدِکَ وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّی یُدْفَعَ (۷) إِلَی خَیْرِ أَهْلِ الْأَرْضِ بَعْدَکَ وَ لَتَکْفُرَنَّ بِکَ الْأُمَّهُ وَ لَتَخْتَلِفَنَّ عَلَیْکَ اخْتِلَافاً شَدِیداً الثَّابِتُ عَلَیْکَ کَالْمُقِیمِ مَعِی وَ الشَّاذُّ عَنْکَ (۸) فِی النَّارِ وَ النَّارُ مَثْوًی لِلْکَافِرِینَ (۹).

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق مثله (۱۰)

ص: ۵۸

۱- فی أمالی الطوسیّ: (برعیشاشا) و فی الاکمال و نسخه من أمالی الصدوق:

۲- فی أمالی الطوسیّ: (برعیشاشا) و فی الاکمال و نسخه من أمالی الصدوق:

۳- فی الاکمال و نسخه من الأمالی: جفسیه و فی أمالی الطوسیّ: حبشه و فی نسخه: حفیسه.

۴- فی الاکمال و نسخه من الأمالی: جفسیه و فی أمالی الطوسیّ: حبشه و فی نسخه: حفیسه.

۵- فی الأمالی و الاکمال و نسخه من أمالی الطوسیّ: بثریاء.

۶- فی الأمالی و الاکمال و نسخه من أمالی الطوسیّ: بثریاء.

۷- فی الاکمال و نسخه من أمالی الطوسیّ: حتی تدفع ای الوصیه.

۸- شذ عنه ای ندر عنه و انفرد.

۹- أمالی الصدوق: ۲۴۲.

۱۰- أمالی ابن الطوسیّ: ۲۸۲ و ۲۸۳.

ك، إكمـال الـدين ابن الوليـد عن الصـفار و سـعد و الحميرى جميعا عن ابن عيسـى و ابن أبى الخطاب و النهـدى و إبراهيم بن هاشم جميعا عن ابن محبوب عن مقاتل مثله (۱)

**[ترجمه]امالی صدوق: مقاتل بن سـليمان از حضـرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه حضـرت رسول صلى اللّٰه عليه و آله و سلم فرمود: من سـرور انبياء هسـتم و جانشين من سرور اوصياء است و جانشينان من بهترين جانشينانند. حضرت آدم از خداوند درخواست كرد كه برايش وصـى و جانشـين خوبى قرار دهد. به او وحى كرد كه من انبياء را به وسـيله نبوت گرامى داشـته ام، بعد از ميان مردم بهترين آنها را انتخاب كردم و ايشان را وصـى و جانشـين پيامبران قرار داده ام. سپس خداوند به او وحى كرد كه شـيث را جانشـين خود قرار ده. آدم شـيث را به جانشـينى تعيين كرد. او همان هبه اللّٰه بن آدم است. شـيث پسـرش شـبان را وصى و جانشين خود قرار داد. او پسر همان حوريه اى است كه خداوند او را از بهشت براى آدم فرستاد و آدم آن حوريه را به ازدواج فرزنـدش شـيث در آورد. شـبان محلث را وصـى كرد و محلث محوق را و محوق عميشا را و عميشا به أخنوخ تحويل داد كه همان ادريس پيامبر است. ادريس ناحور را تعيين كرد و ناحور به نوح تحويل داد و نوح سام را جانشـين خود كرد و سام به عثامر و عثامر به برعيثاشا و برعيثاشا به يافث و يافث به بره و بره به جفيسه و جفيسه به عمران و عمران به ابراهيم خليل و ابراهيم وصـى خود فرزندش اسـماعيل را قرار داد. اسماعيل اسحاق و اسحاق به يعقوب و يعقوب به يوسف و يوسف به يثريا و يثريا به شعيب و شعيب به موسى بن عمران. حضرت موسى به يوشع بن نون و يوشع به داود سپرد و داود سليمان را وصى خود قرار داد و سـليمان آصف بن برخيا را و آصف به زكريا و زكريا به عيسـى بن مريم و عيسـى شـمعون بن حمون صفا را وصى خود قرار داد و شمعون يحيى بن زكريا را و يحيى منذر را جانشين خود تعيين كرد و منذر به سليمه سپرد و سليمه به برده.

سپس پيامبر اكرم صـلى الله عليه و آله فرمود: برده به من واگذار كرد و من به تو يا على مى سـپارم و تو نيز به جانشين خود مى سپارى و او به جانشـينان تو از فرزنـدانت يكى پس از ديگرى تا بالاخره به بهترين فرد روى زمين پس از تو وامى گـذارد. امت درباره تو راه خلاف را مى پوينـد و اختلافى شديـد خواهنـد نمود. كسـى كه دست از تو برندارد، چون كسانى است كه با من بوده انـد و آنها كه از تو بر گردنـد و منحرف شوند، در آتش خواهند بود؛ آتش جايگاه كافرين است. - . امالى صدوق: ۲۴۲ -

امالى طوسى و كمال الدين: مانند اين روايت را آورده اند. - . امالى طوسى: ۲۸۲ - ۲۸۳ ، كمال الدين: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

بيان

لعله عليه السلام غير الأسلوب من أوصى إلى دفع بالنسبه إلى أرباب الشرائع للإشاره إلى أنهم عليهم السلام لم يكونوا نوابا عمن تقدمهم و لا حافظين لشريعتهم و أما التعبير بالدفع فى الأئمه عليهم السلام فلعله للمشاكله أو لتعظيمهم بجعلهم بمنزله أولى العزم من الرسـل أو لأـن الـدفع لم يكن عنـد الوصـيه أو لاختلاف الوصـيه بالنبوه و الإمامه و يمكن أن يقال التعبير بالـدفع ليس لكون المـدفوع إليه صاحب شـريعه مبتـدأه بل لبيان عظم شأن المدفوع إليه و كونه إماما و الإمامه تختص بأولى العزم و أئمتنا صـلوات الله عليهم أجمعين كمـا سـيأتى فى الأخبـار ثم إن الخبر يـدل على بقاء يحيى بعـد زكريا عليهما السـلام خلافا للمشـهور و ينافى

بعض الأخبار الداله علی موت یحیی قبل عیسی کما مر و ربما قیل بتعدد یحیی بن زکریا و لا یخفی بعده و قد مر بعض القول فیه.

**[ترجمه]شاید پیامبر صلی الله علیه و آله اسلوب وصایت را به دفع و واگذار کردن تغییر داد، زیرا پیامبران نائب پیامبران قبلی و محافظ شریعت آنها نیستند. تعبیر واگذاری برای ائمه علیهم السّلام شاید به دلیل همانندی ایشان یا تعظیم به واسطه جایگاه اولوالعزمی ایشان مانند پیامبران است. یا اینکه واگذاری در وصایت نیست و یا وصیت در نبوت و امامت تفاوت دارد. ممکن است گفته شود واگذاری برای صاحب شریعتی که شریعت در ابتدا به او واگذار شده نیست، بلکه برای بیان عظمت شأن مدفوع الیه است و اینکه او امام است و امامت مختص اولوالعزم است و ائمه ما علیهم السّلام همان طور که در اخبار آمده این گونه اند.

ادامه روایت دلالت دارد به حیات یحیی بعد از زکریا علیهما السلام، بر خلاف مشهور که بعضی روایات دلالت دارد بر موت ایشان قبل از عیسی علیه السّلام است که گذشت. بعضی گفته اند چند یحیی بن زکریا داریم. ادامه روایت مطلب پنهانی نداریم.

**[ترجمه]

«۲»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِیبٍ السِّجِسْتَانِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا قَرَّبَ ابْنَا آدَمَ الْقُرْبَانَ فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ تُقُبِّلَ مِنْ هَابِیلَ وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ مِنْ قَابِیلَ دَخَلَهُ مِنْ ذَلِکَ حَسَدٌ شَدِیدٌ وَ بَغَی عَلَی هَابِیلَ وَ لَمْ یَزَلْ یَرْصُدُهُ وَ یَتَّبِعُ خَلْوَتَهُ حَتَّی ظَفِرَ بِهِ مُتَنَحِّیاً عَنْ آدَمَ فَوَثَبَ عَلَیْهِ فَقَتَلَهُ فَکَانَ مِنْ قِصَّتِهِمَا مَا قَدْ أَنْبَأَ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ مِمَّا کَانَ بَیْنَهُمَا مِنَ الْمُحَاوَرَهِ قَبْلَ أَنْ یَقْتُلَهُ قَالَ فَلَمَّا عَلِمَ آدَمُ بِقَتْلِ هَابِیلَ جَزِعَ عَلَیْهِ جَزَعاً شَدِیداً وَ دَخَلَهُ حُزْنٌ شَدِیدٌ قَالَ فَشَکَا إِلَی اللَّهِ ذَلِکَ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَیْهِ أَنِّی وَاهِبٌ لَکَ ذَکَراً یَکُونُ خَلَفاً لَکَ مِنْ هَابِیلَ قَالَ فَوَلَدَتْ حَوَّاءُ غُلَاماً زَکِیّاً مُبَارَکاً فَلَمَّا کَانَ یَوْمُ السَّابِعِ سَمَّاهُ آدَمُ شَیْثَ فَأَوْحَی اللَّهُ إِلَی آدَمَ أَنَّمَا هَذَا الْغُلَامُ هِبَهٌ مِنِّی لَکَ فَسَمِّهِ هِبَهَ اللَّهِ قَالَ فَسَمَّاهُ هِبَهَ اللَّهِ

۱- اکمال الدین: ۱۲۲: فیه: (واحدا بعد واحد) و فیه: فالمقبل علیک کالمقیم معی و تقدم فی کتاب النبوّه ذکر الأوصیاء باسامی أخر. راجع ج ۱۱: ۲۶۵ و ۲۶۶.

قَالَ فَلَمَّا دَنَا أَجَلُ آدَمَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَا آدَمُ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَ رَافِعُ رُوحِكَ إِلَيَّ يَوْمَ كَذَا وَ كَذَا فَأَوْصِ إِلَى خَيْرِ وُلْدِكَ وَ هُوَ هِبَتِيَ الَّذِي وَهَبْتُهُ لَكَ فَأَوْصِ إِلَيْهِ وَ سَلِّمْ إِلَيْهِ مَا عَلَّمْنَاكَ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَ الِاسْمِ الْأَعْظَمِ فَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي تَابُوتٍ فَإِنِّي أُحِبُّ أَنْ لَا يَخْلُوَ أَرْضِي (۱) مِنْ عَالِمٍ يَعْلَمُ عِلْمِي وَ يَقْضِي بِحُكْمِي أَجْعَلُهُ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي قَالَ فَجَمَعَ آدَمُ إِلَيْهِ جَمِيعَ وُلْدِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ فَقَالَ لَهُمْ يَا وُلْدِي إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ رَافِعٌ إِلَيْهِ رُوحِي وَ أَمَرَنِي أَنْ أُوصِيَ إِلَى خَيْرِ وُلْدِي وَ إِنَّهُ هِبَةُ اللَّهِ وَ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَهُ لِي وَ لَكُمْ مِنْ بَعْدِي اسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا أَمْرَهُ فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ فَقَالُوا جَمِيعاً نَسْمَعُ لَهُ وَ نُطِيعُ أَمْرَهُ وَ لَا نُخَالِفُهُ قَالَ فَأَمَرَ بِالتَّابُوتِ (۲) فَعُمِلَ ثُمَّ جُعِلَ فِيهِ عِلْمُهُ وَ الْأَسْمَاءُ وَ الْوَصِيَّةُ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَى هِبَةِ اللَّهِ وَ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ وَ قَالَ لَهُ انْظُرْ يَا هِبَةَ اللَّهِ إِذَا أَنَا مِتُّ فَاغْسِلْنِي وَ كَفِّنِّي وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ أَدْخِلْنِي فِي حُفْرَتِي فَإِذَا مَضَى بَعْدَ وَفَاتِي أَرْبَعُونَ يَوْماً فَأَخْرِجْ عِظَامِي كُلَّهَا مِنْ حُفْرَتِي فَاجْمَعْهَا جَمِيعاً ثُمَّ اجْعَلْهَا فِي التَّابُوتِ وَ احْتَفِظْ بِهِ وَ لَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهِ أَحَداً غَيْرَكَ فَإِذَا حَضَرَتْ وَفَاتُكَ وَ أَحْسَسْتَ (۳) بِذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ فَالْتَمِسْ خَيْرَ وُلْدِكَ وَ أَلْزَمَهُمْ لَكَ صُحْبَةً وَ أَفْضَلَهُمْ عِنْدَكَ قَبْلَ ذَلِكَ فَأَوْصِ إِلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَوْصَيْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَ لَا تَدَعَنَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ عَالِمٍ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَهْبَطَنِي إِلَى الْأَرْضِ وَ جَعَلَنِي خَلِيفَتَهُ فِيهَا حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ فَقَدْ أَوْصَيْتُ إِلَيْكَ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ جَعَلْتُكَ حُجَّةً لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ بَعْدِي فَلَا تَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تَدَعَ لِلَّهِ حُجَّةً وَ وَصِيّاً وَ تُسَلِّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ مَا فِيهِ كَمَا سَلَّمْتُهُ إِلَيْكَ وَ أَعْلِمْهُ أَنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَجُلٌ اسْمُهُ نُوحٌ يَكُونُ فِي نُبُوَّتِهِ الطُّوفَانُ وَ الْغَرَقُ فَمَنْ رَكِبَ فِي فُلْكِهِ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْ فُلْكِهِ غَرِقَ وَ

۱- فی نسخه: فانی لا أحبّ أن یخلو ارضی.

۲- التابوت: الصندوق.

۳- فی نسخه: و خشیت.

أَوْصِ وَصِيَّتَكَ أَنْ يَحْفَظَ بِالتَّابُوتِ وَ بِمَا فِيهِ فَإِذَا حَضَرَتْ وَفَاتُهُ أَنْ يُوصِيَ إِلَى خَيْرِ وُلْدِهِ وَ أَلْزَمِهِمْ لَهُ وَ أَفْضَلِهِمْ عِنْدَهُ وَ سَلَّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ مَا فِيهِ وَ لْيَضَعْ كُلُّ وَصِيٍّ وَصِيَّتَهُ فِي التَّابُوتِ وَ لْيُوصِ بِذَلِكَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ فَمَنْ أَدْرَكَ نُبُوَّةَ نُوحٍ فَلْيَرْكَبْ مَعَهُ وَ لْيَحْمِلِ التَّابُوتَ وَ جَمِيعَ مَا فِيهِ فِي فُلْكِهِ وَ لَا يَتَخَلَّفْ عَنْهُ أَحَدٌ وَ احْذَرْ يَا هِبَةَ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ يَا وُلْدِي الْمَلْعُونَ قَابِيلَ وَ وُلْدَهُ فَقَدْ رَأَيْتُمْ مَا فَعَلَ بِأَخِيكُمْ هَابِيلَ فَاحْذَرُوهُ وَ وُلْدَهُ وَ لَا تُنَاكِحُوهُمْ وَ لَا تُخَالِطُوهُمْ وَ كُنْ أَنْتَ يَا هِبَةَ اللَّهِ وَ إِخْوَتُكَ (1) وَ أَخَوَاتُكَ فِي أَعْلَى الْجَبَلِ وَ اعْزِلْهُ وَ وُلْدَهُ وَ دَعِ الْمَلْعُونَ قَابِيلَ وَ وُلْدَهُ فِي أَسْفَلِ الْجَبَلِ قَالَ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخْبَرَ اللَّهُ أَنَّهُ مُتَوَفِّيهِ فِيهِ تَهَيَّأَ آدَمُ لِلْمَوْتِ وَ أَذْعَنَ بِهِ قَالَ وَ هَبَطَ عَلَيْهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فَقَالَ آدَمُ دَعْنِي يَا مَلَكَ الْمَوْتِ حَتَّى أَتَشَهَّدَ وَ أُثْنِيَ عَلَى رَبِّي بِمَا صَنَعَ عِنْدِي مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْبِضَ رُوحِي فَقَالَ آدَمُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أَرْضِهِ ابْتَدَأَنِي بِإِحْسَانِهِ وَ خَلَقَنِي بِيَدِهِ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقاً بِيَدِهِ سِوَايَ وَ نَفَخَ فِيَّ مِنْ رُوحِهِ ثُمَّ أَجْمَلَ صُورَتِي وَ لَمْ يَخْلُقْ عَلَى خَلْقِي أَحَداً قَبْلِي ثُمَّ أَسْجَدَ لِي مَلَائِكَتَهُ وَ عَلَّمَنِي الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا وَ لَمْ يُعَلِّمْهَا مَلَائِكَتَهُ ثُمَّ أَسْكَنَنِي جَنَّتَهُ وَ لَمْ يَكُنْ جَعَلَهَا دَارَ قَرَارٍ وَ لَا مَنْزِلَ اسْتِيطَانٍ وَ إِنَّمَا خَلَقَنِي لِيُسْكِنَنِي الْأَرْضَ لِلَّذِي أَرَادَ مِنَ التَّقْدِيرِ وَ التَّدْبِيرِ وَ قَدَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَنِي فَمَضَيْتُ فِي قُدْرَتِهِ وَ قَضَائِهِ وَ نَافِذِ أَمْرِهِ ثُمَّ نَهَانِي أَنْ آكُلَ مِنَ الشَّجَرَةِ فَعَصَيْتُهُ وَ أَكَلْتُ مِنْهَا فَأَقَالَنِي عَثْرَتِي وَ صَفَحَ لِي عَنْ جُرْمِي فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ عِنْدِي حَمْداً يَكْمُلُ بِهِ رِضَاهُ عَنِّي قَالَ فَقَبَضَ مَلَكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ جَبْرَئِيلَ نَزَلَ بِكَفَنِ آدَمَ وَ بِحَنُوطِهِ وَ بِالْمِسْحَاةِ مَعَهُ قَالَ وَ نَزَلَ مَعَ جَبْرَئِيلَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ لِيَحْضُرُوا جِنَازَةَ آدَمَ قَالَ فَغَسَّلَهُ هِبَةُ

۱- فی نسخه الکمبانیّ: و اخوانک.

اللَّهِ وَ جَبْرَئِيلُ وَ كَفَّنَهُ وَ حَنَّطَهُ (۱) ثُمَّ قَالَ يَا هِبَهَ اللَّهِ تَقَدَّمْ فَصَلِّ عَلَى أَبِيكَ وَ كَبِّرْ عَلَيْهِ خَمْساً وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَهً فَوُضِعَ سَرِيرُ آدَمَ ثُمَّ قُدِّمَ هِبَهُ اللَّهِ وَ قَامَ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْمَلَائِكَهُ خَلْفَهُمَا فَصَلَّى عَلَيْهِ وَ كَبَّرَ عَلَيْهِ خَمْساً وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَهً وَ انْصَرَفَ جَبْرَئِيلُ وَ الْمَلَائِكَهُ فَحَفَرُوا لَهُ بِالْمِسْحَاهِ ثُمَّ أَدْخَلُوهُ فِي حُفْرَتِهِ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ يَا هِبَهَ اللَّهِ هَكَذَا فَافْعَلُوا بِمَوْتَاكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَامَ هِبَهُ اللَّهِ فِي وُلْدِ أَبِيهِ بِطَاعَهِ اللَّهِ وَ بِمَا أَوْصَاهُ أَبُوهُ فَاعْتَزَلَ وُلْدَ الْمَلْعُونِ قَابِيلَ فَلَمَّا حَضَرَتْ وَفَاهُ هِبَهِ اللَّهِ أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ (۲) قَيْنَانَ وَ سَلَّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ مَا فِيهِ وَ عِظَامَ آدَمَ (۳) وَ قَالَ لَهُ إِنْ أَنْتَ أَدْرَكْتَ نُبُوَّهَ نُوحٍ فَاتَّبِعْهُ وَ احْمِلِ التَّابُوتَ مَعَكَ فِي فُلْكِهِ وَ لَا تَخَلَّفَنَّ عَنْهُ فَإِنَّ فِي نُبُوَّتِهِ يَكُونُ الطُّوفَانُ وَ الْغَرَقُ فَمَنْ رَكِبَ فِي فُلْكِهِ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ غَرِقَ قَالَ فَقَامَ قَيْنَانُ بِوَصِيَّهِ هِبَهِ اللَّهِ فِي إِخْوَتِهِ وَ وُلْدِ أَبِيهِ بِطَاعَهِ اللَّهِ قَالَ فَلَمَّا حَضَرَتْ قَيْنَانَ الْوَفَاهُ أَوْصَى إِلَى مَهْلَائِيلَ (۴) وَ سَلَّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ مَا فِيهِ وَ الْوَصِيَّهَ فَقَامَ مَهْلَائِيلُ بِوَصِيَّهِ قَيْنَانَ وَ سَارَ بِسِيرَتِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْ مَهْلَائِيلَ الْوَفَاهُ أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ بُرْدٍ (۵) فَسَلَّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ جَمِيعَ مَا فِيهِ وَ الْوَصِيَّهَ فَتَقَدَّمَ إِلَيْهِ فِي نُبُوَّهِ نُوحٍ فَلَمَّا حَضَرَتْ وَفَاهُ بُرْدٍ (۶) أَوْصَى بِهِ إِلَى ابْنِهِ (۷) أَخْنُوخَ وَ هُوَ إِدْرِيسُ فَسَلَّمَ إِلَيْهِ التَّابُوتَ وَ جَمِيعَ مَا فِيهِ وَ الْوَصِيَّهَ فَقَامَ أَخْنُوخُ بِوَصِيَّهِ بُرْدٍ (۸) فَلَمَّا قَرُبَ أَجَلُهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنِّي رَافِعُكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَابِضُ رُوحِكَ فِي السَّمَاءِ فَأَوْصِ إِلَى

۱- فى المصدر: و جبرئيل كفنه و حنطه.

۲- الظاهر ان هاهنا سقطا أو اختصارا من النسّاخ أو الراوى، لان الوصى بعد هبه اللّه ابنه انوش، ثمّ قينان بن انوش.

۳- فى المصدر: و عظام آدم و وصيه آدم.

۴- فى المصدر: إلى ابنه مهلائيل.

۵- فى المصدر و قصص الأنبياء: يرد بالياء.

۶- فى المصدر و قصص الأنبياء: يرد بالياء.

۷- فى المصدر: أوصى إلى ابنه اخنوخ.

۸- فى المصدر و قصص الأنبياء: يرد بالياء.

ابْنِکَ حِرْقَاسِیلَ (۱) فَقَامَ حِرْقَاسِیلُ بِوَصِیَّةِ أَخْنُوخَ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ أَوْصَی إِلَی ابْنِهِ نُوحٍ وَ سَلَّمَ إِلَیْهِ التَّابُوتَ وَ جَمِیعَ مَا فِیهِ وَ الْوَصِیَّةَ قَالَ فَلَمْ یَزَلِ التَّابُوتُ عِنْدَ نُوحٍ حَتَّی حَمَلَهُ مَعَهُ فِی فُلْکِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْ نُوحاً الْوَفَاةُ أَوْصَی إِلَی ابْنِهِ سَامٍ وَ سَلَّمَ إِلَیْهِ التَّابُوتَ وَ جَمِیعَ مَا فِیهِ وَ الْوَصِیَّةَ قَالَ حَبِیبٌ السِّجِسْتَانِیُّ ثُمَّ انْقَطَعَ حَدِیثُ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عِنْدَهَا (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حبیب سجستانی نقل می کند که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: وقتی دو پسر آدم قربانی کردند و از یکی قبول شد و از دیگری مقبول نیفتاد، از هابیل قبول شد و قربانی قابیل را قبول نکردند. این مطلب موجب رشک و حسد قابیل شد و کینه برادر در دل گرفت و پیوسته در کمین او بود تا بالاخره در جای خلوتی دور از چشم آدم او را پیدا کرد و با یک حمله برادر خود را کشت. داستان آنها را خداوند در قرآن کریم نقل کرده که قبل از کشتن با هم چه گفتگو کردند.

امام علیه السّلام فرمود: آدم وقتی از کشته شدن هابیل اطلاع یافت، بسیار اندوهناک شد و خیلی گریه و زاری کرد و شکایت به خدا نمود. خداوند به او وحی کرد که من به جای هابیل به تو فرزندی خواهم داد که جانشین تو باشد. پس پسری پاک و پاکیزه از حوا متولد شد که روز هفتم آدم او را شیث نام گذاشت. خداوند به او وحی کرد که این پسر هبه و بخشش من است. نام او را هبه اللَّه بگذار. به همین جهت آدم او را هبه اللَّه نامید.

هنگام مرگ آدم که رسید، خداوند به او خبر داد که به زودی در فلان روز تو از دنیا خواهی رفت و روح تو را به جانب خود می برم. بهترین فرزند خود را جانشین قرار ده، همان هبه من که به تو بخشیدم. او را وصی خود گردان و آنچه به تو تعلیم کرده ایم از اسماء و اسم اعظم به او بسپار، آنها را درون صندوقی بگذار. من چنین مایلم که روی زمین خالی از عالمی که اطلاع از علم من دارد نباشد که به حکم من قضاوت نماید و او را حجت بر خلق خود قرار دهم.

آدم تمام فرزندان خود از زن و مرد را جمع کرد به آنها گفت: خداوند به من وحی کرده که روح مرا به جانب خود خواهد برد و دستور داده که بهترین فرزند خود را جانشین قرار دهم، و او هبه اللَّه است که خدا او را به جانشینی من برای شما برگزیده است. از دستورش سرپیچی نکنید، او وصی و جانشین من میان شما خواهد بود. همگی گفتند: مطیع او خواهیم بود و هرگز مخالفت نخواهیم کرد. دستور داد صندوق را ساختند. آثار علوم خود را با اسماء و وصیت در آن نهاد و در اختیار هبه اللَّه گذاشت. آنگاه روی به جانب او کرده گفت: پسرم! متوجه باش وقتی من از دنیا رفتم، مرا غسل ده و کفن کن و بر پیکرم نماز بخوان و مرا دفن نما. چهل روز که از فوت من گذشت، تمام استخوان هایم را جمع کن و در صندوق بگذار و نزد خود نگه دار به هیچ کس در این کار اطمینان مکن. وقتی هنگام وفات خودت رسید و احساس مرگ کردی، بهترین فرزند خویش را وصی قرار ده؛ کسی که بیشتر در مصاحبت تو بوده و از همه شایسته تر است. آنگاه همین وصیت ها که من به تو کردم به او بکن، زمین نباید خالی از عالمی از خانواده ما باشد.

پسرم! خدا مرا در زمین فرود آورد و خلیفه خویش و حجت بر مردم قرار داد. من سفارش و دستور خدا را به تو ابلاغ کردم و تو را حجت بر مردم قرار دادم. مبادا از دنیا بروی مگر اینکه حجتی تعیین کنی و وصی برای خود قرار دهی و همان صندوق را با محتویاتش، همان طوری که من به تو سپردم به او بسپاری. به او بگو از فرزندان من مردی به نام نوح خواهد آمد که در زمان پیامبری او توفان می شود و مردم غرق می گردند. هر که سوار کشتی او شود نجات می یابد و هر کس تخلف جوید، هلاک می شود. به جانشین خود سفارش کن که صندوق را حفظ کند و او نیز هنگام وفات، بهترین فرزند خود و شایسته ترین

آنها را جانشین قرار دهد و صندوق را با آنچه در آن است، به وصی خود بسپارد. هر وصی باید وصیت خود را در همان صندوق بگذارد و این سفارش را به یکدیگر بنمایند. هر که نبوت نوح را درک کرد، با او سوار کشتی شود و صندوق را با محتویاتش در کشتی گذارد. مبادا از نوح تخلف ورزند.

پسرم! تو و تمام فرزندانم از قابیل ملعون و فرزندانش بر حذر باشید. دیدید که با برادر شما چه معامله کرد. با آنها آمیزش و ازدواج نداشته باشید. تو و برادران و خواهرانت در بالای کوه مسکن بگیرید و قابیل و فرزندانش را پایین کوه جای دهید.

آدم روزی که خدا خبر داده بود خواهد مرد، خود را آماده مرگ کرد و یقین نمود. بالاخره ملك الموت بر او وارد شد و آدم از او درخواست کرد که اجازه بده به واسطه لطف و عنایتی که خدا به من فرموده، من شهادت به یگانگی او دهم و او را بستایم. گفت: «اشهد ان لا اله الا اللّٰه»، گواهی می دهم که من بنده خدا و خلیفه او در زمین هستم، مرا مشمول لطف خویش قرار داد و به دست خود آفرید. جز من کسی را به دست خود نیافرید و از روح خود در من دمید و مرا زیبا آفرید و به صورت من کسی را قبل از من نیافریده بود ملائکه را به سجده من دستور داد و تمام اسماء را به من آموخت. با اینکه ملائکه را از اسماء اطلاع نداد. مرا در بهشت خود جای داد، آنجا را قرارگاه و وطن من قرار نداده بود. مرا آفرید تا در زمین که مقدر نموده بود ساکن نماید. این ها تمام برنامه هایی بود که قبل از آفریدن من تعیین کرده بود. من در راه تقدیر و دستور او به زندگی خود ادامه دادم. بعد به من دستور داد که از آن درخت نخورم. من مخالفت نموده و از آن درخت میل کردم که موجب لغزش من شد. خدا از خطای من گذشت. او را می ستایم بر تمام نعمت هایی که به من عنایت فرموده، آن چنان ستایشی که رضایت او را موجب گردد. آنگاه ملك الموت مأموریت خود را انجام داد و روح آدم صلوات اللّٰه علیه را قبض نمود.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: جبرئیل برای آدم کفن آورد و حنوط و بیل نیز با خود آورده بود. با جبرئیل هفتاد هزار ملك بودند تا در تشییع جنازه آدم شرکت کنند. هبه اللّٰه و جبرئیل او را غسل داده و آدم را کفن و حنوط نمودند. بعد جبرئیل به هبه اللّٰه گفت: بر پدر خود نماز بخوان! هبه اللّٰه بیست و پنج تکبیر گفت. تابوت آدم را نهادند، هبه اللّٰه پیش ایستاد، جبرئیل طرف راست و ملائکه پشت سر او نماز خواند و بیست و پنج تکبیر گفت. جبرئیل با ملائکه برای آدم به وسیله بیل قبر کندند و او را در قبر قرار دادند. جبرئیل به هبه اللّٰه گفت: بعد از این نسبت به مردگان خود چنین معامله کنید. سلام و درود خدا بر شما خاندان باد.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: هبه اللّٰه با فرزندان آدم شروع به انجام دستورات خدا و آدم نمودند، اما فرزندان قابیل ملعون کناره گیری کردند. هنگام وفات هبه اللّٰه که رسید، فرزند خود قینان را وصی قرار داد و صندوق و استخوان های آدم را به او سپرد و گفت: اگر نبوت نوح را درک کردی، از او پیروی نما و صندوق را با او در کشتی بگذار. مبادا از او کناره گیری کنی، چون در نبوت او توفان و غرق خواهد بود هر که در کشتی نشیند، نجات می یابد و هر که تخلف ورزد، غرق می شود.

قینان وصیت هبه اللّٰه را در مورد برادران و فرزندان پدر خود به کار بست. هنگام وفات او که رسید، مهلائیل را وصی خود قرار داد و صندوق و محتویات آن را با وصیت به او سپرد. مهلائیل نیز به دستور و روش او عمل کرد. هنگام وفات مهلائیل که رسید، پسرش «برد» را وصی قرار داد و صندوق محتویات و وصیت نامه را به او سپرد. برد به فرزند خود اخنوخ که همان

ادریس است وصیت کرد و صندوق و تمام محتویاتش را با وصیت نامه به او داد. اخنوخ وصیت برد را انجام داد و هنگام مرگ، خدا به او وحی کرد که من تو را به آسمان می برم و در آسمان روحت را می گیرم، فرزندت حرقاسیل را وصی خود قرار ده. حرقاسیل وصیت اخنوخ را انجام داد و هنگام وفات، به فرزند خود نوح وصیت کرد و صندوق و محتویاتش را با وصیت نامه به او سپرد و در نزد نوح بود تا با خود در کشتی نهاد. نوح به فرزند خود سام وصیت کرد و صندوق را به او سپرد، با آنچه که در آن بود، به اضافه وصیت نامه.

حبیب سجستانی گفت: سخن حضرت ابو جعفر در این جا قطع شد. - . تفسیر عیاشی ۱: ۳۰۶-۳۰۹ -

**[ترجمه]

«۳»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا أَكَلَ آدَمُ مِنَ الشَّجَرَهِ أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ فَوُلِدَ لَهُ هَابِیلُ وَ أُخْتُهُ تَوْأَمٌ ثُمَّ وُلِدَ قَابِیلُ وَ أُخْتُهُ تَوْأَمٌ ثُمَّ إِنَّ آدَمَ أَمَرَ هَابِیلَ وَ قَابِیلَ أَنْ یُقَرِّبَا قُرْبَاناً وَ كَانَ هَابِیلُ صَاحِبَ غَنَمٍ وَ كَانَ قَابِیلُ صَاحِبَ زَرْعٍ فَقَرَّبَ هَابِیلُ كَبْشاً مِنْ أَفْضَلِ غَنَمِهِ وَ قَرَّبَ قَابِیلُ مِنْ زَرْعِهِ مَا لَمْ یَكُنْ یَنْقَى كَمَا أَدْخَلَ بَیْتَهُ فَتُقُبِّلَ قُرْبَانُ هَابِیلَ وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ قُرْبَانُ قَابِیلَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ اتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ (۳) وَ كَانَ الْقُرْبَانُ یَأْكُلُهُ (۴) النَّارُ فَعَمَدَ قَابِیلُ إِلَى النَّارِ فَبَنَى لَهَا بَیْتاً وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ بَنَى بُیُوتَ النَّارِ فَقَالَ لَأَعْبُدَنَّ هَذِهِ النَّارَ حَتَّى یُتَقَبَّلَ قُرْبَانِی ثُمَّ إِنَّ إِبْلِیسَ عَدُوَّ اللَّهِ أَتَاهُ وَ هُوَ یَجْرِی مِنِ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فِی الْعُرُوقِ فَقَالَ لَهُ یَا قَابِیلُ قَدْ تُقُبِّلَ قُرْبَانُ هَابِیلَ وَ لَمْ یُتَقَبَّلْ قُرْبَانُكَ وَ إِنَّكَ إِنْ تَرَكْتَهُ یَكُونُ لَهُ عَقِبٌ یَفْتَخِرُونَ عَلَى عَقِبِكَ یَقُولُونَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الَّذِی تُقُبِّلَ قُرْبَانُهُ وَ أَنْتُمْ أَبْنَاءُ الَّذِی تُرِكَ قُرْبَانُهُ فَاقْتُلْهُ لِكَیْلَا یَكُونَ لَهُ عَقِبٌ یَفْتَخِرُونَ عَلَى عَقِبِكَ فَقَتَلَهُ فَلَمَّا رَجَعَ قَابِیلُ إِلَى آدَمَ قَالَ لَهُ یَا قَابِیلُ أَیْنَ هَابِیلُ فَقَالَ اطْلُبُوهُ (۵) حَیْثُ قَرَّبْنَا الْقُرْبَانَ فَانْطَلَقَ آدَمُ فَوَجَدَ هَابِیلَ قَتِیلًا فَقَالَ آدَمُ لُعِنْتِ

ص: ۶۳

۱- فی المصدر و قصص الأنبیاء: خرقاسیل أقول: اوعزنا سابقا فی كتاب النبوّه ان الیعقوبی و المسعودیّ قد صرحا ان وصی اخنوخ ابنه متوشلخ، و وصی متوشلخ ابنه لمک و هو ارفخشد، و وصیه ابنه نوح. راجع ج ۱۱: ۲۶۶.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۳۰۶- ۳۰۹.

۳- المائده: ۲۷.

۴- فی المصدر: تاكله النار.

۵- فی المصدر: فقال: اطلبه.

مِنْ أَرْضٍ كَمَا قَبِلَتِ دَمَ هَابِيلَ فَبَكَى آدَمُ عَلَى هَابِيلَ أَرْبَعِينَ لَيْلَهً ثُمَّ إِنَّ آدَمَ سَأَلَ رَبَّهُ وَلَداً فَوُلِدَ لَهُ غُلَامٌ فَسَمَّاهُ هِبَهَ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ وَهَبَهُ لَهُ وَ أُخْتُهُ تَوْأَمٌ فَلَمَّا انْقَضَتْ نُبُوَّهُ آدَمَ وَ اسْتُكْمِلَتْ أَيَّامُهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَا آدَمُ قَدْ قَضَيْتَ (۱) نُبُوَّتَکَ وَ اسْتَكْمَلْتَ أَيَّامَکَ فَاجْعَلِ الْعِلْمَ الَّذِی عِنْدَکَ وَ الْإِيمَانَ وَ الِاسْمَ الْأَكْبَرَ وَ مِيرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّهِ مِنَ الْعَقِبِ مِنْ ذُرِّيَّتِکَ عِنْدَ هِبَهِ اللَّهِ ابْنِکَ فَإِنِّی لَمْ أَقْطَعِ الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ وَ الِاسْمَ الْأَعْظَمَ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّهِ مِنَ الْعَقِبِ مِنْ ذُرِّيَّتِکَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ لَنْ أَدَعَ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يُعْرَفُ بِهِ دِينِی وَ يُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِی وَ يَكُونُ نَجَاهً لِمَنْ يُولَدُ فِيمَا بَيْنَکَ وَ بَيْنَ نُوحٍ وَ بَشَّرَ آدَمَ بِنُوحٍ وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ بَاعِثٌ نَبِيّاً اسْمُهُ نُوحٌ فَإِنَّهُ يَدْعُو إِلَى اللَّهِ وَ يُكَذِّبُهُ قَوْمُهُ فَيُهْلِكُهُمُ اللَّهُ بِالطُّوفَانِ فَكَانَ بَيْنَ آدَمَ وَ بَيْنَ نُوحٍ عَشَرَهُ آبَاءٍ كُلُّهُمْ أَنْبِيَاءُ وَ أَوْصَى آدَمُ إِلَى هِبَهِ اللَّهِ أَنَّ مَنْ أَدْرَكَهُ مِنْكُمْ فَلْيُؤْمِنْ بِهِ وَ لْيَتَّبِعْهُ وَ لْيُصَدِّقْ بِهِ فَإِنَّهُ يَنْجُو مِنَ الْغَرَقِ ثُمَّ إِنَّ آدَمَ مَرِضَ الْمَرْضَهَ الَّتِی مَاتَ فِيهَا فَأَرْسَلَ هِبَهَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ إِنْ لَقِيتَ جَبْرَئِيلَ أَوْ مَنْ لَقِيتَ مِنَ الْمَلَائِكَهِ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ يَا جَبْرَئِيلُ إِنَّ أَبِی يَسْتَهْدِيکَ مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّهِ (۲) فَقَالَ جَبْرَئِيلُ يَا هِبَهَ اللَّهِ إِنَّ أَبَاکَ قَدْ قُبِضَ صلى الله عليه و آله وَ مَا نَزَلْنَا إِلَّا لِلصَّلَاهِ عَلَيْهِ فَارْجِعْ فَرَجَعَ فَوَجَدَ آدَمَ قَدْ قُبِضَ فَأَرَاهُ جَبْرَئِيلُ كَيْفَ يُغَسِّلُهُ فَغَسَّلَهُ حَتَّى إِذَا بَلَغَ الصَّلَاهَ عَلَيْهِ قَالَ هِبَهُ اللَّهِ يَا جَبْرَئِيلُ تَقَدَّمْ فَصَلِّ عَلَى آدَمَ فَقَالَ لَهُ جَبْرَئِيلُ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنَا أَنْ نَسْجُدَ لِأَبِيکَ آدَمَ وَ هُوَ فِی الْجَنَّهِ فَلَيْسَ لَنَا أَنْ نَؤُمَّ شَيْئاً (۳) مِنْ وُلْدِهِ فَتَقَدَّمَ هِبَهُ اللَّهِ فَصَلَّى عَلَى أَبِيهِ آدَمَ وَ جَبْرَئِيلُ خَلْفَهُ وَ جُنُودُ الْمَلَائِكَهِ وَ كَبَّرَ عَلَيْهِ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَهً فَأَمَرَهُ جَبْرَئِيلُ فَرَفَعَ مِنْ ذَلِکَ خَمْساً وَ عِشْرِينَ تَكْبِيرَهً وَ السُّنَّهُ الْيَوْمَ فِينَا خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ وَ قَدْ كَانَ يُكَبِّرُ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ تِسْعاً وَ سَبْعاً

ص: ۶۴

۱- فی النسخه المخطوطه: قد قضت نبوتک.

۲- فی اکمال الدین: ففعل، فقال له جبرئیل.

۳- فی الاکمال: احدا من ولده.

ثُمَّ إِنَّ هِبَهَ اللَّهِ لَمَّا دُفِنَ آدَمُ صلى الله عليه و آله أَتَاهُ قَابِيلُ فَقَالَ يَا هِبَهَ اللَّهِ إِنِّی قَدْ رَأَيْتُ أَبِی آدَمَ قَدْ خَصَّکَ مِنَ الْعِلْمِ بِمَا لَمْ أُخَصَّ بِهِ أَنَا وَ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِی دَعَا بِهِ أَخُوکَ هَابِيلُ فَتُقُبِّلَ مِنْهُ قُرْبَانُهُ وَ إِنَّمَا قَتَلْتُهُ لِكَيْلَا يَكُونَ لَهُ عَقِبٌ فَيَفْتَخِرُونَ عَلَى عَقِبِی فَيَقُولُونَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الَّذِی تُقُبِّلَ مِنْهُ قُرْبَانُهُ وَ أَنْتُمْ أَبْنَاءُ الَّذِی تُرِکَ قُرْبَانُهُ وَ إِنَّکَ إِنْ أَظْهَرْتَ مِنَ الْعِلْمِ الَّذِی اخْتَصَّکَ بِهِ أَبُوکَ شَيْئاً قَتَلْتُکَ كَمَا قَتَلْتُ أَخَاکَ هَابِيلَ فَلَبِثَ هِبَهُ اللَّهِ وَ الْعَقِبُ مِنْ بَعْدِهِ مُسْتَخْفِينَ بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ وَ الِاسْمِ الْأَكْبَرِ وَ مِيرَاثِ النُّبُوَّهِ وَ آثَارِ عِلْمِ النُّبُوَّهِ (۱) حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ نُوحاً وَ ظَهَرَتْ وَصِيَّهُ هِبَهِ اللَّهِ (۲) حِينَ نَظَرُوا فِی وَصِيَّهِ آدَمَ فَوَجَدُوا نُوحاً نَبِيّاً قَدْ بَشَّرَ بِهِ أَبُوهُمْ آدَمُ فَآمَنُوا بِهِ وَ اتَّبَعُوهُ وَ صَدَّقُوهُ وَ قَدْ كَانَ آدَمُ أَوْصَى إِلَى هِبَهِ اللَّهِ أَنْ يَتَعَاهَدَ هَذِهِ الْوَصِيَّهَ عِنْدَ رَأْسِ كُلِّ سَنَهٍ فَيَكُونَ يَوْمَ عِيدِهِمْ فَيَتَعَاهَدُونَ بَعْثَ نُوحٍ وَ زَمَانَهُ الَّذِی يَخْرُجُ فِيهِ وَ كَذَلِکَ فِی وَصِيَّهِ (۳) كُلِّ نَبِيٍّ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله.

قَالَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ آدَمَ أَنْ يُوصِیَ إِلَى هِبَهِ اللَّهِ أَمَرَهُ أَنْ يَسْتُرَ ذَلِکَ فَجَرَتِ السُّنَّهُ فِی ذَلِکَ بِالْكِتْمَانِ فَأَوْصَى إِلَيْهِ وَ سَتَرَ ذَلِکَ (۴).

أقول: قد مضى الخبر بتمامه و طوله فی باب جوامع (۵) أحوال الأنبياء عليهم السلام من كتاب النبوه و مضى خبر آخر طويل فی اتصال الوصيه فی باب أحوال (۶) ملوک الأرض من ذلک الكتاب فلم نعدهما حذرا من التكرار و الإطناب.

۱- فی المصدر: و اثار العلم و النبوّه.

۲- فی المصدر: وصيه هبه اللّه فی ولده.

۳- فی الاكمال: و كذلک جرى فی وصيته.

۴- تفسير العيّاشیّ ۱: ۳۰۹- ۳۱۱.

۵- فی ج ۱۱: ۴۳- ۵۲، رواه المصنّف هناک عن اكمال الدين و روضه الكافی. راجعه.

۶- فی ج ۱۴: ۵۱۵.

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: وقتی آدم از درخت ممنوع خورد و به زمین فرود آمد، هابیل و خواهرش دو قلو برای او متولد شد. بعد از آن دو قابیل و خواهرش دو قلو متولد شدند. آدم به هابیل و قابیل دستور داد که قربانی کنند. هابیل گوسفند دار بود و قابیل زراعت داشت. هابیل یکی از بهترین گوسفندهای خود را برای قربانی آورد، اما قابیل از زراعت خود مقداری ناپاک آورد. قربانی هابیل قبول شد، ولی از قابیل نپذیرفتند. این آیه قرآن اشاره به همین جریان است؛ «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبا قُرْباناً فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِما وَ لَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ» - . مائده/ ۲۷ - {و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانیی پیش داشتند پس از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد.} قربانی وقتی قبول می شد که آتش می گرفت. از آن پس قابیل آتشکده ای بنا کرد و او اول کسی بود که آتشکده ساخت. گفت: آن قدر این آتش را می پرستم تا قربانی مرا قبول کند. بعد شیطان که می تواند مانند خون در رگ انسان نفوذ کند، پیش قابیل آمد و گفت: چون قربانی هابیل قبول شد و از تو رد گردید، اگر چاره ای برای این کار نکنی دارای فرزند خواهد شد و فرزندان او بر فرزندان تو فخر می کنند و می گویند ما کسی هستیم که قربانی اش قبول شد و شما فرزند کسی هستید که قربانی او را نپذیرفتند. صلاح این است که او را بکشی تا دارای فرزندی نشود و بر فرزند تو فخر نمایند. قابیل هم او را کشت. وقتی پیش آدم آمد، به او گفت: ای قابیل! هابیل کجاست؟ گفت: بروید همان جایی را که قربانی کردیم بگردید. وقتی آدم جستجو کرد، هابیل را کشته یافت. آدم گفت: نفرین بر تو زمین که خون هابیل را قبول کردی. پس چهل شبانه روز بر او گریه کرد. بعد از خدا خواست فرزندی به او عنایت کند. پسری برایش متولد شد که او را هبه اللّه نام نهاد. زیرا خداوند او و خواهرش را به آدم بخشید. وقتی نبوت آدم پایان یافت و روزگارش تمام شد، خدا به او وحی کرد: نبوت تو پایان یافته و روزگارت به سر آمده است. علم و ایمان و اسم اعظم و میراث و آثار علم نبوتی که نزد توست را پیش هبه الله فرزندت قرار ده. من اینها را تا روز قیامت از فرزندان تو قطع نخواهم کرد. و نیز زمین را بدون عالمی که دین مرا بداند و اطاعت مرا نماید رها نمی کنم، و نجات برای کسانی است که مابین تو و نوح متولد می شوند.

آدم بشارت ظهور نوح را به هبه اللّه داد و گفت: خداوند پیامبری را به نام نوح مبعوث می نماید که به خدا دعوت می کند و قومش تکذیب می کنند و خداوند با توفان ایشان را هلاك می کند. و بین آدم و نوح ده پشت فاصله بود که تمام آنها پیامبر بودند. پس به هبه اللّه گفت: هر کدام از شما که او را درک کردید، به او ایمان بیاورید و پیروی کنید و تصدیقش نمایید، چون او موجب نجات از غرق می شود. آدم مریض شد و همان بیماری که به مرگ او منتهی گردید. پس به هبه اللّه گفت: اگر جبرئیل یا سایر ملائکه را دیدی، سلام مرا به او برسان و بگو که پدرم از شما تقاضای میوه بهشت نموده. [هبه اللّه پیغام آدم را رساند] جبرئیل به او گفت: پدرت از دنیا رفت و ما برای نماز او آمده ایم برگرد پیش او برو.

وقتی هبه اللّه آمد، دید آدم از دنیا رفته است. جبرئیل به او یاد داد که چگونه آدم را غسل دهد. پس او را غسل داد و موقع نماز به جبرئیل گفت: بر آدم نماز بخوان. جبرئیل در جواب او گفت: خداوند ما را مأمور کرد پدرت آدم را موقعی که در بهشت بود سجده کنیم. شایسته نیست برای ما که امامت بر فرزندان او نماییم. پس هبه اللّه پیش رفت و بر پدر نماز خواند و جبرئیل پشت سر او ایستاد و با سایر ملائکه سی تکبیر گفت. جبرئیل دستور داد بیست و پنج تکبیر را بلند بگوید که امروز در بین ما پنج تکبیر معمول است، بر اهل بدر نه تکبیر و هفت تکبیر گفته شده است.

پس از اینکه هبه اللَّه پـدر خود آدم را دفن کرد، قابیـل پیش او آمـد و گفت: پـدرم آدم به تو مزیتی از نظر علم داده که به من نـداده. آن مزیت همـان بود که برادرت هابیـل خوانـد و قربـانی اش قبول شـد. من او را کشـتم تا فرزنـدی نداشـته باشـد که بر فرزنـدان من افتخار کننـد که ما فرزند کسـی هستیم که قربانی اش قبول شد و شـما فرزندان کسـی هستید که قربانی او رد شد. اگر تو هم از علمی که پـدرت در اختیـارت گذاشـته اظهـار کنی، مثـل هابیل برادرت کشـته خواهی شـد. از آن روز هبه اللَّه و فرزندانش پس از او، علم و ایمان و اسم بزرگ و میراث نبوت و آثار علم پیامبری را پیوسته مخفی داشتند تا نوح مبعوث شد و وصـیت هبه اللَّه آشـکار شـد. وقتی به وصـیت آدم نگـاه کردنـد، دیدنـد بشـارت ظهور نوح را به پیامبری داده است. پس به او ایمان آوردند و او را تصدیق نمودند و پیروی کردند. آدم به هبه اللَّه دسـتور داده بود که این وصیت نامه را در ابتدای هر سال یـک بـار ملاـحظه کننـد و آن روز را عیـد قرار دهنـد و پیوسـته سـخن بعثت نوح و زمان ظهورش بود. همچنین در وصـیت هر پیامبری اجرا می شد تا خداوند حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم را مبعوث کرد.

هشـام بن حکم گفت: حضـرت صادق علیه السّـلام فرمود: وقتی خـدا به آدم دسـتور داد وصـیت به هبه اللَّه کنـد، امر کرد این جریان را مخفی بدارد. از آن به بعد قرار بر کتمان و پنهان داشـتن شد. پس به او وصـیت کرد و کتمان نمود. -. تفسیر عیاشی ۱: ۳۰۹-۳۱۱ -

مؤلف: این روایت با تمام طول و تفصـیلش در «باب جوامع احوال انبیا علیهم السّـلام» از کتاب نبوت گـذشت. همچنین روایت طولاـنی دیگری در اتصال وصایت در «باب احوال پادشاهان زمین» در همان کتاب گـذشت، آنها را به جهت نگرانی از تکرار و طولانی شدن نیاوردیم.

**[ترجمه]

باب ۳ أن الإمامه لا تکون إلا بالنص و یجب علی الإمام النص علی من بعده

الآیات

القصص: «وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ»(۶۸)

الزخرف: «وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ أَ هُمْ یَقْسِـمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَـمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ»(۳۲)

lt;meta info="- وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ. -. قصص/ ۶۸ -

{و پروردگار تو هر چه را بخواهـد می آفرینـد و برمی گزینـد و آنان اختیاری ندارنـد منزه است خدا و از آنچه [با او] شـریک می گردانند برتر است.}

- وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ هـذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ. أَ هُمْ یَقْسِـمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَـمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَـتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ. -. زخرف/ ۳۱ - ۳۲ -

{و گفتنـد چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شـهر فرود نیامـده است، آیا آنانـند که رحمت پروردگارت را تقسـیم می کننـد مـا [وسایـل] معاش آنان را در زنـدگی دنیا میانشان تقسـیم کرده ایم و برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضـی [دیگر] قرار داده ایم تا بعضـی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است}

**[ترجمه]

تفسیر

قوله تعـالی: وَ یَخْتارُ: أی یختار من یشاء للنبوه و الإمامه فقـد روی المفسـرون أنه نزل فی قولهم لَوْ لا نُزِّلَ هـذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ و قیل ما موصوله مفعول لیختار و الراجع إلیه محـذوف و المعنی و یختار الذی کان لهم فیه الخیره أی الخیر و الصـلاح و علی الأول الخیره بمعنی التخیر کالطیره بمعنی التطیر و علی التقـدیرین یـدل علی أن اختیار الإمام الذی له الرئاسه فی الـدین و الدنیا لا یکون برأی الناس کما لا یخفی علی منصف مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ أی من إحدی القریتین مکه و الطائف عَظِیمٍ بالجاه و المال کالولید بن المغیره و عروه بن مسعود الثقفی.

أَ هُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ قـال البیضـاوی إنکـار فیه تجهیـل و تعجیب من تحکمهم و المراد بالرحمه النبوه نَحْنُ قَسَمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الـدُّنْیا و هم عاجزون عن تدبیرها و هی خویصه أمرهم فی دنیاهم فمن أین لهم أن یدبروا أمر النبوه التی هی أعلی المراتب الأنسـبه وَ رَفَعْنـا بَعْضَـهُمْ أی و أوقعنـا بینهم التفـاوت فی الرزق و غیره لِیَتَّخِذَ بَعْضُـهُمْ بَعْضـاً سُـخْرِیًّا أی لیسـتعمل بعضهم بعضا فی حوائجهم

ص: ۶۶

ليحصل بينهم تألف و تضام ينتظم بذلك نظام العالم لا لكمال فى الموسع و لا النقص فى المقتر ثم إنهم لا اعتراض لهم علينا فى ذلك و لا تصرف فكيف يكون فيما هو أعلى منه وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ أى هذه النبوه و ما يتبعها خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ من حطام الدنيا و العظيم من رزق منها لا منه انتهى.

و أقول: الآيتان صريحتان فى أن الرزق و المراتب الدنيويه لما كانت بقسمته و تقديره سبحانه فالمراتب الأخرويه و الدرجات المعنويه كالنبوه و ما هو تاليها فى أنه رفعه معنويه و خلافه دينيه و هى الإمامه أولى و أحرى بأن تكون بتعيينه تعالى و لا يكلها إلى العباد و أيضا إذا قصرت عقول العباد عن قسمه الدرجات الدنيويه فهى أحرى بأن تكون قاصره عن تعيين منزله هى تشتمل على الرئاسه الدينيه و الدنيويه معا و هذا بين بحمد الله فى الآيتين على وجه ليس فيه ارتياب و لا شك و الله الموفق للصواب.

**[ترجمه]در این آیه که می فرماید: «و یختار»، یعنی خداوند هر که را بخواهد برای نبوت و امامت انتخاب می کند. مفسرین روایت کرده اند که آیه برای سخن آنهایی نازل شده است که می گفتند: «لَوْ لا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ.» و گفته شده: «ما» موصوله است و مرجع آن حذف شده است، معنی آیه این است که خداوند هر کس را که به خیر و صلاح مردم باشد بر می گیرند، بنا بر وجه اول «خیره» در آیه به معنی «تخییر» است، مانند «طیره» که به معنی «تطیر» است. در هر دو صورت آیه شاهد است بر اینکه انتخاب امامی که ریاست دین و دنیا را دارد، با رأی مردم نمی شود، بر منصف پوشیده نیست. دو قریه ای که در آیه ذکر شده است، منظور یکی از دو قریه است که مکه و طائف است، منظور از «عظیم» یعنی از نظر مقام و ثروت عظیم باشد، مانند ولید ابن مغیره و عروه بن مسعود ثقفی.

«أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ»، بیضاوی می گوید: انکار در آیه نسبت به جهل می دهد و تعجب می کند از تحکم مردم، منظور از «رحمت» نبوت است. «نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا»، یعنی مردم که عاجز از تدبیر معیشت خویش در مسائل شخصی زندگی هستند، چنین مردمی چگونه می توانند در مسأله نبوت که عالی ترین مناسبات است تدبیر نمایند؟ «وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ»، یعنی ما تفاوت در میان آنها در رزق و سایر چیزها قرار دادیم. «لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا»، یعنی در احتیاجات زندگی بعضی بعض دیگر را بگمارد تا بین آنها ارتباط و همگرایی به وجود آید و نظام زندگی به هم نخورد، نه از جهت اینکه ثروتمند موقعیتی در نزد خدا داشته و یا فقیر و مستمند مورد توجه خدا نباشد. آنها را اعتراضی در این تغییر و تفاوت از نظر ثروت بر ما نیست، چگونه اعتراض و اظهار نظر می توانند بکنند در چیزی که مهم تر از مال و امور زندگی است؟ «وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ»، یعنی نبوت و مقام های تابع آن. «خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»، بهتر است از زر و زیور دنیا و موقعیت و عظمت برای کسی است که دارای آن مقام باشد نه ثروت بر هم انباشته کند.

مؤلف: هر دو آیه صریح دلالت دارند که رزق و مقام های دنیوی بسته به تقدیر خداست. در این صورت مقام های معنوی و اخروی مانند نبوت و امامت که از امتیازات مادی بسیار بالاتر است، چگونه در اختیار مردم خواهد بود؟ البته خداوند تعیین خواهد کرد و به مردم واگذار نمی نماید. و نیز وقتی اندیشه مردم در تقسیم امتیازات مادی قاصر باشد، قطعا از تعیین مقامی که شانس ریاست دین و دنیا باشد عاجزتر است. این مطلب بحمد الله از هر دو آیه کاملا آشکار است که جای شک و تردیدی نیست، و خداوند به درستی توفیق می دهد.

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ب، قرب الإسناد ابْنُ عِيسَى عَنِ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا علیه السلام بِالْقَادِسِيَّةِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْ ءٍ وَ أَنَا أُجِلُّكَ وَ الْخَطْبُ فِيهِ جَلِيلٌ وَ إِنَّمَا أُرِيدُ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَرَآنِي وَ قَدْ دَمَعْتُ فَقَالَ لَا تَدَعْ شَيْئاً تُرِيدُ أَنْ تَسْأَلَنِي عَنْهُ إِلَّا سَأَلْتَنِي عَنْهُ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي سَأَلْتُ أَبَاكَ وَ هُوَ نَازِلٌ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ- عَنْ خَلِيفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ فَدَلَّنِي عَلَيْكَ وَ قَدْ سَأَلْتُكَ مُنْذُ سِنِينَ وَ لَيْسَ لَكَ وَلَدٌ- عَنِ الْإِمَامَهِ فِيمَنْ تَكُونُ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتَ فِي وَلَدِي وَ قَدْ وَهَبَ اللَّهُ لَكَ ابْنَيْنِ فَأَيُّهُمَا عِنْدَكَ بِمَنْزِلَتِكَ الَّتِي كَانَتْ عِنْدَ أَبِيكَ فَقَالَ لِي هَذَا الَّذِي سَأَلْتَ عَنْهُ لَيْسَ هَذَا وَقْتَهُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ رَأَيْتَ مَا ابْتُلِينَا بِهِ مِنْ أَبِيكَ وَ لَسْتُ آمَنُ الْأَحْدَاثَ فَقَالَ كَلَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَوْ كَانَ الَّذِي تَخَافُ كَانَ مِنِّي فِي ذَلِكَ حُجَّهٌ أَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ وَ عَلَى غَيْرِكَ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْإِمَامَ الْفَرْضُ عَلَيْهِ وَ الْوَاجِبُ مِنَ اللَّهِ إِذَا خَافَ الْفَوْتَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَحْتَجَّ فِي الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ بِحُجَّهٍ مَعْرُوفَهٍ مُبَيَّنَهٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ ما يَتَّقُونَ (۱) فَطِبْ

ص: ۶۷

۱- التوبه: ۱۱۵.

نَفْساً وَ طِیبَ بِأَنْفُسِ أَصْحَابِکَ فَإِنَّ الْأَمْرَ یَجِی ءُ عَلَی غَیْرِ مَا یَحْذَرُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: بزنطی گفت: در قادسیه خدمت حضرت رضا علیه السّلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم! می خواهم سؤالی از شما بکنم و جلالت شما مرا مانع از این پرسش است، با اینکه سؤال با اهمیتی است. منظورم این است که خود را از آتش جهنم نجات بخشم. امام علیه السّلام متوجه شد که اشک هایم جاری است و فرمود: هر چه مایلی بپرس. عرض کردم: فدایت شوم! در همین موضع از پدرت سؤال کردم که خلیفه بعد از شما کیست و مرا به مقام و امامت شما راهنمایی کرد. چند سال است - با اینکه فرزندی نداشتید- همین سؤال را از شما کرده امو فرموده اید: امامت متعلق به پسر من است. اینک که خداوند به شما دو فرزند عنایت کرده، بفرمایید امامت متعلق به کدام یک از آنهاست؟ فرمود: این سؤالی که می کنی، وقت آن حالا نیست. عرض کردم: فدایت شوم! مشاهده کردی چه گرفتاری درباره پدرت برای ما پیش آمد؟ من اطمینانی از پیشامدها ندارم. فرمود: نه، إن شاء الله چنین نیست. اگر آنچه که می ترسی احتمال وقوع داشته باشد، من باید دلیلی داشته باشم که بر تو یا دیگران استدلال نمایم و حجت را تمام کنم. مگر نمی دانی که بر امام لازم و از طرف خداوند واجب است که اگر مرگ خود را فهمید، در مورد جانشین خویش به مردم اطلاع دهد و حجت آشکار و شناخته شده را بر آنها تمام کند؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَداهُمْ حَتَّی یُبَیِّنَ لَهُمْ ما یَتَّقُونَ» - . توبه/ ۱۱۵ - {و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد.} پس هم تو و هم دوستانت آسوده خاطر باشید که انشا اللّه آشکار خواهد شد و آنچه باعث بیم و ترس شما شده، وقوع نخواهد یافت. - . قرب الاسناد: ۱۶۶ - ۱۶۷ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، قرب الإسناد بِالْإِسْنَادِ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام الْإِمَامُ إِذَا أَوْصَی إِلَی الَّذِی یَکُونُ مِنْ بَعْدِهِ بِشَیْ ءٍ فَفَوَّضَ إِلَیْهِ فَیَجْعَلُهُ حَیْثُ یَشَاءُ أَوْ کَیْفَ هُوَ قَالَ إِنَّمَا یُوصِی بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ قَدْ حُکِیَ عَنْ جَدِّکَ قَالَ أَ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِلَیْنَا نَجْعَلُهُ حَیْثُ نَشَاءُ لَا وَ اللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَهْدٌ (۲) مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَرَجُلٌ مُسَمًّی فَقَالَ فَالَّذِی قُلْتُ (۳) لَکَ مِنْ هَذَا (۴).

یر، بصائر الدرجات عباد بن سلیمان عن سعد بن سعد عن صفوان عنه علیه السلام مثله (۵).

**[ترجمه]قرب الاسناد: به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: امام وقتی کسی را به جانشینی خود تعیین می کند و امر امامت را به او می سپارد، هر کس را که بخواهد می تواند تعیین کند یا دارای خصوصیاتی است؟ فرمود: نه، کسی را تعیین می کند که خدا دستور داده است. عرض کردم: از جد شما چنین نقل شده که فرمود: خیال می کنید تعیین امام به اختیار ماست و به هر کس که بخواهیم وامی گذاریم؟ نه به خدا، این عهد و قراردادی است از پیامبر اکرم که نفر به نفر با نام فرمود. فرمود: آنچه من نیز به تو گفتم از همین جهت بود. - . قرب الاسناد: ۱۵۴ -

بصائر الدرجات: مثل این حدیث را آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ج، الإحتجاج سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّیُّ قَالَ: سَأَلْتُ الْقَائِمَ علیه السلام فِی حِجْرِ أَبِیهِ فَقُلْتُ أَخْبِرْنِی یَا مَوْلَایَ- عَنِ الْعِلَّهِ الَّتِی تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنِ اخْتِیَارِ إِمَامٍ لِأَنْفُسِهِمْ قَالَ مُصْلِحٍ أَوْ مُفْسِدٍ قُلْتُ مُصْلِحٍ قَالَ هَلْ یَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خِیَرَتُهُمْ عَلَی الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا یَعْلَمُ أَحَدٌ مَا یَخْطُرُ بِبَالِ غَیْرِهِ مِنْ صَلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَی قَالَ فَهِیَ الْعِلَّهُ أَیَّدْتُهَا لَکَ بِبُرْهَانٍ یَقْبَلُ ذَلِکَ عَقْلُکَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَخْبِرْنِی عَنِ الرُّسُلِ الَّذِینَ اصْطَفَاهُمُ اللَّهُ وَ أَنْزَلَ عَلَیْهِمُ الْکُتُبَ وَ أَیَّدَهُمْ بِالْوَحْیِ وَ الْعِصْمَهِ إِذْ هُمْ أَعْلَامُ الْأُمَمِ وَ أَهْدَی أَنْ لَوْ ثَبَتَ الِاخْتِیَارُ (۶) وَ مِنْهُمْ مُوسَی وَ عِیسَی علیهما السلام هَلْ یَجُوزُ مَعَ وُفُورِ عَقْلِهِمَا وَ کَمَالِ عِلْمِهِمَا إِذَا هُمَا بِالاخْتِیَارِ أَنْ تَقَعَ خِیَرَتُهُمَا عَلَی الْمُنَافِقِ وَ هُمَا یَظُنَّانِ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ قُلْتُ لَا قَالَ فَهَذَا مُوسَی کَلِیمُ اللَّهِ مَعَ وُفُورِ عَقْلِهِ وَ کَمَالِ عِلْمِهِ وَ نُزُولِ الْوَحْیِ عَلَیْهِ اخْتَارَ مِنْ أَعْیَانِ قَوْمِهِ وَ وُجُوهِ عَسْکَرِهِ لِمِیقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِینَ رَجُلًا مِمَّنْ لَمْ یَشُکَّ فِی

۱- قرب الإسناد: ص ۱۶۶/ ۱۶۷ فیه: قد رأیت ما ابتلینا به فی ابیک.

۲- فی نسخه الکمبانیّ: انما هو عهد.

۳- فی نسخه: قلت له.

۴- قرب الإسناد: ۱۵۴.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳۹ فیه: انما یقضی بامر اللّه.

۶- فی المصدر: فاهدی الی ثبت الاختیار.

إِيمَانِهِمْ وَ إِخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خِيَرَتُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اخْتارَ مُوسى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقاتِنا (۱) الْآيَهَ فَلَمَّا وَجَدْنَا اخْتِيَارَ مَنْ قَدِ اصْطَفَاهُ اللَّهُ لِلنُّبُوَّهِ وَاقِعاً عَلَى الْأَفْسَدِ دُونَ الْأَصْلَحِ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ الْأَصْلَحُ دُونَ الْأَفْسَدِ عَلِمْنَا أَنْ لَا اخْتِيَارَ لِمَنْ لَا يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ مَا تَكِنُّ الضَّمَائِرُ وَ تَنْصَرِفُ عَنْهُ السَّرَائِرُ (۲) وَ أَنْ لَا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ بَعْدَ وُقُوعِ خِيَرَهِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِي الْفَسَادِ. لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ (۳).

**[ترجمه]احتجاج: سعد بن عبداللّه قمی گفت: از حضرت صاحب الزمان علیه السّلام که آن وقت در دامن پدر نشسته بود پرسیدم: به چه دلیل مردم نمی توانند برای خود امام انتخاب کنند؟ فرمود: امام خوب یا بد؟ گفتم: امام خوب و شایسته. فرمود: امکان دارد انتخابی که می کنند به جای خوب بد از کار در آید، با اینکه هیچ کس اطلاع از دل دیگری ندارد که چه چیز به خاطرش می گذرد، فکر خوب یا فکر بد؟ گفتم: آری، ممکن است، فرمود: همین موجب نداشتن چنین اختیاری است که با دلیلی برای تو توجیه کردم که عقلت بپذیرد. تصدیق کردم. فرمود: بگو ببینم، پیامبرانی که خداوند آنها را برگزیده و کتاب آسمانی بر آنها نازل کرده و ایشان را به وحی تأیید نموده و عصمت بخشیده، چون برجسته ترین افراد مردمند و از همه بهتر می توانند انتخاب نمایند. اگر به ایشان اختیار بدهند، از جمله این پیمبران موسی و عیسی علیهما السّلام نیز هستند. با کمال عقل و دانشی که این دو داشتند، آیا ممکن است انتخاب آنها در مورد کسی که خیال می کردند مؤمن است، منافق از کار در آید؟ گفتم: نه. فرمود:

همین موسی با کمال عقل و دانشی که داشت و به او وحی می شد، از میان قوم و سرداران لشکر خود برای میقات خدا هفتاد نفر را انتخاب کرد، با اینکه یقین داشت مؤمن و مخلص هستند. اما این انتخاب بر خلاف تصور او بر منافقین قرار گرفت.

خداوند در این آیه به همین مطلب اشاره می کند: «وَ اخْتارَ مُوسى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقاتِنا» - . اعراف/ ۱۵۵ - {و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید.} وقتی انتخاب پیامبری که خدا او را برگزیده بر شخص فاسدی قرار گیرد، با اینکه او خیال می کرد صالح است، می فهمیم به کسی که از راز دل ها و افکار پنهان و آینده اشخاص خبر ندارد، اجازه انتخاب داده نشده، بعد از اینکه پیامبران انتخابشان صحیح از کار در نیاید. - . احتجاج: ۲۵۹ - ۲۶۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، الخصال ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَتِّيلٍ عَنْ سَلَمَهَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ عَنِ الصَّبَّاحِ الْمُزَنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله السَّمَاءَ مِائَهً وَ عِشْرِينَ مَرَّهً مَا مِنْ مَرَّهٍ إِلَّا وَ قَدْ أَوْصَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهَا إِلَى النَّبِيِّ بِالْوَلَايَهِ لِعَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِهِ علیهم السلام أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ (۴).

یر، بصائر الدرجات علی بن محمد بن سعید عن حمدان بن سلیمان عن عبد الله بن محمد الیمانی عن منیع مثله (۵).

**[ترجمه]خصال: صباح مزنی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله را صد و بیست مرتبه به معراج بردند و در هر مرتبه خداوند سفارش می کرد به پیامبر در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و امامان

بعد از او، بیشتر از آنچه درباره واجبات سفارش می کرد. - . خصال ۲: ۱۴۹ -

بصائر الدرجات: مانند این روایت را آورده است. - . بصائر الدرجات: ۲۳ -

**[ترجمه]

«۵»

ب، قرب الإسناد عَلِيٌّ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: كَانَ يَقُولُ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِسَنَهٍ إِذَا اجْتَمَعَ عِنْدَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ مَا وَكَّدَ اللَّهُ (۶) عَلَى الْعِبَادِ فِی شَیْ ءٍ مَا وَكَّدَ عَلَيْهِمْ بِالْإِقْرَارِ بِالْإِمَامَهِ وَ مَا جَحَدَ الْعِبَادُ شَيْئاً مَا جَحَدُوهَا (۷).

ص: ۶۹

۱- الأعراف: ۱۵۵.

۲- فی نسخه: و تتصرف عنه السرائر.

۳- الاحتجاج: ۲۵۹ و ۲۶۰.

۴- الخصال ۲: ۱۴۹ فیه: أوصى اللّه عزّ و جلّ النبیّ.

۵- بصائر الدرجات: ۲۳.

۶- فی هامش النسخه المطبوعه وكد العقد: اوثقه و الرجل: شده و الوكد بالضم:

۷- قرب للاسناد: ۱۲۳.

**[ترجمه]قرب الاسناد: علی از برادر خود امام موسی علیه السّلام نقل کرد که آن جناب یک سال قبل از اینکه گرفتار شود، هر وقت بستگان و خویشاوندان اطرافش جمع می شدند می فرمود: خداوند درباره چیزی به اندازه تأکیدی که درباره اقرار به امامت نموده، سفارش و تأکید نکرده و مردم چیزی را به اندازه امامت انکار نکرده اند. - . قرب الاسناد: ۱۲۳ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، الخصال ابْنُ مُوسَی عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الزَّیَّاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ کَیْفَ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِی وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام دُونَ الْحَسَنِ (۱) وَ هُمَا جَمِیعاً وَلَدَا رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ سِبْطَاهُ وَ سَیِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ علیه السلام إِنَّ مُوسَی وَ هَارُونَ علیهما السلام کَانَا نَبِیَّیْنِ مُرْسَلَیْنِ أَخَوَیْنِ فَجَعَلَ اللَّهُ النُّبُوَّةَ فِی صُلْبِ هَارُونَ دُونَ صُلْبِ مُوسَی وَ لَمْ یَکُنْ لِأَحَدٍ أَنْ یَقُولَ لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِکَ وَ إِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَیْسَ لِأَحَدٍ أَنْ یَقُولَ لِمَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِی صُلْبِ الْحُسَیْنِ دُونَ صُلْبِ الْحَسَنِ لِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَکِیمُ فِی أَفْعَالِهِ لا یُسْئَلُ عَمَّا یَفْعَلُ وَ هُمْ یُسْئَلُونَ الْخَبَرَ (۲).

**[ترجمه]خصال: مفضل گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه شد که امامت در فرزندان امام حسین علیه السّلام قرار گرفت و فرزندان امام حسن امام نشدند، با اینکه هر دو پسر پیامبر و نواده او و سرور جوانان اهل بهشتند؟ فرمود: موسی و هارون علیهما السّلام هر دو پیامبر و رسول و برادر بودند و خداوند نبوت را در نژاد هارون قرار داد نه موسی، هیچ کس نمی تواند بگوید چرا چنین کرد. امامت همان خلافت خدا است. کسی نمی تواند بگوید چرا خداوند در فرزندان امام حسین قرار داد و به فرزندان امام حسن نداد، زیرا در کار خود حکیم است. از او نمی توان پرسید چرا چنین کردی. این مردم هستند که در کارهای خود مورد بازخواست قرار می گیرند. - . خصال ۱: ۱۴۶ -

**[ترجمه]

«۷»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْیَرِیِّ مَعاً عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ أَ تَرَوْنَ الْأَمْرَ (۳) إِلَیْنَا نَضَعُهُ حَیْثُ نَشَاءُ کَلَّا وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَعَهْدٌ مَعْهُودٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَی رَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَی صَاحِبِهِ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین: عمرو بن اشعث گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: خیال می کنید اختیار تعیین امام به دست ما است که هر کس را بخواهیم انتخاب کنیم؟ این قراری است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نفر به نفر تا منتهی شود به صاحب خود. - . کمال الدین: ۱۲۸ - ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۸»

یر، بصائر الـدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (۵) عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ أَ تَرَوْنَ الْمُوصِیَ مِنَّا یُوصِی إِلَی مَنْ یُرِیدُ لَا وَ اللَّهِ وَ لَکِنَّهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَرَجُلٌ حَتَّی یَنْتَهِیَ الْأَمْرُ إِلَی صَاحِبِهِ (۶).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن ابن أبی عمیر عن بکیر و جمیل عن عمرو بن الأشعث مثله (۷)

ص: ۷۰

۱- فی المصدر: دون ولد الحسن.

۲- الخصال ۱: ۱۴۶.

۳- المراد بالامر الإمامه.

۴- إکمال الدین: ۱۲۸ و ۱۲۹.

۵- فی نسخه الکمبانیّ: (أحمد بن محمّد عن أبیه عن ابن أبی عمیر) و لکن النسخه المخطوطه و المصدر خالیان عن الزائد.

۶- بصائر الدرجات: ۱۳۹ فیه: حتی ینتهی الی صاحبه.

۷- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

یر، بصائر الدرجات أحمد بن الحسن عن أبيه عن ابن بكير عن عمرو بن الأشعث مثله (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمرو بن اشعث گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: خیال می کنید وصی از ما به هر که بخواهد وصایت می دهد، نه به خدا! بلکه این عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفر به نفر تا به صاحبش برسد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

بصائر الدرجات: در دو جا همین روایت را با اختلاف در سند آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ يَزِيدَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَ تَرَوْنَ الْأَمْرَ إِلَيْنَا أَنْ نَضَعَهُ فِيمَنْ شِئْنَا كَلَّا وَ اللَّهِ إِنَّهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام رَجُلٍ فَرَجُلٍ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.(۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام صادق علیه السّلام فرمود: آیا فکر می کنید امر [ولایت] را به هر که بخواهیم می دهیم؟ هرگز! به خدا قسم این عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفر به نفر تا به صاحبش برسد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَسَّانَ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَ تَرَوْنَ الْوَصِيَّةَ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ يُوصِي بِهِ الرَّجُلُ إِلَى مَنْ شَاءَ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَرَجُلٌ حَتَّى انْتَهَى إِلَى نَفْسِهِ (۳).

یر، بصائر الدرجات إبراهيم بن هاشم عن يحيى بن أبي عمران عن علي بن أبي حمزه عن أبي بصير عن أبي عبد الله علیه السلام مثله (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سدیر از یکی از امامان، امام باقر یا امام صادق علیهما السّلام نقل می کند که شنیدم می فرمود: آیا فکر می کنید وصایت چیزی است که به هر که بخواهد بدهد؟ سپس فرمود: همانا این عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفر به نفر تا به خودش باز گردد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

بصائر الدرجات: مثل این روایت را آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹. به جای عبارت «به خودش باز می گردد» آمده

است: «به مردی باز می گردد.» -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ قَالَ: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْأَوْصِيَاءَ وَ ذَكَرْتُ إِسْمَاعِيلَ (۵) وَ قَالَ لَا وَ اللَّهِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِلَيْنَا مَا هُوَ إِلَّا إِلَى اللَّهِ يَنْزِلُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمر بن ابان گفت: حضرت صادق علیه السّلام نام ائمه را برد و من از اسماعیل نام بردم. فرمود: نه، به خدا این اختیار به ما داده نشده و فقط خداوند تعیین می کند، یکی یکی آنها را معین می نماید. - . بصائر الدرجات: - ۱۳۹

**[ترجمه]

«۱۲»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشْعَثِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ أَ تَرَوْنَ هَذَا الْأَمْرَ إِلَيْنَا نَضَعُهُ حَيْثُ شِئْنَا كَلَّا وَ اللَّهِ إِنَّهُ عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله رَجُلٌ فَرَجُلٌ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِهِ (۷).

۱- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

۲- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

۳- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳۹ فيه: يوصى بها الرجل منا الى من شاء؟ انما هو عهد من رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله الى رجل.

۵- أی ذكرت إسماعيل ابنه هل هو من الأوصياء. أو هل توصى إليه؟.

۶- بصائر الدرجات: ۱۳۹ فيه: واحدا بعد واحد.

۷- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمرو بن اشعث گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: آیا فکر می کنید امر [ولایت] را به هر که بخواهیم می دهیم؟ هرگز! به خدا قسم این عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفر به نفر تا به صاحبش برسد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

یر، بصائر الدرجات أَیُّوبُ بْنُ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ عَمْرٍو (۱) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کُنَّا عِنْدَهُ نَحْواً مِنْ عِشْرِینَ إِنْسَاناً فَقَالَ لَعَلَّکُمْ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِلَی رَجُلٍ مِنَّا نَضَعُهُ حَیْثُ نَشَاءُ کَلَّا وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَعَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُسَمَّی رَجُلٌ فَرَجُلٌ حَتَّی انْتَهَی إِلَی صَاحِبِهِ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمرو - . شاید عمروبن اشعث باشد. - نقل می کند ما حدود بیست نفر آیا فکر می کنید امر [ولایت] را به هر که بخواهیم می دهیم؟ هرگز! به خدا قسم این عهدی است از رسول خدا صلی الله علیه و آله، نفر به نفر نام برده شده تا به صاحبش برسد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ وَ طَلَبْتُ وَ قَضَیْتُ إِلَیْهِ (۳) أَنْ یَجْعَلَ هَذَا الْأَمْرَ إِلَی إِسْمَاعِیلَ فَأَبَی اللَّهُ إِلَّا أَنْ یَجْعَلَهُ لِأَبِی الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت صادق نقل کرد که فرمود: از خداوند تقاضا و درخواست و التماس کردم که امامت را به اسماعیل بدهد. خداوند امتناع کرد و فقط فرمود که باید ابوالحسن موسی بن جعفر امام باشد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

یر، بصائر الدرجات الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ الْمِصْرِیِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَةَ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعْهُودٌ لِرَجُلٍ مُسَمًّی لَیْسَ لِلْإِمَامِ أَنْ یَزْوِیَهَا عَمَّنْ یَکُونُ مِنْ بَعْدِهِ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معاویه بن عمار نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمود: امامت عهدی است از سوی

خداونـد عزوجـل برای شـخص معلومی. بر امام سـزاوار نیست که از آنچه که بعـد از آن اتفاق می افتـد چشم پوشـی کنـد. - . بصائر الدرجات: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۶»

یر، بصائر الـدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَـیْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ كُلْثُوم عَنْ عَبْـدِ الرَّحْمَنِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَـالَ: كَانَ لِإِسْـمَاعِیلَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ ابْنٌ صَـغِیرٌ یُحِبُّهُ وَ كَانَ هَوَی إِسْـمَاعِیلَ فِیهِ فَأَبَی اللَّهُ ذَلِكَ فَقَالَ یَا إِسْـمَاعِیلُ هُوَ فُلَانٌ فَلَمَّا قَضَـی اللَّهُ الْمَوْتَ عَلَی إِسْمَاعِیلَ فَجَاءَ وَصِیُّهُ (۶) وَ قَـالَ یَا بُنَیَّ إِذَا حَضَـرَ الْمَوْتُ فَافْعَلْ كَمَا فَعَلْتُ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ لَیْسَ یَمُوتُ إِمَامٌ إِلَّا أَخْبَرَهُ اللَّهُ إِلَی مَنْ یُوصِی (۷).

ص: ۷۲

۱- لعله عمرو بن الاشعث المتقدم.

۲- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

۳- فی نسخه: و نصبت إلیه.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳۹.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳۹. قوله: یزویها، ای لیس له أن یصرفها عمن یکون بعده.

۶- فی النسخه المخطوطه: و جاء وصیه و فی المصدر: و جاء وصیه فقال و فیه: عن اجل ذلک.

۷- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحمن خزاز از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اسماعیل پسر ابراهیم فرزند صغیری داشت که او را خیلی دوست می داشت و مایل بود آن فرزند به مقام خلافت برسد. اما خداوند از این کار امتناع داشت و به او وحی کرد که جانشین تو فلان کس است. هنگام مرگ اسماعیل که رسید، وصی او آمد و اسماعیل گفت: پسرم! وقتی مرگ تو هم فرا رسید، همین کار که من کردم بکن. به همین جهت هیچ امامی نخواهد مرد، مگر اینکه خدا به او خبر می دهد که به چه کسی وصیت کند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۷»

یر، بصائر الدرجات السِّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ حُجْرٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَا مَاتَ مِنَّا عَالِمٌ حَتَّى يُعْلِمَهُ اللَّهُ إِلَى مَنْ يُوصِی (۱).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الأهوازی عن فضاله عن عمرو بن أبان عن حمران عن أبی عبد الله علیه السلام مثله (۲)

یر، بصائر الدرجات محمد بن عبد الجبار عن محمد البرقی عن فضاله عن عمرو بن أبان عن سلیمان بن خالد عن أبی عبد الله علیه السلام مثله (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حمران گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: از ما خانواده امام و پیشوایی نخواهد مرد، مگر اینکه به او اطلاع می دهند به که وصیت کند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

بصائر الدرجات: مانند همین روایت با دو سند دیگر نیز آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۸»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَا يَمُوتُ الرَّجُلُ مِنَّا حَتَّى يَعْرِفَ وَلِيَّهُ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن صیقل گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: از ما خانواده کسی نمی میرد، مگر اینکه می شناسد ولی و امام بعد از خود را. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۹»

یر، بصائر الـدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَیْسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ یَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِی مِنْ بَعْدِهِ فَیُوصِی إِلَیْهِ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معلی بن خنیس گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: امام می شناسد امام بعد از خود را و به او وصیت می کند. -. بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۲۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی یَعْفُورٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا یَمُوتُ الْإِمَامُ حَتَّى یَعْلَمَ مَنْ یَکُونُ بَعْدَهُ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالله ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: هیچ امامی نمی میرد، مگر آنکه امام بعد از خود را می شناسد. -. بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۲۱»

یر، بصائر الـدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْخَزَّازِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْإِمَامُ یَعْرِفُ الْإِمَامَ الَّذِی یَکُونُ مِنْ بَعْدِهِ (۷).

یر، بصائر الدرجات محمد بن شعیب عن أبی بصیر عن أبی عبد الله علیه السلام مثله (۸)

یر، بصائر الدرجات محمد بن عیسی عن علی بن النعمان عن شعیب عن أبی حمزه عن أبی جعفر علیه السلام مثله (۹)

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴۰ فیه: یکون من بعده.

۷- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

٨- بصائر الدرجات: ١٤٠.

٩- بصائر الدرجات: ١٤٠.

یر، بصائر الدرجات محمد بن عیسی عن الأهوازی عن فضاله عن الحسین بن أبی العلاء عن أبی عبد الله علیه السلام مثله (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسین ابن أبی العلاـ از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: امام، امام بعد خود را می شناسد. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

بصائر الدرجات: مانند این روایت را سه جای دیگر با اسناد مختلف آورده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۲۲»

قب، المناقب لابن شهرآشوب مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ قَالَ اخْتَارَ مُحَمَّداً وَ أَهْلَ بَیْتِهِ.

عَلِیُّ بْنُ الْجَعْدِ عَنْ شُعْبَهَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ مَسْلَمَهَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنْ طِینٍ کَیْفَ یَشَاءُ (۲) ثُمَّ قَالَ وَ یَخْتارُ إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَنِی وَ أَهْلَ بَیْتِی عَلَی جَمِیعِ الْخَلْقِ (۳) فَانْتَجَبَنَا فَجَعَلَنِیَ الرَّسُولَ وَ جَعَلَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام الْوَصِیَّ ثُمَّ قَالَ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ یَعْنِی مَا جَعَلْتُ لِلْعِبَادِ أَنْ یَخْتَارُوا وَ لَکِنِّی أَخْتَارُ مَنْ أَشَاءُ فَأَنَا وَ أَهْلُ بَیْتِی صَفْوَهُ اللَّهِ وَ خِیَرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ ثُمَّ قَالَ سُبْحانَ اللَّهِ یَعْنِی تَنْزِیهاً لِلَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ بِهِ کُفَّارُ مَکَّهَ ثُمَّ قَالَ وَ رَبُّکَ یَا مُحَمَّدُ یَعْلَمُ ما تُکِنُّ صُدُورُهُمْ مِنْ بُغْضِ الْمُنَافِقِینَ لَکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِکَ وَ ما یُعْلِنُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مِنَ الْحُبِّ لَکَ وَ لِأَهْلِ بَیْتِکَ (۴).

یف، الطرائف رَوَی مُحَمَّدُ بْنُ مُؤْمِنٍ فِی کِتَابِهِ فِی تَفْسِیرِ قَوْلِهِ تَعَالَی وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ آدَمَ وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ (۵).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: محمّد بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: درباره آیه «یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ» - . قصص/ ۶۸ - ؛ خداوند محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم و اهل بیت او را برگزید.

علی بن جعد از شعبه، از حماد بن مسلمه، از انس نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: خداوند آدم را از گل به هر طور خواست آفرید. سپس فرمود: «و یختار» خداوند من و اهل بیتم را بر جمیع مردم انتخاب کرد. ما را برگزید به من مرتبت نبوت داد و علی بن ابی طالب را وصی نمود. آنگاه فرمود: «ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ»، یعنی اختیار انتخاب را به مردم نداده اند. ولی من بر می گزینم کسی را که می خواهم. پس من و اهل بیتم برگزیده و امتیازدار از میان مردمیم. بعد فرمود: منزه است خدا از آنچه مشرکین مکه بر او شریک می گیرند. بعد فرمود: ای محمّد! پروردگارت می داند چه در دل های خود پنهان کرده اند از کینه برای تو و خانواده ات و چه در زبان آشکار می کنند از علاقه به شما. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۲۰ -

طرائف: محمد بن مؤمن در کتابش در تفسیر این آیه آورده است: «خداوند عزوجل آدم را آفرید» و مثل روایت قبل را آورده است. - . طرائف: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۳»

قب، المناقب لابن شهرآشوب ابْنُ جَرِيرٍ الطَّبَرِيُّ لَمَّا كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يَعْرِضُ نَفْسَهُ عَلَى الْقَبَائِلِ جَاءَ إِلَى بَنِي كِلَابٍ فَقَالُوا نُبَايِعُكَ عَلَى أَنْ يَكُونَ لَنَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ فَقَالَ الْأَمْرُ لِلَّهِ فَإِنْ شَاءَ كَانَ فِيكُمْ وَ كَانَ فِي غَيْرِكُمْ (۶) فَمَضَوْا وَ لَمْ يُبَايِعُوهُ وَ قَالُوا لَا نَضْرِبُ لِحَرْبِكَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۲- فی نسخه: شاء.

۳- فی المصدر: عن جمیع الخلق.

۴- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۲۰ و الآیه فی القصص: ۶۸ و ۸۹. تمامها: سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ*.

۵- الطرائف: ۲۴.

۶- فی المصدر: کان فیکم او فی غیرکم.

بِأَسْيَافِنَا ثُمَّ تَحْكُمُ عَلَيْنَا غَيْرَنَا.

الْمَاوَرْدِيُّ فِی أَعْلَامِ النُّبُوَّهِ أَنَّهُ قَالَ عَامِرُ بْنُ الطُّفَيْلِ لِلنَّبِیِّ وَ قَدْ أَرَادَ بِهِ غِيلَهً يَا مُحَمَّدُ مَا لِی إِنْ أَسْلَمْتُ فَقَالَ لَکَ مَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَيْکَ مَا عَلَی الْإِسْلَامِ فَقَالَ أَ لَا تَجْعَلُنِی الْوَالِیَ مِنْ بَعْدِکَ قَالَ لَيْسَ لَکَ ذَلِکَ وَ لَا لِقَوْمِکَ وَ لَکِنْ لَکَ أَعِنَّهُ الْخَيْلِ تَغْزُو فِی سَبِيلِ اللَّهِ الْقِصَّهَ (۱).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابن جریر طبری گفت: پیامبر اکرم نبوت خویش را بر قبایل عرب عرضه می داشت تا به بنی کلاب رسید. آنها گفتند: ما با تو به نبوت بیعت می کنیم، مشروط بر اینکه جانشینی تو متعلق به ما باشد. فرمود: اختیار دست خدا است؛ اگر او بخواهد در شما خواهد بود؛ وگرنه در دیگری. آنها از بیعت صرفنظر کردند و رفتند. می گفتند ما نمی آییم با شمشیرهای خود در جنگ هایی که تو می خواهی پیکار کنیم، بعد دیگری را بر ما امیر و فرمانروا کنی.

ماوردی: در اعلام النبوه می نویسد: عامر بن طفیل که قصد داشت پیامبر اکرم را بفریبد گفت: اگر من اسلام اختیار کنم چه امتیازی خواهم داشت؟ فرمود: هر امتیازی که اسلام دارد به نفع تو است. اگر اسلام آوردن موجب زیانی باشد، آن زیان متوجه تو خواهد بود. گفت: مرا فرمانروای بعد از خود نمی گردانی؟ فرمود: این مقام به تو و فامیلت نمی رسد، اما می توانی فرمانده سپاهی شوی و در راه خدا به جنگ بپردازی. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۲۱ -

**[ترجمه]

«۲۴»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو ذَرٍّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله مَنِ اسْتَعْمَلَ غُلَاماً فِی عِصَابَهٍ فِيهَا مَنْ هُوَ أَرْضَی لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ.

و قال أبو الحسن الرفاء لابن رامين الفقيه لما خرج النبی صلی الله علیه و آله من المدينه ما استخلف عليها أحدا قال بلی استخلف عليا قال و كيف لم يقل لأهل المدينه اختاروا فإنكم لا تجتمعون علی الضلال قال خاف عليهم الخلف و الفتنه قال فلو وقع بينهم فساد لأصلحه عند عودته قال هذا أوثق قال فاستخلف أحدا بعد موته قال لا قال فموته أعظم من سفره فكيف أمن علی الأمه بعد موته ما خافه فی سفره و هو حی عليهم فقطعه (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابوذر از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: هر کس فردی را بر گروهی فرمانروا کند، با اینکه در میان آن گروه کسی هست که خدا از او بیشتر خشنود است، چنین کسی به خدا خیانت کرده است.

ابوالحسن رفاء به ابن رامین فقیه گفت: وقتی پیامبر اکرم از مدینه خارج شد، آیا کسی را به جانشینی خود تعیین نکرد؟ جواب داد: چرا، علی را به جانشینی خویش معین کرد. گفت: پس چرا به اهل مدینه نگفت خودتان انتخاب کنید، چون شما هرگز راه اشتباه نخواهید رفت؟ در جواب گفت: ترسید اختلاف و فتنه ای برپا شود. ابوالحسن گفت: اگر اختلافی به وجود می آمد، بعد از برگشتن از جنگ خودش اصلاح می کرد. در جواب او گفت: این کار که علی را تعیین کرد، موجب اطمینان خاطر

بیشتری بود. در این موقع ابوالحسن گفت: پس در هنگام وفات آیا کسی را به جانشینی خود تعیین کرد؟ جواب داد: نه.

ابوالحسن گفت: مرگ از یک مسافرت مهم تر است. چگونه آنچه در یک مسافرت موجب تشویش خاطرش می شد، در سفر مرگ اطمینان داشت که پس از مرگش اختلاف و فتنه ای برپا نمی شود؟ ابن رامین در جواب فرو ماند. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۲۱ -

**[ترجمه]

«۲۵»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَلَبِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُکَیْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ الْأَشْعَثِ (۳) قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ وَ نَحْنُ عِنْدَهُ فِی الْبَیْتِ نَحْوٌ مِنْ عِشْرِینَ رَجُلًا فَأَقْبَلَ عَلَیْنَا وَ قَالَ لَعَلَّکُمْ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ فِی الْإِمَامَهِ إِلَی الرَّجُلِ مِنَّا یَضَعُهُ حَیْثُ یَشَاءُ وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَعَهْدٌ مِنَ اللَّهِ نَزَلَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَی رِجَالٍ مُسَمَّیْنَ رَجُلٍ فَرَجُلٍ حَتَّی یَنْتَهِیَ إِلَی صَاحِبِهَا (۴).

ص: ۷۵

۱- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۲۱.

۲- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۲۱ و ۲۲۲ قوله: فقطعه ای قطع عذره و ألزمه.

۳- فی المصدر و فی النسخه المخطوطه: عمر بن الاشعث و فیه تصحیف و صحیحه: (عمرو) کما تقدم.

۴- غیبه النعمانیّ: ۲۳ فیه: حتی تنتهی الی صاحبها.

**[ترجمه]غیبت نعمانی: عمرو بن اشعث گفت: ما در حدود بیست نفر میان اطاق خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودیم. ایشان رو به جمعیت کرد و فرمود: شما خیال می کنید در مسأله امامت، امام می تواند هر کس را که بخواهد به جانشینی خود تعیین کند؟ به خدا قسم این قراردادی است از جانب خدا که به پیامبر ابلاغ کرده و مردان معینی را با نام و نشان، یکی پس از دیگری مشخص نموده تا منتهی به صاحب آن شود. -. غیبت نعمانی: ۲۳ -

**[ترجمه]

باب ۴ وجوب معرفه الإمام و أنه لا یعذر الناس بترک الولایه و أن من مات لا یعرف إمامه أو شک فیه مات میته جاهلیه و کفر و نفاق

الأخبار

«۱»

سن، المحاسن أَبِی عَنِ النَّضْرِ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا یَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً فَعَلَیْکُمْ بِالطَّاعَهِ قَدْ رَأَیْتُمْ أَصْحَابَ عَلِیٍّ وَ أَنْتُمْ تَأْتَمُّونَ بِمَنْ لَا یُعْذَرُ النَّاسُ بجهاله (۱) بِجَهَالَتِهِ لَنَا کَرَائِمُ الْقُرْآنِ وَ نَحْنُ أَقْوَامٌ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ (۲).

**[ترجمه]محاسن برقی: بشیر دهان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که امام خویش را نمی شناسد، به مانند مردم جاهلیت کافر و بی اعتقاد به مبانی دینی از دنیا رفته است.» فرمانبردار باشید. شما ملاحظه کردید یاران علی را که چگونه بودند. شما پیرو کسی هستید که عذر احدی را در نشناختن او نمی پذیرند. آیات نفیس قرآن درباره ما است. خداوند اطاعت و فرمانبرداری از ما را بر مردم واجب نموده. غنائم در اختیار ما است و نعمت پاک دنیا به ما تعلق دارد. -. محاسن برقی: ۱۵۳ - ۱۵۴ -

**[ترجمه]

بیان

قوله قد رأیتم أصحاب علی أی طاعتهم له (۳) فالمراد خواصهم أو رجوعهم عنه و کفرهم بعدم طاعتهم له کالخوارج قوله لنا کرائم القرآن أی نزلت فینا الآیات الکریمه و نفائسها و هی ما تدل علی فضل و مدح و المراد بمیته الجاهلیه الموت علی الحاله التی کانت علیها أهل الجاهلیه من الکفر و الجهل بأصول الدین و فروعه.

**[ترجمه]قوله قد رأیتم أصحاب علی أی طاعتهم له - او المعنی انهم کانوا بصراء فی دینهم، یدرون بمن یأتموا.

- فالمراد خواصهم أو رجوعهم عنه و کفرهم بعدم طاعتهم له کالخوارج قوله لنا کرائم القرآن أی نزلت فینا الآیات الکریمه و نفائسها و هی ما تدل علی فضل و مدح و المراد بمیته الجاهلیه الموت علی الحاله التی کانت علیها أهل الجاهلیه من الکفر و

الجهل بأصول الدين و فروعه.

**[ترجمه]

«۲»

سن، المحاسن ابْنُ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی الْیَسَعِ عِیسَی بْنِ السَّرِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِالْإِمَامِ وَ مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً وَ أَحْوَجُ مَا یَکُونُ أَحَدُکُمْ إِلَی مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَذِهِ وَ أَهْوَی بِیَدِهِ إِلَی صَدْرِهِ یَقُولُ لَقَدْ کُنْتُ عَلَی أَمْرٍ حَسَنٍ (۴).

**[ترجمه]محاسن برقی: ابوالیسع عیسی بن سری گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: زمین جز با امام برقرار نخواهد بود. هر کس بمیرد در حالی که امامش را نمی شناسد، همانند مردم جاهلیت مرده. مهم ترین موقعی که احتیاج به معرفت امام دارید، وقتی است که جان شما به اینجا برسد. (در این موقع به سینه خود اشاره کرد.) آن وقت خواهد گفت: به به! چقدر اعتقاد خوبی داشتم. - . محاسن برقی: ۱۵۳ - ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، المحاسن أَبِی عَنِ النَّضْرِ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ

۱- الصحیح کما فی المصدر: بجهالته.

۲- محاسن البرقی ۱۵۳ و ۱۵۴.

۳- او المعنی انهم کانوا بصراء فی دینهم، یدرون بمن یأتموا.

۴- محاسن البرقی: ۱۵۴.

قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ نَعَمْ لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَبِعُوا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ تَرَكُوا عَبْدَ الْمَلِكِ بْنَ مَرْوَانَ اهْتَدَوْا فَقُلْنَا مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً مِيتَةَ كُفْرٍ فَقَالَ لَا مِيتَةَ ضَلَالٍ (۱).

**[ترجمه]محاسن برقی: حسین بن ابی العلا گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این فرمایش پیامبر اکرم پرسیدم، «هر کس بمیرد در حالی که امام خویش را نمی شناسد، به مانند مردم جاهلیت کافر و بی اعتقاد به مبانی دینی از دنیا رفته است.» فرمود: صحیح است. اگر مردم پیرو علی بن الحسین می شدند و عبدالملک بن مروان را رها می کردند، هدایت می یافتند. گفتم: آیا کسی که با نشناختن امام بمیرد، مرگ در حال کفر است؟ فرمود: نه، مرگ در حال ضلال و گمراهی است.
- . محاسن برقی: ۱۵۳ - ۱۵۴ -

**[ترجمه]

بیان

لعله علیه السلام إنما نفی الکفر لأن السائل توهم أنه یجری علیه أحکام الکفر فی الدنیا فنفی ذلک و أثبت له الضلال عن الحق فی الدنیا و عن الجنه فی الآخره فلا یدخل الجنه أبدا فلا ینافی الأخبار الآتیه التی أثبتوا فیها لهم الکفر فإن المراد بها أنهم فی حکم الکفار فی الآخره و یحتمل أن یکون نفی الکفر لشمول من لا یعرف من المستضعفین لأن فیهم احتمال النجاه من العذاب فسائر الأخبار محموله علی من سواهم و سیأتی القول فی ذلک فی کتاب الإیمان و الکفر إن شاء الله تعالی.

**[ترجمه]امام علیه السّلام کفر را نفی کرد، زیرا سئوال کننده خیال می کرد احکام کفر در دنیا بر چنین شخصی جاری است. به همین جهت فرمود: نه او گمراه است در دنیا و به بهشت نخواهد رفت در آخرت و هرگز راهی به بهشت ندارد. این خبر منافی با اخبار دیگری که اثبات کفر می کند نخواهد بود، زیرا آن اخبار ناظر به این است که چنین افرادی در آخرت در حکم کفارند. احتمال دارد نفی کفر شامل کسانی شود که معرفت ندارند و از باب استضعاف باشد، زیرا درباره آنها احتمال رهایی از از عذاب وجود دارد. دیگر روایات بر غیر این ها حمل می شود و إن شاء الله آن موضوع در «کتاب کفر و ایمان» خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۴»

سن، المحاسن النَّضْرُ عَنْ يَحْيَى عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ قَالَ أَبِي مَنْ مَاتَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۲).

**[ترجمه]محاسن برقی: امام صادق علیه السّلام می فرماید: پدرم می فرمود: کسی که امامی نداشته باشد و بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . محاسن برقی: ۱۵۳ - ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، المحاسن مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ النَّخَعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَهِ النَّضْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عُثْمَانَ بْنَ الْمُغِيرَهِ يَقُولُ حَدَّثَنِي الصَّادِقُ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَام جَمَاعَهٍ مَاتَ مِيتَهً جَاهِلِيَّهً قَالَ الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَهِ (۳) فَلَقِيتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فَقَالَ نَعَمْ قُلْنَا (۴) فَمَاتَ مِيتَهً جَاهِلِيَّهً قَالَ مِيتَهَ كُفْرٍ وَ ضَلَالٍ وَ نِفَاقٍ .(۵)

**[ترجمه]محاسن برقی: عثمان بن مغیره گفت: حضرت صادق علیه السّلام از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: (من مات بغیر امام جماعه مات میته جاهلیه) حارث بن مغیره گفت: بعد که خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم، این جریان را پرسیدم. فرمود آری. ما پرسیدیم: آیا مرگ او مرگ مردم جاهلیت است؟ فرمود: آری، مرگ کفر و ضلال و نفاق. - . محاسن برقی: ۱۵۵ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، المحاسن أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَهٌ جَاهِلِيَّهٌ وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَا يَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ

ص: ۷۷

۱- محاسن البرقی: ۱۵۴.

۲- محاسن البرقی: ۱۵۴.

۳- أی لعثمان بن المغیره.

۴- القائل عثمان بن المغیره، ای قلنا للصادق علیه السلام.

۵- محاسن البرقی: ۱۵۵.

أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفاً لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ (۱).

**[ترجمه]محاسن برقی: فضیل گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: هر کس بدون امام بمیرد، مرگ او چون مردن مردم جاهلیت است. هرگز عذر مردم را در شناختن امام نمی پذیرند. کسی که با شناختن امام بمیرد، او را زیانی نخواهد رسید، چه جلوتر از ظهور امام بمیرد یا بعد از آن. و کسی که با عرفان امام از دنیا برود، مانند کسی است که با قائم عجل اللّه فرجه در خیمه او بوده است. - . محاسن برقی: ۱۵۵ - ۵۵۶ -

**[ترجمه]

«۷»

ك، إكمال الدين ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ طَرِيفٍ (۲) عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقُلْتُ لَهُ كُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ وَ الْوَاقِفُ كَافِرٌ وَ النَّاصِبُ مُشْرِكٌ (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: محمّد بن اسماعیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر کس بمیرد با آنکه امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. عرض کردم: هر کس چنین بمیرد مرگ جاهلیت داشته؟ فرمود: آری، کسی که توقف دارد کافر است و ناصب مشرک است. - . کمال الدین: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۸»

نی، الغیبه للنعمانی أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَوْذَةَ عَنِ النَّهَاوَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَا يَحْيَى مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۴).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: یحیی بن عبداللّه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ای یحیی! هر کس شب با نشناختن امام زمان خود را به سر برد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . غیبت نعمانی: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۹»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً (۵).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: امـام صـادق علیه السّـلام فرمود: پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: کسـی که بمیرد و امامش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . غیبت نعمانی: ۶۲ : ۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۰»

نی، الغیبه للنعمانی الْكُلَيْنِيُّ عَنْ عِدَّهٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّهِ قَالَ مَنِ اتَّخَذَ دِينَهُ رَأْيَهُ بِغَيْرِ إِمَامٍ مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَی (۶).

**[ترجمه]غیبت نعمـانی: از حضـرت ابوالحسن نقل می کنـد که درباره آیه «وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُـدىً مِنَ اللَّهِ» - . قصص / ۵۰ - {و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خـدا از هوسـش پیروی کنـد}، فرمود: یعنی کسـی که دین خود را از ائمه هدی علیهم السّلام نگیرد. - . غیبت نعمانی: ۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

نی، الغیبه للنعمانی الْكُلَيْنِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَشْرَكَ مَعَ إِمَامٍ إِمَامَتُهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَنْ لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنَ اللَّهِ كَانَ مُشْرِكاً (۷).

۱- محاسن البرقی: ۱۵۵ و ۵۵۶.

۲- هکذا فی الکتاب و مصدره، و فیه تصحیف، و الصحیح: الحسن بن ظریف بالمعجمه.

۳- اکمال الدین: ۳۷۵.

۴- غیبه النعمانیّ: ۶۲.

۵- غیبه النعمانیّ: ۶۳ فی نسخه منه: من مات و لم یعرف امام زمانه مات.

۶- غیبه النعمانیّ: ۶۳ و الآیه فی سوره القصص: ۵۰.

۷- غیبه النعمانیّ: ۶۳ و ۶۴ فیه: من لیس بإمامته من اللّه.

**[ترجمه]غیبت نعمانی: محمّد بن سنان از راوی خود نقل می کند که حضرت صادق فرمود: کسی که شخصی را که از جانب خدا به امامت منصوب نشده با امامی که از جانب خدا تعیین شده است شریک قرار دهد، مشرک خواهد بود. - . غیبت نعمانی: ۶۳ - ۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

نی، الغیبه للنعمانی عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ رِیَاحٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ الْخَثْعَمِیِّ (۱) عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلٌ یَتَوَلَّاکُمْ وَ یَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّکُمْ وَ یُحَلِّلُ حَلَالَکُمْ وَ یُحَرِّمُ حَرَامَکُمْ وَ یَزْعُمُ أَنَّ الْأَمْرَ فِیکُمْ لَمْ یَخْرُجْ مِنْکُمْ إِلَی غَیْرِکُمْ إِلَّا أَنَّهُ یَقُولُ إِنَّهُمْ قَدِ اخْتَلَفُوا فِیمَا بَیْنَهُمْ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ الْقَادَهُ وَ إِذَا اجْتَمَعُوا عَلَی رَجُلٍ فَقَالُوا هَذَا قُلْنَا هَذَا فَقَالَ علیه السلام إِنْ مَاتَ عَلَی هَذَا فَقَدْ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً (۲).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: ابن ابی یعفور گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: مردی شما را دوست می دارد و از دشمنتان بیزار است، حلال شما را حلال و حرامتان را حرام می داند و قبول دارد که امامت متعلق به شما است و دیگری حق امامت ندارد، جز اینکه می گوید این خاندان در میان خود راجع به شخص امام اختلاف دارند، با اینکه آنها پیشوا و رهبر هستند. اگر همه خانواده پیامبر اتفاق نمایند و بگویند فلانی از ما خانواده امام است، ما هم می گوییم هم او امام است. امام علیه السّلام فرمود: اگر بر این اعتقاد بمیرد، مانند مردم جاهلیت مرده است. - . غیبت نعمانی: ۶۵ - ۶۶ -

**[ترجمه]

«۱۳»

نی، الغیبه للنعمانی عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْقُرَشِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِیِّ (۳) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ سَمَاعَهَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلٌ یَتَوَالَی عَلِیّاً وَ یَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ یَقُولُ کُلَّ شَیْ ءٍ یَقُولُ إِلَّا أَنَّهُ یَقُولُ قَدِ اخْتَلَفُوا فِیمَا بَیْنَهُمْ (۴) وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ الْقَادَهُ فَلَسْتُ أَدْرِی أَیُّهُمُ الْإِمَامُ وَ إِذَا اجْتَمَعُوا عَلَی رَجُلٍ أَخَذْتُ بِقَوْلِهِ وَ قَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الْأَمْرَ فِیهِمْ قَالَ إِنْ مَاتَ هَذَا عَلَی ذَلِکَ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً ثُمَّ قَالَ لِلْقُرْآنِ تَأْوِیلٌ یَجْرِی کَمَا یَجْرِی اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ وَ کَمَا تَجْرِی الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ فَإِذَا جَاءَ تَأْوِیلُ شَیْ ءٍ مِنْهُ وَقَعَ فَمِنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَ مِنْهُ مَا یَجِی ءُ (۵).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: سماعه بن مهران گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: مردی علی علیه السّلام را دوست می دارد و از دشمن او بیزار است، و همه چیز می گوید، جز اینکه می گوید این خاندان در میان خود راجع به شخص امام اختلاف دارند، با اینکه آنها پیشوا و رهبر هستند و نمی دانم کدامشان امام است، اگر همه ایشان بر شخصی اتفاق کنند، من هم می پذیرم و می دانم که کار به دست ایشان است. امام علیه السّلام فرمود: اگر کسی این گونه بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. سپس فرمود: قرآن دارای تأویل هایی است که در حال جریان است، مانند شب و روز و حرکت خورشید و ماه.

وقتی زمان یکی از آنها برسد اتفاق خواهد افتاد و بعضی بعدها به وقوع می پیوندد. - . غیبت نعمانی: ۶۶ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام للقرآن تأویل لعل المعنی أن ما نعلمه من بطون القرآن و تأویلاته لا بد من وقوع کل منها فی وقته فمن ذلک اجتماع الناس علی إمام واحد فی زمان القائم و لیس هذا أوانه أو أنه دل القرآن علی عدم خلو الزمان من الإمام و لا بد من وقوع ذلک فمنهم من مضی و منهم من یأتی.

ص: ۷۹

۱- فی النسخه المخطوطه عبد الکریم الخثعمیّ و فی المصدر: عبد الکریم بن عمرو الخثعمیّ.

۲- غیبه النعمانیّ: ۶۵ و ۶۶.

۳- فی نسخه من المصدر: قال: حدّثنا أبو جعفر الهمدانیّ قال: حدّثنی موسی بن سعدان عن عمّار بن مروان.

۴- فی المصدر و النسخه المخطوطه: قد اختلفوا بینهم.

۵- غیبه النعمانیّ، ۶۶ فی نسخه منه: و منه ما لم یجئ.

**[ترجمه]منظور از تأویل قرآن شاید این باشد که بطون و تأویل های قرآن، تدریجی و منوط به وقت و زمان مخصوصی است، از آن جمله اجتماع مردم بر یک امام در زمان حضرت قائم عجل اللّه فرجه خواهد بود که حالا ـ موقع آن نیست، یا منظور این است که قرآن دلالت دارد که باید در هر زمان امامی باشد و بعضی از ائمه زمان آنها گذشته و بعضی خواهند آمد.

**[ترجمه]

«۱۴»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ عَلِیِّ بْنِ سَیْفٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: وَصَفْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلًا یَتَوَالَی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ یَتَبَرَّأُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ یَقُولُ کُلَّ شَیْ ءٍ یَقُولُ إِلَّا أَنَّهُ یَقُولُ إِنَّهُمُ اخْتَلَفُوا فِیمَا بَیْنَهُمْ وَ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْقَادَةُ وَ لَسْتُ أَدْرِی أَیُّهُمُ الْإِمَامُ وَ إِذَا اجْتَمَعُوا عَلَی وَجْهٍ وَاحِدٍ أَخَذْنَا بِقَوْلِهِ وَ قَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الْأَمْرَ فِیهِمْ رَحِمَهُمُ اللَّهُ جَمِیعاً فَقَالَ إِنْ مَاتَ هَذَا مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً (۱).

و عن علی بن سیف عن أخیه الحسین عن معاذ بن مسلم عن أبی عبد الله علیه السلام مثله (۲).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: حمران گفت: برای حضرت صادق علیه السّلام وصف کردم که مردی علی علیه السّلام را دوست می دارد و از دشمن او بیزار است و همه چیز می گوید، جز اینکه می گوید این خاندان در میان خود راجع به شخص امام اختلاف دارند، با اینکه آنها پیشوا و رهبر هستند و نمی دانم کدامشان امام است، اگر همه ایشان بر شخصی اتفاق کنند، ما هم می پذیریم و می دانم که کار به دست ایشان – رحمهم الله – است. امام علیه السّلام فرمود: اگر این گونه بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . غیبت نعمانی: ۶۶ -

از معاذ بن مسلم نیز مثل این روایت آمده است. - . غیبت نعمانی: ۶۶ -

**[ترجمه]

«۱۵»

کش، رجال الکشی حَمْدَوَیْهِ وَ إِبْرَاهِیمُ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ فُضَیْلٍ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ سَالِمَ بْنَ أَبِی حَفْصَةَ یَقُولُ مَا بَلَغَکَ أَنَّهُ مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ کَانَتْ مِیتَتُهُ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً فَأَقُولُ بَلَی فَیَقُولُ مَنْ إِمَامُکَ فَأَقُولُ أَئِمَّتِی آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام فَیَقُولُ وَ اللَّهِ مَا أَسْمَعُکَ عَرَفْتَ إِمَاماً قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَیْحَ سَالِمٍ وَ مَا یَدْرِی سَالِمٌ مَا مَنْزِلَةُ الْإِمَامِ مَنْزِلَةُ الْإِمَامِ یَا زِیَادُ (۳) أَفْضَلُ وَ أَعْظَمُ مِمَّا یَذْهَبُ إِلَیْهِ سَالِمٌ وَ النَّاسُ أَجْمَعُونَ (۴).

**[ترجمه]رجال کشی: أبو عبیده حذاء گفت: به امام باقر علیه السّلام عرض کردم: سالم بن أبو حفصه می گوید: آیا به تو رسیده که کسی که بمیرد و امام نداشته باشد مرگ او مرگ جاهلیت است؟ گفتم: بله. گفت: امام تو کیست؟ گفتم: امامان من آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. گفت: به خدا قسم نشنیده ام آنچه را تو امام می دانی. امام علیه السّلام فرمود: وای بر

سالم! و چه می دانـد سالم که جایگاه امام چیست؟ ای زیاد! - . زیاد بن عیسـی یا ابن دبی رجاء که همان أبو عبیـده حـذاء می باشـد. - منزلت امام افضل و بزرگ تر از آن چیزی است که سالم می گوید و مردم اتفاق دارند. - . رجال کشـی: ۱۵۳ - ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۶»

فس، تفسیر القمی جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (۵) عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لَا يُعْذِرُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحَداً يَقُولُ يَا رَبِّ لَمْ أَعْلَمْ أَنَّ وُلْدَ فَاطِمَةَ هُمُ الْوُلَاةُ عَلَى النَّاسِ كَافَّةً وَ فِي شِيعَةِ وُلْدِ فَاطِمَةَ أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ خَاصَّةً يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الْآيَةَ (۶).

ص: ۸۰

۱- غیبه النعمانیّ: ۶۶.

۲- غیبه النعمانیّ: ۶۶.

۳- زیاد بن عیسی، أو ابن أبی رجاء هو أبو عبیده الحذاء.

۴- رجال الکشّیّ: ۱۵۳ و ۱۵۴.

۵- فی المصدر: جعفر بن أحمد.

۶- تفسیر القمّیّ: ۵۷۹ و الآیه فی سوره الزمر: ۵۳.

مع، معانی الأخبار أبی عن محمد العطار عن الحسین بن إسحاق التاجر عن ابن مهزیار عن الحسن بن سعید (۱) عن محمد بن الفضیل مثله (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو حمزه گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: خداوند روز قیامت عذر احدی را نمی پذیرد که بگوید خدایا! من نمی دانستم که فرزندان فاطمه زهرا علیها السّلام رهبر و امام بر تمام مردمند. درباره شیعیان اولاد فاطمه علیها السلام فقط این آیه نازل شده: «یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ» - . زمر / ۵۳ - {ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید}. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۷۹ -

معانی الأخبار: مانند این روایت را آورده است. - . معانی الأخبار: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ب، قرب الإسناد ابْنُ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا یَکُونَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ حِجَابٌ حَتَّی یَنْظُرَ إِلَی اللَّهِ وَ یَنْظُرَ اللَّهُ إِلَیْهِ فَلْیَتَوَالَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ یَتَبَرَّأْ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَ یَأْتَمَّ بِالْإِمَامِ مِنْهُمْ فَإِنَّهُ إِذَا کَانَ کَذَلِکَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَیْهِ وَ نَظَرَ إِلَی اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: بزنطی از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: هر که مسرور می شود از اینکه بین او و خدا حجابی نباشد تا خدا را بیند و خداوند او را مشاهده کند، باید آل محمّد علیهم السّلام را دوست بدارد و از دشمنانشان بیزار باشد و پیرو امام از این خانواده گردد. اگر چنین بود، خدا را می بیند و خدا نیز او را می بیند. - . قرب الإسناد: ۱۵۳ -

**[ترجمه]

بیان

المراد بالنظر إلی الله النظر إلی رحمته و کرامته أو إلی أولیائه أو غایه معرفته بحسب وسع المرء و قابلیته (۴).

**[ترجمه]این «دیدن» منظور دیدن کرامت و لطف خدا است یا دیدن اولیای خدا یا به نهایت رسیدن درجه معرفت به اندازه قدرت و نیروی بشری است. - . یا کنایه از تقرب بنده به خداوند می باشد. -

**[ترجمه]

«۱۸»

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام بِإِسْنَادِ التَّمِيمِيِّ عَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِي مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً وَ يُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْإِسْلَامِ (۵).

**[ترجمه]عيون اخبار الرضا: تميمى از حضرت رضا نقل كرد كه پيامبر اكرم صلّى اللّٰه عليه و آله و سلم فرمود: هر كس بميرد با اينكه امامى از فرزندان من نداشته باشد، به مثل جاهليت مرده و از او نسبت به كردارى كه در جاهليت انجام داده و آنچه كه در اسلام عمل كرده مؤاخذه و بازخواست مى شود. - . عيون اخبار الرضا: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

ما، الأمالي للشيخ الطوسي أَبُو عَمْرٍو عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ قَاسِمِ بْنِ الضَّحَّاكِ عَنْ مُشِيرِ بْنِ (۶) حَوْشَبٍ أَخِي الْعَوَّامِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً قَالَ وَ اللَّهِ لَوْ أَنَّهُ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى وَلَايَتِنَا وَ مَوَدَّتِنَا (۷) وَ مَعْرِفَةِ فَضْلِنَا مَا أَغْنَى عَنْهُ ذَلِكَ شَيْئاً (۸).

أقول: ذكر شبيه ما ذكر هنا في مواضع من القرآن أولها في

ص: ۸۱

۱- في نسخه من المصدر: الحسين بن سعيد.

۲- معاني الأخبار: ۳۷ راجعه.

۳- قرب الإسناد: ۱۵۳.

۴- أو كنايه عن تقرب العبد إلى اللّٰه تعالى.

۵- عيون الأخبار: ۲۱۹.

۶- في المصدر و النسخه المخطوطه: منير بن حوشب.

۷- في نسخه: ولايتنا و محبتنا.

۸- أمالي ابن الشيخ: ۱۶۲.

سوره مریم هکذا إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ (۱) و ثانیها فی سوره طه هکذا وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی (۲) و ثالثها فی الفرقان هکذا إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ (۳).

و رابعها فی القصص هکذا فَأَمَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَعَسی أَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ (۴) و لا یناسب ما هنا إلا الأولی و الثانیه لکن یخدش الأولی أنه لیس فیه ذکر الاهتداء (۵) و الثانیه أنه لا توافق بین صدریهما و الظاهر أنه کان لمن تاب فصحفه الرواه أو النساخ و یحتمل أن یکون علیه السلام ذکر الأولی إشاره إلی أن الاهتداء مطوی فیها أیضا.

**[ترجمه]امالی طوسی: ابو سعید همدانی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً» فرمود: به خدا قسم اگر توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، ولی راه به ولایت و محبت ما نداشته باشد و فضل و مقام ما را نشناسد، توبه و ایمان و عمل صالح او برایش سودی نخواهد داشت. - . امالی صدوق: ۱۶۲ -

مؤلف: این آیه در چهار جای قرآن نقل شده است:

۱. در سوره مریم: «إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ.» - . مریم / ۶۰ -

{مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند.}

۲. در سوره طه: «وَ إِنِّی لَغَفَّارٌ لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً ثُمَّ اهْتَدی.» - . طه / ۸۲ -

{و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود.}

۳. در سوره فرقان: «إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ.» - . فرقان / ۷۰ - {مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند پس خداوند بدی هایشان را به نیکی ها تبدیل می کند.}

۴. در سوره قصص: «فَأَمَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَعَسی أَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ.» - . قصص / ۶۷ - {و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد، امید که از رستگاران باشد.}

با خبری که ذکر شد، فقط آیه اول و دوم مناسبت دارد. اشکال می شود که آیه اول دارای لفظ «ثُمَّ اهْتَدی» نیست و آیه دوم نیز اولش با خبر مطابقت ندارد، زیرا در خبر نقل شده: «إِلَّا مَنْ تابَ»، ولی در قرآن هست «لِمَنْ تابَ وَ آمَنَ.» شاید خبر نیز در اصل «لِمَنْ تابَ» بوده که راویان یا نسخه برداران به اشتباه تغییر داده اند، و احتمال دارد امام با اشاره به «اهتدا» که در آن پوشیده است، اولی را ذکر کرده اند.

**[ترجمه]

ع، علل الشرائع عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِأَيِّ عِلَّةٍ لَمْ يَسَعْنَا إِلَّا أَنْ نَعْرِفَ كُلَّ إِمَامٍ بَعْدَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ يَسَعُنَا أَنْ لَا نَعْرِفَ كُلَّ إِمَامٍ قَبْلَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ لِاخْتِلَافِ الشَّرَائِعِ (۶).

**[ترجمه]علل الشرائع: حنان بن سدير گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض كردم: به چه دليل حتما بايد امامان بعد از پيغمبر را بشناسم، ولى امام هاى قبل از پيامبر را الزامى نيست؟ فرمود: به واسطه اختلاف شرايع. -. علل الشرائع: ۸۱ -

**[ترجمه]

«۲۱»

مع، معانی الأخبار ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ (۷) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَاشِمِيِّ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِي عَيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهِلَالِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا أَدْنَى مَا يَكُونُ بِهِ الرَّجُلُ ضَالًّا قَالَ أَنْ لَا يَعْرِفَ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَلَايَتَهُ وَ جَعَلَهُ

۱- مريم: ۶۰.

۲- طه: ۸۲.

۳- الفرقان: ۷۰.

۴- القصص: ۶۷.

۵- لا يحتاج إلى ذكر الاهتداء، لان الظاهر ان الإمام علیه السلام أراد ان الآيه مقيده بذلك، فمن آمن و عمل صالحا و لم يهتد إلى ولايتهم لم ينفعه ذلك.

۶- علل الشرائع: ۸۱.

۷- فی المصدر: عن محمّد بن مسلم.

حُجَّةً فِی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ قُلْتُ فَمَنْ هُمْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ الَّذِینَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَ نَبِیِّهِ فَقَالَ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ قَالَ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ وَ قُلْتُ أَوْضَحْتَ لِی وَ فَرَّجْتَ عَنِّی وَ أَذْهَبْتَ کُلَّ شَکٍّ کَانَ فِی قَلْبِی (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: سلیم بن قیس هلالی گفت: به حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام عرض کردم: کمترین چیزی که موجب گمراه شدن شخص می شود چیست؟ فرمود: اینکه نشناسد خداوند دستور اطاعت از چه کسی را داده و ولایت او لازم شده و حجت در روی زمین و گواه بر خلق است. عرض کردم: آنها کیانند یا امیرالمؤمنین؟ فرمود: کسانی که اطاعت آنها را خداوند در قرآن و در این آیه قرین اطاعت خویش قرار داده: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» - . نساء / ۵۹ - {ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.} گفت: سر آن جناب را بوسیدم و عرض کردم: برایم واضح کردی و عقده دلم را گشودی و هر شک و تردیدی را که در دلم بود از بین بردی. - . معانی الاخبار: ۱۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۲»

ع، علل الشرائع أَبِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَهَ بْنِ عَطَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ خَرَجَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام عَلَی أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِکْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِیَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَهِ مَا سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی فَمَا مَعْرِفَهُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَتُهُ.

قال الصدوق رحمه الله علیه یعنی بذلک أن یعلم أهل کل زمان (۲) زمان أن الله هو الذی لا یخلیهم فی کل زمان من إمام معصوم فمن عبد ربا لم یقم لهم الحجه فإنما عبد غیر الله عز و جل (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: سلمه بن عطا از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: حضرت حسین علیه السّلام در میان اصحاب خود فرمود: اصحاب من! خداوند مردم را آفرید تا او را بشناسند. وقتی شناختند، او را می پرستند. وقتی او را پرستیدند، از پرستش دیگران دست می کشند. مردی عرض کرد: یا ابن رسول اللّٰه! پدر و مادرم فدایت، معنی معرفت خدا چیست؟ فرمود: همان معرفت و شناخت امام زمان خود از سوی اهل هر زمانی.

صدوق در توضیح این خبر می نویسد: اهل هر زمان باید بشناسند و بدانند که خدا ایشان را وانهاده و زمین را خالی از امام معصوم نگذاشته است. کسی که خدایی را بپرستد که حجت برای مردم قرار نداده، او خدای واقعی را نپرستیده، دیگری را پرستش کرده است. - . علل الشرائع: ۱۴ -

**[ترجمه]

بيان

لعله عليه السلام إنما فسر معرفه الله بمعرفه الإمام لبيان أن معرفه الله لا يحصل إلا من جهه الإمام أو لاشتراط الانتفاع بمعرفته تعالى بمعرفته عليه السلام و لما ذكره الصدوق رحمه الله أيضا وجه.

**[ترجمه]شايد امام عليه السّلام كه معرفت خدا را معرفت امام دانسته، منظورش اين است كه معرفت خدا حاصل نمى شود مگر از طرف امام، يا به جهت اينكه شرط انتفاع از معرفت خدا، معرفت امام است كه اگر خدا را بشناسد ولى امام شناسى نداشته باشد، خداشناسى او برايش سودى ندارد و توضيحى كه صدوق نيز داده است بى مناسبت نيست.

**[ترجمه]

«۲۳»

فس، تفسير القمى أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِى جَمِيلَهَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ لِى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَانُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَطْلُبُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۴) زَكَاهَ أَمْوَالِهِمْ وَ هُمْ يُشْرِكُونَ بِهِ حَيْثُ يَقُولُ وَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ كافِرُونَ (۵) قُلْتُ لَهُ كَيْفَ ذَاكَ جُعِلْتُ

۱- معانى الأخبار: ۱۱۲ و الآيه فى سوره النساء: ۵۹.

۲- فى المصدر: ان يعلم أهل كل زمان ان اللّه.

۳- علل الشرائع: ۱۴.

۴- فى المصدر: يا ابان أ ترى ان اللّه طلب من المشركين.

۵- فصّلت: ۶ و ۷.

فِدَاكَ فَسِّرْهُ لِی فَقَالَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا بِالْإِمَامِ الْأَوَّلِ وَ هُمْ بِالْأَئِمَّهِ الْآخِرِینَ کَافِرُونَ یَا أَبَانُ إِنَّمَا دَعَا اللَّهُ الْعِبَادَ إِلَی الْإِیمَانِ بِهِ فَإِذَا آمَنُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ افْتَرَضَ عَلَیْهِمُ الْفَرَائِضَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابان بن تغلب گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ابان! خداوند از مشرکین زکات مالشان را نخواسته، در حالی که مشرک باشند، چنان چه در این آیه می فرماید: «وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ الَّذِینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ کافِرُونَ» - . فصلت / ۶ - ۷ -

{و وای بر مشرکان. همان کسانی که زکات نمی دهند و آنان که به آخرت ناباورند.} عرض کردم: آقا! فدایت شوم، این مطلب را برایم توضیح بدهید. فرمود: وای بر مشرکین که در مورد امام اول شرک آوردند. آنها در مورد ائمه دیگر هم کافرند. ای ابان! خداوند مردم را به ایمان به خود دعوت کرده است و وقتی به خدا و پیامبر ایمان آوردند، واجبات بر آنها لازم می شود. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۸۹ -

**[ترجمه]

بیان

فسر علیه السلام المشرک بمن أشرک مع الإمام الحق إماما آخر و الآخره بالأئمه الآخره و هذا بطن من بطون الآیه و یدل الخبر علی أن المشرکین بالله غیر مکلفین بالفروع و المخالفین مکلفون بها و هو خلاف المشهور بین الإمامیه و یمکن حمله علی المراد أن تکلیف الذین لا یعرفون الله و رسوله بالإیمان بهما أهم و آکد من دعوتهم إلی الفروع لا أنهم غیر مکلفین بها و هذا القدر کاف لتأیید کون المراد بالمشرک المعنی الذی ذکره علیه السلام.

**[ترجمه]امام علیه السّلام «مشرک» را در آیه به کسی تفسیر کرده که دیگری را با امام واقعی شریک قرار دهد. و لفظ «آخرت» را به ائمه دیگر تفسیر کرده است. این یکی از بطون آیه است. این خبر دلالت بر این دارد که مشرکین ملزم به انجام فرایض نیستند، ولی مخالفین مکلف به آنها هستند، با اینکه مفاد آن بر خلاف مشهور بین دانشمندان شیعه است. ممکن است بگوییم منظور این است که وادار کردن کسانی که ایمان به خدا و رسول ندارند به ایمان مهم تراست بر تکلیف نمودن ایشان به اجرای دستورات. نه اصلا اینکه مکلف به دستورات نباشند، همین مقدار که برای تأیید معنای مشرک بیان شد کافی است.

**[ترجمه]

«۲۴»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام فِیمَا کَتَبَ الرِّضَا علیه السلام لِلْمَأْمُونِ مِنْ شَرَائِعِ الدِّینِ مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُ أَئِمَّتَهُ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً (۲).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: یک جمله از نوشته حضرت رضا علیه السّلام برای مأمون در شرایع دین این بود: «من مات لا

یعرف ائمته مات میته جاهلیه». - . عیون اخبار الرضا: ۲۶۵ -

**[ترجمه]

«۲۵»

ثو، ثواب الأعمال أَبِی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِی هَارُونَ الْعَبْدِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ یَوْمٍ جَالِساً وَ عِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فِیهِمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام إِذْ قَالَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّهَ فَقَالَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ فَنَحْنُ نَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّمَا تُقْبَلُ شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ هَذَا وَ مِنْ شِیعَتِهِ الَّذِینَ أَخَذَ رَبُّنَا مِیثَاقَهُمْ فَقَالَ الرَّجُلَانِ فَنَحْنُ نَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهِ (۳) فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ یَدَهُ عَلَی رَأْسِ عَلِیٍّ علیه السلام ثُمَّ قَالَ عَلَامَهُ ذَلِکَ أَنْ لَا تُحِلَّا عَقْدَهُ وَ لَا تَجْلِسَا مَجْلِسَهُ وَ لَا تُکَذِّبَا حَدِیثَهُ (۴).

ص: ۸۴

۱- تفسیر القمّیّ: ۵۸۹.

۲- عیون الأخبار: ۲۶۵. فیه: و ان الأرض لا تخلو من حجه اللّه تعالی علی خلقه فی کل عصر و أوان، و انهم العروه الوثقی «إلی أن قال» و من مات و لم یعرفهم مات میته جاهلیه.

۳- فی المصدر: اخذ ربّنا میثاقهم فوضع.

۴- ثواب الأعمال: ۷ و ۸.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابو سعید خدری گفت: روزی پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم نشسته بود و چند نفر از اصحاب نیز خدمت آن جناب بودند، از آن جمله علی بن ابی طالب علیه السّلام. حضرت رسول صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: هر کس بگوید: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» داخل بهشت می شود. دو نفر از اصحاب عرض کردند: ما می گوییم «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ.» فرمود: شهادت «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» از این (امام علی علیه السّلام) و شیعیانش پذیرفته می شود؛ آن کسانی که خداوند پیمان آنها را گرفته است. آن دو گفتند: ما می گوییم «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ.» در این موقع پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم دست روی سر علی علیه السّلام نهاده و فرمود: علامت اینکه شیعه او باشید، این است که پیمانش را نشکنید و جای او را تصاحب نکنید و گفتارش را تکذیب ننمایید. - . ثواب الاعمال: ۷ – ۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

ثو، ثواب الأعمال أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عِیسَی بْنِ السَّرِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَحْوَجُ مَا یَکُونُ إِلَی مَعْرِفَتِهِ إِذَا بَلَغَ نَفْسُهُ هَذِهِ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی صَدْرِهِ فَقَالَ لَقَدْ کُنْتُ عَلَی أَمْرٍ حَسَنٍ (۱).

سن، المحاسن عبد العظیم الحسنی مثله (۲)

**[ترجمه]ثواب الاعمال: عیسی بن سری گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم فرموده است: «من مات لا یعرف امامه مات میته جاهلیه.» حضرت صادق علیه السّلام فرمود: مهم ترین موقعی که شخص احتیاج به شناختن امام خود دارد، آن موقعی است که جانش به اینجا برسد. (به سینه خود اشاره کرد.) تو بر راه و طریقی شایسته هستی. - . ثواب الاعمال: ۱۹۸ -

محاسن برقی: از عبدالعظیم حسنی چنین روایتی را آورده است. - . محاسن برقی: ۹۲ -

**[ترجمه]

بیان

أحوج مبتدأ مضاف إلی ما و هی مصدریه و یکون تامه و نسبه الحاجه إلی المصدر مجاز و المقصود نسبتها إلی فاعل المصدر (۳) باعتبار بعض أحوال وجوده و إلی معرفته متعلق بأحوج و إذا ظرف و هو خبر أحوج.

**[ترجمه]«أحوج» مبتدا و مضاف به «ما» مصدریه، «یکون» تامه است. نسبت حاجت به مصدر از باب مجاز است، البته منظور فاعل مصدر به اعتبار بعضی شرایطش و «إلی معرفته» متعلق به «أحوج» است و «إذا» ظرف و «هو» خبر «أحوج» است.

**[ترجمه]

«۲۷»

ثو، ثواب الأعمال أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ ابْنِ مِهْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِی ذَرِیحٍ (۴) عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مِنَّا الْإِمَامُ الْمَفْرُوضُ طَاعَتُهُ مَنْ جَحَدَهُ مَاتَ یَهُودِیّاً أَوْ نَصْرَانِیّاً وَ اللَّهِ مَا تَرَکَ اللَّهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ إِلَّا وَ فِیهَا إِمَامٌ یُهْتَدَی بِهِ إِلَی اللَّهِ حُجَّةً عَلَی الْعِبَادِ وَ مَنْ تَرَکَهُ هَلَکَ (۵) وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجَا حَقّاً عَلَی اللَّهِ (۶).

سن، المحاسن ابن مهران مثله (۷).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابو ذریح از ابو حمزه نقل کرد که امام صادق علیه السّلام فرمود: از ما خانواده است امامی که فرمانبرداری از او واجب است. هر کس منکر او شود، یهودی یا نصرانی می میرد. به خدا سوگند خداوند از روزی که آدم را قبض روح کرده، زمین را خالی از امامی که راهنمای مردم به سوی خدا باشد نگذاشته است. هم او حجت بر مردم است. هر که ترک او کند، هلاک می شود و هر که پیرو او باشد، نجات می یابد و خداوند چنین ملتزم شده است. - . ثواب الاعمال: - ۱۹۸

**[ترجمه]

«۲۸»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ فُضَیْلٍ الْأَعْوَرِ عَنْ أَبِی عُبَیْدَةَ الْحَذَّاءِ قَالَ: کُنَّا زَمَانَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام حِینَ قُبِضَ نَتَرَدَّدُ کَالْغَنَمِ لَا رَاعِیَ

۱- ثواب الأعمال: ۱۹۸.

۲- محاسن البرقی: ۹۲ فیه: احوج ما یکون العبد.

۳- لا یحتاج إلی ذلک بعد ما عرفت من نسخه المحاسن.

۴- فی ثواب الأعمال و المحاسن: عن ذریح.

۵- فی ثواب الأعمال و المحاسن: من ترکه هلک.

۶- ثواب الأعمال: ۱۹۸.

۷- محاسن البرقی: ۹۲.

لَهَا فَلَقِيَنَا سَالِمُ بْنُ أَبِی حَفْصَهَ فَقَالَ یَا أَبَا عُبَیْدَهَ مَنْ إِمَامُکَ قُلْتُ أَئِمَّتِی آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَقَالَ هَلَکْتَ وَ أَهْلَکْتَ أَ مَا سَمِعْتُ أَنَا وَ أَنْتَ مَعِی أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام وَ هُوَ یَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ عَلَیْهِ إِمَامٌ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً قُلْتُ بَلَی لَعَمْرِی فَرَزَقَنِی اللَّهُ الْمَعْرِفَهَ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ سَالِمَ بْنَ أَبِی حَفْصَهَ قَالَ لِی کَذَا وَ کَذَا فَقَالَ لِی یَا أَبَا عُبَیْدَهَ (۱) إِنَّهُ لَمْ یَمُتْ مِنَّا مَیِّتٌ حَتَّی یُخَلِّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ یَعْمَلُ مِثْلَ عَمَلِهِ (۲) وَ یَسِیرُ بِمِثْلِ سِیرَتِهِ وَ یَدْعُو إِلَی مِثْلِ الَّذِی دَعَا إِلَیْهِ یَا أَبَا عُبَیْدَهَ إِنَّهُ لَمْ یَمْنَعْ (۳) مَا أَعْطَی دَاوُدَ أَنْ أَعْطَی سُلَیْمَانَ قَالَ ثُمَّ قَالَ یَا أَبَا عُبَیْدَهَ إِنَّهُ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ حَکَمَ بِحُکْمِ دَاوُدَ وَ سُلَیْمَانَ لَا یَسْأَلُ النَّاسَ بَیِّنَهً (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو عبیده حذاء گفت: ما در زمانی که حضرت باقر علیه السّلام که از دنیا رفته بود، مثل گوسفند بدون چوپان سرگردان بودیم. روزی سالم بن ابی حفصه مرا دید و پرسید: امام تو کیست؟ گفتم: امام من آل محمّد هستند. گفت: پس در این صورت خود را نابود کرده ای و دیگران را نیز به نابودی کشیده ای. مگر من و تو با هم خدمت حضرت باقر نبودیم که فرمود: «من مات و لیس علیه امام مات میته جاهلیه»؟ گفتم: چرا، خدا مرا به معرفت امام راهنمایی کند.

همین سخنان را برای حضرت صادق علیه السّلام نقل کردم که سالم بن ابی حفصه به من چه گفت. فرمود: یا ابا عبیده! هر یک از ما ائمه که وفات کند، جانشینی برای خود قرار می دهد که مثل او عمل کند و روش او را از پیش گیرد و مردم را به همان راه دعوت کند. ای ابا عبیده! اشکالی ندارد که خداوند آنچه به داود داده به سلمان نیز بدهد. یا ابا عبیده! پیغمبر فرمود زمانی که قائم آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلم قیام کند، مانند داود و سلیمان حکم می کند و از مردم شاهد نمی خواهد.
-. بصائر الدرجات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، المحاسن مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ إِنَّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَهٍ یُجْهِدُ فِیهَا نَفْسَهُ بِلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْیَهُ غَیْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَیِّرٌ وَ مَثَلُهُ کَمَثَلِ شَاهٍ (۵) ضَلَّتْ عَنْ رَاعِیهَا وَ قَطِیعِهَا فَتَاهَتْ ذَاهِبَهً وَ جَائِیَهً یَوْمَهَا فَلَمَّا أَنْ جَنَّهَا اللَّیْلُ (۶) بَصُرَتْ بِقَطِیعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِیهَا فَجَاءَتْ إِلَیْهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِی رَبَضِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِی قَطِیعَهُ أَنْکَرَتْ رَاعِیَهَا وَ قَطِیعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحَیِّرَهً تَطْلُبُ رَاعِیَهَا وَ قَطِیعَهَا فَبَصُرَتْ بِسَرْحِ قَطِیعِ غَنَمٍ آخَرَ فَعَمَدَتْ نَحْوَهَا وَ حَنَّتْ إِلَیْهَا فَصَاحَ بِهَا الرَّاعِی الْحَقِی بِقَطِیعِکِ فَإِنَّکِ

۱- فی المصدر: بلی لعمری لقد کان ذلک، ثمّ بعد ذلک بثلاث او نحوها دخلنا علی ابی عبد اللّه علیه السلام فرزق اللّه لنا المعرفه فدخلت علیه فقلت له: لقیت سالما فقال لی کذا و کذا و قلت له: کذی و کذی، فقال أبو عبد اللّه علیه السلام: یا ویل لسالم یا ویل لسالم ثلاث مرّات اما یدری سالم ما منزله الامام، الامام أعظم ممّا یذهب إلیه سالم و الناس أجمعین، یا عبیده.
۲- فی المصدر: من یعمل بمثل عمله.

٣- فی المصدر: لم یمنع اللّه.

۴- بصائر الدرجات: ١۵٠ فیه بعد قوله: ما اعطی: ثم قال: هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب، قال: قلت: ما اعطاه اللّه جعلت فداک؟ قال: نعم یا ابا عبیده انه. اه.

۵- فی المصدر: کمثل شاه لا راعی لها ضلت.

۶- فی الغیبه: فلما جنها اللیل.

تَائِهَةٌ مُتَحَيِّرَةٌ قَدْ ضَلَلْتِ عَنْ رَاعِيكِ وَ قَطِيعِكِ فَهَجَمَتْ ذَعِرَةً مُتَحَيِّرَةً لَا رَاعِيَ لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرْعَاهَا أَوْ يَرُدُّهَا فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذِّئْبُ ضَيْعَتَهَا فَأَكَلَهَا وَ هَكَذَا يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَادِلٌ أَصْبَحَ تَائِهاً مُتَحَيِّراً إِنْ مَاتَ عَلَى حَالِهِ تِلْكَ مَاتَ مِيتَةَ كُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أَئِمَّةَ الْحَقِّ وَ أَتْبَاعَهُمْ عَلَى دِينِ اللَّهِ إِلَى آخِرِهِ (۱).

**[ترجمه]محاسن برقی: محمّد بن مسلم گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: هر کس خدا را بپرستد و خویشتن را با عبادت به زحمت اندازد، اما بدون اعتقاد به امام عادل که از جانب خدا تعیین شده است، تمام رنج و کوشش او نامقبول است و گمراه و سرگردان خواهد بود. او چون گوسفندی است که از مقابل چوپان گم شده است و روز خود را تنها میان بیابان به سرگردانی به سر می آورد و همین که تاریکی شب برسد، از دور چشمش به گله ای بیفتد به همراه چوپانی و خود را به آن گله برساند و آن شب را در خوابگاه این گله بخوابد. سحرگاه که چوپان گله را به حرکت در آورد، متوجه شود که این نه آن گله و نه آن چوپان است و متحیر و سرگردان به دنبال گله و چوپان خود پا به فرار گذارد. از دور گله ای دیگر را می بیند و خود را به آن گله می رساند و نزدیک می شود، اما چوپان فریاد می زند: برو گله خود را پیدا کن! تو سرگردان و متحیری و از چوپان خود گم شده ای! باز با ترس پا به فرار می گذارد و کسی نیست که او را به چراگاه خود راهنمایی کند و او را به گله برگرداند. در همین هنگام گرگ از فرصت استفاده می کند و او را از هم می درد و می خورد. همین طور هر کس از این امت که دارای امام عادلی که منصوب از جانب خداوند است نباشد، سرگردان و متحیر است و اگر بر چنین حالتی بمیرد، به کفر و نفاق مرده است. ای محمّد بن مسلم! بدان که ائمه حق و پیروانشان بر دین و آیین خدایند... تا آخر روایت. - . محاسن برقی: ۹۲ - ۹۳ -

**[ترجمه]

«۳۰»

نی، الغيبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ (۲) وَ سَعْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْقَطَوَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ (۳) مِثْلَهُ وَ فِيهِ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ أَئِمَّةَ الْحَقِّ وَ أَتْبَاعَهُمْ هُمُ الَّذِينَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنَّ أَئِمَّةَ الْجَوْرِ لَمَعْزُولُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ الْحَقِّ فَقَدْ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عاصِفٍ لا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلى شَيْ ءٍ ذلِكَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعِيدُ (۴).

نی، الغيبه للنعمانی علی بن أحمد عن عبد الله بن موسی عن محمد بن أحمد القلانسی عن إسماعيل بن مهران عن أحمد بن محمد عن ابن بكير و جميل معا عن محمد بن مسلم مثله (۵)

**[ترجمه]غیبت نعمانی: در غیبت نعمانی همین حدیث نقل شده، تا آنجا که می فرماید: ائمه حق و پیروان آنها بر دین خدایند و پیشوایان ستمگر از دین خدا و حق منحرفند، خود گمراهند و دیگران را نیز گمراه کرده اند و اعمالی که انجام می دهند، مانند خاکستری است که در مسیر تندبادی سخت در یک روز توفانی قرار گیرد و نتیجه ای از کار خود نمی برند. این یک گمراهی بسیار سخت است. - . غیبت نعمانی: ۶۲ -۶۳ -

غیبت نعمانی: مانند این روایت را با سند دیگری آورده است. - . غیبت نعمانی: ۶۳ -

**[ترجمه]

بیان

فی الکافی بعد قوله متحیر و الله شانئ لأعماله (۶) الشنأه البغض و القطیع طائفه من البقر و الغنم و نحوها و هجم علی الشیء أتاه بغته و الحنین الشوق و ربض الغنم بالتحریک مأواها و السرح المال السائم قوله ضیعتها

ص: ۸۷

۱- محاسن البرقی: ۹۲ و ۹۳.

۲- فی نسخه من المصدر: محمّد بن المفضل بن إبراهیم و هو الصحیح. و الرجل هو محمّد بن المفضل بن إبراهیم بن قیس بن رمانه أبو جعفر الأشعریّ من ثقات أصحابنا الکوفیین.

۳- فیه: الحسن بن محبوب الزراد عن علیّ بن رئاب عن محمّد بن مسلم.

۴- غیبه النعمانیّ: ۶۲ و ۶۳ و فیه: اختلافات لفظیه راجعه.

۵- غیبه النعمانیّ: ۶۳.

۶- أصول الکافی ۱: ۳۷۴ و ۳۷۵ راجعه.

الضمير إما راجع إلى الذئب أى مالها و متاعها أو إلى القطيع أى التى ضاعت منها أو إلى الشاه فالضيعه مصدر أى اغتنم ضياعها و كونها بلا راع و حافظ و هو أظهر و وجه التمثيل ظاهر فإن من كان له إمام من أئمه الهدى ثم ضل و تحير عن إمامه و اتبع غيرهم فكلما أتى إماما من أئمه الجور و رأى منه خلاف ما كان يراه من أئمه الحق نفر منه و أتى غيره و كلما رأى إمام الجور منه خلاف ما فى يده من الباطل يزجره و يطرده لئلا يفسد عليه أتباعه فهو كذلك حتى يستولى عليه الشيطان فيخرجه من الدين رأسا أو يدخله متابعه واحد من أئمه الجور.

**[ترجمه]در اصول كافى بعد از عبارت «متحير والله شانئ لأعماله» - . اصول كافى ۱ : ۳۷۴ - ۳۷۵ - ، «الشأه البغض» را آورده. و «القطيع» را نوعى از گاو و گوسفند و از اين قبيل مى داند. «هجم على الشيئ» يعنى ويران كرد، «حنين» يعنى شور و اشتياق، «ربض الغنم» يعنى آغل، «سرح المال السائم» يعنى گله را رها و آزاد گذاشتن و ضايع كردن آن. ضمير در «ضيعتها» يا به «ذئب» يا به «قطيع» يا به «شأه» برمى گردد. «ضيعه» مصدر است يعنى بدون چوپان و محافظ رها كرد و اين روشن ترين معناست. وجه تمثيل آشكار است، زيرا كسى كه پيرو يكى از ائمه هدى عليهم السّلام بوده و گمراه شده است، به هر يك از پيشوايان ستمگر كه بپيوندد، هر خلافى كه از آن پيشوا ببيند، موجب نفرت و انزجارش مى شود و پيشوا نيز وقتى مشاهده كند كه او بر خلاف نظرش رفتار مى كند، طردش مى نمايد و او را مى راند، مبادا پيروانش را از گرد او پراكنده كند. بالاخره همين طور سرگردان است تا شيطان بر او غلبه نمايد يا به كلى از دين خارجش كند يا تابع يكى از پيشوايان زور و ستم شود.

**[ترجمه]

«۳۱»

ك، إكمال الدين أَبِى وَ ابْنُ الْوَلِيدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ وَ الْحِمْيَرِيِّ مَعاً عَنِ الْيَقْطِينِيِّ وَ ابْنِ يَزِيدَ وَ ابْنِ هَاشِمٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِى عَيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهِلَالِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ سَلْمَانَ وَ مِنْ أَبِى ذَرٍّ وَ مِنَ الْمِقْدَادِ حَدِيثاً عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً ثُمَّ عَرَضَهُ عَلَى جَابِرٍ وَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَقَالا صَدَقُوا وَ بَرُّوا وَ قَدْ شَهِدْنَا ذَلِكَ وَ سَمِعْنَا (۱) مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّ سَلْمَانَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً مَنْ هَذَا الْإِمَامُ (۲) قَالَ مِنْ أَوْصِيَائِى يَا سَلْمَانُ فَمَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِى وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْهُمْ يَعْرِفُهُ فَهِىَ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ (۳) فَإِنْ جَهِلَهُ وَ عَادَاهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ إِنْ جَهِلَهُ وَ لَمْ يُعَادِهِ وَ لَمْ يُوَالِ لَهُ عَدُوّاً فَهُوَ جَاهِلٌ وَ لَيْسَ بِمُشْرِكٍ (۴).

**[ترجمه]كمال الدين: سليم بن قيس هلالى گفت: از سلمان و ابوذر و مقداد شنيدم كه پيامبر اكرم صلّى اللّٰه عليه و آله و سلم فرموده است: «من مات و ليس له امام مات ميته جاهليه.» اين حديث را بر جابر و ابن عباس عرضه داشتم. گفتند: صحيح است، راست گفته اند. ما نيز خود شاهد بوديم و از پيامبر اكرم شنيديم. سلمان گفت: يا رسول اللّٰه! شما فرموديد هر كس بميرد و امامى نداشته باشد به مرگ جاهليت مرده است. آن امام كيست؟ فرمود: او از اوصياء من است. هر كس از امت من بميرد و امامى از اوصياء مرا نشناسد، به مرگ جاهليت مرده، اگر او را نشناسد و دشمن بدارد مشرك است، اما اگر نشناسد ولى دشمنى با او نداشته باشد، نادان است، ولى مشرك نيست. - . كمال الدين: ۲۳۱ -

**[ترجمه]

«۳۲»

ک، إکمال الدین الْعَطَّارُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْإِمَامُ عَلَمٌ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ کَانَ مُؤْمِناً وَ مَنْ أَنْکَرَهُ کَانَ کَافِراً (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: مروان بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: امام واسطه بین خدا و خلق است؛ هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که منکرش باشد، کافر است. - . کمال الدین: ۲۳۰ -

**[ترجمه]

«۳۳»

ک، إکمال الدین أَبِی وَ ابْنُ الْوَلِیدِ مَعاً عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ

۱- فی المصدر: و سمعناه من رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله.

۲- فی المصدر: من هذا الإمام یا رسول اللّه؟.

۳- فی المصدر: و لیس له إمام یعرفه مات میته جاهلیه.

۴- إکمال الدین: ۲۳۱.

۵- اکمال الدین: ۲۳۰.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً وَ لَا یُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّی یَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ (۱).

أقول: أوردنا بعضها فی کتاب الکفر و الإیمان فی باب کفر المخالفین (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: از فضیل نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «من مات و لیس له امام مات میته جاهلیه» و مردم معذور نیستند از شناختن امام خود. - . کمال الدین: ۲۳۰ -

مؤلف: بعضی از این روایات در «باب کفر وایمان» در بخش کفر منافقین آمده است.

**[ترجمه]

«۳۴»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ وَ سَعْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَطَوَانِیِّ جَمِیعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَ رَأَیْتَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنْکُمْ مَا حَالُهُ قَالَ مَنْ جَحَدَ إِمَاماً مِنَ اللَّهِ وَ بَرِئَ مِنْهُ وَ مِنْ دِینِهِ فَهُوَ کَافِرٌ مُرْتَدٌّ عَنِ الْإِسْلَامِ لِأَنَّ الْإِمَامَ مِنَ اللَّهِ وَ دِینَهُ دِینُ اللَّهِ وَ مَنْ بَرِئَ مِنْ دِینِ اللَّهِ فَدَمُهُ مُبَاحٌ فِی تِلْکَ الْحَالِ إِلَّا أَنْ یَرْجِعَ أَوْ یَتُوبَ إِلَی اللَّهِ مِمَّا قَالَ (۳).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: محمّد بن مسلم گفت: به حضرت باقر علیه السّلام گفتم: اگر کسی منکر امامی از شما خانواده باشد حالش چگونه خواهد بود؟ فرمود: هر کس منکر امامی که از جانب خدا تعیین شده بشود و بیزار از او و دینش باشد، کافر و مرتد است، چون امام از جانب خدا است و دین او دین خدا است. کسی که از دین خدا بیزار باشد، خونش در آن حال مباح است، مگر اینکه توبه کند و از عقیده خود برگردد. - . غیبت نعمانی: ۶۳ -

**[ترجمه]

«۳۵»

کش، رجال الکشی جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِی الْیَسَعِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام حَدِّثْنِی عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِی بُنِیَ عَلَیْهَا وَ لَا یَسَعُ أَحَداً مِنَ النَّاسِ تَقْصِیرٌ فِی شَیْ ءٍ مِنْهَا الَّتِی مَنْ قَصَّرَ عَنْ مَعْرِفَهِ شَیْ ءٍ مِنْهَا کُتِبَ عَلَیْهِ ذَنْبُهُ (۴) وَ لَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ وَ مَنْ عَرَفَهَا وَ عَمِلَ بِهَا صَلَحَ دِینُهُ وَ قُبِلَ مِنْهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ یُضِرَّ بِهِ مَا فِیهِ بِجَهْلِ شَیْ ءٍ مِنَ الْأُمُورِ جَهِلَهُ قَالَ فَقَالَ شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْإِیمَانُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ الزَّکَاهُ وَ الْوَلَایَهُ شَیْ ءٌ دُونَ شَیْ ءٍ فَضْلٌ (۵) یُعْرَفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ لَا یَعْرِفُ (۶) إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ

۱- اکمال الدین: ۲۳۰.

۲- فی نسخه: کفر المنافقین.

۳- غیبه النعمانیّ: ۶۳.

۴- فی المصدر المطبوع: کبت علیه دینه.

۵- فی المصدر: و الولایه لشی ء دون شی ء فصل یعرف لمن اخذ به.

۶- فی المصدر: و لم یعرف امام زمانه.

أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكَمْ (۱) وَ كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام (۲) وَ قَالَ آخَرُونَ (۳) لَا بَلْ مُعَاوِيَهُ وَ كَانَ حَسَنٌ ثُمَّ كَانَ حُسَيْنٌ وَ قَالَ آخَرُونَ (۴) هُوَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَهَ لَا سِوَاهُ (۵) ثُمَّ قَالَ أَزِيدُكُمْ قَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ زِدْهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ ثُمَّ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام ثُمَّ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ كَانَتِ الشِّيعَهُ قَبْلَهُ لَا يَعْرِفُونَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ إِلَّا مَا تَعَلَّمُوا مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَانَ (۶) أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَفَتَحَ لَهُمْ وَ بَيَّنَ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ (۷) فَصَارُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ بَعْدَ مَا كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمْ وَ الْأَمْرُ هَكَذَا يَكُونُ وَ الْأَرْضُ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِإِمَامٍ وَ مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ (۸) إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَهً جَاهِلِيَّهً وَ أَحْوَجُ مَا تَكُونُ إِلَى هَذَا (۹) إِذَا بَلَغَتْ نَفْسُكَ هَذَا الْمَكَانَ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ وَ انْقَطَعْتَ مِنَ الدُّنْيَا تَقُولُ لَقَدْ كُنْتُ عَلَى رَأْيٍ حَسَنٍ قَالَ أَبُو الْيَسَعِ عِيسَى بْنُ السَّرِيِّ وَ كَانَ أَبُو حَمْزَهَ وَ كَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ أَنَّهُ قَالَ فِيمَا يَقُولُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِمَاماً حَقَّ الْإِمَامِ (۱۰).

۱- النساء: ۹۵.

۲- ذكر فی الكافی الآیه اولا ثمّ بعدها الخبر و فیه: و كان رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و كان علیّا علیه السلام أقول: ای كان كل واحد من رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله و علیّ علیه السلام فی زمانهما اماما و أولی الامر.

۳- فی المصدر و الكافی: و قال الآخرون.

۴- فی المصدر و الكافی: و قال الآخرون.

۵- فی المصدر و النسخه المخطوطه: (لا سواء) و فی الكافی: و قال الآخرون: یزید بن معاویه و حسین بن علی و لا سواء و لا سواء، قال: ثم سكت ثمّ قال: ازیدك؟ فقال له حكم الأعور: نعم جعلت فداك قوله: و لا سواء و لا سواء، أی لا سواء علی و معاویه، و لا الحسین و یزید.

۶- فی الكافی: و كانت الشیعه قبل أن یكون أبو جعفر و هم لا یعرفون مناسك حجهم و حلالهم و حرامهم حتّی كان.

۷- فی المصدر: و علمهم.

۸- فی المصدر و الكافی: لا یعرف.

۹- فی الكافی: و احوج ما تكون الی ما انت علیه.

۱۰- رجال الكشّیّ: ۲۶۶ و ۲۶۷ فیه: و كان أبو حمزه حاضر المجلس انه قال لك فما تقول و لعلّ الصحیح: و انه قال فیما یقول.

**[ترجمه]رجال کشی: ابوالیسع گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: برایم توضیح بفرمایید که استوانه های اصلی اسلام که بر آن پایه گذاری شده است و هیچ کس را یارای آن نیست که کوتاهی در شناخت آنها داشته باشد چیست؟ و اگر کوتاهی کند، دینش تباه شده و عملش قبول نمی شود و هر کس آنها را بشناسد و عمل کند، دینش درست و عملش مقبول است و جهل و ندانستن بعضی از امور زیانی برایش نخواهد داشت.

فرمود: شهادت به یکتایی خدا و ایمان به پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم و اقرار به آنچه که از جانب خدا آورده. سپس فرمود: زکات در اموال و ولایت نسبت به ائمه حق که دارای نشانه و علامت هستند برای کسی که بخواهد آنها را بشناسد. پیامبر اکرم فرمود: «من مات لا یعرف امام زمانه مات میته جاهلیه» و خداوند در این آیه می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ.» «اولی الامر» علی بن ابی طالب علیه السّلام بود. گروهی مدعی شدند که نه، معاویه است. بعد از علی علیه السّلام، امام حسن و امام حسین علیهما السّلام بودند. باز گروهی گفتند که یزید بن معاویه است، نه دیگری.

فرمود: مایلید توضیح بیشتری بدهم؟ چند نفر عرض کردند: بفرمایید. فرمود: بعد از آنها علی بن الحسین علیه السّلام بود. پس از آن جناب حضرت باقر علیه السّلام. شیعیان قبل از ایشان حلال و حرام خود را نمی دانستند، مگر اینکه در این مورد از مردم اطلاع بگیرند. تا زمان حضرت باقر علیه السّلام که درهای علوم را گشود و برای آنها توضیح و تشریح کرد. از آن به بعد مردم برای کسب علم به شیعیان مراجعه می کردند، با اینکه قبلا به دیگران نیازمند بودند.

جریان به همین وضع خواهد بود. زمین پایدار نیست، مگر به وسیله امام. هر کس بمیرد و امام خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. و مهم ترین موقعی که احتیاج به شناسایی امام داری، وقتی است که جانت به اینجا برسد (و به حلق خود اشاره کرد) و از دنیا دست بکشی. آن وقت خواهی گفت به به! چه عقیده خوبی داشتم!

ابوالیسع عیسی بن سری گفت: ابو حمزه که در آن مجلس حضور داشت، در دنباله خبر می گفت: حضرت صادق علیه السّلام اضافه کرد: حضرت باقر واقعا امامی بحق و شایسته بود. - . رجال کشی: ۲۶۶ - ۲۶۷ -

**[ترجمه]

بیان

قوله کتب علیه ذنبه فی بعض النسخ کبت علیه دینه بتقدیم الباء علی التاء من الکبت و هو الصرف و الإذلال و فی الکافی فسد علیه دینه و هو أظهر قوله ثم قال الزکاه لعله سقط منه شی ء و فی الکافی هکذا و الإقرار بما جاء به من عند الله و حق فی الأموال الزکاه و الولایه التی أمر الله عز و جل بها ولایه آل محمد صلی الله علیه و آله قال فقلت له هل فی الولایه شی ء دون شی ء فضل یعرف لمن أخذ به قال نعم قال الله عز و جل.

فقوله و حق إما مجرور بالعطف علی قوله ما جاء فیکون تخصیصا بعد التعمیم لبیان مزید الاهتمام أو مرفوع بالخبریه للزکاه أو بالعطف علی الشهاده و فیه بعد معنی و یمکن أن یقرأ علی صیغه الماضی المجهول قوله شی ء دون شی ء أی خصوصیه و

علامه تعرف لمن أخذ بها أو دليل و برهان يحتج به من ادعاها و لكل من الوجهين شواهد فى الكلام كما لا يخفى و يمكن الجمع بين الوجهين بأن يكون شى ء دون شى ء إشاره إلى الدليل و فضل إشاره إلى شرائط الإمامه و إن كان بعيدا و على التقادير الآخذ إما الإمام أو الموالى له و حاصل الجواب أن الآيه دلت على وجوب طاعه أولى الأمر فتجب طاعتهم و معرفتهم و دل الخبر على أن لكل زمان إماما لا بد من معرفته و متابعته و كان الأمر مرددا بين على و معاويه ثم بين الحسن و بينه ثم بين الحسين و بينه و بين يزيد و العقل يحكم بعدم المساواه بين الأولين و الآخرين و لم يذكر الغاصبين الثلاثه تقيه و إشعارا بأن القول بخلافتهم بالبيعه يستلزم القول بخلافه مثل معاويه و يزيد و بالجمله لما كان هذا أشنع و التقيه فيه أقل خصه بالذكر مع أن بطلان خلافه معاويه يستلزم بطلان خلافتهم لاشتراك العله و كلمه كان فى المواضع تامه.

قوله عليه السلام و بين لهم و عليهم فى الكافى و بين لهم مناسك حجهم و حلالهم و حرامهم حتى صار الناس يحتاجون إليهم من بعد ما كانوا يحتاجون إلى الناس و هكذا كان الأمر. (١)

١- أصول الكافى ٢: ٢٠ فيه: (و هكذا يكون الامر) رواه الكلينى عن محمّد بن يحيى عن أحمد بن محمّد عن صفوان: و عن ابى على الأشعرىّ عن محمّد بن عبد الجبار عن صفوان.

قوله و کان أبو حمزه لعله کان قال أبو حمزه و علی نسخه کان هی تامه أی کان فی الحیاه (۱) و الحاصل أن عیسی ذکر أن أبا حمزه ذکر هذه التتمه و أنا لم أسمعها.

**[ترجمه]عبارت «کتب علیه ذنبه» در بعضی نسخه ها «کبت علیه دینه» آمده و باء بر تاء مقدم شده است. «کبت» یعنی خاموش کردن و فرو نشاندن. و در کافی «فسد علیه دینه» آمده که این بهتر است. در عبارت دیگر آمده «ثم قال الزکاه»، شاید چیزی از آن افتاده باشد و در کافی نیز چنین است: و اقرار کردن به آنچه که از سوی خدا آورد و حق در اموال، یعنی زکات و ولایتی که خدا به آن امر کرده، ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله است. گفت: به او گفتم: آیا در ولایت چیز خاصی از فضل هست که برای کسی که به آن تمسک کرده است شناخته شود؟ گفت: بله، خدای عزوجل فرمود.

پس سخن او «و حق» یا مجرور است به واسطه عطف بر «ما جاء» است، پس تخصیص بعد از تعمیم است برای بیان اوج اهتمام و یا مرفوع است به سبب خبر بودن برای زکات و یا عطف بر شهادت است که در آن بعد معنا است و ممکن است که «بیا» بر صیغه ماضی مجهول خوانده شود. سخن او «شیء دون شیء» یعنی خصوصیت و علامتی که شناخته شود برای کسی که به آن تمسک کرده است، یا دلیل و برهانی که کسی که آن را ادعا کرده است، احتجاج به آن کند و برای هر دو وجه شواهدی در کلام است. همان طور که روشن است و احتمال دارد جمع بین دو وجه این طور که «شیء دون شیء» اشاره باشد به دلیل و فضل اشاره باشد به شرایط امامت، اگر چه بعید است. بنا بر این مقدرات، تمسک کننده یا امام است یا موالی او. نتیجه اینکه آیه دلالت کرد بر وجوب اطاعت اولی الامر. پس اطاعت و معرفت ایشان واجب است و خبر دلالت کرد بر اینکه برای هر زمانی امامی است که چاره ای جز معرفت و پیروی از او نیست و امر مردد بود بین علی و معاویه، بعد بین حسن و معاویه و بعد بین حسین و معاویه و یزید. عقل حکم می کند به عدم تساوی بین آنها و ذکر نکرد سه غاصب را از روی تقیه و اشعار به اینکه قائل شدن به خلافت ایشان مستلزم قائل شدن به خلافت مثل معاویه و یزید است. در کل چون این شنیع تراست و تقیه در آن اقل است، آن را مخصوصا ذکر کرده، با اینکه بطلان خلافت معاویه مستلزم بطلان خلافت آنهاست به خاطر اشتراک در علت بطلان وکلمه کان فی المواضع تامه.

سخن امام علیه السّلام «و بین لهم و علیهم» در کافی آمده: و برای ایشان مناسک حج و حلال و حرامشان را تبیین کرده، تا اینکه محتاج ایشان شدند بعد از آنکه محتاج مردم بودند و ام این گونه بود. - . اصول کافی ۲ : ۲۰ -

«و کان ابو حمزه» شاید اینطور بوده که «قال ابو حمزه» و بنا بر نسخه ای «کان»، «کان» تامه است، یعنی زنده بود و نتیجه اینکه عیسی ذکر کرد که ابو حمزه این تتمه را بیان کرد، در حالی که من آن را نشنیده بودم.

**[ترجمه]

«۳۶»

ختص، الإختصاص عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَنْ مَاتَ بِغَیْرِ إِمَام مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً إِمَامٍ حَیٍّ یَعْرِفُهُ قُلْتُ لَمْ أَسْمَعْ أَبَاکَ یَذْکُرُ هَذَا یَعْنِی إِمَاماً حَیّاً فَقَالَ قَدْ وَ اللَّهِ قَالَ ذَلِکَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ وَ قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ یَسْمَعُ لَهُ وَ یُطِیعُ مَاتَ مِیتَهً جاهِلِیَّهً (۲).

**[ترجمه]اختصاص: عمر بن یزید گفت: از ابوالحسن اول علیه السّلام شنیدم که می فرمود: هر کس بدون امام بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است، امام زنده ای که او را بشناسد. عرض کردم: آقا! من از پدرتان نشنیدم که جمله «امام زنده» را بفرماید. فرمود: به خدا قسم این حرف را پیامبر اکرم فرموده است. آن جناب فرمود: هر که بدون امامی بمیرد که از او بشنود و مطیعش باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . اختصاص: ۲۶۸ - ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۳۷»

ختص، الإختصاص عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْحَلَبِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ عَلَیْهِ إِمَامٌ حَیٌّ ظَاهِرٌ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً (۳).

**[ترجمه]اختصاص: حلبی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر که بدون داشتن امام زنده و آشکار بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. - . اختصاص: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۳۸»

ختص، الإختصاص عَنْ أَبِی الْجَارُودِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ عَلَیْهِ إِمَامٌ حَیٌّ ظَاهِرٌ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً قَالَ قُلْتُ إِمَامٌ حَیٌّ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ إِمَامٌ حَیٌّ إِمَامٌ حَیٌّ (۴).

**[ترجمه]اختصاص: ابو جارود گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که فرمود: هر کس بدون امام زنده آشکار بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. عرض کردم: آقا! امام زنده؟ فرمود: امام زنده، آری امام زنده. - . اختصاص: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۳۹»

کَنْزُ الْکَرَاجُکِیِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَیَّاشٍ (۵) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِیِّ عَنْ أَبِیهِ (۶) عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ مِنْ وُلْدِی مَاتَ

۱- ذکرنا قبلا ان الموجود فی المصدر: و کان أبو حمزه حاضر المجلس فعلیه لا یحتاج الی تکلف.

۲- الاختصاص: ۲۶۸ و ۲۶۹.

۳- الاختصاص: ۲۶۹.

۴- الاختصاص: ۲۶۹.

۵- فی المصدر: أحمد بن محمّد بن عبد اللّه بن عبّاس و الظاهر أنّه مصحف: عبید اللّه بن عیّاش و هو أحمد بن محمّد بن عبید اللّه بن الحسن بن عیّاش بن إبراهیم بن أیّوب الجوهریّ صاحب کتاب مقتضب الاثر، یروی من جماعه منهم محمّد بن عمر بن محمّد الجعابی.

۶- المصدر و عیون الأخبار یخلوان عن قوله: عن أبیه.

مِيتَةً جَاهِلِيَّةً يُؤْخَذُ بِمَا عَمِلَ فِی الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْإِسْلَامِ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حضرت رضا عليه السّلام از آباء گرام خود، از اميرالمؤمنين عليه السّلام، از پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نقل كرد كه فرمود: هر كه بدون امامى از فرزندان من بميرد، به مرگ جاهليت مرده و از او آنچه را كه در جاهليت و اسلام انجام داده است بازخواست مى شود. - . كنز الفوائد: ۱۵۱ ، شيخ صدوق در عيون اخبار الرضا: ۲۱۹ با سند خودش آورده است. -

**[ترجمه]

«۴۰»

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِی الرَّجَا مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ الْبَلَدِيِّ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ سَهْلٍ (۲) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ أَبِی عَلِيٍّ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ عَطَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ بَعْدَ الْحَمْدِ لِلَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ صلى الله عليه و آله يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ وَ اللَّهِ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ (۳).

أقول: ثم قال الكراجكى قدس الله روحه اعلم أنه لما كانت معرفه الله و طاعته لا ينفعان من لم يعرف الإمام و معرفه الإمام و طاعته لا تقعان إلا بعد معرفه الله صح أن يقال إن معرفه الله هى معرفه الإمام و طاعته و لما كانت أيضا المعارف الدينيه العقليه و السمعيه تحصل من جهه الإمام و كان الإمام آمرا بذلك و داعيا إليه صح القول بأن معرفه الإمام و طاعته هى معرفه الله سبحانه كما تقول فى المعرفه بالرسول و طاعته أنها معرفه بالله سبحانه قال الله عز و جل مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ (۴) و ما تضمنه قول الحسين عليه السلام من تقدم المعرفه على العباده غايه فى البيان و التنبيه.

۱- كنز الكراجكىّ: ۱۵۱، و رواه الصدوق فى عيون الأخبار: ۲۱۹ بإسناده عن محمّد بن عمر بن محمّد الجعابى و فيه: و يؤخذ.

۲- هكذا فى الكتاب و مصدره، و هو مصحف (سهيل) و الرجل هو محمّد بن أبى بكر همام بن سهيل الكاتب الاسكافى من مشايخ أصحابنا و متقدميهم، ولد فى سنه ۲۵۸ و مات سنه ۳۳۲ (او) ۳۳۶.

۳- كنز الكراجكىّ ۱۵۱.

۴- النساء: ۸۰.

وَ جَاءَ فِی الْحَدِیثِ مِنْ طَرِیقِ الْعَامَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِإِمَامٍ (۱) أَوْ لَیْسَ فِی عُنُقِهِ عَهْدُ الْإِمَامِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً.

وَ رَوَی کَثِیرٌ مِنْهُمْ أَنَّهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ هُوَ لَا یَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً.

و هذان الخبران یطابقان المعنی فی قول الله تعالی یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ فَأُولئِکَ یَقْرَؤُنَ کِتابَهُمْ وَ لا یُظْلَمُونَ فَتِیلًا (۲).

فإن قال الخصوم إن الإمام هاهنا هو الکتاب قیل لهم هذا انصراف عن ظاهر القرآن بغیر حجه توجب ذلک و لا برهان لأن ظاهر التلاوه یفید أن الإمام فی الحقیقه هو المقدم فی الفعل و المطاع فی الأمر و النهی و لیس یوصف بهذا الکتاب إلا أن یکون علی سبیل الاتساع و المجاز و المصیر إلی الظاهر من حقیقه الکلام أولی إلا أن یدعو إلی الانصراف عنه الاضطرار و أیضا فإن أحد الخبرین یتضمن ذکر البیعه و العهد للإمام و نحن نعلم أنه لا بیعه للکتاب فی أعناق الناس و لا معنی لأن یکون له عهد فی الرقاب فعلم أن قولکم فی الإمام إنه الکتاب غیر صواب.

فإن قالوا ما تنکرون أن یکون الإمام المذکور فی الآیه هو الرسول قیل لهم إن الرسول قد فارق الأمه بالوفاه و فی أحد الخبرین أنه إمام الزمان و هذا یقتضی أنه حی ناطق موجود فی الزمان فأما من مضی بالوفاه فلیس یقال أنه إمام إلا علی معنی وصفنا للکتاب بأنه إمام و لو لا أن الأمر (۳) کما ذکرناه لکان إبراهیم الخلیل علیه السلام إمام زماننا لأنا عاملون بشرعه متعبدون بدینه و هذا فاسد إلا علی الاستعاره و المجاز و ظاهر قول النبی صلی الله علیه و آله من مات و هو لا یعرف

۱- فی المصدر: بیعه الامام.

۲- النساء: ۴۹.

۳- فی المصدر و النسخه المخطوطه: و لو أن الامر.

إمام زمانه يدل على أن لكل زمان إماما فى الحقيقه يصح أن يتوجه منه الأمر و يلزم له الاتباع و هذا واضح لمن طلب الصواب و من ذلك ما أجمع عليه أهل الإسلام من

قول النبى صلى الله عليه و آله إنى مخلف فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا كتاب الله و عترتى أهل بيتى و إنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

فأخبر أنه قد ترك فى الناس من عترته من لا يفارق الكتاب وجوده و حكمته و إنه لا يزال وجودهم مقرونا بوجوده و فى هذا دليل على أن الزمان لا يخلو من إمام و منه ما اشتهر بين الرواه من

قوله فى كل خلف من أمتى عدل من أهل بيتى ينفى عن هذا الدين تحريف الغالين و انتحال المبطلين و إن أئمتكم وفودكم إلى الله فانظروا من توفدون فى دينكم (۱)

**[ترجمه]كنز الفوائد: سلمه بى عطا از امام صادق عليه السّلام نقل كرد كه فرمود: روزى امام حسين عليه السّلام با اصحابش مى رفتند. امام بعد از حمد خداى عزوجل و درود بر پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود: به خدا قسم خداوند بندگان را خلق نكرد، مگر آنكه او را بشناسند. وقتى شناختند عبادت كنند؛ وقتى عبادت كردند از بندگى غير او بى نياز شوند. شخصى گفت: پدر و مادرم به فداى تو اى فرزند رسول خدا! شناخت خدا چيست؟ فرمود: اينكه اهل هر زمانى، امامى را كه اطاعتش واجب است بشناسند. - . كنز الفوائد: ۱۵۱ -

مؤلف: در ادامه كراجكى قدس الله روحه مى گويد: بدان كه شناخت خداوند و اطاعتش، براى كسى كه امام را نشناسد و معرفت به او نداشته باشد نفعى نمى رساند. اطاعت از امام واقع نمى شود مگر بعد از معرفت خدا. درست است كه گفته شود معرفت خدا همان معرفت امام و اطاعت اوست. همچنين معارف دينى - عقلى و نقلى - از طرف امام حاصل مى شود، امام به آن امر مى كند و به آن مى خواند. اين قول صحيح است كه معرفت امام و اطاعت او، همان معرفت به خداوند سبحان است. همان طور كه گفته مى شود در مورد معرفت رسول و اطاعت او كه همان معرفه الله است. خداوند عزوجل مى فرمايد: «من يطع الرسول فقد أطاع الله» - . نساء / ۸۰ - {هر كس از پيغمبر فرمان برد، در حقيقت از خدا فرمان برده است.} اين آيه دربردارنده سخن امام حسين عليه السّلام است مبنى بر تقدم معرفت بندگان، كه در نهايت توضيح و تنبيه است.

در حديث از طريق اهل سنت از عبداللّٰه بن عمر بن خطاب آمده است كه پيامبر اكرم فرمود: «هر كس بميرد در حالى كه بيعت امامى (يا پيمان) بر گردنش نباشد، به مرگ جاهليت مرده است.» بسيارى از اهل سنت روايت كرده اند كه فرمود: «هر كس بميرد در حالى كه امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهليت مرده است.»

اين دو خبر مطابقت دارند با معنى آيه شريفه: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتابَهُمْ وَ لا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» - . اسرا / ۱۷ - {[ياد كن] روزى را كه هر گروهى را با پيشوايشان فرا مى خوانيم، پس هر كس كارنامه اش را به دست راستش دهند. آنان كارنامه خود را مى خوانند و به قدر نخك هسته خرمايى به آنها ستم نمى شود}.

اگر مخالفين مدعى شوند كه امام در اين آيه همان كتاب است، به آنها جواب مى دهيم كه اين سخن مخالف ظاهر آيه است

و بایـد از معنی ظـاهری آن بـدون دلیـل و برهانی انصـراف نماییم. زیرا ظاهر آیه چنین می فهمانـد که امام کسـی است که در کارها پیشوا است و دستور او را در امر و نهی پذیرفته است. کتاب و نامه را نمی توان به چنین امتیازی اختصاص داد، جز اینکه از بـابت مجاز گفته شود، با اینکه حمل کلام را به ظاهر آن بهتر است جز در مواردی که مجبور باشـیم از ظاهر دست بکشـیم. دیگر اینکه یکی از دو خبر متضـمن بیعت و پیمان امام است. ما می دانیم که کتاب و نامه بیعتی بر گردن مردم ندارد و صحیح نیست بگوییم که کتاب بر گردن مردم پیمانی دارد. از توضـیح گذشته معلوم می شود که تفسیر امام را به کتاب، سخن صحیح نیست.

اگر بگوینـد شـما منکر نیستیـد که امام در این آیه خود پیامبر باشـد، جواب داده می شود که پیامبر اکرم با مرگ از امت جـدا شـده است. در یکی از دو خبر می گویـد امام زمان و مضـمون خبر شاهـد است بر اینکه امام باید زنده و سـخنگو و موجود در زمان باشـد. کسـی را که از دنیا رفته باشد نمی گویند امام است، مگر به همان تقریبی که در مورد کتاب گفتیم. از روی مجاز اگر می شد شخص فوت شده را پیشوا دانست،

باید ابراهیم خلیل را امام زمان خود بدانیم، زیرا ما به دین و شـریعت او ملتزم و عامل هستیم. این سـخن صـحیح نیست، مگر از روی اسـتعاره و مجاز. ظاهر سخن پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم: «من مات و هو لا یعرف امام زمانه» دلیل بر این است که هر زمانی امامی دارد که باید به او مراجعه نمود و از او پیروی کرد. این مطلب واضحی است و از آن جمله این سخن پیامبر است که تمام مسـلمانان بر آن اجماع دارنـد، فرمود: من میان شـما چیزی را می گـذارم که اگر به آن چنگ بزنید، گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترتم. این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله اطلاع می دهـد که در میان مردم از عترت و خانـدان خود کسانی را گذارده که از کتاب جدا نمی شوند و پیوسـته با هم خواهنـد بود. در این فرمـایش نیز دلیلی است که زمـان خـالی از امام نیست. از آن جمله این فرمایش پیامبر است که بین روات احـادیث مشـهور شـده و فرموده است: در هر زمـانی پیشوایی واقعی از میان خانـدان من هست که تحریف و تغییر سـتمگران و سخن یاوه سـرایان که در دین به وجود آورده اند از بین می برد. امامان رهبر و راهنمای شما به سوی خدایند. دقت کنید با چه پیشوایی به پیشگاه خدا وارد می شوید. - . کنز الفوائد: ۱۵۱ - ۱۵۲ -

**[ترجمه]

باب ۵ أن من أنكر واحدا منهم فقد أنكر الجميع

الأخبار

«۱»

ك، إكمال الـدين أَبِی عَنْ سَـعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَـی عَنْ صَـفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْـكَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ: مَنْ أَنْكَرَ وَاحِداً مِنَ الْأَحْیَاءِ فَقَدْ أَنْكَرَ الْأَمْوَاتَ (۲).

ك، إكمال الـدين ابن الوليـد عن الصـفار و ابن متيل و الحميری جميعا عن ابن أبی الخطاب و ابن يزيـد و ابن هاشم جميعا عن

ابن أبی عمیر و صفوان معا عن ابن مسکان مثله (۳)

نی، الغیبه للنعمانی الکلینی عن الحسین بن محمد عن المعلی عن ابن جمهور عن صفوان مثله (۴)

۱- کنز الکراجکیّ: ۱۵۱ و ۱۵۲.

۲- إکمال الدین: ۲۲۸.

۳- اکمال الدین: ۲۲۹.

۴- غیبه النعمانیّ: ۶۳.

نی، الغیبه للنعمانی ابن عقده عن یحیی بن زکریا عن علی بن سیف عن أبان عن حمران عنه علیه السلام مثله (۱).

**[ترجمه]کمال الدین: ابن مسکان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر کس یکی از امامان زنده را منکر شود، منکر امامان فوت شده گردیده است. - . کمال الدین: ۲۲۸ -

کمال الدین و غیبت نعمانی: مانند این روایت را نقل کرده اند. - . کمال الدین: ۲۲۹ ، غیبت نعمانی: ۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَنْ عَرَفَ الْأَئِمَّهَ وَ لَمْ یَعْرِفِ الْإِمَامَ الَّذِی فِی زَمَانِهِ أَ مُؤْمِنٌ هُوَ قَالَ لَا قُلْتُ أَ مُسْلِمٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ.

قال الصدوق رحمه الله الإسلام هو الإقرار بالشهادتین و هو الذی به تحقن الدماء و الأموال و الثواب علی الإیمان

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَدْ حُقِنَ مَالُهُ وَ دَمُهُ إِلَّا بِحَقِّهِمَا وَ حِسَابُهُ عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۲)

**[ترجمه]کمال الدین: ابان بن تغلب گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا کسی که امامان را بشناسد ولی امام زمان خود را نشناسد مؤمن است؟ فرمود: نه. گفتم: مسلمان هست؟ فرمود: آری.

شیخ صدوق رحمه اللّه علیه گفته است: اسلام اقرار به شهادتین است که موجب احترام جان و مال مسلمان می شود، اما ثواب و پاداش به وسیله ایمان است.

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم فرموده است: هر کس گویای شهادت «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و محمّد رسول اللّه» باشد مال و جانش محفوظ است، مگر کاری کند که موجب از بین رفتن احترام مال یا جانش گردد و حساب او بر خداوند است. - . کمال الدین: ۲۲۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی لَیْلَی (۳) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی حَدِیثٍ طَوِیلٍ یَقُولُ فِی آخِرِهِ کَیْفَ یَهْتَدِی مَنْ لَمْ یُبْصِرْ وَ کَیْفَ یُبْصِرُ مَنْ لَمْ یُنْذَرْ اتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَقِرُّوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّبِعُوا آثَارَ الْهُدَی فَإِنَّهَا عَلَامَاتُ الْأَمَانَهِ وَ التُّقَی وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْکَرَ

رَجُلٌ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَ أَقَرَّ بِمَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ لَمْ يُؤْمِنْ اقْتَدُوا الطَّرِيقَ بِالْتِمَاسِ الْمَنَارِ وَ الْتَمِسُوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْآثَارَ تَسْتَكْمِلُوا مِنْ دِينِكُمْ وَ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین: عبدالرحمن بن ابی لیلی گفت: در یک حدیث طولانی حضرت صادق علیه السّلام در آخرش فرمود: چگونه هدایت می یابد کسی که بینا نیست و چگونه بینا می شود کسی که او را برحذر نداشته اند؟ پیرو فرمایش پیامبر اکرم باشید و به آنچه که خداوند نازل کرده اقرار کنید. پیرو نشانه های هدایت باشید که این پیروی، علامت امانت و پرهیزگاری است. متوجه باشید که هر کس عیسی بن مریم را به رسالت نپذیرد اما تمام پیامبران دیگر را قبول داشته باشد، ایمان نیاورده است. به وسیله مشعل های فروزان هدایت راه را پیدا کنید و از پناه پرده های ضخیم پیشوایان و ائمه خود را جستجو کنید تا دینتان کامل شود و ایمان به خدا پیدا نمایید. - . کمال الدین: ۲۲۹ - ۲۳۰ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد بآثار الهدی (۵) الأئمه علیهم السلام أو علومهم و أخبارهم و سننهم و آدابهم و المنار الإمام قوله علیه السلام من وراء الحجب یحتمل أن یکون

ص: ۹۶

۱- غیبه النعمانیّ: ۶۳.

۲- اکمال الدین: ۲۲۹.

۳- فی المصدر: محمّد بن عبد الرحمن بن أبی لیلی عن أبیه عن أبی عبد اللّه الصادق علیه السلام.

۴- اکمال الدین: ۲۲۹ و ۲۳۰ فیه: تستکملوا امر دینکم.

۵- او کان ذلک مصحف (آثار الهداه) او اطلق الهدی علی الأئمّه علیهم السلام من باب زید عدل.

المراد حجب الحق تعالی أی إنکم لما کنتم محجوبین عن الحق تعالی بالحجب النورانیه و الظلمانیه فاطلبوا آثار أنوار الحق و هم الأئمه علیهم السلام و یحتمل أن یکون المراد بالحجب الأئمه علیهم السلام فإنهم حجب الرب و الوسائط بینه و بین الخلق فیرجع إلی المعنی الأول أو المراد التمسوا بعد غیبه الحجب عنکم آثارهم و أخبارهم.

**[ترجمه]شاید مراد از «آثار الهدی»، ائمه علیهم السّلام یا علوم، اخبار، سنت ها و آداب ایشان باشد. و مراد از «منار الامام» در سخن حضرت، حجاب های حق تعالی است، یعنی حق تعالی به وسیله حجاب های نورانی و ظلمانی از شما پوشیده است. پس به واسطه انوار حق که ائمه علیهم السّلام هستند، او را طلب کنید. احتمال دارد مراد از حجاب ها، ائمه باشند، چون ایشان حجاب های پروردگار و واسطه های بین او و مخلوقات هستند. بنابراین یا به معنای اول رجوع می کنیم یا بعد از رفع حجاب ها، به واسطه آثار و اخبارشان به آنها تمسک می کنیم.

**[ترجمه]

«۴»

ک، إکمال الدین الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِیُّ عَنِ ابْنِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ (۱) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ أَنْتَ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِکَ بَعْدِی حُجَجُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ أَعْلَامُهُ فِی بَرِیَّتِهِ فَمَنْ أَنْکَرَ وَاحِداً مِنْهُمْ (۲) فَقَدْ أَنْکَرَنِی وَ مَنْ عَصَا وَاحِداً مِنْهُمْ (۳) فَقَدْ عَصَانِی وَ مَنْ جَفَا وَاحِداً مِنْهُمْ (۴) فَقَدْ جَفَانِی وَ مَنْ وَصَلَکُمْ فَقَدْ وَصَلَنِی وَ مَنْ أَطَاعَکُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ وَالاکُمْ فَقَدْ وَالانِی وَ مَنْ عَادَاکُمْ فَقَدْ عَادَانِی لِأَنَّکُمْ مِنِّی خُلِقْتُمْ مِنْ طِینَتِی وَ أَنَا مِنْکُمْ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: محمّد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که آن جناب از آباء گرام خود روایت کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! تو و ائمه از فرزندانت، حجت های خدا در میان مردم و شخصیت های برجسته بین آنها هستید. هر کس یکی از شما را منکر شود، مرا انکار کرده و هر که با یک نفر از شما مخالفت کند، با من مخالفت نموده است؛ هر کس به یکی از شما ستم کند، به من ستم کرده؛ کسی که به شما احترام گذارد، به من احترام گذارده و هر کس از شما اطاعت کند، از من اطاعت کرده است؛ کسی که شما را دوست بدارد، مرا دوست داشته و دشمن شما، دشمن من است، زیرا شما از من هستید و از سرشت من آفریده شده اید و من از شما هستم. - . کمال الدین: ۲۳۰ -

**[ترجمه]

«۵»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَهَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ (۶) عَنْ عُبَیْسِ بْنِ هِشَامٍ (۷) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَهَ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ أَیْمَنَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ تَمَّامٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ فُلَاناً مَوْلَاکَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ اضْمَنْ لِیَ الشَّفَاعَهَ

۱- فی المصدر: (حدّثنا المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی السمرقندی رحمه اللّه قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسعود عن أبیه عن محمّد بن علی قال: حدّثنی عمران عن محمّد بن عبد الحمید) و فی نسخه مصحّحه: علی بن محمّد بدل محمّد بن علی و فیها نقل عن نسخه:

۲- فی المصدر: منکم.

۳- فی المصدر: منکم.

۴- فی المصدر: منکم.

۵- اکمال الدین: ۲۳۰.

۶- فی المصدر: حدّثنا القاسم بن محمّد بن الحسین بن حازم (ابو محمّد الحسن بن حازم، خ ص).

۷- فی نسخه: عیسی بن هشام و فی أخری: عبیس بن هاشم و کلاهما مصحفان و الرجل هو عبّاس بن هشام الناشری الأسدی قال النجاشیّ: کسر اسمه فقیل: عبیس.

فَقَالَ أَ مِنْ مَوَالِينَا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمْرُهُ أَرْفَعُ مِنْ ذَلِکَ قَالَ قُلْتُ إِنَّهُ رَجُلٌ يُوَالِی عَلِيّاً وَ لَمْ يَعْرِفْ مِنْ بَعْدِهِ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ قَالَ ضَالٌّ قُلْتُ فَأَقَرَّ بِالْأَئِمَّهِ جَمِيعاً وَ جَحَدَ الْآخِرَ قَالَ هُوَ كَمَنْ أَقَرَّ بِعِيسَی وَ جَحَدَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَوْ أَقَرَّ بِمُحَمَّدٍ وَ جَحَدَ بِعِيسَى علیه السلام (۱) نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِ حُجَّهٍ مِنْ حُجَجِهِ.

قال النعمانی رحمه الله فليحذر من قرأ هذا الحديث و بلغه هذا الكتاب أن يجحد أحدا من الأئمه أو يهلك نفسه بالدخول فی حال يكون منزلته فيها منزله من جحد محمدا أو عيسى صلى الله عليه و آله نبوتهما (۲).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: محمّد بن تمام گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم: فلان کس که از ارادتمندان شما است، سلام رسانده و تقاضا دارد که ضمانت شفاعت او را بکنید. فرمود: از موالیان ما است؟ عرض کردم آری. فرمود: مقامش بالاتر از این حرف ها است. عرض کردم: آقا! او ولایت علی علیه السّلام را قبول دارد، ولی بقیه امامان بعد از ایشان را نمی شناسد. فرمود: او گمراه است. عرض کردم: اگر همه امامان را قبول داشته باشد، ولی امام آخری را نشناسد چه؟ فرمود: مثل کسی است که اعتراف به نبوت عیسی دارد، ولی حضرت محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم را پیامبر نمی داند. یا اقرار به محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم دارد و عیسی را پیامبر نمی داند. پناه به خدا می برم از جرم کسی که یکی از حجج خدا را قبول نداشته باشد.

نعمانی در ذیل این حدیث می نویسد: هر کس این حدیث را خواند و این کتاب را دید، باید جدا بپرهیزد از اینکه یکی از امامان را انکار کند که با این اعتقاد، خود را هلاک کرده و مانند کسی شده است که منکر نبوت حضرت محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و سلم یا عیسی یا نبوت هر دو شده است. - . غیبت نعمانی: ۵۵ -

غیبت نعمانی: محمّد بن مسلم گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: مردی به من گفت: من امام آخر را قبول دارم، اما دیگر زیانی متوجه من نخواهد شد اگر امام اول را قبول نداشته باشم. فرمود: خداوند او را لعنت کند! من از او بیزارم و او را نمی شناسم. مگر می توان امام آخر را جز با شناختن امام اول شناخت؟ - . غیبت نعمانی: ۶۴ -

**[ترجمه]

«۶»

نی، الغيبه للنعمانی الْكُلَيْنِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام رَجُلٌ قَالَ لِی اعْرِفِ الْأَخِيرَ مِنَ الْأَئِمَّهِ وَ لَا يَضُرُّكَ أَنْ لَا تَعْرِفَ الْأَوَّلَ قَالَ فَقَالَ لَعَنَ اللَّهُ هَذَا فَإِنِّی أُبْغِضُهُ وَ لَا أَعْرِفُهُ وَ هَلْ يُعْرَفُ الْأَخِيرُ إِلَّا بِالْأَوَّلِ (۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: ۳۶۳، ذیل روایت آمده است: فضیل گفت: شنیدم که امام صادق علیه السلام به اصحابش گفت: کسی که خنکای محبت ما را در قلبش دریابد، برای مادرش زیاد دعا کنید، زیرا به پدرش خیانت نکرده است.

**[ترجمه]

بيان

قوله و لا أعرفه إما جمله حاليه أى مع أنى لا أعرفه أبغضه بسبب هذا القول أو معطوف على أبغضه أى لا أعرفه من شيعتى.

۱- فى المصدر: و جحد عيسى.

۲- غيبه النعمانىّ: ۵۵.

۳- غيبه النعمانىّ: ۶۴. فيه: و هل عرف الأخير.

**[ترجمه]«ولا أعرفه» يا جمله حاليه است، يعنى با اينكه او را نمى شناسم، به سبب اين قول نسبت به او بغض دارم يا عطف بر «أبغضه» است، يعنى او را از پيروانم نمى دانم.

**[ترجمه]

باب ۶ أن الناس لا يهتدون إلا بهم و أنهم الوسائل بين الخلق و بين الله و أنه لا يدخل الجنه إلا من عرفهم

الأخبار

«۱»

لى، الأمالى للصدوق ابْنُ مَسْرُورٍ (۱) عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: بَلِیَّهُ (۲) النَّاسِ عَظِیمَهٌ إِنْ دَعَوْنَاهُمْ لَمْ یُجِیبُونَا وَ إِنْ تَرَکْنَاهُمْ لَمْ یَهْتَدُوا بِغَیْرِنَا (۳).

**[ترجمه]امالى صدوق: مفضل گفت: حضرت صادق عليه السّلام فرمود: گرفتارى مردم زياد است. اگر آنها را دعوت كنيم نمى پذيرند و اگر رها كنيم، جز به وسيله ما هدايت نمى يابند. - . امالى صدوق: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، الخصال ابْنُ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ نَصْرٍ الْعَطَّارِ عَمَّنْ رَفَعَهُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام ثَلَاثٌ أُقْسِمُ أَنَّهُنَّ حَقٌّ إِنَّکَ وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ بَعْدِکَ عُرَفَاءُ (۴) لَا یُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِیلِ مَعْرِفَتِکُمْ وَ عُرَفَاءُ لَا یَدْخُلُ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْ عَرَفَکُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ وَ عُرَفَاءُ لَا یَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْکَرَکُمْ وَ أَنْکَرْتُمُوهُ (۵).

**[ترجمه]خصال: نصر عطار به اسناد خود گفت: پيامبر اكرم به على بن ابى طالب عليه السّلام فرمود: سه چيز را قسم مى خورم كه واقعيت است: تو و جانشينانت عارف - . عرفا جمع عريف است، كسى كه قيم قبيله يا جمعى از مردم كه امورشان به دست اوست و امير احوال ايشان را مى داند. فعيل به معنى فاعل. - هستيد؛ خدا را نمى توانند بشناسند، مگر از راه معرفت شما؛ و داخل بهشت نمى شود؛ مگر كسى كه شما را بشناسد و شما او را بشناسيد و داخل آتش نمى گردد، مگر كسى كه منكر شما است و شما منكر او هستيد. - . خصال ۱ : ۷۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ع، علل الشرائع الدَّقَّاقُ عَنِ الْکُلَیْنِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِیلَ النَّیْسَابُورِیِّ أَنَّ الْعَالِمَ کَتَبَ إِلَیْهِ یَعْنِی الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَنِّهِ وَ رَحْمَتِهِ لَمَّا فَرَضَ عَلَیْکُمُ الْفَرَائِضَ لَمْ یَفْرِضْ عَلَیْکُمْ لِحَاجَهٍ مِنْهُ إِلَیْهِ بَلْ رَحْمَهً مِنْهُ

۱- زاد فی نسخه الکمبانیّ عن أبیه و هی زائده.

۲- فی نسخه الکمبانیّ: بلیه اللّه الناس و المصدر و النسخه المخطوطه یطابقان الصلب.

۳- أمالی الصدوق: ۳۶۳ (م ۸۹) ذیله: قال المفضل: و سمعت الصادق علیه السلام یقول لاصحابه: من وجد برد حبنا علی قلبه فلیکثر الدعاء لامه فانها لم تخن اباه.

۴- العرفاء جمع عریف، و هو القیم بأمور القبیله، او الجماعه من الناس یلی أمورهم و یتعرف الامیر منه أحوالهم. فعیل بمعنی فاعل.

۵- الخصال ۱: ۷۳.

إِلَيْكُمْ (۱) لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَمِيزَ ... الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ لِيَبْتَلِيَ ... ما فِي صُدُورِكُمْ وَ لِيُمَحِّصَ ما فِي قُلُوبِكَمْ وَ لِتَتَسَابَقُوا إِلَى رَحْمَتِهِ وَ لِتَتَفَاضَلَ مَنَازِلُكُمْ فِي جَنَّتِهِ فَفَرَضَ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ إِقَامَ الصَّلَاهِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاهِ وَ الصَّوْمَ وَ الْوَلَايَهَ وَ جَعَلَ لَكُمْ بَاباً لِتَفْتَحُوا بِهِ أَبْوَابَ الْفَرَائِضِ وَ مِفْتَاحاً إِلَى سَبِيلِهِ وَ لَوْ لَا مُحَمَّدٌ وَ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ وُلْدِهِ كُنْتُمْ حَيَارَى كَالْبَهَائِمِ لَا تَعْرِفُونَ فَرْضاً مِنَ الْفَرَائِضِ وَ هَلْ يَدْخُلُ قَرْيَهً إِلَّا مِنْ بَابِهَا فَلَمَّا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُم بِإِقَامِهِ الْأَوْلِيَاءِ بَعْدَ نَبِيِّكُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً (۲) وَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ لِأَوْلِيَائِهِ حُقُوقاً أَمَرَكُمْ بِأَدَائِهَا لِيَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ مَأْكَلِكُمْ وَ مَشْرَبِكُمْ وَ يُعَرِّفَكُمْ بِذَلِكَ الْبَرَكَهَ وَ النَّمَاءَ وَ الثَّرْوَهَ وَ لِيَعْلَمَ مَنْ يُطِيعُهُ مِنْكُمْ بِالْغَيْبِ وَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِي الْقُرْبى (۳) فَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ بَخِلَ فَإِنَّما يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ (۴) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَيْهِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاعْمَلُوا (۵) مِنْ بَعْدُ مَا شِئْتُمْ فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۶).

**[ترجمه]علل الشرائع: اسحاق بن اسماعیل نیشابوری گفت: حسن بن علی علیه السّلام برای او نوشت: «خداوند که به فضل و رحمت خویش واجبات را برای شما تعیین نمود، نه از جهت احتیاج به انجام آن بود. این به واسطه رحمت بود تا پاک از ناپاک شناخته شود و دل هایتان صفا یابد و قلب های شما روشن گردد و به رحمت خدا بر یکدیگر سبقت گیرید و مقام های شما در بهشت افزون گردد.

حج و عمره و نماز و زکات و روزه و ولایت را بر شما واجب نمود و برای شما دری قرار داد که به وسیله آن، درهای فرایض را بگشایید، و کلیدی برای راه خود نهاد. اگر محمّد و جانشینان او از فرزندانش نبودند، شما مانند چهارپایان سرگردان بودید و هیچ یک از فرایض را نمی دانستید. مگر می توان داخل قریه ای شد از غیر در آن؟

وقتی خداوند با تعیین ائمه علیهم السّلام بر شما منت نهاد، فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلَامَ دِينًا» - . مائده / ۳ - {امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.} برای امامان حقوقی بر شما لازم کرده و دستور داده است که آن حقوق را ادا کنید تا زناشویی و اموال و خوردن و آشامیدن شما حلال باشد. و وعده برکت و افزایش و ثروت به شما داده تا ببیند چه کسی در پنهانی مطیع اوست. در قرآن فرموده است: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِي الْقُرْبى» - . شوری / ۲۳ -

{بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان.} توجه داشته باشید هر که بخل ورزد، به ضرر خود اقدام کرده. خدا بی نیاز است، شما نیازمند به او هستید. اینک هر چه مایلید انجام دهید. عمل شما در پیشگاه خدا و پیامبران و مؤمنین است، بعد به جانب خدای دانا خواهید رفت و شما را از نتیجه اعمال و رفتارتان مطلع می کند. ستایش خدای جهانیان را سزا است. - . علل الشرائع: ۹۳ - ۹۴ -

**[ترجمه]

مع، معانی الأخبار أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ أَقْعُدُ أَنَا وَ أَنْتَ وَ جَبْرَئِيلُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ لَمْ يَجُزْ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ كَانَ مَعَهُ

ص: ۱۰۰

۱- تخلو النسخه المخطوطه: عن کلمه: الیکم و فی المصدر: بل رحمه منه (علیکم خ).

۲- المائده: ۳.

۳- الشوری: ۲۳.

۴- فی نسخه: فانما یبخل علی نفسه.

۵- الصحیح کما فی المصدر: فاعملوا.

۶- علل الشرائع: ۹۳ و ۹۴.

كِتَابٌ فِيهِ بَرَاهٌ بِوَلَايَتِكَ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: سعد بن طریف از حضرت امام باقر علیه السّلام نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: یا علی! روز قیامت من و تو و جبرئیل بر صراط می نشینیم. هیچ کس از آن عبور نخواهد کرد، مگر نوشته ای داشته باشد که در آن برات ولایت تو باشد. - . معانی الأخبار: ۱۴ - ۱۵ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّی الْأَزْدِیِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ نَحْنُ السَّبَبُ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۲).

**[ترجمه]امالی طوسی: محمّد بن مثنی ازدی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: ما سبب و واسطه بین شما و خدا هستیم. - . امالی طوسی: ۹۷ -

**[ترجمه]

«۶»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْکَاتِبُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الثَّلْجِ عَنْ عِیسَی بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ کَثِیرِ بْنِ طَارِقٍ قَالَ: سَأَلْتُ زَیْدَ بْنَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً فَقَالَ یَا کَثِیرُ إِنَّکَ رَجُلٌ صَالِحٌ وَ لَسْتَ بِمُتَّهَمٍ وَ إِنِّی أَخَافُ عَلَیْکَ أَنْ تَهْلِکَ إِنَّ کُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ فَإِنَّ أَتْبَاعَهُمْ إِذَا أُمِرَ بِهِمْ إِلَی النَّارِ نَادَوْا بِاسْمِهِ فَقَالُوا یَا فُلَانُ یَا مَنْ أَهْلَکَنَا هَلُمَّ الْآنَ فَخَلِّصْنَا مِمَّا نَحْنُ فِیهِ ثُمَّ یَدْعُونَ بِالْوَیْلِ وَ الثُّبُورِ فَعِنْدَهَا یُقَالُ لَهُمْ لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً ثُمَّ قَالَ زَیْدُ بْنُ عَلِیٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنِی أَبِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام یَا عَلِیُّ أَنْتَ وَ أَصْحَابُکَ فِی الْجَنَّهِ أَنْتَ وَ أَتْبَاعُکَ یَا عَلِیُّ فِی الْجَنَّهِ (۳).

**[ترجمه]امالی طوسی: کثیر بن طارق گفت: از زید بن علی بن الحسین علیه السّلام درباره تفسیر آیه: «لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثِیراً» - . فرقان / ۱۴ - {امروز یک بار هلاک [خود] را مخواهید و بسیار هلاک [خود] را بخواهید} پرسیدم. فرمود: تو مردی صالحی و متهم نیستی. می ترسم موجب هلاکت تو شود. وقتی پیروان هر پیشوا و امام ستمگری را به طرف جهنم ببرند، آنها امام خود را به نام صدا می زنند و می گویند: فلان کس که موجب هلاکت ما شدی! حالا بیا و ما را از این بدبختی نجات بده! آن وقت شروع به ناله و فریاد «وا ویلا» و «مرگ بر ما باد» می کنند. در این موقع به آنها می گویند: یک مرگ نخواهید؛ مرگ های زیادی بخواهید!

آنگاه زید بن علی فرمود: پدرم علی بن الحسین از پدر خود حسین بن علی نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: یا علی! تو و

پیروانت در بهشت هستید. - . امالی طوسی: ۳۶ ، همچنین در امالی مفید: ۸۶ روایتی آمده است. -

**[ترجمه]

«۷»

ج، الإحتجاج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَهِ يُقَالُ لَهُ عُثْمَانُ الْأَعْمَى إِنَّ الْحَسَنَ الْبَصْرِیَّ يَزْعُمُ أَنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْعِلْمَ تُؤْذِی رِيحُ بُطُونِهِمْ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَهَلَكَ إِذاً مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ اللَّهُ مَدَحَهُ بِذَلِكَ وَ مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُوماً مُنْذُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُولَهُ نُوحاً فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَمِيناً وَ شِمَالًا فَوَ اللَّهِ مَا يُوجَدُ الْعِلْمُ إِلَّا هَاهُنَا وَ كَانَ

ص: ۱۰۱

۱- معانی الأخبار: ۱۴ و ۱۵ فیه: فلم یجز احد.

۲- أمالی ابن الشیخ: ۹۷.

۳- أمالی ابن الشیخ: ۳۶. و رواه أیضا فی ص ۸۶ عن المفید، عن الجعابی عن ابن عقده عن العباس بن بکر عن محمّد بن زکریا و فیه: و انی خائف علیک ان تهلک انه إذا کان یوم القیامه امر اللّه بأتباع کل امام جائر إلی النار فیدعون بالویل و الثبور و یقولون لامامهم، یا من اهلکنا هلم الآن فخلصنا ممّا نحن فیه فعندها یقال لهم.

عليه السلام يَقُولُ مِحْنَةُ النَّاسِ عَلَيْنَا عَظِيمَةٌ إِنْ دَعَوْنَاهُمْ لَمْ يُجِيبُونَا وَ إِنْ تَرَكْنَاهُمْ لَمْ يَهْتَدُوا بِغَيْرِنَا (۱).

أقول: قد مضى بأسانيد فی باب كتمان العلم و باب من يؤخذ منه العلم فی كتاب العقل (۲).

**[ترجمه]احتجاج طبرسی: عبداللّه بن سلیمان گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم که مردی از اهل بصره به نام عثمان اعمی به او گفت: حسن بصری می گوید: کسانی که علم را کتمان می کنند، اهل جهنم از بوی گند شکم آنها ناراحتند. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: اگر این حرف درست باشد، مؤمن آل فرعون هلاک شده، با اینکه خداوند در قرآن او را می ستاید. از زمان بعثت نوح، همیشه علم مکتوم بوده. حسن بصری به هر طرف از چپ و راست که می خواهد برود. علم را نخواهد یافت مگر در اینجا. آن جناب می فرمود: رنج مردم برای ما زیاد است. اگر دعوتشان کنیم نمی پذیرند، اگر آنها را رها نماییم، هدایت نمی یابند جز به وسیله ما. - . احتجاج طبرسی: ۱۸۰ -

مؤلف: این خبر با سندهایی در «باب کتمان علم» و نیز «باب کسی که علم از او گرفته می شود» در کتاب عقل گذشت. - . به جلد ۲ بحار الانوار مراجعه کنید. -

**[ترجمه]

«۸»

ير، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْحَكَمِ وَ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ بِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا وُحِّدَ اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله حِجَابُ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حضرت باقر علیه السّلام می فرمود: به وسیله ما خدا پرستش شده و به وسیله ما شناخته گردیده و به وسیله ما مردم به یکتایی اش اعتراف نموده اند. محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلم حجاب خدا است. - . بصائر الدرجات: ۱۹ -

**[ترجمه]

بيان

أی كما أن الحجاب متوسط بين المحجوب و المحجوب عنه كذلك هو صلی الله علیه و آله واسطه بين الله و بين خلقه.

**[ترجمه]یعنی همان طور که حجاب واسطه بین دو چیز است، پیامبر صلی الله علیه و آله نیز واسطه بین خدا و مخلوقات است.

**[ترجمه]

«۹»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ مَسْعَدَهَ بْنِ صَدَقَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی خُطْبَتِهِ قَالَ اللَّهُ اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ قَلِیلًا ما تَذَکَّرُونَ فَفِی اتِّبَاعِ مَا جَاءَکُمْ مِنَ اللَّهِ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ وَ فِی تَرْکِهِ الْخَطَأُ الْمُبِینُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که امیرالمؤمنین علیه السّلام در خطبه ای فرمود: خداوند در قرآن می فرماید: «اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ قَلِیلًا ما تَذَکَّرُونَ» - . أعراف / ۳ -

{آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است پیروی کنید و جز او از معبودان [دیگر] پیروی مکنید چه اندک پند می گیرید.} در پیروی از دستورات خداوند رستگاری عظیم است و در ترک پیروی از آنها، خطای آشکار است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

بشا، بشاره المصطفی أَبُو عَلِیٍّ بْنُ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْمُفِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سُفْیَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام قَالَ: مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بِغَیْرِنَا هَلَکَ وَ اسْتَهْلَکَ (۵).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: محمّد بن اسماعیل از ثمالی، از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که علی بن الحسین فرمود: هر که خدا را به وسیله ما بخواند رستگار است و هر که به غیر از ما بخواند، هلاک می شود و به هلاکت می کشاند. - . بشاره المصطفی: ۱۱۷ - ۱۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۱»

بشا، بشاره المصطفی الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِیهِ

۱- احتجاج الطبرسیّ: ۱۸۰.

۲- راجع ج ۲: ۶۴ و ۸۱.

۳- بصائر الدرجات: ۱۹. أقول: الحجاب، الستر و کل ما احتجب به. کل ما حال بین شیئین حرز یکتب فیه شی ء و یلبس وقایه

لصاحبه فی زعمهم من تأثیر السلاح او العین أو غیر ذلک حجاب الشمس: ضوءها.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۹. و الآیه فی سوره الأعراف: ۳.

۵- بشاره المصطفی: ۱۱۹- ۱۱۷.

الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمِّهِ أَبِی جَعْفَرِ بْنِ بَابَوَيْهِ عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ حَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّهُ مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ زَالَتِ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ وَ مَنْ دَخَلَ فِی أَمْرٍ بِجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهْلٍ قُلْتُ وَ مَا هُوَ فِی كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (١) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ (٢) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ (٣) وَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ اسْمُهُ إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ (۴) وَ قَوْلُهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (۵) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ (۶) وَ مِنْ ذَلِكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ لِعَلِیٍّ عليه السلام مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ (٧).

١- الحشر: ٧.

٢- النساء: ٨٠.

٣- النساء: ۵٩.

۴- المائده: ۵٧.

۵- النساء: ۶۵.

۶- المائده: ۶٧.

٧- بشاره المصطفى: ١۵۶ و ١۵٧.

**[ترجمه]بشاره المصطفی: محمّد حلبی گفت: حضرت صادق علیه السّلام به من فرمود: هر کس دین خود را از کتاب خداوند بگیرد، از کوه های استوار پابرجاتر است و هر که با نادانی در کاری وارد شود، به نادانی خارج می شود.

پرسیدم: این مطلب در کدام آیه قرآن است؟ فرمود: در آیه «ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» - . حشر / ۷ - {آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید.} و آیه «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ» - . نساء / ۸۰ - {هر کس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده.} و این آیه: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» - . نساء / ۵۹ - {ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.} و این آیه: «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ» - . مائده / ۵۵ - {ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.} و این آیه: «فَلا وَ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فِیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لا یَجِدُوا فِی أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُوا تَسْلِیماً» - . نساء / ۶۵ - {ولی چنین نیست. به پروردگارت قسم که ایمان نمی آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملا سر تسلیم فرود آورند.} و این آیه: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ» - . مائده / ۶۷ - {ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی، پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد.} از آن جمله این فرمایش پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم در مورد علی علیه السّلام است: «هر کس که من امیر و فرمانروای اویم، علی فرمانروای اوست. خدایا! دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را؛ کمک کن به کسی که علی را کمک کند و خوار کن کسی را که علی را خوار کند؛ دوست بدار هر که او را دوست بدارد و خشم بگیر بر کسی که با علی خشم دارد. - . بشاره المصطفی: ۱۵۶ - ۱۵۷ -

**[ترجمه]

باب ۷ فضائل أهل البیت علیهم السلام و النص علیهم جمله من خبر الثقلین و السفینه و باب حطه و غیرها

الأخبار

«۱»

بشا، بشاره المصطفی عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْحَسَنِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُمَرَ السُّکَّرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ یَحْیَی بْنِ مَعْنٍ (۱) عَنْ قُرَیْشِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو (۲) عَنْ أَبِی أُسَامَهَ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَیْرُکُمْ خَیْرُکُمْ لِأَهْلِی مِنْ بَعْدِی (۳).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: ابو هریره گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما، بهترین شما کسی است که پس از من، خیرخواه ترین آنها باشد نسبت به خانواده ام. - . بشاره المصطفی: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

بشا، بشاره المصطفى مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْجَوَّانِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الدَّاعِی عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْأُمَوِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ طَاهِرَهَ بِنْتِ عَمْرِو بْنِ دِينَارٍ عَنْ أَبِيهَا عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ عَصَبَهً (۴) يَنْتَمُونَ إِلَيْهَا إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَهَ فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَ أَنَا عَصَبَتُهُمْ وَ هُمْ عِتْرَتِی

۱- هکـذا فی الکتاب، و فی المصدر: حدّثنا أبو یحیی زکریا بن معن فی شعبان سنه ۲۲۷، اقول: کلاهما مصحفان و الصحیح، یحیی بن معین، و هو یحیی بن معین بن عون بن زیاد ابن بسطام بن عبد الرحمن أبو زکریا البغدادیّ، کان امام الجرح و التعدیل. یروی عن جماعه منهم قریش بن انس، و یروی عنه جماعه منهم أحمد بن الحسن بن عبد الجبار الصوفی الکبیر ولد فی ۱۵۸ و توفی بمدینه الرسول صلّی اللّه علیه و آله فی ۲۳۳.

۲- فی المصدر: (محمّد بن عمر) و لعله مصحف، و قد ذکر ابن حجر فی تهذیب التهذیب من رواه قریش بن انس محمّد بن عمرو.

۳- بشاره المصطفی: ۴۶.

۴- فی نسخه الکمبانیّ: ان لکل بنی اب عصبه.

خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي وَ وَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مَنْ أَحَبَّهُمْ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَهُمْ أَبْغَضَهُ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: جابر بن عبداللَّه گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر خانواده ای از جانب پدر فرزندانشان به آنها نسبت داده می شود، مگر فرزندان فاطمه علیها السّلام که من ولی آنها و مرکز نژادی ایشان هستم و آنها فرزندان من هستند که از سرشت من خلق شده اند. وای بر آن کسانی که فضل و مقام آنها را تکذیب کنند! هر کس آنها را دوست بدارد، خدا او را دوست خواهد داشت و هر که با ایشان دشمنی بورزد، خدا با او دشمنی می ورزد. - . بشاره المصطفی: ۴۷ - ۴۸ -

**[ترجمه]

«۳»

بشا، بشاره المصطفی الْحَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابَوَيْهِ عَنْ شَيْخِ الطَّائِفَهِ عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عَلِيٍّ الْكَاتِبِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ ظُهَيْرٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ رَافِعٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَخَذَ بِحَلْقَهِ بَابِ الْكَعْبَهِ وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي أَنَا جُنْدَبٌ الْغِفَارِيُّ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِي فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ مَنْ قَاتَلَنِي فِي الْأُولَى وَ قَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِي الثَّانِيَهِ حَشَرَهُ اللَّهُ فِي الثَّالِثَهِ مَعَ الدَّجَّالِ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلِ بَابِ حِطَّهٍ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَدْخُلْهُ هَلَكَ (۲).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: رافع غلام ابوذر گفت: ابوذر را دیدم در حالی که حلقه در خانه خدا را گرفته بود، می گفت: هر که مرا می شناسد، می داند که من جندب غفاری هستم و کسی که مرا نمی شناسد، بداند که من ابوذر غفاری ام. از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: هر که در ابتدای اسلام با ما به جنگ برخاست و در مرحله دوم با اهل بیت من به جنگ پردازد، خدا او را در آینده با دجال محشور می کند. مثل اهل بیت من در میان شما، چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف کرد، غرق شد. و چون درب حطه است؛ هر که داخل گردید، نجات یافت و کسی که داخل نشد، هلاک گردید. - . بشاره المصطفی: ۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۴»

بشا، بشاره المصطفی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرَيَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ التَّمِيمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْأُشْنَانِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَعْقُوبَ (۳) عَنْ حُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ أَوِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهم السلام (۴) قَالَ إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ خَمْساً وَ لَمْ يَفْتَرِضْ إِلَّا حَسَناً جَمِيلًا الصَّلَاهَ وَ الزَّكَاهَ وَ الْحَجَّ وَ الصِّيَامَ وَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَعَمِلَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ اسْتَخَفُّوا بِالْخَامِسَهِ وَ اللَّهِ لَا يَسْتَكْمِلُوا الْأَرْبَعَهَ حَتَّى يَسْتَكْمِلُوهَا بِالْخَامِسَهِ (۵).

۱- بشاره المصطفی: ۴۷ و ۴۸ فیه: (حدّثنا الزاهد أبو طالب یحیی بن محمّد بن الحسن الجوانی الحسینی رحمه اللّه فی داره بآمل لفظا و قراءه سنه ثمان و تسع جمیعا و خمسمائه قال: حدّثنا السیّد الزاهد أبو عبد اللّه الحسین بن علیّ بن الداعی الحسینی قال: حدّثنا السیّد الجلیل أبو إبراهیم جعفر بن محمّد الحسینی قال، اخبرنا الحاکم أبو عبد اللّه محمّد بن عبد اللّه الحافظ) و فیه: ویل.

۲- بشاره المصطفی: ۱۰۶ فیه: آخذا.

۳- فی المصدر: عباد بن یعقوب الأسدی و الظاهر أنّه عباد بن یعقوب الرواجنیّ أبو سعید الأسدی.

۴- فی المصدر: عن علیّ بن الحسین بن علی علیهم السلام.

۵- بشاره المصطفی: ۱۳۰ و ۱۳۱. راجع اسناده ففیه تاریخ سماع الحدیث و غیره.

**[ترجمه]بشاره المصطفى: حسین بن زید از جعفر و او از پدرش، از علی یا حسن ابن علی علیهم السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند پنج چیز را واجب نموده و هر چه را که واجب نماید، نیکو و ارزنده است: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت ما اهل بیت. مردم به آن چهار چیز عمل کرده اند، ولی نسبت به پنجمی کوتاهی می ورزند. به خدا قسم انجام آن چهار چیز کامل نیست، مگر به وسیله پنجمی. -. بشاره المصطفی: ۱۳۰ - ۱۳۱ -

**[ترجمه]

«۵»

بشا، بشاره المصطفی ابْنُ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَمْرٍو (۱) عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ سَعِیدِ بْنِ حَازِمٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُمَرَ عَنْ رُشَیْدٍ عَنْ حَبَّهَ الْعُرَنِیِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ نَحْنُ النُّجَبَاءُ وَ أَفْرَاطُنَا أَفْرَاطُ الْأَنْبِیَاءِ حِزْبُنَا حِزْبُ اللَّهِ وَ الْفِئَهُ الْبَاغِیَهُ حِزْبُ الشَّیْطَانِ مَنْ سَاوَی بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ فَلَیْسَ مِنَّا (۲).

**[ترجمه]بشاره المصطفی: حبه عرنی گفت: از امیرالمؤمنین علیه السّلام شنیدم که می فرمود: ما نجباییم و فرزندان ما فرزندان انبیایند؛ حزب ما حزب خدا و گروه ستم پیشه حزب شیطانند. هر که بین ما و آنها برابری قائل باشد از ما نیست. -. بشاره المصطفی: ۱۵۵ -

**[ترجمه]

بیان

أفراطنا أی أولادنا الذین یموتون قبلنا أولاد الأنبیاء أو شفعاؤنا شفعاء الأنبیاء قال الجزری فیه

أنا فرطکم علی الحوض.

أی متقدمکم إلیه یقال فرط یفرط فهو فارط و فرط إذا تقدم و سبق القوم لیرتاد لهم الماء و یهیئ لهم الدلاء و الأرشیه و منه

الدعاء للطفل المیت اللهم اجعله لنا فرطا.

أی أجرا یتقدمنا.

**[ترجمه]«أفراطنا» یعنی اولاد ما که همان فرزندان پیامبران هستند که قبل از ما مرده اند و یا شفیعان از پیامبران. جزری در این باره می گوید: «أنا فرطکم علی الحوض»، یعنی پیش از شما بر سر حوض حاضر می شوم. «فرط» هنگامی است که برای آب بر دیگران سبقت و پیشی می گیرند و دلوها و ظرف ها را آماده می کنند. از جزری نقل شده که دعا برای طفل میت این گونه است: «اللهم اجعله لنا فرطا»، یعنی اجر و پاداشی که از ما جلوتر می رود.

**[ترجمه]

«۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره ذَکَرَ الشَّیْخُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی کِتَابِ مِصْبَاحِ الْأَنْوَارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَا مِیزَانُ الْعِلْمِ وَ عَلِیٌّ کِفَّتَاهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ حِبَالُهُ وَ فَاطِمَهُ عِلَاقَتُهُ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِهِمْ یَزِنُونَ الْمُحِبِّینَ وَ الْمُبْغِضِینَ النَّاصِبِینَ الَّذِینَ عَلَیْهِمْ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ لَعْنَهُ اللَّاعِنِینَ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: می نویسد که ابو جعفر طوسی در کتاب مصباح الانوار به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام، از پدر خود و آن جناب از جدش نقل کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من ترازوی علمم؛ علی دو کفه آن و امام حسن و امام حسین بندهای ترازو و فاطمه علیها السّلام قسمت اتصال دهنده دو کفه است؛ امامان بعد از آنها وزن می کنند محبین و مبغضین و دشمنان ما را که لعنت خدا و لعنت کنندگان بر آنها باد! - . کنز الفوائد: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۷»

یف، الطرائف رُوِیَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ فِی مُسْنَدِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی وَ أَحَدُهُمَا أَکْبَرُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ.

و قد روی أن أبا بکر قال عتره النبی علی.

**[ترجمه]طرایف: ابو سعید خدری گفت: پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما دو چیز گران گذاشتم تا وقتی که به آن دو چنگ بزنید، بعد از من گمراه نمی شوید و هر کدام از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان متصل از آسمان به زمین است و عترتم که اهل بیت من هستند. متوجه باشید که آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر پیش من آیند.

روایت شده که ابا بکر گفت: علی عترت پیامبر است.

**[ترجمه]

«۸»

وَ مِنْ ذَلِکَ فِی الْمَعْنَی رِوَایَهُ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ أَیْضاً فِی مُسْنَدِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی إِسْرَائِیلَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ الْمُغِیرَهِ بْنِ رَبِیعَهَ قَالَ: لَقِیتُ زَیْدَ بْنَ أَرْقَمَ وَ هُوَ دَاخِلٌ عَلَی الْمُخْتَارِ

۱- فی المصدر: أبی عمر عبد الواحد بن محمّد.

۲- بشاره المصطفی: ۱۵۵.

۳- کنز جامع الفوائد: ۴۹.

أَوْ خَارِجٌ مِنْ عِنْدِهِ فَقُلْتُ لَهُ مَا سَمِعْتَ (۱) رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِنِّی تَارِکٌ فِيکَمُ الثَّقَلَيْنِ قَالَ نَعَمْ.

**[ترجمه]طرائف: مغیره بن ربیعه گفت: زید بن ارقم را دیدم که پیش مختار می رفت یا از پیش او خارج می شد. به او گفتم از پیامبر اکرم نشنیده ای که فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین»؟ گفت: چرا.

**[ترجمه]

«۹»

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا رَوَاهُ أَيْضاً أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِی مُسْنَدِهِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِيکُمُ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ (۲) وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَيْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّی يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله احمد بن حنبل در مسند خود به اسناد خود به زید بن ثابت می رساند که گفت: پیامبر اکرم فرمود: من میان شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ کتاب خدا که ریسمان آویخته است از آسمان به زمین و عترتم که اهل بیت منند. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند.

**[ترجمه]

«۱۰»

وَ مِنْ ذَلِکَ فِی الْمَعْنَی مَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ فِی صَحِيحِهِ مِنْ طُرُقٍ فَمِنْهَا مِنَ الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنْهُ مِنْ أَجْزَاءٍ فِی أَوَاخِرِ الْكُرَّاسِ الثَّانِيَهِ مِنْ أَوَّلِهِ مِنَ النُّسْخَهِ الْمَنْقُولِ مِنْهَا (۳) بِإِسْنَادِهِ إِلَی يَزِيدَ بْنِ حَيَّانَ قَالَ: انْطَلَقْتُ أَنَا وَ حُصَيْنُ بْنُ سِيرَهَ (۴) وَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ إِلَی زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ فَلَمَّا جَلَسْنَا عِنْدَهُ قَالَ لَهُ حُصَيْنٌ لَقَدْ لَقِيتَ يَا زَيْدُ خَيْراً كَثِيراً رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ سَمِعْتَ حَدِيثَهُ وَ غَزَوْتَ مَعَهُ وَ صَلَّيْتَ مَعَهُ خَلْفَهُ لَقَدْ لَقِيتَ (۵) يَا زَيْدُ خَيْراً كَثِيراً حَدِّثْنَا يَا زَيْدُ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ يَا ابْنَ أَخِی لَقَدْ كَبِرَتْ سِنِّی وَ قَدِمَ عَهْدِی وَ نَسِيتُ بَعْضَ الَّذِی كُنْتُ أَعِی مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَمَا حَدَّثْتُكُمْ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا لَا أَذْكُرُهُ (۶) فَلَا تُكَلِّفُونِّی

۱- فی المصدر: لقیت زید بن أرقم داخلا علی المختار أو خارجا من عنده، فقلت: سمعت.

۲- فی المصدر: انی تارک فیکم الخلیفتین، کتاب اللّه حبل ممدود ما بین السماء إلی الأرض.

۳- فی المصدر: فی الجزء الرابع منه من اجزاء السته فی آخر الکراس الثانیه من اوله من النسخه المنقوله منها.

۴- فی نسخه: (و حصین بن شهره) و کلاهما مصحفان، و الصحیح کما فی صحیح مسلم: (حصین بن سبره) بالباء.

۵- فی النسخه: المخطوطه و صحیح مسلم: و صلیت معه لقد لقیت و المصدر خال منه إلی قوله: حدّثنا.

۶- فی المصدر: و ما لم احدثکم فلا تکلفونیه و فی صحیح مسلم: و ما لا فلا تکلفونیه.

ثُمَّ قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِینَا خَطِیباً بِمَاءٍ یُدْعَی خُمّاً بَیْنَ مَکَّهَ وَ الْمَدِینَهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ وَ وَعَظَ وَ ذَکَرَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا بَعْدُ أَیُّهَا النَّاسُ أَنَا بَشَرٌ یُوشِکُ أَنْ یَأْتِیَنِی رَسُولُ رَبِّی فَأُجِیبَ وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ أَوَّلُهُمَا کِتَابُ اللَّهِ فِیهِ النُّورُ فَخُذُوا بِکِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِکُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَی کِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی وَ رَغَّبَ فِیهِ ثُمَّ قَالَ وَ أَهْلُ بَیْتِی أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی (۱) أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی أُذَکِّرُکُمُ اللَّهَ فِی أَهْلِ بَیْتِی الْخَبَرَ.

و رواه أیضا مسلم فی صحیحه بهذه المعانی فی الجزء الرابع المذکور علی حد ثمانی عشره قائمه من أوله من تلک النسخه.

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله حدیثی است که مسلم در صحیح خود از چند طریق نقل می کند.

یزید بن حیان گفت: من و حصین بن سیره و عمر بن مسلم نزد زید بن ارقم رفتیم. همین که نشستیم حصین به او گفت: چقدر استفاده عالی برده ای که پیامبر اکرم را دیده ای و حدیث از آن بزرگوار شنیده و با او جنگ کرده ای و پشت سرش نماز خوانده ای، واقعا که چه بهره بزرگی برده ای! اکنون برای ما حدیث کن از آنچه از پیامبر اکرم شنیده ای. گفت: ای پسر برادر! مسن شده ام و اجلم نزدیک شده. بعضی از چیزهایی را که از پیامبر اکرم شنیده ام فراموش کرده ام. هر چه از آن جناب نقل می کنم بپذیرید و هر چه درباره اش سخن نمی گویم، مرا وادار نکنید. آنگاه گفت: روزی پیامبر اکرم در آبگیری به نام «خما» بین مکه و مدینه خطبه ای ایراد کرد و پس از حمد و ثنای پروردگارم، پند و اندرز داد. آن گاه فرمود: مردم! من بشری هستم که هر آن ممکن است پیک پروردگارم بیاید و او را اجابت کنم. میان شما دو چیز گران می گذارم؛ اولی آنها کتاب خدا است که در آن نور است، چنگ بزنید به کتاب خدا و از آن بهره گیرید. پس از آنکه نسبت به قرآن تشویق و ترغیب نمود، آنگاه فرمود: و اهل بیتم؛ شما را بسیار سفارش می کنم راجع به اهل بیت خود. - . در صحیح مسلم ۷ : ۱۲۲ روایت شده است. - خدا را به یاد آورید در مورد اهل بیتم؛ شما را تذکر می دهم درباره اهل بیت خود.

همچنین در صحیح مسلم در جزء چهارم با همین معانی روایتی آمده است.

**[ترجمه]

«۱۱»

وَ مِنْ ذَلِکَ فِی الْمَعْنَی مِنْ کِتَابِ الْجَمْعِ بَیْنَ الصِّحَاحِ السِّتَّهِ مِنَ الْجُزْءِ الثَّالِثِ مِنْ أَجْزَاءٍ أَرْبَعَهٍ مِنْ صَحِیحِ أَبِی دَاوُدَ وَ هُوَ کِتَابُ السُّنَنِ وَ مِنْ صَحِیحِ التِّرْمِذِیِّ بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ ثَقَلَیْنِ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ وَ هُوَ کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِی عِتْرَتِی.

**[ترجمه]طرائف: از صحیح ابی داود، کتاب سنن و از صحیح ترمذی به اسناد خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم تا بعد از من به آنها چنگ بزنید، گمراه نخواهید شد و یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا است که ریسمان آویخته از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. دقت کنید که چگونه با اهل بیت من رفتار می کنید.

**[ترجمه]

«۱۲»

وَ مِنْ ذَلِکَ فِی هَذَا الْمَعْنَی مَا رَوَاهُ الشَّافِعِیُّ ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ مِنْ عِدَّهِ (۲) طُرُقٍ فِی کِتَابِهِ بِأَسْنَادِهَا فَمِنْهَا قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنِّی أَوْشَکَ أَنْ أُدْعَی فَأُجِیبَ وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ (۳) مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَخْبَرَنِی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا مَا ذَا تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا (۴).

ص: ۱۰۸

۱- رواه مسلم فی صحیحه ۷: ۱۲۲.

۲- فی النسخه المخطوطه: فی عده طرق بإسناده و فی المصدر: ما رواه الفقیه الشافعی ابن المغازلی عن عده طرق باسانیدها. اقول: ابن المغازلی اسمه علیّ بن محمّد بن الطیب الخطیب الواسطی.

۳- فی المصدر: انی قد ترکت فیکم الثقلین کتاب اللّه حبل اللّه الممدود.

۴- قد سقطت من المصدر المطبوع قطعه طویله و هی من هنا الی ما یذکره عن الزمخشریّ.

قال عبد المحمود لقد أثبت فی عده طرق و قد ترکت من الحدیث بالمعنی مقدار عشرین روایه لئلا یطول الکتاب بتکرارها مستنده من رجال الأربعه المذاهب المشهور حالهم بالعلم و الزهد و الدین.

قال عبد المحمود (۱) کیف خفی عن الحاضرین مراد النبی بأهل بیته صلی الله علیه و آله و

قد جمعهم لما أنزلت آیه الطهاره تحت الکساء و هم علی و فاطمه و الحسن و الحسین علیهم السلام و قال اللهم هؤلاء أهل بیتی فأذهب عنهم الرجس.

و قد وصف أهل بیته الذین قد جعلهم خلفا منه بعد وفاته مع کتاب الله تعالی بأنهم لا یفارقون کتاب الله تعالی فی سر و لا جهر و لا فی غضب و لا رضی و لا غنی و لا فقر و لا خوف و لا أمن فأولئک الذین أشار إلیهم جل جلاله.

**[ترجمه]طرائف: ابن مغازلی از چند طریق در کتابش با اسناد خودش نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شاید مرا بخوانند و باید پاسخ دهم. من میان شما دو چیز گران می گذارم: کتاب خدا؛ ریسمانی که از آسمان تا زمین کشیده شده، و عترتم اهل بیتم. خدای لطیف و خبیر به من خبر داده که آنها هرگز جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. دقت کنید که چگونه با اهل بیت من رفتار می کنید.

عبدالمحمود گفت: این حدیث را از طرق زیادی نقل کرده ام و بیست روایت آن را با همین مضمون واگذاردم تا کتاب طولانی نشود. تمام آنها مستند هستند به رجال چهار مذهب؛ شخصیت هایی که مشهور به علم و زهد و دیانت هستند.

عبدالمحمود - . ابن طاوس خودش را در طرائف «ابن محمود» نامیده است. - گفت: چگونه منظور پیامبر اکرم از لفظ اهل بیت بر کسانی که حضور داشته اند مخفی مانده، با اینکه موقعی که آیه تطهیر نازل شد، آنها را در زیر کسا جمع کرد؟ و آنها علی و فاطمه و حسن و حسین بودند و فرمود: بار خدایا! اینها اهل بیت من هستند، از ایشان پلیدی را دور کن.

اهل بیت خود را که یادگار خویش قرار داد با کتاب خدا چنین توصیف می نماید. آنها از کتاب خدا جدا نمی شوند، در پنهانی و آشکار و خشم و خشنودی و ثروت و فقر و خوف و امن. اینها کسانی هستند که خداوند در آیه تطهیر به ایشان اشاره کرده است.

**[ترجمه]

«۱۳»

وَ مِنْ ذَلِکَ بِإِسْنَادِهِ إِلَی ابْنِ أَبِی الدُّنْیَا مِنْ کِتَابِ فَضَائِلِ الْقُرْآنِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ قَرَابَتِی قَالَ آلُ عَقِیلٍ وَ آلُ جَعْفَرٍ وَ آلُ عَبَّاسٍ.

**[ترجمه]طرائف: به اسناد خود از ابن ابی الدنیا، از کتاب فضایل القرآن نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیت من و خویشاوندانم. گفت: آل عقیل و آل جعفر و

آل عباس.

**[ترجمه]

«۱۴»

وَ مِنْ ذَلِکَ بِإِسْنَادِهِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ رَبِیعَهَ قَالَ: لَقِیتُ زَیْدَ بْنَ أَرْقَمَ وَ هُوَ یُرِیدُ أَنْ یَدْخُلَ عَلَی الْمُخْتَارِ فَقُلْتُ بَلَغَنِی عَنْکَ شَیْ ءٌ فَقَالَ مَا هُوَ قُلْتُ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی قَالَ اللَّهُمَّ نَعَمْ.

**[ترجمه]طرائف: به اسناد خود از علی بن ربیعه نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زید بن ارقم را دیدم که می خواست بر مختار وارد شود. گفتم: به من چیزی بگو. گفت: آنچه را که می گویم، رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم

که می فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیت من. گفت: خدایا این گونه است!

**[ترجمه]

«۱۵»

وَ مِنْ ذَلِکَ بِإِسْنَادِهِ أَیْضاً قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی فَرَطُکُمْ عَلَی الْحَوْضِ فَأَسْأَلُکُمْ حِینَ تَلْقَوْنِی عَنِ الثَّقَلَیْنِ کَیْفَ خَلَفْتُمُونِی فِیهِمَا فَاعْتَلَّ عَلَیْنَا لَا نَدْرِی مَا الثَّقَلَانِ حَتَّی قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ فَقَالَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی مَا الثَّقَلَانِ قَالَ الْأَکْبَرُ مِنْهُمَا کِتَابُ اللَّهِ طَرَفٌ بِیَدِ اللَّهِ تَعَالَی وَ طَرَفٌ بِأَیْدِیکُمْ فَتَمَسَّکُوا بِهِ وَ لَا تَزِلُّوا وَ تَضِلُّوا وَ الْأَصْغَرُ مِنْهُمَا عِتْرَتِی مَنِ اسْتَقْبَلَ قِبْلَتِی وَ أَجَابَ دَعْوَتِی فَلَا تَقْتُلُوهُمْ وَ لَا تَغْزُوهُمْ (۲) فَإِنِّی سَأَلْتُ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ فَأَعْطَانِی

۱- قد سمی ابن طاوس نفسه فی الطرائف بعبد المحمود.

۲- هکذا، و لعلّ الصحیح: و لا تغزوهم.

أَنْ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَ أَشَارَ بِالْمُسَبِّحَهِ وَ الْوُسْطَى نَاصِرُهُمَا نَاصِرِی وَ خَاذِلُهُمَا خَاذِلِی وَ عَدُوُّهُمَا عَدُوِّی أَلَا وَ إِنَّهُ لَنْ تَهْلِکَ أُمَّهٌ قَبْلَکُمْ حَتَّی تَدَیَّنَ بِأَهْوَائِهَا وَ تَظَاهَرَ عَلَی نَبِیِّهَا وَ تَقْتُلَ مَنْ یَأْمُرُ بِالْقِسْطِ فِیهَا.

قال عبد المحمود فهذه عده أحادیث برجال متفق علی صحه أقوالهم یتضمن الکتاب و العتره فانظروا و أنصفوا هل جری من التمسک بهما ما قد نص علیهما و هل اعتبر المسلمون من هؤلاء من أهل بیته الذین ما فارقوا الکتاب و هل فکروا فی الأحادیث المتضمنه أنهما خلیفتان من بعده و هل ظلم أهل بیت نبی من الأنبیاء مثل ما ظلم أهل بیت محمد صلی الله علیه و آله بعد هذه الأحادیث المذکوره المجمع علی صحتها و هل بالغ نبی أو خلیفه أو ملک من ملوک الدنیا فی النص علی من یقوم مقامه بعد وفاته أبلغ مما اجتهد فیه محمد رسول الله لکن له أسوه بمن خولف من الأنبیاء قبله و له أسوه بالله الذی خولف فی ربوبیته بعد هذه الأحادیث المذکوره المجمع علی صحتها.

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله نیز به اسناد خود نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود: من جلوتر از شما به حوض کوثر می روم. وقتی شما را دیدم، از دو یادگار گران خود می پرسم چگونه با آن دو معامله کردید. این مطلب بر ما گران شد که نمی دانستیم منظور از دو یادگار گران چیست. بالاخره مردی از مهاجرین از جای حرکت کرد و گفت: یا رسول اللّه، پدر و مادرم فدایت! دو یادگار گران چیست؟ فرمود: آن یکی که بزرگ تر است، کتاب خدا است که یک طرف به دست خدا و طرف دیگر در دست شما است. محکم به آن بچسبید. مبادا بلغزید که گمراه می شوید. و کوچک تر از آن دو عترت من هستند؛ هر که قبله مرا پذیرفته و دعوتم را اجابت نموده، با آنها جنگ نخواهد کرد. من از خداوند لطیف درخواستی کردم، به من عنایت کرد و آن دو بر من وارد خواهند شد، مثل این دو. (آنگاه انگشت اشاره به انگشت شهادت و میانی نمود) یاری کننده آن دو، یاری کننده من و خوارکننده آن دو، خوارکننده من است و دشمن آن دو، دشمن من. هیچ امتی قبل از شما نابود نشده است، مگر اینکه هواپرستی را اختیار کرده و پیامبر خود را مقهور نموده و کسانی که راهنمای به نیکی بوده اند، از میان برده اند.

عبدالمحمود می گوید: اینکه ملاحظه نمودید احادیث زیادی است که تمام آنها را کسانی نقل نموده اند که صحت گفتار آنها گواهی شده است و همه آن احادیث لفظ کتاب و عترت را دارا هستند. انصاف دهید و دقت کنید؛ آیا آن طور که پیغمبر دستور داده به این دو تمسک جسته اند و آیا مسلمانان دقت کرده اند که اهل بیت پیغمبر که از کتاب خدا جداشدنی نیستند، چه اشخاصی هستند؟!. آیا به این احادیث که شاهدند کتاب خدا و عترت جانشین پیامبر و یادگار او هستند اندیشیده اند؟ بعد از این احادیثی که اتفاق کرده اند بر صحت آنها، هیچ خانواده پیامبری را به اندازه خاندان محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم ستم نکرده اند. آیا پیامبر یا خلیفه ای یا پادشاهی از پادشاهان روی زمین، این قدر در حفظ و احترام جانشینان خود بعد از فوت خویش مبالغه کرده است؟ پیامبر ما نیز همدرد است و تأسی می جوید به سایر پیامبران قبل که مردم بعد از این احادیث متفق علیه از نظر صحت، با آنها مخالفت نمودند و نیز تأسی می جوید به خدایی که در خدایی او اختلاف کردند.

**[ترجمه]

«۱۶»

وَ مِنْ ذَلِکَ مَا رَوَاهُ عَنِ الْمُسَمَّی عِنْدَهُمْ جَارَ اللَّهِ فَخْرَ خُوارِزْمَ أَبُو الْقَاسِمِ مَحْمُودُ بْنُ عُمَرَ الزَّمَخْشَرِیُّ بِإِسْنَادِهِ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ

أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ صَالِحٍ يَرْفَعُ الْحَدِيثَ بِأَسْمَاءِ رُوَاتِهِ وَ تَرَكْتُ ذَلِكَ اخْتِصَاراً قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فَاطِمَةُ بَهْجَةُ قَلْبِي وَ ابْنَاهَا ثَمَرَةُ فُؤَادِي وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِي وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِهَا أُمَنَاءُ رَبِّي وَ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلْقِهِ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ هَوَى هَذَا لَفْظُ الْحَدِيثِ الْمَذْكُورِ.

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله روایت است که جار اللّه فخر خوارزم، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشری به اسناد خود از محمّد بن احمد بن علی بن شاذان نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه مایه آرامش دل من است و دو فرزندش میوه دلم و شوهرش نور چشمم و پیشوایان از فرزندان او امنای پروردگار و ریسمان متصل بین خدا و خلقند. هر که به آنها چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد، بیچاره است. این لفظ حدیث مذکور است.

**[ترجمه]

«۱۷»

وَ مِنْ ذَلِكَ بِإِسْنَادِ الشَّيْخِ مَسْعُودٍ السِّجِسْتَانِيِّ أَيْضاً فِي كِتَابِهِ عَنِ ابْنِ زِيَادٍ مُطَرِّفٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله يَقُولُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي بِهَا وَ هِيَ جَنَّةُ الْخُلْدِ فَلْيَتَوَالَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يُخْرِجُوهُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَ لَنْ يُدْخِلُوهُمْ فِي بَابِ ضَلَالَةٍ.

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله حدیثی است که شیخ مسعود سجستانی در کتاب خود از ابن زیاد مطرف نقل می کند که گفت: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر که مایل است به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشتی که خدایم وعده داده - که جنت خلد است - بشود، علی بن ابی طالب و فرزندانش را بعد از او دوست بدارد. هرگز آنان موجب خارج شدن از هدایت و داخل شدن در گمراهی نمی شوند.

**[ترجمه]

«۱۸»

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنِ السِّجِسْتَانِيِّ إِلَى زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله

قَالَ: مَنْ أَحبَّ أَنْ يَتَمَسَّکَ بِالْقَضِيبِ الْيَاقُوتِ الْأَحْمَرِ الَّذِی غَرَسَهُ اللَّهُ تَعَالَی فِی جَنَّهِ عَدْنٍ فَلْيَتَمَسَّکْ بِحُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عليهما السلام وَ ذُرِّيَّتِهِ الطَّاهِرِينَ عليهم السلام.

**[ترجمه]طرائف: در روايت ديگرى سجستانى از زيد بن ارقم نقل مى كند كه پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه مايل است دست بيندازد به شاخه ياقوت احمرى كه خداوند آن را در بهشت، در جنت عدن كاشته است، به حب على بن ابى طالب و ذريه طاهرين او عليهم السّلام چنگ بزنند.

**[ترجمه]

«۱۹»

وَ مِنْ ذَلِکَ بِإِسْنَادِ الْحَافِظِ مَسْعُودِ بْنِ نَاصِرٍ السِّجِسْتَانِیِّ عَنْ رَبِيعَهَ السَّعْدِیِّ قَالَ: أَتَيْتُ حُذَيْفَهَ بْنَ الْيَمَانِ وَ هُوَ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله عليه و آله فَقَالَ لِی مَنِ الرَّجُلُ قُلْتُ رَبِيعَهُ السَّعْدِیُّ فَقَالَ لِی مَرْحَباً مَرْحَباً بِأَخٍ لِی قَدْ سَمِعْتُ بِهِ وَ لَمْ أَرَ شَخْصَهُ قَبْلَ الْيَوْمِ حَاجَتُکَ قُلْتُ مَا جِئْتُ فِی طَلَبِ غَرَضٍ مِنَ الْأَغْرَاضِ الدُّنْيَوِيَّهِ وَ لَکِنِّی قَدِمْتُ مِنَ الْعِرَاقِ مِنْ عِنْدِ قَوْمٍ قَدِ افْتَرَقُوا خَمْسَ فِرَقٍ فَقَالَ حُذَيْفَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ تَعَالَی وَ مَا دَعَاهُمْ إِلَی ذَلِکَ وَ الْأَمْرُ وَاضِحٌ بَيِّنٌ وَ مَا يَقُولُونَ قَالَ قُلْتُ فِرْقَهٌ تَقُولُ أَبُو بَکْرٍ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ وَ أَوْلَی بِالنَّاسِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله سَمَّاهُ الصِّدِّيقَ وَ کَانَ مَعَهُ فِی الْغَارِ وَ فِرْقَهٌ تَقُولُ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله قَالَ اللَّهُمَّ أَعِزَّ الدِّينَ بِأَبِی جَهْلٍ أَوْ بِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَقَالَ حُذَيْفَهُ اللَّهُ تَعَالَی أَعَزَّ الدِّينَ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ يُعِزَّهُ بِغَيْرِهِ وَ قَالَ فِرْقَهٌ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِیُّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ لِأَنَّ النَّبِیَّ قَالَ مَا أَظَلَّتِ الْخَضْرَاءُ وَ لَا أَقَلَّتِ الْغَبْرَاءُ عَلَی ذِی لَهْجَهٍ أَصْدَقَ مِنْ أَبِی ذَرٍّ فَقَالَ حُذَيْفَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله أَصْدَقُ مِنْهُ وَ خَيْرٌ وَ قَدْ أَظَلَّتْهُ الْخَضْرَاءُ وَ أَقَلَّتْهُ الْغَبْرَاءُ وَ فِرْقَهٌ تَقُولُ سَلْمَانُ الْفَارِسِیُّ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله يَقُولُ فِيهِ أَدْرَکَ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ أَدْرَکَ الْعِلْمَ الْآخِرَ وَ هُوَ بَحْرٌ لَا يُنْزَفُ وَ هُوَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ إِنِّی سَکَتُّ فَقَالَ حُذَيْفَهُ مَا مَنَعَکَ مِنْ ذِکْرِ الْفِرْقَهِ الْخَامِسَهِ قَالَ قُلْتُ لِأَنِّی مِنْهُمْ وَ إِنَّمَا جِئْتُ مُرْتَاداً لَهُمْ (۱) وَ قَدْ عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَی أَنْ لَا يُخَالِفُوکَ وَ أَنْ لَا يَنْزِلُوا عِنْدَ أَمْرِکَ (۲) فَقَالَ لِی يَا رَبِيعَهُ اسْمَعْ مِنِّی وَ عِهِ وَ احْفَظْهُ وَ قِهِ وَ بَلِّغِ النَّاسَ عَنِّی أَنِّی رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله وَ قَدْ أَخَذَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِیٍّ وَ وَضَعَهُ عَلَی مَنْکِبِهِ وَ جَعَلَ يَقِی بِعَقِبِهِ وَ هُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مِنِ

۱- أی جئت طالبا لهم حقيقه الحال.

۲- لعل المعنی: و أن لا يقفوا عند امرک. او فيه سقط صحيحه: و أن لا ينزلوا الا عند امرک.

اسْتِكْمَالِ حُجَّتِى عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ بَعْدِى التَّارِكِينَ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ عليهما السلام أَلَا وَ إِنَّ التَّارِكِينَ وَلَايَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طَالِبٍ هُمُ الْمَارِقُونَ مِنْ دِينِى أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ خَيْرُ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّةً جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ جَدَّتُهُ خَدِيجَةُ سَابِقَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ خَيْرُ النَّاسِ أَباً وَ أُمّاً أَبُوهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِى طَالِبٍ وَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ وَزِيرُهُ وَ ابْنُ عَمِّهِ وَ أُمُّهُ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ خَيْرُ النَّاسِ عَمّاً وَ عَمَّةً عَمُّهُ جَعْفَرُ بْنُ أَبِى طَالِبٍ الْمُزَيَّنُ بِالْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا فِى الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَ عَمَّتُهُ أُمُّ هَانِئٍ بِنْتُ أَبِى طَالِبٍ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ خَيْرُ النَّاسِ خَالًا وَ خَالَةً خَالُهُ الْقَاسِمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَالَتُهُ زَيْنَبُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ وَضَعَهُ عَنْ مَنْكِبِهِ وَ دَرَجَ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ جَدُّهُ فِى الْجَنَّةِ وَ جَدَّتُهُ فِى الْجَنَّةِ وَ أَبُوهُ فِى الْجَنَّةِ وَ أُمُّهُ فِى الْجَنَّةِ وَ عَمُّهُ فِى الْجَنَّةِ وَ عَمَّتُهُ فِى الْجَنَّةِ وَ خَالُهُ فِى الْجَنَّةِ وَ خَالَتُهُ فِى الْجَنَّةِ وَ هُوَ فِى الْجَنَّةِ وَ أَخُوهُ فِى الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ الْمَاضِينَ مَا أُعْطِىَ الْحُسَيْنَ وَ لَا يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ لَجَدُّ الْحُسَيْنِ خَيْرٌ مِنْ جَدِّ يُوسُفَ فَلَا تُخَالِجَنَّكُمُ الْأُمُورُ بِأَنَّ الْفَضْلَ وَ الشَّرَفَ وَ الْمَنْزِلَةَ وَ الْوَلَايَةَ لَيْسَتْ إِلَّا لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَلَا يَذْهَبَنَّ بِكُمُ الْأَبَاطِيلُ.

قال الشيخ مسعود بن ناصر الحافظ السجستانى هذا الحديث حسن.

قال عبد المحمود و قد وقفت على كتاب اسمه كتاب العمده فى الأصول اسم مصنفه محمد بن محمد بن النعمان و يلقب بالمفيد قد أورد فيه الاحتجاج على صحه الإمامه

بحديث نبيهم محمد صلى الله عليه و آله إنى تارك فيكم الثقلين.

و هذا لفظه لا يكون شى ء أبلغ من قول القائل قد تركت فيكم فلانا كما يقول الأمير إذا خرج من بلده و استخلف من يقوم مقامه لأهل البلد قد تركت فيكم فلانا يرعاكم و يقوم فيكم مقامى و كما يقول من أراد الخروج عن أهله و أراد أن يوكل عليهم وكيلا يقوم بأمرهم قد تركت فيكم فلانا فاسمعوا له و أطيعوا فإذا كان ذلك كذلك هو النص الجلى

الذی لا یحتمل غیره إذ أخلف فی جمیع الخلق أهل بیته و أمرهم بطاعتهم و الانقیاد لهم بما أخبر به عنهم من العصمه و أنهم لا یفارقون الکتاب و لا یتعدون الحکم بالصواب هذا لفظه فی المعنی و لعمری إننی أری عقلی شاهد أن من نعی نفسه إلی قومه و قال کما

قال نبیهم إنی بشر یوشک أن أدعی فأجیب ثم قال بعد ذلک إنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی أهل بیتی.

کما رووه فی کتبهم فإنه لا یشک عاقل أنه قصد أن کتاب الله و عترته الذین لا یفارقون کتابه یقومان مقامه بعد وفاته و أن التمسک بهم أمان من الضلال و الله إننی قد قلت هذا المقال و لیس لی غرض فاسد بحال و قد ذکروا أخبارا کثیره بهذا المعنی انتهی ما أخرجناه من طرائف (۱).

**[ترجمه]طرائف: از آن جمله مسعود بن ناصر سجستانی از ربیعه سعدی نقل می کند که گفت: پیش حذیفه بن یمان در مسجد پیامبر اکرم رفتم. پرسید: تو که هستی؟ گفتم: ربیعه سعدی. گفت: به به! برادری که نامش را شنیده بودم، ولی او را تاکنون ندیده بودم. چه کار داری؟ گفتم: برای غرض دنیوی نیامده ام. من از عراق و از پیش گروهی که به پنج دسته شده اند می آیم. حذیفه گفت: سبحان اللَّه! چه موجب شده که اختلاف نمایند؟ امر واضح و آشکار است، چه می گویند؟ گفتم: گروهی معتقدند که ابا بکر شایسته خلافت است و او از دیگران مقدم است، چون پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم او را صدیق نامیده و در غار همراه آن جناب بوده است. بعضی می گویند که عمر شایسته است، چون پیامبر فرموده است: خدایا! دین را عزت بخش به ابی جهل یا به عمر بن خطاب. حذیفه گفت: خداوند دین را به وسیله محمّد صلّی اللَّه علیه و آله و سلم عزت بخشیده است، نه به وسیله دیگری. گفتم: بعضی نیز می گویند که ابوذر غفاری، زیرا پیامبر اکرم فرموده است: آسمان سبز سایه نیفکنده و زمین برنداشته سخنگویی را که از ابوذر راستگوتر باشد. حذیفه گفت: رسول اکرم راستگوتر و بهتر از ابوذر بوده، آسمان بر او سایه افکنده و زمین او را برداشته است.

گفتم: گروهی نیز سلمان فارسی را شایسته می دانند، چون پیغمبر درباره او فرموده است: سلمان علم اول و علم آخر را درک کرده؛ دریایی خشک نشدنی است و او از ما خانواده است. آنگاه سکوت کردم.

حذیفه گفت: چرا دسته پنجم را نگفتی؟ گفتم: چون من خود از دسته پنجم هستم. من آمده ام که تو در این مورد حکومت کنی. آنها با خدا پیمان بسته اند که از گفته تو سر نپیچند و هر چه تو گفتی بپذیرند. حذیفه گفت: اینک از من بشنو و حفظ کن و نگهدار و از جانب من به مردم برسان. من خودم پیامبر اکرم را دیدم که حسین بن علی علیه السّلام را به روی شانه خود داشت و از پشت او را نگه داشته بود و می فرمود: ای مردم! این حسین از کسانی است که حجت من است بر اشقیاء بعد از من؛ کسانی که ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام را رها کردند. متوجه باشید که ترک کنندگان ولایت علی بن ابی طالب از دین من خارجند. ای مردم! حسین بن علی از نظر جد و جده از همه مردم برجسته تر است، زیرا جدش محمّد مصطفی است که بهترین فرزند آدم است و جده اش خدیجه کبری است که از همه زنان پیش تر به خدا و رسول ایمان آورده. حسین از لحاظ پدر و مادر از همه مردم بهتر است؛ پدرش علی بن ابی طالب وصی پیامبر و وزیر او و پسر عمویش و مادرش فاطمه دختر محمّد است. عمه و عموی حسینم از عمه و عموی همه مردم بهتر است؛ عمویش جعفر بن ابی طالب است که خداوند او را با دو بال مفتخر نموده و به هر جای بهشت که بخواهد می رود، و عمه اش ام هانی دختر ابی طالب است. حسین من بهترین

خاله و دایی را دارد؛ دایی او قاسم پسر پیامبر و خاله اش زینب دختر پیغمبر است. آنگاه او را از شانه خود به زمین گذاشت و آن حضرت جلوی پیامبر شروع به راه رفتن کرد.

فرمود: ای مردم! جد و جده این حسین و پدر و مادرش و عمو و عمه و خاله و دایی اش و خودش در بهشت هستند، برادرش نیز در بهشت است. فرمود: مردم! به هیچ یک از فرزندان پیامبران قبل، مزایای حسین علیه السّلام را نداده اند، و نیز نه یوسف بن یعقوب بن اسحاق پسر ابراهیم خلیل. مردم! جد حسین بهتر از جد یوسف است. مبادا شک و شبهه ای داشته باشید در اینکه فضل و شرف و مقام و ولایت فقط متعلق به پیامبر و فرزندان اوست؟ مبادا به دنبال یاوه سرایی ها بروید؟

شیخ مسعود بن ناصر حافظ سجستانی گفت: این حدیث حسن است.

عبدالمحمود گفت: به کتابی برخورد کردم به نام «عمده در علم اصول.» نویسنده کتاب محمّد بن محمّد بن نعمان ملقب به مفید بود، در آن کتاب استدلال کرده بود بر صحت امامت به حدیث پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلم «انی تارک فیکم الثقلین»، این عین استدلال او است. چیزی از این واضح تر نمی شود که شخصی بگوید فلان کس را میان شما گذاشته ام، چنان چه امیر وقتی بخواهد از شهر خارج شود و کسی را به جانشینی خود میان مردم تعیین کرده باشد، می گوید: فلان کس را بین شما قرار داده ام، او متوجه شما است و جانشین من است میان شما. یا کسی که تصمیم دارد از میان خانواده خود خارج شود و می خواهد یک نفر را برای کارهای ایشان بگمارد، می گوید: فلان کس را میان شما قرار داده ام، از او گوش کنید و مطیعش باشید. وقتی جریان چنین باشد، همین یک تصریح آشکار است که احتمال خلاف ندارد. وقتی اهل بیت خود را در میان مردم بگذارد و دستور دهد از آنها اطاعت و پیروی کنند. و امتیازاتی که آنها دارند از قبیل عصمت و اینکه از کتاب خدا جدا نمی شوند و از راه راست منحرف نمی گردند. این بود استدلال شیخ مفید با نقل به معنی.

به جان خود سوگند یاد می کنم که من عقل خویش را گواه می گیرم، کسی که خبر مرگ خود را به بستگان خویش بدهد، چنان چه پیغمبر فرمود: «من بشری هستم، ممکن است مرا از میان شما ببرند، باید اجابت کنم» بعد می فرماید: «دو چیز گران میان شما می گذارم؛ کتاب خدا و اهل بیت و عترتم.» همان طوری که روایت کرده اند، در این مطلب هیچ عاقلی شک نخواهد کرد که منظورش این است که کتاب خدا و عترتش - که از کتاب جداشدنی نیستند - جانشین او بعد از وفاتش هستند و تمسک به آنها از گمراهی جلوگیری می کند. به خدا قسم من این سخن را می گویم، با اینکه غرض فاسدی ندارم. اخبار زیادی را در این معنی نقل کرده اند. آنچه از طرائف نقل نموده بودیم پایان یافت. - . طرائف: ۲۸ - ۲۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

وَ رَوَی ابْنُ بِطْرِیقٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی الْعُمْدَهِ مِنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَی عَلِیِّ بْنِ رَبِیعَهَ قَالَ: لَقِیتُ زَیْدَ بْنَ أَرْقَمَ وَ هُوَ دَاخِلٌ عَلَی الْمُخْتَارِ أَوْ خَارِجٌ مِنْ عِنْدِهِ فَقُلْتُ لَهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ قَالَ نَعَمْ (۲).

**[ترجمه]العمده: در مسند احمد بن حنبل آمده که علی بن ربیعه گفت: زید بن ارقم را دیدم. او می خواست بر مختار وارد

یا خارج شود. به او گفتم: شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم. گفت: بله، چنین است. - . العمده: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۲۱»

وَ بِإِسْنَادِهِ أَيْضاً عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ وَ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

قال ابن نمير (۳) قال بعض أصحابنا عن الأعمش قال انظروا كيف تخلفوني فيهما (۴)

ص: ۱۱۳

۱- الطرائف: ۲۸ و ۲۹.

۲- العمده: ۳۴ رواه بإسناده عن عبد اللّه بن أحمد بن حنبل عن أبيه عن اسود بن عامر عن إسرائيل بن عثمان بن المغيره عن عليّ بن ربيعه.

۳- ابن نمير كنيه لمحمّد بن عبد اللّه نمر الهمدانيّ الكوفيّ الحافظ، و لابيه عبد اللّه نمير الهمدانيّ أبو هشام الكوفيّ.

۴- العمده: ۳۴ رواه بإسناده عن عبد اللّه بن أحمد بن حنبل عن أبيه عن ابن نمير عن عبد الملك بن أبى سليمان عن عطيه العوفى عن ابى سعيد الخدريّ.

**[ترجمه]العمده: و نیز احمد بن حنبل به اسنادش از ابو سعید خدری نقل می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم که یکی از آن دو بزرگ تراز دیگری است؛ کتاب خدا است که ریسمان آویخته از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند.

أعمش در ادامه گفته است: «بنگرید بعد من با آنها چه می کنند.» - . العمده: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۲۲»

وَ بِإِسْنَادِهِ أَيْضاً عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَوْ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (۱).

**[ترجمه]العمده: و نیز زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز گران می گذارم که یکی از آن دو بزرگ تراز دیگری است؛ کتاب خدا است که ریسمان آویخته از آسمان به زمین است و عترت من اهل بیتم. آنها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. - . العمده: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۲۳»

وَ مِنْ صَحِيحِ مُسْلِمٍ فِي الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنْهُ مِنْ أَجْزَاءٍ سِتَّةٍ فِي آخِرِ الْكُرَّاسَةِ الثَّانِيَةِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ حَيَّانَ قَالَ: انْطَلَقْتُ أَنَا وَ حُصَيْنُ بْنُ سيره (۲) (سُبْرَةَ) وَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ إِلَى زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ فَلَمَّا جَلَسْنَا إِلَيْهِ قَالَ لَهُ حُصَيْنٌ لَقَدْ لَقِيتَ يَا زَيْدُ خَيْراً كَثِيراً رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ سَمِعْتَ حَدِيثَهُ وَ غَزَوْتَ مَعَهُ وَ صَلَّيْتَ خَلْفَهُ لَقَدْ لَقِيتَ يَا زَيْدُ خَيْراً كَثِيراً حَدِّثْنَا يَا زَيْدُ بِمَا سَمِعْتَ (۳) مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ يَا ابْنَ أَخِي وَ اللَّهِ لَقَدْ كَبِرَتْ سِنِّي وَ قَدِمَ عَهْدِي وَ نَسِيتُ بَعْضَ الَّذِي كُنْتُ أَعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَمَا حَدَّثْتُكُمْ فَاقْبَلُوهُ وَ مَا لَا فَلَا تُكَلِّفُونِيهِ ثُمَّ قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَوْماً فِينَا خَطِيباً بِمَاءٍ يُدْعَى خُمّاً بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ وَعَظَ ثُمَّ ذَكَرَ وَ قَالَ (۴) أَمَّا بَعْدُ أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا أ بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبَ وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ (۵) أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَ أَهْلُ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي فَقَالَ لَهُ حُصَيْنٌ وَ مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ يَا زَيْدُ أَ لَيْسَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ نِسَاؤُهُ مِنْ أَهْلِ

۱- العمده: ۳۴ رواه بإسناده عن شريك عن الركين عن القاسم بن حسان عن زيد ابن ثابت.

۲- في المصدر: شبره و كلاهما مصحفان عن (سبره) و الحديث يوجد في صحيح مسلم ۷: ۱۲۲ بإسناده عن زهير بن حرب و

شجاع بن مخلد جميعا عن ابن عليه قال زهير: حدّثنا إسماعيل بن إبراهيم حدّثنى أبو حيان حدّثنى يزيد بن حيان قال: انطلقت انا و حصين بن سبره و عمر بن مسلم.

۳- فى المصدر و صحيح مسلم: حدّثنا يا زيد ما سمعت.

۴- فى المصدر و صحيح مسلم: و ذكر ثمّ قال.

۵- فى نسخه الكمبانىّ: الثقلين.

بَيْتِهِ وَ لَكِنْ أَهْلُ بَيْتِهِ مَنْ حُرِّمَ عَلَيْهِ الصَّدَقَةُ بَعْدَهُ.

ثم روی بأسانيد أخر مثل ذلک عن زيد بن أرقم و فی بعضها و قلنا من أهل بيته نساؤه فقال لا ايم الله إن المرأه تكون مع الرجل العصر من الدهر ثم يطلقها فترجع إلی أهلها و قومها أهل بيته أصله و عصبته الذين حرموا الصدقه بعده.

(۱) ثم ذكر رحمه الله روايه أبی سعيد الخدری بأسانيد من تفسير الثعلبی و من مناقب ابن المغازلی و من الجمع بين الصحاح السته من سنن أبی داود السجستانی و من صحيح الترمذی (۲) فلا نعيدها حذرا من التكرار.

**[ترجمه]العمده: از صحيح مسلم نقل می كند كه يزيد بن حيان گفت: من با حصين بن سيره - . «شبره» و «سيره» هر دو تصحيف شده (سبره) است. اين حديث در صحيح مسلم ۷ : ۱۲۲ آمده است. - و عمر بن مسلم به زيد بن ارقم رسيديم. وقتی كه نشستيم حصين به او گفت: ای زيد! تو ملاقات های با خير و بركت زيادی با رسول خدا صلی الله عليه و آله داشته ای و سخنش را شنيده ای، با او به جنگ رفته ای و پشت سر او نماز خوانده ای و قطعا ديدار های پر بركتی داشته ای. ای زيد! از آنچه از رسول خدا صلی الله عليه و آله شنيده ای با ما سخن بگو.

زيد گفت: ای پسر برادرم! به خدا قسم سنم زياد شده است و دوره ام گذشته است، بعضی از چيز هايی را كه با پيامبر بوده ام از ياد برده ام. بنابراين آنچه می گويم بپذيريد و مرا به زحمت ميندازيد. سپس گفت: روزی رسول خدا صلی الله عليه و آله در كنار آبی بين مكه و مدينه كه آن را «خم» می خواندند ايستاد و خطبه خواند. پس از حمد و ثنای خدا و موعظه فرمود: اما بعد؛ ای مردم! من بشری هستم كه ممكن است فرستاده پروردگارم مرا ببرد و بايد پاسخ دهم. من بين شما دو چيز گران بها می گذارم؛ اول آن دو كتاب خداست كه در آن هدايت و نور است، پس آن را بگيريد و به آن چنگ زنيد و به آن تشويق و ترغيب كنيد. سپس فرمود: و اهل بيتم كه خدا به اهل بيت من تذكر داده است (سه بار تكرار فرمودند). حصين به او گفت: ای زيد! آيا زنانش از اهل بيت اويند؟ گفت: زنانش

از اهل بيت او هستند، ولی اهل بيت او كسانی هستند كه بعد از او صدقه بر ايشان حرام شده است.

با سند های ديگری اين روايت آمده است و در بعضی از آنها آمده است.... اهل بيت او اصل او و فرزندان او هستند، كسانی كه بعد پيامبر صدقه بر ايشان حرام شد. - . العمده: ۳۵ -

صاحب كتاب رحمه الله روايت ابو سعيد خدری را با سند هايی از تفسير ثعلبی و مناقب ابن مغازلی و تعدادی از صحاح ششگانه، از جمله صحيح ابو داود سجستانی و صحيح ترمذی - . العمده: ۳۶ - ذكر می كند كه به جهت تكرار آنها را نمی آوريم.

**[ترجمه]

وَ رُوِیَ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُظَفَّرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْحَافِظِ (۳) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مَسْعُودِ بْنِ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ (۴) قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَضْلُ أَهْلِ بَیْتِی عَلَی النَّاسِ کَفَضْلِ الْبَنَفْسَجِ عَلَی سَائِرِ الْأَدْهَانِ.

انْتَهَی مَا أَخْرَجْنَاهُ مِنَ الْعُمْدَهِ (۵).

**[ترجمه]العمده: از مناقب ابن مغازلی، از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فضل اهل بیت من بر سایر مردم، مانند برتری روغن بنفشه است بر سایر روغن ها.

آنچه از العمده

نقل کردیم پایان یافت. - . العمده: ۱۹۸ -

**[ترجمه]

«۲۵»

أَقُولُ وَ رَوَی ابْنُ الْأَثِیرِ فِی جَامِعِ الْأُصُولِ نَقْلًا مِنْ صَحِیحِ مُسْلِمٍ حَدِیثَ یَزِیدَ بْنِ حَیَّانَ نَحْواً مِمَّا مَرَّ إِلَی قَوْلِهِ وَ لَکِنْ أَهْلُ بَیْتِهِ مَنْ حُرِّمَ الصَّدَقَهُ عَلَیْهِ بَعْدَهُ ثُمَّ زَادَ قَالَ وَ مَنْ هُمْ قَالَ آلُ عَلِیٍّ وَ آلُ عَقِیلٍ وَ آلُ جَعْفَرٍ وَ آلُ عَبَّاسٍ قَالَ کُلُّ هَؤُلَاءِ حُرِّمَ الصَّدَقَهُ عَلَیْهِمْ قَالَ نَعَمْ (۶).

۱- العمده: ۳۵.

۲- العمده: ۳۶ راجعه.

۳- فی نسخه الکمبانیّ: (عبد اللّه بن محمّد) و لعله عبد اللّه بن محمّد بن عبد اللّه بن عثمان المعروف بابن السقا الراوی عن ابن الاشعث.

۴- هکذا فی الکتاب و مصدره، و لعلّ الصحیح: محمّد بن محمّد بن الاشعث عن موسی ابن إسماعیل بن موسی، و محمّد هذا صاحب کتاب الجعفریات المطبوع، و الحدیث یوجد فیه فی ص ۱۸۱ و فیه: فضلنا أهل البیت علی سائر الناس و فی المستدرک: کفضل دهن البنفسج.

۵- العمده: ۱۹۸.

۶- أقول: یوجد ذلک کله فی صحیح مسلم المطبوع ایضا.

زَادَ فِی رِوَایَهٍ کِتَابِ اللَّهِ فِیهِ الْهُدَی وَ النُّورُ مَنِ اسْتَمْسَکَ بِهِ وَ أَخَذَ بِهِ کَانَ عَلَی الْهُدَی وَ مَنْ أَخْطَأَهُ ضَلَّ (۱)

**[ترجمه]مؤلف: ابن اثیر در جامع الاصول از صحیح مسلم، حدیث یزید بن حیان را نقل می کند، تا آنجا که می گوید: «اهل بیت پیغمبر کسانی هستند که بعد از او صدقه بر آنها حرام است.» سپس اضافه نمود که: «آنها کیانند؟ گفت: آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباس. گفت: صدقه بر تمام آنها حرام شده است؟ جواب داد: آری.» - . مؤلف: تمام این حدیث را در صحیح مسلم مطبوع نیز یافتم. -

در روایتی اضافه شده: «کتاب خدا که اگر کسی به آن تمسک کند، در آن هدایت و نور است؛ دریافت کننده آن هدایت شده است و به خطا رونده، گمراه است. - . جامع الاصول... نسخه ای نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۲۶»

وَ فِی رِوَایَهٍ نَحْوُهُ غَیْرَ أَنَّهُ قَالَ: أَلَا وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ مَنِ اتَّبَعَهُ کَانَ عَلَی الْهُدَی وَ مَنْ تَرَکَهُ کَانَ عَلَی ضَلَالَهٍ وَ فِیهِ فَقُلْنَا مَنْ أَهْلُ بَیْتِهِ نِسَاؤُهُ قَالَ لَا إِلَی آخِرِ مَا مَرَّ (۲).

**[ترجمه]و در روایتی غیر آن آمده است: آگاه باشید میان شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ کتاب خدا که ریسمان خداست. کسی که از آن تبعیت کند در مسیر هدایت است و کسی که رهایش کند، در گمراهی. در آن آمده است: «ما گفتیم: زنانش اهل بیت اویند؟ گفت: نه.» تا آخر آنچه گذشت. - . جامع الاصول... نسخه ای نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۲۷»

وَ رُوِیَ مِنْ صَحِیحِ التِّرْمِذِیِّ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخَذَ بِیَدِ حَسَنٍ وَ حُسَیْنٍ وَ قَالَ مَنْ أَحَبَّنِی وَ أَحَبَّ هَذَیْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا کَانَ مَعِی فِی دَرَجَتِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ (۳).

**[ترجمه]از صحیح ترمذی، از علی علیه السّلام روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دست حسن و حسین علیهما السّلام را گرفته بود، فرمود: هر که مرا و این دو و پدر و مادرشان را دوست بدارد، روز قیامت با من در درجه من خواهد بود. - . جامع الاصول... نسخه ای نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۲۸»

وَ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ (۴).

انْتَهَى مَا أَخْرَجْتُهُ مِنْ جَامِعِ الْأُصُولِ.

**[ترجمه]از زید بن ارقم نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام فرمود: من با کسی که شما با او جنگ بکنید جنگ می کنم و با کسی که سازگار باشید، سازگارم. - . جامع الاصول... نسخه ای نزد من نیست. -

در اینجا آنچه از جامع الاصول نقل کردیم پایان یافت.

**[ترجمه]

«۲۹»

وَ رَوَى ابْنُ بِطْرِيقٍ أَيْضاً فِي الْمُسْتَدْرَكِ مِنْ كِتَابِ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الْفَوَاحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ (۵).

**[ترجمه]ابن بطریق نیز در مستدرک از کتاب فردوس، از امیرالمؤمنین علیه السّلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ما خانواده ای هستیم که خداوند پلیدی های پنهان و آشکار را از ما برطرف کرده است. - . مستدرک، نسخه خطی، نسخه ای نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۳۰»

وَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَنَا الْآخِرَهَ عَلَى الدُّنْيَا.

و روى روايه الثقلين من كتاب فضائل الصحابه للسمعانى عن أبى سعيد الخدرى و زيد بن أرقم مثل ما مر (۶).

**[ترجمه]ابن مسعود گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است.

روایت ثقلین از کتاب فضایل صحابه سمعانی نقل شده، مثل آنچه گذشت. - . مستدرک، نسخه خطی، نسخه ای نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۳۱»

مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْسِئَ اللَّهُ لَهُ فِي أَجَلِهِ وَ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ فَلْيَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي خِلَافَةً حَسَنَةً فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَخْلُفْنِي فِيهِمْ بَتَكَ (۷) اللَّهُ عُمُرَهُ وَ وَرَدَ عَلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدّاً وَجْهُهُ (۸).

۱- جامع الأصول ... ليست نسخته عندی.

۲- جامع الأصول ... ليست نسخته عندی.

۳- جامع الأصول ... ليست نسخته عندی.

۴- جامع الأصول ... ليست نسخته عندی.

۵- المستدرک: مخطوط، و نسخته ليست موجوده عندی.

۶- المستدرک: مخطوط، و نسخته ليست موجوده عندی.

۷- أی قطع اللّه عمره و قصره.

۸- لم نظفر بخط الشهيد رحمه اللّه.

**[ترجمه]به خط شـهید از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود: هر کس مایل است خدا اجل او را به دست فراموشی سپارد و او را از نعمت هایی که به او ارزانی داشـته بهره مند کند، رفتار خوبی با اهل بیت من داشـته باشد. هر کس شـرط احترام آنها را نگه ندارد، خدا عمرش را کوتاه می کند و در روز قیامت با چهره ای سیاه وارد بر من می شود. - . ما به خط شهید رحمه الله چیزی نیافتیم. -

**[ترجمه]

«۳۲»

نهـج، نهج البلاغه قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِی خُطْبَتِهِ عِنْدَ ذِكْرِ آلِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله هُمْ مَوْضِعُ سِرِّهِ وَ لَجَأُ أَمْرِهِ وَ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْئِلُ حُكْمِهِ وَ كُهُوفُ كُتُبِهِ وَ جِبَالُ دِينِهِ بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءَ ظَهْرِهِ وَ أَذْهَبَ ارْتِعَادَ فَرَائِصِهِ وَ مِنْهَا يَعْنِی قَوْماً آخَرِينَ زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْغُرُورَ وَ حَصَدُوا الثُّبُورَ لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَداً هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ إِلَيْهِمْ يَفِیءُ الْغَالِی وَ بِهِمْ يَلْحَقُ التَّالِی وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوِرَاثَةُ (۱).

**[ترجمه]نهـج البلاغه: امیرالمؤمنین علیه السّلام در خطبه خود وقتی به آل پیغمبر رسـید، فرمود: آنها گنجینه اسـرار اوینـد و ملجأ امور و خزینه علوم و پایگاه حکمت و معـدن کتب و کوه های اسـتوار دین هسـتند. به وسـیله ایشان راست نمود خمیدگی پشت و لرزه پیکرش را. گروهی دیگر از مردم تخم تبهکـاری را کاشـتند و با فریبکاری آبیاری نمودنـد و هلاکت و نابودی را بهره برداری کردند. هیچ کس را نمی توان با آل محمّد صـلّی اللّه علیه و آله و سلم قیاس نمود. از این امت نمی توان کسی را که نعمت وجود این خاندان سبب بهره مندی او شده است با دیگری برابر نمود. آل محمّد اساس دین و پایگاه یقینند؛ تندروان و کنـدروان هر دو به سوی آنهـا بر می گردنـد؛ امتیـازات ولایـت به ایشـان اختصـاص دارد و وراثت و وصایت مخصوص آنها است. - . نهج البلاغه: بخش اول، ۲۹ - ۳۰ -

**[ترجمه]

«۳۳»

یف، الطرائف رَوَى الثَّعْلَبِیُّ فِی تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً بِأَسَانِيدَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّی قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَوْ قَالَ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَيْتِی أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (۲).

**[ترجمه]طرائف: ثعلبی در تفسیر آیه «اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً» - . آل عمران / ۱۰۳ - {و همگی به ریسمان خدا چنگ زنیـد} می نویسد: پیامبر اکرم فرمود: مردم من میان شـما دو چیز گران نهادم که جانشـین منند، بعد از من اگر به آن دو چنگ زنیـد، گمراه نمی شویـد. و یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتـاب خـدا که ریسـمان آویخته از آسـمان به زمین (یـا فرمـود تا

زمین) است و عترت و اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . طرائف: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۴»

وَ رَوَى الْحُمَيْدِيُّ فِي الْجَمْعِ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ فِي مُسْنَدِ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ مِنْ عِدَّهِ طُرُقٍ فَمِنْهَا بِإِسْنَادِهِ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِينَا خَطِيباً بِمَاءٍ يُدْعَى خُمّاً بَيْنَ مَكَّهَ وَ الْمَدِينَهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ وَعَدَ وَ وَعَظَ وَ ذَكَرَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا بَعْدُ أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّمَا أَنَا (۳) بَشَرٌ يُوشِكُ أَنْ يَأْتِيَنِي رَسُولُ رَبِّي فَأُجِيبَ وَ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ أَوَّلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَ النُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ اسْتَمْسِكُوا بِهِ فَحَثَّ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ رَغَّبَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ وَ أَهْلُ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي أُذَكِّرُكُمُ اللَّهَ فِي أَهْلِ بَيْتِي (۴).

ص: ۱۱۷

۱- نهج البلاغه: القسم الأوّل. ۲۹ و ۳۰.

۲- الطرائف: ۲۹. و الآیه فی سوره آل عمران: ۱۰۳.

۳- فی المصدر: انما انا.

۴- ذکر ذلک فی النسخه المخطوطه مرتین و فی المصدر مره واحده.

وَ فِی إِحْدَی رِوَایَاتِ الْحُمَیْدِیِّ فَقُلْنَا مَنْ أَهْلُ بَیْتِهِ نِسَاؤُهُ قَالَ لَا ایْمُ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَهَ تَکُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنَ الدَّهْرِ (۱) ثُمَّ یُطَلِّقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَی أَبِیهَا وَ قَوْمِهَا الْخَبَرَ (۲).

**[ترجمه]طرائف: حمیدی از مسند زید بن ارقم آورده: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار آبی بین مکه و مدینه که آن را «خم» می خواندند ایستاد و خطبه خواند. پس از حمد و ثنای خدا و موعظه فرمود: اما بعد؛ ای مردم! من بشری هستم که ممکن است فرستاده پروردگارم مرا ببرد و باید پاسخ دهم. بین شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ اول آن دو کتاب خداست که در آن هدایت و نور است، پس آن را بگیرید و به آن چنگ زنید و به آن تشویق و ترغیب کنید. سپس فرمود: و نیز اهل بیتم که خدا به اهل بیت من تذکر داده است (سه بار تکرار فرمودند).

در یکی دیگر از روایات حمیدی آمده: گفتیم: آیا زنانش از اهل بیت اویند؟ گفت: نه، بیوه نمی تواند باشد. زن با مردش در بخشی از زندگی هست و وقتی که رهایش کرد، پیش پدر و خویشانش باز می گردد. - . طرائف: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۳۵»

أَقُولُ قَالَ ابْنُ الْأَثِیرِ فِی جَامِعِ الْأُصُولِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: رَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ فِی حَجَّهِ الْوَدَاعِ یَوْمَ عَرَفَهَ وَ هُوَ عَلَی نَاقَتِهِ الْعَضْبَاءِ (۳) یَخْطُبُ فَسَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنِّی تَرَکْتُ فِیکُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی أَخْرَجَهُ التِّرْمِذِیُّ.

**[ترجمه]مؤلف: ابن اثیر در جامع الاصول می گوید: جابر بن عبداللّه گفت: در حجه الوداع روز عرفه پیامبر اکرم را دیدم که سوار بر شتر عضبای خود بود و سخنرانی می کرد و می فرمود: من چیزی در میان شما گذاشته ام که اگر چنگ به آن بزنید، گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترتم، اهل بیت من.

**[ترجمه]

«۳۶»

زَیْدُ بْنُ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ وَ هُوَ کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ الْأَرْضِ إِلَی السَّمَاءِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا أَخْرَجَهُ التِّرْمِذِیُّ (۴).

**[ترجمه]زید بن ارقم گفت: پیامبر اکرم فرمود: من میان شما (دو چیز قرار داده ام) که اگر بعد از من به آن دو چنگ زنید، گمراه نمی شوید و یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان آویخته از آسمان به زمین (یا فرمود تا زمین) است و عترت و اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. ببینید درباره آنها چه می کنند. - . جامع الاصول... نسخه اش را نیافتم. -

**[ترجمه]

«۳۷»

قَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ فِی النِّهَایَهِ فِی الْحَدِیثِ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی سَمَّاهُمَا ثَقَلَیْنِ لِأَنَّ الْأَخْذَ بِهِمَا وَ الْعَمَلَ بِهِمَا ثَقِیلٌ وَ یُقَالُ لِکُلِّ خَطِیرٍ نَفِیسٍ ثَقِیلٌ فَسَمَّاهُمَا ثَقَلَیْنِ إِعْظَاماً لِقَدْرِهِمَا وَ تَفْخِیماً لِشَأْنِهِمَا انْتَهَی (۵).

أقول: ستأتی أخبار الثقلین و غیرها فی باب الغدیر و أبواب النصوص و غیرها من کتاب تاریخ أمیر المؤمنین علیه السلام و قد مضی کثیر منها فی باب حجه الوداع و باب ما خص الله به رسوله صلی الله علیه و آله و غیرهما.

ص: ۱۱۸

۱- فی المصدر: و أیم اللّه ان المرأه تکون مع الرجل اعصر من الدهر.

۲- الطرائف: ۲۹.

۳- فی النهایه: کان اسم ناقته العضباء، هو علم لها منقول من قولهم: ناقه عضباء ای مشقوقه الاذن و لم تکن مشقوقه الاذن و قال بعضهم: انها کانت مشقوقه الاذن، و قال الزمخشریّ هو منقول من قولهم ناقه عضباء و هی قصیره الید.

۴- جامع الأصول ... لم نجد نسخته.

۵- النهایه ۱: ۱۵۵ و ۱۵۶ فیه: و یقال لکل خطیر: ثقل.

**[ترجمه]ابن اثیر در نهایه می گویـد: در حدیث «انی تارک فیکم الثقلین» کتاب و عترت خود را ثقل نامیده، زیرا اخذ به آن دو و عمل به آنها سـنگین و ثقیل است. هر چیز با ارزش و اهمیت را ثقیل می گویند و آن دو را از جهت اهمیت و ارزش آنها ثقلین فرمود. - . نهایه ۱ : ۱۵۵ - ۱۵۶ -

مؤلف: اخبار ثقلین و سایر اخبار این موضوع در «باب غدیر» و ابواب نصوص از «کتاب تاریخ امیرالمؤمنین علیه السّلام» خواهد آمد و بسیاری از آنها در بخش حجه الوداع و بخش های دیگر گذشت.

**[ترجمه]

«۳۸»

ج، الإحتجـاج قَالَ سُـلَيْمُ بْنُ قَيْسٍ بَيْنَمَا أَنَا وَ حميش حَنَشُ بْنُ مُعْتَمِرٍ (۱) بِمَكَّهَ إِذْ قَـامَ أَبُو ذَرٍّ وَ أَخَـذَ بِحَلْقَهِ الْبَابِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ فِي الْمَوْسِمِ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ جَهِلَنِي فَأَنَا جُنْدَبٌ (۲) أَنَا أَبُو ذَرٍّ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ يَقُولُ إِنَّ مَثَلَ أَهْـلِ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَمَثَلِ سَـفِينَهِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا (۳) غَرِقَ وَ مَثَلِ بَابِ حِطَّهٍ فِي بَنِي إِسْـرَائِيلَ أَيُّهَـا النَّاسُ إِنِّي سَـمِعْتُ نَبِيَّكُمْ يَقُـولُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِـلُّوا مَـا تَمَسَّكْتُمْ (۴) بِهِمَـا كِتَـابَ اللَّهِ وَ أَهْـلَ بَيْتِي إِلَى آخِرِ الْحَـدِيثِ فَلَمَّا قَـدِمَ الْمَـدِينَهَ بَعَثَ إِلَيْهِ عُثْمَانُ فَقَالَ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا قُمْتَ بِهِ فِي الْمَوْسِمِ قَالَ عَهْدٌ عَهِدَهُ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله وَ أَمَرَنِي بِهِ فَقَالَ مَنْ يَشْـهَدُ بِذَلِكَ فَقَامَ عَلِيٌّ علیه السـلام وَ الْمِقْدَادُ فَشَـهِدَا ثُمَّ انْصَـرَفُوا يَمْشُونَ ثَلَاثَتُهُمْ فَقَالَ عُثْمَانُ إِنَّ هَذَا وَ صَاحِبَيْهِ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ فِي شَيْ ءٍ (۵).

**[ترجمه]احتجاج طبرسـی: مسلم بن قیس گفت: من و حبیش بن معتمر در مکه بودیم. روزی در ایام حج ابوذر غفاری حلقه در خانه خـدا را گرفت و با صدای بلند فریاد زد: مردم! هر که مرا می شـناسد که می شـناسد و هر که نمی شـناسد، من جندب بن جناده ابوذرم، من از پیامبر اکرم صـلّی اللّه علیه و آله و سـلم شنیدم که می فرمود: مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است، هر که سوار آن شـد نجات یافت و هر که تخلف جست، غرق شـد. و مانند درب حطه در میان بنی اسـرائیل است. مردم! من از پیامبر شـما شـنیدم که می گفت: من میان شـما دو چیز گـذارده ام و تا وقتی به آن دو چنگ زنیـد، گمراه نخواهید شد؛ کتاب خدا و اهل بیتم... تا آخر.

وقتی ابوذر وارد مـدینه شـد، عثمـان از پی او فرسـتاد و به او گفت: چه موجب شـد که در ایـام حـج آن کار را کردی؟ گفت: پیمانی بود که پیامبر اکرم با من بسته بود و به من دسـتور داده بود. گفت: چه کسـی شـهادت می دهـد که پیامبر به تو دسـتور داده. علی علیه السّـلام و مقداد گواهی دادند. بعد سه نفری از پیش عثمان رفتند. عثمان گفت: این شـخص و دو رفیقش خیال می کنند دارای موقعیتی هستند. - . احتجاج: ۸۳ -

**[ترجمه]

«۳۹»

لی، الأمالی للصدوق ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِکْرِمَهَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ دَانَ بِدِینِی وَ سَلَکَ مِنْهَاجِی وَ اتَّبَعَ سُنَّتِی فَلْیَدِنْ بِتَفْضِیلِ الْأَئِمَّهِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی عَلَی جَمِیعِ أُمَّتِی فَإِنَّ مَثَلَهُمْ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ مَثَلُ بَابِ حِطَّهٍ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ (۶).

**[ترجمه]امالی صدوق: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله و سلم فرمود: هر که متدین به دین من است، در راه شریعت من قدم نهاده و پیرو سنت من است، باید معتقد باشد که ائمه و پیشوایان از اهل بیتم، بر تمام امت فضیلت دارند. مثل آنها در میان امت، مانند درب حطه بنی اسرائیل است. - . امالی صدوق: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۴۰»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْکَاتِبِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِیِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ یَعْقُوبَ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ ظُهَیْرٍ عَنْ أَبِی

۱- فی المصدر: (حبش بن معمر) و فی النسخه المخطوطه و بعض الأسانید: (حبیش ابن معتمر) و فی الکل تصحیف، و الصحیح: حنش بن المعتمر بالنون.

۲- فی المصدر: فانا جندب بن جناده.

۳- فی المصدر: من ترکها غرق.

۴- فی المصدر: ما ان تمسکتم.

۵- فی نسخه: فی شغل . الاحتجاج: ۸۳.

۶- أمالی الصدوق: ۴۶.

إِسْحَاقَ عَنْ رَافِعٍ مَوْلَى أَبِي ذَرٍّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ آخِذاً بِحَلْقَهِ بَابِ الْكَعْبَهِ مُسْتَقْبِلَ النَّاسِ بِوَجْهِهِ وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ عَرَفَنِی فَأَنَا جُنْدَبٌ الْغِفَارِیُّ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِی فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِیُّ قَالَ (۱) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ مَنْ قَاتَلَنِی فِی الْأُولَی وَ قَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِی فِی الثَّانِيَهِ حَشَرَهُ اللَّهُ تَعَالَی فِی الثَّالِثَهِ مَعَ الدَّجَّالِ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلِ بَابِ حِطَّهٍ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَ مَنْ لَمْ يَدْخُلْهُ هَلَکَ (۲).

**[ترجمه]امالی طوسی: رافع غلام ابوذر گفت: ابوذر - رحمت خدا بر او - را دیدم، در حالی که در برابر مردم حلقه در خانه خدا را گرفته بود و می گفت: هر که مرا می شناسد، می داند که من جندب غفاری هستم و کسی که مرا نمی شناسد، بداند که من ابوذر غفاری ام. من از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: هر که در ابتدای اسلام با ما به جنگ برخاست و در مرحله دوم با اهل بیت من به جنگ پردازد، خدا او را در آینده با دجال محشور می کند. مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف نمود، غرق شد. و چون درب حطه است؛ هر که داخل گردید نجات یافت و کسی که داخل نشد، هلاک گردید. - . امالی طوسی: ۳۷ - ۳۸ -

**[ترجمه]

بیان

و من لم یعرفنی أی بهذا الاسم فإنه بالکنیه أشهر.

**[ترجمه]اینکه گفته کسی مرا نمی شناسد، یعنی به این نام، زیرا او با کنیه مشهور تر بود.

**[ترجمه]

«۴۱»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی هِلَالُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَزَّازِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ حُبَيْشِ بْنِ الْمُعْتَمِرِ (۳) عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ دَخَلَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ (۴).

**[ترجمه]امالی طوسی: ابوذر از پیامبر صلّی اللّه علیه و آله نقل کرد که فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که داخل آن شد نجات یافت و هر که تخلف نمود، غرق شد. - . امالی طوسی: ۲۲۳ -

**[ترجمه]

«۴۲»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی جَمَاعَهٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْمُودِ بْنِ بِنْتِ الْأَشَجِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الذُّهْلِيِّ عَنْ

أَبِی حَفْصٍ الْأَعْشَی عَنْ فُضَیْلٍ الرَّسَّانِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَرَ مَوْلَی ابْنِ الْحَنَفِیَّهِ عَنْ أَبِی عُمَرَ زَاذَانَ عَنْ أَبِی شُرَیْحَهَ (۵) حُذَیْفَهَ بْنِ أَسِیدٍ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا ذَرٍّ مُتَعَلِّقاً بِحَلْقَهِ بَابِ الْکَعْبَهِ فَسَمِعْتُهُ یَقُولُ أَنَا جُنْدَبٌ مَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنِی فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ (۶) سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ

۱- المصدر خال عن قوله: قال.

۲- أمالی ابن الشیخ: ۳۷ و ۳۸.

۳- الاسناد فی المصدر هکذا: أخبرنا أبو الفتح هلال ابن محمّد بن جعفر الحفار قال:

۴- أمالی ابن الشیخ: ۲۲۳.

۵- الصحیح: أبو سریحه بالمهملتین.

۶- فی المصدر: و من لم یعرفنی فانا اعرفه بنفسی انا أبو ذر.

مَنْ قَاتَلَنِی فِی الْأُولَی وَ قَاتَلَ أَهْلَ بَيْتِی فِی الثَّانِيَهِ فَهُوَ مِنْ شِيعَهِ الدَّجَّالِ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی فِی أُمَّتِی كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ فِی لُجَّهِ الْبَحْرِ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالَهَا ثَلَاثاً (۱).

**[ترجمه]امالی طوسی: حذیفه بن اسید گفت: ابوذر را دیدم در حالی که حلقه در خانه خدا را گرفته بود، شنیدم که می گفت: هر که مرا می شناسد، می داند که من جندب هستم و کسی که مرا نمی شناسد، بداند که من ابوذر هستم. من از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: هر که در ابتدای اسلام با ما به جنگ برخاست و در مرحله دوم با اهل بیت من به جنگ پردازد، او از پیروان دجال است. مثل اهل بیت من در میان امت من، چون کشتی نوح است در تلاطم دریا؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف نمود، غرق شد. و چون درب حطه است؛ هر که داخل گردید نجات یافت. (معنای) اهل را به شما رسانده ام، و سه بار فرمود. - . امالی طوسی: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۴۳»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی جَمَاعَهٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ الطَّبَرِیِّ عَنْ عِيسَی بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُخَوَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْأَسْوَدِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَزَوَّرِ (۲) عَنْ أَبِی عُمَرَ الْبَزَّازِ عَنْ رَافِعٍ مَوْلَی أَبِی ذَرٍّ قَالَ: قَالَ صَعِدَ أَبُو ذَرٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَی دَرَجِهِ الْكَعْبَهِ حَتَّی أَخَذَ بِحَلْقَهِ الْبَابِ ثُمَّ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ أَنْكَرَنِی فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِی فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَرَكَهَا هَلَكَ وَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ اجْعَلُوا أَهْلَ بَيْتِی مِنْكُمْ مَكَانَ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ مَكَانَ الْعَيْنَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ فَإِنَّ الْجَسَدَ لَا يَهْتَدِی إِلَّا بِالرَّأْسِ وَ لَا يَهْتَدِی الرَّأْسُ إِلَّا بِالْعَيْنَيْنِ (۳).

**[ترجمه]امالی طوسی: رافع غلام ابوذر گفت: ابوذر رضی الله عنه از پله کعبه بالا رفت، تا اینکه حلقه در خانه خدا را گرفت و به آن تکیه زد. سپس گفت: ای مردم! هر که مرا می شناسد که می شناسد و کسی که مرا نمی شناسد، من ابوذرم. من از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که آن را ترک کرد، هلاک شد. و شنیدم که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله می فرمود: اهل بیت مرا در جایگاه سر برای بدن و دو چشم برای سر قرار دهید، زیرا بدن بدون سر و سر بدون چشم ها هدایت نمی شود. - . امالی طوسی: ۳۰۷ -

**[ترجمه]

«۴۴»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی جَمَاعَهٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ سُوَيْدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ حُبَيْشِ بْنِ (۴) الْمُعْتَمِرُ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا ذَرٍّ الْغِفَارِیَّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ وَ هُوَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْنِی (۵) فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ جُنْدَبُ بْنُ جُنَادَهَ الْغِفَارِیُّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ

بَيْتِى فِيكَمْ مَثَلُ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ دَخَلَهَا نَجا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ (۶).

۱- أمالی ابن الشیخ: ۲۹۳.

۲- بالحاء المهمله و الزاء المعجمه و الواو المشدده و الرجل هو علیّ بن أبی فاطمه الکوفیّ ترجمه ابن حجر فی التقریب: ۳۶۹ و قال: مات بعد سنه ۱۳۰.

۳- أمالی ابن الشیخ: ۳۰۷.

۴- فی نسختی المصحّحه من الأمالی: حنش بن المعتمر. و هو الصحیح.

۵- فی المصدر: و من لم یعرفنی فانا اعرفه بنفسی.

۶- أمالی ابن الشیخ: ۳۲۷ أقول: روی الحاکم فی المستدرک ۳: ۱۵۰ عن أحمد ابن جعفر بن حمدان الزاهد عن العباس بن إبراهیم القراطیسی عن محمّد بن إسماعیل الاحمسی عن مفضل بن صالح عن أبی إسحاق عن حنش الکنانیّ قال: سمعت أبا ذر رضی اللّه عنه یقول و هو آخذ بباب الکعبه: من عرفنی فانا من عرفنی و من انکرنی فانا أبو ذر، سمعت اه و فیه: من رکبها.

ما، الأمالی للشیخ الطوسی جماعه عن أبی المفضل عن محمد بن محمد بن سلیمان عن محمد بن حمید الرازی عن عبد الله بن عبد القدوس عن الأعمش عن أبی إسحاق مثله (۱).

**[ترجمه]امالی طوسی: حبیش بن معتمر گفت: شنیدم که ابوذر غفاری رضی الله عنه می گفت: ای مردم! هر که مرا می شناسد که می شناسد و کسی که مرا نمی شناسد، من ابوذر جندب بن جناده غفاری هستم. من از رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله شنیدم که فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است، هر که داخل آن شد نجات یافت و هر که آن را رها کرد، هلاک شد. - . امالی طوسی: ۳۲۷، مؤلف: حاکم در مستدرک ۳ : ۱۵۰ با سند دیگری نقل کرده است. -

امالی طوسی: با سند دیگری آن را آورده است.

**[ترجمه]

«۴۵»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی فِیکُمْ مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا زُخَّ فِی النَّارِ (۲).

صح : عنه علیه السلام مثله(۳).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: امام رضا از پدرانش علیهم السّلام نقل می کند که رسول خدا صلّی اللّٰه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که آن را رها کرد، در آتش هل داده می شود. - . عیون اخبار الرضا: ۱۹۶ -

صحیفه الرضا: مانند این روایت را نقل کرده است. - . صحیفه الرضا: ۲۲ -

**[ترجمه]

بیان

قال ابن الأثیر فی النهایه (۴) مثل أهل بیتی مثل سفینه نوح من تخلف عنها زخ به فی النار أی دفع و رمی یقال زخه یزخه زخا.

**[ترجمه]ابن اثیر در نهایه نیز نقل کرده است که «زخ» یعنی پرتاب و دفع کردن. - . نهایه ۲ : ۱۳۲ -

**[ترجمه]

«۴۶»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ سُلَیْمَانَ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ وَ قُولُوا حِطَّهٌ نَغْفِرْ لَکَمْ خَطایاکُمْ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام نَحْنُ بَابُ حِطَّتِکُمْ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: سلیمان جعفری گفت: از حضرت رضا علیه السّلام در مورد آیه «وَ قُولُوا حِطَّهٌ نَغْفِرْ لَکُمْ خَطایاکُمْ» - . بقره / ۵۸ -

{و بگویید [خداوندا] گناهان ما را بریز تا خطاهای شما را ببخشاییم} شنیدم که فرمود: امام باقر علیه السّلام فرمود: ما باب حطه شما هستیم. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۴۵ -

**[ترجمه]

«۴۷»

م، تفسیر الإمام علیه السلام قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام هَؤُلَاءِ بَنُو إِسْرَائِیلَ نُصِبَ لَهُمْ بَابُ حِطَّهٍ وَ أَنْتُمْ یَا مَعْشَرَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ نُصِبَ لَکُمْ بَابُ حِطَّهٍ أَهْلُ بَیْتِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ أُمِرْتُمْ بِاتِّبَاعِ هُدَاهُمْ وَ لُزُومِ طَرِیقَتِهِمْ لِیَغْفِرَ لَکُمْ بِذَلِکَ خَطَایَاکُمْ وَ ذُنُوبَکُمْ وَ لِیَزْدَادَ الْمُحْسِنُونَ مِنْکُمْ وَ بَابُ حِطَّتِکُمْ أَفْضَلُ مِنْ بَابِ حِطَّتِهِمْ لِأَنَّ ذَلِکَ کَانَ بِأَخَاشِیبَ (۶) وَ نَحْنُ

ص: ۱۲۲

۱- أمالی الطوسیّ.

۲- عیون الأخبار: ۱۹۶.

۳- صحیفه الرضا : ۲؟.

۴- النهایه ۲: ۱۳۲.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۴۵. و الآیه فی سوره البقره: ۵۸.

۶- اخا شیب جمع خشب، و فی المصدر: باب خشب.

النَّاطِقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُؤْمِنُونَ (۱) الْهَادُونَ الْفَاضِلُونَ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِنَّ النُّجُومَ فِي السَّمَاءِ أَمَانٌ مِنَ الْغَرَقِ وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ لَا يَهْلِكُونَ مَا دَامَ مِنْهُمْ مَنْ يَتَّبِعُونَ هَدْيَهُ وَ سُنَّتَهُ أَمَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَدْ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ أَنْ يَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي (۲) وَ أَنْ يُمْسِكَ قَضِيباً غَرَسَهُ بِيَدِهِ وَ قَالَ اللَّهُ كُنْ فَكَانَ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام وَ لْيُوَالِ وَلِيَّهُ وَ لْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لْيَتَوَلَّ ذُرِّيَّتَهُ الْفَاضِلِينَ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي وَ رُزِقُوا فَهْمِي وَ عِلْمِي فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۳).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: برای بنی اسرائیل باب حطه را قرار دادند. ای امت محمّد! برای شما نیز باب حطه، اهل بیت محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلم قرار داده شد و دستور داده اند از راه هدایت ایشان پیروی کنید و راه آنها را طی کنید تا بدین وسیله گناهانتان بخشیده شود تا مقام نیکوکاران افزایش یابد. و باب حطه شما بهتر از باب حطه بنی اسرائیل است، زیرا درب آنها مجموعه ای از چند چوب بود، ولی درب حطه شما سخنگویان صادق و مؤمن و راهنما و فاضلند، چنان چه پیامبر اکرم فرموده است: ستارگان در آسمان امان از غرق هستند و اهل بیت من برای امت، امان از گمراهی هستند. در دین هلاک نخواهند شد تا وقتی که از هدایت و روش یکی از اهل بیت من پیروی کنند.

پیامبر اکرم فرموده است: هر که مایل است به زندگی من زنده شود و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدنی که خدایم وعده داده بشود و شاخه ای که خدا درخت آن را به دست خویش غرس نموده بگیرد،

خداوند فرمود: باش، هر موجودی باید علی بن ابی طالب علیه السّلام را دوست بدارد، با دوست او دوست و با دشمنش دشمن باشد و بازماندگانش را که بعد از او شخصیت های برجسته و پیرو خدایند، دوست بدارد. آنها از طینت من آفریده شده اند و فهم و علم نصیب ایشان شده است. وای بر کسانی که منکر مقام آنها هستند و ارتباط با ایشان را قطع کرده اند! خداوند آنها را از شفاعت من محروم کند. - . تفسیر امام حسن عسکری: ۲۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۸»

ما، الأمالي للشيخ الطوسي ابْنُ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْأَكْفَانِيِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُثْمَانَ الْحَضْرَمِيِّ (۴) عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُوَرِّقٍ الْعِجْلِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا ذَرٍّ آخِذاً بِحَلْقَةِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ هُوَ يَقُولُ مَنْ عَرَفَنِي فَأَنَا جُنْدَبٌ وَ إِلَّا فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ بَرِحَ الْخَفَاءُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلِ بَابِ حِطَّةٍ يَحُطُّ اللَّهُ بِهَا الْخَطَايَا (۵).

**[ترجمه]امالی طوسی: مورق عجلی گفت: ابوذر غفاری را دیدم که حلقه در کعبه را گرفته بود و می گفت: ای مردم! هر که مرا می شناسد من جندب هستم، و الا (کسی که مرا نمی شناسد) من ابوذر غفاری هستم. پنهان آشکار شده است؛ من از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله شنیدم که فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد

نجات یافت و هر که آن را رها کرد، غرق شد. و مانند باب حطه هستند که خدا به واسطه آنها گناهان را می ریزد. - . امالی طوسی: ۹۴ -

**[ترجمه]

بیان

فی القاموس برح الخفاء کسمع وضح الأمر.

**[ترجمه]فی القاموس برح الخفاء کسمع وضح الأمر.

**[ترجمه]

«۴۹»

یف، الطرائف ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ فِی عِدَّهِ أَحَادِیثَ مِنْهَا بِإِسْنَادِهِ إِلَی بِشْرِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّشِیدَ (۶) یَقُولُ سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ یَقُولُ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ

۱- فی المصدر: المنتصبون. المرتضون خ ل.

۲- فی المصدر: و ان یسکن الجنه التی وعدنی ربی.

۳- تفسیر العسکریّ: ۲۲۷.

۴- فی المصدر: اخبرنا محمّد یعنی المفید عن أبی بکر محمّد بن عمر عن علیّ بن العباس عن ابن عثمان الحضرمی.

۵- أمالی الطوسیّ: ۹۴، فیه، یحط به الخطایا.

۶- فی المصدر: الرشید یقول: سمعت المهدی یقول: سمعت المنصور.

عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی کَمَثَلِ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَکَ.

**[ترجمه]طرائف: ابن عباس گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که آن را رها کرد، هلاک شد.

**[ترجمه]

«۵۰»

وَ رَوَی ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ جُبَیْرٍ (۱) عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِیِّ صلى الله علیه و آله قَالَ (۲)

مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی کَمَثَلِ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَ فِیهَا نَجَا (۳) وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.

و روی أیضا بإسناده من طریقین إلی ابن المعتمر و إلی سعید بن المسیب بروایاته معا عن أبی ذر عن النبی صلی الله علیه و آله مثله.

**[ترجمه]طرائف: ابن عباس گفت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که رها کرد هلاک شد.

طرائف: همچنین با سند دیگری آن را نقل کرده است.

**[ترجمه]

«۵۱»

وَ رَوَی أَیْضاً بِإِسْنَادِهِ إِلَی سَلَمَهَ بْنِ الْأَکْوَعِ عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله مَثَلُ أَهْلِ بَیْتِی کَمَثَلِ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا (۴).

أقول: روی ابن بطریق فی العمده (۵) تلک الأخبار بأسانید من مناقب ابن المغازلی و فی المستدرک من فضائل الصحابه للسمعانی ترکناها مخافه التکرار مع وضوح الحق عند ذوی الأبصار.

**[ترجمه]طرائف: سلمه بن اکوع از پدرش نقل می کند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت. - . طرائف: ۳۲ -

مؤلف: ابن بطریق در العمده - . العمده: ۱۸۷ - ۱۸۸ - این اخبار را با اسناد متفاوت نقل می کند که ما از ترس تکرار آنها را رها می کنیم و البته حقانیت آنها بر صاحبان بصیرت آشکار است.

**[ترجمه]

«۵۲»

وَ رَأَیْتُ فِی کِتَابِ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ قَالَ أَبَانُ بْنُ أَبِی عَیَّاشٍ دَخَلْتُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام وَ عِنْدَهُ أَبُو الطُّفَیْلِ عَامِرُ بْنُ وَاثِلَهَ صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَانَ مِنْ خِیَارِ أَصْحَابِ عَلِیٍّ علیه السلام وَ لَقِیتُ عِنْدَهُ عُمَرَ بْنَ أَبِی سَلَمَهَ ابْنَ أُمِّ سَلَمَهَ زَوْجِهِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَعَرَضْتُ عَلَیْهِ کِتَابَ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ فَقَالَ لِی صَدَقَ سُلَیْمٌ رَحِمَهُ اللَّهُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّهُ یَضِیقُ صَدْرِی بِبَعْضِ مَا فِیهِ لِأَنَّ فِیهِ هَلَاکَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله رَأْساً مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ رَأْساً وَ التَّابِعِینَ (۶) غَیْرَکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ شِیعَتِکُمْ فَقَالَ یَا أَخَا عَبْدِ الْقَیْسِ أَ مَا بَلَغَکَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَیْتِی

ص: ۱۲۴

۱- فی نسخه: ابن جریج و فی المصدر: سعید بن جبیر.

۲- فی المصدر: انه قال.

۳- فی المصدر: من رکبها نجا.

۴- الطرائف: ۳۲.

۵- العمده: ۱۸۷ و ۱۸۸.

۶- فی المصدر: من المهاجرین و الأنصار و التابعین.

كَمَثَلِ (۱) سَفِينَهِ نُوحٍ فِي قَوْمِهِ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ كَمَثَلِ بَابِ حِطَّهٍ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ مَنْ حَدَّثَكَ فَقُلْتُ سَمِعْتُهُ مِنْ أَكْثَرَ مِنْ مِائَهٍ مِنَ الْفُقَهَاءِ فَقَالَ مِمَّنْ فَقُلْتُ سَمِعْتُهُ مِنْ حُبَيْشِ (۲) بْنِ الْمُعْتَمِرِ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ سَمِعَهُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ وَ هُوَ آخِذٌ بِحَلْقَهِ الْكَعْبَهِ يُنَادِي بِهِ نِدَاءً يَرْوِيهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ وَ مِمَّنْ فَقُلْتُ وَ مِنَ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ مِنْ أَبِي ذَرٍّ وَ مِنَ الْمِقْدَادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام فَقَالَ وَ مِمَّنْ فَقُلْتُ وَ مِنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ وَ عَلْقَمَهَ بْنِ قَيْسٍ وَ أَبِي ظَبْيَانَ الْحُسَيْنِيِّ (۳) وَ مِنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى كُلُّ هَؤُلَاءِ أَخْبَرَ أَنَّهُ سَمِعَهُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ أَبُو الطُّفَيْلِ وَ عُمَرُ بْنُ أَبِي سَلَمَهَ وَ نَحْنُ وَ اللَّهِ سَمِعْنَاهُ مِنْ أَبِي ذَرٍّ وَ سَمِعْنَاهُ مِنْ عَلِيٍّ عليه السلام وَ الْمِقْدَادِ وَ سَلْمَانَ ثُمَّ أَقْبَلَ عُمَرُ بْنُ أَبِي سَلَمَهَ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَقَدْ سَمِعْتُهُ مِمَّنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْ هَؤُلَاءِ كُلِّهِمْ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله سَمِعْتُهُ إِذْ نَادَى وَ وَعَاهُ قَلْبِي فَأَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (۴) عليهما السلام فَقَالَ أَ وَ لَيْسَ هَذَا الْحَدِيثُ وَحْدَهُ يَنْتَظِمُ جَمِيعَ مَا أَفْظَعَكَ- (۵) وَ عَظُمَ فِي صَدْرِكَ مِنْ تِلْكَ الْأَحَادِيثِ اتَّقِ اللَّهَ يَا أَخَا عَبْدِ الْقَيْسِ فَإِنْ وَضَحَ لَكَ أَمْرٌ فَاقْبَلْهُ وَ إِلَّا فَاسْكُتْ تَسْلَمْ وَ رُدَّ عِلْمَهُ إِلَى اللَّهِ فَإِنَّكَ بِأَوْسَعَ مِمَّا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ (۶).

**[ترجمه]کتاب سلیم بن قیس: ابان بن ابی عیاش گفت: خدمت حضرت زین العابدین علیه السّلام رسیدم. ابوالطفیل عامر بن واثله یکی از صحابه پیغمبر که از بهترین اصحاب علی علیه السّلام نیز به شمار می رفت حضور داشت. عمر بن ابی سلمه پسر ام سلمه همسر پیامبر نیز بود. کتاب سلیم بن قیس را به آن جناب نشان دادم. فرمود: سلیم راست گفته، خدا رحمتش کند. عرض کردم: آقا فدایت شوم! من از مطالب کتاب او ناراحت و نگران هستم، زیرا مطالبی که او نوشته حکم می کند به نابودی و هلاک امت محمّد از مهاجر و انصار و تابعین، همه جز شما خانواده و شیعیانتان. فرمود: مگر نشنیده ای که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرموده است: مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است در میان قومش، هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف جست، هلاک شد، و مانند باب حطه بنی اسرائیل است؟ گفتم: چرا. فرمود: چه کسی برای تو این حدیث را نقل کرد؟ گفتم بیش از صد نفر از فقها. فرمود: از چه کسی؟ گفتم: از حبیش بن معتمر شنیدم که می گفت از ابوذر شنیده است روزی حلقه در خانه کعبه را گرفته بود و آن را از پیامبر نقل می کرد. فرمود: دیگر از که؟ گفتم: از حسن بن ابی الحسن بصری که می گفت از ابوذر شنیده و از مقداد بن اسود و از علی بن ابی طالب. باز فرمود: دیگر از چه کس شنیده ای؟ گفتم: از سعید بن مسیب و علقمه بن قیس و ابو ظبیان حسینی و عبدالرحمن بن ابی لیلی، همه آنها می گفتند که از ابوذر شنیده ایم.

ابوالطفیل و عمر بن ابی سلمه گفتند: به خدا ما نیز از ابوذر شنیدیم و از علی علیه السّلام و مقداد و سلمان. عمر بن ابی سلمه گفت: به خدا من از کسی شنیده ام که از همه اینها بهتر است؛ من از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم شنیدم، با گوش خود صدای آن جناب را شنیدم و آن را حفظ کردم.

امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: همین یک حدیث کافی نیست که تمام ناراحتی و نگرانی تو را از کتاب سلیم بن قیس برطرف کند؟ از خدا بترس ای برادر عبد قیس! اگر امری برای تو آشکار شد بپذیر، وگرنه ساکت باش تا سالم بمانی و علم آن را به خدا بسپار، تو در فضایی وسیع تر از فاصله بین آسمان و زمین قرار داری. - . کتاب سلیم بن قیس: ۵۸ - ۶۰ -

**[ترجمه]

ک، إکمال الـدین لی، الأمالی للصـدوق ابْنُ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ غِیَاثِ (۷) بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِینَارٍ عَنْ سَـعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنْ سَعِیدِ بْنِ جُبَیْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ:

ص: ۱۲۵

۱- فی المصدر: مثل أهل بیتی فی امتی کمثل.

۲- الصحیح کما فی المصدر: حنش.

۳- فی المصدر: الجنبی و هو الصحیح، و الرجل هو حصین بن جندب بن الحارث و الجنبی نسبه إلی جنب: قبیله من الیمن.

۴- فی المصدر: فاقبل علی علیّ بن الحسین علیه السلام.

۵- فی نسخه: ما قطعک.

۶- کتاب سلیم بن قیس: ۵۸- ۶۰. فیه: فی اوسع ممّا بین السماء و الأرض.

۷- فی الاکمال و الأمالی: عن جده عن أبیه محمّد بن خالد عن غیاث بن إبراهیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ یَا عَلِیُّ أَنَا مَدِینَهُ الْحِکْمَهِ وَ أَنْتَ بَابُهَا وَ لَنْ تُؤْتَی الْمَدِینَهُ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَ کَذَبَ (۱) مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ یُحِبُّنِی وَ یُبْغِضُکَ لِأَنَّکَ مِنِّی وَ أَنَا مِنْکَ لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی وَ دَمُکَ مِنْ دَمِی وَ رُوحُکَ مِنْ رُوحِی وَ سَرِیرَتُکَ سَرِیرَتِی وَ عَلَانِیَتُکَ عَلَانِیَتِی وَ أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْهَا بَعْدِی سَعِدَ مَنْ أَطَاعَکَ وَ شَقِیَ مَنْ عَصَاکَ وَ رَبِحَ مَنْ تَوَلَّاکَ وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاکَ وَ فَازَ مَنْ لَزِمَکَ وَ هَلَکَ مَنْ فَارَقَکَ مَثَلُکَ وَ مَثَلُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِکَ بَعْدِی مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُکُمْ مَثَلُ النُّجُومِ کُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ (۲).

**[ترجمه]کمال الدین و امالی صدوق: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: یا علی! من شهر حکمت هستم و تو درب آنی؛ وارد شهر نمی توان شد مگر از در آن. دروغ گفته کسی که گمان می کند مرا دوست دارد اما با تو دشمن است، زیرا من از تو و تو از منی؛ گوشت تو گوشت من و خونت خون من؛ روحت روح من؛ پنهانت پنهان من و آشکارت آشکار من است. تو پیشوای امت منی و پس از من، خلیفه من بر آنهایی. سعادتمند است مطیع تو و بدبخت است مخالف تو. سود می برد کسی که تو را دوست می دارد و زیان می کند کسی که با تو دشمن است. رستگار است ملازم تو و هلاک شده هر که از تو جدا باشد. مثل تو و امامان از نژاد من، مانند کشتی نوح است؛ هر که سوار شد نجات یافت و هر که تخلف جست، غرق شد. و مانند ستارگانند که هر کدام غایب شد، دیگری طلوع می کند تا روز قیامت. - . کمال الدین: ۱۴۰ ، امالی صدوق: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۵۴»

ک، إکمال الدین لی، الأمالی للصدوق الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ عِیسَی بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی حَازِمٍ (۳) عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی عَنْ شَرِیکٍ عَنِ الرُّکَیْنِ (۴) بْنِ الرَّبِیعِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زَیْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی أَلَا وَ هُمَا الْخَلِیفَتَانِ مِنْ بَعْدِی وَ لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین و امالی صدوق: زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ کتاب خدای عزوجل و عترتم اهل بیتم. بدانید که ایشان جانشینان منند و از یکدیگر جدا نمی شوندتا اینکه بر سر حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۷ ، امالی صدوق: ۲۴۹ -

**[ترجمه]

بیان

المراد بعدم افتراقهما أن لفظ القرآن کما نزل و تفسیره و تأویله عندهم و هم یشهدون بصحه القرآن و القرآن یشهد بحقیتهم و إمامتهم و لا یؤمن بأحدهما إلا من آمن بالآخر (۶).

۱- فی الاکمال: فکذب.

۲- أمالی الصدوق: ۱۶۲ اکمال الدین: ۱۴۰.

۳- فی نسخه و الاکمال: عبد اللّه و الصحیح ما فی المتن و هو عبید اللّه بن موسی بن أبی المختار باذام العبسی الکوفیّ أبو محمّد الثقه یروی عن إسرائیل و غیره توفّی سنه ۲۱۳.

۴- فی نسخه: (الرکیز) و فی الاکمال: (ذرکه) و کلاهما مصحفان، و الصحیح:

۵- أمالی الصدوق: ۲۴۹، اکمال الدین: ۱۳۷.

۶- او المراد ان القرآن کما هو الحجه علی الناس الی یوم القیامه فعترته و هم الأئمّه علیهم السلام قولهم حجه علی الناس الی یوم القیامه، و ان القرآن کما هو باق الی القیامه و لا یرتفع و لا تنسخه شریعه اخری فکذلک عترته صلّی اللّه علیه و آله باقیه إلی یوم القیامه، و ثابته خلافتهم إلی آخر الدهر.

**[ترجمه]مراد از عـدم جدایی آن دو این است که الفاظ قرآن همان طور که نازل شده و تفسیر و تأویل آن نزد ایشان است، ایشـان به صـحت قرآن شـهادت می دهنـد و قرآن به حقیقت و امامت آنها گواهی می دهـد. کسـی به یکی از آنها ایمان نمی آورد، مگر آنکه به دیگری ایمان بیاورد.

**[ترجمه]

«۵۵»

لی، الأمـالی للصـدوق ابْنُ الْبَرْقِیِّ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَخْبَرَنِی جَبْرَئِیلُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ حُجَّتِی عَلَی خَلْقِی وَ دَیَّانُ دِینِی أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ أَئِمَّهً یَقُومُونَ بِأَمْرِی وَ یَدْعُونَ إِلَی سَبِیلِی بِهِمْ أَدْفَعُ الْعَذَابَ عَنْ عِبَادِی وَ إِمَائِی وَ بِهِمْ أُنْزِلُ رَحْمَتِی (۱).

**[ترجمه]امالی صـدوق: حسـین بن خالـد از حضـرت رضا علیه السّـلام، از علی بن ابی طالب نقل کرد که پیامبر اکرم فرمود: جبرئیـل از جانب خـدا برای من پیغام آورد که علی بن ابی طالب حجت من در میان مردم و بپای دارنـده دین من است. از نژاد او خارج می کنم پیشوایانی را که امر مرا بپا می دارنـد و به راه من مردم را دعوت می کننـد. به وسـیله آنها عـذاب را از مرد و زن برطرف می کنم و به وسیله ایشان رحمت خود را نازل می نمایم. - . امالی صدوق: ۳۲۵ -

**[ترجمه]

«۵۶»

لی، الأمالی للصدوق ابْنُ شَاذَوَیْهِ الْمُؤَدِّبِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَارَهَ عَنْ عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِی سَلَمَهَ عَنْ أُمِّهِ أُمِّ سَلَمَهَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدِی سَادَهُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ قَادَهُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: ام سـلمه گفت: از پیامبر اکرم صـلی اللَّه علیه و آله و سـلم شـنیدم که می فرمود: علی بن ابی طالب و پیشوایان از نژاد او، بهترین شخصیت های روی زمین و رهبر سفید چهرگان در روز قیامت هستند. - . امالی صدوق: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

بیان

قال الجزری فی الحدیث أمتی الغر المحجلین.

أی بیض مواضع الوضوء من الأیدی و الأقدام استعار أثر الوضوء فی الوجه و الیدین و الرجلین للإنسان من البیاض الذی یکون فی وجه الفرس و یدیه و رجلیه.

**[ترجمه]جزری در حدیثی گفته است: امت من سفید چهرگان هستند، یعنی مواضع وضو از دست و پا سفید است. این اثر وضو که در صورت و دست ها و پاها برای انسان است، استعاره از سفیدی صورت، دست ها و پاهای اسب است.

**[ترجمه]

«۵۷»

لی، الأمالی للصدوق ابْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ (۳) بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیهما السلام یَقُولُ أَوْحَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله یَا مُحَمَّدُ إِنِّی خَلَقْتُکَ وَ لَمْ تَکُ شَیْئاً وَ نَفَخْتُ فِیکَ مِنْ رُوحِی کَرَامَةً مِنِّی أَکْرَمْتُکَ بِهَا حِینَ أَوْجَبْتُ لَکَ الطَّاعَةَ عَلَی خَلْقِی جَمِیعاً فَمَنْ أَطَاعَکَ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ عَصَاکَ فَقَدْ عَصَانِی وَ أَوْجَبْتُ ذَلِکَ فِی عَلِیٍّ وَ فِی نَسْلِهِ مَنِ اخْتَصَصْتُ مِنْهُمْ لِنَفْسِی (۴).

۱- أمالی الصدوق: ۳۲۵.

۲- أمالی الصدوق: ۳۴۷.

۳- الحسن خ ل.

۴- أمالی الصدوق: ۳۶۰ فیه: حتی اوجبت لک.

**[ترجمه]امالی صدوق: ابو حمزه گفت: حضرت باقر علیه السّلام می فرمود: خداوند به حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله و سلم وحی کرد: یا محمّد! تو را آفریدم با اینکه چیزی نبودی، به واسطه گرامی داشتن تو از روح خویش در تو دمیدم و تو را به این مقام مفتخر نمودم، هنگامی که بر تمام مردم واجب کردم که از تو اطاعت کنند.

هر که از تو اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر که مخالفت با تو نماید، با من مخالفت با من کرده است. این مقام را به علی و فرزندان او که برای خود برگزیده ام نیز دادم. - . امالی صدوق: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۵۸»

لی، الأمالی للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ النَّخَعِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ سَعْدٍ الْخَفَّافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ مِنَ السِّدْرَةِ إِلَى حُجُبِ النُّورِ نَادَانِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ عَبْدِي وَ أَنَا رَبُّكَ فَلِي فَاخْضَعْ وَ إِيَّايَ فَاعْبُدْ وَ عَلَيَّ فَتَوَكَّلْ وَ بِي فَثِقْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِكَ عَبْداً وَ حَبِيباً وَ رَسُولًا وَ نَبِيّاً وَ بِأَخِيكَ عَلِيٍّ خَلِيفَةً وَ بَاباً فَهُوَ حُجَّتِي عَلَى عِبَادِي وَ إِمَامٌ لِخَلْقِي بِهِ يُعْرَفُ أَوْلِيَائِي مِنْ أَعْدَائِي وَ بِهِ يُمَيَّزُ حِزْبُ الشَّيْطَانِ مِنْ حِزْبِي وَ بِهِ يُقَامُ دِينِي وَ تُحْفَظُ حُدُودِي وَ تُنْفَذُ أَحْكَامِي وَ بِكَ وَ بِهِ وَ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ أَرْحَمُ عِبَادِي وَ إِمَائِي وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَعْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي وَ بِهِ أُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أُورِثُهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِيَ السُّفْلَى وَ كَلِمَتِيَ الْعُلْيَا وَ بِهِ أُحْيِي عِبَادِي وَ بِلَادِي بِعِلْمِي وَ لَهُ أُظْهِرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ بِمَشِيَّتِي وَ إِيَّاهُ أُظْهِرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي وَ أُمِدُّهُ بِمَلَائِكَتِي لِتُؤَيِّدَهُ عَلَى إِنْفَاذِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي وَ ذَلِكَ وَلِيِّي حَقّاً وَ مَهْدِيُّ عِبَادِي صِدْقاً (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: عبداللّه بن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: وقتی مرا به آسمان هفتم بردند و از آنجا به سدره المنتهی و از سدره تا حجب نور، خداوند به من خطاب کرد: یا محمّد! تو بنده من و من پروردگار توام. نسبت به من خضوع داشته باش و مرا بپرست و بر من توکل کن و به من اعتماد نما. من تو را به بندگی و دوستی و رسالت و نبوت برگزیدم و برادرت علی را خلیفه و درب به سوی من. او حجت من بر مردم و امام خلق است. به وسیله او دشمنان خود را از دوستان جدا می کنم و به واسطه او پیروان شیطان از خداپرستان جدا می شوند، و به او دین پایدار و حدود محفوظ و احکام اجرا می شود.

و به وسیله تو و او و ائمه از فرزندانش به بندگان و کنیزان خود رحم می کنم. و به واسطه قائم از شما خانواده، زمین را آباد به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تمجید می کنم؛ به او پاک می کنم زمین را از دشمنانم و آن را در اختیار دوستان خود می گذارم. به واسطه او سخن کافران را در پایین و سخن خود را در بالا قرار می دهم. به واسطه او بندگان و بلاد را زنده می کنم، برای او گنج ها و ذخایر را آشکار می کنم، به اراده خود او را بر اسرار و راز دل ها آگاه می کنم، به اراده خود و با ملائکه در راه اجرا و گسترش دستور خود مددش می کنم. به واقع ولی من و مهدی بندگان من است. - . امالی صدوق: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۵۹»

لی، الأمالی للصدوق ابْنُ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ (۲) عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْعَبْدِیِّ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ أَنْتَ أَخِی وَ وَارِثِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِی أَهْلِی وَ أُمَّتِی فِی حَیَاتِی وَ بَعْدَ مَمَاتِی مُحِبُّکَ مُحِبِّی وَ مُبْغِضُکَ مُبْغِضِی یَا عَلِیُّ أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّهِ یَا عَلِیُّ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِکَ سَادَهٌ فِی الدُّنْیَا وَ مُلُوکٌ فِی الْآخِرَهِ مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ أَنْکَرَنَا فَقَدْ أَنْکَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ (۳).

ص: ۱۲۸

۱- أمالی الصدوق: ۳۷۵.

۲- الاسناد و فی المصدر هکذا: حدّثنا علیّ بن عیسی القمّیّ رضی اللّه عنه قال: حدّثنی علی بن محمّد ماجیلویه قال: حدّثنی أحمد بن أبی عبد اللّه البرقی عن أبیه عن خلف بن حماد الأسدی.

۳- أمالی الصدوق: ۳۹۰.

**[ترجمه]امالی صدوق: سلیمان بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم چنین بیان کرد: یا علی! تو برادر و وارث و وصی و خلیفه منی در میان خانواده و امت من در زمان حیات و بعد از مرگم. دوستدار تو دوستدار من و دشمن تو دشمن من است. یا علی! من و تو دو پدر این امتیم. یا علی! من و تو و ائمه از فرزندانت در دنیا سرور و در آخرت فرمانرواییم. هر که ما را بشناسد خدا را شناخته و هر که منکر ما باشد، خدا را انکار کرده است. - . امالی صدوق: ۳۹۰ -

**[ترجمه]

«۶۰»

لی، الأمالی للصدوق أَبِی عَنْ سَعْدٍ (۱) عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَجَلِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَهَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ آبَائِهِ صلوات الله علیهم قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خُذُوا بِحُجْزَهِ هَذَا الْأَنْزَعِ یَعْنِی عَلِیّاً فَإِنَّهُ الصِّدِّیقُ الْأَکْبَرُ وَ هُوَ الْفَارُوقُ یُفَرِّقُ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ مَنْ أَحَبَّهُ هَدَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ مَحَقَهُ اللَّهُ وَ مِنْهُ سِبْطَا أُمَّتِی الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ هُمَا ابْنَایَ وَ مِنَ الْحُسَیْنِ أَئِمَّهُ الْهُدَی (۲) أَعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِی وَ فَهْمِی فَتَوَلَّوْهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُوا وَلِیجَهً مِنْ دُونِهِمْ فَیَحِلَّ عَلَیْکُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ مَنْ یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِ فَقَدْ هَوی وَ مَا الْحَیاهُ الدُّنْیا إِلَّا مَتاعُ الْغُرُورِ (۳)

**[ترجمه]امالی صدوق: حکم بن صلت از حضرت باقر علیه السّلام، از آباء گرام خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: دامن این انزع را رها نکنید - منظورش علی علیه السّلام بود - او صدیق اکبر و فاروق است که بین حق و باطل تمیز می دهد. هر که او را دوست بدارد خدا هدایتش کرده و هر که با او دشمنی بورزد، خدا با او دشمن است، و هر که از او تخلف ورزد، خداوند او را بی بهره نموده. از علی است دو سبط این امت، امام حسن و امام حسین؛ آن دو فرزندان منند و از نژاد حسین خواهد بود ائمه هدی که خداوند، علم و فهم مرا به آنها عنایت کرده است. ایشان را دوست بدارید، به کسی جز آنها پناه نبرید که مشمول خشم خدا می شوید و هر که خشم خدا او را فرا گیرد، از بین رفته است. زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست. - . امالی صدوق:۱۳۰ - ۱۳۱ -

**[ترجمه]

بیان

قال الجزری فیه إن الرحم أخذت بحجزه الرحمن أی اعتصمت به و التجأت إلیه مستجیره و أصل الحجزه موضع شد الإزار ثم قیل للإزار حجزه للمجاوره و احتجز الرجل بالإزار إذا شده علی وسطه فاستعان (۴) للاعتصام و الالتجاء و التمسک بالشی ء و التعلق به و منه الحدیث الآخر یا لیتنی آخذ بحجزه الله أی بسبب منه.

**[ترجمه]جزری گفته است: دامن الهی را گرفتن یعنی چنگ زدن و التجا خواستن. اصل دامن جایی است که پایین پوش را

محکم می کنند (کمر بند). دامن کسی را گرفتن یعنی برای تمسک و چنگ زدن به چیزی کور بند را گرفتن. - . به نهایه ۱ : ۲۳۶ مراجعه کنید. - در حدیث دیگری آمده: ای کاش دامان الهی را می گرفتم، یعنی به سببی نزدیکش می شدم.

**[ترجمه]

«۶۱»

فس، تفسیر القمی قَالَ رَسُولُ اللَّهِ فِی حَجَّهِ الْوَدَاعِ فِی مَسْجِدِ الْخَیْفِ إِنِّی فَرَطُکُمْ وَ إِنَّکُمْ وَارِدُونَ عَلَیَّ الْحَوْضَ حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَیْنَ بُصْرَی (۵) وَ صَنْعَاءَ فِیهِ قِدْحَانٌ مِنْ فِضَّهٍ عَدَدَ النُّجُوم أَلَا وَ إِنِّی سَائِلُکُمْ عَنِ الثَّقَلَیْنِ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الثَّقَلَیْنِ- (۶) قَالَ کِتَابُ اللَّهِ الثَّقَلُ الْأَکْبَرُ طَرَفٌ بِیَدِ اللَّهِ وَ طَرَفٌ بِأَیْدِیکُمْ فَتَمَسَّکُوا بِهِ لَنْ تَضِلُّوا وَ لَنْ تَزِلُّوا وَ عِتْرَتِی وَ أَهْلُ بَیْتِی (۷) فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِیَ اللَّطِیفُ

ص: ۱۲۹

۱- فی المصدر: ابی و محمّد بن الحسن رضی اللّه عنه قالا: حدّثنا سعد بن عبد اللّه.

۲- فی المصدر: و من الحسین أئمه هداه.

۳- أمالی الصدوق: ۱۳۰ و ۱۳۱.

۴- هکذا فی الکتاب و الصحیح کما فی النهایه: (فاستعاره) راجع النهایه ۱: ۲۳۶.

۵- بصری کحبلی: بلده بالشام.

۶- فی المصدر: و ما الثقلان؟.

۷- فی المصدر: و الثقل الأصغر عترتی و أهل بیتی.

الْخَبِيرُ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَإِصْبَعَيَّ هَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ سَبَّابَتَيْهِ وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ سَبَّابَتِهِ وَ الْوُسْطَى فَتَفْضُلُ هَذِهِ عَلَى هَذِهِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در حجه الوداع در مسجد خیف فرمود: من جلوتر از شما می روم و شما پس از آن در حوض کوثر پیش من خواهید آمد؛ حوضی که به اندازه فاصله دید چشم من و ضعفا است. در آنجا قدح هایی از نقره به تعداد ستارگان است. و من راجع به دو امانت گران از شما بازخواست خواهم نمود.

پرسیدند: دو امانت گران چیست؟ فرمود: امانت بزرگ تر کتاب خداست که از یک جانب دست خدا و از جانب دیگر دست شما است، چنگ بزنید به آن که هرگز گمراه نخواهید شد و منحرف نمی شوید. امانت دوم اهل بیت و عترت منند. خداوند به من خبر داده که آن دو از هم جدا نخواهند شد تا در حوض بر من وارد شوند چون این دو انگشت من. (هر دو انگشت سبابه را به هم نزدیک نمود.) نمی گویم مانند این دو انگشت (و به انگشت سبابه و وسطی اشاره کرد) که یکی از دیگری برتر باشد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴ - ۵ -

**[ترجمه]

بیان

هذا لا ینافی ما مر من التشبیه بالسبابه و الوسطی لأن المنظور هناک کان التشبیه فی عدم المفارقه و التشبیه بها بین الإصبعین من الید الواحده کان أنسب و المقصود هاهنا التشبیه فی عدم التفاضل و التوافق فی الفضل و التشبیه بالسبابتین هاهنا أوفق مع احتمال السقط من النساخ.

**[ترجمه]منظور این است که این دو با هم برابرند، مثل دو انگشت سبابه از دو دست، نه اینکه مانند دو انگشت سبابه و وسطی یک دست که یکی از دیگری بلندتر است.

**[ترجمه]

«۶۲»

فس، تفسیر القمی قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي خُطْبَتِهِ وَ قَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ إِنِّي وَ أَهْلَ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَخَلَّفُوا عَنْهُمْ فَتَزِلُّوا وَ لَا تُخَالِفُوهُمْ فَتَجْهَلُوا وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ هُمْ أَعْلَمُ النَّاسِ كِبَاراً وَ أَحْلَمُ النَّاسِ صِغَاراً فَاتَّبِعُوا الْحَقَّ وَ أَهْلَهُ حَيْثُ كَانَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: امیرالمؤمنین علیه السّلام در خطبه خود فرمود: کسانی که پیامبر اکرم به آنها دستور داده بود تا احادیث را حفظ کنند، می دانند که آن جناب فرمود: اهل بیت من پاکند. بر آنها سبقت نگیرید که گمراه می شوید و تخلف نورزید که منحرف می شوید و مخالفت نکنید که نادانی شما را احاطه می کند. به آنها چیزی نیاموزید، زیرا

ایشان از شما داناترند. آنها داناترین مردم در بزرگی و حلیم ترین آنها در کوچکی هستند. پیرو حق باشید، هر جا که هست. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵ - ۶ -

**[ترجمه]

بیان

المستحفظون بفتح الفاء أی الذین استودعهم الرسول الأحادیث و طلب منهم حفظها و أوصاهم بتبلیغها و فی القاموس استحفظه إیاه سأله أن یحفظه و منهم من قرأ بکسر الفاء أی الذین حفظوا الأحادیث طالبین لها و الأول أظهر.

**[ترجمه]«مستحفظون» به فتح فاء یعنی کسانی که پیامبر احدیث را نزد ایشان به امانت نهاد و از ایشان خواست که آنها را حفظ کنند و آنها را تبلیغ نمایند. در قاموس آمده: یعنی «استحفظه»، یعنی بخواهد که آنها را حفظ نماید و اگر به کسر فاء خوانده شود، یعنی کسانی که احادیث را محافظت می کنند و معنای اول ظهور بیشتری دارد.

**[ترجمه]

«۶۳»

فس، تفسیر القمی أَبِی عَنْ سُلَیْمَانَ الدَّیْلَمِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ دُعِیَ مُحَمَّدٌ (۳) فَیُکْسَی حُلَّهً وَرْدِیَّهً ثُمَّ یُقَامُ عَنْ یَمِینِ (۴) الْعَرْشِ ثُمَّ یُدْعَی بِإِبْرَاهِیمَ فَیُکْسَی حُلَّهً بَیْضَاءَ فَیُقَامُ (۵) عَنْ یَسَارِ الْعَرْشِ ثُمَّ یُدْعَی بِعَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ فَیُکْسَی حُلَّهً وَرْدِیَّهً فَیُقَامُ (۶) عَنْ یَمِینِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ یُدْعَی بِإِسْمَاعِیلَ فَیُکْسَی حُلَّهً بَیْضَاءَ فَیُقَامُ عِنْدَ یَسَارِ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام (۷) ثُمَّ یُدْعَی بِالْحَسَنِ

ص: ۱۳۰

۱- تفسیر القمّیّ: ۴ و ۵.

۲- تفسیر القمّیّ: ۵ و ۶.

۳- فی المصدر: یدعی محمد.

۴- فی المصدر المطبوع، علی مکان عن .

۵- فی المصدر المطبوع، علی مکان عن .

۶- فی المصدر المطبوع، علی مکان عن .

۷- فی المصدر: فیقام علی یمین أمیر المؤمنین علیه السلام و فی نسختی المخطوطه مثل ما فی المتن.

فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً فَيُقَامُ عَنْ (۱) يَمِينِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ثُمَّ يُدْعَى بِالْحُسَيْنِ فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً فَيُقَامُ عَنْ (۲) يَمِينِ الْحَسَنِ ثُمَّ يُدْعَى بِالْأَئِمَّةِ فَيُكْسَوْنَ حُلَلًا وَرْدِيَّةً فَيُقَامُ كُلُّ وَاحِدٍ عَنْ يَمِينِ صَاحِبِهِ ثُمَّ يُدْعَى بِالشِّيعَةِ فَيَقُومُونَ أَمَامَهُمْ ثُمَّ يُدْعَى بِفَاطِمَةَ علیها السلام وَ نِسَائِهَا مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَ شِيعَتِهَا فَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ... بِغَيْرِ حِسابٍ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ مِنْ قِبَلِ رَبِّ الْعِزَّةِ وَ الْأُفُقِ الْأَعْلَى نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ يَا مُحَمَّدُ وَ هُوَ إِبْرَاهِيمُ وَ نِعْمَ الْأَخُ أَخُوكَ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ نِعْمَ السِّبْطَانِ سِبْطَاكَ وَ هُمَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ نِعْمَ الْجَنِينُ جَنِينُكَ وَ هُوَ مُحَسِّنٌ وَ نِعْمَ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ ذُرِّيَّتُكَ وَ هُمْ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ نِعْمَ الشِّيعَةُ شِيعَتُكَ أَلَا إِنَّ مُحَمَّداً وَ وَصِيَّهُ وَ سِبْطَيْهِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۳) ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فازَ (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: روز قیامت که می شود، پیامبر اکرم را می خواهند، حله ای گلرنگ بر پیکر او می پوشانند و در طرف راست عرش می ایستد. سپس ابراهیم خلیل را می خواهند، او را حله ای سفید می پوشانند و در طرف چپ عرش می ایستد. بعد علی بن ابی طالب را می خواهند، حله ای گلرنگ نیز بر پیکر او می پوشانند و در طرف راست پیامبر می ایستد.

آنگاه حضرت اسماعیل را می خواهند، حله ای سفید بر تن او می پوشانند و در طرف چپ ابراهیم می ایستد. بعد حضرت امام حسن را می خواهند و حله ای گلرنگ به او می دهند و در طرف راست امیرالمؤمنین می ایستد. بعد حضرت امام حسین را می خواهند و حله ای گلرنگ بر او می پوشانند و طرف راست حضرت امام حسن می ایستد. بعد یک یک از امامان علیهم السّلام را می خوانند و هر کدام حله ای گلرنگ می پوشند و در طرف راست دیگری می ایستد. بعد شیعیان را می خوانند و آنها در جلوی امامان می ایستند. آنگاه فاطمه زهرا علیها السّلام و زنان از نژاد آن سرور و ارادتمندانش را می خوانند، اینان بدون حساب داخل بهشت می شوند.

آنگاه یک منادی از طرف پروردگار، از دل عرش و افق اعلی فریاد می زند: خوب پدری داشتی ای محمّد که ابراهیم است و خوب برادری داری که علی است و خوب فرزندانی داری که حسن و حسین هستند و خوب بچه ای در نهاد مادر داشتی که محسن است و خوب پیشوایانی راهنما و رهبرند از نژاد تو که فلان و فلان نام دارند و خوبند شیعیانت. ای مردم! متوجه باشید که محمّد و وصی و دو فرزندش رستگارند. سپس دستور صادر می شود که به جانب بهشت رهسپار شوند. این آیه اشاره به همان است: «فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فازَ» - . آل عمران / ۱۸۵ - {پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند، قطعا کامیاب شده است.} - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۱۶ - ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۶۴»

ك، إكمال الدين مع، معاني الأخبار ل، الخصال الْحَسَنُ (۵) بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْدَانَ الْقُشَيْرِيِّ عَنِ الْمُغِيرَةِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُهَلَّبِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَاوُدَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ مَرْزُوقٍ عَنْ عَطِيَّةَ الْعَوْفِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى

الْأَرْضِ (۶) وَ عِتْرَتِی أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَقُلْتُ لِأَبِی سَعِیدٍ مَنْ عِتْرَتُهُ قَالَ أَهْلُ بَیْتِهِ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین و معانی الاخبار و خصال: عطیه عوفی از ابو سعید خدری نقل کرد که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز می گذارم که یکی از دیگری طولانی تر است؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. من به ابو سعید گفتم: عترت آن جناب کیانند؟ گفت: اهل بیت آن جناب. - . کمال الدین: ۱۳۷ ، معانی الاخبار: ۳۲ ، خصال: ۱ - ۳۴ -

**[ترجمه]

«۶۵»

ک، إکمال الدین مع، معانی الأخبار ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام عَلِیُّ بْنُ الْفَضْلِ الْبَغْدَادِیُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عُمَرَ (۸) صَاحِبَ

ص: ۱۳۱

۱- فی المصدر المطبوع: علی مکان عن .

۲- فی المصدر المطبوع: علی مکان عن .

۳- فی المصدر: و وصیه و سبطیه و الأئمّه من ذریته هم الفائزون.

۴- تفسیر القمّیّ: ۱۱۶ و ۱۱۷ و الآیه فی سوره آل عمران: ۱۸۵.

۵- فی نسخه: الحسین.

۶- زاد فی الاکمال: (طرف بید اللّه) و فی المعانی: طرف بید اللّه و طرف بیدی.

۷- اکمال الدین: ۱۳۷، معانی الأخبار: ۳۲، الخصال: ۱- ۳۴.

۸- فی الاکمال و المعانی: (ابا عمرو) صاحب ابی العباس تغلب یقول: سمعت أبا العباس تغلب یسأل أقول: الصحیح: (ابا عمر) و الرجل هو محمّد بن عبد الواحد الباوردی غلام ثعلب کما ان الصحیح: ثعلب بالمثلثه، و هو أبو العباس أحمد بن یحیی بن زید النحوی و الشیبانی.

أَبِی الْعَبَّاسِ تَغْلِبَ یُسْأَلُ- عَنْ مَعْنَی قَوْلِهِ إِنِّی تَارِکٌ فِیکَمُ الثَّقَلَیْنِ لِمَ سُمِّیَا بِثَقَلَیْنِ قَالَ لِأَنَّ التَّمَسُّکَ بِهِمَا ثَقِیلٌ (۱).

**[ترجمه]کمال الـدین و معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا: علی بن فضل بغدادی گفت: شـنیدم که ابو عمر دوست ابو عباس تغلب، از معنـای ثقلین سـوال می کرد که چرا آن را ثقلین می گوینـد؟ امـام پاسـخ داد: چون دستیـابی به آن سـخت است. - . کمال الدین: ۱۳۷ ، معانی الاخبار: ۳۲ ، عیون اخبار الرضا: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۶۶»

ک، إکمال الـدین مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِیُّ (۲) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُوسَی عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ رَفِیعٍ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی قَدْ خَلَّفْتُ فِیکُمْ شَیْئَیْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَبَداً مَا أَخَذْتُمْ بِهِمَا وَ عَمِلْتُمْ بِمَا فِیهِمَا کِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِی (۳) فَإِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۴).

**[ترجمه]کمال الـدین: ابو هریره گفت: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: در میان شـما دو جانشـین می گذارم که اگر آنهـا را بگیریـد و به آنچه در آنهاست عمل کنیـد، بعـد از من هرگز گمراه نمی شویـد؛ کتاب خـدا و سـنت - . این عبارت از تحریفات ابو هریره دروغگو و واضع حـدیث است. در اخبار فراوانی آمـده: «عترت من.» حدیث ثقلین از اخبار متواتر است که هیـچ تردیـدی در آن نیست. - من. آن دو از هم جـدا نمی شونـد تا آنکه در حوض کوثر بر من وارد شونـد. - . کمال الدین: ۱۳۶ -

**[ترجمه]

«۶۷»

مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ (۵) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبَّادٍ عَنْ سُوَیْدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ صَالِحٍ (۶) عَنْ زَکَرِیَّا عَنْ عَطِیَّهَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا کِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَبَلٌ مَمْدُودٌ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: ابو سعید گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آنها چنگ بزنید گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا که ریسـمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۶ -

**[ترجمه]

«۶۸»

ك، إكمال الدين الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ

۱- اكمال الدين: ۱۳۷ معانى الأخبار: ۳۲: عيون الأخبار: ۳۴ فيهما: بالثقلين و فى الاكمال: الثقلين.

۲- فى المصدر: محمّد بن عمرو البغداديّ عن محمّد بن الحسين بن جعفر الخثعميّ و محمّد بن عمرو لعله الجبّائيّ.

۳- هذا من تحريفات ابى هريره المدلس الوضاع، و قد عرفت من اخبار كثيره انه قال: (و عترتى) و خبر الثقلين من الاخبار المتواتره التى لا يشك فيها.

۴- اكمال الدين: ۱۳۶.

۵- فى المصدر: محمّد بن عمرو الحافظ.

۶- فى المصدر المطبوع: عمرو بن مصالح.

۷- اكمال الدين: ۱۳۶.

بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ (۱) عَنْ عَلِيِّ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ (۲) عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي امْرُؤٌ مَقْبُوضٌ وَ أَوْشَكَ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبَ وَ قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَفْضَلُ (۳) مِنَ الْآخَرِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا (۴) لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: علی علیه السّلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: من شخصی میرا هستم و ممکن است دعوت شوم و باید پاسخ دهم. من میان شما دو چیز گرانبها که یکی بر دیگری فضیلت دارد می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۶ - ۱۳۷ -

**[ترجمه]

«۶۹»

ك، إكمال الدين الْقَطَّانُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَوْنٍ عَنْ خَالِدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الضُّحَى (۶) عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین: زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۶ -

**[ترجمه]

«۷۰»

ك، إكمال الدين الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْحِمْيَرِيِّ بِالْكُوفَةِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمَغْرِبِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ علیهم السلام قَالَ: أَتَيْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ أَخْبِرْنَا عَنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَذَكَرَ حَدِيثاً طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ (۸) ثَلَاثاً.

**[ترجمه]کمال الدین: امام صادق از پدرش علیهم السّلام نقل کرد که جابر بن عبدالله را دیدم و به او گفتم: از حجه الوداع به ما خبر بده. وی حدیثی طولانی را نقل کرد و در ادامه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آنها چنگ بزنید گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. سپس فرمود: خدایا تو شاهد باش! - . کمال الدین: ۱۳۷ -

و این جمله را سه بار تکرار فرمود.

**[ترجمه]

ک، إکمال الدین اَلْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقُشَیْرِیِ

ص: ۱۳۳

۱- فی المصدر: عن اخیه: الحسن بن حمید.

۲- فی نسخه من الکتاب و مصدره: سواد بن هوی بن سلیمان و الصحیح ما فی المتن.

۳- أکبر: خ ل.

۴- و انهما: خ ل.

۵- اکمال الدین: ۱۳۶ و ۱۳۷.

۶- کنیه لمسلم بن صبیح الهمدانیّ.

۷- اکمال الدین: ۱۳۶.

۸- اکمال الدین: ۱۳۷.

عَنِ الْمُغِيرَهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ (۱) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (۲) عَنْ أَبِی الضُّحَی عَنْ زَیْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی فَإِنَّهُمَا (۳) لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین: زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آنها چنگ بزنید گمراه نمی شوید؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۷ -

**[ترجمه]

«۷۲»

ک، إکمال الدین مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَرِیفٍ (۵) عَنِ ابْنِ فُضَیْلٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطِیَّهَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنْ حَبِیبِ بْنِ أَبِی ثَابِتٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَأَنِّی قَدْ دُعِیتُ فَأَجَبْتُ وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ أَحَدُهُمَا أَعْظَمُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَزَالا جَمِیعاً حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا (۶).

**[ترجمه]کمال الدین: زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چنین است که دعوت شده ام و باید پاسخ گویم. من میان شما دو چیز می گذارم که یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. نگاه کنید درباره آنها چه می کنند. - . کمال الدین: ۱۳۸ -

**[ترجمه]

«۷۳»

ک، إکمال الدین مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَیْنِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ یَعْقُوبَ

۱- هکذا فی الکتاب و مصدره. و لعلّ الصحیح: (جریر) بالجیم و الراء و هو جریر بن عبد الحمید بن قرط الضبی الکوفیّ نزیل الری و قاضیها، یروی عن الحسن بن عبید اللّه.

۲- هکذا فی الکتاب و فی المصدر: الحسن بن عبید اللّه و هو الصحیح، و هو الحسن ابن عبید اللّه بن عروه النخعیّ أبو عروه الکوفیّ، یروی عن جماعه منهم أبو الضحی، و یروی عنه جماعه منهم جریر بن عبد الحمید.

۳- و الحدیث یوجد فی المستدرک ۳: ۱۴۸ رواه عن أبی بکر محمّد بن الحسین بن مصلح الفقیه بالری عن محمّد بن أیّوب

عن یحیی بن المغیره السعدی عن جریر بن عبد الحمید عن الحسن بن عبد اللّه النخعیّ عن مسلم بن صبیح عن زید بن أرقم قال: قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله: إنی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و أهل بیتی و انهما لن یتفرقا، اه أقول: فیه وهم من النسّاخ و الصحیح کما عرفت: الحسن بن عبید اللّه، و مسلم بن صبیح هو أبو الضحی.

۴- اکمال الدین: ۱۳۷.

۵- فی نسخه الکمبانیّ: ظریف بالظاء المعجمه و هو وهم، و الرجل محمّد بن طریف بن خلیفه البجلیّ أبو جعفر الکوفیّ یروی عن محمّد بن الفضیل بن غزوان الضبی ابی عبد الرحمن الکوفیّ.

۶- اکمال الدین: ۱۳۸ فیه، انی تارک و فیه فانهما.

عَنْ أَبِی مَالِکٍ عَمْرِو بْنِ هَاشِمٍ الْجُبِّیِّ (۱) عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ عَنْ عَطِیَّهَ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا سَعِیدٍ یَرْفَعُ ذَلِکَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا مِنْ بَعْدِی الثَّقَلَیْنِ وَ أَحَدُهُمَا (۲) الْأَکْبَرُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! آنچه میان شما می گذارم ثقلین است که یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم اهل بیتم. آگاه باشید این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۸ -

**[ترجمه]

«۷۴»

ک، إکمال الدین جَعْفَرُ بْنُ نُعَیْمٍ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ مُوسَی عَنْ إِسْرَائِیلَ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنْ حُبَیْشِ (۴) بْنِ الْمُعْتَمِرِ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا ذَرٍّ الْغِفَارِیَّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ آخِذاً بِحَلْقَهِ بَابِ الْکَعْبَهِ وَ هُوَ یَقُولُ أَلَا مَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنِی فَأَنَا أَبُو ذَرٍّ جُنْدَبُ بْنُ السَّکَنِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنِّی خَلَّفْتُ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ أَلَا وَ إِنَّ مَثَلَهُمَا فِیکُمْ کَسَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَ فِیهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: حبیش بن معتمر گفت: ابوذر غفاری را دیدم در حالی که حلقه در خانه خدا را گرفته بود، می گفت: هر که مرا می شناسد که می شناسد و کسی که مرا نمی شناسد، بداند که من ابوذر جندب بن سکن هستم. من از پیامبر اکرم شنیدم که فرمود: در میان شما دو چیز گران جانشین می کنم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. آگاه باشید که مثل اهل بیت من در میان شما چون کشتی نوح است؛ هر که سوار آن شد نجات یافت و هر که تخلف نمود، غرق شد. - . کمال الدین: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۷۵»

ک، إکمال الدین مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِیُّ عَنِ ابْنِ قُتَیْبَهَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَی عَنْ شَرِیکٍ عَنِ الرُّکَیْنِ بْنِ الرَّبِیعِ (۶) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ زَیْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ خَلِیفَتَیْنِ (۷) کِتَابَ

۱- فی المصدر: الحری (الحبی خ ل) و فی کلها تصحیف، و الصحیح، الجنبی بفتح الجیم فسکون النون ثمّ الباء نسبه إلی جنب قبیله من الیمن، و الرجل هو أبو مالک عمرو بن هاشم الجنبی الکوفیّ ترجمه ابن حجر فی التقریب و تهذیب التهذیب.

۲- فی المصدر: انی تارک و فیه: لن تضلوا بعدی و فیه: احدهما أکبر.

۳- اکمال الدین: ۱۳۸.

۴- قد عرفت سابقا ان صحیحه: حنش بن المعتمر.

۵- اکمال الدین: ۱۳۹.

۶- فی نسخه من الکتاب و مصدره (زکریا) و کلاهما مصحفان و الصحیح: رکین راجع ما ذکرنا سابقا.

۷- الثقلین خ ل.

اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی فَإِنَّهُمَا (۱) لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۲).

**[ترجمه]کمال الدین: زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در میان شما دو جانشین می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۷۶»

ک، إکمال الدین ابْنُ عُبْدُوسٍ عَنِ ابْنِ قُتَیْبَهَ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ عِیسَی بْنِ یُونُسَ عَنْ زَکَرِیَّا بْنِ أَبِی زَائِدَهَ عَنْ عَطِیَّهَ الْعَوْفِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ أَحَدُهُمَا أَکْبَرُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۳).

**[ترجمه]کمال الدین: ابو سعید خدری گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم که یکی از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم اهل بیتم. آگاه باشید که این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۷۷»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنِ ابْنِ قُتَیْبَهَ عَنِ الْفَضْلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ حَرِیزٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (۴) عَنْ أَبِی الضُّحَی عَنْ زَیْدِ بْنِ أَرْقَمَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ کِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۵).

**[ترجمه]کمال الدین: زید بن ارقم نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من میان شما کتاب خدا و اهل بیتم را می گذارم. این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۷۸»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ الَّتِی وَعَدَنِی رَبِّی جَنَّهَ عَدْنٍ مَنْزِلِی قَضِیبٌ مِنْ قُضْبَانِهَا غَرَسَهُ رَبِّی بِیَدِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ کُنْ فَکَانَ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیّاً مِنْ بَعْدِی وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ ذُرِّیَّتِی أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِی وَ عِلْمِی وَ ایْمُ اللَّهِ لَیَقْتُلُنَّ ابْنِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی (۶).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: امام باقر علیه السّـلام فرمود: رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنـده باشـد و به مرگ من بمیرد و داخـل بهشت عـدنی که خـدایم وعـده داده بشود و شـاخه ای که خـدا درخت آن را به دست خویش غرس نموده بگیرد، خداونـد فرمود: بـاش! پس علی را بعـد از من و اوصـیا از فرزنـدان مرا که فهم و علم نصـیب ایشان شـده است، دوست بـدارد. وای بر کسانی که فرزنـد مرا بکشـند! خداونـد آنها را از شـفاعت من محروم کنـد. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۷۹»

یر، بصائر الـدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَـی عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْحَذَّاءِ (۷) عَنْ سَـعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ

ص: ۱۳۶

۱- و انهما خ ل.

۲- اکمال الدین: ۱۳۹.

۳- اکمال الدین: ۱۳۹ فیه: فانهما.

۴- ذکرنا آنفا أن الصحیح: جریر عن الحسن بن عبید اللّه و هو جریر بن عبد الحمید ابن قرط الضبی عن الحسن بن عبید اللّه بن عروه النخعیّ.

۵- اکمال الدین: ۱۳۹. فیه: کتاب اللّه و عترتی أهل بیتی فانهما.

۶- بصائر الدرجات: ۱۵.

۷- لعل الصحیح: ابو عبیده الحذاء.

يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي (۱) وَ يَدْخُلَ جَنَّهَ عَدْنٍ قَضِيبٌ مِنْ قُضْبَانِهَا غَرَسَهُ رَبِّي بِيَدِهِ فَقَالَ لَهُ كُنْ فَكَانَ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيّاً عليه السلام وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ لْيُسَلِّمْ لِفَضْلِهِمْ فَإِنَّهُمُ الْهُدَاهُ الْمَرْضِيُّونَ أَعْطَاهُمْ فَهْمِي وَ عِلْمِي وَ هُمْ عِتْرَتِي مِنْ دَمِي وَ لَحْمِي أَشْكُو إِلَى اللَّهِ عَدُوَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي الْمُنْكِرِينَ لِفَضْلِهِمُ الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي وَ اللَّهِ لَيَقْتُلُنَّ ابْنِي وَ لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدنی که خدایم وعده داده بشود و شاخه ای که خدا درخت آن را به دست خویش غرس نموده بگیرد، (ایضا) خداوند فرمود: باش! پس علی را بعد از من و اوصیا از فرزندان مرا دوست بدارد و به خاطر فضایلشان تسلیمشان شود، زیرا ایشان هدایت شدگان و مورد رضایت خدا هستند. خدا به ایشان فهم و علم مرا داده است و آنها عترت من و از خون و گوشت منند. به خدا شکایت می برم از دشمنان آنها در امتم و منکران فضایلشان و کسانی که رابطه مرا با ایشان قطع کرده اند. به خدا قسم کسانی که فرزند مرا بکشند، خداوند آنها را از شفاعت من محروم کند. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۸۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ جَنَّهَ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّي قَضِيبٌ مِنْ قُضْبَانِهَا غَرَسَهُ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَكَانَ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام وَ الْأَوْصِيَاءَ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ ذُرِّيَّتِي (۳) فَإِنَّهُمْ لَنْ يُدْخِلُوكُمْ فِي بَابِ ضَلَالٍ وَ لَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ بَابِ هُدًى وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمر بن علی بن ابوطالب گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدنی که خدایم وعده داده بشود و شاخه ای که خدا درخت آن را به دست خویش غرس نموده بگیرد، (ایضا) خداوند فرمود: باش! پس علی را بعد از من و اوصیا از فرزندان مرا دوست بدارد، زیرا ایشان هرگز در باب گمراهی وارد نمی شوند و نیز از باب هدایت بیرون نمی روند. کسی به ایشان نمی آموزد چون عالم تراز شمایند. - . بصائر الدرجات: ۱۶ -

**[ترجمه]

«۸۱»

یر، بصائر الدرجات يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَهَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مهزب مِهْزَمٍ الْأَسَدِيِّ (۵) عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي الْهُدَاهُ بَعْدِي أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِي وَ عِلْمِي وَ خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي

فَوَیْلٌ لِلْمُنْکِرِینَ حَقَّهُمْ مِنْ بَعْدِیَ الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ صِلَتِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: اهل بیت من هادیان بعد منند. خداوند فهم و علم مرا به ایشان عطا کرده است و ایشان را از سرشت من آفریده است. وای بر منکرین حق ایشان بعد من و کسانی که رابطه با آنها را قطع کنند! شفاعت من به ایشان نمی رسد. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۸۲»

یر، بصائر الدرجات الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ حَرِیزٍ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللّٰه علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَدْخُلَ جَنَّهَ رَبِّی جَنَّهَ عَدْنٍ مَنْزِلِی قَضِیبٌ مِنْ قُضْبَانِهَا غَرَسَهَا اللَّهُ رَبِّی بِیَدِهِ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیّاً وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ أَئِمَّهُ الْهُدَی أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْماً وَ عِلْماً فَهُمْ عِتْرَتِی

ص: ۱۳۷

۱- مماتی خ ل.

۲- بصائر الدرجات: ۱۵: فیه، و لا ینالهم اللّه شفاعتی.

۳- فی المصدر: و الأوصیاء من ذرّیتی.

۴- بصائر الدرجات: ۱۶.

۵- الصحیح کما فی المصدر: إبراهیم بن مهزم الأسدی.

۶- بصائر الدرجات: ۱۵.

مِنْ لَحْمِی وَ دَمِی إِلَی اللَّهِ أَشْکُو مَنْ عَادَاهُمْ مِنْ أَمَّتِی وَ اللَّهِ لَیَقْتُلُنَّ ابْنِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدنی که خدایم وعده داده بشود و شاخه ای که خدا درخت آن را به دست خویش غرس نموده بگیرد، پس علی را بعد از من و امامان بعدش را مرا دوست بدارد. ایشان ائمه هدایت هستند، خدا به ایشان فهم و علم مرا داده است و آنها عترت من و از خون و گوشت منند. به خدا شکایت می برم از دشمنان آنها در امتم. به خدا قسم کسانی که فرزند مرا بکشند، خداوند آنها را از شفاعت من محروم کند. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۸۳»

یر، بصائر الدرجات إِبْرَاهِیمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَرَادَ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مَمَاتِی وَ یَدْخُلَ جَنَّهَ رَبِّی جَنَّهَ عَدْنٍ غَرَسَهَا (۲) بِیَدِهِ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیّاً وَ لْیَتَوَلَّ وَلِیَّهُ وَ لْیُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لْیَأْتَمَّ بِالْأَوْصِیَاءِ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ عِتْرَتِی مِنْ لَحْمِی وَ دَمِی أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِی وَ عِلْمِی إِلَی اللَّهِ أَشْکُو مِنْ أُمَّتِیَ الْمُنْکِرِینَ لِفَضَائِلِهِمُ الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ صِلَتِی وَ ایْمُ اللَّهِ لَیَقْتُلُنَّ ابْنِی لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که می خواهد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدن پروردگارم شود، بهشتی که خدا غرس نموده، - . مراد غرس شاخه ای از آن است که در روایات گذشته آمد و می آید. - پس علی را و دوستان او دوست بدارد و دشمنانش را دشمن بدارد و اوصیای بعدش را امام بداند، زیرا ایشان عترت منند و از گوشت و خون من و خدا به ایشان فهم و علم مرا داده است. به خدا شکایت می برم از دشمنان آنها در امتم و منکران فضایلشان و کسانی که رابطه مرا با ایشان قطع کرده اند. به خدا قسم کسانی که فرزند مرا بکشند، خداوند آنها را از شفاعت من محروم کند. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۸۴»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ الْقَاهِرِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مِیتَتِی (۴) وَ یَدْخُلَ جَنَّهَ عَدْنٍ قَضِیبٌ غَرَسَهُ رَبِّی فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ أَوْصِیَاءَهُ مِنْ بَعْدِی فَإِنَّهُمْ لَا یُدْخِلُونَکُمْ فِی بَابِ ضَلَالٍ وَ لَا یُخْرِجُونَکُمْ مِنْ بَابِ هُدًی وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْکُمْ وَ إِنِّی سَأَلْتُ رَبِّی أَنْ لَا یُفَرِّقَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْکِتَابِ حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ مَعِی هَکَذَا وَ ضَمَّ بَیْنَ إِصْبَعَیْهِ وَ عَرْضُهُ مَا بَیْنَ صَنْعَاءَ إِلَی أَبِّ (۵) فِیهِ قِدْحَانُ فِضَّهٍ وَ ذَهَبٍ عَدَدَ النُّجُومِ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خوشحال می شود که به

زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و داخل بهشت عدنی شود که شاخه آن را پروردگارم غرس نموده، پس بعد از من علی را و اوصیای او را دوست بدارد، زیرا ایشان هرگز در باب گمراهی وارد نمی شوند و نیز از باب هدایت بیرون نمی روند. کسی به ایشان نمی آموزد، چون عالم تراز شمایند. از خدایم خواسته ام که بین ایشان و کتاب جدایی نشود تا آنکه سر حوض با من وارد شوند. همچنین حضرت دو انگشتش را به هم چسبانید ...... در آن جام های طلا و نقره به تعداد ستارگان بود. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی الأبّ عین بالیمن و بالکسر قریه بالیمن.

أقول: قد أوردنا بعض أسانید تلک الأخبار فی باب نص الرسول علیه و علیهم السلام و بعضها فی باب إخبار الرسول بشهاده الحسین.

ص: ۱۳۸

۱- بصائر الدرجات: ۱۵.

۲- لعل المراد من غرسها غرس قضیب منها کما تقدم فی الروایات و یأتی.

۳- بصائر الدرجات: ۱۵.

۴- مماتی خ ل.

۵- فی المصدر: إلی ابله.

۶- بصائر الدرجات: ۱۵.

**[ترجمه]فیروزآبادی گفته «أب» چشمه ای در یمن است و با کسره روستایی در آنجاست.

مؤلف: ما بعضی از این اخبار را در «باب نص رسول صلی الله علیه و آله» و بعضی از آنها را در «باب خبر دادن پیامبر بر شهادت امام حسین علی السّلام» آورده ایم.

**[ترجمه]

«۸۵»

وَ رَوَى ابْنُ بِطْرِيقٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْمُسْتَدْرَكِ مِنْ كِتَابِ حِلْيَةِ الْأَوْلِيَاءِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ الَّتِي غَرَسَهَا اللَّهُ فَلْيُوَالِ عَلِيّاً مِنْ بَعْدِي وَ لْيُوَالِ وَلِيَّهُ وَ لْيَقْتَدِ بِالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِي فَإِنَّهُمْ عِتْرَتِي خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي رُزِقُوا فَهْماً وَ عِلْماً وَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِيَ الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي لَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي (۱).

**[ترجمه]مستدرک: ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خوشحال می شود به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و ساکن بهشت عدنی شود که آن را پروردگارم غرس نموده، پس بعد از من علی را و دوستان او را دوست بدارد و به ائمه بعد از من اقتدا کند، زیرا ایشان عترت منند که از سرشت من خلق شده اند و فهم و علم روزیشان شده است. وای بر تکذیب کنندگان فضایلشان از امت من و قطع کنندگان رابطه من! خداوند شفاعت مرا به ایشان نمی رساند. - . مستدرک، نسخه خطی که نسخ آن نزد من نیست. حدیث در حلیه الاولیا ۱ : ۸۶ موجود است. -

**[ترجمه]

«۸۶»

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَنِي رَبِّيَ الَّتِي غَرَسَ قُضْبَانَهَا بِيَدِهِ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام فَإِنَّهُ لَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُدْخِلَكُمْ فِي ضَلَالَةٍ (۲).

**[ترجمه]مستدرک: زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و ساکن بهشت عدنی شود که شاخه های آن را پروردگارم غرس نموده، پس علی بن ابوطالب علیه السّلام را دوست بدارد، زیرا او هرگز شما را از هدایت خارج نمی کند و نیز در گمراهی وارد نمی کند. - . مستدرک، نسخه خطی -

**[ترجمه]

«۸۷»

وَ مِنْ كِتَابِ الْفِرْدَوْسِ بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ كِفَّتَاهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خُيُوطُهُ وَ فَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي عَمُودُهُ يُوزَنُ (٣) فِيهِ أَعْمَالُ الْمُحِبِّينَ لَنَا وَ الْمُبْغِضِينَ لَنَا (۴).

ص: ١٣٩

١- المستدرك مخطوط ليست نسخته عندى، و الحديث يوجد فى حليه الأولياء ١: ٨۶ رواه ابن نعيم بإسناده عن محمّد بن المظفر عن محمّد بن جعفر بن عبد الرحيم عن أحمد بن محمّد بن يزيد بن سليم عن عبد الرحمن بن عمران بن أبى ليلى أخو محمّد بن عمران عن يعقوب ابن موسى الهاشمى عن ابن أبى رواد عن إسماعيل بن أميّه عن عكرمه عن ابن عبّاس و فيه: و يسكن جنه عدن غرسها ربى فليوال و فيه: و ويل.

٢- المستدرك: مخطوط. و لم نجد عاجلا الحديث فى حليه الأولياء فى مناقب علىّ عليه السلام و لعله فى موضع آخر منه أو رواه من كتاب فضائله، نعم يوجد فى المجلد الأول فى ص ٨۶ حديثا نحوه و هو ما رواه عن فهد بن إبراهيم بن فهد عن محمّد بن زكريا الغلابى عن بشر بن مهران عن شريك عن الأعمش عن زيد بن وهب عن حذيفه قال، قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله: من سره أن يحيى حياتى و يموت ميتتى و يتمسك بالقصبه الياقوته التى خلقها اللّه بيده ثمّ قال لها: كونى، فكانت فليتول علىّ بن أبى طالب من بعدى رواه شريك أيضا عن الأعمش عن حبيب بن أبى ثابت عن أبى الطفيل عن زيد بن أرقم و رواه السدى عن زيد بن أرقم و رواه ابن عبّاس.

٣- فى النسخه المخطوطه: توزن.

۴- المستدرك: مخطوط.

**[ترجمه]مستدرک: ابن عباس گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من ترازوی علمم و علی دو کفه آن و حسن و حسین بندهای ترازو و فاطمه قسمت اتصال دو کفه است و ائمه بعد من عمود آن هستند. اعمال دوستداران و دشمنان ما در آن سنجیده می شود. - . مستدرک، نسخه خطی -

**[ترجمه]

«۸۸»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ ذَرِیحِ بْنِ (۱) یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِنِّی قَدْ تَرَکْتُ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلَ بَیْتِی فَنَحْنُ أَهْلُ بَیْتِهِ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در میان شما دو چیز گران گذاشتم؛ کتاب خدا و اهل بیتم. [امام علیه السّلام فرمود:] ما اهل بیت اوییم. - . بصائر الدرجات: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

«۸۹»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَیْبٍ عَنِ الْقَلَانِسِیِّ (۳) عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ الثَّقَلَ الْأَکْبَرَ وَ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَبَدَّلُوا (۴) وَ إِنِّی سَأَلْتُ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَنْ لَا یَتَفَرَّقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَأُعْطِیتُ ذَلِکَ قَالُوا وَ مَا الثَّقَلُ الْأَکْبَرُ وَ مَا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ قَالَ الثَّقَلُ الْأَکْبَرُ کِتَابُ اللَّهِ سَبَبٌ طَرَفُهُ بِیَدِ اللَّهِ وَ سَبَبٌ طَرَفُهُ بِأَیْدِیکُمْ وَ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ عِتْرَتِی وَ أَهْلُ بَیْتِی (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: جابر بن عبدالله انصاری گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! من در بین شما ثقلین را نهادم؛ ثقل اکبر و ثقل اصغر. اگر به آن تمسک کنید گمراه و خوار نمی شوید. من از خدای لطیف و خبیر خواسته ام که جداییشان نیافتد تا بر سر حوض بر من وارد شوند و آن به من ارزانی شده است. گفتند: ثقل اکبر و اصغر چیست؟ فرمود: ثقل اکبر کتاب خداست که یک طرف آن دست او و طرف دیگرش دست شماست و ثقل اصغر عترت من و اهل بیت منند. - . بصائر الدرجات: ۱۲۲ - ۱۲۳ -

**[ترجمه]

«۹۰»

یر، بصائر الدرجات إِبْرَاهِیمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ أَبِی عِمْرَانَ عَنْ یُونُسَ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ سَعْدٍ الْإِسْکَافِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ فَتَمَسَّکُوا بِهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لَا یَزَالُ کِتَابُ اللَّهِ وَ الدَّلِیلُ مِنَّا یَدُلُّ عَلَیْهِ (۶) حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سعد اسکاف گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره این فرمایش پیامبر اکرم پرسیدم: «انی تارک فیکم الثقلین فتمسکوا بهما فإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.» آن جناب فرمود: پیوسته کتاب خدا و رهبری از ما خانواده احکام و دستورات قرآن را راهنمایی می کنند تا در حوض بر آن جناب وارد شوند. - . بصائر الدرجات: ۱۲۳ -

**[ترجمه]

«۹۱»

یر، بصائر الدرجات عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أُدَيْمٍ (۸) عَنْ شَرِيكٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

ص: ۱۴۰

۱- هو ذریح بن محمّد بن یزید المحاربی.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲۲.

۳- هو خالد بن ماد.

۴- فی نسخه: و لا تتبدلوا تذلوا.

۵- بصائر الدرجات: ۱۲۲ و ۱۲۳.

۶- أی علی کتاب اللّه و احکامه.

۷- بصائر الدرجات: ۱۲۳.

۸- لعل الصحیح: یحیی بن آدم، و هو یحیی بن آدم بن سلیمان الکوفیّ أبو زکریا مولی بنی أمیّه المتوفّی سنه ۲۰۳ الراوی عن شریک.

أَصْحَابَهُ بِمِنًى فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِى أَهْلَ بَيْتِى فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى تَارِكٌ فِيكُمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِى وَ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام أَمَّا كِتَابَ اللَّهِ فَحَرَّفُوا وَ أَمَّا الْكَعْبَةَ فَهَدَمُوا وَ أَمَّا الْعِتْرَةَ فَقَتَلُوا وَ كُلَّ وَدَائِعِ اللَّهِ فَقَدْ تَبَّرُوا (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: شريك از جابر نقل كرد كه حضرت باقر عليه السّلام فرمود: پيامبر اكرم اصحاب خود را در منى پيش خواند و فرمود: مردم! من ميان شما دو چيز گران مى گذارم كه تا وقتى به آن دو تمسک جوييد، گمراه نمى شويد؛ كتاب خدا و عترت و اهل بيتم. آن دو از يكديگر جدا نمى شوند تا در حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود: مردم! من ميان شما چيزهاى محترم در نزد خدا مى گذارم؛ كتاب خدا و عترت و كعبه كه بيت الحرام است.

حضرت باقر عليه السّلام فرمود: كتاب خدا را تغيير دادند و كعبه را منهدم نمودند و عترت را كشتند و تمام ودايع خدا را درهم شكسته و از بين برده اند. - . بصائر الدرجات: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

بيان

تبره تتبيرا أى كسر و أهلكه.

**[ترجمه]تبره تتبيرا أى كسر و أهلكه.

**[ترجمه]

«۹۲»

شى، تفسير العياشى عَنْ أَبِى جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ انْصَرَفَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى قَدْ نَبَّأَنِيَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ لَنْ يُعَمَّرَ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا نِصْفَ عُمُرِ الَّذِى يَلِيهِ مِمَّنْ قَبْلَهُ وَ إِنِّى لَأَظُنُّنِى أَوْشَكَ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبَ وَ إِنِّى مَسْئُولٌ وَ إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ فَهَلْ بَلَّغْتُكُمْ فَمَا ذَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ قَالُوا نَشْهَدُ بِأَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ جَاهَدْتَ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا خَيْراً قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ أَ لَمْ تَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ قَالُوا نَعَمْ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مَوْلَايَ وَ أَنَا أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى فَرَطُكُمْ وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ وَ حَوْضِى عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بُصْرَى وَ صَنْعَاءَ (۲) فِيهِ عَدَدَ النُّجُومِ قِدْحَانٌ مِنْ فِضَّةٍ أَلَا وَ إِنِّى سَائِلُكُمْ حِينَ تَرِدُونَ عَلَيَّ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِّى فِيهِمَا حَتَّى تَلْقَوْنِى قَالُوا وَ مَا الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ كِتَابُ اللَّهِ سَبَبٌ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ (۳) وَ طَرَفٌ فِى أَيْدِيكُمْ فَاسْتَمْسِكُوا بِهِ لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَذِلُّوا أَلَا وَ عِتْرَتِى أَهْلُ بَيْتِى فَإِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِى اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنْ لَا يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَلْقَيَانِى وَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۲۲.

۲- فی المصدر: و حوضی أعرض ما بین بصری و صنعاء.

۳- فی النسخه المخطوطه و المصدر: بیدی اللّه.

سَأَلْتُ اللَّهَ لَهُمَا ذَلِکَ فَأَعْطَانِيهِ فَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَهْلِکَوا (۱) وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْکَمْ (۲).

شی، تفسیر العیاشی عن زراره عن أبی جعفر علیه السلام مثله (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مفضل بن صالح از یکی از اصحاب خود نقل کرد که پیامبر اکرم روز جمعه نماز ظهر خطبه ای برای مردم ایراد کرد و فرمود: مردم! خداونـد مرا خبر داده که هر پیـامبری نصف عمر پیـامبر قبـل از خود را می کنـد. من گمان می کنم به زودی دعوت حق را لبیک گویم. از من بازخواست خواهنـد کرد - و شـما نیز مسئول هستید - که آیا من رسالت خود را به شما رسانده ام؟ اکنون چه می گویید؟ گفتند: ما گواهی می دهیم که شما تبلیغ رسالت نمودی و نصیحت کردی و پیکار نمودی. خداوند جزای خیر به شما عنایت کند. فرمود: خدایا تو گواه باش!

آنگـاه رو به مردم کرد و فرمود: مگر شـما گواهی نمی دهیـد که خـدایی جز آفریـدگار جهـان نیست و محمـد پیامبر و رسول اوست، بهشت حق و جهنم واقعیت دارد و زنده کردن بعد از مرگ هست؟ گفتند چرا. فرمود: خدایا گواه باش!

بعـد فرمود: مردم! خـدا مولای من است و من نسبت به مؤمنین از جانشان گرامی ترم. بدانیـد که هر کس من آقا و رهبر اویم، علی آقا و رهبر اوست. خدایا دوست بدار دوست علی را و دشمن بدار دشمن علی را!

بعد فرمود: من بر شـما سـبقت می گیرم و شـما در حوض بر من وارد می شوید؛ حوضـی که عرض آن به فاصـله اینجا تا صنعا است. در آن حوض به عدد سـتارگان قدح نقره است. وقتی در حوض وارد شوید، من از شـما راجع به دو امانت گران خواهم پرسید. دقت کنید با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد.

پرسـیدند: آن دو امانت چیست؟ فرمود: امانت گران تر کتاب خـداست که یک طرف آن به دست خدا و یک طرف به دست شما است. دست از آن بازنداریـد تا گمراه نشوید و خوار نگردید. و نیز عترت من اهل بیت منند. خداوند به من اطلاع داده که آنها از یکـدیگر جـدا نمی شونـد تا مرا ببیننـد. من نیز از خـدا همین درخواست را نموده ام و اجابت فرموده است. پس بر آنها سبقت نگیرید تا هلاک نشوید و به آنها چیزی نیاموزید که از شما داناترند. - . تفسیر عیاشی: ۴ - ۵ -

تفسیر عیاشی: مانند این حدیث را آورده است. - . تفسیر عیاشی: ۴ - ۵ -

**[ترجمه]

«۹۳»

جا، المجالس للمفید الْجِعَابِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ (۴) عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ بِکُمْ يُفْتَحُ هَذَا الْأَمْرُ وَ بِکُمْ يُخْتَمُ عَلَيْکُمْ بِالصَّبْرِ فَ إِنَّ الْعاقِبَهَ لِلْمُتَّقِينَ أَنْتُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَ أَعْدَاؤُکُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ طُوبَى لِمَنْ أَطَاعَکُمْ وَ وَيْلٌ لِمَنْ عَصَاکُمْ أَنْتُمْ حُجَّهُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَى مَنْ تَمَسَّکَ بِهَا اهْتَدَى وَ مَنْ تَرَکَهَا ضَلَّ أَسْأَلُ اللَّهَ لَکُمُ الْجَنَّهَ لَا يَسْبِقُکُمْ أَحَدٌ إِلَى طَاعَهِ اللَّهِ فَأَنْتُمْ أَوْلَى بِهَا (۵).

**[ترجمه]مجالس مفید: عبداللّه علوی از پدر خود، از حضرت رضا علیه السّلام و آن جناب از آباء گرام خویش، از امیرالمؤمنین علیه السّلام، از پیغمبر اکرم نقل کرد که فرمود: یا علی! به وسیله شما این امر افتتاح می شود و به شما ختم می گردد. صبر و شکیبایی را پیشه گیرید. عاقبت پسندیده اختصاص بپرهیزگاران دارد. شما حزب خدایید و دشمنانتان حزب شیطان. خوشا به حال کسی که مطیع شما است و وای بر کسی که با شما مخالفت کند! شما حجت خدا بر خلقید و دستاویز محکم؛ هر که چنگ به دامن شما زند هدایت می یابد و کسی که شما را ترک کند، گمراه می شود. از خدا تقاضای بهشت برای شما دارم. مبادا کسی در فرمانبرداری از خدا بر شما پیشی گیرید؛ شما شایسته تر به این مقام هستید. - . مجالس مفید: ۶۳ - ۶۴ -

**[ترجمه]

«۹۴»

جا، المجالس للمفید الْجِعَابِیُّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی لَهِیعَهَ عَنْ أَبِی ذُرْعَهَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ الدِّینَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ وَ بِنَا یُؤَلِّفُ اللَّهُ بَیْنَ قُلُوبِكُمْ (۶) بَعْدَ الْعَدَاوَهِ وَ الْبَغْضَاءِ (۷).

**[ترجمه]مجالس مفید: ابی ذرعه از عمر بن علی بن ابی طالب، از پدر خود نقل کرد که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: یا علی! به وسیله ما خدا دین را ختم نمود، چنان چه به وسیله ما افتتاح کرد، و به وسیله مابین دل ها محبت انداخت، بعد از دشمنی و کینه ای که با یکدیگر داشتند. - . مجالس مفید: ۱۴۷ -

**[ترجمه]

«۹۵»

فض، کتاب الروضه یل، الفضائل لابن شاذان بِالْإِسْنَادِ یَرْفَعُهُ إِلَی الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام (۸) عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

۱- هكذا فی نسخه الكمبانیّ، و فی النسخه المخطوطه: (فلا تسبقوهم فتهلكوا و لا تقصروا عنهم فتهلكوا) و فی المصدر: فلا تسبقوهم فتضلوا، و لا تقصروا عنهم فتهلكوا.

۲- تفسیر العیّاشیّ: ۴ و ۵.

۳- تفسیر العیّاشیّ: ۴ و ۵.

۴- فی المصدر: محمّد بن عبد اللّه بن علیّ بن الحسین بن زید بن علیّ بن أبی طالب علیه السلام و الظاهر ان فیه تصحیف و لعله محمّد بن عبد اللّه بن علیّ بن الحسین بن زید بن علیّ بن الحسین ابن أبی طالب المترجم ابوه فی رجال النجاشیّ، قال:

روی عن الرضا علیه السلام، و له نسخه رواها.

۵- مجالس المفید: ۶۳ و ۶۴.

۶- لعل الصحیح: (قلوبهم) او أراد قلوب الأمه.

۷- مجالس المفید: ۱۴۷.

۸- فی الروضه: عن جده عن أبیه الحسین علیه السلام.

فَاطِمَهُ بَهْجَهُ قَلْبِی (۱) وَ ابْنَاهَا ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ بَعْلُهَا نُورُ بَصَرِی وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهَا أَمَانَتِی وَ الْحَبْلُ الْمَمْدُودُ فَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ فَقَدْ هَوَی (۲).

**[ترجمه]روضه کافی و فضائل: جابر انصاری گفت: پیامبر اکرم فرمود: فاطمه مایه سرور دل من است و دو فرزندش میوه دلم و شوهرش نور چشم من و ائمه از نژاد او، امنای من و ریسمان پیوسته هستند. هر که به آنها چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد، گمراه شده است. - . روضه کافی: ۱۴۴ ، فضائل: ۱۹۷ -

**[ترجمه]

«۹۶»

کشف، کشف الغمه مِنْ مَنَاقِبِ الْخُوَارِزْمِیِّ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنِ الْإِمَامِ (۳) مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِیهِ الْإِمَامِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ عَنْ أَبِیهِ الْإِمَامِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الشَّهِیدِ علیهم السلام قَالَ سَمِعْتُ جَدِّی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مِیتَتِی وَ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ الَّتِی وَعَدَنِی رَبِّی فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ ذُرِّیَّتَهُ (۴) الطَّاهِرِینَ أَئِمَّهَ الْهُدَی وَ مَصَابِیحَ الدُّجَی مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ لَنْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ بَابِ الْهُدَی إِلَی بَابِ الضَّلَالَهِ (۵).

**[ترجمه]کشف الغمه: امام صادق از امام باقر، از پدرش امام زین العابدین، از پدرش امام حسین شهید علیهم السّلام نقل کرد که فرمود: شنیدم که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: کسی که دوست دارد به زندگی من زندگی کند و به مرگ من بمیرد و داخل در بهشتی که پروردگارم وعده داده شود، پس علی بن ابی طالب و فرزندان پاکش را دوست بدارد. ایشان امامان هدایت و چراغ های تاریکی ها هستند بعد از او. ایشان شما را از باب هدایت به باب ضلالت خارج نمی کنند. - . کشف الغمه: ۳۱ ، خوارزمی در مناقب : ۴۴ - ۴۵ روایت کرده است. -

**[ترجمه]

«۹۷»

یل، الفضائل لابن شاذان فض، کتاب الروضه بِالْإِسْنَادِ یَرْفَعُهُ إِلَی ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا رَجَعْنَا مِنْ حَجَّهِ الْوَدَاعِ جَلَسْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَسْجِدِهِ فَقَالَ أَ تَدْرُونَ مَا أَقُولُ لَکُمْ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَنَّ عَلَی أَهْلِ الدِّینِ إِذْ هَدَاهُمْ بِی وَ أَنَا أَمُنُّ عَلَی أَهْلِ الدِّینِ إِذْ أَهْدِیهِمْ بِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ ابْنِ عَمِّی وَ أَبِی ذُرِّیَّتِی أَلَا وَ مَنِ اهْتَدَی بِهِمْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ ضَلَّ وَ غَوَی أَیُّهَا النَّاسُ اللَّهَ اللَّهَ فِی عِتْرَتِی وَ أَهْلِ بَیْتِی فَإِنَّ فَاطِمَهَ بَضْعَهٌ مِنِّی وَ وَلَدَیْهَا عَضُدَایَ وَ أَنَا وَ

۱- فی الروضه: فاطمه مهجتی و فیه: و الأئمّه من ولدها مادتی و فی الفضائل، و الأئمّه من ولدها أمنائی و حبله الممدود.

۲- الفضائل: ۱۹۷، الروضه: ۱۴۴.

۳- فی المصدر: عن أبيه الامام.

۴- فی مناقب الخوارزمی: و ذریته و أهل بیته و فیه: من بعدی .

۵- کشف الغمّه: ۳۱. رواه الخوارزمی فی مناقبه: ۴۴ و ۴۵ عن الامام الأجل اخی شمس الأئمّه أبی الفرج محمّد بن أحمد المکی عن الامام الزاهد ابی محمّد إسماعیل بن علی عن السیّد الإمام الأجل المرشد باللّه أبی الحسین یحیی بن الموفق باللّه عن أبی طاهر محمّد ابن علیّ بن محمّد بن یوسف الواعظ العلّاف عن أبی جعفر محمّد بن أحمد بن محمّد بن حماد، عن ابی محمّد القاسم بن جعفر بن محمّد بن عبد اللّه بن محمّد بن عمر بن علیّ بن أبی طالب عن أبی جعفر محمّد بن علی الباقر اه.

بَعْلُهَا كَالضَّوْءِ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَنْ رَحِمَهُمْ وَ لَا تَغْفِرْ لِمَنْ ظَلَمَهُمْ ثُمَّ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ وَ قَالَ كَأَنِّی أَنْظُرُ الْحَالَ (۱).

**[ترجمه]فضائل و روضه کافی: ابن عباس گفت: وقتی از حجه الوداع برگشتیم، در مسجد پیامبر خدمت آن جناب نشسته بودیم. فرمود: می دانید می خواهم به شما چه بگویم؟ گفتیم: خدا و پیامبرش می دانند. فرمود: بدانید که خداوند بر اهل دین منت گذاشت، زیرا ایشان را به وسیله من هدایت نمود. و من بر اهل دین منت می گذارم، چون آنها را به وسیله علی بن ابی طالب علیه السّلام، پسر عمو و پدر فرزندانم هدایت کردم. هر که به وسیله ایشان هدایت یافت، رستگار است و کسی که از آنها تخلف جست، گمراه و سرگردان.

مردم! خدا خدا را در مورد عترت و اهل بیتم در نظر داشته باشید! فاطمه پاره تن من است و دو فرزندش بازوان منند و من و شوهرش چون نور درخشنده هستیم. خدایا! رحم کن بر کسی که به آنها رحم نماید و نیامرز کسی را که بر آنها ستم ورزد. در این موقع چشمان پیامبر پر از اشک شد و فرمود: گویا هم اکنون می بینم چه خواهند کرد. - . روضه کافی: ۱۴۶ - ۱۴۷ -

**[ترجمه]

«۹۸»

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی جَعَلَ ذُرِّیَّهَ کُلِّ نَبِیٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ جَعَلَ ذُرِّیَّتِی مِنْ صُلْبِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ مَعَ فَاطِمَهَ ابْنَتِی وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی اصْطَفَاهُمْ کَمَا اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ فَاتَّبِعُوهُمْ یَهْدُوکُمْ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ قَدِّمُوهُمْ وَ لَا تَتَقَدَّمُوا عَلَیْهِمْ فَإِنَّهُمْ أَحْلَمُکُمْ صِغَاراً وَ أَعْلَمُکُمْ کِبَاراً فَاتَّبِعُوهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا یُدْخِلُونَکُمْ فِی ضَلَالٍ وَ لَا یُخْرِجُونَکُمْ مِنْ هُدًی (۲).

**[ترجمه]فضائل و روضه کافی: از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که پیامبر اکرم فرمود: خداوند ذریه تمام پیامبران را از نژاد خودش قرار داده، ولی ذریه مرا از نژاد علی بن ابی طالب و فاطمه دخترم قرار داده است. خداوند آنها را مانند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران بر جهانیان برگزیده است. پیرو ایشان باشید؛ شما را به راه راست هدایت می کنند. آنها را مقدم دارید، ولی بر ایشان مقدم نشوید، زیرا آنها در کوچکی از همه شما باحلم ترند و در بزرگی از تمام شما عالم ترند. پیرو آنها باشید که گمراهتان نخواهند کرد و از هدایت خارجتان نمی کنند. - . فضائل: ۲۱۰ - ۲۱۱ ، روضه کافی: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۹۹»

وَ بِالْإِسْنَادِ یَرْفَعُهُ إِلَی أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ وَ الزُّبَیْرِ بْنِ الْعَوَّامِ أَنَّهُمَا قَالا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَا مِیزَانُ الْعِلْمِ وَ عَلِیٌّ کَفَّتَاهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ خُیُوطُهُ وَ فَاطِمَهُ عِلَاقَتُهُ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهِمْ یُنْصَبُ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ (۳) فَتُوزَنُ فِیهِ الْأَعْمَالُ مِنَ الْمُحِبِّینَ لَنَا وَ الْمُبْغِضِینَ (۴).

**[ترجمه]فضائل و روضه کافی: انس بن مالك و زبیر بن عوام گفتند: پیامبر اکرم فرمود: من ترازوی علمم و علی دو کفه آن و حسن و حسین بندهای ترازو و فاطمه قسمت اتصال دو کفه است و ائمه از نژاد آنها عمود آن. روز قیامت [این ترازو را] برای ایشان قرار می دهند و در آن اعمال مردم از دوستان و دشمنان ما را محاسبه می کنند. - . فضائل: ۲۱۰ - ۲۱۱ ، روضه کافی: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۰۰»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام حَمْزَهُ الْعَلَوِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَهَ النَّجَاهِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُوَالِ عَلِيّاً بَعْدِي وَ لْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لْيَأْتَمَّ بِالْهُدَاهِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَهُ أُمَّتِي وَ قَادَهُ الْأَتْقِيَاءِ إِلَى الْجَنَّهِ حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَ حِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ (۵).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: حسین بن خالد از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم فرموده است: هر که دوست دارد سوار کشتی نجات شود و دستاویز استوار را چنگ زند و به ریسمان محکم خدا بچسبد، باید علی را بعد از من دوست بدارد و دشمنش را دشمن و پیرو ائمه هدی از فرزندانش باشد. آنها جانشینان و اوصیای منند و پس از من حجت خدا بر خلق و سرور امت و رهبر پرهیزگاران به جانب بهشت هستند. حزب ایشان حزب من و حزب من حزب خدا است و حزب دشمنان آنها حزب شیطان است. - . عیون اخبار الرضا: ۱۶۱ -

**[ترجمه]

«۱۰۱»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ص: ۱۴۴

۱- الروضه: ۱۴۶ و ۱۴۷. فیه: کالضیاء.

۲- الفضائل: ۲۱۰ و ۲۱۱، الروضه: ۱۴۹.

۳- فی الفضائل و الروضه: و الأئمّه من ولدهم عموده فینصب یوم القیامه.

۴- الفضائل: ۲۱۱، الروضه: ۱۴۹ فیهما: و المبغضین لنا.

۵- عیون الأخبار: ۱۶۱.

صلی الله علیه و آله : کأنی قد دعیت فأجبت ، وإنی تارک فیکم الثقلین ، أحدهما أکبر من الآخر : کتاب الله تعالی حبل ممدود من السماء إلی الارض : وعترتی أهل بیتی فانظروا کیف تخلفونی فیهما(۱).

صح : عنه علیه السلام مثله(۲).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: امام رضا از پدرانش علیهم السّلام نقل می کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چنین است که دعوت شده ام و باید پاسخ دهم. در میان شما دو چیز گران می گذارم که یکی از دیگری بزرگ تراست؛ کتاب خدای تعالی، ریسمانی که از آسمان تا زمین پیوسته است و عترتم اهل بیتم. ببینید با آنها چه می کنند. - . عیون اخبار الرضا: ۱۹۹ -

صحیفه الرضا: مثل این حدیث را نقل کرده است. - . صحیفه الرضا: ۲۳ - ۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۰۲»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِإِسْنَادِ التَّمِیمِیِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْتَ یَا عَلِیُّ وَ وُلْدُکَ خِیَرَهُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ (۳).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: تمیمی از آن جناب نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود: یا علی! تو و فرزندانت برگزیده های خدا از خلقید. - . عیون اخبار الرضا: ۲۲۰ -

**[ترجمه]

«۱۰۳»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ أَعِنْ مَنْ أَعَانَهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ عَدُوَّهُ وَ کُنْ لَهُ وَ لِوُلْدِهِ وَ اخْلُفْهُ فِیهِمْ بِخَیْرٍ وَ بَارِکْ لَهُمْ فِیمَا أَعْطَیْتَهُمْ (۴) وَ أَیِّدْهُمْ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ احْفَظْهُمْ حَیْثُ تَوَجَّهُوا مِنَ الْأَرْضِ وَ اجْعَلِ الْإِمَامَهَ فِیهِمْ وَ اشْکُرْ مَنْ أَطَاعَهُمْ وَ أَهْلِکْ مَنْ عَصَاهُمْ إِنَّکَ قَرِیبٌ مُجِیبٌ (۵).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: با همان اسناد نقل کرده که پیامبر اکرم فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار دشمن او را؛ کمک کن به کسی که او را کمک کند و یاری کن یارش را؛ خوار کن دشمنش را و پشتیبان او و فرزندانش باش؛ خیر را در راه ایشان بدار و آنچه به ایشان عنایت کرده ای افزون فرما و آنها را به روح القدس تأیید نما؛ ایشان را هر جا که هستند حفظ نما؛ امامت را در ایشان قرار ده و پاداش کسی را که مطیع آنها باشد عنایت فرما و مخالف ایشان را هلاک فرما. تو نزدیک و جواب دهنده هستی. - . عیون اخبار الرضا: ۲۲۰ -

- ۲۲۱

**[ترجمه]

«۱۰۴»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا یَحِلُّ لِأَحَدٍ یُجْنِبُ فِی هَذَا الْمَسْجِدِ إِلَّا أَنَا وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ مَنْ کَانَ مِنْ أَهْلِی فَإِنَّهُمْ مِنِّی (۶).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: با این اسناد از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: جایز نیست برای احدی در این مسجد جنب باشد، مگر برای من و علی و فاطمه و حسن و حسین و هر کس از خانواده من است، زیرا آنها از من حساب می شوند. - . عیون اخبار الرضا: ۲۲۰ - ۲۲۱ -

**[ترجمه]

«۱۰۵»

ک، إکمال الدین ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی وَ لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۷).

**[ترجمه]کمال الدین و عیون اخبار الرضا: با این اسناد از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: در میان شما دو چیز گران، کتاب خدا و عترتم را می گذارم. این دو هرگز جدایی ندارند تا اینکه در حوض بر من وارد می شوند. - . کمال الدین: ۱۳۸ ، عیون اخبار الرضا: ۲۲۳ -

**[ترجمه]

«۱۰۶»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: وَسَطُ الْجَنَّهِ لِی وَ لِأَهْلِی (۸).

۱- عیون الاخبار : ۱۹۹.

۲- صحیفه الرضا : ۲۳ و ۲۴.

۳- عیون الأخبار: ۲۲۰.

۴- فی المصدر: و بارک لهم فیما تعطیهم.

۵- عيون الأخبار: ۲۲۰ و ۲۲۱.

۶- عيون الأخبار: ۲۲۱.

۷- عيون الأخبار: ۲۲۳، اكمال الدين: ۱۳۸ فيه: و عترتى أهل بيتى.

۸- عيون الأخبار: ۲۲۶ فيه: و لاهل بيتى.

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: با همین اسناد از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: وسط بهشت متعلق به من و خانواده من است. - . عیون اخبار الرضا: ۲۲۶ -

**[ترجمه]

«۱۰۷»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی أَبُو عَمْرٍو (۱) عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُسْتَوْرِدِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ صَبِیحٍ عَنْ سُفْیَانَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّهَ الْعَوْفِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ إِلَّا أَنَّ أَحَدَهُمَا أَکْبَرُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ (۲) مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ وَ قَالَ أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَیْتِی عَیْبَتِیَ (۳) الَّتِی آوِی إِلَیْهَا أَلَا وَ إِنَّ الْأَنْصَارَ تُرْسِی (۴) فَاعْفُوا عَنْ مُسِیئِهِمْ وَ أَعِینُوا مُحْسِنَهُمْ (۵).

**[ترجمه]امالی طوسی: ابو سعید خدری گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: من میان شما دو چیز گران گذاشتم که یکی از آنها از دیگری بزرگ تر است؛ کتاب خدا که ریسمانی پیوسته از آسمان به زمین است و عترت و اهل بیتم. این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. فرمود: متوجه باشید که اهل بیت من مخزن اسرار و علوم من هستند که اسرار خود را به آنها می سپارم. انصار وسیله دفاع مننـد، از خطا کار آنها بگذرید و نیکوکار را کمک کنید. - . امالی طوسی: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

بیان

یظهر من بعض کتب المخالفین أن مکان عینی عیبتی و مکان ترسی کرشی و قال فی النهایه فیه

الأنصار کرشی (۶) و عیبتی.

أراد أنهم بطانته و موضع سره و أمانته و الذین یعتمد علیهم فی أموره و استعار الکرش و العیبه لذلک لأن المجتر یجمع علفه فی کرشه و الرجل یضع ثیابه فی عیبته و قیل أراد بالکرش الجماعه أی جماعتی و صحابتی یقال علیه کرش من الناس أی جماعه (۷).

**[ترجمه]در بعضی از کتب مخالفین به جای «عینی»، «عیبتی» و به جای «ترسی»، «کرشی» آمده است. در نهایه آمده است: «الأنصار کرشی و عیبتی» که مراد آنها خواص پیامبر و صاحبان سرّ و امانت او و کسانی که در امور به ایشان اعتماد دارد، می باشند. استعاره از «کرش» و «عیبه» از این رو می باشد که حیوان نشخوار کننده علف ها را در کرش (شکمبه) قرار می دهد و مردم لباس های خود را در عیبه (صندوق و جامه دان) می گذارند. شاید مراد آنها از «کرش» جماعت و اصحاب باشند، زیرا

گفته شده: «کرش من الناس»، یعنی جماعتی از مردم.

**[ترجمه]

«۱۰۸»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ بَشِیرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرٍ (۸) الْبَلْخِیِّ عَنْ

ص: ۱۴۶

۱- فی المصدر: (ابو عمر) و هو أبو عمر عبد الواحد بن محمّد بن عبد اللّه بن محمّد ابن مهدیّ.

۲- فی المصدر و النسخه المخطوطه: کتاب اللّه ممدود.

۳- فی المصدر و النسخه المخطوطه: عیبتی.

۴- فی المصدر و النسخه المخطوطه: کرشی.

۵- أمالی الطوسیّ: ۱۶۰.

۶- و قد عرفت ان المصدر أیضا یوافق ذلک و ان نسخه المصنّف کانت مصحفه.

۷- فی المجمع: الکرش: الجماعه من الناس، و فی خبر النبیّ صلّی اللّه علیه و آله:

۸- فی النسخه المخطوطه: (بشر) و فی المصدر: أبی نصر بشر بن محمّد بن نصر.

أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ الْهَرَوِيِّ عَنْ خَالِهِ أَبِی الصَّلْتِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ تَکَفَّلَ لِی فِی أَهْلِ بَیْتِی لِمَنْ لَقِیَهُ مِنْهُمْ لَا یُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً (۱).

**[ترجمه]امالی طوسی: حضرت رضا علیه السّلام از پیامبر اکرم نقل کرد که فرمود: خداوند به لطف و کرمش کفیل خانواده من است؛ ذره ای برای آن شریک نخواهند گرفت. - . امالی طوسی: ۳۲۹ -

**[ترجمه]

«۱۰۹»

ک، إکمال الدین مع، معانی الأخبار مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْبَغْدَادِیُّ (۲) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ بِشْرِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ طَلْحَهَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطِیَّهَ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنِّی أَوْشَکُ أَنْ أُدْعَی فَأُجِیبَ وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِتْرَتِی کِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَیْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلُ بَیْتِی وَ إِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ أَخْبَرَنِی أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا بِمَا ذَا تَخْلُفُونِّی فِیهِمَا (۳).

**[ترجمه]کمال الدین و معانی الاخبار: ابو سعید خدری نقل کرد که نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ممکن است دعوت شوم و باید اجابت کنم. من در میان شما دو چیز گرانبها می گذارم؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای است از آسمان به زمین و عترتم اهل بیتم. خدای لطیف و آگاه مرا خبر داده که این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. نگاه کنید با آنها چگونه رفتار می کنند. - . کمال الدین: ۱۳۶ ، معانی الأخبار: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۱۱۰»

ک، إکمال الدین ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام مع، معانی الأخبار الْهَمْدَانِیُّ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ غِیَاثِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام قَالَ: سُئِلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَنْ مَعْنَی قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی مُخَلِّفٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی مِنَ الْعِتْرَهِ فَقَالَ أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّهُ التِّسْعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ تَاسِعُهُمْ مَهْدِیُّهُمْ وَ قَائِمُهُمْ لَا یُفَارِقُونَ کِتَابَ اللَّهِ وَ لَا یُفَارِقُهُمْ حَتَّی یَرِدُوا عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَوْضَهُ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین و عیون اخبار الرضا و معانی الاخبار: حضرت صادق از آباء گرام خویش علیهم السّلام، از حضرت حسین علیه السّلام نقل کرد که فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السّلام سؤال کردند: معنی فرمایش پیغمبر: «انی مخلف فیکم الثقلین: کتاب اللّه و عترتی.» عترت آن جناب کیانند؟

فرمود: من و حسن و حسین و ائمه نه گانه از فرزندان حسین که نهمی آنها مهدی و قائم آنها است. از کتاب خدا جدا نمی شوند و کتاب خدا از آنها جدا نخواهد شد، تا وقتی که در حوض او بر پیامبر اکرم وارد شوند. - . کمال الدین: ۱۳۹ ، عیون

اخبار الرضا: ۳۴ ، معانی الأخبار: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۱۱۱»

ک، إکمال الدین مع، معانی الأخبار الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ صلوات الله علیهم قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَ ضَمَّ بَيْنَ سَبَّابَتَيْهِ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ

ص: ۱۴۷

۱- أمالی ابن الشیخ: ۳۲۹.

۲- فی الاکمال و المعانی: محمّد بن جعفر بن الحسن و فی نسخه من المعانی: الحسین.

۳- اکمال الدین: ۱۳۶، معانی الأخبار: ۳۲.

۴- اکمال الدین: ۱۳۹، عیون الأخبار: ۳۴، معانی الأخبار: ۳۲.

فَقَالَ (۱) یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ عِتْرَتُکَ قَالَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ.

قال الصدوق قدس الله روحه حکی محمد بن بحر (۲) الشیبانی عن محمد بن عبد الواحد (۳) صاحب أبی العباس تغلب (۴) فی کتابه الذی سماه کتاب الیاقوته أنه قال حدثنی أبو العباس تغلب (۵) قال حدثنی ابن الأعرابی قال العتره قطاع (۶) المسک الکبار فی النافجه و تصغیرها عتیره و العتره الریقه العذبه و تصغیرها عتیره و العتره شجره تنبت علی باب وجار الضب.

و أحسبه أراد (۷) وجار الضبع لأن الذی للضب مکو و للضبع وجار.

ثم قال و إذا خرجت الضب من وجارها تمرغت علی تلک الشجره فهی لذلک لا تنمو و لا تکبر و العرب تضرب مثلا للذلیل و الذله فیقولون أذل من عتره الضب قال تصغیرها عتیره و العتره ولد الرجل و ذریته من صلبه فلذلک سمیت ذریه محمد صلی الله علیه و آله من علی و فاطمه علیهما السلام عتره (۸) قال تغلب (۹)

ص: ۱۴۸

۱- فی المصدرین: و قال:

۲- یحیی خ ل، أقول: فی اکمال الدین: محمّد بن یحیی الشیبانی و الظاهر أنّه محمّد بن بحر الرهنی أبو الحسین الشیبانی المتکلم الفقیه الشیعی کان عالما بالاخبار له نحو من خمسمائه مصنف و رساله ترجمه أصحابنا فی کتبهم الرجالیه و ترجمه یاقوت فی معجم الأدباء ۶: ۴۱۷ ویذکر الصدوق عن کتاب له فی تفضیل الانبیاء والائمه صلوات الله علیهم فصلا طویلا فی العلل : ۱۸.

۳- فی اکمال الدین: (محمّد بن عبد الجبار) و هو مصحف و لعله من النسّاخ و الرجل هو أبو عمر الزاهد محمّد بن عبد الواحد المطرز الباوردی المعروف بغلام ثعلب، احد ائمه اللغه.

۴- هکذا فی الکتاب و مصدره و هو مصحف ثعلب بالثاء المثلثه و هو أبو العباس أحمد بن یحیی بن زید النحوی الشیبانی امام الکوفیین فی النحو و اللغه.

۵- هکذا فی الکتاب و مصدره و هو مصحف ثعلب بالثاء المثلثه و هو أبو العباس أحمد بن یحیی بن زید النحوی الشیبانی امام الکوفیین فی النحو و اللغه.

۶- فی اکمال الدین: قطع المسک.

۷- الوجار بالکسر و الفتح: حجره الضبع و غیرها و المکو و المکی: حجر الارنب و نحوه.

۸- فی المصدر: عتره محمّد صلّی اللّه علیه و آله.

۹- هکذا فی الکتاب و مصدره و هو مصحف ثعلب بالثاء المثلثه و هو أبو العباس أحمد بن یحیی بن زید النحوی الشیبانی امام الکوفیین فی النحو و اللغه.

فقلت لابن الأعرابی فما معنی قول أبی بکر فی السقیفه نحن عتره رسول الله صلی الله علیه و آله قال أراد بلدته و بیضته و عتره محمد صلی الله علیه و آله لا محاله ولد فاطمه علیها السلام و الدلیل علی ذلک رد أبی بکر و إنفاذ علی علیه السلام بسوره براءه

وَ قَوْلُهُ صلی الله علیه و آله أُمِرْتُ أَنْ لَا یُبَلِّغَهَا عَنِّی إِلَّا أَنَا أَوْ رَجُلٌ مِنِّی.

فأخذها منه و دفعها إلی من کان منه دونه فلو کان أبو بکر من العتره نسبا دون تفسیر ابن الأعرابی أنه أراد البلده لکان محالا أخذ سوره براءه منه و دفعها إلی علی علیه السلام و قد قیل إن العتره الصخره العظیمه یتخذ الضب عندها حجرا یأوی إلیه و هذا لقله هدایته و قد قیل إن العتره أصل الشجره المقطوعه التی تنبت من أصولها و عروقها و العتره فی غیر هذا المعنی

قول النبی صلی الله علیه و آله لا فرعه و لا عتیره.

قال الأصمعی کان الرجل فی الجاهلیه ینذر نذرا علی أنه إذا بلغت غنمه مائه أن یذبح رجبیه (۱) و عتائره فکان الرجل ربما بخل بشاته فیصید الظباء و یذبحها عن غنمه عن آلهتهم لیوفی بها نذره و أنشد الحارث بن حلزه.

عننا باطلا و ظلما کما. تعتر عن حجره الربیض الظبا.

یعنی یأخذونها بذنب غیرها کما یذبح أولئک الظبا عن غنمهم. و قال الأصمعی و العتره الریح و العتره أیضا شجره کثیره اللبن صغیره یکون نحو القامه (۲) و یقال العتر الذکر عتر یعتر عترا إذا نعظ.

و قال الریاشی سألت الأصمعی عن العتره فقال هو نبت مثل المرزنجوش ینبت متفرقا.

ثم قال الصدوق رضی الله عنه و العتره علی بن أبی طالب و ذریته من فاطمه و سلاله النبی صلی الله علیه و آله و هم الذین نص الله تبارک و تعالی علیهم بالإمامه علی لسان نبیه صلی الله علیه و آله و هم اثنا عشر أولهم علی و آخرهم القائم علیه السلام علی جمیع

۱- فی النسخه المخطوطه و المعانی: رحبیه و فی الاکمال: وجیبه، و لعلّ الصحیح: رجبیه و عتائره.

۲- فی الاکمال: نحو تهامه.

ما ذهبت إليه العرب من معنى العتره و ذلك أن الأئمه عليهم السلام من بين جميع بنى هاشم و من بين جميع ولد أبى طالب كقطاع المسك الكبار فى النافجه و علومهم العذبه عند أهل الحكمه و العقل (۱) و هم الشجره التى رسول الله صلى الله عليه و آله أصلها (۲) و أمير المؤمنين عليه السلام فرعها و الأئمه من ولده أغصانها و شيعتهم ورقها و علمهم ثمرها و هم عليهم السلام أصول الإسلام على معنى البلده و البيضه و هم عليهم السلام الهداه على معنى الصخره العظيمه التى يتخذ الضب عندها حجرا يأوى إليه لقله هدايته و هم أصل الشجره المقطوعه لأنهم وتروا و ظلموا و جفوا و قطعوا و لم يوصلوا فنبتوا من أصولهم و عروقهم لا يضرهم قطع من قطعهم و إدبار من أدبر عنهم إذ كانوا من قبل الله منصوصا عليهم على لسان نبى الله صلى الله عليه و آله و من معنى العتره و هم المظلومون المؤاخذون (۳) بما لم يجرموه و لم يذنبوه و منافعهم كثيره و هم ينابيع العلم على معنى الشجره الكثيره اللبن فهم عليهم السلام ذكران غير إناث على معنى قول من قال إن العتره هو الذكر و هم جند الله عز و جل و حزبه على معنى قول الأصمعى إن العتره الريح قَالَ النَّبِيِّ الرِّيحُ جُنْدُ اللَّهِ الْأَكْبَرُ.

فى حديث مشهور عنه عليه السلام و الريح عذاب على قوم و رحمه لآخرين و هم عليهم السلام كذلك كالقرن المقرون (۴) إليهم

بقول النبى إنى مخلف فيكم الثقلين كتاب الله و عترتى أهل بيتى.

قال الله عز و جل وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظّالِمِينَ إِلّا خَساراً (۵) و قال عز و جل وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زادَتْهُ هذِهِ إِيماناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزادَتْهُمْ إِيماناً وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَ ماتُوا وَ هُمْ كافِرُونَ (۶)

۱- اهل الحل و العقده خ ل.

۲- فى المعانى: التى قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله: انا اصلها.

۳- فى المصدرين: المأخوذون.

۴- فى المصدرين: كالقران المقرون اليهم.

۵- الإسراء: ۸۲.

۶- التوبه: ۱۲۴ و ۱۲۵.

و هم علیهم السلام أصحاب المشاهد المتفرقه (۱) علی المعنی الذی ذهب إلیه من قال إن العتره هو نبت مثل المرزنجوش ینبت متفرقا و برکاتهم منبثه فی المشرق و المغرب (۲).

**[ترجمه]کمال الدین و معانی الاخبار: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در بین شما دو چیز گران بر جای می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم اهل بیتم. آنها از هم جدا نمی شوند تا آنکه بر سر حوض بر من وارد شوند، مانند این. (و دو انگشت سبابه خود را به هم چسباند.) جابر بن عبدالله انصاری ایستاد و گفت: ای رسول خدا! عترت تو چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین تا روز قیامت.

صدوق رحمه اللّه علیه می نویسد: محمّد بن بحر شیبانی از محمد بن عبدالواحد، دوست ابوالعباس تغلب در کتابی که نام آن را کتاب «یاقوت» نهاده نقل کرد که ابوالعباس تغلب برایم نقل کرد که ابن اعرابی چند معنی برای عترت نموده، از قبیل پاره ای مشک و آب دهان که گوارا است و درختی که بر در لانه کفتار است. و معنی دیگری برای عترت نموده و می گوید که عترت، ذریه و اولاد شخص است از نژاد او. به همین جهت فرزندان حضرت محمّد از علی و فاطمه عترت آن جناب نامیده شده اند.

تغلب گفت: به ابن اعرابی گفتم: پس معنی قول ابا بکر در سقیفه چیست که گفت ما عترت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله و سلم هستیم؟ گفت: منظورش شهر و دیارش بوده. عترت پیامبر بدون شک فرزندان فاطمه علیها السّلام هستند. دلیل بر این مطلب برگردانیدن ابا بکر است در موقع مأموریت تبلیغ سوره برائت و فرستادن علی علیه السّلام به این مأموریت و فرمایش پیامبر اکرم که فرمود: به من دستور داده شد که یا خودت یا مردی از خودت باید این کار را بکند. پس [آن ماموریت را] از ابا بکر گرفت و داد به کسی که از خودش محسوب می شد. اگر ابا بکر از نظر نژاد عترت پیامبر محسوب می شد، نه به معنی ابن اعرابی که منظور شهر باشد، نباید سوره را از ابا بکر می گرفت و به علی می داد.

گفته اند که عترت به معنی سنگ بزرگی است که سوسمار آنجا خانه می گیرد و این به جهت آن است که خانه خود را گم نکند. بعضی نیز می گویند که عترت ریشه درختی است که قطع شده و از آن ریشه ها و شاخ ها روییده است.

عترت در غیر این معنی فرمایش پیامبر اکرم است که فرمود: «لا فرعه و لا عتیره» اصمعی گفته: در جاهلیت نذر می کردند که اگر گوسفندشان به صد عدد رسید، یک «رجیبه» و «عتایره» بکشند. گاهی اگر کسی از روی بخل از کشتن گوسفند خود امساک می ورزید، به این جهت از آهوها صید می کرد و آن را عوض گوسفند خود به خدایان تقدیم می کرد تا نذرش انجام شده باشد. حارث بن حلزه این شعر را در همین مورد گفته:

به گناه دیگری او را می گیرند، چنان چه آنها آهو را می کشتند به جای گوسفند خود اصمعی گفته است: «عترت» به معنی باد و درخت پر شیره ای کوچک به اندازه قامت انسان است. «عتر» به معنی آلت است. «عتر یعتر عترا» یعنی آلت نعوذ کرد. ریاشی گوید: از اصمعی معنی عترت را پرسیدم. گفت گیاهی است مانند مرزنجوش که متفرق می روید.

سپس صدوق می نویسد: عترت عبارت است از علی بن ابی طالب و فرزندان او از فاطمه علیها السّلام و اولاد پیامبرند. اینها

همان کسانی هستند که پیامبر اکرم به دستور خدا، به امامت ایشان تصریح کرد. اولی ایشان علی علیه السّلام و آخرین آنها قائم است. بنا بر معنی که تمام عرب برای لفظ عترت نموده اند.

توضیح اینکه ائمه علیهم السّلام از بین جمیع بنی هاشم و بین تمام فرزندان ابوطالب مانند تکه مشکی بزرگ هستند که نزد خردمندان آنها، در مشکدان دانش آنها شربت گوارا و خوش طعم است؛ درختی هستند که ریشه آن پیامبر و تنه آن امیرالمؤمنین و شاخه هایش ائمه و برگ هایش شیعیان ایشان و دانش آنها میوه آن درخت است. بنا بر معنای شهر و مرکز، ائمه علیهم السّلام پایه های اسلام هستند. و در صورتی که معنی آن سنگ بزرگ باشد که سوسمار پهلوی آن خانه می گیرد تا خانه اش را گم نکند، آنها راه نمایان به شمار می روند. همچنین آنها ریشه درختی هستند که قطع شده است، چون به آنها ستم شده و پیمان آنها را قطع نموده اند و مراعات حق ایشان را نکردند، زیرا آنها از جانب خدا به امامت تعیین شده بودند و دو مرتبه از ریشه و تنه می رویند و این قطع شدن به ایشان ضرری نمی رساند و نه فاصله گرفتن مردم از آنها. و از معنی عترت استفاده می شود که آنها مظلوم هستند و برای کاری که نکرده اند از آنها بازخواست می کنند. و بنا بر معنی درختی که دارای شیر زیاد است، منافعشان زیاد است و ایشان سرچشمه های دانش هستند. بنا بر این معنی که عترت ذکر باشد، آنها رجال و مردند نه زن. ایشان سپاه خدایند و حزب او و بنا بر قول اصمعی که عترت به معنی باد باشد.

پیامبر اکرم فرمود: «باد سپاه بزرگ خدا است.» باد برای گروهی عذاب و برای گروه دیگر رحمت است. ائمه نیز همین طورند، مانند همتای آنها قرآن که بنا به فرموده پیامبر که فرمود: «انی تاریک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی اهل بیتی.»

خداوند در این آیه می فرماید: «وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَساراً» - . اسرا / ۸۲ - {و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم و[لی] ستمگران را جز زیان نمی افزاید}. و نیز می فرماید: «وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زادَتْهُ هذِهِ إِيماناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزادَتْهُمْ إِيماناً وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ. وَ أَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَ ماتُوا وَ هُمْ كافِرُونَ» - . توبه / ۱۲۴ - ۱۲۵ -

{و چون سوره ای نازل شود از میان آنان کسی است که می گوید این [سوره] ایمان کدام یک از شما را افزود اما کسانی که ایمان آورده اند بر ایمانشان می افزاید و آنان شادمانی می کنند، اما کسانی که در دل هایشان بیماری است پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حال کفر درمی گذرند.} بنا به معنی عترت که مرزنجوش باشد که متفرق می روید، آنها دارای مشاهد متفرقه هستند و برکات آنها در شرق و غرب پراکنده است. - . کمال الدین: ۱۴۳ - ۱۴۴ ، معانی الأخبار: ۳۲ - ۳۳ -

**[ترجمه]

توضیح

قوله لأن الذی للضب مکو أقول الذی یظهر مما عندنا من کتب اللغه هو أن الوجار لا یختص بالضبع و إن کان فیه أکثر استعمالا و ذکروا أن المکو جحر الثعلب و الأرنب و قال الجزری الفرعه بفتح الراء أول ما تلد الناقه کانوا یذبحونه لآلهتهم و قال الجوهری عن لی کذا عننا أی ظهر و عرض و قال حجره القوم ناحیه دارهم و قال الربیض الغنم برعاتها المجتمعه فی مربضها و

قال الجوهری عتره الرجل نسله و رهطه الأدنون و قال العتر أيضا العتيره و هی شاه كانوا يذبحونها فی رجب لآلهتهم يقال هذه أيام ترجيب و تعتار و ربما كان الرجل ينذر نذرا إن رأى ما يحب يذبح كذا و كذا من غنمه فإذا وجب ضاقت نفسه عن ذلك فيعتر بدل الغنم ظباء و هذا أراد الحارث بن حلزه بقوله عننا باطلا البيت.

و قال فی النهايه فيه

خلفت فيكم الثقلين كتاب الله و عترتی.

عتره الرجل أخص أقاربه و عتره النبی بنو عبد المطلب و قيل أهل بيته الأقربون و هم أولاده و علی و أولاده و قيل عترته الأقربون و الأبعدون منهم و المشهور المعروف أن عترته أهل بيته الذين حرمت عليهم الزكاه.

و فيه أنه أهدی إليه عتر العتر نبت ينبت متفرقا فإذا طال و قطع أصله خرج منه شبه اللبن و قيل هو المرزنجوش (۳).

**[ترجمه]جوهری می نویسد: عترت شخص نسل او و خانواده نزدیکش به شمار می روند و «عتر» نیز «عتیره» است و آن گوسفندی است که برای خدایان خود در ماه رجب می کشتند.

و در نهایه می نویسد: «فیه خلفت الثقلین: کتاب اللّٰه و عترتی»، عترت مرد نزدیک ترین خویشاوند اویند. عترت پیامبر فرزندان عبدالمطلب هستند. بعضی گفته اند که اهل بیت نزدیک اویند که آنها اولاد پیامبر و علی و اولادش هستند. بعضی عترت را شامل خانواده او از خویشاوندان دور و نزدیک هر دو گفته اند ولی مشهور و معروف این است که عترت پیامبر اهل بیت او هستند، کسانی که زکات بر آنها حرام است.

در همان کتاب است که «اهدی الیه عتر»، «عتر» گیاهی است که متفرق می روید و وقتی بلند شد و ریشه اش قطع گردید، از او چیزی شبیه شیر خارج می شود و بعضی گفته اند مرزنجوش است. -. نهایه ۳ : ۷۲ -

**[ترجمه]

«۱۱۲»

وَ أَقُولُ رَوَى السَّيُوطِيُّ فِي الدُّرِّ الْمَنْثُورِ عَنْ أَحْمَدَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ

ص: ۱۵۱

۱- فی الاكمال: اصحاب المشاهد المتفرقه و الترب الباذخه.

۲- اكمال الدين: ۱۴۲ و ۱۴۴، معانی الأخبار: ۳۲ و ۳۳.

۳- النهايه ۳: ۷۲ و زاد فيه: و فی حديث آخر: يفلغ رأسی كما تفلغ العتره. هی واحده العتر، و قيل: هی شجره العرفج. و فيه ذكر العتر و هو جبل بالمدينه من جهه القبله.

ثَابِتٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ خَلِیفَتَیْنِ (۱) کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَیْنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ (۲) وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا (۳) حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۴).

**[ترجمه]مؤلف: سیوطی در «در المنثور» روایت کرده است که زید بن ثابت گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من در بین شما دو جانشین می گذارم؛ کتاب خدا که ریسمان پیوسته ای بین آسمان تا زمین است و عترتم اهل بیتم. آنها هرگز از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند. - . در المنثور ۲ : ۶۰ -

**[ترجمه]

«۱۱۳»

وَ رُوِیَ أَیْضاً عَنِ الطَّبَرَانِیِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَیْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی لَکُمْ فَرَطٌ (۵) وَ أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَیَّ الْحَوْضَ فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونِّی فِی الثَّقَلَیْنِ قِیلَ وَ مَا الثَّقَلَانِ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْأَکْبَرُ کِتَابُ اللَّهِ سَبَبٌ طَرَفُهُ بِیَدِ اللَّهِ وَ طَرَفُهُ بِأَیْدِیکُمْ فَتَمَسَّکُوا بِهِ لَنْ تَزِلُّوا وَ لَا تَضِلُّوا وَ الْأَصْغَرُ عِتْرَتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا (۶) حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ وَ سَأَلْتُ لَهُمَا ذَاکَ رَبِّی فَلَا تُقَدِّمُوهُمَا فَتَهْلِکُوا وَ لَا تُعَلِّمُوهُمَا فَإِنَّهُمَا أَعْلَمُ مِنْکُمْ (۷).

**[ترجمه]در المنثور: و نیز روایت کرده است که زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای شما فرزندانی دارم و شما در حوض بر من وارد می شوید. بنگرید با ثقلین چه می کنید! سوال شد: ثقلین چیست ای رسول خدا؟ فرمود: بزرگ ترآنها کتاب خدا، سببی است که یک طرف آن به دست خدا و طرف دیگر آن دست شماست، به آن چنگ زنید تا نلغزید و گمراه نشوید. و کوچک تر آن دو عترت من است. و آنها جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. از پروردگارم آنها را برای شما مسئلت می کنم. بر آنها پیشی نگیرید که هلاک می شوید و به آنها چیزی نیاموزید که ایشان از شما عالم ترند.

**[ترجمه]

«۱۱۴»

وَ رَوَی أَیْضاً عَنْ سَعِیدٍ (۸) وَ أَحْمَدَ وَ الطَّبَرَانِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَمْرَیْنِ أَحَدُهُمَا أَکْبَرُ مِنَ الْآخَرِ کِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَیْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَتَفَرَّقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ (۹).

**[ترجمه]در المنثور: و نیز روایت کرده است که ابو سعید خدری گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! میان شما دو چیز باقی می گذارم که اگر آنها را گرفتید که هرگز بعد من گمراه نخواهید شد، و یکی از دیگری بزرگ تراست؛ کتاب خدا که ریسمانی پیوسته میان آسمان و زمین است و عترتم اهل بیتم. آنها از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . در المنثور ۲ : ۶۰ -

**[ترجمه]

«۱۱۵»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ جَمِیعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ العلا (العَلَاءِ) عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمَا وَ اللَّهِ إِنَّ فِی أَهْلِ بَیْتِی مِنْ عِتْرَتِی لَهُدَاهً مُهْتَدِینَ مِنْ بَعْدِی یُعْطِیهِمْ (۱۰) عِلْمِی وَ فَهْمِی وَ حِلْمِی وَ خُلُقِی وَ طِینَتُهُمْ مِنْ

ص: ۱۵۲

۱- الثقلین خ ل.

۲- و الأرض خ ل.

۳- فی المصدر: لن یتفرقا.

۴- الدّر المنثور ۲: ۶۰.

۵- فی المصدر: و انکم.

۶- فی المصدر: لن یتفرقا.

۷- فی النسخه المخطوطه: فلا تقدموها فتهلکوا و لا تعلموها فانها اعلم منکم.

۸- فی النسخه المخطوطه: (سعد) و فی المصدر: ابن سعد.

۹- الدّر المنثور ۲: ۶۰.

۱۰- أی یعطیهم اللّه.

طِينَتِيَ الطَّاهِرَهِ فَوَیْلٌ لِلْمُنْكِرِینَ لِحَقِّهِمُ الْمُكَذِّبِینَ لَهُمْ مِنْ بَعْدِیَ الْقَاطِعِینَ فِیهِمْ صِلَتِیَ الْمُسْتَوْلِینَ عَلَیْهِمْ وَ الْآخِذِینَ مِنْهُمْ حَقَّهُمْ أَلَا فَلَا أَنَالَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِی (۱).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: علا از محمّـد و او از حضـرت باقر علیه السّـلام نقل می کنـد که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: متوجه باشید که به خدا سوگند میان اهل بیت من از عترتم، رهنمایان مهتدی هستند پس از من که خداوند علم و فهم و حلم و خلق مرا به آنها داده و از سـرشت پاک من آفریـده شـده انـد. وای بر کسانی که منکر حق ایشان شوند، آنها را تکذیب نماینـد و حق خویشاونـدی مرا دربـاره آنها رعایت نکننـد و بر آنها مسـتولی گردنـد که حقشان را بگیرنـد! خداونـد آنها را از شفاعت من محروم نماید. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۱۶»

یر، بصائر الدرجات السِّنْدِیُّ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعْدٍ الْإِسْكَافِ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مِیتَتِی (۲) وَ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ الَّتِی وَعَدَنِی رَبِّی قَضِیبٌ مِنْ قُضْبَانِهَا غَرَسَهُ بِیَدِهِ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَكَانَ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ مِنْ بَعْدِی وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ ذُرِّیَّتِی فَإِنَّهُمْ لَا یُخْرِجُونَكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَا یُعِیدُونَكُمْ فِی رَدًى وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مسرور می شود که به زندگی من زنده باشـد و به مرگ من بمیرد و سـاکن بهشت عـدنی شود که شـاخه های آن را پروردگارم غرس نموده، پس بعـد از من علی بن ابوطالب علیه السّـلام و اوصـیا از فرزندانش را دوست بدارد، زیرا ایشان شما را هرگز از هدایت خارج نمی کنند و به پستی باز نمی گردانند. به ایشان تعلیم ندهید، زیرا از شما عالم ترند. - . بصائر الدرجات: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۱۷»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِی یَزِیدَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السـلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَحْیَا حَیَاتِی وَ یَمُوتَ مِیتَتِی وَ یَدْخُلَ جَنَّهَ رَبِّی جَنَّهَ عَدْنٍ غَرَسَهَا بِیَدِهِ فَلْیَتَوَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ بَعْدِهِ فَإِنَّهُمْ لَحْمِی وَ دَمِی أَعْطَاهُمُ اللَّهُ فَهْمِی وَ عِلْمِی (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست دارد به زندگی من زنده باشد و به مرگ من بمیرد و سـاکن بهشت پروردگـارم شود، بهشت عـدنی که شـاخه هـای آن را پروردگارم غرس نموده، پس بعـد از من علی بن ابوطالب علیه السّـلام و اوصـیا از فرزنـدانش را دوست بدارد، چون ایشان گوشت و خون منند و خداوند به آنها فهم و علم مرا عنایت کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۶ -

**[ترجمه]

«۱۱۸»

أَقُولُ رَوَى الْبُرْسِيُّ فِي مَشَارِقِ الْأَنْوَارِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ وَ أَنَّ ابْنَ عَمِّي هُوَ أَخِي وَ وَصِيِّي وَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي وَ الْمُبَلِّغُ عَنِّي وَ هُوَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الدِّينِ إِنِ اسْتَرْشَدْتُمُوهُ أَرْشَدَكُمْ وَ إِنْ تَبِعْتُمُوهُ نَجَوْتُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُ فَاللَّهَ أَطَعْتُمْ وَ إِنْ عَصَيْتُمُوهُ فَاللَّهَ عَصَيْتُمْ وَ إِنْ بَايَعْتُمُوهُ فَاللَّهَ بَايَعْتُمْ وَ إِنْ نَكَثْتُمْ بَيْعَتَهُ فَبَيْعَهَ اللَّهِ نَكَثْتُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ عَلَيَّ الْقُرْآنَ وَ عَلِيٌّ سَفِيرُهُ فَمَنْ خَالَفَ الْقُرْآنَ ضَلَّ وَ مَنْ تَبِعَ غَيْرَ عَلِيٍّ ذَلَّ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي خَاصَّتِي وَ قَرَابَتِي وَ أَوْلَادِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ وَدِيعَتِي وَ إِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ غَداً وَ مَسْئُولُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِّي فِيهِمْ فَمَنْ

ص: ۱۵۳

۱- بصائر الدرجات: ۱۵.

۲- مماتی خ ل.

۳- بصائر الدرجات: ۱۵.

۴- بصائر الدرجات: ۱۶.

آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِی وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ فَقَدْ ظَلَمَنِی وَ مَنْ نَصَرَهُمْ فَقَدْ نَصَرَنِی وَ مَنْ أَعَزَّهُمْ فَقَدْ أَعَزَّنِی وَ مَنْ طَلَبَ الْهُدَی مِنْ غَیْرِهِمْ فَقَدْ كَذَّبَنِی فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ انْظُرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ غَداً فَإِنِّی خَصْمٌ لِمَنْ كَانَ خَصْمَهُمْ وَ مَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ فَالْوَیْلُ لَهُ (۱).

وَ رَوَی الصَّدُوقُ فِی كِتَابِ فَضَائِلِ الشِّیعَهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْقِبْطِیِّ (۲) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: النَّاسُ أَغْفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی عَلِیٍّ علیه السلام یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ یَوْمَ مَشْرَبَهِ أُمِّ إِبْرَاهِیمَ أَتَی النَّاسُ یَعُودُونَهُ فَجَاءَ عَلِیٌّ علیه السلام لِیَدْنُو مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَلَمْ یَجِدْ مَكَاناً فَلَمَّا رَأَی رَسُولُ اللَّهِ أَنَّهُمْ لَا یُفْرِجُونَ لِعَلِیٍّ علیه السلام قَالَ (۳) یَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی تَسْتَخِفُّونَ بِهِمْ وَ أَنَا حَیٌّ بَیْنَ ظَهْرَانَیْكُمْ أَمَا وَ اللَّهِ لَئِنْ غِبْتُ فَإِنَّ اللَّهَ لَا یَغِیبُ عَنْكُمْ إِنَّ الرَّوْحَ وَ الرَّاحَهَ وَ الرِّضْوَانَ وَ الْبُشْرَی وَ الْحُبَّ وَ الْمَحَبَّهَ لِمَنِ ائْتَمَّ بِعَلِیٍّ وَ تَوَلَّاهُ وَ سَلَّمَ لَهُ وَ لِلْأَوْصِیَاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقٌّ عَلَیَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِی شَفَاعَتِی لِأَنَّهُمْ أَتْبَاعِی فَمَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی مَثَلٌ جَرَی فِی إِبْرَاهِیمَ لِأَنِّی (۴) مِنْ إِبْرَاهِیمَ وَ إِبْرَاهِیمُ مِنِّی وَ دِینِی دِینُهُ وَ سُنَّتِی سُنَّتُهُ وَ فَضْلُهُ فَضْلِی وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ فَضْلِی لَهُ فَضْلٌ تَصْدِیقُ قَوْلِ رَبِّی ذُرِّیَّهً بَعْضُها (۵) مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۶).

۱- مشارق الأنوار. لم تكن نسخته عندی.

۲- الاسناد هكذا: ابی رحمه اللّه قال: حدّثنا سعد بن عبد اللّه عن محمّد القبطی قال: سمعت أبا عبد اللّه علیه السلام یقول.

۳- فی بصائر الدرجات: انهم لا یوسعون لعلی علیه السلام نادی یا معشر الناس فرجوا لعلی ثمّ اخذ بیده فقعده علی فراشه ثمّ قال.

۴- فی البصائر: مثل جری فی من اتبع إبراهیم و فیه: دینه، دینی، و سنته سنتی و فیه: تصدیق قولی قوله تعالی.

۵- آل عمران: ۳۴.

۶- فضائل الشیعه: ۱۵۴ ضمیمه كتاب علی و الشیعه، ذیله: (و كان رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله قد اثبت رجله فی مشربه أم إبراهیم حین عاده الناس) و رواه الصفار فی البصائر: ۱۶باسناده عن ابراهیم بن هاشم عن ابی عبدالله البرقی عن خلف بن حماد عن محمد القبطی.

تتميم: قال السيد المرتضى قدس الله روحه فى كتاب الشافى حاكيا عن الناصب الذى تصدى فيه لرد مزخرفاته و خرافاته قال صاحب الكتاب دليل لهم آخر وَ رُبَّمَا تَعَلَّقُوا بِمَا

رُوِيَ عَنْهُ صلى الله عليه و آله مِنْ قَوْلِهِ إِنِّی تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَيْتِی لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.

و إن ذلك يدل على أن الإمامه فيهم و كذلك العصمه وَ رُبَّمَا قَوَّوْا ذَلِكَ بِمَا

رُوِيَ عَنْهُ صلى الله عليه و آله أَنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِی فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَهِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ.

و أن ذلك يدل على عصمتهم و وجوب طاعتهم و حظر العدول عنهم قالوا و ذلك يقتضى النص على أمير المؤمنين عليه السلام ثم قال و هذا إنما يدل على أن إجماع العتره لا يكون إلا حقا لأنه لا يخلو من أن يريد عليه السلام بذلك جملتهم أو كل واحد منهم و قد علمنا أنه لا يجوز أن يريد بذلك إلا جملتهم و لا يجوز أن يريد كل واحد منهم لأن الكلام يقتضى الجمع و لأن الخلاف قد يقع بينهم على ما علمناه من حالهم و لا يجوز أن يكون قول كل منهم (۱) حقا لأن الحق لا يكون فى الشىء و ضده و قد ثبت اختلافهم فيما هذا حاله و لا يجوز أن يقال إنهم مع الاختلاف (۲) لا يفارقون الكتاب و ذلك يبين أن المراد به أن ما أجمعوا عليه يكون حقا حتى يصح

قوله لن يفترقا حتى يردا على الحوض.

و ذلك يمنع من أن المراد بالخبر الإمامه لأن الإمامه لا تصح فى جميعهم و إنما يختص بها الواحد منهم و قد بينا أن المقصد بالخبر ما يرجع إلى جميعهم و يبين ما قلناه إن أحدا ممن خالفنا فى هذا الباب لا يقول فى كل واحد من العتره إنه بهذه الصفه فلا بد من أن يتركوا الظاهر إلى أمر آخر يعلم به أن المراد بعض من بعض و ذلك الأمر لا يكون إلا ببينه و ليس لهم أن يقولوا إذا دل على ثبوت العصمه فيهم و لم يصح إلا فى أمير المؤمنين عليه السلام ثم فى واحد واحد من الأئمه فيجب أن يكون هو المراد و ذلك أن لقائل أن يقول

۱- فى المصدر: و لا يجوز أن يكون قول كل واحد منهم حقا.
۲- فى المصدر: مع هذا الاختلاف.

إن المراد عصـمتهم فیمـا اتفقوا علیه و یکون ذلـک ألیق بالظـاهر و بعـد فالواجب حمل الکلام علی ما یصـح أن یوافق العتره فیه الکتاب و قـد علمنا أن فی کتاب الله تعالی دلاله علی الأمور فیجب أن یحمل قوله صـلی الله علیه و آله فی العتره علی ما یقتضـی کونه دلالـله و ذلـک لاـ یصـح إلا بأن یقال إن إجماعها حق و دلیل فأما طریقه الإمامیه فمباینه لهـذا الفصل و المقصـد و قـد قال شیخنا أبو علی إن ذلک إن دل علی الإمامه

فَقَوْلُهُ اقْتَدُوا بالذین بِاللَّذَیْنِ مِنْ بَعْدِی أَبِی بَکْرٍ وَ عُمَرَ.

یدل علی ذلک و

قَوْلُهُ إِنَّ الْحَقَّ یَنْطِقُ عَلَی لِسَانِ عُمَرَ وَ قَلْبِهِ.

یدل علی أنه الإمام

وَ قَوْلُهُ علیه السلام أَصْحَابِی کَالنُّجُومِ بِأَیِّهِمُ اقْتَدَیْتُمُ اهْتَدَیْتُمْ.

کمثل ذلک.

ثم قال فی جواب هذه الکلمات یقال له أما

قَوْلُهُ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمْ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ.

فإنه دال علی أن إجماع أهل البیت حجه علی ما أقررت به و دال أیضا بعد ثبوت هذه الرتبه علی إمامه أمیر المؤمنین علیه السلام بعـد النبی بغیر فصـل و علی غیر ذلـک ممـا أجمع أهـل البیت علیه و یمکن أیضـا أن یجعل حجه و دلیلا علی أنه لا بـد فی کل عصر فی جمله هذا البیت (۱) من حجه معصوم مأمون یقطع علی صحه قوله و

قَوْلُهُ إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَیْتِی فِیکُمْ مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ.

یجری مجری الخبر الأـول فی التنبیه علی أهـل البیت و الإرشاد إلیهم و إن کان الخبر الأول أعم فائـده و أقوی دلاله و نحن نبین الجمله التی ذکرناهـا فإن قیل دلوا علی صـحه الخبر قبل أن تتکلموا فی معناه قلنا الـدلاله علی صـحته تلقی الأمه له بالقبول و إن أحدا منهم مع اختلافهم فی تأویله لم یخالف فی صـحته و هذا یدل علی أن الحجه قامت به فی أصله و أن الشک مرتفع فیه (۲) و من شأن علماء الأمه إذا ورد علیهم خبر مشکوک فی صحته أن یقدموا الکلام فی أصله و أن الحجه به غیر ثابته ثم یشرعوا فی تأویله فإذا رأینا جمیعهم عدلوا عن هذه

۱- فی المصدر: فی جمله أهل البیت.

٢- فى المصدر: و ان الشك مرتفع عنه.

الطريقه فی هذا الخبر و حمله کل منهم علی ما یوافق طریقته و مذهبه دل ذلک علی صحه ما ذکرناه.

فإن قیل فما المراد بالعتره فإن الحکم متعلق بهـذا الاسم الذی لا بد من بیان معناه قلنا عتره الرجل فی اللغه هم نسله کولده و ولد ولـده و فی أهـل اللغه من وسع ذلـک فقـال إن عتره الرجـل هم أدنی قومه إلیه فی النسب فعلی القول الأول یتناول ظاهر الخبر و حقیقته الحسن و الحسین و أولادهمـا علیهم السـلام و علی القول الثـانی یتنـاول من ذکرناه و من جری مجراهم فی الاختصاص بالقرب من النسب علی أن الرسول قد قید القول بما أزال به الشـبهه و أوضح القول (۱) بقوله عترتی أهل بیتی فوجه الحکم إلی من استحق هذین الاسمین و نحن نعلم أن من یوصف من عتره الرجل بأنهم أهل بیته هو ما قدمنا ذکره من أولاده و أولاد أولاده و من جری مجراهم فی النسب القریب علی أن الرسول علیه السلام قد بین من یتناوله الوصف بأنه من أهل البیت

وَ تَظَاهَرَ الْخَبَرُ بِأَنَّهُ صلی الله علیه و آله جَمَعَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ علیهم السلام فِی بَیْتِهِ وَ جَلَّلَهُمْ بِکِسَائِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَیْتِی فَأَذْهِبْ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِیراً فَنَزَلَتِ الْآیَهُ (۲) فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَهَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لَسْتُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِکَ فَقَالَ لَا وَ لَکِنَّکِ عَلَی خَیْرٍ.

فخص هذا الاسم بهؤلاء دون غیرهم فیجب أن یکون الحکم متوجها إلیهم و إلی من الحق بهم بالدلیل و قد أجمع کل من أثبت فیهـم هـذا الحکـم أعنی وجـوب التمسـک و الاقتـداء علی أن أولادهم فی ذلـک یجرون مجراهـم فقـد ثبت تـوجه الحکم إلی الجمیع.

فـإن قیل علی بعض (۳) مـا أوردتموه یجب أن یکون أمیر المؤمنین علیه السـلام لیس من العـتره إن کـانت العـتره مقصوره علی الأولاد و أولادهم (۴)

۱- فی المصدر: و اوضح الامر.

۲- راجع الأحزاب: ۳۳.

۳- فی المصدر: فان قیل: فعلی بعض.

۴- فی المصدر: علی الاولاد و أولاد أولادهم.

قلنا من ذهب إلی ذلک من الشیعه یقول إن أمیر المؤمنین علیه السلام و إن لم یتناوله هذا الاسم علی الحقیقه کما لا یتناوله اسم الولـد فهو علیه السـلام أبو العتره و سـیدها و خیرتها و الحکم فی المسـتحق بالاسم ثابت له بـدلیل غیر تناول الاسم المـذکور فی الخبر.

فـإن قیل فما تقولون فی قول أبی بکر بحضـره جماعه الأمه نحن عتره رسول الله صـلی الله علیه و آله و بیضـته التی انفقأت عنه و هو یقتضـی خلاف ما ذهبتم إلیه قلنا الاعتراض بخبر شاذ یرده و یطعن علیه أکثر الأمه علی خبر مجمع علیه مسـلمه روایته لا وجه له علی أن قول أبی بکر هـذا لو کان صـحیحا لم یکن من حمله علی التجوز و التوسع بد لأن قرب أبی بکر إلی رسول الله صـلی الله علیه و آله فی النسب لاـ یقتضـی أن یطلق علیه لفظه عتره علی سبیـل الحقیقه لأـن بنی تیم بن مره و إن کانت إلی بنی هاشـم أقرب ممن بعـد عنهم بأب أو بأبوین فکـذلک من بعـد منهم بأب أو بأبوین أو أکثر من ذلک هو أقرب إلی بنی هاشم ممن بعد أکثر من هـذا البعد و فی هذا ما یقتضـی أن یکون قریش کلهم عتره واحده بل یقتضـی أن یکون جمیع ولد معد بن عدنان عتره لأن بعضـهم أقرب إلی بعض من الیمن و علی هذا التدریج حتی یجعل جمیع بنی آدم عتره واحده فصح بما ذکرناه أن الخبر إذا صـح کان مجازا فیکون وجه ذلک ما أراده أبو بکر من الافتخار بالقرابه من نسب الرسول صـلی الله علیه و آله فأطلق هذه اللفظه توسعا و قد یقول (۱) أحدنا لمن لیس بابن له علی الحقیقه إنک ابنی و ولدی إذا أراد الاختصاص و الشـفقه و کذلک قد یقول لمن لم یلـده أنت أبی فعلی هـذا یجب أن یحمل قول أبی بکر و إن کانت الحقیقه یقتضـی خلافه علی أن أبا بکر لو صـح کونه من عتره الرسول علی سبیل الحقیقه لکان خارجا عن حکم

قوله إنی مخلف فیکم.

لأن الرسول صلی الله علیه و آله

۱- فی المصدر: و قد یقول من له ادنی شعبه بقوم و أیسر علقه بنسبهم: انا من فلان علی سبیل التوسع، و قد یقول:

قید ذلک بصفه معلومه أنها لم تکن فی أبی بکر و هی قوله أهل بیتی و لا شبهه فی أنه لم یکن من أهل البیت الذین ذکرنا أن الآیه نزلت فیهم و اختصتهم و لا ممن یطلق علیه فی العرف أنه من أهل بیت الرسول صلی الله علیه و آله لأن من اجتمع مع غیره بعد عشره آباء أو نحوهم لا یقال إنه من أهل بیته فإذا صحت هذه الجمله التی ذکرناها وجب أن إجماع العتره حجه لأنه لو لم یکن بهذه الصفه لم یجب ارتفاع الضلال عن التمسک بالعتره علی کل وجه و إذا کان قد بین أن المتمسک بالعتره لا یضل ثبت ما ذکرناه.

فإن قیل ما أنکرتم أن یکون صلی الله علیه و آله إنما نفی الضلال عن المتمسک (۱) بالکتاب و العتره معا فمن أین أن المتمسک بالعتره وحدها بهذه الصفه قلنا لو لا أن المراد بالکلام أن المتمسک بکل واحد من الکتاب و العتره لا یضل لکان لا فائده فی إضافه ذکر العتره إلی الکتاب لأن الکتاب إذا کان حجه فلا معنی لإضافه ما لیس بحجه إلیه و القول فی الجمیع أن المتمسک بهما محق لأن هذا حقیقه العبث علی أن إضافه العتره إذا لم یکن قولهم (۲) حجه کإضافه غیرهم من سائر الأشیاء فأی معنی لتخصیصهم و التنبیه علیهم و القطع علی أنهم لا یفترقون حتی یردوا القیامه و هذا مما لا إشکال فی سقوطه و إذا صح أن إجماع أهل البیت حجه قطعنا علی صحه کل ما اتفقوا علیه و مما اتفقوا علیه القول بإمامه أمیر المؤمنین علیه السلام بعد النبی بلا فصل مع اختلافهم فی حصول ذلک بنص جلی أو خفی أو بما یحتمل التأویل و بما لا یحتمله (۳).

فإن قیل کیف تدعون الإجماع من أهل البیت علی ما ذکرتم و قد رأینا کثیرا منهم یذهب مذهب المعتزله فی الإمامه قلنا أما نحن فما رأینا أحدا من أهل البیت یذهب إلی خلاف ما ذکرناه

ص: ۱۵۹

۱- فی المصدر: انما نفی الضلال عمن تمسک.

۲- فی المصدر: إذا لم تکن فی قولهم الحجه.

۳- فی المصدر: أو لا یحتمله.

و كل من سمعنا عنه فيما مضى بخلاف ما حكيناه فليس أولا (۱) إذا صح ذلك عنه ممن يعترض بقوله على الإجماع لشذوذه و أكثر من يدعى عليه هذا القول الواحد و الاثنان و ليس بمثل هذا اعتراض على الإجماع ثم إنك لا تجد أحدا ممن يدعى عليه هذا من جمله علماء أهل البيت و لا من ذوى الفضل منهم و متى فتشت عن أمره وجدته متعرضا بذلك لفائده مولعا به على بعض أغراض الدنيا و متى طرقنا الاعتراض بالشذوذ و الآحاد على الجماعات أدى ذلك (۲) إلى بطلان استقرار الإجماع فى شى ء من الأشياء لأنا نعلم أن فى الغلاه و الإسماعيليه من يخالف فى الشرائع و أعداد الصلاه (۳) و غيرها و منهم من يذهب إلى أنه كان بعد الرسول عده أنبياء و أن الرساله ما انختمت به و مع ذلك فلا يمنعنا (۴) هذا من أن ندعى الإجماع على انقطاع النبوه و تقرر أصول الشرائع (۵) و لا يعتد بخلاف من ذكرناه و معلوم ضروره أنهم أضعاف من أظهر من أهل البيت خلاف المذهب الذى ذكرناه فى الإمامه على أنا قد شاهدنا و ناظرنا بعض من يعد فى جمله الفقهاء و أهل الفتيا على أن الله تعالى يعفو عن اليهود و النصارى و إن لم يؤمنوا و لا يعاقبهم و على غير ذلك مما لا شك فى أن الإجماع حجه فيه على أنا لو جعلنا القول بذلك معترضا على أدلتنا على إجماع أهل البيت (۶) و قلنا بقول من يحكى ذلك عنه لم يقدح فيما ذكرناه لأن فى المعلوم (۷) أن أزمنه كثيره لا يعرف فيها قائل بهذا المذهب من أهل البيت كزماننا هذا و غيره و إنا لم نشاهد فى وقتنا (۸) قائلا بالمذهب الذى أفسدناه

ص: ۱۶۰

۱- فى المصدر: فليس أولى.

۲- فى المصدر: إلى الجماعات ادى هذا.

۳- فى المصدر: كاعداد الصلاه.

۴- فى المصدر: و مع هذا فلا يمنعنا ذلك:

۵- فى المصدر: و تقرير أصول الشرائع.

۶- فى المصدر: و على اجماع أهل البيت.

۷- فى المصدر: لم يقدح فيما اعتمدناه، لان من المعلوم.

۸- فى المصدر: فى وقتنا هذا.

و لا أخبرنا عمن هذه حاله فيه و المعتبر فی الإجماع كل عصر فثبت ما أوردناه (۱).

فأما ما يمكن أن يستدل بهذا الخبر عليه من ثبوت حجه مأمون فی جمله أهل البيت فی كل عصر فهو أنا نعلم أن الرسول صلی الله عليه و آله إنما خاطبنا بهذا القول علی جهه إزاحه العله لنا و الاحتجاج فی الدين علينا و الإرشاد إلی ما يكون فيه نجاتنا من الشكوك و الريب و الذی يوضح ذلك أن فی روايه زيد بن ثابت هذا الخبر و هما الخليفتان من بعدی و إنما أراد أن المرجع إليهما بعدی فی ما كان يرجع إلی فيه فی حياتی فلا يخلو من أن يريد أن إجماعهم حجه فقط دون أن يدل القول علی أن فيهم فی كل حال من يرجع إلی قوله و يقطع علی عصمته أو يريد ما ذكرناه فلو أراد الأول لم يكن مكملا للحجه (۲) و لا مزيحا لعلتنا و لا مستخلفا من يقوم مقامه فينا لأن العتره أولا قد يجوز أن يجمع علی القول الواحد و يجوز أن لا يجمع بل يختلف فما هو الحجه من إجماعها ليس بواجب ثم ما اجتمعت عليه هو جزء من ألف جزء من الشريعه و كيف يحتج علينا فی الشريعه بمن لا نصيب عنده من حاجتنا إلا القليل من الكثير و هذا يدل علی أنه لا بد فی كل عصر من حجه فی جمله أهل البيت مأمون مقطوع علی قوله و هذا دليل علی وجود الحجه علی سبيل الجمله و بالأدله الخاصه يعلم من الذی هو حجه منهم علی سبيل التفضيل علی أن صاحب الكتاب قد حكم بمثل هذه القضيه فی قوله إن الواجب حمل الكلام علی ما يصح أن يوافق فيه العتره للكتاب و أن الكتاب إذا كان دلاله علی الأمور وجب فی العتره مثل ذلك و هذا صحيح ليجمع بينهما فی اللفظ و الإرشاد إلی التمسك بهما ليقع الأمان من الضلال و الحكم بأنهما لا يفترقان إلی القيامه و إذا وجب فی الكتاب أن يكون دليلا و حجه وجب مثل ذلك فی قولهم أعنی العتره (۳) و إذا كانت دلاله الكتاب مستمره غير منقطعه و موجوده

۱- فثبت ما اردناه.

۲- فی المصدر: لم يكن مكملا للحجه علينا.

۳- فی المصدر: فی قول العتره.

فی کـل حـال و ممکنه أصابتهـا فی کـل زمان وجب مثل ذلک فی قول العتره المقرون بها و المحکوم له بمثل حکمها و هـذا لا یتم إلاـ بـأن یکون فیهـا فی کـل حـال من قوله حجه لأن إجماعها علی الأمور لیس بواجب علی ما بیناه و الرجوع (۱) إلیهما مع الاختلاف و فقد المعصوم لا یصح فلا بد مما ذکرناه.

و أمـا الأخبـار الثلاـثه التی أوردهـا علی سبیـل المعارضه للخبر الـذی تعلقنا به فأول ما فیها أنها لا تجری مجری خبرنا فی القوه و الصـحه لأـن خبرنـا ممـا نقله المختلفون و سـلمه المتنـازعون و تلقته الأـمه بـالقبول و إنما وقع اختلافهم فی تأویله و الأخبار التی عارض بها لا یجری هـذا المجری لأنها مما تفرد المخالف بنقله و لیس فیها إلا ما إذا کشـفت عن أصـله و فتشت عن سـنده ظهر لک انحراف من راویه و عصبیه من مدعیه و قد بینا فیما تقدم سقوط المعارضه بما یجری هذا المجری من الأخبار.

فأما ما رَوَاهُ مِنْ قَوْلِهِ اقْتَدُوا بِالَّذِینَ مِنْ بَعْدِی.

فقد تقدم الکلام علیه عند معارضته بهذا الخبر استدلالنا بخبر الغدیر استقصیناه هناک فلا معنی لإعادته (۲).

ص: ۱۶۲

۱- فی المصدر: و الرجوع إلیها.
۲- فـذکر بعـد بیان ان هـذا الخبر لا یـدانی خبر الغدیر لانه من الاخبار الآحاد، و خبر الغدیر من الاخبار المتواتره، و ممّا أجمعت الأمه علی قبوله وجوها فی تضـعیفه و عـدم دلالته، منها ان راوی الخبر عبد الملک بن عمیر و هو من شـیع بنی أمیّه و ممن تولی القضاء لهم و کان شدیـد النصب و الانحراف عن أهل البیت ظنینا فی نفسه و امانته، و روی انه کان یمر علی أصـحاب الحسـین علیه السـلام و هم جرحی فیجهز علیهم فلمـا عوتب قـال: أریـد أن اریحهم و منهـا ان الامر بالرجلین یسـتحیل لأنّهما مختلفان فی کثیر من احکامهما و افعالهما، و الاقتـداء بالمختلفین و الاتباع لهما متعذر غیر ممکن، و منها ان ذلک یقتضـی عصـمتهما و لیس هـذا بقول لاحـد فیهما، و منها انه لو کان ثابتا لاحتـج به أبو بکر لنفسه فی السـقیفه و لما یعدل إلی روایه ان الأئمّه من قریش، و لاحتـج به أیضـا علی طلحه لمـا نازعه علی نصبه لعمر، و لما احتـج بقوله: اقول : یا رب ولیت علیهم خیر اهلک ، وأیضا لو کان الخبر صـحیحا لکان حاظرا مخالفه الرجلین وموجبا لموافقتهما فی جمیع اقوالهما وافعالهما مع ان کثیرا من الصـحابه قـد خالفهما فی کثیر من احکامهما ، وکان یجب ان ینبها المخالفین علی مقتضی هذا الخبر ان مخالفتهما محظور و ممنوع ، علی ان ذلک لو اقتضی النص بالامامه لاقتضی ما رووه عنه صلی الله علیه و آله من قوله : « اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم » امامه الکل ، وکذلک ما رووه من انه قال : « اهتدوا بهدی عمار ، وتمسـکوا بعهد ابن ام عبد » ولو جاوزنا ذلک وسـلمنا صـحه الخبر لم یکن فیه تصریح بنص لانه مجمل لم یبین فی ای شئ یقتدی بهما ، کما إن قوله : بعدی ایضا مجمل لیس فیه دلاله علی ان المراد بعد وفاتی ، او بعـد حال اخری من احوالی ، ولهـذا قال بعض اصـحابنا ان سـبب هـذا الخبر ان النبی صـلی الله علیه و آله کان سالکا بعض الطریق وهما متأخرین عنه فقال صـلی الله علیه و آله لبعض من سأله عن الطریق الذی یسلکه فی اللحوق به : اقتدوا باللذین من بعـدی. أقول: : ویبطله أیضـا احادیث رووها فی عـدم اسـتخلاف النبی صـلی الله علیه وآله کقوله : « لو کنت مسـتخلفا احـدا لاسـتخلفت ابا بکر » ویبطله ایضا احاله أبی بکر الامر یوم السـقیفه إلی أبی عبیده وعمر. وتخلف بنی هاشم ووجوه من الصـحابه کابی ذر وسـلمان وعمار ومقداد وسـعد بن عباده وجماعه من الانصار عن بیعته. واقرار عمر بعدم اسـتخلاف النبی صلی الله علیه

وآله فی مواضع متعدده.

و أما ما

رَوَاهُ مِنْ قَوْلِهِ إِنَّ الْحَقَّ لَيَنْطِقُ عَلَى لِسَانِ عُمَرَ.

فهو مقتض إن كان صحيحا عصمه عمر و القطع على أن أقواله كلها حجه و ليس هذا مذهب أحد فى عمر لأنه لا خلاف فى أنه ليس بمعصوم و أن خلافه سائغ و كيف يكون الحق ناطقا على لسان عمر ثم يرجع فى الأحكام من قول إلى قول و يشهد على نفسه بالخطإ و يخالف فى الشى ء ثم يعود إلى قول من خالفه فيوافقه عليه و يقول لو لا على لهلك عمر و لو لا معاذ لهلك عمر و كيف لم يحتج بهذا الخبر هو لنفسه فى بعض المقامات التى احتاج فيها (١) و لم يقل أبو بكر لطلحه لما قال له ما تقول لربك إذ وليت علينا فظا غليظا أقول له وليت من شهد الرسول صلى الله عليه و آله بأن الحق ينطق على لسانه.

و ليس لأحد أن يدعى فى الامتناع من الاحتجاج بذلك سببا مانعا كما ندعيه فى ترك أمير المؤمنين عليه السلام الاحتجاج بالنص لأنا قد بينا فيما تقدم أن لتركه عليه السلام ذلك سببا ظاهرا و هو تأمر القوم عليه و انبساط أيديهم و أن

١- فى المصدر: احتاج الى الاحتجاج، و كيف لم يقل.

أَوَّلَ مَا يَأْتِيكَمْ (۱)إِلَّا رَسُولُ مُحَمَّدٍ يَأْمُرُكُمْ عَنْهُ بِالْجَلَاءِ فَأَطِيعُونِی فِی خَصْلَتَیْنِ لَا خَیْرَ فِی الثَّالِثَهِ أَنْ تُسْلِمُوا فَتَأْمَنُوا عَلَى دِيَارِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ يَأْتِيكُمْ مَنْ يَقُولُ لَكُمْ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ فَقَالُوا هَذِهِ أَحَبُّ إِلَيْنَا قَالَ أَمَا إِنَّ الْأُولَى خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهَا وَ لَوْ لَا أَنِّی أَفْضَحُكُمْ لَأَسْلَمْتُ ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدَ بْنَ مَسْلَمَهَ إِلَيْهِمْ يَأْمُرُهُمْ بِالرَّحِيلِ وَ الْجَلَاءِ عَنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُؤَجِّلَهُمْ فِی الْجَلَاءِ ثَلَاثَ لَيَالٍ (۲).

أَقُولُ قَالَ الْكَازِرُونِيُّ وَ غَيْرُهُ فِی شَرْحِ تِلْكَ الْقِصَّهِ كَانَتْ غَزْوَهُ بَنِی النَّضِيرِ فِی رَبِيعِ الْأَوَّلِ (۳)وَ كَانَتْ مَنَازِلُهُمْ بِنَاحِيَهِ الْفَرْعِ وَ مَا وَالاهَا بِقَرْيَهٍ يُقَالُ لَهَا زُهْرَهُ وَ إِنَّهُمْ لَمَّا نَقَضُوا الْعَهْدَ وَ عَاقَدُوا الْمُشْرِكِينَ عَلَى حَرْبِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله خَرَجَ صلى الله عليه و آله يَوْمَ السَّبْتِ وَ صَلَّى فِی مَسْجِدِ قُبَاءَ وَ مَعَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ (۴)ثُمَّ أَتَى بَنِی النَّضِيرِ فَكَلَّمَهُمْ أَنْ يُعِينُوهُ فِی دِيَهِ رَجُلَيْنِ كَانَ قَدْ آمَنَهُمَا فَقَتَلَهُمَا عَمْرُو بْنُ أُمَيَّهَ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَقَالُوا نَفْعَلُ وَ هَمُّوا بِالْغَدْرِ بِهِ فَقَالَ عَمْرُو بْنُ الحجاش (۵)أَنَا أَظْهَرُ عَلَى الْبَيْتِ فَأَطْرَحُ عَلَيْهِ صَخْرَهَ فَقَالَ سَلَامُ بْنُ مِشْكَم لَا تَفْعَلُوا فَوَ اللَّهِ لَيُخْبَرَنَّ بِمَا هَمَمْتُمْ (۶)فَجَاءَ جَبْرَئِيلُ فَأَخْبَرَهُ صلى الله عليه و آله فَخَرَجَ رَاجِعاً إِلَى الْمَدِينَهِ ثُمَّ دَعَا عَلِيّاً وَ قَالَ لَا تَبْرَحْ مِنْ مَكَانِكَ فَمَنْ خَرَجَ عَلَيْكَ مِنْ أَصْحَابِی فَسَأَلَكَ عَنِّی فَقُلْ تَوَجَّهَ إِلَى الْمَدِينَهِ فَفَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ لَحِقُوا بِهِ فَبَعَثَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله مُحَمَّدَ بْنَ مَسْلَمَهَ إِلَيْهِمْ وَ أَمَرَهُمْ بِالْجَلَاءِ

۱- فی المصدر: و اللّه ما يأتيكم.

۲- إعلام الورى: ۵۶ ط ۱ و ۹۷ ط ۲.

۳- فی الامتاع: فی ربيع الأوّل على رأس سبعه و عشرين شهرا من مهاجر النبیّ صلّى اللّه عليه و آله، و يقال: كانت فی جمادى الأولى سنه أربع، و روى عقيل بن خالد و غيره عن ابن شهاب قال: كانت غزوه بنی النضير بعد بدر بسته أشهر.

۴- فی الامتاع: دون العشره.

۵- فی الامتاع: عمرو بن جحاش.

۶- فی المصدر: بما هممتم به.

الخطأ علیه فی أقواله و أفعاله و نحن نقول بـذلک و نوجه بهذا الخبر لو صح إلی أمیر المؤمنین علیه السـلام و الحسن و الحسـین علیهما السلام لأن هؤلاء ممن ثبتت عصمته و علمت طهارته علی أن هذا الخبر معارض بما هو أظهر منه و أثبت روایه مثل ما

رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله مِنْ قَـوْلِهِ إِنَّکُمْ مَحْشُـورُونَ (۱) إِلَی اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَـامَهِ حُفَـاهً عُرَاهً وَ إِنَّهُ سَـیُجَاءُ بِرِجَالٍ مِنْ أُمَّتِی فَیُؤْخَـذُ بِهِمْ ذَاتَ الشِّمَالِ فَأَقُولُ یَا رَبِّ أَصْـحَابِی فَیُقَالُ إِنَّکَ لَا تَـدْرِی مَا أَحْـدَثُوا بَعْدَکَ إِنَّهُمْ لَا یَزَالُوا (۲) مُرْتَدِّینَ عَلَی أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ.

وَ مَا رُوِیَ مِنْ قَوْلِهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ مِنْ أَصْحَابِی لَمَنْ لَا یَرَانِی بَعْدَ أَنْ یُفَارِقَنِی.

وَ قَوْلِهِ أَیُّهَا النَّاسُ بَیْنَا أَنَا عَلَی الْحَوْضِ إِذْ مُرَّ بِکُمْ زُمَراً فَتَفَرَّقَ بِکُمُ الطُّرُقُ فَأُنَادِیکُمْ إِلَیَّ هَلُمُّوا (۳) إِلَی الطَّرِیقِ فَیُنَادِی مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ رَبِّی أَنَّهُمْ بَدَّلُوا بَعْدَکَ فَأَقُولُ أَلَا سُحْقاً سُحْقاً.

وَ مَا رُوِیَ مِنْ قَوْلِهِ صـلی الله علیه و آله مَا بَالُ أَقْوَامٍ یَقُولُونَ إِنَّ رَحِمَ رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله لَا یَنْفَعُ (۴) یَوْمَ الْقِیَامَهِ بَلَی وَ اللَّهِ إِنَّ رَحِمِی لَمَوْصُولَهٌ فِی الـدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ إِنِّی أَیُّهَـا النَّاسُ فَرَطُکُمْ عَلَی الْحَوْضِ فَـإِذَا جِئْتُمْ قَالَ الرَّجُلُ مِنْکُمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ وَ قَالَ الْآخَرُ أَنَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ فَأَقُولُ أَمَّا النَّسَبُ فَقَدْ عَرَفْتُهُ وَ لَکِنَّکُمْ أَحْدَثْتُمْ بَعْدِی وَ ارْتَدَدْتُمُ الْقَهْقَرَی.

وَ قَوْلِهِ لِأَصْـحَابِهِ لَتَتَّبِعُنَّ سَـنَنَ مَنْ کَـانَ قَبْلَکُمْ شِبْراً بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعـاً بِـذِرَاعٍ حَتَّی لَوْ دَخَلَ أَحَـدُهُمْ فِی جُحْرِ ضَبٍّ لَـدَخَلْتُمُوهُ فَقَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ الْیَهُودَ وَ النَّصَارَی فَقَالَ فَمَنْ إِذاً.

وَ قَالَ فِی حَجَّهِ الْوَدَاعِ لِأَصْـحَابِهِ أَلَا إِنَّ دِمَاءَکُمْ وَ أَمْوَالَکُمْ وَ أَعْرَاضَکُمْ عَلَیْکُمْ حَرَامٌ کَحُرْمَهِ یَوْمِکُمْ هَذَا فِی شَهْرِکُمْ هَذَا وَ بَلَدِکُمْ هَذَا أَلَا لِیُبَلِّغِ الشَّاهِدُ

۱- فی المصدر: تحشرون.

۲- فی المصدر: لم یزالوا.

۳- فی المصدر: الا هلموا.

۴- فی النسخه المخطوطه: (لا ینقطع) و فی المصدر: ینقطع.

مِنْكَمُ الْغَائِبَ أَلَا لَا عَرَفْتُكَمْ تَرْتَدُّونَ بَعْدِی كُفَّاراً يَضْرِبُ بَعْضُكَمْ رِقَابَ بَعْضٍ إِلَّا أَنِّی قَدْ شَهِدْتُ وَ غِبْتُمْ.

فكيف يصح ما ذكره من الأمر بالاقتداء على ما ذكرناه بمن تناوله اسم الصحابه على أن هذا الخبر لو سلم من كل ما ذكرناه لم يقتض الإمامه على ما ادعاه صاحب الكتاب لأنه لم يبين فی لفظه الشی ء الذی يقتدی بهم فيه و لا أنه مما يقتضی الإمامه دون غيرها فهو كالمجمل الذی لا يمكن أن يتعلق بظاهره و كل هذا واضح (۱).

ص: ۱۶۶

۱- الشافی: ۱۷۷. ۹.

**[ترجمه]مؤلف: برسی در مشارق الانوار از ابن عباس نقل کرده که حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم در ضمن یک سخنرانی فرمودند:

ای مردم! خداوند به من خبر داده که فوت خواهم شد. پسر عمویم که برادر من است، وصی و ولی اللّٰه است و جانشین من که از طرف من تبلیغ می کنـد. وی امام متقین و پیشوای سـفید چهرگان و یعسوب دین است. اگر او را راهنمای خود قرار دهید به مقصود می رسـید و اگر پیرو او گردیـد، نجات می یابیـد. اطاعت از او اطاعت خداست و مخالفت او مخالفت خدا؛ بیعت با او بیعت با خداست و پیمان شکسـتن با او پیمان شـکنی با خدا است. خداوند قرآن را بر من نازل کرده، علی سفیر قرآن است. هر که مخالف قرآن باشد گمراه است و هر که غیر علی را پیروی کند، خوار است.

مردم! اهل بیت من مورد توجه من و خویشاوندان و اولاد و ذریه و پاره تن و خون و امانت من هسـتند. شـما فردا جمع خواهید شد و از دو امانت گران بازخواست می شوید.

متوجه باشـید که چگونه با آن دو رفتار خواهید کرد. هر کس که آنها را بیازارد، مرا آزرده و ظالم آنها ظالم من است و ناصـر ایشان ناصر من است. هر که آنها را احترام کند مرا احترام نموده، کسی که از غیر آنها هدایت بجوید، مرا تکذیب کرده است. از خدا بترسـید و متوجه باشـید که فردا چه خواهید گفت. من دشـمن کسـی هسـتم که دشمن آنها باشد و هر که من دشمن او باشم، وای بر او است. - . مشارق الأنوار. نسخه آن نزد من نیست. -

صـدوق در کتاب فضایل شـیعه به اسـناد خود از محمّد قبطی، از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: مردم خود را نسـبت به فرمایش پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم درباره علی در روز غدیر خم به غفلت زدند، چنان چه از فرمایش آن جناب در روز مشـربه ام ابراهیم غافل شدند. مردم به عیادت آن جناب آمدند. علی علیه السّـلام آمد تا نزدیک پیغمبر شود، اما جا نیافت. وقتی حضرت رسول صلی اللّٰه علیه و آله و سلم مشاهده کرد که برای علی جا باز نمی کنند، فرمود: مردم! اینها اهل بیت من هسـتند، احترام آنها را نمی داریـد در صورتی که هنوز زنـده هسـتم! بدانید که اگر من از میان شـما بروم، خدا هست. روح و راحت و خشـنودی و بشارت و دوستی و محبت به پیرو و دوسـتدار و مطیع علی و اوصـیای بعد از او اختصاص دارد. بر من لازم است که آنها را مشـمول شـفاعت خود کنم، چون پیرو مننـد و هر که پیرو من شـد، از خودم محسوب می شود، مانند پیروان ابراهیم. چون من از ابراهیم هسـتم و ابراهیم از من، دین من دین او و سنتم سنت او و فضل او فضل من است، ولی من از او افضل هسـتم و فضل من فضل اوست. اینک سخن مرا تصدیق می کند آیه قرآن که می فرماید: «ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» - . آل عمران / ۳۴ - {فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.} - . فضایل شیعه: ۱۵۴ -

تکمیل: سید مرتضـی (قـدس اللّٰه روحه) در کتاب شافی، مزخرفات و خرافات یک دشـمن علی را نقل می کنـد و بعـد جواب گفتار او را می دهد. گوینده می گوید: دلیل دیگری شیعه دارد که گاهی اسـتدلال می کند به روایت: «انی تارک فیکم ما ان تمسـکتم به لن تضـلوا: کتـاب اللّٰه و عترتی اهـل بیتی لن یفترقـا حتی یردا علی الحوض» و می گوینـد که این روایت دلالـت بر امـامت و عصـمت آنهـا دارد. گـاهی برای تأییـد مطلب روایت، این فرموده دیگر پیـامبر را می آورنـد: «ان مثل اهل بیتی فیکم کمثل سـفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق» که این روایت، بر عصـمت و وجوب اطاعت آنها و تهدیـد بر مخالفت

ایشان دلالت می کند. گفته اند و این خود موجب نص و تصریح بر امیرالمؤمنین علیه السّلام است. بعد می گوید: این مطلب دلالت دارد بر اینکه اجماع عترت پیامبر حاکی از یک حقیقت خواهد بود، زیرا یا منظور تمام آنها است یا یکی یکی از ایشان، و این مطلب معلوم است که منظور همه آنها هستند و نمی توان یک یک ایشان را منظور نمود، چون جمله موجب جمع است و به دلیل اینکه گاهی بین آنها خلاف اتفاق می افتد، چنان چه تاریخ شاهد است، و نمی تواند سخن هر یک آنها حق باشد، چون حق نمی تواند یک چیز و ضد آن باشد. و اختلاف آنها در چیزی که حالش چنین است ثابت شده و نمی توان گفت آنها با اختلافی که دارند، از کتاب جدا نمی شوند. و این مطلب بیان می کند که مراد این است که هر چه بر آن اجماع کردند حق است تا فرمایش پیغمبر صحیح باشد که فرموده است: «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض.»

با توضیحی که دادیم، این روایت نمی تواند دلیل بر امامت باشد، زیرا امامت در تمام آنها نبوده و هر زمان به یکی اختصاص داشته است. ما ثابت کردیم که منظور از خبر، مطلبی است که مربوط به همه آنها است. این مطلب ما را تأیید می کند که هیچ کدام از مخالفین ما (شیعه) نگفته اند که امامت در همه آنها است، در این صورت باید از ظاهر کلام صرف نظر نمایند و طوری تفسیر کنند که عده ای کمی از آنها را شامل شود و این کار بدون دلیل نمی شود.

آنها نمی توانند بگویند وقتی دلالت بر عصمت آنها کرد، عصمت نیست مگر در علی امیرالمؤمنین، سپس یکی پس از دیگر از امامان علیهم السّلام. در این صورت لازم می شود که منظور همان باشد، چون می توان گفت منظور این است که آنها در چیزهایی که اتفاق دارند معصوم خواهند بود و این بیشتر به ظاهر روایت ارتباط دارد. از آن گذشته لازم است کلام را طوری معنی کنیم که صحیح باشد و عترت با کتاب موافق گردد، با اینکه می دانیم در قرآن کریم دلالتی است بر امور، واجب است که سخن پیامبر را درباره عترت حمل بر چیزی کنیم که مقتضی دلالت باشد و این صحیح نیست، مگر اینکه گفته شود اجماع آنها حق و دلیل است.

اما راه امامیه و شیعه بر خلاف این فرض و مقصد است. استاد ما ابوعلی گفته است: اگر این روایت دلالت بر امامت دارد، باید فرمایش پیغمبر: «بعد از من پیرو ابا بکر و عمر باشید» این روایت هم دلالت بر امامت دارد. و فرمایش دیگر پیغمبر: «حق بر زبان و قلب عمر سخن می گوید» شاهد است بر امامت عمر. و این فرموده: «اصحاب من چون ستارگانند، از هر کدام که پیروی کنید هدایت می یابید» نیز دلالت بر همان مطلب دارد.

بعد در جواب این کلمات می گوید: این سخنان درباره آنها گفته می شود، اما سخن پیامبر «انی تارک فیکم الثقلین» بنا بر اقرار خود او دلالت می کند که اجماع اهل بیت حجت است. و نیز بعد از ثبوت این مقام، بر امامت امیرالمؤمنین علیه السّلام بعد از پیامبر بدون فاصله و بر چیزهای دیگری که اهل بیت بر آن ها اجماع دارند دلالت دارد. و نیز می توان از همین روایت استدلال کرد بر اینکه در هر عصر و زمانی باید از این خانواده حجت معصومی وجود داشته باشد که قطع به صحت گفتارش داشته باشیم.

این سخن پیامبرکه فرمود: «مثل اهل بیت من میان شما چون کشتی نوح است» در توجه دادن به اهل بیت و راهنمایی به آنها شبیه خبر اول است، گرچه خبر اول قوی تر و عمومیت فایده آن زیادتر است. ما جمله ای که آن را ذکر کردیم توضیح می دهیم: اگر گفته شود قبل از اینکه درباره معنی خبر بحث نمایید صحت خبر را ثابت کنید، می گوییم دلیل صحت خبر این

است که تمام امت محمّد این خبر را قبول دارند و هیچ کدام با اینکه در تأویل اختلاف دارند، در صحت اختلاف نکرده اند. این خود گواهی است بر اینکه حجت به وسیله اصل خبر تمام است و شک و تردیدی در آن نیست.

وقتی خبری پیش دانشمندان می آورند که صحت آن مشکوک است، اول درباره اصل کلام سخن می گویند که حجت به چنین خبری ثابت نمی شود. بعد شروع به تأویل کلام می نمایند. وقتی می بینیم در مورد این خبر بحثی راجع به این مطلب نکرده اند و هر کدام مطابق مذهب و طریقه خود خبر را حمل نموده اند، این خود دلیلی بر مطلب ما است.

اگر بگویند منظور از عترت کیست که تمام سخنان در اطراف اسمی است که باید معنی آن توضیح داده شد، در جواب می گوییم، عترت مرد در لغت، نسل اوست، مانند فرزند و فرزند فرزند. بعضی از لغوی ها این معنی را توسعه داده اند و گفته اند که عترت شخص، قوم و خویش های نزدیک نژادی او هستند بنا بر قول اول، ظاهر خبر و باطن آن حسن و حسین و اولاد آنها را شامل می شود و بنا بر معنی دوم، آنهایی را که ذکر کردیم و کسانی که شبیه ایشان در خویشاوندی نزدیک نژادی باشند نیز شامل می شود. با اینکه پیغمبر اکرم سخن خود را چنان توضیح داده که شبهه ای باقی نماند. فرموده: «عترت من اهل بیتم هستند.» این حکم را اختصاص داده به کسی که هر دو اسم عترت و اهل بیت او را شامل شود. ما می دانیم کسانی که عترت پیامبر و اهل بیت او هستند، همان هایی می باشند که ذکر کردیم، از اولاد و اولاد اولاد و کسی که شبیه آنها است در نسب و نژاد نزدیک. به اضافه اینکه پیغمبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله و سلم توضیح داده چه کسی اهل بیت او حساب می شود و این خبر، این مطلب را تقویت می کند که: «آن جناب روزی امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را در خانه خود جمع کرد، آنها را در زیر کسای خویش قرار داد و بعد گفت: خدایا! اینها اهل بیت منند. پلیدی را از آنها دور کن و ایشان را پاک بدار.» و در این مورد آیه ای نازل شد. - . احزاب / ۳۳ - ام سلمه گفت: یا رسول اللّٰه! من از اهل بیت شما نیستم؟ فرمود: نه، ولی تو عاقبت بخیری.

پس این امتیاز اختصاص به آنها گرفت نه دیگری و حکم نیز باید متوجه آنها شود و کسانی که با دلیل به ایشان ملحق شوند. و اجماع کرده اند که تمسک و اقتدا به اهل بیت را کسانی لازم می شمارند بر اینکه اولاد اهل بیت نیز مانند خود آنها هستند. با همین دلیل ثابت می شود که حکم مربوط به همه آنهاست.

اگر بگویند بعضی از گفتار شما شاهد بر این است که امیرالمؤمنین علیه السّلام از عترت نمی باشد، اگر عترت منحصر به اولاد و اولاد اولاد باشد چه می گویید؟ ما می گوییم کسانی که از شیعه معتقد این مقام هستند، می گویند اگرچه در حقیقت واقعا این اسم شامل او نیست، چنان چه اسم فرزند نیز بر او اطلاق نمی شود، اما او پدر عترت و سرور آنها و بهترین ایشان است و همان حکمی که به عترت اختصاص دارد، به دلیل دیگری غیر از شمول لفظ عترت، برای او نیز ثابت است.

اگر ادعا شود که چه جوابی می دهید برای گفته ابوبکر که در مقابل گروهی از امت گفت «ما عترت پیامبریم و مرکزی هستیم که از آن تراوش نموده»، این گفته ابوبکر خلاف استدلال شما را ثابت می کند؟ در جواب می گوییم اعتراض به وسیله یک خبر نامسلم بر خبری که روایت آن اجماعی و ثابت و مسلم است، مورد قبول بیشتر دانشمندان نیست و چنین اعتراضی را نمی پذیرند. با اینکه اگر گفتار ابا بکر را صحیح بدانیم، چاره ای نداریم مگر اینکه حمل بر مجاز کنیم و معنی وسیعی به لفظ عترت بدهیم، زیرا انتساب ابا بکر به پیامبر اکرم از نظر نژادی به مقداری نیست که واقعا لفظ عترت بر او اطلاق شود، زیرا بنی

تیم بن مره گرچه از کسانی که به یک یا دو پـدر فاصـله دارنـد به بنی هاشم نزدیک ترنـد، همچنین کسانی که از آنها به یک پدر یا دو پدر فاصله دارند از اینها نزدیک ترند به بنی هاشم از کسانی بیشتر از آنها فاصله دارند، این استدلال تنها موجب نمی شود که بگوییم قریش یک عترت هستند، بلکه بایـد بگوییم تمام فرزنـدان معد بن عدنان از یک عترت هستند، زیرا برخی به دیگری نزدیـک تر هسـتند از قبیله یمن به آنهـا. بنـابراین بایـد تمام بنی آدم را یک عترت حساب کرد. ابا بکر با همین انتساب افتخار می نمایـد که از نظر نژادی به پیغمبر متصل است. به ناچار بایـد بگوییم که معنی عترت را خیلی توسـعه داده اند. گاهی انسـان به کسـی که واقعـا فرزنـد او نیست می گویـد تو فرزنـد من و پسـر منی، در صورتی که منظورش امتیـاز است و از روی شفقت می گویـد. گاهی نیز به کسـی که پدرش نیست می گوید تو پدر منی. بنابراین باید گفتار ابا بکر را گرچه ظاهرش غیر از این معنی است، حمل بر این کنیم که - اگر صـحیح باشد - مشـمول این فرمایش پیامبر نیست «انی مخلف فیکم.» زیرا پیامبر اکرم سـخن خود را مقیـد به صـفتی کرده که در ابا بکر وجود نـدارد و آن قید «اهل بیت» است. زیرا شـکی نیست در اینکه ابا بکر جزو اهل پیامبر نیست که آیه تطهیر درباره آنها نازل شـده است و اختصاص به ایشان دارد. و نه شامل کسانی می شود که در عرف مردم او را اهل بیت شـخص می شمارند. زیرا کسانی که بعد از ده پدر با هم جمع می شوند، به آنها نمی گویند اهل بیت این شـخص هسـتند. وقتی این مطلب ثابت شـد، لازم است اجماع عترت حجت باشـد، زیرا اگر حجت نباشد، به هیچ وجه نمی تواند تمسک به عترت مانع از گمراهی باشد.

وقـتی تمسـک به عترت جلوی گمراهی را بگیرد، بایـد اجمـاع آنهـا حجت باشـد. اگر بگوینـد شـما خودتـان منکر نیستیـد که تمسـک وقتی جلوی گمراهی را می گیرد که به کتـاب و عترت هر دو تمسک جوینـد، از کجا ثابت می کنیـد که متمسک به عترت تنها نیز از گمراهی محفوظ است؟

جواب می دهم اگر منظور این باشـد که متمسـک به هر یـک از کتاب و عترت محفوظ از گمراهی است، اضافه نمودن عترت به کتاب فایـده ای نـدارد، زیرا اگر کتاب به تنهایی حجت باشـد، معنی نـدارد چیزی را که حجت نیست به آن اضافه نمایند. و واقع مطلب این است که متمسک به هر دو، هدایت یافته و به حق رسیده است، زیرا در غیر این صورت کار بیهوده ای بوده که عترت را به کتاب اضافه کنند.

دلیـل دیگر اینکه اضافه کردن عترت به کتاب - در صورتی که قول آنها حجت نباشـد - شبیه اضافه کردن چیزهای دیگری به کتاب خواهـد بود و دیگر وجهی ندارد که اختصاص به عترت داده شوند و توجه داده شود که این دو از هم جدا نمی شوند تا در قیـامت وارد بر پیـامبر شونـد و این مطلب بـدون شـک قابـل قبول نیست. وقتی اجماع آنها حجت بود، ثابت می شود که هر چیزی که بر آن اتفاق کردند صـحیح است. از مطالبی که بر آن اتفاق نموده اند، امامت امیرالمؤمنین علیه السّـلام بعد از پیغمبر بـدون فاصـله است، بـا اختلافی که آنها در این مطلب دارنـد که اثبات امامت ایشان به نص صـریح بوده یا پنهانی و خفی یا با مطالبی که احتمال تأویل داشته و یا نداشته اند.

اگر گفته شود چگونه شـما مدعی هستید که اهل بیت اتفاق بر این مطلب دارند، با اینکه می بینیم گروهی از آنها در امامت به راه معتزلی ها رفته انـد، جواب می دهیم ما که کسـی از اهل بیت را مشاهده نکرده ایم که بر خلاف آنچه گفتیم عقیده داشـته باشد. اگر احیانا کسـی هم بر خلاف آنچه گفتیم معتقد باشد، در صورت صـحت نمی توان بر اجماع اعتراض نمود. زیرا چنین

کسانی بسیار کمند که بیش از یک یا دو نفر نمی شوند و با این تعداد بر اجماع نمی توان خرده گرفت. با اینکه اشخاصی که درباره آنها چنین ادعایی شده، از علمای اهل بیت و حتی فضلای آنها شمرده نمی شوند. اگر خوب جستجو کنی، می بینی که اعتقاد او فقط از یک جنبه مادی و حرص دنیوی سرچشمه گرفته بوده.

با اینکه اگر ما به واسطه مخالفت یک یا دو نفر قائل شویم که اجماع از بین می رود، هیچ اجماعی در عالم به وجود نخواهد آمد. زیرا ما می دانیم که بعضی از غالیان و اسماعیلی ها مخالف اصول شرایع و تعداد نماز و سایر چیزها هستند. برخی از آنها گفته اند که پس از پیامبر، چند پیامبر دیگر آمده و رسالت به حضرت رسول ختم نشده است. ما به این مخالفین توجه و اعتنایی نمی کنیم و معتقد به اجماع درباره ختم رسالت یا اصول شرایع هستیم، با اینکه اینها تعدادشان چند برابر منسوبین پیغمبرند که بر خلاف مذهب امامت معتقد شده اند.

ما خود بعضی از اشخاص را که جزو دانشمندان به شمار می رفته اند و اهل فتوا بوده اند مشاهده کرده و با آنها مناظره نموده ایم، کسانی که می گفتند خدا از یهود و نصاری می گذرد - گرچه ایمان نیاورده اند - و آنها را عقاب نمی کند، و مطالب دیگری از چیزهایی که شکی نیست که در مورد آنها اجماع شده است.

اگر این ادعا موجب از بین رفتن دلیل ما بر اجماع اهل بیت شود و قبول کنیم که سخن آنها مخالف روش امامت هستند، باز اشکالی بر مطلب ما وارد نیست، زیرا کاملا معلوم است که زمان های زیادی است که کسی شناخته نشده که قائل به خلاف مذهب اهل بیت باشد، مثل همین زمان خودمان و زمان های دیگر. و در زمان ما کسی را مشاهده نکرده ایم که معتقد به مذهبی باشد که ما آن را باطل می دانیم.

اما در اجماع آنچه شرط است، مخالف داشتن در هر زمانی است که اجماع شده و با همین استدلال آنچه را که ما مدعی شدیم ثابت می شود. اما آنچه که در این خبر امکان استدلال دارد، ثابت شدن یک حجت است در میان اهل بیت پیغمبر در هر زمان، زیرا ما می دانیم که پیامبر اکرم این سخن را به ما فرموده تا رفع نگرانی و ناراحتی از ما بکند و در دین بر ما حجت را تمام نماید و ما را متوجه مطلبی بنماید که موجب نجات ما از شک و تردید شود.

نکته ای که این مطلب را آشکار می کند، این است که در روایت زید بن ثابت آمده است «و هما الخلیفتان من بعدی» و منظورش این است: «در مطالبی که در آنها باید به من مراجعه می کردید، پس از من به این دو مراجعه کنید.» خالی از دو حال نیست؛ یا منظورش این بوده که اجماع آنها فقط حجت است نه اینکه دلیل بر این باشد که در میان اهل بیت در هر زمان کسی هست که باید به او مراجعه نمود و او معصوم است، یا منظورش همان مطلبی است که گفتیم، یعنی در هر زمان امامی در میان اهل بیت است. اگر منظور فقط حجت بودن اجماع باشد، رفع نگرانی از ما نمی کند و نه کسی را قرار داده که در میان ما جانشین پیغمبر باشد، زیرا اولا جایز است که عترت بر یک قول اجماع داشته باشند و ممکن است اجماع بر یک قول نکنند و اختلاف داشته باشند.

پس آنچه حجت است از اجماع آنها واجب نیست. از آن گذشته، مقداری که در آن اجماع دارند از احکام شریعت یک هزارم هم به حساب نمی آید. چگونه می تواند خداوند از ما بازخواست کند که حجت بر شما تمام کرده ام با اینکه این

حجت در یک هزارم از مسائل دینی بوده؟ این مطلب ثابت می کند که باید در هر عصر میان اهل بیت حجتی مورد اعتماد وجود داشته باشد که سخنش شک و تردیدی به جا نمی گذارد و بودن امام را فی الجمله ثابت می کند. آنگاه به وسیله دلایل شیعه ثابت می شود شخص حجت کدام یک از آنهایند.

با اینکه صاحب کتاب نیز همین قضاوت را نموده، در آنجا که می گوید: باید کلام را حمل نمود بر یک معنی که صحیح باشد و عترت پیامبر و کتاب خدا بر آن توافق نمایند. وقتی کتاب دلالت بر چیزی داشت، واجب است در عترت نیز همین اعتقاد باشد.

اینک چنین نظریه ای صحیح است تا سخن پیامبر اکرم درست در آید. راجع به ارشاد که تمسک به آن دو از گمراهی امان می دهد و حکم به اینکه آن دو تا قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند، وقتی کتاب راهنما و حجت باشد، باید عترت نیز چنین باشد.

چون دلالت کتاب دائمی و در هر زمان غیر قابل قطع است و امکان رسیدن به آن در هر زمان هست، باید در عترت نیز که همتا و قرین قرآن است، همین مطلب باشد. این هم امکان ندارد مگر اینکه میان آنها در هر زمان حجتی وجود داشته باشد که قولش حجت باشد، زیرا اجماع آنها بر تمام کارها حتمی نیست - چنان چه توضیح دادیم - و رجوع به کتاب و عترت با اختلافی که بین عترت است و نبودن معصومی میان آنها، صحیح نیست. به ناچار آنچه گفتیم ثابت می شود.

اما سه خبری که به عنوان اعتراض برای خبر ما آورد؛ اول دلیل ما این است که آن اخبار از نظر صحت به خبر ما نمی رسد، زیرا خبر ما را کسانی که اختلاف دارند نقل کرده اند و نزاع کنندگان نیز صحیح می دانند و امت پذیرفته اند و فقط می توان گفت که اختلاف در تأویل آن دارند.

اما خبرهایی که به عنوان معارض ذکر شده به این موقعیت و مقام نمی رسند، زیرا آنها را فقط مخالفین نقل کرده اند و هر کدام را که جستجو کنی، می یابی که یا راوی آن منحرف بوده یا تعصب داشته است و قبلا گفتیم که با چنین خبرهایی نمی توان معارضه نمود.

اما روایتی که نقل کرده اند از فرمایش پیغمبر: «بعد من پیرو ابوبکر باشید»، گفتار ما در این مورد گذشت - آنجا که خبر مذکور را معارض با استدلال ما به خبر غدیر خم گرفتند - و در آنجا خوب توضیح دادیم که وجهی برای اعاده آن نیست.

اما روایتی که گفته اند: «حق با زبان عمر سخن می گوید»، اگر صحیح باشد موجب عصمت عمر می شود و قطع باید کرد که اقوال او همه اش حجت است. این سخن را هیچ کس درباره عمر معتقد نشده، با اینکه او در احکام از این قول به قول دیگر بر می گردد و خودش گواهی می دهد که اشتباه می کند در بعضی چیزها مخالفت می کند، بازبرمی گردد به قول مخالفت خود و با او موافق می شود و می گوید: «لو لا علی لهلک عمر و لو لا معاذ لهلک عمر.» موقعی که طلحه به ابوبکر اعتراض کرد که جواب خدا را چه می دهی که شخصی درشتخو و سختگیر را بر ما حکومت دادی، در جوابش نگفت کسی را بر شما فرمانروا گردانیدم که پیغمبر درباره او فرموده: (الحق ینطق علی لسانه). کسی نمی تواند مدعی شود که ابوبکر مانعی داشت که این

استدلال را نکرد، چنان چه ما ادعای همین مطلب را در مورد امیرالمؤمنین داریم که استدلال به نص پیغمبر نکرد. زیرا قبلا گفتیم امیرالمؤمنین که استدلال نکرد، علت آشکاری داشت، و آن حکومت ایشان و قدرت آنها و تقیه و ترساندن از نیروی خود بود. اما برای عمر و ابوبکر که تقیه ای وجود نداشت، زیرا سلطنت در دست آنها بود و تقیه از آنها می کردند.

با اینکه اگر این خبر از نظر سند و معنی صحیح باشد، باید شخصی که می گوید این خبر مقتضی امامت می شود توضیح دهد که چگونه اقتضای امامت می کند و فقط ادعا نکند. و نمی تواند بگوید وقتی فلان خبر و فلان خبر دلیل بر امامت باشد، این خبر هم موجب امامت می شود. زیرا ما وقتی ادعا کردیم در مورد آن خبرها تنها ادعا نبود و توضیح دادیم که به چه دلیل امامت را ثابت می کند. وقتی ما با او به مبارزه پرداختیم، او هم باید همین کار را بکند.

اما روایتی که استدلال کرد که پیغمبر فرموده: «اصحاب من مانند ستارگان هستند، به هر کدامشان که اقتدا کنید هدایت می شوید»، قبلا توضیح دادیم که این خبر و سایر خبرها معارض با این فرمایش پیغمبر: «من ثقلین را برای شما باقی می گذارم»، نیست، و در صورتی که از آن چشم پوشی کنیم، می توانیم بگوییم که اگر این خبر صحیح باشد، باید تمام صحابه معصوم باشند تا امر کردن به اقتدا و پیروی از صحابه صحیح باشد، با اینکه میان آنها فاسق و معاند و مخالف امت و مخالف پیامبر وجود داشت. یکی از صحابه معاویه بود و دیگری عمرو بن عاص و یاران این دو.

نظر صاحب کتاب درباره این دو نفر معروف و آشکار است. از جمله صحابه طلحه و زبیر بودند که با امیرالمؤمنین علیه السّلام در جنگ جمل پیکار کردند و شکی در فسق آنها نیست. با اینکه ادعا کرده اند که آنها بعد از این جریان توبه کرده اند. بعضی از بیعت با امیرالمؤمنین علیه السّلام سر باز زدند و در امامت حضرت علی علیه السّلام با مسلمانان موافقت نکردند. بعضی عثمان را محاصره نموده، از آب جلوگیری کردند و معتقد به مرتد شدن او گشتند و خونش را ریختند. چگونه جایز است پیغمبر اکرم دستور دهد که به آنها اقتدا کنید؟

چاره ای نیست و این خبر را در صورت صحت، باید حمل کرد نسبت به تعداد مخصوصی از صحابه، چون باید به کسی اقتدا کرد که معصوم باشد و از خطا در گفتار و کردار مأمون و مورد اطمینان باشد.

ما همین خبر را قبول داریم، اگر صحیح است که منظور امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهم السّلام هستند، زیرا ایشان دارای عصمت بوده و طهارت آنها ثابت شده است. با اینکه خبر فوق با خبر دیگری که از آن صحیح تر و ثابت تر است معارض است، مانند آن روایتی که از پیامبر اکرم نقل شده که فرمود: «شما روز قیامت پا برهنه و عریان محشور می شوید. روز قیامت گروهی از مردان امت مرا می آورند و به طرف چپ می کشانند. من فریاد می زنم: خدایا اصحابم! جواب می آید که نمی دانی اینها بعد از تو چه کردند؟ از وقتی تو رحلت کردی ایشان به بی دینی خود برگشتند.

روایت دیگر که فرمود: «بعضی از اصحاب، مرا بعد از فوت نخواهند دید.» و این فرمایش دیگرش: «مردم! در همان موقع که من کنار حوض هستم، گروهی از شما را می برند و متفرق می شوید. من فریاد می کنم: بیایید پیش من، راه اینجا است!

یک منادی از طرف خدا فریاد می کند: اینها بعد از تو تغییر دادند. من می گویم: مرگ بر آنها مرگ!»

و روایت دیگر که فرمود: «چه شده که گروهی مدعی هستند خویشاوندی با پیغمبر در قیامت سودمند نیست؟ به خدا قسم خویشاوندی من ثابت است در دنیا و آخرت. من جلوتر از شما به حوض وارد می شوم. وقتی شما می آیید، یکی می گوید: یا رسول اللّٰه! من فلان بن فلانم و دیگری می گوید من فلان بن فلان. شما را از نظر نژادی شناختم، اما بعد از من کارهایی بر خلاف کردید و مرتد شدید.»

و روایت دیگر که به اصحاب فرمود: «شما نیز آنچه بر امت های پیشین گذشته را وجب به وجب خواهید دید، حتی اگر یکی داخل لانه سوسماری شده، شما هم داخل خواهید شد. گفتند: یا رسول اللّٰه! منظورتان یهود و نصار است؟ فرمود: پس منظورم چه کسی است!»

در حجه الوداع به اصحاب فرمود: «آگاه باشید که خون و مال و آبروی شما بر یکدیگر حرام است، مانند حرمت امروز و این ماه و این شهر. متوجه باشید کسانی که حاضرند به غایبین برسانند. من اکنون گفتم که شما پس از من مرتد می شوید و گردن یکدیگر را می زنید. من اکنون مشاهده می کنم، با اینکه شما نمی بینید.»

چگونه صحیح است پیروی کردن از کسی که فقط اسم صحابی بر او اطلاق می شود؟ با اینکه اگر از تمام این اشکال ها صرفنظر بکنیم، چنان چه صاحب کتاب ادعا کرده، این خبر مقتضی امامت نمی شود، زیرا در خبر بیان نشده در چه چیز به آنها اقتدا کنند. و نمی توان گفت فقط مقتضی امامت است نه چیز دیگر. در این صورت این خبر مجمل می شود که نمی توان به ظاهر چنین خبری تمسک جست. تمام آنچه گفتیم واضح و آشکار است.

**[ترجمه]

أبواب الآيات النازله فيهم

باب ۸ أن آل يس آل محمد صلى الله عليه و آله

الأخبار

«۱»

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام فِيمَا احْتَجَّ الرِّضَا عليه السلام عَلَى عُلَمَاءِ الْعَامَّهِ فِي فَضْلِ الْعِتْرَهِ الطَّاهِرَهِ أَنَّهُ سَأَلَ الْعُلَمَاءَ فَقَالَ أَخْبِرُونِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ* إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ* عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱) فَمَنْ عَنَى بِقَوْلِهِ يس قَالَتِ الْعُلَمَاءُ يس مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله لَمْ يَشُكَّ فِيهِ أَحَدٌ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ صلوات الله عليهم فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَلامٌ عَلى نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ (۲) وَ قَالَ سَلامٌ عَلى إِبْراهِيمَ (۳) وَ قَالَ سَلامٌ عَلى مُوسى وَ هارُونَ (۴) وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ لَا قَالَ سَلَامٌ عَلَى آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ سَلامٌ عَلى آلِ يس (۵) يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۶).

۱- يس: ۱- ۳.

۲- الصافّات ۷۹.

۳- الصافّات: ۱۰۹.

۴- الصافّات: ۱۲۰.

۵- الصافّات: ۱۳۰، فيه: (على إل ياسين) و فى المصدر: على آل ياسين.

۶- عيون الأخبار: ۱۳۱ فيه: و لم يقل: سلام على آل موسى و هارون.

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: از جمله استدلال هایی که حضرت رضا علیه السّلام با علمای اهل سنت درباره فضل و مقام عترت پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم نمود، این بود که از دانشمندان اهل سنت راجع به آیه «یس * وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ * إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ * عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» - . یس / ۱ - ۴ - {یس[یاسین] سوگند به قرآن حکمت آموز که قطعا تو از [جمله] پیامبرانی بر راهی راست} پرسیدند: منظور خداوند از «یس» چه اشخاصی هستند؟ دانشمندان گفتند: منظور از «یس» حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله و سلم است، احدی شک در آن ندارد. حضرت رضا علیه السّلام فرمود: خداوند به محمّد و آل محمّد از آن فضلی عنایت نموده که کسی نمی تواند به نهایت توصیف آن برسد، مگر کسی که آن را درک کرده باشد. به این دلیل که خداوند بر احدی غیر از انبیاء سلام نفرستاده است. در این آیه می فرماید: «سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ» - . صافات / ۷۹ - {درود بر نوح در میان جهانیان.} و آیه دیگر: «سَلامٌ عَلی إِبْراهِیمَ.» - . صافات / ۱۰۹ - و آیه «سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ.» - . صافات / ۱۲۰ - و در هیچ کدام نفرموده «سلام بر آل نوح یا سلام بر آل ابراهیم و یا سلام بر آل موسی و هارون»، ولی فرموده «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ» - . صافات / ۱۳۰ - و منظور آل محمّد است. - . عیون اخبار الرضا: ۱۳۱ -

**[ترجمه]

«۲»

أَقُولُ رَوَی الشَّیْخُ شَرَفُ الدِّینِ النَّجَفِیُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی کِتَابِ تَأْوِیلِ الْآیَاتِ الْبَاهِرَهِ مِنْ تَفْسِیرِ الشَّیْخِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الشَّیْخُ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ حَکَمٍ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِی عَیَّاشٍ عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اسْمُهُ یَاسِینَ وَ نَحْنُ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ سَلَامٌ عَلَی آلِ یَاسِینَ (۱).

**[ترجمه]مؤلف: شیخ شرف الدین نجفی در کتاب «تأویل الایات الباهرة» از سلیم بن قیس، از علی علیه السّلام نقل می کند که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله اسمش یاسین است و ما کسانی هستیم که خداوند فرموده: «سلام علی إِلْ یاسین.» - . کنز الفوائد: ۲۶۲ - ۲۶۳ -

**[ترجمه]

«۳»

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَیْضاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْخَثْعَمِیِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ مُوسَی بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس قَالَ نَحْنُ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: مجاهد از ابن عباس درباره آیه «سلام علی إِلْ یاسین» نقل می کند که گفت: ما آنها هستیم، آل محمد. - . کنز الفوائد: ۲۶۲ - ۲۶۳ -

**[ترجمه]

«۴»

وَ عَنْهُ أَيْضاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ زُرَيْقِ بْنِ مَرْزُوقٍ الْبَجَلِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عُلَيَّةَ (۳) عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يس قَالَ أَيْ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ (۴).

فر، تفسير فرات بن إبراهيم عبيد بن كثير بإسناده عن ابن عباس مثله (۵)فر، تفسير فرات بن إبراهيم أحمد بن الحسن بإسناده عن سليم بن قيس عن علي عليه السلام مثل الخبر السابق (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو صالح از ابن عباس درباره آیه «سلام على إِلْ یاسین» نقل می کند که گفت: یعنی بر آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله. - . کنز الفوائد: ۲۶۲ - ۲۶۳ -

تفسیر فرات: عبید بن کثیر به اسناد خود از ابن عباس همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر فرات: ۱۳۱ -

تفسیر فرات: سلیم بن قیس از علی علیه السّلام مانند خبر سابق را نقل کرده است. - . تفسیر فرات: ۱۳۱ -

**[ترجمه]

«۵»

فس، تفسير القمي يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام يَاسِينُ اسْمُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِ قَوْلُهُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ (۷).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «یس * وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ.» فرمود: یاسین اسم پیغمبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله است. دلیل بر این مطلب آیه «إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ» است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۴۸ -

**[ترجمه]

«۶»

فس، تفسير القمي ثُمَّ ذَكَرَ عَزَّ وَ جَلَّ آلَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ وَ تَرَكْنا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامٌ عَلَى آلِ يس فَقَالَ يس مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ (۸).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: سپس خدای متعال آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله را ذکر کرده و فرموده: «وَ تَرَکْنا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِین * سلام على إِلْ یاسین» - . صافات / ۱۲۹ - ۱۳۰ - {و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم.} سپس گفته است: یس محمّد صلی اللَّه علیه و آله است و آل محمّد ائمّه علیهم السّلام هستند. - . تفسیر علی بن

ابراهیم قمی: ۵۵۹ - ۵۶۰ -

**[ترجمه]

«۷»

مع، معانی الأخبار لی، الأمالی للصدوق الطَّالَقَانِيُّ عَنِ الْجَلُودِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنِ الْخَضِرِ بْنِ

ص: ۱۶۸

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۶۲ و ۲۶۳.

۲- کنز جامع الفوائد: ۲۶۲ و ۲۶۳.

۳- فی المصدر: داود بن و عله.

۴- کنز جامع الفوائد: ۲۶۲ و ۲۶۳.

۵- تفسیر فرات: ۱۳۱.

۶- تفسیر فرات: ۱۳۱.

۷- تفسیر القمّیّ: ۵۴۸.

۸- تفسیر القمّیّ: ۵۵۹ و ۵۶۰.

أَبِی فَاطِمَهَ عَنْ وَهْبِ بْنِ نَافِعٍ عَنْ كَادِحٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس قَالَ یس مُحَمَّدٌ وَ نَحْنُ آلُ یس (۱).

كنز، كنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره محمد بن العباس عن محمد بن سهل مثله (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار و امالی صدوق: كادح از امام صادق علیه السّلام، از آباء خود، از علی علیه السّلام درباره آیه «سلام علی إِلْ یاسین» نقل می‌كند كه فرمود: یس محمّد صلی اللّه علیه و آله است و ما آل یاسین هستیم. - . معانی الاخبار: ۴۱، امالی صدوق: ۲۸۲ -

كنز الفوائد: از محمد بن سهل همین روایت را نقل كرده است. - . كنز الفوائد: ۲۶۲ -

**[ترجمه]

«۸»

مع، معانی الأخبار لی، الأمالی للصدوق الطَّالَقَانِیُّ عَنِ الْجَلُودِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ ظُهَیْرٍ عَنِ السِّنْدِیِّ عَنْ أَبِی مَالِكٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس قَالَ یس مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله (۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار و امالی صدوق: سندی از ابومالك نقل می‌كند كه درباره آیه «سلام علی إِلْ یاسین» گفت: یاسین محمّد صلی اللّه علیه و آله است. - . معانی الاخبار: ۴۱ ، امالی صدوق: ۲۸۲ -

**[ترجمه]

«۹»

مع، معانی الأخبار لی، الأمالی للصدوق أَبِی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْمُؤَدِّبِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْأَصْبَهَانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَرَ النَّهْدِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس قَالَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار و امالی صدوق: ابو صالح از ابن عباس درباره آیه «سلام علی إِلْ یاسین» نقل می‌كند كه گفت: یعنی سلام بر آل محمّد صلی اللّه علیه و آله. - . معانی الاخبار: ۴۱ ، امالی صدوق: ۲۸۲ - ۲۸۳ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مع، معانی الأخبار لی، الأمالی للصدوق (۵) عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی بْنِ عَبْدِ الْبَاقِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ

عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ عَنْ مَنْدَلٍ (۶) عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَى آلِ يس قَالَ السَّلَامُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ السَّلَامَةُ

۱- معانی الأخبار: ۴۱، أمالی الصدوق: ۲۸۲ فيه: (وهيب) و فيهما: عن أبيه عن آبائه.

۲- كنز جامع الفوائد: ۲۶۲ فيه: وهيب بن نافع و فيه: نحن آل محمد.

۳- معانی الأخبار: ۴۱ أمالی الصدوق: ۲۸۲. فی المعانی: قال: ياسين محمّد صلّى اللّه عليه و آله و نحن آل ياسين.

۴- معانی الأخبار: ۴۱ أمالی الصدوق: ۲۸۲ و ۲۸۳، فی المعانی: أحمد بن علی الأصبهانیّ عن إبراهيم بن محمّد الثقفی قال: اخبرنی أحمد بن أبی عميره النهدی، راجع.

۵- النسخه المخطوطه خاليه عن رمز «لی» و لم نجد الحديث فی الأمالی أيضا.

۶- فی المعانی: (حدّثنا أبو محمّد عبد اللّه بن يحيى بن عبد الباقی عن أبيه عن علی ابن الحسن بن عبد الغنی المعانی عن عبد الرزاق عن مندل) اقول: مندل هو مندل بن علی العنزیّ أبو عبد اللّه الكوفیّ يقال: اسمه عمرو و مندل لقب.

لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ فِی الْقِیَامَهِ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار و امالی صدوق: ابن عباس درباره آیه «سَلاٰمٌ عَلیٰ إِلْ یاسِینَ» گفت: سلام از جانب پروردگار جهانیان بر محمّد و آلش صلی اللَّه علیه و آله است و سلامت در قیامت برای کسانی است که ایشان را دوست دارند. - . معانی الاخبار: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مع، معانی الأخبار الطَّالَقَانِیُّ عَنِ الْجَلُودِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَاهِرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ یَحْیَی بْنِ وَثَّابٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِیِّ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ کَانَ یَقْرَأُ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس قَالَ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ آلُ یس آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۲).

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره محمد بن العباس عن محمد بن سهل مثله (۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابو عبدالرّحمان سلمی نقل می‌کند که عمر بن خطّاب آیه را این گونه می‌خواند: «سلام علی إِلْ یاسین.» ابو عبدالرّحمان گفت: آل یاسین آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله است. - . معانی الاخبار: ۴۱ -

کنز الفوائد: محمد بن عباس از محمد بن سهل همین روایت را نقل کرده است. - . کنز الفوائد: ۲۶۲ - ۲۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۲»

أَقُولُ قَالَ الْعَلَّامَهُ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِی کَشْفِ الْحَقِّ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی سَلَامٌ عَلَی آلِ یس عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ النَّاصِبُ الرَّادُّ لَهُ فِی شَرْحِهِ أَقُولُ صَحَّ هَذَا وَ آلُ یس آلُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٌّ علیه السلام مِنْهُمْ وَ السَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَ لَکِنْ أَیْنَ هُوَ مِنْ دَلِیلِ الْمُدَّعَی.

و قال السید نور الله التستری نور الله ضریحه: قد خص الله تعالی فی آیات متفرقه من هذه السوره عده من الأنبیاء بالسلام فقال سَلاٰمٌ عَلیٰ نُوحٍ فِی الْعٰالَمِینَ سَلاٰمٌ عَلیٰ إِبْرٰاهِیمَ سَلاٰمٌ عَلیٰ مُوسیٰ وَ هٰارُونَ ثم قال سلام علی آل یس (۴) ثم ختم السوره بقوله سَلاٰمٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ (۵) و من البین أن فی السلام علیهم منفردا فی أثناء السلام علی الأنبیاء و المرسلین دلاله صریحه علی کونهم فی درجه الأنبیاء و المرسلین و من هو فی درجتهم لا یکون إلا إماما معصوما فیکون نصا فی الإمامه و لا أقل من کونه نصا فی الأفضلیه و یؤید ذلک ما نقله ابن حجر فی صواعقه عن فخر الدین الرازی أنه قال إن أهل بیته یساوونه فی خمسه أشیاء فی السلام قال السلام علیک أیها النبی

۱- معانی الأخبار: ۴۱.

۲- معانی الأخبار: ۴۱. فیه: «آل یاسین» فی الموضعین.

۳- کنز جامع الفوائد: ۲۶۲ و ۲۶۳ فیه: «علی آل یاسین» قال: علی آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله.

۴- الصافّات: ۷۹ و ۱۰۹ و ۱۲۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲.

۵- الصافّات: ۷۹ و ۱۰۹ و ۱۲۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲.

و قال سلام علی آل یس و فی الصلاه علیه و علیهم فی التشهد و قال (۱) طه (۲) أی یا طاهر و قال وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً (۳) و فی تحریم الصدقه و فی المحبه قال الله تعالی فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ (۴) و قال قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی (۵) انتهی کلامه رفع الله مقامه (۶).

و قال إمامهم الرازی فی تفسیره الکبیر فی تفسیر هذه الآیه الکریمه قرأ نافع و ابن عامر و یعقوب آل یاسین علی إضافه لفظ آل إلی لفظ یاسین و الباقون بکسر الألف و جزم اللام موصوله بیاسین أما القراءه الأولی ففیها وجوه الأول و هو الأقرب أنا ذکرنا أنه إلیاس بن یاسین فکان إلیاس آل یس و الثانی أن آل یس آل محمد صلی الله علیه و آله و الثالث أن یاسین اسم القرآن. (۷) و قال الشیخ الطبرسی روح الله روحه قرأ ابن عامر و نافع و رویس عن یعقوب آل یس و

قال ابن عباس آل یس آل محمد صلی الله علیه و آله (۸).

و قال البیضاوی قرأ نافع و ابن عامر و یعقوب علی إضافه آل یس لأنهما فی المصحف مفصولان فیکون یاسین أبا إلیاس و قیل محمد صلی الله علیه و آله أو القرآن أو غیره من کتب الله و الکل لا یناسب نظم سائر القصص (۹).

أقول: فظهر اتفاق الکل علی القراءه و الروایه لکن بعضهم حملتهم العصبیه علی عد هذا الاحتمال مع مطابقته لروایاتهم مرجوحا.

ص: ۱۷۱

۱- فی المصدر: و فی الطهاره قال.

۲- سوره طه: ۱.

۳- الأحزاب: ۳۳.

۴- الشوری: ۲۳.

۵- آل عمران: ۳۱.

۶- إحقاق الحقّ ۳: ۴۴۹- ۴۵۱.

۷- مفاتیح الغیب: سوره و الصافّات.

۸- تفسیر مجمع البیان ۸: ۴۵۶ و ۴۵۷.

۹- تفسیر البیضاوی ۲: ۳۳۳.

**[ترجمه]مؤلف: علامه قدس اللّٰه روحه در کشف الحق درباره آیه «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ» از ابن عباس نقل کرده که آنها آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله هستند.

ناصب و دشمن اولاد علی در رد این مطلب در شرح آن گفته است، می گویم این مطلب صحیح است و آل یس، آل محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و علی علیه السّلام از آنها است و سلام بر ایشان، ولی این چه ربطی به دلیل مدعی دارد.

و سید نور اللّٰه شوشتری گفته است: خداوند در چند آیه از این سوره، عده ای از انبیاء را به سلام امتیاز بخشیده و فرموده است: «سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ»، «سَلامٌ عَلی إِبْراهِیمَ»، «سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ» و بعد فرموده: «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ.» بعد سوره را ختم فرمود به آیه «سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ * وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ». - . صافات / ۱۸۱ - ۱۸۲ - {و درود بر فرستادگان و ستایش ویژه خدا پروردگار جهان هاست.} این مطلب کاملا آشکار است که خداوند وقتی فقط بر آل محمّد سلام می‌فرستد، در ضمنِ سلام بر انبیاء و مرسلین، دلیل بر این است که آل محمّد هم در درجه با انبیاء و مرسلین هستند و کسی که در درجه آنها باشد، باید حتما امام معصوم باشد. پس این آیه نص و تصریح در امامت است، حداقل نص در افضلیت است. آنچه که ابن حجر در صواعق از فخرالدین رازی نقل کرده، این مطلب را تأیید می کند. وی گفته است که اهل بیت پیامبر با شخص پیغمبر در پنج چیز برابرند: در سلام، فرمود: «السلام علیك ایها النبی.» و فرموده «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسِینَ»؛ در صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اهل بیتش در تشهد در این آیه که فرموده «طه» - . طه / ۱ - یعنی ای طاهر. و فرموده: «وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» - . احزاب / ۳۳ - {و شما را پاك و پاکیزه گرداند}؛ در تحریم صدقه و در محبت، که خداوند فرموده است: «فَاتَّبِعُونِی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ» - . آل عمران / ۳۱ - {از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.} و فرموده: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» - . شوری / ۲۳ - {بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.} (پایان کلام شوشتری.) (به پنج مورد اشاره کرده اما سه مورد را آورده)

امام آنها فخر رازی در کتاب تفسیر کبیرش در تفسیر این آیه گفته است: نافع و ابن عامر و یعقوب، «آل یاسین» - که آل به یاسین اضافه شده باشد - قرائت کرده اند، ولی دیگران به کسر الف و جزم لام وصل به یاسین خوانده اند. قرائت اولی دارای چند احتمال است. اول که از همه نزدیك‌تر است اینکه ما ذکر کردیم که آن الیاس بن یاسین بوده، پس الیاس آل یس بوده. وجه دوم آل یس، یعنی آل محمّد، وجه سوم یاسین اسم قرآن است.

شیخ طبرسی گفته است: ابن عامر و نافع و رویس از یعقوب «آل یس» نقل کرده اند و ابن عباس گفته است «آل یس» آل محمّدند.

بیضاوی گفته است: نافع و ابن عامر و یعقوب به اضافه آل به یاسین خوانده اند، زیرا این دو کلمه در قرآن از هم جدا هستند. پس یاسین پدر الیاس بوده و گفته شده منظور از «یس» یا حضرت محمّد صلّی اللّه علیه و آله یا قرآن یا غیر قرآن از سایر کتب آسمانی است و تمام اینها با نظم سایر قصص نامناسب است. - . تفسیر بیضاوی ۲ : ۳۳۳ -

مؤلف: از نقل روایات اهل سنت معلوم می شود که تمام آنها در قرائت و روایت متفق هستند، ولی تعصب بعضی از آنها را واداشته که این احتمال را ضعیف انگارند، با اینکه با روایات آنها مطابقت دارد.

**[ترجمه]

باب ۹ أنهم عليهم السلام الذكر و أهل الذكر و أنهم المسئولون و أنه فرض على شيعتهم المسأله و لم يفرض عليهم الجواب

الآيات

النحل: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ* بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ»(۴۳-۴۴)

الأنبياء: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»(۷)

ص: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ»(۳۹)

lt;meta info="-فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ * بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ. -. نحل / ۴۳ - ۴۴ -

{پس اگر نمی دانید از پژوهندگان کتاب های آسمانی جویا شوید [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته ها [فرستادیم].}

-فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ. -. انبياء / ۷ -

{اگر نمی دانید از پژوهندگان کتاب های آسمانی بپرسید.}

- هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ. -. ص / ۳۹ -

{[گفتیم] این بخشش ماست [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار.}

**[ترجمه]

تفسير

قيل: المراد بأهل الذكر أهل العلم و قيل: أهل الكتاب و ستعلم من الأخبار المستفيضه أنهم الأئمه عليهم السلام لوجهين الأول أنهم أهل علم القرآن لقوله تعالى بعد تلك الآيه فى سوره النحل وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (۱).

و الثانى أنهم أهل الرسول و قد سماه الله ذكرا فى قوله ذِكْراً رَسُولًا (۲) و هذا مما روته العامه أيضا

رَوَى الشَّهْرَسْتَانِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ الْمُسَمَّى بِمَفَاتِيحِ الْأَسْرَارِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام أَنَّ رَجُلًا سَأَلَهُ فَقَالَ مَنْ عِنْدَنَا يَقُولُونَ قَوْلُهُ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ إِنَّ الذِّكْرَ هُوَ التَّوْرَاهُ وَ أَهْلَ الذِّكْرِ هُمْ عُلَمَاءُ الْيَهُودِ فَقَالَ عليه السلام وَ اللَّهِ إِذاً يَدْعُونَنَا إِلَى دِينِهِمْ بَلْ نَحْنُ وَ اللَّهِ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِرَدِّ الْمَسْأَلَهِ إِلَيْنَا.

قَالَ وَ كَذَا نُقِلَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ

**[ترجمه]بعضی از اهل کتاب گفته انـد که منظور از اهل ذکر، اهل علم است، ولی به زودی از اخبار بسیار زیادی ثابت می شود که اهل ذکر، ائمه علیهم السّلام هستند. به دو دلیل:

اوّل) ائمه علیهم السّلام اهـل علم قرآن هستند، چون خداونـد بعـد از آن آیه در سوره نحل می فرمایـد: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الـذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مـا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» - . نحل / ۴۴ - {و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تـا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی.}

دوّم) ائمه علیهم السّلام اهل رسولند که خداوند آنها را در این آیه «ذکرا * رسولا» ذکر نامیده است. - . طلاق / ۱۰ - ۱۱ -

این مطلب را اهل سنت نیز نقل کرده انـد. شهرستانی در تفسیر خود به نام «مفاتیح الاسرار» نقل کرده که مردی از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کرد و گفت: کسانی نزد ما هستند که می گویند در این آیه «فَاسْئَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» منظور از «ذکر»، تورات است و «اهل ذکر»، علمای یهودنـد. حضرت صادق فرمود: به خدا سوگند بنابراین ما را دعوت به دین یهود می نماید! به خدا سوگند ما اهل ذکر هستیم که خدا دستور داده از ما بپرسند. گفته است همین طور از حضرت علی علیه السّلام نقل شده که فرموده است: ما اهل ذکر هستیم.

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

قب، المناقب لابن شهرآشوب مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ جَابِرٌ الْجُعْفِيُّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ.

ص: ۱۷۲

۱- النحل: ۴۴.

۲- الطلاق: ۱۰ و ۱۱.

قال أبو زرعه صدق الله و لعمری إن أبا جعفر علیه السلام لأكبر العلماء.

قال أبو جعفر الطوسی سمی الله رسوله ذكرا قوله تعالی قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً رَسُولًا (۱)

فالذكر رسول الله و الأئمه أهله و هو المروی عن الباقر و الصادق و الرضا علیهم السلام.

و قال سلیمان الصهرشتی الذكر القرآن.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ و هم حافظوه و العارفون بمعانیه.

تَفْسِيرُ يُوسُفَ الْقَطَّانِ وَ وَكِيعِ بْنِ الْجَرَّاحِ وَ إِسْمَاعِيلَ السُّدِّيِّ وَ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ أَنَّهُ قَالَ الْحَارِثُ سَأَلْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَهِ قَالَ وَ اللَّهِ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ نَحْنُ مَعْدِنُ التَّأْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ.

وَ رُوِيَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي كَلَامٍ لَهُ وَ أَعَزَّ بِهِ الْعَرَبَ عَامَّهً وَ شَرَّفَ مَنْ شَاءَ مِنْهُمْ خَاصَّهً فَقَالَ وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ (۲)

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: محمّد بن مسلم و جابر جعفی در مورد آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ» گفتند كه حضرت باقر علیه السّلام فرمود: ما اهل ذكر هستیم. ابو زرعه گفت: خدا راست گفته. به جان خود سوگند می خورم كه ابو جعفر حضرت باقر، بزرگ ترین علما است. ابو جعفر طوسی گفته است: خداوند پیغمبر را در این آیه «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً * رَسُولًا» - . طلاق / ۱۰ - ۱۱ - {خدا سوی شما تذكاری فرو فرستاده است پیامبری} ذكر نامیده است. پس «ذكر» رسول اللّه است و ائمه «اهل ذكر» هستند. همین معنی از حضرت باقر و صادق و حضرت رضا علیهم السّلام نقل شده است. سلیمان صهرشتی گفته است: «ذكر» قرآن است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ» - . حجر / ۹ - {بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل كرده ایم.} آنها حافظ قرآن و عارف به معانی آن هستند.

تفسیر قطان و وكیع بن الجرّاح و اسماعیل السّدیّ و سفیان ثوری: حارث گفت: از امیرالمؤمنین علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم. فرمود: به خدا سوگند ما اهل ذكر هستیم و ما اهل علم هستیم. ما معدن تأویل و تنزیل قرآنیم.

از حضرت امام حسن علیه السّلام نقل شده كه در ضمن گفتاری از ایشان در این باب كه عزت بخشیده به وسیله قرآن عرب را عموما و شرافت داد هر كس را كه خواست از ایشان خصوصا، فرموده است: «وَ إِنَّهُ لَذِكْرٌلَكَ وَ لِقَوْمِكَ» - . زخرف / ۴۴ - {و به راستی كه [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذكری است.} - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۱۳ -

**[ترجمه]

«۲»

ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام فِيمَا بَيَّنَ الرِّضَا علیه السلام عِنْدَ الْمَأْمُونِ مِنْ فَضْلِ الْعِتْرَهِ الطَّاهِرَهِ أَنْ قَالَ وَ أَمَّا التَّاسِعَهُ فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ فَاسْأَلُونَا إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ فَقَالَتِ الْعُلَمَاءُ

إِنَّمَا عَنَى بِذَلِکَ الْیَهُودَ وَ النَّصَارَی فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام سُبْحَانَ اللَّهِ وَ هَلْ یَجُوزُ ذَلِکَ إِذاً یَدْعُونَنَا إِلَی دِینِهِمْ وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ أَفْضَلُ مِنْ دِینِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ فَهَلْ عِنْدَکَ فِی ذَلِکَ شَرْحٌ بِخِلَافِ مَا قَالُوا یَا أَبَا الْحَسَنِ فَقَالَ علیه السلام نَعَمْ الذِّکْرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ نَحْنُ أَهْلُهُ وَ ذَلِکَ بَیِّنٌ فِی کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَیْثُ یَقُولُ فِی سُورَهِ الطَّلَاقِ فَاتَّقُوا اللَّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ الَّذِینَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْراً رَسُولًا یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِ اللَّهِ مُبَیِّناتٍ فَالذِّکْرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ نَحْنُ أَهْلُهُ (۳).

۱- الطلاق: ۱۰ و ۱۱.

۲- مناقب آل أبی طالب ۳: ۳۱۳. و الآیه فی سوره الزخرف: ۴۴.

۳- عیون الأخبار: ۱۳۲. و الآیه فی سوره الطلاق: ۱۰ و ۱۱.

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: در ضمن سخنانی که حضرت رضا علیه السّلام پیش مأمون راجع به فضیلت عترت طاهره تبیین کرد، فرمود: نهم این است که ما اهل ذکر هستیم؛ کسانی که خداوند فرموده: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» ما اهل ذکریم. از ما بپرسید اگر نمی‌دانید. علما گفتند: منظور یهود و نصارا است. حضرت رضا فرمود: سبحان اللَّه! آیا چنین چیزی جایز است؟ اگر درست باشد پس خداوند ما را دعوت به دین آنها نموده، آنها خواهند گفت که دین یهود بهتر از دین اسلام است. مأمون گفت: آیا شما توضیح دیگری دارید بر خلاف آنچه گفتند؟ فرمود: آری. «ذکر» رسول اللَّه صلّی اللّه علیه و آله است و ما «اهل ذکر» هستیم. این مطلب در قرآن تبیین شده، در سوره طلاق ضمن این آیه می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً * رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آياتِ اللَّهِ مُبَيِّناتٍ» - . طلاق / ۱۰ - ۱۱ - {پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند.} پس ذکر پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله است و ما اهل ذکر هستیم. - . عیون اخبار الرضا: ۱۳۲ -

**[ترجمه]

«۳»

فس، تفسیر القمی مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سُفْيَانَ (۱) عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ مَنِ الْمُعْنَوْنُ بِذَلِكَ قَالَ نَحْنُ (۲) قُلْتُ فَأَنْتُمُ الْمَسْئُولُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ نَحْنُ السَّائِلُونَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَعَلَيْنَا أَنْ نَسْأَلَكُمْ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُجِيبُونَا قَالَ لَا ذَاكَ إِلَيْنَا وَ إِنْ شِئْنَا فَعَلْنَا وَ إِنْ شِئْنَا تَرَكْنَا ثُمَّ قَالَ هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ (۳).

یر، بصائر الدرجات محمد بن الحسین عن أبی داود عن سلیمان بن سفیان مثله (۴)یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الحسین بن سعید عن أبی داود المسترق عن ثعلبه مثله (۵)

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: زراره از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» پرسیدم: منظور از اهل ذکر کیانند؟ امام علیه السّلام فرمود: ما هستیم. گفتم: از شما باید سؤال شود؟ فرمود: آری. عرض کردم: سؤال کننده ما هستیم؟ فرمود: آری. گفتم: پس ما باید از شما سؤال کنیم؟ جواب داد: آری. گفتم: بر شما واجب است جواب ما را بدهید؟ فرمود: نه، این امر برای ما اختیاری است. اگر خواستیم جواب می دهیم و اگر خواستیم جواب نمی دهیم. بعد این آیه را خواند: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ» - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۲۶ -

بصائر الدرجات: از سلیمان بن سفیان همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

بصائر الدرجات: ابو داود مسترق از ثعلبه همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام ذاک إلینا أی لم یفرض علینا جواب کل سائل بل إنما یجب عند عدم التقیه و تجویز التأثیر و لعل الاستشهاد بالآیه علی وجه التنظیر أی کما أن الله تعالی خیر سلیمان بین الإعطاء و الإمساک فی الأمور الدنیویه کذلک فوض إلینا فی بذل العلم و یحتمل أن یکون فی سلیمان أیضا بهذا المعنی أو الأعم.

**[ترجمه]عبارت «ذاک الینا» یعنی جواب دادن به هر سؤال کننده ای بر ما واجب نیست، بلکه در صورت عدم تقیّه و احتمال تأثیر بر ما واجب است. و شاید استشهاد به آیه از جهت مثال باشد، یعنی همان طور که خداوند سلیمان را در بخشش و نگهداری در امور دنیوی مخیر کرد، همین طور نشر علم را در اختیار ما گذاشت. و شاید درباره سلیمان نیز به همین معنا یا اعم از این دو معنا باشد.

**[ترجمه]

«۴»

ب، قرب الإسناد ابْنُ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ فِیمَا کَتَبَ إِلَیْهِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ وَ قَالَ وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ فَقَدْ فُرِضَتْ عَلَیْکُمُ الْمَسْأَلَهُ وَ الرَّدُّ إِلَیْنَا وَ لَمْ یُفْرَضْ عَلَیْنَا الْجَوَابُ (۶).

ص: ۱۷۴

۱- فی المصدر: عبد اللّه بن محمّد عن ابی داود عن سلیمان بن سفیان.

۲- فی المصدر: فقال: نحن و اللّه فقلت.

۳- تفسیر القمّیّ: ۴۲۶.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳. فیه: و ان شئنا لم نفعل.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳.

۶- قرب الإسناد: ۱۵۲ و ۱۵۳ و الآیه الأولی فی الأنبیاء: ۷ و الثانیه فی التوبه، ۱۲۲ صدر الحدیث: (قال أبو جعفر علیه السلام: انما شیعتنا من تابعنا و لم یخالفنا و من إذا خفنا خاف و من إذا أمنا امن فاولئک شیعتنا، و قال اللّه) ذیله: قال اللّه عزّ و جلّ: «فَإِنْ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّما یَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً مِنَ اللَّهِ» یعنی من اتخذ دینه رأیا بغیر امام من ائمه الهدی.

**[ترجمه]قرب الاسناد: بزنطی گفت: در نامه ای که حضرت رضا علیه السّلام برای او نوشت، این آیه بود که خدا فرموده: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» و فرموده: «وَ ما کانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ» - . توبه / ۱۲۲ - {و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا [دسته ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند} فرمود: بر شما واجب شده پرسیدن و برگرداندن به ما و بر ما جواب دادن واجب نیست. - . قرب الاسناد: ۱۵۲ - ۱۵۳. صدر روایت این است: امام باقر علیه السّلام فرمود: شیعه ما کسی است که تابع ما باشد و با مخالفت نکند. هر گاه ما خائف باشیم او نیز در خوف باشد و هنگامی که در امان باشیم، او نیز در امان باشد. اینها شیعه ما هستند. و در ذیل آن خداوند فرموده است: «فَإِنْ لَمْ یَسْتَجِیبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّما یَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَیْرِ هُدیً مِنَ اللَّهِ»، یعنی کسی که دینش را رأی و نظر خود قرار دهد، بدون امامی از ائمه هدی. -

**[ترجمه]

«۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رِبْعِیٍّ عَنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ الذِّکْرُ الْقُرْآنُ وَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: فضیل از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ» - . زخرف / ۴۴ - {و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است و به زودی [در مورد آن] پرسیده خواهید شد} فرمود: ذکر قرآن است و ما آن قوم هستیم و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۶»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَةَ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مِثْلَهُ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابن اذینه از برید، از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۷»

یر، بصائر الدرجات بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ مُعَاوِیَةَ (۳) عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ

وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ إِنَّمَا عَنَانَا بِهَا نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: بریـد بن معاویه از امام باقر علیه السّـلام نقل می کنـد که درباره آیه «وَ إِنَّهُ لَـذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» فرمود: ما را قصد نموده، ما اهل ذکر هستیم و از ما سؤال خواهد شد. -. بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۸»

کنز، کنز جـامع الفوائـد و تأویـل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْـدِ الْعَزِیزِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْـدِ اللَّهِ بْنِ سَـلَامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ زُرَارَهَ عَنْهُ علیه السلام مِثْلَهُ (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: زراره از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. -. کنز الفوائد: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۹»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَـی عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السـلام وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلُ بَیْتِهِ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ هُمُ الْمَسْئُولُونَ (۶).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عمر بن یزیـد گفت: امام باقر علیه السّـلام درباره آیه «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» فرمود: رسول خدا فرموده: اهل بیت او اهل ذکر و همان کسانی هستند که از آنها سؤال خواهد شد. -. بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

فسـر المفسـرون الذکر بالشرف و السؤال بأنهم یسألون یوم القیامه عن أداء شکر القرآن و القیام بحقه و علی هذه الأخبار المعنی أنکم تسألون عن علوم القرآن و أحکامه فی الدنیا.

۱- بصائر الدرجات: ۱۱ و الآیه فی سوره الزخرف: ۴۴.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲.

۳- هکذا فی الکتاب، و فی المصدر: (برید بن معاویه) و هو الصحیح.

۴- بصائر الدرجات: ١٢.
۵- كنز جامع الفوائد: ٢٩٣ فيه: (محمّد بن عبد الرحمن بن سلام) و فيه: ايانا عنى و نحن أهل الذكر المسئولون.
۶- بصائر الدرجات: ١٢.

**[ترجمه]مفسرین «ذکر» را به شرف تفسیر کرده اند و «سؤال» را گفته اند یعنی از مردم در روز قیامت در مورد ادای شکر قرآن و قیام به حق آن می پرسند. بنابراین خبرها معنی آیه این است که از شما راجع به علوم قرآن و احکام آن در دنیا سؤال می شود.

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلُ بَیْتِهِ الْمَسْئُولُونَ وَ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر درباره آیه «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» گفت: پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و اهل بیتش علیهم السّلام کسانی هستند که از آنها پرسیده می‌شود و آنها اهل ذکرند. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الرِّضَا علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ نَحْنُ هُمْ (۲).

یر، بصائر الدرجات أحمد عن الحسین عن صفوان مثله (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: صفوان از امام رضا علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» فرمود: ما همان‌ها هستیم. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

بصائر الدرجات: از صفوان همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۲»

یر، بصائر الدرجات بِالْإِسْنَادِ (۴) عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فَعَلَیْهِمْ أَنْ یَسْأَلُوهُمْ وَ لَیْسَ عَلَیْهِمْ أَنْ یُجِیبُوهُمْ إِنْ شَاءُوا أَجَابُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ یُجِیبُوا (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: با اسناد گذشته از حضرت رضا نقل شده که فرمود: خداوند فرموده: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ.» اهل ذکر ائمه علیهم السّلام هستند. «إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»، مردم باید از آنها بپرسند، ولی بر ائمه واجب نیست جوابشان را بدهند. در

صورتی که بخواهند جواب می دهند و اگر خواستند، جواب نمی دهند. -. بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

بِالْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ (۶) عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ هُمْ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: با همان اسناد بالا از امام رضا نقل شده که فرمود: خداوند فرموده: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» پرسیده شد: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: ما همان‌ها هستیم. -. بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۱۴»

یر، بصائر الدرجات بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ یَکُونُ الْإِمَامُ فِی حَالٍ یُسْأَلُ عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الَّذِی یَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَیْهِ فَلَا یَکُونُ عِنْدَهُ شَیْ ءٌ قَالَ لَا وَ لَکِنْ قَدْ یَکُونُ عِنْدَهُ وَ لَا یُجِیبُ (۸).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: با همین اسناد گفت: به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: آیا ممکن است در مورد حلال و حرام و سایر احتیاج های مردم از امام سؤالی بکنند، ولی جوابی در نزدش نباشد که بدهد؟ فرمود: نه چنین چیزی ممکن نیست، ولی ممکن است جواب را بداند، اما جواب ندهد. -. بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۱۵»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ دَخَلَ عَلَیْهِ الْوَرْدُ أَخُو الْکُمَیْتِ فَقَالَ جَعَلَنِیَ اللَّهُ فِدَاکَ اخْتَرْتُ لَکَ سَبْعِینَ مَسْأَلَةً مَا یَحْضُرُنِی مَسْأَلَةٌ وَاحِدَةٌ مِنْهَا قَالَ وَ لَا وَاحِدَةٌ یَا وَرْدُ قَالَ بَلَی قَدْ حَضَرَنِی وَاحِدَةٌ قَالَ وَ مَا هِیَ قَالَ

ص: ۱۷۶

۱- بصائر الدرجات: ۱۱.

۲- بصائر الدرجات: ۱۱.

۳- بصائر الدرجات: ۱۱.

۴- أراد بالاسناد اسناد عباد بن سلیمان.

٥- بصائر الدرجات: ١٣.

٦- أى اسناد عباد بن سليمان.

٧- بصائر الدرجات: ١٣ فيه: قال: سألته عن قول اللّه تعالى.

٨- بصائر الدرجات: ١٣.

قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ يَا وَرْدُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ تَسْأَلُونَا وَ لَنَا إِنْ شِئْنَا أَجَبْنَاكُمْ وَ إِنْ شِئْنَا لَمْ نُجِبْكُمْ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابوبکر حضرمی گفت: خدمت حضرت باقر بودم که ورد برادر کمیت وارد شد و گفت: خدا مرا فدایت کند! هفتاد مسأله تهیه دیده بودم از شما بپرسم، اما اکنون یکی از آن مسائل را یادم نیست. فرمود: یکی هم یادت نمانده؟ عرض کرد: چرا، یکی از آنها در خاطرم هست. فرمود: چیست؟ گفت: این آیه:

«فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» فرمود: خداوند به شما امر کرده از ما سؤال کنید. ما اگر خواستیم جواب شما را می دهیم و اگر خواستیم، جوابتان را نمی دهیم. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۱۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام عَلَى الْأَئِمَّهِ مِنَ الْفَرْضِ (۲) مَا لَيْسَ عَلَى شِيعَتِهِمْ وَ عَلَى شِيعَتِنَا مَا لَيْسَ عَلَيْنَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ أَنْ يَسْأَلُونَا فَقَالَ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْأَلُونَا وَ لَيْسَ عَلَيْنَا الْجَوَابُ إِنْ شِئْنَا أَجَبْنَا وَ إِنْ شِئْنَا أَمْسَكْنَا (۳).

یر، بصائر الدرجات عبد الله بن جعفر عن محمد بن عيسى عن الوشاء مثله (۴).

**[ترجمه]بصائرالدرجات: وشاء از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که شنیدم می‌فرمود: حضرت زین العابدین علیه السّلام فرموده است: بر ائمه چیزهایی واجب است که بر شیعیان واجب نیست و بر شیعیان چیزهایی واجب است که بر ائمه واجب نیست. خدا به آنها دستور داده از ما سؤال کنند. در این آیه می فرماید: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» دستور داده از ما بپرسند، ولی بر ما جواب دادن لازم نیست. در صورتی که بخواهیم جواب می دهیم و اگر خواستیم، خودداری می کنیم. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

بصائر الدرجات: از محمد بن عیسی از وشاء همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۱۷»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا علیه السلام كِتَاباً فَكَانَ فِي بَعْضِ مَا كَتَبْتُ إِلَيْهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ فَقَدْ فُرِضَتْ عَلَيْكُمُ الْمَسْأَلَهُ وَ لَمْ يُفْرَضْ عَلَيْنَا الْجَوَابُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّما يَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّهِ (۵).

کا، الکافی العده عن أحمد مثله (۶)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: بزنطی گفت: به امام رضا علیه السّلام نامه‌ای نوشتم و در آن این آیه را نیز ذکر کردم که خدا فرمود: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» فرمود: «وَمَا کَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»، پرسیدن بر شما واجب شده، ولی جواب دادن بر ما واجب نیست. خداوند فرموده: «فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». - . قصص / ۵۰ - {پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوس های خود را پیروی می کنند و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند.} - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

اصول کافی: عده‌ای از احمد همین روایت را نقل کرده‌اند. - . اصول کافی ۱ : ۲۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

لعله علیه السلام فسر الآیه بعدم وجوب التبلیغ عند الیأس من التأثیر کما هو الظاهر من سیاقها (۷).

ص: ۱۷۷

۱- بصائر الدرجات: ۱۲.

۲- فی المصدر: من الفرائض.

۳- بصائر الدرجات ۱۲.

۴- بصائر الدرجات ۱۲.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳ و الآیه الأولی فی الأنبیاء: ۷. و الثانیه فی التوبه: ۱۲۲ و الثالثه فی القصص: ۵۰. راجع ذیل الحدیث الرابع.

۶- أصول الکافی ۱: ۲۱۲.

۷- او أشار بالآیه الی السر فی إمساکهم عن الجواب، و المعنی انه لو نجیبکم عن کل ما سألتمونا فربما لا تستجیبونا فی بعض ذلک فتکونون من أهل هذه الآیه.

**[ترجمه]شاید امام علیه السّلام آیه را به عدم وجوب تبلیغ، هنگام ناامیدی از تأثیر آن

تفسیر کرد، همان طور که ظاهر از سیاق آیه نیز همین است. - . یا به وسیله آیه به سرّ خودداری کردنشان از جواب اشاره کرده است و معنی این است که اگر ما جواب شما را در همه پرسش هایتان بدهیم، چه بسا دیگر از ما در بعضی از آن درخواست جواب نکنید و از اهل این آیه شوید. -

**[ترجمه]

«۱۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ قَالَ قُلْتُ عَلَیْنَا أَنْ نَسْأَلَکُمْ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ عَلَیْکُمْ أَنْ تُجِیبُونَا قَالَ ذَلِکَ إِلَیْنَا (۱).

یر، بصائر الدرجات ابن یزید عن ابن أبی عمیر مثله (۲)

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الحسین بن إبراهیم عن محمد بن وهبان عن أحمد بن إبراهیم عن الحسن بن علی الزعفرانی عن البرقی عن أبیه محمد عن ابن أبی عمیر مثله (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: هشام بن سالم گفت: از امام صادق علیه السّلام راجع به آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» پرسیدم: آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: ما. عرض کردم: بر ما واجب است از شما بپرسیم؟ فرمود: آری. گفتم: بر شما واجب است که به ما پاسخ دهید؟ فرمود: این در اختیار ماست. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

بصائر الدرجات: ابن یزید از ابن ابی عمیر همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

امالی طوسی: از ابن ابی عمیر همین روایت را نقل کرده است. - . امالی طوسی: ۶۱ -

**[ترجمه]

«۱۹»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ قُلْتُ فَمَنِ الْمَأْمُورُونَ بِالْمَسْأَلَهِ قَالَ أَنْتُمْ قَالَ قُلْتُ فَإِنَّا نَسْأَلُکَ کَمَا أُمِرْنَا وَ قَدْ ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا یَمْنَعُ مِنِّی إِذَا أَتَیْتُهُ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ قَالَ فَقَالَ إِنَّمَا أُمِرْتُمْ أَنْ تَسْأَلُونَا وَ لَیْسَ لَکُمْ عَلَیْنَا الْجَوَابُ إِنَّمَا ذَلِکَ إِلَیْنَا (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: زراره گفت: از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»

پرسیدم که اهل ذکر کیانند؟ فرمود: ما. گفتم: پس به چه کسانی دستور داده اند از شما بپرسند؟ فرمود: شما. گفتم: پس ما از شما سؤال می کنیم، همان طور که امر شده ایم؟ خیال کردم از این راه که وارد شوم، جواب خواهد داد. فرمود: به شما دستور داده اند بپرسید و بر ما الزام نشده که جواب به شما بدهیم. این کار را در اختیار ما گذاشته اند. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ فَعَلَى النَّاسِ أَنْ يَسْأَلُوهُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجِيبُوا ذَلِكَ إِلَيْهِمْ إِنْ شَاءُوا أَجَابُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ يُجِيبُوا (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معلی بن خنیس از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: آنها آل محمّدند و بر مردم است که از آنها بپرسند و پاسخ دادن بر ایشان واجب نیست و اختیار آن با خودشان است، اگر خواستند جواب می‌دهند و اگر خواستند جواب نمی‌دهند. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۱»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ الْإِمَامُ يُسْأَلُ عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ لَا يَكُونُ عِنْدَهُ فِيهِ شَيْ ءٌ قَالَ لَا فَقَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ هُمُ الْأَئِمَّةُ (۶) إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۲.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲ فيه: (هشام بن سالم عن زراره) و فيه: قال: نحن هم و فيه: فعليكم.

۳- أمالي الطوسيّ: ۶۱ فيه: فعليكم.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳.

۶- بيان من الإمام عليه السلام، او من الراوى، قوله: من هم؟ أى من هؤلاء الأئمّه؟

قُلْتُ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ قُلْتُ فَمَنِ الْمَأْمُورُ بِالْمَسْأَلَهِ قَالَ أَنْتُمْ قُلْتُ فَإِنَّا نَسْأَلُکَ وَ قَدْ رُمْتُ أَنَّهُ لَا يَمْنَعُ مِنِّی إِذَا أَتَيْتُهُ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ قَالَ إِنَّمَا أُمِرْتُمْ أَنْ تَسْأَلُوا وَ لَيْسَ عَلَيْنَا الْجَوَابُ إِنَّمَا ذَلِکَ إِلَيْنَا.(۱).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: زاره گفت: به امام علیه السّلام عرض کردم: ممکن است از امام درباره حلال و حرام سؤال شود، ولی جوابی برای آن نداشته باشـد؟ فرمود: نه. خداونـد فرموده: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الـذِّکْرِ»، آنهـا ائمّه هسـتند. «إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» عرض کردم: آنها چه کسانی هسـتند؟ فرمود: ما. عرض کردم: چه کسانی مأمور به پرسیدن هستند؟ فرمود: شما. گفتم: ما می... پرسیم. و نیّتم این بـود از این راه که وارد شوم، جواب خواهـد داد. فرمود: شـما مـأمور به پرسـیدن هستیـد و جواب دادن بر ما واجب نیست و در اختیار ماست. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

کان قوله هم الأئمه زید من الرواه کما أنه لم یکن فیما مضی (۲) و علی تقدیره فالمراد بقوله من هم من الأئمه.

**[ترجمه]گویـا عبـارت «هم الاـئمّه» توسـط راویان اضافه شـده است، همان طور که در روایات گذشـته نیز نبود و بنابر فرض وجود آن، منظور از سؤال «من هم» یعنی چه کسانی از ائمّه هستند.

**[ترجمه]

«۲۲»

یر، بصائر الـدرجات السِّنْدِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسـلم از امام باقر علیه السّلام نقل می‌کند که درباره آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ما اهل ذکریم و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۳»

یر، بصائر الـدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَهَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلُ بَيْتِهِ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ (۴).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: فضـیل بن یسار از امام باقر علیه السّـلام نقل می‌کنـد که درباره آیه «فَاسْأَلُوا۟ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: پیامبر و اهل بیتش اهل ذکرند و اهل بیت او ائمّه هستند. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُوسَـی عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ الذِّکْرُ مُحَمَّدٌ وَ نَحْنُ أَهْلُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۵).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عبـدالرحمان بن کثیر از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل می کنـد که در مورد آیه «فَاسْأَلُوا۟ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ذکر محمّد صـلی اللَّه علیه و آله است و ما اهل آن هستیم و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۵»

یر، بصائر الـدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَـیْنِ بْنِ سَـعِیدٍ عَنْ سُـلَیْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ سَـمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السـلام یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ نَحْنُ هُمْ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سـلیمان بن جعفر جعفری گفت: از ابوالحسن علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «فَاسْأَلُوا۟ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» می‌فرمود: ما همان ها هستیم. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ

۱- بصائر الدرجات: ۱۲.

۲- بل کان فی حدیث صفوان المتقدم تحت رقم ۱۳.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲ قوله: «و هم الأئمّه» تخصیص لاهل بیته، ای أهل بیته هم الأئمّه او ان أهل بیته الذی یوصف باهل الذکر

هم الأئمّه.

٥- بصائر الدرجات: ١٢.

٦- بصائر الدرجات: ١٢.

مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْأَئِمَّهُ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ نَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: فضیل نقل می کند که امام باقر علیه السّلام درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: پیامبر و ائمّه صلوات اللّه علیهم اهل ذکرند. خداوند فرموده: «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ.» ما قوم او هستیم و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۷»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ الذِّکْرُ الْقُرْآنُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید بن معاویه از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» پرسیدم. فرمود: ذکر قرآن است و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِی عُثْمَانَ عَنِ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَذَکَرْنَا لَهُ حَدِیثَ الْکَلْبِیِّ أَنَّهُ قَالَ هِیَ فِی أَهْلِ الْکِتَابِ قَالَ فَلَعَنَهُ وَ کَذَّبَهُ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» نقل کرد که فرمود: اهل ذکر آل محمّدند. ما گفتار کلبی را به عرض امام علیه السّلام رساندیم که او می گوید این آیه درباره اهل کتاب است. امام علیه السّلام او را لعنت کرده و تکذیبش نمود. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۲۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ بُکَیْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ نَحْنُ قُلْتُ نَحْنُ الْمَأْمُورُونَ أَنْ نَسْأَلَکُمْ قَالَ نَعَمْ وَ ذَاکَ إِلَیْنَا إِنْ شِئْنَا أَجَبْنَا وَ إِنْ شِئْنَا لَمْ نُجِبْ

(۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: بکیر از کسی، از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ما هستیم. عرض کردم: ما مأموریم که از شما سؤال کنیم؟ فرمود: آری، و جواب در اختیار ماست، اگر خواستیم جواب می‌دهیم و اگر خواستیم، جواب نمی‌دهیم. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۰»

یر، بصائر الدرجات السِّنْدِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ العلا (الْعَلَاءِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا یَزْعُمُونَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ أَنَّهُمُ الْیَهُودُ وَ النَّصَارَی قَالَ إِذاً یَدْعُونَهُمْ إِلَی دِینِهِمْ ثُمَّ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی صَدْرِهِ فَقَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که عرض کردم: گروهی که نزد ما هستند گمان می کنند که آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» درباره یهود و نصارا است. فرمود: بنابراین آنها را به دین خودشان دعوت می کنند! سپس با دست به سینه‌اش اشاره کرد و فرمود: ما اهل ذکریم و از ما سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ

ص: ۱۸۰

۱- بصائر الدرجات: ۱۲، و الآیه فی سوره الزخرف: ۴۴.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲.

۳- بصائر الدرجات: ۱۳.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳.

الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ أَلَا وَ أَنَا مِنْهُمْ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمار ساباطی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» پرسیده شد. فرمود: آنها آل محمّدند و بدانید كه من هم از آنها هستم. - . بصائر الدرجات: ۱۲ -

**[ترجمه]

«۳۲»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ كِتَابُ اللَّهِ الذِّكْرُ وَ أَهْلُهُ آلُ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِسُؤَالِهِمْ وَ لَمْ يُؤْمَرُوا بِسُؤَالِ الْجُهَّالِ وَ سَمَّى اللَّهُ الْقُرْآنَ ذِكْراً فَقَالَ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات بصائر الدرجات: عبدالحمید از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنتُمْ لاـ تَعْلَمُونَ» پرسید. فرمود: كتاب خدا ذكر است و اهل ذكر آل محمّدند كه خدا دستور داده از آنها سؤال كنند و به آنها دستور نداده از جاهلان سؤال نمایند. خداوند قرآن را ذكر نامیده و فرمود: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» - . نحل / ۴۴ - {واین قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید كه آنان بیندیشند.} - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ الذِّكْرُ الْقُرْآنُ وَ آلُ رَسُولِ اللَّهِ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ هُمُ الْمَسْئُولُونَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل می كند كه درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ذكر قرآن است و آل پیامبر اهل ذكرند و از آنها سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۴»

یر، بصائر الدرجات السِّنْدِيُّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ الذِّكْرُ الْقُرْآنُ وَ آلُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَهْلُ الذِّكْرِ وَ هُمُ الْمَسْئُولُونَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ذکر قرآن است و آل پیامبر اهل ذکرند و از آنها سؤال خواهد شد. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۵»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ مُثَنًّی الْحَنَّاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ فِی قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلُ بَیْتِهِ مِنَ الْأَئِمَّهِ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالله بن عجلان درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» گفت: پیامبر و اهل بیتش از ائمّه اهل ذکرند. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۶»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ الذِّکْرُ الْقُرْآنُ وَ نَحْنُ أَهْلُهُ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ذکر قرآن است و ما اهل آن هستیم. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۷»

یر، بصائر الدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ یَکُونُ الْإِمَامُ یُسْأَلُ عَنِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَلَا یَکُونُ عِنْدَهُ فِیهِ شَیْ ءٌ قَالَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۲.

۲- بصائر الدرجات: ۱۳. و الآیه فی سوره النحل: ۴۴.

۳- هذا الحدیث یوجد فی النسخه المخطوطه دون نسخه الکمبانیّ، کما ان الحدیث الآتی لا یوجد فی النسخه المخطوطه، و کلاهما یوجدان فی المصدر راجع البصائر: ۱۳.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳، فيه: و قال: رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و أهل بيته أهل الذكر اه.

۵- بصائر الدرجات: ۱۳.

۶- بصائر الدرجات: ۱۳.

لَا وَ لَكِنْ قَدْ يَكُونُ عِنْدَهُ وَ لَا يُجِيبُ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: صفوان بن یحیی گفت: به حضرت ابوالحسن علیه السّلام عرض کردم: آیا ممکن است از امام درباره حلال و حرام سؤال شود، ولی جوابی برای آن نداشته باشد؟ فرمود: نه، بلکه می داند و جواب نمی‌دهد. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَسَدِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ مِنَ الْوَاقِفَهِ وَ أَخَذَ بِلِجَامِ دَابَّتِهِ علیه السلام وَ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ فَقَالَ إِذاً لَا أُجِيبُكَ فَقَالَ وَ لِمَ لَا تُجِيبُنِي قَالَ لِأَنَّ ذَاكَ إِلَيَّ إِنْ شِئْتُ أُجِيبُكَ وَ إِنْ شِئْتُ لَمْ أُجِبْكَ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن بن صالح گفت: مردی از واقفی ها خدمت امام علیه السّلام رسید، لجام مرکب ایشان را گرفت و گفت: من می خواهم از شما سؤالی بکنم. فرمود: من جواب تو را نمی دهم. گفت: چرا جواب مرا نمی دهی؟ فرمود: چون این اختیار را به من داده اند؛ اگر خواستم جوابت را می دهم و اگرخواستم جوابت را نمی دهم. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ مَسْأَلَهٍ أَوْ سُئِلَ فَقَالَ إِذَا لَقِيتَ مُوسَى فَاسْأَلْهُ عَنْهَا قَالَ فَقُلْتُ أَوَ لَا تَعْلَمُهَا قَالَ بَلَى قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي بِهَا قَالَ لَمْ يُؤْذَنْ لِي فِي ذَلِكَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: جابر گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السّلام سؤالی کردم (یا گفت از ایشان سؤال شد). فرمود: وقتی موسی را دیدی، از او این مسأله را بپرس. من گفتم: شما جواب آن را نمی‌دانید؟ فرمود: چرا. گفتم: مرا به آن خبر دهید. فرمود: به من اجازه این کار داده نشده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳ -

**[ترجمه]

بیان

إحاله الباقر علیه السلام جابرا على موسى علیه السلام غريب إذ كان ولادته علیه السلام بعد وفاه الباقر علیه السلام بسنين و كان وفاه جابر في سنه ولاده الكاظم علیه السلام على ما نقل إلا أن يكون المراد إن أدركته فسله أو يكون المراد بموسى بعض الرواه

و لم تكن المصلحه فی خصوص هذا الیوم أو تلک الساعه فی الجواب.

**[ترجمه]اینکه حضرت باقر علیه السّلام جابر را به موسی بن جعفر علیه السّلام ارجاع می دهد بعید است، زیرا ولادت حضرت کاظم علیه السّلام بعد از چند سال از وفات حضرت باقر علیه السّلام بوده و وفات جابر هم بنا بر آنچه که نقل شده، در سال ولادت حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام اتفاق افتاده است. مگر منظور این باشد که اگر او را درک کردی سؤال کن یا منظور از موسی، یکی از راویان باشد و جواب دادن در آن روز یا ساعت صلاح نبوده.

**[ترجمه]

«۴۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَکِیمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْإِمَامِ هَلْ یُسْأَلُ عَنْ شَیْ ءٍ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الَّذِی یَحْتَاجُ إِلَیْهِ النَّاسُ وَ لَا یَکُونُ عِنْدَهُ فِیهِ شَیْ ءٌ قَالَ لَا وَ لَکِنْ یَکُونُ عِنْدَهُ وَ لَا یُجِیبُ ذَاکَ إِلَیْهِ إِنْ شَاءَ أَجَابَ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ یُجِبْ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن حکیم گفت: از حضرت ابوالحسن علیه السّلام پرسیدم: آیا ممکن است از امام درباره حلال و حرام و احتیاجات مردم سؤال شود، ولی جوابی برای آن نداشته باشد؟ فرمود: نه، بلکه می داند و جواب نمی‌دهد. اختیارش با امام است؛ اگر خواست جواب می‌دهد و اگر خواست، جواب نمی‌دهد. - . بصائر الدرجات: ۱۳ - ۱۴ -

**[ترجمه]

«۴۱»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ النَّضْرِ عَنْ هَارُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَحْنُ أُولُو الذِّکْرِ وَ أُولُو الْعِلْمِ وَ عِنْدَنَا الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ (۵).

۱- بصائر الدرجات: ۱۳.

۲- بصائر الدرجات: ۱۳ فیه: لان ذلک.

۳- بصائر الدرجات: ۱۳ فیه: أو سئل عنها.

۴- بصائر الدرجات: ۱۳ و ۱۴.

۵- بصائر الدرجات: ۱۵۰.

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عبـدالله بن عطا از امام صادق علیه السّـلام نقل می کنـد که فرمود: ما صاحبان ذکر و علم هستیم و حلال و حرام نزد ماست. - . بصائر الدرجات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۴۲»

شی، تفسیر العیاشـی عَـنْ حَمْزَهَ بْـنِ مُحَمَّدٍ الطَّیَّارِ قَـالَ: عَرَضْتُ عَلَی أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام بَعْضَ خُطَبِ أَبِیهِ حَـتَّی انْتَهَی إِلَی مَوْضِعٍ فَقَالَ کُفَّ فَاسْکُتْ (۱) ثُمَّ قَالَ لِی اکْتُبْ وَ أَمْلَی عَلَیَّ أَنَّهُ لَا یَسَعُکُمْ فِیمَا نَزَلَ بِکُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ إِلَّا الْکَفُّ عَنْهُ وَ التَّثَبُّتُ فِیهِ وَ رَدُّهُ إِلَی أَئِمَّهِ الْهُـدَی حَتَّی یَحْمِلُوکُمْ فِیهِ عَلَی الْقَصْـدِ وَ یَجْلُوا عَنْکُمْ فِیهِ الْعَمَی قَـالَ اللَّهُ فَسْـئَلُوا أَهْـلَ الـذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ (۲).

**[ترجمه]تفسـیر عیاشـی: حمزهٔ بن محمّد طیار گفت: به حضـرت صادق علیه السّـلام یکی از سـخنرانی های پدرش را عرضه داشـتم، تا رسـیدم به یک قسـمت از آنها. فرمود: بایست و ساکت باش! بعد به من فرمود: بنویس! و چنین بر من املا فرمود: در مورد چیزهایی که نمی‌دانید شما را چاره ای نیست، جز توقف و پایداری و برگرداندن آن به ائمه هدی تا شما را درباره آن به راه حق وادارند و از شما رفع ابهام کنند. خداوند فرموده: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۶۰ -

**[ترجمه]

«۴۳»

شی، تفسیر العیاشـی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْـلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ مَنْ عِنْدَنَا یَزْعُمُونَ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ فَسْـئَلُوا أَهْلَ الـذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ أَنَّهُمُ الْیَهُودُ وَ النَّصَارَی فَقَالَ إِذاً یَدْعُونَکُمْ إِلَی دِینِهِمْ قَالَ ثُمَّ قَالَ بِیَدِهِ (۳) إِلَی صَدْرِهِ نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ وَ قَالَ (۴) قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام الذِّکْرُ الْقُرْآنُ (۵).

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره علی بن سلیمان الرازی عن الطیالسی عن العلا عن محمد مثله (۶).

**[ترجمه]تفسـیر عیاشـی: محمد بن مسلم گفت: به حضرت باقر علیه السّلام عرض کردم: گروهی که نزد ما هستند گمان می کننـد که آیه «فَاسْـأَلُواْ أَهْلَ الـذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» درباره یهود و نصارا است. فرمود: بنابراین شـما را به دینشان دعوت می کننـد! سـپس با دست به سـینه اش اشاره کرد و فرمود: ما اهل ذکریم و ما کسانی هستیم که و از ما سؤال خواهـد شد. امام باقر علیه السّلام فرمود: ذکر قرآن است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۶۰ - ۲۶۱ -

کنز الفوائد: از علاء، از محمد همین روایت را نقل کرده است. - . کنز الفوائد: ۱۶۲ - ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۴»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: کَتَبَ إِلَیَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام عَافَانَا اللَّهُ وَ إِیَّاکَ أَحْسَنَ عَافِیَتِهِ إِنَّمَا شِیعَتُنَا مَنْ تَابَعَنَا وَ لَمْ یُخَالِفْنَا وَ إِذَا خِفْنَا خَافَ وَ إِذَا أَمِنَّا أَمِنَ قَالَ اللَّهُ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ وَ قَالَ فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ الْآیَهَ فَقَدْ فُرِضَتْ عَلَیْکُمُ الْمَسْأَلَهُ وَ الرَّدُّ إِلَیْنَا وَ لَمْ یُفْرَضْ عَلَیْنَا الْجَوَابُ أَ وَ لَمْ تُنْهَوْا عَنْ کَثْرَهِ الْمَسَائِلِ فَأَبَیْتُمْ أَنْ تَنْتَهُوا إِیَّاکُمْ وَ ذَاکَ فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَکَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ

ص: ۱۸۳

۱- فامسک خ ل. فی المصدر: فامسکت.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۶۰.

۳- ثم أومأ بیده خ ل.

۴- أی قال محمّد بن مسلم.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۶۰ و ۲۶۱.

۶- کنز جامع الفوائد: ۱۶۲ و ۱۶۳ فیه: (محمّد بن العباس عن علیّ بن سلیمان الزراد) و الظاهر أن الزراد و الرازیّ کلاهما مصحفان عن الزراری منسوب إلی زراره بن اعین، و الرجل هو علیّ بن سلیمان بن الحسن بن الجهم بن بکیر بن أعین أبو الحسن الزراری و فیه. ثم أومأ بیده الی صدره و قال: نحن .

بِكَثْرَهِ سُؤَالِهِمْ لِأَنْبِيَائِهِمْ قَالَ اللَّهُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْياءَ إِنْ تُبْدَ لَكَمْ تَسُؤْكُمْ (۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: احمد بن محمّد گفت: حضرت رضا علیه السّلام برایم نوشت: خداوند به ما و تو بهترین عافیتش را عنایت کند. شیعه ما کسی است که تابع ما باشد و با ما مخالفت نکند. هر گاه ما خائف باشیم، او نیز در خوف باشد و هنگامی که در امان باشیم، او نیز در امان باشد. خداوند فرمود: «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» و در آیه دیگر فرمود: «فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ» تا آخر آیه. بر شما واجب شده سؤال کردن و برگرداندن سؤال های خود به ما، و بر ما واجب نشده جواب دادن. مگر نهی نشدید از زیاد سؤال کردن؟ ولی شما به این نهی عمل نکردید. از این کار خودداری کنید. همانا کسانی که قبل از شما بودند، به واسطه زیاد سؤال کردن از پیامبران خود هلاک شدند. خداوند در این آیه فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْياءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ» - . مائده / ۱۰۱ - {ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند مپرسید} - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۶۱ -

**[ترجمه]

«۴۵»

مد، العمده بِإِسْنَادِهِ إِلَى الثَّعْلَبِيِّ مِنْ تَفْسِيرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ حَسَنِ بْنِ حُسَيْنٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَلِيٍّ الرَّبَعِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ قَالَ نَحْنُ (۲).

**[ترجمه]العمده: ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ» فرمود: ما هستیم. - . در مصدر این گونه آمده: ما ریسمانی هستیم که خدا در این آیه فرموده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و آیه ای را که مجلسی ذکر کرده نیاورده است و شاید از چاپ افتاده است. -

**[ترجمه]

«۴۶»

قَالَ وَ قَالَ جَابِرٌ الْجُعْفِيُّ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَهُ قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ (۳).

**[ترجمه]جابر جعفی گفت: وقتی که این آیه نازل شد، علی علیه السّلام فرمود: ما اهل ذکر هستیم. - . العمده : ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۴۷»

أَقُولُ رَوَى فِي الْمُسْتَدْرَكِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَافِظِ أَبِي نُعَيْمٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الَّذِينَ آمَنُوا وَ

تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلاـ بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ أَ تَدْرِی مَنْ هُمْ یَا ابْنَ أَمِّ سُلَیْمٍ قُلْتُ مَنْ هُمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ شِیعَتُنَا (۴).

**[ترجمه]مؤلف: در المستدرک از حافظ ابی نعیم به اسناد خود از انس روایت شده که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرمود: «الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» - . رعد / ۲۸ - {همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.} می دانی آنها کیانند پسر ام سلمیم؟ گفتم: کیانند یا رسول اللّه؟ فرمود: ما اهل بیت و شیعه ما. - . نسخه مستدرک چاپ نشده و نزد من نیست. -

**[ترجمه]

«۴۸»

قب، المناقب لابن شهرآشوب تَفْسِیرُ الثَّعْلَبِیِّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فِی قَوْلِهِ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: در تفسیر ثعلبی آمده که علی علیه السّلام درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ» فرمود: ما اهل ذکر هستیم.

**[ترجمه]

«۴۹»

إِبَانَهُ أَبِی الْعَبَّاسِ الْفَلَکِیِّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام أَلَا إِنَّ الذِّکْرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ نَحْنُ أَهْلُهُ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ مَنَارُ الْهُدَی وَ أَعْلَامُ التُّقَی وَ لَنَا ضُرِبَتِ الْأَمْثَالُ.

۱- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۶۱. تقدم الایعاز الی موضع الآیتین الاولتین فی صدر الباب، و اما الثالثه فهی فی سوره المائده: ۱۰۱.

۲- الموجود فی المصدر: «جعفر بن محمّد علیهما السلام قال: نحن حبل اللّه الذی قال اللّه تعالی: «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا» و لم یذکر الآیه التی ذکرها المصنّف و لعلها سقطت من الطبع.

۳- العمده: ۱۵۰.

۴- المستدرک: لم یطبع، و لیست نسخته عندی. و الآیه فی سوره الرعد: ۲۸.

**[ترجمه]ابانه ابو العباس فلکی نقل می کند که حضرت علی علیه السّلام فرمود: متوجه باشید که «ذکر» پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله است و ما اهل آن جناب هستیم. ما راسخان در علم و مشعل‌های هدایت و پرچم‌های تقوا هستیم و مثال‌ها برای ما زده شده است.

**[ترجمه]

«۵۰»

الْبَاقِرُ علیه السلام إِنَّ النَّبِیَّ أُوتِیَ عِلْمَ النَّبِیِّینَ وَ عِلْمَ الْوَصِیِّینَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ كَائِنٌ إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ ثُمَّ تَلَا هذا ذِكْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلِی یَعْنِی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله (۱).

**[ترجمه]حضرت باقر علیه السّلام فرمود: به پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله علم تمام انبیاء و علم تمام اوصیاء و علم آنچه که تا روز قیامت اتفاق می افتد داده شد.

بعد این آیه را تلاوت نمود: «هذا ذِكْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلِی» -. انبیاء / ۲۴ - {این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده}، که منظور پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله است. -. مناقب ابن شهر آشوب ۲ : ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۵۱»

ختص، الإختصاص یَعْنِی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله تَفْسِیرٌ لِلضَّمِیرِ فِی مَعِی وَ قَبْلِی وَ لَیْسَ هَذَا فِیمَا رَوَاهُ فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ (۲).

**[ترجمه]اختصاص: یعنی پیامبر صلّی الله علیه و آله تفسیر برای ضمیر در «معی و قبلی» است و این در روایت فرات بن ابراهیم نیست. -. در اختصاص آن را نیافتیم و در نسخه خطی نیز ذکر نشده است. -

**[ترجمه]

«۵۲»

ختص، الإختصاص أَحْمَدُ وَ عَبْدُ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِیهِمَا عَنِ ابْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُوسَی بْنِ أَشْیَمَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ مَسْأَلَهٍ فَأَجَابَنِی فِیهَا بِجَوَابٍ فَأَنَا جَالِسٌ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْهَا بِعَیْنِهَا فَأَجَابَهُ بِخِلَافِ مَا أَجَابَنِی فَدَخَلَ رَجُلٌ آخَرُ فَسَأَلَهُ عَنْهَا بِعَیْنِهَا فَأَجَابَهُ بِخِلَافِ مَا أَجَابَنِی وَ خِلَافِ مَا أَجَابَ بِهِ صَاحِبِی فَفَزِعْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ عَظُمَ عَلَیَّ فَلَمَّا خَرَجَ الْقَوْمُ نَظَرَ إِلَیَّ وَ قَالَ یَا ابْنَ أَشْیَمَ كَأَنَّكَ جَزِعْتَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا جَزِعْتُ مِنْ ثَلَاثَهِ أَقَاوِیلَ فِی مَسْأَلَهٍ وَاحِدَهٍ فَقَالَ یَا ابْنَ أَشْیَمَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَی دَاوُدَ أَمْرَ مُلْكِهِ فَقَالَ هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَیْرِ حِسابٍ وَ فَوَّضَ إِلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَمْرَ دِینِهِ فَقَالَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَی الْأَئِمَّهِ مِنَّا وَ إِلَیْنَا مَا

فَوَّضَ إِلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَلَا تَجْزَعْ (۳).

**[ترجمه]اختصاص: موسی بن اشیم گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام رسیدم. سؤالی پرسیدم و جوابش را فرمود. همان جا نشسته بودم که مردی آمد و همان سؤال را کرد. امام علیه السّلام بر خلاف جواب من به او پاسخ داد. در این موقع مرد دیگری وارد شد و از همان مسأله سؤال کرد. امام علیه السّلام بر خلاف جواب من و جوابی که به آن دیگری داده بود، به این مرد سوم پاسخ داد. من ترسیدم و بسیار در نظرم گران آمد. وقتی مردم رفتند نگاهی به من کرد و فرمود: ای پسر اشیم، مثل اینکه ترسیدی! عرض کردم: فدایت شوم! من ترسیدم که در یک مسأله به خصوص سه جواب دادید. فرمود: پسر اشیم! خداوند امر سلطنتش را به داود سپرد و در این آیه فرمود: «هذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِکْ بِغَیْرِ حِسابٍ.» به محمّد صلّی الله علیه و آله نیز امر دینش را تفویض نموده و فرموده است «ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» - . حشر / ۷ - {آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید.} و خداوند به پیشوایان از ما خانواده و به ما واگذاشته آنچه را که به محمّد صلی اللَّه علیه و آله واگذاشته است، پس نترس! - . اختصاص: ۳۲۹ - ۳۳۰ -

**[ترجمه]

«۵۳»

فس، تفسیر القمی الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ قَالَ الَّذِینَ آمَنُوا الشِّیعَهُ وَ ذِکْرُ اللَّهِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام ثُمَّ قَالَ أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره «الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِکْرِ اللَّهِ» گفته است: «الَّذِینَ آمَنُوا» شیعه هستند و «ذکر اللَّه» امیرالمؤمنین و ائمه هستند. سپس این آیه را خواند: «أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۳۴۱ -

**[ترجمه]

«۵۴»

أَقُولُ قَالَ الْعَلَّامَهُ قُدِّسَ سِرُّهُ فِی کِتَابِ کَشْفِ الْحَقِّ رَوَی الْحَافِظُ

ص: ۱۸۵

۱- مناقب آل أبی طالب ۲: ۲۹۳. و الآیه فی سوره الأنبیاء: ۲۴.

۲- لم نجده فی الاختصاص. و لم یذکر أیضا فی النسخه المخطوطه.

۳- الاختصاص: ۳۲۹ و ۳۳۰. و الآیه الأولی فی سوره ص: ۴۰ و الثانیه فی سوره الحشر: ۷.

۴- تفسیر القمّیّ: ۳۴۱.

مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَی الشِّیرَازِیُّ مِنْ عُلَمَاءِ الْجُمْهُورِ وَ اسْتَخْرَجَهُ مِنَ التَّفَاسِیرِ الِاثْنَیْ عَشَرَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ قَالَ هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهم السلام وَ هُمْ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعَقْلِ وَ الْبَیَانِ وَ هُمْ أَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِکَهِ وَ اللَّهِ مَا سُمِّیَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِناً إِلَّا کَرَامَهً لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام.

و رواه سفیان الثوری عن السدی عن الحارث انتهی (۱).

**[ترجمه]مؤلف: علّامه در کتاب «کشف الحق» گفته است: حافظ محمّد بن موسی شیرازی که از علمای اهل سنت است، روایت کرده و از تفاسیر دوازده گانه از ابن عباس درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ» استخراج نموده که گفت: اهل ذکر محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام هستند و اینها اهل ذکر و علم و عقل و بیانند، و این ها اهل بیت نبوت و پایگاه رسالت و محل آمد و رفت ملائکه اند. به خدا قسم مؤمن، مؤمن نامیده نشده مگر به خاطر گرامی داشتن امیرالمؤمنین علیه السّلام. و همین مطلب را سفیان ثوری، از سدی، از حارث روایت کرده است. (پایان نقل قول) - . احقاق الحق ۳ : ۴۸۲ و ۴۸۴ -

**[ترجمه]

«۵۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُصَیْنِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنِ ابْنِ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّکْرِ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن طریف از ابن نباته نقل کرد که امیرالمؤمنین علیه السّلام درباره آیه «فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ما اهل ذکریم. - . کنز الفوائد: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۵۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ (۳) عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ قَالَ الطَّاعَهُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود به نقل از ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السّلام در مورد آیه «لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فِیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ» - . انبیاء / ۱۰ - {در حقیقت ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است آیا نمی اندیشید} فرمود: منظور فرمانبرداری از امام است پس از پیغمبر صلی اللّه علیه و آله. - . کنز الفوائد: ۱۶۳. صاحب کتاب بعد

از آن گفته است: معنی این است که آنچه که در کتابی که ذکر و شرف و و عزت شما در آن است نازل شده، اطاعت از امام حق بعد از پیامبر صلی اللَّه علیه و آله است. (پایان نقل قول) مؤلف: شاید معنا این است که ما کتابی نازل کردیم که متضمن آیاتی است که در آنها شرف و عزت شما آمده و آنها آیاتی است که بر وجوب اطاعت از امام دلالت می کنند، مانند «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» -

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد أن الذکر الذی اشتمل علیه القرآن هو وجوب طاعه الإمام الذی هو موجب لعز الدنیا و الآخره.

**[ترجمه]شاید منظور این است که ذکری که قرآن مشتمل بر آن است، وجوب اطاعت از امامی است که موجب عزت دنیا و آخرت می شود.

**[ترجمه]

«۵۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عَیَّاشٍ (۵) عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام

۱- إحقاق الحقّ ۳: ۴۸۲ و ۴۸۴.

۲- کنز الفوائد: ۱۶۲ فیه: عن میسر بن محارف و فیه: نحن أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون.

۳- فی المصدر: محمّد بن همام عن محمّد بن إسماعیل.

۴- کنز الفوائد: ۱۶۳ قال صاحب الکتاب بعد ذلک: معنی ذلک ان الذی انزل فی الکتاب الذی فیه ذکرکم و شرفکم و عزکم هی طاعه الامام الحق بعد النبیّ صلّی اللّه علیه و آله انتهی. اقول: لعل المعنی انا انزلنا کتابا یتضمن آیات فیها شرفکم و عزکم و هی آیات تدلّ علی وجوب اطاعه الامام کقوله: اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و أولی الامر منکم.

۵- فی المصدر: عن أبان بن أبی عیّاش.

قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ فَنَحْنُ قَوْمُهُ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: سلیم بن قیس از علی علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» فرمود: پس ما قوم او هستیم و از ما سؤال خواهد شد. - . کنز الفوائد: ۲۹۲ - ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۵۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ (۲) عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ فَرَسُولُ اللَّهِ وَ أَهْلُ بَیْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَهْلُ الذِّکْرِ وَ هُمُ الْمَسْئُولُونَ أَمَرَ اللَّهُ النَّاسَ أَنْ یَسْأَلُوهُمْ فَهُمْ وُلَاهُ النَّاسِ وَ أَوْلَاهُمْ بِهِمْ فَلَیْسَ یَحِلُّ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ أَنْ یَأْخُذَ هَذَا الْحَقَّ الَّذِی افْتَرَضَهُ اللَّهُ لَهُمْ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد حلبی گفت: آیه شریفه «إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» گفت: حضرت رسول صلی اللّه علیه و آله و اهل بیت آن جناب علیهم السّلام اهل ذکر هستند و از آنها باید سؤال شود. خداوند به مردم دستور داده از آنها بپرسند. آنها فرمانروایان مردم و اولی بر آنها از جانشان هستند. برای احدی از مردم حلال نیست که حقی را که خدا برای آنها واجب کرده بگیرد. - . کنز الفوائد: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۵۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُوسُفَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ مَنْ هُمْ قَالَ نَحْنُ هُمْ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: صفوان گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: آیه «إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» چه کسانی هستند؟ فرمود: ما همان‌ها هستیم. - . کنز الفوائد: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۶۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَیْفٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنَیِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ (۵) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ قَالَ قَوْلُهُ وَ لِقَوْمِکَ

يَعْنِی عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ عَنْ وَلَایَتِهِ (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبداللّه - . در مصدر «ابوالقاسم بن عبداللّه» است. - از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُونَ» فرمود: «وَ لِقَوْمِکَ» یعنی علی امیرالمؤمنین علیه السّلام، و به زودی از ولایت او بازخواست می شوید. - . کنز الفوائد: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۶۱»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِیحٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی أَلا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ قَالَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَ هُوَ ذِکْرُ اللَّهِ وَ حِجَابُهُ (۷).

ص: ۱۸۷

۱- کنز الفوائد: ۲۹۲ و ۲۹۳.

۲- فی المصدر: عن محمّد بن الحسن.

۳- کنز الفوائد: ۲۹۳.

۴- کنز الفوائد: ۲۹۳.

۵- فی المصدر: عن الحسین بن یوسف عن أبیه عن أبی القاسم بن عبد اللّه.

۶- کنز الفوائد: ۲۹۳.

۷- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۱۱. و الآیه فی الرعد: ۲۸.

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: خالد بن نجیح گفت: در مورد آیه «أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» حضرت صادق علیه السّلام فرمود: به محمّد دل ها آرامش می یابد و او ذکراللّه و حجاب خداست. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۱۱ -

**[ترجمه]

«۶۲»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: حسین بن سعید به اسناد خود از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» فرمود: ما اهل ذکر هستیم. - . تفسیر فرات: ۸۳ - ۸۵ -

**[ترجمه]

«۶۳»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم أَحْمَدُ بْنُ مُوسَی بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ سَمَّی رَسُولَهُ فِی كِتَابِهِ ذِكْراً فَقَالَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً رَسُولًا وَ قَالَ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: احمد بن موسی به اسناد خود از زید بن علی علیه السّلام درباره آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» نقل کرد که گفت: خداوند رسولش را در قرآن ذکر نامید و فرمود: «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا.» و فرموده: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ.» - . تفسیر فرات: ۸۳ - ۸۵ -

**[ترجمه]

«۶۴»

قب، المناقب لابن شهرآشوب ابْنُ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ إِنَّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَةٍ ذِكْرَی الدَّارِ الْآيَاتِ نَزَلَتْ فِی أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابن عباس درباره آیه «إِنَّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَةٍ ذِكْرَی الدَّار» - . ص / ۴۶ - ِ {ما آنان را با موهبت ویژه ای که یادآوری آن سرای بود خالص گردانیدیم} گفت: این آیات درباره اهل بیت پیغمبرنازل شده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۴۴ -

**[ترجمه]

بیان

لعله علیه السلام فسر ذِکْرَی الدَّارِ بذکر الدنیا و لما بقی ذکر إبراهیم و سائر الأنبیاء بهم علیهم السلام قال نزلت الآیه فیهم.

**[ترجمه]شاید امام علیه السّلام «ذِکْرَی الدَّارِ» را به ذکر دنیا تفسیر نموده و چون باقیمانده ذکر ابراهیم و سایر انبیاء به وسیله اهل بیت علیهم السّلام است، گفته است آیه درباره اهل بیت نازل شده.

**[ترجمه]

باب ۱۰ أنهم علیهم السلام أهل علم القرآن و الذین أوتوه و المنذرون به و الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ

الأخبار

«۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْخَثْعَمِیِّ عَنْ عَبَّادِ بْنِ یَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ یَعْنِی أَهْلَ الْإِیمَانِ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَهِ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» فرمود: آل محمّدند، «وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ» - . عنکبوت / ۴۷ - {پس آنان که بدیشان کتاب داده ایم بدان ایمان می آورند و از میان اینان کسانی اند که به آن می گروند} منظور مؤمنین از اهل قبله است. - . کنز الفوائد: ۲۲۲ -

**[ترجمه]

«۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ

۱- تفسیر فرات: ۸۳ و ۸۵.

۲- تفسیر فرات: ۸۳ و ۸۵.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۴۴ و الآیه فی سوره ص: ۴۶.

۴- کنز الفوائد: ۲۲۲ فیه: (و الذین یؤمنون به یعنی أهل الایمان اه): اقول: الآیه فی العنکبوت: ۴۷.

بْنِ مُخَارِقٍ عَنْ أَبِی الْوَرْدِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۱).

قب، المناقب لابن شهرآشوب أبو الورد مثله (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوالورد از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» نقل کرد که فرمود: آنها آل محمّدند. - . کنز الفوائد: ۲۲۲ -

مناقب ابن شهر آشوب: از ابو الورد همین روایت را نقل کرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب: ۴۸۵ -

**[ترجمه]

«۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سُلَیْمَانَ الزُّرَارِیِّ عَنِ الطَّیَالِسِیِّ عَنِ ابْنِ عَمِیرَهَ (۳) عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتُمْ هُمْ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَنْ عَسَی أَنْ یَکُونُوا وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» - . عنکبوت / ۴۹ - {بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته اند} نقل کرد که عرض کردم: آیا شما هستید؟ فرمود: چه کسانی امید دارند باشند، در حالی که ما راسخان در علم هستیم؟ - . کنز الفوائد: ۲۲۲ -

**[ترجمه]

«۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْهَمْدَانِیِّ عَنِ السَّیَّارِیِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ نَحْنُ هُمْ فَقَالَ الرَّجُلُ جُعِلْتُ فِدَاکَ حَتَّی یَقُومَ الْقَائِمُ علیه السلام قَالَ کُلُّنَا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّی یَجِیءَ صَاحِبُ السَّیْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّیْفِ جَاءَ أَمْرٌ غَیْرُ هَذَا (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: علی بن اسباط گفت: مردی از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرسید. فرمود: ما همان‌ها هستیم. آن مرد عرض کرد: فدایت شوم! تا قائم علیه السّلام قیام کند؟ فرمود: ما همه قائم به امر خدا هستیم یکی پس از دیگری، تا وقتی که صاحب شمشیر بیاید. وقتی او بیاید امری غیر از این خواهد آمد. - . کنز الفوائد: ۲۲۳ -

**[ترجمه]

«۵»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَوْذَهَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله (۶).

**[ترجمه]كنز الفوائد: عبدالعزيز عبدی گفت: از حضرت صادق عليه السّلام درباره آيه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرسيدم. فرمود: آنها ائمّه از آل محمّد صلی اللّه عليه و آله هستند. - . كنز الفوائد: ۲۲۳ -

**[ترجمه]

«۶»

شی، تفسير العياشی عَنْ أَبِي وَلَّادٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ الَّذِينَ آتَيْناهُمُ

ص: ۱۸۹

۱- كنز الفوائد: ۲۲۲ فيه: الحصين بن مخارق.

۲- مناقب آل أبی طالب: ۴۸۵.

۳- أی سيف بن عميره.

۴- كنز الفوائد: ۲۲۲ فيه: (قال: ايانا عنی، فقلت له: انتم هم؟) و الآيه فی العنكبوت: ۴۹.

۵- كنز الفوائد: ۲۲۳ فيه: فاذا جاء صاحب السيف امر به غير هذا.

۶- كنز الفوائد: ۲۲۳ فيه: صلوات اللّه عليهم أجمعين باقيه دائمه فی كل حين.

الْكِتابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام (۱).

کا، الکافی محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن أبی ولاد مثله (۲)

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو ولّاد گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «الَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» -. بقره / ۱۲۱ - {کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم [و] آن را چنانکه باید می خوانند ایشانند که بدان ایمان دارند} سؤال کردم. فرمود: آنها ائمه علیهم السّلام هستند. -. تفسیر عیاشی ۱ : ۵۷ -

اصول کافی: ابن محبوب از ابو ولّاد همین روایت را نقل کرده است. -. اصول کافی ۱ : ۲۱۵ -

**[ترجمه]

بیان

اختلف المفسرون فی المراد بالکتاب فقیل هو التوراه فالمراد بهم مؤمنو أهل الکتاب و قیل هو القرآن فالمراد بهم مؤمنو هذه الأمه و هذا التأویل مبنی علی الثانی و هو أوفق بالآیه لأن حق تلاوه القرآن موقوف علی فهم غوامضه و العمل بجمیع مضامینه و هو مختص بهم علیهم السلام کما أن الإیمان الکامل به لا یتأتی إلا منهم.

**[ترجمه]مفسرین در اینکه منظور از کتاب چیست اختلاف دارند. گفته شده تورات است که منظور از آنها مؤمنان اهل کتابند. بعضی نیز گفته اند قرآن است. در این صورت مراد از آنها مؤمنین این امت است. این تأویل بنا به تفسیر دوم کتاب است که با آیه مناسب تر است، زیرا تلاوت واقعی قرآن متوقف بر فهم مشکلات آن و عمل به تمام مضامینش است و این فهم و عمل به ائمه علیهم السّلام اختصاص دارد، چنان چه ایمان کامل به قرآن آورده نمی‌شود، مگر از آنها.

**[ترجمه]

«۷»

فس، تفسیر القمی وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ قَالَ مَنْ بَلَغَ هُوَ الْإِمَامُ قَالَ مُحَمَّدٌ یُنْذِرُ وَ إِنَّا نُنْذِرُ کَمَا أَنْذَرَ بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: امام علیه السّلام درباره «وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» -. انعام / ۱۹ - {و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد هشدار دهم} فرمود: «مَنْ بَلَغَ» همان امام است. فرمود: حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله مردم را بیم می‌دهد. ما نیز مانند حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله بیم می‌دهیم. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

بیان

فاعل قال فی الموضعین الإمام علیه السلام.

و قال الطبرسی قدس سره أی و لأخوف به من بلغه القرآن إلی یوم القیامه

وَ فِی تَفْسِیرِ الْعَیَّاشِیِّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَعْنَاهُ وَ مَنْ بَلَغَ أَنْ یَکُونَ إِمَاماً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَهُوَ یُنْذِرُ بِالْقُرْآنِ کَمَا أَنْذَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

و علی هذا یکون قوله و من بلغ فی موضع رفع عطفا علی الضمیر فی أنذر (۴).

**[ترجمه]فاعل «قال» در هر دو مورد امام علیه السّلام است.

طبرسی گفته است: معنی آیه این است: تـا بترسانم به وسیله آن کسانی را که قرآن به آنها رسیده تا روز قیامت. و در تفسیر عیاشی آمده: حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السّلام فرمودند: معنی آیه این است: کسی که به مقام امامت رسید از آل محمّد، به وسیله قرآن مردم را بیم می‌دهد، همان طور که پیامبر صلی اللَّه علیه و آله با قرآن انذار می فرمود. بنابراین «وَ مَنْ بَلَغَ» در محل رفع است و به ضمیر در «أُنْذِر» عطف شده است. - . مجمع البیان ۴ : ۲۸۲ -

**[ترجمه]

«۸»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ مَالِکٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هـذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ قَالَ مَنْ بَلَغَ أَنْ یَکُونَ إِمَاماً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَهُوَ یُنْذِرُ بِالْقُرْآنِ کَمَا أَنْذَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۵).

۱- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۵۷. و الآیه فی سوره البقره: ۱۲۱.

۲- أصول الکافی ۱: ۲۱۵.

۳- تفسیر القمّیّ: ۱۸۳. فیه: و انا نقول کما انذر به النبیّ أقول: و الآیه فی سوره الأنعام: ۱۹.

۴- مجمع البیان: ۴: ۲۸۲.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۱۶. فیه: قلت: لابی عبد اللّه علیه السلام: قوله.

كا، الكافى أحمد بن مهران عن عبد العظيم الحسنى عن ابن أذينه مثله (۱)

**[ترجمه]اصول كافى: مالك جهنى گفت: از امام صادق عليه السّلام درباره آيه «وَ أُوحِيَ إِلَيَّ هـذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» پرسيدم. فرمود: يعنى كسى كه به او برسد كه امام از آل محمّد باشد، پس او به وسيله قرآن بيم مى‌دهد، همان طور كه پيامبر به وسيله آن بيم داد. - . اصول كافى ۱ : ۴۱۶ -

اصول كافى: عبدالعظيم حسنى از ابن اذينه همين روايت را نقل كرده است. - . اصول كافى ۱ : ۴۲۴ -

**[ترجمه]

«۹»

قب، المناقب لابن شهرآشوب فى تفسير العياشى عنه عليه السلام مثله (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: در تفسير عياشى از امام صادق عليه السّلام همين روايت نقل شده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۰»

وَ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ إِيَّانَا عَنَى الْأَئِمَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ.

و روى هذا المعنى أبو بصير عنه عليه السلام و عبد العزيز العبدى و هارون بن حمزه عن الصادق عليه السلام (۳)

**[ترجمه]از حضرت باقر عليه السّلام درباره آيه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» نقل شده كه فرمود: ما ائمه از آل محمّد صلى اللّه عليه و آله را قصد كرده است. و همين معنا را ابو بصير از امام باقر عليه السّلام و عبدالعزيز عبدى و هارون بن حمزه از امام صادق عليه السّلام نقل كرده اند. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۰۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

بُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ قَالَ إِيَّانَا عَنَى وَ عَلِيٌّ أَوَّلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله (۴).

**[ترجمه]بريد بن معاويه از حضرت صادق عليه السّلام درباره آيه «وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ» - . رعد / ۴۳ - {و آن كس كه

نزد او علم کتاب است} فرمود ما را قصد کرده و علی علیه السّلام اول و افضل و بهترین ما بعد از پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۵۰۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

فس، تفسیر القمی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَ آمِرٌ يَأْمُرُ بِالْجَنَّهِ وَ يَزْجُرُ عَنِ النَّارِ وَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَيُؤْمِنُ بِهِ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يَدِينُ بِهِ وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَيُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که شنیدم می فرمود: قرآن بازدارنده و امرکننده است؛ به بهشت امر می کند و از جهنم باز می دارد. قرآن دارای محکم و متشابه است؛ به محکم باید ایمان آورد و عمل کرد و معتقد بود، ولی متشابه را باید ایمان آورد اما عمل نکرد. به همین مطلب اشاره می کند آیه شریفه «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا» - . آل عمران / ۷ - {اما کسانی که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند [آنان که] می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست} فرمود: راسخان در علم آل محمّد هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۴۵ -

**[ترجمه]

«۱۳»

فس، تفسیر القمی قالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكافِرِينَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۶).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «قالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكافِرِينَ» - . نحل / ۲۷ - {می گویند در حقیقت امروز رسوایی و خواری بر کافران است} فرمود: «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» یعنی ائمه علیهم السّلام. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۱۴»

فس، تفسير القمی وَ يَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِی أُنْزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ هُوَ الْحَقَ

ص: ۱۹۱

۱- أصول الکافی ۱: ۴۲۴.

۲- مناقب آل أبی طالب ۳: ۳۱۴.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۰۳.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۵۰۴. و الآیه فی سوره الرعد: ۴۳.

۵- تفسیر القمّیّ: ۷۴۵. فیه: و آل محمّد الراسخون فی العلم و الآیه فی سوره آل عمران: ۷.

۶- تفسیر القمّیّ: ۳۵۹. و الآیه فی سوره النحل: ۲۷.

قَالَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام صَدَّقَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «وَ یَرَی الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِی أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ هُوَ الْحَقَ» - . سبأ / ۶ - {و کسانی که از دانش بهره یافته اند می دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده حق است} فرمود: منظور امیرالمؤمنین علیه السّلام است که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله را تصدیق کرد به آنچه خدا بر او نازل کرد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

فس، تفسیر القمی أَبِی عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَفْضَلُ الرَّاسِخِینَ فِی الْعِلْمِ فَقَدْ عَلِمَ جَمِیعَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیْهِ مِنَ التَّنْزِیلِ وَ التَّأْوِیلِ وَ مَا کَانَ اللَّهُ لِیُنْزِلَ عَلَیْهِ شَیْئاً لَمْ یُعَلِّمْهُ التَّأْوِیلَ وَ أَوْصِیَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ یَعْلَمُونَهُ کُلَّهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ کَانَ یَقُولُ فِیکُمْ قَوْلًا عَظِیماً قَالَ وَ مَا کَانَ یَقُولُ قُلْتُ قَالَ إِنَّکُمْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ الْقُرْآنِ فَقَالَ عِلْمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ (۲) وَ الْقُرْآنِ یَسِیرٌ فِی جَنْبِ الْعِلْمِ الَّذِی یَحْدُثُ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: برید از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که فرمود: حضرت رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله بهترین فرد راسخان در علم است، تنزیل و تأویل تمام آنچه را که خدا بر او نازل کرد دانست. هرگز خداوند چیزی را بر او نازل نمی کند که تأویلش را نداند. جانشینان پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلم نیز پس از او تمام آنها را می دانند. عرض کردم: فدایت شوم! ابوالخطاب درباره شما اعتقاد بزرگی دارد. فرمود: چه می گوید؟ گفتم: او معتقد است که شما علم حلال - . در مصدر این گونه آمده: شما علم حرام و حلال و قرآن را می دانید. فرمود: علم حلال و حرام و قرآن کم است. - و حرام و قرآن را می‌دانید. فرمود: علم حلال و حرام و قرآن چیزی نیست در مقابل علمی که در شب و روز به وجود می آید. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۸۷ - ۸۸ -

**[ترجمه]

بیان

کذا فی النسخ المتعدده التی عندنا و الظاهر أنه سقط منه شی ء کما یظهر مما

رَوَاهُ فِی الِاخْتِصَاصِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَلَامٌ قَدْ سَمِعْتُهُ مِنْ أَبِی الْخَطَّابِ فَقَالَ اعْرِضْهُ عَلَیَّ فَقُلْتُ یَقُولُ إِنَّکُمْ تَعْلَمُونَ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ فَصْلَ مَا بَیْنَ النَّاسِ فَسَکَتَ فَلَمَّا أَرَدْتُ الْقِیَامَ أَخَذَ بِیَدِی فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ عِلْمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ یَسِیرٌ فِی جَنْبِ الْعِلْمِ الَّذِی یَحْدُثُ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ (۴)

**[ترجمه]همین طور در نسخه های متعددی که نزد ماست آمده، ولی ظاهرا چیزی از آن افتاده است، چنان چه از روایتی که در اختصاص از محمد بن مسلم نقل کرده، آشکار می‌شود. روایت این است که محمد بن مسلم گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: کلامی از ابوالخطاب شنیده ام. فرمود: به من عرضه کن. گفتم: می گوید شما حلال و حرام و رفع اختلاف بین مردم را می دانید. پس سکوت کرد. وقتی که خواستم برخیزم، دست مرا گرفت و فرمود: ای محمد! علم حلال و حرام چیزی نیست در مقابل علمی که در شب و روز به وجود می آید. - . اختصاص: ۳۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۶»

فس، تفسیر القمی بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا یَعْنِی مَا یَجْحَدُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهَ علیهم السلام إِلَّا (۵) الظَّالِمُونَ (۶).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمود: آنها ائمه هستند و «وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا» یعنی امیرالمؤمنین و ائمه را انکار نمی کنند «الّا الکافرون»، مگر کافران. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۹۷ -

**[ترجمه]

«۱۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَی قَالَ سَمِعْتُ زَیْدَ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام یَقُولُ

ص: ۱۹۲

۱- تفسیر القمّیّ: ۵۳۹. و الآیه فی سوره سبأ: ۶.

۲- فی نسخه: فقال: علم الحلال و الحرام و القرآن و فی المصدر: انکم تعلمون علم الحلال و الحرام و القرآن، قال: ان علم الحلال و الحرام و القرآن یسیر.

۳- تفسیر القمّیّ: ۸۷ و ۸۸.

۴- الاختصاص: ۳۱۴ رواه عن محمّد بن عیسی عن یونس بن عبد الرحمن عن هشام بن سالم عن محمّد بن مسلم و فیه: یا محمّد کذا علم القرآن و الحلال و الحرام یصیر اه.

۵- فی النسخه المخطوطه و فی المصدر: الا الکافرون.

۶- تفسیر القمّیّ: ۴۹۷. فیه: قوله: «ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا» یعنی و ما یجحد بامیر المؤمنین و الأئمّه الا الکافرون. اقول: الآیه فی سوره العنکبوت: ۴۹.

فِی قَوْلِهِ تَعَالَی تِلْکَ آیاتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ قَالَ زَیْدٌ نَحْنُ هُمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَهَ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: محمّد بن موسی گفت: از زید بن علی شنیدم که درباره آیه - . این آیه در قرآن نیست و آنچه که در قرآن یافتیم این است: در سوره بقره آیه ۲۵۲ «تِلْکَ آیَاتُ اللّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَإِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ»، و در سوره آل عمران آیه ۱۰۸ «تِلْکَ آیَاتُ اللّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَمَا اللّهُ یُرِیدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِینَ»، و در سوره جاثیه آیه ۶ «تِلْکَ آیَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآیَاتِهِ یُؤْمِنُونَ.» و هیچ یک از این آیات، با آیه ذکر شده در متن روایت تطابق ندارد و ظاهرتفسیر فرات این است که منظور آیه ۴۳ سوره عنکبوت است: «تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ» {و این مثل ها را برای مردم می زنیم و[لی] جز دانشوران آنها را درنیابند}. پس تصحیف از جانب نسخه برداران واقع شده است. - «تِلْکَ آیَاتُ اللّهِ نَتْلُوهَا عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ» می فرمود: منظور از عالمان ما هستیم. بعد این آیه را قرائت نمود: «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ» - . تفسیر فرات: ۱۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّهْرِیُّ رَفَعَهُ إِلَی زَیْدِ بْنِ سَلَّامٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ أَصْلَحَکَ اللَّهُ إِنَّ خَیْثَمَهَ (۲) حَدَّثَنِی عَنْکَ أَنَّهُ سَأَلَکَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ فَحَدَّثَنِی أَنَّکَ حَدَّثْتَهُ أَنَّهَا نَزَلَتْ فِیکُمْ خَاصَّهً وَ أَنَّکُمُ الَّذِینَ أُوتِیتُمُ الْعِلْمَ قَالَ صَدَقَ وَ اللَّهِ خَیْثَمَهُ لَهَکَذَا حَدَّثْتُهُ (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: زید بن سلام جعفی گفت: خدمت امام باقر علیه السّلام رسیدم و عرض کردم: خدا خیرتان دهد، خیثمه به من گفت که از شما راجع به آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا الظَّالِمُونَ» سؤال کرده و به ایشان فرموده اید که این آیه فقط درباره شما خانواده است و شمایید کسانی که به آنها علم داده شد. فرمود: به خدا سوگند خثیمه راست گفته، همین طور به او گفتم. - . تفسیر فرات: ۱۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ مَالِکٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراهَ فِیها هُدیً وَ نُورٌ إِلَی قَوْلِهِ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ کِتابِ اللَّهِ قَالَ فِینَا نَزَلَتْ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مالک جهنی گفت: حضرت باقر علیه السّلام درباره «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراهَ فِیها هُدیً وَ نُورٌ» تا این قسمت آیه «اسْتُحْفِظُوا مِنْ کِتابِ اللَّهِ» - . مائده / ۴۴ - {ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم پیامبرانی که تسلیم

[فرمان خدا] بودند به موجب آن برای یهود داوری می کردند و [همچنین] الهیون و دانشـمندان به سـبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده} فرمود: این آیه درباره ما نازل شده است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۳۲۲ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المعنی أن الهدی و النور الذین کانا فی التوراه هما الولایه و یحتمل أن یکون المراد أن الربانیین و الأحبار الذین اسـتحفظوا کتاب الله (۵) هم الأئمه علیهم السلام فی بطن القرآن و قد ورد فی کثیر من الأدعیه و الأخبار المستحفظین من آل محمد علیهم السلام.

ص: ۱۹۳

۱- تفسیر فرات: ۱۱۸. و الآیه الأولی لم نجدها فی المصـحف و ما وجدناه فیه فهی فی سوره البقره: ۲۵۲ هکذا: تِلْکَ آیاتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ و فی سوره آل عمران: ۱۰۸ هکذا: تِلْکَ آیاتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ وَ مَا اللَّهُ یُرِیدُ ظُلْماً لِلْعالَمِینَ و فی سوره الجاثیه: ۶ هکذا: تِلْکَ آیاتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَیِّ حَدِیثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آیاتِهِ یُؤْمِنُونَ و کل واحد منها لن یطابقها، و الظاهر من تفسیر فرات ان المراد الآیه المذکوره فی سوره العنکبوت و هی: وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ فوقع تصحیف من النسّاخ:

۲- بتقدیم الیاء علی المثلثه.

۳- تفسیر فرات: ۱۱۸.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۳۲۲ و الآیه فی سوره المائده: ۴۴.

۵- او مصداقهم فی هذه الأمه هم الأئمّه علیهم السلام.

**[ترجمه]شاید منظور از هدایت و نوری که در تورات است، ولایت باشد. و ممکن است منظور این باشد که ربانیان و دانشمندانی که کتاب خدا را حفظ کردند، در تفسیر باطنی قرآن ائمه علیهم السّلام هستند. در اخبار و دعاهای زیادی وارد شده که «مستحفظین» از آل محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند.

**[ترجمه]

«۲۰»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ عَمِیرَةَ عَنِ الْکِنَانِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: کنانی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ای ابوالصباح! ما گروهی هستیم که خداوند اطاعت ما را واجب نموده؛ انفال متعلق به ما است و مال پاکیزه از ما است؛ ما راسخان در علم هستیم؛ ما کسانی هستیم که مورد رشک هستیم. خداوند فرموده: «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» - . نساء / ۵۴ - {بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند.} - . بصائر الدّرجات: ۵۵ -

**[ترجمه]

«۲۱»

یر، بصائر الدرجات الْهَیْثَمُ النَّهْدِیُّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ مِنْ عِلْمِ مَا أُوتِینَا تَفْسِیرَ الْقُرْآنِ وَ حِکَایَةَ عِلْمِ تَغْیِیرِ (۲) الزَّمَانِ وَ حِدْثَانِهِ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَیْراً أَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَ مَنْ لَمْ یَسْمَعْ لَوَلَّی مُعْرِضاً کَأَنْ لَمْ یَسْمَعْ ثُمَّ أَمْسَکَ هُنَیْئَةً ثُمَّ قَالَ لَوْ وَجَدْنَا وِعَاءً أَوْ مُسْتَرَاحاً لَعَلَّمْنَا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: عمر بن مصعب از حضرت صادق نقل کرد که شنیدم می‌فرمود: از جمله علومی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و دگرگونی های - . در مصدر این گونه آمده: «تفسیر القرآن و احکامه علم تغییر الزمان و حدثانه.» و ظاهرا «و علم» صحیح است. - روزگار و اتفاقات شبانه روز است. هر گاه خداوند درباره بنده‌ای تصمیم خیر داشته باشد، شنوایشان می کند و اگر شنوا کند کسی را که نشنیده، به حال اعراض روی برمی‌تابند، گویا اصلا نشنیده اند. سپس امام علیه السّلام مدتی سکوت کرد. آنگاه فرمود: اگر دلی که حافظ اسرار باشد یا محلی که خاطرمان را آسوده کند می‌یافتیم، تعلیم می‌دادیم و از خدا باید استعانت جست. - . بصائر الدّرجات: ۵۳ -

**[ترجمه]

بیان

أن من علم ما أوتينا أی مما أوتینا من العلم أو المراد بما أوتینا الإمامه أی من العلوم اللازمه لها و فی الکافی تفسیر القرآن و أحکامه و علمه (۴) و حدثان الدهر بالکسر نوبه و أحداثه (۵) أسمعهم أی بمسامعهم الباطنه و لو أسمع ظاهرا من لم یسمع باطنا لولی معرضا کأن لم یسمع ظاهرا و یظهر منه الجواب الحق عن الشبهه المشهوره فی قوله تعالی لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا (۶) فإنهما ینتجان لو علم الله فیهم خیرا لتولوا و الجواب أنه لیس المقصود فی الآیه ترتیب القیاس المنطقی فتکون الکبری کلیه فیکون المعنی علی أی حال أسمعهم لتولوا بل المعنی لو أسمعهم علی هذا التقدیر الذی لا یعلم فیهم الخیر لتولوا و لذا لم یسمعهم فالجمله الثانیه مؤکده للأولی و یحتمل أن

۱- بصائر الدرجات: ۵۵.

۲- تغیر الزمان خ ل. فی المصدر: «تفسیر القرآن و احکامه علم تغییر الزمان و حدثاته و الظاهر ان الصحیح: و علم.

۳- بصائر الدرجات: ۵۳.

۴- فی الکافی: و علم.

۵- أی نوائبه و احداثه.

۶- الأنفال: ۲۳.

یکون فی قوه استثناء نقیض التالی بأن یکون قیاسا استثنائیا هنیئه أی ساعه یسیره لو وجدنا وعاء و فی الکافی أوعیه أی قلوبا کاتمه للأسرار حافظه لها أو مستراحا أی من لم یکن قابلا لفهم الأسرار و حفظها کما ینبغی لکن لا یفشیها و لا یترتب ضرر علی الاطلاع علیها فتستریح النفس بذلک لعلمنا علی بناء التفعیل و فی بعض النسخ لقلنا کما فی الکافی (۱).

**[ترجمه]عبارت «انّ من علم ما اُوتینا» یعنی از آنچه که از علم به ما داده شده یا منظور از «ما اوتینا» امامت است، یعنی از علومی که برای امامت لازم است. و در کافی «تفسیر القرآن و احکامه و علمه» آمده است. و «حدثان الدهر» به کسره یعنی گرفتاری ها و حوادث روزگار. «اسمعهم» یعنی به گوش های باطنیشان و اگر ظاهری را به گوش کسی که باطنی را نشنیده برساند، به حال اعراض روی برمی‌تابد، گویا اصلا ظاهر را نشنیده است. و از این سخن جواب شبهه معروف درباره آیه «لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا» - . انفال / ۲۳ - {و اگر خدا در آنان خیری می یافت قطعا شنوایشان می ساخت و اگر آنان را شنوا می کرد حتما باز روی برمی تافتند.} که نتیجه آن دو این است که اگر خدا در آنان خیری می... یافت، باز به حال اعراض، روی برمی تافتند روشن می‌شود. جواب این است که مقصود در آیه ترتیب قیاس منطقی نیست که بگوییم پس کبری کلی است. و معنی این است که در هر صورتی شنوایشان می کرد روی برمی‌تافتند، بلکه معنی این است که اگر شنوایشان می‌کرد، بنا بر این فرض که خیری در آنها نمی داند، روی برمی‌تافتند، به همین دلیل شنوایشان نکرد. پس جمله دوم تأکید جمله اولی است و شاید در قوّه استثناء نقیض تالی باشد، به این صورت که قیاس استثنائی باشد. «هنیئة» یعنی زمان کمی. «لو وجدنا وعاء» و در کافی «اوعیة» آمده، یعنی قلب هایی که اسرار را کتمان کند و حافظ آنها باشد. «او مستراحا» یعنی کسی که آن طور که سزاوار است قابلیت فهم اسرار و حفظ آنها را ندارد، ولی آنها را افشا نمی‌کند و مطلع بودن او از اسرار، موجب ضرری نمی‌شود. پس خاطر انسان به آن آسوده می‌شود. «لعلّمنا» از باب تفعیل است. و در بعضی نسخه‌ها «لقلنا» گفته شده، همان طور که در کافی آمده است.

**[ترجمه]

«۲۲»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا قُتِلَ أَبُو الْخَطَّابِ قَالَ فَذَكَرْتُ لَهُ مَا كَانَ يَرْوِي مِنْ أَحَادِيثِهِ تِلْكَ الْعِظَامِ قَبْلَ أَنْ يُحْدِثَ مَا أَحْدَثَ فَقَالَ بِحَسْبِكَ وَ اللَّهِ يَا مُحَمَّدُ أَنْ تَقُولَ فِينَا يَعْلَمُونَ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ فَصْلَ مَا بَيْنَ النَّاسِ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَقُومَ أَخَذَ بِثَوْبِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ وَ أَيُّ شَيْ ءٍ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ فِي جَنْبِ الْعِلْمِ إِنَّمَا الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ فِي شَيْ ءٍ يَسِيرٍ مِنَ الْقُرْآنِ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: محمّد بن مسلم گفت: پس از کشته شدن ابوالخطاب خدمت امام علیه السّلام رسیدم و برایش احادیث شگفت انگیزی را - که پیش از ادعایی که نمود - نقل می کرد، نقل کردم. - . ابوالخطاب مدعی شد که حضرت صادق علیه السّلام خدا است. - فرمود: به خدا سوگند کافی است برای تو که درباره ما بگویی عالم به حلال و حرام و علم قرآن و رفع اختلافات بین مردم هستند. موقعی که خواستم از جا حرکت کنم، لباس مرا گرفت و فرمود: ای محمّد! حلال و حرام چیست در مقابل علم؟ حلال و حرام در مقدار کمی از قرآن است. - . بصائر الدّرجات: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۲۳»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَادٍّ عَنْ أَبِی دَاوُدَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ خَادِمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ تُعَلِّمُ النَّاسَ (۳) تَأْوِیلَ الْقُرْآنِ بِمَا لَا یَعْلَمُونَ فَقَالَ عَلَی مَا أُبَلِّغُ رِسَالَتَکَ بَعْدَکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ تُخْبِرُ النَّاسَ بِمَا أَشْکَلَ عَلَیْهِمْ مِنْ تَأْوِیلِ الْقُرْآنِ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: انس بن مالک خادم پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم گفت: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: یا علی! تو می آموزی به مردم تأویل قرآن را به چیزهایی که نمی دانند. امیرالمؤمنین علیه السّلام گفت: به چه نوع تبلیغ رسالت تو را بعد از شما بکنم؟! فرمود: مسائل مشکلی که مردم در تأویل قرآن دارند به آنها اطلاع می دهی. -. بصائر الدّرجات: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۲۴»

یر، بصائر الدرجات یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِحَسْبِکُمْ (۵) أَنْ تَقُولُوا یَعْلَمُ عِلْمَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ

۱- أصول الکافی: ۱، ۲۲۹. رواه عن علیّ بن محمّد و محمّد بن الحسن عن سهل بن زیاد عن القاسم بن الربیع عن عبید بن عبد اللّه بن أبی هاشم الصیرفی عن عمر و بن مصعب عن سلمه بن محرز قال: سمعت أبا جعفر علیه السلام یقول.

۲- بصائر الدرجات: ۵۳ فیه: فحسبک.

۳- فی المصدر: یا علی انت تعلم الناس.

۴- بصائر الدرجات: ۵۳.

۵- لحسبکم خ ل.

عِلْمَ الْقُرْآنِ وَ فَصْلَ مَا بَيْنَ النَّاسِ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: محمد بن مسلم گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: برای شما کافی است که بگویید: علم حلال و حرام و قرآن و رفع اختلاف بین مردم را می داند. - . بصائر الدّرجات: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۲۵»

یر، بصائر الدرجات السِّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَا دَخَلَ رَأْسِي نَوْماً وَ لَا غُمْضاً (۲) عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّى عَلِمْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ أَوْ سُنَّةٍ أَوْ أَمْرٍ أَوْ نَهْيٍ فِيمَا نَزَلَ فِيهِ وَ فِيمَنْ نَزَلَ فَخَرَجْنَا فَلَقِينَا الْمُعْتَزِلَةَ فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لَهُمْ فَقَالُوا إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ عَظِيمٌ كَيْفَ يَكُونُ هَذَا وَ قَدْ كَانَ أَحَدُهُمَا يَغِيبُ عَنْ صَاحِبِهِ فَكَيْفَ يَعْلَمُ هَذَا قَالَ فَرَجَعْنَا إِلَى زَيْدٍ فَأَخْبَرْنَاهُ بِرَدِّهِمْ عَلَيْنَا فَقَالَ كَانَ يَتَحَفَّظُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَدَدَ الْأَيَّامِ الَّتِي غَابَ بِهَا فَإِذَا الْتَقَيَا قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَلِيُّ نَزَلَ عَلَيَّ فِي يَوْمِ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَا كَذَا وَ كَذَا وَ فِي يَوْمِ كَذَا وَ كَذَا كَذَا وَ كَذَا حَتَّى يَعُدَّهَا عَلَيْهِ إِلَى آخِرِ الْيَوْمِ الَّذِي وَافَى فِيهِ فَأَخْبَرْنَاهُمْ بِذَلِكَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: ابو خالد واسطی از زید بن علی علیه السّلام نقل کرد که امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: در زمان پیامبر صلی اللّه علیه و آله نه هرگز خوابم برد و نه چشم برهم گذاشتم، مگر اینکه از آن جناب فرا گرفتم که آن روز جبرئیل از حلال و حرام و سنت و امر و نهی چه چیز از طرف خداوند آورده و در چه مورد و درباره چه کس نازل شده. ما از خدمت زید بن علی خارج شدیم. معتزلیان را دیدیم و همین مطلب را برای معتزلیان نقل کردیم. آنها گفتند: این امر بزرگی است، چگونه امکان دارد با اینکه اتفاق می افتاد یکی از دیگری دور می افتاد؟ پس از کجا اطلاع پیدا می کرد؟ ما برگشتیم پیش زید و جریان رد کردن آنها را نقل کردیم. گفت: تعداد روزهایی که از خدمت پیغمبر صلی اللّه علیه و آله دور بود در خاطر می سپرد و وقتی ایشان را ملاقات می کرد، پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله می فرمود: یا علی! فلان روز فلان چیز نازل شد و در فلان روز فلان تا آخرین روزی که علی علیه السّلام آمد. و ما این جواب را به معتزلیان گفتیم. - . بصائر الدّرجات: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۲۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام بِمَكَّةَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ إِنَّكَ لَتُفَسِّرُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مَا لَمْ تَسْمَعْ بِهِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْنَا نَزَلَ قَبْلَ النَّاسِ وَ لَنَا فُسِّرَ قَبْلَ أَنْ يُفَسَّرَ فِي النَّاسِ فَنَحْنُ نَعْرِفُ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ وَ نَاسِخَهُ وَ مَنْسُوخَهُ وَ سَفَرِيَّهُ وَ حَضَرِيَّهُ وَ فِي أَيِّ لَيْلَةٍ نَزَلَتْ كَمْ مِنْ آيَةٍ وَ فِيمَنْ نَزَلَتْ وَ فِيمَا نَزَلَتْ فَنَحْنُ حُكَمَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَتُكْتَبُ

شَهادَتُهُمْ وَ يُسْئَلُونَ فَالشَّهَادَهُ لَنَا وَ الْمَسْأَلَهُ لِلْمَشْهُودِ عَلَيْهِ فَهَذَا عِلْمُ مَا قَدْ أَنْهَيْتُهُ إِلَيْکَ وَ أَدَّيْتُهُ إِلَيْکَ مَا لَزِمَنِی فَإِنْ قَبِلْتَ فَاشْكُرْ وَ إِنْ تَرَكْتَ فَ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ (۴).

ص: ۱۹۶

۱- بصائر الدرجات: ۵۳.

۲- یوما غمضا، نوم و لا غمض خ ل أقول: فی المصدر: ما دخل رأسی نوما و لا عهد رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله حتّی اه.

۳- بصائر الدرجات: ۵۴.

۴- بصائر الدرجات: ۵۴. و الآیه فی سوره الزخرف: ۱۹.

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: یعقوب بن جعفر گفت: در خـدمت حضـرت ابوالحسن علیه السّـلام در مکه بودم. مردی به ایشان گفت: شـما از قرآن تفسـیرهایی می کنید که شـنیده نشده. امام علیه السّـلام فرمود: قرآن قبل از مردم بر ما نازل شده و پیش از مردم برای مـا تفسـیر شـده است. ما به حلال و حرام و ناسخ و منسوخ و آیاتی که در سـفر و آیاتی که در حضـر نازل شـده و اینکه در کـدام شب چقـدر آیه نازل شـده و درباره چه کس و چه چیز نازل گردیده عارف هستیم. ما حکمای خدا در زمین و گواهان او بر مردم هستیم. این آیه اشاره به همین مطلب است: «سَتُكْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ يُسْأَلُونَ» - . زخرف / ۱۹ - {گواهی ایشان به زودی نوشـته می شود و [از آن] پرسـیده خواهند شد.} گواهی از ما است و پرسـش از کسـی است که علیه او شهادت داده شـده. این علم آن چیزی بود که به تو اطلاع دادم و رسانـدم، تا زمانی که پیرو من باشـی. اگر قبول نمودی سپاسـگزاری کن و اگر رد کردی، خداوند بر هر چیز گواه است. - . بصائر الدّرجات: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۲۷»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الرِّوَايَةِ مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ وَ مَطْلَعٌ مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ قَالَ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ هُوَ تَأْوِيلُهَا مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلَّمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْ ءٍ (۱) مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ (۲).

**[ترجمه]بصائر الـدّرجات: فضـیل گفت: از حضـرت باقر علیه السّـلام راجع به این روایت پرسـیدم که می فرماید: هر آیه ای دارای ظـاهر و باطنی است و هیـچ حرفی در آن نیست، مگر اینکه دارای انتها و ابتـدایی است. پرسـیدم: منظور از ظاهر و باطن آیه چیست؟ فرمود: ظـاهر و بـاطن آیه تأویـل آن است که بعضـی مربوط به گذشـته و برخی مربوط به آینـده است، در جریان است، همان گونه که ماه و خورشـید در جریان است. هر وقت تأویل یک آیه از قرآن به وقوع بپیوندد، همان گونه که بر زنده ها است، بر مرده ها نیز می‌باشد. خداوند در این آیه فرموده: «وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمود: ما تأویل آن را می دانیم. - . بصائر الدّرجات: ۵۵ -

**[ترجمه]

بیان

لعـل المراد بالحـد المنتهی و بـالمطلع مبـدأ الظهور أی کلمـا فیه من الأخبـار الآتیه فهو مشـتمل علی وقت حـدوث ذلک الأمر و نهایته أو المراد بالحد زمان حدوث الأمر و بالمطلع زمان ظهوره علی الإمام کما یشهد له بعض الأخبار أو المراد بالحد الحکم و بـالمطلع کیفیه استنباطه منه قوله علیه السـلام یجری أی تجری الأـمور الکـائنه الـتی یـدل علیهـا القرآن و یقع تـدریجا کجریـان الشـمس و القمر قوله علیه السـلام یکون علی الأموات أی کلما یظهر و یفیض علی إمام العصـر من الأمور البدائیه من القرآن فی الوقت الذی أراد الله إفاضته علیه یفیض أولا علی الأئمه الذین مضوا ثم علی إمام العصر علیه السلام لئلا یکون آخرهم أعلم من

أولهم كما سيأتی.

**[ترجمه]شایـد منظـور از «حـدّ» پایـان و منظور از «مطلع» ابتـدا و آغـاز باشـد، یعنی هر آنچه که در آن است از اخبـار آینـده مشـتمل بر زمـان شـروع و پایـان آن است. یا منظور از «حـد» زمان حـدوث امر و منظور از «مطلع» زمان ظهور آن بر امام است، چنان چه بعضـی از اخبار شاهد آن است. یا منظور از «حدّ» حکم و منظور از «مطلع» کیفیت اسـتنباط حکم از آن است. عبارت «یجری» یعنی امور موجودی که قرآن بر آن دلالت می کند جاری است و تدریجا واقع می‌شود، مانند جریان افتادن خورشـید و ماه. عبارت «یکون علی الاموات» یعنی هر وقتی که ابتدائا اموری از قرآن بر امام عصـر آشکار و افاضه می‌شود، زمانی که خدا اراده افاضه آن را بر او نموده، اوّلا بر امامانی که در گذشـته بودند افاضه می کند، سـپس بر امام عصـر افاضه می کند تا آخرین امامان، عالم تراز اولین آنها نباشد چنان چه خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۲۸»

کنز، کنز جامع الفوائـد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْـمَاعِیلَ الْعَلَوِیِّ عَنْ عِیسَـی بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَـی علیه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هذا ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی قَالَ ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ عَلِیٌّ علیه السلام وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی ذِکْرُ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْأَوْصِیَاءِ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسـی بن داود از حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «هذا ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی» - . انبیاء / ۲۴ - {این است یادنـامه هر که بـا من است و یادنامه هر که پیش از من بوده} فرمود: «ذِکْرُ مَنْ مَعِیَ» علی علیه السّلام است «وَ ذِکْرُ مَنْ قَبْلِی» انبیاء و اوصیاء هستند. - . کنز الفوائد: ۱۶۴ -

**[ترجمه]

«۲۹»

کنز، کنز جامع الفوائـد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ السَّیَّارِیِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُهُ تَعَالَی هذا

۱- فی المصدر: کلما جاء فیه تأویل شی ء.

۲- بصائر الدرجات: ۵۵. فیه: کما قال اللّه تعالی.

۳- کنز الفوائد: ۱۶۴.

كِتابُنا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ (١) قَالَ إِنَّ الْكِتَابَ لَا يَنْطِقُ وَ لَكِنْ مُحَمَّدٌ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ عليهم السلام هُمُ النَّاطِقُونَ بِالْكِتَابِ (٢).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «هذا كِتابُنا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِ». - . جاثیه / ٢٩ - {این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می گوید} پرسیدم. فرمود: کتاب که سخن نمی گوید، ولی محمّد و اهل بیتش علیهم السّلام ناطق به کتاب هستند. - . کنز الفوائد: ٣٠٠ -

**[ترجمه]

بیان

لعله كان فی قراءتهم علیهم السلام ینطق علی بناء المجهول كما یدل علیه ما روی فی الكافی بهذا السند (٣).

**[ترجمه]شاید در قرائت ائمّه علیهم السّلام «ینطق» مجهول بوده، همان طور که روایتی که در کافی به همین سند نقل شده است بر آن دلالت دارد.

**[ترجمه]

«٣٠»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَنُؤْمِنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ وَ نَدِينُ بِهِ وَ أَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَنُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَأَمَّا الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: وهیب بن حفص نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود: در قرآن محکم و متشابه است، اما به محکم ایمان می آوریم و به آن عمل می کنیم و معتقد به آن هستیم، اما به متشابه ایمان می‌آوریم ولی به آن عمل نمی کنیم، و این است معنی آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَهِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» - . بصائر الدرجات: ۵۵ -

**[ترجمه]

«٣١»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ وَ عِمْرَانَ

۱- الجاثيه: ۲۹.

۲- كنز الفوائد: ۳۰۰.

۳- الظاهر أنّه عليه السلام أراد ان نسبه النطق الى الكتاب مجازى و بالحقيقه الناطق هو الرسول صلّى اللّه عليه و آله و الأئمّه عليهم السلام، و ذلك لما يحتاج أن يكون ينطق على بناء المجهول. و لذا قال مؤلف الكنز بعد ذكر الحديث: هذا على سبيل المجاز تسميه المفعول باسم الفاعل اذ جعل الكتاب هو الناطق دون غيره. و اما ما استشهد به لذلك من روايه الكافى فهو أيضا لا يدلّ على ذلك بل هو يدلّ على أنّهم قرءوا عليكم مكان عليكم و الروايه فى الروضه ص ۵۰ هكذا: سهل بن زياد عن محمّد بن سليمان الديلمىّ عن أبيه عن ابى بصير عن أبى عبد اللّه عليه السلام قال: قلت له: قول اللّه عزّ و جلّ: «هذا كِتابُنا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» فقال: ان الكتاب لم ينطق و لن ينطق، و لكن رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله هو الناطق بالكتاب قال اللّه عزّ و جلّ: «هذا كِتابُنا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ» قال: قلت: جعلت فداك انا لا نقرؤها هكذا فقال: هكذا و اللّه نزل به جبرئيل على محمّد صلّى اللّه عليه و آله و لكنه فيما حرف من كتاب اللّه. اقول:فمعناه ان هذا القرآن كتابنا ينطق به على بالحق وعلى اى فسليمان ومحمد ابنه لا يعتمد على ما ينفردان من الروايه قال النجاشى : قيل : كان سليمان غاليا كذابا وكذلك ابنه محمد لا يعمل بما انفردا من الروايه.

۴- بصائر الدرجات: ۵۵.

بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ (۱).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد بن خالد عن سیف بن عمیره عن أبی بصیر قال قال أبو جعفر علیه السلام و ذکر مثله (۲).

**[ترجمه]بصائر الدّرجات: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: ما راسخان در علم هستیم و ما تأویل آن را می دانیم. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

بصائر الدرجات: ابوبصیر گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود... و مانند روایت گذشته را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۳۲»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابوالصباح گفت: حضرت صادق علیه السّلام به من فرمود: ای ابوالصباح! ما قومی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب نمود، انفال و مال پاکیزه برای ماست و ما راسخان در علم و ما کسانی هستیم که مورد رشکیم و خدا در قرآن فرموده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۳۳»

یر، بصائر الدرجات إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ بُرَيْدٍ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (۴) فَرَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَفْضَلُ الرَّاسِخِينَ فِي الْعِلْمِ قَدْ عَلَّمَهُ اللَّهُ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَهُ عَلَيْهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُنْزِلَ عَلَيْهِ شَيْئاً لَمْ يُعَلِّمْهُ تَأْوِيلَهُ وَ أَوْصِيَاؤُهُ مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كُلَّهُ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ تَأْوِيلَهُ إِذَا قَالَ الْعَالِمُ فِيهِ بِعِلْمٍ فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ بِقَوْلِهِ يَقُولُونَ (۵) آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا وَ الْقُرْآنُ لَهُ خَاصٌّ وَ عَامٌّ وَ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ وَ نَاسِخٌ وَ مَنْسُوخٌ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَعْلَمُونَهُ (۶).

یر، بصائر الدرجات ابن یزید عن ابن أبی عمیر عن ابن أذینه عن برید عن أبی جعفر علیه السلام مثله (۷)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید عجلی از حضرت باقر یا صادق علیهما السّلام نقل می کند که درباره آیه شریفه «وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله افضل راسخان در علم است. خداوند به او تمام آنچه نازل فرموده، از تأویل و تنزیلش، تعلیم داده است. هرگز چیزی بر پیغمبرش نازل نمی کند که تأویلش را به او تعلیم

نداده باشد. جانشینان پیامبر صلی اللَّه علیه و آله نیز بعد از او عالم به تمام آن هستند. و کسانی که از تأویل قرآن اطلاع ندارند، زمانی که عالم به تأویل آن اطلاع دهد که تأویل آیه چنین است، خداوند به آنها به وسیله این آیه چنین جواب داده: «یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنا.» قرآن دارای خاص و عام و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ است. راسخان در علم این مطالب را می دانند. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

بصائر الدرجات: برید از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

بیان

قوله و الذین لا یعلمون مبتدأ و الجمله الشرطیه خبره و

ص: ۱۹۹

۱- بصائر الدرجات: ۵۶.

۲- بصائر الدرجات: ۵۶.

۳- بصائر الدرجات: ۵۶.

۴- فی نسخه الکمبانیّ: آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله فرسول اللّه.

۵- فی المصدر: فاجابهم اللّه. یقولون أقول: و لعلّ الصحیح فأجابهم، اللّه یقول ای فأجابهم الذین لا یعلمون ما سمعوا منهم، ثمّ ذکر الامام جوابهم من قوله تعالی قال: اللّه یقول: یقولون.

۶- بصائر الدرجات: ۵۶.

۷- بصائر الدرجات: ۵۶.

المراد بالذین لا یعلمون الشیعه أی الشیعه و المؤمنون إذا قال العالم (۱) أی الإمام فیه أی فی القرآن أو فی تأویل المتشابه و فی بعض النسخ فیهم أی الإمام الذی بین أظهرهم بعلم أی بالعلم الذی أعطاه الله و خصه به یقولون أی الشیعه فی جواب الإمام بعد ما سمعوا التأویل منه آمنا به فالضمیر فی قوله فأجابهم راجع إلی الراسخین أی أجابهم من قبل الشیعه و یحتمل إرجاعه إلی الشیعه علی طریقه الحذف و الإیصال أی أجاب لهم.

**[ترجمه]عبارت «والذین لا یعلمون» مبتداست و جمله شرطیه خبر آن است و منظور از آن شیعه است. یعنی شیعه و مؤمنان، زمانی که امام درباره قرآن یا تأویل متشابه چیزی بگوید. و در بعضی نسخه‌ها «فیهم» آمده، یعنی امامی که میان آنهاست. عبارت «بعلم» یعنی به علمی که خدا به او عطا کرده و مختص او گردانده است. «یقولون» یعنی شیعه بعد از تأویلی که از او شنیدند، در جواب امام می‌گویند: «آمنّا به.» پس ضمیر در عبارت «فأجابهم» به راسخان برمی‌گردد، یعنی از طرف شیعه به آنها پاسخ داد. و شاید ضمیر به روش حذف و ایصال به شیعه برگردد، یعنی به نفع آنها پاسخ داد .

**[ترجمه]

«۳۴»

یر، بصائر الدرجات یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیدَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ إِیَّانَا عَنَی (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید گفت که از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» جویا شدم. فرمود: ما را قصد نموده است. - . بصائر الدرجات: ۵۵ - ۵۶ -

**[ترجمه]

«۳۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُوسَی عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۳)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحمان بن کثیر از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۳۶»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ وَ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَنَّاطِ عَنِ الْحَسَنِ الصَّیْقَلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ

عليه السلام وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ (۴)

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره محمد بن العباس عن محمد بن جعفر الرزاز عن محمد بن الحسین عن ابن أبی عمیر مثله (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسن بن صیقل گفت: به امام صادق علیه السّلام عرض کردم... و مانند روایت فوق را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

کنز الفوائد: محمد بن حسین از ابن ابی عمیر همین روایت را نقل کرده است. - . کنز الفوائد: ۲۲۲ - ۲۲۳ -

**[ترجمه]

«۳۷»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: تَلَا هَذِهِ الْآیَهَ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قُلْتُ أَنْتُمْ هُمْ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مَنْ عَسَی أَنْ یَکُونُوا (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: حضرت باقر علیه السّلام آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را خواند. عرض کردم: شما آنهایید؟ فرمود: چه کسانی امید دارند باشند؟ - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۳۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ

ص: ۲۰۰

۱- فی النسخه المخطوطه: إذا سمعوا قال العالم.

۲- بصائر الدرجات: ۵۵/ ۵۶.

۳- بصائر الدرجات: ۵۶.

۴- بصائر الدرجات: ۵۶.

۵- کنز الفوائد: ۲۲۲ و ۲۲۳.

۶- بصائر الدرجات: ۵۶.

أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أَوتُوا الْعِلْمَ ثُمَّ قَالَ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَ اللَّهِ مَا قَالَ بَیْنَ دَفَّتَیِ الْمُصْحَفِ قُلْتُ مَنْ هُمْ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ مَنْ عَسَی أَنْ یَکُونُوا غَیْرَنَا (۱).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: علی بن ابو حمزه از ابو بصـیر نقل می کند که امام باقر علیه السّلام این آیه را قرائت نمود «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ.» سـپس فرمود: به خـدا سوگنـد نفرموده این آیات بین دو جلد قرآن است. من گفتم: فدایت شوم! آنها کیانند؟ فرمود: غیر از ما چه کسانی امید دارند باشند؟ - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

بیان

قوله مـا قـال الظـاهر أن کلمه مـا نـافیه أی لم یقـل إن الآیات بین دفتی المصـحف بل قال فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ لیعلم أن للقرآن حمله یحفظونه عن التحریف فی کل زمان و هم الأئمه علیهم السـلام و یحتمل علی هذا أن یکون الظرف فی قوله تعالی فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ متعلقا بقوله بَیِّناتٌ فاسـتدل علیه السـلام علی أن القرآن لا یفهمه غیر الأئمه علیهم السـلام بهذه الآیه لأنه تعالی قال الآیات بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فلو کانت بینه فی نفسـها لما قید کونها بینه بصدور جماعه مخصوصه و یحتمـل أن تکـون مـا موصـوله فیکون بیانـا لمرجع ضـمیر هو فی الآـیه أی الـذی قـال تعـالی إنه آیـات بینـات هو مـا بین دفتی المصحف و لا یخفی بعده.

**[ترجمه]در عبارت «ما قال» ظاهرا «ما» نافیه است، یعنی نفرموده که آیات بین دو جلد قرآن است، بلکه فرموده در سـینه اهل دانش جـای دارد تـا بدانـد که قرآن حاملانی دارد که آن را از تحریف در هر زمانی حفظ می کننـد و آنها ائمّه علیهم السّلام هسـتند. و شایـد بنـا بر این کلاـم، ظرف در آیه «فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُـوا الْعِلْمَ» متعلـق به «بَیِّنـاتٌ» باشـد. پس امـام علیه السّلام اسـتدلال کرده به این آیه بر اینکه قرآن را غیر از ائمّه نمی‌فهمنـد، زیرا خداونـد فرمـوده: «آیـاتٌ بَیِّنـاتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پس اگر آیات فی نفسه روشن بود، روشن بودن آنها را به سینه گروهی خاص مقیّد نمی کرد. و شاید «ما» موصوله باشد و بیان برای ضمیر «هُوَ» در آیه، یعنی آنچه که خدا فرموده:

«انّه آیاتٌ بَیِّناتٌ» آن است که بین دو جلد قرآن است و بُعد این نظر پوشیده نیست.

**[ترجمه]

«۳۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ حُجْرٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِی الْجَهْمِ عَنْ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ نَحْنُ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: اسباط از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمود: ما هستیم. -. بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ یَزِیدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هِیَ الْأَئِمَّةُ خَاصَّةً (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: هارون بن حمزه گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» می‌فرمود: این آیه فقط درباره ائمّه است. -. بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ یَحْیَى الْحَلَبِیِّ عَنْ

۱- بصائر الدرجات: ۵۶.
۲- بصائر الدرجات: ۵۶: فیه قالوا: نحن و لعلّ الصحیح (قالا) ای ابا جعفر و أبا عبد اللّه علیهما السلام.
۳- بصائر الدرجات: ۵۶.

أَيُّوبَ بْنِ حُرٍّ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قُلْتُ أَنْتُمْ هُمْ قَالَ مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حمران گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرسیدم که منظور شمایید؟ فرمود: چه کسی امید دارد باشد؟ - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۲»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَسْبَاطٍ قَالَ: سَأَلَهُ الْهِيتِيُّ (۲) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّةُ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: اسباط گفت: هیتی - . در مصدر «هیسی» آمده است. - از امام علیه السّلام درباره آیه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرسید. فرمود: آنها ائمّه هستند. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۳»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ (۴)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالعزیز عبدی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام پرسیدم... و مانند روایت بالا را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۴»

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ وَ زَادَ فِي آخِرِهِ خَاصَّةً (۵).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الأهوازی عن محمد بن الفضيل قال سألته علیه السلام و ذكر مثله (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن فضیل گفت: از حضرت رضا علیه السّلام پرسیدم... و مانند روایت بالا را نقل کرده است و در آخر آن کلمه «خاصّة» یعنی «فقط» را افزوده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

بصائر الدرجات: محمد بن فضیل گفت: از حضرت رضا علیه السّلام پرسیدم... و مانند روایت بالا را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ حُرٍّ وَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ عَلِیٍّ جَمِیعاً عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا قَالَ فِی الْمُصْحَفِ قُلْتُ فَأَنْتُمْ هُمْ قَالَ فَمَنْ عَسَی أَنْ یَکُونَ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابوبصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره این آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» پرسیدم. فرمود: به خدا سوگند در قرآن نگفته است. عرض کردم: آنها شما هستید؟ فرمود: پس چه کسی امید دارد باشد؟ - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۶»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ حُجْرٍ عَنْ حُمْرَانَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ نَحْنُ الْأَئِمَّهُ خَاصَّهً وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ

۱- بصائر الدرجات: ۵۶.

۲- فی المصدر: الهیسی.

۳- بصائر الدرجات: ۵۶.

۴- فی المصدر: ۵۶. فیه: (قال: نحن و إیّانا) أقول: و لعلّ الصحیح: نحن و إیّانا عنی.

۵- بصائر الدرجات، ۵۶.

۶- بصائر الدرجات، ۵۶.

۷- بصائر الدرجات، ۵۶.

فَزَعَمَ أَنَّ مَنْ عَرَفَ الْإِمَامَ وَ الْآيَاتِ مِمَّنْ يَعْقِلُ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حمران و عبداللّه بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام نقل کردند که درباره آیه «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمود: فقط ما امامان هستیم و «وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ» معتقد بود هر کس امام و آیات را بشناسد، از کسانی است که این مطلب را درک می کند. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۷»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ یَزِیدَ بْنِ سَعِیدٍ (۲) عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۳)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: هارون بن حمزه از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ – ۵۷ -

**[ترجمه]

بیان

قوله ممن یعقل خبر أن و هو تفسیر لقوله تعالی وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ

**[ترجمه]عبارت «ممّن یعقل» خبر «انّ» و تفسیر برای آیه «وَمَا یَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» است.

**[ترجمه]

«۴۸»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ الطَّیَالِسِیُّ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الرِّجْسُ هُوَ الشَّکُّ وَ لَا نَشُکُّ فِی دِینِنَا أَبَداً ثُمَّ قَالَ بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ قُلْتُ أَنْتُمْ هُمْ قَالَ مَنْ عَسَی أَنْ یَکُونَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: رجس و پلیدی شک است و ما هرگز در دین خود شک نمی کنیم. سپس فرمود «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ.» عرض کردم: آنها شما هستید؟ فرمود: چه کس ممکن است باشد؟ - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۴۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ انْتَهَى إِلَى آيٍ فِی الْقُرْآنِ ثُمَّ جَمَعَ أَصَابِعَهُ ثُمَّ قَالَ بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحمن از آیه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» نقل کرد که فرمود: این علم منتهی به آیاتی چند از قرآن شده است. در این موقع انگشتان خود را جمع کرد و سپس فرمود: «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۵۰»

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ قَوْلُهُ تَعَالَى قُلْ (۶) هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الْأَئِمَّةُ وَ النَّبَأُ (۷) الْإِمَامَةُ (۸).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سدیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که از ایشان درباره آیه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» و آیه «قُل هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ * أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ» - . ص / ۶۷ - ۶۸ - {بگو این خبری بزرگ است [که] شما از آن روی برمی تابید} پرسیدم. فرمود: کسانی که به آنها علم داده شده ائمه هستند و «نبأ» امامت است. - . بصائر الدرجات: ۵۶ -

**[ترجمه]

«۵۱»

قب، المناقب لابن شهرآشوب رَوَى بُرَيْدٌ الْعِجْلِيُّ وَ أَبُو بَصِيرٍ وَ حُمْرَانُ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجْلَانَ وَ عَبْدُ الرَّحِيمِ الْقَصِيرُ كُلُّهُمْ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَسْبَاطُ (۹) بْنُ سَالِمٍ وَ الْحَسَنُ الصَّيْقَلُ

۱- بصائر الدرجات: ۵۶.

۲- فی المصدر: یزید بن سعد.

۳- بصائر الدرجات: ۵۶ و ۵۷ فیه: قال: (هم الأئمّه خاصّه) و الآیه الثانیه فی سوره العنکبوت: ۴۳.

۴- بصائر الدرجات: ۵۶.

۵- بصائر الدرجات: ۵۶.

۶- فى المصدر: الذين اوتوا العلم: قال: هم الأئمّه، قل هو.

۷- فى نسخه الكمبانىّ: و النبأ الأئمّه.

۸- بصائر الدرجات: ۵۶.

۹- فى المصدر: و روى اسباط بن سالم.

وَ حُمْرَانُ وَ الْمُثَنَّى الْحَنَّاطُ وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ كَثِيرٍ وَ هَارُونُ بْنُ حَمْزَةَ الْغَنَوِيُّ وَ عَبْدُ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيُّ وَ سَدِيرٌ الصَّيْرَفِيُّ كُلُّهُمْ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ (۱) عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالُوا فِی قَوْلِهِ تَعَالَی بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ نَحْنُ هُمْ وَ إِيَّانَا عَنَی (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: برید عجلی، ابوبصیر، حمران، عبدالله بن عجلان و عبدالرحیم قصیر همگی از حضرت باقر علیه السّلام و اسباط بن سالم، حسن صیقل، حمران، مثّنی حنّاط، عبدالرحمان بن کثیر، هارون بن حمزه غنوی، عبدالعزیز عبدی و سدیر صیرفی همگی از حضرت صادق علیه السّلام و محمد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کردند که درباره آیه «بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمودند: ما آنها هستیم و ما را قصد کرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۵۲۲ -

**[ترجمه]

«۵۲»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَی يَشْهَدُ بِهَا لِنَفْسِهِ وَ هُوَ كَمَا قَالَ فَأَمَّا قَوْلُهُ وَ الْمَلائِكَةُ فَإِنَّهُ أَكْرَمَ الْمَلَائِكَةَ بِالتَّسْلِيمِ لِرَبِّهِمْ وَ صَدَّقُوا وَ شَهِدُوا كَمَا شَهِدَ لِنَفْسِهِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ فَإِنَّ أُولِی الْعِلْمِ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ وَ هُمْ قِيَامٌ بِالْقِسْطِ وَ الْقِسْطُ هُوَ الْعَدْلُ فِی الظَّاهِرِ وَ الْعَدْلُ فِی الْبَاطِنِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام در مورد این آیه سؤال کردم: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» - . آل عمران / ۱۸ - {خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می دهند که] جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست.} فرمود: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ» خداوند به این آیه گواهی می دهد برای خودش و همین طور است که گفته است اما این قسمت آیه «وَ الْمَلائِكَةُ» خداوند آنها را با تسلیم بودن آنها در برابر پروردگارشان اکرام کرده، و راست گفتند و گواهی دادند، همان طور که خدا بر خود گواهی داد، اما این قسمت آیه «أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ» صاحبان علم انبیاء و اوصیایند و آنها به پا دارنده عدل و دادگری هستند. قسط و عدل در ظاهر یکی هستند و عدل در باطن امیرالمؤمنین علیه السّلام است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۵ - ۱۶۶ -

**[ترجمه]

«۵۳»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ مَرْزُبَانَ الْقُمِّيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ

أولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ قَالَ هُوَ الْإِمَامُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مرزبان قمی گفت: از حضرت ابوالحسن علیه السّلام راجع به آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ» پرسیدم. فرمود: او امام است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۶ -

**[ترجمه]

«۵۴»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو الْقَاسِمِ الْكُوفِيُّ قَالَ: رُوِيَ فِي قَوْلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ أَنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مَنْ قَرَنَهُمُ الرَّسُولُ صلى الله عليه و آله بِالْكِتَابِ وَ أَخْبَرَ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ وَ فِي اللُّغَةِ الرَّاسِخُ هُوَ اللَّازِمُ الَّذِي لَا يَزُولُ عَنْ حَالِهِ وَ لَنْ يَكُونَ كَذَلِكَ إِلَّا مَنْ طَبَعَهُ اللَّهُ عَلَى الْعِلْمِ فِي ابْتِدَاءِ نُشُوئِهِ كَعِيسَى فِي وَقْتِ وِلَادَتِهِ قالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتانِيَ الْكِتابَ (۵) الْآيَةَ فَأَمَّا مَنْ يَبْقَى السِّنِينَ الْكَثِيرَةَ لَا يَعْلَمُ ثُمَّ يَطْلُبُ الْعِلْمَ فَيَنَالُهُ

ص: ۲۰۴

۱- فی المصدر: و روی محمّد بن الفضیل.

۲- مناقب آل أبی طالب ۳: ۵۲۲.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۵ و ۱۶۶. و الآیه فی سوره آل عمران: ۱۸.

۴- تفسیر العیّاشیّ: ۱: ۱۶۶.

۵- مریم: ۳۰.

مِنْ جِههِ غَيْرِهِ عَلَى قَدْرِ مَا يَجُوزُ أَنْ يَنَالَهُ مِنْهُ فَلَيْسَ ذَلِكَ مِنَ الرَّاسِخِينَ يُقَالُ رَسَخَتْ عُرُوقُ الشَّجَرِ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يَرْسَخُ إِلَّا صَغِيراً وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَيْنَ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِباً وَ بَغْياً عَلَيْنَا وَ حَسَداً لَنَا (۱) أَنْ رَفَعَنَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ وَضَعَهُمْ وَ أَعْطَانَا وَ حَرَمَهُمْ وَ أَدْخَلَنَا وَ أَخْرَجَهُمْ بِنَا يُسْتَعْطَى الْهُدَى وَ يُسْتَجْلَى الْعَمَى لَا بِهِمْ (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابوالقاسم كوفى گفت: روايت شده كه درباره آيه «ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» فرمود: راسخان در علم كسانى هستند كه پيامبر اكرم صلى اللّه عليه و آله آنها را قرين و همراه كتاب خدا قرار داده و اطلاع داده است كه آنها از يكديگر جدا نمى شوند تا در حوض كوثر بر من وارد شوند.

در لغت «راسخ» به معنى لازم است، يعنى كسى كه از جايش تكان نمى خورد و چنين نخواهند بود، مگر كسانى كه خدا سرشت آنها را از ابتداى تولّد بر علم نهاده باشد، مانند عيسى كه هنگام ولادت گفت: «إِنِّي عبداللّه آتانِيَ الْكِتابَ» - . مريم / ۳۰ - {منم بنده خدا به من كتاب داده} تا آخر آيه. امّا كسى كه سال هاى زيادى را بدون علم زندگى مى كند و سپس در جستجوى علم بر مى آيد و به قدرى كه مى تواند از ديگرى به دست مى آورد، او از راسخان نخواهد بود. گفته مى شود ريشه هاى درخت در زمين رسوخ كرد، رسوخ نمى كند مگر در حال كوچكى.

اميرالمؤمنين عليه السّلام فرموده: كجايند كسانى كه خيال مى كنند آنها راسخان در علم هستند غير از ما به خاطر دروغ و ستمگرى بر ما و حسادت به ما، كه خداوند ما را بالا برد و ايشان را پايين آورده و به ما عطا نموده و آنها را محروم كرده و ما را داخل نموده و ايشان را خارج كرده است؛ به وسيله ما هدايت پرتو افكنده و نابينايى رخت بربسته نه توسط آنها. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۵ -

**[ترجمه]

«۵۵»

فس، تفسير القمى فِي رِوَايَهِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتابِ إِلَى آخِرِهِ نَزَلَتْ (۳) فِي آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ قَوْلِهِ وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ (۴) إِلَى آخِرِهِ فَهُمْ أُمَّهُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله تَسُومُ أَهْلَ الْكِتَابِ سُوءَ الْعَذَابِ يَأْخُذُونَ مِنْهُمُ الْجِزْيَهَ (۵).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: در روايت ابوالجارود از حضرت باقر عليه السّلام درباره آيه «وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتابِ» - . اعراف / ۱۷۰ - {و كسانى كه به كتاب [آسمانى] چنگ درمى زنند} تا آخر آيه، نقل مى كند كه درباره آل محمّد صلى اللّه عليه و آله و پيروان آنها نازل شد و آيه «وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَ» - . اعراف / ۱۶۷ - {و [ياد كن] هنگامى را كه پروردگارت اعلام داشت خواهد گماشت} تا آخر آيه، آنها امت محمّد صلى اللّه عليه و آله هستند كه اهل كتاب را گرفتار عذاب سختى مى‌كنند از آنها جزيه و ماليات مى گيرند. - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ۲۲۸ - ۲۲۹ -

**[ترجمه]

بیان

قال الطبرسی رحمه الله فی قوله تعالی وَ الَّذِینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ أی یتمسکون به و الکتاب التوراه أی لا یحرفونه و لا یکتمونه و قیل الکتاب القرآن و المتمسک به أمه محمد صلی الله علیه و آله و

فی قوله تعالی مَنْ یَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذابِ أی من یذیقهم و یولیهم شده العذاب بالقتل و أخذ الجزیه منهم و المعنی به أمه محمد صلی الله علیه و آله عند جمیع المفسرین و هو المروی عن أبی جعفر علیه السلام (۶)

۱- فی المصدر: و بغیا لنا و حسدا علینا.

۲- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۴۵.

۳- فی المصدر: قال: نزلت و الآیه فی سوره الأعراف: ۱۷۰.

۴- الأعراف: ۱۶۷.

۵- تفسیر القمّیّ: ۲۲۸ و ۲۲۹ فیه: یسومون أهل الکتاب.

۶- مجمع البیان ج ۴ ص ۴۹۶- ۴۹۴. و الآیه الأولی فی الأعراف: ۱۷۰ و الثانیه أیضا فی الأعراف: ۱۶۷.

**[ترجمه]مرحوم طبرسی درباره آیه «وَ الَّذِینَ یُمَسِّکُونَ بِالْکِتابِ» گفته است: یعنی نگه می دارند کتاب را و منظور از کتاب، تورات است، یعنی آن را تغییر نمی دهند و کتمان نمی نمایند. بعضی گفته اند کتاب در این آیه قرآن است و چنگ زننده به آن امت محمّد صلی اللّه علیه و آله است، و درباره آیه «مَنْ یَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذابِ» - . اعراف / ۱۶۷ - {کسانی را که بدیشان عذاب سخت بچشانند} یعنی شدت عذاب و شکنجه را از قبیل قتل و گرفتن جزیه به ایشان می‌چشاند و عهده دار می شود. تمام مفسرین می گویند منظور امت محمّد صلی اللّه علیه و آله است و همین از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده است. - . مجمع البیان ۴ : ۴۹۴ - ۴۹۶ -

**[ترجمه]

باب ۱۱ أنهم علیهم السلام آیات اللّه و بیناته و کتابه

الأخبار

«۱»

فس، تفسیر القمی جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا صُمٌّ وَ بُکْمٌ فِی الظُّلُماتِ مَنْ یَشَأِ اللَّهُ یُضْلِلْهُ وَ مَنْ یَشَأْ یَجْعَلْهُ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام نَزَلَتْ فِی الَّذِینَ کَذَّبُوا فِی أَوْصِیَائِهِمْ (۱) صُمٌّ وَ بُکْمٌ کَمَا قَالَ اللَّهُ فِی الظُّلُماتِ مَنْ کَانَ مِنْ وُلْدِ إِبْلِیسَ فَإِنَّهُ لَا یُصَدِّقُ بِالْأَوْصِیَاءِ وَ لَا یُؤْمِنُ بِهِمْ أَبَداً وَ هُمُ الَّذِینَ أَضَلَّهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ کَانَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ آمَنَ بِالْأَوْصِیَاءِ وَ هُمْ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ کَذَّبُوا بِآیاتِنا کُلِّها فِی بَطْنِ الْقُرْآنِ أَنْ کَذَّبُوا بِالْأَوْصِیَاءِ کُلِّهِمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو حمزه گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا صُمٌّ وَ بُکْمٌ فِی الظُّلُماتِ مَنْ یَشَأِ اللَّهُ یُضْلِلْهُ وَ مَنْ یَشَأْ یَجْعَلْهُ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» - . انعام / ۳۹ - {و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند در تاریکی ها[ی کفر] کر و لالند هر که را خدا بخواهد گمراهش می گذارد و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می دهد} پرسیدم. فرمود: درباره کسانی نازل شده که اوصیای خود را تکذیب کردند، «صُمٌّ وَ بُکْمٌ» همان طور که خداوند فرموده «فِی الظُّلُماتِ»، در تاریکی ها به سر می برند. کسی که از فرزندان شیطان باشد، هرگز اوصیاء را تصدیق نخواهد کرد و به آنها ایمان نمی آورد و آنها کسانی هستند که خدا گمراهشان نموده و کسی که از فرزندان آدم باشد، ایمان به اوصیاء می آورد و آنها در راه راست قرار دارند. گفت و شنیدم که می فرمود: «کَذَّبُوا بِآیاتِنا» تمام آیات، و در باطن قرآن یعنی تمام اوصیاء را تکذیب کردند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۸۷ -

**[ترجمه]

«۲»

فس، تفسیر القمی وَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ آیاتِنا غافِلُونَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّهُ وَ الدَّلِیلُ عَلَی ذَلِکَ قَوْلُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ

عليه السلام مَا لِلَّهِ آيَهٌ أَكْبَرُ مِنِّی (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره «وَ الَّذِینَ هُمْ عَنْ آیاتِنا غافِلُونَ» - . یونس / ۷ - {و کسانی که از آیات ما غافلند} گفت: امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند و دلیل آن، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السّلام است که فرمود: خدا آیه ای بزرگ تر از من ندارد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۳»

فس، تفسیر القمی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أُمَیَّهَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ کَثِیرٍ الرَّقِّیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ ما تُغْنِی الْآیاتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا یُؤْمِنُونَ قَالَ الْآیَاتُ الْأَئِمَّهُ وَ النُّذُرُ الْأَنْبِیَاءُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: داود بن کثیر رقی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «وَ ما تُغْنِی الْآیاتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا یُؤْمِنُونَ» - . یونس / ۱۰۱ - {و[لی] نشانه ها و هشدارها گروهی را که ایمان نمی آورند سود نمی بخشد.} فرمود: «آیات» ائمه هستند و «نذر»، انبیاء. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۹۶ -

**[ترجمه]

«۴»

فس، تفسیر القمی فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ وَ الَّذِینَ

ص: ۲۰۶

۱- فی المصدر: کذبوا باوصیائهم.

۲- تفسیر القمّیّ: ۱۸۷.

۳- تفسیر القمّیّ: ۲۸۴ فیه: (الآیات أمیر المؤمنین علیه السلام و الأئمّه) و الآیه فی یونس: ۷.

۴- تفسیر القمّیّ: ۲۹۶. و الآیه فی سوره یونس: ۱۰۱.

كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا قَالَ وَ لَمْ يُؤْمِنُوا بِوَلَايَهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام فَأُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِينٌ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره «فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فِی جَنَّاتِ النَّعِیمِ * وَ الَّذِینَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآیاتِنا» گفت: ایمان به ولایت امیرالمؤمنین علیه السّلام و ائمه نیاوردند. «فَأُولئِكَ لَهم عذابٌ مُهین» -. حج / ۵۶ - ۵۷ - {کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغ های پرناز و نعمت خواهند بود و کسانی که کفر ورزیده و نشانه های ما را دروغ پنداشته اند، برای آنان عذابی خفت آور خواهد بود} -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۴۲ -

**[ترجمه]

«۵»

فس، تفسیر القمی سَيُرِيكُمْ آياتِهِ فَتَعْرِفُونَها قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام إِذَا رَجَعُوا يَعْرِفُهُمْ أَعْدَاؤُهُمْ إِذَا رَأَوْهُمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «سَيُرِيكُمْ آياتِهِ فَتَعْرِفُونَها» -. نمل / ۹۳ - {به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت} گفته است: منظور امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند، وقتی برگردند دشمنانشان زمانی که آنها را ببینند، آنها را می‌شناسند -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۸۱ -

**[ترجمه]

«۶»

فس، تفسیر القمی إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ (۳)

فَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تُخْضِعُ رِقَابَهُمْ يَعْنِي بَنِي أُمَيَّهَ وَ هِيَ الصَّيْحَهُ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ صَاحِبِ الْأَمْرِ علیه السلام (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ» -. شعراء / ۴ - {اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم تا در برابر آن گردن هایشان خاضع گردد.} هشام از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: سر افکنده می شوند، یعنی بنی امیه و آن آیه صیحه ای است از آسمان به نام صاحب الامر علیه السّلام. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۷»

فس، تفسیر القمی بَلْ هُوَ آياتٌ بَيِّناتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام قَوْلُهُ وَ ما يَجْحَدُ بِآياتِنا يَعْنِي مَا

يَجْحَدُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ الْأَئِمَّهَ عليهم السلام إِلَّا الْكافِرُونَ (۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره «بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» - . عنکبوت / ۴۹ - {بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته اند} فرمود: آنها ائمه علیهم السّلام هستند و آیه «وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا»، یعنی انکار نمی کند امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام را «الّا الکافِرون» - . عنکبوت / ۴۷. در آیه ۴۹ سوره عنکبوت «إِلَّا الظَّالِمُونَ» آمده و «الّا الکافِرون» در آیه ۴۷ است. - {و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی کند}، مگر کافران. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۹۷ -

**[ترجمه]

بیان

إنما أطلق علیهم الآیات لأنهم علامات جلیله واضحه لعظمه الله و قدرته و علمه و لطفه و رحمته.

**[ترجمه]اینکه به امامان علیهم السّلام «آیات» اطلاق شده، به این جهت است که آنها علامت ها و نشانه‌های بزرگ و واضح برای عظمت خدا و قدرت و علم و لطف و رحمت او هستند.

**[ترجمه]

«۸»

فس، تفسیر القمی کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیاتِهِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (۶) وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام وَ لِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ فَهُمْ أَهْلُ الْأَلْبَابِ (۷).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیاتِهِ»، آنها امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند «وَ لِیَتَذَکَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ» - . ص / ۲۹ - {[این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند و خردمندان پند گیرند}، ایشان همان خردمندانند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۶۵ -

**[ترجمه]

بیان

لعله فسر الضمیر فی قوله لِیَدَّبَّرُوا بهم علیهم السلام و یحتمل کونه تفسیرا للآیات فتدبر.

ص: ۲۰۷

۱- تفسير القمّىّ: ۴۴۲. و الآيه فى الحجّ: ۵۶ و ۵۷.

۲- تفسير القمّىّ: ۴۸۱ فيه: قال: الآيات أمير المؤمنين و الآيه فى النمل: ۹۳.

۳- الشعراء: ۴.

۴- تفسير القمّىّ: ۴۶۹.

۵- تفسير القمّىّ: ۴۹۷. فيه: و ما يجحد بامير المؤمنين و الآيه فى سوره العنكبوت ۴۹ و فيها: الا الظالمون نعم فى الآيه ۴۷: الا الكافرون.

۶- فى المصدر: هم أمير المؤمنين.

۷- تفسير القمّىّ: ۵۶۵ فيه: (فهم أهل الالباب الثاقبه) و الآيه فى سوره ص: ۲۹.

**[ترجمه]شاید ضمیر در «لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ» به ائمه علیهم السّلام تفسیر شده باشد و شاید تفسیر برای آیات باشد. دقت کن.

**[ترجمه]

«۹»

فس، تفسير القمى فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ قَالَ بِالْأَئِمَّهِ يَجْحَدُونَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ» - . اعراف / ۹ - {پس آنانند که به خود زیان زده اند چرا که به آیات ما ستم کرده اند} فرمود: چون که ائمه علیهم السّلام انکار را نمودند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۱۲ -

**[ترجمه]

«۱۰»

شی، تفسير العياشى عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ما نَنْسَخْ مِنْ آيَهٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها فَقَالَ كَذَبُوا مَا هَكَذَا هِيَ إِذَا كَانَ يَنْسَخُهَا وَ يَأْتِ بِمِثْلِهَا لَمْ يَنْسَخْهَا (۲) قُلْتُ هَكَذَا قَالَ اللَّهُ قَالَ لَيْسَ هَكَذَا قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قُلْتُ فَكَيْفَ قَالَ قَالَ لَيْسَ فِيهَا أَلِفٌ وَ لَا وَاوٌ قَالَ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَهٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا مِثْلِهَا يَقُولُ مَا نميت نُمِتْ مِنْ إِمَامٍ أَوْ نُنْسِهِ ذِكْرَهُ نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهُ مِنْ صُلْبِهِ مِثْلِهِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عمر بن یزید گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «ما نَنْسَخْ مِنْ آيَهٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها» - . بقره / ۱۰۶ - {هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا مانندش را می آوریم} پرسیدم. فرمود: دروغ گفته اند، آیه این طور نیست، زیرا اگر آیه را نسخ کند و مانند آن را بیاورد، پس نسخ نکرده است. گفتم: خداوند این طور فرموده؟ فرمود: خداوند این طور نفرموده. عرض کردم: پس چگونه فرموده است؟ فرمود: آیه الف و واو ندارد و چنین فرموده: «ما نَنْسَخْ مِنْ آيَهٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها.» می فرماید: هیچ امامی را نمی میرانیم یا او را از خاطر نمی‌بریم، مگر اینکه بهتر از او را از صلبش می آوریم، مانند خودش. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۵۶ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد أنه خير بحسب المصلحه لا بحسب الفضائل.

**[ترجمه]شاید منظور از بهتر بودن به جهت مصلحت است نه به جهت فضایل.

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الثُّمَالِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ عَلِیّاً آیَهٌ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ إِنَّ مُحَمَّداً یَدْعُو إِلَی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمّد بن فضیل از ثمالی نقل کرد که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام آیه ای برای محمّد صلی اللَّه علیه و آله است و حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله مردم را به ولایت علی علیه السّلام دعوت می کرد.
- . بصائر الدرجات: ۲۲ - ۲۳ -

**[ترجمه]

«۱۲»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهُ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ قَالَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ (۵) فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ (۶) فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ (۷) وَ هُمْ

ص: ۲۰۸

۱- تفسیر القمّیّ: ۲۱۲. و الآیه فی سوره الأعراف: ۹.

۲- فی المصدر: إذا کان ینسی و ینسخها او یأت بمثلها لم ینسخها.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۵۶.

۴- بصائر الدرجات: ۲۲ و ۲۳.

۵- فی الکافی و المناقب: قال: فلان و فلان.

۶- فی الکافی و المناقب: زیغ، اصحابهم و أهل ولایتهم فیتبعون.

۷- فی الکافی و المناقب: و الراسخون فی العلم أمیر المؤمنین علیه السلام و الأئمّه علیهم السلام و فی التفسیر: هم آل محمد.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۱).

شی، تفسیر العیاشی قب، المناقب لابن شهرآشوب عن عبد الرحمن مثله (۲)

**[ترجمه]اصول کافی: عبدالرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ» نقل می کند که فرمود: منظور از «آیات محکمات» امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند «وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ» مقصود از «متشابهات» فلانی و فلانی و فلانی است. «فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ» - . آل عمران / ۷ - {اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد پاره ای از آن آیات محکم [=صریح و روشن] است آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تاویل پذیرند] اما کسانی که در دل هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی داند} فرمود: آنها امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام هستند. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۴ -

تفسیر عیاشی و مناقب ابن شهر آشوب: از عبدالرحمان همین روایت را نقل کرده‌اند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۲ ، مناقب ابن شهر آشوب ۳: ۵۲۲ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد أن ما نزل فی أمیر المؤمنین و الأئمه علیهم السلام من الآیات محکمات و الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ و میل إلی الباطل یتبعون المتشابهات من الآیات فیئولونها أئمتهم مع أن تأویل المتشابهات لا یعلمه إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ أو یکون فی هذا البطن من الآیه ضمیر منهم راجعا إلی من یتبع الکتاب أو المذکور فیه أو یکون کلمه من ابتدائیه أی حصل بسبب الکتاب و نزوله الفریقان فیحتمل حینئذ أن یکون ضمیر تأویله راجعا إلی الموصول فی قوله ما تَشابَهَ أی یؤولون أعمالهم القبیحه و أفعالهم الشنیعه و لا یبعد أیضا أن یکون المراد تشبیه الأئمه بمحکمات الآیات و شیعتهم بمن یتبعها و أعدائهم بالمتشابهات لاشتباه أمرهم علی الناس و أتباعهم بمن یتبعها و الأول أظهر الوجوه و الله یعلم.

**[ترجمه]شاید منظور این باشد که آنچه درباره امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السّلام از آیات نازل شده محکمات است و کسانی که در دل هایشان انحراف است و تمایل به باطل دارند، پیرو متشابهات از آیات می شوند و آنها را درباره پیشوایان خود تأویل می کنند، با اینکه تأویل متشابهات را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند. یا ممکن است در این بطن از آیه ضمیر «منهم» باشد و به کسی که از کتاب تبعیت می کند برگردد و یا به کسی که در آن ذکر شده است، یا اینکه کلمه «مِن» برای ابتدائیت است، یعنی به سبب قرآن و نزول آن دو دسته ایجاد شده است و در این هنگام شاید ضمیر در کلمه «تأویله» به موصول در این قسمت آیه «ما تَشابَهَ» برگردد یعنی اعمال و کارهای قبیح و زشتشان را تأویل می کنند. و نیز بعید نیست که منظور تشبیه ائمه علیهم السّلام به آیات محکمات و شیعیان آنها به کسانی که پیرو آیات محکمات هستند و دشمنان آل محمّد صلی اللّه علیه و

آله به متشابهات باشد، به دلیل مشتبه شدن امر آنها بر مردم و پیروان آنها را تشبیه نموده به کسانی که پیرو متشابهاتند، وجه اول اظهر وجوه است و خدا می داند.

**[ترجمه]

«۱۳»

فس، تفسیر القمی أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَهَ عَنِ ابْنِ عَمِیرَهَ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَی بْنِ أَعْیَنَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ کانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یَجْلِسْ فِی مَجْلِسٍ یُسَبُّ فِیهِ إِمَامٌ أَوْ یُغْتَابُ فِیهِ مُسْلِمٌ إِنَّ اللَّهَ یَقُولُ فِی کِتَابِهِ وَ إِذا رَأَیْتَ الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی آیاتِنا إِلَی قَوْلِهِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: عبدالاعلی بن اعین گفت: پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، در مجلسی نمی‌نشیند که در آن امامی مورد ناسزا یا غیبت مسلمانی می شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَ إِذا رَأَیْتَ الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی آیاتِنا» تا «مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ». - . انعام / ۶۸ - {و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند، از ایشان روی برتاب تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه [دیگر] با قوم ستمکار منشین.} - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۹۲ -

**[ترجمه]

بیان

لعله صلی الله علیه و آله أول الآیات بالأئمه أو بالآیات النازله فیهم علیهم السلام.

**[ترجمه]شاید پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله آیات را به ائمه علیهم السّلام یا به آیاتی که درباره آنها نازل شده تأویل نموده است.

**[ترجمه]

«۱۴»

فس، تفسیر القمی أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمْزَهَ بْنِ الرَّبِیعِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سُوَیْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذلِکَ بِأَنَّهُ کانَتْ تَأْتِیهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ قَالَ الْبَیِّنَاتُ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۴).

۱- أصول الكافى ۱: ۴۱۴.

۲- مناقب آل أبى طالب ۳: ۵۲۲: تفسير العيّاشىّ ۱ و ۱۶۲.

۳- تفسير القمّىّ: ۱۹۲. و الآيه فى سوره الأنعام: ۶۸.

۴- تفسير القمّىّ: ۶۸۳. و الآيه فى سوره التغابن: ۶.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: علی بن سوید گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در مورد آیه «ذٰلِکَ بِأَنَّهُ کانَتْ تَأْتِیهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ» -. تغابن / ۶ - {این [بدفرجامی] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان می آوردند} سؤال کردم. فرمود: «بیّنات» در این آیه ائمه علیهم السّلام هستند. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۸۳ -

**[ترجمه]

«۱۵»

کا، الکافی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ (۱) عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ قَالَ قَالُوا أَوْ بَدِّلْ عَلِیّاً علیه السلام (۲).

**[ترجمه]اصول کافی: محمّد بن سنان از مفضل نقل کرد که از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه «ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ» پرسیدم. فرمود: گفتند علی را عوض کن. -. اصول کافی ۱ : ۴۱۹ -

**[ترجمه]

بیان

صدر تلک الآیه وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذِینَ لا یَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ الآیه و قد مر أن المراد بالآیات الأئمه أو المراد بها الآیات المشتمله علی ذکر ولایتهم و علی التقدیرین إذا تتلی علیهم تلک الآیات قال المنافقون ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا لیس فیه ما لا نرضی به من ولایه علی أَوْ بَدِّلْهُ یعنی علیا بأن یجعل مکان آیه متضمنه له آیه أخری فقال الله تعالی لرسوله قُلْ ما یَکُونُ لِی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسِی إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَّ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی أی بالتبدیل من قبل نفسی عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ

**[ترجمه]ابتدای این آیه «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذِینَ لا یَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ» تا آخر آیه، گذشت که منظور از «آیات» ائمه یا آیاتی است که مشتمل بر ذکر ولایت آنهاست و بنا بر هر دو صورت، وقتی این آیات برای آنها خوانده شود، منافقین می گویند قرآنی غیر از این بیاور که در آن راجع به ولایت علی علیه السّلام که ما نمی‌پسندیم چیزی نباشد یا تغییر بده علی علیه السّلام را به این طور که به جای آیه ای که متضمن ولایت او است، آیه دیگری قرار بده. خداوند به پیامبرش صلّی اللّه علیه و آله می فرماید: «قُلْ ما یَکُونُ لِی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسِی إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَّ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَیْتُ ربی» یعنی با تغییر از جانب خودم «عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ» -. یونس / ۱۵ - {و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود آنانکه به دیدار ما امید ندارند می گویند قرآن دیگری جز این بیاور یا آن را عوض کن. بگو مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می ترسم.}

**[ترجمه]

«۱۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره الْحَسَنُ بْنُ أَبِی الْحَسَنِ الدَّیْلَمِیُّ بِإِسْنَادِهِ (۳) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ قَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ قَالَ هُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حسن بن ابوالحسن بن دیلمی به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که شخصی از ایشان راجع به آیه «وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ» - . زخرف / ۴ - {و همانا که آن در کتاب اصلی [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است} سؤال کرد. فرمود: او امیرالمؤمنین علیه السّلام است. - . کنز الفوائد: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۱۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ (۵) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِیسَی (۶) عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام وَ هُوَ یَقُولُ قَالَ أَبِی علیه السلام (۷) وَ قَدْ تَلَا هَذِهِ الْآیَهَ وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۸).

ص: ۲۱۰

۱- فی المصدر: أحمد بن الحسین و فی بعض النسخ منه: أحمد بن الحسین بن عمر بن یزید.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۱۹ و الآیه فی سوره یونس: ۱۵.

۳- فی المصدر: بإسناده عن رجاله عن أبی حماد السمندی اقول: لعل الصحیح: عن حماد السمندری.

۴- کنز الفوائد: ۲۸۸. و الآیه فی سوره الزخرف: ۴.

۵- فی نسخه: أحمد بن محمّد بن إدریس.

۶- فی المصدر: عن عبد اللّه بن محمّد بن عیسی.

۷- فی المصدر: قال أبو عبد اللّه علیه السلام.

۸- کنز الفوائد: ۲۸۸.

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمد بن علی بن جعفر گفت که از حضرت رضا علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود: پدرم - . در مصدر «امام صادق علیه السّلام» آمده است. - فرمود... و این آیه را خواند: «وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْکِتابِ لَدَیْنا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ.» فرمود: منظور علی بن ابی طالب علیه السّلام است. - . کنز الفوائد: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۱۸»

وَ رُوِیَ عَنْهُ أَنَّهُ سُئِلَ أَیْنَ ذُکِرَ عَلِیٌّ علیه السلام فِی أُمِّ الْکِتَابِ فَقَالَ فِی قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ هُوَ عَلِیٌّ علیه السلام (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: از ایشان روایت شده که سؤال شد که نام علی علیه السّلام در کجای قرآن ذکر شده است ؟ فرمود: در این آیه «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ» که منظور علی علیه السّلام است. - . کنز الفوائد: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ الشَّاشِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْمِیثَمِیِّ عَنْ عَبَّاسٍ الصَّائِغِ عَنِ ابْنِ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام حَتَّی انْتَهَیْنَا إِلَی صَعْصَعَهَ بْنِ صُوحَانَ فَإِذَا هُوَ عَلَی فِرَاشِهِ فَلَمَّا رَأَی عَلِیّاً علیه السلام خَفَّ لَهُ فَقَالَ لَهُ عَلِیٌّ علیه السلام لَا تَتَّخِذَنَّ زِیَارَتَنَا إِیَّاکَ فَخْراً عَلَی قَوْمِکَ قَالَ لَا یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ لَکِنْ ذُخْراً وَ أَجْراً فَقَالَ لَهُ وَ اللَّهِ مَا کُنْتَ (۲) إِلَّا خَفِیفَ الْمَئُونَهِ کَثِیرَ الْمَعُونَهِ فَقَالَ صَعْصَعَهُ وَ أَنْتَ وَ اللَّهِ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ مَا عَلِمْتُکَ إِلَّا إِنَّکَ بِاللَّهِ لَعَلِیمٌ وَ إِنَّ اللَّهَ فِی عَیْنِکَ لَعَظِیمٌ وَ إِنَّکَ فِی کِتَابِ اللَّهِ لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ وَ إِنَّکَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن نباته گفت: با حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام بیرون رفتیم تا به خانه صعصعه بن صوحان رسیدیم. او در رختخواب خوابیده بود و همین که چشمش به علی علیه السّلام افتاد، احترام کرد. امیرالمؤمنین علیه السّلام به او فرمود: مبادا این دیدار ما را از خود مایه فخری قرار دهی بر قومت! عرض کرد: نه یا امیرالمؤمنین! ولی ذخیره ای برای آخرت و اجر و پاداشی محسوب می کنم. علی علیه السّلام به او فرمود: ای صعصعه! به خدا سوگند تو مردی کم خرج و بسیار کمک کننده بودی. صعصعه عرض کرد: تو نیز یا امیرالمؤمنین! به خدا قسم شما را دانا و علیم نسبت به خدا می‌دانم و خداوند در نظرت بزرگ است و در قرآن کریم به نام علی حکیم یاد شده ای و نسبت به مؤمنین رؤوف و مهربانی. - . کنز الفوائد: ۲۸۸ - ۲۸۹ -

**[ترجمه]

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ وَاصِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا صُرِعَ زَيْدُ بْنُ صُوحَانَ يَوْمَ الْجَمَلِ جَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقَالَ رَحِمَکَ اللَّهُ يَا زَيْدُ قَدْ كُنْتَ خَفِيفَ الْمَئُونَهِ عَظِيمَ الْمَعُونَهِ فَرَفَعَ زَيْدٌ رَأْسَهُ إِلَيْهِ فَقَالَ وَ أَنْتَ جَزَاکَ اللَّهُ خَيْراً يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَوَ اللَّهِ مَا عَلِمْتُکَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلِيماً وَ فِی أُمِّ الْكِتَابِ عَلِيّاً حَكِيماً وَ اللَّهَ فِی صَدْرِکَ عَظِيماً (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد فرمود: وقتی زید بن صوحان در جنگ جمل روی زمین افتاد، امیرالمؤمنین علیه السّلام آمد و بالای سرش نشست و فرمود: خدا تو را رحمت کند ای زید! مردی کم خرج ولی بسیار کمک کننده بودی. زید سرش را به سوی ایشان بلند کرد و گفت: خدا به شما نیز جزای خیر دهد یا امیرالمؤمنین! به خدا قسم شما را دانا و علیم نسبت به خدا می‌دانم و در قرآن علی حکیم یادشده ای و خداوند در دل تو بسیار بزرگ است. - . کنز الفوائد: ۲۸۹ -

**[ترجمه]

أقول

سیأتی فی دعاء یوم الغدیر و أشهد أنه الإمام الهادی الرشید أمیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک فإنک قلت وَ إِنَّهُ فِی أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ (۵).

ص: ۲۱۱

۱- کنز الفوائد: ۲۸۸.

۲- فی المصدر: ما کنت علمتک.

۳- کنز الفوائد: ۲۸۸ و ۲۸۹.

۴- کنز الفوائد: ۲۸۹ فیه: (علی بن سعید) و فیه: و ان اللّه فی صدرک عظیما.

۵- الزخرف: ۴.

**[ترجمه]به زودی در دعای روز غدیر این جملات خواهد آمد: «واشهد انه الامام الهادی الرشید امیرالمؤمنین الذی ذکرته فی کتابک فانک قلت: «وإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ.» گواهی می دهم که او امام هادی و رشید است امیرالمؤمنینی که در قرآن او را یاد کرده و فرموده ای: او در نزد ما علی حکیم است.

**[ترجمه]

باب ۱۲ أن من اصطفاه الله من عباده و أورثه کتابه هم الأئمه علیهم السلام و أنهم آل إبراهیم و أهل دعوته

الآیات

آل عمران: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ* ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»(۳۳-۳۴)

فاطر: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»(۳۲)

lt;meta info="- إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. - . آل عمران / ۳۳ - ۳۴ -

{به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است، فرزندانی که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست.}

- ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ. - . فاطر / ۳۲ -

{سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است.}

**[ترجمه]

تفسیر

قال الطبرسی رحمه الله: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى أی اختار و اجتبی و آلَ إِبْراهِيمَ أولاده و أما آلَ عِمْرانَ فقیل هم من آل إبراهیم أیضا فهم موسی و هارون ابنا عمران و قیل یعنی بآل عمران مریم و عیسی لأن مریم بنت عمران و فی قراءه أهل البیت علیهم السلام وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ و قالوا أیضا إن آل إبراهیم هم آل محمد صلی الله علیه و آله الذین هم أهله و یجب أن یکون الذین اصطفاهم الله تعالی مطهرین معصومین منزهین عن القبائح لأنه سبحانه لا یختار و لا یصطفی إلا من کان کذلک و یکون ظاهره مثل باطنه فی الطهاره و العصمه فعلی هذا یختص الاصطفاء بمن کان معصوما من آل إبراهیم و آل عمران سواء کان نبیا أو إماما

و يقال الاصطفاء على وجهين أحدهما أنه اصطفاه لنفسه أى جعله خالصا له يختص به و الثانى أنه اصطفاه على غيره أى اختصه بالتفضيل على غيره و على هذا الوجه معنى الآيه ذُرِّيَّةً أى أولادا و أعقابا بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ قيل معناه فى التناصر فى الدين و قِيلَ فِي التَّنَاسُلِ وَ التَّوَالُدِ فَإِنَّهُمْ ذُرِّيَّةُ آدَمَ ثُمَّ ذُرِّيَّةُ نُوحٍ ثُمَّ ذُرِّيَّةُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام

وَ هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَنَّهُ قَالَ: الَّذِينَ اصْطَفَاهُمُ اللَّهُ بَعْضَهُمْ مِنْ نَسْلِ بَعْضٍ.

و اختاره الجبائى (۱).

ص: ۲۱۲

۱- مجمع البيان ۲: ۴۳۳.

و قـال رحمه الله فى قوله ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ أى القرآن أو التوراه أو مطلق الكتب الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا قيل هم الأنبياء و قيل هم علماء أمه محمد صلى الله عليه و آله و الْمَرْوِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ عليهما السلام أَنَّهُمَا قَالا هِيَ لَنَا خَاصَّةً وَ إِيَّانَا عَنَى.

و هذا أقرب الأقوال فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ اختلف فى مرجع الضمير على قولين أحدهما أنه يعود إلى العباد و اختاره المرتضى رضى الله عنه و الثانى أنه يعود إلى المصطفين ثم اختلف فى أحوال الفرق الثلاث على قولين أحدهما أن جميعهم ناج

وَ يُؤَيِّدُهُ مَا وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ فِي الْآيَهِ أَمَّا السَّابِقُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّهَ بِغَيْرِ حِسابٍ وَ أَمَّا الْمُقْتَصِدُ فَ يُحاسَبُ حِساباً يَسِيراً وَ أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ فَيُحْبَسُ فِي الْمَقَامِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّهَ فَهُمُ الَّذِينَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ

وَ رَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ مُيَسِّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مِنَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ حَقَّ الْإِمَامِ وَ الْمُقْتَصِدُ مِنَّا الْعَارِفُ بِحَقِّ الْإِمَامِ وَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ هُوَ الْإِمَامُ وَ هَؤُلَاءِ كُلُّهُمْ مَغْفُورٌ لَهُمْ.

وَ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مِنَّا فَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً وَ أَمَّا الْمُقْتَصِدُ فَهُوَ الْمُتَعَبِّدُ الْمُجْتَهِدُ وَ أَمَّا السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ فَعَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام وَ مَنْ قُتِلَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَهِيداً.

و القول الآخر أن الفرقه الظالمه (۱) غير ناجيه قال قتاده الظالم من أصحاب المشأمه و المقتصد أصحاب الميمنه و السابق هم السابقون المقربون بِإِذْنِ اللَّهِ أى بأمره و توفيقه و لطفه (۲).

**[ترجمه]مرحوم طبرسی گفته است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی» خدا انتخاب کرد و برگزید. «وَ آلَ إِبْراهِيمَ» يعنى اولاد او، اما منظور از «آلَ عِمْرانَ» بعضی گفته اند: آنها نيز از آل ابراهيم هستند که موسی و هارون دو فرزند عمرانند. بعضی گفته‌اند منظور از آل عمران، مريم و عيسى هستند، زيرا مريم دختر عمران است.

در قرائت اهل بيت عليهم السّلام آمده «و آل محمّد على العالمين» و نيز گفته اند که منظور از آل ابراهيم، همان آل محمّد صلّى اللّه عليه و آله هستند، کسانی که از خانواده او محسوب می شوند. و بايد کسانی را که خدا بر گزيده، طاهر و پاک و معصوم و منزه زشتی ها باشند. زيرا خداوند جز چنين اشخاصى را بر نمی‌گزيند که در عصمت و طهارت ظاهرش مانند باطنش باشد. بنابراين به کسانی اختصاص دارد که معصوم باشند از آل ابراهيم و آل عمران، چه پيامبر باشد و چه امام. گفته شده که برگزيده شدن دو نوع است:

نوع اول) او را برای خود برگزيند، يعنى او را خالص برای خود قرار دهد که اختصاص به خود او داشته باشد.

نوع دوم) او را بر ديگران برگزينند، يعنى او را بر آنها برترى دهد و معنى عبارت «ذُرِّيَّةً» بنا بر همين وجه دوم است، يعنى اولاد و اعقاب. «بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ» بعضی گفته‌اند منظور در کمک کردن در راه دين است. بعضی نيز گفته‌اند در توالد و تناسل است، زيرا ائمه عليهم السّلام ذرّيه آدم، سپس نوح و پس از آن ذرّيه ابراهيمند. و همين نظر از حضرت صادق عليه السّلام نقل شده است، زيرا فرمود: کسانی را که خدا برگزيده، بعضی از نسل و نژاد بعضی ديگرند. جبايى هم اين نظر را پذيرفته است. -

. مجمع البیان ۲ : ۴۳۳ -

مرحوم طبرسی درباره این قسمت آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ» گفته است: یعنی قرآن یا تورات یا تمام کتب آسمانی، و «الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا» گفته شده: آنها انبیاء هستند و برخی گفته‌اند آنها علمای امت محمّد صلّی اللّه علیه و آله هستند. حضرت باقر و صادق علیهما السّلام فرموده اند: این آیه اختصاص به ما دارد و ما را منظور نموده، و این نزدیک ترین نظرات به واقع است. «فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ» در مرجع ضمیر«منهم» دو قول است؛ یکی اینکه به «عباد» برمی‌گردد که این نظر را سید مرتضی پذیرفته و دیگر اینکه به «مصطفین» یعنی برگزیده ها برمی‌گردد. از آن گذشته در مورد حال این سه فرقه که در آیه تشریح گردیده اند اختلاف شده است. بعضی می‌گویند همه این سه فرقه نجات می یابند. این نظر را روایت ابوالدرداء تأیید می کند که گفت: از پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله شنیدم که درباره این آیه می فرمود: اما «سابق» به بهشت می رود بدون حساب و «مقتصد» مورد حساب مختصری قرار می گیرد. و اما کسی که ظالم به خود است، ابتدا حبس می شود و بعد وارد بهشت خواهد شد. اینها همان اشخاصی هستند که خداوند از قول ایشان در این آیه می گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ» - . فاطر / ۳۴ - {سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود}

اصحاب ما از میسّر بن عبدالعزیز نقل کرده اند که حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ظالم به خود از ما، کسی است که عارف به حق امام نباشد و مقتصد از ما کسی است که عارف به حق امام باشد و سابق به خیرات، خود امام است و تمام این سه دسته آمرزیده خواهند شد.

و زیاد بن منذر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ظالم به خود از ما، کسی است که هم عمل صالح انجام می‌دهد و هم گناه می کند، اما مقتصد کسی است که متعبّد و کوشا باشد، و سابق به خیرات عبارتند از علی و حسن و حسین علیهم السّلام و کسی که از آل محمّد شهید شود.

قول دیگر این است که گروه ظالم به خود نجات نمی یابد. قتاده گفته است: ظالم از اصحاب مشئمه است و مقتصد از اصحاب میمنه و سابق همان سابقون مقربند «بِإِذْنِ اللَّهِ»، یعنی به امر و توفیق و لطف خدا. - . مجمع البیان ۸ : ۴۰۸ - ۴۰۹ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

فس، تفسیر القمی ثُمَّ ذَكَرَ آلَ مُحَمَّدٍ فَقَالَ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا وَ هُمُ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام قَالَ فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ غَيْرَ الْأَئِمَّةِ وَ هُوَ الْجَاحِدُ لِلْإِمَامِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ هُوَ الْمُقِرُّ بِالْإِمَامِ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ

١- فى المصدر: ان الفرقه الظالمه لنفسها.

٢- مجمع البيان ٨: ۴٠٨ و ۴٠٩ ذكر المصنّف ملخص قول الطبرسىّ.

اللَّهِ وَ هُوَ الْإِمَامُ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: پس از ذکر آل محمّد صلی اللّه علیه و آله گفته است «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا»، آنها ائمه علیهم السّلام هستند. «فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ»، آنها از آل محمّد صلی اللّه علیه و آله غیر از ائمه علیهم السّلام هستند که منکر امام باشند. «وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» کسی است که اقرار به امام دارد. «وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» که همان امام است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

مع، معانی الأخبار مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ نَصْرٍ الْبُخَارِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ بِإِسْنَادٍ مُتَّصِلٍ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فَقَالَ الظَّالِمُ يَحُومُ حَوْمَ نَفْسِهِ وَ الْمُقْتَصِدُ يَحُومُ حَوْمَ قَلْبِهِ وَ السَّابِقُ يَحُومُ حَوْمَ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابو عبداللّه علوی به اسناد متّصل به امام صادق علیه السّلام نقل کرد که از ایشان درباره این آیه: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا، فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» پرسیده شد. فرمود: ظالم کسی است که در اطراف نفس خودش دور می زند. مقتصد کسی است که اطراف قلبش دور می‌زند. و سابق کسی است که اطراف خدای خود می چرخد. - . معانی الاخبار: ۳۶ -

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی الحوم القطیع الضخم من الإبل و حومه البحر و الرمل و غیره معظمه و حام الطیر علی الشی ء دوم (۳) و فلان علی الأمر رامه.

أقول: لعله کان حول فصحف ثم اعلم أن الأول هو الذی یتبع شهوات نفسه و الثانی هو الذی یصحح عقائد قلبه و الثالث هو الذی لا یؤثر شیئا علی رضا ربه أو الثانی هو الذی بصدد إصلاح نفسه أو هو الذی یقصد فی عبادته منفعه لنفسه و الثالث خلا عن مراد نفسه و هو درجه المقربین.

**[ترجمه]فیروزآبادی گفته است: «الحوم» یعنی گله بزرگی از شتر و «حومة البحر و الرّمل و غیره» یعنی قسمت عمده آن و «حام الطّیر علی الشئ» یعنی پرنده بسیار اوج گرفت و دایره وار پرواز کرد و «حام فلان علی الامر» یعنی اراده آن را نمود.

مؤلف: شاید «حوم»، «حول» بوده و تغییر یافته است. بدان که اولی کسی است که پیرو شهوات نفس است و دومی کسی است که عقاید قلبی خود را تصحیح نموده و سومی کسی است که چیزی را بر رضا و خشنودی پروردگارش ترجیح نمی دهد. یا

دومی کسی است که در راه اصلاح خویش است یا آن کسی که از عبادت منظورش سود و پاداش خودش هست، ولی سومی از عبادت به دنبال نفع شخصی نیست که این درجه مقربین است.

**[ترجمه]

«۳»

مع، معانی الأخبار الْقَطَّانُ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ ابْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فَقَالَ الظَّالِمُ مِنَّا مَنْ لَا يَعْرِفُ حَقَّ الْإِمَامِ وَ الْمُقْتَصِدُ الْعَارِفُ بِحَقِّ الْإِمَامِ وَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ هُوَ الْإِمَامُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها يَعْنِی السَّابِقَ وَ الْمُقْتَصِدَ (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: جابر جعفی گفت که از حضرت باقر علیه السّلام درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا، فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» پرسیدم. فرمود: ظالم از ما کسی است که حق امام را نشناسد، مقتصد عارف به حق امام است و سابق در خیرات، به اذن خدا خود امام علیه السّلام است. «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها» - . فاطر / ۳۳ - {[در] بهشت های همیشگی [که] به آنها درخواهندآمد} یعنی سابق و مقتصد. - . معانی الاخبار: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۴»

مع، معانی الأخبار الْحُسَيْنُ بْنُ يَحْيَى الْبَجَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی عَوَانَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى

۱- تفسير القمّیّ: ۵۴۶.

۲- معانی الأخبار: ۳۶.

۳- دوم الطائر أی حلق فی السماء.

۴- معانی الأخبار: ۳۶.

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي حَفْصٍ (۱) عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ جَالِساً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِذْ أَتَاهُ رَجُلَانِ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَقَالا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَقَالَ لَهُمَا سَلَا عَمَّا أجبتما (أَحْبَبْتُمَا) (۲) قَالا أَخْبِرْنَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ إِلَى آخِرِ الْآيَتَيْنِ قَالَ نَزَلَتْ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ أَبُو حَمْزَةَ فَقُلْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَنِ الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مِنْكُمْ قَالَ مَنِ اسْتَوَتْ حَسَنَاتُهُ وَ سَيِّئَاتُهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ فَقُلْتُ مَنِ الْمُقْتَصِدُ مِنْكُمْ قَالَ الْعَابِدُ لِلَّهِ فِي الْحَالَيْنِ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْيَقِينُ فَقُلْتُ فَمَنِ السَّابِقُ مِنْكُمْ بِالْخَيْرَاتِ قَالَ مَنْ دَعَا وَ اللَّهِ إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ وَ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَكُنْ لِلْمُضِلِّينَ عَضُداً وَ لَا لِلْخَائِنِينَ خَصِيماً (۳) وَ لَمْ يَرْضَ بِحُكْمِ الْفَاسِقِينَ إِلَّا مَنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ وَ دِينِهِ وَ لَمْ يَجِدْ أَعْوَاناً (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ثمالی گفت: در مسجدالحرام خدمت حضرت باقر علیه السّلام نشسته بودم. دو نفر از اهالی بصره پیش آمدند و عرض کردند: یا بن رسول اللّه! ما می‌خواهیم سؤالی بپرسیم. فرمود: هر چه مایلید بپرسید. گفتند: ما را از تفسیر این آیه آگاه کن: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ» تا آخر دو آیه. فرمود: درباره ما اهل بیت نازل شده است. ابو حمزه گفت: عرض کردم پدر و مادرم فدایت! پس ظالم به خویش از شما خانواده کیست؟ فرمود: هر کس از ما اهل بیت که حسنات و گناهانش برابر باشد، او ظالم به خویش است. عرض کردم: مقتصد از شما کیست؟ فرمود: مقتصد کسی است که خدا را در هر دو حالت می‌پرستد تا مرگ او فرا رسد. عرض کردم: پس سابق به خیرات از شما کیست؟ فرمود: به خدا قسم کسی که دعوت به راه پروردگارش کند و امر به معروف و نهی از منکر نماید و پشتیبان گمراهان نباشد و دشمن تبهکاران باشد و هرگز به حکم فاسقان تن ندهد، مگر بر جان خویش یا دین خویش بترسد و یاورانی پیدا نکند. - . معانی الاخبار: ۳۶ -

**[ترجمه]

بیان

قوله فی الحالین أی فی الشده و الرخاء أو فی حال غلبه أهل الحق و حال غلبه أهل الباطل.

**[ترجمه]عبارت «فی الحالین» یعنی در سختی و راحتی یا در حال غلبه اهل حق و در حال غلبه اهل باطل.

**[ترجمه]

«۵»

ج، الإحتجاج عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الْآيَهِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا قَالَ أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ قُلْتُ أَقُولُ إِنَّهَا خَاصٌّ لِوُلْدِ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ مَنْ أَشَالَ (۵) سَيْفَهُ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ إِلَى الضَّلَالِ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ غَيْرِهِمْ فَلَيْسَ بِدَاخِلٍ فِي هَذِهِ الْآيَهِ قُلْتُ مَنْ يَدْخُلُ فِيهَا قَالَ الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الَّذِي لَا يَدْعُو النَّاسَ إِلَى ضَلَالٍ وَ لَا هُدًى وَ الْمُقْتَصِدُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَارِفُ حَقَّ الْإِمَامِ وَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ (۶).

۱- فی نسخه من المصدر: عن ابی جعفر.

۲- هکذا فی الکتاب و مصدره، و لعلّ الصحیح: سلا عما أحببتما.

۳- لعل «لا» زائده، او الصحیح: و کان للخائنین خصیما.

۴- معانی الأخبار: ۳۶.

۵- فی المصدر: من سل سیفه، أقول: قوله: و دعا الناس الی نفسه، ای ادعی الإمامه لنفسه.

۶- الاحتجاج: ۲۰۴ فیه: هو العارف حقّ الامام، و السابق بالخیرات هو الامام.

**[ترجمه]احتجاج: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا» پرسیدم. فرمود: تو چه می‌گویی؟ عرض کردم: من می گویم این آیه اختصاص به فرزندان فاطمه علیها السّلام دارد. فرمود: کسی که شمشیرش را بردارد و مردم را به نفس خود دعوت کند - . یعنی ادعای امامت نماید. - و گمراه نماید، چه از فرزندان فاطمه یا دیگری باشد، داخل در این آیه نیست. عرض کردم: پس آیه شامل چه کسانی است؟ فرمود: ظالم به خود، کسی است که مردم را دعوت به خیر و شر نمی‌کند و مقتصد از ما اهل بیت کسی است که عارف به حق امام باشد و سابق به خیرات، امام است. - . احتجاج: ۲۰۴ -

**[ترجمه]

بیان

فی القاموس شالت الناقه بذنبها شولا و شولانا و أشالته رفعته.

**[ترجمه]در قاموس آمده است که «شالت النّاقة بذنبها شولا و شولانا و اشالته»، یعنی دمش را بالا برد.

**[ترجمه]

«۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حُمَيْدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي سَلَّامٍ الْمَرْعَشِيِّ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ قَالَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ (۱).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الأهوازی عن النضر عن یحیی الحلبی عن ابن مسکان عن میسر عن سوره بن کلیب مثله (۲)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سوره بن کلیب گفت: از حضرت ابو جعفر علیه السّلام درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» پرسیدم. فرمود: سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

بصائر الدرجات: از میسّر از سورة بن کلیب همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۷»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ یُونُسَ وَ هِشَامٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام مِثْلَهُ (۳)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: صفوان از یونس و هشام از امام رضا علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ مَنْصُورٍ بُزُرْجَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ (۴)

یر، بصائر الدرجات محمد بن الحسن عن البزنطی عن عبد الکریم عن سلیمان بن خالد عنه علیه السلام مثله (۵)

یر، بصائر الدرجات عبد الله بن عامر عن الربیع بن أبی الخطاب عن جعفر بن بشیر عن سلیمان بن خالد عنه علیه السلام مثله (۶)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سلیمان بن خالد گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم... و مانند آن را ذکر کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

بصائر الدرجات: عبدالکریم از سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

بصائر الدرجات: جعفر بن بشیر از سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۹»

یر، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُلَیْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام مِثْلَهُ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن فضیل از امام رضا علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُوسَی عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الْآیَهَ قَالَ إِیَّانَا عَنَی السَّابِقُ بِالْخَیْرَاتِ الْإِمَامُ (۸).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحمان بن کثیر از امام صادق علیه السّلام نقل می‌کند که درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ» تا آخر آیه فرمود: ما را منظور نموده و سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُکَیْرٍ وَ فُضَیْلٍ وَ بُرَیْدٍ

ص: ۲۱۶

۱- بصائر الدرجات: ۱۴.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴.

۷- بصائر الدرجات: ۱۴.

۸- بصائر الدرجات: ۱۴.

وَ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی هَذِهِ الْآیَهِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا قَالَ السَّابِقُ الْإِمَامُ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: زراره از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا» فرمود: سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ مُیَسِّرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الْآیَهَ قَالَ السَّابِقُ بِالْخَیْرَاتِ الْإِمَامُ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: میسّر گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ» تا آخر آیه، پرسیدم. فرمود: سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۳»

یر، بصائر الدرجات سَلَمَهُ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی الْأَصَمِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ (۳)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسین بن عمر گفت: به ایشان عرض کردم... و مانند همان را ذکر کرد. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۴»

یر، بصائر الدرجات سَلَمَهُ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ أَبِی عِمْرَانَ الْأَرْمَنِیِّ عَنْ أَبِی السَّلَّامِ عَنْ سَوْرَهَ بْنِ کُلَیْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الْآیَهَ قَالَ فِینَا نَزَلَتْ وَ السَّابِقُ بِالْخَیْرَاتِ الْإِمَامُ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سورة بن کلیب گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ» تا آخر آیه پرسیدم. فرمود: درباره ما نازل شده است و سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۵»

یر، بصائر الـدرجات أَحْمَـدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَـعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ هُوَ الْإِمَامُ (۵).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عمّار از امام صادق علیه السّـلام نقل می‌کنـد که درباره آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ» تا آخر آیه فرمود: آنها آل محمد صلّی اللّه علیه و آله هستند و سابق به خیرات، امام علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ النَّضْرِ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُيَسِّرٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْبٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام أَنَّهُ قَالَ: فِی هَذِهِ الْآيَةِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا الْآيَةَ قَالَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ فَهِیَ فِی وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ علیهما السلام (۶).

**[ترجمه]بصـائر الـدرجات: سورهٔ بن کلیب از امـام باقر علیه السّـلام نقل می‌کنـد که درباره این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْـطَفَيْنا مِنْ عِبادِنـا» تـا آخر آیه فرمود: سـابق به خیرات امـام علیه السّـلام است و این آیه درباره فرزنـدان علی و فاطمه علیهما السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَـيْنِ بْنِ سَـعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَـى عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ سَالِمٍ الْأَشَلِّ وَ كَانَ إِذَا قَدِمَ الْمَـدِينَةَ لَا يَرْجِعُ حَتَّى يَلْقَى أَبَا جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ فَخَرَجَ إِلَى الْكُوفَةِ قُلْنَا يَا سَالِمُ مَا جِئْتَ بِهِ قَالَ جِئْتُكُمْ بِخَيْرِ الـدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ سَـأَلْتُ أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتـابَ الَّذِينَ اصْـطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا الْآيَةَ قَالَ السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ هُمُ الْأَئِمَّةُ (۷).

ص: ۲۱۷

۱- بصائر الدرجات: ۱۴.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴.

۷- بصائر الدرجات: ۱۴ فيه: السابق بالخيرات هو الامام.

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عبـدالمؤمن انصاری از سالم اشل نقل کرد که او هر وقت به مدینه می رفت، تا حضـرت باقر علیه السّـلام را زیـارت نمی کرد برنمی گشت. گفت: از مـدینه به کوفه آمـد و به او گفتیم: سـالم! چه آورده ای؟ گفت: خیر دنیا و آخرت را برایتان آورده ام. از حضـرت صادق علیه السّـلام راجع به آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا» تا آخر آیه سؤال کردم. فرمود: سابق به خیرات، ائمه علیهم السّلام هستند. - . بصائر الدرجات: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۱۸»

کشف، کشف الغمه مِنْ دَلَائِلِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْـطَفَيْنا مِنْ عِبادِنـا فَمِنْهُمْ ظـالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِـدٌ وَ مِنْهُمْ سـابِقٌ بِـالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فَقَالَ كُلُّهُمْ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ الظَّالِمُ لِنَفْسِـهِ الَّذِی لَا يُقِرُّ بِالْإِمَامِ قَالَ فَدَمَعَتْ عَيْنِی وَ جَعَلْتُ أُفَكِّرُ فِی نَفْسِـی فِی عِظَمِ مَا أُعْطِیَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ السَّلَامُ فَنَظَرَ إِلَيَّ أَبُو مُحَمَّدٍ فَقَالَ الْأَمْرُ أَعْظَمُ مِمَّا حَـدَّثَتْكَ نَفْسُكَ مِنْ عِظَمِ شَأْنِ آلِ مُحَمَّدٍ فَاحْمَـدِ اللَّهَ فَقَـدْ جُعِلْتَ مُتَمَسِّكاً بِحَبْلِهِمْ تُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِهِمْ إِذَا دُعِیَ كُلُّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَأَبْشِرْ يَا أَبَا هَاشِمٍ فَإِنَّكَ عَلَى خَيْرٍ (۱).

**[ترجمه]کشف الغمّه: داود بن قـاسم جعفری گفت: از حضـرت امام حسن عسـکری علیه السّـلام راجع به این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» پرسیدم. فرمود: همه آنها از آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله هستند. ظالم به خویش کسی است که به امام اقرار نمی‌کند. گفت: اشکم جاری شد و شروع به اندیشـیدن در عظمت آن چه که به آل محمّـد صـلی اللّٰه علیه عطا شده کردم. در این موقع امام علیه السّـلام به من توجه کرد و فرمود: امر بزرگ تر از آن مقداری است که دلت درباره عظمت شأن آل محمد صـلی اللّٰه علیه به تو گفت. خدا را سپاسـگزار باش که تو را متمسک به ریسـمان آنها قرار داده. روز قیامت که هر گروهی را با پیشوای خود پیش می‌خواننـد، تو با ائمه اهل بیت علیهم السّلام خواهی بود. تو را مژده باد ای ابا هاشم که بر خیر هستی! - . کشف الغمّه: ۳۰۶ -

**[ترجمه]

«۱۹»

أَقُولُ رَوَى السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِی كِتَابِ سَعْدِ السُّعُودِ مِنْ تَفْسِيرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَـانَ بْنِ سَـعِيدٍ عَنْ إِسْـحَاقَ بْنِ يَزِيـدَ الْفَرَّاءِ عَنْ غَـالِبِ الْهَمْـدَانِيِّ عَنْ أَبِی إِسْـحَاقَ السَّبِيعِيِّ قَالَ: خَرَجْتُ حَاجّاً فَلَقِيتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَسَأَلْتُهُ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الْآيَةَ فَقَالَ مَا يَقُولُ فِيهَا قَوْمُكَ يَا أَبَا إِسْحَاقَ يَعْنِی أَهْلَ الْكُوفَةِ قَـالَ قُلْتُ يَقُولُونَ إِنَّهَـا لَهُمْ قَـالَ فَمَـا يُخَوِّفُهُمْ إِذَا كَـانُوا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ قُلْتُ فَمَا تَقُولُ أَنْتَ جُعِلْتُ فِـدَاكَ فَقَالَ هِیَ لَنَا خَاصَّةً يَا أَبَا إِسْـحَاقَ أَمَّا السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَـيْنُ وَ الشَّهِيدُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَمَّا الْمُقْتَصِدُ فَصَائِمٌ بِالنَّهَارِ وَ قَائِمٌ بِاللَّيْلِ وَ أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ فَفِيهِ مَا جَاءَ فِی التَّائِبِينَ (۲) وَ هُوَ مَغْفُورٌ لَهُ يَا أَبَا إِسْـحَاقَ بِنَا يَفُكُّ اللَّهُ عُيُوبَكُمْ (۳) وَ بِنَا يَحِلُّ اللَّهُ رِبَاقَ (۴) الذُّلِّ مِنْ أَعْنَاقِكُمْ وَ بِنَا يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكُمْ وَ بِنَا يَفْتَحُ اللَّهُ وَ بِنَا يَخْتِمُ لَا بِكُمْ وَ نَحْنُ كَهْفُكُمْ كَأَصْحَابِ الْكَهْفِ وَ نَحْنُ سَفِينَتُكُمْ

كَسَفِينَهِ نُوحٍ وَ نَحْنُ بَابُ حِطَّتِكَمْ كَبَابِ حِطَّهِ بَنِی إِسْرَائِیلَ.

۱- کشف الغمّه: ۳۰۶. فیه: ما أعطی اللّه آل محمد.

۲- فی المصدر: ففیه ما فی الناس.

۳- فی الکنز: بنا یفک اللّه رقابکم.

۴- فی الکنز: و تاق لعله مصحف: رباق او وثاق و الرباق جمع الربق:

قال السید و روی تأویل هذه الآیه من عشرین طریقا و فی الروایات زیادات أو نقصان (۱)

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِیهِ وَ الْإِمَامُ مِنَّا مَکَانَ الشَّهِیدُ مِنَّا وَ فِیهِ وَ أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ فَفِیهِ مَا فِی النَّاسِ وَ هُوَ مَغْفُورٌ لَهُ (۲).

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْحُسَیْنُ بْنُ الْحَکَم بِإِسْنَادِهِ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِیهِ ثُمَّ قَالَ یَا أَبَا إِسْحَاقَ بِنَا یُقِیلُ اللَّهُ عَثْرَتَکُمْ وَ بِنَا یَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَکُمْ وَ بِنَا یَقْضِی اللَّهُ دُیُونَکُمْ وَ بِنَا یَفُکُّ اللَّهُ وَثَاقَ (۳) الذُّلِّ مِنْ أَعْنَاقِکُمْ وَ بِنَا یَخْتِمُ وَ یَفْتَحُ لَا بِکُمْ (۴)

**[ترجمه]مؤلف: سید بن طاوس در کتاب سعد السعود از تفسیر محمّد بن عباس بن مروان نقل می کند که ابو اسحاق سبیعی گفت: به عنوان حج خارج شدم و حضرت محمّد بن علی علیه السّلام را ملاقات کردم. از ایشان راجع به این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ» تا آخر آیه پرسیدم. فرمود: اهل کوفه درباره آیه چه می گویند؟ گفتم: می گویند آیه درباره آنها است. فرمود: پس چه چیز آنها را می‌ترساند وقتی اهل بهشت باشند؟ عرض کردم: شما چه می‌فرمایید فدایت شوم؟ فرمود: آیه اختصاص به ما دارد ای ابو اسحاق! اما سابق به خیرات، علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السّلام و شهید از ما اهل بیت است، اما مقتصد، روزها روزه دار و شب ها شب زنده دار است، اما ظالم به نفس خود، آن چه که درباره تائبین آمده درباره او نیز خواهد بود؛ او را می آمرزند ای ابا اسحاق! به وسیله ما خدا عیب هایتان را برطرف می‌کند و به واسطه ما رشته خواری و ذلت را از گردن شما برمی‌دارد و به وسیله ما خدا گناهانتان را می‌آمرزد. به وسیله ما می‌گشاید و به واسطه ما ختم می کند نه به وسیله شما. ما پناهگاه شما هستیم، همچون اصحاب کهف، و ما کشتی نجات شماییم، مانند کشتی نوح و درب حطه شما هستیم، مانند باب حطه بنی اسرائیل. سید بن طاوس گفته است: تأویل این آیه از بیست طریق نقل شده که در روایات زیادات و نقصان وجود دارد. - . سعد السعود: ۱۰۷ - ۱۰۸ -

کنز الفوائد: از محمّد بن عباس همین روایت نقل می‌کند، جز اینکه در آن به جای «شهید از ما»، «امام از ما» آمده و در آن آمده است: ظالم به نفس درباره او همان قضاوتی می شود که درباره مردم می شود و او آمرزیده است. - . کنز الفوائد: ۲۵۱ - ۲۵۲ -

تفسیر فرات: به اسناد خود از غالب بن عثمان همین روایت را نقل می‌کند، جز اینکه در آن آمده: سپس فرمود: ای ابو اسحاق! به واسطه ما خدا از لغزش شما چشم پوشی می‌کند و به وسیله ما خدا گناهانتان را می‌آمرزد و به وسیله ما خدا دیون شما را ادا می‌کند و به واسطه ما رشته خواری و ذلت را از گردن شما برمی‌دارد و به واسطه ما ختم می کند، نه به وسیله شما. - . تفسیر فرات: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۲۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ حُمَیْدِ بْنِ زِیَادٍ (۵) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَمَاعَهَ عَنِ ابْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ زَکَرِیَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ أَبِی سَلَّامٍ عَنْ سَوْرَهَ بْنِ کُلَیْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مَا مَعْنَی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ

الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا الْآیَهَ قَالَ الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الَّذِی لَا یَعْرِفُ الْإِمَامَ قُلْتُ فَمَنِ الْمُقْتَصِدُ قَالَ الَّذِی یَعْرِفُ الْإِمَامَ قُلْتُ فَمَنِ السَّابِقُ بِالْخَیْرَاتِ قَالَ الْإِمَامُ قُلْتُ فَمَا لِشِیعَتِکُمْ قَالَ تُکَفَّرُ ذُنُوبُهُمْ وَ تُقْضَی دُیُونُهُمْ وَ نَحْنُ بَابُ حِطَّتِهِمْ وَ بِنَا یُغْفَرُ لَهُمْ (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: سوره بن کلیب گفت: به امام باقر علیه السّلام عرض کردم: معنی این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا» تا آخر آیه چیست؟ فرمود: ظالم به نفس کسی است که امام را نمی‌شناسد، پرسیدم: مقتصد کیست؟ فرمود: کسی که امام را می شناسد. گفتم: پس سابق به خیرات کیست؟ فرمود: امام است. عرض کردم: پس برای شیعه شما چه خواهد بود؟ فرمود: گناهان آنها بخشیده می شود و دیون آنها پرداخت می گردد و ما درب حطه آنها هستیم و به وسیله ما آمرزیده می شوند. - . کنز الفوائد: ۲۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۱»

وَ أَقُولُ قَالَ السَّیِّدُ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ فِی سَعْدِ السُّعُودِ وَجَدْتُ کَثِیراً مِنَ الْأَخْبَارِ قَدْ ذَکَرْتُ بَعْضَهَا فِی کِتَابِ الْبَهْجَهِ بِثَمَرَهِ الْمُهْجَهِ مُتَضَمِّنَهً أَنَّ قَوْلَهُ جَلَّ جَلَالُهُ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا إِلَی آخِرِ الْآیَهِ أَنَّ الْمُرَادَ بِهَذِهِ الْآیَهِ جَمِیعُ ذُرِّیَّهِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ أَنَّ الظَّالِمَ لِنَفْسِهِ هُوَ الْجَاهِلُ بِإِمَامِ زَمَانِهِ وَ الْمُقْتَصِدَ هُوَ الْعَارِفُ بِهِ وَ السَّابِقَ بِالْخَیْرَاتِ هُوَ إِمَامُ الْوَقْتِ علیه السلام.

فَمَنْ رَوَیْنَا ذَلِکَ عَنْهُ- الشَّیْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَابَوَیْهِ مِنْ کِتَابِ الْفِرَقِ بِإِسْنَادِهِ

ص: ۲۱۹

۱- سعد السعود: ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- کنز الفوائد: ۲۵۱ و ۲۵۲.

۳- رواق رباق خ ل.

۴- تفسیر فرات: ۱۲۸ فیه اختلافات لفظیه راجعه.

۵- فی المصدر: أحمد بن زیاد عن الحسن بن محمّد بن سماعه.

۶- کنز الفوائد: ۲۵۲.

إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام وَ- رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ الْوَاحِدَهِ لِابْنِ جُمْهُورٍ فِيمَا رَوَاهُ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَسْكَرِیِّ عليهما السلام وَ- رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِیِّ عَنْ مَوْلَانَا الْحَسَنِ الْعَسْكَرِیِّ وَ- رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ عُلَیٍّ بْنِ رَبَاحٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام وَ رَوَاهُ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودِ بْنِ عَيَّاشٍ فِی تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَ- رَوَيْنَاهُ مِنَ الْجَامِعِ الصَّغِيرِ لِيُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ- رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ وَ- رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ إِبْرَاهِيمَ الْخَزَّازِ وَ غَيْرِهِمْ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مِمَّنْ لَمْ يَحْضُرْنِی ذِكْرُ أَسْمَائِهِمْ وَ الْإِشَارَهُ إِلَيْهِمْ (۱).

**[ترجمه]مؤلف: سید بن طاوس در سعد السعود گفته است: اخبار زیادی یافتم که بعضی از آنها را در کتاب «البهجة بثمرة المهجة» ذکر کردم و این معنا را در بردارند که منظور از این آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا» تا آخر آیه، تمام ذرّیه پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است و ظالم به خود، همان جاهل به امام زمانش است و مقتصد، عارف به امام و سابق به خیرات، همان امام وقت است. از کسانی که این روایت را از او نقل نموده ایم عبارتند از شیخ ابو جعفر محمّد بن بابویه از کتاب «الفرق» به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام، و از کتاب «الواحده» ابن جمهور در روایتی که حضرت از امام حسن عسکری علیه السّلام نقل می کند، و از کتاب «الدلایل» عبداللّه بن جعفر حمیری از حضرت عسکری علیه السّلام، و از کتاب محمّد بن علی بن رباح به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام، و روایت کرده آن را از کتاب محمّد بن مسعود بن عیّاش در تفسیر قرآن، و از کتاب «الجامع الصغیر» یونس بن عبدالرحمن و از کتاب عبداللّه بن حماد انصاری و از کتاب ابراهیم خزّاز و دیگران که اکنون اسم آنها در خاطرم نیست. - . سعد السعود: ۷۹ - ۸۰ -

**[ترجمه]

«۲۲»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِیِّ عَنْ كَثِيرِ بْنِ عَيَّاشٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَى ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا قَالَ فَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صِفْوَةُ اللَّهِ فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ الْهَالِكُ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ هُمُ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ فَهُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ عليهما السلام يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ يَعْنِی الْقُرْآنَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها يَعْنِی آلَ مُحَمَّدٍ يَدْخُلُونَ قُصُورَ جَنَّاتٍ كُلُّ قَصْرٍ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ وَاحِدَهٍ لَيْسَ فِيهَا صَدْعٌ وَ لَا وَصْلٌ (۲) لَوِ اجْتَمَعَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ فِيهَا مَا كَانَ ذَلِكَ الْقَصْرُ إِلَّا سَعَةً لَهُمْ لَهُ الْقِبَابُ مِنَ الزَّبَرْجَدِ كُلُّ قُبَّهٍ لَهَا مِصْرَاعَانِ الْمِصْرَاعُ طُولُهُ اثْنَا عَشَرَ مِيلًا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يُحَلَّوْنَ فِيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فِيها حَرِيرٌ وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ قَالَ وَ الْحَزَنُ مَا أَصَابَهُمْ فِی الدُّنْيَا مِنَ الْخَوْفِ وَ الشِّدَّهِ (۳).

ص: ۲۲۰

۱- سعد السعود: ۷۹ و ۸۰. أقول: قد ذكر بعد ذلك فی نسخه الكمبانیّ روایه سوره ابن كلیب المتقدم تحت رقم ۲۰ بعینها سندا و متنا و مصدرا، و حیث كانت مكرره من سهو النسّاخ و النسخه المخطوطه كانت خالیه عنها فاسقطناها.

۲- الصدع: الشق فی الشیء. و الوصل: الاتصال. و بالضم و الكسر: كل عضو علی حده و ذلك كنایه عن كون ذلك القصر

غير ذی أجزاء.

۳- كنز جامع الفوائد: ۳۵۲ و ۳۵۳. و الآيات فی سوره فاطر: ۳۲- ۳۴.

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوالجارود از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا» فرمود: آنها آل محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند که برگزیده خدایند. «فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ» او هلاک شده است. «وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» آنها صالحان هستند. «وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ» علی بن ابی طالب علیه السّلام است. خداوند می فرماید: «ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»، یعنی قرآن «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها» یعنی آل محمّد وارد قصرهای بهشت هایی می شوند که هر قصر از یک مروارید است که در آن مروارید نه شکاف و نه بند و اتصالی وجود دارد که اگر اهل اسلام در آن قصر جمع شوند،، گنجایش آنها را دارد، دارای قبّه هایی از زبرجد است و هر قبه ای دارای دو مصراع - . یک لنگه درب مصراع نامیده می شود. - است، هر مصراعی دوازده میل طول دارد. خداوند می فرماید: «يُحَلَّوْنَ فِيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فِيها حَرِيرٌ * وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» - . فاطر / ۳۳ - ۳۴ - {[در] بهشت های همیشگی [که] به آنها درخواهند آمد در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه شان پرنیان خواهد بود و می گویند سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق شناس است.} فرمود: «الحزن» یعنی خوف و ناراحتی که در دنیا برایشان پیش آمد. - . کنز الفوائد: ۳۵۲ - ۳۵۳ -

**[ترجمه]

بیان

أقول: ظهر من تلك الأخبار أن الضمائر راجعه إلى أهل البيت و سائر الذريه الطيبه و الظالم الفاسق منهم و المقتصد الصالح منهم و السابق بالخيرات الإمام و لا يدخل فی تلك من لم تصح عقيدته منهم أو ادعى الإمامه بغير حق أو الظالم من لم تصح عقيدته و المقتصد من صحت عقيدته و لم يأت بما يخرجه عن الإيمان فعلى هذا قوله جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها الضمير فيه راجع إلى المقتصد و السابق لا الظالم و على التقديرين المراد بالاصطفاء أن الله اصطفى تلك الذريه الطيبه بأن جعل منهم أوصياء و أئمه لا أنه اصطفى كلا منهم و كذا المراد بإيراث الكتاب أنه أورثه بعضهم و هذا شرف للكل إن لم يضيعوه.

**[ترجمه]مؤلف: از این اخبار روشن شد که ضمائر به اهل بیت علیهم السّلام و سایر ذرّیه پاک او برمی گردد و ظالم، فاسق از این خانواده و مقتصد، صالح از آنها و سابق به خیرات، امام است. در این آیه داخل نمی شود کسی از ایشان که عقیده او در امامت صحیح نیست یا خودش به ناحق مدعی امامت باشد. یا مراد از ظالم کسی است که عقیده اش صحیح نیست و مقتصد کسی که عقیده اش صحیح است و کاری نکرده که موجب خروجش از درجه ایمان گردد. بنا بر این توجیه، ضمیر در این آیه «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها» به مقتصد و سابق بر می گردد نه ظالم. و بنا بر هر دو وجه، منظور از برگزیده شدن این است که خداوند این ذرّیه پاک را برگزیده که در میان آنها اوصیاء و ائمه را قرار داده، نه اینکه همه آنها را برگزیده. و نیز منظور از به ارث گذاشتن کتاب، یعنی آن را برای بعضی از آنها به ارث گذاشت و این یک شرافت است برای همه آنها، اگر آن را تضییع نکنند.

**[ترجمه]

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره عَنْ شَيْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ يُونُسَ بْنِ خَبَّابٍ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا بَالُ أَقْوَامٍ إِذَا ذَكَرُوا آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ اسْتَبْشَرُوا وَ إِذَا ذَكَرُوا آلَ مُحَمَّدٍ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ وَافَى بِعَمَلِ سَبْعِينَ نَبِيّاً يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى يُوَافِيَ بِوَلَايَتِي وَ وَلَايَهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: یونس بن خباب از حضرت باقر علیه السّلام، از پدرانش علیهم السّلام نقل می کند که فرمود: حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله فرمود: چه می شود گروهی را که وقتی از آل ابراهیم و آل عمران یاد می کنند خوشحال می‌شوند، اما وقتی از آل محمّد یاد می کنند قلوب آن‌ها متنفر می‌شود؟ قسم به آن کسی که جان محمّد صلی اللَّه علیه و آله در دست اوست، اگر یکی از آنها عمل هفتاد پیامبر را در روز قیامت بیاورد، خدا از او نمی پذیرد، مگر اینکه ولایت من و علی بن ابی طالب علیه السّلام را به آنها ضمیمه کند. - . کنز الفوائد: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۴»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره شَيْخُ الطَّائِفَهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ النَّخَعِيِّ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقُلْتُ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَخْبِرْنِي بِمَا أَوْصَى إِلَيْكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ سَأُخْبِرُكُمْ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ وَ ارْتَضَاهُ وَ أَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ* وَ كُنْتُمْ أَحَقَّ بِها وَ أَهْلَها وَ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى نَبِيِّهِ أَنْ يُوصِيَ إِلَيَّ فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَا عَلِيُّ احْفَظْ وَصِيَّتِي وَ ارْعَ ذِمَامِي (۲) وَ أَوْفِ بِعَهْدِي وَ أَنْجِزْ عِدَاتِي وَ اقْضِ دَيْنِي وَ أَحْيِ سُنَّتِي وَ ادْعُ إِلَى مِلَّتِي لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اصْطَفَانِي وَ اخْتَارَنِي فَذَكَرْتُ دَعْوَهَ أَخِي مُوسَى فَقُلْتُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي وَزِيراً مِنْ أَهْلِي كَمَا جَعَلْتَ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ أَنَّ عَلِيّاً وَزِيرُكَ وَ نَاصِرُكَ وَ الْخَلِيفَهُ

۱- كنز جامع الفوائد: ۴۹.

۲- فى نسخه: و ادفع ذمامى.

مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ (۱) يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنْ أَئِمَّهِ الْهُدَى وَ أَوْلَادُكَ مِنْكَ (۲) فَأَنْتُمْ قَادَهُ الْهُدَى وَ التُّقَى وَ الشَّجَرَهُ الَّتِی أَنَا أَصْلُهَا وَ أَنْتُمْ فَرْعُهَا فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهَا فَقَدْ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا فَقَدْ هَلَكَ وَ هَوَى وَ أَنْتُمُ الَّذِينَ أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى مَوَدَّتَكُمْ وَ وَلَايَتَكُمْ وَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِی كِتَابِهِ وَ وَصَفَهُمْ لِعِبَادِهِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنْتُمْ صَفْوَهُ اللَّهِ مِنْ آدَمَ وَ نُوحٍ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ عِمْرَانَ وَ أَنْتُمُ الْأُسْرَهُ (۳) مِنْ إِسْمَاعِيلَ وَ الْعِتْرَهُ الْهَادِيَهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ (۴).

**[ترجمه]كنز الفوائد: ابن عباس گفت: خدمت امیرالمؤمنین علیه السّلام رسیدم و گفتم: ای ابوالحسن! مرا از آنچه که پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله به تو وصیّت نموده مطلع نما. فرمود: به شما خبر می دهم که خداوند برای شما دین را برگزید و پسندید و نعمتش را بر شما تمام کرد. شما شایسته تر به آن نعمت و اهل آن بودید. خداوند به پیامبرش وحی کرد که به من وصیت کند. پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: یا علی! وصیت مرا حفظ کن، حق مرا مواظبت نما، به عهد من وفا کن، وعده های مرا عملی ساز، قرضم را پرداخت کن، روش و سنت مرا زنده بدار و مردم را به آیین من دعوت کن، زیرا خداوند مرا انتخاب نموده و برگزید. دعای برادرم موسی یادم آمد. گفتم: خدایا! برایم وزیری از خانواده ام قرار ده، همان طور که هارون را وزیر موسی گردانیدی. خداوند به من وحی کرد که علی وزیر و یاری دهنده و جانشین بعد از تو است. سپس فرمود: یا علی! تو از پیشوایان هدایتی و اولاد من از تو خواهند بود و شما رهنمایان هدایت و پرهیزگاری هستید و درختی هستید که من ریشه آنم و شما شاخه های آن. هر که به این درخت چنگ زند نجات می یابد و هر که تخلف ورزد، هلاک و نابود می شود. و شما کسانی هستید که خداوند ولایت و مودّت شما را واجب نموده است. و شما کسانی هستید که خداوند در کتاب خود از شما یاد نموده و شما را برای بندگانش توصیف کرده و فرموده است: «إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ * ذُرِّيَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» شما برگزیده خدا از آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران هستید. شما خانواده از اسماعیل و عترت هادیه از محمّد صلی اللّٰه علیه و آله هستید. - . کنز الفوائد: ۵۰ -

**[ترجمه]

«۲۵»

فس، تفسیر القمی قَالَ الْعَالِمُ علیه السلام نَزَلَ وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ فَأَسْقَطُوا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الْكِتَابِ (۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: امام علیه السّلام فرمود: این چنین نازل شد: «وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ و آل محمّد علی العالمین»، آل محمّد را از قرآن حذف کرده اند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۹۱ -

**[ترجمه]

«۲۶»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الْفَحَّامُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ هَارُونَ عَنْ أَبِی عَبْدِ الصَّمَدِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام یَقْرَأُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَی الْعَالَمِینَ قَالَ هَکَذَا نَزَلَتْ (۶).

**[ترجمه]امالی طوسی: ابراهیم بن عبدالصمد گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که این گونه می خواند «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ و آل محمّد علی العالمین.» فرمود: این گونه نازل شده است. - . امالی طوسی: ۱۸۸ -

**[ترجمه]

«۲۷»

فس، تفسیر القمی قَالَ عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی الْحَمْدُ لِلَّهِ (۷) وَ سَلامٌ عَلی عِبادِهِ الَّذِینَ اصْطَفی قَالَ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۸).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: علی بن ابراهیم در مورد آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلی عِبادِهِ الَّذِینَ اصْطَفی» - . نمل / ۵۹ - {سپاس برای خداست و درود بر آن بندگانش که [آنان را] برگزیده است} نقل کرد که فرمود: آنها آل محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۷۸ -

**[ترجمه]

«۲۸»

قب، المناقب لابن شهرآشوب الصَّادِقُ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ الَّذِینَ اصْطَفَیْنا مِنْ عِبادِنا (۹) نَزَلَتْ فِی حَقِّنَا وَ حَقِّ ذُرِّیَّاتِنَا خَاصَّةً.

ص: ۲۲۲

۱- فی نسخه: ثم قال: یا علی.

۲- فی المصدر: و أولادی منک.

۳- فی نسخه: و أنتم الأسوه.

۴- کنز جامع الفوائد: ۵۰.

۵- تفسیر القمّیّ: ۹۱.

۶- أمالی ابن الشیخ: ۱۸۸.

۷- فی المصدر: قل الحمد للّه و الآیه فی سوره النمل: ۵۹.

۸- تفسیر القمّیّ: ۴۷۸.

٩- فاطر: ٣٢.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: امام صادق علیه السّلام درباره آیه فرمود: فقط درباره حق ما و حق ذرّیه ما نازل شده است.

**[ترجمه]

«۲۹»

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنْهُ وَ عَنْ أَبِیهِ علیه السلام هِیَ لَنَا خَاصَّهً وَ إِیَّانَا عَنَی.

**[ترجمه]و در روایت دیگری از امام صادق، از پدرش علیهما السّلام نقل می کند که فرمود: این آیه به ما اختصاص دارد و ما را منظور نموده است.

**[ترجمه]

«۳۰»

وَ فِی رِوَایَهِ أَبِی الْجَارُودِ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

**[ترجمه]و در روایت ابوالجارود از امام باقر علیه السّلام آمده که فرمود: آنها آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله هستند.

**[ترجمه]

«۳۱»

وَ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ قَالَ: نَحْنُ أُولَئِکَ.

**[ترجمه]از زید بن علی نقل شده که گفت: ما همان‌ها هستیم.

**[ترجمه]

«۳۲»

أَبَانُ بْنُ الصَّلْتِ سَأَلَ الْمَأْمُونُ الْعُلَمَاءَ عَنْ مَعْنَی هَذِهِ الْآیَهِ فَقَالُوا أَرَادَ (۱) بِذَلِکَ الْأُمَّهَ کُلَّهَا فَقَالَ لِلرِّضَا علیه السلام مَا تَقُولُ یَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ أَقُولُ أَرَادَ بِذَلِکَ الْعِتْرَهَ الطَّاهِرَهَ لَا غَیْرَهُمْ.

**[ترجمه]ابان بن صلت گفت: مأمون از دانشمندان معنی آیه «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْکِتابَ» را پرسید. گفتند: منظور تمام امت است. به حضرت رضا علیه السّلام گفت: شما چه می‌فرمایید؟ فرمود: من می گویم منظور عترت طاهره پیامبر صلی اللَّه علیه و آله است نه دیگران.

**[ترجمه]

«۳۳»

زِيَادُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ وَ شِيعَتِهِمْ.

**[ترجمه]زیاد بن منذر از حضرت باقر علیه السّلام نقل می‌کند که فرمود: این آیه برای آل محمّد و شیعیانشان است.

**[ترجمه]

«۳۴»

وَ عَنْهُ (۲) عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مِنَّا فَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَيِّئاً وَ أَمَّا الْمُقْتَصِدُ فَهُوَ الْمُتَعَبِّدُ الْمُجْتَهِدُ وَ أَمَّا السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ فَعَلِيٌّ عليه السلام وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام وَ مَنْ قُتِلَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ شَهِيداً.

**[ترجمه]زیاد بن منذر از حضرت باقر علیه السّلام نقل می‌کند که فرمود: ظالم به خود از ما کسی است که هم عمل صالح انجام دهد و هم گناه کند، و مقتصد از ما کسی است که متعبّد و کوشا باشد، و سابق به خیرات علی و حسن و حسین علیهم السّلام و هر کس که از آل محمد صلّی اللّه علیه و آله شهید شود می‌باشد.

**[ترجمه]

«۳۵»

وَ فِي رِوَايَةِ سَالِمٍ عَنْهُ عليه السلام السَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ الْإِمَامُ وَ الْمُقْتَصِدُ الْعَارِفُ لِلْإِمَامِ وَ الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ (۳).

**[ترجمه]و در روایت سالم از امام باقر علیه السّلام آمده است: سابق به خیرات امام است و مقتصد کسی است که امام را بشناسد و ظالم به خود کسی است که امام را نشناسد. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۲۷۴ -

**[ترجمه]

«۳۶»

الْبَاقِرُ عليه السلام فِي قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ نَحْنُ بَقِيَّةُ تِلْكَ الْعِتْرَةِ وَ قَالَ كَانَتْ دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ لَنَا خَاصَّةً (۴).

**[ترجمه]حضرت باقر علیه السّلام درباره سخن حضرت ابراهیم در آیه «رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ» - . ابراهیم / ۳۷ - {پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره ای سکونت دادم} فرمود: ما باقیمانده آن عترت هستیم و فرمود: دعای ابراهیم

فقط برای ما بود - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۱۴ - .

**[ترجمه]

«۳۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام عَنْ سَهْلٍ (۵) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أُولئِکَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّهِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّيَّهِ إِبْراهِيمَ وَ إِسْرائِيلَ وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا إِذا تُتْلی عَلَيْهِمْ آياتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا قَالَ نَحْنُ ذُرِّيَّهُ إِبْرَاهِيمَ وَ نَحْنُ

۱- فی المصدر: اراد اللّه.

۲- فی النسخه المخطوطه و المصدر: زیاد بن المنذر.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۲۷۴.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۳۱۴، و الآیه فی سوره إبراهیم: ۳۴.

۵- فی المصدر: محمّد بن همام بن سهل و الظاهر ان الصحیح: محمّد بن همام بن سهیل.

الْمَحْمُولُونَ مَعَ نُوحٍ وَ نَحْنُ صَفْوَهُ اللَّهِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ وَ مِمَّنْ هَدَيْنا وَ اجْتَبَيْنا فَهُمْ وَ اللَّهِ شِيعَتُنَا الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ لِمَوَدَّتِنَا وَ اجْتَبَاهُمْ لِدِينِنَا فَحَيُوا عَلَيْهِ وَ مَاتُوا عَلَيْهِ وَصَفَهُمُ اللَّهُ بِالْعِبَادَهِ وَ الْخُشُوعِ وَ رِقَّهِ الْقَلْبِ فَقَالَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُكِيًّا ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاهَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا وَ هُوَ جَبَلٌ (۱) مِنْ صُفْرٍ يَدُورُ فِي وَسَطِ (۲) جَهَنَّمَ.

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار گفت: از موسی بن جعفر علیه السّلام درباره آیه «أُولئِکَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ مِنْ ذُرِّیَّهِ آدَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّیَّهِ إِبْراهِیمَ وَ إِسْرائِیلَ وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُکِیًّا» - . مریم / ۵۸ - {آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگزیدیم [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد سجده کنان و گریان به خاک می افتادند} پرسیدم. فرمود: ما ذرّیه ابراهیم هستیم. ما بودیم که با نوح حمل شدیم و ما برگزیده خداییم، اما این قسمت آیه «وَ مِمَّنْ هَدَیْنا وَ اجْتَبَیْنا» به خدا قسم آنها شیعیان ما هستند که خدا ایشان را به محبت ما هدایت نمود و برای دین ما برگزید، بر آن روش زندگی کردند و بر همان روش نیز مردند. خداوند ایشان را به عبادت و خشوع و رقت قلب ستوده و فرموده است: «إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُ الرَّحْمنِ خَرُّوا سُجَّداً وَ بُکِیًّا.» بعد فرموده: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضاعُوا الصَّلاهَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَواتِ فَسَوْفَ یَلْقَوْنَ غَیًّا» - . مریم / ۵۹ -

{آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس ها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید.} و آن کوهی - . در مصدر «جیل من صفر» است. - از مس است که در وسط جهنم می‌چرخد. - . کنز الفوائد: ۱۵۲-۱۵۳ -

**[ترجمه]

«۳۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ (۳) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هِيَ قُلُوبُ شِيعَتِنَا تَهْوِي إِلَى مَحَبَّتِنَا (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابن عباس در مورد آیه «فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النّاسِ» - . ابراهیم / ۳۷ -

{پس دل های برخی از مردم را} نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله فرمود: آن دل های شیعیان ما است که شیفته محبت ما می گردد. - . تفسیر فرات: ۸۱ -

**[ترجمه]

«۳۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ یَحْکِی قَوْلَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ اللَّهِ رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ إِلَی آخِرِ الْقِصَّهِ فَقَالَ علیه السلام مَا قَالَ إِلَیْهِ یَعْنِی الْبَیْتَ مَا قَالَ إِلَّا إِلَیْهِمْ (۵) أَ فَتَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَیْکُمْ إِتْیَانَ هَذِهِ الْأَحْجَارِ وَ التَّمَسُّحَ بِهَا وَ لَمْ یَفْرِضْ عَلَیْکُمْ إِتْیَانَنَا وَ سُؤَالَنَا وَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ وَ اللَّهِ مَا فَرَضَ عَلَیْکُمْ غَیْرَهُ (۶).

**[ترجمه]تفسیر فرات: احمد بن قاسم به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ» {پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره ای بی کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم} تا آخر قصّه که قول ابراهیم را نقل می کند، فرمود: خداوند نفرموده دل های مردم را متوجه آن، یعنی خانه خدا کن، بلکه فرموده است دل های مردم را شیفته آنها بگردان. شما خیال می کنید خداوند آمدن کنار این سنگ ها و تبرّک به آنها را واجب کرده، اما آمدن در خانه ما و پرسیدن از ما و محبت ما را بر شما واجب نکرده؟ به خدا سوگند جز این را واجب ننموده است. - . تفسیر فرات: ۸۰ -

**[ترجمه]

«۴۰»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ إِلَی قَوْلِهِ لَعَلَّهُمْ یَشْکُرُونَ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام نَحْنُ هُمْ وَ نَحْنُ بَقِیَّهُ تِلْکَ الذُّرِّیَّهِ (۷).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: شخصی از امام باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «رَبَّنا إِنِّی أَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِی بِوادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ» تا «لَعَلَّهُم یَشکُرون» فرمود: ما آنها هستیم و ما باقیمانده همان ذرّیه می‌باشیم. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۳۱ -

**[ترجمه]

«۴۱»

وَ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْهُ علیه السلام وَ نَحْنُ بَقِیَّهُ تِلْکَ الْعِتْرَهِ (۸)

ص: ۲۲۴

۱- فی المصدر: جبل من صفر.

۲- کنز الفوائد: ۱۵۲ و ۱۵۳. و الآیتان فی سوره مریم: ۵۸ و ۵۹.

۳- فی المصدر: «فَاجْعَلْ أَفْئِدَهً مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْهِمْ» و الآیه فی إبراهیم: ۳۴.

۴- تفسیر فرات: ۸۱.

۵- فی قوله: تَهْوِی إِلَیْهِمْ.
۶- تفسیر فرات: ۸۰.
۷- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۳۱.
۸- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۳۱.

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: و در روایت دیگری از حنان بن سدیر، از امام باقر علیه السّلام نقل می‌کند که فرمود: ما باقیمانده آن عترت هستیم. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۳۱ -

**[ترجمه]

«۴۲»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْمُثَنَّی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا هُمُ الْأَئِمَّهُ وَ مَنِ اتَّبَعَهُمْ (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: عبداللَّه بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا» - . آل عمران / ۶۸ - {در حقیقت نزدیک ترین مردم به ابراهیم همان کسانی هستند که او را پیروی کرده اند و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده اند} نقل می‌کند که فرمود: آنها ائمّه و پیروانشان هستند. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۶ -

**[ترجمه]

«۴۳»

أَقُولُ رَوَی الطَّبْرِسِیُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی مَجْمَعِ الْبَیَانِ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْتُمْ وَ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ قُلْتُ مِنْ أَنْفُسِهِمْ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ نَعَمْ وَ اللَّهِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالَهَا ثَلَاثاً ثُمَّ نَظَرَ إِلَیَّ وَ نَظَرْتُ إِلَیْهِ فَقَالَ یَا عُمَرُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ فِی کِتَابِهِ إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ (۲).

**[ترجمه]مؤلف: مرحوم طبرسی در مجمع البیان از عمر بن یزید نقل کرده که گفت: حضرت صادق علیه السّلام به من فرمود: به خدا قسم شما از آل محمّدید. عرض کردم: از خود آنها هستیم فدایت شوم؟ فرمود: آری، به خدا قسم از خود آنها محسوب می‌شوید. و سه مرتبه تکرار نمود. سپس نگاهی به من نمود و من به آن جناب نگاه کردم. فرمود: ای عمر! خداوند در کتاب خود می فرماید: «إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهِیمَ لَلَّذِینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ.» - . مجمع البیان ۲ : ۴۵۸ -

**[ترجمه]

«۴۴»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ قَالَ نَحْنُ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ بَقِیَّهُ تِلْکَ الْعِتْرَهِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حنان بن سدیر از پدر خود نقل نمود که حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ * ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ» فرمود: ما از آنها هستیم و ما باقیمانده آن عترتیم. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۴۵»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ (۴) فَقَالَ هُوَ آلُ إِبْرَاهِیمَ وَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَی الْعالَمِینَ فَوَضَعُوا اسْماً مَکَانَ اسْمٍ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: هشام بن سالم گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ اللّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ» پرسیدم. فرمود: - . شاید منظور این است که در آیه «آل محمد» به جای «آل عمران» بوده است. - آیه این گونه است: آل ابراهیم و آل محمّد «عَلَی الْعالَمِینَ» که اسمی را به جای اسم دیگری قرار دادند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۴۶»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَمَّا قَضَی مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله نُبُوَّتَهُ وَ اسْتُکْمِلَتْ أَیَّامُهُ أَوْحَی اللَّهُ یَا مُحَمَّدُ قَدْ قَضَیْتَ نُبُوَّتَکَ وَ اسْتَکْمَلْتَ أَیَّامَکَ فَاجْعَلِ

۱- أصول الکافی ۱: ۴۱۶. فیه: «قال: هم الأئمّه» و الآیه فی سوره آل عمران: ۶۸.

۲- مجمع البیان ۲: ۴۵۸.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۸.

۴- فی المصدر: ان اللّه اصطفی آدم و نوحا، فقال أقول: لعل المراد انه کان (آل محمد) مکان (آل عمران) فوضعوا هذا مکان ذاک، و الحدیث ینافی ما ثبت صحته بالضروره من المصحف الشریف و اخبارا تقدم و یأتی مع انه من الاخبار الآحاد التی لا توجب علما و لا عملا، و انه مرسل مرویّ من کتاب العیّاشیّ الذی لم یثبت سماعه من المشایخ، نعم یأتی بعد ذلک قراءه ابن مسعود و لکنها لا تطابق ذلک.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۸.

الْعِلْمَ الَّذِی عِنْدَکَ مِنَ الْإِیمَانِ وَ الِاسْمِ الْأَکْبَرِ وَ مِیرَاثِ الْعِلْمِ وَ آثَارِ عِلْمِ النُّبُوَّهِ فِی الْعَقِبِ مِنْ (۱) ذُرِّیَّتِکَ فَإِنِّی لَمْ أَقْطَعِ الْعِلْمَ وَ الْإِیمَانَ وَ الِاسْمَ الْأَکْبَرَ وَ مِیرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّهِ مِنَ الْعَقِبِ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ کَمَا لَمْ أَقْطَعْهَا مِنْ بُیُوتَاتِ الْأَنْبِیَاءِ الَّذِینَ کَانُوا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ أَبِیکَ آدَمَ (۲) وَ ذَلِکَ قَوْلُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ وَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ تَعَالَی لَمْ یَجْعَلِ الْعِلْمَ جَهْلًا وَ لَمْ یَکِلْ أَمْرَهُ إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَی مَلَکٍ مُقَرَّبٍ وَ لَا إِلَی نَبِیٍّ مُرْسَلٍ وَ لَکِنَّهُ أَرْسَلَ (۳) رُسُلًا مِنْ مَلَائِکَتِهِ فَقَالَ لَهُ کَذَا وَ کَذَا یَأْمُرُهُمْ بِمَا یَجِبُ وَ یَنْهَاهُمْ (۴) عَمَّا یُکْرَهُ فَقَصَّ عَلَیْهِ (۵) أَمْرَ خَلْقِهِ بِعِلْمٍ فَعَلِمَ ذَلِکَ الْعِلْمَ وَ عَلَّمَ أَنْبِیَاءَهُ وَ أَصْفِیَاءَهُ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْأَعْوَانِ (۶) وَ الذُّرِّیَّهِ الَّتِی بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ فَذَلِکَ قَوْلُهُ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً فَأَمَّا الْکِتَابُ فَهُوَ النُّبُوَّهُ وَ أَمَّا الْحِکْمَهُ فَهُمُ الْحُکَمَاءُ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ فِی الصَّفْوَهِ وَ أَمَّا الْمُلْکُ الْعَظِیمُ فَهُمُ الْأَئِمَّهُ الْهُدَاهُ فِی الصَّفْوَهِ وَ کُلُّ هَؤُلَاءِ مِنَ الذُّرِّیَّهِ الَّتِی بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ الَّتِی جَعَلَ فِیهِمُ الْبَقِیَّهَ وَ فِیهِمُ الْعَاقِبَهُ وَ حِفْظُ الْمِیثَاقِ حَتَّی یَنْقَضِیَ الدُّنْیا وَ لِلْعُلَمَاءِ وَ لِوُلَاهِ الْأَمْرِ الِاسْتِنْبَاطُ لِلْعِلْمِ وَ الْهِدَایَهِ (۷).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هنگامی که حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله وظیفه نبوت خود را انجام داد و مدتش به پایان رسید، خداوند به او وحی کرد: یا محمّد! وظیفه نبوت خود را انجام دادی و مدت تو به پایان رسید. دانشی را که در اختیار تو است از ایمان و اسم اکبر و علم های وراثتی و آثار علم نبوت در اختیار جانشین خود از ذرّیه‌ات قرار ده، زیرا من علم و ایمان و اسم اکبر و میراث علم و آثار نبوت را از جانشینی که از ذرّیه توست قطع نمی‌نمایم، چنان چه از خانه‌های پیامبرانی که در فاصله تو و پدرت آدم بودند قطع نکردم. این آیه اشاره به همین مطلب است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ * ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ». خداوند عزیز علم را جهل قرار نداده است و کار خود را به هیچ یک از خلق و ملک مقرب و نبی مرسل واگذار نکرده است، ولی سفیرانی از ملائکه فرستاد و به آنها فرمود که چنین و چنان کنند. آنها را به واجبات دستور داد و از کارهای ناپسند نهی کرد و با علم - . در مصدر «با علم خود» آمده است. - امر خلقش را برای سفیر نقل کرد. سفیر هم آن علم را آموخت و به انبیاء و برگزیدگان ایشان و یاوران آنها و ذرّیه‌ای که بعضی از بعض دیگر هستند تعلیم داد. این آیه اشاره به همین مطلب است: «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» - . نساء / ۵۴ -

{در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم.} «کتاب» همان نبوت است و «حکمت» همان حکیمان از پیغمبران برگزیده هستند. و اما «ملک عظیم» عبارت از ائمه هدی هستند فی الصفوة و تمام آنها از همان ذرّیه پیوسته به یکدیگری است که بقیه و عاقبت و حفظ میثاق را تا انقراض دنیا در میان آنها نهاده است و استنباط علم و هدایت برای دانشمندان و فرمانروایان است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۸ - ۱۶۹ -

**[ترجمه]

بیان

لم یجعل العلم (۸) جهلا أی لم یجعل مبنیا علی الجهل بأن یکون أمر الحجه مجهولا أو لم یجعل العلم مخلوطا بالجهل بل لا بد أن یکون الإمام

۱- فی نسخه: فی أهل بیتک عند علیّ بن أبی طالب فانی.

۲- هاهنا تمّ المنقول من الوحی و ما بعده من کلام أبی جعفر علیه السلام.

۳- فی نسخه: ارسل رسولا.

۴- فی المصدر: فأمرهم بما یجب و نهاهم عما یکره.

۵- فی المصدر: فقص علیه امر خلقه بعلمه اقول: الضمیر فی له و علیه، یرجع إلی الرسول من الملائکه.

۶- فی نسخه: من الآباء و الاخوان و فی نسخه الکمبانیّ: من الابناء و الاعوان.

۷- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۸ و ۱۶۹ فیه: و بولاه الأمر.

۸- أی لم یجعله فی موضع مجهول بل بین و عرف مواضعه التی یجب الاخذ عنها.

عالما بجميع ما يحتاج إليه الخلق و لا يكون اختيار مثله إلا منه تعالى أو لم يبن أحكامه بالظنون و إلا لكان جهلا لأنه قد لا يطابق الواقع و لم يكل أمره أی أمر خلافته و نصب حججه و يحتمل إرجاع الضمير إلى العلم.

**[ترجمه]«لم يجعل العلم جهلا» یعنی علم را مبتنی بر جهل نکرده، به طوری که امر حجت مجهول بماند. یا به این معناست که علم را با جهل مخلوط نکرده، بلکه امام باید عالم به تمام احتیاجات خلق باشد و چنین اختیاری فقط از جانب خداست. یا به این معناست که احکام خود را بر گمان‌ها و ظنون استوار نکرده و اگر غیر این بود، همه جهل می‌شد، زیرا ظن گاهی مطابق با واقع نیست. و عبارت «لم يكل امره» یعنی امر خلافت و انتصاب حجت‌هایش و شاید ضمیر به «علم» برگردد.

**[ترجمه]

«۴۷»

شی، تفسير العياشي عَنْ أَبِی عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی كَلَدَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله الرَّوْحُ وَ الرَّاحَةُ وَ الرَّحْمَةُ وَ النُّصْرَةُ وَ الْيُسْرُ وَ الْيَسَارُ وَ الرِّضَا وَ الرِّضْوَانُ وَ الْمَخْرَجُ وَ الْفَلْجُ (۱) وَ الْقُرْبُ وَ الْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ لِمَنْ أَحَبَّ عَلِيّاً وَ ائْتَمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ حَقّاً (۲) عَلَيَّ أَنْ أُدْخِلَهُمْ فِی شَفَاعَتِی وَ حَقٌّ عَلَى رَبِّی أَنْ يَسْتَجِيبَ لِی فِيهِمْ لِأَنَّهُمْ أَتْبَاعِی وَ مَنْ تَبِعَنِی فَإِنَّهُ مِنِّی مَثَلُ إِبْرَاهِيمَ جَرَى فِيَّ لِأَنَّهُ مِنِّی وَ أَنَا مِنْهُ وَ دِينُهُ دِينِی وَ دِينِی دِينُهُ وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِی وَ سُنَّتِی سُنَّتُهُ وَ فَضْلِی فَضْلُهُ وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ فَضْلِی لَهُ فَضْلٌ وَ ذَلِكَ تَصْدِيقُ قَوْلِ رَبِّی ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو کلده از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلم فرمود: روح و راحت و رحمت و نصرت و فراخی و توانایی و خشنودی و رضوان و رهایی و رستگاری و قرب و محبت از جانب خدا و پیامبرش، برای کسی است که علی علیه السّلام را دوست داشته باشد و پیرو جانشینان بعد از او باشد. بر من لازم است که آنها را داخل در شفاعت خود نمایم و بر خدا لازم است که خواسته مرا درباره آنها بپذیرد. زیرا آنها پیروان من هستند و هر کس که پیرو من باشد، از من است. شبیه ابراهیم در من نیز جاری است، چون او از من و من از اویم؛ دین او دین من و دین من دین اوست؛ سنت او سنت من و سنّت من سنت اوست؛ فضل من فضل او است، ولی من از او برترم و برتری من برای او، یک نوع برتری و فضل است و این تصدیق قول پروردگارم است: «ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.» - تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۹ -

**[ترجمه]

«۴۸»

شی، تفسير العياشي عَنْ أَيُّوبَ (۴) قَالَ: سَمِعَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا أَقْرَأُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ فَقَالَ لِی وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَانَتْ فَمَحَوْهَا وَ تَرَكُوا آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ایّوب گفت: امام صادق علیه السّلام به من گوش داد و من این گونه می‌خواندم «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ

وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ.» به من فرمود: آل محمّد نیز جزو آیه بوده که آن را محو کردند و آل ابراهیم و آل عمران را باقی گذاشتند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۹ -

**[ترجمه]

«۴۹»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی عَمْرٍو الزُّبَیْرِیِّ (۶) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا الْحُجَّهُ فِی کِتَابِ اللَّهِ أَنَّ آلَ مُحَمَّدٍ هُمْ أَهْلُ بَیْتِهِ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِیمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ هَکَذَا نَزَلَتْ

۱- الفلج: الفوز و الغلبه.

۲- فی المصدر: حق علی.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۹ فیه: «جری فی ولایته منی و انا منه» و فیه تصحیف.

۴- فی اثبات الهداه: عن أبی أیّوب.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۹.

۶- ترجمه الممقانی فی باب الکنی و قال: لم اقف علی اسمه. اقول: الظاهر هو أبو عمرو محمّد بن عمرو بن عبد اللّه بن مصعب بن الزبیر الزبیری المترجم فی فهرست النجاشیّ: ۱۵۳.

عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَ لَا يَكُونُ الذُّرِّيَّةُ مِنَ الْقَوْمِ إِلَّا نَسْلَهُمْ مِنْ أَصْلَابِهِمْ وَ قَالَ اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْراً وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ وَ آلُ عِمْرَانَ وَ آلُ مُحَمَّدٍ (۱).

**[ترجمه]تفسير عياشى: ابو عمرو زبيرى، از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه به آن جناب گفتم: چه دليل از قرآن داريد كه آل محمّد اهل بيت او هستند؟ فرمود: اين آيه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ» «و آل محمّد» چنين نازل شده «عَلَى الْعالَمِينَ * ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و ذرّيه از هر قومى به غير نسل خودشان از صلب... هايشان نيست. و فرموده «اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْراً وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبادِيَ الشَّكُورُ» - . سبأ / ۱۳ -

{اى خاندان داوود شكرگزار باشيد و از بندگان من اندكى سپاسگزارند}، «و آل عمران و آل محمّد.» - . تفسير عياشى ۱ : ۱۶۹-۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۵۰»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَقَدِ اخْتَرْناهُمْ عَلى عِلْمٍ عَلَى الْعالَمِينَ (۲) قَالَ الْأَئِمَّةُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ (۳).

**[ترجمه]كنز الفوائد: فضيل از حضرت باقر عليه السّلام نقل مى‌كند كه درباره آيه «وَ لَقَدِ اخْتَرْناهُمْ عَلى عِلْمٍ عَلَى الْعالَمِينَ» - . دخان / ۳۲ -

{و قطعا آنان را دانسته بر مردم جهان ترجيح داديم} فرمود: منظور اين است كه ائمه از مؤمنين را بر ديگران برترى داديم. - . كنز الفوائد: ۲۹۸ -

**[ترجمه]

«۵۱»

أَقُولُ رَوَى ابْنُ بِطْرِيقٍ فِي الْعُمْدَةِ مِنْ تَفْسِيرِ الثَّعْلَبِيِّ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِي وَائِلٍ قَالَ: قَرَأْتُ فِي مُصْحَفِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ (۴) إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (۵).

**[ترجمه]مؤلف: ابن بطريق در كتاب العمدة از تفسير ثعلبى به اسناد خود از اعمش، از ابو وائل نقل كرده كه گفت: من قرآن عبداللّه بن مسعود را خواندم. آيه اين طور آمده «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ»، «و آل محمّد على العالمين». - . العمدة: ۲۷ - ۲۸ -

**[ترجمه]

باب ۱۳ أن مودتهم أجر الرساله و سائر ما نزل فی مودتهم

الآیات

الرعد: «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلًا مِنْ قَبْلِکَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّیَّهً»(۳۸)

حم عسق: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ»(۲۳)

ص: ۲۲۸

۱- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۹ و ۱۷۰ زاد فی نسخه من المصدر بعد الحدیث: روایه أبی خالد القماط عنه.

۲- الدخان: ۳۲.

۳- کنز جامع الفوائد: ۲۹۸. فیه: روی عمن رواه و الظاهر أنّه لم یخرجه من کتاب محمّد بن العباس.

۴- فی المصدر: قال: قرأت فی مصحف عبد اللّه بن مسعود.

۵- العمده: ۲۷ و ۲۸.

lt;meta info="- وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّيَّهً. - . رعد / ۳۸ -

{و قطعا پيش از تو [نيز] رسولانى فرستاديم و براى آنان زنان و فرزندانى قرار داديم.}

- قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِى الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ. - . شورى / ۲۳ -

{بگو به ازاى آن [رسالت] پاداشى از شما خواستار نيستم مگر دوستى درباره خويشاوندان و هر كس نيكى به جاى آورد [و طاعتى اندوزد] براى او در ثواب آن خواهيم افزود قطعا خدا آمرزنده و قدرشناس است.}

**[ترجمه]

تفسير

قال الطبرسى رحمه الله فى قوله تعالى: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا

قال ابن عباس عيروا رسول الله صلى الله عليه و آله بكثره تزوج النساء و قالوا لو كان نبيا لشغلته النبوه عن تزوج النساء فنزلت الآيه.

وَ رُوِىَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَرَأَ هَذِهِ الْآيَهَ ثُمَّ أَوْمَأَ إِلَى صَدْرِهِ وَ قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهِ ذُرِّيَّهُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله (۱).

و قال رحمه الله فى قوله تعالى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً اختلف فى معناه على أقوال أحدها لا أسألكم فى تبليغ الرساله أجرا إلا التواد و التحاب فيما يقرب إلى الله تعالى.

و ثانيها أن معناه إلا أن تودونى فى قرابتى منكم و تحفظونى لها فهو لقريش خاصه.

و ثالثها

أن معناه إلا أن تودوا قرابتى و عترتى و تحفظونى فيهم عن على بن الحسين عليهما السلام و سعيد بن جبير و عمرو بن شعيب و جماعه و هو المروى عن أبى جعفر و أبى عبد الله عليهما الصلاه و السلام.

وَ أَخْبَرَنَا السَّيِّدُ أَبُو الْحَمْدِ مَهْدِيُّ بْنُ نِزَارٍ الْحُسَيْنِيُّ عَنِ الْحَاكِمِ أَبِى الْقَاسِمِ الْحَسْكَانِيِّ (۲) عَنِ الْقَاضِى أَبِى بَكْرٍ

ص: ۲۲۹

۱- مجمع البيان ۶: ۲۹۷.

۲- منسوب الى حسكان كغضبان: قريه من قرى نيسابور و الرجل هو الحاكم أبو القاسم عبيد اللّه بن عبد اللّه بن أحمد بن محمّد بن حمد بن محمّد بن حسكان القرشىّ العامرى النيسابورىّ الحنفىّ يعرف بابن الحداد، ترجمه الذهبى فى تذكره الحفاظ و

وصـفه بالقاضـى المحـدث، و قال شـيخ متقن ذو عنايه تامّه بعلم الحـديث و هو من ذرّيه الامير عبـد اللّه بن عامر بن كريز الـذى افتتح خراسان زمن عثمان، و كان معمرا عالى الاسـناد، صنف و جمع، و حدث عن جده و ابن أبى الحسن العلوى و أبى عبد اللّه الحـاكم و أبى طـاهر بن محمش و أبى الحسن علىّ بن السـقا و أبى عبـد اللّه ابن بـاكويه و خلـق، و اختص بصـحبه أبى بكر ابن الحارث الأصبهانىّ النحوى و اخذ عنه، و اخذ أيضا عن الحافظ أحمد بن علىّ بن منجويه، و تفقه على القاضى ابى العلاء صاعد بن محمّـد و ما زال يسـمع و يجمع و يفيـد، و قد أكثر عنه المحدث عبد النافرين إسـماعيل الفارسـىّ و ذكره فى تاريخه انتهى و ترجمه أيضا ابن شـهرآشوب فى معالم العلماء و عد من تصانيفه شواهد التنزيل بقواعد التفضـيل، و خصائص علىّ بن أبى طالب عليه السلام فى القرآن، و مسئله فى تصحيح ردّ الشمس و ترغيم النواصب الشمس. توفى بعد سنه ۴۹۰.

الْحِيرِیِّ (۱) عَنْ أَبِی الْعَبَّاسِ الضُّبَعِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِیَادٍ السَّرِیِّ (۲) عَنْ یَحْیَی بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ الْحِمَّانِیِّ عَنْ حُسَیْنٍ الْأَشْتَرِ (۳) عَنْ قَیْسٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ ابْنِ جُبَیْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً الْآیَهَ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ الَّذِینَ أُمِرْنَا (۴) بِمَوَدَّتِهِمْ قَالَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ وُلْدُهُمَا.

وَ أَخْبَرَنَا السَّیِّدُ أَبُو الْحَمْدِ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ بِالْإِسْنَادِ الْمَذْکُورِ فِی کِتَابِ شَوَاهِدِ التَّنْزِیلِ مَرْفُوعاً إِلَی أَبِی أُمَامَهَ الْبَاهِلِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی خَلَقَ الْأَنْبِیَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّی وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِیٌّ مِنْ شَجَرَهٍ وَاحِدَهٍ فَأَنَا أَصْلُهَا وَ عَلِیٌّ فَرْعُهَا (۵) وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ثِمَارُهَا وَ أَشْیَاعُنَا أَوْرَاقُنَا (۶) فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا وَ مَنْ زَاغَ هَوَی (۷) وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَ اللَّهَ بَیْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَهِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ حَتَّی یَصِیرَ کَالشَّنِّ الْبَالِی ثُمَّ لَمْ یُدْرِکْ مَحَبَّتَنَا أَکَبَّهُ اللَّهُ عَلَی مَنْخِرَیْهِ فِی النَّارِ ثُمَّ تَلَا قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی

وَ رَوَی زَاذَانُ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: فِینَا فِی آلِ حم آیَهٌ لَا یَحْفَظُ مَوَدَّتَنَا إِلَّا کُلُّ مُؤْمِنٍ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ.

و إلی هذا أشار الکمیت فی قوله

۱- فی نسخه: «الحائری» و فی المصدر: الحمیری.

۲- فی المصدر: الحسن بن علیّ بن زیاد السری.

۳- هکذا فی الکتاب و مصدره، و الظاهر أن الصحیح الاشقر، و هو الحسین بن الحسن الاشقر الفزاری الکوفیّ یروی عن قیس بن الربیع، راجع تهذیب التهذیب ۲: ۳۳۵ و ۳۳۶ و سیأتی فی حدیث عن تفسیر فرات التصریح بذلک.

۴- فی المصدر: امرنا اللّه بمودتهم.

۵- زاد فی المصدر: و فاطمه لقاحها.

۶- فی نسخه: (ثمارنا و الحسن و الحسین اوراقنا) و فی المصدر: ثمارها و الحسن و الحسین اوراقها.

۷- فی المصدر: و من زاغ عنها هوی.

وجدنا لکم فی آل حم آیه*** تأولها منا تقی و معرب

(۱) و علی التقـادیر ففی الموده قولان أحـدهما أنه اسـتثناء منقطع لأن هـذا مما یجب بالإسـلام فلا یکون أجرا للنبوه و الآخر أنه اسـتثناء متصل و المعنی لا أسألکم أجرا إلا هـذا فقـد رضـیت به أجرا کما أنک تسأل غیرک حاجه فیعرض المسـئول علیک برا فتقول له اجعل بری قضاء حاجتی و علی هـذا یجوز أن یکون المعنی لا أسألکم أجرا إلا هـذا و نفعه أیضا عائـد إلیکم فکأنی لا أسألکم أجرا (۲).

وَ ذَکَرَ أَبُو حَمْزَهَ الثُّمَالِیُّ فِی تَفْسِـیرِهِ حَدَّثَنِی عُثْمَانُ بْنُ عُمَیْرٍ عَنْ سَـعِیدِ بْنِ جُبَیْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله حِینَ قَـدِمَ الْمَـدِینَهَ وَ اسْـتَحْکَمَ الْإِسْـلَامَ قَالَتِ الْأَنْصَارُ فِیمَا بَیْنَهُمْ یَأْتِی رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله فَنَقُولُ لَهُ تَعْرُوکَ أُمُورٌ فَهَذِهِ أَمْوَالُنَا فَاحْکُمْ (۳) فِیهَـا غَیْرَ حَرِجٍ وَ لَـا مَحْظُورٍ عَلَیْـکَ فَـأَتَوْهُ فِی ذَلِکَ فَنَزَلَ (۴) قُـلْ لا ـ أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فَقَرَأَهَا عَلَیْهِمْ فَقَالَ تَوَدُّونَ قَرَابَتِی مِنْ بَعْدِی فَخَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ مُسَـلِّمِینَ لِقَوْلِهِ فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ إِنَّ هَذَا لَشَـیْ ءٌ افْتَرَاهُ فِی مَجْلِسِهِ أَرَادَ بِذَلِکَ أَنْ یُذَلِّلَنَا لِقَرَابَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ فَنَزَلَتْ أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَأَرْسَلَ إِلَیْهِمْ فَتَلَاهَا عَلَیْهِمْ فَبَکَوْا وَ اشْتَدَّ عَلَیْهِمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ الْآیَهَ فَأَرْسَلَ فِی أَثَرِهِمْ فَبَشَّرَهُمْ قَالَ وَ یَسْـتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ هُمُ الَّذِینَ سَلَّمُوا لِقَوْلِهِ ثُمَّ قَالَ تَعَالَی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً أَیْ مَنْ فَعَلَ طَاعَهً نَزِدْ لَهُ فِی تِلْکَ الطَّاعَهِ حُسْناً بِأَنْ نُوجِبَ لَهُ الثَّوَابَ.

و ذکر أبو حمزه الثمالی عن السدی أنه قال اقتراف الحسنه الموده لآل محمد صلی الله علیه و آله.

ص: ۲۳۱

۱- أی فسرها کل من کان تتقی و تخفی رأیه. و من کان یسعه اظهار رأیه و افصاح بمذهبه.

۲- فی المصدر: لم اسألکم اجرا.

۳- فی المصدر: ان تعرک أمور فهذه اموالنا تحکم.

۴- فی المصدر: فنزلت.

وَ صَحَّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِی خُطْبَتِهِ أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَیْتِ الَّذِینَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ فَقَالَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً وَ اقْتِرَافُ الْحَسَنَهِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ.

وَ رَوَی إِسْمَاعِیلُ بْنُ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّهَا نَزَلَتْ فِینَا أَهْلَ الْبَیْتِ أَصْحَابَ الْکِسَاءِ.

انتهی کلامه أعلی الله مقامه. (۱)

وَ قَالَ الْعَلَّامَهُ رَوَّحَ اللَّهُ رُوحَهُ فِی کِتَابِ کَشْفِ الْحَقِّ رَوَی الْجُمْهُورُ فِی الصَّحِیحَیْنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ فِی مُسْنَدِهِ وَ الثَّعْلَبِیُّ فِی تَفْسِیرِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتُکَ الَّذِینَ وَجَبَتْ عَلَیْنَا مَوَدَّتُهُمْ قَالَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابْنَاهُمَا.

و وجوب الموده یستلزم وجوب الطاعه انتهی (۲).

و قال البیضاوی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ علی ما أتعاطاه من التبلیغ و البشاره أَجْراً نفعا منکم إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی أن تودونی لقرابتی منکم أو تودوا قرابتی و قیل الاستثناء منقطع و المعنی لا أسألکم أجرا قط و لکن أسألکم الموده و فِی الْقُرْبی حال منها.

رُوِیَ أَنَّهَا لَمَّا نَزَلَتْ قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتُکَ هَؤُلَاءِ قَالَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابْنَاهُمَا ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً وَ مَنْ یَکْتَسِبْ طَاعَهً سِیَّمَا حُبَّ آلِ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله (۳).

و

قال الرازی فی تفسیره الکبیر روی الکلبی عن ابن عباس قال إن النبی لما قدم المدینه کانت تنوبه نوائب و حقوق و لیس فی یده سعه فقال الأنصار إن هذا الرجل قد هداکم الله علی یده و هو ابن أختکم و جارکم فی بلدکم

ص: ۲۳۲

۱- مجمع البیان ۹: ۲۸ و ۲۹.

۲- إحقاق الحقّ: ۳.

۳- أنوار التنزیل ۲: ۳۹۷.

فأجمعوا له طائفه من أموالكم ففعلوا ثم أتوه به فرده عليهم و نزل قوله تعالى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً أى على الإيمان إلا أن تودوا أقاربى فحثهم على موده أقاربه.

ثُمَّ قَالَ نَقَلَ صَاحِبُ الْكَشَّافِ (۱) عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُوراً لَهُ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَّرَهُ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْجَنَّهِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُزَفُّ إِلَى الْجَنَّهِ كَمَا تُزَفُّ الْعَرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فُتِحَ لَهُ فِي قَبْرِهِ بَابَانِ إِلَى الْجَنَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَزَارَ مَلَائِكَهِ الرَّحْمَهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّهِ وَ الْجَمَاعَهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِراً أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشَمَّ رَائِحَهَ الْجَنَّهِ.

هذا هو الذى رواه صاحب الكشاف و أنا أقول آل محمد هم الذين يؤول أمرهم إليه و كل من كان أول أمرهم إليه كانت أشد و أكمل كانوا هم الآل و لا شك أن فاطمه و عليا و الحسن و الحسين كان التعلق بينهم و بين رسول الله صلى الله عليه و آله أشد التعلقات و هذا كالمعلوم المتواتر فوجب أن يكونوا هم الآل و أيضا اختلف الناس فى الآل فقيل هم الأقارب و قيل هم أمته فإن حملناه على القرابه فهم الآل و إن حملناه على الأمه الذين قبلوا دعوته فهم أيضا آل فثبت أن على جميع التقديرات هم آل و أما غيرهم هل يدخلون تحت لفظ الآل فمختلف فيه فثبت على جميع التقديرات أنهم آل محمد صلى الله عليه و آله.

وَ رَوَى صَاحِبُ الْكَشَّافِ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَهُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتُكَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ وَجَبَتْ عَلَيْنَا مَوَدَّتُهُمْ فَقَالَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابْنَاهُمَا (۲).

ص: ۲۳۳

۱- يوجد فى الكشّاف ۴: ۱۷۳.

۲- تفسير الكشّاف ۴: ۱۷۲.

فثبت أن هؤلاء الأربعه أقارب النبى صلى الله عليه و آله و إذا ثبت هذا وجب أن يكونوا مخصوصين بمزيد التعظيم و يدل عليه وجوه:

الأول قوله تعالى إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى و وجه الاستدلال به ما سبق الثانى لما ثبت أن النبى صلى الله عليه و آله كان يحب (۱) فاطمه

قَالَ صلى الله عليه و آله فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّی يُؤْذِينِی مَا يُؤْذِيهَا.

و ثبت بالنقل المتواتر عن محمد صلى الله عليه و آله أنه كان يحب عليا و الحسن و الحسين عليهم السلام و إذا ثبت ذلك وجب على كل الأمه مثله لقوله تعالى فاتبعوه لعلكم تفلحون (۲) و لقوله تعالى فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ (۳) و لقوله قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ (۴) و لقوله سبحانه لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كانَ يَرْجُوا اللَّهَ (۵).

الثالث أن الدعاء للآل منصب عظيم و لذلك جعل هذا الدعاء خاتمه التشهد فى الصلوات و هو قوله اللهم صل على محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد و هذا التعظيم لم يوجد فى حق غير الآل فكل ذلك يدل على أن حب آل محمد واجب.

و قال الشافعی.

يا راكبا قف بالمحصب من منى***و اهتف بساكن خيفها و الناهض

ص: ۲۳۴

۱- و لم يكن حبّه صلّى اللّه عليه و آله لها و لعلى عليه السلام و ابنيه حبا طبيعيا كحب الآباء الابناء و الاصهار، بل كان حبا ناشئا عن ميز خلقى و مزيه شرعى فيهم، و يكشف عن ذلك انه صلّى اللّه عليه و آله اطلق فى حقّ فاطمه عليها السلام قوله، انه يؤذيه ما يؤذيها، و قوله فى حقّ علیّ عليه السلام: اللّهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، و انصر من نصره و اخذل من خذله. و غير ذلك ممّا ورد فى حقهم عليهم السلام.

۲- لم نجدها فى المصحف الشريف بهذا اللفظ و الموجود فى سوره الأعراف: ۱۵۸: وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

۳- النور: ۶۳.

۴- آل عمران: ۳۱.

۵- الأحزاب: ۲۱.

سحرا إذا فاض الحجیج إلی منی***فیضا کملتطم الفرات الفائض

إن کان رفضا حب آل محمد***فلیشهد الثقلان إنی رافضی

انتهی (۱).

وَ قَالَ صَاحِبُ الْکَشَّافِ زَائِداً عَلَی مَا نَقَلَهُ عَنْهُ الرَّازِیُّ رُوِیَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: شَکَوْتُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَسَدَ النَّاسِ لِی فَقَالَ أَ مَا تَرْضَی أَنْ تَکُونَ رَابِعَ أَرْبَعَهٍ أَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ الْجَنَّهَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ أَزْوَاجُنَا عَنْ أَیْمَانِنَا وَ شَمَائِلِنَا وَ ذُرِّیَّاتُنَا خَلْفَ أَزْوَاجِنَا.

وَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله حُرِّمَتِ الْجَنَّهُ عَلَی مَنْ ظَلَمَ أَهْلَ بَیْتِی وَ آذَانِی فِی عِتْرَتِی وَ مَنِ اصْطَنَعَ صَنِیعَهً إِلَی أَحَدٍ مِنْ وُلْدِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ لَمْ یُجَازِهِ عَلَیْهَا فَأَنَا أُجَازِیهِ عَلَیْهَا غَداً إِذَا لَقِیَنِی یَوْمَ الْقِیَامَهِ.

وَ رُوِیَ أَنَّ الْأَنْصَارَ قَالُوا فَعَلْنَا وَ فَعَلْنَا کَأَنَّهُمُ افْتَخَرُوا فَقَالَ عَبَّاسٌ أَوِ ابْنُ عَبَّاسٍ لَنَا الْفَضْلُ عَلَیْکُمْ فَبَلَغَ ذَلِکَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَتَاهُمْ فِی مَجَالِسِهِمْ فَقَالَ یَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ أَ لَمْ تَکُونُوا أَذِلَّهً فَأَعَزَّکُمُ اللَّهُ بِی قَالُوا بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَ لَمْ تَکُونُوا ضُلَّالًا فَهَدَاکُمُ اللَّهُ بِی قَالُوا بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَ فَلَا تُجِیبُونِی قَالُوا مَا نَقُولُ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَ لَا تَقُولُونَ أَ لَمْ یُخْرِجْکَ قَوْمُکَ فَآوَیْنَاکَ أَ وَ لَمْ یُکَذِّبُوکَ فَصَدَّقْنَاکَ أَ وَ لَمْ یَخْذُلُوکَ فَنَصَرْنَاکَ قَالَ فَمَا زَالَ یَقُولُ حَتَّی جَثَوْا عَلَی الرُّکَبِ وَ قَالُوا أَمْوَالُنَا وَ مَا فِی أَیْدِینَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ فَنَزَلَتِ الْآیَهُ.

و قال فی قوله تعالی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً عن السدی أنها الموده فی آل رسول الله صلی الله علیه و آله نزلت فی أبی بکر الصدیق و مودته فیهم و الظاهر العموم فی أی حسنه کانت إلا أنها لما ذکرت عقیب ذکر الموده فی القربی دل ذلک علی أنها تناولت الموده تناولا أولیا کان سائر الحسنات لها توابع انتهی کلامه زاد الله فی انتقامه. (۲)

۱- مفاتیح الغیب ۷:

۲- تفسیر الکشّاف ۴: ۱۷۲ و ۱۷۳.

و لقد أحسن معونه إمامه حيث ذكر بعد الأخبار المستفيضه المتفق عليها بين الفريقين الداله على كفر إماميه و شقاوتهما ما يدل على براءته متفردا بذلك النقل و لا يخفى على المنصف ظهور مودته و موده صاحبه لأهل البيت عليهم السلام فى حياه رسول الله صلى الله عليه و آله و بعد وفاته لا سيما فى أمر فدك و قتل فاطمه و ولدها صلى الله عليه و آله و تسليط بنى أميه عليهم و ما جرى من الظلم بسببهما عليهم إلى ظهور صاحب العصر و لن يصلح العطار ما أفسد الدهر.

**[ترجمه]مرحوم طبرسی درباره آیه «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا» از ابن عباس نقل می کند که مردم پیامبر را بابت زیاد زن گرفتن سرزنش کردند و گفتند: اگر او پیامبر بود، مقام نبوت او را مانع از ازدواج با زنان می شد. این آیه برای همان نازل شد. و روایت شده که حضرت صادق علیه السّلام پس از خواندن همین آیه، به سینه خود اشاره کرد و فرمود: به خدا قسم ما ذریه پیغمبریم صلی اللّٰه علیه و آله. -. مجمع البیان ۶ : ۲۹۷ -

طبرسی درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً» گفته است که در معنی این آیه اختلاف شده. یکی اینکه درباره تبلیغ رسالت، اجر و مزدی را به جز محبت و دوستی متقابل در مسائلی که موجب قرب و نزدیکی به خدا می شود درخواست نمی کنم.

دوم اینکه معنی آیه این است که جز اینکه مرا در خویشاوندی من با شما دوست بدارید و مرا حفظ کنید برای همین قرابت، در این صورت خطاب به قریش تنها خواهد بود.

سوم اینکه جز اینکه دوست بدارید خویشاوندان و عترتم را و حفظ مقام مرا نسبت به عترتم بکنید، از زین العابدین و سعید بن جبیر و عمرو بن شعیب و جماعتی نقل شده و همین معنی از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نیز نقل گردیده. و سید ابوالحمد از حاکم حسکانی از ابن عباس نقل شده که گفت: وقتی آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً» تا آخر آیه نازل شد، گفتند: یا رسول اللّٰه! این خویشاوندان کیانند که ما مأمور به مودت آن‌ها هستیم؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندانشان. سید ابوالحمد از ابوالقاسم به اسناد مذکور در کتاب شواهد التنزیل، سند را به ابو امامه باهلی می رساند که گفت: پیامبر اکرم فرمود: خداوند انبیا را از درخت های مختلف آفرید، من و علی از یک درخت آفریده شدیم؛ من ریشه آن درخت و علی شاخه آن است و حسن و حسین میوه‌های آن و پیروان ما برگ‌های آن هستند. هر که به یک شاخه از شاخه های آن آویزان شود، نجات می یابد و هر که توجه ننماید، گمراه می‌شود. اگر بنده ای خدا را بین صفا و مروه هزار سال و سپس هزار سال و سپس هزار سال پرستش کند تا مانند مشک پوسیده شود اما محبت ما را درک نکرده باشد، خداوند او را به صورت در آتش می‌اندازد. بعد این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى.» زاذان از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: درباره ما آیه ای در سوره آل حم است که محبت ما را کسی حفظ نمی‌کند، مگر هر مؤمنی. بعد همین آیه را خواند و کمیت نیز در شعر خود به همین معنی اشاره کرده است:

در سوره آل حم آیه‌ای یافتیم برای شما که هر مؤمن پرهیزگار از ما که از ترس، مذهب خود را مخفی می دارد

و کسی که موقعیت به او اجازه آشکار نمودن مذهبش را داده، این آیه را تفسیر کرده و معنی واقعی آن را می داند. بالاخره در هر صورت راجع به مودت دو نظر است: یکی اینکه استثنای منقطع باشد، زیرا علاقه و ارادت به ائمه علیهم السّلام به وسیله دین و اسلام واجب می شود، پس دیگر پاداش رسالت نخواهد بود. نظر دوم اینکه استثنای متصل است و معنی این است که

اجری از شـما درخواست ندارم جز این، و به همین راضی شدم که پاداش باشد. چنان چه تو از دیگری حاجتی درخواستی می کنی، او به جـای برآوردن حـاجت تو یک نیکی درباره ات انجام می دهـد، به او می‌گویی من همین نیکی تو را در حق من به جـای قضای حاجتم قرار می دهم. بنابراین می توانـد معنی آیه چنین باشـد که پاداشـی در مقابل رسالت نمی خواهم جز این و نفع آن به خود شما برگشت دارد، پس مثل این است که من پاداشی از شما نخواسته ام.

ابو حمزه ثمالی در تفسـیر خود از ابن عباس نقل می کنـد که وقتی پیامبر اکرم به مـدینه آمـد و اسـلام را محکم کرد، انصار با یکـدیگر گفتنـد: وقتی پیامبر اکرم وارد شد به ایشان عرض می‌کنیم که اموال ما در اختیار تو است، اگر پیشامدی برای تو شد، هر چه می‌خواهی بدون مانع و محظوری اسـتفاده کن. این مطلب را عرض کردند و آیه «قُلْ لا أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» نـازل شـد. آیه را برای آنهـا خوانـد و فرمود: خویشاونـدان مرا پس از من دوست خواهیـد داشت. پس انصـار با تسـلیم نسـبت به فرمـان پیـامبر خـارج شدنـد. منافقـان گفتنـد: این مطلب را از خود ساخته تا ما را نسبت به خویشاونـدان خود بعـد از خودش، خوار و کوچک کنـد. این آیه نازل شد: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً» {آیا می گویند بر خدا دروغی بسـته است} از پی آنها فرسـتاد و برایشان خواند. پس گریه کردند و خیلی ناراحت شدند. بعد این آیه نازل شد: «وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ» {و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می پذیرد} تا آخر آیه. از پی ایشان فرستاد و به آنها بشارت داد و فرمود: «وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا» – . شوری / ۲۴ – ۲۵ –

{و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده اجابت می کند} و آنها کسانی هسـتند که تسلیم فرمان پیامبر شدند. سپس خداوند فرمود: «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَـنَهً نَزِدْ لَهُ فِیهـا حُسْـناً»، یعنی هر کس فرمـانبرداری کنـد، برایش در این فرمـانبرداری اضافه پاداش می دهیم به اینکه به او ثواب را واجب می کنیم.

ابو حمزه ثمالی از سـدی نقل می کند که گفت: معنی «إقتراف الحسـنه» مودت به آل محمد است. و این روایت ثابت شده که حسن بن علی علیهمـا السّـلام در ضـمن سـخنرانی خـود فرمـود: من از آن خـانواده ای هسـتم که خداونـد مودت آنهـا را بر هر مسلمانی واجب نموده. سپس فرموده است: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً.» و «إقتراف الحسـنه» مودت ما اهل بیت است. اسـماعیل بن عبدالخالق از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: این آیه درباره ما اهل بیت اصحاب کساء نازل شده است. (پایان گفتار طبری صاحب مجمع البیان) – . مجمع البیان ۹ : ۲۸ – ۲۹ –

علامه در کتاب کشف الحق گفته است که جمهور در صـحیحین و احمـد بن حنبل نیز در مسـند خود و ثعلبی در تفسـیرش از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: وقتی آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ» نازل شد، گفتند: یا رسول اللَّه! خویشاوندان شما که مودت آنها بر ما واجب شده، کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان و وجوب مودت، مستلزم وجوب اطاعت است. (پایان نقل قول) – . احقاق الحق: ۳ –

و بیضـاوی گفته است: «قُـلْ لاـ أَسْـئَلُکُمْ عَلَیْهِ» از شـما در مقابل تبلیغ و بشارتی که داده ام، «أَجْراً» سودی از شـما «إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» که دوست بدارید مرا به خاطر خویشاوندی من با شـما یا خویشاوندان مرا دوست بدارید. و بعضـی گفته اند که استثناء منقطع است و معنی این است که هرگز از شـما پاداشـی نمی خواهم، ولی درخواست مودت را دارم و «فِی الْقُرْبی» حـال از آن است.

روایت شـده که وقتی این آیه نازل شـد، گفته شد: یا رسول اللَّه! خویشاوندان شـما کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آن دو. سپس فرمود: «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً» یعنی و هر کس اطاعتی را کسب کند، خصوصا محبت آل پیامبر را. - . انوار التنزیل ۲ : ۳۹۷ -

رازی در تفسیر کبیر خود گفته است که کلبی از ابن عباس نقل کرد که گفت: وقتی پیامبر اکرم وارد مدینه شد، برایش گرفتاری‌های و حقوقی پیش می آمد، در حالی که قدرت مالی نداشت. انصار گفتند: خدا شما را به دست این مرد هدایت کرد، در حالی که او خواهرزاده شما و همسایه شما در شهرتان است. پس مقداری از اموال خود را برای او جمع کنید و این کار کردند. سپس آن را نزد او آوردند. پس پیامبر به آن را ایشان برگرداند و این آیه نازل شد: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً»، یعنی بر ایمان آوردن جز اینکه خویشاوندان مرا دوست بدارید، مردم را تشویق به دوستی خانواده خود نمود. سپس گفت: صاحب کشاف - . تفسیر کشاف ۴ : ۱۷۳ - از پیامبر اکرم نقل کرده است که فرمود: هر کس بر محبت آل محمّد از دنیا برود، شهید مرده است. بدانید هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد آمرزیده است. بدانید هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد با توبه از دنیا رفته. بدانید و هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، با ایمان کامل از دنیا رفته. بدانید و هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، ملک الموت به او بشارت بهشت می دهد، بعد از او منکر و نکیر. بدانید و هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، او را به بهشت می برند، مانند عروسی که به خانه شوهرش می رود. بدانید و هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، دو در برای او در قبرش به بهشت گشوده می شود. بدانید هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، خداوند قبر او را جایگاه زیارت ملائکه رحمت قرار می دهد. بدانید هر کس بر محبت آل محمّد بمیرد، بر سنت پیامبر و جماعت مرده. بدانید هر کس با کینه آل محمّد بمیرد، روز قیامت که می آید بر پیشانی او نوشته شده است: «مأیوس از رحمت خداست.» بدانید هر کس بر بغض آل محمّد بمیرد، کافر از دنیا رفته است. بدانید هر کس بر بغض آل محمّد بمیرد، بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد.

این‌ها مطالبی بود که صاحب کشاف نقل کرد و من می گویم آل محمّد کسانی هستند که نسبتشان به پیامبر اکرم بازمی‌گردد. کسانی که نسبتشان به پیغمبر شدیدتر و کامل‌تر باشد، ایشان آل هستند. و شکی نیست در اینکه فاطمه و علی و حسن و حسین انتسابشان به پیامبر بسیار زیاد بود. این مطلبی آشکار و متواتر است. پس ثابت شد که آنها آل پیامبرند. و نیز مردم در معنی «آل» اختلاف کرده اند. پس گفته شده که آنها خویشاوندان هستند. و گفته شده که آنها امت او هستند. اگر آل را بر خویشاوندان حمل کنیم، باز ایشان آل هستند و اگر آن را بر امتی که دعوت پیامبر را پذیرفته‌اند، حمل کنیم، آنها نیز آل هستند. پس ثابت شد که بنا بر همه فرض‌ها، آنها آل هستند. اما اینکه آیا دیگران مشمول لفظ آل می شوند یا نه؟ این مسأله اختلافی است. پس این مطلب ثابت شد که در هر صورت آنها آل محمّدند. صاحب کشاف روایت کرده که چون این آیه نازل شد، عرض کردند: یا رسول اللَّه! این خویشاوندان شما که مودتشان بر ما واجب شده، کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان. - . تفسیر کشاف ۴ : ۱۷۲ -

پس ثابت شد که این چهار نفر خویشاوندان پیامبرند. وقتی این ثابت شود، لازم می آید که این ها امتیاز احترام بیشتری داشته باشند و بر این مطلب وجوهی دلالت می‌کند: اول آیه «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»، کیفیت استدلال به این آیه گذشت.

دوم وقتی ثابت شد که پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله فاطمه زهرا را دوست می‌داشت و فرمود: «فاطمه پاره تن من است، مرا

اذیت می کنـد آنچه او را اذیت کنـد.» و با نقل متواتر از محمـد صلّی اللّه علیه و آله ثابت شد که او علی و حسن و حسـین را دوست می‌داشت و وقتی این ثـابت شـد، بر تمـام امت نیز مثل همین واجب می شود، به دلیل آیه «فَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» – . با ایـن لفـظ در قرآن آن را نیـافتیم و آنچـه کـه در قرآن اسـت ایـن آیه است: «وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف / ۱۵۸) – و آیه «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ» – . نور / ۶۳ –

{پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند بترسند.} و آیه «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» – . آل عمران / ۳۱ –

{بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوسـتتان بدارد.} و آیه «لَقَدْ كانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كـانَ يَرْجُوا اللَّهَ» – . احزاب / ۲۱ – {قطعا برای شـما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشـقی نیکوست برای آن کس که به خدا امید دارد.}

سوم دعا برای آل پیامبر مقام عظیمی است و به همین جهت این دعا را در آخر تشهد نمازها قرار داده که این است: «اللّهم صلّ علی محمّـد و آل محمّـد و ارحم محمّدا و آل محمّد» این مقام در حق غیر آل نیست. تمام این‌ها دلیل است که محبت خاندان پیامبر واجب است.

شافعی گفته است:

ای سواره در محصب (مکان جمع کردن سـنگ ریزه برای رمی جمرات) از منی بایست و بر ساکن و ایستاده در مسجد خیفش فریاد بزن

در سحر هنگامی که حاجیان حرکت می کنند به سوی منی حرکتی مانند تلاطم فرات خروشان:

اگر دوستی آل محمّد رفض و ترک دین است پس جن و انس گواه هستند که من رافضی هستم؟ (پایان نقل قول)

صـاحب کشـاف علاـوه بر آنچه رازی از او نقـل می کنـد، گفته است: از علی علیه السّـلام روایت شـده که فرمود: به حضـرت رسول شـکایت کردم که مردم نسـبت به من حسادت می کنند. فرمود: راضی نیستی از اینکه چهارمی این چهار نفر باشی؟ اول کسـی که وارد بهشت می شود من و تو و حسن و حسـین هستیم، همسـران ما از طرف راست و چپ ما هسـتند و ذریه ما پشت سر همسران ما قرار دارند.

از پیامبر اکرم نقل شـده که فرمود: بهشت حرام شـده است بر هر کسـی که بر اهل بیت من سـتم روا دارد و مرا در مورد عترتم بیازارد. هر کس یک نیکی به اولاد عبـدالمطلب بنمایـد و پاداش آن را به او نـداد، من فردا پاداش او را می دهم، وقتی که مرا در روز قیامت ملاقات نماید.

روایت شـده که انصار گفتنـد: ما چنین و چنان کردیم، گویا افتخار کردنـد. عباس یا ابن عباس گفت: ما بر شـما برتری داریم. این خبر به پیـامبر اکرم صـلی اللّه علیه و آله رسـید. پس به مجلس انصـار وارد شـد و به آنها فرمود: ای انصار! مگر شـما خوار نبودید که خداوند به وسـیله من به شما عزت بخشید؟ گفتند: آری یا رسول الله! فرمود: مگر گمراه نبودید که خدا به وسیله من

شما را هـدایت کرد؟ گفتند: آری یا رسول اللّٰه! فرمود: شـما چرا جواب مرا نمی‌دهید؟ عرض کردند: چه بگوییم یا رسول الله؟ فرمود: آیا نمی‌گوییـد قومت تو را از خانه بیرون نکردنـد و ما پناهت دادیم یا آیا آنها تو را تکـذیب نکردند و ما تو را تصدیق نمودیم؟ یـا آنهـا تو را خوار ننمودنـد و مـا یـاری ات کردیم؟ گفت: پیوسـته از همین سـخنان می فرمود تا اینکه انصار از جای جستند و بر زانو نشستند و گفتند: یا رسول اللّٰه! اموال و هر چه داریم برای خدا و پیامبر است. پس این آیه نازل شد.

دربـاره آیه «وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً» از سـدی نقل می کنـد: آن حسـنه که در آیه فرمود، مودت با آل پیامبر است. این آیه درباره ابوبکر صـدیق و علاـقه او به آل پیـامبر نـازل گردیـد. ظـاهر آیه شامـل عموم در هر حسـنه‌ای می شود، اما چون پس از مودت درباره اولاد پیامبر ذکر شده، دلالت می کند که در درجه اول این حسنه مودت را شامل می‌شود، گویا سایر کارهای نیک تابع آن هستند. سخنان این مرد تمام شد خدا انتقامش را زیاد کند درباره او. - . تفسیر کشاف ۴ : ۱۷۲ - ۱۷۳ -

از پیشـوای خود خوب دفـاع کرد، زیرا پس از اخبـار زیـادی که بین شـیعه و اهـل سـنت اجمـاعی است و بر کفر و شـقاوت دو پیشوای او دلالت دارد، سخنی را نقل کرد که دلیل بر برائت اوست، اما این روایت را فقط او نقل کرده است. و بر هیچ منصفی پوشـیده نیست ظهور مودت او و رفیقش نسبت به اهل بیت پیامبر در زمان حیات پیامبر و بعـد از وفات آن جناب، خصوصا در جریان فدك و کشـتن فاطمه زهرا و فرزندش و مسلط کردن بنی امیه بر آنها و آن ظلمی که به سبب این دو بر ایشان وارد شد، تـا ظهور صاحب الزمان علیه السـلام «و لن یصـلح العطار ما افسـد الـدهر»، و عطار هرگز اصـلاح نمی‌کنـد آنچه را که روزگار فاسدش کرده است.

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

فس، تفسـیر القمی فِی رِوَایَةِ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ وَ ذَلِکَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَأَلَ قَوْمَهُ أَنْ یَوَدُّوا أَقَارِبَهُ وَ لَا یُؤْذُوهُمْ وَ أَمَّا قَوْلُهُ فَهُوَ لَکُمْ یَقُولُ ثَوَابُهُ لَکُمْ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ» - . سبأ / ۴۷ - {بگو هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان} نقل کرد که پیامبر اکرم از امتش خواسته بود که خویشاوندانش را دوست بدارنـد و آنها را اذیت نکنند، اما کلامش «فَهُوَ لَکُمْ» می گوید ثواب آن برای شـما است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۴۱ -

**[ترجمه]

بیان

قال البیضاوی قُلْ ما سَأَلْتُکَمْ مِنْ أَجْرٍ أی شی ء سألتکم من أجر الرساله (۲) فَهُوَ لَکَمْ و المراد نفی السؤال فإنه جعل التنبی مستلزما لأحد الأمرین إما الجنون و إما توقع نفع دنیوی علیه لأنه إما أن یکون لغرض أو غیره و أیا ما کان یلزم أحدهما ثم نفی کلا منها و قیل ما موصوله مرادا بها ما سألهم بقوله ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلًا و قوله لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی و اتخاذ السبیل ینفعهم و قرباه قرباهم (۳).

**[ترجمه]بیضاوی درباره «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ» گفته است: یعنی اگر چیزی در مقابل رسالت خود از شما خواستم، مال خودتان باشد. یعنی هیچ چیز از شما تقاضا نکردم، زیرا او پیامبری را مستلزم یکی از دو چیز دانسته: یا جنون یا توقع نفع دنیوی بر رسالت. چون چنین کاری یا از غرض و هدفی سر چشمه می گیرد یا بدون هدف است و هر کدام که باشد، مستلزم یکی از این دو است. بعد هر دو را نفی می کند. بعضی گفته اند «ما» موصوله است و منظور از آن این است که آنچه از ایشان درخواست کرده با آیه «ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلًا» - . فرقان / ۵۷ -

{بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.} و آیه «لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»، و در پیش گرفتن راه به نفع آنها است و خویشاوندان پیامبر، خویشاوندان آنها هستند. - . انوار التنزیل ۲ : ۲۹۴ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، قرب الإسناد الطَّیَالِسِیُّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِلْأَحْوَلِ أَتَیْتَ الْبَصْرَهَ قَالَ نَعَمْ قَالَ کَیْفَ رَأَیْتَ مُسَارَعَهَ النَّاسِ فِی هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولَهُمْ فِیهِ فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنَّهُمْ لَقَلِیلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا ذَلِکَ وَ إِنَّ ذَلِکَ لَقَلِیلٌ فَقَالَ عَلَیْکَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَی کُلِّ خَیْرٍ قَالَ مَا یَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَهِ فِی هَذِهِ الْآیَهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّهُمْ

۱- تفسیر القمّیّ: ۵۴۱.

۲- فی نسخه: علی الرساله.

۳- أنوار التنزیل ۲: ۲۹۴.

يَقُولُونَ إِنَّهَا لِقَرَابَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ (۱).

قب، المناقب لابن شهرآشوب عن إسماعيل مثله (۲)

كا، الكافي محمد بن يحيى عن ابن عيسى عن علي بن الحكم عن ابن عبد الخالق مثله (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: اسماعيل بن عبدالخالق گفت: حضرت صادق عليه السلام به احول فرمود: آيا به بصره آمده اى؟ جواب داد آرى. فرمود: چگونه يافتى سرعت گرفتن مردم درباره امامت و داخل شدنشان در آن را؟ گفت: به خدا قسم ايشان گروهى اندكند كه اين كار را كرده اند، اما آن اندك است. فرمود: توجه به جوانان داشته باش كه ايشان در كارهاى نيك شتاب بيشترى دارند. فرمود: عقيده اهل بصره در مورد اين آيه چيست «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»؟ جواب داد: فدايت شوم! آنها مى گويند مخصوص خويشاوندان و اهل بيت پيامبر است. فرمود: درباره ما اهل بيت نازل شده، حسن و حسين و على و فاطمه همان اصحاب كساء عليهم السّلام. - . قرب الاسناد: ۶۰ - ۶۱ -

مناقب ابن شهر آشوب: از اسماعيل همين روايت را نقل كرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب -

روضه كافى: از ابن عبدالخالق همين روايت را نقل كرده است. - . روضه كافى: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، قرب الإسناد هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرٌ عَنْ آبَائِهِ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ فَرَضَ لِي عَلَيْكُمْ فَرْضاً فَهَلْ أَنْتُمْ مُؤَدُّوهُ قَالَ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَانْصَرَفَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ قَامَ فِيهِمْ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ فَلَمْ يَتَكَلَّمْ أَحَدٌ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَا مَطْعَمٍ وَ لَا مَشْرَبٍ قَالُوا فَأَلْقِهِ إِذاً قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى فَقَالُوا أَمَّا هَذِهِ فَنَعَمْ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَوَ اللَّهِ مَا وَفَى بِهَا إِلَّا سَبْعَةُ نَفَرٍ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ عَمَّارٌ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْكِنْدِيُّ وَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَ مَوْلًى لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يُقَالُ لَهُ الثُّبَيْتُ وَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: ابن صدقه گفت: حضرت صادق از آباء گرام خود براى ما نقل كرد كه وقتى اين آيه بر پيامبر نازل شد: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»، پيامبر اكرم برخاست و فرمود: اى مردم! خداوند براى من چيزى را بر شما واجب كرده است، آيا آن را به جا مى‌آوريد؟ فرمود: كسى جوابش را نداد. پيامبر اكرم رفت. فردا دو مرتبه ميان ايشان ايستاد و حرف روز قبل را تكرار نمود. روز سوم نيز همين كار را تكرار كرد، هيچ كس جواب نداد. آنگاه فرمود: اى مردم! آنچه براى من واجب شد از جنس طلا و نقره نيست و نه خوراكى و آشاميدنى است. گفتند: بفرماييد چيست. فرمود: خداوند اين

آیه را بر من نازل نموده: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى.» گفتند: این را قبول داریم. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: به خدا قسم راجع به این تعهد هیچ کدام وفا نکردند، مگر هفت نفر: سلمان، ابوذر، عمار، مقداد بن اسود کندی، جابر بن عبداللّه انصاری، غلام پیامبر که ثبیت نام داشت و زید بن ارقم. - . قرب الاسناد: ۳۸ -

**[ترجمه]

«۴»

ختص، الإختصاص جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ اللَّيْثِيِّ عَنْهُ علیه السلام مِثْلَهُ (۵).

**[ترجمه]اختصاص: ابوالحسن لیثی از امام صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . اختصاص: ۶۳ -

**[ترجمه]

«۵»

فس، تفسیر القمی أَبِی عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ

۱- قرب الإسناد: ۶۰ و ۶۱.

۲- مناقب آل أبی طالب.

۳- روضه الکافی: ۹۳. فیه: قلت: جعلت فداك انهم یقولون: انها لاقارب رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله، فقال: كذبوا انما نزلت فینا خاصّه فی أهل البیت فی علی و فاطمه و الحسن و الحسین أصحاب الكساء علیهم السلام.

۴- قرب الإسناد: ۳۸.

۵- الاختصاص: ۶۳.

أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکَمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی یَعْنِی فِی أَهْلِ بَیْتِهِ قَالَ جَاءَتِ الْأَنْصَارُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالُوا إِنَّا قَدْ آوَیْنَا وَ نَصَرْنَا فَخُذْ طَائِفَهً مِنْ أَمْوَالِنَا فَاسْتَعِنْ بِهَا عَلَی مَا نَابَکَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً یَعْنِی عَلَی النُّبُوَّهِ إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی یَعْنِی فِی أَهْلِ بَیْتِهِ ثُمَّ قَالَ أَ لَا تَرَی أَنَّ الرَّجُلَ یَکُونُ لَهُ صَدِیقٌ وَ فِی نَفْسِ ذَلِکَ الرَّجُلِ شَیْ ءٌ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ فَلَا یَسْلَمُ صَدْرُهُ فَأَرَادَ اللَّهُ أَنْ لَا یَکُونَ فِی نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله شَیْ ءٌ عَلَی أُمَّتِهِ فَفَرَضَ عَلَیْهِمُ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبَی فَإِنْ أَخَذُوا أَخَذُوا مَفْرُوضاً وَ إِنْ تَرَکُوا تَرَکُوا مَفْرُوضاً قَالَ فَانْصَرَفُوا مِنْ عِنْدِهِ وَ بَعْضُهُمْ یَقُولُ عَرَضْنَا عَلَیْهِ أَمْوَالَنَا فَقَالَ قَاتِلُوا عَنْ أَهْلِ بَیْتِی مِنْ بَعْدِی وَ قَالَتْ طَائِفَهٌ مَا قَالَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ جَحَدُوهُ وَ قَالُوا کَمَا حَکَی اللَّهُ أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَی فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ قَالَ لَو افْتَرَیْتُ وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ یَعْنِی یُبْطِلُهُ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ یَعْنِی بِالْأَئِمَّهِ وَ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ ثُمَّ قَالَ وَ هُوَ الَّذِی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ إِلَی قَوْلِهِ وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ یَعْنِی الَّذِینَ قَالُوا الْقَوْلُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ قَالَ وَ الْکافِرُونَ لَهُمْ عَذابٌ شَدِیدٌ (۱) وَ قَالَ أَیْضاً قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ أَجْرُ النُّبُوَّهِ أَنْ لَا تُؤْذُوهُمْ وَ لَا تَقْطَعُوهُمْ وَ لَا تُغْضِبُوهُمْ (۲) وَ تَصِلُوهُمْ وَ لَا تَنْقُضُوا الْعَهْدَ فِیهِمْ لِقَوْلِهِ وَ الَّذِینَ یَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ (۳) قَالَ جَاءَ الْأَنْصَارُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالُوا إِنَّا قَدْ نَصَرْنَا وَ فَعَلْنَا فَخُذْ مِنْ أَمْوَالِنَا مَا شِئْتَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی یَعْنِی فِی أَهْلِ بَیْتِهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَعْدَ ذَلِکَ مَنْ حَبَسَ أَجِیراً أَجْرَهُ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ لَا یَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ صَرْفاً وَ لَا عَدْلًا وَ هُوَ مَحَبَّهُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۴) ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ یَقْتَرِفْ

۱- الشوری: ۲۴- ۲۶.

۲- فی المصدر: و لا تغصبوهم.

۳- الرعد: ۲۱.

۴- فی نسخه: آل رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله.

حَسَنَةً وَ هِيَ إِقْرَارُ الْإِمَامَهِ لَهُمْ وَ الْإِحْسَانُ إِلَيْهِمْ وَ بِرُّهُمْ وَ صِلَتُهُمْ نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً أَيْ نُكَافِئْ عَلَى ذَلِكَ بِالْإِحْسَانِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: محمّد بن مسلم گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» می فرمود: یعنی درباره اهل بیت پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله. فرمود: انصار خدمت پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله رسیدند و گفتند: ما پناه دادیم و یاری نمودیم، پس مقداری از اموال ما را بگیر و در راه آنچه که برای تو گرفتاری ایجاده کرده، یاری بگیر. خداوند این آیه را نازل نمود: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً»، یعنی بر نبوت «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»، یعنی درباره اهل بیتش. سپس فرمود: مگر نمی‌بینی که شخصی دوستی دارد و در دل او چیزی نسبت به خانواده‌اش است. پس بدون اینکه آن را برای دوستش آشکار کند، سینه‌اش آرام نمی‌شود. خداوند خواست در دل پیامبر چیزی نسبت به امتش باقی نماند. پس مودت به خویشاوندان پیامبر را بر آنها واجب کرد. اگر انجام دهند، واجبی را انجام داده اند و اگر ترک کنند، واجبی را ترک کرده اند. فرمود: از خدمت پیامبر اکرم مرخص شدند. بعضی می گفتند: ما اموال خود را به ایشان تقدیم کردیم، اما پیغمبر فرمودند در پشتیبانی از از اهل بیتم پس از من به جنگ پردازید. گروه دیگری گفتند: این حرف را پیامبر اکرم نفرمود و انکار نکردند، همان حرفی را که خداوند از ایشان حکایت کرده، گفتند «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً.» خداوند فرموده است: «فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلى قَلْبِكَ» گفت اگر افترا ببندی «وَ يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ» یعنی باطل می کند آن را «وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ»، یعنی به وسیله ائمه علیهم السّلام و قائم آل محمّد، «إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» {آیا می گویند بر خدا دروغی بسته است، پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می نهد و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند اوست که به راز دل ها داناست.} سپس فرمود: «وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ» {و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می پذیرد} تا «وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» {و از فضل خویش به آنان زیاده می دهد.} یعنی کسانی که گفتند حرف فرمایش پیامبر است. سپس فرمود: «وَ الْكافِرُونَ لَهُمْ عَذابٌ شَدِيدٌ» -. شوری / ۲۴ - ۲۶ -

{و[لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود.} و نیز فرمود: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى.» فرمود: پاداش و اجر رسالت این است که بستگان پیامبر را نیازارید و با ایشان قطع رابطه ننمایید و خشم نگیرید و با ایشان ارتباط داشته باشید و پیمان خویش را درباره آنها نقض نکنید، به دلیل این آیه «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» -. رعد / ۲۱ - {و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند.} فرمود: انصار خدمت پیامبر اکرم آمدند و گفتند: ما یاری کردیم و وظیفه خویش را انجام دادیم، هر چه مایلی از اموال ما بگیر. خداوند این آیه را نازل نمود: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»، یعنی درباره اهل بیتش. آنگاه پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله بعد از آن فرمود: هر کس اجرت اجیری را نپردازد، لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر او است و خدا هیچ توبه و فدیه‌ای را از او در روز قیامت نخواهد پذیرفت. این همان محبت آل محمّد است. سپس فرموده: «وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً»، منظور از این «حسنه»، اقرار به امامت ایشان و احسان به ایشان و نیکی به آنها و رابطه با آنها است. «نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً» یعنی جزای او را با احسان جبران می‌کنیم. - تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۱ - ۶۰۲ -

**[ترجمه]

بیان

قوله و فی نفس ذلک الرجل شی ء أقول یحتمل وجهین.

الأول أن یکون المراد بالرجل الثانی هو الرجل الأول أی لا یسلم صدره بدون أن یظهر ما فی صدره لأهل بیته عند صدیقه و کان الرسول صلی الله علیه و آله فی صدره أن یکلفهم (۲) بموده أهل بیته و لم یکن یظهر ذلک حیاء فأراد الله تعالی أن لا یکون ذلک فی نفسه فیکون نقصا للأمه فأظهره الله تعالی.

و الثانی أن یکون المراد بالرجل ثانیا الصدیق أی فی نفس الصدیق حقد علی أهل بیته فلم یسلم صدر الرجل للصدیق فأراد أن تطیب نفسه صلی الله علیه و آله علی أمته فکلفهم بذلک و لعل الأول أظهر لفظا و لکن سیأتی ما یؤید الثانی فلا تغفل قوله ما قال هذا رسول الله صلی الله علیه و آله لعل الطائفه غیر السامعین منه صلی الله علیه و آله و فی بعض النسخ قال بدون ما و فی بعضها ما قال هذا إلا رسول الله و علی التقدیرین المعنی أنه قال هذا من عند نفسه.

**[ترجمه]عبارت «و فی نفس ذلک الرجل» می‌گویم: دو وجه درآن است: اول اینکه منظور از «الرجل» دوم همان «الرجل» اول است، یعنی دل او آرام نمی‌شود مگر اینکه آنچه را که در دل نسبت به خانواده اش است در نزد دوستش آشکار کند و در دل رسول خدا هم این بود که آنها را به مودت اهل بیتش مکلف کند، ولی به خاطر حیا آن را اظهار نکرد. پس خدا خواست که آن در دلش نباشد که نقصی بر امتش باشد، لذا آن را اظهار کرد. دوم اینکه منظور از «الرجل» دوم، صدیق باشد، یعنی در دل آن دوست کینه ای نسبت به خانواده اش بود که دل آن مرد نسبت به دوستش آرام نبود، پس خواست که خود را نسبت به امتش آسوده خاطر کند، لذا آنها را به مودت اهل بیتش تکلیف کرد. و شاید اولی از جهت لفظ اظهر باشد، ولی چیزی خواهد آمد که مؤید وجه دوم باشد، پس غفلت نکن. عبارت «ما قال هذا رسول الله» شاید منظور گروهی است که آن را از پیامبر نشنیدند و در بعضی نسخه‌ها «قال» بدون «ما» است و در بعضی نسخه‌ها این گونه آمده: «ما قال هذا الا رسول الله» و بنا بر هر دو تقدیر، معنی این است که این را از جانب خود گفته است.

**[ترجمه]

«۶»

سن، المحاسن أَبِی عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا یُحِبُّ الرَّجُلَ وَ یُبْغِضُ وُلْدَهُ فَأَبَی اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا أَنْ یَجْعَلَ حُبَّنَا مُفْتَرَضاً أَخَذَهُ مَنْ أَخَذَهُ وَ تَرَکَهُ مَنْ تَرَکَهُ وَاجِباً فَقَالَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی (۳).

**[ترجمه]محاسن: محمد بن مسلم گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: همانا شخص مردی را دوست دارد و فرزندش را دشمن می‌دارد. پس خداوند امتناع ورزید، مگر اینکه حب ما را واجب قرار دهد. هر کس آن را گرفت، گرفت و هر کس آن را ترک کرد، واجبی را ترک کرده است. فرمود: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی.» - . محاسن / ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، المحاسن ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَّام بْنِ الْمُسْتَنِیرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فَقَالَ هِیَ وَ اللَّهِ فَرِیضَهٌ مِنَ اللَّهِ عَلَی الْعِبَادِ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فِی أَهْلِ بَیْتِهِ (۴).

ص: ۲۳۹

۱- تفسیر القمّیّ: ۶۰۱ و ۶۰۲ فیه: و هی الإمامه لهم و فیه: نکافئ ذلک بالاحسان.

۲- فی نسخه: إن یکلمهم.

۳- المحاسن: ۱۴۴.

۴- المحاسن: ۱۴۴.

**[ترجمه]محاسن: سلام بن مستنير گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی.» فرمود: این آیه به خدا قسم واجبی است از جانب خدا بر بندگان برای محمّد درباره اهل بیتش. - . محاسن -

**[ترجمه]

«۸»

سن، المحاسن الْهَیْثَمُ بْنُ النَّهْدِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَصَبِیرِ عَنْ حَجَّاجٍ الْخَشَّابِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لِأَبِی جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ مَا یَقُولُ مَنْ عِنْدَکُمْ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فَقَالَ کَانَ الْحَسَنُ الْبَصْرِیُّ یَقُولُ فِی أَقْرِبَائِی مِنَ الْعَرَبِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَکِنِّی أَقُولُ لِقُرَیْشٍ الَّذِینَ عِنْدَنَا هَاهُنَا خَاصَّهً (۱) فَیَقُولُونَ هِیَ لَنَا وَ لَکُمْ عَامَّهً فَأَقُولُ خَبِّرُونِی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله إِذَا نَزَلَتْ بِهِ شَدِیدَهٌ مَنْ خَصَّ بِهَا أَ لَیْسَ إِیَّانَا خَصَّ بِهَا حِینَ أَرَادَ أَنْ یُلَاعِنَ أَهْلَ نَجْرَانَ أَخَذَ بِیَدِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ علیهم السلام وَ یَوْمَ بَدْرٍ قَالَ لِعَلِیٍّ علیه السلام وَ حَمْزَهَ وَ عُبَیْدَهَ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ فَأَبَوْا یُقِرُّونَ لِی أَ فَلَکُمُ الْحُلْوُ وَ لَنَا الْمُرُّ (۲).

**[ترجمه]محاسن: حجاج خشاب گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که درباره آیه شریفه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» به ابو جعفر احول می فرمود: کسانی که نزد شما هستند چه می گویند؟ گفت: حسن بصری می گفت درباره خویشاوندان من از عرب است. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ولی من به قریش می گویم که این آیه اختصاص به کسانی دارد که در اینجا نزد مایند. آنها می گویند هم مال ما است و هم شما. من می گویم به من بگویید وقتی برای پیامبر اکرم پیشامدی می کرد، چه کسی را انتخاب می نمود؟ مگر زمانی که خواست اهل نجران را لعنت کند ما را انتخاب ننمود؟ دست علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را گرفت و برد و در جنگ بدر به علی و حمزه و عبیده بن حارث گفت. فرمود: آنها امتناع کردند که اقرار به نفع من کنند. آیا شیرین برای شماست ولی تلخی برای ما؟ - . محاسن: ۱۴۴ - ۱۴۵ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام الذین عندنا أی نحن نقول لقریش المراد بالقربی الجماعه الذین عندنا أی أهل البیت علیهم السلام خاصه (۳) فیقولون أی قریش قوله فأبوا یقرون لی أی بعد إتمام الحجه علیهم فی ذلک بما ذکرنا أبوا عن قبوله و فی بعض النسخ فأتوا بقرون لهم أی أتوا جمعا من المشرکین و أتوا برءوسهم أو القرون کنایه عن شجعانهم و رؤسائهم.

**[ترجمه]سخن امام «الذین عندنا» یعنی ما به قریش می گوییم، منظور از «قربی»، جماعتی است که نزد ماست، یعنی فقط اهل بیت علیهم السّلام. «فیقولون» یعنی قریش. عبارت «فأبوا یقرّون لی» یعنی پس از اتمام حجت بر آنها درباره آن به آنچه که ذکر کردیم، از پذیرش آن امتناع ورزیدند و در بعضی نسخه‌ها «فأتوا بقرون لهم» است، یعنی پیش جمعی از مشرکین آمدند و

رؤسای خود را آوردند یا «القرون» کنایه از شجاعان و رؤسای آنهاست.

**[ترجمه]

«۹»

سن، المحاسن الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ الْخَزَّازُ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبى فَقَالَ نَعَمْ هُمُ الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ لَا يَأْكُلُونَ الصَّدَقَةَ وَ لَا تَحِلُّ لَهُمْ (۴).

**[ترجمه]محاسن: عبداللَّه بن عجلان گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبى» پرسیدم. فرمود: آری، آنها همان ائمه هستند که از صدقه استفاده نمی کنند و بر آنها حلال نیست. -. محاسن: ۱۴۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْأَوْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِی حَائِطٍ مِنْ حِيطَانِ بَنِی حَارِثَةَ إِذْ جَاءَ جَمَلٌ

ص: ۲۴۰

۱- فی المصدر: (لكنی أقول لقريش الذين عندنا: هی لنا خاصّه) و هو الصحيح.

۲- المحاسن: ۱۴۴ و ۱۴۵. أقول: و لعلّ الصحيح: فابوا يقولون لی: أ فلكم الحلو و لنا المر؟

۳- و المعنى على ما ذكرته من المصدر واضح لا يحتاج الى تجشم.

۴- المحاسن: ۱۴۵ فيه: هم الأئمّه.

أَجْرَبُ أَعْجَفُ حَتَّى سَجَدَ لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قُلْنَا لِجَابِرٍ أَنْتَ رَأَيْتَهُ قَالَ نَعَمْ رَأَيْتُهُ وَاضِعٌ جَبْهَتَهُ (۱) بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ يَا عُمَرُ إِنَّ هَذَا الْجَمَلَ قَدْ سَجَدَ لِي وَ اسْتَجَارَ بِي فَاذْهَبْ فَاشْتَرِهِ وَ أَعْتِقْهُ وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ عَلَيْهِ سَبِيلًا قَالَ فَذَهَبَ عُمَرُ فَاشْتَرَاهُ وَ خَلَّى سَبِيلَهُ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا بَهِيمَةٌ يَسْجُدُ لَكَ فَنَحْنُ أَحَقُّ أَنْ نَسْجُدَ لَكَ سَلْنَا عَلَى مَا جِئْتَنَا بِهِ مِنَ الْهُدَى أَجْراً سَلْنَا عَلَيْهِ عَمَلًا فَقَالَ صلى الله عليه و آله لَوْ كُنْتُ آمُرُ أَحَداً أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا فَقَالَ جَابِرٌ فَوَ اللَّهِ مَا خَرَجْتُ حَتَّى نَزَلَتِ الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جابر گفت: ما در خدمت پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله در یکی از باغهای بنی حارثه بودیم. شتری آمد گر و لاغر تا اینکه بر پیامبر اکرم سر به سجده نهاد. ما به جابر گفتیم: تو دیدی آن را؟ گفت: آری، دیدم که در مقابل پیامبر پیشانی بر زمین نهاده بود. پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله فرمود: عمرا! این شتر برای من سجده نمود و به من پناهنده شد. برو او را خریداری کن و آزادش نما و کسی را بر او مسلط نکن. عمر شتر را خرید و رهایش کرد. سپس خدمت پیامبر اکرم رسید و عرض کرد: این که یک حیوان است برای شما سجده کرد، ما سزاوارتریم که برای تو سجده کنیم. از ما پاداشی بخواه در مقابل هدایتی که برای ما را آوردی، در مقابل آن عملی از ما بخواه. پیامبر اکرم فرمود: اگر بنا بود دستور سجده برای احدی بدهم، دستور می دادم زن برای شوهر خود سجده کند. جابر گفت: به خدا قسم خارج نشدیم تا اینکه این آیه نازل شد: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى.» - . تفسیر فرات: ۱۴۳ - ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ أَخْبَرَنَا شَرِيكٌ عَنْ إِسْحَاقَ قَالَ عَمْرُو بْنُ شُعَيْبٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى قَالَ قَرَابَتُهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: عمرو بن شعیب درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» گفت: منظور خویشاوندان او از اهل بیتش است. - . تفسیر فرات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ خَلَفٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْحُسَيْنِ الْأَشْقَرِ عَنْ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتِ الْآيَةُ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتُكَ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْنَا مَوَدَّتَهُمْ قَالَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ وُلْدُهُمَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَقُولُهَا (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابن عباس گفت: وقتی این آیه نازل شد «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»، گفتم: یا

رسول الله! خویشاوندان شما کیانند که مودت آنها بر ما واجب است؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندانشان. و این سخن را سه مرتبه تکرار کرد. -. تفسیر فرات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۱۳»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِیُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَکِیمٍ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی قَالَ نَزْعُمُ أَنَّهَا قَرَابَهٌ مَا بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُ وَ تَزْعُمُ قُرَیْشٌ أَنَّهَا قَرَابَهُ مَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَهُمْ وَ کَیْفَ یَکُونُ هَذَا وَ قَدْ أَنْبَأَ اللَّهُ أَنَّهُ مَعْصُومٌ (۵).

۱- فی نسخه: «و وضع جبهته» و فی المصدر: واضعا جبهته.

۲- تفسیر فرات: ۱۴۳ و ۱۴۴.

۳- تفسیر فرات: ۱۴۴ فیه: قال: سألت عمرو بن شعیب.

۴- تفسیر فرات: ۱۴۴.

۵- تفسیر فرات: ۱۴۴.

**[ترجمه]تفسیر فرات: عباد بن عبداللّه بن حکیم گفت: خدمت جعفر بن محمّد علیهما السّلام بودم. مردی از این آیه سؤال کرد: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی.» فرمود: ما عقیده داریم که همان خویشاوندی بین ما و آنها است و قریش مدعی است که خویشاوندی بین آنها و پیامبر است. مگر حرف قریش می تواند صحیح باشد، با اینکه خداوند خبر داده که تو را از شر قریش نگه می‌دارم؟ - . تفسیر فرات: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

بیان

کأن المعنی (۱) أنه کیف تکون موده قریش واجبه علی الناس و قد کان فیهم قوم یخاف منهم الرسول فی تبلیغ ما أنزل إلیه حتی أخبر الله أنه معصوم من شرهم فقال وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ (۲).

**[ترجمه]گویا معنی این است که چگونه مودت قریش بر مردم واجب است؟ در حالی که در بین آنها گروهی بودند که پیامبر در تبلیغ آنچه که بر او نازل شده بود، از آنها می‌ترسید، تا اینکه خدا به او خبر داد که از شر ایشان در امان است، و فرمود «وَ اللّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ» - . مائده / ۶۷ -

{و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد.}

**[ترجمه]

«۱۴»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَی بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ الْهَاشِمِیِّ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ سِنَانٍ الْبَاهِلِیِّ عَنْ أَبِی جَرِیحٍ (۳) عَنْ عطا (عَطَاءِ) بْنِ أَبِی رَبَاحٍ قَالَ: قُلْتُ لِفَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَیْنِ أَخْبِرِینِی جُعِلْتُ فِدَاکِ بِحَدِیثٍ أُحَدِّثُ وَ أَحْتَجُّ بِهِ عَلَی النَّاسِ قَالَتْ أَخْبَرَنِی أَبِی أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کَانَ نَازِلًا بِالْمَدِینَهِ وَ أَنَّ مَنْ أَتَاهُ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ کَانُوا یَنْزِلُونَ عَلَیْهِ فَأَرَادَتِ الْأَنْصَارُ أَنْ یَفْرِضُوا لِرَسُولِ اللَّهِ فَرِیضَةً یَسْتَعِینُ بِهَا عَلَی مَنْ أَتَاهُ فَأَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَالُوا قَدْ رَأَیْنَا مَا یَنُوبُکَ مِنَ النَّوَائِبِ وَ إِنَّا أَتَیْنَاکَ لِنَفْرِضَ لَکَ مِنْ أَمْوَالِنَا فَرِیضَةً تَسْتَعِینُ بِهَا عَلَی مَنْ أَتَاکَ قَالَ فَأَطْرَقَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله طَوِیلًا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ إِنِّی لَمْ أُؤْمَرْ أَنْ آخُذَ مِنْکُمْ عَلَی مَا جِئْتُمْ بِهِ شَیْئاً فَانْطَلِقُوا وَ إِنْ أُمِرْتُ بِهِ أَعْلَمْتُکُمْ (۴) قَالَ فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ قَدْ سَمِعَ مَقَالَةَ قَوْمِکَ وَ مَا عَرَضُوا عَلَیْکَ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ (۵) عَلَیْهِمْ فَرِیضَةً قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی فَخَرَجُوا وَ هُمْ یَقُولُونَ مَا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَّا أَنْ یَذِلَّ لَهُ النَّاسُ وَ تَخْضَعَ لَهُ الرِّقَابُ (۶) مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ لِبَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ فَبَعَثَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی عَلِیٍ

۱- او المعنی کیف تکون هذه المزعمه صحیحه و قد أنبأ اللّه ان قرباه معصوم، و اشار بذلک الی قوله تعالی: إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكَمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

۲- المائده: ۶۷.

۳- هکذا فی الکتاب و مصدره، و هو مصحف و الصحیح: «ابن جریج» بالجیم، و هو کنیه لعبد الملک بن عبد العزیز بن جریج الاموی مولاهم المکی.

۴- فی المصدر: فانطلقوا فانی لم اؤمر بشی ء، و ان امرت به اعلمتکم.

۵- فی المصدر: و قد أنزل اللّه.

۶- فی المصدر: الا ان یذل له الأشیاء و یخضع له الرقاب.

بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام أَنِ اصْعَدِ الْمِنْبَرَ وَ ادْعُ النَّاسَ إِلَیْکَ ثُمَّ قُلْ یَا أَیُّهَا النَّاسُ (۱) مَنِ انْتَقَصَ أَجِیراً أَجْرَهُ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ وَ مَنِ انْتَمَی إِلَی غَیْرِ مَوَالِیهِ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ فَمَنِ انْتَفَی مِنْ وَالِدَیْهِ فَلْیَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ قَالَ فَقَامَ رَجُلٌ وَ قَالَ یَا أَبَا الْحَسَنِ مَا لَهُنَّ مِنْ تَأْوِیلٍ فَقَالَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ ثُمَّ أَتَی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَیْلٌ لِقُرَیْشٍ مِنْ تَأْوِیلِهِنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۲) ثُمَّ قَالَ یَا عَلِیُّ انْطَلِقْ فَأَخْبِرْهُمْ أَنِّی أَنَا الْأَجِیرُ الَّذِی أَثْبَتَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُ مِنَ السَّمَاءِ ثُمَّ قَالَ أَنَا وَ أَنْتَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا الْمُؤْمِنِینَ ثُمَّ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا مَعْشَرَ قُرَیْشٍ وَ الْمُهَاجِرِینَ وَ الْأَنْصَارِ فَلَمَّا اجْتَمَعُوا قَالَ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ عَلِیّاً أَوَّلُکُمْ إِیمَاناً بِاللَّهِ وَ أَقْوَمُکُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ أَوْفَاکُمْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَعْلَمُکُمْ بِالْقَضِیَّهِ وَ أَقْسَمُکُمْ بِالسَّوِیَّهِ وَ أَرْحَمُکُمْ بِالرَّعِیَّهِ وَ أَفْضَلُکُمْ عِنْدَ اللَّهِ مَزِیَّهً (۳) ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مَثَّلَ لِی أُمَّتِی فِی الطِّینِ وَ عَلَّمَنِی أَسْمَاءَهُمْ کَمَا عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَیَّ فَمُرَّ بِی أَصْحَابُ الرَّایَاتِ فَاسْتَغْفَرْتُ لِعَلِیٍّ وَ شِیعَتِهِ وَ سَأَلْتُ رَبِّی أَنْ تَسْتَقِیمَ أُمَّتِی عَلَی عَلِیٍّ مِنْ بَعْدِی فَأَبَی إِلَّا أَنْ یُضِلَّ مَنْ یَشَاءُ وَ یَهْدِیَ مَنْ یَشَاءُ ثُمَّ ابْتَدَأَنِی رَبِّی فِی عَلِیٍّ علیه السلام بِسَبْعِ خِصَالٍ أَمَّا أَوَّلُهُنَّ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ مَعِی وَ لَا فَخْرَ وَ أَمَّا الثَّانِیَهُ فَإِنَّهُ یَذُودُ (۴) أَعْدَاءَهُ عَنْ حَوْضِی کَمَا تَذُودُ الرُّعَاهُ غَرِیبَهَ الْإِبِلِ وَ أَمَّا الثَّالِثَهُ فَإِنَّ مِنْ فُقَرَاءِ شِیعَهِ عَلِیٍّ علیه السلام لَیُشَفَّعُ فِی مِثْلِ رَبِیعَهَ وَ مُضَرَ وَ أَمَّا الرَّابِعَهُ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ یَقْرَعُ بَابَ الْجَنَّهِ مَعِی وَ لَا فَخْرَ وَ أَمَّا الْخَامِسَهُ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ یُزَوَّجُ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ مَعِی وَ لَا فَخْرَ وَ أَمَّا السَّادِسَهُ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ یُسْقَی مِنَ الرَّحِیقِ الْمَخْتُومِ خِتامُهُ مِسْکٌ وَ فِی ذلِکَ فَلْیَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ (۵).

۱- فی المصدر: وادع الناس ثمّ قال ایها الناس.

۲- أی قاله ثلاث مرّات.

۳- فی نسخه: و افضلکم عند اللّه حرمه.

۴- أی یطرد اعداءه عن حوضی.

۵- تفسیر فرات: ۱۴۵ و ۱۴۶. أقول: الظاهر ان نسخه المصنّف کانت ناقصه فلم یذکر السابعه، و الموجود فی المصدر: و أمّا السادسه فانه اول من یسکن معی فی علیین و لا فخر، و اما السابعه فانه اول من یسقی من رحیق مختوم اه.

**[ترجمه]تفسیر فرات: عطا بن ابی رباح گفت: به حضرت فاطمه دختر امام حسین علیه السّلام گفتم: فدایت شوم! مرا حدیثی بفرمایید که به مردم بگویم و با آن بر مردم احتجاج کنم. فرمود: پدرم برایم نقل کرد که پیامبر اکرم در مدینه زندگی می کرد. هر یک از مهاجرین که به مدینه مهاجرت می کردند، بر پیغمبر وارد می شدند. انصار تصمیم گرفتند برای پرداخت مخارج کسانی که به خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آمدند، برای پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله از اموال خود سهمی اختصاص دهند. ایشان نزد پیامبر آمدند و گفتند: دیدیم آنچه از گرفتاری‌ها که برای شما پیشامد می‌کند و ما آمده‌ایم که سهمی از اموال خود را به شما بدهیم تا در پرداخت مخارج کسانی که نزد شما آمده‌اند، از آن کمک بگیری. فرمود: پیامبر اکرم مدتی طولانی سر به زیر انداخت. سپس سر برداشت و فرمود: من دستور ندارم در مقابل آنچه برای شما آورده‌ام، از شما چیزی بگیرم. بروید و اگر مأمور به چنین دستوری بودم، به شما اطلاع می‌دادم. فرمود: جبرئیل نازل شده و گفت: یا محمّد! خدای تو سخن قوم تو و آنچه که به تو پیشنهاد کردند را شنید و خدا بر آنها واجبی را نازل نمود. «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی.» آنها از خدمت پیامبر اکرم خارج شدند و می گفتند: پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله اراده نکرد، مگر اینکه تا زمانی که آسمان‌ها و زمین برای فرزندان عبدالمطلب برپاست، مردم برای او خوار باشند و بندگان در برابر او خاضع باشند. فرمود: پیامبر اکرم از پی علی بن ابی طالب علیه السّلام فرستاد و فرمود: بر منبر برو و مردم را به سوی خود دعوت کن. سپس بگو: ای مردم! هر کس اجرت اجیر خود را کم بدهد، پس جایگاه او در آتش است و هر که خود را به غیر موالی خویش نسبت دهد، پس جایگاهش در آتش است و هر که خویش را از پدر و مادر خود نفی نماید، پس جایگاهش در آتش است. فرمود مردی از جای حرکت کرد و گفت: یا ابا الحسن! تأویل و تفسیر این جملات چیست؟ فرمود: خدا و پیامبرش داناترند. آنگاه خدمت پیامبر رسید و جریان را عرض کرد. پیامبر اکرم سه مرتبه فرمود: وای بر قریش از تأویل کردن جملات! سپس فرمود: یا علی! برو به آنها بگو من همان اجیری هستم که خداوند مودت او را از آسمان واجب نموده. سپس فرمود: من و تو مولای مؤمنان هستیم، من و تو پدر مؤمنانیم. آنگاه پیامبر اکرم خارج شد و فرمود: ای گروه قریش و مهاجران و انصار! وقتی اجتماع کردند، فرمود: ای مردم! علی اولین کسی بود که به خدا ایمان آورد و پایدارترین شما نسبت به امر خدا است و وفادارترین شما در مورد پیمان خدا است و داناترین شما در مورد حکومت و از همه شما بهتر مساوات را در تقسیم برقرار کرد و مهربان‌ترین شما به مردم است و مزیتش در نزد خدا از همه بیشتر است. آنگاه فرمود: خداوند تمثال امت مرا در سرشت گل نشانم داد و اسامی آنها را به من تعلیم نمود، همان طور که به آدم اسامی را تعلیم نمود. بعد آنها را بر من عرضه نمود. صاحبان پرچم ها از جلوی من گذشتند. برای علی و شیعیانش استغفار نمودم و از خدا درخواست کردم پس از من، امتم را در راه پیشوایی علی استوار بدارد. خدا قبول نکرد، جز اینکه هر که را خواست گمراه کند و هر که را خواست هدایت فرماید. آنگاه خداوند قبل از اینکه سخنی بگویم، هفت امتیاز درباره علی علیه السّلام اعلام کرد: اول: او اولین کسی است با من که زمین از او جدا می‌شود و فخری نیست. دوم: دشمنان خود را از حوض من دور می کند، چنان چه شتربان شتر ناآشنا را دور می‌نماید. سوم: بعضی از شیعیان فقیر علی، به تعداد قبیله ربیعه و مضر، شفاعت می‌نمایند. چهارم: اولین کسی است که درب بهشت را با من می‌کوبد و فخری نیست. پنجم: اولین کسی است که با من، با حورالعین ازدواج می‌کند و فخری نیست. ششم: اولین کسی است از رحیق مختوم می‌نوشد که پایان آن مشک است و در این راه باید مشتاقان بر یکدیگر پیشی گیرند.

- . تفسیر فرات: ۱۴۵ - ۱۴۶، در مصدر ششم این است: «او اول کسی است که در علیین با من ساکن می شود و فخری نیست.» و هفتم «اولین کسی است از رحیق مختوم می‌نوشد که پایان آن مشک است و در این راه باید مشتاقان بر یکدیگر پیشی گیرند.» -

**[ترجمه]

«۱۵»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَبْدُ السَّلَامِ عَنْ هَارُونَ بْنِ أَبِی بُرْدَهَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ یُوسُفَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْأَسَدِیِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام فِی مَسْجِدِ الْکُوفَهِ فَأَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ بَجِیلَهَ یُکَنَّی أَبَا خَدِیجَهَ وَ مَعَهُ سِتُّونَ رَجُلًا مِنْ بَجِیلَهَ فَسَلَّمَ وَ سَلَّمُوا ثُمَّ جَلَسَ وَ جَلَسُوا ثُمَّ إِنَّ أَبَا خَدِیجَهَ قَالَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَ عِنْدَکَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تُحَدِّثُنَا بِهِ قَالَ نَعَمْ یَا قَنْبَرُ ائْتِنِی بِالْکِتَابَهِ فَفَضَّهَا فَإِذَا هِیَ أَسْفَلُهَا سُلَیْفَهٌ مِثْلُ ذَنَبِ الْفَأْرَهِ مَکْتُوبَهٌ فِیهَا (۱) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِنَّ لَعْنَهَ اللَّهِ وَ مَلَائِکَتِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ عَلَی مَنِ انْتَمَی إِلَی غَیْرِ مَوَالِیهِ وَ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ عَلَی مَنْ أَحْدَثَ فِی الْإِسْلَامِ حَدَثاً أَوْ آوَی مُحْدِثاً وَ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ عَلَی مَنْ ظَلَمَ أَجِیراً (۲) وَ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی مَنْ سَرَقَ شِبْراً مِنَ الْأَرْضِ (۳) وَ حُدُودِهَا یُکَلَّفُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَنْ یَجِیءَ بِذَلِکَ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرَضِینَ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَی النَّاسِ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَوْ کُلِّفَتْ هَذَا دَوَابُّ الْأَرْضِ مَا أَطَاقَتْهُ فَقَالَ لَهُ یَا أَبَا خَدِیجَهَ إِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ مَوَالِی کُلِّ مُسْلِمٍ فَمَنْ تَوَلَّی غَیْرَنَا فَعَلَیْهِ مِثْلُ ذَلِکَ وَ الْأَجِیرُ لَیْسَ بِالدِّینَارِ وَ لَا بِالدِّینَارَیْنِ وَ لَا بِالدِّرْهَمِ وَ لَا بِالدِّرْهَمَیْنِ بَلْ مَنْ ظَلَمَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَجْرَهُ فِی قَرَابَتِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فَمَنْ ظَلَمَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَجْرَهُ فِی قَرَابَتِهِ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابن نباته گفت: در مسجد کوفه خدمت امیرالمؤمنین علیه السّلام نشسته بودم. مردی از قبیله بجیله به نام ابو خدیجه به همراه شصت نفر از قبیله بجیله وارد شد. سلام کرد و سلام کردند. سپس نشست و نشستند. سپس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! آیا سرّی از اسرار پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله در خدمت شما است که برای ما نقل کنی؟ فرمود: آری. ای قنبر! نوشته را برایم بیاور. نوشته را گشود. در پایین آن پوست نازکی بود مانند دم موش که در آن نوشته شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ. لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که خود را به غیر موالیان خویش نسبت دهد، و لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که در اسلام از خود بدعتی گذارد و یا بدعت گذاری را پناه دهد، و لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم بر کسی که بر اجیر ستم روا دارد، و لعنت خدا بر کسی که یک وجب از زمین و اطراف آن را بدزدد، در قیامت وادارش می کنند که آن را از آسمان‌های هفت گانه و زمین‌های هفت گانه بیاورد.» سپس رو به مردم کرد و فرمود: به خدا قسم اگر این تکلیف را بر چهارپایان زمین بکنند، طاقت آن را نخواهند داشت. آنگاه به او فرمود: ای ابو خدیجه! ما اهل بیت پیامبر، موالی هر مسلمانیم، هر که غیر ما را دوست بدارد بر او مانند همین باد. منظور از اجیر کسی نیست که به یک یا دو دینار یا به یک درهم یا دو درهم اجیر باشد، بلکه منظور کسی است که به پیامبر در مورد اجر رسالتش راجع به خویشاوندانش ظلم کند. خداوند فرموده است: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»، هر کس به پیامبر ستم روا دارد، در اجر رسالتش درباره خویشاوندانش، بر او باد لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم. - . تفسیر فرات: ۱۴۶ - ۱۴۷ -

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی السلفه بالضم جلد رقیق یجعل بطانه للخفاف.

**[ترجمه]فیروز آبادی گفته است «السلفه» به ضمه، پوست نازکی است که آستر کفش ها قرار داده می‌شود.

**[ترجمه]

«۱۶»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عُبَیْدُ بْنُ کَثِیرٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْفُرَاتِ الْقَزَّازِ (۵) عَنْ عَامِرِ بْنِ

۱- فی المصدر: فاذا فی اسفلها سلیفه مثل ذنب الفاره مکتوب فیها.

۲- فی المصدر: علی من ظلم اجیرا اجره.

۳- فی المصدر: علی من سرق منار الأرض و حدودها.

۴- تفسیر فرات: ۱۴۶ و ۱۴۷ فیه تصحیفات راجعه.

۵- فی المصدر: یحیی بن الحسن بن فرات الفزاری.

كَثِيرٍ السَّرَّاجِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عليهما السلام وَ هُوَ يَقُولُ نَحْنُ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ فَرْعُهَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام وَ أَغْصَانُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَ ثَمَرَتُهَا (۱) الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ أَنَا شَجَرَةُ النُّبُوَّهِ وَ بَيْتُ الرَّحْمَهِ وَ مِفْتَاحُ الْحِكْمَهِ وَ مَعْدِنُ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعُ الرِّسَالَهِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَهِ وَ مَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ وَ وَدِيعَتُهُ وَ الْأَمَانَهُ الَّتِي عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ وَ حَرَمُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ بَيْتُ اللَّهِ الْعَتِيقُ وَ ذِمَّتُهُ وَ عِنْدَنَا عِلْمُ الْمَنَايَا وَ الْبَلَايَا وَ الْقَضَايَا وَ الْوَصَايَا وَ فَصْلُ الْخِطَابِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ إِنَّ الْأَئِمَّهَ عليهم السلام كَانُوا نُوراً مُشْرِقاً حَوْلَ عَرْشِ رَبِّهِمْ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يُسَبِّحُوا فَسَبَّحَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ لِتَسْبِيحِهِمْ وَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الصَّافُّونَ وَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمُسَبِّحُونَ (۲) فَمَنْ أَوْفَى بِذِمَّتِهِمْ فَقَدْ أَوْفَى بِذِمَّهِ اللَّهِ وَ مَنْ عَرَفَ حَقَّهُمْ فَقَدْ عَرَفَ حَقَّ اللَّهِ هَؤُلَاءِ عِتْرَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُمْ فَقَدْ جَحَدَ حَقَّ اللَّهِ هُمْ وُلَاهُ أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَهُ وَحْيِ اللَّهِ وَ وَرَثَهُ كِتَابِ اللَّهِ وَ هُمُ الْمُصْطَفَوْنَ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ الْأُمَنَاءُ عَلَى وَحْيِ اللَّهِ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّهِ وَ مَفَاضُ الرِّسَالَهِ وَ الْمُسْتَأْنِسُونَ بِخَفْقِ أَجْنِحَهِ الْمَلَائِكَهِ مَنْ كَانَ يغذوهم (۳) (يَغْذُوهُمْ) جَبْرَئِيلُ بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ بِخَبَرِ التَّنْزِيلِ وَ بُرْهَانِ الدَّلِيلِ هَؤُلَاءِ أَهْلُ الْبَيْتِ (۴) أَكْرَمَهُمُ اللَّهُ بِشَرَفِهِ وَ شَرَّفَهُمْ بِكَرَامَتِهِ وَ أَعَزَّهُمْ بِالْهُدَى وَ ثَبَّتَهُمْ بِالْوَحْيِ وَ جَعَلَهُمْ أَئِمَّهً هُدَاهً وَ نُوراً فِي الظُّلَمِ لِلنَّجَاهِ وَ اخْتَصَّهُمْ لِدِينِهِ وَ فَضَّلَهُمْ بِعِلْمِهِ وَ آتَاهُمْ ما لَمْ يُؤْتِ أَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ وَ جَعَلَهُمْ عِمَاداً لِدِينِهِ وَ مُسْتَوْدَعاً لِمَكْنُونِ سِرِّهِ وَ أُمَنَاءَ عَلَى وَحْيِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ وَ اجْتَبَاهُمْ وَ خَصَّهُمْ وَ اصْطَفَاهُمْ وَ فَضَّلَهُمْ وَ ارْتَضَاهُمْ وَ انْتَجَبَهُمْ وَ جَعَلَهُمْ نُوراً لِلْبِلَادِ وَ عِمَاداً لِلْعِبَادِ وَ حُجَّتَهُ الْعُظْمَى (۵) وَ أَهْلَ النَّجَاهِ وَ الزُّلْفَى

۱- في المصدر: و ثمرها.

۲- في المصدر: و انهم لصافون و انهم هم المسبحون.

۳- في المصدر: يغدوهم.

۴- في المصدر: اهل بيت اكرمهم اللّه.

۵- في المصدر: و الحجه العظمى.

هُمُ الْخِيَرَةُ الْكِرَامُ هُمُ الْقُضَاةُ الْحُكَّامُ هُمُ النُّجُومُ الْأَعْلَامُ وَ هُمُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ هُمُ السَّبِيلُ الْأَقْوَمُ الرَّاغِبُ عَنْهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُقَصِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ هُمْ نُورُ اللَّهِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْبِحَارُ السَّائِغَةُ لِلشَّارِبِينَ أَمْنٌ لِمَنِ الْتَجَأَ إِلَيْهِمْ وَ أَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ إِلَى اللَّهِ يَدْعُونَ وَ لَهُ يُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَ بِبَيَانِهِ يَحْكُمُونَ فِيهِمْ بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ وَ عَلَيْهِمْ هَبَطَتْ مَلَائِكَتُهُ وَ بَيْنَهُمْ نَزَلَتْ سَكِينَتُهُ وَ إِلَيْهِمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ مَنّاً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَضَّلَهُمْ بِهِ وَ خَصَّهُمْ بِذَلِكَ وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ وَ بِالْحِكْمَةِ قَوَّاهُمْ هُمْ فروع (فُرُوعٌ) طَيِّبَةٌ وَ أُصُولٌ مُبَارَكَةٌ (۱) خُزَّانُ الْعِلْمِ وَ وَرَثَةُ الْحِلْمِ وَ أُولُو التُّقَى وَ النُّهَى وَ النُّورِ وَ الضِّيَاءِ وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَقِيَّةُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْهُمُ الطَّيِّبُ ذِكْرُهُ الْمُبَارَكُ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ الْمُصْطَفَى وَ الْمُرْتَضَى وَ رَسُولُهُ الْأُمِّيُّ وَ مِنْهُمُ الْمَلِكُ الْأَزْهَرُ وَ الْأَسَدُ الْبَاسِلُ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ مِنْهُمُ الْمُسْتَسْقَى بِهِ يَوْمَ الرَّمَادَةِ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَمُّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ صِنْوُ أَبِيهِ وَ جَعْفَرٌ ذُو الْجَنَاحَيْنِ وَ الْقِبْلَتَيْنِ وَ الْهِجْرَتَيْنِ وَ الْبَيْعَتَيْنِ مِنَ الشَّجَرَةِ الْمُبَارَكَةِ صَحِيحُ الْأَدِيمِ وَضَّاحُ الْبُرْهَانِ وَ مِنْهُمْ حَبِيبُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ أَخُوهُ وَ الْمُبَلِّغُ عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ الْبُرْهَانَ وَ التَّأْوِيلَ وَ مُحْكَمَ التَّفْسِيرِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيُّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ الصَّلَوَاتُ الزَّكِيَّةُ وَ الْبَرَكَاتُ السَّنِيَّةُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ وَ وَلَايَتَهُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ فَقَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ صلى الله عليه و آله قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام اقْتِرَافُ الْحَسَنَةِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: زیاد بن منذر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: ما درختی هستیم که ریشه آن پیامبر اکرم و تنه اش علی بن ابی طالب و شاخه هایش فاطمه دختر پیامبر و میوه اش حسن و حسین علیهما السّلام هستند. ما شجره نبوت و خانه رحمت و کلید حکمت و معدن علم و محل رسالت و مکان آمد و رفت ملائکه و موضع سرّ خدا و امانت خدا و امانتی که بر آسمان‌ها و زمین و کوه ها عرضه شد و حرم اکبر خدا و بیت اللّٰه عتیق و پیمان خدا هستیم. و در نزد ماست علم مرگ و میر و بلاها و پیشامدها و وصایا و فصل خطاب، و زادگاه اسلام و انساب عرب است. ائمه علیهم السّلام نوری درخشان اطراف عرش خدایشان بودند. دستور داد تسبیح نمایند و اهل آسمان‌ها از تسبیح ایشان به تسبیح مشغول شدند. ایشانند صافّون (صف بستگان برای انجام فرمان خدا) و تسبیح کنندگان هر که وفا به پیمان آنها نماید، به پیمان خدا وفا نموده و کسی که عارف حق ایشان باشد، عارف حق خدا است. آنها عترت پیامبرند و هر کس حق ایشان را انکار کند، حق خدا را انکار کرده است. آنها فرمانروایان امر خدا و گنجینه های وحی پروردگارند و وارثان کتاب خدا و ایشان برگزیده به امر خدا و امین بر وحی اویند. آنها خاندان نبوت و مرکز رسالت و مأنوس به پر و بال زدن ملائکه اند. کسانی هستند که جبرئیل به امر پروردگار آنها را تغذیه می‌نماید به خبر قرآن و دلیل برهانی. آنها اهل بیت پیامبرند که خداوند به شرافت خویش ایشان را کرامت بخشیده و به کرامت خود ایشان را شرف بخشیده و با هدایت عزیز کرده و به وحی استوار و آنها را پیشوایان هدایت قرار داده و نوری در تاریکی‌ها برای نجات و اختصاص به دین خود داده و به علم خویش مزیت بخشیده و آنچه به احدی از جهانیان نداده به ایشان بخشیده است. آنها را پایه دین خود و محل سرّ پنهان خود و امنای بر وحی و گواهان بر مردم قرار داده و ایشان را اختیار کرده و انتخاب کرده و امتیاز بخشیده و برگزیده. فضیلت داده و ایشان را پسندیده و برگزیده و آنها را نور برای شهرها و پایه استوار برای مردم قرار داده و حجت بزرگ و نجات یافتگان که دارای قرب و منزلتند. آنها برگزیدگان با شخصیت می‌باشند. داوران فرمانروا و ستارگان درخشان و صراط مستقیم و استوارترین راه. هر که از آنها رو برگرداند، از دین خارج شده و آن که کوتاهی درباره ایشان نماید، از بین رفته و هر که همراه آنها شد، به هدف می‌رسد. نور درخشان پروردگارند در دل‌های مؤمنان و دریای خوشگوار برای نوشندگان. هر که به آنها پناه برد، ایمن است و امان برای کسی

هستند که به آنها چنگ زنند. به خدا دعوت می کنند و تسلیم اویند و مجری دستور پروردگارند و به فرمان او حکم می کنند. خداوند پیامبرش را در میان ایشان برانگیخت و فرشتگان خدا بر آنها فرود می‌آیند و سکینه‌اش بین آنها نازل شد و روح الامین به سوی آنها فرستاده شد. منتی است از جانب خدا بر ایشان که آنها را به واسطه آن برتری داد و امتیاز بخشید و به ایشان پرهیزکاریشان را بخشید و به حکمت تقویت نمود. شاخه های پاک و ریشه های مبارکند. گنجینه‌های علم و وارثان حلم و صاحبان تقوا و خرد و نور و روشنایی هستند و وارثان انبیاء و باقی مانده اوصیاء. از آن خانواده است پاک نهادی خوشنام که نامش محمّد مصطفی و مرتضی پیامبر درس نخوانده. و از آنها است فرمانروای نورانی و شیر دلاور حمزه بن عبدالمطلب. و از آنها است کسی که به واسطه او طلب باران شد در خشکسالی، عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر و برادر پدرش و جعفر بن ابی طالب صاحب دو بال و دو قبله و دو بیعت از شجره مبارکه، دارای طینتی صاف، برهانی روشن. و از آنها است برادر و دوست حضرت محمّد و مبلّغ برهان و تأویل و تفسیر محکم پس از او، امیرالمؤمنین و ولی مؤمنان و وصی پیامبر اکرم علی بن ابی طالب درود پاک و تهنیت خدا بر او باد. اینهایند کسانی که خداوند مودت و ولایت آنها را بر هر مرد و زن مسلمان لازم نموده و در قرآن کریم به پیامبرش فرموده است: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ.» حضرت باقر فرمود: «إقتراف الحسنه» محبت ما خانواده است. - . تفسیر فرات: ۱۴۷ - ۱۴۸ -

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی رمدت الغنم هلکت من برد أو صقیع (۳) و منه عام الرماده فی أیام عمر هلکت فیه الناس و الأموال.

ص: ۲۴۶

۱- فی المصدر: و أصول مبارکه، مستقر قرار الرحمه، خزان العلم، و ورثه الحلم اولو التقوی.

۲- تفسیر فرات: ۱۴۷ و ۱۴۸.

۳- الصقیع: الجلید او ما یسقط من السماء فی اللیل کانه ثلج.

**[ترجمه]فیروز آبادی گفته است: «رمدت الغنم» یعنی گوسفندان از سرما یا یخبندان هلاک شدند و خشکسالی در دوران عمر که مردم و اموال در آن از بین رفتند از همین باب است.

**[ترجمه]

«۱۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ ذَلِیلٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ یَعْنِی النَّصِیبِیَّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُکَیْمٍ عَنْ حَکِیمِ بْنِ جُبَیْرٍ (۱) أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْفِی الْقُرْبی قَالَ هِیَ قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: حکیم بن جبیر - . در مصدر «سعید بن جبیر» آمده است. -

گفت: از امام زین العابدین علیه السّلام درباره آیه «قُلْ لا- أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» پرسیدم. فرمود: آن خویشاوندانی ما اهل بیت نسبت به محمد است. - . تفسیر فرات: ۱۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حُکَیْمٍ عَنْ حَکِیمِ بْنِ جُبَیْرٍ عَنْ حَبِیبِ بْنِ أَبِی ثَابِتٍ أَنَّهُ أَتَی مَسْجِدَ قُبَاءَ فَإِذَا فِیهِ مَشْیَخَهٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَحَدَّثُوهُ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ أَتَاهُمْ یُصَلِّی فِی مَسْجِدِ قُبَاءَ فَسَلَّمُوا عَلَیْهِ ثُمَّ قَالُوا إِنَّ مَشِیخَتَنَا حَدَّثُونَا (۳) أَنَّهُمْ أَتَوْا نَبِیَّ اللَّهِ فِی مَرَضِهِ الَّذِی مَاتَ فِیهِ فَقَالُوا یَا نَبِیَّ اللَّهِ قَدْ أَکْرَمَنَا اللَّهُ وَ هَدَانَا بِکَ وَ آمَنَّا وَ فَضَّلَنَا بِکَ فَاقْسِمْ فِی أَمْوَالِنَا مَا أَحْبَبْتَ فَقَالَ لَهُمْ نَبِیُّ اللَّهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی فَأَمَرَنَا بِمَوَدَّتِکُمْ (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: حبیب بن ابی ثابت به مسجد قبا وارد شد. دید پیرمردانی از انصار نشسته اند. برای او نقل کردند که حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام برای نماز در مسجد قبا نزد آنها آمد. به او سلام کردند و سپس گفتند: پیران ما برای نقل کردند که در آن بیماری که پیامبر از دنیا رفت خدمت ایشان رفتند و عرض کردند: ای نبی خدا! خداوند ما را گرامی داشت و هدایت نمود به واسطه شما و ایمان آوردیم و به واسطه شما به ما برتری داد. اینک هر چه مایلی در اموال ما تصرف فرما. پیامبر اکرم به آنها فرمود: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»، ما را دستور داد به مودت شما. - . تفسیر فرات: ۱۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَزَارِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ السِّمْطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ لَمَّا نَزَلَتْ قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ قَالَ جَبْرَئِيلُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ أَصْلًا وَ دِعَامَةً وَ فَرْعاً وَ بُنْيَاناً وَ إِنَّ أَصْلَ الدِّينِ وَ دِعَامَتَهُ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ فَرْعَهُ وَ بُنْيَانَهُ مَحَبَّتُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مُوَالاتُكُمْ فِيمَا وَافَقَ الْحَقَّ وَ دَعَا إِلَيْهِ (۵).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ایوب بن علی بن حسین بن سمط گفت: از پدرم شنیدم که می گفت: از حضرت علی بن ابی طالب شنیدم که می‌فرمود: از پیامبر اکرم شنیدم که می‌فرمود: وقتی آیه «قُلْ لاٰ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ» نازل شد، جبرئیل گفت: یا محمّد! هر دینی ریشه و پایه و تنه و بنیانی دارد، ریشه و پایه دین گفتن «لاٰ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و تنه و بنیان دین محبت شما اهل بیت است و موالات شما در آنچه موافق حق و دعوت به سوی آن می کند. - . تفسیر فرات: ۱۴۸ - ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ النَّصْرِيُّ (۶) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَحْمَدَ يَعْنِي ابْنَ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرٍ يَعْنِي ابْنَ عَاصِمٍ وَ نَصْرٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ يَعْنِي ابْنَ الْمُغِيرَهِ

۱- فی المصدر: عن سعید بن جبیر أنّه سأل علیّ بن الحسین علیه السلام.

۲- تفسیر فرات: ۱۴۸.

۳- فی المصدر: فسلموا علیه، ثمّ قالوا: ان کنتم سلمتم الینا فیما کان بینکم نشهدکم فان مشیختنا.

۴- تفسیر فرات: ص ۱۴۸.

۵- تفسیر فرات: ۱۴۸ و ۱۴۹.

۶- فی المصدر: البصری.

عَنْ مُحَمَّدٍ يَعْنِی ابْنَ مَرْوَانَ عَنِ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدِمَ الْمَدِینَهَ فَکَانَتْ تَنُوبُهُ فِیهَا نَوَائِبُ وَ حُقُوقٌ وَ لَیْسَ فِی یَدَیْهِ سَعَهٌ لِذَلِکَ فَقَالَتِ الْأَنْصَارُ إِنَّ هَذَا الرَّجُلَ قَدْ هَدَانَا اللَّهُ عَلَی یَدَیْهِ وَ هُوَ ابْنُ أُخْتِکُمْ تَنُوبُهُ نَوَائِبُ وَ حُقُوقٌ وَ لَیْسَ فِی یَدَیْهِ لِذَلِکَ سَعَهٌ فَاجْمَعُوا لَهُ مِنْ أَمْوَالِکُمْ مَا لَا یَضُرُّکُمْ فَتَأْتُونَهُ بِهِ فَیَسْتَعِینَ بِهِ عَلَی مَا یَنُوبُهُ فَفَعَلُوا ثُمَّ أَتَوْهُ فَقَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّکَ ابْنُ أُخْتِنَا وَ قَدْ هَدَانَا اللَّهُ عَلَی یَدَیْکَ وَ تَنُوبُکَ نَوَائِبُ وَ حُقُوقٌ وَ لَیْسَ عِنْدَکَ لَهَا سَعَهٌ فَرَأَیْنَا أَنْ نَجْتَمِعَ مِنْ أَمْوَالِنَا فَنَأْتِیکَ بِهِ فَتَسْتَعِینَ بِهِ عَلَی مَنْ یَنُوبُکَ وَ هُوَ ذَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآیَهَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی یَقُولُ إِلَّا أَنْ تَوَدُّونِی فِی قَرَابَتِی (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابن عباس درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» گفت: پیامبر اکرم وارد مدینه شد، در مدینه گرفتاری‌ها و حقوقی برایش پیش آمد و برای حل آنها چیزی نداشت. انصار گفتند: این مرد کسی است که خدا به دست او ما را هدایت کرد و خواهرزاده شماست که گرفتاری‌ها و حقوقی برایش پیش آمده است و برای حل آن چیزی ندارد. از اموالتان به مقداری که به شما ضرر نزند برایش جمع کنید و برای او بیاورید تا از آن برای گرفتاری‌هایش کمک بگیرد. این کار را کردند و نزد پیامبر آمدند. پس گفتند: یا رسول الله! تو خواهرزاده ما هستی و خدا به دست تو ما را هدایت نمود و گرفتاری‌ها و حقوقی برایت پیش آمده و چیزی نداری برای رفع این گرفتاری‌ها. ما بر این شدیم که چیزی از اموالمان را جمع کنیم و برایت بیاوریم که کمک بگیری در آنچه تو را گرفتار کرده و این است. پس خداوند آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» را نازل کرد. می‌فرماید: مگر اینکه مرا دوست بدارید درباره خویشاوندانم. -. تفسیر فرات: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۱»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْهَمْدَانِیُّ قَالَ أَخْبَرَنِی أَبِی عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ إِسْحَاقَ یَعْنِی ابْنَ عَمَّارٍ عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِیّاً قَطُّ إِلَّا قَالَ لِقَوْمِهِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ ثُمَّ قَالَ أَ مَا رَأَیْتَ الرَّجُلَ یَوَدُّ الرَّجُلَ ثُمَّ لَا یَوَدُّ قَرَابَتَهُ فَیَکُونُ فِی نَفْسِهِ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ لَا یَکُونَ فِی نَفْسِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله شَیْ ءٌ عَلَی أُمَّتِهِ فَإِنْ أَخَذُوهُ أَخَذُوهُ مَفْرُوضاً وَ إِنْ تَرَکُوهُ تَرَکُوهُ مَفْرُوضاً قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً قَالَ هُوَ التَّسْلِیمُ لَنَا وَ الصِّدْقُ فِینَا وَ أَنْ لَا یَکْذِبَ عَلَیْنَا (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند هرگز هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر اینکه به قومش گفت: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی.» گفت: سپس فرمود: آیه ندیده‌ای شخص را که مردی دوست دارد، ولی خویشاوندانش را دوست ندارد و در دلش بر ضد او چیزی است. خداوند دوست داشت که در دل پیامبر چیزی ضد امتش نباشد، اگر انجام دادند که واجبی را انجام دادند و اگر ترک کردند، واجبی را ترک کردند. گفت: درباره آیه «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً» پرسیدم. فرمود: آن تسلیم در برابر ما و راستگویی درباره ما است و اینکه بر ما دروغ نبندد. -. تفسیر فرات: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۲»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْحُسَیْنُ بْنُ الْحَکَم عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَبَانٍ عَنْ سَلَّام بْنِ أَبِی عَمْرٍو (۳) عَنْ أَبِی هَارُونَ الْعَبْدِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بِشْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِیَّهِ أَنَّهُ خَرَجَ إِلَی أَصْحَابِهِ ذَاتَ یَوْمٍ وَ هُمْ یَنْتَظِرُونَ خُرُوجَهُ فَقَالَ تَنَجَّزُوا الْبُشْرَی مِنَ اللَّهِ فَوَ اللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ یَتَنَجَّزُ الْبُشْرَی مِنَ اللَّهِ غَیْرَکُمْ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا

۱- تفسیر فرات: ۱۴۹. فیه: یقول: لا تؤذونی فی اقاربی.

۲- تفسیر فرات: ۱۴۹ فیه: «و التصدیق فینا» و لعله مصحف.

۳- فی المصدر: (سلام بن أبی عمیره) و لعله مصحف سلام بن أبی عمره.

الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ نَحْنُ أَهْلَ الْبَیْتِ قَرَابَتُهُ جَعَلَنَا اللَّهُ مِنْهُ وَ جَعَلَکُمُ اللَّهُ مِنَّا ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ (۱) الْمَوْتِ وَ دُخُولِ الْجَنَّهِ وَ ظُهُورِ أَمْرِنَا فَیُرِیکُمُ اللَّهُ مَا تَقَرُّ بِهِ أَعْیُنُکُمْ ثُمَّ قَالَ أَ مَا تَرْضَوْنَ أَنَّ صَلَاتَکُمْ تُقْبَلُ وَ صَلَاتَهُمْ لَا تُقْبَلُ وَ حَجَّکُمْ یُقْبَلُ وَ حَجَّهُمْ لَا یُقْبَلُ قَالُوا لِمَ یَا أَبَا الْقَاسِمِ قَالَ فَإِنَّ ذَلِکَ کَذَلِکَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: محمد بن بشر از محمد بن حنفیه نقل کرد که روزی که انتظار خارج شدنش را از منزل داشتند، پیش یاران خود آمد. گفت: این بشارت را از خدا طلب کنید. به خدا قسم هیچ کس جز شما چنین بشارتی را از خدا طلب نمی کند. آنگاه این آیه را خواند: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی.» فرمود: ما اهل بیت، خویشاوندان او هستیم. خدا ما را از او قرار داد و شما را از ما قرار داد. سپس این آیه را خواند: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ» - . توبه / ۵۲ -

{بگو آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می برید.} مرگ و داخل شدن به بهشت و ظاهر شدن امر ما. پس خداوند به شما نشان دهد آنچه که چشم‌های شما را روشن می‌کند. آنگاه گفت: راضی نیستید که نماز شما قبول شود و نماز آنها قبول نشود، حج شما قبول شود و از آنها قبول نشود؟ گفتند: ای ابوالقاسم! به چه جهت؟ در جواب آنها گفت: آن همان طوری است که گفتم. - . تفسیر فرات: ۱۴۹ - ۱۵۰ -

**[ترجمه]

بیان

فی القاموس تنجز حاجته استنجحها و العده سأل إنجازها.

**[ترجمه]در قاموس گفته است «تنجز حاجته» یعنی خواست که حاجتش را برآورده کند و «العده» یعنی برآورده شدنش را خواست.

**[ترجمه]

«۲۳»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یُوسُفَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ بُزُرْجَ الْحَنَّاطِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: نَزَلَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَوْلُهُ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی ثُمَّ إِنَّ جَبْرَئِیلَ أَتَاهُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّکَ قَدْ قَضَیْتَ (۳) نُبُوَّتَکَ وَ اسْتَکْمَلْتَ أَیَّامَکَ فَاجْعَلِ الِاسْمَ الْأَکْبَرَ وَ مِیرَاثَ الْعِلْمِ وَ آثَارَ عِلْمِ النُّبُوَّهِ عِنْدَ عَلِیٍّ فَإِنِّی لَمْ أَتْرُکِ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِیهَا عَالِمٌ تُعْرَفُ بِهِ طَاعَتِی وَ تُعْرَفُ بِهِ وَلَایَتِی وَ یَکُونُ حُجَّهً لِمَنْ وُلِدَ فِیمَا بَیْنَ قَبْضِ النَّبِیِّ إِلَی خُرُوجِ النَّبِیِّ الْآخَرِ فَأَوْصَی إِلَیْهِ بِالاسْمِ وَ هُوَ مِیرَاثُ الْعِلْمِ (۴) وَ آثَارُ عِلْمِ النُّبُوَّهِ وَ أَوْصَی إِلَیْهِ بِأَلْفِ بَابٍ یُفْتَحُ لِکُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ وَ کُلِّ کَلِمَهٍ أَلْفُ کَلِمَهٍ وَ مَاتَ (۵) یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ وَ قَالَ یَا عَلِیُّ لَا تَخْرُجْ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ حَتَّی تُؤَلِّفَ کِتَابَ اللَّهِ کَیْلَا یَزِیدَ فِیهِ الشَّیْطَانُ شَیْئاً وَ لَا یَنْقُصَ مِنْهُ شَیْئاً فَإِنَّکَ فِی ضِدِّ سُنَّهِ وَصِیِّ سُلَیْمَانَ علیه السلام فَلَمْ یَضَعْ عَلِیٌّ علیه السلام رِدَاءَهُ عَلَی ظَهْرِهِ حَتَّی جَمَعَ الْقُرْآنَ فَلَمْ یَزِدْ فِیهِ الشَّیْطَانُ شَیْئاً وَ لَمْ یَنْقُصْ مِنْهُ شَیْئاً (۶).

**[ترجمه]تفسیر فرات: عبدالرحمن بن کثیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: این آیه بر پیامبر نازل شد: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى.» سپس جبرئیل بر آن جناب نازل گردید و گفت: یا محمّد! نبوت خود را به پایان رساندی و مدت پیامبریت پایان یافت. اینک اسم اکبر و میراث علم و آثار دانش نبوت را به علی بسپار. من زمین را خالی نمی گذارم، مگر اینکه در آن عالمی که اطاعت من به وسیله او شناخته شود و ولایت من به وسیله او شناخته شود و حجت بین مردم در فاصله فوت پیامبر تا بعثت پیامبری دیگر باشد. پیامبر او را وصی خود قرار داد به اسم و میراث علم و آثار دانش نبوت، و او را وصی خود قرار داد به هزار در که از هر در هزار در دیگر گشوده می گشت و هر کلمه هزار کلمه بود. و در روز دوشنبه از دنیا رفت و فرمود: یا علی! سه روز نباید از خانه خارج شوی تا قرآن را جمع آوری کنی تا شیطان چیزی در آن نیفزاید و چیزی از آن کم نکند. تو باید بر خلاف روش وصی سلیمان رفتار کنی. علی علیه السّلام برای خارج شدن از خانه ردا نپوشید تا قرآن را جمع نمود، در نتیجه شیطان چیزی در آن زیاد نکرد و از آن کم ننمود. - . تفسیر فرات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

بیان

فی ضد سنه وصی سلیمان إشاره إلی ما مر أن إبلیس وضع کتاب

ص: ۲۴۹

۱- التوبه: ۵۲.

۲- تفسیر فرات: ۱۴۹ و ۱۵۰ فیه: فان ذلک لذلک.

۳- فی المصدر: قد قضت.

۴- فی المصدر: فاوصی إلیه بالاسم الأکبر و میراث العلم.

۵- فی المصدر: و مرض یوم الاثنین.

۶- تفسیر فرات: ۱۵۰ فیه اختلاف راجعه.

السحر تحت سرير سليمان و لبس الأمر على الناس

**[ترجمه]عبارت «فی ضدّ سنّه وصیّ سلیمان» اشاره است به آنچه گذشت که شیطان کتاب سحر را زیر تخت سلیمان گذاشت و امر را بر مردم مشتبه کرد.

**[ترجمه]

«۲۴»

یف، الطرائف رَوَی الْبُخَارِیُّ (۱) فِی صَحِیحِهِ فِی الْجُزْءِ السَّادِسِ عَلَی حَدِّ کُرَّاسَیْنِ وَ نِصْفٍ مِنْ أَوَّلِهِ مِنَ النُّسْخَهِ الْمَنْقُولِ مِنْهَا قَوْلُهُ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی بِإِسْنَادِهِ إِلَی طَاوُسٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ سَعِیدُ بْنُ جُبَیْرٍ قُرْبَی آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الْخَبَرَ.

وَ رَوَی مُسْلِمٌ فِی صَحِیحِهِ فِی الْجُزْءِ الْخَامِسِ عَلَی حَدِّ کُرَّاسَیْنِ مِنْ أَوَّلِهِ مِثْلَ ذَلِکَ

وَ رَوَوْهُ فِی الْجَمْعِ بَیْنَ الصِّحَاحِ السِّتَّهِ فِی الْجُزْءِ الثَّانِی مِنْ أَجْزَاءٍ أَرْبَعَهٍ مِنْ أَجْزَاءِ سُورَهِ حم مِنْ طُرُقٍ وَ رَوَی الثَّعْلَبِیُّ فِی تَفْسِیرِ هَذِهِ الْآیَهِ تَعْیِینَ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مِنْ طُرُقٍ فَمِنْهَا عَنْ أُمِّ سَلَمَهَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ لِفَاطِمَهَ ایتنی (ایتِینِی) بِزَوْجِکِ وَ ابْنَیْکِ فَأَتَتْ بِهِمْ فَأَلْقَی عَلَیْهِمْ کِسَاءً ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ عَلَیْهِمْ فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ آلُ مُحَمَّدٍ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ قَالَتْ فَرَفَعْتُ الْکِسَاءَ لِأَدْخُلَ مَعَهُمْ فَاجْتَذَبَهُ وَ قَالَ إِنَّکِ لَعَلَی خَیْرٍ.

و سیأتی فی تفسیر آیه التطهیر من روایه أحمد بن حنبل تعیین آل محمد أیضا.

و روی الثعلبی نحو ذلک من مشایخه عن علی بن الحسین علیهما السلام و غیره.

انتهی کلام السید رحمه الله (۲)

أقول: سیأتی أخبار الباب فی أکثر الأبواب لا سیما باب معنی الآل و العتره.

**[ترجمه]طرائف: بخاری در صحیح خود در جزء ششم، حدود دو جزء و نیم از اولش از نسخه‌ای که از آن نقل شده آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» به اسناد از خود از ابن عباس نقل می کنند که از آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» سوال شد. سعید بن جبیر گفت: «قربی» آل محمّدند... تا آخر روایت. مسلم نیز در صحیح خود در جزء پنجم حدود دو جزء و نیم از اولش همین را نقل کرده است.

در جمع بین صحاح سته در جزء دوم از چهار جزء از اجزاء سوره حم از چند طریق همین را نقل کرده‌اند. و ثعلبی در تفسیر این آیه در تعیین آل محمّد از چند طریق نقل کرده است. از آن جمله از ام سلمه که نقل کرد که پیامبر اکرم به فاطمه زهرا علیها السّلام فرمود: شوهر و دو پسرت را بیاور. وقتی آنها را آورد، حضرت رسول کسا را بر روی آنها انداخت. سپس دستش

بر روی آنها بالا برد و فرمود: خدایا! اینها آل محمّدند، صلوات و برکات خود را بر آل محمد قرار ده. تو حمید و مجیدی. ام سلمه گفت: من کسا را بالا زدم تا داخل جمع آنها شوم، پیامبر اکرم آن را کشید و فرمود: تو عاقبت به خیری.

و روایت احمد بن حنبل نیز در تعیین آل محمد در تفسیر آیه تطهیر خواهد آمد. و ثعلبی مانند آن را از مشایخ خود از علی بن الحسین علیهما السّلام و غیر او نقل کرده است. (پایان کلام مرحوم سید) - . طرائف: ۲۷ - ۲۸ -

مؤلف: اخبار این باب در اکثر ابواب خصوصا «باب معنی آل و عترت» خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۲۵»

قب، المناقب لابن شهرآشوب كِتَابُ ابْنِ عُقْدَةَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام لِلْحُصَيْنِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ يَا حُصَيْنُ لَا تَسْتَصْغِرْ مَوَدَّتَنَا فَإِنَّهَا مِنَ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَسْتَصْغِرُهَا وَ لَكِنْ أَحْمَدُ اللَّهَ عَلَيْهَا (۳).

۱- رواه البخاری فی الصحیح ۶: ۱۶۲ بإسناده عن محمّد بن بشار عن محمّد بن جعفر عن شعبه عن عبد الملک بن میسره قال: سمعت طاوسا عن ابن عبّاس.

۲- الطرائف: ۲۷- ۲۸.

۳- مناقب: آل أبی طالب ۳: ۳۴۴.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: کتاب ابن عقده نقل می کند که حضرت صادق به حصین بن عبدالرحمن فرمود: ای حصین! مودت ما خانواده را کوچک نشمار که آن از باقیات الصالحات است. عرض کرد: یابن رسول اللّه! من کوچک نمی... شمارم و خدای را بر این نعمت سپاسگزارم. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۴۴ -

**[ترجمه]

«۲۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَلَوِیِّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (۱) قَالَ حَدَّثَنِی عَمِّی عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیه السلام قَالَ: خَطَبَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام حِینَ قُتِلَ عَلِیٌّ فَقَالَ وَ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَیْتٍ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ حَیْثُ یَقُولُ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً فَاقْتِرَافُ الْحَسَنَهِ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حسن بن زید از پدر خود، از جدش نقل کرد که فرمود: زمانی که حضرت علی علیه السّلام به شهادت رسید، امام حسن علیه السّلام سخنرانی کرد و فرمود: ما از اهل بیتی هستیم که خدا مودتشان را بر هر مسلمانی واجب کرد، آنجا که می‌فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً.» «إقتراف الحسنه» مودت ما اهل بیت است. - . کنز الفوائد: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۲۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجُشَمِیِّ (۳) عَنِ الْهَیْثَمِ بْنِ عَدِیٍّ عَنْ سَعِیدِ بْنِ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِکِ بْنِ عُمَیْرٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی قَالَ إِنَّ الْقَرَابَهَ الَّتِی أَمَرَ اللَّهُ بِصِلَتِهَا وَ عَظَّمَ حَقَّهَا وَ جَعَلَ الْخَیْرَ فِیهَا قَرَابَتُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ الَّذِینَ أَوْجَبَ حَقَّنَا عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبدالملک بن عمیر از حسین بن علی علیهما السّلام در مورد آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» نقل کرد که فرمود: آن خویشاوندی که خدا دستور به پیوند به آن داده و حق آن را بزرگ شمرده و خیر و برکت را در آن خانواده نهاده خویشاوندی ما اهل بیت است که حق ما را بر هر مسلمان واجب نموده است. - . کنز الفوائد: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۲۸»

كـا، الكافى الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُثَنًّى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام فِى قَوْلِهِ تَعَالَى قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبى قَالَ هُمُ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام (۵).

**[ترجمه]اصول كـافى: عبـدالله بن عجلان از امام باقر عليه السّلام درباره آيه «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبى» نقل كرد كه فرمود: ايشان ائمه هستند. - . اصول كافى ۱ : ۴۱۳ -

**[ترجمه]

«۲۹»

أَقُولُ رَوَى ابْنُ بِطْرِيقٍ رَحِمَهُ اللَّهُ فِى الْعُمْدَةِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُسْنَدِ أَحْمَدَ بْنِ حَنْبَلٍ أَنَّهُ قَالَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْحَضْرَمِيُّ أَنَّهُ حَدَّثَهُ حَارِثُ

۱- هكـذا فى الكتـاب: و فى المصـدر: (إسـماعيل بن إسحاق بن محمّـد بن جعفر بن محمّـد) و كلاهمـا لا يخلوان عن وهم و الصحيح كما فى فهرست النجاشىّ: إسماعيل بن محمّد بن إسحاق بن جعفر بن محمّد بن علىّ بن الحسين عليهم السلام.

۲- كنز جامع الفوائد: ۲۸۴.

۳- فى المصدر: الخثعمىّ.

۴- كنز جامع الفوائد: ۲۸۴ فيه: (و عظم من حقها) و فيه: اوجب اللّه حقنا على كل مسلم.

۵- أصول الكافى ۱: ۴۱۳.

بْنُ الْحَسَنِ الطَّحَّانُ عَنْ حُسَيْنٍ الْأَشْقَرِ عَنْ قَيْسٍ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ ابْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قَرَابَتُکَ الَّذِینَ وَجَبَتْ عَلَیْنَا مَوَدَّتُهُمْ قَالَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَهُ وَ ابْنَاهُمَا.

وَ رَوَاهُ مِنْ تَفْسِیرِ الثَّعْلَبِیِّ أَیْضاً بِهَذَا الْإِسْنَادِ (۱)

**[ترجمه]می گویم: ابن بطریق در العمده به اسناد خود از مسند احمد بن حنبل از ابن عباس نقل می کند که گفت: زمانی که آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» نازل شد، گفتند: یا رسول الله! خویشان تو که مودت آنها بر ما واجب شده، کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسرشان.

ثعلبی نیز از تفسیر خود با همین اسناد این روایت را نقل کرده است. - . العمده : ۲۳ - ۲۴ -

**[ترجمه]

«۳۰»

وَ رُوِیَ مِنْ صَحِیحِ الْبُخَارِیِّ وَ التِّرْمِذِیِّ (۲) بِإِسْنَادِهِمَا عَنْ طَاوُسٍ أَنَّهُ سَأَلَ ابْنَ عَبَّاسٍ عَنْ قَوْلِهِ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی قَالَ سَعِیدُ بْنُ جُبَیْرٍ قُرْبَی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]العمده: از صحیح بخاری و ترمذی به اسنادشان از ابن عباس درباره آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» روایت کرده که سعید بن جبیر گفت: «قربی» آل محمد علیهم السّلام هستند. - . العمده : ۲۴ - ۲۵ -

**[ترجمه]

«۳۱»

وَ عَنِ الثَّعْلَبِیِّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی الدَّیْلَمِ قَالَ: لَمَّا جِی ءَ بِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام فَأُقِیمَ عَلَی دَرَجِ مَسْجِدِ دِمَشْقَ قَامَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی قَتَلَکُمْ وَ اسْتَأْصَلَکُمْ وَ قَطَعَ قَرْنَ الْفِتْنَهِ فَقَالَ لَهُ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام أَ قَرَأْتَ الْقُرْآنَ قَالَ نَعَمْ قَالَ قَرَأْتَ الحم (آلَ حم) قَالَ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ وَ لَمْ أَقْرَأْ الحم (آلَ حم) قَالَ قَرَأْتَ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی قَالَ أَنْتُمْ هُمْ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام أَ فَقَرَأْتَ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ آتِ ذَا الْقُرْبی حَقَّهُ (۴) قَالَ وَ إِنَّکُمُ الْقَرَابَهُ الَّتِی أَمَرَ اللَّهُ أَنْ یُؤْتَی حَقَّهُ قَالَ نَعَمْ (۵).

**[ترجمه]العمده: و از ثعلبی به اسناد خود از ابوالدیلم نقل کرد که گفت: وقتی زین العابدین علیه السّلام آورده شد و بر راه مسجد دمشق نگه داشته شد، مردی از شامیان ایستاد و گفت: خدا را حمد که شما را کشت و بیچاره کرد و فتنه را خوابانید. علی بن الحسین علیهما السّلام به او فرمود: قرآن خوانده ای؟ گفت: آری. پرسید: الحم را قرائت کرده ای؟ گفت: قرآن خوانده ام، اما الحم را نخوانده ام. فرمود: این آیه را خوانده ای: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»؟ گفت: مگر شما آن خانواده هستید؟ فرمود: آری. بعد زین العابدین فرمود: در سوره بنی اسراییل این آیه را خوانده ای: «وَ آتِ ذَا الْقُرْبی

حَقَّهُ»؟ - . اسراء / ۲۶ - {و حق خویشاوند را به او بده.} آن مرد گفت: شما آن خویشانی هستید که خداوند امر کرده حق آنها داده شود؟ فرمود: آری. - . العمده : ۲۶ - ۲۸ -

**[ترجمه]

«۳۲»

كا، الكافی عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيها حُسْناً قَالَ مَنْ تَوَلَّى الْأَوْصِيَاءَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اتَّبَعَ آثَارَهُمْ فَذَاكَ يَزِيدُهُ وَلَايَةُ مَنْ مَضَى مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ الْأَوَّلِينَ حَتَّى تَصِلَ وَلَايَتُهُمْ إِلَى آدَمَ علیه السلام وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْها (۶) تُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ

۱- العمده: ۲۳ و ۲۴.

۲- رواه فی العمده عن مسلم: و لم نجد روایته عن الترمذی.

۳- العمده: ۲۴ و ۲۵.

۴- الإسراء: ۲۶.

۵- العمده: ۲۶ و ۲۸ فیه: انتم القرابه.

۶- النمل: ۸۹.

اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ (۱) يَقُولُ أَجْرُ الْمَوَدَّهِ الَّذِی لَمْ أَسْئَلْكُمْ غَيْرَهُ فَهُوَ لَكُمْ تَهْتَدُونَ بِهِ وَ تَنْجُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ قَالَ لِأَعْدَاءِ اللَّهِ أَوْلِيَاءِ الشَّيْطَانِ أَهْلِ التَّكْذِيبِ وَ الْإِنْكَارِ قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (۲) يَقُولُ مُتَكَلِّفاً أَنْ أَسْئَلَكُمْ مَا لَسْتُمْ بِأَهْلِهِ فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ عِنْدَ ذَلِكَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَ مَا يَكْفِی مُحَمَّداً أَنْ يَكُونَ قَهَرَنَا عِشْرِينَ سَنَهً حَتَّى يُرِيدُ أَنْ يَحْمِلَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَى رِقَابِنَا فَقَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ هَذَا وَ مَا هُوَ إِلَّا شَیْ ءٌ يَتَقَوَّلُهُ يُرِيدُ أَنْ يَرْفَعَ أَهْلَ بَيْتِهِ عَلَى رِقَابِنَا وَ لَئِنْ قُتِلَ مُحَمَّدٌ أَوْ مَاتَ لَنَنْزِعُهَا (۳) فِی أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ لَا نُعِيدُهَا فِيهِمْ أَبَداً وَ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ أَنْ يُعْلِمَ نَبِيَّهُ صلى الله عليه و آله مَا أَخْفَوْا فِی صُدُورِهِمْ وَ أَسَرُّوا بِهِ فَقَالَ فِی كِتَابِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ على قَلْبِكَ يَقُولُ لَوْ شِئْتُ حَبَسْتُ عَنْكَ الْوَحْیَ فَلَمْ تَكَلَّمْ بِفَضْلِ أَهْلِ بَيْتِكَ وَ لَا بِمَوَدَّتِهِمْ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمْحُ (۴) اللَّهُ الْباطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ يَقُولُ الْحَقُّ لِأَهْلِ بَيْتِكَ الْوَلَايَهُ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ (۵) يَقُولُ بِمَا أَلْقَوْهُ فِی صُدُورِهِمْ مِنَ الْعَدَاوَهِ لِأَهْلِ بَيْتِكَ وَ الظُّلْمِ بَعْدَكَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَسَرُّوا النَّجْوَى (۶) الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۷).

أقول: سيأتی تمام الخبر فی باب أنهم أنوار الله.

ص: ۲۵۳

۱- سبا: ۴۸.

۲- ص: ۸۶.

۳- فی المصدر: لننزعنها من أهل بيته.

۴- هكذا فی الكتاب و مصدره، و فی المصحف الشريف: «و يمح اللّه».

۵- الشورى: ۲۴.

۶- الأنبياء: ۳.

۷- روضه الكافی: ۳۷۹ و ۳۸۰.

**[ترجمه]روضه کـافی: جـابر از حضـرت بـاقر علیه السّـلام در مورد آیه «وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَـنَةً نَزِدْ لَهُ فِیهـا حُسْـناً» نقل کرد که فرمود: هر کس اوصـیای آل محمّد را دوست بدارد و آثار آنها را پیروی کند، این دوستی موجب افزایش ولایت سایر پیامبران و مؤمنان گذشـته می شود تا آدم. همین است معنی آیه «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها» - . نمل / ۸۹ - {هر کس نیکی به میان آورد پاداشـی بهتر از آن خواهـد داشت} که او را داخـل در بهشت می کنـد. و این است معنی فرمایش خـدای عزوجل: «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ.» می‌فرماید: آن پاداش مودتی را که غیر از آن را از شـما نخواسـتم، به نفع شـماست که به واسطه آن هدایت می‌شوید و از عذاب خدا در روز قیامت نجات می یابید و به دشـمنان خدا، دوسـتان شیطان که اهل تکذیب و انکارند. فرمود: «قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ» - . ص / ۸۶ - {بگو مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیسـتم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم} می‌فرماید: من کسی نیستم که بی جهت خود را به زحمت بینـدازم و از شـما چیزی را بخواهم که اهل آن نیستیـد. در این موقع منافقان به یکـدیگر گفتند: محمّد را کافی نبود که بیست سال ما را تحت فرمان خود در آورد، حالا می‌خواهد خانواده اش را بر دوش ما تحمیل کند. سپس گفتند: این آیه را خدا نازل نکرده، این را از خودش سـاخته. می‌خواهـد خانواده اش را بر ما مقـدم بـدارد و اگر محمّـد کشـته شود یا بمیرد، این مقام را از خـانواده او می گیریم و هرگز به آنهـا رد نخواهیم کرد. خداونـد پیـامبرش را از آنچه که در دل‌هایشـان مخفی و پنهان کردند آگاه نمود و در کتاب خود فرمود: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ.» می فرماید: اگر می خواسـتم وحی را از تو قطع می کردم که دربـاره فضـیلت اهـل بیت خود و مودت آنهـا سـخن نگویی. و فرمود: «یَمْـحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَـقَّ بِکَلِمـاتِهِ.» می فرمایـد: حقی کـه اختصـاص بـه خـانواده ات دارد ولاـیت اسـت. «إِنَّهُ عَلِیمٌ بِـذاتِ الصُّـدُورِ» می فرمایـد: به عـداوات با اهل بیت تو و ظلم بعـد از تو که در دل دارنـد و این است معنی آیه «وَ أَسَـرُّوا النَّجْوَی الَّذِینَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلَّا بَشَـرٌ مِثْلُکُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» - . انبیاء / ۳ -

{و آنانکه سـتم کردند پنهانی به نجوا برخاسـتند که آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست آیا دیده و دانسته به سوی سحر می روید.} - . روضه کافی: ۳۷۹ - ۳۸۰ -

مؤلف: این روایت به طور کامل در «باب اینکه ائمه علیهم السّلام انوار الله هستند» خواهد آمد.

**[ترجمه]

باب ۱۴ آخر فی تأویل قوله تعالی وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

اشاره

(۱)

**[ترجمه] - التکویر: ۸ و ۹. -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

فس، تفسیر القمی أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَیْمَنَ بْنِ مُحْرِزٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا (۲)

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» - . تکویر / ۸ - ۹ - {پرسند چو زان دخترک زنده به گور به کدامین گناه کشته شده است} فرمود: کسی که در راه مودت ما کشته شده است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۱۳ -

**[ترجمه]

«۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَدِیدٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَوْلُهُ تَعَالَی وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ هِیَ وَ اللَّهِ مَوَدَّتُنَا هِیَ وَ اللَّهِ فِینَا خَاصَّهً (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: منصور بن حازم از زید بن علی نقل کرد که به او گفتم: فدایت شوم! تفسیر آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» چیست؟ فرمود: به خدا قسم این آیه درباره مودت ما است، به خدا سوگند اختصاص به ما دارد. - . کنز الفوائد: ۳۷۲ -

**[ترجمه]

«۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ یَسَارٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا سُئِلَ قَاتِلُهُ عَنْ قَتْلِهِ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر جعفی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» پرسیدم. فرمود: کسی که در راه مودت ما کشته شده است، از قاتل او راجع به قتل او بازخواست می کنند. - . کنز الفوائد: ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۴»

كنز، كنز جـامع الفوائـد و تأويـل الآيـات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيـدِ عَنْ أَبِی جَمِيلَهَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السـلام أَنَّهُ قَالَ: وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُـئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا (۵).

ص: ۲۵۴

۱- التکویر: ۸ و ۹.

۲- تفسیر القمّیّ: ۷۱۳.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۷۲ فیه: قال: هی و اللّه فینا خاصّه.

۴- کنز جامع الفوائد: ۴۴۴. هذه الروایات (من الرقم ۳- ۶) موجوده فی النسخه الرضویه و اما النسخه الأخری فهی خالیه عنها.

۵- کنز جامع الفوائد: ۴۴۴. هذه الروایات (من الرقم ۳- ۶) موجوده فی النسخه الرضویه و اما النسخه الأخری فهی خالیه عنها.

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» کسی که در راه مودت ما کشته شده است. - . کنز الفوائد: ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ شِیعَهُ آلِ مُحَمَّدٍ تَسْأَلُ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: علی بن قاسم گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» پرسیدم. فرمود: از شیعیان آل محمد پرسیده می‌شود که به چه گناهی کشته شدند. - . کنز الفوائد: ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ یَعْنِی الْحُسَیْنَ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: اسماعیل بن جابر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» پرسیدم. فرمود: یعنی حسین علیه السّلام. - . کنز الفوائد: ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَی سُلَیْمَانُ بْنُ سَمَاعَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَزْدِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ أَبِی عَیَّاشٍ عَنْ سُلَیْمِ بْنِ قَیْسٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: هُوَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: سلیم بن قیس از ابن عباس نقل کرد که گفت: او کسی است که در راه مودت ما اهل بیت کشته شده است. - . کنز الفوائد: ۳۷۲ -

**[ترجمه]

«۸»

وَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ هِیَ مَوَدَّتُنَا فِینَا نَزَلَتْ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: و از منصور بن حازم از مردی، از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که گفت: از ایشان درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» پرسیدم. فرمود: آن مودت ماست و درباره ما نازل شده است. - . کنز الفوائد: ۳۷۲ -

**[ترجمه]

بیان

قال الطبرسی قدس الله روحه فی هذه الآیه الموءوده هی الجاریه المدفونه حیا و کانت المرأه إذا حان وقت ولادتها حفرت حفره و قعدت علی رأسها فإن ولدت بنتا رمت بها فی الحفره و إن ولدت غلاما حبسته أی تسأل (۵) فیقال لها بأی ذنب قتلت و معنی سؤالها توبیخ قاتلها و قیل المعنی یسأل قاتلها بأی ذنب قتلت.

وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیهما السلام وَ إِذَا الْمَوَدَّهُ سُئِلَتَ بِفَتْحِ الْمِیمِ وَ الْوَاوِ.

و روی ذلک ابن عباس أیضا فالمراد بذلک الرحم و القرابه و أنه یسأل

ص: ۲۵۵

۱- کنز جامع الفوائد: ۴۴۴.

۲- کنز جامع الفوائد: ۴۴۴.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۷۲.

۴- کنز جامع الفوائد: ۳۷۲.

۵- فی المصدر: و معنی قوله: «سئلت» ان الموؤده تسأل.

قاطعها عن سبب قطعها و

روی عن ابن عباس أنه قال هو من قتل فی مودتنا أهل البیت.

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: یَعْنِی قَرَابَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَنْ قُتِلَ فِی جِهَادٍ.

وَ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی قَالَ: هُوَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا وَ وَلَایَتِنَا.

انتهی (۱).

أقول: الظاهر أن أکثر تلک الأخبار مبنیه علی تلک القراءه الثانیه إما بحذف مضاف أی أهل الموده یسألون بأی ذنب قتلوا أو بإسناد القتل إلی الموده مجازا و المراد قتل أهلها أو بالتجوز فی القتل و المراد تضییع موده أهل البیت علیهم السلام و إبطالها و عدم القیام بها و بحقوقها و بعضها علی القراءه الأولی المشهور بأن یکون المراد بالموءوده النفس المدفونه فی التراب مطلقا أو حیا إشاره إلی أنهم لکونهم مقتولین فی سبیل الله تعالی لیسوا بأموات بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ فکأنهم دفنوا حیا و فیه من اللطف ما لا یخفی.

**[ترجمه]مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه گفته است: «مؤوده» دختر زنده به گور شده است، و زن موقع زایمان، گودالی می کند و بر سر گودال می‌نشست، اگر دختر می‌زایید، او را در میان گودال می انداخت و اگر پسر می زایید، او را نگه می داشت. یعنی از آن بچه سؤال می شود و به او گفته می‌شود به چه گناهی کشته شد؟ و معنی سؤال از او یعنی توبیخ قاتلش. و گفته شده معنی این است که از قاتلش سؤال می شود که او به چه گناهی کشته شد؟

و از امام باقر و صادق علیهما السّلام «وَ إِذَا المَوَدّه سُئِلَتْ» با فتحه میم و واو نقل شده است و ابن عباس نیز همین را نقل کرده است. پس منظور از آن خویشاوند و وابسته است و از قطع کننده آن از علت قطع آن پرسیده می‌شود. و از ابن عباس نقل شده که گفت: او کسی است که در راه مودت ما اهل بیت کشته شده است.

و از امام باقر علیه السّلام نقل شده که فرمود: یعنی خویشاوند رسول الله و کسی که در جهاد کشته شده است.

و در روایت دیگری فرموده است: او کسی است که در راه مودت و ولایت ما کشته شده است. (پایان نقل قول) - . مجمع البیان ۱۰ : ۴۴۲ - ۴۴۴ -

مؤلف: ظاهرا بیشتر این اخبار مبنی بر قرائت دوم است یا به حذف مضاف، یعنی از اهل مودت پرسیده می‌شود که به چه گناهی کشته شدند، یا از روی مجاز قتل به مودت نسبت داده شده و منظور کشتن اهل مودت یا در خود قتل مجاز است و منظور تضییع مودت اهل بیت علیهم السّلام و ابطال آن و کوتاهی نسبت به مودت و حقوق آن. و بعضی اخبار مبنی بر قرائت مشهور است به اینکه منظور از مودت، شخصی است که در خاک دفن شده، به طور کلی چه زنده و چه مرده. همین اشاره است به اینکه همین که این ها در راه خدا کشته شده اند، مرده نیستند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند، گویا زنده دفن شده اند و در این تعبیر لطافتی است که مخفی نیست.

**[ترجمه]

«۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِیَّهِ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ قَالَ مَوَدَّتُنَا (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: به اسناد خود از محمد بن حنفیه درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ» نقل می کند که گفت: مودت ما است. - . تفسیر فرات: ۲۰۳ -

**[ترجمه]

«۱۰»

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ ذِکْرُهُ وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ مَنْ قُتِلَ فِی مَوَدَّتِنَا (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: و امام باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» فرمود: کسی که در راه مودت ما کشته شده است. - . تفسیر فرات: ۲۰۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یُوسُفَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ یَقُولُ أَسْأَلُکُمْ عَنِ الْمَوْءُودَهِ الَّتِی أَنْزَلَتْ عَلَیْکُمْ فَضْلَهَا بِأَیِّ ذَنْبٍ قَتَلْتُمُوهُمْ (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جعفر بن احمد بن یوسف به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ * بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» می فرماید: از شما سؤال می کنم از فضل مودتی که بر شما نازل شده که به چه گناه آنها را کشتید. - . تفسیر فرات: ۲۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۲»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْفَزَارِیُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ ذِکْرُهُ

۱- مجمع البیان ۱۰: ۴۴۲ و ۴۴۴.

۲- تفسیر فرات: ۲۰۳.

۳- تفسیر فرات: ۲۰۳. فیه: حدّثنا جعفر معنعنا عن ابی جعفر علیه السلام.

۴- تفسیر فرات ۲۴۰: فیه: (و اذ الموده) و لعله مصحف: (و إذا الموده) و فیه:

وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ یَعْنِی مَوَدَّتَنَا بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ قَالَ ذَلِکَ حَقُّنَا الْوَاجِبُ عَلَی النَّاسِ وَ حُبُّنَا الْوَاجِبُ عَلَی الْخَلْقِ قَتَلُوا مَوَدَّتَنَا (۱)

**[ترجمه]تفسیر فرات: فزاری به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: آیه «وَ إِذَا الْمَوْؤُدَهُ سُئِلَتْ» یعنی مودت ما «بِأَیِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» فرمود: به چه گناهی کشته شد. فرمود: این حق واجب ما است بر مردم و محبت واجب ما بر مردم است که مودت ما را از میان برده اند. - . تفسیر فرات: ۲۰۴ -

**[ترجمه]

باب ۱۵ تأویل الوالدین و الولد و الأرحام و ذوی القربی بهم علیهم السلام

الأخبار

«۱»

قب، المناقب لابن شهرآشوب سُلَیْمُ بْنُ قَیْسٍ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی خَبَرٍ طَوِیلٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ قَالَ أَمَّا الْوَالِدُ فَرَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ ما وَلَدَ یَعْنِی هَؤُلَاءِ الْأَوْصِیَاءَ علیهم السلام (۲).

**[ترجمه]مناقب آل ابی طالب: سلیم بن قیس از امیرالمؤمنین در خبری طولانی راجع به آیه مبارکه «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ» - . بلد / ۳ - {سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد} فرمود: والد رسول خدا است، «وَ ما وَلَدَ» یعنی اوصیاء. - . مناقب آل ابی طالب ۱ : ۲۴۴ -

**[ترجمه]

بیان

قیل الوالد آدم و ما ولد ذریته أو الأنبیاء و الأوصیاء من ولده و قیل إبراهیم و ولده و قیل کل والد و ولده.

**[ترجمه]بعضی گفته اند «والد» آدم است و «ما ولد» ذریه او یا انبیاء و اوصیای از فرزندانش و گفته شده ابراهیم و فرزندانش و گفته شده هر پدر و فرزندانش.

**[ترجمه]

«۲»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ الْآیَهَ قَالَ قَرَابَهُ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله وَ سَیِّدُهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أُمِرُوا بِمَوَدَّتِهِمْ فَخَالَفُوا مَا أُمِرُوا بِهِ (۳).

**[ترجمه]مناقب آل ابی طالب: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ» - . نساء / ۱ - {ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید پروا دارید} تا آخر آیه فرمود: منظور خویشاوندی پیامبر است که سرور آنها امیرالمؤمنین علیه السّلام است. به آنها دستور به مودت به ایشان داده شده است، ولی بر خلاف آن عمل کردند. - . مناقب آل ابی طالب ۳ : ۳۱۴ -

**[ترجمه]

بیان

لعله تفسیر لقوله تعالی وَ الْأَرْحامَ فیکون منصوبا کما هو فی غیر قراءه حمزه فإنه قرأ بالجر و عطفا علی الجلاله أی اتقوا أرحام الرسول أن تقطعوها.

**[ترجمه]شاید این خبر تفسیر «وَ الْأَرْحامَ» است، پس منصوب است، همان طور که در غیر قرائت حمزه است، زیرا او به جر خوانده است و عطف بر لفظ جلاله است، یعنی بپرهیزید از بریدن از خویشاوندان رسول اکرم.

**[ترجمه]

«۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِیمِ الْقَصِیرِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ قَالَ نَزَلَتْ فِی وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ نَزَلَتْ فِی الْفَرَائِضِ قَالَ لَا

ص: ۲۵۷

۱- تفسیر فرات: ۲۰۴.

۲- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۴۴. و الآیه فی سوره البلد: ۳.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۳۱۴. و الآیه فی النساء: ۱.

فَقُلْتُ فَفِی الْمَوَارِیثِ قَالَ لَا ثُمَّ قَالَ نَزَلَتْ فِی الْإِمْرَهِ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبدالرحیم قصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ» - . احزاب / ۶ - {و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند} سؤال شد. فرمود: درباره فرزندان حسین علیه السّلام نازل شده. عرض کردم: فدایت شوم! این در مورد فرائض نازل شده است؟ فرمود: نه. گفتم: درباره ارث‌ها است؟ فرمود: نه. آنگاه فرمود: در مورد فرمانروایی نازل شده است. - . کنز الفوائد: ۲۳۰ - ۲۳۱ -

**[ترجمه]

بیان

لعل السؤال عن المواریث بعد الفرائض للتأکید أو لتوهم أنه علیه السلام حمل الفرائض علی غیر المواریث (۲).

**[ترجمه]شاید سؤال از ارث‌ها بعد از فرائض، به جهت تأکید بوده یا خیال کرده امام علیه السّلام فرائض را حمل بر غیر مواریث نموده است.

**[ترجمه]

«۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره عَبْدُ الْعَزِیزِ بْنُ یَحْیَی (۳) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْحُسَیْنِ الْکُوفِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَیْدٍ مَوْلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُ مَوْلَایَ فَقُلْتُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ قَالَ هُوَ عَلِیٌّ علیه السلام (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن زید غلام حضرت باقر گفت: از مولایم راجع به آیه «وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ» سؤال کردم. فرمود: منظور علی علیه السّلام است. - . کنز الفوائد: ۲۳۱ -

**[ترجمه]

«۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْمُقْرِی بِإِسْنَادِهِ یَرْفَعُهُ إِلَی زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُهاجِرِینَ قَالَ رَحِمُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْلَی بِالْإِمَارَهِ وَ الْمُلْکِ وَ الْإِیمَانِ (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمد بن علی المقری سند را به زید بن علی می‌رساند که درباره آیه «وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی

بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُهاجِرِینَ» {و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند]} گفت: خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه و آله به فرمانروایی و ملک و مملکت داری و ایمان شایسته ترند از دیگران. - . کنز الفوائد: ۲۳۱ -

**[ترجمه]

«۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ حَدِیدٍ وَ ابْنِ بَزِیعٍ جَمِیعاً عَنِ ابْنِ حَازِمٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی قَالَ الْقُرْبَی هِیَ وَ اللَّهِ قَرَابَتُنَا (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن حازم از زید بن علی نقل کرد که گفتم: فدایت شوم! این آیه چه معنی دارد: «ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی» - . حشر / ۷ - {آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] است} گفت: به خدا قسم منظور از «قربی» خویشاوندی ما است. - . کنز الفوائد: ۲۳۶ -

**[ترجمه]

«۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره أَحْمَدُ بْنُ هَوْذَهَ (۷) عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ

۱- کنز جامع الفوائد، ۲۳۰ و ۲۳۱. و الآیه فی سوره الأحزاب: ۶.

۲- فی هامش الکتاب: الفرائض: السهام المقدره فی الکتاب العزیز، و المواریث مطلق السهام فلا یکون تأکیدا بل یکون من قبیل ذکر العام بعد الخاص.

۳- فی المصدر: و قال أیضا «ای محمّد بن العباس»: حدّثنا عبد العزیز اه.

۴- کنز جامع الفوائد: ۲۳۱.

۵- کنز جامع الفوائد: ۲۳۱.

۶- کنز جامع الفوائد: ۲۳۶. و الآیه فی سوره الحشر: ۷.

۷- فی المصدر: محمّد بن العباس عن أحمد بن هوذه.

ما أَفاءَ اللَّهُ عَلى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام هَذِهِ الْآیَهُ نَزَلَتْ فِینَا خَاصَّهً فَمَا کَانَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ فَهُوَ لَنَا وَ نَحْنُ ذُو الْقُرْبَی وَ نَحْنُ الْمَسَاکِینُ لَا تَذْهَبُ مَسْکَنَتُنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَبَداً وَ نَحْنُ أَبْنَاءُ السَّبِیلِ فَلَا یُعْرَفُ سَبِیلٌ إِلَّا بِنَا وَ الْأَمْرُ کُلُّهُ لَنَا (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عمرو بن ابی المقدام از پدر خود نقل کرد که از حضرت باقر علیه السّلام راجع به تفسیر این آیه پرسیدم: «ما أَفاءَ اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُری فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ ابْنِ السَّبِیلِ.» امام باقر علیه السّلام فرمود: این آیه فقط درباره ما نازل شده. هر چه متعلق به خدا و پیامبر باشد، به ما تعلق دارد. ما ذوالقربی و ما مساکین هستیم. هرگز احتیاج و نیاز ما به پیامبر صلی اللّه علیه و آله قطع نخواهد شد و ما ابناء السبیل هستیم، هیچ راهی شناخته نمی شود مگر به وسیله ما. امر به طور کلی مربوط به ما است. - . کنز الفوائد: ۲۳۶ -

**[ترجمه]

بیان

لعله سقط تأویل الیتامی من النساخ و أما تأویل المسکین ففی بعض النسخ لا تذهب مسکنتنا أی إنا و إن رفعت أقدارنا فنحن محتاجون إلی إفاضات النبی صلی الله علیه و آله و شفاعته فی الدنیا و الآخره.

و یحتمل أن تکون من تعلیلیه أی نحن بسبب قرابتنا بالرسول مظلومون ممنوعون عن حقنا إلی قیام القائم علیه السلام و فی بعض النسخ مسکتنا بالتاء و النون الواحده فلعله علیه السلام قرأ مساکین بتشدید السین أو بالتخفیف بمعنی الماسک بالشی ء أو الموضع الذی یمسک الماء أی لا یذهب تمسکنا به صلی الله علیه و آله أو حفظنا لعلمه و أسراره قال الفیروزآبادی مسک به و أمسک اعتصم به و المسکه بالضم ما یتمسک به و المساک کسحاب الموضع یمسک الماء ثم اعلم أن هذا تأویل لبطن الآیه و لا ینافی ظاهره و سیأتی القول فیه فی بابه إن شاء الله.

**[ترجمه]شاید تأویل و تفسیر «الیتامی» از سوی نسخه برداران حذف شده. اما تأویل «المسکین» در بعضی نسخه‌ها «لا تذهب مسکنتنا» آمده، یعنی ما اگرچه مقامان بالاست، ولی محتاج به افاضات و شفاعت او در دنیا و آخرت هستیم. و شاید «مِن» تعلیلیه باشد، یعنی ما به واسطه خویشاوندیمان با پیامبر مظلوم و ممنوع از حقمان شدیم تا قیام قائم علیه السّلام. و در بعضی نسخه‌ها «مسکتنا» آمده با تاء و نون، پس شاید امام علیه السّلام «مساکین» خوانده با تشدید یا بدون تشدید، به معنی نگه دارنده چیزی یا مکانی که آب را نگه می‌دارد، یعنی تمسک ما به او یا حفظ علم و اسرار او توسط ما قطع نمی‌شود. فیروز آبادی گفته است: «مسک به و أمسک» یعنی آن را نگه داشت و «المُسک» با ضمه، یعنی آنچه که به آن چنگ زده می‌شود و «المساک» مانند «سحاب»، یعنی مکانی که آب را نگه می‌دارد. بدان که این تأویل باطن آیه است و منافاتی با ظاهر آن ندارد و سخن درباره آن در باب خودش خواهد آمد إن شاء الله.

**[ترجمه]

«۸»

م، تفسیر الإمام علیه السلام قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً (۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَفْضَلُ وَالِدَيْكَمْ وَ أَحَقُّهُمَا لِشُكْرِكُمْ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ.

وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّهِ وَ لَحَقُّنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبَوَيْ وِلَادَتِهِمْ فَإِنَّهَا نُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنَ النَّارِ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَ نُلْحِقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّهِ بِخِيَارِ الْأَحْرَارِ.

وَ قَالَتْ فَاطِمَهُ علیها السلام أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ يُقِيمَانِ أَوَدَهُمْ وَ يُنْقِذَانِهِمْ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا.

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیهما السلام مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّهِ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ

ص: ۲۵۹

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۳۶.

۲- البقره: ۸۳.

بِحَقِّهِمَا عَارِفاً وَ لَهُمَا فِی کُلِّ أَحْوَالِهِ مُطِیعاً یَجْعَلُهُ اللَّهُ مِنْ أَفْضَلِ سُکَّانِ جِنَانِهِ وَ یُسْعِدُهُ بِکَرَامَاتِهِ وَ رِضْوَانِهِ.

وَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبَوَیْهِ الْأَفْضَلَیْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ أَطَاعَهُمَا حَقَّ طَاعَتِهِ قِیلَ لَهُ تَبَحْبَحْ (۱) فِی أَیِّ الْجِنَانِ شِئْتَ (۲).

وَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام إِنْ کَانَ الْأَبَوَانِ إِنَّمَا عَظُمَ حَقُّهُمَا عَلَی أَوْلَادِهِمَا لِإِحْسَانِهِمَا إِلَیْهِمْ فَإِحْسَانُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ إِلَی هَذِهِ الْأُمَّهِ أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ فَهُمَا بِأَنْ یَکُونَا أَبَوَیْهِمْ أَحَقُّ.

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام مَنْ أَرَادَ أَنْ یَعْلَمَ کَیْفَ قَدْرُهُ عِنْدَ اللَّهِ فَلْیَنْظُرْ کَیْفَ قَدْرُ أَبَوَیْهِ الْأَفْضَلَیْنِ عِنْدَهُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ.

وَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام مَنْ رَعَی حَقَّ أَبَوَیْهِ الْأَفْضَلَیْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ لَمْ یَضُرَّهُ مَا أَضَاعَ مِنْ حَقِّ أَبَوَیْ نَفْسِهِ وَ سَائِرِ عِبَادِ اللَّهِ فَإِنَّهُمَا یُرْضِیَانِهِمْ بِسَعْیِهِمَا.

وَ قَالَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیهما السلام یُعَظَّمُ ثَوَابُ الصَّلَاهِ عَلَی قَدْرِ تَعْظِیمِ الْمُصَلِّی عَلَی أَبَوَیْهِ الْأَفْضَلَیْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ.

وَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَا علیهما السلام أَ مَا یَکْرَهُ أَحَدُکُمْ أَنْ یُنْفَی عَنْ أَبِیهِ وَ أُمِّهِ اللَّذَیْنِ وَلَدَاهُ قَالُوا بَلَی وَ اللَّهِ قَالَ فَلْیَتَجَهَّدْ أَنْ لَا یُنْفَی عَنْ أَبِیهِ وَ أُمِّهِ اللَّذَیْنِ هُمَا أَبَوَاهُ الْأَفْضَلُ مِنْ أَبَوَیْ نَفْسِهِ.

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ بْنِ مُوسَی علیهما السلام قَالَ رَجُلٌ بِحَضْرَتِهِ إِنِّی لَأُحِبُّ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً حَتَّی لَوْ قُطِّعْتُ إِرْباً أَوْ قُرِضْتُ لَمْ أَزُلْ عَنْهُ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام لَا جَرَمَ أَنَّ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً مُعْطِیَاکَ مِنْ أَنْفُسِهِمَا مَا تُعْطِیهِمَا أَنْتَ مِنْ نَفْسِکَ إِنَّهُمَا لَیَسْتَدْعِیَانِ لَکَ فِی یَوْمِ فَصْلِ الْقَضَاءِ مَا لَا یَفِی مَا بَذَلْتَهُ لَهُمَا بِجُزْءٍ مِنْ مِائَهِ أَلْفِ جُزْءٍ (۳) مِنْ ذَلِکَ.

۱- تبحبح: تمکن و الحلول. تبحبح الدار: توسطها.

۲- فی المصدر: حیث شئت.

۳- فی المصدر: من مائه الف الف جزء من ذلک.

وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام مَنْ لَمْ يَكُنْ وَالِدَا دِينِهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ وَالِدَيْ نَسَبِهِ (۱) فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي حِلٍّ وَ لَا حَرَامٍ وَ لَا قَلِيلٍ وَ لَا كَثِيرٍ (۲).

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیهما السلام مَنْ آثَرَ طَاعَةَ أَبَوَيْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَى طَاعَةِ أَبَوَيْ نَسَبِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ لَأُوثِرَنَّكَ كَمَا آثَرْتَنِي وَ لَأُشَرِّفَنَّكَ بِحَضْرَةِ أَبَوَيْ دِينِكَ كَمَا شَرَّفْتَ نَفْسَكَ بِإِيثَارِ حُبِّهِمَا عَلَى حُبِّ أَبَوَيْ نَسَبِكَ وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذِي الْقُرْبى فَهُمْ مِنْ قَرَابَاتِكَ مِنْ أَبِيكَ وَ أُمِّكَ قِيلَ لَكَ اعْرِفْ حَقَّهُمْ كَمَا أَخَذَ بِهِ الْعَهْدَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَعَاشِرَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ بِمَعْرِفَةِ قَرَابَاتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الَّذِينَ هُمُ الْأَئِمَّةُ بَعْدَهُ وَ مَنْ يَلِيهِمْ بَعْدُ مِنْ خِيَارِ أَهْلِ دِينِهِمْ (۳).

قَالَ الْإِمَامُ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ رَعَى حَقَّ قَرَابَاتِ أَبَوَيْهِ أُعْطِيَ فِي الْجَنَّةِ أَلْفَ دَرَجَةٍ بُعْدُ مَا بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ حُضْرُ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضَمَّرِ مِائَةَ سَنَةٍ إِحْدَى الدَّرَجَاتِ مِنْ فِضَّةٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ ذَهَبٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ لُؤْلُؤٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ زُمُرُّدٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ زَبَرْجَدٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ مِسْكٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ عَنْبَرٍ وَ الْأُخْرَى مِنْ كَافُورٍ وَ تِلْكَ الدَّرَجَاتُ مِنْ هَذِهِ الْأَصْنَافِ وَ مَنْ رَعَى حَقَّ قُرْبَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أُوتِيَ مِنْ فَضْلِ (۴) الدَّرَجَاتِ وَ زِيَادَةِ الْمَثُوبَاتِ عَلَى قَدْرِ زِيَادَةِ فَضْلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَى أَبَوَيْ نَسَبِهِ.

وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام لِبَعْضِ النِّسَاءِ أَرْضِي أَبَوَيْ دِينِكِ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً بِسَخَطِ أَبَوَيْ نَسَبِكِ وَ لَا تُرْضِي أَبَوَيْ نَسَبِكِ بِسَخَطِ أَبَوَيْ دِينِكِ فَإِنَّ أَبَوَيْ نَسَبِكِ إِنْ سَخِطَا أَرْضَاهُمَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ بِثَوَابِ جُزْءٍ مِنْ أَلْفِ أَلْفِ جُزْءٍ مِنْ سَاعَةٍ مِنْ طَاعَاتِهِمَا وَ إِنَّ أَبَوَيْ دِينِكِ إِنْ سَخِطَا لَمْ يَقْدِرْ أَبَوَا نَسَبِكِ أَنْ يُرْضِيَاهُمَا لِأَنَّ ثَوَابَ طَاعَاتِ أَهْلِ

۱- في المصدر: من والدى نفسه.

۲- في المصدر: و لا بكثير و لا قليل.

۳- في المصدر: و من يليهم بعدهم من خيار أهل دينهم.

۴- في نسخه: من فضائل.

الدُّنْيَا كُلِّهِمْ لَا تَفِی بِسَخَطِهِمَا.

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام عَلَیْکَ بِالْإِحْسَانِ إِلَی قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِینِکَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ إِنْ أَضَعْتَ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِکَ وَ إِیَّاکَ وَ إِضَاعَهَ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِینِکَ بِتَلَافِی قَرَابَاتِ (۱) أَبَوَیْ نَسَبِکَ فَإِنَّ شُکْرَ هَؤُلَاءِ إِلَی أَبَوَیْ دِینِکَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ أَثْمَرُ لَکَ مِنْ شُکْرِ هَؤُلَاءِ إِلَی أَبَوَیْ نَسَبِکَ إِنَّ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِینِکَ إِذَا شَکَرُوکَ عِنْدَهُمَا بِأَقَلِّ قَلِیلِ نَظَرِهِمَا لَکَ (۲) یَحُطُّ ذُنُوبُکَ وَ لَوْ کَانَتْ مِلْ ءَ مَا بَیْنَ الثَّرَی إِلَی الْعَرْشِ وَ إِنَّ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِکَ إِنْ شَکَرُوکَ عِنْدَهُمَا وَ قَدْ ضَیَّعْتَ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِینِکَ لَمْ یُغْنِیَا عَنْکَ فَتِیلًا.

وَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام حَقُّ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِینِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ أَوْلِیَائِهِمَا أَحَقُّ مِنْ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِنَا إِنَّ أَبَوَیْ دِینِنَا یُرْضِیَانِ عَنَّا أَبَوَیْ نَسَبِنَا وَ أَبَوَیْ نَسَبِنَا لَا یَقْدِرَانِ أَنْ یُرْضِیَا عَنَّا أَبَوَیْ دِینِنَا محمد (مُحَمَّداً) وَ علی (عَلِیّاً) صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا.

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام مَنْ کَانَ أَبَوَا دِینِهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ علیهما السلام آثَرَ لَدَیْهِ وَ قَرَابَاتُهُمَا أَکْرَمَ مِنْ أَبَوَیْ نَسَبِهِ وَ قَرَابَاتِهِمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَضَّلْتَ الْأَفْضَلَ لَأَجْعَلَنَّکَ الْأَفْضَلَ وَ آثَرْتَ الْأَوْلَی بِالْإِیثَارِ لَأَجْعَلَنَّکَ بِدَارِ قَرَارِی وَ مُنَادَمَهِ أَوْلِیَائِی أَوْلَی.

وَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام مَنْ ضَاقَ عَنْ قَضَاءِ حَقِّ قُرُبَاتِ أَبَوَیْ دِینِهِ وَ أَبَوَیْ نَسَبِهِ وَ قَدَحَ کُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِی الْآخَرِ فَقَدَّمَ قَرَابَهَ أَبَوَیْ دِینِهِ عَلَی قَرَابَهِ أَبَوَیْ نَسَبِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَوْمَ الْقِیَامَهِ کَمَا قَدَّمَ قَرَابَهَ أَبَوَیْ دِینِهِ فَقَدِّمُوهُ إِلَی جِنَانِی فَیَزْدَادُ (۳) فَوْقَ مَا کَانَ أَعَدَّ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ أَلْفَ أَلْفِ ضِعْفِهَا.

وَ قَالَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیهما السلام وَ قَدْ قِیلَ لَهُ إِنَّ فُلَاناً کَانَ لَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ عُرِضَتْ عَلَیْهِ بِضَاعَتَانِ یَشْتَهِیهِمَا (۴) لَا یَتَّسِعُ بِضَاعَتُهُ لَهُمَا فَقَالَ أَیُّهُمَا أَرْبَحُ لِی فَقِیلَ لَهُ هَذَا

۱- فی المصدر: قرابات ابوی دینک محمّد و علی، فانه یتلافی قرابات ابوی نسبک.

۲- فی المصدر: فنظرهما لک.

۳- فی نسخه: فیزاد.

۴- فی المصدر: یشتریهما.

يَفْضُلُ رِبْحُهُ عَلَى هَذَا بِأَلْفِ ضِعْفٍ قَالَ أَ لَيسَ يَلْزَمُهُ فِی عَقْلِهِ أَنْ يُؤْثِرَ الْأَفْضَلَ قَالُوا بَلَی قَالَ فَهَكَذَا إِيْثَارُ قَرَابَهِ أَبَوَیْ دِينِک مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَفْضَلُ ثَوَاباً بِأَكْثَرَ مِنْ ذَلِک لِأَنَّ فَضْلَهُ عَلَى قَدْرِ فَضْلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَى أَبَوَیْ نَسَبِهِ.

وَ قِيلَ لِلرِّضَا عليه السلام أَ لَا نُخْبِرُک بِالْخَاسِرِ الْمُتَخَلِّفِ قَالَ مَنْ هُوَ قَالُوا فُلَانٌ بَاعَ دَنَانِيرَهُ بِدَرَاهِمَ أَخَذَهَا فَرَدَّ مَالَهُ عَنْ عَشَرَهِ آلَافِ دِينَارٍ إِلَى عَشَرَهِ آلَافِ دِرْهَم قَالَ بَدْرَهٌ بَاعَهَا (۱) بِأَلْفِ دِرْهَم أَ لَمْ يَكُنْ أَعْظَمَ تَخَلُّفاً وَ حَسْرَهً قَالُوا بَلَى قَالَ أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بِأَعْظَمَ مِنْ هَذَا تَخَلُّفاً وَ حَسْرَهً قَالُوا بَلَى قَالَ أَ رَأَيْتُمْ لَوْ كَانَ لَهُ أَلْفُ جَبَلٍ مِنْ ذَهَبٍ بَاعَهَا بِأَلْفِ حَبَّهٍ مِنْ زَيْفٍ أَ لَمْ يَكُنْ أَعْظَمَ تَخَلُّفاً وَ أَعْظَمَ مِنْ هَذَا حَسْرَهً قَالُوا بَلَى قَالَ أَ فَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِأَشَدَّ (۲) مِنْ هَذَا تَخَلُّفاً وَ أَعْظَمَ مِنْ هَذَا حَسْرَهً قَالُوا بَلَى قَالَ مَنْ آثَرَ فِی الْبِرِّ وَ الْمَعْرُوفِ قَرَابَهَ أَبَوَیْ نَسَبِهِ عَلَى قَرَابَهِ أَبَوَیْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ لِأَنَّ فَضْلَ قَرَابَاتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ أَبَوَیْ دِينِهِ عَلَى قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِهِ أَفْضَلُ مِنْ فَضْلِ أَلْفِ جَبَلِ ذَهَبٍ عَلَى أَلْفِ حَبَّهٍ زَائِفٍ.

وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا عليه السلام مَنِ اخْتَارَ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عليهما السلام عَلَى قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِهِ اخْتَارَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ التَّنَادِ وَ شَهَرَهُ بِخِلَعِ كَرَامَاتِهِ وَ شَرَّفَهُ بِهَا عَلَى الْعِبَادِ إِلَّا مَنْ سَاوَاهُ فِی فَضَائِلِهِ أَوْ فَضْلِهِ.

وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام إِنَّ مِنْ إِعْظَام جَلَالِ اللَّهِ إِيْثَارَ قَرَابَهِ أَبَوَیْ دِينِک مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عليهما السلام عَلَى قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِک وَ إِنَّ مِنَ التَّهَاوُنِ بِجَلَالِ اللَّهِ إِيثَارَ قَرَابَاتِ أَبَوَیْ نَسَبِک عَلَى قَرَابَاتِ أَبَوَیْ دِينِک مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عليهما السلام.

وَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام إِنَّ رَجُلًا جَاعَ عِيَالُهُ فَخَرَجَ يَبْغِی لَهُمْ مَا يَأْكُلُونَ فَكَسَبَ دِرْهَماً فَاشْتَرَى بِهِ خُبْزاً وَ أُدْماً (۳) فَمَرَّ بِرَجُلٍ وَ امْرَأَهٍ مِنْ قَرَابَاتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ

۱- فی نسخه: قال: (أ رأيت لو باعها) و فی المصدر: قال: بدره باعها بالف درهم زيف.

۲- فی المصدر: أ فلا انبئكم بمن هو اشد.

۳- فی المصدر: و اداما.

علیهما السلام فَوَجَدَهُمَا جَائِعَیْنِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ أَحَقُّ مِنْ قَرَابَاتِی فَأَعْطَاهُمَا إِیَّاهُمَا وَ لَمْ یَدْرِ بِمَا ذَا یَحْتَجُّ فِی مَنْزِلِهِ فَجَعَلَ یَمْشِی رُوَیْداً یَتَفَکَّرُ فِیمَا یَتَعَذَّرُ (۱) بِهِ عِنْدَهُمْ وَ یَقُولُ لَهُمْ مَا فَعَلَ بِالدِّرْهَمِ إِذَا لَمْ یَجِئْهُمْ بِشَیْ ءٍ فَبَیْنَمَا هُوَ مُتَحَیِّرٌ فِی طَرِیقِهِ إِذاً بِفَیْجٍ یَطْلُبُهُ فَدُلَّ عَلَیْهِ فَأَوْصَلَ إِلَیْهِ کِتَاباً مِنْ مِصْرَ وَ خَمْسَمِائَهِ دِینَارٍ فِی صُرَّهٍ وَ قَالَ هَذِهِ بَقِیَّهٌ حَمَلْتُهُ إِلَیْکَ مِنْ مَالِ ابْنِ عَمِّکَ مَاتَ بِمِصْرَ وَ خَلَّفَ مِائَهَ أَلْفِ دِینَارٍ عَلَی تُجَّارِ مَکَّهَ وَ الْمَدِینَهِ وَ عَقَاراً کَثِیراً وَ مَالًا بِمِصْرَ بِأَضْعَافِ ذَلِکَ فَأَخَذَ الْخَمْسَمِائَهِ دِینَارٍ وَ وَضَعَ عَلَی عِیَالِهِ (۲) وَ نَامَ لَیْلَتَهُ فَرَأَی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیّاً علیه السلام فَقَالَا لَهُ کَیْفَ تَرَی إِغْنَاءَنَا لَکَ لِمَا آثَرْتَ قَرَابَتَنَا عَلَی قَرَابَتِکَ ثُمَّ لَمْ یَبْقَ بِالْمَدِینَهِ وَ لَا بِمَکَّهَ مِمَّنْ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ مِنَ الْمِائَهِ أَلْفِ دِینَارٍ إِلَّا أَتَاهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ فِی مَنَامِهِ وَ قَالا لَهُ إِمَّا بَکَّرْتَ بِالْغَدَاهِ عَلَی فُلَانٍ بِحَقِّهِ مِنْ مِیرَاثِ ابْنِ عَمِّهِ وَ إِلَّا بَکَّرَ عَلَیْکَ بِهَلَاکِکَ وَ اصْطِلَامِکَ وَ إِزَالَهِ نِعَمِکَ وَ إِبَانَتِکَ مِنْ حَشَمِکَ فَأَصْبَحُوا کُلُّهُمْ وَ حَمَلُوا إِلَی الرَّجُلِ مَا عَلَیْهِمْ حَتَّی حَصَلَ عِنْدَهُ مِائَهُ أَلْفِ دِینَارٍ وَ مَا تُرِکَ أَحَدٌ بِمِصْرَ مِمَّنْ لَهُ عِنْدَهُ مَالٌ إِلَّا وَ أَتَاهُ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ فِی مَنَامِهِ وَ أَمَرَاهُ أَمْرَ تَهَدُّدٍ بِتَعْجِیلِ مَالِ الرَّجُلِ أَسْرَعَ مَا یَقْدِرُ عَلَیْهِ وَ أَتَی مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ هَذَا الْمُؤْثِرَ لِقَرَابَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَنَامِهِ فَقَالا لَهُ کَیْفَ رَأَیْتَ صُنْعَ اللَّهِ لَکَ (۳) قَدْ أَمَرْنَا مَنْ بِمِصْرَ أَنْ یَجْعَلَ إِلَیْکَ مَالَکَ أَ فَنَأْمُرُ حَاکِمَهَا بِأَنْ یَبِیعَ عَقَارَکَ وَ أَمْلَاکَکَ وَ یُسَفْتِجَ إِلَیْکَ بِأَثْمَانِهَا لِتَشْتَرِیَ بَدَلَهَا مِنَ الْمَدِینَهِ قَالَ بَلَی فَأَتَی مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ علیهما السلام حَاکِمَ مِصْرَ فِی مَنَامِهِ فَأَمَرَاهُ أَنْ یَبِیعَ عَقَارَهُ وَ السُّفْتَجَهَ بِثَمَنِهِ إِلَیْهِ فَحُمِلَ إِلَیْهِ مِنْ تِلْکَ الْأَثْمَانِ ثَلَاثُمِائَهِ أَلْفِ دِینَارٍ فَصَارَ أَغْنَی مَنْ بِالْمَدِینَهِ ثُمَّ أَتَاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا جَزَاؤُکَ فِی الدُّنْیَا عَلَی إِیثَارِ قَرَابَتِی عَلَی قَرَابَتِکَ وَ لَأُعْطِیَنَّکَ فِی الْآخِرَهِ بَدَلَ کُلِّ حَبَّهٍ (۴) مِنْ هَذَا الْمَالِ فِی الْجَنَّهِ أَلْفَ قَصْرٍ أَصْغَرُهَا أَکْبَرُ مِنَ

۱- فی المصدر: یعتل.

۲- فی المصدر: و وسع علی عیاله.

۳- فی المصدر: صنع اللّه بک.

۴- فی نسخه: بکل حبه.

الدُّنْيَا مَغْرِزُ كُلِّ إِبْرَةٍ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: خداوند فرموده «وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً.» - . بقره / ۸۳ - پیامبر اکرم فرمود: بهترین و سزاوارترین پدر و مادر شما به سپاسگزاریتان، محمّد و علی علیهما السّلام هستند.

و علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: از پیامبر اکرم شنیدم که می فرمود: من و علی دو پدر این امت هستیم و حق ما بر مردم بزرگ تر از حق پدر و مادر نژادیشان است، زیرا ما آنها را در صورت اطاعت از ما، از جهنم به بهشت برین نجات می دهیم و آنها را از بندگی به بهترین آزادگان ملحق می کنیم.

و حضرت فاطمه علیها السّلام فرمود: دو پدر این امت محمّد و علی هستند، آنها را از انحرافشان به راه راست برمی گردانند و اگر مطیع آنها باشند، از عذاب دائم نجات می‌دهند و نعمت جاوید را بر ایشان جایز می کنند، اگر با آن دو موافق باشند.

حضرت امام حسن علیه السّلام فرمود: دو پدر این امت محمّد و علی هستند. خوشا به حال کسی که عارف به حق آنها باشد و در تمام احوال از ایشان اطاعت کند. خدا او را از بهترین ساکنان بهشت قرار می دهد و او را با کرامات و رضوانش، با سعادت می گرداند.

و حضرت امام حسین علیه السّلام فرمود: هر کس حق دو پدر شایسته تر خود محمّد و علی را بشناسد و به واقع از ایشان اطاعت کند، به او می گویند هر کجای بهشت که مایلی ساکن شو.

و حضرت علی بن الحسین علیهما السّلام فرمود: اگر حق پدر و مادر بر فرزندانش بزرگ است، به واسطه نیکی و احسان آنها به فرزندنشان است، پس احسان و نیکی محمّد و علی به این امت بزرگ تر و عظیم‌تر از آنها است. پس آن دو شایسته ترند که دو پدر آنها باشند.

و حضرت باقر علیه السّلام فرمود: هر کس می خواهد بداند چقدر در نزد خدا مقام دارد، نگاه کند چه اندازه احترام می گذارد به دو پدر شایسته خود، محمّد و علی علیهما السلام.

و حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر کس مراعات حق دو پدر گرامی تر خود محمّد و علی را بنماید، اگر حقی از پدر و مادر خود و سایر بندگان خدا ضایع کرده باشد، او را زیانی نخواهد بخشید، زیرا محمّد و علی علیهما السلام آنها را با کوشش خود راضی می کنند.

و حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود: ثواب نماز به اندازه تعظیم نمازگزار نسبت به دو پدر گرامی تر خود محمّد و علی بیشتر می‌شود.

و حضرت رضا علیه السّلام فرمود: آیا یکی از شما کراهت ندارد اگر او را از پدر و مادری که او را به دنیا آورده‌اند، نفی نمایند؟ عرض کردند: آری به خدا سوگند. فرمود: پس باید سعی کند که از پدر و مادری که از پدر و مادر نژادیش برتر هستند، نفی نشود.

و حضرت جواد علیه السّلام به مردی که در خدمتش بود فرمود: من محمّد و علی را چنان دوست دارم که اگر قطعه قطعه شوم یا با قیچی ریزه ریزه شوم، دست از آنها نمی کشم. حضرت جواد فرمود: بدون شک محمّد و علی علیهما السّلام از خودشان به تو آن مقدار عطا می کنند که تو به آنها از خودت داده‌ای. آنها در روز قیامت آن قدر برای تو درخواست می کنند که هر چه تو برای آنها بذل کردی، یک صد هزارم آن هم نمی شود.

و حضرت امام علی النقی علیه السّلام فرمود: هر کس پدران دینی او محمد و علی گرامی تر از پدر و مادر نژادیش نباشند، از خدا برای او در حلال و حرام و در کم و زیاد بهره‌ای نیست.

و حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود: هر کس اطاعت از از پدران دینی خود محمد و علی را بر اطاعت پدر و مادر نژادی خود مقدم بدارد، خدا به او فرموده: من هم تو را مقدم می‌دارم، همان طور که تو مرا مقدم داشتی و پیش پدران دینی ات به تو شرافت و شخصیت می دهم، چنان چه تو خودت را شرافت دادی به مقدم داشتن محبت آن دو بر محبت پدر و مادر نژادیت. اما این آیه «وَ لِذِی الْقُرْبی» آنها خویشاوندان پدر مادریت هستند. به تو گفته شد: حق آنها را بشناس! چنان چه این پیمان از بنی اسراییل گرفته شد و بر شما امت محمّد نیز تعهد گرفته شده است به معرفت خویشاوندان محمّد که آنها ائمه و پیشوایان بعد از او هستند و کسانی که جانشین ایشان می شوند از بهترین اهل دینشان.

امام علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: هر کس رعایت حق خویشاوندان پدر و مادری خود را بنماید، در بهشت به او هزار درجه داده می‌شود که فاصله بین هر درجه تا درجه دیگر، به اندازه صد سال دویدن اسب تندروی تربیت شده است. یکی از درجات از نقره و دیگری از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور است. و این درجات از چنین جنس ها است. و کسی که رعایت حق خویشاوندان محمّد و علی را بنماید، به او آن قدر درجه و ثواب اضافه بر این ها می دهند که معادل برتری محمّد و علی بر پدر و مادر نژادیش است.

حضرت فاطمه علیها السّلام به برخی از زنان فرمود: دو پدر دینی خود محمّد و علی را راضی کن، گرچه همراه با خشم پدر و مادر نژادی ات باشد. مبادا پدر و مادر نژادیت را با خشم دو پدر دینی ات راضی کنی، زیرا اگر پدر و مادر نژادی ات خشمگین شوند، محمّد و علی علیهما السلام آنها را راضی می کنند به ثواب یک جزء از یک میلیون جزء از یک ساعت اطاعت کردن تو از آن دو و اگر دو پدر دینی ات خشمگین شدند، پدر و مادر نژادی ات نمی توانند آن دو را راضی کنند، زیرا تمام ثواب اطاعت‌های اهل دنیا برابر با خشم محمّد و علی علیهما السلام نمی شود.

و حسن بن علی علیهما السّلام فرمود: بر تو باد نیکی به خویشاوندان دو پدر دینی ات محمّد و علی، گرچه حق خویشاوندان پدر و مادرت را ضایع کرده باشی، و برحذر باش از ضایع کردن خویشاوندان دو پدر دینی ات به تلافی خویشاوندان پدر و مادر نژادی ات، زیرا شکر خویشاوندان دو پدر دینی تو محمّد و علی پیش آنها برایت سود بیشتری دارد از شکر خویشاوندان پدر و مادر نژادی تو پیش آنها، چون خویشاوندان دو پدر دینی ات وقتی تو را شکرگزارند در نزد پیامبر و علی علیهما السلام به کمترین چیزی، یک نظر آنها به تو موجب از بین رفتن گناهانت می شود، گرچه فاصله بین زمین تا عرش پر کرده باشند. و اگر خویشاوندان پدر و مادر نژادی ات از تو سپاسگزاری کردند پیش آن دو، در حالی که خویشاوندان دو پدر دینی ات را

ضـایع کرده باشـی، ذره ای از تو رفع نیـاز نکردنـد و علی بن الحسـین علیهما السّـلام فرمود: حق خویشاونـدان دو پـدر دینی ما محمّـد و علی و دوسـتان آن دو بیشتر از حق پدر و مادر نژادی ما است، زیرا دو پدر دینی ما می توانند پدر و مادر نژادی ما را راضی کنند، اما پدر و مادر نژادی ما نمی توانند دو پدر دینی محمّد و علی صلوات اللّٰه علیهما را از ما خشنود نمایند.

و حضـرت محمّـد بن علی علیهما السّـلام فرمود: کسـی که دو پـدر دینی خود محمّـد و علی و خویشاوندانشان نزد او بر پدر و مادر نژادی و خویشاونـدانشان مقـدم باشـند، خداونـد فرموده آن کس را که مقدم بود برتری دادی، تو را نیز برتری می دهم و آن کس که شایسته برتری بود را مقدم داشتی، تو را ساکن بهشتم می‌کنم و همنشینی با دوستانم شایسته‌تر است.

و حضـرت صـادق علیه السّـلام فرمـود: کسـی که برایش مشـکل باشـد هم برآوردن حق خویشاونـدان دو پـدر دینی اش و هم خویشاونـدان پـدر و مادر نژادی اش و در تقدیم یکی از آن دو مردد باشد و خویشاوندان دو پدر دینی خود را بر خویشاوندان پـدر و مادر نژادی خود مقـدم دارد، روز قیامت خداونـد فرمود: همان طور که او که خویشاونـدان دو پـدر دینی خود را مقدم داشت، پس مقدمش بدارید به سوی بهشتم و آنچه برایش درجه قرار داده اند، یک میلیون برابر اضافه می شود.

و موسی بن جعفر علیهما السّلام فرمود: در حالی که به او گفته شد شخصی هزار درهم داشت و دو متاع که هر دو را مایل بود بخرد، به او عرضه شـد، اما سـرمایه اش برای هر دو کافی نبود. پرسـید: کـدام یک برایم سودمنـدتر است؟ به او گفته شـد: آن یکی سودش هزار برابر این است. فرمود: مگر عقـل به او حکم نمی کنـد که بهـتر را برگزینـد؟ گفتنـد: چرا. فرمود: همین طور مقـدم داشـتن خویشاونـدان دو پدر دینی ات محمّد و علی ثوابش بیش از این است، زیرا برتری آن معادل برتری محمّد و علی است بر پدر و مادر نژادی اش.

و به حضـرت رضا علیه السّـلام گفته شـد: آیا شـما را به زیان کار ضـرر دیـده خبر ندهیم؟ فرمود: او کیست؟ گفتند: فلانی که دینارهای خود را به درهم فروخته و مال او از ده هزار دینار به ده هزار درهم تبـدیل شده است. فرمود: اگر ده هزار درهم را به هزار دینـار می‌فروخت، آیـا ضـرر و زیـان و حسـرتش بیشتر نبود؟ گفتنـد: آری. فرمود: اینک شـما را مطلع نکنم از کسـی که پشیمانی و زیانش از او بیشتر است؟ گفتند: آری. فرمود: اگر شخصی هزار کوه طلا داشته باشد، آن را بفروشد به هزار دانه بی ارزش، آیا از آن کسـی که قبلا ذکر شد، حسرت و زیانش بیشتر نیست؟ گفتند: آری. فرمود: آیا شـما را مطلع نکنم از کسـی که از این شـخص هم زیانکارتر و پشـیمان تر است؟ گفتند: آری. فرمود: کسی که در نیکی و خوبی، خویشاوندان پدر و مادر نژادی خود را مقدم بدارد بر خویشاوندان دو پدر دینی خود محمّد و علی، زیرا برتری خویشاوندان محمد و علی دو پدر دینی او بر خویشاوندان پدر و مادر نژادی اش، برتر از برتری هزار کوه طلا بر هزار دانه بی ارزش است.

و حضـرت جواد علیه السّلام فرمود: هر کس خویشاوندان دو پدر دینی خود محمّد و علی را بر خویشاوندان پدر و مادر نژادی خود اختیار کنـد، خداونـد او را در روز قیامت در مقابل مردم اختیار می‌کنـد و او را با تحفه های کرامت خویش معروف می‌ـ کند و او را به واسـطه آن بر بندگان شـرافت می بخشد مگر کسـی که یکی از این ابوین را با دیگری در فضایلش برابر دانسـته باشد یا پدر و مادر نژادی اش را مقدم داشته باشد.

و حضـرت امام علی النقی علیه السّلام فرمود: از بزرگداشت مقام خدا، مقدم داشتن خویشاوندان دو پدر دینی ات محمّد و علی

بر خویشاوندان پدر و مادر نژادی ات است. و از سبک شمردن مقام خدا است مقدم داشتن خویشاوندان پدر و مادر نژادی ات بر خویشاوندان دو پدر دینی ات محمّد و علی علیهما السّلام.

و حضرت امام حسن علیه السّلام فرمود: مردی خانواده اش دچار گرسنگی شدند. خارج شد تا برای آنها خوراکی تهیه کند. یک درهم به دست آورد. نان و خورش خرید. گذارش به مرد و زنی از خویشاوندان محمّد و علی علیهما السّلام افتاد و آن دو را گرسنه یافت. گفت: اینها از خانواده خودم شایسته ترند. نان و خورش را به آنها داد و نمی‌دانست که پیش خانواده خود چگونه عذر بخواهد. شروع به آهسته حرکت کردن نمود و در راه فکر می کرد به اینکه چه عذری برایشان بیاورد و به آنها بگوید که با درهم چه کرده است، زیرا چیزی برایشان نیاورده است. در همین حال که در راهش متحیر بود، پیکی در جستجوی او بود. پس پیک را به سوی او راهنمایی کردند. پیک نامه‌ای از مصر برای او آورد با پانصد دینار در کیسه‌ای و گفت این باقی مانده مال پسر عمویت است که در مصر از دنیا رفته که من برای تو آوردم، و صد هزار دینار نیز به گردن تجار مکه و مدینه گذاشته که باید بپردازند و اموال غیر منقول و اموال زیادی در مصر دارد که چندین برابر این است. پانصد دینار را گرفت و صرف خرج خانواده خود نمود. آن شب پیامبر اکرم و علی را در خواب دید. به او فرمودند: چگونه مشاهده کردی بی نیاز کردن ما تو را، چون خویشاوندان مرا بر خویشاوندان خود مقدم داشتی؟ سپس هیچ کس از کسانی که در مدینه و مکه مقروض به پسر عموی او بودند نماند، مگر اینکه پیامبر و علی به خوابش آمدند و به او فرمودند: اگر صبح کردی و حق فلانی را که به ارث از پسر عمویش می برد، دادی (که هیچ)، وگرنه صبح می‌شود بر تو در حال هلاک تو و ریشه کن شدن تو و نابودی نعمت‌های تو و جدا شدن تو از خدمتکارانت. صبح کردند و بدهی خود را پرداختند تا صد هزار دینار به دستش رسید و هیچ کس در مصر که مالی از پسر عموی او در اختیارش بود، رها نشد مگر اینکه محمد و علی به خواب آمدند و به او با تهدید امر کردند که هر چه زودتر مال فلانی را رد کن. آن کسی که خویشاوندان پیامبر را مقدم داشت، محمد و علی به خوابش آمدند و به او فرمودند: دیدی خدا چه کرد؟ به ما امر کرد که به کسانی که در مصر بودند دستور دهیم که هر چه زودتر اموال تو را تحویل دهند. اگر مایلی به حاکم مصر بگوییم اموال غیر منقول و املاک تو را بفروشد و پولش را برایت بفرستد تا با پول آن در مدینه برای خود ملک بخری؟ گفت آری. حضرت محمّد و علی علیهما السّلام به خواب حاکم مصر آمدند و به او دستور دادند اموال غیر منقول او را بفروشد و پولش را برای او بفرستد. از آن دارایی‌ها مبلغ سیصد هزار دینار برایش فرستاد و از ثروتمندترین اهل مدینه شد. بعد پیغمبر اکرم پیش آمد و فرمود: ای بنده خدا! این پاداش دنیای تو بود که خویشاوندان مرا بر خویشان خود مقدم داشتی. در آخرت به تو در مقابل هر دانه از مالی که دادی، هزار قصر داده خواهد شد که کوچک ترین آنها از دنیا بزرگ تر است که هر سر سوزن آن بهتر است از دنیا و آنچه در آن است. - . تفسیر امام حسن عسکری: ۱۳۳ - ۱۳۵ -

**[ترجمه]

بیان

الحضر بالضم العدو و قال الفیروزآبادی الفتیل السحاه التی فی شق النواه و ما أغنی عنک فتیلا و لا فتیله شیئا الزیف الدرهم المغشوش و الفیج بالفتح معرب پیک و فی القاموس السفتجه کقرطقه أن تعطی مالا لأحد و للآخذ مال فی بلد المعطی فیوفیه

إياه ثم فيستفيد أمن الطريق و فعله السفتجه بالفتح.

**[ترجمه]«الحُضر» با ضمه یعنی دویدن و فیروز آبادی گفته است: «الفتیل» یعنی نخی که در شکاف هسته خرماست و تو را به اندازه نخ وسط شکاف خرما هم بی نیاز نمی‌کند و لا فتیله شیئا.و «الزیف» یعنی درهم مغشوش و «الفیج» معرب پیک است و در قاموس گفته است: «السفتجه» مانند «قرطعه» یعنی مالی را به کسی بدهی و گیرنده در شهر دهنده مال، مالی داشته باشد. پس مال خودش را به جای آن مال بدهد، پس در آنجا از امنیت راه بهره مند می‌شود و کار او را «السفتجه» با فتحه می گویند.

**[ترجمه]

«۹»

فس، تفسير القمی فِی قَوْلِهِ تَعَالَی الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ (۲) الْآيَةَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ يَقُولُ اللَّهُمَّ صِلْ مَنْ وَصَلَنِی وَ اقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِی وَ هِیَ تَجْرِی فِی كُلِّ رَحِمٍ وَ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِی آلِ مُحَمَّدٍ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره آیه «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ * وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» - . رعد / ۲۰ - ۲۱ -

{همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی شکنند و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می پیوندند} تا آخر آیه، محمّد بن فضیل از حضرت ابوالحسن نقل کرد که فرمود: خویشاوند آل محمّد آویخته به عرش است و می گوید: خدایا! پیوند نما با کسی که با من پیوند نموده و قطع کن از کسی که مرا قطع نموده. این در هر خویشاوندی جاری است، اما این آیه درباره آل محمّد است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۳۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۰»

شی، تفسير العياشی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عليه السلام يَقُولُ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ قَالَ إِنَّ رَحِمَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ فِی كُلِّ رَحِمٍ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: محمد بن فضیل گفت: از موسی بن جعفر علیهما السّلام شنیدم که می‌فرمود: «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ لا يَنْقُضُونَ الْمِيثاقَ * وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» فرمود: خویشاوند، آل محمد است... و مانند روایت بالا را تا عبارت «در هر خویشاوندی» ذکر کرده است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مع، معانی الأخبار ابْنُ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَلَفٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَعَ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّ رَحِمَ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله لَيَتَعَلَّقُ بِالْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ تَتَعَلَّقُ بِهَا أَرْحَامُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ يَا رَبِّ صِلْ مَنْ وَصَلَنَا وَ اقْطَعْ مَنْ قَطَعَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَا الرَّحْمَنُ وَ أَنْتَ الرَّحِمُ شَقَقْتُ اسْمَكَ مِنِ اسْمِی فَمَنْ وَصَلَكَ وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَكَ قَطَعْتُهُ وَ لِذَلِكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الرَّحِمُ شِجْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۵).

ص: ۲۶۵

۱- التفسير المنسوب إلى الامام العسكریّ: ۱۳۳- ۱۳۵.

۲- الرعد: ۲۰ و ۲۱.

۳- تفسير القمّیّ: ۳۴۰.

۴- تفسير العيّاشیّ ۲: ۲۰۸.

۵- معانی الأخبار: ۸۷.

**[ترجمه]معانی الاخبار: عمرو بن جمیع گفت: با چند نفر از اصحابش خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم. شنیدم که می فرمود: خویشاوند ائمه از آل محمّد روز قیامت به عرش آویخته و خویشاوندان مؤمنان نیز به آن آویخته‌اند. و می گوید: خدایا! بپیوند به کسی که به ما پیوسته و قطع کن از کسی که از ما قطع کرده. فرمود: خداوند می فرماید: من رحمان هستم و تو رحم. نام تو را از نام خود جدا کرده ام. هر کس به تو بپیوندد، به او می پیوندم و هر کس از تو قطع کند، از او قطع رابطه می‌کنم. و به همین جهت پیامبر اکرم فرمود: رحم شعبه ای از خدا است. - . معانی الاخبار: ۸۷ -

**[ترجمه]

إيضاح

قال الجزری فیه الرحم شجنه من الرحمن أی قرابه مشتبکه کاشتباک العروق شبه بذلک مجازا و أصل الشجنه بالضم و الکسر شعبه من غصن من غصون الشجره.

**[ترجمه]جزری گفته است «فیه الرحم شجنه من الرحمن»، یعنی خویشاوندی به هم آمیخته است، مانند درآمیختن رگ‌ها و مجازا به آن تشبیه شده است. و اصل «الشجنه» به ضمه و کسره، شعبه‌ای از یک شاخه از شاخه‌های درخت است.

**[ترجمه]

«۱۲»

م، تفسیر الإمام علیه السلام قَالَ: وَ تَفْسِیرُ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّحْمنُ أَنَّ قَوْلَهُ الرَّحْمَنُ مُشْتَقٌّ مِنَ الرَّحِمِ (۱).

وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَا الرَّحْمَنُ وَ هِیَ الرَّحِمُ شَقَقْتُ لَهَا اسْماً مِنِ اسْمِی مَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتُهُ ثُمَّ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام أَ وَ تَدْرِی مَا هَذِهِ الرَّحِمُ الَّتِی مَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ الرَّحْمَنُ وَ مَنْ قَطَعَهَا قَطَعَهُ الرَّحْمَنُ فَقِیلَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حَثَّ بِهَذَا کُلَّ قَوْمٍ عَلَی أَنْ یُکْرِمُوا أَقْرِبَاءَهُمْ (۲) وَ یَصِلُوا أَرْحَامَهُمْ فَقَالَ لَهُمْ أَ یَحُثُّهُمْ عَلَی أَنْ یَصِلُوا أَرْحَامَ الْکَافِرِینَ وَ أَنْ یُعَظِّمُوا مَنْ حَقَّرَهُ اللَّهُ وَ أَوْجَبَ احْتِقَارَهُ مِنَ الْکَافِرِینَ قَالُوا لَا وَ لَکِنَّهُ یَحُثُّهُمْ (۳) عَلَی صِلَهِ أَرْحَامِهِمُ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ فَقَالَ أَوْجَبَ حُقُوقَ أَرْحَامِهِمْ لِاتِّصَالِهِمْ بِآبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ قُلْتُ بَلَی یَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ فَهُمْ إِذاً إِنَّمَا یَقْضُونَ فِیهِمْ حُقُوقَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ قُلْتُ بَلَی یَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ قَالَ فَآبَاؤُهُمْ وَ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّمَا غَذَّوْهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ وَقَوْهُمْ مَکَارِهَهَا وَ هِیَ نِعْمَهٌ زَائِلَهٌ وَ مَکْرُوهٌ یَنْقَضِی وَ رَسُولُ رَبِّهِمْ سَاقَهُمْ إِلَی نِعْمَهٍ دَائِمَهٍ لَا تَنْقَضِی وَ وَقَاهُمْ مَکْرُوهاً مُؤَبَّداً لَا یَبِیدُ فَأَیُّ النِّعْمَتَیْنِ أَعْظَمُ قُلْتُ نِعْمَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَجَلُّ وَ أَعْظَمُ وَ أَکْبَرُ قَالَ فَکَیْفَ یَجُوزُ أَنْ یَحُثَّ عَلَی قَضَاءِ حَقِّ مَنْ صَغَّرَ اللَّهُ حَقَّهُ وَ لَا یَحُثَّ عَلَی قَضَاءِ حَقِّ مَنْ کَبَّرَ اللَّهُ حَقَّهُ قُلْتُ لَا یَجُوزُ ذَلِکَ قَالَ فَإِذاً حَقُّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ الْوَالِدَیْنِ وَ حَقُّ رَحِمِهِ أَیْضاً أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ رَحِمِهِمَا فَرَحِمُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْلَی بِالصِّلَهِ وَ أَعْظَمُ

۱- فی المصدر: مشتق من الرحمه.

۲- فی نسخه: آباءهم.

۳- فی المصدر: لکنه حثهم.

فِی الْقَطِیعَهِ فَالْوَیْلُ کُلَّ الْوَیْلِ لِمَنْ قَطَعَهَا وَ الْوَیْلُ کُلَّ الْوَیْلِ لِمَنْ لَمْ یُعَظِّمْ حُرْمَتَهَا أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ حُرْمَهَ رَحِمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حُرْمَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَنَّ حُرْمَهَ رَسُولِ اللَّهِ حُرْمَهُ اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ أَعْظَمُ حَقّاً مِنْ کُلِّ مُنْعِمٍ سِوَاهُ فَإِنَّ کُلَّ مُنْعِمٍ سِوَاهُ إِنَّمَا أَنْعَمَ حَیْثُ قَیَّضَهُ لَهُ ذَلِکَ رَبُّهُ وَ وَفَّقَهُ (۱) أَ مَا عَلِمْتَ مَا قَالَ اللَّهُ لِمُوسَی بْنِ عِمْرَانَ قُلْتُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی مَا الَّذِی قَالَ لَهُ قَالَ علیه السلام قَالَ اللَّهُ تَعَالَی یَا مُوسَی أَ وَ تَدْرِی مَا بَلَغَتْ رَحْمَتِی إِیَّاکَ فَقَالَ مُوسَی أَنْتَ أَرْحَمُ بِی مِنْ أُمِّی (۲) قَالَ اللَّهُ یَا مُوسَی وَ إِنَّمَا رَحِمَتْکَ أُمُّکَ لِفَضْلِ رَحْمَتِی أَنَا الَّذِی رَفَقْتُهَا (۳) عَلَیْکَ وَ طَیَّبْتُ قَلْبَهَا لِتَتْرُکَ طِیبَ وَسَنِهَا لِتَرْبِیَتِکَ وَ لَوْ لَمْ أَفْعَلْ ذَلِکَ بِهَا لَکَانَتْ وَ سَائِرَ النِّسَاءِ سَوَاءً یَا مُوسَی أَ تَدْرِی أَنَّ عَبْداً مِنْ عِبَادِی (۴) تَکُونُ لَهُ ذُنُوبٌ وَ خَطَایَا تَبْلُغُ أَعْنَانَ السَّمَاءِ فَأَغْفِرُهَا لَهُ وَ لَا أُبَالِی قَالَ یَا رَبِّ وَ کَیْفَ لَا تُبَالِی قَالَ تَعَالَی لِخَصْلَهٍ شَرِیفَهٍ تَکُونُ فِی عَبْدِی أُحِبُّهَا یُحِبُّ إِخْوَانَهُ الْمُؤْمِنِینَ (۵) وَ یَتَعَاهَدُهُمْ وَ یُسَاوِی نَفْسَهُ بِهِمْ وَ لَا یَتَکَبَّرُ عَلَیْهِمْ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِکَ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَا أُبَالِی یَا مُوسَی إِنَّ الْفَخْرَ رِدَائِی (۶) وَ الْکِبْرِیَاءَ إِزَارِی مَنْ نَازَعَنِی فِی شَیْ ءٍ مِنْهُمَا عَذَّبْتُهُ بِنَارِی یَا مُوسَی إِنَّ مِنْ إِعْظَامِ جَلَالِی إِکْرَامَ عَبْدِیَ الَّذِی أَنَلْتُهُ حَظّاً مِنْ حُطَامِ الدُّنْیَا عَبْداً مِنْ عِبَادِی مُؤْمِناً قَصُرَتْ یَدُهُ فِی الدُّنْیَا فَإِنْ تَکَبَّرَ عَلَیْهِ فَقَدِ اسْتَخَفَّ بِعَظِیمِ جَلَالِی ثُمَّ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِنَّ الرَّحِمَ الَّتِی اشْتَقَّهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ (۷)

۱- فی المصدر: حیث قیضه لذلک ربّه و وفقه له اقول: قیضه اللّه له کذا: قدره له.

۲- فی المصدر: انت ارحم بی من أبی و امی.

۳- فی نسخه: رققتها علیک.

۴- فی المصدر: ان عبدا من عبادی مؤمنا.

۵- فی نسخه: (الفقراء) و فی المصدر: احبها، و هی ان یحب إخوانه الفقراء المؤمنین.

۶- فی المصدر: ان العظمه ردائی و فیه: فمن نازعنی.

۷- فی المصدر: اشتقها اللّه من رحمته.

بِقَوْلِهِ أَنَا الرَّحْمَنُ هِيَ رَحِمُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ إِنَّ مِنْ إِعْظَامِ اللَّهِ إِعْظَامَ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ مِنْ إِعْظَامِ مُحَمَّدٍ إِعْظَامَ رَحِمِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِنْ شِيعَتِنَا هُوَ مِنْ رَحِمِ مُحَمَّدٍ وَ إِنَّ إِعْظَامَهُمْ مِنْ إِعْظَامِ مُحَمَّدٍ فَالْوَيْلُ لِمَنِ اسْتَخَفَّ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ طُوبَى لِمَنْ عَظَّمَ حُرْمَتَهُ وَ أَكْرَمَ رَحِمَهُ وَ وَصَلَهَا (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: گفته است: در مورد تفسیر «الرحمان» می فرماید: «رحمن» مشتق از «رحم» است و امیرالمؤمنین فرمود: از پیامبر اکرم شنیدم که می فرمود: خداوند فرموده است: من رحمانم و آن رحم است. اسمی از نام خود را به او اختصاص دادم. هر که به آن بپیوندد، به او می پیوندم و هر که از آن قطع کند، از او قطع می کنم. سپس علی علیه السّلام فرمود: می دانی این خویشاوندی که هر کس به آن بپیوندد، رحمان به او پیوسته است و هر که از او قطع کند رحمان از او قطع کرده کدام است؟ گفته شد یا امیرالمؤمنین! با این دستور تشویق نموده که هر فامیلی، خویشاوندان خود را اکرام کنند و به خویشاوندانشان بپیوندد. علی علیه السّلام به آنها فرمود: آیا خداوند ترغیب می کند که به خویشاوندان کافر خود بپیوندند و آن کس که خدا او را تحقیر نموده و واجب کرده تحقیر نمودن آن کافر را؟ گفتند: نه، ولی ترغیب بر صله ارحام مؤمنش نموده. فرمود: حقوق خویشاوندانشان را به واسطه پیوستگی آنها به پدران و مادرانشان واجب نموده. گفتم: آری ای برادر رسول خدا! فرمود: آیا در این صورت آنها حقوق پدر و مادر را در میان ایشان ادا می‌نمایند؟ گفتم: آؤی ای برادر رسول خدا! فرمود: پس پدران و مادرانشان آنها را در دنیا تغذیه نمودند و آنها را از ناراحتی‌های دنیا حفظ کردند که نعمتی زوال پذیر و ناراحتی زودگذری است، در حالی که پیامبر آنها را به نعمتی جاوید کشانده که از بین نمی‌رود و آنها را از ناراحتی ابدی حفظ کرده که فانی نمی شود. کدام یک از این دو نعمت بزرگ تر است؟ گفتم: نعمت پیامبر محترم‌تر و عظیم‌تر و بزرگ تر است. فرمود: پس چگونه جایز است که ترغیب کند بر ادای حق کسی که خدا حق آن را کوچک شمرده، ولی ترغیب نمی کند بر ادای حق کسی که خدا حق او را بزرگ شمرده؟ گفتم: چنین چیزی جایز نیست. فرمود: پس حق رسول خدا از حق پدر و مادر بزرگ تر است و حق خویشاوند او نیز از خویشاوند این دو بزرگ تر. پس پیوند با خویشاوند پیامبر سزاوارتر و قطع آن بزرگ تر است. وای واقعا وای بر کسی که آن را قطع کند! وای واقعا وای بر کسی که حرمت آن را بزرگ نشمارد! مگر نمی دانی احترام خویشاوند پیامبر، احترام پیامبر است و احترام پیامبر، احترام خدا است؟ و حق خدا از هر منعمی غیر از او بالاتر است، زیرا هر منعمی غیر از خدا که نعمت داده، خدایش به او داده و او را توفیق داده. آیا نمی‌دانی خداوند به موسی بن عمران چه فرمود؟ عرض کردم: پدر و مادرم فدایتان! چه فرمود؟ فرمود: خداوند به او خطاب کرد: ای موسی! آیا می دانی رحمت من تا چه اندازه شامل حال تو شده؟ موسی عرض کرد: خدایا! تو به من از مادرم مهربان‌تری. فرمود: ای موسی! مهربانی مادرت نسبت به تو، به فضل رحمت من است. من او را مهربان به تو کردم و دلگرمش کردم که خواب عمیق خود را برای تربیت تو ترک کند. اگر این کار را با او نکرده بودم، او با دیگر زنان فرقی نداشت. فرمود: ای موسی! می دانی ممکن است یکی از بندگانم گناهان و خطاهای زیادی داشته باشد، که به بلندی‌های آسمان برسد تمام گناهان او را می‌بخشم و هیچ باکی ندارم؟ عرض کرد: خدایا! چگونه باکی نداری؟ فرمود: به واسطه یک صفت که در آن بنده است و من آن صفت را دوست می‌دارم؛ برادران مؤمن خود را دوست می دارد و با آنها هم پیمان است و خویش را با ایشان برابر می داند و تکبر بر آنها نمی نماید. اگر چنین کند، گناهانش را می آمرزم و باکی ندارم. ای موسی! فخر ردای من و کبریا پیراهن من است. هر کس در چیزی از این دو، با من به نزاع برخیزد، او را با آتشم عذاب می کنم. ای موسی! از بزرگداشت مقام من، گرامی داشتن بنده من است که او را از نعمت‌های دنیا بهره مند نموده ام. بنده ای از بندگان مؤمن من

که دستش را از مال دنیا کوتاه کرده ام، اگر بر او تکبر ورزد، مقام بزرگ مرا کوچک شمرده.

بعد امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: خویشاوندی که خداوند او را جدا کرده با قولش که من رحمانم، خویشاوند محمّد است و بزرگداشت محمّد، بزرگداشت خدا است و بزرگداشت خویشاوند پیامبر، بزرگداشت پیامبر است. و هر مرد و زن مؤمن از شیعیان ما، خویشاوند محمّد است و بزرگداشت آنها بزرگداشت پیامبر است. پس وای بر کسی که احترام حضرت محمّد را کوچک شمارد و خوشا به حال کسی که آن را بزرگ بشمارد احترام او را و خویشاوندانش را اکرام کند و به آنها بپیوندد. - . تفسیر امام حسن عسکری: ۱۲ - ۱۳ -

**[ترجمه]

بیان

الوسن محركه ثقله النوم أو أوله و النعاس.

**[ترجمه]«الوسن» با حرکت یعنی سنگینی خواب یا اول آن و چرت.

**[ترجمه]

«۱۳»

شی، تفسیر العياشی عَنِ العلا (العَلَاءِ) بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الرَّحِمُ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَقُولُ اللَّهُمَّ صِلْ مَنْ وَصَلَنِی وَ اقْطَعْ مَنْ قَطَعَنِی وَ هِیَ رَحِمُ آلِ مُحَمَّدٍ وَ رَحِمُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ هِیَ قَوْلُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: علاء بن فضیل از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که شنیدم می‌فرمود: خویشاوند آویخته به عرش است و می گوید: خدایا! بپیوند به کسی که به من پیوسته و قطع کن از کسی که از من قطع نموده و آن رحم آل محمد و رحم هر مؤمنی است. و این است فرمایش خدا «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ.» - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۴»

شی، تفسیر العياشی عَنْ عُمَرَ ابْنِ مَرْيَمَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ قَالَ مِنْ ذَلِكَ صِلَةُ الرَّحِمِ وَ غَايَةُ تَأْوِيلِهَا صِلَتُكَ إِيَّانَا (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عمر بن مریم گفت از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم «وَ الَّذِينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ

اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» فرمود يک معنى آن صله رحم است و نهايت تأويل آيه همين پيوند تو است با ما. - . تفسير عياشى ۲ : ۲۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۵»

شى، تفسير العياشى عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ قَالَ يَا سَعْدُ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ مُحَمَّدٌ وَ الْإِحْسانِ وَ هُوَ عَلِيٌّ وَ إِيتاءِ ذِى الْقُرْبى وَ هُوَ قَرَابَتُنَا أَمَرَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِمَوَدَّتِنَا وَ إِيتَائِنَا وَ نَهَاهُمْ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ مَنْ بَغَى عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ وَ دَعَا إِلَى غَيْرِنَا (۴).

**[ترجمه]تفسير عياشى: سعد از حضرت باقر عليه السّلام نقل كرد كه درباره آيه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ» فرمود: اى سعد! خدا دستور به عدل مى دهد، يعنى محمّد و احسان يعنى على «وَ إِيتاءِ ذِى الْقُرْبى» - . نحل / ۹۰ -

{در حقيقت خدا به دادگرى و نيكوكارى و بخشش به خويشاوندان فرمان مى دهد} كه همان خويشاوندى ما است. خدا مردم را مأمور به مودت و بخشش به ما نموده و از كارهاى زشت و فحشا بازداشته است، كسى كه بر ما اهل بيت ستم روا دارد و مردم را دعوت به غير ما كند. - . تفسير عياشى ۲ : ۲۶۷ -

**[ترجمه]

«۱۶»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَوْذَةَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خُضَيْرَةَ (۵) عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ قَالَ يَعْنِى عَلِيّاً وَ مَا وَلَدَ مِنَ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام (۶).

ص: ۲۶۸

۱- تفسير العسكرىّ: ۱۲ و ۱۳ فيه: لمن استخف بشى ء من حرمه محمد.

۲- تفسير العيّاشىّ ۲: ۲۰۸.

۳- تفسير العيّاشىّ ۲: ۲۰۸.

۴- تفسير العيّاشىّ ۲: ۲۶۷. و الآيه فى سوره النحل: ۹۰.

۵- فى المصدر: عبد اللّه بن حصيره.

۶- كنز جامع الفوائد: ۳۸۷. و الآيه فى سوره البلد: ۳.

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ» پرسیدم. فرمود: یعنی علی و آن کسی را که به وجود آورد که ائمه علیهم السّلام هستند. - . کنز الفوائد: ۳۸۷ -

**[ترجمه]

«۱۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ صَالِحٍ الْأَنْمَاطِیِّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ قَالَ یَعْنِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قُلْتُ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ قَالَ عَلِیٌّ وَ مَا وَلَدَ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: منصور از مردی، از حضرت صادق نقل کرد که راجع به آیه «وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ» فرمود: یعنی رسول خدا. گفتم: «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ.» فرمود: علی و فرزندانش. - . کنز الفوائد: ۳۸۷ -

**[ترجمه]

«۱۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْحَضْرَمِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ: یَا أَبَا بَکْرٍ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ هُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام وَ مَا وَلَدَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوبکر حضرمی از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ای ابوبکر! آیه «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ» منظور علی بن ابی طالب و فرزندانش حسن و حسین هستند. - . کنز الفوائد: ۳۸۷ - ۳۸۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام هُمَا الْوَالِدَانِ وَ بِذِی الْقُرْبی قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جعفر بن محمّد بن سعید به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که درباره آیه «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لا تُشْرِکُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً» - . نساء / ۳۶ -

{و خـدا را بپرستید و چیزی را با او شـریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید} فرمود: حضـرت محمّد و علی دو پدرند و منظور از «وَ بِذِی الْقُرْبی»، حسن و حسین علیهما السلام هستند. - . تفسیر فرات: ۳۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْحَسَنُ بْنُ الْحَكَم بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ قَالَ نَزَلَتْ فِی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ ذَوِی أَرْحَامِهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ كُلَّ سَبَبٍ وَ نَسَبٍ یَنْقَطِعُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ سَبَبِهِ وَ نَسَبِهِ إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلَیْكُمْ رَقِیباً أَیْ حَفِیظاً (۴).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابن عبـاس در مورد آیه «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِی تَسائَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحامَ» گفت: درباره پیامبر و خویشاونـدانش نـازل شـده، به علت آنکه هر سـبب و نسبی روز قیامت قطع می‌شود، مگر کسـی که از سـبب و نسب پیامبر باشـد. «إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلَیْكُمْ رَقِیباً» - . نساء / ۱ - {و از خـدایی که به [نام] او از همـدیگر درخواست می کنیـد پروا نماییـد و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.} یعنی نگهبان است. - . تفسیر فرات: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۲۱»

كا، الكافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی (۵) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ

ص: ۲۶۹

۱- كنز جامع الفوائد: ۳۸۷ و الآیه فی سوره البلد: ۳.

۲- كنز جامع الفوائد: ۳۸۷ و ۳۸۸.

۳- تفسیر فرات: ۳۱. فیه: فرات قـال: حـدّثنی جعفر بن محمّـد بن سـعید الاحمسـی معنعنا عن ابی جعفر علیه السـلام و الآیه فی سوره النساء: ۳۶.

۴- تفسیر فرات: ۳۲ فیه: بسببه و فیه: یعنی حفیظا.

۵- فی بعض نسخ المصدر: عن علیّ بن محمّد.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا وَلَدَ مِنَ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: احمد بن محمّد بن عبداللّه درباره آیه «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ» - . بلد / ۱ - ۳ - {سوگند به این شهر و حال آنکه تو در این شهر جای داری سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد} از امام نقل کرد که فرمود: منظور امیرالمؤمنین و فرزندان او که ائمه‌اند، می باشد. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۴ -

**[ترجمه]

بیان

لا أُقْسِمُ قیل لا للنفی إذ الأمر واضح أو المعنی أقسم و لا مزیده للتأکید أو لأنا أقسم فحذف المبتدأ و أشبع فتحه لام الابتداء أو لا رد لکلام یخالف المقسم علیه و البلد مکه وَ أَنْتَ حِلٌّ أی مستحل بعرضک فیه أو حلال لک أن تفعل فیه ما ترید ساعه من النهار فهو وعد بما أحل له عام الفتح.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام (۲) قَالَ: کَانَتْ قُرَیْشٌ تُعَظِّمُ الْبَلَدَ وَ تَسْتَحِلُّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله فِیهِ فَقَالَ لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ یُرِیدُ أَنَّهُمُ اسْتَحَلُّوکَ فِیهِ فَکَذَّبُوکَ وَ شَتَمُوکَ الْحَدِیثَ

**[ترجمه]«لا أُقْسِمُ» گفته شده «لا» نافیه است، زیرا امر واضح است یا معنی اینکه قسم می‌خورم و «لا» زائده است برای تأکید، یا «لأنا أقسم» که مبتدا حذف شده و فتحه لام ابتدا اشباع شده، یا «لا» رد بر کلامی است که مخالف مقسم علیه است. و «الْبَلَدِ» مکه است و «أَنْتَ حِلٌّ» یعنی ریختن آبروی تو را در آن شهر، حلال می‌شمردند، یا برای تو حلال است که در مکه هر چه می‌خواهی انجام دهی، ساعتی از روز که در سال فتح مکه، وعده آن چیزی است که برای او حلال کرد.

و از حضرت صادق - . مجمع البیان ۱۰ : ۴۹۳ - علیه السّلام نقل شده که فرمود: قریش به مکه احترام می گذاشتند و ریختن آبروی محمّد صلی اللّه علیه و آله را در آن حلال می‌شمردند. خداوند در این آیه فرمود: «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ * وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ»، یعنی حلال شمردند تو را در آن، پس تکذیب کردند و دشنامت دادند... تا آخر روایت.

**[ترجمه]

«۲۲»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بِسْطَامَ بْنِ مُرَّهَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الْهَیْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الْعَبْدِیِّ (۳) عَنْ سَعْدٍ الْإِسْکَافِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ أَنَّهُ سَأَلَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ فَقَالَ الْوَالِدَانِ اللَّذَانِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا الشُّکْرَ هُمَا اللَّذَانِ وَلَدَا الْعِلْمَ وَ وَرَّثَا الْحُکْمَ وَ أُمِرَ النَّاسُ بِطَاعَتِهِمَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُ إِلَیَّ الْمَصِیرُ فَمَصِیرُ الْعِبَادِ إِلَی اللَّهِ وَ الدَّلِیلُ عَلَی ذَلِکَ الْوَالِدَانِ ثُمَّ عَطَفَ الْقَوْلَ عَلَی ابْنِ حَنْتَمَهَ وَ صَاحِبِهِ فَقَالَ فِی الْخَاصِّ وَ الْعَامِّ وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بِی یَقُولُ فِی الْوَصِیَّهِ وَ تَعْدِلَ عَمَّنْ أُمِرْتَ بِطَاعَتِهِ فَلا تُطِعْهُما وَ لَا تَسْمَعْ قَوْلَهُمَا ثُمَّ

عَطَفَ الْقَوْلَ عَلَى الْوَالِدَيْنِ فَقَالَ وَ صاحِبْهُما فِی الدُّنْیا مَعْرُوفاً یَقُولُ عَرِّفِ النَّاسَ فَضْلَهُمَا وَ ادْعُ إِلَی سَبِیلِهِمَا وَ ذَلِکَ قَوْلُهُ وَ اتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَقَالَ إِلَی اللَّهِ ثُمَّ إِلَیْنَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا الْوَالِدَیْنِ فَإِنَّ رِضَاهُمَا رِضَا اللَّهِ وَ سَخَطَهُمَا سَخَطُ اللَّهِ (۴).

**[ترجمه]اصول کافی: اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السّلام از تفسیر آیه «أَنِ اشْکُرْ لِی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصِیرُ» {که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است} سؤال کرد. فرمود: پدر و مادری که خداوند سپاس آنها را لازم شمرده، آن پدر و مادری هستند که علم را به وجود آوردند و حکمت را به ارث گذاردند و مردم مأمور به اطاعت از آنها شده‌اند. سپس فرموده است: «إِلَیَّ الْمَصِیرُ»، بازگشت بندگان به سوی خدا است و دلیل بر این، لفظ «والدان» است. سپس سخن را به ابن حنطمه و دوستش برگرداند و در خطاب به پیامبر و دیگران فرمود: «وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بِی.» می‌فرماید در وصیت و از کسی که مأمور به اطاعت از او شده‌ای، منحرف شوی. «فَلَا تُطِعْهُمَا» و به سخن ایشان گوش نده. سپس سخن را به والدین برگرداند و فرمود: «وَ صاحِبْهُما فِی الدُّنْیا مَعْرُوفاً»، می فرماید فضل و شخصیت آن دو را به مردم بشناسان و مردم را دعوت به راه آنها نما، و این آیه اشاره به همان مطلب است. «وَ اتَّبِعْ سَبِیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ» - . لقمان / ۱۴ - ۱۵ - {و اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و[لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است} فرمود: به سوی خدا و سپس به سوی ما. پس تقوای الهی پیشه کنید و با والدین مخالفت نکنید که رضای آنها رضای خدا و خشم ایشان خشم خدا است. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۸ -

**[ترجمه]

بیان

اللذان ولدا العلم أی صدر منهما علم الناس و میراثها بعد

ص: ۲۷۰

۱- أصول الکافی ۱: ۴۱۴.

۲- مجمع البیان ۱۰: ۴۹۳.

۳- فی اسناد الحدیث ضعف و جهاله.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۲۸ و الآیتان فی سوره لقمان: ۱۴ و ۱۵.

وفاتهما الحكمه فحقهما حق الحياه الروحانيه فإن حياه الروح بالعلم و الحكمه و حق والدى الجسم لمدخليتهما فى الحياه الجسمانيه منقضيه بالموت و تلك باقيه أبديه و ميراث الأخيرين المال الذى لا ينتفع به إلا فى الحياه الفانيه و ميراث الأولين العلم و الحكمه الباقيان فى ملك الأبد فهما أولى بالذكر و الشكر و الطاعه و الدليل على ذلك أى على أن المراد بالوالدين النبى و الوصى صلى الله عليه و آله لفظ الوالدين فإن المجاز فى التغليب ليس بأولى من المجاز فى أصل الكلمه و المرجحات المذكوره ترجح الثانى فالحمل عليه أظهر و يحتمل إرجاع الإشاره إلى كون المصير إلى الله أو كيفيته و على التقادير قوله حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلى وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فِي عامَيْنِ يأبى عن هذا التأويل و يمكن أن يتكلف بوجوه.

الأول أن تكون جمله حَمَلَتْهُ أُمُّهُ معترضه لبيان أشديه حق الوالدين فى العلم على والدى النسب بأن لهما مدخليه فى التربيه فى زمان قليل فى قوام البدن الفانى و الوالدان الروحانيان حقوقهما باقيه عليه ما بقى فى الدنيا و فى الآخره أبدا.

و الثانى أن يراد بالوالدين أولا المعنى الحقيقى و ثانيا المعنى المجازى بتقدير عطف أو فعل بأن يكون الباء فى بوالديه سببيه لا صله أى وصيناه بسبب رعايه والديه الجسمانيين و وجوب رعايتهما عقلا و نقلا الشكر لوالديه الروحانيين فإنهما أحرى بذلك و يؤيده ضم الشكر لله فى الثانى دون الأول.

الثالث أن يكون ظهر الآيه للوالدين الجسمانيين و بطنهما للروحانيين بتوسط أنهما أحق بذلك و هذا وجه قريب يجرى فى كثير من التأويلات الوارده فى الآيات ثم عطف القول أى صرف الكلام ابن حنتمه و هو عمر و صاحبه أبو بكر قال الفيروزآبادى حنتمه بنت ذى الرمحين أم عمر بن الخطاب.

قوله عليه السلام فى الخاص و العام أى الخطاب متوجه إلى الرسول حيث جادلوه فى الوصيه إلى أمير المؤمنين عليه السلام و يعم الخطاب أيضا كل من كلفاه

ص: ٢٧١

الرجوع عن الولا-یه و أمراه بعدم قبولها أو فی ظهر الآیه الخطاب عام و فی بطنه خاص و الأول أظهر فیکون ما ذکر بعده نشرا علی ترتیب اللف فتدبر.

و فی تفسیر علی بن إبراهیم لیس قوله و العام و لعله أظهر و بالجمله هذا من غرائب التأویل و علی تقدیر صدوره عنهم علیهم السلام من البطون العمیقه البعیده عن ظاهر اللفظ و علمه عند من صدر عنه صلی الله علیه و آله (۱).

**[ترجمه]«اللذان ولدا العلم» یعنی علم مردم از آنها صادر شده و میراث آن دو پس از وفاتشان، حکمت است. پس حق این حق حیات روحانی است، زیرا حیات روح به علم و حکمت است و حق پدر و مادر نژادی، به خاطر نقششان در حیات جسمانی با مرگ از بین می‌رود، ولی آن تا ابد باقی است و میراث پدر و مادر نژادی، مالی است که از آن به جز در زندگی فنا پذیر، بهره برده نمی‌شود و میراث دو پدر دینی، علم و حکمت است که تا ابد باقی می‌ماند. پس این دو سزاوارتر به یاد و شکر و اطاعت هستند. عبارت «و الدلیل علی ذلک» یعنی دلیل بر اینکه منظور از «والدین» پیامبر و وصی صلّی الله علیهما و آلهما است، لفظ «الوالدین» است، زیرا مجاز در غلبه دادن بهتر از مجاز در کلمه نیست و مرجحاتی که ذکر شد، دومی را ترجیح می‌دهد. پس حمل بر دومی اظهر است و شاید اسم اشاره، به بازگشت به سوی خدا یا کیفیت آن برگردد و بنا بر همه احتمالات، آیه «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَی وَهْنٍ وَ فِصَالُهُ فِی عَامَیْنِ» - . لقمان / ۱۴ - {مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است} به چند وجه مانع این تفسیر است: اول اینکه جمله «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ» معترضه باشد برای بیان شدت حق والدین در علم بر پدر و مادر نژادی، به این صورت که نقش پدر و مادر نژادی در تربیت در زمان کمی است در قدرت یافتن بدن فناپذیر، ولی حقوق دو پدر روحانی، همیشگی بر او باقی است، تا زمانی که در دنیا و آخرت باشد. دوم اینکه منظور از «والدین» اولاـ معنای حقیقی و ثانیا معنای مجازی باشد به تقدیر یک عطف یا فعل، به این صورت که باء در «بِوَالِدَیْهِ» سببیه است نه صله، یعنی به او سفارش کردیم به سبب رعایت پدر و مادر جسمانی اش و وجوب رعایت این دو، عقلا و نقلا شکر دو پدر روحانی است، زیرا این دو به آن شایسته‌ترند و ضمیمه شدن شکر خدا در دومی نه اولی، مؤید آن است. سوم اینکه ظاهر آیه برای پدر و مادر جسمانی باشد، ولی باطنش برای دو پدر روحانی، به سبب اینکه این دو سزاوارتر به آن هستند و این وجه نزدیکی است که در بسیاری از تأویلات وارد شده درباره آیات، جاری است. عبارت «ثم عطف القول» یعنی سخن را برگرداند. «ابن حنطمه» عمر است و «صاحبه» ابوبکر. فیروز آبادی گفته است: «حنطمه» دختر «ذی الرمحین» مادر عمر بن خطاب است. عبارت «فی الخاص و العام» یعنی خطاب متوجه پیامبر است، زیرا در وصیت به امیرالمؤمنین، با او به جدال پرداختند و خطاب شامل هر کسی که عمر و ابوبکر او را مجبور کردند که از ولایت برگردد و آن را نپذیرد، نیز می‌شود. یا در ظاهر آیه، خطاب عام است و در باطن آن، خطاب خاص و اولی اظهر است. پس آنچه که بعد از آن ذکر شده، لف و نشر مرتب است. تدبر کن! و در تفسیر علی بن ابراهیم عبارت «و العام» نیست و شاید این اظهر باشد. و به طور کلی آنچه مسلم است، تأویل آیه به این صورت بسیار بعید به نظر می‌رسد. اگر واقعا از خود ائمه رسیده باشد، از بطون بسیار عمیق تفسیر است که از ظاهر لفظ دور است و علم آن در نزد خودشان است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۹۵ -

**[ترجمه]

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْخَشَّابِ (۲) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يُوسُفَ الْعَبْدِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ يُولَدُ لَكَ مَوْلُودٌ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ يَا جَبْرَئِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ مِنْهُ الْأَئِمَّةَ وَ الْأَوْصِيَاءَ (۳) قَالَ وَ جَاءَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إِلَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ لَهَا إِنَّكِ تَلِدِينَ وَلَداً تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَتْ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَخَاطَبَهَا ثَلَاثاً ثُمَّ قَالَ لَهَا إِنَّ مِنْهُ الْأَئِمَّةَ وَ الْأَوْصِيَاءَ فَقَالَتْ نَعَمْ يَا أَبَهْ فَحَمَلَتْ بِالْحُسَيْنِ فَحَفِظَهَا اللَّهُ وَ مَا فِي بَطْنِهَا مِنْ إِبْلِيسَ فَوَضَعَتْهُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يُسْمَعْ بِمَوْلُودٍ وُلِدَ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْحُسَيْنُ وَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عليهم السلام فَلَمَّا وَضَعَتْهُ وَضَعَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لِسَانَهُ فِي فِيهِ فَمَصَّهُ وَ لَمْ يَرْضَعِ الْحُسَيْنُ عليه السلام مِنْ أُنْثَى حَتَّى نَبَتَ لَحْمُهُ وَ دَمُهُ مِنْ رِيقِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً (۴).

۱- تفسير القمّيّ: ۴۹۵.

۲- في المصدر: الحسن بن موسى الخشاب.

۳- في المصدر: فقال: نعم، قال.

۴- كنز جامع الفوائد: ۳۰۱. و الآيه في سوره الاحقاف: ۱۵.

**[ترجمه]کنز الفوائد: حسین بن زید از آباء گرام خود علیهم السّلام نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نازل شد و گفت: یا محمّد! فرزندی برایت متولد خواهد شد که امت بعد از تو او را خواهند کشت. فرمود: ای جبرئیل! من نیاز به چنین فرزندی ندارم! گفت ای محمّد! ائمه و پیشوایان دین از او خواهند بود. پیامبر اکرم پیش فاطمه علیها السّلام آمد و فرمود: تو را فرزندی خواهد بود که پس از من امتم او را می کشند. عرض کرد: نیاز به چنین فرزندی ندارم! پیامبر سه مرتبه این سخن را برایش تکرار کرد. سپس فرمود: از او ائمه و جانشینان من خواهند بود. فاطمه فرمود: بله ای پدر! پس به حضرت حسین حامله شد. خداوند او و فرزندش را از شیطان حفظ نمود و او را در شش ماهگی به دنیا آورد و فرزندی شش ماهه متولد نشده جز حضرت حسین و یحیی بن زکریا. پس از زایمان، پیامبر اکرم زبان خود را در دهانش گذاشت و حضرت حسین مکید. آن جناب از زنی شیر ننوشید تا وقتی که گوشت و خونش از لعاب دهان پیامبر اکرم رویید و این تفسیر آیه شریفه است «وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ کُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ کُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً» - . احقاف / ۱۵ - {و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است}. - . کنز الفوائد: ۳۰۱ -

**[ترجمه]

باب ۱۶ أن الأمانه فی القرآن الإمامه

الآیات

النساء: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ سَمِیعاً بَصِیراً»(۵۸)

الأحزاب: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا»(۷۲)

lt;meta info="- إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ کانَ سَمِیعاً بَصِیراً. - . نساء / ۵۸ -

{خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید، در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست.}

- إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا. - . احزاب / ۷۲ -

{ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و[لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود.}

**[ترجمه]

تفسير

قال الطبرسی رحمه الله فی قوله تعالی: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها فيه أقوال أحدها أنها فی كل من اؤتمن أمانه من الأمانات

فأمانـات الله تعـالی أوامره و نواهيه و أمانـات عباده ما يأتمن بعضـهم بعضا من المال عن ابن عباس و غيره و هو المروی عن أبی جعفر عليه السلام و أبی عبد الله عليهما السلام.

و ثانيها أن المراد به ولاه الأمر أمرهم الله سبحانه أن يقوموا برعايه الرعيه و حملهم علی موجب الدين و الشريعه.

وَ رَوَاهُ أَصْحَابُنَا عَنِ الْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ عليهما السلام قَالَ: أَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَئِمَّهِ أَنْ يُسَلِّمَ الْأَمْرَ إِلَى مَنْ بَعْدَهُ.

و يعضده أنه سبحانه أمر الرعيه بعد هذا بطاعه ولاه الأمر

فَرُوِيَ عَنْهُمْ عليهم السـلام أَنَّهُمْ قَالُوا آيَتَانِ إِحْدَاهُمَا لَنَا وَ الْأُخْرَى لَكُمْ قال الله سبحانه إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها الآيه و قال يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۱).

و هذا القول داخل فی القول الأول لأنه من جمله ما ائتمن الله سبحانه عليه

ص: ۲۷۳

۱- النساء: ۵۹.

الأئمه الصادقين

وَ لِذَلِکَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ أَدَاءَ الصَّلَاهِ وَ الزَّکَاهِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ مِنَ الْأَمَانَهِ.

و یکون من جملتها الأمر لولاه الأمر بقسمه الغنائم و الصدقات و غیر ذلک مما یتعلق به حق الرعیه.

و ثالثها أنه خطاب للنبی صلی الله علیه و آله برد مفتاح الکعبه إلی عثمان بن طلحه حین قبض منه یوم الفتح و أراد أن یدفعه إلی العباس و المعول علی ما تقدم.

وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ أمر الله الولاه و الحکام أن یحکموا بالعدل و النصفه إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا یَعِظُکُمْ بِهِ أی نعم الشی ء ما یعظکم به من الأمر برد الأمانه و الحکم بالعدل (۱).

و قال البیضاوی فی قوله عز شأنه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ تقریر للوعد السابق بتعظیم الطاعه أی فی قوله وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً (۲) و سماها أمانه من حیث إنها واجبه الأداء و المعنی أنها لعظمه شأنها بحیث لو عرضت علی هذه الأجرام العظام فکانت ذات شعور و إدراک لأبین أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ مع ضعف بنیته و رخاوه قوته لا جرم فاز الراعی لها و القائم بحقوقه بخیر الدارین إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً حیث لم یف بها و لم یراع حقوقها جَهُولًا بکنه عاقبتها و هذا وصف للجنس باعتبار الأغلب و قیل المراد بالأمانه الطاعه التی تعم الطبیعیه و الاختیاریه و بعرضها استدعاؤها الذی یعم طلب الفعل من المختار و إراده صدوره من غیره و بحملها الخیانه فیها و الامتناع عن أدائها و منه قولهم حامل الأمانه و محتملها لمن لا یؤدیها فتبرأ ذمته فیکون الإباء عنه إتیانا بما یمکن أن یتأتی منه و الظلم و الجهاله الخیانه و التقصیر.

و قیل إنه تعالی لما خلق هذه الأجرام خلق فیها فهما و قال إنی فرضت فریضه و خلقت جنه لمن أطاعنی و نارا لمن عصانی فقلن نحن مسخرات لما خلقتنا لا نحتمل فریضه و لا نبتغی ثوابا و لا عقابا و لما خلق آدم عرض علیه

۱- مجمع البیان ۳: ۶۳.
۲- الأحزاب: ۷۱.

مثـل ذلـک فحمله و کـان ظلومـا لنفسه بتحملهـا مـا يشق عليهـا جهولاـ بوخـامه عـاقبته و لعل المراد بالأمانه العقل أو التکليف و بعرضـها عليهن اعتبارها بالإضافه إلی استعدادهن و إبائهن الإباء الطبيعی الذی هو عدم اللياقه و الاستعداد و بحمل الإنسان قابليته و اسـتعداده لها و کونه ظلوما جهولا لما غلب عليه من القوه الغضبيه و الشـهويه و علی هذا يحسن أن يکون عله للحمل عليه فإن من فوائـد العقل أن يکون مهيمنا علی القوتين حافظا لهما عن التعدی و مجاوزه الحد و معظم مقصود التکليف تعديلهما و کسـر سورتهما (۱).

**[ترجمه]مرحوم طبرسی راجع به آيه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» می نويسد: در اين مورد چند نظر است:

اول) اينکه اين آيه دربـاره هر کسـی است که امـانتی به در دست اوست. پس امانت های خـدا اوامر و نواهی او است و امانات بنـدگان آن اموال و غير آن است که به رسم امـانت به يکـديگر می‌سپارند. از ابن عبـاس و ديگران نقـل شـده و همين نظر از حضرت باقر و صادق عليهما السّلام نقل شده است.

دوم) منظور از امانات فرمانروايان هسـتند. خـدای سـبحان به آنها دسـتور داده است که در رعايت حال رعيت قيام کننـد و خدا آنهـا را به قيـام بر آنچه که مقتضـی دين و شـريعت است، خوانـد. اين را اصـحاب از حضـرت باقر و صادق عليهما السّـلام نقل کرده انـد که فرمود: خداونـد به هر يک از امامان امر کرده که امامت را به امام بعـد از خود بسـپارند. اين نظر را تأييد می کند که خداوند بعد از اين آيه، دسـتور می دهد که مردم از فرمانروايان اطاعت کنند. از ائمه عليهم السّلام نقل شده که فرموده اند: دو آيه در قرآن است، يکی مربوط به ما و ديگری مربوط به شـما است. خداونـد فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» تـا آخر آيه. و فرمود: «يـا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». -. نساء / ۵۹ - {ای کسانی که ايمـان آورده ايـد، خـدا را اطاعت کنيـد و پيامبر و اوليای امر خود را [نيز] اطاعت کنيـد.} اين نظر داخل در همان قول اول است، زيرا امـامت هم يکی از آن چيزهـايی است که خـدا به ائمه عليهم السّـلام سپرده است. به همين جهت حضـرت باقر عليه السّـلام فرمود: انجام نماز و زکات و روزه و حج از امانت است و از جمله آنها است امر به فرمانروايان به تقسـيم کردن غنايم و صدقات و غير آن از چيزهايی که حق مردم بر آن تعلق دارد.

سوم) اين آيه خطاب به پيامبر اکرم است که کليـد خانه کعبه را به عثمان بن طلحه برگردانـد که در فتح مکه از او گرفته بود و می خواست در اختيار عباس گذارد. دليل بر مطالب گذشته، اين قسمت آيه است «وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» خداوند دسـتور می دهد به فرمانروايان و حاکمان که به عدل و انصاف حکم کنند. «إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ»، يعنی خوب پندی است که خدا در مورد دستور به برگرداندن امانت و حکم به عدل و انصاف به شما می دهد. -. مجمع البيان ۳: ۶۳ -

و بيضاوی درباره آيه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ» گفت: اين آيه وعـده سابق را که بزرگ داشـتن اطاعت بود، تقرير می کنـد، يعنی در آيه «وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِيماً» -. احزاب / ۷۱ - {و هر کس خدا و پيامبرش را فرمان برد قطعا به رسـتگاری بزرگی نايـل آمـده است} اين را امانت ناميـد، به جهت اينکه انجامش واجب است و معنی آيه اين است که به واسـطه عظمت شأن به طوری که اگر آن بر اين اجسام بزرگ - در صورتی که دارای شـعور و ادراک باشند - عرضه می‌شد، پس از برداشتن آن سـر باز می‌زدند و از آن هراسـناک شدند، اما انسان با ضـعف بنيه و سـستی قوايش آن را حمل نمود. پس به درستی کسی که مراعات کننده آن و قائم به حقوق آن باشد، به خير دو سـرا رسيده است. «إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا»، ستمکار است چون به آن

وفا نکرده و حقوق آن را رعایت نکرده است. «جَهُولًا» جاهل به حقیقت عاقبت آن است. این صفت را به اعتبار اکثریت که چنین هستند به جنس انسان نسبت داده است. بعضی گفته اند منظور از امانت فرمانبرداری است که شامل طبیعت و اختیاریت گردد، و منظور از عرضه داشتن، تقاضای انجام آن است که شامل درخواست انجام از شخصی مختار و اراده صدور آن از غیر مختار است. معنی حمل امانت یعنی خیانت در آن و امتناع از ادای آن، از همین قبیل است. سخن ایشان که می گویند حامل امانت و بردارنده آن به کسی که ادای امانت نکرده باشد که ذمه‌اش بریء شود. پس ابای از آن، امتناع از آوردن چیزی است که برای او مقدور بود که بیاورد و ظلم و جهالت، خیانت و کوتاهی است. بعضی گفته اند خداوند وقتی این اجسام را آفرید، به آنها فهم داد و فرمود: من فریضه‌ای را واجب نموده ام و بهشت را برای کسی که اطاعت کند، خلق کردم و آتش را برای کسی که نافرمانی مرا کرده. پس گفتند: خدایا! مسخر آن چیزی هستیم که برای آن ما را آفریدی. تحمل نمی‌کنیم واجبی را و ثواب و عقابی را هم طلب نمی‌کنیم. وقتی آدم را آفرید، همین مطلب را بر او عرضه داشت. پس آن را حمل کرد و او به خود با تحمل چیزی که بر او سخت بود و جاهل به وخامت عاقبت آن بود ستم روا داشت. و شاید منظور از امانت، عقل یا تکلیف باشد و منظور از عرضه داشتن بر آنها، اعتبار آن است به نسبت استعداد آنها و امتناع آنها، امتناع طبیعی است که همان عدم لیاقت و استعداد است. و منظور از حمل نمودن انسان، یعنی قابلیت و استعداد او برای آن و ظلوم و جهول بودنش به خاطر غلبه قوه غضب و شهوت بر او است. بنابراین نیکوست علت بودن آن برای حمل بر او، زیرا یکی از فواید عقل این است که مسلط بر دو قوه و حافظ آن دو است از تعدی و خروج از حد، و بزرگ ترین غرض از تکلیف، متعادل کردن آن دو و شکستن شدت آن دو است. - . انوار التنزیل -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره الْحُسَیْنُ بْنُ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الْآیَهَ قَالَ یَعْنِی وَلَایَهَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام (۲).

کا، الکافی محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین مثله (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: اسحاق بن عمار از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» تا آخر آیه نقل کرد که فرمود: یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السّلام. - . کنز الفوائد: ۲۴۵ -

اصول کافی: محمد بن یحیی از محمد بن الحسین همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۳ -

**[ترجمه]

«۲»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ حَرِیزٍ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها قَالَ الْإِمَامُ إِلَی الْإِمَامِ لَیْسَ لَهُ أَنْ یَزْوِیَهَا عَنْهُ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: زراره از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» فرمود: امام به امام بعد می‌سپارد و نمی تواند به شخصی که برای امامت تعیین شده ندهد و به دیگری بسپارد. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۳»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ رِبْعِیٍّ عَنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مِثْلَهُ (۵)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: فضیل از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

بیان

زواه عنه قبضه و صرفه.

**[ترجمه]«زواه عنه» یعنی آن را بگیرد و از او برگرداند.

**[ترجمه]

«۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ

ص: ۲۷۵

۱- أنوار التنزیل.

۲- کنز جامع الفوائد: ۲۴۵. فیه: یعنی بها.

۳- أصول الکافی ۱: ۴۱۳ فیه. إسحاق بن عمّار عن رجل عن أبی عبد اللّه علیه السلام.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۰. قوله: یزویها ای یصرف الإمامه و الوصایه عن شخص عینه اللّه الی الآخر.

۵- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

إلی أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكَمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكَمْ بِهِ قَالَ فِينَا أَنْزِلَتْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعانُ (۱).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: زراره گفت: از امام باقر عليه السّلام درباره آيه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُم أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» پرسـيدم. فرمود: درباره ما نازل شده است و از خدا بايد اسـتعانت جست. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۵»

ير، بصائر الـدرجات ابْنُ يَزِيـدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَهَ عَنْ بُرَيْـدِ بْنِ مُعَاوِيَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ يَـأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَـدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ قَالَ إِيَّانَا عَنَی أَنْ يُـؤَدِّیَ الْأَوَّلُ مِنَّا إِلَی الْإِمَـامِ الَّذِی يَكُونُ مِـنْ بَعْـدِهِ الْكُتُبَ وَ السِّلَاحَ وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُـوا بِالْعَـدْلِ إِذَا ظَهَرْتُمْ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ الَّذِی فِی أَيْدِيكُمْ (۲).

**[ترجمه]بصـائر الـدرجات: بريـد بن معـاويه از حضـرت بـاقر در مورد آيه «إِنَّ اللَّهَ يَـأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» نقل می كند كه فرمود: ما را قصد كرده كه امام اول از ما، كتب و سلاح را به امام بعـد از خود بدهـد. «وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَـدْلِ»، وقتی كه حكومت ظاهری پيـدا كرديـد، به عدالتی كه در اختيارتان هست عمل كنيد. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۶»

ير، بصائر الدرجات عَبَّادُ بْنُ سُـلَيْمَانَ عَنْ سَـعْدِ بْنِ سَـعْدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَـيْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَـنِ عليه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يُؤَدِّی الْأَمَانَهَ إِلَی الْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَا يَخُصُّ بِهَا غَيْرَهُ وَ لَا يَزْوِيهَا عَنْهُ (۳).

ير، بصائر الدرجات عمران بن موسی عن يعقوب بن يزيد عن ابن محبوب عن محمد بن الفضيل مثله (۴)

شی، تفسير العياشی عن محمد بن الفضيل مثله (۵).

**[ترجمه]بصـائر الـدرجات: محمـد بن فضـيل از حضـرت ابوالحسن عليه السّـلام درباره آيه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِهـا» نقـل كرد كـه فرمـود: آنهـا ائمـه از آل محمـد هسـتند كه امـانت را به امـام بعـد از خـود می‌دهنـد و ديگری به آن اختصاص نمی‌دهند و از او نمی گيرد و برنمی گرداند. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

بصائر الدرجات: ابن محبوب از محمد بن فضيل همين روايت را نقل كرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

تفسير عياشى: از محمد بن فضيل همين روايت را نقل كرده است. - . تفسير عياشى ۱ : ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۷»

ير، بصائر الـدرجات أَحْمَـدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِـنَانٍ عَنْ إِسْـحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ ابْنِ أَبِی يَعْفُورٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ عليه السـلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَـأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَـدْفَعَ إِلَی الْإِمَامِ بَعْـدَهُ كُلَّ شَیْ ءٍ عِنْدَهُ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معلى بن خنيس گفت: از حضرت صادق عليه السّلام درباره آيه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» پرسيدم. فرمود: دستور خداست به امام اول كه هر چيزى را كه نزدش است، به امام بعد از خود بدهد. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۸»

ير، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِی بَصِـيرٍ قَالَ سَـمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها قَالَ هُوَ

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۵- تفسير العيّاشىّ ۱: ۲۴۹ فيه: يؤدى الامام الإمامه الى امام بعده.

۶- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

وَ اللَّهِ أَدَاءُ الْأَمَانَهِ إِلَى الْإِمَامِ وَ الْوَصِيَّهُ (۱).

یر، بصائر الدرجات محمد بن عیسی عن صفوان عن منصور بن حازم عن أبی بصیر مثله (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» می‌فرمود: به خدا سوگند ادای امانت و وصیت به امام است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

بصائر الدرجات: منصور بن حازم از ابو بصیر همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۹»

یر، بصائر الدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ یَحْیَی بْنِ مَالِکٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها قَالَ الْإِمَامُ یُؤَدِّی إِلَی الْإِمَامِ قَالَ ثُمَّ قَالَ یَا یَحْیَی إِنَّهُ وَ اللَّهِ لَیْسَ مِنْهُ إِنَّمَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: یحیی بن مالک از یکی از اصحاب ما نقل کرد که گفت: از امام در مورد آیه «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» سؤال کردم. فرمود: امام به امام بعد از خود می‌سپارد. بعد فرمود: ای یحیی! به خدا سوگند که این به خواست او نیست، بلکه امری از جانب خدا است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، بصائر الدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ دَاوُدَ بْنِ مَخْلَدٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ مَالِکٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ فِیمَنْ نَزَلَتْ قُلْتُ یَقُولُونَ فِی النَّاسِ قَالَ أَ فَکُلُّ النَّاسِ یَحْکُمُ بَیْنَ النَّاسِ اعْقِلْ فِینَا نَزَلَتْ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: مالک جهنی گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: آیه «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ» درباره چه کسی نازل شده؟ گفتم: می گویند درباره مردم است. فرمود: همه مردم بین مردم حکم می کنند. دقت کن که این آیه درباره ما نازل شده است. - . بصائر الدرجات: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْإِمَامُ یُعْرَفُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ أَنَّهُ أَوْلَی النَّاسِ بِالَّذِی قَبْلَهُ (۵) وَ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ الْوَصِیَّهُ وَ هُوَ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها وَ قَالَ السِّلَاحُ فِینَا بِمَنْزِلَهِ التَّابُوتِ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ یَدُورُ الْمُلْکُ حَیْثُ دَارَ السِّلَاحُ کَمَا کَانَ یَدُورُ حَیْثُ دَارَ التَّابُوتُ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: امام با سه خصلت شناخته می شود: او شایسته ترین مردم است نسبت به مقام امام قبل و در نزد او سلاح پیامبر است و نزد اوست وصیت و او همان کسی است که خداوند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها.» و فرمود: سلاح در میان ما، مانند تابوت در بنی اسراییل است. مقام امامت در اختیار کسی است که سلاح پیامبر دست او باشد، همان طور که حکومت آن جایی بود که تابوت بود. - . بصائر الدرجات: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ زُرَارَهَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۷).

۱- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۲- بصائر الدرجات: ۱۴۰.

۳- بصائر الدرجات: ۱۴۰ قوله: قال: «یا یحیی» لعل القائل هو الرجل الراوی عن الامام، او الإمام علیه السلام نفسه. قوله: «لیس منه» أی لیس ذلک التأدیه من عند نفسه بل هو بأمر من اللّه.

۴- بصائر الدرجات: ۱۴۰ فیه، اعقل فیمن نزلت.

۵- فی المصدر: بالذی کان قبله.

۶- بصائر الدرجات: ۴۹.

۷- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۹ فیه: و هی التی قال اللّه تعالی فی کتابه.

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: از زراره و حمران و محمد بن مسلم از امام باقر و صادق همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

مع، معانی الأخبار ابْنُ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها فَقَالَ هَذِهِ مُخَاطَبَةٌ لَنَا خَاصَّةً أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلَّ إِمَامٍ مِنَّا أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ وَ يُوصِيَ إِلَيْهِ ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ فِي سَائِرِ الْأَمَانَاتِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ لِأَصْحَابِهِ عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِيَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام ائْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَّيْتُهُ إِلَيْهِ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: یونس گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام راجع به آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» پرسیدم. فرمود: این آیه فقط خطاب به ما است. خداوند هر امامی از ما را امر کرده که امر امامت را به امام بعد از خود بسپارد و به او وصیت کند. همین دستور در مورد سایر امانات نیز جاری است. پدرم از پدر خود نقل کرد که علی بن الحسین علیهما السّلام به اصحاب خود فرمود: بر شما باد بر ادای امانت! اگر قاتل پدرم حسین شمشیری را که با آن پدرم را کشت به من امانت می‌سپرد، به او بر می گرداندم. - . معانی الاخبار: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۴»

شی، تفسير العياشي فِي رِوَايَةِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ أَنْ يَدْفَعَ مَا عِنْدَهُ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ وَ أَمَرَ الْأَئِمَّةَ أَنْ يَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ وَ أَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُطِيعُوهُمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابن ابی یعفور از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» فرمود: خداوند به امام دستور می دهد آنچه را که در نزد اوست، به امام بعد از خود بسپارد و به ائمه دستور می دهد که به عدالت حکم کنند و مردم را امر کرده که از آنها اطاعت نمایند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

شی، تفسير العياشي عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ قَالَ فِينَا نَزَلَتْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: از امام باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» نقل کرد که فرمود: درباره ما نازل شده است و از خدا باید یاری جست. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۶»

نی، الغیبه للنعمانی ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ وَهْبِ (۴) بْنِ حَفْصٍ مَعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ قَالَ هِيَ الْوَصِيَّةُ يَدْفَعُهَا الرَّجُلُ مِنَّا إِلَى الرَّجُلِ (۵).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می‌کند که درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» فرمود: آن وصیت است که امام از ما، به امام بعد می‌سپارد. - . غیبت نعمانی: ۲۳ - ۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

نی، الغیبه للنعمانی عَلِيُّ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا

۱- معانی الأخبار: ۳۷.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۹.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۹.

۴- فی النسخه المخطوطه: و وهیب بن حفص.

۵- غیبه النعمانیّ: ۲۳ و ۲۴.

الْأَمانات إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ قَالَ أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ مِنَّا أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَمَانَهَ إِلَى الْإِمَام بَعْدَهُ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَزْوِيَهَا عَنْهُ أَ لَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِهِ وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّهُمُ الْحُكَّامُ أَ وَ لَا تَرَى أَنَّهُ خَاطَبَ بِهَا الْحُكَّامَ (۱).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: زراره گفت که از امام باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» پرسیدم. فرمود: خدا به امام از ما امر کرده که امانت را به امام بعد از خود بسپارد و نمی‌تواند از او بگیرد و برگرداند. آیا این آیه را نشنیده‌ای «وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ»؟ آنها حاکمان هستند. آیا نمی‌بینی که خدا با این آیه حاکمان را مورد خطاب قرار داده؟ - . غیبت نعمانی: ۲۴ - ۲۵ -

**[ترجمه]

«۱۸»

فس، تفسیر القمی إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها قَالَ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَمَانَهَ إِلَى الَّذِی أَمَرَهُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ فَرَضَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ فَقَالَ وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» گفت: خدا بر امام واجب کرد که امانت را به امام بعد از خود که خدا امر کرده، بسپارد. سپس بر امام واجب کرد که میان مردم به عدالت حکم کند و فرمود: «وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ». - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

مع، معانی الأخبار ن، عیون أخبار الرضا علیه السلام الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرِّضَا علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا فَقَالَ الْأَمَانَهُ الْوَلَايَهُ مَنِ ادَّعَاهَا بِغَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ كَفَرَ (۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا: حسین بن خالد گفت: از حضرت رضا علیه السّلام راجع به این آیه سؤال کردم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا.» فرمود: امانت ولایت است. هر که ادعای ولایت و امامت بدون حق بکند، کافر است. - . معانی الاخبار: ۳۸ ، عیون اخبار الرضا: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۲۰»

مع، معانی الأخبار ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا قَالَ الْأَمَانَهُ الْوَلَايَهُ وَ الْإِنْسَانُ أَبُو الشُّرُورِ الْمُنَافِقُ (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه سؤال کردم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا.» فرمود: امانت ولایت است و انسان، پدر منافق شرها است. - . معانی الاخبار: ۳۸ -

**[ترجمه]

بیان

علی تأویلهم علیهم السلام یکون اللام فی الإنسان للعهد و هو أبو الشرور أی أبو بکر أو للجنس و مصداقه الأول فی هذا الباب أبو بکر و المراد بالحمل الخیانه کما مر أو المراد بالولایه الخلافه و ادعاؤها بغیر حق فعرض ذلک علی أهل السماوات و الأرض أو علیهما بأن بین لهم عقوبه ذلک و قیل لهم هل تحملون

ص: ۲۷۹

۱- غیبه النعمانیّ: ۲۴ و ۲۵.

۲- تفسیر القمّیّ: ۱۲۹.

۳- معانی الأخبار: ۳۸، عیون الأخبار: ۱۷۰.

۴- معانی الأخبار: ۳۸.

ذلک فأبوا إلا هذا المنافق و أضرابه حیث حملوا ذلک مع ما بین لهم من العقاب المترتب علیه.

أقول: سیأتی فی ذلک خبر المفضل فی باب أن دعاء الأنبیاء استجیب بالتوسل بهم.

**[ترجمه]بنـا بر تـأویلی که ائمه علیهم السّـلام راجع به آیه می‌فرماینـد «ال» در «الانسان» عهـد ذهنی و او پـدر شـرها است که همان ابوبکر است، یا «ال» جنسـی است و منظور مصـداق اول آن در این مورد ابوبکر است. و مراد از حمل خیانت است، چنان چه قبلا گـذشت. یا مراد به ولایت خلافت و ادعای آن به غیر حق است. پس آن بر اهل آسـمان‌ها و زمین یا هر دو عرضه شـد به اینکه عقوبت و عـذاب چنین کاری را برای آنها بیان کرد. بعد به آنها گفته شد: آیا در این امر خیانت می کنید؟ همه امتناع ورزیدند جز این منافق و امثال او، چون خیانت کردند، با اینکه عقاب خائن امامت، برای آنها روشن شده بود.

مؤلف: به زودی در این مورد خبر مفضل در «باب اینکه دعای انبیاء با توسل به آنها مستجاب شده است» خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۲۱»

فس، تفسیر القمی قَالَ عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها فَقَالَ الْأَمَانَهُ هِیَ الْإِمَامَهُ وَ الْأَمْرُ وَ النَّهْیُ وَ الدَّلِیلُ عَلَی أَنَّ الْأَمَانَهَ هِیَ الْإِمَامَهُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْأَئِمَّهِ (۱) إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها یَعْنِی الْإِمَامَهَ وَ الْأَمَانَهُ الْإِمَامَهُ (۲) عُرِضَتْ عَلَی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها قَالَ أَبَیْنَ أَنْ یَدَّعُوهَا أَوْ یَغْصِبُوهَا أَهْلَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ أَیِ الْأَوَّلُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا لِیُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنافِقِینَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِکِینَ وَ الْمُشْرِکاتِ وَ یَتُوبَ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: علی بن ابراهیم درباره آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها» گفته است: امـانت یعنی امامت و امر و نهی و دلیل بر اینکه امانت امامت است، این آیه است که خداونـد به ائمه می فرمایـد: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» که منظور از امانات، امامت است و امانت امامت است که بر آسـمان‌ها و زمین و کوه‌هـا عرضه شـد، پس امتنـاع ورزیدنـد که آن را حمل کننـد. گفت امتناع ورزیدنـد که آن را ادعا کننـد یا از اهلش غصب کننـد. «وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ» منظور اولی است. «إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا * لِیُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنافِقِینَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْمُشْرِکِینَ وَ الْمُشْرِکاتِ وَ یَتُوبَ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِیماً» - . احزاب / ۷۲ - ۷۳ - {و از آن هراسناک شدنـد و[لی] انسـان آن را برداشت راستی او سـتمگری نـادان بود [آری چنین است] تـا خـدا مردان و زنـان منافق و مردان و زنان مشـرک را عـذاب کنـد و توبه مردان و زنان با ایمان را بپـذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است.} - . تفسـیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۳۵ -

**[ترجمه]

«۲۲»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ یَقُولُ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا قَالَ هِیَ وَلَایَهُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۴).

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره محمد بن العباس عن الحسین بن عامر عن محمد بن الحسین مثله (۵)

کا، الکافی محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین مثله (۶)

ص: ۲۸۰

۱- فی المصدر: فی الأئمّه.

۲- فی المصدر: فالامامه هی الأمانه.

۳- تفسیر القمّیّ: ۵۳۵.

۴- بصائر الدرجات: ۲۲.

۵- کنز جامع الفوائد: ۲۴۵ لم یذکر فیه: عن رجل و فیه: قال: یعنی بها.

۶- أصول الکافی ۱: ۴۱۳.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: اسحاق بن عمار از مردی، از حضرت صادق علیه السّلام نقل می‌کند که فرمود: خداوند می... فرماید: «إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا.» فرمود: امانت، ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام است. - . بصائر الدرجات: ۲۲ -

کنز الفوائد: از محمد بن حسین همین روایت را نقل کرده است. - . کنز الفوائد: ۲۴۵ -

اصول کافی: محمد بن یحیی از محمد بن حسین همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۳ -

**[ترجمه]

بیان

یمکن أن یکون مبنیا علی أن المراد بالأمانه مطلق التکالیف و إنما خص الولایه بالذکر لأنها عمدتها و یمکن أن یقرأ الولایه بالکسر بمعنی الإماره و الخلافه فیکون حملها ادعاؤها بغیر حق کما مر.

**[ترجمه]ممکن است مبنی بر این باشد که منظور از امانت، مطلق تکالیف باشد و اینکه از میان تکالیف، ولایت را اختصاص به ذکر داده، به جهت آن است که آن عمده ترین تکلیف است. و ممکن است ولایت به کسر واو خوانده شود، به معنی فرمانروایی و خلافت. در این صورت حمل آن، چنان چه گذشت ادعای بدون حق خواهد بود.

**[ترجمه]

«۲۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ قَالَ الْوَلَایَهُ أَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَهَا کُفْراً بِهَا (۱) وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ وَ الْإِنْسَانُ الَّذِی حَمَلَهَا أَبُو فُلَانٍ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: جابر از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ» نقل کرد که فرمود: منظور ولایت است که از روی کفر به آن، امتناع ورزیدند آن را حمل کنند. «وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ»، و آن انسانی که آن را حمل کرد، ابو فلان بود. - . بصائر الدرجات: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۲۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ

عَزَّ وَ جَلَّ عَرَضَ وَلَايَتَنَا عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ فَلَمْ يَقْبَلْهَا إِلَّا أَهْلُ الْكُوفَهِ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد حلبی از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند ولایت ما را بر اهل شهرها عرضه کرد، آن را نپذیرفتند مگر اهل کوفه. - . بصائر الدرجات: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۲۶»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عُتَيْبَهَ بَيَّاعِ الْقَصَبِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ وَلَايَتَنَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ وَ الْأَمْصَارِ مَا قَبِلَهَا قَبُولَ أَهْلِ الْكُوفَهِ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: ولایت ما را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها و شهرها عرضه شد، هیچ کدام مانند مردم کوفه قبول نکردند. - . بصائر الدرجات: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۲۷»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو بَكْرٍ الشِّيرَازِيُّ فِي نُزُولِ الْقُرْآنِ فِي شَأْنِ عَلِيٍّ علیه السلام بِالْإِسْنَادِ عَنْ مُقَاتِلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَهَ عَرَضَ اللَّهُ أَمَانَتِي عَلَى السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ بِالثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ فَقُلْنَ رَبَّنَا لَا تَحْمِلَنَّهَا (۵) بِالثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ لَكِنَّهَا نَحْمِلُهَا بِلَا ثَوَابٍ وَ لَا عِقَابٍ وَ إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ أَمَانَتِي وَ وَلَايَتِي عَلَى الطُّيُورِ فَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهَا الْبُزَاهُ الْبِيضُ وَ الْقَنَابِرُ وَ أَوَّلُ مَنْ جَحَدَهَا الْبُومُ وَ الْعَنْقَاءُ فَلَعَنَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى مِنْ بَيْنِ الطُّيُورِ فَأَمَّا الْبُومُ فَلَا تَقْدِرُ أَنْ تَظْهَرَ

۱- فی المصدر: كفرا و عنادا بها.

۲- بصائر الدرجات: ۲۲.

۳- بصائر الدرجات: ۲۲.

۴- بصائر الدرجات: ۲۲.

۵- فی المصدر: لا تحملنا.

بِالنَّهَارِ لِبُغْضِ الطَّيْرِ لَهَا وَ أَمَّا الْعَنْقَاءُ فَغَابَتْ فِي الْبِحَارِ لَا تُرَى وَ إِنَّ اللَّهَ عَرَضَ أَمَانَتِي عَلَى الْأَرَضِينَ فَكُلَّ بُقْعَةٍ آمَنَتْ بِوَلَايَتِي جَعَلَهَا طَيِّبَةً زَكِيَّةً وَ جَعَلَ نَبَاتَهَا وَ ثَمَرَتَهَا حُلْواً عَذْباً وَ جَعَلَ مَاءَهَا زُلَالًا وَ كُلُّ بُقْعَةٍ جَحَدَتْ إِمَامَتِي وَ أَنْكَرَتْ وَلَايَتِي جَعَلَهَا سَبِخاً (۱) وَ جَعَلَ نَبَاتَهَا مُرّاً عَلْقَماً وَ جَعَلَ ثَمَرَهَا الْعَوْسَجَ وَ الْحَنْظَلَ وَ جَعَلَ مَاءَهَا مِلْحاً أُجَاجاً ثُمَّ قَالَ وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ يَعْنِي أُمَّتَكَ يَا مُحَمَّدُ وَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامَتَهُ بِمَا فِيهَا مِنَ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً لِنَفْسِهِ جَهُولًا لِأَمْرِ رَبِّهِ مَنْ لَمْ يُؤَدِّهَا بِحَقِّهَا فَهُوَ ظَلُومٌ غَشُومٌ (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابوبکر شیرازی در «نزول القرآن» در مقام علی علیه السّلام می نویسد: به اسناد خود از محمّد بن حنفیه نقل کرد که امیرالمؤمنین درباره آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ» فرمود: خداوند امانت مرا بر آسمان های هفتگانه از نظر ثواب و عقاب عرضه داشت. گفتند: خدایا! ما آن را از نظر ثواب و عقاب حمل نمی کنیم، ولی بدون ثواب و عقاب حمل می کنیم. خداوند امانت و ولایت مرا بر پرندگان عرضه داشت. اول پرنده ای که ایمان آورد، باز سفید و چکاوک بود و اول پرنده ای که انکار نمود، جغد و عنقا بود. از بین پرندگان خدا آن دو را لعنت کرد. اما جغد که نمی تواند روز آشکار شود، چون پرندگان با او دشمنند. اما عنقا در دریاها پنهان است که دیده نمی شود. و خداوند امانت مرا بر زمین‌ها عرضه داشت. هر جایی که ایمان به ولایت من آورد، خدا آن را پاک و پاکیزه قرار داده و میوه ها و روییدنی های آن را شیرین و گوارا نمود و آبش را زلال. و هر جایی که امامت و ولایت مرا انکار نمود، آنجا را شوره زار کرد و روییدنی‌هایش را تلخ و میوه اش را خاردار و تلخ قرار داد و آبش را شور و تلخ. بعد فرمود «وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ»، یعنی ای محمّد! امت تو ولایت امیرالمؤمنین و امامتش را ادعا کردند، با آن عقاب و پاداشی که داشت «إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً»، او ستمگر به نفس خود بود و «جَهُولًا»، و جاهل به امر پروردگارش. هر کس حق آن را ادا نکند، ستمگر و بیدادگر است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۲ : ۱۴۱ - ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۲۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عُبَيْدُ بْنُ كَثِيرٍ مُعَنْعَناً عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها قَالَ أَقُولُهَا وَ لَا أَخَافُ إِلَّا اللَّهَ هِيَ وَ اللَّهِ وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: عبید بن کثیر از شعبی نقل می کند که درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» گفت: آشکارا می گویم و جز خدا از کسی نمی هراسم؛ به خدا سوگند این امانت، ولایت علی بن ابی طالب است. - . تفسیر فرات: ۳۰ - ۳۱ -

**[ترجمه]

«۲۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَلِيُّ بْنُ عَتَّابٍ مُعَنْعَناً عَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا عُرِجَ

بِی إِلَی السَّمَاءِ صِرْتُ إِلَی سِدْرَهِ الْمُنْتَهَی فَکانَ قابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنی فَأَبْصَرْتُهُ بِقَلْبِی وَ لَمْ أَرَهُ بِعَیْنِی فَسَمِعْتُ أَذَاناً مَثْنَی مَثْنَی وَ إِقَامَهً وَتْراً وَتْراً فَسَمِعْتُ مُنَادِیاً یُنَادِی یَا مَلَائِکَتِی وَ سُکَّانَ سَمَاوَاتِی وَ أَرْضِی وَ حَمَلَهَ عَرْشِی اشْهَدُوا أَنِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِی لَا شَرِیکَ لِی قَالُوا شَهِدْنَا وَ أَقْرَرْنَا قَالَ اشْهَدُوا یَا مَلَائِکَتِی وَ سُکَّانَ سَمَاوَاتِی وَ أَرْضِی وَ حَمَلَهَ عَرْشِی أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدِی وَ رَسُولِی قَالُوا شَهِدْنَا وَ أَقْرَرْنَا قَالَ اشْهَدُوا یَا مَلَائِکَتِی وَ سُکَّانَ سَمَاوَاتِی وَ أَرْضِی وَ حَمَلَهَ عَرْشِی أَنَّ عَلِیّاً وَلِیِّی وَ وَلِیُّ رَسُولِی وَ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِینَ بَعْدَ رَسُولِی قَالُوا شَهِدْنَا وَ أَقْرَرْنَا قَالَ عَبَّادُ بْنُ صُهَیْبٍ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَ کَانَ ابْنُ

ص: ۲۸۲

۱- السبخه ارض ذات نزو ملح العلقم: الحنظل. و قیل، إذا اشتدت مرارته و قیل. قثاء الحمار و کل شی ء مر. العوسج: شجر الشوک له جناه حمراء.

۲- مناقب آل أبی طالب ۲: ۱۴۱ و ۱۴۲.

۳- تفسیر فرات: ۳۰ و ۳۱.

عَبَّاسٍ إِذَا ذَكَرَ هَذَا الْحَدِيثَ فَقَالَ أَنَا أَجِدُهُ (۱) فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولًا قَالَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ اللَّهِ مَا اسْتَوْدَعَهُمْ دِينَاراً وَ لَا دِرْهَماً وَ لَا كَنْزاً مِنْ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّهُ أَوْحَى إِلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ علیه السلام أَنِّي مُخَلِّفٌ فِيكِ الذُّرِّيَّةَ ذُرِّيَّةَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَمَا أَنْتِ فَاعِلَةٌ بِهِمْ إِذَا دَعَوْكِ فَأَجِيبِيهِمْ وَ إِذَا أَوَوْكِ فَآوِيهِمْ وَ أَوْحَى إِلَى الْجِبَالِ إِذَا دَعَوْكِ فَأَجِيبِيهِمْ وَ أَطِيعِي عَلَى عَدُوِّهِمْ (۲) فَأَشْفَقْنَ مِنْهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبَالُ عَمَّا سَأَلَهُ اللَّهُ مِنَ الطَّاعَةِ فَحَمَلَهَا بَنُو آدَمَ فَحَمَلُوهَا قَالَ عَبَّادٌ قَالَ جَعْفَرٌ علیه السلام وَ اللَّهِ مَا وَفَوْا بِمَا حَمَلُوا مِنْ طَاعَتِهِمْ (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: علی بن عتاب از فاطمه زهرا علیها السّلام نقل می کند که فرمود: پیامبر اکرم فرمود: وقتی مرا به آسمان بالا بردند، به سدره المنتهی رسیدم که به اندازه فاصله دو انتهای کمان یا کمتر قرار داشتم. آن را با دل دیدم نه با چشم، یک اذان شنیدم دو تا دو تا و اقامه یکی یکی. شنیدم که منادی ندا کرد: ملائکه من، ساکنان آسمان‌ها و زمینم، حاملان عرشم! گواهی دهید که خدایی جز من نیست، یکتایم و شریکی ندارم. گفتند: گواهی دادیم و اقرار کردیم. فرمود: ملائکه من، ساکنان آسمان‌ها و زمینم، حاملان عرشم! گواهی دهید که محمّد بنده و پیامبر من است. گفتند: گواهی دادیم و اقرار کردیم. فرمود: ملائکه من، ساکنان آسمان‌ها و زمینم، حاملان عرشم! گواهی دهید که علی ولیّ من و ولیّ رسول من و ولیّ مؤمنان است بعد از رسولم. گفتند: گواهی دادیم و اقرار کردیم. عباد بن صهیب از حضرت صادق نقل کرد که حضرت باقر فرمود: ابن عباس هر وقت از این حدیث یاد می کرد، می‌گفت من این مطلب را در قرآن می یابم: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ.» ابن عباس گفت: به خدا قسم طلا و نقره و گنجی از گنج های زمین را به امانت نزد آنها نسپرد، ولی قبل از خلقت آدم به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها وحی کرد که من ذریه محمّد را در میان تو می گذارم، چگونه با آنها رفتار می... کنی؟ وقتی تو را خواندند، جواب ده و وقتی از تو پناه خواستند، پناه ده. و به کوه‌ها وحی کرد وقتی تو را خواندند، به آنها جواب ده و از آنها اطاعت کن بر ضد دشمنانشان. آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از اطاعتی که خدا خواست، ترسیدند. سپس بنی آدم آن را حمل کردند، پس آنها آن را حمل کردند. عباد گفت که حضرت باقر علیه السّلام فرمود: به خدا قسم وفا نکردند به آنچه که حمل کردند از اطاعت ایشان. -. تفسیر فرات: ۳۱ -

**[ترجمه]

«۳۰»

أَقُولُ قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ سَعْدِ السُّعُودِ رَأَيْتُ فِي تَفْسِيرٍ مَنْسُوبٍ إِلَى الْبَاقِرِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها قَالَ هَذِهِ الْآيَةُ فِي أَمْرِ الْوَلَايَةِ أَنْ تُسَلَّمَ إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۴).

**[ترجمه]مؤلف: سید بن طاووس در کتاب سعد السعود گفته است: در تفسیر منسوب به حضرت باقر دیدم که درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» فرموده است: این آیه در امر ولایت است که باید تسلیم به آل محمّد شود. -. سعد السعود: ۱۲۲ -

**[ترجمه]

باب ۱۷ وجوب طاعتهم و أنها المعنی بالملک العظیم و أنهم أولو الأمر و أنهم الناس المحسودون

الآیات

النساء: «أَمْ یَحْسُدُونَ النّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً* فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً»(۵۴-۵۵)

۱- فی المصدر: انی لاجده.

۲- فی المصدر: و اطبقی علی عدوهم.

۳- تفسیر فرات: ۳۱.

۴- سعد السعود: ۱۲۲.

(و قال تعالی): «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلًا»(۵۹)

(و قال تعالی): «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»(۸۳)

lt;meta info="- أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً، فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً. - . نساء / ۵۴ - ۵۵ -

{بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم. پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند و برخی از ایشان از او روی برتافتند و [برای آنان] دوزخ پرشراره بس است.}

- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَی اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ ذلِکَ خَیْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِیلًا. - . نساء / ۵۹ -

{ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید. پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است.}

- وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلَی أُوْلِی الأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ. - . نساء / ۸۳ -

{و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعا از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند.}

**[ترجمه]

تفسیر

قوله تعالی: أَمْ یَحْسُدُونَ قال الطبرسی رحمه الله معناه بل یحسدون الناس و اختلف فی معنی الناس هنا فقیل أراد به النبی صلی الله علیه و آله حسدوه علی ما أعطاه الله من النبوه و إباحه تسع نسوه و میله إلیهن و قالوا لو کان نبیا لشغلته النبوه عن ذلک فبین الله سبحانه أن النبوه لیست ببدع فی آل إبراهیم.

و ثانیها

أن المراد بالناس النبی و آله علیهم السلام عن أبی جعفر علیه السلام.

و المراد بالفضل فیه النبوه و فی آله الإمامه. (۱)

أقول: ثم روى عن تفسير العياشى بعض ما سيأتى من الأخبار فى ذلك.

و قال فى قوله تعالى وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ للمفسرين فيه قولان أحدهما أنهم الأمراء و الآخر أنهم العلماء و أما أصحابنا فإنهم

رووا عن الباقر و الصادق عليهما السلام أن أولى الأمر هم الأئمه من آل محمد عليهم السلام.

أوجب الله طاعتهم بالإطلاق كما أوجب طاعته و طاعه رسوله و لا يجوز أن يوجب الله طاعه أحد على الإطلاق إلا من ثبتت عصمته و علم أن باطنه كظاهره و أمن منه الغلط و الأمر بالقبيح و ليس ذلك بحاصل فى الأمراء و لا العلماء سواهم جل الله سبحانه عن أن يأمر بطاعه من يعصيه أو بالانقياد للمختلفين للقول و الفعل لأنه محال أن يطاع المختلفون كما أنه محال أن يجتمع ما اختلفوا فيه و مما يدل على ذلك أيضا أن الله سبحانه لم يقرن طاعه أولى الأمر بطاعه رسوله كما قرن طاعه رسوله بطاعته إلا و أولو الأمر فوق الخلق جميعا كما أن الرسول فوق أولى الأمر و فوق سائر

۱- مجمع البيان ۳: ۶۱ طبعه صيداء.

الخلق و هذه صفه أئمه الهدى من آل محمد عليهم السلام الذين ثبتت إمامتهم و عصمتهم و اتفقت الأمه على علو رتبهم و عدالتهم فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ أى فإن اختلفتم فى شى ء من أمور دينكم فردوا المتنازع فيه إلى كتاب الله و سنه الرسول و نحن نقول الرد إلى الأئمه القائمين مقام رسول الله صلى الله عليه و آله بعد وفاته هو مثل الرد إلى الرسول فى حياته لأنهم الحافظون لشريعته و خلفاؤه فى أمته فجروا مجراه فيه. (۱) قوله تعالى وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا أى أحمد عاقبه أو أحسن من تأويلكم لأن الرد إلى الله و رسوله و من يقوم مقامه من المعصومين أحسن لا محاله من تأويل بغير حجه وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ قال أبو جعفر عليه السلام هم الأئمه المعصومون لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ الضمير يعود إلى أولى الأمر و قيل إلى الفرقه المذكوره من المنافقين أو الضعفه (۲).

**[ترجمه]درباره آيه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ» مرحوم طبرسى گفته است: معنى آن اين است كه بلكه به مردم حسد مى‌ورزند و در معنى «الناس» در اينجا اختلاف شده است. پس گفته شده منظور پيامبر است كه بر نبوتى كه خدا به او عطا كرد و بر اينكه نُه زن برايش حلال شده و به آنها علاقه دارد، به او حسد ورزيدند. گفتند اگر پيامبر بود، بايد نبوت او را از اين كار بازمى داشت. خداوند بيان كرد كه نبوت در آل ابراهيم بى سابقه نبوده. دوم اينكه از امام باقر عليه السّلام نقل شده كه منظور از «الناس» در آيه، پيامبر و آل اوست و منظور از فضل، درباره او يعنى نبوت و درباره آل او يعنى امامت. - . مجمع البيان ۳ : ۶۱ -

مؤلف: پس از آن از تفسير عياشى چند خبر را در اين مورد روايت كرده كه خواهد آمد. و گفته است: درباره آيه «وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» از مفسران در اين باره دو قول است: يكى اينكه آنها فرمانروايان هستند و ديگر اينكه آنها علماء هستند. اما اصحاب از حضرت باقر و صادق عليه السّلام نقل كرده اند كه مراد از اولى الامر ائمه از آل محمّد است كه به طور كلى اطاعت آنها را خدا واجب كرده است، همان طور كه اطاعت از خود و پيامبرش را واجب كرده و جايز نيست كه خدا فرمانبردارى از كسى را به طور كلى واجب نمايد، مگر اينكه عصمتش ثابت شده باشد و بداند كه باطنش مانند ظاهر اوست و بداند كه اشتباه نمى كند و به كار قبيح دستور نخواهد داد، و اين مقام در هيچ يک از فرمانروايان و دانشمندان وجود نخواهد داشت، به جز ايشان. خداى سبحان بزرگ است از اينكه امر كند به اطاعت از كسى كه معصيت او را مى كند يا مطيع كسى باشند كه قول و فعلش فرق داشته باشد، زيرا محال است كه چنين كسانى اطاعت شوند، همان طور كه محال است كه آنچه در آن اختلاف دارند، جمع شود. از چيزهايى كه بر اين مطلب دلالت مى كند، اين است كه خداوند اطاعت اولى الامر را قرين اطاعت پيامبرش قرار نداده، چنان چه اطاعت پيامبر را قرين اطاعت خود قرار داده است، مگر اينكه اولوا الامر از تمام مردم برترند، چنان چه پيامبر بالاتر از اولوا الامر و تمام مردم است و اين صفت و امتياز مخصوص ائمه هدى از آل محمّد است كه عصمت و امامت آنها ثابت شده و تمام امت اتفاق دارند بر بلندى مرتبه و عدالت ايشان. «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ ءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» يعنى اگر در يكى از امور دينى خود اختلاف كرديد، مورد نزاع را به كتاب خدا و سنت پيامبر برگردانيد و ما معتقديم كه برگرداندن به ائمه كه بعد از وفاتش قائم مقام پيامبرند، مانند برگرداندن به او در زمان حياتش است، چون ائمه حافظان شريعت او و جانشينان او در امتش هستند، پس جايگزين او در آن خواهند بود. و آيه «وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» يعنى بهترين عاقبت يا منظور اين است كه اين بهتر است از تأويل شما، زيرا برگرداندن به خدا و رسولش و معصومانى كه قائم مقام او هستند، بدون شک بهتر است از تأويل به غير حجت. - . مجمع البيان ۳ : ۶۴ - ۶۵ -

«وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أَولِى الْأَمْرِ مِنْهُمْ» حضرت باقر عليه السّلام فرمود: آنها ائمه معصومين هستند. «لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»، ضمير برمى‌گردد به اولى الامر و گفته شده كه ضمير برمى گردد به گروهى كه ذكر شده از منافقان يا ضعيفان. - . مجمع البيان ٣ : ٨٢ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

فس، تفسير القمى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ قَالَ النُّبُوَّةَ قُلْتُ وَ الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمَ وَ الْقَضَاءَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً قَالَ الطَّاعَةَ الْمَفْرُوضَةَ (٣).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: حنان از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه از آيه «فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ» جويا شدم. فرمود: نبوت است. گفتم: منظور از «وَ الْحِكْمَةَ» چيست؟ فرمود: فهم و قضاوت. پرسيدم: «وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً» چه؟ فرمود: منظور از «ملك عظيم»، همان اطاعت واجب شده، است. - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ١٢٨ - ١٢٩ -

**[ترجمه]

«۲»

فس، تفسير القمى ثُمَّ فَرَضَ عَلَى النَّاسِ طَاعَتَهُمْ فَقَالَ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ يَعْنِى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَدَّثَنِى أَبِى عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: نَزَلَ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِى شَيْ ءٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۴).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: سپس بر مردم واجب نموده اطاعت ائمه را. پس فرمود: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، يعنى اطاعت از اميرالمؤمنين عليه السّلام. پدرم از حريز، از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه فرمود: اين آيه نازل شده است: «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِي شَيْ ءٍ فارجعوه إلى اللّه و إلى الرسول و إلى أولى الأمر منكم.» - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ١٢٩ -

**[ترجمه]

بيان

يدل على أن فى مصحفهم عليهم السلام فأرجعوه مكان فَرُدُّوهُ و يحتمل

۱- مجمع البيان ۳: ۶۴ و ۶۵.

۲- مجمع البيان ۳: ۸۲ طبعه صيداء.

۳- تفسير القمّىّ: ۱۲۸ و ۱۲۹.

۴- تفسير القمّىّ: ۱۲۹.

أن يكون تفسيرا له (۱) و يدل على أنه كان فيه قول وَ إِلَى أَولِى الْأَمْرِ مِنْكَمْ فيدل على أنه لا يدخل أولو الأمر فى المخاطبين بقوله فَإِنْ تَنازَعْتُمْ كما زعمه المفسرون من المخالفين.

**[ترجمه]دلالت می‌کند بر این که در قرآن ائمه علیهم السّلام «فارجعوه» به جای «فردّوه» آمده و ممکن است تفسیر «ردّوه» باشد. - . همان طور که ما بعد آن نیز تفسیر آیه است، نه اینکه آیه را با این الفاظ آورده است. -

و نیز دلالت می‌کند بر اینکه در آن قرآن «وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» بوده است. پس دلالت می‌کند بر این که اولوا الامر جزو مخاطبان «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ» نیستند، چنان چه مفسران اهل سنت معتقدند.

**[ترجمه]

«۳»

ن، عيون أخبار الرضا عليه السلام مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ بَكْرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَصْرِيِّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْبَاقِرِ عليهم السلام قَالَ: أَوْصَى النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام ثُمَّ قَالَ فِی قَوْلِ اللَّهِ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ قَالَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ (۲).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا: احمد بن محمد بن قصری از ابو محمد عسکری، از پدران خود، از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم به علی و حسن و حسین وصیت کرد. سپس درباره این آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» فرمود: ائمه از فرزندان علی و فاطمه زهرا علیهما السّلام هستند تا روز قیامت. - . عیون اخبار الرضا: ۲۷۲ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، الأمالی للشيخ الطوسی أَبُو عَمْرٍو عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى بْنِ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ مَعاً عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ قَيْسٍ عَنِ السُّدِّيِّ عَنْ عَطَا عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ نَحْنُ النَّاسُ دُونَ النَّاسِ (۳).

**[ترجمه]امالی طوسی: عطا از ابن عباس نقل کرد که درباره آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» گفت: منظور از «الناس» ما هستیم نه مردم. - . امالی طوسی: ۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۵»

«۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن فضیل از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرمود: بر ما کسانی هستیم که مورد رشک هستیم. -. بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: يَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ (۵).

ص: ۲۸۶

۱- و هو الصحيح، كما أن ما يأتی بعد ذلك أيضا تفسير للآيه لا انه أوردها بالفاظها.

۲- عيون الأخبار: ۲۷۲.

۳- عيون الأخبار: ۲۷۲.

۴- أمالی ابن الشيخ: ۱۷۱.

۵- بصائر الدرجات: ۱۱.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابوالصباح کنانی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: منظور از «الناس» ما هستیم که مورد رشک مردم هستیم. و با دست به سینه خود اشاره فرمود. - . بصائر الدرجات: ١١ -

**[ترجمه]

«٧»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَنَحْنُ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ عَلَی مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَهِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ جَمِیعاً (١).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرمود: منظور از «الناس» ما هستیم که مورد رشک هستیم بر امامتی که خدا به ما داده، نه جمیع مردم. - . بصائر الدرجات: ١١ -

**[ترجمه]

«٨»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ الطَّاعَهَ الْمَفْرُوضَهَ (٢).

یر، بصائر الدرجات عبد الله بن القاسم عن حماد مثله (٣)

یر، بصائر الدرجات ابن یزید عن ابن أبی عمیر رفعه عن أبی جعفر علیه السلام مثله (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» فرمود: منظور اطاعت واجب شده، است. - . بصائر الدرجات: ١١ -

بصائر الدرجات: عبدالله بن قاسم از حماد همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ١۵٠ -

بصائر الدرجات: ابن ابی عمیر سند را به امام باقر علیه السّلام رسانده و همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ١۵٠ -

**[ترجمه]

«۹»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی عَنْ رَجُلٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً مَا ذَلِکَ الْمُلْکُ الْعَظِیمُ قَالَ فَرْضُ الطَّاعَهِ وَ مِنْ ذَلِکَ طَاعَهُ جَهَنَّمَ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ یَا هِشَامُ (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: هشام بن حکم گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم: در آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» منظور از «ملک عظیم» چیست؟ فرمود: وجوب اطاعت از ائمه و از همین ملک عظیم است اطاعت کردن جهنم از ائمه در روز قیامت ای هشام! - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ ابْنُ یَزِیدَ مَعاً عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً فَجَعَلْنَا مِنْهُمُ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِیَاءَ وَ الْأَئِمَّهَ فَکَیْفَ یُقِرُّونَ فِی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ یُنْکِرُونَ فِی آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله قُلْتُ فَمَا مَعْنَی قَوْلِهِ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ الْمُلْکُ الْعَظِیمُ أَنْ جَعَلَ فِیهِمْ أَئِمَّهً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَی اللَّهَ فَهُوَ الْمُلْکُ الْعَظِیمُ (۶).

۱- بصائر الدرجات: ۱۱. لم یذکر فیه: لفظ «جمیعا».

۲- بصائر الدرجات: ۱۱.

۳- بصائر الدرجات: ۱۵۰.

۴- بصائر الدرجات: ۱۵۰.

۵- بصائر الدرجات: ۱۱.

۶- بصائر الدرجات: ۱۱.

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید عجلی از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» نقل کرد که فرمود: از ایشان قرار دادیم پیامبران و انبیاء و ائمه را. پس چگونه در مورد آل ابراهیم اقرار دارند، ولی در مورد آل محمّد منکرند؟! عرض کردم: معنی «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» چیست؟ فرمود: همین که ائمه را در میان آنها قرار داده است. هر کس مطیع آنها باشد، مطیع خدا است و هر کس با آنها مخالفت کند، با خدا مخالفت کرده. همین ملک عظیم است. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیْدٍ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْأَحْوَلِ عَنْ عِمْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ فَقَالَ النُّبُوَّهَ فَقُلْتُ وَ الْحِکْمَهَ قَالَ الْفَهْمَ وَ الْقَضَاءَ قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ الطَّاعَهَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمران گفت: درباره آیه «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ» از امام علیه السّلام پرسیدم. فرمود: منظور نبوت است. گفتم: «وَ الْحِکْمَهَ» چه؟ فرمود: فهم و قضاوت است. گفتم: «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» چه؟ فرمود: اطاعت است. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۲»

یر، بصائر الدرجات أَبُو مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَی عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی هَذِهِ الْآیَهِ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ نَحْنُ وَ اللَّهِ النَّاسُ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ نَحْنُ وَ اللَّهِ الْمَحْسُودُونَ وَ نَحْنُ أَهْلُ هَذَا الْمُلْکِ الَّذِی یَعُودُ إِلَیْنَا (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» نقل کرد که فرمود: به خدا سوگند ما «الناس» هستیم که خدا فرموده است. و به خدا سوگند ما همان کسانی هستیم که مورد رشک هستیم و ما اهل این ملکی هستیم که به ما برمی... گردد. - . بصائر الدرجات: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ک، إکمال الدین أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ (۳) قَالَ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ علیهما السلام إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ (۴).

**[ترجمه]کمال الدین: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» نقل کرد که فرمود: منظور امامان از فرزندان علی و فاطمه تا روز قیامت است. - . کمال الدین: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۱۴»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ قَالَ تَعْلَمُ مُلْکاً عَظِیماً مَا هُوَ قَالَ قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ جَعَلَنِیَ اللَّهُ فِدَاکَ قَالَ طَاعَهُ (۵) اللَّهِ مَفْرُوضَهً (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً.» فرمود: می دانی «ملک عظیم» چیست؟ گفتم: شما داناترید خدا مرا فدایتان کند! فرمود: اطاعت ما است که خدا واجب نموده است. - . بصائر الدرجات: ۱۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۵»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُ اللَّهِ قُلِ

۱- بصائر الدرجات: ۱۱.

۲- بصائر الدرجات: ۱۱.

۳- النساء: ۵۹.

۴- اکمال الدین ص ۱۲۸ فیه: إلی ان تقوم الساعه.

۵- فی نسخه الکمبانیّ: «طاعه و اللّه مفروضه» و المعنی علی ما فی المتن: ان الملک العظیم هو طاعتنا المفروضه من اللّه تعالی.

۶- بصائر الدرجات: ۱۵۰.

اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ (۱) فَقَدْ آتَی اللَّهُ بَنِی أَمَیَّهَ الْمُلْکَ فَقَالَ لَیْسَ حَیْثُ یَذْهَبُ النَّاسُ إِلَیْهِ إِنَّ اللَّهَ آتَانَا الْمُلْکَ وَ أَخَذَهُ بَنُو أُمَیَّهَ بِمَنْزِلَهِ الرَّجُلِ یَکُونُ لَهُ الثَّوْبُ وَ یَأْخُذُهُ الْآخَرُ فَلَیْسَ هُوَ لِلَّذِی أَخَذَهُ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: داود بن فرقد گفت: به حضرت صادق علیه السّلام در مورد تفسیر آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ» - . آل عمران / ۲۶ -

{بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را باز ستانی} گفتم: خداوند به بنی امیه نیز ملك را عنایت کرده. فرمود: آن طور که مردم خیال می کنند، نیست. خداوند ملك را به ما داد، بنی امیه گرفتند. مثل اینکه کسی لباسی دارد و دیگری از او می گیرد. پس مال کسی که گرفته، نیست. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۶ -

**[ترجمه]

«۱۶»

عم، إعلام الوری قب، المناقب لابن شهرآشوب جَابِرٌ الْجُعْفِیُّ فِی تَفْسِیرِهِ عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله عَنْ قَوْلِهِ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولِی الْأَمْرِ قَالَ هُمْ خُلَفَائِی یَا جَابِرُ وَ أَئِمَّهُ الْمُسْلِمِینَ بَعْدِی أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَیْنُ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْمَعْرُوفُ فِی التَّوْرَاهِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِکُهُ یَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِیتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ سَمِیِّی وَ کَنِیِّی (۳) حُجَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ بَقِیَّتُهُ فِی عِبَادِهِ ابْنُ (۴) الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الَّذِی یَفْتَحُ اللَّهُ عَلَی یَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاکَ الَّذِی یَغِیبُ عَنْ شِیعَتِهِ (۵) غَیْبَهً لَا یَثْبُتُ عَلَی الْقَوْلِ فِی إِمَامَتِهِ إِلَّا مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِیمَانِ (۶).

**[ترجمه]اعلام الوری و مناقب ابن شهر آشوب: جابر جعفی در تفسیر خود از جابر انصاری نقل کرد که گفت: از پیامبر اکرم راجع به آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ» پرسیدم: ما خدا و رسولش را شناختیم و دانستیم، منظور از اولی الامر کیانند؟ فرمود: ای جابر! آنها جانشینان من و پیشوایان مسلمانان بعد از من هستند. اول آنها علی بن ابی طالب است، بعد حسن، سپس حسین، بعد علی بن الحسین، سپس محمّد بن علی که در تورات معروف به باقر است و تو او را خواهی دید. وقتی او را ملاقات کردی، سلام مرا به او برسان. سپس صادق جعفر بن محمّد، بعد موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، بعد محمّد بن علی، سپس علی بن محمّد، آنگاه حسن بن علی، سپس هم نام و هم کنیه من حجه اللَّه در زمین و بقیه اللَّه در بین بندگانش، فرزند حسن بن علی؛ آن کسی که خداوند به دست او شرق و غرب زمین را فتح می کند. او کسی است که از شیعه خود پنهان است، به طوری که معتقد به امامت او ثابت نمی ماند، مگر کسی که قلبش را خداوند به ایمان آزمایش کرده است. - . اعلام الوری: ۳۷۵ - ۳۷۶، مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۲ -

**[ترجمه]

«۱۷»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَهَ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ قَالَ فَکَانَ جَوَابَهُ أَنْ قَالَ أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا (۷) یَقُولُ

ص: ۲۸۹

۱- آل عمران: ۲۶.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۶۶.

۳- فی إعلام الوری: سمیی و ذو کنیتی.

۴- فی إعلام الوری: محمّد بن الحسن بن علیّ.

۵- فی إعلام الوری: یغیب عن شیعته و اولیائه غیبه لا یثبت فیها.

۶- مناقب آل أبی طالب ج ۱ ص ۲۴۲ إعلام الوری: ۳۷۵ و ۳۷۶ فیهما: لا یثبت علی القول بإمامته.

۷- النساء: ۵۱.

الْأَئِمَّهُ الضَّالَّهُ (۱) وَ الدُّعَاهُ إِلَى النَّارِ هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ أَوْلِيَائِهِمْ سَبِيلًا أولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ يَعْنِي الْإِمَامَهَ وَ الْخِلَافَهَ فَإِذاً لا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً نَحْنُ النَّاسُ الَّذِينَ عَنَى اللَّهُ وَ النَّقِيرُ النُّقْطَهُ الَّتِي رَأَيْتَ فِي وَسَطِ (۲) النَّوَاهِ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَنَحْنُ الْمَحْسُودُونَ (۳) عَلَى مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَهِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ جَمِيعاً فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَهَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً يَقُولُ فَجَعَلْنَا (۴) مِنْهُمُ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْأَئِمَّهَ فَكَيْفَ يُقِرُّونَ بِذَلِكَ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ يُنْكِرُونَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفى بِجَهَنَّمَ سَعِيراً إِلَى قَوْلِهِ وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ فِي آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً مَا الْمُلْكُ الْعَظِيمُ قَالَ أَنْ جَعَلَ مِنْهُمْ أَئِمَّهً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ فَهُوَ الْمُلْكُ الْعَظِيمُ قَالَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها إِلَى سَمِيعاً بَصِيراً قَالَ إِيَّانَا عَنَى أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَوَّلُ مِنَّا إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ الْكُتُبَ وَ الْعِلْمَ وَ السِّلَاحَ وَ إِذا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ ثُمَّ قَالَ لِلنَّاسِ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَجَمَعَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ (۵) أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ إِيَّانَا عَنَى خَاصَّهً فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعاً فِي الْأَمْرِ فَارْجِعُوا إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ أُولِي الْأَمْرِ

۱- في نسخه: «يقول الأئمّه الضاله: الأئمّه الضاله و الدعاه اه» و في الكافي: يقولون الأئمّه الضاله.

۲- في الكافي: النقطه التي في وسط النواه.

۳- في الكافي: «نحن الناس المحسودون» و فيه: دون خلق اللّه أجمعين.

۴- في الكافي: (جعلنا) و فيه: يقرون به.

۵- يعنى هذا الحكم يشمل المؤمنين جميعا، فهو اما بدخولهم في الخطاب، حيث ان الخلق كلهم حاضرون عند اللّه علما، و اما باشتراك الحاضر في موطن الخطاب و الغائب عنه في التكليف و في الكافي: امر جميع المؤمنين الى يوم القيامه بطاعتنا.

مِنْکَمْ هَکَذَا نَزَلَتْ (۱) وَ کَیْفَ (۲) یَأْمُرُهُمْ بِطَاعَهِ أَولِی الْأَمْرِ وَ یُرَخِّصُ لَهُمْ فِی مُنَازَعَتِهِمْ إِنَّمَا قِیلَ ذَلِکَ لِلْمَأْمُورِینَ الَّذِینَ قِیلَ لَهُمْ- أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: برید بن معاویه گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم و درباره آیه از او سؤال کردم: «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ.» در جواب فرمود: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ»، منظور فلانی و فلانی است. «وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا» - . نساء / ۵۱ - {آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و درباره کسانی که کفر ورزیده اند، می گویند اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند} می‌فرماید: پیشوایان گمراه و دعوت کنندگان به آتش. اینها راه یافته‌تر از آل محمّد و دوستانشان هستند. «أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً * أَمْ لَهُمْ نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ»، یعنی امامت و خلافت. «فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیراً» - . نساء / ۵۲ - ۵۳ -

{اینانند که خدا لعنتشان کرده و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یاوری نخواهی یافت. آیا آنان نصیبی از حکومت دارند [اگر هم داشتند] به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند.} فرمود: ما آن مردمی هستیم که خدا منظور کرده. و «النقیر» یعنی نقطه‌ای که در وسط هسته خرما می‌بینی. «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرمود: ما کسانی هستیم که مورد رشکیم بر امامتی که خدا به ما داده است، نه به تمام مردم. «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً.» می فرماید: از آن خانواده پیامبران و انبیاء و ائمه را قرار دادیم. چگونه در مورد آل ابراهیم به آن اقرار می کنند، ولی درباره آل محمّد منکرند؟ «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً» تا این قسمت آیه «وَ نُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِیلًا» - . نساء / ۵۷ -

{و آنان را در سایه ای پایدار درآوریم.} گفتم: منظور از «ملک عظیم» درباره آل ابراهیم در آیه «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» چیست؟ فرمود: از ایشان ائمه‌ای را قرار داد هر کس اطاعت از ایشان کند، اطاعت خدا را کرده و هر کس مخالفت ورزد، با خدا مخالفت کرده. ملک عظیم همین است. بعد فرمود: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» تا «سَمِیعاً بَصِیراً.» - . نساء / ۵۸ -

{خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید، خدا شنوای بیناست.} فرمود: ما را قصد کرده است که باید امام اول از ما، امامت و کتب و علم و سلاح را به امام بعد از خود بسپارد. «وَ إِذا حَکَمْتُمْ بَیْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ»، عدالتی که در اختیار شما است. بعد به مردم فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا»، منظور تمام مؤمنان است تا قیامت. «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ»، فقط ما را قصد کرده است. «فَإِنْ خِفتم تَنازَعاً فِی الامر، فارجعوا إلی اللَّه وَ إِلَی الرَّسُولِ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» چنین نازل شده، - . شاید این استنباط راوی باشد، زیرا شنید که امام علیه السّلام این را به آن تفسیر کرد، پس گمان کرد که همین گونه از نزد او نازل شده است. -

چگونه به آنها دستور به اطاعت از اولوا الامر می دهد بعد اجازه می دهد که با آنها به نزاع پردازند، بلکه مسأله نزاع به امر شدگانی گفته شده که به آنها گفته شده «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ.» - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۶ - ۲۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۸»

شی، تفسیر العیاشی بُرَیْدٌ الْعِجْلِیُّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مِثْلَهُ سَوَاءً وَ زَادَ فِیهِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِذَا ظَهَرْتُمْ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ إِذَا بَدَتْ فِی أَیْدِیکُمْ (۴).

أقول:- روی الکلینی الخبر بتمامه فی الکافی عن برید بأسانید مفرقا له علی الأبواب (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: برید عجلی از امام باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرده و در آن افزوده: «أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ» یعنی زمانی که پیروز شدید به عدالت حکم کنید، زمانی که ظاهر شد در دستانتان. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۷ -

مؤلف: کلینی روایت را به صورت کامل در اصول کافی از برید با سندهایی که در ابواب مختلف آمده، نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۲۰۵ - ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۹»

قب، المناقب لابن شهرآشوب شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ الْکِنَانِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَا أَبَا الصَّبَّاحِ نَحْنُ قَوْمٌ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَنَا لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (۶).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب و تفسیر عیاشی: ابوالصباح کنانی گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: ای ابوالصباح! ما قومی هستیم که خدا اطاعت ما را واجب کرده. انفال و مال پاکیزه برای ما است و ما ریشه داران در علم هستیم و ما مورد رشک مردمیم که خدا در کتابش فرموده: «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.» - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۵، تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۷ -

**[ترجمه]

«۲۰»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْمُؤَدِّبِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ نَحْنُ النَّاسُ وَ فَضْلُهُ النُّبُوَّةُ (۷).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابن عباس درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» گفت: ما «الناس» هستیم و

«فضل خدا»، نبوت است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۲۱»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْکَابُلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مُلْکاً عَظِیماً أَنْ جَعَلَ فِیهِمْ أَئِمَّهً مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَی اللَّهَ فَهَذَا مُلْکٌ عَظِیمٌ وَ آتَیْناهُمْ

ص: ۲۹۱

۱- لعل ذلک استنباط من الراوی حیث سمع ان الإمام علیه السلام فسره بذلک فظن انه المنزل من عنده.

۲- تعلیل لخروج أولی الامر عن المتنازعین و حکمهم. و فی الکافی: و کیف یأمرهم اللّه بطاعه ولاه الأمر.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۶ و ۲۴۷.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۷.

۵- أصول الکافی ۱: ۲۰۵ و ۲۷۶ فیه: «تنازعا فی امر فردوه إلی اللّه و الی الرسول و الی أولی الامر منکم» راجعه.

۶- مناقب آل أبی طالب: ج ۱: ۲۴۵ تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۷.

۷- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۴۸.

مُلْكاً عَظِيماً (۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «مُلْکاً عَظِیماً» نقل کرد که فرمود: امامانی در آنها قرار داد. هر کس از آنها اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس با آنها مخالفت کند، با خدا مخالفت کرده. این «ملک عظیم» است، «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً.» - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۲۲»

وَ عَنْهُ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی قَالَ: الطَّاعَهُ الْمَفْرُوضَهُ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: و در روایت دیگری از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: منظور اطاعت واجب شده، است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

شی، تفسیر العیاشی عِمْرَانُ (۳) عَنْهُ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ قَالَ النُّبُوَّهَ وَ الْحِکْمَهَ قَالَ الْفَهْمَ وَ الْقَضَاءَ وَ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ الطَّاعَهَ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عمران - . در مصدر «حمران» آمده است. -

از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ» فرمود: منظور نبوت است. و درباره «وَ الْحِکْمَهَ» فرمود: فهم و قضاوت است. و در مورد «مُلْکاً عَظِیماً» فرمود: اطاعت است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۲۴»

شی، تفسیر العیاشی أَبُو حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ فَهُوَ النُّبُوَّهُ وَ الْحِکْمَهَ فَهُمُ الْحُکَمَاءُ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ مِنَ الصَّفْوَهِ وَ أَمَّا الْمُلْکُ الْعَظِیمُ فَهُمُ الْأَئِمَّهُ الْهُدَاهُ مِنَ الصَّفْوَهِ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو حمزه از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ» فرمود: نبوت است، «وَ الْحِکْمَهَ» آنها حکیمان از انبیای برگزیده هستند، و «ملک عظیم» امامان هدایت کننده از برگزیدگانند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۲۵»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ عِنْدَهُ إِسْمَاعِیلُ ابْنُهُ علیه السلام یَقُولُ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ الْآیَهَ قَالَ فَقَالَ الْمُلْکُ الْعَظِیمُ افْتِرَاضُ الطَّاعَهِ قَالَ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ قَالَ فَقُلْتُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فَقَالَ لِی إِسْمَاعِیلُ لِمَ یَا دَاوُدُ قُلْتُ لِأَنِّی کَثِیراً قَرَأْتُهَا وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّمَا هُوَ (۶) فَمِنْ هَؤُلَاءِ وُلْدُ إِبْرَاهِیمَ مَنْ آمَنَ بِهَذَا وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ (۷).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: داود بن فرقد گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در حالی که اسماعیل پسرش نیز حضور داشت شنیدم که می فرمود: «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» تا آخر آیه. فرمود: «ملک عظیم» وجوب اطاعت است. فرمود: «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ.» من گفتم: استغفر اللّه! اسماعیل به من گفت: چرا استغفار کردی ای داود؟ گفتم: چون پیش از این بسیار آن را [به این شکل] خواندم: «وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صدّ عنه.» حضرت صادق علیه السّلام فرمود: همان طوری است که من خواندم. از آنها فرزندان ابراهیم هستند که به این ایمان آوردند و بعضی از آنها از آن جلوگیری کردند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۸ -

**[ترجمه]

بیان

لعل داود کان یقرأ هکذا سهوا أو علی بعض القراءات الشاذه التی لم تنقل إلینا و المشهور فی مرجع الضمیر إما أهل الکتاب أو أمه إبراهیم و علی تفسیره علیه السلام راجع إلی آل إبراهیم فالمراد بالآل جمیع ذریته و لا ینافی إیتاءهم الکتاب و الحکمه و الملک العظیم صد بعضهم عن الحق إذ معلوم أنها لا تعمهم بل هی مخصوصه ببعضهم.

**[ترجمه]شاید داود سهوا این طور می‌خواند یا بنا بر بعضی قرائت‌های شاذی که به دست ما نرسیده است. و مشهور درباره مرجع ضمیر این است که «یا اهل کتاب» است یا «امت ابراهیم.» و بنا بر تفسیر امام علیه السّلام به آل ابراهیم برمی گردد. پس منظور از «آل»، تمام ذریه اوست و دادن کتاب و حکمت و ملک عظیم به ایشان، منافاتی با جلوگیری بعضی از ایشان از حق ندارد، زیرا معلوم است که تمام فرزندان ابراهیم را دربرنمی گیرد، بلکه اختصاص به بعضی از آنها دارد.

**[ترجمه]

«۲۶»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبَانٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَی أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: فَسَأَلْتُهُ

١- تفسير العيّاشيّ ١: ٢۴٨.

٢- تفسير العيّاشيّ ١: ٢۴٨.

٣- فی المصدر: حمران.

۴- تفسير العيّاشيّ ١: ٢۴٨.

۵- تفسير العيّاشيّ ١: ٢۴٨.

۶- أی الصحيح ما قرأته انا.

٧- تفسير العيّاشيّ ١: ٢۴٨.

عَنْ قَوْلِ اللَّهِ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَقَالَ ذَلِکَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ ثُمَّ سَکَتَ فَلَمَّا طَالَ سُکُوتُهُ (۱) قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ الْحَسَنُ علیه السلام ثُمَّ سَکَتَ فَلَمَّا طَالَ سُکُوتُهُ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ الْحُسَیْنُ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ سَکَتَ فَلَمْ یَزَلْ یَسْکُتُ عَنْ کُلِّ وَاحِدٍ حَتَّی أُعِیدَ الْمَسْأَلَهَ فَیَقُولُ حَتَّی سَمَّاهُمْ إِلَی آخِرِهِمْ صلوات الله علیهم (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابان گفت: خدمت حضرت رضا علیه السّلام رسیدم و از این آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» پرسیدم. فرمود: اولی الامر علی بن ابی طالب صلوات الله علیه است. بعد سکوت کرد. چون سکوت امام به طول انجامید، عرض کردم: پس از علی بن ابی طالب علیه السّلام چه کسی بوده؟ فرمود: حسن علیه السّلام. چون سکوت امام به طول انجامید، عرض کردم: بعد که بود؟ فرمود: حسین. گفتم: پس از حسین علیه السّلام؟ فرمود: علی بن الحسین و سکوت نمود. پیوسته هر امام را نام می برد و سکوت می کرد تا من سؤال را تکرار می کردم تا تمام آنها را تا آخرین نفر نام برد، صلّی الله علیهم. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۷»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ إِنَّکُمْ أَخَذْتُمْ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ جَذْوِهِ یَعْنِی مِنْ أَصْلِهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ وَ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا لَا مِنْ قَوْلِ فُلَانٍ وَ لَا مِنْ قَوْلِ فُلَانٍ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عمران حلبی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: شما این عقیده را از منبع اصلی آن گرفته اید، از این سخن خدا «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» و از این فرمایش پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله «ما ان تمسکتم به لن تضلوا»، نه از قول فلان کس و نه از قول فلانی. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۱ - ۲۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۸»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ قَالَ هِیَ فِی عَلِیٍّ وَ فِی الْأَئِمَّهِ جَعَلَهُمُ اللَّهُ مَوَاضِعَ الْأَنْبِیَاءِ غَیْرَ أَنَّهُمْ لَا یُحِلُّونَ (۴) شَیْئاً وَ لَا یُحَرِّمُونَهُ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عبدالله بن عجلان از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» فرمود: این آیه درباره علی و ائمه علیهم السّلام است که خداوند آنها را جایگزین انبیاء قرار داد، جز اینکه چیزی را از پیش خود حلال یا حرام نمی کنند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۹»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ حُکَیْمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ أَخْبِرْنِی مَنْ أُولِی الْأَمْرِ الَّذِینَ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ فَقَالَ لِی أُولَئِکَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرٌ أَنَا عَلَیْهِمُ السَّلَامُ فَاحْمَدُوا اللَّهَ الَّذِی عَرَّفَکُمْ أَئِمَّتَکُمْ وَ قَادَتَکُمْ حِینَ جَحَدَهُمُ النَّاسُ (۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حکیم گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم: فدایت شوم! مرا از اولوا الامری که خداوند امر به اطاعت آنها نموده، مطلع فرما؟ به من فرمود: آنها علی بن ابی طالب و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر که من هستم، هستند. خدا را سپاسگزار باشید که امامان و رهبرانتان را به شما شناسانده، زمانی که مردم منکر آنها هستند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۲ -

**[ترجمه]

«۳۰»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ أَطِیعُوا

۱- فی المصدر: قال: فلما طال سکوته.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۱. فیه: فلم یزل یسکت عند کل واحد.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۱ و ۲۵۲.

۴- أی لا یأتون من عند اللّه بالحلال و الحرام، بل یقولون للناس ما قاله النبیّ صلّی اللّه علیه و آله، و بالجمله انهم یکونون فی درجه الأنبیاء و مرتبتهم غیر انه لا یوحی إلیهم، فحالهم حال جمله من الأنبیاء الماضیه الذین کانوا یتبعون سنه نبی آخر و یروجونها بین الناس و یقیمونها فیهم.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۲.

۶- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۲.

اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ الْأَوْصِيَاءُ مِنْ بَعْدِهِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عمرو بن سعید گفت: از حضرت ابوالحسن علیه السّلام درباره آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم. فرمود: منظور علی بن ابی طالب و اوصیای بعد از او است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۳ -

**[ترجمه]

«۳۱»

شی، تفسير العياشی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلَی أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: محمد بن مسلم گفت: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: «فَإِنْ تَنازَعْتُمْ فِی شَیْ ءٍ فارجعوه إلی اللَّهِ و إلی الرَّسولِ و إلی أولی الأمر منكم.» - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۳۲»

شی، تفسير العياشی فِی رِوَايَةِ عَامِرِ بْنِ سَعِيدٍ الْجُهَنِیِّ عَنْ جَابِرٍ عَنْهُ علیه السلام وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: جابر از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که اولی الامر از آل محمد هستند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۳۳»

شی، تفسير العياشی عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَابُ الْأَنْبِيَاءِ وَ رِضَی الرَّحْمَنِ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ (۴) بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ إِلَی حَفِيظاً (۵) أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ (۶) وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِیِّ اللَّهِ فَيُوَالِيَهُ وَ يَكُونَ جَمِيعُ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَةٍ مِنْهُ إِلَيْهِ (۷) مَا كَانَ لَهُ عَلَی اللَّهِ حَقٌّ فِی ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ أُولَئِكَ الْمُحْسِنُ مِنْهُمْ يُدْخِلُهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِهِ وَ رَحْمَتِهِ (۸).

جا، المجالس للمفيد ابْنُ قُولَوَيْهِ عَنِ الْكُلَيْنِیِّ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْهُ علیه السلام مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ حَفِيظاً (۹).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: زراره از حضرت باقر نقل می کند که فرمود: بالاترین جایگاه دین و قله ی بلند آن و کلید آن و باب به سوی پیامبران و رضای خدا، همانا اطاعت امام است پس از شناختن او. سپس فرمود: خداوند می فرماید: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ

فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ» تا این قسمت آیه «حَفیظاً» - . نساء / ۸۰ - {هر کس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم.} آگاه باشید که اگر شخصی شب زنده داری کند و روزش را روزه بگیرد و تمام مالش را صدقه دهد و تمام روزگارش را به حج به جا آورد، ولی ولایت ولی خدا را نشناسد که او را دوست بدارد و تمام اعمالش به راهنمایی آن امام به سوی خدا باشد، حقی بر خداوند در پاداشش ندارد و نه از اهل ایمان شمرده می شود.

سپس فرمود: نیکوکاران از ایشان را خداوند به فضل و رحمت خود ایشان داخل بهشت می کند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۹ -

مجالس مفید: زراره از امام باقر علیه السّلام همین روایت را تا عبارت «حفیظاً» نقل کرده است. - . مجالس مفید: ۴۲ -

**[ترجمه]

بیان

ذروه (۱۰) الأمر أی أمر الدین أو کل الأمور بعد معرفته

۱- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۳.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۴.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۴.

۴- فی المجالس: و باب الأشیاء، و رضا الرحمن طاعه للامام.

۵- النساء: ۸۰.

۶- فی المصدر: و تصدق جمیع ما له.

۷- فی نسخه: بدلالته إلیه.

۸- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۹.

۹- مجالس المفید: ۴۲.

۱۰- الذروه بالکسر و الضم: المکان المرتفع و العلو، و أعلی الشی ء.

أی الإمام و إرجاع الضمير إلی الله بعيد و الاستشهاد بالآيه بانضمام الآيات الداله علی مقارنه طاعه الرسول لأولی الأمر أو بانضمام ما أوصی به الرسول من طاعتهم فطاعتهم طاعه الرسول أو مبنی علی أن الآيه نزلت فی ولايتهم كما يدل عليه بعض الأخبار أو علی أنهم نوابه صلی الله عليه و آله فحكمهم حكمه قوله أولئك إما إشاره إلی الشيعه أی المحسن من الشيعه أيضا إنما يدخل الجنه برحمه الله لا بعمله أو إلی المخالفين أی المستضعفين منهم و سيأتی القول فيه فی محله إن شاء الله.

**[ترجمه]«ذروه الامر» يعنی امر دين يا همه امور. «بعد معرفته» يعنی بعد از شناخت امام و بازگشت ضمير به خدا بعيد است. و استشهاد به آيه، به ضميمه آياتی كه دال بر قرين بودن اطاعت پيامبر با اولی الامر يا به ضميمه آنچه كه پيامبر به آن وصيت كرده از اطاعت ايشان. پس اطاعت ايشان، اطاعت رسول است يا مبنی بر اين است كه آيه درباره ولايت ايشان نازل شده - چنان چه بعضی اخبار بر آن دلالت می كند - يا مبنی بر اين است كه ائمه عليهم السّلام نائبان پيامبرند، پس حكم ايشان، حكم پيامبر است. «اولئك» يا اشاره به شيعه است يا نيكوكار از شيعه نيز به رحمت خدا داخل بهشت می‌شود نه به عملش، يا اشاره به مخالفان است، يعنی مستضعفان از ايشان. و سخن درباره آن در محل خود خواهد آمد إن شاء الله.

**[ترجمه]

«۳۴»

شی، تفسير العياشی عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ النَّحْوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ أَدَّبَ نَبِيَّهُ عَلَی مَحَبَّتِهِ فَقَالَ إِنَّكَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِيمٍ (۱) قَالَ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ الْأَمْرَ فَقَالَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (۲) وَ قَالَ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ (۳) وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله فَوَّضَ إِلَی عَلِيٍّ عليه السلام وَ ائْتَمَنَهُ فَسَلَّمْتُمْ وَ جَحَدَ النَّاسُ فَوَ اللَّهِ لَنُحِبُّكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَ أَنْ تَصْمُتُوا إِذَا صَمَتْنَا وَ نَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ اللَّهِ مَا جَعَلَ لِأَحَدٍ مِنْ خَيْرٍ فِی (۴) خِلَافِ أَمْرِنَا (۵).

**[ترجمه]تفسير عياشی: ابو اسحاق نحوی گفت: از حضرت صادق عليه السّلام شنيدم كه می فرمود: خداوند پيامبرش را بر محبت خود تربيت نمود. فرمود: «إِنَّكَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِيمٍ» - . قلم / ۴ - {و راستی كه تو را خويی والاست.} آنگاه دين را در اختيار او گذاشت. فرمود «ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» - . حشر / ۷ - {آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگيريد و از آنچه شما را باز داشت بازايستيد.} و فرمود: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ.» حضرت رسول صلی اللَّه عليه و آله نيز در اختيار علی گذاشت و نزد او به امانت قرار داد. پس شما قبول كرديد، ولی مردم منكر شدند. به خدا قسم ما به شما محبت می ورزيم كه بگوييد زمانی كه ما گفتيم و ساكت بمانيد زمانی كه ساكت شديم. و ما واسطه هستيم بين شما و خدا. سوگند به خدا برای احدی خيری در مخالفت امر ما قرار داده نشده است. - . تفسير عياشی ۱ : ۲۵۹ -

**[ترجمه]

«۳۵»

شی، تفسير العياشی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَجْلَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام فِی قَوْلِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ قَالَ

هُمُ الْأَئِمَّهُ (۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عبدالله بن عجلان از امام باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلَی أُوْلِی الأَمْرِ مِنْهُمْ» نقل کرد که فرمود: آنها ائمه هستند. -. تفسیر عیاشی ۱ : ۲۶۰ -

**[ترجمه]

«۳۶»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام ذَكَرْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ (۷) الَّذِينَ وَصَفْتَ أَنَّهُمْ كَانُوا بِالْأَمْسِ لَكُمْ إِخْوَاناً وَ

ص: ۲۹۵

۱- القلم: ۴.

۲- الحشر: ۵۹.

۳- أو عزنا سابقا الی محل الآیه.

۴- فی نسخه من الکتاب و المصدر: فی خلاف أمره.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۹.

۶- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۶۰.

۷- أی الواقفیه.

الَّذِی صَارُوا إِلَیْهِ مِنَ الْخِلَافِ لَکَمْ وَ الْعَدَاوَهِ لَکَمْ وَ الْبَرَاءَهِ مِنْکَمْ وَ الَّذِی تَأَفَّکَوا بِهِ مِنْ حَیَاهِ أَبِی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ ذَکَرَ فِی آخِرِ الْکِتَابِ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ سَنَحَ (۱) لَهُمْ شَیْطَانٌ اغْتَرَّهُمْ بِالشُّبْهَهِ وَ لَبَّسَ عَلَیْهِمْ أَمْرَ دِینِهِمْ وَ ذَلِکَ لَمَّا ظَهَرَتْ فِرْیَتُهُمْ وَ اتَّفَقَتْ کَلِمَتُهُمْ وَ نَقَمُوا (۲) عَلَی عَالِمِهِمْ وَ أَرَادُوا الْهُدَی مِنْ تِلْقَاءِ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا لِمَ وَ مَنْ وَ کَیْفَ فَأَتَاهُمُ الْهُلْکُ (۳) مِنْ مَأْمَنِ احْتِیَاطِهِمْ وَ ذَلِکَ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِیهِمْ وَ ما رَبُّکَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ وَ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ لَهُمْ وَ لَا عَلَیْهِمْ بَلْ کَانَ الْفَرْضُ عَلَیْهِمْ وَ الْوَاجِبُ لَهُمْ مِنْ ذَلِکَ الْوُقُوفَ عِنْدَ التَّحَیُّرِ وَ رَدَّ مَا جَهِلُوهُ مِنْ ذَلِکَ إِلَی عَالِمِهِ وَ مُسْتَنْبِطِهِ لِأَنَّ اللَّهَ یَقُولُ فِی مُحْکَمِ کِتَابِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ یَعْنِی آلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ هُمُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَ مِنَ الْقُرْآنِ وَ یَعْرِفُونَ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ هُمُ الْحُجَّهُ لِلَّهِ عَلَی خَلْقِهِ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: عبداللّه بن جندب گفت: حضرت رضا علیه السّلام در نامه ای به من نوشت: «خدا رحمتت کند! یاد از آن گروه کرده بودی که دیروز جزو برادران دینی شما بودند و اینک مخالف و دشمن شما و بریء از شما شدند، و آن دروغی که به سبب آن را به سختی انداختند راجع به زنده بودن پدرم صلّی اللّه علیه و رحمته.» در آخر نامه نوشته بود: «شیطان بر ایشان عارض شد و ایشان را مبتلای به شبهه کرد و امر دین را بر ایشان مشتبه کرد. آن به واسطه افترای ایشان بود که ظاهر گشت و گرد هم آمدند و عالم خود را انکار کردند و هدایت را از جانب خود خواستند. پس گفتند: برای چه و چه کسی و چگونه؟ این احتیاطی که کردند، موجب هلاکت آنها شد و آن به خاطر کار خودشان بود. و خدای تو به بندگان ستم روا نمی دارد و آن نه به نفعشان بود و نه به ضررشان، بلکه برای آنها لازم بود و واجب برای آنها از آن، توقف هنگام تحیر و برگرداندن آنچه را که نمی‌دانند از آن، به عالم آن و مستنبط آن است، زیرا خداوند در کتابش می فرماید: «وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»، یعنی آل محمّد و آنهایند که از قرآن استنباط می کنند و حلال و حرام را تشخیص می دهند و ایشان حجت خدا بر خلقش هستند. -. تفسیر عیاشی ۱ : ۲۶۰ -

**[ترجمه]

بیان

تأفکوا به تکلفوا الإفک و الکذب بسببه فقالوا لم أی لم حکمتم بموت الکاظم علیه السلام أو من الإمام بعده و کیف حکمتم بکون الرضا علیه السلام إماما.

**[ترجمه]«تأفکوا به» یعنی دروغی که به سبب آن خود را به سختی انداختند. پس گفتند «لِمَ»، یعنی چرا به مرگ کاظم علیه السّلام حکم کردید؟ یا امام بعد از او کیست؟ و چگونه حکم به امامت رضا علیه السّلام کردید؟

**[ترجمه]

«۳۷»

قب، المناقب لابن شهرآشوب الْأُمَّهُ عَلَی قَوْلَیْنِ فِی مَعْنَی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ

أَحَدُهُمَا أَنَّهَا فِی أَئِمَّتِنَا وَ الثَّانِی أَنَّهَا فِی أَمَرَاءِ السَّرَایَا وَ إِذَا بَطَلَ أَحَدُ الْأَمْرَیْنِ ثَبَتَ الْآخَرُ وَ إِلَّا خَرَجَ الْحَقُّ عَنِ الْأُمَّهِ وَ الَّذِی یَدُلُّ عَلَی أَنَّهَا فِی أَئِمَّتِنَا علیهم السلام أَنَّ ظَاهِرَهَا یَقْتَضِی عُمُومَ طَاعَهِ أُولِی الْأَمْرِ مِنْ حَیْثُ عَطَفَ اللَّهُ تَعَالَی الْأَمْرَ بِطَاعَتِهِمْ عَلَی الْأَمْرِ بِطَاعَتِهِ وَ طَاعَهِ رَسُولِهِ وَ مِنْ حَیْثُ أَطْلَقَ الْأَمْرَ بِطَاعَتِهِمْ وَ لَمْ یَخُصَّ شَیْئاً مِنْ شَیْ ءٍ لِأَنَّهُ سُبْحَانَهُ لَوْ أَرَادَ خَاصّاً لَبَیَّنَهُ وَ فِی فَقْدِ

ص: ۲۹۶

۱- فی نسخه. سخ اقول: سنح له رأی فی الامر، عرض. و سنح الظبی و الطیر و غیرهما: مر من المیاسر الی المیامن.

۲- فی نسخه من المصدر: و کذبوا علی عالمهم.

۳- فی النسخه المخطوطه: فاتاهم الهلاک.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۶۰.

الْبَيَانِ مِنْهُ تَعَالَى دَلِيلٌ عَلَى إِرَادَهِ الْكَلِّ وَ إِذَا ثَبَتَ ذَلِكَ ثَبَتَتْ إِمَامَتُهُمْ لِأَنَّهُ لَا أَحَدَ تَجِبُ طَاعَتُهُ عَلَى ذَلِكَ الْوَجْهِ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا الْإِمَامُ وَ إِذَا اقْتَضَتْ وُجُوبَ طَاعَهِ أُولِي الْأَمْرِ عَلَى الْعُمُومِ لَمْ يَكُنْ بُدٌّ مِنْ عِصْمَتِهِمْ وَ إِلَّا أَدَّى أَنْ يَكُونَ (۱) تَعَالَى قَدْ أَمَرَ بِالْقَبِيحِ لِأَنَّ مَنْ لَيْسَ بِمَعْصُومٍ لَا يُؤْمَنُ مِنْهُ وُقُوعُ الْقَبِيحِ فَإِذَا وَقَعَ كَانَ الِاقْتِدَاءُ بِهِ قَبِيحاً وَ إِذَا ثَبَتَتْ دَلَالَهُ الْآيَهِ عَلَى الْعِصْمَهِ وَ عُمُومِ الطَّاعَهِ بَطَلَ تَوَجُّهُهَا إِلَى أُمَرَاءِ السَّرَايَا لِارْتِفَاعِ عِصْمَتِهِمْ وَ اخْتِصَاصِ طَاعَتِهِمْ (۲) وَ قَالَ بَعْضُهُمْ هُمْ عُلَمَاءُ الْأُمَّهِ الْعَامَّهِ وَ هُمْ مُخْتَلِفُونَ (۳) وَ فِي طَاعَهِ بَعْضِهِمْ عِصْيَانُ بَعْضٍ وَ إِذَا أَطَاعَ الْمُؤْمِنُ بَعْضَهُمْ عَصَى الْآخَرَ وَ اللَّهُ تَعَالَى لَا يَأْمُرُ بِذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَصَفَ أُولِي الْأَمْرِ بِصِفَهٍ تَدُلُّ عَلَى الْعِلْمِ وَ الْإِمْرَهِ جَمِيعاً قَوْلُهُ تَعَالَى وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ (۴) فَرَدَّ الْأَمْنَ أَوْ الْخَوْفَ لِلْأُمَرَاءِ وَ الِاسْتِنْبَاطَ لِلْعُلَمَاءِ وَ لَا يَجْتَمِعَانِ إِلَّا لِأَمِيرٍ عَالِمٍ.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: امت در مورد این آیه دو نظریه دارند: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» یکی اینکه آن درباره امامان ما است و دوم اینکه آن درباره فرماندهان لشکرها است. وقتی یکی از این دو نظر باطل بود، قطعا نظر دوم ثابت می شود، وگرنه حق از میان امت خارج می شود. دلیل بر اینکه آن درباره ائمه ما است، این است که ظاهر آیه مقتضی اطاعت از اولوا الامر در همه چیز است، زیرا خداوند طاعت اولوا الامر را عطف بر اطاعت از خود و پیامبرش نموده و هم اینکه امر به اطاعت از ایشان را به طور مطلق ذکر کرده و چیزی را از چیز دیگر اختصاص نداده، زیرا اگر خدا اطاعت از یک جهت خاص را می خواست، آن را توضیح می داد. وقتی توضیح نداد، معلوم می شود اطاعت به طور کلی است. وقتی این مطلب ثابت شد، امامت آنها نیز ثابت می شود، زیرا به این صورت اطاعت از کسی پس از پیامبر واجب نیست، مگر امام. وقتی مقتضی وجوب اطاعت اولوا الامر به طور عموم باشد، چاره‌ای جز عصمت ایشان نیست، وگرنه منجر به این می شود که خداوند دستور به کار قبیح داده باشد، زیرا کسی که معصوم نیست، اطمینانی به وقوع قبیح از او نیست. پس اگر قبیحی از او سر زد، اقتدای به او قبیح است. و وقتی ثابت شد که آیه دلالت بر عصمت و عموم اطاعت می کند، باطل است که بگوییم آیه متوجه فرماندهان لشکرها است، به خاطر مرتفع شدن عصمت ایشان و اختصاص اطاعت از آنها در چیزی که محذور شرعی ندارد. و بعضی گفته اند که منظور از اولوا الامر، عموم علمای امت هستند. ایشان نیز در امور دینی اختلاف دارند و اطاعت از بعضی از ایشان، موجب مخالفت با بعضی دیگر می شود. وقتی مؤمن یکی از ایشان را اطاعت نمود، با دیگری مخالفت کرده است و خدا چنین دستوری نمی دهد. از آن گذشته خداوند اولوا الامر را به صفتی توصیف کرده که دلالت بر علم و فرماندهی هر دو می نماید. چنان چه در این آیه می فرماید: «وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ» {و چون خبری [حاکی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعا از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلما جز [شمار] اندکی از شیطان پیروی می کردید.} مسلم است که برگرداندن امن یا خوف برای امراء است و استنباط به علماء اختصاص دارد و این دو صفت جمع نمی شود، مگر برای فرمانروای عالم.

**[ترجمه]

الشَّعْبِیُّ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ هُمْ أَمَرَاءُ السَّرَایَا وَ عَلِیٌّ أَوَّلُهُمْ.

**[ترجمه]شعبی می گوید: ابن عباس گفت: اولوا الامر فرماندهان لشکرها هستند و علی اولین آنها است.

**[ترجمه]

«۳۹»

وَ سَأَلَ الْحَسَنُ بْنُ صَالِحِ بْنِ حَیٍّ جَعْفَرَ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ ذَلِکَ فَقَالَ الْأَئِمَّهُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ رَسُولِ اللَّهِ.

**[ترجمه]حسن بن صالح بن حی از حضرت صادق راجع به همین مطلب سؤال کرد. فرمود: آنها ائمه از اهل بیت پیامبرند.

**[ترجمه]

«۴۰»

تَفْسِیرُ مُجَاهِدٍ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام حِینَ خَلَّفَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالْمَدِینَهِ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ تُخَلِّفُنِی بَیْنَ النِّسَاءِ وَ الصِّبْیَانِ فَقَالَ یَا عَلِیُّ أَ مَا تَرْضَی أَنْ تَکُونَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَی حِینَ قَالَ لَهُ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَ أَصْلِحْ فَقَالَ بَلَی وَ اللَّهِ.

**[ترجمه]تفسیر مجاهد: این آیه درباره امیرالمؤمنین علیه السّلام نازل شد، موقعی که پیامبر اکرم او را جانشین خود در مدینه قرار داد. فرمود: یا رسول اللّه! مرا جانشین خود بین زنان و بچه ها قرار داده ای؟ فرمود: یا علی! راضی نیستی که نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی باشی، آن موقع که به او فرمود: «اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَ أَصْلِحْ» - . اعراف / ۱۴۲ - ؟ {در میان قوم من جانشینم باش و [کار آنان را] اصلاح کن.} عرض کرد: آری به خدا سوگند.

**[ترجمه]

«۴۱»

وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ قَالَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام وَلَّاهُ اللَّهُ أَمْرَ الْأُمَّهِ

ص: ۲۹۷

۱- فی المصدر: و الا ادی إلی أن یکون.

۲- أی و اختصاص طاعتهم فیما لا یکون فیه محظور شرعا.

۳- فی نسخه: و هم یختلفون.

۴- النساء: ۸۳.

بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله حِينَ خَلَفَهُ رَسُولُ اللَّهِ بِالْمَدِينَهِ فَأَمَرَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِطَاعَتِهِ وَ تَرْكِ خِلَافِهِ.

**[ترجمه]«وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» علی بن ابی طالب فرمود: خداونـد او را بر امر امت ولایت داد پس از محمد، هنگامی که پیامبر او را جانشین خود در مدینه قرار داد. پس خدا به بندگان دستور به اطاعت از او و ترک مخالفت با او را داد.

**[ترجمه]

«۴۲»

وَ فِی إِبَانَهِ الْفَلَکِیِّ، أَنَّهَا نَزَلَتْ لَمَّا شَکَا أَبُو بُرْدَهَ مِنْ عَلِیٍّ علیه السلام الْخَبَرَ (۱).

**[ترجمه]و در إبـانه الفلکی آمـده که آیه زمـانی نـازل شـد که ابو برده از علی علیه السّلام شـکایت نمود... تا آخر خبر. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳: ۲۱۸ -

**[ترجمه]

«۴۳»

جا، المجالس للمفیـد الْجِعَابِیُّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ زَیْدٍ الْمُعَدِّلِ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ کُرَیْبٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اسْمَعُوا وَ أَطِیعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ (۲).

**[ترجمه]مجالس مفید: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم فرمود: گوش کنید و اطاعت نمایید از کسـی که خدا به او ولایت امر را داده است، زیرا آن موجب نظام اسلام است. - . مجالس مفید: ۷ -

**[ترجمه]

«۴۴»

فر، تفسـیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ مُعَنْعَناً عَنْ بُرَیْدَهَ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی مـا آتـاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ فَنَحْنُ النَّاسُ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ عَلَی مَا آتَانَا اللَّهُ مِنَ الْإِمَامَهِ دُونَ خَلْقِ اللَّهِ جَمِیعاً فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً جَعَلْنَا مِنْهُمُ الرُّسُلَ وَ الْأَنْبِیَاءَ وَ الْأَئِمَّهَ علیهم السلام فَکَیْفَ یُقِرُّونَ بِهَا فِی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ یُکَذِّبُونَ بِهَا فِی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السـلام فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: بریـده گفت: خـدمت امام باقر علیه السّلام بودم. درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» پرسـیدم. فرمود: ما «الناس» هستیم و ما مورد رشک هستیم بر امامتی که خـدا به ما داده است نه به تمام خلق خـدا. «فَقَدْ

آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً.» پیامبران و انبیا و امامان را از ایشان قرار دادیم، پس چگونه اقرار به آن می کنید درباره آل ابراهیم ولی درباره آل محمد آن را تکذیب می کنید؟ «فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً.» - . تفسیر فرات: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۴۵»

أَقُولُ رَوَی الْعَلَّامَهُ فِی کَشْفِ الْحَقِّ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام نَحْنُ النَّاسُ (۴).

**[ترجمه]مؤلف: علامه در کشف الحق درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» نقل کرده که امام باقر علیه السّلام فرمود: ما «الناس» هستیم. - . احقاق الحق ۳ : ۴۵۷ -

**[ترجمه]

«۴۶»

وَ رَوَی ابْنُ حَجَرٍ فِی صَوَاعِقِهِ قَالَ أَخْرَجَ أَبُو الْحَسَنِ الْمَغَازِلِیُّ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِی هَذِهِ الْآیَهِ نَحْنُ النَّاسُ وَ اللَّهِ.

**[ترجمه]ابن حجر در صواعق خود گفته است: ابوالحسن مغازلی از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره این آیه فرمود: به خدا سوگند ما «الناس» هستیم.

**[ترجمه]

«۴۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عُبَیْدُ بْنُ کَثِیرٍ مُعَنْعَناً أَنَّهُ سَأَلَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (۵) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ قَالَ أُولِی الْفِقْهِ وَ الْعِلْمِ قُلْنَا أَ خَاصٌّ أَمْ عَامٌّ قَالَ بَلْ خَاصٌّ لَنَا (۶).

**[ترجمه]تفسیر فرات: عبید بن کثیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام - . در مصدر «امام باقر علیه السّلام» است. - راجع به آیه «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» پرسید. فرمود: صاحبان فقه و علم. گفتیم: خاص است یا عام؟ فرمود: اختصاص به ما دارد. - . تفسیر فرات: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۴۸»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ

۱- مناقب آل أبی طالب ۳: ۲۱۸.

۲- مجالس المفید: ۷.

۳- تفسیر فرات: ۲۸.

۴- إحقاق الحقّ ۳: ۴۵۷.

۵- فی المصدر معنعنا عن ابی جعفر علیه السلام.

۶- تفسیر فرات: ۲۸.

تَعَالَى أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ قَالَ فَأُولِی الْأَمْرِ فِی هَذِهِ الْآيَهِ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری درباره آیه «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اولی الامر در این آیه، آل محمدند. - . تفسیر فرات: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۴۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم أَحْمَدُ بْنُ الْقَاسِمِ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی مَرْيَمَ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ كَانَتْ طَاعَهُ عَلِيٍّ مُفْتَرَضَهً قَالَ كَانَتْ طَاعَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَاصَّهً مُفْتَرَضَهً لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ وَ كَانَتْ طَاعَهُ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام طَاعَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۲).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابو مریم گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ» پرسیدم: آیا اطاعت از علی واجب بود؟ فرمود: تنها اطاعت از پیامبر اکرم واجب بود، بنا بر آیه «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ»، و اطاعت علی بن ابی طالب، اطاعت از رسول خدا بود. - . تفسیر فرات: ۲۸ - ۲۹ -

**[ترجمه]

بيان

كانت طاعه علی مفترضه أی فی حياه الرسول (۳) فأجاب علیه السلام بأن إمامته كانت بعد الرسول و لما كان أمر الله الناس بطاعه علی علیه السلام كانت طاعته مفترضه من هذه الجهه و هذا مبنی علی أنه علیه السلام لم يكن فی حياته صلی الله علیه و آله إماما كما ذهب إليه الأكثر و قيل كان إماما فی ذلك الوقت أيضا و سيأتی الكلام فيه إن شاء الله.

**[ترجمه]«کانت طاعه علی مفترضه» یعنی در زمان حیات پیامبر. امام علیه السّلام پاسخ داد امامت او بعد از پیامبر بود و چون خدا مردم را به اطاعت علی دستور داد، اطاعت از او از این جهت واجب بود. و این مبنی است بر اینکه او در زمان حیات پیامبر امام نبوده باشد، چنان که اکثرا به این معتقدند و گفته شده در آن وقت نیز امام بوده، و سخن درباره آن خواهد آمد إن شاء الله.

**[ترجمه]

«۵۰»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُمَرَ الزُّهْرِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ

فِدَاکَ مَا تَقُولُ فِی هَـذِهِ الْآیَهِ أَمْ یَحْسُـدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْـلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ نَحْنُ النَّاسُ الَّذِینَ قَالَ اللَّهُ وَ نَحْنُ الْمَحْسُودُونَ وَ نَحْنُ أَهْلُ الْمُلْکِ وَ نَحْنُ وَرِثْنَا النَّبِیِّینَ وَ عِنْـدَنَا عَصَا مُوسَـی وَ إِنَّا لَخُزَّانُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ لَسْـنَا بِخُزَّانٍ عَلَی ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّهٍ (۴) وَ إِنَّ مِنَّا رَسُـولَ اللَّهِ صـلی الله علیـه و آلـه وَ علی (عَلِیّـاً) وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ علیهم السلام (۵).

ص: ۲۹۹

۱- تفسیر فرات: ۲۸.

۲- تفسیر فرات: ۲۸ و ۲۹ فیه: من طاعه رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله.

۳- او مطلقـا، فاجـاب بانهـا مفترضه لاـن طاعته من طاعه الرسول صـلّی اللّه علیه و آله فما کان مفترضه اولا هو طاعه الرسول ثمّ طاعه علیّ علیه السلام لأنّها من طاعته صلّی اللّه علیه و آله.

۴- فی المصدر: لا بخزان علی ذهب و لا فضه.

۵- تفسیر فرات: ۳۲.

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابراهیم گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: فدایت شوم! در مورد این آیه چه می‌فرمایی «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً»؟ فرمود ما «الناس» هستیم که خدا گفته است و ما مورد رشک هستیم و ما اهل ملک هستیم و از پیامبران ارث بردیم و عصای موسی در نزد ما است و ما گنجینه داران خدا در زمین هستیم؛ گنجینه دار طلا و نقره نیستیم. از ما خانواده است رسول خدا و علی و حسن و حسین علیهم السّلام. - . تفسیر فرات: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۵۱»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم إِبْرَاهِیمُ بْنُ سُلَیْمَانَ مُعَنْعَناً عَنْ عِیسَی بْنِ السَّرِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَخْبِرْنِی عَنْ دَعَائِمِ الْإِسْلَامِ الَّتِی لَا یَسَعُ أَحَداً مِنَ النَّاسِ التَّقْصِیرُ عَنْ مَعْرِفَهِ شَیْ ءٍ مِنْهَا الَّتِی مَنْ قَصُرَ عَنْ مَعْرِفَهِ شَیْ ءٍ مِنْهَا فَسَدَ عَلَیْهِ دِینُهُ وَ لَمْ یُقْبَلْ مِنْهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ یُضَیَّقْ مِمَّا هُوَ فِیهِ بِجَهْلِ شَیْ ءٍ مِنَ الْأُمُورِ جَهِلَهُ (۱) قَالَ شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ الْإِیمَانُ بِرَسُولِهِ وَ الْإِقْرَارُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الزَّکَاهُ وَ الْوَلَایَهُ الَّتِی أَمَرَ اللَّهُ بِهَا وَلَایَهُ آلِ مُحَمَّدٍ (۲) قَالَ قُلْتُ لَهُ هَلْ فِی الْوَلَایَهِ شَیْ ءٌ دُونَ شَیْ ءٍ (۳) فَضْلٌ یُعْرَفُ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ فَکَانَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۴).

کا، الکافی محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن صفوان بن یحیی عن عیسی مثله (۵).

**[ترجمه]تفسیر فرات: عیسی بن سری گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: مرا از پایه های اسلام آگاه کن که هیچ کس از مردم معذور نیستند از کوتاهی در شناخت چیزی از آنها که هر کس در شناخت چیزی از آنها کوتاهی نماید، دینش تباه شده و عملش مقبول نیست، و معذور نیست در جهلش نسبت به چیزی از اموری که به آن جهل داشته است. فرمود: گواهی دادن به «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» و ایمان به پیامبر خدا و اقرار نسبت به آنچه از جانب خدا آورده و زکات و ولایتی که خداوند به آن امر کرده، یعنی ولایت آل محمّد صلی اللَّه علیه و آله. به او عرض کردم: آیا در ولایت شیء دون شیء فضلی هست که شناخته شود برای کسی آن را گرفته است؟ دلیلی هست که تشخیص داده شود و راهی وجود دارد که شناخته شود؟ فرمود: آری. خداوند فرمود: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ.» پس امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام بود. - . تفسیر فرات: ۳۲ -

اصول کافی: صفوان بن یحیی از عیسی همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۲ : ۱۹ - ۲۰ -

**[ترجمه]

«۵۲»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ

مِنْكَمْ قَالَ الْأَوْصِيَاءَ (۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: جابر جعفی گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره این آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» پرسیدم. فرمود: منظور اوصیا است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۵۳»

ختص، الإختصاص ابْنُ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَا قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْأَوْصِيَاءُ طَاعَتُهُمْ مُفْتَرَضَةٌ (۷) فَقَالَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ

۱- فی النسخه المخطوطه: و لم يضق ممّا هو فيه بجهل شی ء جهله و فی المصدر:

۲- فی المصدر: (ولايه محمد) و لعلّ فيه سقط، او المعنی ان ولايه الأئمّه التی امر اللّه بها من ولايه محمّد و طاعته و الايمان به.

۳- و لعلّ المراد هل فی الولايه دليل خاصّ يدلّ علی لزومها فأجاب نعم، فتمسك بالآيه، و تمسک أيضا فی الكافی بقوله صلّی اللّه عليه و آله: من مات و لا يعرف امام زمانه مات ميته جاهليه.

۴- تفسير فرات: ۳۲.

۵- أصول الكافی ۲: ۱۹ و ۲۰. فيه اختلافات و زيادات راجعه.

۶- تفسير العيّاشیّ ۱: ۲۴۹.

۷- ظاهر الجواب انه سأل عن أعيانهم و اشخاصهم لا عن وجوب طاعتهم.

إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاهَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاهَ وَ هُمْ راكِعُونَ (۱).

**[ترجمه]اختصاص: حسين بن ابى العلا گفت: به حضرت صادق عليه السّلام عرض كردم: آيا اطاعت از اوصيا واجب شده است؟ فرمود: آنهايند كه خدا فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» و آنهايند كه خداوند فرموده است: «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاهَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاهَ وَ هُمْ راكِعُونَ» - . مائده / ۵۵ - {ولى شما تنها خدا و پيامبر اوست و كسانى كه ايمان آورده اند، همان كسانى كه نماز برپا مى دارند و در حال ركوع زكات مى دهند.} - . اختصاص: ۲۷۷ -

**[ترجمه]

«۵۴»

وَ عَنْهُ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ فَارِسِيٌّ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام فَقَالَ طَاعَتُكُمْ مُفْتَرَضَهٌ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ كَطَاعَهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ نَعَمْ (۲).

أقول: الأخبار الداله على وجوب طاعتهم كثيره متفرقه فى الأبواب.

**[ترجمه]اختصاص: معمر بن خلاد گفت: مرد فارسى از حضرت رضا عليه السّلام پرسيد: اطاعت از شما واجب شده است؟ فرمود: آرى. عرض كرد: مانند اطاعت على بن ابى طالب؟ فرمود: آرى. - . اختصاص: ۲۷۸ -

مؤلف: اخبارى كه دلالت بر وجوب اطاعت از ائمه عليهم السّلام مى‌نمايد بسيار زياد است كه در ابواب متفرق است.

**[ترجمه]

«۵۵»

قب، المناقب لابن شهرآشوب رُوِيَ عَنِ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ وَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشاءُ أَنَّهُمَا نَزَلَتَا فِيهِمْ (۳).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: از ائمه عليهم السّلام درباره آيه «وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ» - . قصص / ۵ - {و ايشان را وارث [زمين] كنيم} و آيه «وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشاءُ» - . بقره / ۲۴۷ - {و خداوند پادشاهى خود را به هر كس كه بخواهد مى دهد} روايت شده كه اين دو آيه درباره ائمه نازل شده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۴۳ -

**[ترجمه]

«۵۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْهَیْثَمِ (۴) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّیَّارِیِّ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ وَ الْأَئِمَّهِ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» در مورد ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام و ائمه بعد از او است، «فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً.» - . کنز الفوائد: ۲۴۴ -

**[ترجمه]

«۵۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ وَ عُبَیْدُ بْنُ کَثِیرٍ بِإِسْنَادِهِمَا (۶) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُهُ فِی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً قَالَ الْمُلْکُ الْعَظِیمُ أَنْ جَعَلَ مِنْهُمْ أَئِمَّهً مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَی اللَّهَ فَهَذَا مُلْکٌ عَظِیمٌ (۷).

**[ترجمه]تفسیر فرات: محمد بن قاسم و عبید بن کثیر به اسناد خودشان از حضرت صادق علیه السّلام درباره آل ابراهیم: «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» نقل کردند که فرمود: «ملک عظیم» این است که از این خانواده ائمه را قرار داده است. هر که از آنها اطاعت کند، اطاعت خدا را کرده و هر که با آنها مخالفت کند، مخالفت خدا را کرده. پس این «ملک عظیم» است. - . تفسیر فرات: ۸۱ -

**[ترجمه]

«۵۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم الْفَزَارِیُّ رَفَعَهُ قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی فَلْیَحْذَرِ الَّذِینَ یُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِیبَهُمْ فِتْنَهٌ أَوْ یُصِیبَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ قَالَ الْفِتْنَهُ الْکُفْرُ (۸)

ص: ۳۰۱

۱- الاختصاص: ۲۷۷. و الآیه الأخیره فی سوره المائده: ۵۵.

۲- الاختصاص: ۲۷۸ فیه: مثل طاعه علیّ بن أبی طالب؟.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۴۳ فیه: (نزلتا فینا) و الآیه الأولی فی سوره القصص: ۵، و الثانیه فی البقره: ۲۴۷.

۴- فی المصدر: عن أحمد بن القاسم.

۵- کنز جامع الفوائد: ۲۴۴.

۶- فی المصدر: معنعنا عن أبی عبد اللّه علیه السلام.

۷- تفسیر فرات: ۸۱.

۸- فی نسخه: (الکفّار) و فی المصدر: الفتنه الکفّار، قال.

قِيلَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ حَدِّثْنِي فِيمَنْ نَزَلَتْ قَالَ نَزَلَتْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ جَرَی مِثْلُهَا مِنَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِي الْأَوْصِيَاءِ فِي طَاعَتِهِمْ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: فزاری سند را به امام می‌رساند که گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ» - . نور / ۶۳ - {پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند، بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند} پرسیده شد. فرمود: «فتنه»، کفر است. گفته شد: ای ابو جعفر! به من بفرما این آیه درباره چه کسی نازل شده؟ فرمود: درباره رسول خدا و مثل همین، درباره پیامبر جاری شد در اطاعت کردن از اوصیا. - . تفسیر فرات: ۱۰۵ -

**[ترجمه]

«۵۹»

كا، الكافي الْعِدَّةُ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ لَوْ أَنَّا كَتَبْنا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ وَ سَلِّمُوا لِلْإِمَامِ تَسْلِيماً أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيارِكُمْ رِضًا لَهُ ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْخِلَافِ (۲) فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيتاً (۳) وَ فِي هَذِهِ الْآيَةِ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ (۴) فِي أَمْرِ الْوَلَايَةِ وَ يُسَلِّمُوا لِلَّهِ الطَّاعَةَ تَسْلِيماً (۵).

**[ترجمه]روضه کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ لَوْ أَنَّا كَتَبْنا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» فرمود: و تسلیم امام شدند، «أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيارِكُمْ»، برای رضای امام، «ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ» اهل خلاف، «فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَشَدَّ تَثْبِيتاً» - . نساء / ۶۶ - {و اگر بر آنان مقرر می کردیم که تن به کشتن دهید یا از خانه های خود به در آیید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی بستند و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می شوند به کار می بستند قطعا برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود.} و در همین آیه است: «ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ» در امر ولایت، «وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً» - . نساء / ۶۵ - {سپس از حکمی که کرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملا سر تسلیم فرود آورند} و تسلیم فرمان خدا می شوند. - . روضه کافی: ۱۸۴ -

**[ترجمه]

«۶۰»

كا، الكافي عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ: تَلَا أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعاً فِي الْأَمْرِ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۶) ثُمَّ قَالَ كَيْفَ يَأْمُرُ بِطَاعَتِهِمْ وَ يُرَخِّصُ فِي مُنَازَعَتِهِمْ إِنَّمَا قَالَ ذَلِكَ لِلْمَأْمُورِينَ الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ (۷).

**[ترجمه]روضه کافی: برید گفت: امام باقر علیه السّلام «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فإن خفتم تنازعا في

الأـمر فـارجعوه إلى اللهِ و إلى الرَّسولِ و إلى أولى الأـمر منكم» - . قبلاـ اشـاره كرديم كه راوى گمان كرد كه امام عليه السّـلام مى‌خواهد بگويد كه نزول آيه اين گونه است، با اينكه امام عليه السّـلام مى‌خواهد آن را تفسير كند و معنايش را توضيح دهد.
-

را تلاـوت فرمود. سـپس فرمود: چگونه به اطـاعت از ايشـان امر مى‌كنـد و در نزاع در ايشان رخصت مى‌دهـد؟ اين را براى امر شدگانى گفته است كه به آنها گفته شده: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ». - . روضه كافى: ۱۸۴ - ۱۸۵ -

**[ترجمه]

«۶۱»

كـا، الكافى فس، تفسـير القمى الْحُسَـيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ النَّضْـرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ رَفَعَهُ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّهِ كَمَا آذَوْا مُوسى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا (۸).

ص: ۳۰۲

۱- تفسير فرات: ۱۰۵.

۲- تفسير للضمير فى قوله تعالى: وَ لَوْ أَنَّهُمْ*.

۳- النساء: ۶۵ و ۶۶.

۴- النساء: ۶۵ و ۶۶.

۵- روضه الكافى: ۱۸۴.

۶- اشرنا قبلا ان الراوى وهم و ظن انه عليه السلام يريد أن نزولها كذلك، مع انه يريد ان يفسرها و يوضح معناها.

۷- روضه الكافى: ۱۸۴ و ۱۸۵.

۸- أصول الكافى ۱: ۴۱۴، تفسير القمّىّ: ۵۳۵ الفاظ الحـديث فى الكافى هكـذا:رفعه اليهم فى قول الله عزوجل : « وما كان لكم ان تؤذوا رسول الله » فى على والائمه « كالذين آذوا موسى فبرأ الله مما قالوا ».

**[ترجمه]اصول کافی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی: محمّد بن مروان روایت به ایشان می رساند که فرمودند: ای کسانی که ایمان آوردید! پیامبر را درباره علی و ائمه نیازارید، همان طور که موسی را آزردند، پس خدا او تبرئه کرد از آنچه که گفتند. -. اصول کافی ۱ : ۴۱۴ ، تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۳۵ ، الفاظ روایت در اصول کافی این گونه است: سند را به ایشان رساند درباره آیه «وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَن تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ» درباره علی و ائمه، «كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا.» -

**[ترجمه]

بیان

ضمیر إلیهم راجع إلی الأئمه علیهم السلام و كأنه نقل الآیه بالمعنی لأنه قال تعالی فی سوره الأحزاب وَ ما كانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً (۱) و قال بعد آیات أخر یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذِینَ آذَوْا مُوسی فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا (۲) فجمع علیه السلام بین الآیتین و أفاد مضمونهما و إن أمكن أن یكون فی مصحفهم علیهم السلام هكذا (۳) و یمكن أن یكون إیذاء موسی علیه السلام أیضا فی وصیّه هارون و ذكر المفسرون وجوها أسلفناها فی كتاب النبوه.

**[ترجمه]ضمیر «إلیهم» برمی گردد به ائمه علیهم السّلام. و گویا آیه را نقل به معنی کرده، زیرا خداوند در سوره احزاب فرموده است: «ما كانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْواجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً» -. احزاب / ۵۳ -

{و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقا [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید.} و بعد از آیات دیگری فرموده است: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَكُونُوا كَالَّذِینَ آذَوْا مُوسی فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قالُوا» -. احزاب / ۶۹ - {ای کسانی که ایمان آورده اید، مانند کسانی مباشید که موسی را [با اتهام خود] آزار دادند و خدا او را از آنچه گفتند مبرا ساخت.} امام بین دو آیه جمع کرده و مضمون هر دو را فرمود، گرچه ممکن است در مصحف ائمه چنین باشد و ممکن است ایذای موسی نیز در مورد وصی او هارون باشد و مفسران وجوه دیگری را ذکر کرده‌اند که در «کتاب نبوت» آن را گذراندیم.

**[ترجمه]

«۶۲»

كا، الكافی فس، تفسیر القمی الْحُسَیْنُ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام وَ الْأَئِمَّهِ بَعْدَهُ فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً هَكَذَا (۴) نَزَلَتْ (۵).

**[ترجمه]اصول کافی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» فرمود: درباره ولایت علی علیه السّلام و امامان پس از او است. «فَقَدْ فازَ فَوْزاً عَظِیماً» این گونه نازل شده است. -. اصول کافی ۱ : ۴۱۴ ، تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۳۵ -

**[ترجمه]

«۶۳»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ لَوْ أَنَّا کَتَبْنا عَلَیْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ وَ سَلِّمُوا لِلْإِمَامِ تَسْلِیماً أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِیارِکُمْ رِضًا لَهُ ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِیلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْخِلَافِ فَعَلُوا ما یُوعَظُونَ بِهِ لَکانَ خَیْراً لَهُمْ یَعْنِی فِی عَلِیٍّ علیه السلام (۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ لَوْ أَنَّا کَتَبْنا عَلَیْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ» فرمود: و تسلیم امام شدند، «أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِیارِکُمْ» برای رضای امام، «ما فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِیلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ» اهل خلاف، «فَعَلُوا ما یُوعَظُونَ بِهِ لَکانَ خَیْراً لَهُمْ» یعنی درباره علی علیه السّلام. -. تفسیر عیاشی ۱ : ۲۵۶ -

**[ترجمه]

«۶۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْعَلَوِیِّ عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی عَنْ أَبِیهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَیْهِ ما حُمِّلَ مِنَ السَّمْعِ وَ الطَّاعَهِ وَ الْأَمَانَهِ وَ الصَّبْرِ وَ عَلَیْکُمْ ما حُمِّلْتُمْ مِنَ الْعُهُودِ الَّتِی أَخَذَهَا اللَّهُ عَلَیْکُمْ

ص: ۳۰۳

۱- سوره الأحزاب: ۵۳ و ۶۹.

۲- سوره الأحزاب: ۵۳ و ۶۹.

۳- قد عرفت ان الفاظ الحدیث فی الکافی تطابق المصحف الشریف، و کانه قدّس سرّه لم یتأمل فی الکافی.

۴- أی بهذا المعنی نزلت.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۱۴، تفسیر القمّیّ: ۵۳۵.

۶- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۲۵۶. و الآیه فی سوره النساء: ۶۶، و تقدم الحدیث عن الکافی مع زیاده.

فِی عَلِیٍّ وَ مَا بَیَّنَ لَکُمْ فِی الْقُرْآنِ مِنْ فَرْضِ طَاعَتِهِ فَقَوْلُهُ وَ إِنْ تُطِیعُوهُ تَهْتَدُوا أَیْ وَ إِنْ تُطِیعُوا عَلِیّاً تَهْتَدُوا وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ هَکَذَا (۱) نَزَلَتْ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از ابوالحسن موسی، از پدرش نقل می کند که درباره آیه «قُلْ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَیْهِ ما حُمِّلَ» گفت: از شنیدن و اطاعت و امانت و صبر، «وَ عَلَیْکُم مَّا حُمِّلْتُمْ» از پیمان‌هایی که خدا گرفته است از شما در مورد علی و آنچه که برای شما در قرآن بیان نموده از وجوب اطاعتش. پس آیه «وَ إِنْ تُطِیعُوهُ تَهْتَدُوا» یعنی اگر از علی اطاعت کنید، هدایت می یابید. «وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلاغُ» -. نور / ۵۴ -

{بگو خدا و پیامبر را اطاعت کنید پس اگر پشت نمودید [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [ماموریتی] نیست} چنین نازل شده است. -. کنز الفوائد: ۸۸ -

**[ترجمه]

«۶۵»

مد، العمده مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الْوَاسِطِیِّ عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ الصَّفَّارِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هَارُونَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یُوسُفَ عَنْ أَبِی غَسَّانَ عَنْ مَسْعُودِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ نَحْنُ النَّاسُ وَ اللَّهِ (۳).

ما، الأمالی للشیخ الطوسی أبو عمرو عن ابن عقده مثله (۴)

**[ترجمه]العمده: از مناقب ابن مغازلی، از جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» فرمود: به خدا قسم ما «الناس» هستیم. -. العمده : ۱۸۵ -

امالی طوسی: ابو عمرو از ابن عقده همین روایت را نقل کرده است. -. امالی طوسی: ۱۷۱ -

**[ترجمه]

باب ۱۸ أنهم أنوار الله و تأویل آیات النور فیهم ع

الأخبار

«۱»

فس، تفسیر القمی مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّام عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ (۵) الصَّائِغ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاةٍ الْمِشْکَاةُ فَاطِمَةُ

عليها السلام فِيها مِصْباحٌ الْحَسَنُ الْمِصْباحُ الْحُسَيْنُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ كَأَنَّ فَاطِمَةَ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِسَاءِ أَهْلِ الدُّنْيا وَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ (۶) يُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ

۱- أی بهذا المعنی نزلت، و لیس المراد انها نزلت بهذه الألفاظ و الشاهد علی ما ذکرنا قوله: و ما بین لکم فی القرآن و قوله بعد الآیه: أی و ان تطیعوا.

۲- کنز جامع الفوائد: ۸۸ و الآیه فی سوره النور: ۵۴.

۳- العمده: ۱۸۵. لم یذکر فیه و لا فی الأمالی کلمه: و اللّه.

۴- أمالی ابن الطوسیّ: ۱۷۱.

۵- فی نسخه من المصدر: الحسین.

۶- فی النسخه المخطوطه: (کوکب دری بین نساء أهل الدنیا) و فی المصدر: بین نساء أهل الأرض و فی الکنز: (بین نساء أهل الجنه) و لعلّ المصنّف جمع بین الفقرتین أو کان فی نسخته کذلک.

مُبارَكِهٍ يُوقَدُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ لا شَرْقِيَّهٍ (۱) وَ لا غَرْبِيَّهٍ لَا يَهُودِيَّهٍ وَ لَا نَصْرَانِيَّهٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِی ءُ يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْهَا (۲) وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ إِمَامٌ مِنْهَا بَعْدَ إِمَامٍ يَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ يَهْدِی اللَّهُ لِلْأَئِمَّهِ (۳) مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَلِيمٌ (۴) أَوْ كَظُلُماتٍ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ فِی بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشاهُ مَوْجٌ يَعْنِی نَعْثَلَ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ طَلْحَهُ وَ الزُّبَيْرُ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ مُعَاوِيَهُ (۵) وَ فِتَنُ بَنِی أُمَيَّهَ إِذا أَخْرَجَ الْمُؤْمِنُ يَدَهُ فِی ظُلْمَهِ (۶) فِتْنَتِهِمْ لَمْ يَكَدْ يَراها وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً (۷) فَما لَهُ مِنْ نُورٍ فَمَا لَهُ مِنْ إِمَامٍ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَمْشِی بِنُورِهِ (۸) وَ قَالَ فِی قَوْلِهِ نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ قَالَ أَئِمَّهُ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يَنْزِلُوا مَنَازِلَهُمْ فِی الْجَنَّهِ (۹).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: صالح بن سهل همدانی گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاهٍ» می فرمود: «مشكات» فاطمه علیها السّلام است، «فِيها مِصْباحٌ» حسن است «الْمِصْباحُ» حسین است، «فِی زُجاجَهٍ الزُّجاجَهُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فاطمه زهرا بین زنان دنیا و زنان بهشت، چون ستاره ای درخشان بود، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَكَهٍ» افروخته می‌شود از ابراهیم، «لا شَرْقِيَّهٍ وَ لا غَرْبِيَّهٍ» نه یهودی است و نه نصرانی، «يَكادُ زَيْتُها يُضِی ءُ» نزدیک است که علم از تراوش کند، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ» امامی از این خانواده پس از امام دیگر، «يَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» خداوند هر که را بخواهد با ائمه علیهم السّلام هدایت می کند، «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَلِيمٌ» - . نور / ۳۵ - {خدا نور آسمان ها و زمین است، مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است، آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می شود، نزدیک است که روغنش هر چند بدان آتشی نرسیده باشد روشنی بخشد، روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می کند و این مثل ها را خدا برای مردم می زند و خدا به هر چیزی داناست.} «أَوْ كَظُلُماتٍ» یعنی فلانی و فلانی، «فِی بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشاهُ مَوْجٌ» یعنی نعثل، «مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ» طلحه و زبیر است، «ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ» معاویه و فتنه های بنی امیه است، «إِذا أَخْرَجَ» مؤمن «يَدَهُ» در ظلمت فتنه‌هایشان. «لَمْ يَكَدْ يَراها وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ» - . نور / ۴۰ - {یا [کارهایشان] مانند تاریکی هایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می پوشاند [و] روی آن موجی [دیگر] است [و] بالای آن ابری است تاریکی هایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه [غرقه] دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را می بیند و خدا به هر کس نوری نداده باشد، او را هیچ نوری نخواهد بود.} او را امامی نخواهد بود که روز قیامت با نور او راه برود. و درباره آیه «نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ» - . تحریم / ۸ -

{نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است} فرمود: آنها امام‌های مؤمنان هستند در روز قیامت که نور آنها از جلو و از سمت راستشان روان است تا وارد منزل های خود در بهشت شوند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۵۶ و ۴۵۸ - ۴۵۹ -

**[ترجمه]

«۲»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِی الْخَطَّابِ

ص: ۳۰۵

۱- فی الکنز: زیتونه لا شرقیه.

۲- فی نسخه: یکاد علم الأئمّه من ذریتها.

۳- فی نسخه: «بالائمه» و فی التفسیر: للائمه من یشاء ان یدخله فی نور ولایتهم مخلصا.

۴- و قال تعالی بعد هذه الآیه: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» أی نور اللّه الذی کمشکاه فیها مصباح یکون فی هذه البیوت الذی اذن اللّه ان ترفع اقدارها و تعظم ساکنیها.

۵- فی نسخه: (و یزید) و فی الکنز: أَوْ کَظُلُماتٍ الأول و صاحبه فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشاهُ مَوْجٌ الثالث مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ قال: معاویه و فتن بنی أمیّه.

۶- فی نسخه: فی ظلم.

۷- فی المصدر و الکنز: «له نورا» أی اماما من ولد فاطمه «فما له من نور».

۸- فی الکنز، «فما له من نور» امام یوم القیامه یسعی بین یدیه. انتهی الحدیث.

۹- تفسیر القمّیّ: ۴۵۶ و ۴۵۸ و ۴۵۹ قوله: و قال فی قوله: نورهم یسعی، فیه: یعنی قوله: یسعی نورهم و فیه: قال: ان المؤمنین و الآیه فی التحریم: ۸.

عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ مِثْلَهُ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبدالله بن قاسم به اسناد خود از صالح بن سهل همین روایت را نقل کرده است. - . کنز الفوائد: ۱۸۴ -

**[ترجمه]

بيان

قوله عليه السلام الْمِصْبَاحُ الحسين يدل على أن المصباح المذكور فى الآيه ثانيا المراد به غير المذكور أولا و لعل فيه إشاره (۲) إلى وحده نوريهما قوله لا يهوديه لأنهم يصلون إلى المغرب و لا نصرانيه لأنهم يصلون إلى المشرق و قيل النعثل الشيخ الأحمق و ذكر الضباع.

**[ترجمه]عبارت «المصباح الحسين» دلالت مى‌كند بر اينكه «مصباح دوم» ذكر شده در آيه، منظور از آن غير از «مصباح» اول است و شايد در آن اشاره باشد به وحدت نور آن دو. «لا يهوديه» زيرا آنها به سمت مغرب نماز مى‌گزارند و «لا نصرانيه» زيرا آنها به سمت مشرق نماز مى‌گزارند. و منظور از «فلان و فلان» ابوبكر و عمر است، و «نعثل» عثمان است. در النهايه گفته است: دشمنان عثمان به خاطر تشبيه او به مردى از مصر كه ريش دراز داشت و اسمش نعثل بود، او را نعثل مى‌ناميدند. و گفته شده «النعثل» يعنى شيخ احمق و كفتار نر.

**[ترجمه]

«۳»

يد، التوحيد مع، معانى الأخبار إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَارُونَ الهيبستى (۳) (الْهَيْتَمِيُ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي الثَّلْجِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ الذُّهَلِيِّ عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ قُلْتُ مَثَلُ نُورِهِ قَالَ لِي مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله قُلْتُ كَمِشْكاهٍ قَالَ صَدْرُ مُحَمَّدٍ قُلْتُ فِيها مِصْباحٌ قَالَ فِيهِ نُورُ الْعِلْمِ يَعْنِي النُّبُوَّةَ قُلْتُ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَهٍ قَالَ عِلْمُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله صَدَرَ إِلَى قَلْبِ عَلِيٍّ عليه السلام قُلْتُ كَأَنَّها قَالَ لِأَيِّ شَيْ ءٍ تَقْرَأُ كَأَنَّهَا قُلْتُ فَكَيْفَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ قُلْتُ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَكَهٍ زَيْتُونَهٍ لا شَرْقِيَّهٍ وَ لا غَرْبِيَّهٍ قَالَ ذَاكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام لَا يَهُودِيٌّ وَ لَا نَصْرَانِيٌّ قُلْتُ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ قَالَ يَكَادُ الْعِلْمُ يَخْرُجُ مِنْ فَمِ الْعَالِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِنْ

۱- كنز جامع الفوائد: ۱۸۴ رواه بهذا الاسناد إلى آخر آيه النور، و اما ما رواه من تأويل آيه: أَوْ كَظُلُماتٍ فرواه فى ص ۱۸۶ بإسناده عن محمّد بن يعقوب عن عليّ بن محمّد بن إسماعيل بن زياد عن محمّد بن الحسن شمون عن عبد اللّه بن عبد الرحمن

الأصمّ عن عبد اللّه بن القاسم عن صالح بن سهل.

۲- فى نسخه: و لعله اشاره.

۳- فى نسخه: الهيبتى و فى المخطوطه: الهيثمى.

قَبْلِ أَنْ يُنْطَقَ بِهِ قُلْتُ نُورٌ عَلى نُورٍ قَالَ الْإِمَامُ عَلَى أَثَرِ الْإِمَامِ.

**[ترجمه]توحيد، معانى الاخبار: فضيل بن يسار گفت: به حضرت صادق عرض كردم: «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» فرمود: خداوند چنين است. گفتم: «مَثَلُ نُورِهِ.» به من فرمود: محمّد است. گفتم: «كَمِشْكاةٍ.» فرمود: سينه محمّد صلى اللّه عليه و آله. گفتم: «فِيها مِصْباحٌ.» فرمود: در آن نور علم است، يعنى نبوت. گفتم: «الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ.»

فرمود: علم رسول خدا است كه وارد به قلب على عليه السّلام شد. گفتم: «كأنّها.» فرمود: چرا «كأنّها» مى‌خوانى؟ گفتم: پس چگونه بخوانم فدايت شوم؟ فرمود: «كأنّه كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ.» گفتم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ.» فرمود: آن اميرالمؤمنين على بن ابى طالب عليه السّلام است كه نه يهودى است و نه نصرانى. گفتم: «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ.» فرمود: نزديك است علم از دهان عالم آل محمّد خارج شود، قبل از آنكه به او سخن گفته شود. گفتم: «نُورٌ عَلى نُورٍ.» فرمود امامى پس از امام ديگر.

**[ترجمه]

بيان

قوله عليه السلام كأنه كوكب أقول لم تنقل تلك القراءه فى الشواذ و لعل تذكير الضمير باعتبار الخبر أو بتأويل فى الزجاجه و يحتمل أن لا تكون الزجاجه الثانيه فى قراءتهم فيكون الضمير راجعا إلى المصباح من قبل أن ينطق به كأنه على بناء المفعول أى يقرب أن يخرج العلم من فمه قبل أن يصدر وحى بل يعلم بالإلهام كما سيأتى بروايه الكافى أو قبل أن يسأل عنه كما سيأتى بروايه فرات.

**[ترجمه]درباره عبارت امام عليه السّلام «كأنه كوكب» مى گويم: اين قرائت در قرائات شاذ نقل نشده و شايد مذكر بودن ضمير، به اعتبار خبر است يا به تأويل در «الزجاجه»، و شايد «الزجاجه» دوم در قرائت ائمه نبوده است، پس ضمير به «مصباح» برمى گردد. «من قبل أن ينطق به» گويا مجهول است، يعنى نزديك است كه علم از دهان او خارج شود، قبل از اينكه وحى صادر شود، بلكه با الهام مى داند، همان طور كه به روايت كافى خواهد آمد، يا قبل از اينكه از او پرسيده شود، چنان چه به روايت فرات خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۴»

فس، تفسير القمى أَبِى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنِ الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ مَثَلُنَا فِى كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمِشْكَاةِ وَ الْمِشْكَاةُ فِى الْقِنْدِيلِ فَنَحْنُ الْمِشْكَاةُ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْبَاحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ (۱) لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ لَا دَعِيَّةٍ وَ لَا مُنْكِرَةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ الْقُرْآنُ نُورٌ عَلى نُورٍ إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ فَالنُّورُ عَلِيٌّ يَهْدِى

اللَّهُ لِوَلَايَتِنَا مَنْ أَحَبَّ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيَّنَا مُشْرِقاً وَجْهُهُ نَيِّراً بُرْهَانُهُ (۲) ظَاهِرَةً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِيَّنَا مَعَ النَّبِيِّينَ (۳) وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: پدرم از عبداللّه بن جندب، از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که در نامه ای به او نوشت: «مثل ما در کتاب خدا، مانند مشکات است و مشکات در قندیلی است. ما مشکات هستیم که در آن مصباح است. مصباح محمّد رسول خدا است. «الْمِصْباحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونِةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ» نه متهم در نسبش است و نه انکار شده، «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ» قرآن «نُورٌ عَلى نُورٍ»، امامی پس از امام دیگر «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.» پس «نور» علی است که خدا هر کس را که دوست بدارد، به ولایت ما هدایت می کند. بر خدا است که خداوند دوست ما را با دلیلی روشن، با چهره ای درخشان محشور کند و حجت او در نزد خدا آشکار باشد. بر خدا است که خدا دوست ما را با پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان قرار دهد که آنها خوب رفیقانی هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۵۷ - ۴۵۸ -

**[ترجمه]

توضیح

قوله الْمِصْباحُ محمد فی بعض النسخ هکذا الْمِصْباحُ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله فِي زُجاجَةٍ من عنصره الطاهره قوله علیه السلام لا دعیه الدعی المتهم فی نسبه و لعله إنما عبر عن صحه النسب و وضوحه بقوله لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ لأن من کان عندنا من أهل المشرق و المغرب لم یعرف نسبه عندنا أو الشرقیه و

ص: ۳۰۷

۱- فی نسخه: زیتونه ابراهیمیه.

۲- فی المصدر: منیرا برهانه.

۳- فی المصدر: ان یجعل ولینا المتقین مع النبیین.

۴- تفسیر القمّیّ: ۴۵۷ و ۴۵۸.

الغربيه كنايتـان عن اختلاـط النسب أى قـد ينتسب إلى هـذا و قـد ينتسب إلى هـذا مع غـايه البعـد بينهمـا و قريب منه فى المثل معروف عند العرب و العجم أو يكون الكلام مسوقا على الاستعاره بأن شبه من صح نسبه فى ترتب آثار الخير عليه بالشجره التى لم تكن شرقيه و لا غربيه.

أقول: قـد أثبتنا الخبر بتمامه فى باب جوامع المناقب و الفضائل و قـد مضـى الأخبار فى تأويل تلك الآيه مع شـرحها و ما قيل فى تأويل الآيه فى كتاب التوحيد.

**[ترجمه]«المصـباح محمّد» در بعضى نسخه‌ها اين گونه است كه مصباح محمد پيامبر خداست در شيشه‌اى از عنصر پاك او. گفته امام عليه السّـلام «لا دعيه»، «الـدعى» يعنى متهم در نسـبش و شايد از صـحت نسب و وضوح آن، با عبارت «لا شـرقيه و لا غربيه» تعبير كرده، زيرا كسانى كه از اهل مشـرق و مغرب نزد ما بودند، نسـبشان براى ما شـناخته نبود. يا «الشـرقيه و الغربيه» دو كنايه از اختلاط نسب است، يعنى گاهى به اين نسـبت داده مى‌شونـد و گاهى به آن، با وجود نهايت بُعد بين آن دو و نزديك به اين تعبير در مثل است كه نزد عرب و عجم معروف است. يا اينكه كلام به صورت اسـتعاره جارى شده است به اينكه كسـى كه نسب صحيح دارد، در ترتب آثار خير بر او به درختى تشبيه شده است كه نه شرقى بود و نه غربى.

مؤلف: روايت را به صورت كامـل در «بـاب جوامع مناقب و فضايل» ثبت كرديم. و اخبار در تأويل اين آيه با شـرحش و آنچه كه در تأويل آيه در «كتاب التوحيد» گفته شده، گذشت.

**[ترجمه]

«۵»

فس، تفسـير القمى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَـيْنِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكَـابُلِيِّ قَـالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السـلام عَنْ قَوْلِهِ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا (۱) فَقَالَ يَا أَبَا خَالِدٍ النُّورُ وَ اللَّهِ الْأَئِمَّةُ (۲) مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ هُمْ وَ اللَّهِ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ (۳) وَ هُمْ وَ اللَّهِ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لَنُورُ الْإِمَامِ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْوَرُ مِنَ الشَّمْسِ الْمُضِيئَةِ بِالنَّهَارِ وَ هُمْ وَ اللَّهِ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَحْجُبُ اللَّهُ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُمْ وَ اللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ (۴) وَ يَتَوَلَّانَا حَتَّى يُطَهِّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهِّرُ اللَّهُ قَلْبَ عَبْدٍ حَتَّى يُسَـلِّمَ لَنَا وَ يَكُونَ سِلْماً لَنَا فَإِذَا كَانَ سِلْماً لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ شَدِيدِ الْحِسَابِ وَ آمَنَهُ مِنْ فَزَعِ يَوْمِ الْقِيَامَهِ الْأَكْبَرِ (۵).

كا، الكافى الحسين بن محمد عن المعلى عن على بن مرداس عن صفوان و ابن محبوب عن أبى أيوب مثله (۶).

**[ترجمه]تفسـير على بن ابراهيم قمى: ابو خالـد كابلى گفت: از حضـرت باقر عليه السّـلام راجع به آيه «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا» - . تغابن / ۸ -

{پس به خـدا و پيامبر او و آن نورى كه ما فرو فرسـتاديم ايمان آوريد} پرسـيدم. فرمود: ابا خالد! به خدا قسم كه «نور» ائمه از آل محمّدنـد تا روز قيامت. آنها به خـدا قسم نور خداينـد كه فرسـتاده و آنها به خدا قسم نور خدايند در آسـمان‌ها و زمين. ابا

خالـد! به خـدا قسم نور امام در دل‌های مؤمنان درخشان تر از خورشـید تابنـده در روز است و سوگنـد به خدا که آنها دل‌های مؤمنان را منور می کننـد و خـدا نور ایشان را از هر که بخواهـد پنهان می کند، پس دل‌هایشان تاریک می‌شود. ای ابا خالد! به خـدا سوگنـد که هیـچ بنـده‌ای به مـا محبت نمی‌ورزد و ما را دوست نمی‌دارد، تا اینکه خـدا دلش را پاک می‌کنـد و خـدا دل بنـده‌ای را پاک نمی کند، مگر اینکه تسـلیم ما باشد و با ما از در آشتی درآید. پس زمانی که از در آشتی با ما درآمد، خدا او را از شـدت گرفتاری های حساب در امان قرار می دهد و از وحشت بزرگ قیامت ایمن می‌گرداند. - . تفسـیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۸۳ -

اصول کافی: ابن محبوب از ابو ایوب همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۱۹۴ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، الخصـال الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عُبْدُوسٍ عَنْ هانی (هَانِئِ) بْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عِیَاضِ بْنِ

ص: ۳۰۸

۱- التغابن: ۸.

۲- فی الکافی: النور و اللّه نور الأئمّه.

۳- فی المصدر: أنزل اللّه.

۴- فی المصدر: و لا یتولانا.

۵- تفسیر القمّیّ: ۶۸۳.

۶- أصول الکافی ۱: ۱۹۴.

عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی رَافِعٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّهَ خَلَقَهَا مِنْ نُورِ عَرْشِهِ ثُمَّ أَخَذَ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ فَغَرَّقَهُ (۱) فَأَصَابَنِی ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ فَاطِمَهَ علیها السلام ثُلُثُ النُّورِ وَ أَصَابَ عَلِیّاً علیه السلام وَ أَهْلَ بَیْتِهِ ثُلُثُ النُّورِ فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ اهْتَدَی إِلَی وَلَایَهِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ لَمْ یُصِبْهُ مِنْ ذَلِکَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلَایَهِ آلِ مُحَمَّدٍ (۲).

**[ترجمه]خصال: ابو ایوب انصاری گفت: پیامبر اکرم فرمود: زمانی که خداوند بهشت را آفرید، از نور عرش خود آفرید. سپس از آن نور مقداری را گرفت پس آن را فغرقه - . در نسخه‌ای «فغرفه» یعنی «پس آن را تکه کرد» است و در مصدر «فقذفه» یعنی «پس آن را پرت کرد» است. - پس به من یک سوم آن نور رسید و به فاطمه علیها السّلام یک سوم آن نور، یک سوم آن نور هم به علی علیه السّلام و اهل بیت او رسید. پس هر کس از آن نور به او رسید، به ولایت آل محمّد هدایت یافته و هر کس از آن نور به او نرسید، منحرف از ولایت آل محمّد شده است. - . خصال ۱ : ۸۸ -

**[ترجمه]

«۷»

فس، تفسیر القمی مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ (۳) الصَّائِغِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ نُورُهُمْ یَسْعی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ قَالَ قَالَ أَئِمَّهُ الْمُؤْمِنِینَ نُورُهُمْ (۴) یَسْعَی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمَانِهِمْ حَتَّی یَنْزِلُوا مَنَازِلَ لَهُمْ (۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: صالح بن سهل از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره این آیه فرمود: امام... های مؤمنان هستند که نور آنها از جلو و از سمت راستشان روان است تا وارد منزل های خود شوند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۵۸ - ۴۵۹ -

**[ترجمه]

«۸»

فس، تفسیر القمی أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ قَالَ جَاهِلًا عَنِ الْحَقِّ وَ الْوَلَایَهِ فَهَدَیْنَاهُ إِلَیْهَا وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ قَالَ النُّورُ الْوَلَایَهُ کَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها یَعْنِی فِی وَلَایَهِ غَیْرِ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام کَذلِکَ زُیِّنَ لِلْکافِرِینَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ (۶).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: درباره «أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ» فرمود: یعنی جاهل به حق و ولایت باشد، پس او را به سوی آن هدایت می کنیم. «وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ.» فرمود: نور، ولایت است. «کَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها»، یعنی در ولایت غیر ائمه علیهم السّلام. «کَذلِکَ زُیِّنَ لِلْکافِرِینَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ» - . انعام / ۱۲۲ -

{آیا کسی که مرده[دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست، این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند زینت داده شده است.} - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۰۳ -

**[ترجمه]

«۹»

فس، تفسیر القمی فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ یَعْنِی بِرَسُولِ اللَّهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ یَعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ فَأَخَذَ اللَّهُ مِیثَاقَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَی الْأَنْبِیَاءِ أَنْ یُخْبِرُوا (۷) أُمَمَهُمْ وَ یَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرُوهُ بِالْقَوْلِ وَ أَمَرُوا

ص: ۳۰۹

۱- فی نسخه: فغرفه و فی المصدر: فقذفه.

۲- الخصال ۱: ۸۸ فیه: و من لم یصبه ذلک النور.

۳- فی نسخه من المصدر: الحسن.

۴- فی المصدر: «ان المؤمنون نورهم یوم القیامه» و فیه تصحیف، و الصحیح: المؤمنین.

۵- تفسیر القمّیّ: ۴۵۸ و ۴۵۹. و الآیه فی سوره التحریم: ۸.

۶- تفسیر القمّیّ ۲۰۳. و الآیه فی الانعام: ۱۲۲.

۷- فی نسخه: أن تعزروا.

أَمَمَهُمْ بِذَلِکَ وَ سَیَرْجِعُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ یَرْجِعُونَ وَ یَنْصُرُونَهُ فِی الدُّنْیَا (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ» یعنی به رسول خدا، «وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ» یعنی امیرالمؤمنین، «أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» - . اعراف / ۱۵۷ -

{پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.} پس خداوند درباره رسول خدا از پیامبران پیمان گرفت که به امت های خود خبر دهند و او را یاری کنند. ایشان نیز او را به گفتار یاری نمودند و به امت‌های خود این دستور را دادند در آینده پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله برمی گردد، آنها نیز برخواهند گشت و او را در دنیا یاری می کنند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۲۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

کا، الکافی عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ قَالَ النُّورُ فِی هَذَا الْمَوْضِعِ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّةُ علیهم السلام (۲).

**[ترجمه]اصول کافی: علی بن ابراهیم به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ» فرمود: «نور» در اینجا امیرالمؤمنین و ائمه هستند. - . اصول کافی ۱: ۱۹۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ختص، الإختصاص یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْمُنَخَّلِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ فَهُوَ مُحَمَّدٌ فِیها مِصْباحٌ وَ هُوَ الْعِلْمُ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ فَزَعَمَ أَنَّ الزَّجَاجَةَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ عِلْمَ نَبِیِّ اللَّهِ عِنْدَهُ (۳).

**[ترجمه]اختصاص و بصائر الدرجات: جابر از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ» فرمود: او محمّد است، «فِیها مِصْباحٌ» و او علم است، «الْمِصْباحُ فِی زُجاجَةٍ.» پس معتقد بود که «الزجاجه» امیرالمؤمنین علیه السّلام است و علم پیامبر نزد او است. - . اختصاص: ۲۷۸، بصائر الدرجات: ۸۴ - ۸۵ -

**[ترجمه]

«۱۲»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ مَسْعَدَهَ بْنِ صَدَقَهَ قَالَ: قَصَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قِصَّهَ الْفَرِیقَیْنِ جَمِیعاً فِی الْمِیثَاقِ حَتَّی بَلَغَ الِاسْتِثْنَاءُ مِنَ اللَّهِ فِی الْفَرِیقَیْنِ فَقَالَ إِنَّ الْخَیْرَ وَ الشَّرَّ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ لَهُ فِیهِمَا الْمَشِیَّهُ فِی تَحْوِیلِ مَا شَاءَ فِیمَا قَدَّرَ فِیهَا حَالٍ عَنْ حَالٍ وَ الْمَشِیَّهُ فِیمَا خَلَقَ لَهُمَا مِنْ خَلْقِهِ فِی مُنْتَهَی مَا قَسَمَ لَهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ وَ ذَلِکَ أَنَّ اللَّهَ قَالَ فِی کِتَابِهِ اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ فَالنُّورُ هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ الظُّلُمَاتُ عَدُوُّهُمْ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مسعده بن صدقه گفت: حضرت صادق علیه السّلام داستان کل دو فرقه را در میثاق نقل کرد تا از سوی خداوند در هر دو فرقه استثناء رسید. پس فرمود خیر و شر دو مخلوق خدایند که برای او در آن دو، مشیتی است در تغییر هر کدام برای کسی مقدر شده حتی آخرین قسمتی که برای آنها قرار داده شده است از خیر و شر و مشیت در آنچه که برای آن دو خلق کرده از خلقش در نهایت خیر و شری است که برای آنها تقسیم نموده است و آن این است که خدا در کتابش فرموده: «اللَّهُ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ» - . بقره / ۲۵۷ - {خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند آنان را از تاریکی ها به سوی روشنایی به در می برد، و[لی] کسانی که کفر ورزیده اند سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی ها به در می برند} پس «نور»، آل محمّدند و «ظلمات» دشمن ایشان. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۳۸ - ۱۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ: أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ قَالَ الْمَیْتُ الَّذِی لَا یَعْرِفُ هَذَا الشَّأْنَ قَالَ أَ تَدْرِی مَا یَعْنِی مَیْتاً قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ لَا قَالَ الْمَیْتُ الَّذِی لَا یَعْرِفُ شَیْئاً فَأَحْیَیْنَاهُ بِهَذَا الْأَمْرِ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ قَالَ إِمَاماً یَأْتَمُّ بِهِ قَالَ کَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها قَالَ کَمَثَلِ هَذَا الْخَلْقِ الَّذِینَ

۱- تفسیر القمّیّ: ۲۲۵ فیه: (فینصرونه فی الدنیا) و الآیه فی الأعراف: ۱۵۷.

۲- أصول الکافی ۱: ۱۹۴. و فیه صدر ترکه المصنّف راجعه.

۳- بصائر الدرجات: ۸۴ و ۸۵، الاختصاص: ۲۷۸.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۱۳۸ و ۱۳۹.

لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: برید عجلی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «أَ وَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ» میتی است که عارف به این مقام نیست. فرمود: می دانی منظور از «مَیْتاً» چیست؟ گفتم: فدایت شوم! خیر. فرمود: مرده‌ای که چیزی نمی داند، او را با شناخت این امر زنده می کنیم. «وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ.» فرمود: امامی که از او پیروی می کند. فرمود: «کَمَنْ مَثَلُهُ فِی الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها»، مانند این خلقی که امام را نمی شناسند. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۳۷۵ - ۳۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۴»

کشف، کشف الغمه مِنْ دَلَائِلِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الرَّقَاشِیِّ قَالَ: کَتَبْتُ إِلَی أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْمِشْکَاهِ فَرَجَعَ الْجَوَابُ الْمِشْکَاهُ قَلْبُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

**[ترجمه]کشف الغمه: محمد رقاشی گفت: به ابو محمد نوشتم و درباره «مشکات» از او پرسیدم. جواب داد: «مشکات» قلب محمّد است.

**[ترجمه]

«۱۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَی الْحَسَنُ بْنُ أَبِی الْحَسَنِ الدَّیْلَمِیُّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ رِجَالِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُهُ تَعَالَی قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً قَالَ الْبُرْهَانُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ النُّورُ الْمُبِینُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبداللّه بن سلیمان گفت: به حضرت صادق علیه السّلام گفتم: آیه «قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً». - . نساء / ۱۷۴ - {در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.} فرمود: «برهان»، رسول خدا است و «نور مبین» علی بن ابی طالب علیه السّلام. - . کنز الفوائد: ۷۱ -

**[ترجمه]

«۱۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَسَنِیِّ عَنْ إِدْرِیسَ بْنِ زِیَادٍ الْخَیَّاطِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخُرَاسَانِیِّ (۳) عَنْ یَزِیدَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ أَبِی حَبِیبٍ النَّاجِی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ

الْحُسَيْنِ علیهم السلام أَنَّهُ قَالَ: مَثَلُنَا فِی کِتَابِ اللَّهِ کَمَثَلِ مِشْکَاهٍ فَنَحْنُ الْمِشْکَاهُ وَ الْمِشْکَاهُ الْکَوَّهُ فِیها مِصْباحٌ وَ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ وَ الزُّجَاجَهُ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله کَأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ الْقُرْآنُ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ یَهْدِی لِوَلَایَتِنَا مَنْ أَحَبَّ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: یزید بن ابراهیم پدر حبیب ناجی از حضرت صادق، از پدرش، از علی بن الحسین علیهم السّلام نقل کرد که فرمود: مثل ما در کتاب خدا، مثل مشکات است. پس ما مشکاتیم و مشکات دریچه‌ای است که مصباح در آن است. و «الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ» و «زجاجه» محمد است. «کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِن شَجَرَهٍ مُّبَارَکَهٍ.» فرمود: علی است. «زَیْتُونِهٍ لَّا شَرْقِیَّهٍ وَ لَا غَرْبِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ» قرآن، «یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَن یَشَاءُ»، هر کس را که دوست بدارد به ولایت ما هدایت می‌کند. - . کنز الفوائد: ۱۸۳ - ۳۸۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْکُوفِیُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ قَالَ الْعِلْمُ (۵) فِی صَدْرِ رَسُولِ اللَّهِ فِی زُجاجَهٍ قَالَ الزُّجَاجَهُ صَدْرُ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۶) کَأَنَّها کَوْکَبٌ

۱- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۳۷۵ و ۳۷۶ فیه: (الذین لا یعرفون الامام) و الآیه فی سوره الأنعام: ۱۲۲.

۲- کنز جامع الفوائد: ۷۱. و الآیه فی سوره النساء: ۱۷۴.

۳- فی المصدر: عن أبی عبد اللّه أحمد بن عبد اللّه الخراسانیّ.

۴- کنز جامع الفوائد: ۱۸۳ و ۳۸۴.

۵- فی المصدر: المشکاه: العلم.

۶- فی المصدر: قال: الزجاجه صدر النبیّ صلّی اللّه علیه و آله، و من صدر النبیّ صلّی اللّه علیه و آله الی صدر علیّ علیه السلام، علمه النبیّ.

دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ قَالَ نُورُ الْعِلْمِ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ قَالَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ إِلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصْرَانِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ قَالَ يَكَادُ الْعَالِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَ عَنْهُ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: فرات بن ابراهیم کوفی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» فرمود علم در سینه رسول خدا است «فِي زُجاجَةٍ» فرمود: زجاجه سینه علی بن ابی طالب است. «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ» فرمود: «نور» علم است. «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» فرمود: از ابراهیم خلیل الرحمن به محمد رسول خدا، به علی بن ابی طالب. «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» نه یهودی است و نه نصرانی. «يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ» فرمود: نزدیک است عالم از آل محمّد به علم سخن گوید، قبل از اینکه از او سؤال شود. - . تفسیر فرات: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۱۸»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ الْحَسَنُ الْمِصْباحُ الْحُسَيْنُ فِي زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ فَاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يُوقَدُ (۲) مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَعْنِي لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصْرَانِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ يَكَادُ الْعِلْمُ يَنْبُعُ مِنْهَا (۳).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جعفر بن محمد فزاری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره این آیه فرمود: «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» حسن است، «الْمِصْباحُ» حسین است، «فِي زُجاجَةٍ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فاطمه ستاره درخشانی است از زنان عالم، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ» ابراهیم خلیل است، «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» یعنی نه یهودی است و نه نصرانی، «يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ» نزدیک است علم از آن بجوشد. - . تفسیر فرات: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۱۹»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ جَابِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بَلَغَنَا وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ فَهُوَ (۴) مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله كَمِشْكاةٍ الْمِشْكَاةُ هُوَ صَدْرُ نَبِيِّ اللَّهِ فِيها مِصْباحٌ وَ هُوَ الْعِلْمُ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ فَزَعَمَ أَنَّ الزُّجَاجَةَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ عِلْمَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عِنْدَهُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ قَالَ لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصْرَانِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ قَالَ يَكَادُ ذَلِكَ الْعِلْمُ أَنْ (۵) يَتَكَلَّمَ فِيكَ قَبْلَ أَنْ يَنْطِقَ بِهِ الرَّجُلُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ وَ زَعَمَ أَنَّ قَوْلَهُ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ قَالَ هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام مِنْهَا (۶).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جابر گفت: امام باقر علیه السّلام فرمود: به ما رسیده - و الله أعلم - که آیه «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ» پس آن نور محمد است، «كَمِشْكاةٍ» «مشكات» سینه پیامبر خداست، «فِيها مِصْباحٌ» و آن علم است، «الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ» معتقد بود که زجاجه امیرالمؤمنین است و علم رسول خدا نزد اوست. و اما آیه «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» فرمود: نه یهودی است و نه نصرانی، «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ» نزدیک است که آن علم - . در نسخه خطی «یکاد ذلک العالم» آمده است. -

درباره تو سخن بگوید، قبل از اینکه آن مرد به آن سخن بگوید. «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ» و معتقد بود که آیه «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» - . نور / ۳۶ - {در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود} آن خانه های پیامبران است و خانه علی بن ابی طالب علیه السّلام از آن خانه ها است. - . تفسیر فرات: ۱۰۲ - ۱۰۳ -

**[ترجمه]

«۲۰»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعَنْعَناً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ

ص: ۳۱۲

۱- تفسیر فرات: ۱۰۲.

۲- فی نسخه الکمبانیّ: (توقد) و کذا فی مواضع تقدم و یأتی.

۳- تفسیر فرات: ۱۰۲.

۴- فی المصدر: فهو نور محمّد صلّی اللّه علیه و آله.

۵- فی النسخه المخطوطه: یکاد ذلک العالم.

۶- تفسیر فرات: ۱۰۲ و ۱۰۳.

قَالَ: أَخْرَجَ إِلَيْنَا صَحِيفَةً فَذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ كَبِرْتُ وَ ضَعُفْتُ وَ عَجَزْتُ عَنْ كَثِيرٍ مِمَّا كُنْتُ أَقْوَى عَلَيْهِ فَأُحِبُّ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْ تُعَلِّمَنِي كَلَاماً يُقَرِّبُنِي بِرَبِّي وَ يَزِيدُنِي فَهْماً وَ عِلْماً فَكَتَبَ إِلَيْهِ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتَابٍ فَاقْرَأْهُ وَ تَفَهَّمْهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ شِفَاهُ وَ هُدًى لِمَنْ أَرَادَ اللَّهُ هُدَاهُ فَأَكْثِرْ مِنْ ذِكْرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ اقْرَأْهَا عَلَى صَفْوَانَ وَ آدَمَ قَالَ أَبُو الطَّاهِرِ آدَمُ كَانَ رجل (رَجُلًا) مِنْ أَصْحَابِ صَفْوَانَ.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام إِنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَلَمَّا انقبض (۱) (أَنْ قَبَضَ) مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أُمَنَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَ الْمَنَايَا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ بِحَقِيقَةِ النِّفَاقِ وَ إِنَّ شِيعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ مَعْرُوفُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمْ يَرِدُونَ مَوَارِدَنَا وَ يَدْخُلُونَ مَدَاخِلَنَا لَيْسَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ غَيْرُنَا وَ غَيْرُهُمْ إِنَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ آخِذُونَ بِحُجْزَةِ نَبِيِّنَا وَ نَبِيُّنَا آخِذٌ بِحُجْزَةِ رَبِّهِ وَ إِنَّ الْحُجْزَةَ النُّورُ وَ شِيعَتُنَا آخِذُونَ بِحُجزِنَا (۲) مَنْ فَارَقَنَا هَلَكَ وَ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ الْجَاحِدُ لِوَلَايَتِنَا كَافِرٌ وَ مُتَّبِعُنَا (۳) وَ تَابِعُ أَوْلِيَائِنَا مُؤْمِنٌ لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ مُحِبُّنَا كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا وَ نُورٌ لِمَنِ اقْتَدَى بِنَا (۴) مَنْ رَغِبَ عَنَّا لَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْ ءٍ (۵) بِنَا فَتَحَ اللَّهُ الدِّينَ وَ بِنَا يَخْتِمُهُ وَ بِنَا أَطْعَمَكُمُ اللَّهُ

۱- فی النسخه المخطوطه: فلما ان قبض و فی المصدر: فلما قبض محمد.

۲- فی المصدر: بحجزتنا.

۳- فی نسخه: (و المتبع لولايتنا) و فی المصدر: و من اتبعنا لحق بنا و التارک لولایتنا کافر و المتبع لولايتنا مؤمن.

۴- فی نسخه: و نور لمن هدی بنا.

۵- فی المصدر: و من لم يكن منا فليس من الإسلام فی شی ء.

عُشْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ بِنَا آمَنَكَمُ اللَّهُ مِنَ الْغَرَقِ فِی بَحْرِكُمْ وَ مِنَ الْخَسْفِ فِی بَرِّكُمْ وَ بِنَا نَفَعَكَمُ اللَّهُ فِی حَيَاتِكُمْ وَ فِی قُبُورِكُمْ وَ فِی مَحْشَرِكُمْ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجِنَانَ إِنَّ مَثَلَنَا فِی كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمِشْكَاهِ وَ الْمِشْكَاهُ فِی الْقِنْدِيلِ فَنَحْنُ الْمِشْكَاهُ فِيهَا مِصْبَاحٌ وَ الْمِصْبَاحُ هُوَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ نَحْنُ الزُّجَاجَهُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ تُوقَدُ (۱) مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَكَهٍ زَيْتُونَهٍ لا شَرْقِيَّهٍ وَ لا غَرْبِيَّهٍ لَا مُنْكَرَهٍ وَ لَا دَعِيَّهٍ يَكادُ زَيْتُها نُورٌ يُضِی ءُ (۲) وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ الْفُرْقَانُ عَلى نُورٍ يَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ لِوَلَايَتِنَا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ بِأَنْ يَهْدِیَ مَنْ أَحَبَّ لِوَلَايَتِنَا حَقّاً (۳) عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيَّنَا مُشْرِقاً وَجْهُهُ نَيِّراً بُرْهَانُهُ عَظِيماً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ وَ يَجِی ءُ عَدُوُّنَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ مُسْوَدّاً وَجْهُهُ مُدْحَضَهً عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلِيَّنَا رَفِيقَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفِيقاً وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ عَدُوَّنَا رَفِيقاً لِلشَّيَاطِينِ وَ الْكَافِرِينَ وَ بِئْسَ أُولَئِكَ رَفِيقاً لِشَهِيدِنَا فَضْلٌ عَلَى الشُّهَدَاءِ غَيْرِنَا بِعَشْرِ دَرَجَاتٍ وَ لِشَهِيدِ شِيعَتِنَا عَلَى شَهِيدِ غَيْرِنَا سَبْعُ دَرَجَاتٍ فَنَحْنُ النُّجَبَاءُ وَ نَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِيَاءِ (۴) وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِی كِتَابِ اللَّهِ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِدِينِ اللَّهِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا فَقَالَ اللَّهُ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَيْنا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى فَقَدْ عَلَّمَنَا وَ بَلَّغَنَا مَا عَلِمْنَا وَ اسْتَوْدَعَنَا عِلْمَهُمْ وَ نَحْنُ وَرَثَهُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّهُ أُولِی الْعِلْم (۵) أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَا آلَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ وَ كُونُوا عَلَى جَمَاعَتِكُمْ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَنْ أَشْرَكَ بِوَلَايَهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وَلَايَهِ عَلِيٍّ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ يَا مُحَمَّدُ يَجْتَبِی إِلَيْهِ

۱- فی المصدر: یوقد. و هو الصحیح.

۲- فی المصدر: نورها یضی ء.

۳- هکذا فی الکتاب، و الصحیح، «حق» کما تقدم.

۴- زاد فی نسخه بعد ذلک: و نحن خلفاء الأرض.

۵- فی نسخه: و نحن ورثه أولی العزم من الأنبیاء.

مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِی إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ مَنْ يُجِيبُکَ إِلَی وَلَایَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: حسین بن عبداللَّه بن جندب گفت: نامه ای برای ما خارج کرد و گفت: پدرش برای ابوالحسن علیه السّلام نوشت: «فدایت شوم! من پیر و ضعیف شده‌ام و از انجام بسیاری از کارهایی که قبلا بر آنها قدرت داشتم، عاجز شدم. پس فدایت شوم! دوست دارم مرا کلامی بیاموزی که مرا به پروردگارم نزدیک کند و فهم و علم مرا بیفزاید.» پس به او نوشت: «برایت نامه ای فرستادم، بخوان آن را درک می کنی. همانا در آن نامه شفا است برای کسی که خدا بخواهد او را شفا بخشد و هدایت است برای کسی که خدا هدایت او را خواسته باشد. زیاد ذکر «بسم اللَّه الرحمن الرحیم لا حول و لا قوه الا باللَّه العلیّ العظیم» را بگو و آن را برای صفوان و آدم هم بخوان.» ابو طاهر گفت: آدم یکی از دوستان صفوان بود. علی بن الحسین علیهما السّلام فرمود: محمّد صلی اللَّه علیه و آله امین خدا در زمینش بود. زمانی که محمد را قبض کرد، ما اهل بیت او امنای خدا در زمینش بودیم. در نزد ما علم بلاها و مرگ‌ها و انساب عرب و زادگاه اسلام است و ما هر کسی که را ببینیم، می شناسیم به حقیقت ایمان و نفاق، و شیعیان ما نوشته شده‌اند و شناخته شده‌اند به نام‌های خودشان و نام‌های پدرانشان. خداوند بر ما و بر آنها پیمان گرفت قدم در جایی که ما می گذاریم، بگذارند و داخل شوند در محل داخل شدن ما. بر ملت ابراهیم خلیل الله کسی جز ما و آنها نیست. ما در روز قیامت چنگ به دامن پیامبرمان می‌زنیم و پیامبر ما چنگ به حجزه پروردگارش می زند – و حجزه همان نور است – و شیعیان ما چنگ به نور ما می زنند. هر که از ما جدا شد، هلاک شده و هر که پیرو ما شد، نجات یافته است. منکر ولایت ما کافر است و پیرو ما و پیرو دوستان ما

مؤمن. هیچ کافری به ما محبت نمی‌ورزد و مؤمنی ما را دشمن نمی دارد. کسی که با محبت ما بمیرد، بر خدا لازم است او را با ما محشور کند. ما نوریم برای کسی که از ما پیروی کند و نوریم برای کسی که به ما اقتدا نماید. هر کس از ما کناره گیری کرد، از ما نیست و هر که با ما نبود، از اسلام بهره ای نبرده است. خدا به ما دین را شروع کرد و به ما ختم می کند. به سبب ما خدا از روییدنی‌های زمین شما را اطعام کرده و به واسطه ما باران آسمان را بر شما نازل کرد. و به واسطه ما خدا شما را از غرق شدن در دریایتان و فرو رفتن در زمینتان در امان قرار داد. و خداوند به واسطه ما شما را در زندگی تان و در قبرهایتان و در محشرتان و هنگام صراط و میزان و موقع داخل شدنتان در بهشت سود بخشید. همانا مثل ما در کتاب خدا، مثل مشکات است و مشکات در قندیل است. پس ما مشکات هستیم که در آن مصباح است و مصباح محمّد صلی اللَّه علیه و آله است، «الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ» ما زجاجه هستیم، «کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ» نه انکار شده و نه متهم در نسبش، «یَکادُ زَیْتُها» نور، «یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ» قرآن، «عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ» به ولایت ما، «وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ» به اینکه هر کس را که دوست دارد، هدایت به ولایت ما نماید. لازم است بر خدا که دوست ما را با چهره ای درخشان و برهانی فروزان که حجتش نزد خدا بزرگ است، محشور نماید و دشمن ما روز قیامت با چهره ای سیاه می آید که حجتش نزد خدا باطل است. لازم است خداوند دوست ما را رفیق پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان قرار دهد و آنها خوب رفیقانی هستند. و لازم است بر خدا که دشمن ما را رفیق شیاطین و کافران گرداند و آنها بد رفیقانی هستند. شهید ما به ده امتیاز از شهدای غیر ما برتر است و شهید شیعه ما با هفت امتیاز بر شهید غیر ما برتری دارد ما نجبا و افراط انبیا و فرزندان اوصیا هستیم و ما شایسته‌ترین مردم نسبت به خدا هستیم. و ما شخصیت های ممتاز در کتاب خدا هستیم و ما از همه مردم به دین خدا سزاوارتریم. و ما کسانی هستیم که خداوند شریعت را برای ما تشریع نموده است. خدا فرمود: «شَرَعَ لَکُمْ مِنَ

الـدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ» اى محمّد! «وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى» پس دانستيم و ابلاغ كرديم آنچه را كه دانستيم. و علم انبياء را نزد ما به وديعه گذاشت و ما وارثان پيامبران و ذريه صاحبان علم هستيم.

«أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» اى آل محمّد! «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» متحد باشيد، «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ» كسى كه به ولايت على بن ابى طالب را شرك ورزيد، «ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» از ولايت على، همانا «اللَّهُ» اى محمد! «يَجْتَبِى إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِى إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» - . شورى / ۱۳ - {از [احكام] دين آنچه را كه به نوح درباره آن سفارش كرد براى شما تشريع كرد و آنچه را به تو وحى كرديم و آنچه را كه درباره آن به ابراهيم و موسى و عيسى سفارش نموديم كه دين را برپا داريد و در آن تفرقه اندازى مكنيد، بر مشركان آنچه كه ايشان را به سوى آن فرا مى خوانى گران مى آيد. خدا هر كه را بخواهد به سوى خود برمى گزيند و هر كه را كه از در توبه درآيد به سوى خود راه مى نمايد} كسى را كه دعوت تو را راجع به ولايت على بن ابى طالب بپذيرد. - . تفسير فرات: ۱۰۳ - ۱۰۴ -

**[ترجمه]

«۲۱»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَصْبَغَ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَتَبَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ فِيَّ ضَعْفاً فَقَوِّنِي قَالَ فَأَمَرَ عَلِيٌّ الْحَسَنَ عليهما السلام ابْنَهُ أَنِ اكْتُبْ إِلَيْهِ كِتَاباً قَالَ فَكَتَبَ الْحَسَنُ عليه السلام أَنَّ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَلَمَّا أَنْ قَبَضَ (۲) مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله كُنَّا أَهْلَ بَيْتِهِ فَنَحْنُ أُمَنَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ مِثْلَ مَا مَرَّ إِلَّا أَنَّ فِيهِ تُوقَدُ (۳) مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ مَعْرُوفَةٍ لَا يَهُودِيَّةٍ وَ لَا نَصْرَانِيَّةٍ (۴).

**[ترجمه]تفسير فرات: اصبغ بن نباته گفت: عبدالله بن جندب به على بن ابى طالب عليه السّلام نوشت: «فدايت شوم! در من ضعفى است، پس مرا قوى كن.» گفت: على عليه السّلام فرزندش حسن را امر كرد كه نوشته‌اى برايش بنويس. گفت: پس حسن عليه السّلام نوشت: «محمّد امين خدا در زمينش بود. وقتى محمّد را قبض كرد، ما اهل بيت او بوديم. پس ما امناى خدا در زمينش هستيم...» و روايت را مثل آنچه كه گذشت آورد، جز اينكه در آن بود: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» على بن ابى طالب است، «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» شناخته شده است نه يهودى است و نه نصرانى. - . تفسير فرات: ۱۰۵ - ۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۲۲»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو خَالِدٍ الْكَابُلِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا (۵) يَا أَبَا خَالِدٍ النُّورُ وَ اللَّهِ الْأَئِمَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله قَوْلُهُ أَتْمِمْ لَنا نُورَنا (۶) أَلْحِقْ بِنَا شِيعَتَنَا.

الصَّادِقُ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ (۷) قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْسِمُ النُّورَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ وَ

يَقْسِمُ لِلْمُنَافِقِ فَيَكُونُ فِی إِبْهَامِ رِجْلِهِ الْيُسْرَی فَيُطْفَأُ نُورُهُ الْخَبَرَ ثُمَّ قَرَأَ الصَّادِقُ عليه السلام فَيُنَادُونَ (۸) مِنْ وَرَاءِ السُّورِ أَ لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قالُوا بَلی (۹).

۱- تفسیر فرات: ۱۰۳ و ۱۰۴.

۲- فی المصدر: قبض محمد.

۳- هکذا فی الکتاب و الصحیح: یوقد.

۴- تفسیر فرات: ۱۰۵ و ۱۰۶.

۵- التغابن: ۸.

۶- التحریم: ۸.

۷- الحدید: ۱۳.

۸- ذکر علیه السلام معنی الآیه، فوهم الراوی و قال: قرأ، و أمّا الآیه فهی سوره الحدید ۱۴ هکذا، ینادونهم أ لم نکن معکم قالوا بلی.

۹- مناقب آل أبی طالب ۲: ۲۷۸.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا» نقل کرد که فرمود: ای ابا خالد! به خدا قسم «نور» ائمه از آل محمّدند. این آیه که می فرماید: «أَتْمِمْ لَنا نُورَنا» - . تحریم / ۸ - {پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان} یعنی شیعیان ما را به ما ملحق نما. حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ» - . حدید / ۱۳ - {ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم} فرمود: خداوند روز قیامت نور را به مقدار اعمال مردم تقسیم می کند و برای منافق تقسیم می‌کند. پس در انگشت ابهام پای چپ او می‌باشد، نور او را خاموش می کنند... تا آخر خبر. بعد حضرت صادق علیه السّلام این آیه را قرائت نمود: «فَیُنادونَ» از پشت دیوارها «أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ قالُوا بَلی» - . حدید / ۱۴ - {آیا ما با شما نبودیم می گویند چرا.} - . مناقب ابن شهر آشوب ۲ : ۲۷۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

یف، الطرائف ابْنُ الْمَغَازِلِیِّ الشَّافِعِیُّ بِإِسْنَادِهِ إِلَی الْحَسَنِ (۱) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ قَالَ الْمِشْکَاهُ فَاطِمَهُ علیها السلام وَ الْمِصْباحُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام وَ الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ کَانَتْ فَاطِمَهُ علیها السلام کَوْکَباً دُرِّیّاً مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ (۲) یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ الشَّجَرَهُ الْمُبَارَکَهُ إِبْرَاهِیمُ علیه السلام لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ لَا یَهُودِیَّهٍ وَ لَا نَصْرَانِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِیءُ قَالَ یَکَادُ الْعِلْمُ أَنْ یُنْطَقَ مِنْهَا وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ قَالَ ابْنُهَا (۳) إِمَامٌ بَعْدَ إِمَامٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ قَالَ یَهْدِی لِوَلَایَتِهِمْ مَنْ یَشَاءُ (۴).

أقول: رواه العلامه قدس الله روحه فی کشف الحق عن الحسن البصری (۵)

**[ترجمه]طرائف: ابن مغازلی شافعی به اسناد خود از حسن بصری نقل می کند که گفت: از او درباره آیه: «کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ» پرسیدم. گفت: «مشکات» فاطمه و «مصباح» حسن و حسین است و «الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ» فاطمه علیها السّلام ستاره ای درخشان بود در میان زنان عالم، «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ» شجره مبارکه ابراهیم علیه السّلام است، «لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ» نه یهودی است و نه نصرانی، «یَکادُ زَیْتُها یُضِیءُ» گفت نزدیک است علم از آن، بیان شود، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ» گفت منظور پسر او است امامی پس از امام دیگر، «یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ» گفت هر که را بخواهد به ولایت آنها هدایت می‌کند. - . طرائف: ۳۳ -

مؤلف: علامه قدس الله روحه در «کشف الحق» از حسن بصری همین روایت را نقل کرده است. - . احقاق الحق ۳ : ۴۵۸ - ۴۵۹ -

**[ترجمه]

«۲۴»

وَ رَوَی ابْنُ بِطْرِیقٍ مِنْ مَنَاقِبِ ابْنِ الْمَغَازِلِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَوْذَبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ الْحَسَنَ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ ثُمَّ ذَكَرَ نَحْوَهُ (۶).

**[ترجمه]ابن بطريق از مناقب ابن مغازلى، از موسى بن قاسم، از على بن جعفر نقل كرد كه گفت: از حسن عليه السّلام درباره آيه «كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» پرسيدم. سپس مانند آن را ذكر كرد. -. العمده : ۱۸۶ -

**[ترجمه]

بيان

لا يبعد أن يكون أبا الحسن فأسقط و كون موسى بن القاسم و على بن جعفر غير المعروفين و الحسن البصرى كما يظهر من كشف الحق لا يخلو من بعد و يؤيده أن

فى العمده و كشف الحق يهدى الله لولايتنا من يشاء

**[ترجمه]بعيد نيست كه ابوالحسن باشد كه ساقط شده است و اينكه موسى بن قاسم و على بن جعفر معروف نباشند، و حسن بصرى همان طور كه از كشف الحق آشكار مى‌شود، خالى از بُعد نيست و تأييد آن را كه در العمده و كشف الحق «يهدى الله لولايتنا من يشاء» آمده است.

**[ترجمه]

«۲۵»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ يَسْعى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله هُوَ نُورٌ أَمَامَ الْمُؤْمِنِينَ (۷) يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِذَا

ص: ۳۱۶

۱- أى الحسن البصرى، و الظاهر من نسخه الكمبانىّ انه الحسن بن علىّ و هو وهم.

۲- فى المصدر: بين نساء العالمين.

۳- فى نسخه و فى الطرائف و العمده: (منها) و فى كشف الحق: فيها.

۴- طرائف: ۳۳.

۵- إحقاق الحقّ ۳: ۴۵۸ و ۴۵۹ فيه: يهدى اللّه لولايتهم من يشاء.

۶- العمده: ۱۸۶.

٧- فی المصدر: و هو نور أمير المؤمنين.

أَذِنَ اللَّهُ لَهُ أَنْ يَأْتِيَ مَنْزِلَهُ فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ هُمْ يَتَّبِعُونَهُ حَتَّى يَدْخُلُونَ مَعَهُ (۱) وَ أَمَّا قَوْلُهُ وَ بِأَيْمانِهِمْ فَأَنْتُمْ تَأْخُذُونَ بِحُجَزِ (۲) آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ يَأْخُذُ آلُهُ بِحُجَزِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ يأخذهما (۳) (يَأْخُذَانِ) بِحُجَزِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام وَ يَأْخُذُ عَلِيٌّ بِحُجَزِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله حَتَّى يَدْخُلُونَ مَعَهُ (۴) فِي جَنَّةِ عَدْنٍ فَذَلِكَ قَوْلُهُ بُشْراكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۵).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به آیه «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ يَسْعى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ» {مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است} پرسیدم. فرمود: رسول خدا فرمود: آن نور امام مؤمنان است که جلوی آنها را در روز قیامت روشن می کند، موقعی که خدا به او اجازه دهد وارد منزل خود در جنات عدن شود و مؤمنان نیز از پی او می روند تا با او داخل شوند. اما این قسمت آیه «وَ بِأَيْمانِهِمْ»، شما به نور آل محمّد چنگ می‌زنید و آل محمّد به نور حسن و حسین چنگ می‌زنند و آن دو به نور امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام چنگ می‌زنند و علی علیه السّلام به نور پیامبر اکرم چنگ می زند تا با او در بهشت عدن داخل می شوند. این است معنی آیه شریفه «بُشْراكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» - . حدید / ۱۲ - {[به آنان گویند] امروز شما را مژده باد به باغ هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنها جاودانید، این است همان کامیابی بزرگ.} - . تفسیر فرات: ۱۷۹ -

**[ترجمه]

«۲۶»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ مُعَنْعَناً عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام (۶).

**[ترجمه]تفسیر فرات: از ابن عباس نقل می کند که در مورد آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» گفت: آن دو نصیب حسن و حسین هستند، «وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» - . حدید / ۲۸ - {ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید.} گفت: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است. - . تفسیر فرات: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

«۲۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهيم عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الزُّهْرِيُّ مُعَنْعَناً عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ يَعْنِي حَسَناً وَ حُسَيْناً قَالَ مَا ضَرَّ مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا أَصَابَهُ فِي

الدُّنْیَا وَ لَوْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ یَأْكُلُهُ إِلَّا الْحَشِیشَ (۷).

**[ترجمه]تفسیر فرات: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِكُمْ كِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» فرمود: منظور حسن و حسین علیهما السّلام است. و فرمود: زیان نکرده کسی که خداوند او را گرامی داشته که از شیعیان ما باشد. هر چه که در دنیا به او برسد، گرچه قادر نباشد بر چیزی که بخورد آن را جز علف خشک شده. - . تفسیر فرات: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

«۲۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام (۸) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ یَقُولُ نُورُهُمْ یَسْعی (۹) بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ قَالَ نُورُ أَئِمَّهِ الْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ یَسْعَی

۱- فی المصدر: و المؤمنون یتبعونه، و هو یسعی بین ایدیهم حتّی یدخل جنه عدن و هم یتبعون حتّی یدخلون معه.

۲- فی المصدر: (بحجزه) و كذا فیما یأتی.

۳- الصحیح: و یأخذان.

۴- فی المصدر: حتی یدخلون مع رسول اللّه.

۵- تفسیر فرات: ۱۷۹ و الآیه فی سوره الحدید: ۱۲.

۶- تفسیر فرات: ۱۸۰. و الآیه فی سوره الحدید: ۲۸.

۷- تفسیر فرات: ۱۸۰. و الآیه فی سوره الحدید: ۲۸.

۸- فی نسخه الكمبانیّ: محمّد بن همام عن عبد اللّه بن العلا عن محمّد بن الحسن عن عبد اللّه بن عبد الرحمن.

۹- فی المصدر و المصحف الشریف: یسعی نورهم.

بَیْنَ أَیْدِی الْمُؤْمِنِینَ وَ بِأَیْمَانِهِمْ حَتَّی یَنْزِلُوا بِهِمْ مَنَازِلَهُمْ مِنَ الْجَنَّهِ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: صالح بن سهل گفت: از امام صادق علیه السّلام شنیدم که می‌فرمود: «یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ.» فرمود: نور ائمه مؤمنان روز قیامت پیشاپیش مؤمنان و طرف راستشان است تا اینکه آنها را در منازلشان از بهشت منزل دهند. - . کنز الفوائد: ۳۳۰ و ۱۸۰ -

**[ترجمه]

«۲۹»

کا، الکافی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَاضِی علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ قَالَ یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا وَلَایَهَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بِأَفْوَاهِهِمْ قُلْتُ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ قَالَ علیه السلام وَ اللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَهِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا (۲) وَ النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ قُلْتُ هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِّ قَالَ هُوَ الَّذِی أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَایَهِ لِوَصِیِّهِ وَ الْوَلَایَهُ هِیَ دِینُ الْحَقِّ قُلْتُ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ قَالَ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الْأَدْیَانِ عِنْدَ قِیَامِ الْقَائِمِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ بِوَلَایَهِ الْقَائِمِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام قُلْتُ هَذَا تَنْزِیلٌ قَالَ نَعَمْ أَمَّا هَذِهِ الْحُرُوفُ فَتَنْزِیلٌ (۳) وَ أَمَّا غَیْرُهُ فَتَأْوِیلٌ (۴).

**[ترجمه]اصول کافی: محمّد بن فضیل از حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر نقل کرد که از آن جناب راجع به این آیه: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» - . صف / ۸ -

{می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا نور خود را کامل خواهد گردانید} سؤال کردم. فرمود: می خواهند ولایت علی بن ابی طالب را با دهان خود خاموش کنند. گفتم: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ.» فرمود: خدا امامت را تکمیل می کند، به دلیل این آیه: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا» و «نور» همان امام است. گفتم: «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دِینِ الْحَقِ». فرمود: او کسی است که خدا رسولش را امر کرد به ولایت برای وصی اش و ولایت همان دین حق است. گفتم: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ.» فرمود: تا چیره نماید دین حق را بر تمام ادیان هنگام ظهور حضرت قائم، به دلیل این آیه: «وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» به ولایت قائم، «وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» به ولایت علی. گفتم: آیا این تنزیل است؟ فرمود: آری، اما آن حروفی که در قرآن آمده تنزیل است، ولی غیر آن تأویل است. - . اصول کافی ۱ : ۴۳۲ -

**[ترجمه]

«۳۰»

فس، تفسیر القمی الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ سَمَاعَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ قَالَ إِمَاماً (۵) تَأْتَمُّونَ بِهِ لِئَلَّا یَعْلَمَ أَهْلُ الْکِتابِ أَلَّا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ

(۶).

کا، الکافی العده عن أحمد بن محمد عن الحسین بن سعید مثله (۷).

۱- کنز الفوائد: ۳۳۰، ۱۸۰.

۲- سوره التغابن: ۸ و الآیه هکذا: فامنوا باللّه.

۳- أی الحروف الموجوده فی القرآن فتنزیل، و اما غیرها فتأویل ای تفسیر.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۳۲ فیه: هذا الحرف و الآیتان فی الصف: ۸ و ۹ قوله: و لو کره الکافرون من الآیه الأولی.

۵- فی المصدر: امام.

۶- تفسیر القمّیّ: ۶۶۶ فیه: (الحسن بن سعید) و الآیتان فی سوره الحدید: ۲۸ و ۲۹.

۷- أصول الکافی ۱: ۴۳۰.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: سماعه از حضرت صادق در مورد آیه «يُؤْتِكَمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» نقل کرد که فرمود: حسن و حسین هستند. «وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» فرمود: امامی که به او اقتداء کنید. «لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» -. حدید / ۲۹ - {تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون بخشی خدا در [حیطه] قدرت آنان نیست و فضل [و عنایت تنها] در دست خداست به هر کس بخواهد آن را عطا می کند و خدا دارای کرم بسیار است.} -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۶۶ -

اصول کافی: از حسین بن سعید همین روایت را نقل کرده است. -. اصول کافی ۱ : ۴۳۰ -

**[ترجمه]

«۳۱»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الصَّقْرِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام قُلْتُ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ قَالَ يَجْعَلُ لَكُمْ إِمَاماً تَأْتَمُّونَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]كنز الفوائد: جابر جعفی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» پرسیدم. فرمود: حسن و حسین هستند. «وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ.» فرمود: برای شما امامی قرار می دهد که به او اقتدا کنید. -. كنز الفوائد: ۳۳۴ -

**[ترجمه]

بيان

الكفل النصيب و المراد بالمشي إما المشي المعنوي إلى درجات القرب و الكمال أو المشي في القيامه.

**[ترجمه]«الكفل» يعنى نصيب و منظور از «مشى»، يا راه رفتن معنوى به سوى درجات قرب و كمال است يا راه رفتن در قيامت است.

**[ترجمه]

«۳۲»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ حَدَّثَنِي شُعَيْبُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ زَيْدٍ يُحَدِّثُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما

السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِی قَوْلِهِ تَعَالَی یُؤْتِکَمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر بن عبدالله از پیامبر اکرم نقل کرد که درباره آیه «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» فرمود: حسن و حسین هستند. «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» فرمود: علی است. - . کنز الفوائد: ۳۸۶ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۳۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَیْمُونٍ عَنِ ابْنِ أَبِی شَیْبَهَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ قَالَ إِمَامَ عَدْلٍ تَأْتَمُّونَ بِهِ وَ هُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر جعفی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» فرمود: حسن و حسین هستند. «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» فرمود: امام عادلی است که شما به او اقتدا می‌کنید و او علی بن ابی طالب است. - . کنز الفوائد: ۳۸۶ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۳۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْمُغِیرَهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَرْوَزِیِّ عَنِ الْأَحْوَلِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ زُرَیْقٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ یَزِیدَ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَعْدَانَ عَنْ کَعْبِ بْنِ عِیَاضٍ قَالَ: طَعَنْتُ عَلَی عَلِیٍّ علیه السلام بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَوَکَزَنِی فِی صَدْرِی ثُمَّ قَالَ یَا کَعْبُ إِنَّ لِعَلِیٍّ علیه السلام نُورَیْنِ نُوراً فِی السَّمَاءِ وَ نُوراً فِی الْأَرْضِ فَمَنْ تَمَسَّکَ بِنُورِهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّهَ وَ مَنْ أَخْطَأَهُ

۱- کنز جامع الفوائد: ۳۳۴.

۲- کنز جامع الفوائد: ۳۸۶ من النسخه الرضویه.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۸۶ من النسخه الرضویه فیه: قال: علی.

أَدْخَلَهُ النَّارَ فَبَشِّرِ النَّاسَ عَنِّی بِذَلِکَ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: کعب بن عیاض گفت: من بر علی خرده گیری کردم. در مقابل، پیامبر اکرم مشتی بر سینه من زد، سپس فرمود: ای کعب! علی دارای دو نور است؛ یکی در آسمان و دیگری در زمین. هر که به نور او چنگ زند، خدا او را داخل بهشت می کند و هر که از او سرباز زند، او را داخل جهنم می کند. این را از طرف من به مردم بشارت ده. - . کنز الفوائد: ۳۳۴ -

**[ترجمه]

«۳۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رُوِیَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَلَقَ اللَّهُ مِنْ نُورِ وَجْهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ لِمُحِبِّیهِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: از انس روایت شده که گفت: پیامبر اکرم فرمود: خداوند از نور صورت علی بن ابی طالب، هفتاد هزار ملک آفرید که استغفار می کنند برای او و محبانش تا روز قیامت. - . کنز الفوائد: ۳۳۴ -

**[ترجمه]

«۳۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ یَحْیَی بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ اللَّهِ لَوْ تَرَکْتُمْ هَذَا الْأَمْرَ مَا تَرَکَهُ اللَّهُ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوالجارود از حضرت باقر نقل کرد که آن جناب فرمود: «یُرِیدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»، به خدا سوگند اگر شما این امر را رها کردید، خدا آن را رها نخواهد کرد. - . کنز الفوائد: ۳۳۸ -

**[ترجمه]

«۳۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرٍ الصَّوْلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ حُمَیْدِ بْنِ الرَّبِیعِ عَنْ هَیْثَمِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْمِنْبَرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَی أَهْلِ الْأَرْضِ نَظْرَهً فَاخْتَارَنِی مِنْهُمْ ثُمَّ نَظَرَ ثَانِیَهً فَاخْتَارَ عَلِیّاً أَخِی وَ وَزِیرِی وَ وَارِثِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِی أُمَّتِی وَ وَلِیَّ کُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِی مَنْ تَوَلَّاهُ تَوَلَّی اللَّهَ وَ مَنْ عَادَاهُ عَادَ اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّهُ أَحَبَّ اللَّهَ (۴) وَ مَنْ

أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ اللَّهِ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا يُبْغِضُهُ إِلَّا كَافِرٌ وَ هُوَ نُورُ الْأَرْضِ بَعْدِی (۵) وَ رُكْنُهَا وَ هُوَ كَلِمَهُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَى ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَقَالَتِی هَذِهِ يُبَلِّغُهَا شَاهِدُكُمْ غَائِبَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُكَ عَلَيْهِمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَ إِنَّ اللَّهَ نَظَرَ ثَالِثَهً وَ اخْتَارَ بَعْدِی وَ بَعْدَ أَخِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام أَحَدَ عَشَرَ إِمَاماً وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ كُلَّمَا هَلَكَ وَاحِدٌ قَامَ وَاحِدٌ مَثَلُهُ كَمَثَلِ نُجُوم السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ هُدَاهٌ مَهْدِيُّونَ لَا يَضُرُّهُمْ كَيْدُ مَنْ كَادَهُمُ وَ خَذَلَهُمْ هُمْ حُجَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ شُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ

۱- كنز جامع الفوائد: ۳۳۴.

۲- كنز جامع الفوائد: ۳۳۴.

۳- كنز جامعا لفوائد: ۳۳۸.

۴- فی النسخه المخطوطه: احبه اللّه و فی المصدر: احب اللّه و من أبغضه ابغض اللّه.

۵- و هو زر الأرض بعدی أقول: الزر بالكسر: ای قوامها و العالم بمصالحها.

مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُونَهُ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ الْحَوْضَ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حارث بن عبداللَّه از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم بر منبر رفت و فرمود: خداوند نگاهی به اهل زمین کرد و مرا از میان آنها برگزید. برای مرتبه دوم نگاهی کرد، پس علی را برگزید؛ برادر و وزیر و وارث و وصی و جانشین من در میان امتم و ولیّ هر مؤمنی پس از من. هر کس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر کس او را دشمن بدارد، با خدا دشمنی کرده است و هر کس به او محبت ورزد، به خدا محبت ورزیده است و هر کس به او بغض ورزد، خدا به او بغض می ورزد. - . درمصدر «من أبغضه، أبغض الله» آمده، یعنی هر کس به او بغض ورزد، به خدا بغض ورزیده است. - به خدا سوگند جز مؤمن او را دوست نمی دارد و جز کافر با او دشمنی نمی‌ورزد. او نور زمین پس از من و رکن آن است و او کلمه تقوا و عروه الوثقی است. بعد پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ» - . توبه / ۳۲ - {می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد تا نور خود را کامل کند هر چند کافران را خوش نیاید.} ای مردم! این سخن مرا حاضران از شما به غایبان شما برسانند. خدایا! تو را گواه می گیرم بر آنها. ای مردم! خدا برای مرتبه سوم نگاهی کرد.

پس از من و برادرم علی بن ابی طالب، یازده امام را یکی پس از دیگری انتخاب کرد. هر کدام از دنیا بروند، دیگری جانشین او خواهد بود. مثل آنها مثل ستاره گان آسمان است؛ هر وقت ستاره ای پنهان شد، ستاره دیگری طلوع می کند. هدایت کننده‌گان هدایت یافته‌ای هستند که نیرنگ کسانی که به آنها نیرنگ زدند و آنها را خوار کردند، آنها را زیانی نمی رساند. آنها حجت خداوند در زمینش و گواهان او بر خلقش، هر کس آنها را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس با ایشان مخالفت کند، با خدا مخالفت کرده است. آنها با قرآنند و قرآن با آنها است. از آن جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند. - . کنز الفوائد: ۳۳۸ -

**[ترجمه]

«۳۸»

كا، الكافی فِی الرَّوْضَهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ فِی حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ النَّجْمِ إِذا هَوى قَالَ أُقْسِمُ بِقَبْرِ (۲) مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله إِذَا قُبِضَ ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ بِتَفْضِيلِهِ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ ما غَوى وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى يَقُولُ مَا يَتَكَلَّمُ بِفَضْلِ أَهْلِ بَيْتِهِ بِهَوَاهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحى (۳) وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِی وَ بَيْنَكُمْ (۴) قَالَ لَوْ أَنِّی أُمِرْتُ أَنْ أُعْلِمَكُمُ الَّذِی أَخْفَيْتُمْ فِی صُدُورِكُمْ مِنِ اسْتِعْجَالِكُمْ بِمَوْتِی لِتَظْلِمُوا أَهْلَ بَيْتِی مِنْ بَعْدِی فَكَانَ مَثَلُكُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ ناراً فَلَمَّا أَضاءَتْ ما حَوْلَهُ (۵) يَقُولُ أَضَاءَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله كَمَا تُضِيءُ الشَّمْسُ فَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلَ مُحَمَّدٍ الشَّمْسَ وَ مَثَلَ الْوَصِيِّ الْقَمَرَ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ ذِكْرُهُ جَعَلَ الشَّمْسَ ضِياءً وَ الْقَمَرَ نُوراً (۶) وَ قَوْلُهُ وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ (۷) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِی ظُلُماتٍ لا

يُبْصِرُونَ (۸) يَعْنِی قُبِضَ مُحَمَّدٌ فَظَهَرَتِ الظُّلْمَهُ فَلَمْ يُبْصِرُوا فَضْلَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَی الْهُدی لا يَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْکَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ (۹) ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله وَضَعَ الْعِلْمَ الَّذِی کَانَ عِنْدَهُ عِنْدَ

۱- کنز الفوائد: ۳۳۸ فيه: (مثلهم کمثل نجوم السماء) و فيه: لا يفارقهم و لا يفارقونه.

۲- فی المصدر: اقسم بقبض محمّد صلّی اللّه عليه و آله.

۳- النجم: ۱- ۴.

۴- الأنعام: ۵۸.

۵- البقره: ۱۷.

۶- يونس: ۵.

۷- يس: ۳۷.

۸- البقره: ۱۷.

۹- الأعراف: ۱۹۸. و الصحيح: «وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ» و لعلّ الوهم من النسّاخ.

الْوَصِیِّ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَقُولُ أَنَا هَادِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ الْعِلْمِ الَّذِی أَعْطَیْتُهُ وَ هُوَ نُورِیَ الَّذِی یُهْتَدَی بِهِ مَثَلُ الْمِشْکَاهِ فِیهَا الْمِصْبَاحُ فَالْمِشْکَاهُ قَلْبُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ الْمِصْبَاحُ النُّورُ الَّذِی فِیهِ الْعِلْمُ وَ قَوْلُهُ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ یَقُولُ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أَقْبِضَکَ فَاجْعَلِ الَّذِی عِنْدَکَ عِنْدَ الْوَصِیِّ کَمَا یُجْعَلُ الْمِصْبَاحُ فِی الزُّجَاجَهِ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ فَأَعْلَمَهُمْ فَضْلَ الْوَصِیِّ تُوقَدُ (۱) مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ فَأَصْلُ الشَّجَرَهِ الْمُبَارَکَهِ إِبْرَاهِیمُ علیه السلام وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ (۲) وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۳) لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ یَقُولُ لَسْتُمْ بِیَهُودَ فَتُصَلُّوا قِبَلَ الْمَغْرِبِ وَ لَا نَصَارَی فَتُصَلُّوا قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ أَنْتُمْ عَلَی مِلَّهِ إِبْرَاهِیمَ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ما کانَ إِبْراهِیمُ یَهُودِیًّا وَ لا نَصْرانِیًّا وَ لکِنْ کانَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ (۴) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ یَقُولُ مَثَلُ أَوْلَادِکُمُ الَّذِینَ یُولَدُونَ مِنْکُمْ مَثَلُ الزَّیْتِ الَّذِی یُعْصَرُ مِنَ الزَّیْتُونَ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ یَقُولُ یَکَادُونَ أَنْ یَتَکَلَّمُوا بِالنُّبُوَّهِ وَ لَوْ لَمْ یُنْزَلْ عَلَیْهِمْ مَلَکٌ (۵).

**[ترجمه]روضه کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که در یک حدیث طولانی درباره آیه «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی» فرمود: به قبر محمّد صلی اللّه علیه و آله قسم می‌خورم زمانی که از دنیا رفت، «ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ» به برتری دادن اهل بیتش، «وَ ما غَوی * وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی» می‌فرماید: آنچه در فضیلت خاندان خود می گوید از روی هوای نفسش نیست. این معنی قول پروردگار است: «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی» - . نجم / ۱ - ۴ - {سوگند به اختر [قرآن] چون فرود می آید [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی گوید این سخن به جز وحیی که وحی می شود نیست.} و خدای بزرگ به محمّد صلی اللّه علیه و آله فرمود: «قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنِی وَ بَیْنَکُمْ» - . انعام / ۵۸ - {بگو اگر آنچه را با شتاب خواستار آنید نزد من بود، قطعا میان من و شما کار به انجام رسیده بود.} فرمود: اگر امر شده بودم که به شما خبر دهم آنچه را که از عجله‌تان نسبت به مرگ من در سینه‌هایتان پنهان کرده اید، هر آینه ستم روا می داشتید به اهل بیتم پس از من. پس مثل شما، مانند این فرموده خدا است: «کَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ ناراً فَلَمَّا أَضاءَتْ ما حَوْلَهُ» - . بقره / ۱۷ -

{همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند و چون پیرامون آنان را روشنایی داد.} می فرماید: خداوند زمین را به نور محمّد روشن کرد، همان طور که خورشید روشنی می بخشد. خداوند مثل محمّد را به خورشید زده و مثل وصی را به ماه زده و این است. معنی فرمایش خدا که «جَعَلَ الشَّمْسَ ضِیاءً وَ الْقَمَرَ نُوراً» - . یونس / ۵ - {اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد.} و این آیه «وَ آیَهٌ لَهُمُ اللَّیْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ» - . یس / ۳۷ - {و نشانه ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند.} و این آیه «ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَکَهُمْ فِی ظُلُماتٍ لا یُبْصِرُونَ» - . بقره / ۱۷ -

{خدا نورشان را برد و در میان تاریکی هایی که نمی بینند رهایشان کرد}، یعنی محمّد از دنیا رفت و ظلمت هویدا شد. پس ندیدند فضل اهل بیتش را. این آیه اشاره به همان است: «وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَی الْهُدی لا یَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ یَنْظُرُونَ إِلَیْکَ وَ هُمْ لا یُبْصِرُونَ» - . اعراف / ۱۹۸ - {و اگر آنها را به [راه] هدایت فرا خوانید، نمی شنوند و آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند.} سپس پیامبر اکرم علمی را که داشت به وصی سپرد. این آیه همان مطلب است: «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ

الْأَرْضِ.» می فرمایـد: من هادی آسـمان‌ها و زمینم. مثل علمی که به من داده شـد و آن نور من است که به وسـیله آن راهنمایی می‌شونـد، ماننـد مشـکات است که در آن مصـباح است. پس مشـکات قلب محمّـد است و مصـباح نوری است که علم در آن است. این قسـمت آیه «الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ» می فرماید: من تصمیم دارم تو را قبض روح کنم. آنچه را که در نزد تو است، نزد وصـی قرار بده، همان طور که مصـباح در شـیشه گذاشته می‌شود. «کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ» به آنها اعلام کن فضل وصی را، «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ» اصـل شـجره مبـارکه ابراهیم است و آن همین آیه است که می فرمایـد: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ» - . هود / ۷۳ - {رحمت خدا و برکات او بر شـما خاندان [رسالت] باد بی گمان او سـتوده ای بزرگوار است.} و این آیه شـریفه: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ * ذُرِّیَّهً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» - . آل عمران / ۳۳ - ۳۴ - {به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است فرزنـدانی که بعضـی از آنان از [نسل] بعضـی دیگرند و خداوند شـنوای داناست.} «لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ» می فرماید: شمـا یهودی نیستیـد که به جـانب مغرب نمـاز بخوانیـد و نه نصـرانی که به جانب مشـرق، و شـما بر ملت ابراهیم صلّی الله علیه هستید. خداوند در این آیه فرمود: «ما کانَ إِبْراهِیمُ یَهُودِیًّا وَ لا نَصْرانِیًّا وَ لکِنْ کانَ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ» - . آل عمران / ۶۷ - {ابراهیم نه یهودی بود و نه نصـرانی، بلکه حق گرایی فرمانبردار بود و از مشرکان نبود.} این قسمت آیه که می فرماید: «یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ.» می فرماید: مثل فرزندانی که از شـما به وجود می‌آیند، مانند روغن زیتون است که از زیتون گرفته شده. «یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ.» می فرماید: نزدیک است که سخن به نبوت کنند، گرچه بر آنها ملکی نازل نشده باشد. - . روضه کافی : ۳۷۹ - ۳۸۱ -

**[ترجمه]

«۳۹»

نی، الغیبه للنعمـانی الْکُلَیْنِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْعَبْدِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام إِنِّی أُخَالِطُ النَّاسَ فَیَکْثُرُ عَجَبِی مِنْ أَقْوَامٍ لَا یَتَوَلَّوْنَکُمْ وَ یَتَوَلَّوْنَ فُلَاناً وَ فُلَاناً لَهُمْ أَمَانَهٌ وَ صِدْقٌ وَ وَفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ یَتَوَلَّوْنَکُمْ لَیْسَ لَهُمْ تِلْکَ الْأَمَانَهُ وَ لَا الْوَفَاءُ وَ لَا الصِّدْقُ قَالَ

۱- فی المصحف الشریف: یوقد.

۲- هود: ۷۳.

۳- آل عمران: ۳۳ و ۳۴.

۴- آل عمران: ۶۷.

۵- روضه الکافی: ۳۷۹- ۳۸۱. فیه: کمثل الزیت.

فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَالِساً وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ لَا عَتْبَ عَلَى مَنْ دَانَ بِوَلَايَةِ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قُلْتُ لَا دِينَ لِأُولَئِكَ وَ لَا عَتْبَ عَلَى هَؤُلَاءِ (۱) ثُمَّ قَالَ أَ لَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ مِنْ ظُلُمَاتِ (۲) الذُّنُوبِ إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ أَوِ الْمَغْفِرَةِ لِوَلَايَتِهِمْ كُلَّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ قَالَ (۳) وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ فَأَيُّ نُورٍ يَكُونُ لِلْكَافِرِ فَيَخْرُجُ مِنْهُ إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الْإِسْلَامِ فَلَمَّا تَوَالَوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَرَجُوا بِوَلَايَتِهِمْ إِيَّاهُمْ مِنْ نُورِ الْإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الْكُفْرِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الْكُفَّارِ فَقَالَ أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ (۴).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: ابن ابی یعفور گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: من با مردم رفت و آمد دارم. خیلی تعجب می کنم از اقوامی که شما را دوست نمی‌دارند و فلانی و فلانی را دوست می‌دارند، اما امانتدار، راستگو و با وفایند و اقوامی که شما را دوست می دارند، این امانتداری و وفا و راستگویی را ندارند. گفت: امام علیه السّلام راست نشست، مانند شخص خشمگین روی به من کرد و سپس فرمود: دین ندارد کسی که به ولایت امام ستمگری که از سوی خدا نیست، معتقد شده است، و ملامت و سرزنشی نیست بر کسی که معتقد است به ولایت امام عادلی که از جانب خداست. گفتم: آنها دین ندارند و این ها را جای سرزنش نیست؟! سپس فرمود: مگر نشنیده ای قول خدای عزوجل را که می فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ»، از تاریکی های گناهان به نور توبه یا مغفرت به واسطه ولایت ایشان نسبت به هر امام عادلی که از جانب خدا است. فرمود: «وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِياؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُماتِ»، کافر چه نوری دارد که از آن خارج شود. منظور از این آن است که آنها بر نور اسلام بودند. پس چون دوست داشتند هر امام ستمگری را که از جانب خدا نبود، با این دوست داشتنشان آنها را از نور اسلام به ظلمات کفر خارج شدند. پس خدا آتش را برای آنها با کفار واجب نمود. پس فرمود: «أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ» - . بقره / ۲۵۷ - {آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.} - . غیبت نعمانی: ۶۵ -

**[ترجمه]

بيان

العجب بالتحريك التعجب و العتب بالفتح الغضب و الملامه و بالتحريك الأمر الكريه و الشده و لعل المعنى لا عتب عليهم يوجب خلودهم فی النار أو العذاب الشديد أو عدم استحقاق المغفره و ربما يحمل المؤمنون على غير المصرين على الكبائر من ظلمات الذنوب كأنه عليه السلام استدل بأنه تعالى لما قال آمَنُوا بصيغه الماضي و يُخْرِجُهُمْ بصيغه المستقبل دل على أنه ليس المراد الخروج من الإيمان فإنه كان ثابتا و لما كان الظُّلُماتِ جمعا معرفا باللام مفيدا للعموم يشمل الذنوب كما يشمل الجهالات فإما أن يوفقهم للتوبه فيتوب عليهم أو يغفر لهم بغير توبه أن ماتوا كذلك و يحتمل التخصيص بالأول لكنه بعيد عن السياق.

كانوا على نور الإسلام أی على فطره الإسلام فإن

كل مولود يولد على الفطره.

أو الآیه فی قوم کانوا علی الإسلام قبل وفاه الرسول فارتدوا بعده باتباع

۱- زاد فی نسخه من المصدر: فقال: نعم لا دین لاولئک و لا عتب علی هؤلاء، ثمّ قال الا سمعت:

۲- یعنی من ظلمات الذنوب.

۳- فی المصدر: لولایتهم کل امام عادل: ثم قال.

۴- عیبه النعمانیّ: ۶۵.

الطواغیت و أئمه الضلال و هو الظاهر فاستدل علیه السلام علی کونها نازله فیهم بأنه لا بد من أن یکون لهم نور حتی یخرجوهم منه و القول بأن الإخراج قد یستعمل بالمنع عن شی ء و إن لم یدخلوا فیه تکلف فالآیه نازله فیهم کما اختاره مجاهد من المفسرین أیضا.

**[ترجمه]«العجب» به تحریک، یعنی تعجب و «العتب» با فتحه، یعنی غضب و سرزنش و به تحریک، یعنی کار زشت و شدت. و شاید معنی این است که ملامتی بر آنها نیست که موجب جاودانگی آنها در آتش یا عذاب شدید یا استحقاق مغفرت را نداشتن شود، و شاید مؤمنان بر غیر اصرار کنندگان بر کبائر از تاریکی‌های گناهان حمل شود، گویا امام علیه السّلام استدلال فرموده به اینکه خدا زمانی که فرمود «آمَنُوا» به صیغه ماضی و «یُخْرِجُهُمْ» به صیغه مضارع، دلالت کرد بر اینکه منظور خروج از ایمان نیست، زیرا آن ثابت بود و چون «الظُّلُماتِ» جمع معرفه به «ال» است که مفید عموم بود، شامل گناهان می‌شود، همان طور که جهالت‌ها را نیز شامل می‌شود پس یا آنها را بر توبه موفق می‌نماید پس توبه‌شان را می‌پذیرد، یا آنها را بدون توبه می‌آمرزد، اگر این گونه مردند. و محتمل است مخصوص اولی باشد، ولی از سیاق بعید است. «کانوا علی نور الإسلام» یعنی بر فطرت اسلام، زیرا هر مولودی بر فطرت متولد می‌شود. یا آیه درباره قومی است که قبل از وفات پیامبر مسلمان بودند و پس از او به واسطه پیروی از طاغوت‌ها و ائمه گمراهی مرتد شدند و این ظاهر است. پس امام علیه السّلام بر اینکه آیه درباره آنها نازل شده است، استدلال کرد به اینکه چاره‌ای نیست جز اینکه برای آنها نوری باشد تا آنها را از آن خارج کنند. و قول به اینکه «إخراج» گاهی به معنی منع از چیزی استعمال می شود، اگرچه داخل نشدند، در آن تکلف است. پس آیه درباره ایشان نازل شده، همان طور که مجاهد از مفسران نیز آن را اختیار کرده است.

**[ترجمه]

«۴۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ قَالَ حَدَّثَ أَصْحَابُنَا أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام کَتَبَ إِلَی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ لِی عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام (۱) إِنَّ مَثَلَنَا فِی کِتَابِ اللَّهِ کَمَثَلِ الْمِشْکَاهِ وَ الْمِشْکَاهُ فِی الْقِنْدِیلِ فَنَحْنُ الْمِشْکَاهُ فِیها مِصْباحٌ وَ الْمِصْبَاحُ مُحَمَّدٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ نَحْنُ الزُّجَاجَهُ تُوقَدُ (۲) مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ عَلِیٍّ زَیْتُونَهٍ مَعْرُوفَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ لَا مُنْکَرَهٍ وَ لَا دَعِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ الْقُرْآنُ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ بِأَنْ یَهْدِیَ مَنْ أَحَبَّ إِلَی وَلَایَتِنَا (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: یونس گفت: اصحاب ما نقل کردند که حضرت ابوالحسن علیه السّلام به عبدالله بن جندب نوشت: علی بن الحسین علیهما السّلام به من فرمود: مثل ما در کتاب خدا، مثل مشکات است و مشکات در قندیل است. پس ما مشکاتیم. «فِیهَا مِصْبَاحٌ» و «مصباح» محمّد است، «الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَهٍ» ما «زجاجه» هستیم، «یُوقَدُ مِن شَجَرَهٍ مُّبَارَکَهٍ» علی است، «زَیْتُونِهٍ» شناخته شده، «لَّا شَرْقِیَّهٍ وَ لَا غَرْبِیَّهٍ» نه انکار شده و نه متهم در نسب، «یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ» قرآن، «عَلَی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَن یَشَاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ» به اینکه هر کس را که دوست دارد، به ولایت ما هدایت کند. - . کنز الفوائد: ۱۸۴ -

**[ترجمه]

بیان

هذه الأخبار مبنیه علی کون المراد بالمشکاه الأنبوبه فی وسط القندیل و المصباح الفتیله المشتعله.

**[ترجمه]این اخبار مبنی بر این است که منظور از «مشکاه»، لوله وسط چراغ باشد و منظور از «مصباح»، فتیله شعله ور شده.

**[ترجمه]

«۴۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ فَقَالَ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا بَنُو أُمَیَّهَ أَعْمالُهُمْ کَسَرابٍ بِقِیعَهٍ یَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ ماءً وَ الظَّمْآنُ نَعْثَلٌ فَیَنْطَلِقُ بِهِمْ فَیَقُولُ أُورِدُکُمُ الْمَاءَ حَتَّی إِذا جاءَهُ لَمْ یَجِدْهُ شَیْئاً وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسابَهُ وَ اللَّهُ سَرِیعُ الْحِسابِ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره این آیه پرسیدم. پس فرمود: «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا.» فرمود: بنی امیه هستند. «أَعْمالُهُمْ کَسَرابٍ بِقِیعَهٍ یَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ ماءً» و «ظمآن» عثمان است که آنها را به جانب سراب می برد، پس می گوید شما را به آب وارد می کنم. «حَتَّی إِذا جاءَهُ لَمْ یَجِدْهُ شَیْئاً وَ وَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسابَهُ وَ اللَّهُ سَرِیعُ الْحِسابِ» - . نور / ۳۹ - {و کسانی که کفر ورزیدند کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه آن را آبی می پندارد تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است.} - . کنز الفوائد: ۱۸۶ -

**[ترجمه]

«۴۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ کَظُلُماتٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشاهُ مَوْجٌ

۱- الصحیح کما فی المصدر: قال: قال علیّ بن الحسین علیه السلام.

۲- هکذا فی الکتاب و مصدره: و فی المصحف الشریف: یوقد.

۳- کنز جامع الفوائد: ۱۸۴.

۴- کنز جامع الفوائد: ۱۸۶.

مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ (١) قالَ أَصْحابُ الْجَمَلِ وَ صِفِّينَ وَ النَّهْرَوَانِ مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ قَالَ بَنُو أَمَيَّهَ إِذا أَخْرَجَ يَدَهُ يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي ظُلُمَاتِهِمْ لَمْ يَكَدْ يَراها أَيْ إِذَا نَطَقَ بِالْحِكْمَهِ بَيْنَهُمْ لَمْ يَقْبَلْهَا مِنْهُ أَحَدٌ إِلَّا مَنْ أَقَرَّ بِوَلَايَتِهِ ثُمَّ بِإِمَامَتِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ أَيْ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ إِمَاماً فِي الدُّنْيَا فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَهِ مِنْ نُورٍ إِمَامٍ يُرْشِدُهُ وَ يَتَّبِعُهُ إِلَى الْجَنَّهِ (٢).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حکم بن حمران گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به این آیه پرسیدم: «أَوْ كَظُلُماتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ.» فرمود: آنها اصحاب جنگ جمل و صفین و نهروانند. «مِنْ فَوْقِهِ سَحابٌ ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ.» فرمود: بنی امیه هستند. «إِذا أَخْرَجَ يَدَهُ.» یعنی امیرالمؤمنین در ظلمات آنها، «لَمْ يَكَدْ يَراها»، یعنی وقتی بین آنها به حکمت سخن گوید، هیچ کس آن را از او نمی پذیرد، مگر کسی که اقرار به ولایت و سپس به امامتش دارد. «وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُوراً فَما لَهُ مِنْ نُورٍ»، یعنی کسی که خدا برایش امامی در دنیا قرار نداده، در آخرت نوری ندارد، یعنی امامی که او راهنمایی کند و از پی او به بهشت برود، ندارد. - . کنز الفوائد: ۱۸۶ - ۱۸۷ -

**[ترجمه]

باب ۱۹ رفعه بیوتهم المقدسه فی حیاتهم و بعد وفاتهم علیهم السلام و أنها المساجد المشرفه

الأخبار

«۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَابُوسِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ نُفَيْعِ بْنِ الْحَارِثِ (٣) عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ وَ عَنْ بُرَيْدَهَ قَالا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَيُّ بُيُوتٍ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا وَ أَشَارَ إِلَى بَيْتِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَهَ عليهما السلام قَالَ نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِهَا (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: انس بن مالک و بریده گفتند: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله این آیه را خواند: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» - . نور / ۳۶ - {در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شو،د در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.} مردی از جای خود به سوی او حرکت کرد و گفت: این کدام خانه ها است یا رسول اللّه؟ فرمود: خانه های انبیاء. ابوبکر از جای خود به سوی او حرکت کرده گفت: یا رسول اللّه! این خانه از آنها است؟ و اشاره کرد به خانه علی و فاطمه علیهما السلام. فرمود: آری، از بهترین آن خانه ها است. - . کنز الفوائد: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

«۲»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ

۱- هذا و امثاله أمثال كليات فى القرآن ينطبق فى كل عصر على افراد، فكان ينطبق فى آونه على أصحاب الجمل و صفّين و النهروان، و فى آونه اخرى على غيرهم، فلا ينافى هذا ما تقدم من تطبيقه على غيرهم.

۲- كنز جامع الفوائد: ۱۸۶ و ۱۸۷.

۳- هو نفيع بن الحارث بن كلده بن عمرو الثقفى أبو بكره صحابى مشهور بكنيه، اسلم بطائف ثمّ نزل البصره و مات بها سنه احدى او اثنتين و خمسين.

۴- كنز جامع الفوائد: ۱۸۵.

فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ قَالَ بُیُوتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ بُیُوتُ عَلِیٍّ علیه السلام مِنْهَا (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن فضیل گفت: از حضرت ابوالحسن علیه السّلام راجع به آیه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» پرسیدم. فرمود: خانه های محمّد رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله است، بعد خانه های علی نیز از آنها است. - . کنز الفوائد: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

«۳»

فض، کتاب الروضه عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: کُنْتُ فِی مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ قَرَأَ الْقَارِی فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ الْآیَهَ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْبُیُوتُ فَقَالَ بُیُوتُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی مَنْزِلِ فَاطِمَهَ علیها السلام (۲).

**[ترجمه]کتاب الروضه: ابن عباس گفت: در مسجد رسول خدا بودم و قاری آیه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» را خواند تا آخر آیه. عرض کردم: یا رسول الله! کدام خانه‌ها است؟ فرمود: خانه‌های انبیا. و با دستش به منزل فاطمه اشاره کرد. - . الروضه : ۱۲۲ -

**[ترجمه]

«۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ قَالَ حَدَّثَنَا الْإِمَامُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ علیهم السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ رِجالٌ قَالَ بُیُوتُ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بَیْتُ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ حَمْزَهَ وَ جَعْفَرٍ علیهم السلام قُلْتُ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ قَالَ الصَّلَاهُ فِی أَوْقَاتِهَا قَالَ ثُمَّ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِیتاءِ الزَّکاهِ یَخافُونَ یَوْماً تَتَقَلَّبُ فِیهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ قَالَ هُمُ الرِّجَالُ لَمْ یَخْلِطِ اللَّهُ مَعَهُمْ غَیْرَهُمْ ثُمَّ قَالَ لِیَجْزِیَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ یَزِیدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ قَالَ مَا اخْتَصَّهُمْ بِهِ مِنَ الْمَوَدَّهِ وَ الطَّاعَهِ الْمَفْرُوضَهِ وَ صَیَّرَ مَأْوَاهُمُ الْجَنَّهَ وَ اللَّهُ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود گفت: موسی بن جعفر علیهما السّلام از پدر خود درباره آیه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ رِجالٌ» برای ما نقل فرمود که خانه های آل محمّد خانه علی و فاطمه و حسن و حسین و حمزه و جعفر است. گفتم: «بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ.» فرمود: یعنی نماز در وقت های آن. فرمود: آنگاه خداوند آنها را توصیف کرد و فرمود: «رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ وَ إِیتاءِ الزَّکاهِ یَخافُونَ یَوْماً تَتَقَلَّبُ فِیهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ» - . نور / ۳۷ -

{مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دل ها و دیده ها در آن زیر و رو می شود می هراسند.} فرمود: آنها مردانی هستند که خدا دیگران را با ایشان داخل نکرد. سپس فرمود: «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ.» فرمود: منظور آنچه است که به آنها اختصاص داده، از مودت و اطاعت واجب شده، و جایگاه آنها را بهشت قرار داده است. «وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ» - . نور / ۳۸ - {تا خدا بهتر از آنچه انجام می دادند به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید و خدا[ست که] هر که را بخواهد بی حساب روزی می دهد.} - . کنز الفوائد: ۱۸۵ - ۱۸۶ -

**[ترجمه]

بیان

یحتمل أن یکون المراد بالبیوت فی الآیه البیوت المعنویه فإنه شائع بین العرب و العجم التعبیر عن الأنساب الکریمه و الأحساب الشریفه بالبیوت و أن یکون المراد بها البیوت الصوریه کبیوتهم علیهم السلام فی حیاتهم و روضاتهم المنوره بعد وفاتهم و المراد بالرجال إما الأئمه علیهم السلام أو خواص شیعتهم أو الأعم.

قال الطبرسی رحمه الله: فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ معناه هذه المشکاه فی بیوت هذه صفتها و هی المساجد فی قول ابن عباس و غیره

وَ يَعْضُدُهُ قَوْلُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله

ص: ۳۲۶

۱- کنز جامع الفوائد: ۱۸۵.

۲- الروضه: ۱۲۲. زاد فی هامش: و قال: انه منها.

۳- کنز جامع الفوائد: ۱۸۵ و ۱۸۶. و الآیه فی سوره النور: ۳۶- ۳۸.

الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ وَ هِیَ تُضِی ءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ کَمَا تُضِی ءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ.

و قیل هی بیوت الأنبیاء ثم أیده بما مر من روایه أنس ثم قال و یعضده قوله تعالی إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً (۱) و قوله رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ (۲) فالإذن برفع بیوت الأنبیاء و الأوصیاء مطلق و المراد بالرفع التعظیم و رفع القذر من الأرجاس و التطهیر من المعاصی و الأدناس و قیل المراد برفعها رفع الحوائج فیها إلی الله تعالی وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ أی یتلی فیها کتابه أو أسماؤه الحسنی یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ أی یصلی له فیها بالبکر و العشایا و قیل المراد بالتسبیح تنزیه الله سبحانه عما لا یجوز علیه و وصفه بالصفات التی یستحقها لذاته و أفعاله التی کلها حکمه و صواب ثم بین سبحانه المسبح فقال رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ أی لا تشغلهم و لا تصرفهم تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ

**[ترجمه]ممکن است منظور از «بیوت» در آیه، خانه‌های معنوی باشد، زیرا بین عرب و عجم شایع است که از نسب‌های کریمه و حسب‌های شریفه، تعبیر به بیوت می کنند. یا اینکه منظور از بیوت، خانه های ظاهری باشد، مانند منزل های ایشان در زمان حیاتشان یا روضه‌های منوره آنها پس از وفاتشان. و مراد از «رجال»، یا ائمه علیهم السّلام است یا خواص شیعه آنها و یا اعم. مرحوم طبرسی گفته است: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ» معنایش این است که این چراغ در خانه هایی است که این چنین صفتی دارند و آن مساجد است، بنا بر قول ابن عباس و غیر او که مؤید این قول، فرمایش پیامبر است که فرمود: مساجد بیوت خدا است در زمین و برای اهل آسمان این مساجد چنان می درخشند مانند ستاره ها که برای اهل زمین می درخشند. و گفته شده خانه های انبیاء است، بعد به روایت انس که قبلا ذکر شد، آن را تأیید نمود. سپس گفته است: این قول را آیه «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً» - . احزاب / ۳۳ -

{خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.} و آیه «رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ» - . هود / ۷۳ - {رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد} تأیید می کند. پس اذن به رفع بیوت انبیا و اوصیا مطلق است و مراد از «رفع»، تعظیم و برطرف نمودن ناپاکی از پلیدی‌ها است و پاکی از معصیت‌ها و کثافات است. و گفته شده است منظور از «رفع بیوت»، بالابردن حوائج در آنها به سوی خداست. «یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ» یعنی در آنجا کتاب خدا یا اسماء حسنای او خوانده می شود. «یُسَبِّحُ لَهُ فِیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» یعنی در آنجا صبح و شامگاهان برای او نماز خوانده می شود. و گفته شده مراد از «تسبیح»، تنزیه خداست از چیزهایی که جایز نیست به او نسبت دهند و توصیف او به صفاتی که شایسته اوست به خاطر ذات و افعالش که همه آنها حکمت و صواب است. سپس خداوند تسبیح کننده را توضیح داده که چه کسی است. «رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ.» پس فرمود: یعنی مشغول نمی کند و باز نمی دارد، «تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاهِ.»

**[ترجمه]

«۵»

وَ رُوِیَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیهما السلام أَنَّهُمْ قَوْمٌ إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاهُ تَرَکُوا التِّجَارَهَ وَ انْطَلَقُوا إِلَی الصَّلَاهِ وَ هُمْ أَعْظَمُ أَجْراً مِمَّنْ لَمْ یَتَّجِرْ (۳).

**[ترجمه]از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السّلام روایت شده است که آنها قومی هستند که موقع نماز، تجارت را رها کرده و به جانب نماز می روند. پاداش آنها بیشتر است از کسانی که مشغول تجارت هستند. - . مجمع البیان ۷ : ۱۴۴ - - ۱۴۵

**[ترجمه]

«۶»

فس، تفسیر القمی مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُنَخَّلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی فِی بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ قَالَ هِیَ بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْهَا (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فِی بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» نقل کرد که فرمود: آنها خانه‌های انبیا است و خانه علی از آنهاست. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۵۷ -

**[ترجمه]

«۷»

کا، الکافی مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانٍ عَنْ سَالِمٍ الْحَنَّاطِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فَأَخْرَجْنا مَنْ كانَ فِيها مِنَ

۱- الأحزاب: ۳۳.

۲- هود: ۷۳.

۳- مجمع البیان ۷: ۱۴۴، و ۱۴۵ فيه: ممن يتجر.

۴- تفسير القمّیّ: ۴۵۷.

الْمُؤْمِنِينَ فَما وَجَدْنا فِيها غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱) فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام آلُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله لَمْ یَبْقَ فِیهَا غَیْرُهُمْ (۲).

قب، المناقب لابن شهرآشوب عن سالم مثله (۳)

**[ترجمه]اصول کافی: سالم حناط گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فَأَخْرَجْنا مَنْ کانَ فِیها مِنَ الْمُؤْمِنِینَ * فَما وَجَدْنا فِیها غَیْرَ بَیْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِینَ» - . ذاریات / ۳۵ - ۳۶ -

{پس هر که از مؤمنان در آن [شهرها] بود بیرون بردیم و[لی] در آنجا جز یک خانه از فرمانبران [خدا بیشتر] نیافتیم} سؤال کردم. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: آل محمّد صلی اللّه علیه و آله هستند که در آن، دیگری با آنها باقی نماند. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۵ -

مناقب ابن شهر آشوب: از سالم همین روایت را نقل کرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۸۶ -

**[ترجمه]

بيان

كان الضمير على هذا التأويل راجع إلى المدينه و هو إشاره إلى خروج أمير المؤمنين و أهل بيته عليهم السلام منها إلى الكوفه أو المعنى أن المدينه و خروج على عليه السلام منها كانت شبيهه بقريه لوط و خروجه منها إذ لما أراد الله إهلاكهم أخرجه منها فكذا لما أراد أن يشمل أهل المدينه بسخطه لكفرهم و ضلالتهم أخرج أمير المؤمنين عليه السلام و أهل بيته منها فشملهم من البلايا الصوريه و المعنويه أصنافها.

**[ترجمه]گویا ضمیر بنا بر این تأویل به مدینه برمی‌گردد و آن اشاره است به خروج امیرالمؤمنین و اهل بیتش علیهم السّلام از مدینه به کوفه. یا معنی این است که مدینه و خروج علی علیه السّلام از آنجا شبیه قریه لوط و خروج لوط است از آن، زیرا موقعی که خدا تصمیم به هلاکت آنها گرفت، لوط را خارج کرد. همین طور موقعی که خداوند به واسطه کفر و گمراهیشان اراده خشم بر مردم مدینه گرفت، امیرالمؤمنین و خاندانش را از آنجا خارج نمود و انواع بلاهای ظاهری و باطنی را شامل مردم مدینه کرد.

**[ترجمه]

«۸»

ل، الخصال ابْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ الْبُيُوتَاتِ أَرْبَعَةً فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ الْخَبَرَ (۴).

**[ترجمه]خصال: موسی بن بکر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام نقل کرد که فرمود: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: خداوند از میان خانه‌ها چهار خانه را انتخاب کرد. پس فرمود: «إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِیمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَی الْعالَمِینَ» - . آل عمران / ۳۳ - {به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است} تا آخر خبر. - . خصال ۱ : ۱۰۷ -

**[ترجمه]

«۹»

ج، الإحتجاج عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَجَاءَ ابْنُ الْکَوَّاءِ فَقَالَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (۵) لَیسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها وَ قَالَ علیه السلام (۶) نَحْنُ الْبُیُوتُ الَّتِی أَمَرَ اللَّهُ أَنْ یُؤْتَی مِنْ أَبْوَابِهَا وَ نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ بُیُوتُهُ الَّتِی یُؤْتَی مِنْهُ فَمَنْ بَایَعَنَا (۷) وَ أَقَرَّ بِوَلَایَتِنَا فَقَدْ أَتَی الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ مَنْ خَالَفَنَا وَ فَضَّلَ عَلَیْنَا غَیْرَنَا

ص: ۳۲۸

۱- الذاریات: ۳۵ و ۳۶.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۲۵.

۳- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۸۶.

۴- الخصال ۱: ۱۰۷. و الآیه فی سوره آل عمران: ۳۳.

۵- فی المصدر: من البیوت فی قول اللّه عزّ و جلّ؟.

۶- فی المصدر: قال علیّ علیه السلام.

۷- فی المصدر: فمن تابعنا.

فَقَدْ أَتَى الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا (۱).

**[ترجمه]احتجاج: ابن نباته گفت: خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السّلام نشسته بودم که ابن کوّاء آمد و گفت: یا امیرالمؤمنین! معنی این آیه چیست «لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقى وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوابِها» - . بقره / ۱۸۹ - {نیکی آن نیست که از پشت خانه ها درآیید بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه ها از در [ورودی] آنها درآیید}؟ امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: ما آن خانه هایی هستیم که خداوند دستور داده از در آنها وارد شوند. ما باب اللّه و بیوت او هستیم که از در این ها وارد گردانده می‌شوند. پس هر کس که با ما بیعت کند و اقرار به ولایت ما نماید، از در آنها وارد خانه‌ها شده و هر کس با ما مخالفت ورزد و غیر ما را بر ما مقدم دارد، از پشت وارد خانه شده است. - . احتجاج: ۱۲۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

کا، الکافی الْعِدَّةُ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: أَتَى قَتَادَةُ (۲) بْنُ دِعَامَةَ الْبَصْرِيُّ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ علیه السلام لَهُ أَنْتَ فَقِيهُ أَهْلِ الْبَصْرَةِ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام وَيْحَكَ يَا قَتَادَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ خَلْقاً مِنْ خَلْقِهِ فَجَعَلَهُمْ حُجَجاً عَلَى خَلْقِهِ فَهُمْ أَوْتَادٌ فِي أَرْضِهِ قُوَّامٌ بِأَمْرِهِ نُجَبَاءُ فِي عِلْمِهِ اصْطَفَاهُمْ قَبْلَ خَلْقِهِ أَظِلَّةً عَنْ يَمِينِ عَرْشِهِ قَالَ فَسَكَتَ قَتَادَةُ طَوِيلًا ثُمَّ قَالَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ اللَّهِ لَقَدْ جَلَسْتُ بَيْنَ يَدَيِ الْفُقَهَاءِ وَ قُدَّامَ ابْنِ عَبَّاسٍ فَمَا اضْطَرَبَ قَلْبِي قُدَّامَ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا اضْطَرَبَ قُدَّامَكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام أَ تَدْرِي أَيْنَ أَنْتَ بَيْنَ يَدَيْ بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ رِجالٌ لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِيتاءِ الزَّكاةِ فَأَنْتَ ثَمَّ وَ نَحْنُ أُولَئِكَ فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ صَدَقْتَ وَ اللَّهِ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ وَ اللَّهِ مَا هِيَ بُيُوتُ حِجَارَةٍ وَ لَا طِينٍ (۳).

أقول: الخبر طويل أخذنا منه موضع الحاجه و تمامه فی كتاب الاحتجاجات من هذا الكتاب.

**[ترجمه]فروع کافی: ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که قتاده بن دعامه بصری خدمت حضرت باقر علیه السّلام آمد. امام به او فرمود: تو فقیه اهل بصره ای؟ جواب داد: آری. فرمود: وای بر تو ای قتاده! خداوند خلقی از خلقش را آفرید، پس آنها را حجت بر خلقش قرار داد. پس آنها اوتاد در زمینش هستند و به پا دارنده امر او و برجستگان دانش او. قبل از آفرینش، آنها را به صورت سایه ای در طرف راست عرشش برگزید. گفت: قتاده مدتی طولانی سکوت کرد، آنگاه گفت: خدا خیرخواه تو باشد! سوگند به پروردگار که من در خدمت فقها و جلوی ابن عباس نشستم. آنچنان که در خدمت شما مضطرب شدم، پیش هیچ کس از آنها قلبم مضطرب نشد. حضرت باقر به او فرمود: می دانی کجا هستی؟ در مقابل آن بیوتی قرار گرفته ای [که فرمود:] {خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند، مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد.} پس تو در چنین جایی هستی و ما نیز آن مردانیم. قتاده به او گفت: به خدا سوگند راست گفتی، خدا مرا فدایت کند! به خدا سوگند این خانه ها خانه های ساخته شده از سنگ و گل نیست. - . فروع

کافی ۲ : ۱۵۴ -

مؤلف: خبر طولانی بود که ما از آن، قسمتی را که به آن احتیاج داشتیم، آوردیم و تمام آن در «کتاب الاحتجاجات» از این کتاب آورده ایم.

**[ترجمه]

«۱۱»

فس، تفسیر القمی أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً إِنَّمَا هِیَ یَعْنِی الْوَلَایَهَ مَنْ دَخَلَ فِیهَا دَخَلَ بُیُوتَ الْأَنْبِیَاءِ (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: محمّد حلبی نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً» - . نوح / ۲۸ - {پروردگارا بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید ببخشای} فرمود: این خانه یعنی ولایت. هر کس داخل در آن شد، داخل در بیوت انبیاء شده است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۹۸ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المعنی أن المراد بالبیت البیت المعنوی کما مر و بیوت الأنبیاء کلها بیت واحد هی بیت العز و الشرف و الکرامه و الإسلام فمن تولاهم فقد دخل بیوتهم و لحق بهم فأهل الولایه من الشیعه داخلون فی هذا البیت و یشملهم دعاء نوح علیه السلام.

ص: ۳۲۹

۱- احتجاج الطبرسیّ: ۱۲۱. و الآیه فی البقره: ۱۸۱.
۲- احد الأئمّه الاعلام من أهل السنه، احتج به أرباب الصحاح، مات فی ۱۱۷.
۳- فروع الکافی ۲: ۱۵۴ فیه: ویحک أ تدری أین انت؟ انت بین یدی.
۴- تفسیر القمّیّ: ۶۹۸ فیه: انما یعنی و فیه: دخل فی بیوت الأنبیاء.

و قال الطبرسی رحمه الله فی قوله تعالی: وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ أی دخل داری و قیل مسجدی و قیل سفینتی و قیل یرید بیت محمد صلی الله علیه و آله وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ عامه و قیل من أمه محمد صلی الله علیه و آله (۱).

**[ترجمه]شاید معنی این است که منظور از «بیت»، بیت معنوی است، چنان چه گذشت و بیوت انبیا همه یک بیت است که همان بیت عزت و شرف و کرامت و اسلام است. پس هر کس ولایت ایشان را بپذیرد، داخل در بیوت آنها شده و به ایشان ملحق شده است. پس اهل ولایت از شیعه، داخل در این بیت هستند و دعای نوح شامل آنها می‌شود. و مرحوم طبرسی درباره آیه «وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ» گفته: یعنی وارد خانه من شده و گفته شده مسجدم و گفته شده کشتی من و گفته شده منظور بیت محمّد صلی اللّه علیه و آله است. «وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ» یعنی عموم پیروان انبیاء و گفته شده از امت محمّد صلی اللّه علیه و آله است. - . مجمع البیان ۱۰ : ۳۶۵ -

**[ترجمه]

«۱۲»

کا، الکافی الْعِدَّةُ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً يَعْنِي الْوَلَايَةَ مَنْ دَخَلَ فِي الْوَلَايَةِ دَخَلَ فِي بَيْتِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَوْلِهِ إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً يَعْنِي الْأَئِمَّةَ علیهم السلام وَ وَلَايَتَهُمْ مَنْ دَخَلَ فِيهَا دَخَلَ فِي بَيْتِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله (۲).

**[ترجمه]اصول کافی: محمد حلبی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً» فرمود: یعنی ولایت. هر کس داخل در ولایت شد، داخل در بیت انبیاء شده. و فرمایش خدا «إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» یعنی، ائمه و ولایت آنها؛ هر کس داخل در آن شد، داخل در بیت پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله شده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۳ -

**[ترجمه]

بيان

لعل المراد فی تأویل الآیه الثانیه ذکر نظیر لکون المراد بالبیت البیت المعنوی فإن المراد بها بیت الخلافه لا أن من دخل فیها یکون من أهل البیت فإنه فرق بین الداخل فی البیت و بین من یکون من أهله علی أنه یحتمل أن یکون هذا بطنا من بطون الآیه و علی هذا البطن یکون أهل هذا البیت منزهین عن رجس الکفر و الشرک و إن کان بعضهم مخصوصین بالعصمه من سائر الذنوب و الله یعلم.

**[ترجمه]شاید مراد در تأویل آیه دوم، ذکر نمونه‌ای است بر اینکه منظور از بیت، بیت معنوی است که مراد بیت خلافت باشد، نه هر کس که داخل در ولایت شد، جزو اهل بیت است، زیرا فرق است بین کسی که وارد خانه ای می شود و بین

کسی که از اهل آن خانه است، بنا بر اینکه ممکن است این یکی از بطون آیه باشد و بنا بر این بطن، اهل این بیت، از پلیدی کفر و شرک منزه می‌باشند و اگر چه عصمت از سایر گناهان نیز مختص بعضی از آنها باشد. و الله یعلم.

**[ترجمه]

«۱۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ قَالَ هُمُ الْأَوْصِیَاءُ (۳).

کا، الکافی العده عن أحمد بن محمد عن محمد بن إسماعیل عن محمد بن الفضیل مثله (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن فضیل از حضرت ابوالحسن علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ» فرمود: اینها اوصیاء هستند. - . کنز الفوائد: ۳۵۶ -

اصول کافی: از محمد بن فضیل همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۵ -

**[ترجمه]

«۱۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی بَکْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ

۱- مجمع البیان ۱۰: ۳۶۵ و الآیه فی سوره نوح: ۲۸.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۲۳ و الآیه الأولی فی سوره نوح: ۲۸ و الثانیه فی الأحزاب: ۳۳.

۳- کنز الفوائد: ۳۵۶. و الآیه فی سوره الجن: ۱۸.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۲۵.

فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً قَالَ سَمِعْتُ أَبِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام یَقُولُ هُمُ الْأَوْصِیَاءُ وَ الْأَئِمَّهُ مِنَّا وَاحِداً فَوَاحِداً فَلَا تَدْعُوا إِلَی غَیْرِهِمْ فَتَکُونُوا کَمَنْ دَعَا مَعَ اللَّهِ أَحَداً هَکَذَا نَزَلَتْ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود نجار از موسی بن جعفر علیهما السّلام درباره آیه «وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً» - . جن / ۱۸ - {و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید} نقل کرد که فرمود: از پدرم جعفر بن محمّد علیهما السّلام شنیدم که می فرمود: آنها اوصیا و ائمه از ما، یکی پس از دیگری هستند. به سوی غیر آنها دعوت نکنید که در این صورت مثل کسانی می‌شوید که با خدا کس دیگری خوانده است، این گونه نازل شده است. - . کنز الفوائد: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۱۵»

فس، تفسیر القمی أَبِی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام فِی قَوْلِهِ وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً قَالَ الْمَسَاجِدُ الْأَئِمَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: پدرم از حسین بن خالد، از حضرت رضا علیه السّلام درباره آیه «وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً» نقل کرد که فرمود: مساجد، ائمه صلوات الله علیهم هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۰۰ -

**[ترجمه]

بیان

اختلف فی المساجد المذکوره فی الآیه الکریمه فقیل المراد بها المواضع التی بنیت للعباده و قد دل علیه بعض أخبارنا و

قیل هی المساجد السبعه کما روی عن أبی جعفر الثانی علیه السلام.

و غیره و قیل هی الصلوات و أما التأویل الوارد فی تلک الأخبار فیحتمل وجهین الأول أن یکون المراد بها بیوتهم و مشاهدهم فإن الله تعالی جعلها محلا للسجود أی الخضوع و التذلل و الإطاعه فیقدر مضاف فی الأخبار و علی هذا الوجه یحتمل التعمیم بحیث یشمل سائر البقاع المشرفه و یکون ذکر هذا الفرد لبیان أشرف أفرادها و الثانی أن یکون المراد بها الأئمه بأن یکون المراد بالبیوت البیوت المعنویه کما مر أو لکونهم أهل المساجد حقیقه علی تقدیر مضاف فی الآیه و الأول أظهر (۳).

**[ترجمه]در معنی «مساجد» که در آیه شریفه است اختلاف شده و گفته شده که منظور محل هایی است که برای عبادت ساخته شده و بعضی از اخبار ما شاهد آن است. و گفته شده که مراد، مساجد هفت گانه است، همان طور که از حضرت جواد علیه السّلام و غیر ایشان نیز نقل شده است. و گفته شده منظور نمازها است. اما تأویلی که در این اخبار وارد شده، دو وجه در آنها است: اول: اینکه منظور از مساجد، خانه های ائمه و مشاهدشان باشد، زیرا خداوند آنجا را محل سجده قرار داد، یعنی

خضوع و تـذلّل و اطـاعت. پس مضـافی در اخبـار در تقـدیر است و بنا بر این وجه، احتمال تعمیم نیز وجود دارد، به طوری که شامـل سایر بقاع مشـرفه می‌شود. و ذکر این فرد برای بیان شـریف‌ترین فرد از افراد بقاع است. دوم: منظور از آن، ائمه باشـد به اینکه همـان طور که گـذشت، منظور از «بیوت»، بیوت معنوی باشـد یـا به این جهت که آنهـا واقعا اهل مساجدنـد بنا بر تقـدیر مضاف در آیه و اولی اظهر است.

**[ترجمه]

«۱۶»

شی، تفسـیر العیاشـی عَنِ الْحُسَـیْنِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ وَ أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْـجِدٍ قَالَ یَعْنِی الْأَئِمَّهَ (۴).

**[ترجمه]تفسـیر عیاشـی: حسـین بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ أَقِیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» - . اعراف / ۲۹ -

{و [اینکه] در هر مسـجدی روی خود را مسـتقیم [به سوی قبله] کنید} فرمود: یعنی ائمه علیهم السّلام. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۲ -

**[ترجمه]

بیان

یحتمـل أن یکون المعنی أن المراد بالمسـجد بیوت الأـئمه و یکون أمرا بإتیـانهم و إطـاعتهم أو أن المراد بالمسـجد الأئمه لأنهم أهل المساجد حقیقه أو

ص: ۳۳۱

۱- کنز الفوائد: ۳۵۶ قوله: هکذا نزلت، أی أراد اللّه ذلک من الآیه، و منه و ممّا تقدم فی الباب السابق یعلم ان ذلک کان تعبیرا شائعا فی لسان الأئمّه علیهم السـلام، فما توهم بعض أصـحابنا الاخباریین من أن هـذه الروایات تدلّ علی التحریف توهم فی غیر محله.

۲- تفسیر القمّیّ: ۷۰۰.

۳- و لعلّ الثانی أظهر، یؤید ذلک قوله: فلا تدعوا الی غیرهم.

۴- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۱۲. و الآیه فی سوره الأعراف: ۲۹.

لأنهم الذين أمر الله تعالى بالخضوع عندهم و الانقیاد لهم (۱).

**[ترجمه]شاید معنی این باشد که مراد از «مسجد»، بیوت ائمه علیهم السّلام است و دستور به آمدن نزد آنها و اطاعت از ایشان می‌باشد. یا مراد از مسجد، خود ائمه باشد، زیرا آنها واقعا اهل مسجدند، یا به خاطر اینکه آنها کسانی هستند که خداوند امر به خضوع نزد ایشان و فرمانبرداری از آنها نموده است.

**[ترجمه]

«۱۷»

شی، تفسیر العیاشی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ یَعْنِی الْأَئِمَّهَ علیهم السلام (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حسین بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ» - . اعراف / ۳۱ -

{جامه خود را در هر نمازی برگیرید} فرمود: یعنی ائمه علیهم السّلام. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۳ -

**[ترجمه]

بیان

أی ولایتهم زینه معنویه للروح لا بد من اتخاذها فی الصلاه و لا ینافی ذلک ما ورد من تفسیرها باللباس الفاخر و بالطیب و الامتشاط عند کل صلاه لأن المراد بالزینه ما یشمل کلا من الزینه الصوریه و المعنویه و إنما ذکروا علیهم السلام فی کل مقام ما یناسبه و یحتمل هذا الخبر وجهین آخرین الأول أن یکون المراد تفسیر المسجد ببیوتهم و مشاهدهم علیهم السلام و یشهد له بعض الأخبار و الثانی أن یکون المعنی کون الخطاب متوجها إلیهم علیهم السلام کما ورد أنه مختص بالجمعه و العیدین و وجوبها مختص بهم و بحضورهم علی قول الأکثر أو هم الأولی بها عند حضورهم علی قول الجمیع.

**[ترجمه]یعنی ولایت ائمه زینتی معنوی است برای روح که چاره‌ای از اتخاذ آن در نماز نیست. این تفسیر منافات ندارد با آن تفسیری که به لباس فاخر و استعمال عطر و شانه زدن در هنگام هر نماز شده است، زیرا منظور از «زینت»، زینت های ظاهری و معنوی هر دو است و در هر مورد، آنچه مناسب با مقام بوده ذکر نموده اند. و در این خبر دو وجه دیگر نیز احتمال دارد: اول: منظور تفسیر مسجد به خانه‌ها و مشاهد آنها باشد و بعضی از اخبار شاهد آن است. دوم: معنی این باشد که خطاب به خود آنها است، چنان چه وارد شده که این آیه اختصاص به جمعه و عید قربان و فطر دارد و وجوب این نماز اختصاص به ائمه علیهم السّلام دارد و به حضور امام بنا بر قول اکثر، یا اینکه ائمه شایسته تر به آن هستند موقع حضورشان، بنا بر قول همه.

**[ترجمه]

«۱۸»

کـا، الکـافی حُمَیْـدُ بْنُ زِیَـادٍ عَنْ أَبِی الْعَبَّاسِ عُبَیْـدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَـدَ الـدِّهْقَانِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ الطَّاطَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ بَیَّاعِ السَّابِرِیِّ عَنْ أَبَـانٍ عَنْ أَبِی بَصِـیرٍ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ قَالَ هِیَ بُیُوتُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله (۳).

**[ترجمه]روضه کافی: ابو بصـیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ» پرسیدم. فرمود: آنها خانه‌های پیامبر است. -. روضه کافی: ۳۳۱ -

**[ترجمه]

«۱۹»

مد، العمده بِإِسْـنَادِهِ إِلَی الثَّعْلَبِیِّ مِنْ تَفْسِـیرِهِ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَابُوسِـیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ نسفیع (۴) (نُفَیْعٍ) بْنِ الْحَارِثِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ وَ عَنْ بُرَیْدَهَ (۵) قَالا قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَذِهِ الْآیَهَ فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ

۱- و یحتمل أیضا أن یکون قوله: یعنی الأئمّه، تفسیر للوجوه، و هو بتقدیر المضاف أی ولایتهم.

۲- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۱۳.

۳- روضه الکافی: ۳۳۱.

۴- فی نسـخه: نقیع و فی المصـدر: (سـقع) و الکـل مصـحف و الصـحیح: نفیع بالفـاء و هو نفیع بن الحـارث بن کلـده بن عمرو الثقفی علی ما تقدم.

۵- فی المصدر: انس بن مالک عن بریده قال.

تُرْفَعَ إِلَى قَوْلِهِ وَ الْأَبْصارُ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ أَيُّ بُيُوتٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا أَيْ بَيْتُ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ علیهما السلام قَالَ نَعَمْ مِنْ أَفَاضِلِهَا (۱).

**[ترجمه]العمده: انس بن مالك و بریده گفتند: پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله این آیه را خواند: «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ» تا «وَ الْأَبْصارُ.» مردی از جای خود به سوی او حرکت کرد و پرسید: این کدام خانه ها است یا رسول اللّه! آیا این خانه از آنهاست، یعنی خانه علی و فاطمه علیهما السّلام؟ فرمود: آری از بهترین آنهاست. - . العمده : ۱۵۲، در العمده این گونه آمده است: «و گفت این کدام خانه ها است یا رسول اللّه؟ فرمود: خانه های انبیاء. گفت: ابوبکر از جای خود حرکت کرد و گفت: یا رسول اللّه! این خانه از آنها است؛ خانه علی و فاطمه علیهما السّلام؟ فرمود: آری، از بهترین آن خانه ها است.» و صحیح همین است و مانند آن از کنز الفوائد در روایت شماره ۱ گذشت و ظاهرا نسخه مصنف ناقص بوده یا تحریف و سقط از جانب نساخ واقع شده است. -

**[ترجمه]

باب ۲۰ عرض الأعمال علیهم علیهم السلام و أنهم الشهداء علی الخلق

الآیات

البقره: «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً»(۱۴۳)

النساء: «فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَهِيداً»(۴۱)

التوبه: «وَ سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(۹۴)

(و قال سبحانه): «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»(۱۰۵)

النحل: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً ثُمَّ لا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ لا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ»(۸۴)

(و قال تعالی): «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِكَ شَهِيداً عَلى هؤُلاءِ»(۸۹)

القصص: «وَ نَزَعْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً فَقُلْنا هاتُوا بُرْهانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ»(۷۵)

۱- العمده: ۱۵۲ فیه: (و قال: ای بیوت یا رسول اللّه؟ فقال، بیوت الأنبیاء علیهم السلام، قال: فقام إلیه أبو بكر رضی اللّه عنه فقال: یا رسول اللّه هذا البیت منها لبیت علی و فاطمه علیهما السلام؟ قال: نعم من افاضلها) و هو الصحیح و تقدم نحوه عن الكنز تحت رقم: ۱ و الظاهر ان نسخه المصنّف كانت ناقصه، او وقع التحریف و السقط من النسّاخ.

lt;meta info="- وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أَمَّةً وَسَطاً لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکونَ الرَّسُولُ عَلَیْکَمْ شَهِیداً. - . بقره / ۱۴۳ -

{و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.}

- فَکَیْفَ إِذَا جِئْنَا مِن کُلِّ أمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنَا بِکَ عَلَی هَؤُلاء شَهِیدًا. - . نساء / ۴۱ -

{پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم و تو را بر آنان گواه آوریم.}

- وَ سَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. - . توبه / ۹۴ -

{و به زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید، آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید و از آنچه انجام می دادید به شما خبر می دهد.}

- وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. - . توبه / ۱۰۵ -

{و بگو [هر کاری می خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده می شوید، پس ما را به آنچه انجام می دادید آگاه خواهد کرد.}

- وَ یَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً ثُمَّ لا یُؤْذَنُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا وَ لا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ. - . نحل / ۸۴ -

{و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گواهی برمی انگیزیم. سپس به کسانی که کافر شده اند رخصت داده نمی شود و آنان مورد بخشش قرار نخواهند گرفت.}

- وَ یَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِکَ شَهِیداً عَلی هؤُلاءِ. - . نحل / ۸۹ -

{و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم.}

- وَ نَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً فَقُلْنا هاتُوا بُرْهانَکُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ. - . قصص / ۷۵ -

{و از میان هر امتی گواهی بیرون می کشیم و می گوییم برهان خود را بیاورید. پس بدانند که حق از آن خداست و آنچه برمی بافتند از دستشان می رود.}

**[ترجمه]

تفسیر

قال الطبرسی فی قوله تعالی: وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً الوسط العدل و قیل الخیار قال صاحب العین الوسط من کل شی ء

أعدله و أفضله و متى قيل إذا كان فی الأمه من ليست (۱) هذه صفته فكيف وصف جماعتهم بذلك فالجواب أن المراد به من كان بتلك الصفه لأن كل عصر لا يخلو من جماعه هذه صفتهم.

وَ رَوَى بُرَيْدٌ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: نَحْنُ الْأُمَّهُ الْوَسَطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِی أَرْضِهِ.

وَ فِی رِوَايَهٍ أُخْرَى قَالَ عليه السلام إِلَيْنَا يَرْجِعُ الْغَالِی وَ بِنَا يَلْحَقُ الْمُقَصِّرُ.

وَ رَوَى الْحَاكِمُ أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسْكَانِیُّ فِی كِتَابِ شَوَاهِدِ التَّنْزِيلِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ عَلِیٍّ عليه السلام أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِيَّانَا عَنَى بِقَوْلِهِ لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ فَرَسُولُ اللَّهِ شَاهِدٌ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِی أَرْضِهِ وَ نَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً

و قوله لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ فيه ثلاثه أقوال أحدها لتشهدوا على الناس بأعمالهم التی خالفوا فيها الحق فی الدنيا و الآخره كما قال وَ جِی ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ (۲).

و الثانی لتكونوا حجه على الناس فتبينوا لهم الحق و الدين و يكون الرسول شهيدا عليكم مؤديا للدين إليكم. و الثالث أنهم يشهدون للأنبياء على أممهم المكذبين لهم بأنهم قد بلغوا و قوله يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً أی شاهدا عليكم بما يكون من أعمالكم و قيل حجه عليكم و قيل شهيدا لكم بأنكم قد صدقتم يوم القيامه فيما تشهدون به و يكون على بمعنى اللام كقوله وَ ما ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ (۳) أی للنصب (۴)

۱- فی المصدر: من ليس.

۲- الزمر: ۷.

۳- المائده: ۳.

۴- مجمع البيان ۲: ۲۲۴ و ۲۲۵.

و قال رحمه الله فی قوله تعالی فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهِیدٍ إن الله تعالی یستشهد یوم القیامه کل نبی علی أمته فیشهد لهم و علیهم و یستشهد نبینا علی أمته (۱).

أقول: و قد مر فی کتاب المعاد و سیأتی ما یدل علی أن حجه کل زمان شهید علی أهل ذلک الزمان و نبینا صلی الله علیه و آله شهید علی الشهداء.

و قال رحمه الله فی قوله تعالی وَ قُلِ اعْمَلُوا أی اعملوا ما أمرکم الله به عمل من یعلم أنه مجازی علی فعله فإن الله سیری عملکم و إنما أدخل سین الاستقبال لأن ما لم یحدث لا یتعلق به الرؤیه فکأنه قال کل ما تعملونه یراه الله تعالی و قیل أراد بالرؤیه هاهنا العلم الذی هو المعرفه و لذلک عداه إلی مفعول واحد أی یعلم الله تعالی ذلک فیجازیکم علیه و یراه رسوله أی یعلمه فیشهد لکم بذلک عند الله و یراه المؤمنون قیل أراد بالمؤمنین الشهداء و قیل أراد بهم الملائکه الذین هم الحفظه الذین یکتبون الأعمال. و

روی أصحابنا أن أعمال الأمه تعرض علی النبی صلی الله علیه و آله فی کل إثنین و خمیس فیعرفها و کذلک تعرض علی أئمه الهدی علیهم السلام فیعرفونها.

و هم المعنیون بقوله وَ الْمُؤْمِنُونَ (۲).

و قال فی قوله تعالی وَ نَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً أی و أخرجنا من کل أمه من الأمم رسولها الذی یشهد علیهم بالتبلیغ و بما کان منهم و قیل هم عدول الآخره و لا یخلو کل زمان منهم یشهدون علی الناس بما عملوا (۳).

**[ترجمه]مرحوم طبرسی راجع به آیه «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً» گفته است: «وسط» یعنی میانه و گفته شده بهترین. صاحب العین گفته: وسط از هر چیزی، میانه روترین آن و بهترین آن است. و هنگامی که گفته شد اگر در امت کسی بود که این صفتش نبود، پس چگونه تمام امت را به آن توصیف کرده است؟ جواب این است که منظور از او، کسی است که دارای این صفت بود، زیرا هر دوره‌ای از گروهی که دارای این صفت باشند خالی نیست. و برید از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: ما امت وسط هستیم و ما گواهان خدا بر خلقش و حجت خدا در زمینش هستیم.

و در روایت دیگری فرمود: غالی به سوی ما برمی‌گردد و مقصر به ما ملحق می شود.

و حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل به اسناد خود از سلیم بن قیس، از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل می کند که فرمود: خداوند در این آیه ما را قصد نموده: «لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ.» پس رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله گواه بر ما است و ما گواهان خدا بر خلقش هستیم و حجت خدا در زمینش. و ما کسانی هستیم که خداوند فرمود: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً.»

و فرمایش خدا «لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ» سه قول در آن است: اول اینکه گواه باشید بر مردم در اعمالشان که مخالفت کردند در آن حق را در دنیا و آخرت، چنان چه فرمود: «وَ جِی ءَ بِالنَّبِیِّینَ وَ الشُّهَداءِ» - . زمر / ۶۹ - {و پیامبران و شاهدان را

بیاورند} پیامبران. دوم اینکه تا شما حجت بر مردم باشید و حق و دین را برای آنها بیان کنید و پیامبر گواه بر شما است و دین را به شما تحویل داده است. و سوم اینکه ائمه علیهم السّلام گواهی می دهند برای انبیا بر امتشان که تکذیب کننده آنها بودند که آنها تبلیغ رسالت برای امت خود نموده اند. و فرمایش او «وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً» یعنی پیامبر اکرم گواه بر شما است بر آنچه که از اعمالتان است. و گفته شده حجت بر شما است. و گفته شده گواهی می دهد برای شما به این که شما راست گفته اید در روز قیامت در آنچه که شهادت به آن می‌دهید. و «عَلی» به معنی «لام» می‌باشد، مانند فرمایش خدا «وَ مَا ذُبِحَ عَلَی النُّصُبِ» - . مائده / ۳ - {و [همچنین] آنچه برای بتان سربریده شده} یعنی «لِلنُّصُبِ». - . مجمع البیان ۲ : ۲۲۴- ۲۲۵ - و مرحوم طبرسی در مورد آیه «فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ» گفته: خداوند روز قیامت از هر پیامبری گواهی می خواهد بر امتش. پس شهادت می‌هد به نفع و علیه آنها و پیامبر ما صلّی اللّٰه علیه و آله را نیز گواه بر امت خویش می گیرد. - . مجمع البیان ۳ : ۴۹ -

مؤلف: قبلا در «کتاب معاد» گذشت و بعد از این نیز خواهد آمد آنچه که دلالت می کند بر اینکه حجت هر زمانی، گواه بر اهل آن زمان است و پیامبر ما صلی اللّٰه علیه و آله گواه بر گواهان است.

و درباره

آیه «وَ قُلِ اعْمَلُوا» مرحوم طبرسی گفته: یعنی عمل کنید به آنچه که خدا به شما دستور داده، عمل کسی که می داند که پاداشِ داده شده بر عملش است، زیرا خداوند عمل شما را می بیند. و «س» «استقبال» را آورده، زیرا آنچه که واقع نشده، دیدن به آن تعلق نمی گیرد، گویا فرموده هر چه را که انجام می‌دهید، خدا آن را می‌بیند. و گفته شده از «رؤیه» در اینجا علمی را اراده کرده که همان معرفت است و به همین خاطر آن را به یک مفعول، متعدی کرده، یعنی خدا آن را می داند و شما را بر آن پاداش می‌دهد و پیامبرش می‌بیند، یعنی می داند و برای شما نزد خدا به آن گواهی می دهد و مؤمنان آن را می‌بینند. گفته شده که از مؤمنان شهدا را اراده کرده و گفته شده که از «مؤمنان»، ملائکه حافظی که اعمال را می‌نویسند اراده کرده است. و اصحاب ما روایت کرده اند که اعمال امت در هر دوشنبه و پنجشنبه بر پیامبر اکرم عرضه می شود. پس او آنها را می داند، و همچنین بر ائمه هدی علیهم السّلام عرضه می گردد، پس آنها را می‌دانند. و منظور از «مؤمنان» در فرمایش خدا، همان ائمه می باشند. - . مجمع البیان ۵ : ۶۹ -

و درباره آیه «وَ نَزَعْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً» گفت: یعنی خارج می کنم از هر امتی از امت‌ها، پیامبرش را که گواهی دهد بر آنها به تبلیغ و به آنچه که از آنهاست. و گفته شده که آنها شخصیت های عادل آخرت هستند که هیچ زمانی خالی از چنین اشخاصی نیست که گواه بر مردم باشند در آنچه که انجام دادند. - . مجمع البیان ۷ : ۲۶۳ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

كا، الكافى عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلی هؤُلاءِ شَهِیداً قَالَ نَزَلَتْ فِی أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله خَاصَّةً فِی كُلِّ قَرْنٍ

ص: ۳۳۵

۱- مجمع البیان ۳: ۴۹.

۲- مجمع البیان ۵: ۶۹.

۳- مجمع البیان ۷: ۲۶۳.

مِنْهُمْ إِمَامٌ مِنَّا شَاهِدٌ عَلَيْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله شَاهِدٌ عَلَيْنَا (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: سـماعه گفت: حضـرت صادق علیه السّـلام درباره آیه «فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَـهِيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلى هؤُلاءِ شَـهِيداً» پرسـیدم. فرمود: فقـط دربـاره امت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله نـازل شـده. در هر دوره‌ای از ایشـان، از ما خـانواده امـامی وجود دارد که گواه بر آنهـا است و حضـرت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله گواه بر ما است. - . اصول کافی ۱ : ۱۹۰ -

**[ترجمه]

بیان

یمکن أن یکون المراد بها تخصـیص الشاهـد و المشـهود علیهم جمیعا بهذه الأمه فیکون المراد ب كُلِّ أُمَّةٍ فی الآیه کل قرن من تلـک الأمه و یحتمل أیضا أن یکون المراد تخصـیص الشاهـد فقط أی یکون فی کل قرن من هـذه الأمه واحـد من الأئمه علیهم السـلام یکون شاهـدا علی من فی عصـرهم من هذه الأمه و علی جمیع من مضـی من الأمم و الأول أظهر لفظا و الثانی معنا و إن کان بحسب اللفظ یحتاج إلی تکلفات.

**[ترجمه]ممکن است منظور از آن، تخصیص شاهد و مشهود علیهم تماما، این امت باشد. پس منظور از «كُلِّ أُمَّةٍ» در آیه، هر دوره‌ای از آن امـت است و شایـد منظـور فقـط تخصـیص شاهـد باشـد، یعنی در هر دوره‌ای از این امت، یکی از ائمه شاهـد بر کسـان همان دوره از این امت و بر تمام امت‌های گذشـته می‌باشـد و اولی اظهر است، نه از جهت لفظ و دومی از جهت معنی، اگر چه به حسب لفظ، محتاج به تکلفاتی می‌شود.

**[ترجمه]

«۲»

کا، الکافی الْحُسَـيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ ابْنِ عَائِذٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَهَ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَـطاً لِتَكُونُوا شُـهَداءَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ علیه السـلام نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوُسْـطَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَجُهُ فِي أَرْضِهِ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَـلَّ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ قَالَ إِيَّانَا عَنَى خَاصَّةً هُوَ سَـمَّاكُمُ الْمُسْـلِمِينَ مِنْ قَبْلُ فِي الْكُتُبِ الَّتِي مَضَتْ وَ فِي هـذا الْقُرْآنِ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَـهِيداً عَلَيْكُمْ (۲) فَرَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله الشَّهِيـدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغَنَا عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ صَدَّقْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ (۳).

**[ترجمه]اصول کـافی: بریـد گفت: از حضـرت صـادق علیه السّـلام درباره این آیه پرسـیدم: «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَـطاً لِتَكُونُوا شُـهَداءَ عَلَى النَّاسِ.» فرمود: ما امت میانه هستیم و گواهان خـدا بر خلقش و حجت او در زمینش هستیم. گفتم: آیه «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ چه؟» فرمود: فقط ما را قصـد کرده، «هُوَ سَـمَّاكُمُ الْمُسْـلِمِينَ مِنْ قَبْلُ» در کتب گذشـته، «وَ فِي هذا» قرآن، «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ» - . حج / ۷۸ - {آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلا شما را مسلمان نامید و در این

[قرآن نیز همین مطلب آمـده است] تـا این پیامبر بر شـما گواه باشـد.} پس رسول خـدا گواه بر ما است نسـبت به تبلیغی که از سوی خـدا کرده ایم و ما گواه بر مردمیم. پس هر کس تصـدیق ما را کرده باشد، در روز قیامت ما نیز او را تصدیق می کنیم و هر کس تکذیب کرد، ما تکذیبش می نماییم. - . اصول کافی ۱ : ۱۹۰ -

**[ترجمه]

«۳»

قب، المناقب لابن شـهرآشوب عَنِ الْکَاظِمِ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِینَ قَالَ نَحْنُ هُمْ نَشْهَدُ لِلرُّسُلِ عَلَی أُمَمِهَا (۴).

**[ترجمه]مناقب ابن شـهر آشوب: از حضرت موسی بن جعفر علیهما السّلام در معنی آیه «فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِینَ» - . آل عمران / ۵۳ ، مائده / ۸۳ -

{پس ما را در زمره گواهان بنویس} نقل شده که فرمود: ما آن گواهانیم، گواهی برای پیامبران می دهیم بر امت‌های آنها. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۰۳ -

**[ترجمه]

«۴»

قب، المناقب لابن شهرآشوب قَیْسُ بْنُ أَبِی حَازِمٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی قَوْلِهِ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ أَنَا وَ الصِّدِّیقِینَ عَلِیٌّ وَ الصَّالِحِینَ حَمْزَهُ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً الْأَئِمَّهُ الِاثْنَا عَشَرَ بَعْدِی (۵).

۱- أصول الکافی ۱: ۱۹۰.

۲- الحجّ: ۷۸.

۳- أصول الکافی ۱: ۱۹۰.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۰۳. و الآیه فی آل عمران: ۵۳، و المائده: ۸۳.

۵- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۴۳.

**[ترجمه]مناقب ابن شـهر آشوب: ام سلمه گفت: پیامبر اکرم فرمود: در آیه «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ» من هستم و «وَ الصِّدِّیقِینَ» علی است و «وَ الصَّالِحِینَ»

حمزه «وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» - . نساء / ۶۹ -

{و کسـانی که از خـدا و پیامبر اطاعت کننـد در زمره کسانی خواهنـد بود که خـدا ایشان را گرامی داشـته [یعنی] با پیامبران و راسـتان و شـهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند} ائمه دوازده گانه بعد از من هستند. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۳ -

**[ترجمه]

«۵»

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام الْمُرَادُ بِ النَّبِیِّینَ الْمُصْطَفَی وَ بِ الصِّدِّیقِینَ الْمُرْتَضَی وَ بِ الشُّهَداءِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهما السلام وَ بِ الصَّالِحِینَ تِسْعَهٌ مِنْ أَوْلَادِ الْحُسَیْنِ علیهم السلام وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً الْمَهْدِیُّ علیه السلام (۱).

**[ترجمه]مناقب ابن شـهر آشوب: از حضـرت باقر نقل شده که منظور از «النَّبِیِّینَ»، حضرت مصطفی است «وَ الصِّدِّیقِینَ»، علی مرتضی و «وَ الشُّهَدَاء»، حسن و حسین علیهما السّلام و «وَ الصَّالِحِینَ»،

نه نفر از اولاد حسین «وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»، حضرت مهدی هستند. - . مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۳ -

**[ترجمه]

بیان

لعـل المراد أن المـذکورین أفضل أفراد کل من الفقرات و قوله وَ الصَّالِحِینَ حمزه أی هو أیضا داخل فیهم و فی بیان معنی اسـم الإشـاره أشـار إلی دخول بقیه الأـئمه أیضـا فیهم و إن کـان ظـاهره أن المقصودین باسم الإشاره غیر المـذکورین قبله لبعـده عن سیـاق الآـیه و أما قوله وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً فیحتمل أن یکون المراد أن أول وفاقتهم (۲) علیهم السلام فی زمانه علیه السلام فی الرجعه.

**[ترجمه]شاید منظور این است که این ها بهترین افراد آن گروه ها هسـتند. و اینکه فرمود «صالحین» حمزه است، یعنی حمزه نیز داخـل در آنها است و در بیان معنی اسم اشاره، اشاره کرد به داخل شـدن بقیه ائمه نیز در آنها و اگرچه ظاهر آن این اسـت که منظور از اسم اشاره، غیر از آن کسانی است که قبل از آن ذکر شـدهانـد، به خاطر بُعـد آن از سـیاق آیه و فرمایش خـدا «وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً» ممکن است منظور این باشد که اولین مرتبه ملاقات آنها با حضرت مهدی در زمان او در رجعت میباشد.

**[ترجمه]

«۶»

قب، المناقب لابن شهرآشوب عَنْ عُرْوَهَ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ علیه السلام إِيَّانَا عَنَى (۳).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: عروه بن زبير گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آيه «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» پرسيدم. فرمود: ما را قصد كرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۵۰۴ -

**[ترجمه]

«۷»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم الْحُسَيْنُ بْنُ الْعَبَّاسِ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ مَيْمُونٍ الْبَانِ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام مِنَّا شَهِيدٌ عَلَى كُلِّ زَمَانٍ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي زَمَانِهِ وَ الْحَسَنُ علیه السلام فِي زَمَانِهِ وَ الْحُسَيْنُ علیه السلام فِي زَمَانِهِ وَ كُلُّ مَنْ يَدْعُو مِنَّا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ (۴).

**[ترجمه]تفسير فرات: ميمون البان غلام بنى هاشم از حضرت ابو جعفر علیه السّلام درباره آيه «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً» نقل كرد كه فرمود: از ما گواهى است بر هر زمانى. على بن ابى طالب علیه السّلام در زمان خود و حسن علیه السّلام در زمان خود و حسين علیه السّلام نيز در زمان خويش و هر يك از ما كه مأموريت دعوت به سوى خدا را دارد. - . تفسير فرات: ۸ -

**[ترجمه]

«۸»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم بِإِسْنَادِهِ عَنْ بُرَيْدٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَسَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ (۵) قَالَ إِيَّانَا عَنَى نَحْنُ الْمُجْتَبَوْنَ لَمْ يَجْعَلْ عَلَيْنَا فِي الدِّينِ

ص: ۳۳۷

۱- مناقب آل أبي طالب ۱: ۲۴۳.

۲- هكذا في الكتاب، و لعله مصحف: رفاقتهم.

۳- مناقب آل أبي طالب ۳: ۵۰۴ فيه: عروه بن أذينه.

۴- تفسير فرات: ۸.

۵- أی الی آخر سوره الحجّ.

مِنْ ضِيقٍ وَ الْحَرَجُ أَشَدُّ مِنَ الضِّيقِ مِلَّهَ أَبِيكَمْ إِبْراهِيمَ إِيَّانَا عَنَى خَاصَّهً هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ سَمَّانَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ فِى الْكَتُبِ الَّتِى مَضَتْ وَ فِى هذا الْقُرْآنِ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ فَالرَّسُولُ الشَّهِيدُ عَلَيْنَا بِمَا بَلَّغَنَا عَنِ اللَّهِ وَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ فَمَنْ صَدَّقَ صَدَّقْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ مَنْ كَذَّبَ كَذَّبْنَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: برید گفت: خدمت حضرت باقر علیه السّلام بودم. از آن جناب درباره آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّکُمْ وَ افْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» - . حج / ۷۷ -

{ای کسانی که ایمان آورده اید رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید باشد که رستگار شوید} تا آخر سوره سؤال کردم. فرمود: ما را قصد کرده است. ما برگزیده ایم، بر ما در دین تنگنایی قرار داده نشده و حرج از ضیق شدیدتر است. «مِلَّهَ أَبِیکُمْ إِبْراهِیمَ» فقط ما را قصد کرده، «هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ» ما را مسلمان نامید، «مِن قَبلُ» در کتاب‌های گذشته، «وَ فِی هذا» و در قرآن، «لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ» پس پیامبر گواه بر تبلیغ ما از جانب خدا است و ما گواه بر مردمیم. پس هر کس ما را تصدیق کرد، در روز قیامت تصدیقش می کنیم و هر کس تکذیب کرد، روز قیامت تکذیبش می‌نماییم. - . تفسیر فرات: ۹۷ - ۹۸ -

**[ترجمه]

«۹»

فر (۲)، تفسیر فرات بن إبراهیم أَبُو الْقَاسِمِ بْنُ شِبْلٍ عَنْ ظَفْرِ بْنِ حُمْدُونِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ حَدَّثَنِى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَمَّادٍ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ فِى نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِنَّ مُقَامِى بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَ إِنَّ مُفَارَقَتِى إِيَّاكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِىُّ وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا مُقَامُكَ بَيْنَ أَظْهُرِنَا فَهُوَ خَيْرٌ لَنَا (۳) فَكَيْفَ يَكُونُ مُفَارَقَتُكَ إِيَّانَا خَيْراً لَنَا قَالَ علیه السلام أَمَّا مُقَامِى بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ يَعْنِى يُعَذِّبُهُمْ بِالسَّيْفِ فَأَمَّا مُفَارَقَتِى إِيَّاكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِأَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلَّ إِثْنَيْنِ وَ خَمِيسٍ فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمِدْتُ اللَّهَ تَعَالَى عَلَيْهِ وَ مَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ.

یر، بصائر الدرجات محمد بن عبد الحمید عن حنان عن أبیه مثله (۴)

شی، تفسیر العیاشی عن حنان مثله (۵)

۱- تفسیر فرات: ۹۷ و ۹۸.

۲- هکذا فی الکتاب، و لم نجده فی تفسیر فرات، و اسناده لا یناسبه، و الصحیح: (ما) ای امالی ابن الشیخ ، ویؤید ذلک قول المصنف بعد ذلک : ما : بالاسناد. والحدیث یوجد فی الامالی ص ۲۶۰.

٣- فى تفسير العيّاشىّ: فهو حير لنا فقد عرفنا.

۴- بصائر الدرجات: ١٣١.

۵- تفسير العيّاشىّ ٢: ۵۴ و ۵۵. و الآيه فى الأنفال: ٣٣.

**[ترجمه]تفسیر فرات: - . در تفسیر فرات این روایت را نیافتیم و اسناد او هم مناسب با آن نیست و صحیح امالی طوسی است و گفته مصنف در روایت بعد «بالاسناد» مؤید این قول است. حدیث در امالی طوسی صفحه ۲۶۰ است. - سدیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله در حالی که میان جمعی از اصحابش بود فرمود: بودن من بین شما برایتان خوب است و رفتن من از میان شما نیز برایتان سودمند است. جابر بن عبداللّٰه انصاری از جای حرکت کرد و گفت: یا رسول اللّٰه! بودن شما میان ما که مسلم برایمان خوب است، اما چگونه رفتن شما از میان ما برایمان خوب است؟ فرمود: اما بودن من بین شما برایتان خیر است، به این دلیل که خداوند در این آیه می فرماید: «ما کانَ اللّٰهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ وَ ما کانَ اللّٰهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ» - . انفال / ۳۳ - {و[لی] تا تو در میان آنان هستی خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند و تا آنان طلب آمرزش می کنند خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.} یعنی عذاب می‌کند با شمشیر. اما مفارقت من از شما برای شما خوب است، زیرا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود.

هیچ کاری خوبی نیست، مگر اینکه خدا را بر آن شکر می کنم و هیچ کار بدی نیست که برایتان استغفار می‌نمایم.

بصائر الدرجات: حنان از پدرش همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۳۱ -

تفسیر عیاشی: از حنان همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۵۴ - ۵۵ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام یعنی یعذبهم بالسیف لعل المعنی أنه لا یعذبهم بعذاب الاستیصال ما دمت فیهم بل یعذبهم بالسیف (۱).

**[ترجمه]سخن امام علیه السّلام «یعذبهم بالسیف» شاید معنی این است که آنها را با عذاب استیصال تا زمانی که تو در میان آنها هستی عذاب نمی‌کند، بلکه با شمشیر عذاب می‌کند.

**[ترجمه]

«۱۰»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی بِالْإِسْنَادِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ (۲) وَ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ وَ مَنْصُورٍ وَ أَیُّوبَ وَ الْقَاسِمِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ غَیْرِهِمْ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ إِیَّانَا عَنَی (۳).

**[ترجمه]امالی طوسی: ابن اذینه گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم و به ایشان عرض کردم: فدایت شوم! آیه «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» یعنی چه؟ فرمود: ما را قصد کرده است. - . امالی طوسی: ۲۶۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ عَنْهُ علیه السلام مِثْلَهُ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید عجلی از حضرت صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ما، الأمالی للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ بِلَالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّیَّارِیِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ سَعِیدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ کَثِیرٍ الرَّقِّیِّ قَالَ: کُنْتُ جَالِساً عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ قَالَ لِی مُبْتَدِئاً مِنْ قِبَلِ نَفْسِهِ یَا دَاوُدُ لَقَدْ عُرِضَتْ عَلَیَّ أَعْمَالُکُمْ یَوْمَ الْخَمِیسِ فَرَأَیْتُ فِیمَا عُرِضَ عَلَیَّ مِنْ عَمَلِکَ صِلَتَکَ لِابْنِ عَمِّکَ فُلَانٍ فَسَرَّنِی ذَلِکَ إِنِّی عَلِمْتُ أَنَّ صِلَتَکَ لَهُ أَسْرَعُ لِفَنَاءِ عُمُرِهِ وَ قَطْعِ أَجَلِهِ قَالَ دَاوُدُ وَ کَانَ لِیَ ابْنُ عَمٍّ مُعَانِدٍ خَبِیثٍ بَلَغَنِی عَنْهُ وَ عَنْ عِیَالِهِ سُوءُ حَالِهِ فَصَکَکْتُ لَهُ نَفَقَهً قَبْلَ خُرُوجِی إِلَی مَکَّهَ فَلَمَّا صِرْتُ بِالْمَدِینَهِ أَخْبَرَنِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِذَلِکَ (۵).

**[ترجمه]امالی طوسی: داود بن کثیر رقی گفت: خدمت حضرت صادق علیه السّلام نشسته بودم که ابتدا به سخن نمود و فرمود: داود! روز پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه شد. در بین آنچه از عمل تو بر من عرضه شد، مشاهده کردم صله رحمی را که در مورد پسر عمویت فلانی کرده بودی. پس آن مرا خوشحال نمود. دانستم که این صله رحم تو، زودتر موجب پایان عمر و قطع اجل او می شود. داود گفت: پسر عمویی داشتم معاند خبیث. درباره وضع بد او و خانواده‌اش به من خبر رسید. قبل از رفتنم به مکه مقداری پول برایش حواله کردم. وقتی به مدینه رسیدم، حضرت صادق علیه السّلام از آن به من خبر داد. - . امالی طوسی: ۲۶۴ -

**[ترجمه]

بیان

الصک الکتاب الذی یکتب للعطایا و الأرزاق.

**[ترجمه]«الصک» یعنی نوشته‌ای که برای هدایا و ارزاق نوشته می‌شود.

**[ترجمه]

«۱۳»

فس، تفسير القمى أَبِى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِى قَوْلِهِ وَ قُلِ

ص: ۳۳۹

۱- أو لا يوجد الخلاف بينهم ما دمت فيهم فيحارب بعضهم بعضا.

۲- فى المصدر: محمّد بن الحسن.

۳- أمالى ابن الشيخ: ۲۶۱.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۵- أمالى ابن الشيخ: ۲۶۴.

اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكَمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنُونَ هَاهُنَا الْأَئِمَّةُ الطَّاهِرَةُ عليهم السلام (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: پدرم از یعقوب بن شعیب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» فرمود: «مؤمنان» در این آیه، ائمه طاهرین علیهم السّلام هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۷۹ - ۲۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۴»

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا فَاحْذَرُوا فَلْیَسْتَحْیِ أَحَدُکُمْ أَنْ یَعْرِضَ عَلَی نَبِیِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِیحَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: محمد بن حسن صفار از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اعمال بندگان نیکوکاران آنها و پلیدکاران آنها، هر صبح بر پیامبر اکرم عرضه می شود. بپرهیزید و باید کسی از شما خجالت بکشد از اینکه بر پیامبرش عمل زشت عرضه شود. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۷۹ - ۲۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۵»

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَمُوتُ أَوْ کَافِرٍ یُوضَعُ فِی قَبْرِهِ حَتَّی یُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا وَ هَلُمَّ جَرّاً إِلَی آخِرِ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ فَذَلِکَ قَوْلُهُ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: از آن امام علیه السّلام نیز نقل کرد که فرمود: هیچ مؤمن یا کافری نیست که بمیرد و در قبرش گذاشته شود، تا اینکه عملش بر پیامبر اکرم و بر امیرالمؤمنین صلوات اللّه علیهما عرضه شود، همین طور تا آخرین کسی که خدا اطاعت او را واجب نمود. این گونه است فرمایش خدا: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۷۹ - ۲۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۶»

مع، معانی الأخبار أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ سَهْلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ کَانَ یَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تُعْرَضُ عَلَیْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ کُلَّ خَمِیسٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه

السـلام لَيْسَ هَكَذَا وَ لَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُعْرَضُ عَلَيْهِ أَعْمَالُ أُمَّتِهِ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا فَاحْذَرُوا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَكَتَ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ إِنَّمَا عَنَى الْأَئِمَّةَ علیهم السلام (۴).

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی بَصِیرٍ مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ (۵)

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابو بصیر گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: ابوالخطاب می گوید که اعمال امت پیامبر، هر هفته روز پنجشنبه خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله عرضه می شود. حضرت صادق علیه السّلام فرمود: چنین نیست، بلکه اعمال امتش - چه نیکوکار و چه پلیدکار - هر روز صبح بر آن جناب عرضه می شود، بپرهیزید. و این است فرمایش خدا: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» امام علیه السّلام سکوت کرد. ابو بصیر گفت: همانا ائمه علیهم السّلام را قصد کرد. -. معانی الاخبار: ۱۱۱ -

تفسیر عیاشی: از ابو بصیر همین روایت را تا «وَ الْمُؤْمِنُونَ» نقل کرده است. -. تفسیر عیاشی ۲ : ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ب، قرب الإسناد هَارُونُ عَنِ ابْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مِمَّا أَعْطَى اللَّهُ أُمَّتِي وَ فَضَّلَهُمْ بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ أَنْ أَعْطَاهُمْ ثَلَاثَ خِصَالٍ لَمْ يُعْطَهَا إِلَّا نَبِيٌّ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيّاً قَالَ لَهُ اجْتَهِدْ فِي دِينِكَ وَ لَا حَرَجَ عَلَيْكَ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَى ذَلِكَ أُمَّتِي حَيْثُ يَقُولُ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ يَقُولُ مِنْ ضِيقٍ وَ كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيّاً قَالَ لَهُ إِذَا أَحْزَنَكَ أَمْرٌ تَكْرَهُهُ فَادْعُنِي أَسْتَجِبْ لَكَ وَ إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى أُمَّتِي ذَلِكَ حَيْثُ يَقُولُ ادْعُونِي

ص: ۳۴۰

۱- تفسیر القمّیّ: ۲۷۹ و ۲۸۰.

۲- تفسیر القمّیّ: ۲۷۹ و ۲۸۰.

۳- تفسیر القمّیّ: ۲۷۹ و ۲۸۰.

۴- معانی الأخبار: ۱۱۱.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۱۰۹ فیه: هو هکذا و لکن.

أَسْتَجِبْ لَكُمْ (۱) وَ كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيّاً جَعَلَهُ شَهِيداً عَلَى قَوْمِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَ أَمَّتِي شُهَدَاءَ عَلَى الْخَلْقِ حَيْثُ يَقُولُ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: ابن زیاد از جعفر از پدرش علیهما السّلام، از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله نقل کرد که فرمود: از چیزهایی که خداوند به امت من بخشیده و به واسطه آن بر سایر امت ها برتری داده، این سه خصلت است که به آنها عطا کرده است که به هیچ کس جز نبی نداده است. و آن این است که خداوند هر پیامبری را مبعوث نمود، به او فرمود در دین خود کوشا باش و حرجی بر تو نیست، و خداوند تبارک و تعالی به امت من نیز همین را عطا کرد، آنجا که می فرماید: «وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» - . حج / ۷۸ -

{و در دین بر شما سختی قرار نداده است.} می‌فرماید از تنگنا. و هر گاه پیامبری را مبعوث نمود، به او فرمود هر وقت چیزی که از آن کراهت داری تو را محزون کرد، مرا بخوان، دعایت را مستجاب می کنم. همین مزیت را به امت من نیز بخشید، آنجا که می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» - . غافر / ۶۰ - {مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.} و هر وقت پیامبری را برانگیخت، او را گواه بر قومش قرار داد و خداوند امت من را گواهان بر خلق قرار داد، آنجا که می‌فرماید: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ.» - . قرب الاسناد: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۱۸»

فس، تفسیر القمی وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَعْنِي مِنَ الْأَئِمَّةِ ثُمَّ قَالَ لِنَبِيِّهِ صلی الله علیه و آله وَ جِئْنا بِكَ يَا مُحَمَّدُ شَهِيداً عَلى هؤُلاءِ يَعْنِي عَلَى الْأَئِمَّةِ فَرَسُولُ اللَّهِ شَهِيدٌ عَلَى الْأَئِمَّةِ وَ هُمْ شُهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» یعنی از ائمه علیهم السّلام. آنگاه به پیامبرش فرمود: «وَ جِئْنا بِكَ» ای محمّد! «شَهِيداً عَلى هؤُلاءِ» بر ائمه علیهم السّلام. پس رسول خدا گواه بر ائمه است و آنها گواهان بر مردمند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۳۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۹»

فس، تفسیر القمی وَ نَزَعْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً يَقُولُ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِمَامَهَا (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «وَ نَزَعْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً» یعنی امام از هر گروه از این امت. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۹۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

فس، تفسير القمی وَ وُضِعَ الْكِتابُ وَ جِی ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ قَالَ الشُّهَدَاءُ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام (۵).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمی: «وَ وُضِعَ الْكِتابُ وَ جِی ءَ بِالنَّبِيِّينَ وَ الشُّهَداءِ» - . زمر / ۶۹ - {و كارنامه [اعمال در ميان] نهاده شود و پيامبران و شاهدان را بياورند} گفت: منظور از «شهداء»، ائمه عليهم السّلام است. - . تفسير على بن ابراهيم قمی: ۵۸۱ -

**[ترجمه]

«۲۱»

فس، تفسير القمی يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَ جاهِدُوا فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِی الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّهَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ فَهَذِهِ خَاصَّهٌ لِآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ قَوْلُهُ لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ يَقُولُ (۶) عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ (۷) أَیْ آلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله يَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ بَعْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً ما دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِی كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَ الرَّقِيبُ الشَّهِيدُ وَ أَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّهِ بَعْدَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله شَهِيداً مِنْ أَهْلِ

ص: ۳۴۱

۱- غافر: ۶۰.

۲- قرب الإسناد: ۴۱. و أشرنا قبلا إلى موضع الآيه.

۳- تفسير القمّیّ: ۳۶۳.

۴- تفسير القمّیّ: ۴۹۱.

۵- تفسير القمّیّ: ۵۸۱، و الآيه فی سوره الزمر: ۶۹.

۶- فی المصدر: يعنی يكون.

۷- الحجّ: ۷۷ و ۷۸.

بَيْتِهِ وَ عِتْرَتِهِ مَا كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنْهُمْ أَحَدٌ فَإِذَا فَنُوا هَلَكَ أَهْلُ الْأَرْضِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله جَعَلَ اللَّهُ النُّجُومَ أَمَاناً لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَ جَعَلَ أَهْلَ بَيْتِي أَمَاناً لِأَهْلِ الْأَرْضِ (١).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَ جاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْراهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ.» اين امتياز مخصوص آل محمّد است. اين آيه نيز «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ» مى‌فرمايد: بر آل محمّد صلى اللَّه عليه و آله «وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ» يعنى آل محمّد گواهان بر مردم بعد از پيامبر اكرم صلى اللَّه عليه و آله مى‌باشند. عيسى بن مريم گفت: «وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً ما دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ» «الرقيب» يعنى گواه، «وَ أَنْتَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ» - . مائده / ١١٧ - {و تا وقتى در ميانشان بودم بر آنان گواه بودم پس چون روح مرا گرفتى تو خود بر آنان نگهبان بودى و تو بر هر چيز گواهى.} خداوند بر اين امت پس از پيامبر اكرم، گواهى از اهل بيتش و عترتش قرار داد تا موقعى كه يكى از آنها در دنيا باشد. وقتى آنها از بين رفتند، اهل زمين هلاك مى شوند. رسول خدا صلى اللَّه عليه و آله فرمود: خداوند ستارگان را امان اهل آسمان قرار داد و اهل بيت مرا امان اهل زمين. - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ۴۴۳ - ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۲۲»

فس، تفسير القمى وَ يَقُولُ الْأَشْهادُ هؤُلاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلى رَبِّهِمْ يَعْنِي بِالْأَشْهَادِ الْأَئِمَّةَ عليهم السلام أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ (٢).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: «وَ يَقُولُ الْأَشْهادُ هؤُلاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلى رَبِّهِمْ» منظور از «الأشهاد» ائمه عليهم السّلام است. «أَلا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» - . هود / ١٨ -

{و گواهان خواهند گفت اينان بودند كه بر پروردگارشان دروغ بستند هان لعنت خدا بر ستمگران باد} حق آل محمّد صلى اللَّه عليه و آله. - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ٣٠٠ -

**[ترجمه]

«۲۳»

ير، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدٍ الْعِجْلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً قَالَ نَحْنُ الْأَئِمَّةُ الْوَسَطُ (٣) وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ (۴).

شى، تفسير العياشى عن بريد مثله (۵)

- یر، بصائر الدرجات ابن یزید و محمد بن الحسین عن ابن أبی عمیر مثله (۶)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: برید عجلی گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً» پرسیدم. فرمود: ما ائمه میانه هستیم و ما گواهان خدا بر خلقش و حجت او در زمینش هستیم. - . بصائر الدرجات: ۱۹ -

تفسیر عیاشی: از برید همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۶۲ -

بصائر الدرجات: ابن ابی عمیر همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۴»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۵»

یر، بصائر الدرجات بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَام عَنْ مَیْمُونٍ الْبَانِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ قَالَ عَدْلًا لِیَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ قَالَ الْأَئِمَّةُ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً قَالَ عَلَی الْأَئِمَّهِ (۸).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: میمون البان از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ» فرمود: عادلانی که گواهان بر مردم باشید. فرمود: ائمه. «وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً» فرمود: بر ائمه. - . بصائر الدرجات: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ

۱- تفسیر القمّیّ: ۴۴۳ و ۴۴۴. و الآیه فی المائده: ۱۱۷.

۲- تفسیر القمّیّ: ۳۰۰ و الآیه فی سوره هود: ۱۸.

۳- فی المصدر: «الأمه الوسط» و فی العیّاشیّ: «الأمه الوسطی» نعم فی طریق محمّد بن الحسین: الأئمّه الوسط.

۴- بصائر الدرجات: ۱۹.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۶۲.

۶- بصائر الدرجات: ۲۴.

۷- بصائر الدرجات: ۲۴.

۸- بصائر الدرجات: ۲۴.

سُلَيْم بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ طَهَّرَنَا وَ عَصَمَنَا وَ جَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ فِي أَرْضِهِ وَ جَعَلَنَا مَعَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَ الْقُرْآنَ مَعَنَا لَا نُفَارِقُهُ وَ لَا يُفَارِقُنَا (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سليم بن قيس از اميرالمؤمنين عليه السّلام نقل كرد كه فرمود: خداوند ما را پاك كرد و معصوم قرار داد و گواهان بر خلقش و حجتش در زمينش و ما را با قرآن و قرآن را با ما قرار داد. ما از او جدا نمی‌شويم و او نيز از ما جدا نمی‌شود. - . بصائر الدرجات: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۷»

ير، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ بُنْدَارَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ قَالَ نَحْنُ الشُّهَدَاءُ عَلَى النَّاسِ بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ مَا ضَيَّعُوا مِنْهُ (۲).

ير، بصائر الدرجات محمد بن عبد الجبار عن محمد بن إسماعيل عن علي بن النعمان عن ابن خارجه مثله (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصير، از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه درباره آيه «وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ» فرمود: ما گواهان بر مردم هستيم به آنچه از حلال و حرام نزد ايشان است و آنچه از آن از بين برده اند. - . بصائر الدرجات: ۲۳ -

بصائر الدرجات: از ابن خارجه همين روايت را نقل كرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۸»

ير، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ فِي كِتَابِ بُنْدَارَ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ كَذلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النَّاسِ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام (۴).

شي، تفسير العياشي عن عمر مثله (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عمر بن حنظله گفت: اين آيه را به حضرت صادق عليه السّلام عرض كردم. فرمود: آنها ائمه هستند. - . بصائر الدرجات: ۲۳ - ۲۴ -

تفسير عياشی: از عمر همين روايت را نقل كرده است. - . تفسير عياشی ۱ : ۶۳ -

**[ترجمه]

«۲۹»

یر، بصائر الـدرجات أَحْمَـدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیـدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَیَّ فِی کُلِّ خَمِیسٍ فَإِذَا کَانَ الْهِلَالُ أُکْمِلَتْ فَإِذَا کَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ عُرِضَتْ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَی عَلِیٍّ علیه السلام ثُمَّ یُنْسَخُ فِی الذِّکْرِ الْحَکِیمِ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمّد حلبی از حضرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: اعمال در هر پنجشنبه هنگامی که هلال کامل شود، بر من عرضه می شود. هنگامی که نیمه شعبان باشد بر پیامبر اکرم و علی مرتضی عرضه می گردد، سپس در ذکر حکیم نسخه برداری می شود. - . بصائر الدرجات: ۱۲۵ - ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۰»

یر، بصائر الدرجات یَعْقُوبُ بْنُ یَزِیدَ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السـلام قَالَ: سُـئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ

۱- بصائر الدرجات: ۲۴.

۲- بصائر الدرجات: ۲۳ فیه: قال: فی کتاب بندار بن عاصم.

۳- بصائر الدرجات: ۱۵۱. فیه: و بما ضیعوا منه.

۴- بصائر الدرجات: ۲۳ و ۲۴.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۶۳.

۶- بصائر الدرجات: ۱۲۵ و ۱۲۶.

قَالَ إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا فَاحْذَرُوا (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: احمد بن عمر از حضرت ابوالحسن نقل کرد که فرمود: درباره آیه پرسیده شد. فرمود: اعمال بندگان نیکوکار و پلیدکار آنها، هر صبح بر پیامبر عرضه می‌شود. پس بپرهیزید. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۱»

یر، بصائر الدرجات الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فُضَيْلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۲)

- یر، بصائر الدرجات عباد بن سلیمان عن سعد بن سعد عن محمد بن الفضیل عن محمد بن مسلم مثله (۳)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

بصائر الدرجات: از محمد بن مسلم همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۲»

شی، تفسیر العیاشی مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام مِثْلَهُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: محمد بن فضیل از ابوالحسن علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۳۳»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الْأَعْمَالُ تُعْرَضُ كُلَّ خَمِيسٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا (۵).

**[ترجمه]بصائرالدرجات: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اعمال هر پنجشنبه بر رسول خدا و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما عرضه می‌شود. - . بصائر الدرجات : ۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۴»

یر، بصائر الدرجات مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَا بْنِ رَزِینٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَعْمَالِ هَلْ تُعْرَضُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ مَا فِیهِ شَکٌّ قُلْتُ لَهُ أَ رَأَیْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَی اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ إِنَّهُمْ شُهُودُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمّد بن مسلم گفت: از حضرت باقر علیه السّلام سؤال کردم: آیا اعمال بر پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله عرضه می شود؟ فرمود: شکی در آن نیست. گفتم: نظرتان درباره آیه «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» چیست؟ فرمود: آنها گواهان خدایند در زمینش. -. بصائر الدرجات : ۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۵»

یر، بصائر الدرجات عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ صَاحِبِهِ (۷) قَالَ: إِنَّ أَعْمَالَ هَذِهِ الْأُمَّهِ تُعْرَضُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی کُلِّ خَمِیسٍ أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا (۸).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن فضیل از صاحب خود -. شاید منظور ابوالحسن علیه السّلام است. -

نقل کرد که گفت: اعمال این امت - نیکوکار و پلیدکار - در هر پنجشنبه بر رسول خدا عرضه می‌شود. -. بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۶»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَی نَبِیِّکُمْ کُلَّ عَشِیَّهِ الْخَمِیسِ فَلْیَسْتَحْیِ أَحَدُکُمْ أَنْ یَعْرِضَ عَلَی نَبِیِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِیحَ (۹).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اعمال بندگان در هر شب پنجشنبه بر پیامبرتان عرضه می‌شود. پس باید حیا کند کسی از شما که عمل زشت بر پیامبرش عرضه شود. -. بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۷»

ير، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مَنْصُورٍ بُزُرْجَ (١٠) عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ

١- بصائر الدرجات: ١٢۶.

٢- بصائر الدرجات: ١٢۶.

٣- بصائر الدرجات: ١٢۶.

۴- تفسير العيّاشيّ ٢: ١٠٩.

۵- بصائر الدرجات: ٢۶.

۶- بصائر الدرجات: ٢۶.

٧- لعل المراد أبو الحسن عليه السلام.

٨- بصائر الدرجات: ١٢۶.

٩- بصائر الدرجات: ١٢۶.

١٠- بزرج معرب: بزرگ أى الكبير.

خَالِدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ کُلَّ خَمِیسٍ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا کَانَ یَوْمُ عَرَفَهَ هَبَطَ الرَّبُّ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَبارَکَ وَ تَعَالَی وَ قَدِمْنا إِلی ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً (۱) فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَعْمَالُ مَنْ هَذِهِ قَالَ أَعْمَالُ مُبْغِضِینَا وَ مُبْغِضِی شِیعَتِنَا (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: سلیمان بن خالد گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: اعمال بندگان هر پنجشنبه بر پیامبر اکرم عرضه می شود. در روز عرفه خدا فرود می‌آید و این آیه اشاره به همان است: «وَ قَدِمْنا إِلی ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً» - . فرقان / ۲۳ -

{و به هر گونه کاری که کرده اند می پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می سازیم.} عرض کردم: فدایت شوم! این اعمال چه کسی است؟ فرمود: اعمال دشمنان ما و دشمنان شیعیانمان. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

بیان

هبوط الرب تعالی کنایه عن تعرضه لأعمال العباد أو إهباط الملائکه لذلک.

**[ترجمه]«هبوط الرّب» کنایه از متعرض شدن او به اعمال بندگان یا فرود آمدن ملائکه برای آن است.

**[ترجمه]

«۳۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُوسَی عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِیِّ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ یَوْمَ الْخَمِیسِ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَی الْأَئِمَّهِ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حفص بن بختری از امام علیه السّلام نقل کرد که فرمود: اعمال در روز پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه عرضه می‌شود. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۳۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَیْدٍ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ أُدَیْمِ بْنِ الْحُرِّ عَنْ مُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُوَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام تُعْرَضُ عَلَیْهِمْ أَعْمَالُ الْعِبَادِ کُلَّ خَمِیسٍ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکَمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» فرمود: او رسول خدا و ائمه علیهم السّلام هستند که اعمال بندگان در هر پنجشنبه بر آنها عرضه می‌شود. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۴۰»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ الْمِیثَمِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۵).

یر، بصائر الدرجات أحمد بن محمد عن الأهوازی عن النضر عن یحیی الحلبی عن عبد الحمید الطائی عن یعقوب بن شعیب المیثمی (۶) عنه علیه السلام مثله (۷).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: میثمی گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره آیه «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» پرسیدم. فرمود: آنها ائمه علیهم السّلام هستند. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

بصائر الدرجات: یعقوب بن شعیب میثمی از حضرت صادق علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۴۱»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ (۸) عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ

ص: ۳۴۵

۱- الفرقان: ۲۳.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۵- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۶- لعله مصحف: یعقوب بن شعیب بن میثم.

۷- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

٨- فی المصدر: أحمد بن موسى.

بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ تُعْرَضُ عَلَيْهِمْ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالرحمن بن كثیر از حضرت صادق علیه السّلام همین روایت را نقل كرده است و در آخر آن افزوده كه: «اعمال بندگان تا روز قیامت هر روز بر آنها عرضه می‌شود.» - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۴۲»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فِی هَذِهِ الْآيَهِ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ نَحْنُ هُمْ (۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن فضیل از حضرت ابوالحسن علیه السّلام درباره این آیه «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» نقل كرد كه فرمود: ما آنها هستیم. - . بصائر الدرجات: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۴۳»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام مِثْلَهُ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: حسین بشار از حضرت ابوالحسن علیه السّلام همین روایت را نقل كرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۴»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ كُلَّ صَبَاحٍ أَبْرَارِهَا وَ فُجَّارِهَا فَاحْذَرُوا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَسَكَتَ (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل كرد كه فرمود: اعمال بندگان نیكوكاران و پلیدكاران هر صبح بر رسول خدا عرضه می‌شود. پس بپرهیزید. و این است فرمایش خدا: «اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» آنگاه سكوت كرد. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

بیان

الضمیر فی قوله أبرارها و فجارها إما راجع إلی الأعمال فأطلق الأبرار و الفجار علیها مجازا أو إلی العباد و قوله فسکت أی عن تفسیر المؤمنین تقیه و فی الکافی لیس قوله وَ الْمُؤْمِنُونَ فالسکوت عن أصل قراءته لا عن تفسیره.

**[ترجمه]ضمیر در سخن امام علیه السّلام «أبرارها و فجارها» یا به اعمال برمی گردد، پس «أبرار و فجار» را بر اعمال مجازا اطلاق کرده است یا به «عباد» برمی گردد. و سخن او «فسکت» یعنی از تفسیر «مؤمنین» به خاطر تقیه و در کافی عبارت «و المؤمنون» نیست، پس سکوت از اصل قرائت آن است نه تفسیر آن.

**[ترجمه]

«۴۵»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ النَّضْرِ عَنْ یُونُسَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ فِی الْأَیَّامِ حِینَ ذَکَرَ یَوْمَ الْخَمِیسِ فَقَالَ هُوَ یَوْمٌ تُعْرَضُ فِیهِ الْأَعْمَالُ عَلَی اللَّهِ وَ عَلَی رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَی الْأَئِمَّهِ علیهم السلام (۵).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: یونس از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرد که شنیدم درباره ایام می‌فرمود: هنگامی که روز پنجشنبه را ذکر کرد، پس فرمود: روزی است که در آن اعمال بر خدا و پیامبر صلی اللّه علیه و آله و ائمه علیهم السّلام عرضه می شود. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۶»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ الْوَشَّاءِ عَنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ

ص: ۳۴۶

۱- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲۶.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲۷. لیس فیه قوله: فسکت.

۵- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکَمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قُلْتُ مَنِ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ مَنْ عَسَی أَنْ یَکُونَ إِلَّا صَاحِبُکَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابو بصیر گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم: در «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»، مؤمنان کیانند؟ فرمود: چه کسی امید دارد که باشد، غیر از صاحب تو؟ - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۷»

یر، بصائر الدرجات إِبْرَاهِیمُ بْنُ هَاشِم عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الزَّیَّاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانٍ الزَّیَّاتِ وَ کَانَ یُکَنَّی عَبْدَ الرِّضَا (۲) قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام ادْعُ اللَّهَ لِی وَ لِأَهْلِ بَیْتِی قَالَ أَ وَ لَسْتُ أَفْعَلُ وَ اللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَکُمْ لَتُعْرَضُ عَلَیَّ فِی کُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَةٍ فَاسْتَعْظَمْتُ ذَلِکَ فَقَالَ أَ مَا تَقْرَأُ کِتَابَ اللَّهِ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ (۳).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابان زیات که مکنّی به عبدالرضا بود گفت: به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: برای من و خانواده ام دعا بفرمایید. فرمود: مگر نمی کنم؟! به خدا قسم اعمال شما در هر شب و روز بر من عرضه می شود. این مطلب به نظرم بزرگ آمد. فرمود: مگر کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید: «قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ»؟ - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۸»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ لِی یَا دَاوُدُ أَعْمَالُکُمْ عُرِضَتْ عَلَیَّ یَوْمَ الْخَمِیسِ فَرَأَیْتُ لَکَ فِیهَا شَیْئاً فَرَّحَنِی وَ ذَلِکَ صِلَتُکَ لِابْنِ عَمِّکَ أَمَا إِنَّهُ سَیُمْحَقُ أَجَلُهُ وَ لَا یَنْقُصُ رِزْقُکَ قَالَ دَاوُدُ وَ کَانَ لِیَ ابْنُ عَمٍّ نَاصِبٌ کَثِیرُ الْعِیَالِ مُحْتَاجٌ فَلَمَّا خَرَجْتُ إِلَی مَکَّةَ أَمَرْتُ لَهُ بِصِلَةٍ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَخْبَرَنِی بِهَذَا (۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: داود رقی گفت: بر حضرت صادق علیه السّلام داخل شدم. به من فرمود: ای داود! اعمال شما روز پنجشنبه بر من عرضه شد. برای تو در آن چیزی دیدم که مرا شاد کرد و آن صله تو نسبت به پسر عمویت بود. بدان که مرگ او نزدیک می‌شود و روزی تو کم نمی‌شود. داود گفت: پسر عموی ناصبی بسیار عیالوار و محتاجی داشتم. زمانی که به سوی مکه خارج شدم، امر کردم برای او به صله‌ای. پس زمانی که بر حضرت صادق علیه السّلام وارد شدم، به من به این خبر داد. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۴۹»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ تُرِیدُ أَنْ تَرْوِیَ عَلَیَّ هُوَ الَّذِی فِی نَفْسِکَ (۵).

شی، تفسیر العیاشی عن زراره مثله (۶)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: زراره گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره این آیه پرسیدم: «قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» فرمود: می‌خواهی از زبان من روایت کنی؟ معنی آیه همان است که در دل توست. -. بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

تفسیر عیاشی: از زراره همین روایت را نقل کرده است. -. تفسیر عیاشی ۲ : ۱۸ -

**[ترجمه]

بیان

أحاله علیه السلام علی ما فی ضمیره من کون المراد بالمؤمنین الأئمه علیهم السلام و لم یذکره له صریحا لئلا یروی ذلک عنه فیثیر فتنه و فیه إشعار بذم زراره و إن أمکن توجیهه.

**[ترجمه]امام علیه السّلام او را ارجاع به آنچه که در نفسش بود، داد که منظور از «مؤمنان»، ائمه است و آن را صریحا برای او ذکر نکرد تا این روایت را از زبان امام علیه السّلام نقل نکند تا فتنه‌ای برانگیزاند. و در این خبر اشاره ای به ذم و سرزنش زراره است، گرچه می توان آن را توجیه کرد.

**[ترجمه]

«۵۰»

یر، بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَهَ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام

ص: ۳۴۷

۱- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۲- فی نسخه: و کان مکینا عند الرضا.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

٥- بصائر الدرجات: ١٢٧.

٦- تفسير العيّاشيّ ٢: ١٨ فيه: ترون.

فِی قَوْلِ اللَّهِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ أَمَّا أَنْتَ لَسَامِعٌ ذَلِکَ مِنِّی لَتَأْتِیَ الْعِرَاقَ فَتَقُولَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام یَقُولُ کَذَا وَ کَذَا وَ لَکِنَّهُ الَّذِی فِی نَفْسِکَ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: زراره از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» نقل کرد که فرمود: آیا تو آن را از من نشنیده ای که به عراق می‌آیی که می گویی از محمد بن علی شنیدم که می‌فرمود چنین و چنان؟ ولی آن همان است که در دل تو است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۵۱»

یر، بصائر الدرجات أَبُو طَالِبٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ حَرِیزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَارَةَ قَالا سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْأَعْمَالِ تُعْرَضُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ مَا فِیهِ شَکٌّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآیَةَ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ شُهَدَاءَ فِی أَرْضِهِ (۲).

یر، بصائر الدرجات یعقوب بن یزید عن محمد بن الحسین عن حماد عن حریز عن محمد بن مسلم مثله (۳)

- یر، بصائر الدرجات السندی بن محمد عن العلا عن محمد بن مسلم مثله (۴)

شی، تفسیر العیاشی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ مَا فِیهِ شَکٌّ قِیلَ لَهُ أَ رَأَیْتَ قَوْلَ اللَّهِ وَ قُلِ اعْمَلُوا إِلَی آخِرِهِ الْخَبَرَ (۵)

**[ترجمه]بصائر الدرجات: محمد بن مسلم و زراره گفتند: از حضرت صادق علیه السّلام از اعمالی که بر رسول خدا عرضه می‌شود پرسیدیم. فرمود: شکی در آن نیست. سپس این آیه را تلاوت کرد: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» فرمود: برای خدا گواهانی در زمینش است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

بصائر الدرجات: حریز از محمد بن مسلم همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

بصائر الدرجات: علا از محمد بن مسلم همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

تفسیر عیاشی: از محمد بن مسلم همین روایت را تا عبارت «شکی در آن نیست» نقل کرده است. به او گفته شد: آیا سخن خدا را دیده‌ای که می فرماید: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» تا آخر آن تا آخر خبر. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۰۸ -

**[ترجمه]

«۵۲»

یر، بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ سَعِيدٍ الزَّيَّاتِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام إِنَّ قَوْماً مِنْ مَوَالِيكَ سَأَلُونِي أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ لَهُمْ فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنِّي لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَعْمَالُهُمْ (۶).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالله بن ابان گفت: به حضرت رضا علیه السّلام عرض کردم: گروهی از دوستداران شما از من خواستند که برای آنها دعا فرمایید. فرمود: به خدا سوگند در هر روز اعمال آنها بر من عرضه می‌شود. - . بصائر الدرجات: - ۱۲۷

**[ترجمه]

«۵۳»

یر، بصائر الدرجات الْهَيْثَمُ النَّهْدِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام وَ كَانَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ شَيْءٌ ادْعُ اللَّهَ لِي وَ لِمَوَالِيكَ فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ (۷) عَلَيَّ فِي كُلِّ خَمِيسٍ (۸).

یر، بصائر الدرجات علی بن إسماعیل عن محمد بن عمرو الزیات عن عبد الله بن أبان مثله (۹).

ص: ۳۴۸

۱- بصائر الدرجات: ۱۲۷ فیه: فتأتی العراق.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۴- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۱۰۸.

۶- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۷- فی نسخه: لتعرض اعمالکم علی فی کل یوم.

۸- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

۹- بصائر الدرجات: ۱۲۷.

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: عبدالله بن ابان گفت: به حضـرت رضا علیه السّـلام در حالی که بین من و ایشان چیزی بود عرض کردم: برای من و دوسـتدارانتان دعا بفرماییـد. فرمود: به خـدا سوگند که در هر پنجشـنبه اعمال شـما بر من عرضه می‌شود. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

بصائر الدرجات: محمد بن عمرو زیات از عبدالله بن ابان همین روایت را نقل کرده است. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷ -

**[ترجمه]

«۵۴»

یر، بصائر الدرجات ابْنُ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِأَصْحَابِهِ حَیَاتِی خَیْرٌ لَکُمْ وَ مَمَاتِی خَیْرٌ لَکُمْ قَالُوا أَمَّا حَیَاتُکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ عَرَفْنَا فَمَا فِی وَفَاتِکَ قَالَ أَمَّا حَیَاتِی فَإِنَّ اللَّهَ یَقُولُ وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ وَ ما کانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ وَ أَمَّا وَفَاتِی فَتُعْرَضُ عَلَیَّ أَعْمَالُکُمْ فَأَسْتَغْفِرُ لَکُمْ (۱).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابن ابی عمیر از گروهی از اصحاب ما، از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: رسول خدا به اصحاب خود فرمود: حیات من برای شما خیر است و مرگ من نیز برای شما خیر است. گفتند: حیاتتان را دانستیم، پس چه چیزی در وفاتتـان است؟ فرمود: امـا حیـات من؛ همانـا خـدا می‌فرمایـد: «وَ ما کانَ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنتَ فِیهِمْ وَ ما کانَ اللّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ.» و امـا وفـات من؛ پس اعمـال شـما بر من عرضه می‌شـود و برایتـان طلب مغفرت می کنم. - . بصـائر الدرجات: ۱۳۱ -

**[ترجمه]

«۵۵»

یر، بصـائر الـدرجات إِبْرَاهِیمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ مَا لَکُمْ تَسُوءُونَ رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَکَیْفَ نَسُوؤُهُ فَقَالَ أَ مَا تَعْلَمُونَ أَنَّ أَعْمَالَکُمْ تُعْرَضُ عَلَیْهِ فَإِذَا رَأَی فِیهَا مَعْصِیَةً سَاءَهُ ذَلِکَ فَلَا تَسُوءُوا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ سُرُّوهُ (۲).

**[ترجمه]بصـائر الـدرجات: سـماعه گفت: از حضـرت صـادق علیه السّـلام شـنیدم که می فرمود: چه شـده که پیـامبر اکرم را ناراحت می‌کنیـد؟ مردی عرض کرد: فدایت شوم! چگونه ما ایشان را ناراحت می کنیم؟ فرمود: مگر نمی دانید که اعمال شـما بر آن جناب عرضه می شود و وقتی معصیتی را مشاهده می کند، او را آزرده می کند؟ پس آن جناب را ناراحت نکنید و او را مسرور کنید. - . بصائر الدرجات: ۱۲۳ -

**[ترجمه]

«۵۶»

یر، بصائر الـدرجات عَلِیُّ بْنُ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبَانٍ الزَّیَّاتُ قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام إِنَّ قَوْماً مِنْ مَوَالِیکَ سَأَلُونِی أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ لَهُمْ قَالَ فَقَالَ وَ اللَّهِ إِنِّی لَأَعْرِضُ أَعْمَالَهُمْ عَلَی اللَّهِ فِی کُلِّ یَوْمٍ (۳).۷

**[ترجمه]بصائر الدرجات: عبدالله بن ابان زیات گفت: به حضـرت رضا علیه السّلام عرض کردم: گروهی از دوستداران شما از من خواستند که برای آنها دعا فرمایید. فرمود: به خدا سوگند من در هر روز اعمال آنها را بر خدا عرضه می‌کنم. - . بصائر الدرجات: ۱۲۷، در آن چنین آمده «در هر روز اعمال آنها بر من عرضه می‌شود.» -

**[ترجمه]

«۵۷»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ نَحْنُ نَمَطُ الْحِجَازِ فَقُلْتُ وَ مَا نَمَطُ الْحِجَازِ قَالَ أَوْسَطُ الْأَنْمَاطِ إِنَّ اللَّهَ یَقُولُ وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً ثُمَّ قَالَ إِلَیْنَا یَرْجِعُ الْغَالِی وَ بِنَا یَلْحَقُ الْمُقَصِّرُ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام شنیدم که می فرمود: ما نمط حجازیم. گفتم نمط حجاز چیست؟ فرمود میانه‌ترین راه‌ها هستیم.

خداوند می فرماید: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً.» سپس فرمود: بازگشت غالی به سوی ما است و مقصر به ما ملحق می‌شود. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۶۳ -

**[ترجمه]

بیان

کأنه کان النمط المعمول فی الحجاز أفخر الأنماط فکان یبسط فی صدر المجلس وسط سائر الأنماط

وَ فِی النِّهَایَهِ فِی حَدِیثِ عَلِیٍّ علیه السلام خَیْرُ هَذِهِ الْأُمَّهِ النَّمَطُ الْأَوْسَطُ.

النمط الطریقه من الطرائق و الضرب من الضروب و النمط الجماعه من الناس أمرهم واحده کره الغلو و التقصیر فی الدین (۵) و

ص: ۳۴۹

۱- بصائر الدرجات: ۱۳۱. و الآیه فی الأنفال.

۲- بصائر الدرجات: ۱۲۳ فیه: تسیئون و فیه: و کیف یسیئون و فیه: فلا تسیئوا.

۳- بصائر الدرجات: ۱۲۷. فیه: محمّد بن علیّ بن سعید الزیات عن عبد اللّه بن ابان و فیه: لتعرض علی فی کل یوم اعمالهم.

۴- تفسير العيّاشيّ ۱: ۶۳.

۵- النهايه ۴: ۱۸۹.

فی القاموس النمط بالتحریک ظهاره فراش ما أو ضرب من البسط و الطریقه و النوع من الشی ء.

**[ترجمه]گویا نمط معمول در حجاز، بهترین نمط‌ها بوده است که در صدر مجلس در وسط سایر نمط‌ها پهن می‌شد. و در النهایه درباره حدیث علی علیه السّلام «خیر هذه الأمه النمط الأوسط» گفته: «النمط» یعنی راهی از راه‌ها و نوعی از انواع. و «النمط» گروهی از مردم هستند که امرشان یکی است، دوست نداشت تندروی و کندروی در دین را. و در قاموس گفته: «النمط» با تحریک یعنی رویه یک فرشی یا نوعی از فرش و راه و نوعی از چیزی.

**[ترجمه]

«۵۸»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی عَمْرٍو الزُّبَیْرِیِّ (۱) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ اللَّهُ وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ عَنَی بِهَذِهِ الْآیَهِ جَمِیعَ أَهْلِ الْقِبْلَهِ مِنَ الْمُوَحِّدِینَ أَ فَتَرَی أَنَّ مَنْ لَا یَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِی الدُّنْیَا عَلَی صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ یَطْلُبُ اللَّهُ شَهَادَتَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَقْبَلُهَا مِنْهُ بِحَضْرَهِ جَمِیعِ الْأُمَمِ الْمَاضِیَهِ کَلَّا لَمْ یَعْنِ اللَّهُ مِثْلَ هَذَا مِنْ خَلْقِهِ یَعْنِی الْأُمَّهَ (۲) الَّتِی وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَهُ إِبْرَاهِیمَ کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ (۳) وَ هُمُ الْأُمَّهُ الْوُسْطَی وَ هُمْ خَیْرُ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ.

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو عمرو زبیری از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند فرمود: «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً.» اگر گمان کردی که خداوند به این آیه تمام اهل قبله از موحدان را قصد کرده است، به نظر تو کسی که شهادتش در دنیا بر یک صاع از خرما جایز نیست، خداوند در روز قیامت شهادت او را طلب می‌کند و در حضور تمام امت های گذشته آن را از قبول می‌کند؟ هرگز چنین چیزی را از خلقش نخواسته است. یعنی آن امتی که دعای ابراهیم برای ایشان ثابت شده، «کُنْتُمْ خَیْرَ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» -. آل عمران / ۱۱۰ -

{شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید} و آنها امت میانه هستند و بهترین امتی که برای مردم پدیدار شدند. -. تفسیر عیاشی ۱ : ۱۰۳ -

**[ترجمه]

«۵۹»

قب، المناقب لابن شهرآشوب عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنْ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ قَالَ نَحْنُ هُمْ.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: عبدالله بن حسین از حضرت زین العابدین علیه السّلام درباره آیه «لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ» نقل کرد که فرمود: ما آنها هستیم.

**[ترجمه]

«۶۰»

وَ فِی خَبَرٍ أَنَّ قَوْلَهُ تَعَالَی هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ فَدَعْوَهُ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ لِآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام فَإِنَّهُ لِمَنْ لَزِمَ الْحَرَمَ مِنْ قُرَیْشٍ حَتَّی جَاءَ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ اتَّبَعَهُ وَ آمَنَ بِهِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَی وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَکُونُ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله شَهِیداً وَ یَکُونُونَ شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ بَعْدَهُ وَ کَذَلِکَ قَوْلُهُ وَ کُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً ما دُمْتُ فِیهِمْ فَلَمَّا تُوُفِّیَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله صَارُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ لِأَنَّهُمْ مِنْهُ (۴).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: در خبری راجع به آیه «هُوَ سَمَّاکُمُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ قَبْلُ» نقل می شود که دعای ابراهیم و اسماعیل به آل محمّد اختصاص دارد، زیرا مربوط به کسانی است از قریش که ساکن مکه بودند، تا زمانی که پیامبر اکرم آمد. آنگاه از او پیروی کردند و ایمان آوردند. اما این آیه «لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً عَلَیْکُمْ»، پیامبر صلی اللّه علیه و آله گواه بر آل محمّد است و آنها گواهان بر مردمند بعد از او. و چنین است این آیه: «وَ کُنْتُ عَلَیْهِمْ شَهِیداً ما دُمْتُ فِیهِمْ»، پس از آنکه پیامبر اکرم وفات نمود، آنها گواهان بر مردم شدند، چون ایشان از او هستند. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۲۷۳ -

**[ترجمه]

«۶۱»

أَبُو الْوَرْدِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ قَالَ نَحْنُ هُمْ.

ص: ۳۵۰

۱- أورده المامقانی فی باب الکنی و قال: لم اقف علی اسمه. اقول: لعله أبو عمر و محمّد بن عمر و بن عبد اللّه بن مصعب بن الزبیر الزبیری ترجمه النجاشیّ فی الفهرست: ۱۵۳.

۲- فی نسخه: بل الأمه.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۶۳. و الآیه فی آل عمران: ۱۱۰.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۲۷۳.

**[ترجمه]ابو الورد از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ» نقل کرد که فرمود: ما آنهاییم.

**[ترجمه]

«۶۲»

بُرَیْدٌ الْعِجْلِیُّ عَنْهُ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسَطُ وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ فِی أَرْضِهِ.

**[ترجمه]برید عجلی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد درباره آیه «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً» فرمود: ما امت میانه هستیم و گواهان بر خلق او و حجتش در زمینش.

**[ترجمه]

«۶۳»

وَ فِی رِوَایَةِ حُمْرَانَ عَنْهُ علیه السلام إِنَّمَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً یَعْنِی عَدْلًا لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً قَالَ وَ لَا یَکُونُ شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ إِلَّا الْأَئِمَّةُ وَ الرُّسُلُ فَأَمَّا الْأُمَّةُ فَإِنَّهُ غَیْرُ جَائِزٍ أَنْ یَسْتَشْهِدَهَا اللَّهُ تَعَالَی عَلَی النَّاسِ وَ فِیهِمْ مَنْ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِی الدُّنْیَا عَلَی حَزْمَةِ بَقْلٍ.

**[ترجمه]و در روایت حمران از امام علیه السّلام آمده است: خداوند آیه «وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً» را نازل کرد، یعنی معتدل، «لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً.» فرمود: گواهان بر مردم غیر از ائمه و پیامبران نیستند. اما امت، جایز نیست که خداوند آنها را بر مردم گواه بگیرد، با اینکه در میان آنها کسانی هستند که شهادت آنها در دنیا بر یک بسته سبزی هم جایز نیست.

**[ترجمه]

«۶۴»

وَ عَنْ عَطَاءِ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ یَقُولُ الْأَشْهادُ قَالَ نَحْنُ الْأَشْهَادُ.

**[ترجمه]و عطاء بن ثابت از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ یَقُولُ الأَشْهَادُ» نقل کرد که فرمود: ما گواهان هستیم.

**[ترجمه]

«۶۵»

وَ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْهُ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ یَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیداً قَالَ نَحْنُ الشُّهُودُ عَلَی هَذِهِ الْأُمَّهِ.

**[ترجمه]ثمالی از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ یَوْمَ نَبْعَثُ مِن کُلِّ أُمَّهٍ شَهِیدًا» نقل کرد که فرمود: ما گواهان بر این امت هستیم.

**[ترجمه]

«۶۶»

وَ عَنْهُ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهِیداً الْآیَهَ قَالَ إِیَّانَا عَنَی (۱).

**[ترجمه]و از ایشان علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «قُلْ کَفَی بِاللّهِ شَهِیدًا» - . رعد / ۴۳ ، اسراء / ۹۶ - {بگو میان من و شما گواه بودن خدا کافی است} فرمود: ما را قصد کرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب: ۳۱۳ - ۳۱۴ -

**[ترجمه]

«۶۷»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ زُرَارَهَ عَنْ بُرَیْدٍ الْعِجْلِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَمُوتُ وَ لَا کَافِرٍ یُوضَعُ فِی قَبْرِهِ حَتَّی یُعْرَضَ عَمَلُهُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ علیه السلام فَهَلُمَّ جَرّاً إِلَی آخِرِ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: برید عجلی گفت: به حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» عرض کردم. فرمود: هیچ مؤمنی نیست که بمیرد و هیچ کافری نیست که در قبرش گذاشته شود، تا اینکه عمل او بر رسول خدا و علی علیه السّلام عرضه می‌شود. پس همین طور ادامه بده تا آخرین کسی که خدا اطاعتش را واجب نمود.

**[ترجمه]

«۶۸»

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]و امام صادق علیه السّلام فرمود: «وَ الْمُؤْمِنُونَ»، آنها ائمه علیهم السّلام هستند. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۶۹»

کا، الکافی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلٍ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ (۴) عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ

۱- مناقب آل أبی طالب: ۳۱۳ و ۳۱۴.

۲- فی المصدر: من فرض اللّه طاعته علی العباد.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۱۰۹.

۴- فی المصدر: سهل بن زیاد عن یعقوب بن یزید عن زیاد القندی.

جِئْنـا بِـكَ عَلی هؤُلاءِ شَـهِيداً قَالَ هَـذَا نَزَلَتْ فِی أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صـلی الله علیه و آله خَاصَّهً فِی كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِنَّا شَاهِـدٌ عَلَيْهِمْ وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله شَاهِدٌ عَلَيْنَا (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: سماعه گفت: حضرت صادق علیه السّلام درباره این آیه فرمود: این فقط درباره امت محمّد نازل شده است. در هر دوره‌ای از ایشان امامی از ما گواه بر آنها است و محمّـد صـلّی الله علیه و آله گواه بر ما است. - . اصول کافی ۱ : ۱۹۰ -

**[ترجمه]

«۷۰»

کا، الكافی أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَـنِیِّ عَنِ الْحُسَـيْنِ بْنِ مَيَّاحٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ (۲) قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عِنْـدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَی اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا هِیَ إِنَّمَا هِیَ وَ الْمَأْمُونُونَ فَنَحْنُ الْمَأْمُونُونَ (۳).

**[ترجمه]اصول کافی: میاح از شخصـی که به او خبر داده بود نقل کرد که گفت: مردی خدمت حضـرت صادق علیه السّلام آیه «قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَی اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» را قرائت کرد. فرمود: آیه این طور نیست، بلکه آن «و المأمونون» است، ما «مأمونون» هستیم. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۴ -

**[ترجمه]

بيان

قـد وردت سـائر الأخبـار المتقـدمه علی القراءه المشـهوره فيمكن أن يكون المعنی هنـا أنه ليس المراد بـالمؤمنين هنـا مـا يقـابل الكـافرين ليشـمل كل مؤمن بل المراد كل المؤمنين (۴) و هم المـأمونون عن الخطـاء المعصومون عن الزلـل و هم الأئمه عليهم السلام و يحتمل أن يكون فی مصحفهم المأمونون و فسروا فی سائر الأخبار القراءه المشهوره بما يوافق قراءتهم عليهم السلام.

**[ترجمه]سـایر اخبـار گذشـته بنا بر قرائت مشـهور بود. ممکن است معنی در اینجا این باشـد که مراد از مؤمنان، آنچه که در مقابـل کافران است نمی‌باشـد تا شامل هر مؤمنی شود، بلکه منظور همه مؤمنان است و آنها مأمون از خطا و معصوم از لغزش و آنها ائمه علیهم السّـلام هسـتند. و شایـد هم در مصـحف ائمه مأمونون باشـد و در سایر اخبار قرائت مشـهور، مطابق قرائت خود تفسیر نمودند.

**[ترجمه]

«۷۱»

کا، الكافی مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَی عَنْ سَـلَمَهَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام فِی

قَوْلِهِ تَعَالَى وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: عبدالرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ شاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ» -. بروج / ۳ -

{و به گواه و مورد گواهی} نقل کرد که فرمود: پیامبر و امیرالمؤمنین علیهما السّلام هستند. -. اصول کافی ۱ : ۴۲۵ -

**[ترجمه]

«۷۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَى الْحَسَنُ بْنُ أَبِي الْحَسَنِ الدَّيْلَمِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَها سائِقٌ وَ شَهِيدٌ قَالَ السَّائِقُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ الشَّهِيدُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۶).

أقول: قد مضت الأخبار الکثیره فی ذلک فی کتاب المعاد و کتاب تاریخ النبی صلی الله علیه و آله.

ص: ۳۵۲

۱- أصول الکافی ۱: ۱۹۰.

۲- الحدیث بعد الرساله و ضعفه بابن میاح مخالف لمذهب الإمامیّه بظاهره.

۳- أصول الکافی ۱: ۴۲۴.

۴- هکذا فی النسخ، و لعلّ الصحیح: بعض المؤمنین.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۲۵.

۶- کنز جامع الفوائد، ۳۰۹ و الآیه فی سوره ق: ۲۱.

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ جاءَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَعَها سائِقٌ وَ شَهِیدٌ» -. ق / ۲۱ - {و هر کسی می آید [در حالی که] با او سوق دهنده و گواهی دهنده ای است} نقل کرد که فرمود: «سائق» امیرالمؤمنین و شهید پیامبر اکرم است. -. کنز الفوائد: ۳۰۹ -

مؤلف: اخبار زیادی در این باره در «کتاب معاد» و «کتاب تاریخ النبی صلّی الله علیه و آله» گذشت.

**[ترجمه]

«۷۳»

مُحَاسَبَهُ النَّفْسِ، لِلسَّیِّدِ عَلِیِّ بْنِ طَاوُسٍ نَقْلًا مِنْ کِتَابِ تَفْسِیرِ الْقُرْآنِ لِابْنِ عُقْدَهَ وَ کِتَابِ الدَّلَائِلِ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ وَ تَفْسِیرِ مَا نَزَلَ فِی أَهْلِ الْبَیْتِ علیهم السلام لِمُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَرْوَانَ بِأَسَانِیدِهِمْ إِلَی یَعْقُوبَ بْنِ شُعَیْبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ قَالَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام.

**[ترجمه]محاسبه النفس: سید علی بن طاوس به نقل از کتاب «تفسیر القرآن» ابن عقده و کتاب «الدلایل» عبدالله بن جعفر حمیری و تفسیر «ما نزل فی اهل البیت» محمد بن عباس بن مروان به اسانیدشان به یعقوب بن شعیب که گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ» پرسیدم. فرمود: آنها ائمه علیهم السّلام هستند.

**[ترجمه]

«۷۴»

وَ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بِإِسْنَادِهِمَا إِلَی بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَهَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ هَذِهِ الْآیَهِ قَالَ إِیَّانَا عَنَی.

**[ترجمه]و از ابن عقده و محمد بن عباس به اسنادشان به برید بن معاویه نقل کرد که گفت: از حضرت صادق درباره این آیه پرسیدم. فرمود: ما را قصد نموده است.

**[ترجمه]

«۷۵»

وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ طَرِیقِ الْجُمْهُورِ إِلَی أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ أَنَّ عَمَّاراً قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَدِدْتُ أَنَّکَ عُمِّرْتَ فِینَا عُمُرَ نُوحٍ علیه السلام فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَمَّارُ حَیَاتِی خَیْرٌ لَکُمْ وَ وَفَاتِی لَیسَ بِشَرٍّ لَکُمْ أَمَّا حَیَاتِی (۱) فَتُحَدِّثُونَ وَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ وَ أَمَّا بَعْدَ وَفَاتِی فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَحْسِنُوا الصَّلَاهَ عَلَیَّ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِی فَإِنَّکُمْ تُعْرَضُونَ عَلَیَّ بِأَسْمَائِکُمْ وَ

أَسْـمَاءِ آبَائِكَمْ فَإِنْ يَكَنْ خَيْرٌ (۲) حمِـدْتُ اللَّهَ وَ إِنْ يَكَنْ سِوَى ذَلِکَ اسْـتَغْفَرْتُ اللَّهَ (۳) لِـذُنُوبِکَمْ فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ وَ الشُّكَّاکُ وَ الَّذِينَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ* يَزْعُمُ أَنَّ الْأَعْمَالَ تُعْرَضُ عَلَيْهِ بَعْـدَ وَفَاتِهِ بِأَسْـمَاءِ الرِّجَالِ وَ أَسْـمَاءِ آبَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ إِلَى قَبَائِلِهِمْ إِنَّ هَـذَا لَهُوَ الْإِفْکُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَـيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَقِيلَ لَهُ وَ مَنِ الْمُؤْمِنُونَ فَقَالَ عَامَّةٌ وَ خَاصَّةٌ أَمَّا الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ فَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله الْأَئِمَّةُ عليهم السلام (۴) ثُمَّ قَالَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ مِنْ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَهٍ.

وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ أَخْبَارَ جَمَاعَهٍ فِی ذَلِکَ (۵).

ص: ۳۵۳

۱- فی المصدر: و اما فی حیاتی فتحدثون و استغفر اللّه لکم.

۲- فی المصدر: و أسماء آبائکم و قبائلکم و ان یکن خیرا.

۳- فی المصدر: استغفر اللّه لکم.

۴- فی المصدر: و الأئمّه علیهم السلام منهم.

۵- محاسبه النفس: ۱۲۶- ۱۲۹.

**[ترجمه]و از محمد بن عباس به اسناد خود از طریق جمهور سند را به ابو سعید خدری می رساند که عمار گفت: یا رسول اللَّه! دوست داشتم میان ما به اندازه عمر نوح عمر می‌کردی. پیامبر اکرم فرمود: ای عمار! زندگی من برای شما خیر است و فوت من هم برای شما شر نیست. اما در زندگی من اگر بدعتی از شما سرزند، من برایتان استغفار می کنم و اما پس از درگذشتم، از خدا بپرهیزید و درود نیکو بر من و اهل بیتم بفرستید و شما با نام‌هایتان و نام پدرانتان بر من عرضه می شوید؛ اگر خوب باشد خدا را حمد می کنم و اگر غیر از این باشد، برای گناهانتان استغفار می کنم. پس منافقان و اشخاص شکاک و بیماردلان گفتند: گمان می‌کند اعمال پس از فوتش با اسم‌های مردان و اسم های پدرانشان و انسابشان و قبیله‌های آنها بر او عرضه می شود. این یک بهتان است. خداوند این آیه را نازل کرد: «وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ.» از ایشان پرسیده شد: «مؤمنون» کیانند؟ فرمود: مؤمنان به طور کلی یا مؤمنان به طور خاص؟ اما کسانی که خدا فرمود «وَ الْمُؤْمِنُونَ»، پس آنها آل محمّد و ائمه علیهم السّلام از آنها هستند. سپس فرمود: «وَ سَتُرَدُّونَ إِلى عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»، از اطاعت و معصیت.

و محمّد بن عباس روایت های گروهی را در این مورد نقل کرده است. -. محاسبه النفس: ۱۲۶ - ۱۲۹ -

**[ترجمه]

باب ۲۱ تأويل المؤمنين و الإيمان و المسلمين و الإسلام بهم و بولايتهم عليهم السلام و الكفار و المشركين و الكفر و الشرك و الجبت و الطاغوت و اللات و العزى و الأصنام بأعدائهم و مخالفيهم

الأخبار

«۱»

قب، المناقب لابن شهرآشوب يَزِيدُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: فِي قَوْلِ اللَّهِ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً قَالَ بِالْوَلَايَهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ (۱).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: یزید بن عبدالملک از حضرت زین العابدین علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً» -. بقره / ۹۰ - {وه که به چه بد بهایی خود را فروختند که به آنچه خدا نازل کرده بود از سر رشک انکار آوردند} فرمود: یعنی به ولایت بر امیرالمؤمنین و اوصیاء از فرزندانش. -. مناقب ابن شهر آشوب ۱ : ۲۴۴ -

**[ترجمه]

«۲»

فس، تفسير القمی فَالَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ يَعْنِي آلَ مُحَمَّدٍ عليهم السلام وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ يَعْنِي أَهْلَ الْإِيمَانِ مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَه (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» یعنی آل محمّد، «وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ» - . عنکبوت / ۴۷ - {پس آنان که بدیشان کتاب داده ایم بدان ایمان می آورند و از میان اینان کسانی اند که به آن می گروند} یعنی اهل ایمان از اهل قبله. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۹۷ -

**[ترجمه]

بیان

قیل المراد ب فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ مؤمنو أهل الکتاب و قیل المسلمون الذین أوتوا القرآن و تأویله علیه السلام یوافق الثانی.

**[ترجمه]گفته شده منظور از «فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ» مؤمنان اهل کتاب هستند و گفته شده مراد مسلمانان هستند که قرآن به آنها داده شده و تأویل امام علیه السّلام مطابق قول دوم است.

**[ترجمه]

«۳»

فس، تفسیر القمی لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَهَذِهِ الْآیَهُ لِآلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ إِذْ بَعَثَ فِیهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» - . آل عمران / ۱۶۴ -

{به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت.} این آیه به آل محمّد صلی اللّه علیه و آله اختصاص دارد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۱۱ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المراد تفسیر المؤمنین بالأئمه علیهم السلام لدلاله قوله تعالی مِنْ أَنْفُسِهِمْ علی غایه اختصاصه صلی الله علیه و آله بهم علیهم السلام و هذا أقرب مما تکلفه المفسرون قال البیضاوی مِنْ أَنْفُسِهِمْ أی من نسبهم أو جنسهم عربیا مثلهم لیفهموا کلامه بسهوله و یکونوا واقفین علی حاله فی الصدق و الأمانه مفتخرین به و قرئ عن أنفسهم أی من أشرفهم لأنه کان صلی الله علیه و آله من أشرف قبائل العرب و بطونهم انتهی (۴).

۱- مناقب آل أبی طالب ۱: ۲۴۴ فیه: (من الولایه) و الآیه فی سوره البقره: ۹.

۲- تفسير القمّيّ: ۴۹۷ و الآيه فى سوره العنكبوت: ۴۸.

۳- تفسير القمّيّ: ۱۱۱. و الآيه فى آل عمران: ۱۶۴.

۴- تفسير البيضاوى ۱: ۲۴۲.

أقول: تلك القراءه يؤيد هذا التأويل و ما ذكره أولا مدخول بأن المؤمنين غير مقصورين على العرب.

**[ترجمه]شايد منظور تفسير «مؤمنان» بـه ائمـه عليهم السّـلام است، به دليـل اين قسـمت آيه «مِنْ أَنْفُسِـهِمْ» به جهت كمـال اختصاص پيامبر به آنها. و اين تفسير نزديك تر است از تفسيرى كه مفسران با زحمت در مورد آيه نموده اند. بيضاوى گفته: «مِنْ أَنْفُسِـهِمْ» يعنى از نسب يـا جنس آنهـاماننـد آنها عرب بود تا سـخنش را به آسانى بفهمنـد و بر حال او در صـدق و امانت واقف باشند، راست و افتخار به وجودش نمايند، و به اين صورت نيز خوانده شده «عَن أَنْفُسِهِمْ»، يعنى از شريف‌ترين آنها، زيرا پيامبر اكرم از شريف ترين قبايل عرب و بطون آنها بود. (پايان نقل قول) - . تفسير بيضاوى ۱ : ۲۴۲ -

مؤلف: اين قرائت مؤيد اين تأويل است، اما آنچه در اول ذكر كرده صحيح نيست، زيرا مؤمنان منحصر به عرب نيستند.

**[ترجمه]

«۴»

فس، تفسير القمى يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ أَتْبَعْنَاهُمْ ذُرِّيَّاتِهِمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّاتِهِمْ (۱) قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الذُّرِّيَّةُ الْأَئِمَّةُ وَ الْأَوْصِيَاءُ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَ لَمْ تَنْقُصْ ذُرِّيَّتُهُمْ مِنَ الْحُجَّهِ الَّتِي جَاءَ بِهَا مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله فِي عَلِيٍّ عليه السلام وَ حُجَّتُهُمْ وَاحِدَةٌ وَ طَاعَتُهُمْ وَاحِدَةٌ وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ ما أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْ ءٍ أَيْ مَا نَقَصْنَاهُمْ (۲).

**[ترجمه]تفسير على بن ابراهيم قمى: عبدالرحمن بن كثير از حضـرت صادق عليه السّلام درباره آيه «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمانٍ أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» {و كسانى كه گرويده و فرزندانشان آنها را در ايمان پيروى كرده اند فرزندانشان را به آنان ملحق خواهيم كرد} نقـل كرد كه فرمود: كسـانى كه به پيامبر و اميرالمؤمنين و ذريه او - ائمه و اوصيـاء - ايمان آوردنـد، ذريه آنها را به ايشان ملحق مى كنيم و ذريه آنها از حجتى كه حضـرت محمّد درباره على عليه السّـلام آورد، كم نكرد. حجت آنها يكى و طـاعت ايشـان نيز يكى است. و على بن ابراهيم دربـاره اين آيه «وَ مـا أَلَتْناهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَـيْ ءٍ» - . طور / ۲۱ - {و چيزى از كار[ها]شان را نمى كاهيم} مى گويد: يعنى كم نمى كنيم از ايشان. - . تفسير على بن ابراهيم قمى: ۶۴۹ - ۶۵۰ -

**[ترجمه]

بيان

المشهور بين المفسرين

أن الآيه نزلت فى أطفال المؤمنين يلحقهم الله بآبائهم فى الجنه و روى ذلك عن الصادق عليه السلام.

و ما ورد فى هذا الخبر بطن من بطون الآيه.

**[ترجمه]مشهور بین مفسران این است که آیه درباره اطفال مؤمنان نازل شده است که خداوند آنها را به پدرانشان در بهشت ملحق می کند. همین مطلب از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده، آنچه در این خبر ذکر شد یکی از بطون آیه است.

**[ترجمه]

«۵»

شی، تفسیر العیاشی عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِی قَوْلِهِ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ أَمَّا قَوْلُهُ قُولُوا فَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام لِقَوْلِهِ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: مفضل بن صالح از بعضی اصحابش درباره آیه «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ» - . بقره / ۱۳۶ -

{بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده ایمان آورده ایم} نقل کرد که اما این قسمت آیه «قُولُوا»، آنها آل محمّدند، به دلیل این آیه: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا.» - . تفسیر عیاشی ۱ : ۶۱ - ۶۲ -

**[ترجمه]

«۶»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ سَلَّام عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا قَالَ عَنَی (۴) بِذَلِکَ عَلِیّاً وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ جَرَتْ بَعْدَهُمْ فِی الْأَئِمَّهِ علیهم السلام

ص: ۳۵۵

۱- هکذا فی الکتاب و مصدره إلّا ان فی النسخه المطبوعه من المصدر: اتبعتهم و الآیه فی المصحف الشریف هکذا: و الذین آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم و الاختلاف اما من النسّاخ، او الآیه نقل معناها.

۲- تفسیر القمّیّ: ۶۴۹ و ۶۵۰ فیه: ما أنقصناهم و الآیه فی سوره الطور: ۲۱.

۳- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۶۱ و ۶۲، و الآیتان فی سوره البقره: ۱۳۶ و ۱۳۷ فی المصدر: فقد اهتدوا سائر الناس.

۴- فی المصدر: انما عنی.

قالَ ثُمَّ رَجَعَ الْقَوْلُ مِنَ اللَّهِ فِی النَّاسِ فَقَالَ فَإِنْ آمَنُوا یَعْنِی النَّاسَ بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ یَعْنِی عَلِیّاً وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ بَعْدِهِمْ علیهم السلام فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ فِی شِقاقٍ (۱).

کا، الکافی محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن الحسن بن محمد عن الحسن بن محبوب عن محمد بن النعمان عن سلام بن عمره عنه علیه السلام مثله (۲)

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: سلام از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا» فرمود: از آن علی و فاطمه و حسن و حسین را قصد کرده است و در مورد سایر ائمه علیهم السّلام بعد از ایشان نیز جاری است. آنگاه سخن را از خدا به مردم برگرداند و فرمود: «فَإِنْ آمَنُوا» یعنی مردم، «بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ» یعنی علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه پس از آنها. «فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ فِی شِقاقٍ» - . بقره / ۱۳۷ - {پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند قطعا هدایت شده اند ولی اگر روی برتافتند، جز این نیست که سر ستیز [و جدایی] دارند.} - . تفسیر عیاشی ۱ : ۶۲ -

اصول کافی: سلام بن عمره از امام علیه السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۵ - ۴۱۶ -

**[ترجمه]

بیان

ذکر المفسرون أن الخطاب فی قوله قُولُوا للمؤمنین لقوله فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ و ضمیر آمنوا للیهود و النصاری و تأویله علیه السلام یرجع إلی ذلک لکن خص الخطاب بکمل المؤمنین الموجودین فی ذلک الزمان ثم یتبعهم من کان بعدهم من أمثالهم کما فی سائر الأوامر المتوجهه إلی الموجودین فی زمانه علیه السلام الشامله لمن بعدهم و هو أظهر من توجه الخطاب إلی جمیع المؤمنین بقوله تعالی وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا لأن الإنزال حقیقه و ابتداء علی النبی صلی الله علیه و آله و علی من کان فی بیت الوحی و أمر بتبلیغه و لأنه قرن بما أنزل علی إبراهیم و إسماعیل و سائر النبیین فکما أن المنزل إلیهم فی قرینه هم النبیون و المرسلون ینبغی أن یکون المنزل إلیهم أولا أمثالهم و أضرابهم من الأوصیاء و الصدیقین فضمیر آمنوا راجع إلی الناس غیرهم من أهل الکتاب و قریش و غیرهم قوله علیه السلام عنی بذلک أی بضمیر قُولُوا و إن سقط من الثانی لذکره فی الأول و التصریح به فیه و إن أمکن أن یکون إشاره إلی ضمیری منا و إلینا و المآل واحد و علی تفسیره علیه السلام یدل علی إمامتهم و جلالتهم علیهم السلام و کون المعیار فی الاهتداء متابعتهم فی العقائد و الأعمال و الأقوال و أن من خالفهم فی شی ء من ذلک فهو من أهل الشقاق و النفاق.

**[ترجمه]مفسران در مورد خطاب «قُولُوا» گفته‌اند مؤمنان هستند، به دلیل این قسمت آیه: «فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ.» و ضمیر «آمَنُوا» برای یهود و نصارا است و تأویل امام علیه السّلام بازگشت به همین مطلب دارد، جز اینکه خطاب را به کامل ترین فرد مؤمنان موجود در آن زمان اختصاص داد. آنگاه به دنبال ایشان هر کس که پس از آنها از امثالشان بود، می‌آید. چنان چه سایر دستوراتی که خطاب متوجه افراد موجود در زمان او علیه السّلام است، آیندگان را هم شامل می شود و آن

اظهر است از توجه خطاب به تمام مؤمنان به دليل آيه: «وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْنا»، چون نازل كردن، واقعا و در ابتدا بر پيامبر صلى اللَّه عليه و آله و كسى كه در خانه وحى بود و امر به تبليغ آن شد، بود. و نيز به دليل اينكه همراه شده با اين قسمت {و آنچه نازل كرديم بر ابراهيم و اسماعيل و ساير پيامبران} همان طور كه كسانى كه بر آنها نازل شده در اين قسمت آيه آنها انبيا و فرستاده شدگان هستند، بايد در قسمت اول هم كسانى كه بر ايشان نازل شده، نظير آنها باشند از قبيل اوصيا و صديقان. پس ضمير «آمَنوا» به مردم غير از آنها برمى گردد از قريش و اهل كتاب و غير اين ها. سخن امام عليه السّلام «عنى بذلك» يعنى به ضمير «قُولُوا» و اگر چه از دومى ساقط شده، به خاطر ذكر آن در اول و تصريح به آن در آن، و اگرچه ممكن است اشاره به دو ضمير «آمَنَّا» و «إِلَيْنا» باشد و نتيجه يكى است. و بنا بر تفسير امام عليه السّلام آيه دلالت بر امامت و جلالت مقام آنها دارد و اينكه معيار در هدايت يافتن، متابعت ائمه است در عقايد و اعمال و گفتار. و اينكه هر كس با آنها مخالفت بورزد در يك قسمت از آنچه ذكر شد، از شقاوتمندان و منافقان خواهد بود.

**[ترجمه]

«۷»

فس، تفسير القمى الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ ظُهَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْدَانَ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِى قَوْلِهِ إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ

ص: ۳۵۶

۱- تفسير العيّاشىّ ۱: ۶۲.

۲- أصول الكافى ۱: ۴۱۵ و ۴۱۶.

كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ يَقُولُ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ بِوَلَايَةِ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِ كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرَكْ بِهِ مَنْ لَيْسَتْ لَهُ وَلَايَةٌ تُؤْمِنُوا بِأَنَّ لَهُ وَلَايَةً (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: محمّد بن حمدان از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَ إِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» - . غافر / ۱۲ - {چون خدا به تنهایی خوانده می شد کفر می ورزیدید و چون به او شرک آورده می شد آن را باور می کردید. پس [امروز] فرمان از آن خدای والای بزرگ است} نقل کرد که می‌فرماید: وقتی خدا به تنهایی یاد شود با ولایت کسی که امر به ولایت او کرده کافر می شوید و اگر شریک او قرار دهد کسی را که ولایت ندارد ایمان می آورید که او دارای ولایت است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۸۴ -

**[ترجمه]

بیان

لما كان الایتمام بمن لم یأمر الله بالایتمام به محاده لله تعالی أولت فی الأخبار الكثیره آیات الشرک بالله بالشرک فی الولایه فی بطن القرآن و نظیره فی القرآن كثیر كقوله تعالی أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ (۲) و قوله اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ (۳) و أمثالهما.

**[ترجمه]چون اعتقاد به امامت کسی که خدا امر به امامت او نکرده مخالفت با خدا است، به همین جهت در اخبار زیادی، آیات شرک به خدا در بطن قرآن به شرک در ولایت تأویل شده است و نظیر این در قرآن زیاد است، مانند آیه «أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ» - . یس / ۶۰ -

{که شیطان را مپرستید.} و آیه «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» - . توبه / ۳۱ -

{اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند.} و امثال این دو.

**[ترجمه]

«۸»

شی، تفسیر العیاشی عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَ نُوحاً هَدَيْنا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ إِلَى قَوْلِهِ أُولئِكَ الَّذِينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ إِلَى قَوْلِهِ بِها بِكافِرِينَ (۴) فَإِنَّهُ مَنْ وَكَّلَ بِالْفُضَّلِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ الْإِخْوَانِ وَ الذُّرِّيَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ إِنْ يَكْفُرْ بِهِ أُمَّتُكَ يَقُولُ فَقَدْ وَكَّلْتُ أَهْلَ بَيْتِكَ بِالْإِيمَانِ الَّذِي أَرْسَلْتُكَ بِهِ فَلَا يَكْفُرُونَ بِهِ أَبَداً وَ لَا أُضِيعُ الْإِيمَانَ الَّذِي أَرْسَلْتُكَ بِهِ وَ جَعَلْتُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ بَعْدَكَ عُلَمَاءَ مِنْكَ وَ وُلَاةَ أَمْرِي بَعْدَكَ وَ أَهْلَ اسْتِنْبَاطِ عِلْمِي الَّذِي لَيْسَ فِيهِ كَذِبٌ وَ لَا إِثْمٌ وَ لَا وِزْرٌ وَ لَا بَطَرٌ وَ لَا رِيَاءٌ (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ثمالی از حضرت باقر نقل کرد که فرمود: خداوند در کتابش فرمود: «وَ نُوحاً هَدَيْنا مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ

ذُرِّيَّتِهِ داوُدَ» {و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داود} تا «أُولئِکَ الَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ» {آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم} تا «بِها بِکافِرِینَ.» - . انعام / ۸۴ - ۸۹ -

کسانی از اهل بیت پیامبر و برادران و ذریه اش که فضل به آنها داده شد و این سخن خداست. اگر امت به آن کافر شدند، می‌فرماید ایمانی که تو را به آن فرستادم را برای اهل بیت قرار دادم که هرگز به آن کافر نمی شوند و ایمانی که تو را به آن فرستادم را ضایع نمی‌کنم و از خاندان تو بعد از تو عالمانی از تو و متولیان امرم بعد از تو و اهل استنباط علم خود قرار دادم که در آن دروغ و گناه و تبهکاری و سرمستی و ریا وجود ندارد. - . تفسیر عیاشی ۱ : ۳۶۹ -

**[ترجمه]

«۹»

شی، تفسیر العیاشی عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ لا تَتَّخِذُوا إِلهَیْنِ اثْنَیْنِ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ یَعْنِی بِذَلِکَ وَ لَا تَتَّخِذُوا إِمَامَیْنِ إِنَّمَا هُوَ إِمَامٌ وَاحِدٌ (۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابو بصیر گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که می فرمود: «لا تَتَّخِذُوا إِلهَیْنِ اثْنَیْنِ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ» - . نحل / ۵۱ - {دو معبود برای خود مگیرید، جز این نیست که او خدایی یگانه است} منظور این است که دو امام برای خود نگیرید. همانا امام یکی است. - . تفسیر عیاشی ۲ : ۲۶۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو بَصِیرٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ

ص: ۳۵۷

۱- تفسیر القمّیّ ص ۵۸۴ و الآیه فی سوره غافر: ۱۲.

۲- یس: ۶۰.

۳- التوبه: ۳۱.

۴- الأنعام: ۸۴- ۸۹.

۵- تفسیر العیّاشیّ ۱: ۳۶۹ فیه: علماء امتک و فیه: علم الدین الذی.

۶- تفسیر العیّاشیّ ۲: ۲۶۱. و الآیه فی النحل: ۵۱ بدون العاطف.

مِثْلُكَمْ يُوحى إِلَيَّ أَنَّما إِلهُكَمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسَلِّمُونَ (۱) الْوَصِيَّهَ لِعَلِيٍّ علیه السلام بَعْدِی نَزَلَتْ (۲) مُشَدَّدَهً.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابو بصیر از حضرت صادق درباره آیه «إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» - . در مصدر و در قرآن سوره انبیا آیه ۱۰۸ این گونه است: «قُلْ إِنَّمَا یُوحَی إِلَیَّ أَنَّمَا إِلَهُکُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ». {بگو جز این نیست که به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است پس آیا مسلمان می شوید.} - نقل کرد که فرمود: نسبت به وصیتی که درباره علی علیه السّلام بعد از خود نمودم، «مُسْلِمُونَ» با تشدید نازل شده است.

**[ترجمه]

«۱۱»

الْبَاقِرُ علیه السلام فِی قِرَاءَهِ عَلِیٍّ علیه السلام وَ هُوَ التَّنْزِیلُ الَّذِی نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسَلِّمُونَ (۳) الْوَصِیَّهَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْإِمَامِ بَعْدَهُ (۴).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: حضرت باقر علیه السّلام درباره قرائت علی علیه السّلام که آن قرآنی است که جبرئیل بر حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله نازل کرد: «فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» - . بقره / ۱۳۲ -

{پس البته نباید جز مسلمان بمیرید} وصیت به رسول خدا و امام بعد از او. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۲۰۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ قَالَ علیه السلام غَیْرَ التَّسْلِیمِ لِوَلَایَتِنَا (۵).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْإِسْلامِ دِیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرِینَ» - . آل عمران / ۸۵ -

{و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است} فرمود: هر کس تسلیم به ولایت ما نباشد. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۰۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

وَ عَنْهُ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ یَعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ

الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ بُغْضُنَا لِمَنْ خَالَفَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَالَفَنَا (۶).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: از امام صادق علیه السّلام نیز نقل کرد که درباره این آیه فرمود: «حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ» یعنی امیرالمؤمنین علیه السّلام، «وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ» - . حجرات / ۷ - {خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت} بغض ما نسبت به کسی که با پیامبر و با ما مخالفت کرد. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۴»

وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ عَنَی بَنِی عَبْدِ الْمُطَّلِبِ (۷).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: و از ابن عباس نقل کرد درباره آیه: «أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» - . جاثیه / ۲۱ - {آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند} فرمود: فرزندان عبدالمطلب را قصد کرده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۴۴ -

**[ترجمه]

«۱۵»

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی إِنَّ الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ إِلَی قَوْلِهِ راجِعُونَ (۸) نَزَلَتْ فِی عَلِیٍّ علیه السلام ثُمَّ جَرَتْ فِی الْمُؤْمِنِینَ وَ شِیعَتِهِ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا (۹).

۱- هکذا فی الکتاب، و الصحیح کما فی المصدر و المصحف الشریف سوره الأنبیاء: ۱۰۸قل انما یوحی إلی انما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون.

۲- أی مسلمون.

۳- البقره: ۱۳۲.

۴- مناقب آل أبی طالب ۳: ۲۰۷.

۵- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۰۳. و الآیه فی سوره آل عمران: ۸۵.

۶- مناقب آل أبی طالب: ۳: ۳۴۳ و الآیه فی سوره الحجرات: ۸.

۷- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۴۴. و الآیه فی سوره الجاثیه: ۲۱.

۸- المؤمنون: ۵۷- ۶۰ و الصحیح: ان الذین هم.

۹- مناقب آل أبی طالب ۳: ۴۸۵.

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: و از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که آیه «إِنَّ الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ» {در حقیقت کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند} تا «راجِعُونَ» - . مؤمنون / ۵۷ - ۶۰ -

درباره حضرت علی نازل شده، سپس در مورد مؤمنان و شیعه او که آنها مؤمنان واقعی هستند، جاری است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۴۸۵ -

**[ترجمه]

«۱۶»

نی، الغیبه للنعمانی الْکُلَیْنِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللَّهِ قَالَ هُمْ أَوْلِیَاءُ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ اتَّخَذُوهُمْ أَئِمَّهً دُونَ الْإِمَامِ الَّذِی جَعَلَهُ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَاماً وَ کَذَلِکَ قَالَ وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّهَ لِلَّهِ جَمِیعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعَذابِ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ وَ قالَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا کَرَّهً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ کَما تَبَرَّؤُا مِنَّا الْآیَهَ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام هُمْ وَ اللَّهِ یَا جَابِرُ أَئِمَّهُ الظُّلْمِ وَ أَشْیَاعُهُمْ (۱).

**[ترجمه]غیبت نعمانی: عمرو بن ثابت از جابر نقل کرد که گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللَّهِ» {و برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی [برای او] برمی گزینند و آنها را چون دوستی خدا دوست می دارند} پرسیدم. فرمود: آنها دوستداران فلان و فلان هستند که ایشان را امام خود قرار داده اند، در مقابل امامی که خدا او را برای مردم امام قرار داد. و همچنین فرمود: «وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّهَ لِلَّهِ جَمِیعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعَذابِ * إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ * وَ قالَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا کَرَّهً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ کَما تَبَرَّؤُا مِنَّا» - . بقره / ۱۶۵ - ۱۶۷ - {کسانی که [با برگزیدن بت ها به خود] ستم نموده اند، اگر می دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو[ها] از آن خداست و خدا سخت کیفر است، آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد و پیروان می گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم} تا آخر آیه. آنگاه امام باقر علیه السّلام فرمود: ای جابر! به خدا قسم آنها ائمه ظلم و پیروان ایشان هستند. - . غیبت نعمانی: ۶۴ -

**[ترجمه]

بیان

المشهور بین المفسرین أن المراد بالأنداد الأوثان و قال السدی هم رؤساؤهم الذین یطیعونهم طاعه الأرباب کما فسره علیه السلام و یؤیده ضمیر یُحِبُّونَهُمْ قال الطبرسی و قوله یُحِبُّونَهُمْ علی هذا القول الأخیر أدل لأنه یبعد أن یحبوا الأوثان کحب الله مع علمهم بأنها لا تضر و لا تنفع و یدل أیضا علیه قوله إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا (۲).

و الإمام علیه السلام إنما استشهد بهذا الوجه لأنه قد یقع إرجاع ضمیر ذوی العقول علی الأصنام و إن کان علی خلاف الأصل.

و قال الطبرسی معنی حبهم حب عبادتهم أو القرب إلیهم أو الانقیاد لهم أو جمیع ذلک کحب الله أو کحب المؤمنین لله أو کحب المشرکین له أو کالحب الواجب علیهم لله (۳).

و بعد ذلک فی القرآن وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ قال یعنی حب المؤمنین فوق حب هؤلاء لإخلاصهم العباده من الشرک و لعلمهم بأنه المنعم علیهم و المربی لهم و لعلمهم بالصفات العلی و الأسماء الحسنی و أنه الحکیم الخبیر

۱- غیبه النعمانیّ ص ۶۴، و الآیات فی البقره: ۱۶۵- ۱۶۷.

۲- مجمع البیان ۱: ۲۴۹.

۳- مجمع البیان ۱: ۲۴۹.

الذی لا مثل له و لا نظیر.

أقول: علی تفسیره علیه السلام یحتمل أن یکون المراد کحب أولیاء الله و خلفائه و کذا قوله أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ لما ورد فی الأخبار أن الله خلطهم بنفسه فجعل طاعتهم طاعته و معصیتهم معصیته و نسب إلی نفسه سبحانه ما ینسب إلیهم وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا أی یبصروا و قیل یعلموا و قرأ نافع و ابن عامر و یعقوب بالتاء فالخطاب عام أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعاً ساد مسد مفعولی یری و جواب لو محذوف و قیل هو متعلق الجواب و المفعولان محذوفان و التقدیر و لو یری الذین ظلموا أندادهم لا تنفع لعلموا أن القوه لله جمیعا.

و أقول یحتمل أن یکون المراد أن القوه لأولیاء الله کما مر إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا بدل من إِذْ یَرَوْنَ و رأوا العذاب حال بإضمار قد و الأسباب الوصل الذی کانت بینهم من الاتباع و الإنفاق فی الدین و الأغراض الداعیه إلی ذلک لَوْ أَنَّ لَنا کَرَّةً أی رجعه إلی الدنیا و هو (۱) للتمنی حَسَراتٍ عَلَیْهِمْ أی ندامات و یدل الخبر علی کفر المخالفین و خلودهم فی النار.

**[ترجمه]مشهور بین مفسران این است که منظور از «انداد» بت‌ها است. و سدی گفت آنها رؤسایی هستند که از ایشان اطاعت می کنند، مانند اطاعت اربابان، همان طور که امام علیه السّلام آن را تفسیر کرد و ضمیر «یُحِبُّونَهُمْ» آن را تأیید می کند. و طبرسی گوید: «یُحِبُّونَهُمْ» بنا بر این قول اخیر، بهترین دلیل است، زیرا بعید است که بت‌ها را مانند دوست داشتن خدا دوست بدارند، با اینکه می دانند آنها ضرر و نفعی ندارند و این آیه نیز بر آن دلالت می‌کند «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا.» -. مجمع البیان ۱ : ۲۴۹ - و امام علیه السّلام استشهاد به این وجه نمود برای اینکه گاهی ضمیر ذوی العقول به بت‌ها نیز نسبت داده می شود، گر چه خلاف اصل است. و مرحوم طبرسی گفته: دوست داشتن آنها یعنی علاقه به عبادت ایشان یا قرب به ایشان است یا مطیع بودن نسبت به آنها یا همه این وجوه، مانند دوست داشتن خدا یا دوست داشتن مؤمنان خدا را یا حب مشرکان نسبت به او یا حب واجب بر آنها نسبت به خدا. -. مجمع البیان ۱ : ۲۴۹ -

و بعد از آن در قرآن این آیه است: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» -. بقره / ۱۶۵ - {ولی کسانی که ایمان آورده اند به خدا محبت بیشتری دارند} فرمود: یعنی حب مؤمنان بالاتر از حب آنها است، چون عبادت آنها خالص از شرک است و به خاطر علم آنها به اینکه خدا نعمت دهنده به آنها و تربیت کننده ایشان است و به خاطر علم آنها به صفات عالی و اسمای حسنی و اینکه او حکیم و خبیری است که نظیر و مانندی ندارد.

مؤلف: بنا بر این تفسیر امام علیه السّلام شاید منظور مانند حب اولیای خدا و خلفای پیامبر باشد و همچنین این قسمت آیه «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»، زیرا در اخبار وارد شده که خداوند آنها را قرین خویش قرار داد و اطاعت آنها اطاعت خود و معصیت ایشان معصیت خود قرار داد و آنچه را که به ایشان نسبت داده می‌شود را به خود نسبت داد. «وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا» یعنی ببینند و گفته شده بدانند، و نافع و ابن عامر و یعقوب با تاء خوانده‌اند. پس خطاب عام است. «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعاً» به جای دو مفعول «یَرَی» آمده است و جواب «لَوْ» محذوف است و گفته شده آن متعلق جواب است و دو مفعول آن حذف شده است و تقدیر این است: «وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا أَندادَهُم لا تَنفَع لَعَلِموا أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعاً»

مؤلف: شاید منظور این است که قدرت برای اولیای خدا است، چنان چه گذشت. «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا» بدل از «إِذْ یَرَوْنَ» است

و «وَ رَأَوُا الْعَذابَ» حال است با تقدير «قَد» و اسباب وصلى كه بين آنها بود، از پيروى و انفاق در دين و اغراض دعوت كننده به آن. «لَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً» يعنى رجعت به دنيا و «لَوْ» براى تمنّى است. «حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ» - . بقره / ۱۶۷ -

{كه بر آنان مايه حسرت هاست}، يعنى پشيمانى‌ها و روايت بر كفر مخالفان و جاودانگى ايشان در آتش دلالت مى كند.

**[ترجمه]

«۱۷»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعَلَوِيِّ (۲) عَنْ عِيسَى بْنِ دَاوُدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا يَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً قَالَ مُؤْمِنٌ بِمَحَبَّةِ آلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ مُبْغِضٌ لِعَدُوِّهِمْ (۳).

ص: ۳۶۰

۱- فى نسخه: و «لو» للتمنى.

۲- كنز جامع الفوائد: ۱۵۹ و ۱۶۰. فيه: «محمّد بن حماد عن أحمد بن إسماعيل العلوى عن عيسى بن داود عن أبى الحسن موسى به جعفر عن أبيه صلوات اللّه عليهم.

۳- كنز جامع الفوائد: ۲۰۷ قال: سمت ابى يقول و رجل يسأله عن قول اللّه عزّ و جلّ: « يومئذ لا تنفع الشفاعه إلا من اذن له الرحمن ورضى له قولا » قال : لا ينال شفاعه محمد الا من اذن له بطاعه آل محمد ورضى قولا وعملا فيهم فحى على مودتهم ومات عليها فرضى الله قوله وعمله فيهم ، ثم قال : « وعنت الوجوه للحى القيوم وقد خاب من حمل ظلما ».آل محمد : كذا نزلت ، ثم قال : « ومن يعمل اه » أقول : الايات فى سوره طه : ۱۰۹ _ ۱۱۲ قوله : « ظلما آل محمد » لعله مصحف ظلما من آل محمد ، وقوله : كذا نزلت أى كذا اريد من الايه وقد سبق نظائرها.

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود از موسی بن جعفر از پدر خود علیهم السّلام درباره آیه «وَ مَنْ یَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلاـ یَخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْـماً» - . طه / ۱۱۲ - {و هر کس کارهای شایسته کند در حالی که مؤمن باشد نه از ستمی می هراسد و نه از کاسته شدن [حقش]} فرمود: مؤمن به محبت آل محمّد صلی اللّه علیه و آله و مبغض دشمن ایشان باشد. - . کنز الفوائد: ۲۰۷، فرمود: از پدرم شنیدم که در حالی که مردی درباره آیه «یَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَهُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِیَ لَهُ قَوْلًا» از او می‌پرسید، فرمود: شفاعت محمّد نمی‌رسد مگر به کسی که به او اذن داده شده باشد به اطاعت آل محمّد، و سخن و عمل او را درباره ایشان پسندیده باشد. پس زندگی کرده بر مودت ایشان و بر مودت ایشان هم مرده است. پس خدا قول و عمل او را درباره ایشان پسندید. سپس فرمود: «وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَ قَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا آل محمّد» چنین نازل شده است. سپس فرمود «وَ مَن یَعْمَلْ.» مؤلف: آیات در سوره طه است ۱۰۹ - ۱۱۲. سخن او «آل محمّد» شاید تصحیف «ظُلْمًا من آل محمّد» و عبارت «چنین نازل شده است»، یعنی این گونه از آیه اراده شده و نظایر آن قبلا آمد. -

**[ترجمه]

بیان

الهضم النقص.

**[ترجمه]«الهضم» یعنی نقص.

**[ترجمه]

«۱۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَی عَلِیُّ بْنُ أَسْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ الْجَعْفَرِیِّ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ قَالَ أَیْ إِمَامُ هُدًی مَعَ إِمَامِ ضَلَالٍ فِی قَرْنٍ وَاحِدٍ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابوالجارود از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ» - . نمل / ۶۱ -

{آیا معبودی با خداست [نه] بلکه بیشترشان نمی دانند} نقل کرد که فرمود: یعنی امام هدایت کننده با امام گمراهی در یک دوره باشند. - . کنز الفوائد: ۲۰۷، و معنی روایت این است که همان طور که جایز نیست خدایی با خداوند متعال باشد، همچنین جایز نیست که امام هادی با امام گمراهی از طرف خدا در یک دوره باشند، زیرا هدایت و ضلالت از طرف خدا در یک زمان جمع نمی‌شوند. -

**[ترجمه]

«۱۹»

كنز، كنز جامع الفوائـد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام (٢) قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَا عَلِيُّ مَا بَيْنَ مَنْ يُحِبُّكَ وَ بَيْنَ أَنْ يَرَى مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنَاهُ (٣) إِلَّا أَنْ يُعَايِنَ الْمَوْتَ ثُمَّ تَلَا رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ يَعْنِي إِنَّ أَعْدَاءَنَا إِذَا دَخَلُوا النَّارَ قَالُوا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحاً فِي وَلَايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ فِي عَدَاوَتِهِ فَيُقَالُ لَهُمْ فِي الْجَوَابِ أَ وَ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ ما يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جاءَكُمُ النَّذِيرُ وَ هُوَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فَذُوقُوا فَما لِلظَّالِمِينَ لِآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله مِنْ نَصِيرٍ يَنْصُرُهُمْ وَ لَا يُنَجِّيهِمْ مِنْهُ وَ لَا يَحْجُبُهُمْ عَنْهُ (۴).

**[ترجمه]كنز الفوائد: على بن جعفر از برادر خود موسى بن جعفر، از آباء گرام خود، از اميرالمؤمنين عليهم السّلام نقل كرد كه پيامبر اكرم به من فرمود: يا على! بين كسى كه به تو محبت مى ورزد و بين اينكه ببيند آنچه را كه چشم هايش را روشن مى كند نيست، مگر اينكه با مرگ روبرو گردد. بعد اين آيه را قرائت نمود: «رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ»، يعنى دشمنان ما وقتى داخل جهنم مى شوند، مى گويند: خدايا! ما را خارج كن تا عمل صالحى كه در ولايت على عليه السّلام است انجام دهيم، غير از آنچه كه در دشمنى او مى كرديم. در جواب ايشان گفته مى شود: «أَ وَ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ ما يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جاءَكُمُ النَّذِيرُ» و او پيامبر است، «فَذُوقُوا فَما لِلظَّالِمِينَ» آل محمّد، «مِنْ نَصِيرٍ» - . فاطر / ٣٧ - {پروردگارا ما را بيرون بياور تا غير از آنچه مى كرديم كار شايسته كنيم مگر شما را [آن قدر] عمر دراز نداديم كه هر كس كه بايد در آن عبرت گيرد عبرت مى گرفت و [آيا] براى شما هشداردهنده نيامد پس بچشيد كه براى ستمگران ياورى نيست} كه آنها را يارى كند و آنها را از آن نجات ندهد و ايشان را از آن نپوشاند. - . كنز الفوائد: ٢٥۴ -

**[ترجمه]

«٢٠»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَنْتُمُ الَّذِينَ

ص: ٣۶١

١- كنز جامع الفوائد: ٢٠٧ و الآيه فى سوره النمل: ۶١، و معنى الحديث انه كما لا يجوز أن يكون اله مع اللّه كذلك لا يجوز أن يكون امام هدى معم امام ضلال من اللّه تعالى فى قرن واحد، لان الهدى و الضلاله لا يجتمعان من اللّه فى زمن من الزمان.

٢- فى المصدر: «محمّد بن سهل العطّار عن عمر بن عبد الجبار عن أبيه عن علىّ بن الحسين عن أبيه عن على صلوات اللّه عليهم أجمعين» أقول: لعل الصحيح: عمر بن عبد الجبار عن أبيه عن علىّ بن جعفر عن اخيه موسى عن أبيه جعفر بن محمّد عن محمّد بن على عن على ابن الحسين.

٣- فى المصدر. ما بين من يحبك و بين ان يقر عيناه.

۴- كنز جامع الفوائد: ٢٥۴. و الآيه فى سوره فاطر: ٣٧.

اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوها وَ مَنْ أَطَاعَ جَبَّاراً فَقَدْ عَبَدَهُ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام، از پدر خود نقل کرد که فرمود: شمایید که از پرستش طاغوت اجتناب ورزیدید. هر کس ستمگری را اطاعت کند، او را پرستیده است. - . کنز الفوائد: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۲۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ (۲) عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَمِعْتُ صَامِتاً بَيَّاعَ الْهَرَوِيِّ وَ قَدْ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْمُرْجِئَةِ فَقَالَ صَلِّ مَعَهُمْ وَ اشْهَدْ جَنَائِزَهُمْ وَ عُدْ مَرْضَاهُمْ وَ إِذَا مَاتُوا فَلَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا عِنْدَهُمْ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِنَا إذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حنان بن سدیر از پدرش نقل کرد که گفت: از صامت بیاع هروی شنیدم که از حضرت باقر علیه السلام راجع به مرجئه پرسید. فرمود: با آنها نماز بخوان و در تشییع جنازه‌های آنها حاضر شو و از مریضانشان عیادت کن، اما اگر مردند برای آنها طلب مغفرت نکن، زیرا وقتی اسم ما پیش آنها برده می شود، دل‌هایشان متنفر می‌شود، ولی موقعی که دیگران را یاد می‌شوند، شادمان می گردند. - . کنز الفوائد: ۲۷۱ -

**[ترجمه]

بیان

قوله علیه السلام فإنا إذا ذکرنا إلخ تأویل لقوله تعالی وَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۴) و الاشمئزاز الانقباض و النفره.

**[ترجمه]سخن امام علیه السّلام «فإنا إذا ذکرنا» تا آخر تأویل آیه «وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ إِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» - . زمر / ۴۵ -

{و چون خدا به تنهایی یاد شود دل های کسانی که به آخرت ایمان ندارند منزجر می گردد و چون کسانی غیر از او یاد شوند بناگاه آنان شادمانی می کنند} است، و «الإشمئزاز» یعنی گرفتگی و نفرت.

**[ترجمه]

«۲۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ مُسْلِمٍ (۵) عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ

اللَّهِ الْمُحَمَّدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَفْطَسِ عَنْ أَبِی مُوسَی الْمَشْرِقَانِیِّ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَهُ وَ حَضَرَهُ قَوْمٌ مِنَ الْکُوفِیِّینَ فَسَأَلُوهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ فَقَالَ لَیْسَ حَیْثُ تَذْهَبُونَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَیْثُ أَوْحَی إِلَی نَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ یُقِیمَ عَلِیّاً علیه السلام لِلنَّاسِ عَلَماً انْدَسَّ إِلَیْهِ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ فَقَالَ أَشْرِکْ فِی وَلَایَتِهِ (۶) حَتَّی یَسْکُنَ النَّاسُ إِلَی قَوْلِکَ وَ یُصَدِّقُوکَ فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ (۷) شَکَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِلَی جَبْرَئِیلَ فَقَالَ إِنَّ النَّاسَ یُکَذِّبُونِّی وَ لَا یَقْبَلُونَ مِنِّی فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۶۹.

۲- فی المصدر محمّد بن الحسینی و لعلّ الصحیح: جعفر بن محمّد الحسنی، کما یأتی.

۳- کنز جامع الفوائد: ۲۷۱.

۴- الزمر: ۴۵.

۵- فی المصدر: عبید بن سالم و فیه: المشرفانی.

۶- فی المصدر: اشرک فی ولایته الأول و الثانی.

۷- المائده: ۶۷.

لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ (۱) فَفِی هَـذَا نَزَلَتْ هَـذِهِ الْآیَهُ وَ لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَبْعَثَ رَسُولًا إِلَی الْعَالَمِ وَ هُوَ صَاحِبُ الشَّفَاعَهِ فِی الْعُصَاهِ یَخَافُ أَنْ یُشْرِکَ بِرَبِّهِ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْثَقَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَنْ یَقُولَ لَهُ لَئِنْ أَشْرَکْتَ بِی وَ هُوَ جَاءَ بِإِبْطَالِ الشِّرْکِ وَ رَفْضِ الْأَصْنَامِ وَ مَا عُبِدَ مَعَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا عَنَی تُشْرِکُ فِی الْوَلَایَهِ مِنَ الرِّجَالِ فَهَذَا مَعْنَاهُ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو موسی مشرقانی گفت: من در خدمت امام علیه السّلام بودم. گروهی از کوفی ها حضور داشتند و از این آیه سؤال کردنـد: «لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ.» فرمود: آن طور که شـما فکر می‌کنیـد، نیست. وقتی خداوند به پیامبرش وحی کرد که علی علیه السـلام را برای مردم به عنوان پیشوا تعیین کند، معاذ بن جبل مخفیانه به سوی پیامبر آمد و گفت: اولی و دومی را بـا علی علیه السّـلام در خلافت شـریک بگردان تـا مردم به گفتار شـما دلگرم شونـد و تو را تصـدیق نماینـد. وقتی خداوند این آیه را نازل کرد: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ» - . مائده / ۶۷ -

{ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن} حضـرت رسول به جبرئیل شکایت کرد و فرمود: مردم مرا تکذیب می کنند و از من نمی پذیرند. خداوند این آیه را نازل کرد: «لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ وَ لَتَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِینَ» - . زمر / ۶۵ - {اگر شـرک ورزی، حتما کردارت تباه و مسـلما از زیانکاران خواهی شـد.} آیه در این مورد نازل شده است. امکان ندارد که خدا پیامبری را برای جهان بفرسـتد در حالی که او نسبت به گناهکاران صاحب شفاعت است، آن وقت بترسد از اینکه مشـرک به خـدایش شود. رسول خـدا در نزد خـدا مطمئن تر از این بود که به او بگویـد «اگر به من شـرک ورزی»، با اینکه او برای از بین بردن شـرک و ترک بت‌ها و آنچه که با خـدا عبادت می‌شـد آمد، و همانا منظورش این بود که اشـخاص دیگری را در ولایت شریک کنی و این معنی آن است. - . کنز الفوائد: ۲۷۴ -

**[ترجمه]

بیان

الدس الإخفاء و الدسیس من تدسه لیأتیک بالأخبار.

**[ترجمه]«الدس» یعنی مخفی کردن و «الدسیس» یعنی کسی که او را مخفی می‌کنی تا برایت خبرها را بیاورد.

**[ترجمه]

«۲۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رُوِیَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ یَزِیدَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السـلام قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ یَعْنِی بَنِی أُمَیَّهَ هُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ثُمَّ قَالَ الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ یَعْنِی الرَّسُولَ وَ الْأَوْصِیَاءَ مِنْ بَعْدِهِ علیه السـلام یَحْمِلُونَ عِلْمَ اللَّهِ ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یَعْنِی الْمَلَائِکَهَ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ... وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا (۳) وَ هُمْ شِیعَهُ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام یَقُولُونَ رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تـابُوا مِنْ وَلَایَهِ هَؤُلَاءِ وَ بَنِی أُمَیَّهَ وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَ هُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السـلام وَ قِهِمْ عَـذابَ الْجَحِیمِ رَبَّنا وَ

أَدْخِلْهُـمْ جَنَّاتِ عَـدْنٍ الَّتِی وَعَـدْتَهُمْ وَ مَـنْ صَـلَحَ مِـنْ آبـائِهِمْ وَ أَزْواجِهِـمْ وَ ذُرِّیّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ قِهِمُ السَّیِّئـاتِ وَ السَّیِّئَاتُ بَنُو أُمَیَّهَ وَ غَیْرُهُمْ وَ شِـیعَتُهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یَعْنِی بَنُو أُمَیَّهَ یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَـکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمانِ فَتَکْفُرُونَ ثُمَّ قَالَ ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ وَ إِنْ یُشْرَکْ بِهِ یَعْنِی بِعَلِیٍّ علیه السلام تُؤْمِنُوا أَیْ إِذَا ذُکِرَ إِمَامٌ غَیْرُهُ تُؤْمِنُوا بِهِ فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبِیرِ (۴).

ص: ۳۶۳

۱- الزمر: ۶۵.

۲- کنز جامع الفوائد: ۲۷۴ فیه: و انما عنی بشرک من الرجال فی ولایه من الرجال.

۳- فیه تلخیص، و الآیه هکذا: «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا».

۴- کنز جامع الفوائد: ۲۷۷. و الآیات فی سوره غافر، ۷- ۱۲.

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت: حضرت باقر علیه السّلام درباره «وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَى الَّذِینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ» {و بدین سان فرمان پروردگارت درباره کسانی که کفر ورزیده بودند به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود} فرمود: منظور بنی امیه هستند که کافر شدند و اهل آتشند. بعد فرمود: «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ»، منظور پیامبر اکرم و اوصیای بعد از اویند که حامل علم خدایند. سپس فرمود: «وَ مَنْ حَوْلَهُ» یعنی ملائکه، «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» و آنها شیعه آل محمّدند. می گویند «رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا» از ولایت این ها و بنی امیه، «وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ» و او امیرالمؤمنین علیه السّلام است، «وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِیمِ * رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ * وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ» - . غافر / ۶ - ۹ - {کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند و آنها که پیرامون آنند به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند. پروردگارا رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد. کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار. پروردگارا آنان را در باغ های جاوید که وعده شان داده ای با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده اند داخل کن، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی و آنان را از بدی ها نگاه دار.} و «سیئات» بنی امیه و غیر آنها و پیروان ایشان است. بعد فرمود: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی بنی امیه، «یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِیمانِ فَتَکْفُرُونَ» - . غافر / ۱۰ -

{کسانی که کافر بوده اند مورد ندا قرار می گیرند که قطعا دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت تر است، آنگاه که به سوی ایمان فرا خوانده می شدید و انکار می ورزیدید.} سپس فرمود: «ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ» به ولایت علی، «وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ وَ إِن یُشْرَکْ بِهِ» یعنی به علی، «تُؤْمِنُوا» یعنی زمانی که امامی غیر از او ذکر شود به او ایمان می آورید، «فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبِیرِ» - . غافر / ۱۲ -

{این [کیفر] از آن روی برای شماست که چون خدا به تنهایی خوانده می شد کفر می ورزیدید و چون به او شرک آورده می شد، آن را باور می کردید. پس [امروز] فرمان از آن خدای والای بزرگ است.} - . کنز الفوائد: ۲۷۷ -

**[ترجمه]

«۲۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره عَنْ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ بِأَنَّ لِعَلِیٍّ وَلَایَهً وَ إِنْ یُشْرَکْ بِهِ مَنْ لَیْسَتْ لَهُ وَلَایَهٌ تُؤْمِنُوا فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبِیرِ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: حسن بن حسین از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ» نقل کرد که فرمود: به اینکه برای علی ولایت است «وَ إِن یُشْرَکْ بِهِ» کسی را که ولایت ندارد، «تُؤْمِنُوا فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبِیرِ.» - . کنز الفوائد: ۲۷۷ -

**[ترجمه]

«۲۵»

وَ رَوَى الْبَرْقِيُّ أَيْضاً عَنِ ابْنِ أُذَيْنَهَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْحَسَنِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَقَالَ فَأَجَابَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى ذلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ وَ أَهْلُ الْوَلَايَهِ كَفَرْتُمْ بِأَنَّهُ كَانَتْ لَهُمْ وَلَايَهٌ وَ إِنْ يُشْرَكْ بِهِ مَنْ لَيْسَتْ لَهُ وَلَايَهٌ تُؤْمِنُوا و إن (بِأَنَ لَهُ وَلَايَهً) (۲) فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ (۳).

**[ترجمه]كنز الفوائد: زید بن الحسن گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» - . غافر / ۱۱ - {می گویند پروردگارا دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی} پرسیدم. فرمود: خدا به آنها پاسخ داد: «ذلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ» و اهل ولایت، «كَفَرْتُمْ» به اینکه ولایت داشتند، «وَ إِن يُشْرَكْ بِهِ» کسی را که ولایت ندارد، «تُؤْمِنُوا» و اینکه او ولایت دارد، «فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ.» - . كنز الفوائد: ۲۷۷ - ۲۷۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

قَالَ وَ رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ قَالَ يَعْنِي الْمَلَائِكَهَ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَعْنِي شِيعَهَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام رَبَّنا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تابُوا مِنْ وَلَايَهِ الطَّوَاغِيتِ الثَّلَاثَهِ وَ مِنْ بَنِي أُمَيَّهَ وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ يَعْنِي وَلَايَهَ عَلِيٍّ علیه السلام وَ هُوَ السَّبِيلُ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى (۴) وَ قِهِمُ السَّيِّئاتِ يَعْنِي الثَّلَاثَهَ وَ مَنْ تَقِ السَّيِّئاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَعْنِي بَنِي أُمَيَّهَ يُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمانِ يَعْنِي إِلَى وَلَايَهِ عَلِيٍّ علیه السلام وَ هِيَ الْإِيمَانُ فَتَكْفُرُونَ (۵).

۱- كنز جامع الفوائد: ۲۷۷. و الآيه في سوره غافر: ۱۲.

۲- في المخطوطه: (بان له ولايه) و في المصدر: من ليست لهم ولايه «تؤمنوا» و ان لم يكن لهم ولايه.

۳- كنز جامع الفوائد ۲۷۷- ۲۷۸. و الآيتان في سوره غافر: ۱۱ و ۱۲.

۴- في المخطوطه: و قوله.

۵- كنز جامع الفوائد: ۲۷۸ و الآيات في غافر: ۷- ۱۰.

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر بن یزید گفت: از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ» پرسیدم. فرمود: یعنی ملائکه، یعنی «یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا» یعنی شیعه محمّد و آل محمّد، «رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تابُوا» از ولایت طاغوت‌های سه گانه و بنی امیه، «وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ» یعنی ولایت علی و او راه است، و این است فرمایش خداوند متعال «وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ» یعنی آن سه تا، «وَ مَن تَقِ السَّیِّئَاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ» - ۲. غافر / ۹ -

{و آنان را از بدی ها نگاه دار و هر که را در آن روز از بدی ها حفظ کنی، البته رحمتش کرده ای.} و آیه «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی بنی امیه، «یُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِن مَّقْتِکُمْ أَنفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإِیمَانِ» یعنی به ولایت علی و آن ایمان است، «فَتَکْفُرُونَ.» - . کنز الفوائد: ۲۷۸ -

**[ترجمه]

«۲۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها قَالَ هِیَ الْوَلَایَهُ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به آیه «فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها» - . روم / ۳۰ - {پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است} پرسیدم. فرمود: آن، ولایت است. - . کنز الفوائد: ۲۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَنُذِیقَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِتَرْکِهِمْ وَلَایَهَ عَلِیٍّ علیه السلام عَذاباً شَدِیداً فِی الدُّنْیا وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی کانُوا یَعْمَلُونَ فِی الْآخِرَهِ ذلِکَ جَزاءُ أَعْداءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِیها دارُ الْخُلْدِ جَزاءً بِما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ وَ الْآیَاتُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: خداوند فرمود: «فَلَنُذِیقَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا» با ترک ایشان ولایت علی علیه السّلام را، «عَذاباً شَدِیداً» در دنیا، «وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِی کانُوا یَعْمَلُونَ» در آخرت، «ذلِکَ جَزاءُ أَعْداءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِیها دارُ الْخُلْدِ جَزاءً بِما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ» - . فصلت / ۲۷ - ۲۸ - {و قطعا کسانی را که کافر شده اند عذابی سخت می چشانیم و حتما آنها را به بدتر از آنچه می کرده اند جزا می دهیم. آری سزای دشمنان خدا همان آتش است

که در آن منزل همیشگی دارند. [این] جزا به کیفر آن است که نشانه های ما را انکار می کردند} و «آیات»، ائمه علیهم السّلام هستند. - . کنز الفوائد: ۲۷۹ -

**[ترجمه]

«۲۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ زِيَادٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْخُرَاسَانِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِی حَبِيبٍ النَّسَّاجِيِّ (۳) عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً قَالَ نَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ فِی كِتَابِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَرَعَ لَكُمْ يَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسی وَ عِيسی أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَا آلَ مُحَمَّدٍ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وَلَايَهِ عَلِيٍّ علیه السلام اللَّهُ يَجْتَبِی إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِی إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ أَیْ مَنْ يُجِيبُكَ إِلَی وَلَايَهِ عَلِيٍّ علیه السلام (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو عبداللّه از پدر خود، از حضرت زین العابدین علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً» فرمود: ما کسانی هستیم که خداوند دینش را برای ما در کتاب خود تشریح کرده است. همین معنی منظور شده از آیه «شَرَعَ لَكُمْ» ای آل محمّد! «مِنَ الدِّينِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسی وَ عِيسی أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» ای آل محمّد! «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» از ولایت علی علیه السّلام، «اللَّهُ يَجْتَبِی إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدِی إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» - . شوری / ۱۳ - {از [احکام] دین آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی گران می آید. خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی گزیند و هر که را که از در توبه درآید به سوی خود راه می نماید} یعنی کسی که تو را درباره ولایت علی علیه السّلام اجابت می کند. - . کنز الفوائد: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۳۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْقَصَبَانِيِّ عَنِ ابْنِ

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۲۴: فیه: (محمّد بن العباس قال: حدّثنا أحمد بن الحسن المالکی عن محمّد بن عیسی عن الحسن بن سید) و الآیه فی الروم: ۳۰.

۲- کنز جامع الفوائد: ۲۷۹ و الآیتان فی سوره فصلت: ۲۷ و ۲۸.

٣- فى نسخه: النتاجى و فى أخرى الناجى و فى المصدر: النشاجى و لعل الصحيح: النباجى، و الرجل هو ناجيه بن أبى عماره أبو حبيب الصيداوى الأسدى.

۴- كنز جامع الفوائد: ٢٨۴. و الآيه فى الشورى: ١٣.

أَبِی نَجْرَانَ قَالَ: کَتَبَ الرِّضَا عَلَیْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ إِلَی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ وَ أَقْرَأَنِیهَا رِسَالَهً قَالَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام نَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِدِینِ اللَّهِ وَ نَحْنُ الَّذِینَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِینَهُ فَقَالَ فِی کِتَابِهِ شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ یَا آلَ مُحَمَّدٍ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً فَقَدْ وَصَّانَا بِمَا وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ یَا مُحَمَّدُ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ مُوسی وَ عِیسی فَقَدْ عَلَّمَنَا وَ بَلَّغْنَا مَا عَلَّمَنَا وَ اسْتَوْدَعَنَا (۱) فَنَحْنُ وَرَثَهُ الْأَنْبِیَاءِ وَ نَحْنُ وَرَثَهُ أُولِی الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ یَا آلَ مُحَمَّدٍ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ وَ کُونُوا عَلَی جَمَاعَهٍ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ مِنْ وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَا مُحَمَّدُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ مَنْ یُجِیبُکَ إِلَی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن ابی نجران گفت: حضرت رضا علیه السّلام به عبدالله بن جندب نامه نوشت و مرا به خواندن آن واداشت. فرمود: علی بن الحسین علیهما السّلام فرمود: ما شایسته ترین مردم به خداییم و ما شایسته‌ترین مردم به دین خدا هستیم و ما کسانی هستیم که خدا دینش را برای ما تشریح نمود. پس در کتاب خود فرمود «شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ» ای آل محمّد! «ما وَصَّی بِهِ نُوحاً» ما را به آنچه که به نوح وصیت کرد، وصیت نمود، «وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ» ای محمّد! «وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ» و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، «وَ مُوسی وَ عِیسی» پس دانستیم و رساندیم آنچه را که دانستیم و نزد ما به امانت گذاشت. پس ما وارثان انبیا و پیامبران اولوالعزم هستیم، «أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ» ای آل محمّد! «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ» متحد باشید، «کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ» از ولایت علی علیه السّلام. همانا «اللَّهُ» ای محمّد!

«یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ» کسی که تو را درباره ولایت علی اجابت می‌کند. -. کنز الفوائد: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

بیان

فی المصحف ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی و کذا فی الکافی أیضا و کأنه زید ما بینهما هنا من النساخ.

**[ترجمه]در قرآن «ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی» و در کافی نیز چنین است، و گویا مابین آن دو در اینجا از جانب نساخ اضافه شده است.

**[ترجمه]

«۳۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بِشْرٍ (۳) قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَنَفِیَّهِ علیه السلام إِنَّمَا حُبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ شَیْ ءٌ یَکْتُبُهُ اللَّهُ فِی أَیْمَنِ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ کَتَبَهُ اللَّهُ فِی قَلْبِهِ لَا یَسْتَطِیعُ أَحَدٌ مَحْوَهُ أَ مَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَی یَقُولُ أُولئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمانَ فَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ الْإِیمَانُ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: علی بن محمّد بن بشیر گفت: محمّد بن حنفیه گفت: حب ما اهل بیت چیزی است که خدا در قسمت راست قلب مؤمن می‌نویسد و قلب هر کسی را که خداوند آن را در قلبش نوشت، هیچ کس نمی‌تواند آن را محو کند. آیا نشنیدی که خدا می‌فرماید: «أُولئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمانَ» - .مجادله / ۲۲ -

{در دل این هاست که [خدا] ایمان را نوشته}؟ پس حب ما اهل بیت، ایمان است. - . کنز الفوائد: ۳۳۵ -

**[ترجمه]

«۳۲»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ أَبِی مُوسَی عِمْرَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَیْدٍ الْفَارِسِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی صِبْغَهَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَهً قَالَ صِبْغَهَ الْمُؤْمِنِینَ (۵) بِالْوَلَایَهِ

ص: ۳۶۶

۱- فی المصدر: و ما استودعنا.

۲- کنز جامع الفوائد: ۲۸۴. و الآیه فی الشوری: ۱۳.

۳- فی المصدر: علی بن محمّد بن بشیر.

۴- کنز جامع الفوائد: ۳۳۵. و الآیه فی المجادله: ۲۲.

۵- فی المصدر: صبعه أمیر المؤمنین.

فِی الْمِیثَاقِ وَ قَالَ نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَی مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ فِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: محمّد بن علی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «صِبْغَهَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَهً» - . بقره / ۱۳۸ -

{این است نگارگری الهی و کیست خوش نگارتر از خدا} فرمود: نگارگری مؤمنان - . در مصدر «صبغه امیر المؤمنین» است. - به ولایت در میثاق است. و فرمود: آیه «مَثَلُ الَّذِینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ» - . بقره / ۲۶۵ -

{و مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا انفاق می کنند} درباره علی بن ابی طالب نازل شد. - . تفسیر فرات: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ زَکَرِیَّا بْنِ عَاصِمٍ عَنِ الْهَیْثَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الرَّمَادِیِّ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ قَالَ بِوَلَایَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبداللّه رمادی از حضرت رضا علیه السّلام، از آباء گرام خود درباره آیه «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ» - . ماعون / ۱ -

{آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می خواند دیدی} فرمود: به ولایت امیرالمؤمنین علیه السّلام. - . کنز الفوائد: ۴۰۷ -

**[ترجمه]

«۳۴»

وَ رَوَی مُحَمَّدُ بْنُ جُمْهُورٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ أَبِی أُسَامَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ قَالَ بِالْوَلَایَهِ (۳).

**[ترجمه]اسامه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ» فرمود: به ولایت. - . کنز الفوائد: ۴۰۷ -

**[ترجمه]

«۳۵»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ قَالَ عليه السلام يَا أَبَانُ أَنْتُمْ تَقُولُونَ هُوَ الشِّرْكُ بِاللَّهِ وَ نَحْنُ نَقُولُ هَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام وَ أَهْلِ بَيْتِهِ لِأَنَّهُمْ لَمْ يُشْرِكُوا (۴) بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ قَطُّ وَ لَمْ يَعْبُدُوا اللَّاتَ وَ الْعُزَّى وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مَعَ النَّبِيِّ وَ هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَدَّقَهُ فَهَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ فِيهِ (۵).

**[ترجمه]تفسير فرات: ابان بن تغلب گفت: به حضرت باقر عليه السّلام درباره آيه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» - [۲]. انعام / ۸۲ -

{كسانى كه ايمان آورده و ايمان خود را به شرك نيالوده اند آنان راست ايمنى و ايشان راه يافتگانند} گفتم. فرمود: اى ابان! شما مى گوييد شرك به خدا است، ما مى گوييم اين آيه درباره اميرالمؤمنين على بن ابى طالب و اهل بيتش نازل شده، زيرا آنها هرگز به اندازه يک چشم به هم زدن به خدا مشرک نشدند و هرگز لات و عزى را نپرستيدند، و او اول كسى بود كه با پيامبر نماز خواند و او اول كسى بود كه پيامبر را تصديق نمود. اين آيه درباره آن جناب نازل شده است. - . تفسير فرات: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۳۶»

فر، تفسير فرات بن إبراهيم مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ عُبَيْدٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهما السلام تَدْرِي فِيمَنْ نَزَلَتْ قَالَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فِيمَنْ صَدَّقَ بِي وَ آمَنَ بِي وَ أَحَبَّكَ وَ عِتْرَتَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ سَلَّمَ لَكَ الْأَمْرَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ (۶).

ص: ۳۶۷

۱- تفسير فرات: ۱۳ و الآيه الأولى فى البقره: ۱۳۸، و الثانيه فيها أيضا فى ۲۶۵.

۲- كنز جامع الفوائد: ۴۰۷ و الآيه فى سوره الماعون: ۱.

۳- كنز جامع الفوائد: ۴۰۷ و الآيه فى سوره الماعون: ۱.

۴- فى نسخه: «لانه لم يشرك» و فى المصدر: نزلت فى علىّ بن أبى طالب عليه السلام لانه لم يشرك. و فيه: لم يعبد. و فيه: مع النبىّ صلّى اللّه عليه و آله القبله.

۵- تفسير فرات: ۴۱. و الآيه فى الانعام: ۸۲.

۶- تفسير فرات: ۷۶ فيه: (و لأمه) و الآيه فى سوره الرعد: ۲۸.

**[ترجمه]تفسیر فرات: قاسم بن عبید سند را به حضرت صادق علیه السّلام رساند که درباره آیه «الَّذِینَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» - . رعد / ۲۸ -

{همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد} فرمود: پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: می دانی این آیه درباره چه کسی نازل شده؟ عرض کرد: خدا و پیغمبرش داناترند. فرمود: درباره کسی که مرا تصدیق کند و به من ایمان آورد و تو را و عترتت را بعد از تو دوست بدارد و تسلیم امر تو و ائمه بعد از تو باشد. - . تفسیر فرات: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۳۷»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عُبَیْدُ بْنُ كَثِیرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْأَحْمَسِیِّ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: حُبُّنَا إِیمَانٌ وَ بُغْضُنَا كُفْرٌ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ وَ لكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَیْكُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِكُمْ (۱).

**[ترجمه]تفسیر فرات: ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: حب ما ایمان و بغض ما کفر است. آنگاه این آیه را خواند: «وَ لكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَیْكُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِكُمْ.» - . تفسیر فرات: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۸»

قب، المناقب لابن شهرآشوب أَبُو حَمْزَةَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی إِنَّكُمْ لَفِی قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ فِی أَمْرِ الْوَلَایَهِ یُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ قَالَ مَنْ أُفِكَ عَنِ الْوَلَایَهِ أُفِكَ عَنِ الْجَنَّهِ (۲).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «إِنَّكُمْ لَفِی قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ» {که شما [درباره قرآن] در سخنی گوناگونید} در مسأله ولایت «یُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ» - . ذاریات / ۸ - ۹ -

{[بگوی] تا هر که از آن برگشته برگشته باشد} فرمود: هر کس از ولایت برگشت، از بهشت برگردانده شده است. - . مناقب ابن شهر آشوب ۲ : ۲۹۲ -

**[ترجمه]

«۳۹»

كا، الكافى عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَهَ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ حَدَّثَنِى أَبُو الْخَطَّابِ فِى أَحْسَنِ مَا يَكُونُ حَالًا قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ فَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ بِطَاعَهِ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ إِذا ذُكِرَ الَّذِينَ لَمْ يَأْمُرِ اللَّهُ بِطَاعَتِهِمْ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ (۳).

**[ترجمه]روضه كافى: زراره گفت: وقتى ابوالخطاب هنوز مرتد نشده بود، برايم نقل كرد كه از حضرت صادق عليه السّلام درباره آيه: «وَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ» پرسيدم. فرمود: يعنى وقتى خدا به تنهايى ياد شود به اطاعت كردن از كسى كه امر به اطاعت او نموده از آل محمّد، متنفر مى شود دل هاى كسانى كه ايمان به آخرت نمى‌آورند و وقتى ياد شوند كسانى كه خداوند به اطاعت آنها امر نكرده، خوشحال مى شوند. - . روضه كافى: ۳۰۴ -

**[ترجمه]

«۴۰»

فس، تفسير القمى جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ (۴) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِى بَصِيرٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِى قَوْلِهِ تَعَالَى فَما لَهُ مِنْ قُوَّهٍ وَ لا ناصِرٍ قَالَ مَا لَهُ مِنْ قُوَّهٍ يَقْوَى بِهَا عَلَى خَالِقِهِ وَ لَا نَاصِرٍ مِنَ اللَّهِ يَنْصُرُهُ إِنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً قُلْتُ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً قَالَ كَادُوا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ كَادُوا عَلِيّاً عليه السلام وَ كَادُوا فَاطِمَهَ عليها السلام وَ قَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً وَ أَكِيدُ كَيْداً فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً لِوَقْتِ (۵) بَعْثِ الْقَائِمِ عليه السلام فَيَنْتَقِمُ لِى مِنَ الْجَبَّارِينَ وَ الطَّوَاغِيتِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ بَنِى أُمَيَّهَ وَ سَائِرِ النَّاسِ (۶).

۱- تفسير فرات: ۱۶۲. و الآيه فى سوره الحجرات: ۷.

۲- مناقب آل أبى طالب ۲: ۲۹۲. و الآيه فى الذاريات: ۸ و ۹.

۳- روضه الكافى: ۳۰۴. و الآيه فى سوره الزمر: ۴۵.

۴- فى نسخه: جعفر بن محمّد.

۵- فى نسخه و فى المصدر: إلى وقت.

۶- تفسير القمّىّ: ۷۲۱. و الآيات فى الطارق: ۱۰- ۱۵- ۱۷.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «فَما لَهُ مِنْ قُوَّهٍ وَ لا ناصِرٍ» -. طارق / ۱۰ -

{پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری} فرمود: او را نیرویی نیست که با آن با خدا همآوردی کند و نه یاوری از جانب خدا دارد که اگر خدا برایش تصمیم بدی بگیرد، او را یاری کند. گفتم: «إِنَّهُمْ یَکِیدُونَ کَیْداً.» فرمود: نیرنگ با پیامبر اکرم و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا علیهم السّلام زدند. خداوند می فرماید: یا محمّد! «إِنَّهُمْ یَکِیدُونَ کَیْداً * وَ أَکِیدُ کَیْداً * فَمَهِّلِ الْکافِرِینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً» -. طارق / ۱۵ - ۱۷ -

{آنان دست به نیرنگ می زنند و [من نیز] دست به نیرنگ می زنم. پس کافران را مهلت ده و کمی آنان را به حال خود واگذار} تا وقتی که حضرت قائم برانگیخته شود، پس او انتقام مرا از جباران و طاغوت‌های قریش و بنی امیه و سایر مردم می گیرد. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۲۱ -

**[ترجمه]

«۴۱»

فس، تفسیر القمی لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ یَعْنِی قُرَیْشاً وَ الْمُشْرِکِینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ قَالَ هُمْ فِی کُفْرِهِمْ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ» منظور قریش است «وَ الْمُشْرِکِینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ» -. بیّنه / ۱ - {کافران اهل کتاب و مشرکان دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید} فرمود: آنها در کفر خود هستند تا بینه بر ایشان وارد شود. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۳۲ -

**[ترجمه]

«۴۲»

وَ فِی رِوَایَهِ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: الْبَیِّنَهُ مُحَمَّدٌ (۲) إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ فِی نارِ جَهَنَّمَ قَالَ أُنْزِلَ عَلَیْهِمُ الْقُرْآنُ فَارْتَدُّوا وَ کَفَرُوا وَ عَصَوْا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ (۳) إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ قَالَ نَزَلَتْ فِی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۴).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: در روایت ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «الْبَیِّنَهُ» حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله است. «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکِینَ فِی نارِ جَهَنَّمَ» فرمود: قرآن بر آنها نازل شد مرتد شدند و کفر ورزیدند و مخالفت با امیرالمؤمنین علیه السّلام کردند. «أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ» -. بیّنه / ۶ - {کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند [و] در آن همواره می مانند اینانند که بدترین آفریدگانند} و این

قسمت آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ» - . بیّنه / ۷ - {در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند آنانند که بهترین آفریدگانند} فرمود: درباره آل محمّد نازل شد. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۷۳۲ -

**[ترجمه]

«۴۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ الْبَرْقِيُّ مَرْفُوعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ قَالَ هُمْ مُكَذِّبُو الشِّيعَهِ لِأَنَّ الْكِتَابَ هُوَ الْآيَاتُ وَ أَهْلَ الْكِتَابِ الشِّيعَهُ وَ قَوْلُهُ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ يَعْنِي الْمُرْجِئَهَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَهُ قَالَ يَتَّضِحَ لَهُمُ الْحَقُّ وَ قَوْلُهُ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَعْنِي مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَهً يَعْنِي يَدُلُّ عَلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام وَ هُمُ الصُّحُفُ الْمُطَهَّرَهُ وَ قَوْلُهُ فِيها كُتُبٌ قَيِّمَهٌ أَيْ عِنْدَهُمُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ قَوْلُهُ وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ يَعْنِي مُكَذِّبُو الشِّيعَهِ وَ قَوْلُهُ إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّنَهُ أَيْ بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَ ما أُمِرُوا هَؤُلَاءِ الْأَصْنَافُ إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ الْإِخْلَاصُ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام وَ قَوْلُهُ وَ يُقِيمُوا الصَّلاهَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاهَ فَالصَّلَاهُ وَ الزَّكَاهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیهما السلام وَ ذلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ قَالَ هِيَ فَاطِمَهُ علیها السلام وَ قَوْلُهُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأُولِي الْأَمْرِ وَ أَطَاعُوهُمْ بِمَا أَمَرُوهُمْ بِهِ فَذَلِكَ هُوَ الْإِيمَانُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ قَوْلُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام اللَّهُ رَاضٍ

ص: ۳۶۹

۱- تفسیر القمّیّ، ۷۳۲ فیه: «مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ وَ الْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ» یعنی قریشا قال: هم فی کفرهم «حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَهُ» و الآیه فی سوره البینه: ۱.

۲- فی المصدر: و قوله: إن اه أقول: لعله من کلام علیّ بن إبراهیم راجعه.

۳- فی المصدر: و قوله: ان.

۴- تفسیر القمّیّ: ۷۳۲ و الآیات فی سوره البینه: ۱ و ۶ و ۷.

عَنِ الْمُؤْمِنِ فِی الـدُّنْیا وَ الْـآخِرَهِ وَ الْمُؤْمِنُ وَ إِنْ کَانَ رَاضِـیاً عَنِ اللَّهِ فَإِنَّ فِی قَلْبِهِ مَا فِیهِ لِمَا یَرَی فِی هَـذِهِ الـدُّنْیا مِنَ التَّمْحِیصِ فَإِذَا عَایَنَ الثَّوَابَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ رَضِیَ عَنِ اللَّهِ الْحَقِّ حَقَّ الرِّضَا وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ رَضُوا عَنْهُ وَ قَوْلُهُ ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ أَیْ أَطَاعَ رَبَّهُ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «لَمْ یَکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ» فرمود: آنها کسانی هستند که شیعه را تکذیب می‌کنند، زیرا کتاب همان آیات است و اهل کتاب یعنی شیعه، «وَ الْمُشْرِکِینَ مُنْفَکِّینَ» منظور مرجئه هستند، «حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ» {کافران اهل کتاب و مشرکان دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید} فرمود: تا برای آنها حق واضح شود. «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ» یعنی حضرت محمّد، «یَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَهً» {فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه هایی پاك را تلاوت کند} یعنی آنها را راهنمایی کند به اولوا الامر بعد از خود که ائمه هستند، آنها صحف مطهره هستند، «فِیها کُتُبٌ قَیِّمَهٌ» {که در آنها نوشته های استوار است} یعنی نزد ایشان است حق آشکار. این قسمت آیه «وَ ما تَفَرَّقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ» یعنی تکذیب کنندگان شیعه، «إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ» {و اهل کتاب دستخوش پراکندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد} یعنی بعد از آنکه حق برای ایشان آمد، «وَ ما أُمِرُوا» این گروهها، «إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ» و اخلاص، ایمان به خدا و پیامبرش و ائمه علیهم السّلام است، «وَ یُقِیمُوا الصَّلاهَ وَ یُؤْتُوا الزَّکاهَ» نماز و زکات امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است، «وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ» -. بیّنه / ۱ - ۵ -

{و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است} فرمود: آن فاطمه علیها السّلام است. و این قسمت آیه «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ» فرمود: کسانی که ایمان به خدا و پیامبرش و اولوا الامر آوردند و از آنچه که آنها را به آن امر کردند، اطاعت نمودند. پس این همان ایمان و عمل صالح است. «رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» گفت: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند از مؤمن راضی است در دنیا و آخرت و مؤمن گرچه از خدا راضی است، ولی در دلش به سبب بلاهایی که در این دنیا می‌بیند چیزی است، اما موقعی که روز قیامت ثواب را می بیند، واقعا از خدا راضی می شود. این است تفسیر این قسمت آیه «وَ رَضُوا عَنْهُ»، و این قسمت آیه «ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ» -. بیّنه / ۸ - {خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد}، یعنی پروردگارش را اطاعت کرد. -. کنز الفوائد: ۳۹۹ -

**[ترجمه]

«۴۴»

وَ رَوَی ابْنُ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ دِینُ الْقَیِّمَهِ قَالَ إِنَّمَا هُوَ ذَلِکَ دِینُ الْقَائِمِ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره فرمایش او «دِینُ الْقَیِّمَهِ» فرمود: همانا آن دین قائم است. -. کنز الفوائد: ۳۹۹ -

**[ترجمه]

بیان

لعل المعنی أن نظیر أهل الکتاب و المشرکین فی أمر النبوه هؤلاء فی الإمامه و لعل المراد حینئذ بإتیان البینه ظهور أمره صلی الله علیه و آله فی زمن القائم علیه السلام و تفسیر القیمه بها یصحح الإضافه من غیر تکلف.

**[ترجمه]شاید معنی این است که این ها در امامت، نظیر اهل کتاب و مشرکان در امر نبوت هستند. و شاید منظور در این زمان از آوردن بینه، ظهور امر او در زمان قائم می‌باشد. و تفسیر «القیمه» به آن مصحح اضافه است بدون تکلفی.

**[ترجمه]

«۴۵»

فس، تفسیر القمی أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا قَالَ نَزَلَتْ فِی الْیَهُودِ حِینَ سَأَلَهُمْ مُشْرِکُو الْعَرَبِ فَقَالُوا أَ دِینُنَا أَفْضَلُ أَمْ دِینُ مُحَمَّدٍ قَالُوا بَلْ دِینُکُمْ أَفْضَلُ وَ قَدْ رُوِیَ فِیهِ أَیْضاً أَنَّهَا نَزَلَتْ فِی الَّذِینَ غَصَبُوا آلَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله حَقَّهُمْ وَ حَسَدُوا مَنْزِلَتَهُمْ فَقَالَ اللَّهُ أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً أَمْ لَهُمْ نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیراً یَعْنِی النُّقْطَهَ الَّتِی فِی ظَهْرِ النَّوَاهِ ثُمَّ قَالَ أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ یَعْنِی بِالنَّاسِ هَاهُنَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْأَئِمَّهَ علیهم السلام عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً وَ هِیَ الْخِلَافَهُ بَعْدَ النُّبُوَّهِ وَ هُمُ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلًا» - . نساء / ۵۱ -

{آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و درباره کسانی که کفر ورزیده اند می گویند اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند} فرمود: این آیه درباره یهود نازل شد، زمانی که مشرکان عرب از آنها سؤال کردند. پس گفتند: آیا دین ما بهتر است یا دین محمّد؟ گفتند: دین شما بهتر است. همچنین روایت شده که این آیه درباره کسانی که حق آل محمّد را غصب کردند و بر مقام ایشان حسد بردند نازل شد. خداوند فرمود: «أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً * أَمْ لَهُمْ نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیراً» - . نساء / ۵۲ - ۵۳ -

{آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و درباره کسانی که کفر ورزیده اند، می گویند اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند. آیا آنان نصیبی از حکومت دارند [اگر هم داشتند] به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند.} یعنی نقطه ای که در پشت هسته خرما است. سپس فرمود: «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ» منظور از «مردم» در اینجا امیرالمؤمنین و ائمه هستند. «عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ

وَ الْحِكْمَهَ وَ آتَیْنـاهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» - . نساء / ۵۴ - {بلکه به مردم برای آنچه خـدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند، در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم.} منظور خلافت بعد از نبوت است و آنها ائمه علیهم السّلام هستند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۴۶»

فس، تفسیـر القمی وَ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ مِیثاقَهُ الَّذِی واثَقَکُمْ بِهِ قَالَ لَمَّا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله الْمِیثَاقَ عَلَیْهِمْ بِالْوَلَایَهِ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا ثُمَّ نَقَضُوا مِیثَاقَهُ (۴).

ص: ۳۷۰

۱- کنز جامع الفوائد: ۳۹۹.

۲- کنز جامع الفوائد: ۳۹۹.

۳- تفسیر القمّیّ: ۱۲۸ و الآیات فی سوره النساء: ۵۱- ۵۴.

۴- تفسیر القمّیّ: ۱۵۱ و الآیه فی سوره المائده، ۷.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «وَ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ مِیثاقَهُ الَّذِی واثَقَکُمْ بِهِ» - . مائده / ۷ -

{و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده} فرمود: وقتی که پیامبر اکرم از آنها به ولایت امیرالمؤمنین پیمان گرفت، گفتند شنیدیم و اطاعت کردیم، بعد پیمان شکنی کردند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۵۱ -

**[ترجمه]

بیان

قال الطبرسی رحمه الله قیل فی المیثاق أقوال أحدها أن معناه ما أخذ علیهم رسول الله صلی الله علیه و آله عند إسلامهم و بیعتهم بأن یطیعوا الله فی کل ما یفرضه علیهم.

و ثانیها

أنه ما بین لهم فی حجه الوداع من تحریم المحرمات و کیفیه الطهاره و فرض الولایه و غیر ذلک عن أبی الجارود عن أبی جعفر علیه السلام.

و ثالثها أنه بیعه العقبه و بیعه الرضوان و رابعها أنه میثاق الأرواح (۱).

**[ترجمه]مرحوم طبرسی گفته: درباره «میثاق» چهار قول است: یکی اینکه معنی این است که پیمانی که پیامبر اکرم در موقع اسلام آوردن و بیعت آنها گرفت به اینکه خدا را اطاعت کنند در تمام آنچه که بر آنها واجب می‌کند. دوم آنچه در حجه الوداع به ایشان تبیین کرد، از تحریم محرمات و کیفیت طهارت و وجوب ولایت و غیر آنها که ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده است. سوم منظور بیعت عقبه و بیعت رضوان است. چهارم میثاق و پیمان ارواح است. - . مجمع البیان ۳: ۱۶۷ - ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۴۷»

فس، تفسیر القمی فِی رِوَایَهِ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا یُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ فَهُمْ أَعْدَاءُ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ بَعْدِهِ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ابوالجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا یُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِینَ» - . یونس / ۴۰ -

{و از آنـان کسـی است که بـدان ایمـان می آورد و از آنـان کسـی است که بـدان ایمـان نمی آورد و پروردگـار تو به [حـال] فسادگران داناتر است} فرمود: آنها دشمنان محمّد و آل محمّدند پس از او. -. تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

بیان

أی المراد بالمفسدین أعداء آل محمد صلی الله علیه و آله الغاصبون حقوقهم فإن بهم ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ

**[ترجمه]منظور از «مفسـدان»، دشـمنان آل محمّد است که حق آنها را غصب کردند، زیرا به وسـیله آنها فساد در خشـکی و دریا آشکار شد.

**[ترجمه]

«۴۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره قَالَ مُؤَلِّفُ نَهْجِ الْإِمَامَهِ رَوَی صَاحِبُ شَـرْحِ الْأَخْبَارِ بِإِسْـنَادٍ یَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السـلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَصَّی بِها إِبْراهِیمُ بَنِیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْـطَفی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائـد: مؤلف «نهـج الإمـامه» گفته است: صـاحب «شـرح الأخبـار» به اسـناد خود سـند را به حضـرت باقر علیه السّـلام می‌رساند که گفت: درباره آیه «وَ وَصَّی بِها إِبْراهِیمُ بَنِیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْـلِمُونَ» -. بقره / ۱۳۲ - {و ابراهیم و یعقوب پسـران خود را به همـان [آیین] سـفارش کردنـد [و هر دو در وصـیتشان چنین گفتند] ای پسران من خداوند برای شما این دین را برگزید پس البته نباید جز مسلمان بمیرید} یعنی به ولایت علی علیه السّلام. -. کنز الفوائد: ۳۴ -

**[ترجمه]

«۴۹»

کا، الکافی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ أَبِی زَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَـی الْخَشَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إِیمانَهُمْ بِظُلْمٍ قَالَ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صـلی الله علیه و آله مِنَ الْوَلَایَهِ وَ لَمْ یَخْلِطُوهَا بِوَلَایَهِ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ فَهُوَ الْمُلَبَّسُ بِالظُّلْمِ (۴).

**[ترجمه]اصول کـافی: عبـدالرحمن بن کثیر از حضـرت صادق علیه السّـلام نقل کرد که درباره آیه «الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَمْ یَلْبِسُوا إِیمانَهُمْ بِظُلْمٍ» فرمود: ایمان به آنچه پیامبر آورده از ولایت و مخلوط نکرده انـد ایمان خود را به ولایت فلان و فلان؛ این اسـت

ایمان آلوده به ظلم. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۳ -

**[ترجمه]

«۵۰»

کـا، الکـافی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَـیْنِ بْنِ نُعَیْمٍ الصَّحَّافِ قَـالَ: سَـأَلْتُ أَبَا عَبْـدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فَمِنْکُمْ مُؤْمِنٌ وَ مِنْکُمْ کافِرٌ

ص: ۳۷۱

۱- مجمع البیان ۳: ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- تفسیر القمّیّ: ۲۸۸ و الآیه فی سوره یونس: ۴۰.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۴. و الآیه فی البقره: ۱۳۲.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۱۳.

فَقَالَ عَرَّفَ اللَّهُ إِيمَانَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كُفْرَهُمْ بِهَا يَوْمَ أَخَذَ عَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ فِي صُلْبِ آدَمَ وَ هُمْ ذَرٌّ (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: نعیم صحاف گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «فَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَ مِنْكُمْ كافِرٌ» پرسیدم. فرمود: خداوند در روزی که بر آنها پیمان گرفت، یعنی در صلب آدم و در حالی که آنها به صورت ذره بودند، ایمان آنها به ولایت ما و کفر آنها را به ولایت ما را شناخت. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۳ - ۴۲۶ -

**[ترجمه]

بيان

أقول فی القرآن هكذا هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ (۲) و لعله من النساخ أو كان فی مصحفهم علیهم السلام هكذا أو نقل بالمعنى من الراوی و الأول أظهر لأنه روى الكلينی عن الصحاف بسند آخر موافقا لما فی المصاحف كما سيأتی و قيل إنما قدم الكافر لأنهم أكثر و المعنى أنه يصير كافرا أو فی علم الله أنه كافر و الظاهر أن تأويله علیه السلام يرجع إلى الثانی أی فی تكليفهم الأول و هم ذر كان يعرف من يؤمن و من لا يؤمن فكيف عند خلق الأجساد و على هذا يقرأ عرف على بناء المجرد و يمكن أن يقرأ على بناء التفعيل أيضا و إن كان بعيدا فالمراد بالخلق خلق الأجساد و المعنى أنه حين خلقكم كان بعضكم كافرا لكفره فی الذر و بعضكم مؤمنا لإيمانه فی الذر و الذر جمع ذره و هی صغار النمل مائه منها وزن حبه شعير و يطلق على ما يرى فی شعاع الشمس و سيأتی أنه أخرج ذريه آدم من صلبه فبثهم كالذر و جعل الأرواح متعلقه بها و أخذ عليها الميثاق فقوله فی صلب آدم يعنی كونها قبل ذلك أجزاء من صلب آدم و إن أمكن أن يكون الميثاق مرتين.

**[ترجمه]مؤلف: در قرآن آیه چنین است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ» - . تغابن / ۲ - {اوست آن کس که شما را آفرید برخی از شما کافرند و برخی مؤمن.} شاید این تغییر از نسخه برداران بوده یا در قرآن ائمه چنین بود یا از طرف راوی نقل به معنی شده، اما توجیه اول اظهر است، زیرا کلینی به سند دیگری از صحاف نقل کرده مطابق با آنچه که در قرآن‌ها است، چنان چه خواهد آمد. و گفته شده که خداوند در آیه، کافر را جلوتر ذکر کرد، چون آنها بیشترند و معنی آیه این است کافر می گردد یا در علم خدا او کافر است. ظاهرا تأویل امام علیه السّلام برگشت به معنی دوم دارد، یعنی در تکلیفی که اول به آنها کرد، در زمانی که به صورت ذره بودند، می شناخت که چه کسی ایمان می آورد و چه کسی ایمان نمی‌آورد. پس چگونه نخواهد دانست وقتی که اجساد را خلق کرد؟ بنابراین «عرف» به صورت ثلاثی مجرد خوانده می‌شود و ممکن است بنا بر باب تفعیل نیز خوانده شود، گرچه بعید است. پس مراد از «خلق»، خلق اجساد است و معنی این است که موقعی که خداوند شما را آفرید، بعضی به واسطه کفری که در عالم ذر داشتید کافر بودید و بعضی به واسطه ایمانتان در عالم ذر مؤمن بودید. و «ذر» جمع ذره است که مورچه های کوچک را می گویند که صد عدد آنها به اندازه وزن یک دانه جو است و «ذره» به آنچه در شعاع خورشید دیده می شود، اطلاق می گردد. و خواهد آمد که خداوند ذریه آدم را از صلب او خارج کرد و به صورت ذر پخش نمود و ارواح را متعلق به آنها قرار داد و بر آنها پیمان گرفت. پس عبارت «فی صلب آدم» یعنی قبل از آن اجزایی از صلب آدم بوده، گرچه ممکن است که میثاق دو بار باشد.

**[ترجمه]

کا، الکافی عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَحْمَدَ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُنَخَّلٍ (۳) عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ بِهَذِهِ الْآیَهِ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۴) بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ یَکْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فِی عَلِیٍّ علیه السلام بَغْیاً (۵)

ص: ۳۷۲

۱- أصول الکافی ۱: ۴۱۳ و ۴۲۶.

۲- التغابن: ۳.

۳- منخل وزان اسم المفعول من التفعیل هو المنخل بن جمیل الأسدی بیاع الجواری قال النجاشیّ: ضعیف فاسد الروایه.

۴- فی المصدر: علی محمّد صلّی اللّه علیه و آله هکذا.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۱۷. و الآیه فی البقره: ۹۰.

وَ قَالَ نَزَلَ جَبْرَئِيلُ علیه السلام بِهَذِهِ الْآيَهِ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله هَكَذَا وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فِي عَلِيٍّ علیه السلام فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ (١) وَ قَالَ نَزَلَ بِهَذِهِ الْآيَهِ هَكَذَا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا فِي عَلِيٍّ علیه السلام نُوراً مُبِيناً (٢).

**[ترجمه]اصول کافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که جبرئیل این آیه را بر حضرت محمّد نازل نمود: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ» درباره حضرت علی از «بَغْيًا» - . بقره / ۹۰ -

{وه که به چه بد بهایی خود را فروختند که به آنچه خدا نازل کرده بود از سر رشک انکار آوردند.} - . اصول کافی ۱ : ۴۱۷ -

و فرمود: جبرئیل این آیه را بر حضرت محمّد صلی اللَّه علیه و آله چنین نازل کرد: «وَ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا» درباره علی، «فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ» - . بقره / ۲۳ -

{و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس اگر راست می گویید سوره ای مانند آن بیاورید.} - . اصول کافی ۱ : ۴۱۷ -

و فرمود: این آیه را جبرئیل چنین آورد: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما أَنزَلنا» درباره علی علیه السّلام، «نُوراً مُبِيناً.» - . اصول کافی ۱ : ۴۱۷ -

**[ترجمه]

بيان

قوله عَلى عَبْدِنا فِي عَلِيٍّ علیه السلام لعله كان شكهم فيما يتلوه صلی الله علیه و آله فی شأن علی علیه السلام فرد الله عليهم بأن القرآن معجز لا يمكن أن يكون من عند غيره و أما الآيه الثالثه فصدرها فی أوائل سوره النساء هكذا يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ (٣) و آخرها فی آخر تلك السوره هكذا يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً (۴) و لعله سقط من الخبر شی ء و كان اسمه علیه السلام فی الموضعين فسقط آخر الأولى و أول الثانيه من البين أو كان فی مصحفهم عليهم السلام إحدى الآيتين كذلك و لا يتوهم أن قوله مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ فی الأولى ينافی ذلك إذ يمكن أن يكون على هذا الوجه أيضا الخطاب إلى أهل الكتاب فإنهم كانوا مبغضين لعلی علیه السلام لكثره ما قتل منهم أبين عن قبول ولايته و كان اسمه علیه السلام مثبتا عندهم فی كتبهم كاسم النبی صلی الله علیه و آله و كذا قوله أُوتُوا الْكِتابَ و إن احتمل أن يكون المراد بالكتاب القرآن.

**[ترجمه]عبارت «عَلى عَبْدِنا فی علی» شاید شک آنها در مورد آیاتی بوده که در پیامبر شأن علی علیه السّلام می‌خواند. پس خداوند به ایشان برگرداند به اینکه قرآن معجزه‌ای است که ممکن نیست که از طرف غیر خدا باشد. و اما آیه سوم ابتدای آن در سوره نساء چنین است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ» - . نساء / ۴۷ -

{ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید.} و آخر آن در آخر این سوره چنین است: «یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً» - . نساء - ۱۷۴ /

{ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.} شاید قسمتی از خبر افتاده باشد و اسم آن جناب در دو قسمت آیه بوده که آخر قسمت اول و اول قسمت دوم حذف شده است، یا در قرآن ائمه یکی از دو آیه چنین بوده. البته نباید چنین گمان شود که این قسمت آیه «مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ» در اولی با آن منافات دارد، زیرا ممکن است بنا بر این توجیه نیز خطاب به اهل کتاب باشد، زیرا آنها نیز دشمنان علی علیه السّلام بودند و به خاطر تعداد زیادی که او از آنها کشته بود، از قبول ولایتش امتناع داشتند و اسم او مانند اسم پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله، در کتاب‌های آنها ثبت شده بود. همچنین این قسمت آیه «أُوتُوا الْکِتابَ» گرچه ممکن است مراد از «کتاب»، قرآن باشد.

**[ترجمه]

«۵۲»

کـا، الکـافی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی طَالِبٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ بَکَّارٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا ما یُوعَظُونَ بِهِ فِی عَلِیٍّ علیه السلام لَکانَ خَیْراً لَهُمْ (۵).

۱- أصول الکافی ۱: ۴۱۷. ذکره الکلینی بالاسناد الأول، و اسقط المصنّف الاسناد للاختصار. و الآیه فی سوره البقره: ۲۳.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۱۷.

۳- النساء: ۴۷.

۴- النساء: ۱۷۴.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۱۷. و الآیه فی سوره النساء: ۶۹.

كا، الكافی أحمد بن مهران عن عبد العظيم الحسنی عن بكار مثله (۱)

**[ترجمه]اصول كافی: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل كرد درباره این آیه فرمود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ» درباره علی، «لَكـانَ خَيْراً لَهُمْ» - . نساء / ۶۶ - {و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می شوند به كار می بستند قطعا برایشان بهتر بود.} - . اصول كافی ۱ : ۴۱۷ -

اصول كافی: عبدالعظیم حسنی از بكار همین روایت را نقل كرده است. - . اصول كافی ۱ : ۴۲۴ -

**[ترجمه]

بيان

قبل هـذه الآيه وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (۲) و قد ورد فی الأخبار أن المخاطب فی الآیتین أمير المؤمنين عليه السلام بقرينه وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ فيحتمل أن يكون ما يُوعَظُونَ بِهِ إشاره إلى هذا و يحتمل التنزيل و التأويل.

**[ترجمه]قبل از این آیه چنین است: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً * فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً» - . نساء / ۶۴ - ۶۵ - {و اگر آنان وقتی به خود ستم كرده بودند، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می كرد، قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند، ولی چنین نیست به پروردگارت قسم كه ایمان نمی آورند، مگر آنكه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند، سپس از حكمی كه كرده ای در دل هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نكنند و كاملا سر تسلیم فرود آورند.} در اخبار چنین رسیده كه مخاطب در هر دو آیه امیرالمؤمنین علیه السّلام است، به قرینه «وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ.» ممكن است «ما يُوعَظُونَ بِهِ» اشاره به همین باشد و احتمال تنزیل و تأویل هر دو نیز هست.

**[ترجمه]

«۵۳»

كا، الكافی الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا قَالَ وَلَايَتَهُمْ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقى قَالَ وَلَايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِنَّ هذا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولى صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى (۳).

**[ترجمه]اصول كافی: مفضل گفت: به حضرت صادق علیه السّلام عرض كردم: آیه «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَياةَ الدُّنْيا» {لیكن [شما]

زنـدگی دنیـا را بر می گزینیـد} فرمود: ولایـت آنها. «وَ الْآخِرَهُ خَيْرٌ وَ أَبْقى» {با آنكه [جهان] آخرت نیکوتر و پایـدارتر است} فرمود: ولایت امیرالمؤمنین علیه السّـلام. «إِنَّ هذا لَفِی الصُّحُفِ الْأُولی * صُحُفِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسی» - . اعلی / ۱۶ - ۱۹ - {قطعا در صحیفه های گذشته این [معنی] هست صحیفه های ابراهیم و موسی.} - . اصول کافی ۱ : ۴۱۸ -

**[ترجمه]

«۵۴»

کـا، الکـافی أَحْمَـدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ مُنَخَّلٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: جاءَكُمْ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله (۴) بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمْ بِمُوَالاهِ عَلِيٍّ علیه السلام فَ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: جابر از حضـرت باقر علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: «جاءَكُمْ» حضـرت محمّـد صـلی اللّه علیه و آله، «بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمْ» به موالات علی علیه السّلام، پس «اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً» از آل محمّد، «كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ» - . بقره / ۸۷ -

{پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشاینـد شـما نبود برایتان آورد کبر ورزیدید، گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید.} - . اصول کافی ۱ : ۴۱۸ -

**[ترجمه]

بیان

فی القرآن هکـذا أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ فلعله علیه السـلام ذکر مفاد (۶) الآیه أو کان فی مصحفهم علیهم السلام هکذا.

**[ترجمه]در قرآن چنین است: «أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقاً كَذَّبْتُمْ.» شاید امام مفاد و منظور آیه را فرموده است یا در مصحف ائمه چنین بوده است.

**[ترجمه]

«۵۵»

کا، الکافی الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرِّضَا علیه السـلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ بِوَلَايَهِ عَلِيٍّ

١- أصول الكافى ١: ۴۲۴.

٢- النساء: ۶۴ و ۶۵.

٣- أصول الكافى ١: ۴۱۸. و الآيات فى سوره الأعلى: ١۶- ١٩.

۴- فى المصدر: أ فكلما جاءكم محمد.

۵- أصول الكافى ١: ۴۱۸. و الآيه فى سوره البقره: ٨٧.

۶- بل كان النسخه التى عنده قدّس سرّه ناقصه. و الا فقد عرفت ان الموجود فى المصدر يوافق ذلك.

ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ مِنْ وَلَايَهِ عَلِيٍّ هَكَذَا فِی الْكِتَابِ مَخْطُوطَهٌ (۱).

**[ترجمه]اصول کافی: محمّد بن سنان از حضرت رضا علیه السّلام در مورد این آیه فرمود: «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ» به ولایت علی، «ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» - . شوری / ۱۳ - {بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی گران می آید} ای محمّد! از ولایت علی علیه السّلام. این چنین در کتاب نوشته شده است. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۸ -

**[ترجمه]

«۵۶»

کا، الكافی عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَى فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً قَالَ هِيَ الْوَلَايَهُ (۲).

**[ترجمه]اصول کافی: ابو بصیر از حضرت باقر علیه السّلام درباره آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً» - . روم / ۳۰ -

{پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن} فرمود: منظور ولایت است. - . اصول کافی ۱ : ۴۱۸ - ۴۱۹ -

**[ترجمه]

«۵۷»

کا، الكافی الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَهَ وَ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا كُفْراً (۳) لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ (۴) قَالَ نَزَلَتْ فِی فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ آمَنُوا بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِی أَوَّلِ الْأَمْرِ وَ كَفَرُوا حَيْثُ عُرِضَتْ عَلَيْهِمُ الْوَلَايَهُ حِينَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ثُمَّ آمَنُوا بِالْبَيْعَهِ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ثُمَّ كَفَرُوا حَيْثُ مَضَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَلَمْ يُقِرُّوا بِالْبَيْعَهِ ثُمَّ ازْدادُوا كُفْراً بِأَخْذِهِمْ مَنْ بَايَعَهُ بِالْبَيْعَهِ لَهُمْ فَهَؤُلَاءِ لَمْ يَبْقَ فِيهِمْ مِنَ الْإِيمَانِ شَيْ ءٌ (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: عبداللَّه بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا كُفْراً، {کسانی که ایمان آوردند سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند سپس کافر شدند آنگاه به کفر خود افزودند} لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ» - . امام علیه السّلام بین دو آیه جمع کرد، یکی آیه ۱۳۷ سوره نساء و دومی آیه ۹۰ سوره آل عمران، به منظور آگاه کردن بر اینکه دو آیه، موردشان و مفادشان یکی است و قطعا خدا توبه ایشان را قبول نخواهد کرد و ایشان را بعد از اینکه بر کفرشان افزودند، نخواهد بخشید. - {هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد} فرمود: این آیه درباره فلان و فلان و فلان نازل شده که اول به پیامبر صلی اللَّه علیه و آله ایمان آوردند و وقتی ولایت بر آنها عرضه شد، یعنی موقعی که پیامبر فرمود: «من کُنت مولاه فعلیّ مولاه» کافر شدند. سپس با بیعت با امیرالمؤمنین علیه السّلام ایمان آوردند و باز

موقعی که پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه و آله از دنیا رفت کافر شدند و اقرار بر بیعت خود نکردند. بعد چون برای خود از کسانی که با علی بیعت کرده بودند بیعت گرفتند، کافر شدند. آنها دیگر از ایمان ذره ای برایشان باقی نماند. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۰ -

**[ترجمه]

«۵۸»

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ ارْتَدُّوا عَنِ الْإِیمَانِ فِی تَرْکِ وَلَایَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ (۶) سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ قَالَ نَزَلَتْ وَ اللَّهِ فِیهِمَا وَ فِی أَتْبَاعِهِمَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِی نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ذلِکَ بِأَنَّهُمْ

ص: ۳۷۵

۱- أصول الکافی ۱: ۴۱۸ و الآیه فی الشوری: ۱۳. قوله مخطوطه، أی هکذا کان تفسیرها فی الکتاب مخطوطه.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۱۸ و ۴۱۹ و الآیه فی سوره مریم: ۳۰.

۳- جمع علیه السلام بین آیتین. احدهما آیه ۱۳۷ من سوره النساء، و الثانیه آیه ۹۰ من آل عمران، تنبیها علی ان الآیتین موردهما و مفادهما واحد، و لم یکن اللّه لیقبل توبتهم و یغفر لهم بعد ما زادوا کفرا.

۴- جمع علیه السلام بین آیتین. احدهما آیه ۱۳۷ من سوره النساء، و الثانیه آیه ۹۰ من آل عمران، تنبیها علی ان الآیتین موردهما و مفادهما واحد، و لم یکن اللّه لیقبل توبتهم و یغفر لهم بعد ما زادوا کفرا.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۲۰ فیه: فهذا علی مولاه.

۶- فی نسخه الکمبانیّ: ما نزل اللّه فی علی.

قالُوا لِلَّذِينَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ فِی عَلِیٍّ علیه السلام سَنُطِیعُکَمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ (۱) قالَ دَعُوْا بَنِی أَمَیَّهَ إِلَی مِیثَاقِهِمْ أَلَّا یُصَیِّرُوا الْأَمْرَ فِینَا بَعْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ لَا یُعْطُونَا مِنَ الْخُمُسِ شَیْئاً وَ قَالُوا إِنْ أَعْطَیْنَاهُمْ إِیَّاهُ لَمْ یَحْتَاجُوا إِلَی شَیْ ءٍ وَ لَا یُبَالُوا (۲) أَلَّا یَکُونَ الْأَمْرُ فِیهِمْ فَقَالُوا سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ الَّذِی دَعَوْتُمُونَا إِلَیْهِ وَ هُوَ الْخُمُسُ أَلَّا نُعْطِیَهُمْ مِنْهُ شَیْئاً وَ قَوْلُهُ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ وَ الَّذِی نَزَّلَ اللَّهُ مَا افْتَرَضَ عَلَی خَلْقِهِ مِنْ وَلَایَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ کَانَ مَعَهُمْ أَبُو عُبَیْدَهَ وَ کَانَ کَاتِبَهُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ یَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ (۳) الْآیَهَ (۴).

**[ترجمه]اصول کافی: با همین اسناد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی» {بی گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند} فرمود که فلان و فلان و فلان است که با ترک ولایت امیرالمؤمنین علیه السّلام، از ایمان مرتد شدند. گفتم: آیه «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ» - . محمّد / ۲۵ - ۲۶ -

{چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی داشتند گفتند ما در کار [مخالفت] تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد} فرمود: به خدا قسم این نیز درباره آن دو و پیروانشان نازل شده و همین است معنی آیه ای که جبرئیل برای پیامبر اکرم آورد: «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ» درباره علی «سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ.» فرمود: بنی امیه را به پیمان خود خواندند که خلافت ما را بعد از پیامبر اکرم منتقل نکنند و از خمس چیزی به ما ندهند. و گفتند اگر خمس را به ایشان بدهیم، دیگر به چیزی احتیاج نخواهند داشت و باکی ندارند از اینکه خلافت در آنها نباشد. بنی امیه گفتند: ما در بعضی از آن پیمانی که شما ما را به آن دعوت کردید، اطاعتتان خواهیم کرد و آن مسأله خمس بود که به آنها چیزی از آن ندهیم. این قسمت آیه «کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ» و آنچه خدا نازل کرد، وجوب ولایت علی علیه السّلام بود بر خلقش. ابو عبیده نیز با این دسته بود که نویسنده ایشان به شمار می رفت. خداوند این آیه را فرستاد: «أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ * أَمْ یَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ» - . زخرف / ۷۹ - ۸۰ -

{یا در کاری ابرام ورزیده اند ما [نیز] ابرام می ورزیم. آیا می پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی شنویم} تا آخر آیه. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۰ - ۴۲۱ -

**[ترجمه]

«۵۹»

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ مَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ قَالَ علیه السلام نَزَلَتْ فِیهِمْ حَیْثُ دَخَلُوا الْکَعْبَهَ فَتَعَاهَدُوا وَ تَعَاقَدُوا عَلَی کُفْرِهِمْ وَ جُحُودِهِمْ بِمَا نُزِّلَ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَأَلْحَدُوا فِی الْبَیْتِ بِظُلْمِهِمُ الرَّسُولَ وَ وَلِیَّهُ فَبُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِینَ (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: با همین اسناد از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ مَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحادٍ بِظُلْمٍ» - . حج / ۲۵ -

{و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود} فرمود: این آیه درباره آنها نازل شد، موقعی که وارد کعبه شدند و در آنجا پیمان بستند و قرار گذاشتند بر کفر و انکارشان در مورد آنچه که درباره امیرالمؤمنین علیه السّلام نازل شد. در خانه خدا با ظلم بر پیامبر و ولیّ او از حق برگشتند. دور باد قوم ظالم از رحمت خدا! - . اصول کافی ۱ : ۴۲۱ -

**[ترجمه]

بیان

قوله إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا أقول الآیه فی سوره النساء هکذا إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ سَبِیلًا (۶) و فی سوره آل عمران هکذا إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الضَّالُّونَ و لعله علیه السلام ضم جزء من إحدی الآیتین إلی جزء من الأخری لبیان اتحاد مفادهما و یحتمل أن یکون فی مصحفهم علیهم السلام هکذا و الظاهر أن المراد بالإیمان فی الموضعین الإقرار

ص: ۳۷۶

۱- سوره محمد: ۲۵ و ۲۶.

۲- فی المصدر: و لم یبالوا.

۳- الزخرف: ۷۹ و ۸۰.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۲۰ و ۴۲۱.

۵- أصول الکافی ۱: ۴۲۱ و الآیه فی سوره الحجّ: ۲۵.

۶- فی النسخه المخطوطه زاد بعد ذلک: و لیس فیها من تقبل توبتهم نعم هو فی آیه أخری فی سوره آل عمران و هی هکذا.

باللسان فقط و بالكفر الإنكار باللسان أيضا كما صرح به فى تفسير على بن إبراهيم (١).

قوله عليه السلام بأخذهم من بايعه بالبيعه لعل المراد بالموصول أمير المؤمنين عليه السلام و المستتر فى قوله بايعه راجع إلى أبى بكر و البارز إلى الموصول و يحتمل أن يكون المستتر راجعا إلى الموصول و البارز إليه عليه السلام أى أخذوا الذين بايعوا أمير المؤمنين عليه السلام يوم الغدير بالبيعه لأبى بكر و لعله أظهر قوله فلان و فلان و فلان هذه الكنايات يحتمل وجهين الأول أن يكون المراد بها بعض بنى أميه كعثمان و أبى سفيان و معاويه فالمراد بالذين كَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ أبو بكر و عمر و أبو عبيده إذ ظاهر السياق أن فاعل قالوا الضمير الراجع إلى الَّذِينَ ارْتَدُّوا و الثانى أن يكون المراد بالكنايات أبا بكر و عمر و أبا عبيده و ضمير قالوا راجعا إلى بنى أميه بقرينه كانت عند النزول و المراد بالذين كرهوا الذين ارتدوا فيكون من قبيل وضع المظهر فى موضع المضمر نزلت و الله فيهما أى فى أبى بكر و عمر و هو تفسير للذين كرهوا.

و قوله و هو قول الله تفسير ل ما نَزَّلَ اللَّهُ و ضمير دعوا راجع إليهما و أتباعهما و قالوا أى و هما و أتباعهما.

قوله فِي بَعْضِ الْأَمْرِ لعلهم لم يجترءوا أن يبايعوهم فى منع الولايه فبايعوهم فى منع الخمس ثم أطاعوهم فى الأمرين جميعا و لا يبعد أن تكون كلمه فى على هذا التأويل تعليليه أى نطيعكم بسبب الخمس لتعطونا منه شيئا و قوله كَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ إعاده للكلام السابق لبيان أن ما نزل الله فى على عليه السلام هو الولايه إذ لم يظهر ذلك مما سبق صريحا و لعله زيدت الواو فى قوله و الذى من النساخ و قيل

١- تفسير القمّىّ: ١۴۴. قال فيه: نزلت فى الذين آمنوا برسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله إقرارا لا تصديقا ثمّ كفروا، كتب الكتاب فيما بينهم الا يردوا الامر الى أهل بيته ابدا فلما نزلت الولايه و اخذ رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله الميثاق عليهم لأمير المؤمنين آمنوا اقرارا لا تصديقا فلما مضى رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله كفروا و ازدادوا كفرا.

قوله مرفوع علی قول الله من قبیل عطف التفسیر فإنه لا تصریح فی المعطوف علیه بأن النازل فیهما و فی أتباعهما کرهوا أم قالوا.

**[ترجمه]آیه «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا» می‌گویم در سوره نساء چنین است: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیَهُمْ سَبِیلًا» و در سوره آل عمران چنین است: «إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الضَّالُّونَ.» شاید امام یک قسمت از یکی از آن دو آیه را به قسمت دیگر از آیه دیگر وصل نموده تا اشاره به این باشد که مفاد هر دو آیه یکی است. این احتمال نیز هست که در مصحف ائمه چنین باشد. و ظاهرا منظور از «ایمان» در هر دو موضع، فقط اقرار به زبان است و منظور از «کفر»، فقط انکار به زبان است، همان طور که در تفسیر علی بن ابراهیم به آن تصریح شده است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۴۴ -

سخن امام «بأخذهم من بایعه بالبیعه» شاید منظور از موصول امیرالمؤمنین علیه السّلام است و ضمیر مستتر در «بایعه» به ابوبکر برمی‌گردد و ضمیر بارز به موصول، و شاید ضمیر مستتر به موصول و ضمیر بارز به امیرالمؤمنین برمی‌گردد، یعنی کسانی که در روز غدیر با امیرالمؤمنین بیعت کردند، برای ابوبکر بیعت گرفتند و شاید این اظهر باشد. عبارت «فلان و فلان و فلان» دو وجه در این کنایه‌ها است:

اول منظور از آن بعضی از بنی امیه مثل عثمان و ابوسفیان و معاویه باشد، پس منظور از کسانی که کراهت داشتند آنچه را که خداوند نازل کرد، ابوبکر و عمر و ابو عبیده هستند، زیرا ظاهر سیاق این است که فاعل «قالوا» ضمیر در آن به «الّذین إرتدّوا» برمی‌گردد. دوم اینکه منظور از کنایه‌ها، ابوبکر و عمر و ابو عبیده باشد و ضمیر «قالوا» به بنی امیه برگردد، به قرینه «کانت عند النزول» و منظور از کسانی که کراهت داشتند، کسانی است که مرتد شدند پس از قبیل قرار گرفتن اسم ظاهر به جای ضمیر می‌باشد. عبارت «نزلت والله فیهما» یعنی درباره ابوبکر و عمر. و این تفسیر برای «الّذین کرهوا» است و سخن او «و هو قول الله» تفسیر برای آن چیزی است که خدا نازل کرد، و ضمیر «دعوا» به آن دو و پیروانشان برمی‌گردد و «قالوا» یعنی آن دو و پیروانشان. عبارت «فی بعض الأمر» شاید چنین بوده که جرات نکردند که با هم در مورد منع ولایت هم پیمان شوند و فقط در منع خمس با یکدیگر هم پیمان شدند، بعد در هر دو کار از آنها اطاعت کردند و بعید نیست که کلمه «فی» بنا بر این تأویل، برای تعلیل باشد، یعنی اطاعت می‌کنیم از شما به خاطر خمس تا از آن چیزی به ما بدهید. و عبارت «کرهوا ما نزّل الله» تکرار کلام گذشته است، برای بیان اینکه آنچه که خداوند درباره علی علیه السّلام نازل کرد، همان ولایت است، زیرا آن از آنچه که گذشت صریحا روشن نشد و شاید واو در «وَ الّذی» از جانب نساخ اضافه شده است. و گفته شده «قوله مرفوع علی قول الله» از قبیل عطف تفسیر است، زیرا در معطوف علیه تصریحی نیست بر اینکه آنچه نازل شده درباره آن دو و پیروانشان باشد، این است که کراهت داشتند یا گفتند.

**[ترجمه]

«۶۰»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّی بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ (۱) یَا مَعْشَرَ الْمُکَذِّبِینَ حَیْثُ أَنْبَأْتُکُمْ رِسَالَهَ رَبِّی فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم

السلام مِنْ بَعْدِهِ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ كَذَا أُنْزِلَتْ وَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَقَالَ إِنْ تَلْوُوا الْأَمْرَ وَ تُعْرِضُوا عَمَّا أُمِرْتُمْ بِهِ فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً (۲) وَ فِي قَوْلِهِ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتَرْكِهِمْ وَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَذاباً شَدِيداً فِي الدُّنْيَا وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كانُوا يَعْمَلُونَ (۳).

**[ترجمه]اصول كافى: ابو بصير از حضرت صادق عليه السّلام نقل كرد كه درباره آيه «فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلالٍ مُبِينٍ» - . ملك / ۲۹ - {و به زودى خواهيد دانست چه كسى است كه خود در گمراهى آشكارى است} فرمود: اى گروهى كه تكذيب كرديد! موقعى كه از رسالت پروردگارم درباره ولايت على و ائمه عليهم السّلام بعد از او به شما خبر دادم، خواهيد فهميد چه كسى در گمراهى آشكار است. چنين نازل شد و درباره آيه «إِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا» {و اگر به انحراف گراييد يا اعراض نماييد} فرمود: اگر تغيير دهيد جريان را و برگرديد از آنچه كه مأموريت داريد، «فَإِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً» - . نساء / ۱۳۵ - {قطعا خدا به آنچه انجام مى دهيد آگاه است.} و درباره آيه «فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» با ترك كردنشان ولايت اميرالمؤمنين را، «عَذاباً شَدِيداً» در دنيا، «وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كانُوا يَعْمَلُونَ» - . فصلت / ۲۷ - {و قطعا كسانى را كه كافر شده اند عذابى سخت مى چشانيم و حتما آنها را به بدتر از آنچه مى كرده اند جزا مى دهيم.} - . اصول كافى ۱ : ۴۲۱ -

**[ترجمه]

«۶۱»

كا، الكافى الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ وَ أَهْلَ الْوَلَايَةِ كَفَرْتُمْ (۴).

**[ترجمه]اصول كافى: وليد بن صبيح از حضرت صادق عليه السّلام درباره آيه «ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ» و اهل ولايت «كَفَرْتُمْ» - . غافر / ۱۲ - {اين [كيفر] از آن روى براى شماست كه چون خدا به تنهايى خوانده مى شد كفر مى ورزيديد.} - . اصول كافى ۱ : ۴۲۱ -

**[ترجمه]

بيان

فى القرآن ذلِكُمْ كما مر و لعله من النساخ.

**[ترجمه]چنان چه گذشت در قرآن «ذَلِكُم» است و شايد تغيير از جانب نساخ است.

**[ترجمه]

«۶۲»

كا، الكافى عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَی سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ لِلْکافِرینَ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ لَیْسَ لَهُ دافِعٌ ثُمَّ قَالَ هَکَذَا وَ اللَّهِ نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که آیه «سَأَلَ سائِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ * لِلْکافِرینَ» به ولایت علی، «لَیْسَ لَهُ دافِعٌ» - . معارج / ۱ - ۲ - {پرسنده ای از عذاب واقع شونده ای پرسید که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده ای نیست.} پس فرمود: به خدا قسم جبرئیل این طور برای محمّد آورد. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۱ -

**[ترجمه]

«۶۳»

کا، الکافی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَیْفٍ عَنْ أَخِیهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِهِ إِنَّکُمْ لَفِی قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ فِی أَمْرِ الْوَلَایَهِ

۱- الملک: ۲۹.

۲- النساء: ۱۳۵.

۳- أصول الکافی ۱: ۴۲۱ و الآیه الأخیره فی سوره فصلت: ۲۷.

۴- أصول الکافی ۱: ۴۲۱. و الآیه فی سوره المؤمن: ۱۳.

۵- أصول الکافی ۱: و الآیه فی المعارج: ۱ و ۲.

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أَفِكَ قَالَ مَنْ أَفِكَ عَنِ الْوَلَايَهِ أَفِكَ عَنِ الْجَنَّهِ (۱).

**[ترجمه]اصول كافى: ابو حمزه از حضرت باقر عليه السّلام نقل كرد كه درباره آيه «إِنَّكُمْ لَفِى قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ» {كه شما [درباره قرآن] در سخنى گوناگونيد} در امر ولايت «يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ» - . ذاريات / ۸ - ۹ - {[بگوى] تا هر كه از آن برگشته برگشته باشد} فرمود: هر كس از ولايت برگردانده شد، از بهشت برگردانده شده است. - . اصول كافى ۱ : ۴۲۲ -

**[ترجمه]

بيان

قال الفيروزآبادى أفك عنه كضرب و علم يأفك إفكا صرفه و قلبه أو قلب رأيه و فلانا جعله يكذب و حرمه مراده.

و قال الطبرسى رحمه الله: أى يصرف عن الإيمان به من صرف عن الخير أى المصروف عن الخيرات كلها من صرف عن هذا الدين و قيل معناه يؤفك عن الحق و الصواب من أفك فدل ذكر القول المختلف على ذكر الحق فجازت الكنايه عنه و قيل إن الصارف لهم رؤساء البدع و أئمه الضلال لأن العوام تبع لهم (۲).

**[ترجمه]فيروز آبادى گفته است: «أفك عنه» مانند «ضرب و علم» «يأفك إفكا» يعنى او را برگرداند و منقلب كرد يا رأيش را برگرداند، و «فلانا» جعله يكذب و از مرادش محروم كرد. و مرحوم طبرسى گفته است: يعنى كسى را كه از خير برگشته است، از ايمان به او برمى گرداند. يعنى محروم از تمام خيرات كسى است كه از اين دين برگردانده شده. و گفته شده معنى اين است كه از حق و راستى برگردانده مى‌شود كسى كه برگردانده شد. پس ذكر «قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ» دلالت بر ذكر حق دارد، پس كنايه از آن نيز جايز است. و گفته شده كسى كه آنها را برمى‌گرداند، سران بدعت گذار و پيشوايان گمراهى هستند، زيرا عامه مردم تابع ايشان هستند. - . مجمع البيان ۹ : ۱۵۳ -

**[ترجمه]

«۶۴»

كا، الكافى عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِى حَمْزَهَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام فِى قَوْلِهِ تَعَالَى هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فِى رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا بِوَلَايَهِ عَلِيٍّ عليه السلام قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيابٌ مِنْ نارٍ (۳).

**[ترجمه]اصول كافى: ابو حمزه از حضرت باقر عليه السّلام درباره اين آيه نقل كرد: «هذانِ خَصْمانِ اخْتَصَمُوا فِى رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا» به ولايت على «قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيابٌ مِنْ نارٍ» - . حج / ۱۹ - {اين دو [گروه] دشمنان يكديگرند كه درباره پروردگارشان با هم ستيزه مى كنند و كسانى كه كفر ورزيدند جامه هايى از آتش برايشان بريده شده است.} - . اصول كافى ۱ : ۴۲۲ -

**[ترجمه]

«۶۵»

کـا، الکافی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ سَلَمَهَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ ٨ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی صِبْغَهَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَهً قَالَ صَبَغَ الْمُؤْمِنِینَ بِالْوَلَایَهِ فِی الْمِیثَاقِ (۴).

**[ترجمه]اصول کافی: عبدالرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «صِبْغَهَ اللّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ صِبْغَهً» - . بقره / ۱۳۸ - {این است نگارگری الهی و کیست خوش نگارتر از خدا} فرمود: نگارگری مؤمنان به ولایت در میثاق. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۲ - ۴۲۳ -

**[ترجمه]

«۶۶»

کا، الکافی أَحْمَدُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ بِهَذِهِ الْآیَهِ هَکَذَا فَأَبَی أَکْثَرُ النَّاسِ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ إِلَّا کُفُوراً (۵) قَالَ وَ نَزَلَ جَبْرَئِیلُ بِهَذِهِ الْآیَهِ هَکَذَا وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام فَمَنْ شَاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِینَ آلَ مُحَمَّدٍ نَاراً (۶).

**[ترجمه]اصول کافی: ابو حمزه از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: «فَأَبی أَکْثَرُ النّاسِ» به ولایت علی، «إِلاّ کُفُوراً»

{ولی بیشتر مردم جز سر انکار ندارند.} - . اسراء / ۸۹ -

فرمود: و جبرئیل این آیه را چنین نازل کرد: «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ» در مورد ولایت علی، «فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنّا أَعْتَدْنا لِلظّالِمِینَ» آل محمّد، «ناراً» - . کهف / ۲۹ - {پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم.} - . اصول کافی ۱ : ۴۲۴ - ۴۲۵ -

**[ترجمه]

«۶۷»

کا، الکافی الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّی عَنِ ابْنِ أُورَمَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ

۱- أصول الکافی ۱: ۴۲۲. و الآیه فی الذاریات: ۸ و ۹.

۲- مجمع البیان: ۹: ۱۵۳.

۳- أصول الكافی ۱: ۴۲۲. و الآیه فی الحجّ: ۱۹.

۴- أصول الكافی ۱: ۴۲۲ و ۴۲۳. و الآیه فی البقره: ۱۲۸.

۵- الإسراء: ۸۹.

۶- أصول الكافی ۱: ۴۲۴ و ۴۲۵. و الآیه فی الكهف: ۲۹.

عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ وَ هُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلی صِراطِ الْحَمِیدِ (۱) قَالَ ذَاکَ حَمْزَةُ وَ جَعْفَرٌ وَ عُبَیْدَةُ وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ عَمَّارٌ هُدُوا إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ قَوْلِهِ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ یَعْنِی أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ الْأَوَّلَ وَ الثَّانِیَ وَ الثَّالِثَ (۲).

**[ترجمه]اصول کافی: عبدالرحمن بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ هُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلی صِراطِ الْحَمِیدِ» - . حج / ۲۴ - {و به گفتار پاک هدایت می شوند و به سوی راه [خدای] ستوده هدایت می گردند} فرمود: آنها حمزه، جعفر، عبیده، سلمان، ابوذر، مقداد بن اسود و عمار هستند که هدایت به جانب امیرالمؤمنین علیه السّلام یافتند و فرمایش او: «حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فِی قُلُوبِکُمْ» یعنی امیرالمؤمنین، «وَ کَرَّهَ إِلَیْکُمُ الْکُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیانَ» - . حجرات / ۷ - {لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت} اولی و دومی و سومی

**[ترجمه]

«۶۸»

کا، الکافی مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ نُعَیْمٍ الصَّحَّافِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِهِ فَمِنْکُمْ کافِرٌ وَ مِنْکُمْ مُؤْمِنٌ (۳) فَقَالَ عَرَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِیمَانَهُمْ بِمُوَالاتِنَا وَ کُفْرَهُمْ بِهَا یَوْمَ أَخَذَ عَلَیْهِمُ الْمِیثَاقَ وَ هُمْ ذَرٌّ فِی صُلْبِ آدَمَ علیه السلام وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَإِنَّما عَلی رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِینُ (۴) فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ مَا هَلَکَ مَنْ کَانَ قَبْلَکُمْ وَ مَا هَلَکَ مَنْ هَلَکَ حَتَّی یَقُومَ قَائِمُنَا إِلَّا فِی تَرْکِ وَلَایَتِنَا وَ جُحُودِ حَقِّنَا وَ مَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ مِنَ الدُّنْیَا حَتَّی أَلْزَمَ رِقَابَ هَذِهِ الْأُمَّةِ حَقَّنَا وَ اللَّهُ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ* (۵).

**[ترجمه]اصول کافی: نعیم صحاف گفت: از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «فَمِنْکُمْ کافِرٌ وَ مِنْکُمْ مُؤْمِنٌ» - . تغابن / ۳ - پرسیدم. فرمود: خداوند روزی که از ایشان میثاق گرفت - در حالی که ذره‌ای در صلب آدم بودند - ایمان آنها را به موالات ما و کفر آنها را به موالات ما شناخت. و از این آیه سؤال کردم: «أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَإِنَّما عَلی رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِینُ» - . تغابن / ۱۲ - {و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید و اگر روی بگردانید بر پیامبر ما فقط پیام رسانی آشکار است} فرمود: به خدا قسم هلاک نشدند کسانی که از قبل شما بودند و نه هلاک شد کسی که هلاک شد تا اینکه قائم ما قیام کند، مگر به واسطه ترک ولایت ما و انکار حق ما. و پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله از دنیا خارج نشد، مگر اینکه بر گردن این امت لازم نمود حق ما را و خداوند هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می کند. - . اصول کافی ۱ : ۴۲۶ - ۴۲۷ -

**[ترجمه]

«۶۹»

کـا، الکـافی عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ لَقَدْ أُوحِیَ إِلَیْکَ وَ إِلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکَ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ قَالَ یَعْنِی إِنْ أَشْرَکْتَ فِی الْوَلَایَهِ غَیْرَهُ بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَ کُنْ مِنَ الشَّاکِرِینَ یَعْنِی بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ بِالطَّاعَهِ وَ کُنْ مِنَ الشَّاکِرِینَ أَنْ عَضَدْتُکَ بِأَخِیکَ وَ ابْنِ عَمِّکَ (۶).

**[ترجمه]اصول کافی: حکم بن بهلول از مردی، از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «وَ لَقَدْ أُوحِیَ إِلَیْکَ وَ إِلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکَ لَئِنْ أَشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ» فرمود: یعنی اگر دیگری را شریک در ولایت کردی، «بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَ کُنْ مِنَ الشَّاکِرِینَ» -. زمر / ۶۵ - ۶۶ -

{و قطعا به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است اگر شرک ورزی، حتما کردارت تباه و مسلما از زیانکاران خواهی شد، بلکه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش}، یعنی خدا را بپرست به اطاعت و از شکرگزاران باش که تو را به وسیله برادرت و پسر عمویت یاری کردم. -. اصول کافی ۱ : ۴۲۷ -

**[ترجمه]

«۷۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ الثَّقَفِیِ

ص: ۳۸۰

۱- الحجّ: ۲۴.

۲- أصول الکافی ۱: ۴۲۶ و الآیه فی الحجرات: ۷.

۳- التغابن: ۳.

۴- التغابن: ۱۲.

۵- أصول الکافی: ۱: ۴۲۶ و ۴۲۷.

۶- أصول الکافی ۱: ۴۲۷ و الآیتان فی الزمر: ۶۴ و ۶۵.

عَنْ عَلِیِّ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ وَهْبِ بْنِ عَلِیٍّ (۱) بْنِ بَحِیرَهٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَبی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلَّا کُفُوراً قَالَ نَزَلَتْ فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «فَأَبی أَکْثَرُ النَّاسِ إِلَّا کُفُوراً» - . اسراء / ۸۹ -

فرمود: درباره ولایت علی علیه السّلام نازل شده است. - . کنز الفوائد: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۷۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره أَحْمَدُ بْنُ هَوْذَهَ عَنِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: فَأَبی أَکْثَرُ النَّاسِ بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام إِلَّا کُفُوراً (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عبدالله بن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: «فَأَبی أَکْثَرُ النَّاسِ» به ولایت علی علیه السّلام، «إِلَّا کُفُوراً.» - . کنز الفوائد: ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۷۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّام عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ عِیسَی بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی عَنْ أَبِیهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فِی وَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ قَالَ وَ قَرَأَ إِلَی قَوْلِهِ أَحْسَنَ عَمَلًا ثُمَّ قَالَ قِیلَ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ فِی أَمْرِ عَلِیٍّ فَإِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ فَجَعَلَ اللَّهُ تَرْکَهُ مَعْصِیَهً وَ کُفْراً قَالَ ثُمَّ قَرَأَ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ لِآلِ مُحَمَّدٍ (۴) ناراً أَحاطَ بِهِمْ سُرادِقُها ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ إِنَّا لا نُضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا یَعْنِی بِهِمْ آلَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: عیسی بن داود از ابوالحسن موسی، از پدر خود علیه السّلام نقل کرد که درباره آیه «وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ» درباره ولایت علی، «فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ» فرمود: و خواند آیه را تا «أَحْسَنَ عَمَلًا»، آنگاه فرمود: به پیامبر اکرم گفته شد آنچه را که در مسأله علی به آن مأموری آشکار کن، زیرا او از جانب پرودگارت حق است. پس هر کس خواست، ایمان بیاورد و هر کس خواست، کفر بورزد. خداوند ترک او را معصیت و کفر قرار داد. فرمود: سپس خواند: «إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِینَ» ستمگران به آل محمّد، «ناراً أَحاطَ بِهِمْ سُرادِقُها» - . کهف / ۲۹ - {پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش آنان را در بر می گیرد.} سپس خواند: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ إِنَّا لا نُضِیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» - . کهف / ۳۰ - {کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته

کرده اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی کنیم.} یعنی به آل محمّد علیهم السّلام. - . کنز الفوائد: ۱۴۱ -

**[ترجمه]

«۷۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْهُ (۶) عَنْ أَبِیهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ قَالَ أُولَئِکَ آلُ مُحَمَّدٍ علیهم السلام وَ الَّذِینَ سَعَوْا فِی قَطْعِ مَوَدَّهِ آلِ مُحَمَّدٍ (۷) مُعاجِزِینَ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحِیمِ قَالَ هِیَ الْأَرْبَعَهُ نَفَرٍ یَعْنِی التَّیْمِیَّ وَ الْعَدِیَّ وَ الْأُمَوِیَّیْنِ (۸).

۱- فی المصدر: عن ابن بحیره.

۲- کنز جامع الفوائد: ۱۴۰. و الآیه فی الاسراء: ۸۹.

۳- کنز جامع الفوائد: ۱۴۰. و الآیه فی الاسراء: ۸۹.

۴- فی المصدر: لآل محمّد حقهم.

۵- کنز جامع الفوائد: ۱۴۱.

۶- أی عن موسی بن جعفر عن أبیه علیهما السلام.

۷- تفسیر لقوله تعالی: «فِی آیاتِنا»* ففسرها علیه السلام بآیات الموده.

۸- کنز جامع الفوائد: ۱۷۶. و الآیتان فی الحجّ: ۵۰ و ۵۱.

**[ترجمه]کنز الفوائد: با همین اسناد از موسی بن جعفر، از پدر خود حضرت علیهما السّلام نقل کرد که درباره آیه «فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ» فرمود: اینها آل محمّدند، «وَ الَّذِینَ سَعَوْا» در قطع مودت آل محمّد، «مُعاجِزِینَ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحِیمِ» - . حج / ۵۰ - ۵۱ - {پس آنان که گرویده و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و روزی نیکو برای ایشان خواهد بود، و کسانی که در [تخطئه] آیات ما می کوشند [و به خیال خود] عاجزکنندگان ما هستند، آنان اهل دوزخند} فرمود: آنها همان چهار نفرند، یعنی تیمی و عدی و دو اموی. - . کنز الفوائد: ۱۷۶ -

**[ترجمه]

«۷۴»

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ علیه السلام فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَی قَوْلِهِ هُمْ فِیها خالِدُونَ (۱) قَالَ نَزَلَتْ فِی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ علیهم السلام وَ قَالَ علیه السلام نَزَلَ فِی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ وُلْدِهِ علیهم السلام إِنَّ الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ وَ الَّذِینَ هُمْ بِآیاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ إِلَی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ هُمْ لَها سابِقُونَ (۲).

**[ترجمه]و با همین اسناد از حضرت موسی بن جعفر، از پدرش علیهما السّلام درباره آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» تا «هُمْ فِیها خالِدُونَ» - . مؤمنون / ۱ - ۱۱ - نقل کرد که فرمود: درباره رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام نازل شد. و فرمود: «إِنَّ الَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ. وَ الَّذِینَ هُمْ بِآیاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ» تا «وَ هُمْ لَها سابِقُونَ» - . مؤمنون / ۵۷ - ۶۱ - درباره امیرالمؤمنین و فرزندانش علیهم السّلام نازل شد. - . کنز الفوائد: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

«۷۵»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ (۳) بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا قَالَ نَحْنُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ اللَّهُ یُدَافِعُ عَنَّا مَا أَذَاعَتْ شِیعَتُنَا (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: اسحاق بن عمار گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ اللَّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا» - . حج / ۳۸ -

{قطعا خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند} پرسیدم. فرمود: ما آنهاییم که ایمان آوردند و خداوند از ما دفاع می کند هر چه را که شیعه ما افشا کرد. - . کنز الفوائد: ۱۷۱ -

**[ترجمه]

«۷۶»

کنز، کنز جـامع الفوائـد و تأویـل الآیـات الظـاهره مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَـیْلِ (۵) عَـنْ أَبِی حَمْزَهَ عَـنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السـلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله بِهَذِهِ الْآیَهِ هَکَذَا فَأَبی أَکْثَرُ النّاسِ مِنْ أُمَّتِکَ (۶) بِوَلَایَهِ عَلِیٍّ علیه السلام إِلّا کُفُوراً (۷).

**[ترجمه]کنز الفوائـد: ابو حمزه از حضـرت بـاقر علیه السّـلام نقل کرد که فرمود: جبرئیل این آیه را بر محمّـد این چنین نازل کرد: «فَأَبی أَکْثَرُ النّاسِ» از امت تو به ولایت علی، «إِلّا کُفُوراً.» - . کنز الفوائد: ۱۴۱ -

**[ترجمه]

«۷۷»

کنز، کنز جـامع الفوائـد و تأویـل الآیـات الظـاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْـدِ اللَّهِ عَنِ الْحَجَّاجِ بْنِ مِنْهَالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سَلَمَهَ عَنِ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ الْوَلِیدَ بْنَ عُقْبَهَ بْنِ أَبِی مُعَیْطٍ قَالَ لِعَلِیٍّ علیه السـلام أَنَا أَبْسَطُ مِنْکَ لِسَاناً وَ أَحَدُّ مِنْکَ سِنَاناً وَ أَمْلَأُ مِنْکَ حَشْواً لِلْکَتِیبَهِ فَقَالَ لَهُ عَلِیٌّ علیه السلام اسْکُتْ یَا فَاسِقُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ

۱- سوره المؤمنون: ۱- ۱۱.

۲- کنز جامع الفوائد: ۱۸۰ و الآیات فی سوره المؤمنون: ۵۷- ۶۱.

۳- فی المصدر: محمّد بن الحسن بن علیّ.

۴- کنز جامع الفوائد: ۱۷۱. و الآیه فی الحجّ: ۳۸.

۵- الموجود فی المصـدر: محمّـد بن یعقوب عن أحمـد بن عبد العظیم عن محمّد بن الفضـیل و فیه وهم و الصـحیح: احمد عن عبد العظیم، و هو أحمد بن مهران و الحدیث یوجد فی الکافی ۱: ۴۲۴.

۶- المصدر و الکافی خالیان عن قوله: عن امتک.

۷- کنز جامع الفوائد: ۱۴۱. و الآیه فی الاسراء: ۸۹.

أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ (١).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس گفت: ولید بن عقبه بن ابی معیط به حضرت علی علیه السّلام گفت: من از تو زبان دارتر و نیزه من از تو تیزتر و از نظر جمع کردن سپاه من پرتر از تو هستم. حضرت علی علیه السّلام در جواب او فرمود: ساکت باش ای فاسق! خداوند این آیه را نازل نمود: «أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ» - . سجده / ١٨ - {آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است، یکسان نیستند.} - . کنز الفوائد: ٢٢٨ -

**[ترجمه]

«٧٨»

كنز، كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَسَدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فُضَيْلٍ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ قَالَ نَزَلَتْ فِي رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا مِنْ أَصْحَابِ الرَّسُولِ وَ هُوَ الْمُؤْمِنُ وَ الْآخَرُ فَاسِقٌ فَقَالَ الْفَاسِقُ لِلْمُؤْمِنِ أَنَا وَ اللَّهِ أَحَدُّ مِنْكَ سِنَاناً وَ أَبْسَطُ مِنْكَ لِسَاناً (٢) وَ أَمْلَأُ مِنْكَ حَشْواً لِلْكَتِيبَةِ فَقَالَ الْمُؤْمِنُ لِلْفَاسِقِ اسْكُتْ يَا فَاسِقُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ (٣) ثُمَّ بَيَّنَ حَالَ الْمُؤْمِنِ فَقَالَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوى نُزُلًا بِما كانُوا يَعْمَلُونَ وَ بَيَّنَ حَالَ الْفَاسِقِ فَقَالَ وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْواهُمُ النَّارُ كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعِيدُوا فِيها وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (٤).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس درباره آیه: «أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ» گفت: این درباره دو نفر نازل شده که یکی از یاران پیامبر، او مؤمن و دیگری فاسق بود. مرد فاسق به مؤمن گفت: به خدا سوگند نیزه من از تو تیزتر و زبان دارترم و از نظر جمع کردن سپاه پرتر از تو هستم. مؤمن به فاسق گف: ساکت باش ای فاسق! خداوند این آیه را نازل کرد: «أَ فَمَنْ كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ.» آنگاه حال مؤمن را توضیح داد و فرمود: «أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوى نُزُلًا بِما كانُوا يَعْمَلُونَ» و حال فاسق را چنین بیان کرد: «وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْواهُمُ النَّارُ كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعِيدُوا فِيها وَ قِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ» - . سجده / ١٩ - ٢٠ - {اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به [پاداش] آنچه انجام می دادند در باغ هایی که در آن جایگزین می شوند پذیرایی می گردند، و اما کسانی که نافرمانی کرده اند پس جایگاهشان آتش است، هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند در آن بازگردانیده می شوند و به آنان گفته می شود عذاب آن آتشی را که دروغش می پنداشتید بچشید.}

**[ترجمه]

«٧٩»

وَ ذَكَرَ أَبُو مِخْنَفٍ أَنَّهُ جَرَى عِنْدَ مُعَاوِيَةَ بَيْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ بَيْنَ الْفَاسِقِ الْوَلِيدِ بْنِ عُقْبَةَ كَلَامٌ فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ

لَا أَلُومُکَ أَنْ تَسُبَّ عَلِیّاً وَ قَدْ جَلَدَکَ فِی الْخَمْرِ ثَمَانِینَ سَوْطاً وَ قَتَلَ أَبَاکَ صَبْراً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی یَوْمِ بَدْرٍ وَ قَدْ سَمَّاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی غَیْرِ آیَهٍ مُؤْمِناً* وَ سَمَّاکَ فاسِقاً (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: و ابو مخنف ذکر نمود که بین حسن بن علی صلوات اللّٰه علیهما و ولید بن عقبه فاسق، در مقابل معاویه سخنی پیش آمد. امام حسن علیه السّلام به او فرمود: من تو را سرزنش نمی کنم که علی را ناسزا می گویی، در حالی که او به خاطر شراب خواری تو را هشتاد تازیانه زد و پدرت را با در پیشگاه پیامبر در جنگ بدر در کمال خواری کشت، و خداوند علی را در آیات بسیار زیادی مؤمن نامید و تو را فاسق. - . کنز الفوائد: ۲۲۸ - ۲۲۹ -

**[ترجمه]

«۸۰»

فس، تفسیر القمی أَبُو الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنِ الرُّویَانِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ رُشَیْدٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ کَثِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ قَالَ قُلْ لِلَّذِینَ مَنَنَّا عَلَیْهِمْ

ص: ۳۸۳

۱- کنز جامع الفوائد: ۲۲۸ فیه: (انا اقسط) و فیه: (فی الکتیبه) و الآیه فی سوره السجده: ۱۸.

۲- فی المصدر: «و اقسط منک لسانا» و فیه: فی الکتیبه.

۳- السجده: ۱۸.

۴- السجده: ۱۹ و ۲۰.

۵- کنز جامع الفوائد: ۲۲۸ و ۲۲۹.

بِمَعْرِفَتِهِمْ (۱) أَنْ يَعْرِفُوا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَإِذَا عَرَفُوهُمْ فَقَدْ غَفَرُوا لَهُمْ (۲).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: داود بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ» - . جاثیه / ۱۴ - {به کسانی که ایمان آورده انـد بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خـدا امید ندارند درگذرند} فرمود: بگو به کسانی که به شـناخت ما بر آنها منت نهادیم، به اینکه شـناختند آنهایی را که نادانند، پس زمانی که آنها را شناختند، آنها را بخشیدند. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۱۸ -

**[ترجمه]

«۸۱»

کنز، کنز جامع الفوائـد و تأویل الآیات الظاهره رُوِیَ أَنَّ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ علیهما السـلام أَرَادَ أَنْ یَضْرِبَ غُلَاماً لَهُ فَقَرَأَ قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ فَوَضَعَ السَّوْطَ مِنْ یَدِهِ فَبَکَی الْغُلَامُ فَقَالَ مَا یُبْکِیکَ فَقَالَ إِنِّی عِنْدَکَ یَا مَوْلَایَ مِنَ الَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِمَّنْ یَرْجُو أَیَّامَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ یَا مَوْلَایَ فَقَالَ علیه السلام لَا أُحِبُّ أَنْ أَمْلِکَ مَنْ یَرْجُو أَیَّامَ اللَّهِ قُمْ فَأْتِ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قُلِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ خَطِیئَتَهُ یَوْمَ الدِّینِ وَ أَنْتَ حُرٌّ لِوَجْهِ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائـد: روایت شـده که علی بن الحسین علیهما السّـلام تصـمیم گرفت غلامش را تنبیه کنـد. غلام این آیه را خوانـد: «قُلْ لِلَّذِینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذِینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ.» امام علیه السّـلام شـلاق را از دست رها کرد و غلام شـروع به گریه نمود. فرمود: چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: مولای من! آیا من در نزد شما از کسانی هستم که امید ایام خدا را ندارند؟ به او فرمود: تو از کسانی هستی که به ایام خدا امیدوارند؟ عرض کرد: آری مولای من! فرمود: دوست ندارم که مالک کسـی باشـم که امیـد ایـام خـدا را دارد. اکنون برخیز، برو کنـار قبر پیـامبر صـلی اللَّه علیه و آله و بگو خـدایا! روز قیـامت از خطای علی بن الحسین در گذر، آنگاه آزادی برای خدا! - . کنز الفوائد: ۲۹۹ -

**[ترجمه]

«۸۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ حَکَمٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ حُسَیْنٍ عَنْ حَیَّانَ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْیاهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما یَحْکُمُونَ قَالَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بَنُو هَاشِمٍ وَ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئَاتِ بَنُو عَبْدِ شَمْسٍ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائـد: ابن عبـاس دربـاره آیه: «أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْیاهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما یَحْکُمُونَ» - . جاثیه / ۲۱ -

{آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد چه بد داوری می کنند} گفت: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، بنی هاشم و بنی عبدالمطلب هستند و کسانی که مرتکب کارهای بد شدند، بنی عبدالشمس هستند. -. کنز الفوائد: ۳۰۰ -

**[ترجمه]

«۸۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ أَیُّوبَ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْکَلْبِیِّ عَنْ أَبِی صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ الْآیَهَ قَالَ إِنَّهَا نَزَلَتْ فِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ حَمْزَهَ وَ عُبَیْدَهَ بْنِ الْحَارِثِ علیهم السلام هُمُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ فِی ثَلَاثَهٍ مِنَ الْمُشْرِکِینَ عُتْبَهَ وَ شَیْبَهَ ابْنَیْ رَبِیعَهَ وَ الْوَلِیدِ بْنِ عُتْبَهَ وَ هُمُ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس درباره آیه «أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ» تا آخر آیه گفت: درباره علی بن ابی طالب و حمزه و عبیده بن حارث نازل شد که همان کسانی هستند که ایمان آوردند و درباره سه نفر از مشرکان عتبه و شیبه دو فرزند ربیعه و ولید بن عتبه نازل شد و آنها کسانی هستند که مرتکب کارهای بد شدند. -. کنز الفوائد: ۳۰۰ -

**[ترجمه]

«۸۴»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِیفٍ وَ أَبِی حَمْزَهَ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَنَّهُ قَالَ: سُورَهُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله آیَهٌ فِینَا وَ آیَهٌ فِی بَنِی أُمَیَّهَ (۶).

۱- فی المصدر: مننا علیهم بمعرفتنا.

۲- تفسیر القمّیّ: ۶۱۸. و الآیه فی الجاثیه: ۱۴.

۳- کنز جامع الفوائد: ۲۹۹. و الآیه فی الجاثیه: ۱۴.

۴- کنز جامع الفوائد: ۳۰۰. و الآیه فی الجاثیه: ۲۱.

۵- کنز جامع الفوائد: ۳۰۰. و الآیه فی الجاثیه: ۲۱.

۶- کنز جامع الفوائد: ۳۰۲.

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن نباته از علی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: در سوره محمّد یک آیه درباره ما است و یک آیه درباره بنی امیه. - . کنز الفوائد: ۳۰۲ -

**[ترجمه]

«۸۵»

وَ عَنْهُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مِثْلَهُ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: و از جابر، از حضرت باقر علیه السّلام همین روایت را نقل کرد. - . کنز الفوائد: ۳۳۴ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۸۶»

وَ عَنْهُ أَیْضاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْکَاتِبِ عَنْ حُمَیْدِ بْنِ الرَّبِیعِ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ مُوسَی عَنْ قَطْرٍ (۲) عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَرَادَ فَضْلَنَا عَلَی عَدُوِّنَا فَلْیَقْرَأْ هَذِهِ السُّورَةَ الَّتِی یَذْکُرُ فِیهَا الَّذِینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ فِینَا آیَةٌ وَ فِیهِمْ آیَةٌ إِلَی آخِرِهَا (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: و نیز از ابراهیم بن ابی الحسن موسی علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر کس خواست فضل ما را بر دشمنانمان بداند، این سوره را بخواند که در آن این آیه است: «الَّذِینَ کَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ» - . محمد / ۱ - {کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند.} یک آیه درباره ما و یک آیه درباره آنها است تا آخر سوره. - . کنز الفوائد: ۳۳۴ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۸۷»

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ (۴) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ فِی عَلِیٍّ علیه السلام فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ (۵).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: فرمایش خدا «ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ» درباره علی علیه السّلام است. «فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» - . محمد / ۹ - {این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد}. - . کنز الفوائد: ۳۰۳ -

**[ترجمه]

«۸۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره قَوْلُهُ تَعَالَی وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ حَتَّی إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً تَأْوِیلُهُ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی الْعُبَیْدِیِّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِیِّ وَ کَانَ خَیِّراً عَنْ صَبَّاحٍ الْمُزَنِیِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصِیرَهَ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: کُنَّا نَکُونُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَیُخْبِرُنَا بِالْوَحْیِ فَأَعِیهِ أَنَا دُونَهُمْ وَ اللَّهِ وَ مَا یَعُونَهُ هُمْ وَ إِذَا خَرَجُوا قَالُوا ما ذا قالَ آنِفاً (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: آیه «وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ حَتَّی إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً» - . محمد / ۱۶ - {و از میان [منافقان] کسانی اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می روند به دانش یافتگان می گویند هم اکنون چه گفت}تأویلش آن است که محمّد بن عباس از ابن نباته، از علی علیه السلام روایت کرد که فرمود: ما در خدمت پیامبر اکرم می‌بودیم و ما را از وحی مطلع می‌ساخت. به خدا سوگند من در بین ایشان آن را حفظ می‌کردم و آنها حفظ نمی‌کردند. وقتی خارج می شدند، می گفتند پیامبر هم اکنون چه گفت؟ - . کنز الفوائد: ۳۳۵ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۸۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْکَاتِبِ عَنْ حُسَیْنِ (۷) بْنِ خُزَیْمَهَ الرَّازِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی هَوْذَهَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَیَّاشٍ عَنْ جُوَیْبِرٍ عَنِ

۱- کنز جامع الفوائد: ۳۳۴ النسخه الرضویه.

۲- لعل الصحیح: «فطر» بالطاء المهله.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۳۴. النسخه الرضوی.

۴- فی المصدر: عن أحمد بن خالد.

۵- کنز جامع الفوائد: ۳۰۳ و الآیه فی سوره محمد: ۹.

۶- کنز جامع الفوائد: ۳۳۵ «النسخه الرضویه» و الآیه فی سوره محمد: ۱۶.

۷- فی المصدر: (حصین بن خزیمه) و فیه: عن هوذه.

الضَّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ قَالَ نَزَلَتْ فِی بَنِی هَاشِمٍ وَ بَنِی أُمَیَّةَ (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس درباره آیه: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ» - . محمد / ۲۲ -

{پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را از هم بگسلید} گفت: درباره بنی هاشم و بنی امیه نازل شده است. - . کنز الفوائد: ۳۰۳ -

**[ترجمه]

«۹۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سُلَیْمَانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی قَالَ الْهُدَی هُوَ سَبِیلُ عَلِیٍّ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن علی حلبی از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه «إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی» - . محمد / ۲۵ - {بی گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند} فرمود: «هدی» راه امیرالمؤمنین علیه السّلام است. - . کنز الفوائد: ۳۰۳ -

**[ترجمه]

«۹۱»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: لَمَّا نَصَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلِیّاً علیه السلام یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ قَالَ قَوْمٌ مَا یَأْلُو یَرْفَعُ (۳) ضَبْعَ ابْنِ عَمِّهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَی أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ یُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغانَهُمْ (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: جابر از حضرت باقر علیه السّلام و آن جناب از جابر بن عبداللّه انصاری رضی الله عنه نقل کرد که گفت: وقتی پیامبر اکرم علی علیه السّلام را به ولایت در غدیر خم تعیین نمود، بعضی گفتند پیوسته پسر عمویش را بالا می برد. خداوند این آیه را نازل کرد: «أَمْ حَسِبَ الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ یُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغانَهُمْ» - . محمد / ۲۹ - {آیا کسانی که در دل هایشان مرضی هست پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد.} - . کنز الفوائد: ۳۳۶ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۹۲»

وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَرِيرٍ (۵) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحَمَّامِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ قَالَ بَعْضُهُمْ (۶) لِعَلِيٍّ علیه السلام (۷).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو سعید خدری درباره این فرمایش خدا «وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ» - . محمد / ۳۰ - {و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی برد} گفت: بعضی - . در نسخه کمپانی «بغضهم لعلیّ» است. - از آنها نسبت به علی علیه السّلام. - . کنز الفوائد: ۳۳۶ نسخه رضویه -

**[ترجمه]

«۹۳»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره ذَكَرَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ (۸) وَ قَوْلِهِ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرارَهُمْ (۹) قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ

۱- کنز جامع الفوائد: ۳۰۳. و الآیتان فی سوره محمد: ۲۲ و ۲۵.

۲- کنز جامع الفوائد: ۳۰۳. و الآیتان فی سوره محمد: ۲۲ و ۲۵.

۳- فی المصدر: ما یألو برفع.

۴- کنز جامع الفوائد: ۳۳۶. «النسخه الرضویه» و الآیه فی سوره محمد: ۲۹.

۵- فی المصدر: محمّد بن حریز.

۶- فی نسخه الکمبانیّ. بغضهم لعلی علیه السلام.

۷- کنز جامع الفوائد: ۳۳۶. النسخه الرضویه.

۸- سوره محمد: ۹ و ۲۶.

۹- سوره محمد: ۹ و ۲۶.

صلی الله علیه و آله لما أخذ المیثاق لامیر المؤمنین علیه السلام قال : أتـدرون من ولیکم بعدی قالوا : الله ورسوله أعلم ، فقال : إن الله یقول : « إن تظاهرا علیه فإن الله هو مولاه و جبریل وصالح المؤمنین(۱) »

یَعْنِی عَلِیّاً هُوَ وَلِیُّکُمْ مِنْ بَعْدِی هَذِهِ الْأُولَی وَ أَمَّا الْمَرَّهُ الثَّانِیَهُ لَمَّا أَشْهَدَهُمْ یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ وَ قَدْ کَانُوا یَقُولُونَ لَئِنْ قَبَضَ اللَّهُ مُحَمَّداً لَا نُرْجِعُ هَذَا الْأَمْرَ فِی آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا نُعْطِیهِمْ مِنَ الْخُمُسِ شَیْئاً فَاطَّلَعَ اللَّهُ نَبِیَّهُ عَلَی ذَلِکَ وَ أَنْزَلَ عَلَیْهِ أَمْ یَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ بَلی وَ رُسُلُنا لَدَیْهِمْ یَکْتُبُونَ (۲) وَ قَالَ أَیْضاً فِیهِمْ فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمی أَبْصارَهُمْ أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی وَ الْهُدَی سَبِیلُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلی لَهُمْ (۳) قَالَ وَ قَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام هَذِهِ الْآیَهَ هَکَذَا فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ وَ سَلَّطْتُمْ وَ مَلَکْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحَامَکُمْ نَزَلَتْ فِی بَنِی عَمِّنَا بَنِی أُمَیَّهَ وَ فِیهِمْ یَقُولُ اللَّهُ أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمی أَبْصارَهُمْ أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ فَیَقْضُوا مَا عَلَیْهِمْ مِنَ الْحَقِّ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها (۴).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن فضیل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام درباره آیه: «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کَرِهُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمالَهُمْ» - . محمد / ۹ -

{این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد.} و این آیه «ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لِلَّذِینَ کَرِهُوا ما نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِیعُکُمْ فِی بَعْضِ الْأَمْرِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِسْرارَهُمْ» - . محمد / ۲۶ -

{چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی داشتند، گفتند ما در کار [مخالفت] تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد و خدا از همداستانی آنان آگاه است} پرسیدم. فرمود: پیامبر اکرم صلّی اللَّه علیه و آله موقعی که برای امیرالمؤمنین پیمان گرفت، فرمود: می‌دانید ولیّ شما بعد از من کیست؟ گفتند: خدا و پیامبرش داناترند. فرمود: خداوند می... فرماید: «إِنْ تَظاهَرا عَلَیْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِیلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ» - . تحریم / ۴ -

{و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید در حقیقت خدا خود سرپرست اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند]} یعنی علی علیه السّلام. او ولی شما است بعد از من. این مرتبه اول بود. اما مرتبه دوم موقعی که در روز غدیر خم مردم را بر ولایت علی گواه گرفت، گروهی می گفتند: اگر خداوند محمّد را قبض روح نماید، برنمی گردانیم این امر را به آل محمّد و چیزی از خمس را به ایشان نخواهیم داد. خداوند پیامبرش را بر آن مطلع نمود و بر او نازل فرمود: «أَمْ یَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ بَلی وَ رُسُلُنا لَدَیْهِمْ یَکْتُبُونَ» - . زخرف / ۸۰ - {آیا می پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی شنویم، چرا و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می کنند.} و نیز درباره آنها فرمود: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَکُمْ، أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمی أَبْصارَهُمْ، أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها، إِنَّ الَّذِینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی.» و «هدی» راه امیرالمؤمنین علیه السّلام است. «الشَّیْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَی لَهُمْ» - . محمد / ۲۲ - ۲۵ - {پس [ای منافقان] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندی های خود را از هم بگسلید. اینان همان کسانند که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشم هایشان را نابینا کرده است. آیا به آیات قرآن نمی اندیشند یا [مگر] بر دل هایشان قفل هایی نهاده شده است.

بی گمان کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت} گفت: و حضرت صادق این آیه را این چنین خواند: «فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ وَ سلّطتم وَ ملكتم أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ»، این آیه درباره پسر عموهای ما بنی امیه نازل شده و خداوند درباره ایشان می فرماید: «أُولئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَ أَعْمى أَبْصارَهُمْ، أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ»، حکم می کنند آنچه که بر آنها است از حق، «أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها». - . كنز الفوائد: ۳۳۶ -

**[ترجمه]

«۹۴»

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَدْعُو أَصْحَابَهُ (۵) مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ خَيْراً سَمِعَ وَ عَرَفَ مَا يَدْعُوهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً طَبَعَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يَسْمَعُ وَ لَا يَعْقِلُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ وَ قَالَ علیه السلام لَا يَخْرُجُ مِنْ شِيعَتِنَا أَحَدٌ إِلَّا أَبْدَلَنَا اللَّهُ بِهِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لا يَكُونُوا أَمْثالَكُمْ (۶).

۱- التحريم : ۴.

۲- الزخرف: ۸۰.

۳- محمّد: ۲۲- ۲۵.

۴- كنز جامع الفوائد: ۳۳۶ النسخه الرضويه.

۵- في المصدر: قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و كان يدعو أصحابه.

۶- كنز جامع الفوائد: ۳۳۷. «النسخه الرضويه» و الآيتان في سوره محمد: ۱۶ و ۳۸.

أقول: لیس فیما عندنا من التفسیر هذه الأخبار علی هذا الوجه.

**[ترجمه]کنز الفوائد: و حضرت صادق علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم اصحاب خود را می‌خواند. خداوند برای هر کس خیری را خواست، شنید و فهمید آنچه را که پیامبر به آن دعوت می کند، و برای هر کس بدی را خواست، بر قلب او مهر زد، پس نمی‌شنود و نمی‌فهمد و این است سخن خدا: «حَتَّی إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً، أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ» - . محمد / ۱۶ - {ولی چون از نزد تو بیرون می روند، به دانش یافتگان می گویند هم اکنون چه گفت، اینان همانانند که خدا بر دل هایشان مهر نهاده است و از هوس های خود پیروی کرده اند.} و فرمود: از شیعه تو کسی خارج نمی‌شود مگر اینکه خدا او را برای ما به کسی که از او بهتر است تبدیل می کند، زیرا خدا می... فرماید: «وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا یَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَیْرَکُمْ ثُمَّ لا یَکُونُوا أَمْثالَکُمْ» - . محمد / ۳۸ - {و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.} - . کنز الفوائد: ۳۳۷ -

مؤلف: در تفسیرهای موجود در نزد ما، این اخبار به این صورت نیست.

**[ترجمه]

«۹۵»

کنز، (کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره) رَوَی شَیْخُ الطَّائِفَهِ (۱)بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَخْطَبِ خُوارِزْمَ رَفَعَهُ إِلَی ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلَ قَوْمٌ اَلنَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فِیمَنْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَهُ: وَعَدَ اللهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَهً وَ أَجْراً عَظِیماً (۲)فَقَالَ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ عُقِدَ لِوَاءٌ مِنْ نُورٍ أَبْیَضَ وَ نَادَی مُنَادٍ لِیَقُمْ سَیِّدُ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَعَهُ الَّذِینَ آمَنُوا بَعْدَ بَعْثِ مُحَمَّدٍ فَیَقُومُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهما السلام فَیُعْطَی اللِّوَاءَ مِنَ النُّورِ الْأَبْیَضِ بِیَدِهِ وَ تَحْتَهُ جَمِیعُ السَّابِقِینَ الْأَوَّلِینَ مِنَ اَلْمُهَاجِرِینَ وَ اَلْأَنْصَارِ لاَ یُخَالِطُهُمْ غَیْرُهُمْ حَتَّی یَجْلِسَ عَلَی مِنْبَرٍ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعِزَّهِ وَ یُعْرَضَ الْجَمِیعُ عَلَیْهِ رَجُلاً رَجُلاً فَیُعْطِیَهُ أَجْرَهُ وَ نُورَهُ فَإِذَا أَتَی عَلَی آخِرِهِمْ قِیلَ لَهُمْ قَدْ عَرَفْتُمْ صِفَتَکُمْ (۳)وَ مَنَازِلَکُمْ فِی اَلْجَنَّهِ إِنَّ رَبَّکُمْ یَقُولُ إِنَّ لَکُمْ عِنْدِی مَغْفِرَهً وَ أَجْراً عَظِیماً یَعْنِی اَلْجَنَّهَ فَیَقُومُ عَلِیٌّ وَ الْقَوْمُ تَحْتَ لِوَائِهِ مَعَهُ حَتَّی یَدْخُلَ بِهِمُ اَلْجَنَّهَ ثُمَّ یَرْجِعُ إِلَی مِنْبَرِهِ فَلاَ یَزَالُ یُعْرَضُ عَلَیْهِ جَمِیعُ الْمُؤْمِنِینَ فَیَأْخُذُ نَصِیبَهُ مِنْهُمْ إِلَی اَلْجَنَّهِ وَ یُنْزِلُ (۴)أَقْوَاماً عَلَی اَلنَّارِ فَذَلِکَ قَوْلُهُ تَعَالَی: وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ یَعْنِی السَّابِقِینَ الْأَوَّلِینَ وَ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَهْلَ الْوَلاَیَهِ لَهُ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیَاتِنَا أُولَئِکَ أَصْحَابُ الْجَحِیمِ یَعْنِی کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِالْوَلاَیَهِ وَ بِحَقِّ عَلِیٍّ علیه السلام (۵).

ص: ۳۸۸

۱- هذا وهم واضح،فان الشیخ متقدم علی اخطب زمانا و لا یصحّ روایته عنه،توفی الشیخ فی سنه ۴۶۰،و اخطب خوارزم فی ۵۶۸،و منشأ الوهم ان الشولستانی نقل الحدیث عن اخطب خوارزم ثمّ قال بعد تمام الحدیث:و هذا ذکره الشیخ فی امالیه،و مراده أن الشیخ ذکره أیضا فی امالیه فتوهم المصنّف انه رواه فیه عن اخطب خوارزم.و اما اسناد الحدیث فی الأمالی فرواه الشیخ عن الحفار عن إسماعیل بن علی عن أبیه عن دعبل عن مجاشع بن عمر(عن)میسره بن عبید اللّه عن عبد الکریم الجزریّ عن

سعید بن جبیر عن ابن عبّاس راجع الأمالی:۲۴۰.

۲- ۲) الفتح:۲۹.

۳- ۳) فی الأمالی:موضعکم و منازلکم.

۴- ۴) فی الأمالی:و یترک.

۵- ۵) کنز جامع الفوائد.۳۴۵،النسخه الرضویه،و الآیه فی سوره الحدید:۱۹،و فی الأمالی:أصحاب الجحیم هم الذین قاسم النار فاستحق الجحیم.

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس گفت: گروهی از پیامبر اکرم پرسیدند: آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظِیماً» - . فتح / ۲۹ - {خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است} درباره چه کسی نازل شده است؟ فرمود: هنگامی که روز قیامت شد، خداوند پرچمی از نور سفید برپا می‌کند و منادی فریاد می زند: سرور مؤمنان از جای حرکت کند و به همراه او کسانی که پس از بعثت حضرت محمّد صلی اللّه علیه و آله ایمان آوردند هستند. علی بن ابی طالب علیه السّلام از جای حرکت می کند و پرچمی از نور سفید به دست او داده می‌شود و زیر آن تمام سابقان اول از مهاجر و انصار هستند و دیگری با آنها مخلوط نمی شود، تا اینکه بر منبری از نور رب العزه می نشیند. تک تک آنها به آن جناب عرضه می شوند و به هر کدام پاداش و نورش را می دهد. زمانی که به نفر آخرشان رسید، به ایشان گفته می شود: شناختید صفات و منزل های خود را در بهشت. پروردگار شما می فرماید که برای شما در نزد ما آمرزش و پاداش عظیمی است که منظور بهشت است. علی علیه السّلام از جای حرکت می کند و گروهی که زیر پرچم اویند با او هستند، تا اینکه آنها را داخل بهشت می کند. آنگاه برمی گردد به جانب منبر خود و پیوسته تمام مؤمنان بر ایشان عرضه می شوند، نصیب خویش را از ایشان می گیرد به جانب بهشت و گروه‌هایی را نیز در آتش فرود می‌آورد. این است تفسیر آیه شریفه: «وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ» منظور سابقان اول و مؤمنان و اهل ولایت او هستند، «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحِیمِ» - . حدید / ۱۹ -

{و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده اند آنان همدمان آتشند.} یعنی کفر ورزیدند و ولایت و حق علی را تکذیب کردند. - . کنز الفوائد: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۹۶»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِیَاثٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنِ الضَّحَّاکِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ ذَهَبَ عَلِیٌّ علیه السلام بِشَرَفِهَا وَ فَضْلِهَا (۱).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابن عباس درباره آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ یَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أُولئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ» - . حجرات / ۱۵ -

{در حقیقت مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کرده اند ایناننند که راستکردارند} گفت: علی علیه السّلام تمام شرف و فضل این آیه را با خویش برد. - . کنز الفوائد: ۳۰۸ -

**[ترجمه]

«۹۷»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْمُنْذِرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بِشْرٍ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ابْنُ الْحَنَفِیَّهِ إِنَّمَا حُبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ شَیْ ءٌ یَکْتُبُهُ اللَّهُ فِی أَیْمَنِ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ وَ مَنْ کَتَبَهُ اللَّهُ فِی قَلْبِهِ لَا یَسْتَطِیعُ أَحَدٌ مَحْوَهُ أَ مَا سَمِعْتَ سُبْحَانَهُ یَقُولُ أُولئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمانَ وَ أَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ إِلَی آخِرِ الْآیَهِ فَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ الْإِیمَانُ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: محمّد بن علی ابن حنفیه گفت: حب ما اهل بیت چیزی است که خدا آن را در سمت راست قلب مؤمن می‌نویسد و هر کس که خدا آن را در قلبش نوشت، هیچ کس نمی‌تواند آن را محو کند. آیا سخن خدا را نشنیدی که می فرماید: «أُوْلَئِکَ کَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْإِیمَانَ وَ أَیَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ» - . مجادله / ۲۲ - {در دل این هاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تایید کرده است} تا آخر آیه. پس حب ما اهل بیت ایمان است. - . کنز الفوائد: ۳۳۵ -

**[ترجمه]

«۹۸»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ عَنْ مُقَاتِلٍ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنْ صَبَّاحٍ الْأَزْرَقِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ هُوَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ شِیعَتُهُ (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: صباح ازرق گفت: از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم که درباره آیه «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ» - . بروج / ۱۱ -

{کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند برای آنان باغ هایی است که از زیر [درختان] آن جوی ها روان است} می‌فرمود: منظور امیرالمؤمنین علیه السّلام و شیعه اوست. - . کنز الفوائد: ۳۸۱ - ۳۸۲ -

**[ترجمه]

«۹۹»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْهَیْثَمِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ حُسَیْنٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ مُسَاوِرٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ زِیَادٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مُهَاجِرٍ عَنْ یَزِیدَ بْنِ شَرَاحِیلَ کَاتِبِ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُ عَلِیّاً علیه السلام یَقُولُ سَمِعْتُ (۴) رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ وَ أَنَا مُسْنِدُهُ إِلَی ظَهْرِی وَ عَائِشَهُ عِنْدَ أُذُنِی فَأَصْغَتْ عَائِشَهُ لِتَسْمَعَ مَا یَقُولُ فَقَالَ أَیْ أَخِی أَ لَمْ تَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ

۱- کنز جامع الفوائد: ۳۰۸. و الآیه فی سوره الحجرات: ۱۵.

۲- کنز جامع الفوائد: ۳۳۵ و الآیه فی سوره المجادله: ۲۲.

۳- کنز جامع الفوائد: ۳۸۱ و ۳۸۲ و الآیه فی سوره البروج: ۱۱.

۴- فی المصدر: حدّثنی.

عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ أَنْتَ وَ شِيعَتُکَ (۱) وَ مَوْعِدِی وَ مَوْعِدُکُمُ الْحَوْضُ إِذَا جَثَتِ الْأُمَمُ تُدْعَوْنَ غُرّاً مُحَجَّلِينَ شِبَاعاً مَرْوِيِّينَ (۲).

**[ترجمه]کنز الفوائد: يزيد بن شراحيل، کاتب حضرت على عليه السّلام گفت: از حضرت على عليه السّلام شنيدم که مى فرمود: شنيدم که پيامبر اکرم مى‌فرمود: در حالى که من تکيه گاه او با پشتم بودم و عايشه نزديک گوشم بود، پس گوش داد تا بشنود چه مى فرمايد. آن جناب فرمود: اى برادرم! اين سخن خدا را نشنيدى «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ» - . بينه / ۷ -

{در حقيقت کسانى که گرويده و کارهاى شايسته کرده اند آنانند که بهترين آفريدگانند}؟ تو و شيعه تو، قرار من و شما در حوض کوثر است. وقتى امت‌ها برخيزند، شما با چهره اى درخشان، سير و سيراب خوانده مى‌شويد. - . کنز الفوائد: ۴۰۰ -

**[ترجمه]

«۱۰۰»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَوْذَهَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ أَبِی مِخْنَفٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ مِيثَمٍ أَنَّهُ وَجَدَ فِی کُتُبِ أَبِيهِ أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَقُولُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَیَّ فَقَالَ هُمْ أَنْتَ يَا عَلِیُّ وَ شِيعَتُکَ وَ مِيعَادُکَ وَ مِيعَادُهُمُ الْحَوْضُ تَأْتُونَ غُرّاً مُحَجَّلِينَ مُتَوَّجِينَ قَالَ يَعْقُوبُ فَحَدَّثْتُ بِهِ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ هَکَذَا هُوَ عِنْدَنَا فِی کِتَابِ عَلِیٍّ عليه السلام (۳).

**[ترجمه]کنز الفوائد: ابو مخنف از يعقوب بن ميثم نقل کرد که در کتاب پدرش يافت که على عليه السّلام فرمود: شنيدم که رسول خدا مى‌فرمايد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّهِ.» سپس به من رو کرد و فرمود: اى على! آنها تو و شيعه تو هستيد و ميعاد تو و آنها حوض کوثر است. مى‌آييد در حالى که چهره‌اى درخشان و تاج بر سر داريد. يعقوب گفت: جريان را براى حضرت باقر عليه السّلام نقل کردم. فرمود: همين طور است آن در نزد در کتاب على عليه السّلام. - . کنز الفوائد: ۴۰۰ -

**[ترجمه]

تذنيب

اعلم أن إطلاق لفظ الشرک و الکفر على من لم يعتقد إمامه أمير المؤمنين و الأئمه من ولده عليهم السلام و فضل عليهم غيرهم يدل على أنهم کفار مخلدون فی النار و قد مر الکلام فيه فی أبواب المعاد و سيأتی فی أبواب الإيمان و الکفر إن شاء الله تعالى.

قال الشيخ المفيد قدس الله روحه فی کتاب المسائل اتفقت الإماميه على أن من أنکر إمامه أحد من الأئمه و جحد ما أوجبه الله

تعالی له من فرض الطاعه فهو کافر ضال مستحق للخلود فی النار.

و قال فی موضع آخر اتفقت الإمامیه علی أن أصحاب البدع کلهم کفار و أن علی الإمام أن یستتیبهم عند التمکن بعد الدعوه لهم و إقامه البینات علیهم فإن تابوا من بدعهم و صاروا إلی الصواب و إلا قتلهم لردتهم عن الإیمان و أن من مات منهم علی ذلک فهو من أهل النار و أجمعت المعتزله علی خلاف ذلک و زعموا أن کثیرا من أهل البدع فساق لیسوا بکفار و أن فیهم من لا یفسق ببدعته و لا یخرج بها عن الإسلام کالمرجئه من أصحاب ابن شبیب و التبریه من الزیدیه الموافقه لهم فی الأصول و إن خالفوهم فی صفات الإمام.

ص: ۳۹۰

۱- فی المصدر: هم انت و شیعتک.

۲- کنز جامع الفوائد ۴۰۰. و الآیه فی سوره البینه: ۷.

۳- کنز جامع الفوائد ۴۰۰. و الآیه فی سوره البینه: ۷.

**[ترجمه]بدان اطلاق لفظ شرک و کفر بر کسی که معتقد به امامت امیرالمؤمنین و ائمه از فرزندانش نبود و دیگری را بر آنها مقدم داشت، دلیل است بر اینکه آنها کافر و جاودانه در آتشند. سخن درباره آن در ابواب معاد گذشت و در ابواب ایمان و کفر خواهد آمد إن شاء اللّٰه.

شیخ مفید: در کتاب «المسائل» گفت: امامیه اتفاق دارند بر اینکه هر کس امامت یکی از ائمه را انکار کند و آنچه را که خدا برای او از وجوب اطاعت، واجب کرده انکار کند، کافر گمراهی است که مستحق خلود در آتش است. و در جای دیگر گفت: امامیه اتفاق دارند بر اینکه بدعت گذاران همه کافرند و لازم است بر امام که در صورت تمکن، بعد از دعوت آنها، ایشان را توبه بدهد و بینه بر ایشان اقامه نماید، اگر توبه کردند از بدعت‌هایشان و به راه درست رفتند، آزادند، وگرنه آنها را به خاطر برگشتشان از ایمان می کشد. و هر کس از آنها که با این عقیده بمیرد، او از اهل آتش است. و معتزله بر خلاف این اجماع کردند و عقیده دارند که بیشتر بدعت گذاران فاسقند نه کافر. و در ایشان کسانی هستند که با بدعت خود فاسق هم نمی شوند و با آن از اسلام خارج نمی‌شوند، مانند مرجئه از اصحاب ابن شبیب و تبری ها از زیدی ها که در اصول با آنها موافقند، گرچه در صفات امام با آنها اختلاف دارند.

**[ترجمه]

باب ۲۲ نادر فی تأویل قوله تعالی قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَه

الأخبار

«۱»

قب، المناقب لابن شهرآشوب الْبَاقِرُ وَ الصَّادِقُ علیهما السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ قَالَ الْوَلَایَهُ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی قَالَ الْأَئِمَّهُ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا (۱).

**[ترجمه]مناقب ابن شهر آشوب: حضرت باقر و صادق علیهما السّلام درباره آیه: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ» فرمودند: آن ولایت است، «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی» - . سبأ / ۴۶ - {بگو من فقط به شما یک اندرز می دهم که دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید.} فرمود: ائمه از ذریه آن دو. - . مناقب ابن شهر آشوب ۳ : ۳۱۴ -

**[ترجمه]

«۲»

کنز، کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهره مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِیِّ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی قَالَ بِالْوَلَایَهِ قُلْتُ وَ کَیْفَ ذَاکَ قَالَ إِنَّهُ لَمَّا نَصَبَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لِلنَّاسِ فَقَالَ مَنْ کُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلَاهُ اغْتَابَهُ رَجُلٌ وَ قَالَ (۲) إِنَّ مُحَمَّداً لَیَدْعُو کُلَّ یَوْمٍ إِلَی أَمْرٍ جَدِیدٍ وَ قَدْ بَدَأَ (۳) بِأَهْلِ بَیْتِهِ یُمَلِّکُهُمْ رِقَابَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی نَبِیِّهِ صلی الله

علیه و آله بِذَلِکَ قُرْآناً فَقَالَ لَهُ قُلْ إِنَّما أَعِظُکَمْ بِواحِدَهٍ فَقَدْ أَدَّیْتُ إِلَیْکَمْ مَا افْتَرَضَ رَبُّکَمْ عَلَیْکَمْ قُلْتُ فَمَا مَعْنَی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی فَقَالَ أَمَّا مَثْنَی یَعْنِی طَاعَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ طَاعَهَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَمَّا فُرَادَی فَیَعْنِی طَاعَهَ الْأَئِمَّهِ (۴) مِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا مِنْ بَعْدِهِمَا (۵) وَ لَا وَ اللَّهِ یَا یَعْقُوبُ مَا عَنَی غَیْرَ ذَلِکَ (۶).

**[ترجمه]کنز الفوائد: یعقوب بن یزید گفت: از حضرت صادق علیه السّلام راجع به آیه «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی» پرسیدم. فرمود: به ولایت. گفتم: آن چگونه است؟ فرمود: وقتی امیرالمؤمنین علیه السّلام را پیامبر اکرم برای مردم به ولایت منصوب کرد، فرمود: «من کُنت مولاه فعلیّ مولاه.»

مردی غیبت او را کرد و گفت: محمّد هر روز به چیز جدیدی دعوت می کند و با اهل بیت خود شروع کرده که ما را زیردست آنها قرار دهد. خداوند در این مورد بر پیامبرش آیه ای نازل نمود. پس او گفت: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَهٍ» من آنچه را که خدایتان بر شما واجب کرد به شما رساندم. پرسیدم: معنی «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی» چیست؟ فرمود: اما «مثنی» یعنی اطاعت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و اطاعت امیرالمؤمنین علیه السّلام. اما «فرادی» یعنی اطاعت ائمه علیهم السّلام که از ذریه آن دو هستند بعد از آن دو. ای یعقوب! نه به خدا قسم جز این را قصد نکرد. - . کنز الفوائد: ۲۴۹ -

**[ترجمه]

«۳»

فر، تفسیر فرات بن إبراهیم عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ وَ عُبَیْدِ بْنِ کَثِیرٍ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِیِّ بِإِسْنَادِهِمْ جَمِیعاً عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ (۷).

ص: ۳۹۱

۱- مناقب آل أبی طالب: ۳: ۳۱۴ و الآیه فی سوره سبأ: ۴۶.

۲- فی تفسیر فرات: ارتاب الناس و قالوا.

۳- فی تفسیر فرات: و قد بدئنا.

۴- فی المصدر: و تفسیر فرات: طاعه الامام.

۵- فی تفسیر فرات: من بعده.

۶- کنز جامع الفوائد: ۲۴۹.

۷- تفسیر فرات: ۱۲۷. رواه فی ثلاثه أحادیث و فی بعضها تلخیص. راجعه.

**[ترجمه]تفسیر فرات: عمر بن یزید از حضرت باقر و صادق علیهما السّلام همین روایت را نقل کرده است. - . تفسیر فرات: ١٢٧ -

**[ترجمه]

«۴»

كا، الكافى الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنِ الْوَشَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ (١) فَقَالَ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ عليه السلام هِيَ الْوَاحِدَةُ الَّتِى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ.

**[ترجمه]اصول كافى: ثمالى گفت: از حضرت باقر عليه السّلام درباره آيه «قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ» پرسيدم. فرمود: موعظه مى‌كنم شما را به ولايت على عليه السّلام كه آن همان يكى است كه خداوند فرمود: «إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ.» - . اصول كافى ١ : ۴٢٠ -

**[ترجمه]

بيان

قال البيضاوى قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أرشدكم و أنصح لكم بخصله واحده هى ما دل عليه أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ و هو القيام من مجلس رسول الله صلى الله عليه و آله أو الانتصاب فى الأمر خالصا لوجه الله تعالى معرضا عن المراء و التقليد مَثْنى وَ فُرادى متفرقين اثنين اثنين أو واحدا واحدا فإن الازدحام يشوش الخاطر و يخلط القول ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا فى أمر محمد صلى الله عليه و آله و ما جاء به لتعلموا حقيقته ما بِصاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ فتعلموا ما به من جنون يحمله على ذلك أو استئناف على أن ما عرفوا من رجاحه عقله (٢) كاف فى ترجيح صدقه فإنه لا يدعه أن يتصدى لادعاء أمر خطير و خطب عظيم من غير تحقق و وثوق ببرهان فيفتضح على رءوس الأشهاد و يسلم و يلقى نفسه إلى الهلاك كيف و قد انضم إليه معجزات كثيره.

و قيل ما استفهاميه و المعنى ثم تتفكروا أى شى ء به من آثار الجنون (٣) انتهى.

و أما التأويل الوارد فى تلك الأخبار فهى من متشابهات التأويلات التى لا يعلمها إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ و المراد بالواحده الخصله الواحده أو الطريقه الواحده للرد على من نسب إليه صلى الله عليه و آله أنه يأتى كل يوم بأمر غريب موهما أن الأمور التى يأتى بها متخالفه و قوله أَنْ تَقُومُوا بدل من الواحده و لعل قوله مَثْنى وَ فُرادى منصوبان بنزع الخافض أى تقوموا للإتيان بما هو مثنى

١- أصول الكافى ١: ٤٢٠.

٢- فى المصدر: او استئناف منه لهم على ان ما عرفوا من رجاحه كمال عقله.

٣- أنوار التنزيل ٢: ٢٩٤.

و فرادی أو صفتان لمصدر محذوف أی قیاما مثنی و فرادی بناء علی أن المراد بالقیام الطاعه و الاهتمام بها و الجنه هی التی کانوا ینسبونها إلی النبی صلی الله علیه و آله فی أمر علی علیه السلام فکانوا یقولون إنه مجنون فی محبته کما سیأتی فی سبب نزول قوله تعالی وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا إلی قوله وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ و علی ما فی روایه الکافی یحتمل أن یکون التفسیر بالولایه لبیان حاصل المعنی فإن هذه المبالغات إنما کانت لقبوله ما أرسل به و کانت العمده و الأصل فیها الولایه.

ص: ۳۹۳

**[ترجمه]بیضاوی گفته است: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکَمْ بِواحِدَهٍ» یعنی شما را راهنمایی و نصیحت می نمایم در مورد یک خصلت و آن این است که آیه «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» بر آن دلالت دارد و منظور حرکت از مجلس رسول خدا صلّی الله علیه و آله یا ثابت بودن در امر او با اخلاص برای خداست، در حالی که از جدال و تقلید اعراض می کنید. «مَثْنی وَ فُرادی» یعنی متفرق به تعداد دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر، زیرا ازدحام موجب تشویش خاطر و مخلوط شدن سخن می شود. «ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا» در امر محمّد آنچه که آورد تا حقیقت آن را بدانید. «ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّهٍ» - . سبأ / ۴۶ - {سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد.} پس بدانید جنون او را که او را وادار بر آن می‌کند، یا این سخن ارتباط به ماقبل ندارد، به این طور که آنچه را که از کامل بودن عقل او شناختید کافی است درترجیح صدق او، زیرا رها نمی‌کند او را که متصدی ادعای امر بزرگ و مطلب عظیمی بر خلاف واقع و بدون اعتماد به برهان بشود تا میان مردم رسوا گردد و تسلیم شود و خود را به هلاکت افکند. چگونه این طور نباشد در حالی که معجزات بسیار زیادی با او بود؟ و گفته شده «ما» استفهامی است و معنی این است که سپس فکر کردند که کدام یک از آثار جنون در او است. (پایان نقل قول) - . انوار التنزیل ۲ : ۲۹۴ -

و اما تأویلی که در این اخبار وارد شده، از متشابهات تأویلاتی است که جز خدا و راسخان در علم آن را نمی دانند. و مراد از «واحده» خصلت واحد یا روش واحد است. این برای رد کسانی است که به او نسبت دادند که هر روز چیز غریبی می آورد و اشاره به این است که اموری که می آورد، با هم اختلاف دارند. «أَنْ تَقُومُوا» بدل از «واحده» است و شاید سخن او «مَثْنی وَ فُرادی» منصوب به نزع خافض باشند، یعنی قیام کنید برای به جا آوردن آنچه که دو تا دو تا و به تنهایی است، یا دو صفت هستند برای مصدر محذوف یعنی قیام دو تا دو تا و به تنهایی، بنا بر اینکه منظور از قیام، اطاعت کردن و اهتمام به آن باشد. و «الجنّه» همان چیزی است که به پیامبر اکرم نسبت می دادند درباره امر علی که می‌گفتند او دیوانه عشق علی است، چنان چه خواهد آمد در سبب نزول آیه «وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا» تا «وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» - . قلم / ۵۱ -

{و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می گفتند او واقعا دیوانه ای است.} و بنا بر آنچه که در روایت کافی است، ممکن است تفسیر آیه به ولایت برای بیان حاصل معنی است، زیرا این مبالغه ها برای قبول کردن پیامبر است چیزهایی را که آورده است و عمده آنها و پایه اساسی در آن دستورات ولایت است.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

**[ترجمه]

کلمه المحقّق

بسمه تعالی إلی هنا انتهی الجزء الأوّل من المجلد السابع من کتاب بحار الأنوار فی جمل أحوال الأئمه الکرام علیهم الصلاه و السلام و هو الجزء الثالث و العشرون حسب تجزئتنا فقد بذلنا الجهد فی تصحیحه و تطبیقه علی النسخه المصححه بید الخبیر الشیخ عبد الرحیم الربانی المحترم، و اللّه ولی التوفیق.

رمضان المبارک ۱۳۸۵- محمد باقر البهبودی

**[ترجمه]ص: ۳۹۴

**[ترجمه]

مراجع التصحيح و التخريج

بسم اللّه الرحمن الرحيم و الحمد للّه ربّ العالمين، و الصلاه و السلام على سيّدنا محمّد خير المرسلين و على آله الطيّبين الطاهرين المعصومين و اللعنه على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

فقد وفّقنا اللّه تعالى- و له الشكر و المنّه- لتصحيح هذا المجلّد- و هو المجلد الثالث و العشرون حسب تجزئتنا- و تنميقه و تحقيق نصوصه و أسانيده و مراجعه مصادره و مآخذه، مزداناً بتعاليق مختصره لا غنى عنها و كان مرجعنا فى المقابله و التصحيح مضافاً إلى أصول الكتاب و مصادره نسختين من الكتاب: أحدهما النسخه المطبوعه المشهوره بطبعه أمين الضرب، و ثانيها نسخه مخطوطه تفضّل بها الفاضل المعظّم السيّد جلال الأمورىّ الشهير بالمحدّث.

و كان مرجعنا فى تخريج أحاديثه و تعاليقه كتباً أوعزنا إليها فى المجلّدات السابقه، و الحمد للّه أوّلا و آخرا.

۱۰ شهر رمضان: ۱۳۸۵

قم المشرفه- عبد الرحيم الربانىّ الشيرازىّ عفى عنه و عن والديه

ص: ۳۹۵

**[ترجمه]ص: ۳۹۵

**[ترجمه]

فهرست ما فی هذا الجزء من الأبواب

عناوین الأبواب/ رقم الصفحه

«۸»

باب أن آل یس آل محمد صلی الله علیه و آله ۱۷۱- ۱۶۷

«۹»

باب أنهم علیهم السلام الذکر و أهل الذکر و أنهم المسئولون و أنه فرض علی شیعتهم المسأله و لم یفرض علیهم الجواب ۱۸۸- ۱۷۲

ص: ۳۹۶

**[ترجمه]ص: ۳۹۶

ص: ۳۹۷

ص: ۳۹۸

**[ترجمه]

تعریف مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم
هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
الزمر: ۹

المقدمة:
تأسّس مركز القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان بإشراف آية الله الحاج السيد حسن فقيه الإمامى عام ۱۴۲۶ الهجرى فى المجالات الدينية والثقافية والعلمية معتمداً على النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائيين والمثقفين فى الجامعات والحوزات العلمية.

إجراءات المؤسسة:
نظراً لقلة المراكز القائمة بتوفير المصادر فى العلوم الإسلامية وتبعثرها فى أنحاء البلاد وصعوبة الحصول على مصادرها أحياناً، تهدف مؤسسة القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان إلى التوفير الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلى الباحثين فى العلوم الإسلامية وتقدم المؤسسة مجاناً مجموعة الكترونية من الكتب والمقالات العلمية والدراسات المفيدة وهى منظمة فى برامج إلكترونية وجاهزة فى مختلف اللغات عرضاً للباحثين والمثقفين والراغبين فيها.
وتحاول المؤسسة تقديم الخدمة معتمدة على النظرة العلمية البحتة البعيدة من التعصبات الشخصية والاجتماعية والسياسية والقومية وعلى أساس خطة تنوى تنظيم الأعمال والمنشورات الصادرة من جميع مراكز الشيعة.

الأهداف:
نشر الثقافة الإسلامية وتعاليم القرآن وآل بيت النبىّ عليهم السلام
تحفيز الناس خصوصا الشباب على دراسة أدقّ فى المسائل الدينية
تنزيل البرامج المفيدة فى الهواتف والحاسوبات واللابتوب
الخدمة للباحثين والمحققين فى الحوازت العلمية والجامعات
توسيع عام لفكرة المطالعة
تهميد الأرضية لتحريض المنشورات والكتّاب على تقديم آثارهم لتنظيمها فى ملفات الكترونية

السياسات:
مراعاة القوانين والعمل حسب المعايير القانونية
إنشاء العلاقات المترابطة مع المراكز المرتبطة
الاجتنباب عن الروتينية وتكرار المحاولات السابقة
العرض العلمى البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ فی نشر المعلومات

من الواضح أن يتحمل المؤلف مسؤولية العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الكتب والملزمات والدوريات

إقامة المسابقات فی مطالعة الكتب

إقامة المعارض الالكترونية: المعارض الثلاثية الأبعاد، أفلام بانوراما فی الأمكنة الدينية والسياحية

إنتاج الأفلام الكرتونية والألعاب الكمبيوترية

افتتاح موقع القائمية الانترنتی بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافية وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمی لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدينية والأخلاقية والاعتقادية والردّ عليها

تصميم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ويب كيوسك kiosk، الرسالة القصيرة ((sms

إقامة الدورات التعليمية الالكترونية لعموم الناس

إقامة الدورات الالكترونية لتدريب المعلمين

إنتاج آلاف برامج فی البحث والدراسة وتطبيقها فی أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ويمكن تحميلها على ٨ أنظمة؛

١.JAVA

٢.ANDROID

٣.EPUB

٤.CHM

٥.PDF

٦.HTML

٧.CHM

٨.GHB

إعداد ۴ الأسواق الإلكترونية للكتاب على موقع القائمية ويمكن تحميلها على الأنظمة التالية

١.ANDROID

٢.IOS

٣.WINDOWS PHONE

٤.WINDOWS

وتقدّم مجاناً فی الموقع بثلاث اللغات منها العربية والانجليزية والفارسية

الكلمة الأخيرة

نتقدم بكلمة الشكر والتقدير إلى مكاتب مراجع التقليد منظمات والمراكز، المنشورات، المؤسسات، الكتّاب وكل من قدّم لنا المساعدة فی تحقيق أهدافنا وعرض المعلومات علينا.

عنوان المكتب المركزی

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آباده ای، زقاق الشهيد محمد حسن التوكلی، الرقم ١٢٩، الطبقة الأولی.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البريد الالكترونی : Info@ghbook.ir

هاتف المكتب المركزی ٠٣١٣۴۴٩٠١٢۵

هاتف المكتب فی طهران ٨٨٣١٨٧٢٢ ـ ٠٢١

قسم البيع ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩شؤون المستخدمين ٠٩١٣٢٠٠٠١٠٩.



مركز
القائمية
اصبهان
للبحوث والتحريات الكمبيوترية
www
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المـركز من فضلـكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاء من فضلكم
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹